

تاریخ  
روز شنبه ۱۳۰۳

I

اگر کسی خدا دیده بود که حقش کین  
فقی اگر هم ایله می لطیف بزرگ سوری  
دفعی برف ایچدی شالار لوسون  
کویلیا پیغیزه پینیه دو شکله سوری

کافان نام قریب بیه نوزله والی ایچدی ان لغت  
نظم بیه رب بائنه با بیه  
اروت لاج اولدو فطیحه ارک  
فطرا رتته نظر اولدو

والی اولدو ایچدی ایچدی ایچدی  
ایچدی ایچدی ایچدی ایچدی  
ایچدی ایچدی ایچدی ایچدی  
ایچدی ایچدی ایچدی ایچدی

کافان ایچدی ایچدی ایچدی  
کافان ایچدی ایچدی ایچدی  
کافان ایچدی ایچدی ایچدی  
کافان ایچدی ایچدی ایچدی

ایچدی ایچدی ایچدی ایچدی  
ایچدی ایچدی ایچدی ایچدی  
ایچدی ایچدی ایچدی ایچدی  
ایچدی ایچدی ایچدی ایچدی

کافان ایچدی ایچدی ایچدی  
کافان ایچدی ایچدی ایچدی  
کافان ایچدی ایچدی ایچدی  
کافان ایچدی ایچدی ایچدی

ایچدی ایچدی ایچدی ایچدی  
ایچدی ایچدی ایچدی ایچدی  
ایچدی ایچدی ایچدی ایچدی  
ایچدی ایچدی ایچدی ایچدی

کافان ایچدی ایچدی ایچدی  
کافان ایچدی ایچدی ایچدی  
کافان ایچدی ایچدی ایچدی  
کافان ایچدی ایچدی ایچدی

Mikrofilm Arçiv  
No. 2773







اول طفیان میردیس غلجائی و مقدمه قندهار بود ۶ وقعه شورش افغانه ابدالی و سالیه  
 هرات ۴ دیگر وقعه شورش ترکمانیه صابین خان استرابلوی ۶ دیگر وقعه شورش لذکیه  
 طاغستان ۶ دیگر وقعه نمره طفیان ملک محمود سیستانی ۶ داستان میرعمود غلجائی  
 و آمدن او با صفهان و کرمان ۸ داستان تسلط محمود غلجائی با صفهان در ابتدای سال پرا  
 ختلان توشقان ییل ۱۰ دیگر وقعه غلبه روسیه بر اراکلیون ۱۴ و دیگر استیلای  
 رومیته است بر ممالک آذربایجان ۱۶ در بیان محاربه پاشایان روم با اشرف خان  
 افغان و خاتمه کار خاقان شاه حسین سلطان ۲۰ **کفتار در بیان چند نفری که در ایام  
 فترت ایران بازغای شهزادگی اظهار خود سری کرده اند ۲۶** و دیگر سید احمد نواده مرزا د  
 اود مستولی مشهور مقدس است ۲۲ و دیگر محمد علی نام زنجانی کرانی مشهور و بصفی مرزا  
 نانی است ۲۴ و دیگر سید حسین نام قلندر بود ۲۴ و دیگر شخصی در سمت شمشیر و مینا  
 ۲۵ و دیگر زینل نام قلندر است ۲۵ **کفتار در بیان مولانا در شاه ۲۷** کفتار در بیان آغاز  
 کار نادر کامکار بحکمت جناب آفرید کار ۲۸ در بیان توجه موبک فیروزی کوبک مقدس  
 بجانب روض اقدس ۳۱ در بیان آغاز محاربه جناب نادری با ملک محمود سیستانی ۳۲  
 تسخیر نیکی قلعه و باقی قلون ایسور دیزور بازوی ظفر پرورد ۳۴ در بیان آمدن رضا  
 قلیخان از دن بادشاهی با مر سرداری خراسان و خاتمه کار او ۳۸ در بیان سرداری  
 محمد خان ترکان و سلطنت ملک محمود و محاربت جناب نادری ۴۱ در بیان مقدمات  
 الگای سرفس ۴۷ در بیان محاصره قورغان و تنبیه قاتاریه مرود وقایع آن  
 زمان ۴۷ در بیان توجه حضرت شاه طهماسب بقوم محاربه با ملک محمود بجانب  
 خبوشان و ورود جناب نادری بموبک شاهی و وقایع آن زمان ۵۰ در بیان  
 تسخیر ارض فیض نشان بعنایت قادر سبحان ۵۴ در بیان توجه جناب نادری  
 بجانب خبوشان و صادرات آن ایام فرضه نشان ۵۶ در ذکر وقایع قوی ییل  
 ترکی مطابق سال هایون فال هزار و صدوسی و نه هجری و نوروز فیروزان سال  
 ۱۱۴۹ **۶۱** در بیان کشته شدن ملک محمود و ملک اسحاق پاشاده قهرمان آفاق  
 ۶۲ در بیان نهضت موبک جهانگشا بحدود قاین و تنبیه حسین سلطان و کیفیت  
 جنگ

جنگ محل سکنان ۶۴ در بیان وقایع بیچین ییل موافق سال فرضه فال هزار و صد و هجده هجری  
 و نوروز فیروزان سال ۶۶ در بیان کیفیت محاربت ابراهیم خان با کراود ترکان در محل موسوم بکرمه  
 خان برین کوفه است ۷۰ در بیان شورش استر آباد و حرکت دیات نادری بآن حدود و مقتول شدن  
 ذوالفقار خان بتبع قهر قهرمان زمان ۷۲ در ذکر وقایع تخاقوی ییل سال سعادت اشتمال هزار  
 و صد و هجده هجری و نوروز فیروزان سال ۷۴ در بیان تنبیه احوال افغان ابدالی و مقدمات  
 استیلای ایشان ۷۴ کفتار در بیان حرکت اشرف غلجائی از صفهان بعزم تسخیر خراسان و کیفیت  
 محاربه مهمان دوست و انهرزام اوست ۸۰ در بیان امور چندی که در آنحال بوقوع انجامید ۸۴ در بیان  
 محاربه سر دره خاد و کسر دیات شوکت افغانی بحکمت سبحانی در مرتبه ثانی ۸۴ در جلوه کرمی اشهاب  
 خامه غنبرین سیم در میدان بیان جنگ مورچه خورت و مغلوب شدن افغانه در مرتبه سیم ۸۶  
 در بیان تسخیر دار السلطنه صفهان و ورود موبک ظفر نشان بآن شهر نذت بنیان ۸۹ در  
 بیان توجه دیات هایون بجانب شیراز و کیفیت محاربه زرغان و انهرزام افغان و تسخیر آن ملک  
 نذت نشان ۹۱ در بیان وقایع ایل موافق سال فرضه فال هزار و صد و هجده هجری  
 و نوروز فیروزان سال ۹۵ در بیان آغاز محاربه خدیو سر بلند بارومیته و استیلای نهادند ۹۸  
 در بیان استیلای همدان و کرمان شاهان بحکمت جناب سبحان ۹۸ در بیان نهضت موبک  
 ضبط آمین بجانب تبریز عشرت انگیز و وصول خبر قتل اشرف غلجائی ۱۰۲ در بیان محاربه نادر  
 بادومیته و استیلای دمدم و مراغه و تبریز بکشتهای دج غنبر ۱۰۵ صورت فتوای شریفه  
 ۱۰۸ صورت فتوای دیگر ۱۰۸ در بیان آمدن افغانه هرات بر سر ارض اقدس و شکست  
 یافتن ابراهیم خان ۱۱۰ در بیان انصراف موبک خسران نشان از آذربایجان بجانب خراسان  
 سان بعزم تنبیه افغان ۱۱۵ شرح فرمانی که با الله یار خان افغان در باب عفو تقصیرت  
 ابراهیم خان قلمی گردید ۱۱۷ در بیان ورود کوبک مسعود بمشهر مقدس و صادرات ایام  
 توقف ارض اقدس ۱۱۸ وقایع ایام مسرت انجام سوزا در واج فاطمه سلطان به شهزاده  
 رضا قلمی مرزا ۱۲۰ وقایعی که بعد از سوز نظر آور آمده است ۱۲۲ در رایت افزای قلم  
 فخته رقم در مضمار وقایع تکوزیل موافق هزار و صد و هجده هجری و حرکت موبک  
 فیروزی بیانات بجانب هرات و نوروز فیروزان سال ۱۲۴ در بیان مقدمات دارالرفاه فراه  
 و کیفیت محصوری آن ۱۲۹ در بیان تفویض ایالت با الله یار خان ۱۳۱ در بیان سرکشی

و در ۲۴



دطفیان و محاربه الله یارخان باطرها سبقلینخان ۱۲۲ در بیان جنگ سمت کبوترخان دو  
قوع فتح نمایان بتقدیر ایزد سبحان ۱۲۴ در بیان تصرف کردن افاغنه قلعه اوبه راه ۱۲۵ در بیان  
تسخیر دارالسلطنه هرات و انجام کار افاغنه ۱۲۶ در بیان تتمه وقایع فراه و کیفیت  
تسخیرات قلعه حکمت حضرت الله ۱۲۷ در بیان رفتن شاه طرهما سب بر سر قلعه روان  
و بی نیل مقصود و مرام بازگشتن آن ۱۲۹ سرعکرا محمد پاشا به ارسال اولخان فرمان  
جلیل العنوان صورتی در ۱۴۵ جس و توقیف رومیان ایلیچیان عم ۱۴۷ مستخرگشتن  
حصن اوری ۱۴۸ و قوع ضبط دارالملک آذربایجان تبریز ۱۵۱ تقریر میسر شدن ضبط حموز  
۱۵۲ و عبرت انگیز حیرت آمیز وقایع قدر ۱۵۲ در بیان مصالحت شاه طرهما سب با انای  
دولت عثمانی و فتح آن نادر غادر حکمت سبحانی ۱۵۵ بیان عقد جمع مشورت در پیش  
بادکاه سلطان محمود خان و الراجاه ۱۵۶ شرح فرمان طرهما سب قلیخان که بولویات  
ایران نکاشته کلاک دیران بلاغت نشان کردید بمسوده مورخ مهدی خان ۱۵۸ در بیان  
وقایع سچقان بیل مطابق سال میمنت اشمال هزار و صد و پنجاه و چهار هجری و نوروز  
فیروز این سال خلخال هابون فال ۱۶۲ در بیان نهضت موکب آفتاب اشراق بجانب عراق  
بحکمت مالک الملک ۱۶۲ در بیان ورود موکب والا باصفهان و خلع خلعت از شاه  
طرهما سب و تفویض پادشاهی بشاهزاده عباس مرزا اولاد ۱۶۴ عقد مجلس مشورت  
در حضور هابون سلطان محمود خان در قهر طرهما سب قلیخان و کین شاه بی آگاه ۱۶۷ در بیان  
توجه موکب نادر دکیل شاه بجانب بغداد و کونکون و صادرات آن زمان فحشه بنیاد ۱۶۹  
عزیمت سرعکرا عثمان پاشا بجانب بغداد و هذیمت نادر شاه صلوات بنیاد ۱۷۷ صورت  
قائم ۱۸۰ و صف هذیمت و فرار اعجاز صادرات انجام ۱۸۱ تخریب قلعه تبریز و وقایع آن  
اولان حیرت بنیان ۱۸۲ در بیان نهضت رایات نادری مرتبه ثانی بجانب روم بعزم استقامت  
و قضایای آن ایام و رفتن موکب والا بجانب کونکون ۱۸۵ در بیان عصیان محمود خان بلوچ  
۱۸۵ در بیان آمدن طرپال عثمان پاشای سرعکرا بمقابله جناب نادری و قوع محاربه  
و شهید شدن سرعکرا مشارالیه ۱۸۸ و رود خبر طغیان محمد خان بلوچ ۱۹۰ در بیان توجه موکب  
نادر غادر به جانب فارس بعزم دفع محمد خان بلوچ و شکست محمد و وقایع آن زمان عبرت بنیان  
۱۹۱ در ذکر وقایع پارس بیل مواضع فرزند فال هزار و صد و پنجاه و شش هجری و نوروز فیروز

۱۱۴۷

این سال هابون فال تخلی ۱۹۴ در بیان حرکت موکب هابون از اصفهان بعزم تسخیر شیروان  
و وصول خبر کفندی شیخ احمد مدنی و محمد بلوچ و وقایع عرض راه ۱۹۶ در بیان تسخیر شیروان و غازی  
قنوق و تنبیه لذکیه طاغستان و فرار نمودن سرخای ۱۹۷ در بیان توجه موکب نادری بجانب  
کنجه و محاصره قلعه کنجه و وقایع آن ایام ۲۰۱ گفتار در بیان ذکر سرکشان لذکیه جاد و تنده  
و باقی صادرات امور آن ایام توقف کنجه ۲۰۴ در ذکر وقایع سال فرزند مأل هزار و صد  
و پنجاه و هفت هجری ۲۰۵ صورت تمکک مزبور ۲۰۶ در بیان نهضت موکب نادری به  
جانب قادص و بعزم تنبیه عبدالله پاشای سرعکرا و قوع محاربه در ضلع قلعه روان  
و مقتول شدن سرعکرا ۲۰۷ در بیان تسخیرات قلعه جات کنجه و تفلیس و روان و  
قایع آن اولان حیرت نشان و دهشت نشان ۲۱۲ در بیان حرکت موکب میمون از قاص  
بجانب تفلیس و در بند و انتظام مهمام کرجستان و تنبیه اشرا طراغستان ۲۱۵ تفصیل  
خبرخان قریم تا نادر خان و بیان کیفیت عزیمت و عودتش از جانب طاغستان ۲۱۸  
در بیان ورود موکب نامسعود بمغان و طرح بنای سلطنت در آن موضع میمنت نشان  
۲۲۱ در انجمن سازی و محفل آرای شرح جلوس خدیو عالم و نشر رواج و وقایع آن  
اولان بنور فیلده عبر قلم فحشه شیم و بخره کردانی دوات مشکین رقم ۲۲۷ و وصول ایلیچی  
ایران با سلوبول و دعوت افندیان و قوع مکالمه و مصالحه ۲۴۰ دولت علیه عثمانیه  
طرفین مسعود و زیر مکرر مصطفی پاشا اینه کوندر برون عهدنامه هابونک ابمالید ۲۴۲  
در بهار آرای قلم فحشه رقم و باظهار ازهار ریاحین و وقایع بهجت قرین نهضت بیل  
مطابق سال سعادت اشمال هزار و صد و پنجاه و هشت هجری ۲۴۵ و مستوت افذا  
اولان اضبار دندر ۲۴۶ در بیان توجه موکب جناب نادری بجانب کوهستان ات  
بختیاری بحکمت حضرت باری ۲۴۸ در بیان توجه افواج قاهره بصوب بلوچستان و  
نهضت موکب فیروزی شمار بجانب دارالقرارد قندهار ۲۴۰ در بیان وقایع ایلون بیل  
مطابق سال هزار و صد و پنجاه و ننه هجری ۱۱۴۹ سال مزبوره شب پنجشنبه نوزدهم ۲۴۲  
در بیان احوال بلوچستان و مال کاد سرداران و سرکردگان ۲۴۵ در بیان تسخیر اتم  
ایلو بلخ و وصول عمر بدخواهان از غرق بلخ ۲۴۶ و قعه زمین داور ۲۴۹ در ذکر  
وقایع یونت بیل موافق سال سعادت اشمال میمنت احوال ۲۵۲ در بیان ورود



ایلیچان پادشاه کندرجه دوم با اتفاق سفرای نادرشاه بی انتباه ۲۵۶ کفتاد در بیان  
توجه موکب نادرشاه بجانب هندوستان و تسخیر غزنین و کابل حکمت خالو جزاؤ کل  
جمل شانہ ۲۵۸ در بیان ورود شہزادہ رضاقلی مرزاد در منزل سفلی بدرکاه معلی  
و سرافرازی یافتن با فرسلطنت نیابت دارالملک ایران ۲۶۴ در بیان توقہ  
موکب والا بعزم تنبیه ناصرخان و تسخیر پیشاد ۲۶۵ ذکر وقعہ ہائکہ ملول انزا ۲۶۶  
در بیان وقوع جنگ سلطانی فیما بین اعلی حضرت خدیو کیتی ستان و حضرت  
محمد پادشاه هندوستان و کیفیت تسخیرشاه بہمان آباد و وقایع آن ایام بہجت بنیاد ۲۶۸  
در ذکر وقایع قوی ییل ہزار و صد و پنجاہ و یک ہجری <sup>۱۱۵۷</sup> قتل عام در بہمان آباد ۲۷۵  
وقایع ایام مسرت انجام سوزا در دواج دختر سعداخر محمد پادشاه والا جہا بہ شہزادہ  
نصراللہ مرزا ۲۷۷ ورود ایلیچی ایران باستانہ سعادت ۲۸۲ مرور ایلیچی ایران  
بجانب ابویوب انصاری علیہ رضوان الملک الباری ۲۸۴ آمدن ایلیچی خان بسرای  
صدر اعظمی ۲۸۴ آمدن ایلیچی خان بدیوان سلطان محمود خان اسکندر عنوان ۲۸۴  
ایلیچی موی الہلک کتوردیکی ہدایای شاہینک دفتر برکہ عینیدہ بو محک کتب  
و تحریر اولدی ۲۸۶ ضیافت صدر اعظمی با ایلیچی ایران در سعد آباد ۲۸۸ ضیافت  
قبوران پاشا با ایلیچی ایران در ساہلخانہ بہاریتہ ۲۹۰ ضیافت آغاز یکجریان درکاہ  
عالی ۲۹۲ مأموریت منیف افندی بجانب ایران ۲۹۲ تسلیم نامہ ہایون با ایلیچی ایران  
در دیوان ہایون ۲۹۴ ضیافت صدر اعظمی با ایلیچی ایران در بہاریتہ ۲۹۴ عودت  
ایلیچی ایران ۲۹۵ توجیہ ایالت اناطولی بوزیر مکرم نعمان پاشا ۲۹۵ وقوع مشاورہ  
در سرای صدر اعظم ۲۹۶ ورود عریضہ بعقبہ نادرشاه از جانب شہزادہ وکیل رضا  
قولی مرزا ۲۹۶ در بیان حرکت موکب شاہ <sup>۱۱۵۸</sup> عجاہ بجانب سندو کرفتاری خدایار خان  
عیتاسی و وقایع آن زمان عبرت نشان ۲۹۸ صورت نامہ اینست ۲۰۰ در ذکر  
وقایع پچین ییل مطابق سال ہزار و صد و پنجاہ دوی ہجری <sup>۱۱۵۹</sup> ۲۰۲ در بیان انصراف  
موکب نادرشاه بجانب توران و عزیمت بخارا و سایر ممالک ترکستان و تسخیران  
کشوری پایان ۲۰۴ در بیان توجہ موکب اخبث و اجزم بہمت خوارزم و تسخیران دیار  
بزور بازوی عزم ۲۰۹ در بیان حرکت رایت کیتی ستان از شہر بجانب طاغستان ۲۱۶

حیرت افزا اولان و قایعدند ۲۱۸ ورود مکتوب باستانہ علیہ عثمانیہ از جانب سفیر  
ایران منیف افندی ۲۲۲ آمدن منیف مصطفی افندی و وقوع مشاورہ در حضور صدر  
اعظمی ۲۲۴ نادرشاهک زیر طبطنہ اولان ممالک حکام و نوآینہ اصحاب مہرانیہ  
ست و رفضی ترع الملک با بنس ارسال ایلدوکی فرمان مطاعلک قصتہ و ترجمہ سیدر  
۲۲۵ در ذکر وقایع ایت ایل مطابق سال ہزار و صد و پنجاہ و پنج ہجری و نوروز فیروز  
این سال <sup>۱۱۶۰</sup> ۲۲۶ در بیان سوانخ بلخ و ظهور درویش فادانڈیش در آن مملکت  
بادعای سلطنت و مال کار او ۲۲۸ در وقایع طکوزیل موافقہ سال ہزار و صد  
و پنجاہ و شش ہجری <sup>۱۱۶۱</sup> ۲۲۰ در کشودن برہم اعلام آفتاب مائل بعزم تسخیر موصل  
و وقایع آن زمان ۲۲۲ شرح و شیقہ ۲۲۴ عقیدہ علمای اهل ایران ۲۲۶ ترجمہ  
عقیدہ علمای عراق ۲۲۷ ترجمہ عقیدہ علمای بلخ و بخارا ۲۲۷ در بیان انصراف موکب  
نادر از خف بجانب آذربایجان ۲۲۷ در بیان انقلاب او ضاع در بند و شیروان و توقہ  
موکب شہزادہ با عزت نشان نصراللہ مرزا بعزم تکین فتنہ آندیار ۲۲۸ در بیان طفیان  
تقی خان شیرازی بکلر یکی فارس و مال کار او ۲۲۹ در بیان شورش استرآباد و نہشت  
موکب نصرت نشان بجانب آذربایجان ۲۴۰ وقایع سنہ ہزار و صد و پنجاہ و ہفت <sup>۱۱۵۷</sup>  
توجیہ سرعکری جانب قارص بصدر سابو و وزیر مکرم احمد پاشا ۲۴۱ مأموریت  
کسریہ لو احمد افندی بجانب قارص ۲۴۱ مأموریت او زترہای یکجریان و جبہ بی  
و طوبجیان بجانب قارص ۲۴۱ ورود دشمن بجانب قارص و وقوع محاربات عبیدہ  
و انجام کار ضران شمار او ۲۴۲ <sup>۱۱۶۲</sup> ظهور غریبہ ۲۵۱ مأموریت چتہ بی عبداللہ پاشا والی  
دیار بکر و خان اردلان احمد خان بمعیت او برای تاخت و تاراج دیار بکر ۲۵۲ در بیان وقایع  
او دیل مطابق سال ہزار و صد و پنجاہ و ہشت ہجری <sup>۱۱۶۳</sup> مأموریت عسکر قاناتار در معیت  
سرعکری جانب قارص و مرور ایشان از حوالی استانبول با سکار ۲۵۵ در بیان محاربتہ  
یکن محمد پاشای سرعکر دوم و مال کار سرعکر مرقوم ۲۵۷ بیان کیفیت دشمن مکار یعنی نادر صید  
کار ۲۵۹ رفتن سفیر ایران باستانہ سعادت عنوان ۲۶۰ رخ سودن سفیر ایران بہ پایہ  
سریر اعلام و تسلیم نامہ خود ۲۶۰ وقوع مشاورہ عموم در سرای حضرت آصفی برای احوال  
ایران و مقدمہ صلح و صلح ۲۶۰ صورت خط ہایون کرامت مقرون ۲۶۰ صورت ترجمہ



نامه شاه ایران ۲۶۱ شاه مشاء الیهک درون نامه یه وضع اتیدوکی قائمه نیک ترجمه صورتیدر  
۲۶۱ صدر اعظم مظفر نیک حضور نیک ایران ایلیچی فتح علی خان ترکانک تقریری صورتیدر  
۲۶۲ تتمه مقاله مشاوه ۲۶۲ فتح علی بک ترکانه تسلیم اولنان نامه هایونک منتخب  
صورتیدر ۲۶۵ وقایع سنه تسع و خمین ومائة والف ۲۶۷ در بیان کیفیت صلح و صلاح  
خیر انجام بشاه ایران ۲۶۷ احسان وزارت بروز ناچمه اول کسریه وی الحاج احمد افندی  
برای سفارت جانب ایران ۲۶۹ وصول سفیر ایران نظیف مصطفی افندی باستانه سعادت  
باتمام خدمت سفارت وتکمیل مصلحت مالمت ۲۷۱ صورت فخط کرامت نقطه  
۲۷۱ طرف زاهر الشرف دولت علیه دن دولت نادریه یه اعطا اولنان تمکک صورت  
صورتیدر ۲۷۲ صورت عقد مصالحه وشروط صلح که در زمان سلطان مرادخان رابع  
شده است ۲۷۵ ایران جانبندن مرضص معیرخان مهربه مهر اولوب طرف دولت علیه یه  
تسلیم اولنان اساس صلح و صلاح تمکک صورتینک ترجمه سیدر ۲۷۵ صورت تقریر  
موی الیه نظیف افندی که در کیفیت سفارت و خصوصیت و مأموریت او چه گونه صورت  
پذیرد نتیجه کیر شد برای ایضاح حال بشاشت مال درین جرید و وقایع نوشت است ۲۷۸  
دردرک هدایای همایون حضرت شهر یادی که برای جانب ایران مرتب فرموده اند و در سرای  
حضرت آصفی نقل و منظور و تخمین و مهر شد ۲۸۶ صورت دفتر هدایای همایون ۲۸۶  
احوال غریبه شاهزاده میرزا صافی و میرزا اسم از خانان انجم ۲۸۹ وقوع مبادله سفرای  
ایران در رأس حدود و کیفیت عزیمت ایشان ۲۹۰ در بیان تغیر اوضاع نادر شاه و اختلالی  
و اختلال و مخاصمات و جدال در ممالک ایران ۲۹۱ در بیان وقایع حکمران ایران نادر شاه  
و احوال خسرا نال او ۲۹۴ اتفاق غریبه ۲۹۶ در بیان سلطنت عاقلخان و ابراهیم خان  
و خاتمه کار ایشان ۲۹۸ حال شاه ایران علی شاهک نامه یی ترجمه یی صورتیدر ۳۰۰  
مقام سعادت عظمی یه علی شاهک برادری واعتماد الدوله یی مقامن اولان ابراهیم میرزا  
خانن سفیر موی الیه و ساطیه کلون مکتوبک ترجمه یی صورتیدر ۳۰۲ عودت سفیر ایران  
محمد عبدالکیم خان بجانب ایران ۳۰۲ در بیان بعض حوادث و اخبار و احوال و آثار ممالک ایران  
۳۰۴ صورت قائمه ایلیچی خان بجانب دولت علیه فرستاده بلود ۳۱۰ ساخه ۳۱۱ دردردر حوا  
حوادث غریبه ایرانیان و احوال عجیبه ما جرای شاهان ایشان ۳۱۲ حوادث ایرانیه که

درسنه اربع و ستین ومائة والف ظهور یافته شد ۳۱۷ استرداد هدایای همایون از بغداد  
باستانه سعادت ۳۲۰ حوادث ایرانست که بعد از وقایع مذکوره ظهور یافته است ۳۲۱  
تتمه دردردر حوادث ایرانیه و عودت سفیر ایران مصطفی خان وشاهزاده حسین میرزا  
وساخر خانان از بغداد بجانب ایران و کیفیت هدایای شاهی ۳۲۵ خاتمه



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

حامد الله ومصلياً على رسول الله وعلى آله والاصحاب الى يوم المحشر والحساب **ما بعد**  
خير خواه دولت سرسبز آصف نظير ما داعی اقبال یعنی حاجبی عبد فقیر ما اسبغ الله نوره عليه  
ما وغفرله ولوالديه ما ابتداء زمان جوانی ما در بیان هنگام کامرانی در الی الآن کتاب فضائل  
ایله تشیر ساق اجتهاد ایدوب و ما عند الله افضل من علم و افضل العباد العلماء فحواشی  
اوزره علم و معرفته و غنیمت زیاده اولوب لیل و نهار یار غارم کتاب و انیس و جلیسم فصل و باب  
اولفله ما ناکاه و الخی بلدن مزد الخی قارص ما پاشای قدر آشنای زمان ما امین امنای آل عثمان  
ما قائل اهل الشکر و الطغیان ما معین الضعفاء و المساکین ما خادم الفرات و الجاهلین  
ما آصف تدبیر دؤران ما فیلسوف کامل کیهان ما محمد پاشا بن یعقوب پاشا سره الله تعالی  
بالخیر ما یرید و پاشا طرفیزی که بو عصرده وجود شریفی سدیاجوج قسنه ایدوکی اظهر من الشمس  
و این من الامس در رأی و تدبیر ایله زیر ضبطن اولون بلده و نواهی سنی بر درجه به  
التمشدر که لان ایله تبیر و قلم ایله تحریر اولنماز و پنجه میشد الارکان و تمهد البنیان و زرا  
عظام عاجز اولدقاری امور شاقه یی اسهیل طریقه حصوله کتوردکی قریب العهد اولینی  
جهتن اصلو مبالغه اولیوب عالیانک معلومیدرس مشارالیه طرفیزی طرفند ما موریتیم  
بناد لسان فارسی اوزره واقع اولون تاریخ نادر شاهک لباس دری سن قبای زر  
کش روی به مبدل و سیمط نظن طرز رومه محول قلوب نزهیقت ایله ترجمه و تصویره  
جرادت و بعونه تعالی تحریره مباشرت اولنوب سایه هایتن و سیده راحت و ظل امامته  
واسطه امنیت اولنوب امنیه سیله شروع اولندی و بالله التوفیق **مسود** تاریخ نادر شاه  
مهدی عم استرآبادی بوکونه بسط مأل و تمهید مقال ایله کیم اولوالابصار ذوی الایه  
الاعتبار قاسن و واضح و هویرادرکه بو عالم کون و فادده سابقه و لاحقده ظهوره کلون  
دولتدرکه اقبال و ادباری و عمرزینک مدت امتدادی و اقتضاری و ظهور و زواله مقدم  
و مؤخر اولدقاری همان افراد اولاد آدمک و ولادت و فوتنه و سنین عمرینک قلت و کثرتنه مشابه  
خدای

خدای متعالک ارادت علیه و تقدیر ازلیه سنه منوط و مربوطدر و اوضاع جهان ایسه هر  
باد منقلب و پریشان و ستم پیسته درک مرادی اوزره دؤران ایدر وقتاکه اقتضای مشیت  
دبائی و مقتضای ارادت صمدانی بر امت و جماعتی و یا بر قوم و یا بر شخصی بر مراد ایله هر  
کامیاب و بر خیر ایله ممتاز و سرفراز قلمغه تعلق ایله اول مراد که کتم عدمن خروجنه  
و اول خیر که منقده وجودده ظهورینه باعث و بادی اولون اسبابی کمال عنایتندن  
خلو ایدوب قولدینک منافی ایچون حاضر و مهیا قلمق و صاحب قران و قهرمانی ذات  
و مراع مراهیده ستم دیدر که جراحت قولدینک التیام و زهر حوادثه تلخ کاملرک تمنای  
مواقفدرکه شهید عدالتله شیرین مشام ایتکیچون ارسال و ابغاث ایدلرک محضاکند و فیض  
فضلندن عادت سبحانی جاری اولمشدر **بو قولی** محقو و بومد عالی مصلحت حضرت مبارک  
حال : هابیون فال : اسکندر حشمتو : و ادا شوکتو : غضنفر جراتو : بلنک مها  
بتلو : سلطان الاکرم : و خاقان الاعظم : شاهنشاه دؤران : تاج بخش ملوک ممالک  
هند و طوران : خسرو نادر : مظهر لطف پروردگار : ابوالسیف السلطان نادر شاه  
انشار حضرتینک کوه ذاتنی عنایت ازلی و مشیت لم یزلی بمقتضای حکمت بالفه نهانخانه هر  
پنجه لطف عیلم و فیض جزیل ایله پرورده ایددی اول هنگامه درکه که ایران زمینی مظلومدقائینه  
آلوده و عرصه دورانده هر بریر امر کردن فراز و صاحب لوا اولدی نتم شاعر دیمش **نظم** ز جوهر ظلم  
کار اهل ایران بس که دژهم شد : برای انتقام افغان مظلومان مجسم شد : **ترجمه** اهل ایران  
چقشما یوب : ظلم الذنکه جانه کلیدر : انتقام المجرم اندرن : جمله افغان مجسم اولیدر :  
نژ و تخت و تاج ایران پایمال دشمن و آتش ظلم هر طرفن فرس و وجود دینه شعله افکن اولوب  
ملوک طوایف هر طرفن غلوا ایدوب فتنه و آشوب هراصل و دیدن وقوع بولدی بالجمده مالک  
ایران و وقایع غریبه و دد و الهی عظیمه و شذر و مذر اقوام متنوعه و هرج و مرج اصناف مختلفه  
عجمیان و اغویان ایله مالامال اولدی احوال و اطوار نا هموار دن ایرانیانک بنا و نظام :  
اتفاق و اتحاد جمهوری شقاق و نفاقه مبدل و بنیان دولتری انهدامه و زطوب خرابه مشرف  
اولمشدری قندهاردن اصفهان طائفه غلجائی : هراته ابدالی : شیر و انزه لژی : فارسده :  
صفی مرزا نام مجهول النسب : کرمانده سید احمد نبیره مرزا داد : کرجه تانر بنادر سلطان  
محمد مرزا فرسور دیکله ملقب و مشهور : جوانکی ده عباس نام : کیلانده اسمعیل نام :



فراسنده ملك محمود سيستاني: ظهور ايرود هر بری کند ز عبقه دولت فارسيه تبيريه شهرت زده  
عاليان اولان دولت قديمه ي احياسودا سيبه و اول دولت رجالدن تعداد اولنوه هواسيه مسند  
نشين فيرون پيخسرو: و دارا د عاسني كندويه حسب حال ايلدي: روم عكري دفي از ريجانه  
ارپه جاي سمندون و عراق جابندن هجوم ايليوب بلرد و افزه به مقرر اولديله: طائفه روسيه  
دفي باب الابواب در بندون مازند رانه دك قبضه حكومتلر نه ادخال ايلديله: ترکان طائفه  
دفي اكثر اوقات فتنه و فساد ايه معناد ايديله: والوار بخشياري: و فياي: و اردلان اكرادي  
و هونج اعرابي: سراسر اطاعتدن اعراض ايرود عصيان و طغيانلر كج اظهار ايلديله سبعل  
الله بسد عسيرا مضموني اوزره **مصراع** تا پريشان نشود كار با مان زسد فوا سنجيه  
مقتضاي حكمت بالفه حضرت پروردگار اول فيرون فروظفر مظهر شاه مجاهلك طليه: :  
دولتك اظهار و پرتو كتر طلعت آفتابيله دیده بيرو جواني روشناد ايلدي: حقاكه بر كز لوزر بنه  
ايري كه دهر عاقبت انريش كند و روزگار بركيشي خوضدن زخيره اذخار: و يا صفر در نام آور  
ايري كه سلطان قضا حوادث خصوي دفع ايجون كينكاهده اسرار ايلشدي چونكه حوادث  
عالم كون و فاد مائل و متصل اولدي **بنابرين** ظهور اغونيانني و درومياني و انهدام بنا و دولت  
شاهاني متضمن قبل شروع المقصود بعض حكايات عبرتآب حيرت انساب تمهيد اولنوب  
بعده اول شهر شاه فللك دستگاهك كوكب سعي و وجود مسعودي اوج شهودده نه كونه جلوع  
كرو بناي شوكتي نه كيفيته نظام و استحكام و ذات لهايونلري پيرايه بخش رير و انسر و اسم:  
ساميلري دوي زمينه زيب و فر و جواهر نينه القاب ميمت ما بلري السنه آفا قد و دغ الد  
در اولدني بيانه محتاج اولدغي چون بوشكرف نامه د پذيرني نكارنده و تاريخ: بينظيري طرازنده اولان محمد  
مهدی بن محمد نصير استر ابادي كه خدماي حضور پر نور و ضبط و قايعه مأمور لرون اولوب اجمال:  
طريقيه ايام سلطنت خاقان سعي و شهيدده اول شهر شاه صاحب تايدرك حين ظهور:  
دولتدن شروع ايرود بيانه تقدي ايلدي قاعليانه منكشف اولكه ايران نه كونه ايران  
ايري و نه حال ايله ويران اولدي و اول حضرت نه مقدار عزم متين و سعي جسيم ايله اول ويرانني  
دوست و يكانه ره جو مندون بوا خسرده كلستانك كللرني شكفت ايلدي: و حوادث زمان ايله  
چكز نمش سيزه زارني نه دكلو آب و رنگ ايله تازه لکن عرصه ظهوره كتوددي نظري سرگذشت  
عهد كلرا از نظري بشنويد: عنديب آشفته ميگويد اين افسانه را: اول خاقان مفقور ك

سلطنتي عهدنده ملك ايراني ديران ايلين جمله آشوبدن بري بودر كه ذكر اولنور **اول طغيان ميرويس**  
**غلمجاني و مقدمه قندهار بود منظومه** سلك سين هر تيره منسلك تاريخ و قتا كه بيك يوز يكري  
بره كه بالغ اولدي بونون اقدم عجمه تابع كوردستان و ايلسي كوركيي خان كه شهرنواز خان ديمكده  
ملقب ايري اول زمان عجم شاهي جابندن قندهارده بلكر بكي ايري كندوي سپه شام مست مرام كازو  
نادان بي ايمان ايري عكركينك ضبط و رنطبي الذع اوليويوب هر فرد هواسنه تابع و اغونيانك  
عرضنه و مالنه و اهل و عيالنه دست دراز لقلري حدون متجاوز اولد لرنني كاه غصب و كاه:  
سرقه و بيلون كوردستانه كوتروب عادتلري اوزره ستار لر ايري ميرويس غلمجاني كه اول  
طائفه اوزر محصل الاموال نصب و تعيين اولنميشدي مير مرقوم طريف اغون ينلر نه غيات ايله  
معتبر و مالدار عنقا كنه ايري اغونيانك بالجمله مير مرقومه كال اطاعت و قوت ايلري وار ايري  
كودكين خان بو كونه تعظمني هضم اير صيوب تزييل و تحقير تبيريه بر مصلحتك رؤيت و تمشيتني بهانه  
ايرود اصفهانه شاه جابنده كوندردی اول دفي اصفهانه وصول بولدق اعتماد الدوله و ديوان  
بكي و سائر كارده اولان رجال دولت ايله كوروشوب مرتزق قصبور قوميوپ كوركيي خانك سو:  
حالي تمام شريح ايليوب و افر قظلم حال ايلدي رجال دولت دفي ايكي فرقه و بري برلينك:  
عليه نيز اولد قلبنه واقف اوليجو بر اثر موحش ظهور ايدر احتماليه امين و غم و كدر دن خالي  
اوليويوب شاهدن حج شريفه ازن طلب ايليوب شاهدن ازن و در خصمت ارزاني اوليجو اندرن  
روي كردان و كعبه معظمه يه روان اولدي اداي فريضه بچون صكك بر سنه حرمين مجاور و مكه  
و مدینه علماسيله كوروشوب و هديه لر و ايرود اندرن بچه بچه امور نه استفتا ايرود كندو  
مقصودني دفي عرض ايلديكه حالا اوزر يمن حاكم و والي اولو اوزره بر جاهل و نادان كافي  
ايمان كوردي خاني كوردي عكربه محافظ تميم اولنوب خلاف شريح بچه بچه اموري ارتكابه  
كره و جبر عرضنه و اهل و عيالنه تعرض و دست دراز لوي و اولدي مزي كاه سرقه و كاه غصب  
طريقيله آلوب كوردستانه كوندروب ستار لر و عود تلري مزي كوردي كافر لري جبراً و قهرراً تر قو:  
ايدر لر بزعا جزره غيرت و بينه ال و ايرود بوندره قليم چكك شرما جازميدر قاتلر خازك  
و مقتولر شهيد اولودي بيان بيورك ديو دجا ايلدك جوازينه دار متعده و فتوالر آلوب مدت  
مجاورت نهايته ايردك جانب اصفهانه دو بره اولدي وصول بولدق ينه كافي الاول:  
اغونيان اوزره محصل نصب و تعيين اولنوب قندهاره كوندرديلر ميرويس دفي جانب قندهاره



متوجه و عازم اولوب و قطع منازل ایردک قندهاره داخل اولدی بعد الایام محمدمانه اهدتار قریه  
و سرقیه دریه تعهد و کورجیانک ظلم وجودتی یاد و اهل و عیالدرینه تعذیرتی تعداد ایردوب  
غیرت اسلای در خاطر اتیدیلر میرویس برکون بر عظیم کورلری ایله کورکین خانه کلوب  
طائفه کاگردن یعنی بللوج مراملرندن فریاد و فغان و بزم اغوانلرک اوزر لرینه جمله و هجوم  
و بلبلله اموال و اشیا لری نهب و غارت و مواشیلری سورب کتیدیلر دیرک کورکین خانه غیرت ال  
و بروب فی الحال قوی خلقی ایله سوار اولوب میرویس دنی کمال سرعت برله طائفه کاگردنک  
سرکارده لرندن محرام اسرار اولنلری وقعه دن خبر ایردوب بر محلده مجتمع و مترب اولدیلر کور  
کین خان احوال دن غافل عمل معهوده کلدرک طرفیندن هجوم ایردوب غریبه بحرهلرک اولوب  
اول مهلکه دن بر فرد ساحل سلامتہ چقری و قندهاره خبر ویرجک برکنه بولنمدی میرویس  
علی الفور قلعه قندهاره رجعت و اسرهل وجه اوزر و خول و بقیه کورجیانی قتل و قلعه  
بی حکم ضبط ایلیوب مقر حکومتی استقرار بولدی مراد خان نام اغونی که خنش ایری اول  
طائفه اوزر نه سرکارده ایلدی چونکه میرویسک احوالی شاه و رحاله حقیقتی اوزر عیان  
و عصیان و طغیان نمایان اولدی قندهاری تسخیر اچون عسکر کونر مکه قرار ویردیلر کورجیلر  
انتقامنہ کوربی عسکر غیرت کش اولور ملاحظ سیده مقتول کورکین خانک برادر  
زاده کی کخرد خانی سپه سالار نصب و تعیین اولوب عمرتی قاننی طلبه و قندهار فتح تسخیر  
نه کورجیان و عرب و عجمانن عسکر دیم شوکتیه کونر مکه قرار ویردیلر و مصارف سفر میکل  
اولد قندهارک بنک یوزیکری اوج تاریخنده قندهار سفر نه عزم راه ایلدیلر میرویس بو عزیمتی  
استماع ایلدک کوندریه عظیم استحکام ویردوب بالجه محصولاتی قلعه یه دبع و سار اولتری آتسه  
امراق و دودت بشی سنه لک زاد و زخیره بی جمع اغوانی و حصناری پیاده و سوار عسکر ایله قلعه یه  
محصور اولدی عجم عسکر وقت شتایه قریب کلوب قلعه بی محاصر ایردوب جنک ایلدیلر شتاتقرب  
ایتمکله عسکرک احوال و کولون اولوب عجم عسکر بر بولدن و کوربی عسکرک بر یولکی دنی مرهاتله آخر  
بولدن کیدوب کیمز و خان دنی بر مقدار عسکر ایله ناچار اکه دن روان اولدی میرویس احواله واقف  
اولیمو فی الحال قفادن خسرو خانہ یشتوب دیرانه جنک و جدال ایردوب عاقبت رمضان شریفک  
یکری التبعی کونی کیمز و خانی عمرسته ایصال ایلدی شاه عجم بو خبری استماع ایلدک کونر نامو محمد زمان  
خانی سپه سالار نصب و تعیین و قوربی بلندی اکاضم و جمله عسکره ناظر ایردوب طی مراحل ایردک قندهار

یشدک

یشدک روز ناجه عمری تمام اولوب عسکر دنی کلد و کلدی بوله کتیدیلر و اندنصک بومنونال اوزر نه حکومت  
وسک و خطبه بی کند و نامنه او قیدوب حتی سکه سی بو بیت ایری بیت سکه ذه بر در هم دار القرار  
قندهار خان عادل شاه عالم میراویس نامدار صبح قندهاره سفری ترک ایلدیلر میرمقوم بری  
سنه مقداری قندهارده حاکم مستقل اولوب وفات ایلدک یزینه برادری عبدالعزیز قرار داده اولوب  
برسنه حکومت ایلدی میرویسک میرمقوم نامند بر نورسین جوان اوغلی و اداری عوجه سنه نهانی  
عداوتی اولغله برکون فرصت بولوب قلیچ الله آلوب اولوقوره ایکن عوجه کی عبدالعزیز قتل ایلدی  
خواص اغوان و اوزرک چونکه بو حاله واقف اولدیلر اتفاقله میرمقومه جمله سی بعیت ایردوب کوندره  
حاکم قیدیلر **وقعه شورش افغانه ابدالی و سالی هرات** چونکه تیایغ بنک یوزیکری طقوزه بالغ  
اولدی طغیان ابدالی عرصه ظهوره کلدی هرات اولکه سنه اغوانن بر طائفه و اداری که انزه ابدالی  
تغیر اولور ایری بو طائفه اعداده غلجاییدن چوقه و اوبه لری التمس بکندن ارتوق ایری حاکم لری  
سلطان حیات زاده عبدالله خان ایری عبدالله خان قندهار وقعه سن کخرد خانک انزیم و  
و قتلک استماع ایلدک کمال سرعت و عجله بوله اوغلی اسد الله خاتیده خسرو خان جانبته عزیمت  
ایردوب و تقریرات خدای تبدیل و تغییر مارت کورستوب شهر هراته داخل اولدیلر اول اشناده  
ایالت هراته حاکم شاملو عباس قولی خان ایری مرقوم خان عبدالله خانک جنبند آخافاد  
قادی ادراک ایستک عبدالله خانی و اوغلی اسد خانی جس ایلدی بو اشناده هرات قزلباشی  
عباس قولی خان اوزر نه غلو و هجوم ایردوب حکومتدن عزل و قرارنی فراره تبدیل ایتردوب  
هراتی ضبط ایردوب امور لرینه استحکام ویرمک قیدن اولدیلر بو خبر اشنای شاهه عرض اولنره  
استاجلو جعفر خانی هراته حاکم نصب و تعیین ایردوب کلتلو عسکر ایله کونر دیر بو غوغا ره  
اسد خان بردی عبدالله خان ایله زندان فرجه بولوب بر تقریب فرار ایردوب دو شاهه نام  
صعب الطریق طاغه چقوب عصیان و طغیان آشکار و جمعت و افره ایله اسفراق قلعه سن ضبط  
ایلدی مرقوم جعفر خان کلوب هراته بر منزل قالور محلده اسد خان قار شو چقوب عظیمه جنک ایترید  
عاقبت ایکی دنی اتفاق و اتحاد ایردوب قلعه یه یورش و شهری محصور ایترید چونکه قزلباشیه  
محاصر ده قالوب امداد دن مایوس اولدیلر کز لو و آشکاره اغوانده راه مدارایه سلوک ایترید  
مزبور تاریخند رمضان شریفک یکری التبعی کجسی هرات اعمالدن بدم نام قریه خلقند لکه قلعه ده  
محصور ایریلر درون قلعه دن برج فیل خانه سمتدن طاشره جانبته زردباندر ترتیب ایردوب

2



اغوانلی برج قلعه یه چقریدلر فی الحال اغوانلی قلیچدرک چکوب جنک و قتال و اموال و اشیا رک  
نهب و غارت مشغول اولدیلر چونکه طائفه قزلباشیه دن شهری تخلیه ایتدیلر اسفراز اغوانلی  
دنی کلوب هرات اغوانلی به اتحاد ایروب آرزمانه کوسویه وغوربان و بادغیس و مرغاب سرحداتی  
تماماً ضبط ایروب دست تصرفه کتوردیلر چونکه اسدخان بلاد مذکورده مستقل حاکم اولدی فراه قلعه  
که غلجائی اغوانلی تصرفه ایری اول قلعه یی دنی فتح تسخیر ایچون بریکجه علی الفغله ایلغار ایله :  
کلوب خارج قلعه دن سردبانلر قوروب حصاره چقوب اول ولایتی دنی زیر ضبطنه آلوبینه هر  
رجوع ایلدی بر اشناده ترکان فتح علی خان دولت صفویه جانبین سردان نصب و تعیین اولوب  
کوسریه توابعنده اسدخانه ملاتی اولوب عظیم جنک واقع اولدی اغوانلی مغلوب اولوب وقت  
عشاده غوریان جانبینه فرار ایتدیلر طالعی نامساعد سردار زور و قوتته مفرور اولوب کان  
سرعت و عجله برله دیوز عدد کانداز دلاوری کتله ایله قفادن یتشوب حمله و هجومه ماردت  
و جنک و جداله دیرانه غیرت ایتدیک اغوان بر او غوردن آتکون دیوب و قلیچدرک چکوب اوزرینه  
یوریش ایتدیلر سردار و قفا وارلرینک بر درلو مقاومت اقداری بولنماغله ایچلرین بر فرود خلاص :  
بولیوب جمله کی اغوانلر انده مقتول اولدیلر میر محمود بوضرو اصل اولدوره کندویه زیاده کدر ایروب  
قندهار دن عزیمت و روانه اولوب دلام نام جمله اسدخانه یتشوب قتل ایلدی قلعه فراهک متانت  
صلابتی دنی تسخیری حیرت مناعده اولر یعنی ادراک ایلدوره اسدخانی قتل ایله اکتفا ایروب قندهار  
عودت و مقر حکومتنه قرار داده اولدی بودقه اول اشناده واقع اولدیکه قزلباشی خاقانک مقر سلطنتی  
خدمات بروره و مساعی مشکوره دن عدو خدعه حربیه طریقینه رعایت و صداقت اظهار ایروب حکیمان  
وضع ایله مدار او مرتت ستمدنی دن قومیوب و رکاه شاهه عرض و امنای دولته مصتبع مکتوبلریازوب  
بلاتأخیر رساله شتاب ایتدی رجال شاه دنی انوک ترلیسی صدقه عمل ایروب لقبه صوفی صاحب  
ضمیر تیسیر ایتدیلر حسین قولی خان امریله قزلباشی بعض حقیقت وان سجنائی اسدخان قتلی تاریخینی بولونه :  
استخراج ایتدیلر **مصراع** اسدراک شاه ایران دیر یعنی بنک یوز اوز ایکی تاریخین ارسلاقی ایران  
شاهینک ایتی یرتدی انزهرک زمان خان دولتی اولوب هراتی ضبط و اسدخانک برزی عبدالله :  
خانی حسن و جعفر خانی و سائر قزلباشیه اسیرلری باغ نونام جمله سر بریره ساطور آبرار ایلدی چونکه  
ایمان شاهه غلجائی و ابرالینک اختلالی عیان و میر محمود خدعه حربیه طریقینه بلاد و اثره یی  
متصرف اولرینی نمایان اولدی ترکستان اوغلی صفی قولی خان سردان نصب و تعیین اولوب کلیتلو :  
تدارک

تدارک و جمیت ایله هرات جانبینه روانه اولدی کافر قلعه نام صحاده زمان خانینه اوغراغوب آخری  
سردیا منهنم و رسوا برکنده پریشان اولدیلر **نتیجه معلوم** طائفه اغوانیان اول ولایت قوت عظیمه :  
تحصیل ایروب بجه سنه اول نوایمی کندوره مرکز حصتی و و ملجاؤ مقر ایدرینر شول وقته دکه که شاه  
جهانگیر ظهور و بارقه شمیریه اول ظلمتلو بلدی برنورد و بازوی دولت ایله بنیان اغوانیانی قلع و  
دفته فساد دیرین اول نوایمی دن دور ایلدی و بونک تفصیلی اولدیکه طوائف اغوانیان متفق اولدی  
خبر دولت شاهه و اصل اولدوره کندولینه زیاده کدر ایروب اغوانلر بوجاه اوزره برمدت دنی ترک اونسه  
اولسه عاقبت دولت شاهید بر فتنه عظیمه و قوعنه باعث اولور لر بونلرک تدارکی کوریلوب مفرودی  
دفع اولغوه کدر دیو مشورت ایلوب آخر بولکاتر ایدریدیلرکه ترکستانلر اوغلی صفی قولی خان سرعک  
تعیین اولنه مرقوم خان مقدمه اسفهان حاکی اولوب امور دیره کاد آرموده کسه دن ایری دجالک  
اختلافی تقریبیه عزل اولوب کندو منزلده گوشه و حدتیه عزلت نشین اولدی بودقه سرعک لک :  
تکلیف اولیچو قبولدن ابا ایروب سرعک را امور لر نه مستقل اولیوب اوزرینه ناظر نصب اولغوه سر  
سرعک لر مرادری اوزره ناصواب برایشرد و دولت شاهی ایکی فرقه در دشمندن اخذ انتقام برده  
مشهور دکلدر انچون بوندن اقدم تعیین اولدان سرعک لر بواشک عهده سندن کلکه قادر اولدیلرین  
دنی بو خدمتک عهده سندن کلیم دیو عذر لر بیان ایلدی مرقوم خاندن غیرتی بود شوار ایشک عهده سندن کله  
جک برکنه بولغید یغندن مرقومی ارضنا و الزام قیدینر اولدیلر قامر ایتدی عاقبت جمله نکه اتفاقیه  
صفی قولی خانک اوغله شاه جانبین خلعت و جوهر تاج و خانلق مشوری و سرعک لک دیریلوب  
بو عنوان ایله مکر اولیچو قبولنده ماردت ایروب بررینک ایاغنه دوشدی بجه بنک دجاو نیاز ایله  
بررینک کولکسن میل ایتدوب سفره برابر کتمک و امور نه نظارت ایتک اوزره ارضنا ایلدی برری دنی  
مهاستن کورمکه مباشر اولوب انجامنده شاه طرفدن عالی ضیافت اولوب مرصع تاج کیوب قلیچ قوشوب  
دوشمش آت دیریلوب و اول آت سوار اولوب شاه سراینده اول کونزه مکمل الاید ایله چقوب اولن ایتی نکه  
قزلباشی عکریه مشهردیلرین هرات جانبینه روانه اولدی اغوانیان بجم عکرینک و رودی خبرن :  
اشیدیک فی الحال میر محمود واقع حالی بلدروب امداد طلب ایلدی میر محمود دنی علی الفور عکری تعیین  
ایروب بجم عکرنه قار شو چقیدیلر صفی قولی خان عکرن ایرلیوب اوغلی نوجون و نوهوس  
اولغله اوچموز قدر فارسی سواران ایله صید و شکار ایردیک عکرن ایریلوب ایلوره بولندی  
کافر قلعه نام صحاده اغوانلر قرع غولنه راست کلوب بلاتوقف هجوم ایتدیلر طرفیندن جنک و جدال



مشهد اولی خان نوجون قتل اولنوب و سار میسند و اولن قزلباشی هلاک اولوب بر قاج نفر جا  
چاپک سوار کوجیسه قور قلوب صفی قوی خانه بلدر دیرلر اشدو کی برله سرسام و مد هوس اولوب عسکر  
ترتیب و تنظیمی دنی او ندوب در حال قلیچ چکوب اغواندر جانینه وصوله عجله ایلدی عجم عسکر صفی قوی  
خانک عنان اختیاری الدن کیتدو کن کوروب اندر دنی قفادن یشدیلر بو حاله اغواندر کور دنی میر  
اسد نامنه بر کسنه لری و افر عسکر ایله کلوب امداد لرینه یشدی ایکی عسکر ملوق اولیچو صفی قوی خان  
ایلدره بولمنغه جمله دن اول اغواندر ایچنه اوغرایوب جنگه ماسرعت ایلدی جنگه مشهد اولیچو صفی  
قوی خان قتل اولنوب عجم عسکر بوزیلوب فراده یوز طوطی دیرلر جزئی عسکر قور قلوب اکثری هلاک اولید  
اغواندر بوزد غیسلر اولوب اقتدار کلی تحصیل ایتدیلر تا که نادر شاه عجمه ظهور ایلر بوندر کور بیداد  
تبار لر قلع ایلدی **دیگر وقعه شورش ترکمانیه صابین خان استر ابادی** مزبور تاریخده واقع فتق و اختلال  
بری دنی بودر که دیاد خوار زمه تابع استر اباد نام جمله صابین خان ترکمان لیکه جرجان نواچسند قبیله  
صو اسنده ساکن اولور لر دی اگر چه بعض اوقات سمند و مصلحتی دنی رویت و تمثیت ایچون استر اباد  
حکامنه اظهار انقیاد ایلر لر دی یکن اکثر اوقات انصهار لر نه اولان نواچسندن اموال و اشیا و مو  
شیلرین غصب و سرقت و غارتن بر آن منفک اولر لر ایری و اوز لرینه تعیین اولان صاحب  
شوکت سردار مقاومت کتور میوب منهنما فراده یوز طوطی دیرلر ایدی کون بکون اندر ک عصیان و  
وظیفائی مترقی ایلر دی اول حینه دک که اول شاه عجمه اهلک خور شیر زانی افرا سرور برین طلوع ایلر  
یراسه طبیعتلور ک هر بری بر زاویه سکوتره نابید و ناپید اولیلر **دیگر وقعه شورش لذکیه ه**  
**طاغستان** اول تاریخده واقع فتق و اختلالن بری دنی بودر که شروان حدودنده واقع ه  
طاغستانه تابع جار و تنه لذکیلی که اهالی شروانه هجوار ایلر لشی حدودن ساکن زافور لذکیلر  
اتفاق و اتحاد ایلر و غارت و غصب و سرقتن حالی اولر لر ابری شروان حاکی حسن علی  
خان اول جماعت اوزر نه عزیمت در روانه اولوب شکی سوزنه دارد اولد قره مزبور لذکیان کیچه  
اچنده علی الفلحه عسکره حمله و هجوم ایلر و حسن علی خانی و عسکر کی سر بریده تیغ آبدار دفر ایلر  
بقینه لشکره تله ده شتوب اموال و اشیا و اسباب و اسلحه لر ک یغما ایتدیلر و بر قاج ایام نرضک  
سکور لی حاج داود نام اوسمی قیطان احمد خان و سر ضای خان ایله اتفاق ایلر و قبا حاکمی  
اولان حاج احمد خان بر نزن نزع و تخلیص ایلر و کور لری متصرف اولد قلدنن صک شروانی دنی  
فتح و تسخیر عزیمت ایتدیلر اما مقصود لری حصوله قرین اولیوب کور و چکلیدر بودر حاج

داود خان

داد خان مزبور لر دن کسنه بی امورینه قاتشد میوب بالذات امور سفره مباشرتی کندوسی التزام ه  
ایلدی محضاً کندو رای و تدبیر به واروب شما فی قلعه سن ضبط و حکومتنه ادخال و شروانه مجدداً بکلر  
یکی نصب اولان همین خانی گرفتار و سر بریده شمیر آبدار ایلر و شروانی و نواحی سنی ضبط ایلر دوت  
عثمانیه حمایت اکتسابه انتساب لری اولغه بومر ایتی اول دولته عرض و اعلام و سایه حمایه سنه  
التجا و امداد طلب ایلر دی دولت عثمانیه و فقهم الله تعالی بالعدل و الاحسان جانندن دنی صهار و هر  
مصطفی پاشا والی طربزون ارسال و شروان خانلغی حاج داود خانه احسان اولنوب مقر حکومتن قرار  
داده اولدی سر ضای خانک قوت مایه و عسکر یه سی مرقومن زیاده اولغه بعضی نافذ الکلام ه  
دسیله لر به دولت عثمانیه بر عرض و شروان خانلغی کندو به احسان بیور لغن رجا و نیاز ایلر ک اختلاف  
و اختلافی بر طرف اولسون ایچون اول دولتن یکر می بشنک غور ک کندویه انعام و احسان اولنوب  
مرقوم حاج داود خان مقر حکومتن قرار داده اولدی و مزبور مصطفی پاشا شما خیده قشلیوب اندن  
کجه نظامنه و باکوی قبضه بچون نزع و تخلیصه مأمور اولوب اول جانبه روانه اولدی **دیگر وقعه**  
**تمرد طغیان ملک محمودیستانی** چونکه تاریخ جنگ یوز اتوز اکیه بالغ اولدی سردار مزبور صفی قوی خا  
خانک قتل خبری بارگاه کردون مدار شاهه و اصل اولدی بوماده دنی رجال دولته اولدی دقه رده زیاده کور  
دیروب مشورت ایلدیلر ک اغواندر بو حال اوزره بر مرت دنی ترک و الهال اولنوب قید لری کور لدر کی تقریبه قوت  
مالیه و عسکر یه لری کون بکون متز ایلر اولوب دفع مفرق لری امر حال اولور باقی حال کان کور ملودر دیو بو کاتر ا  
دیر دیر ک کند و ابنا ی جنسزدن بومر د شوار ک عهد سنن کله جنگ بر کسند بو قدر لکن اشدی سی انتقامنده  
ینه بنده چراغ کرده سی مقدم و غیرت کش اولور ملا حظه سیده صفی قوی خانک غلوی اسمعیل جان سپه  
سالار نصب و تعیین اولنوب هرا ننگ فتح و تسخیر نه کونر دیرلر اول دنی مکمل قاپو ایله در بر اه اولوب مشر ه  
و اصل اولدی **ازین جانب** تون نام شهر ک حاکی ملک محمودیستانی بر جلیت و مز موم الاخلاق عجول و  
غضوب خودین و خشین مغرور و مستکبر بر مرد ناقص اولغه مشر ه خانلرین هیچ برینه سر فر و ایلر یزی  
مرقوم سپه سالار مشر ه بکلر یکی قاهر فتح خانی بر بلوک قزلباشیه عسکر یه تون قلعه سنی ملک  
محمود الذن نزع و تخلیص و فتح و تسخیر نه کونر دی مرقوم ملک محمود لشکر و افند ترار ک اولنوب صوب  
مأموره عزیمت اوزره اولد قلدنی اشد کور کند و بر محکم متانت و استحکام و یروب قلعه یه قاپانزی لشکر  
کلوب قلعه بی محاصر ایتد کور بر ای مقداری محصور اولوب داخل قلعه دن جنگ و قتال ایلر لر دی بر کجه  
فتحی خانک فر اشدنن بر محمد نام بر قزلباش مرقوم خاندن ریخیده خاطر اولغه بر تقرب قلعه ی



داخل اولوب قزلباشی عسکرینک صغف حالنی ملکه محوده بلدردی چون صباح اولدی ملکه محود جمله ه  
عسکریه جقوب خارج قلعه ره جنگه آغاز ایلدیله فتحعلی خان دنی جمله عسکریه قار شو جقوب هجومه اقدام  
و جمله ده سرعت و مبارزت ایدوب نائز قتل شدت اوزن اشتعال بولوب ملکه محود عسکر  
بر مرتبه ده سعی و کوشش قیلدیله که فتحعلی خانک عسکرینک بر طرفی مضمحل اولوب کندوی دنی تور  
ایله ایاغدن زخمدار اولدی چونکه سون عسکر بر جروج اولدی کندولرک دنی مقاومت اقدار لری  
اولیوب قرار لری فراره تبدیل و نیا ندری انحرافه تحویل اولوب جنگی ترک ایتدیله و کله کلری بوله کرو  
کندیلر یا ندرن موجود مهتات سفریه لری تماماً ملکه محود طرفن اغذ و ضبط اولوب قلعه به نقل  
ایتدیله بویوزدن مرقوم ملکه اقدار کتی پیراه و ترتیب عسکر و تنظیم امور مملکته صرف مقدر و بدزل:  
جهود ایدوبینه مقرر حکومت مستقل اولدی شول وقته که مرقوم سپه سالار اسمعیل خانک  
احوال و اطواری مختل و اموری تراجمه یوز طو تری **بومقالک** تفصیلی اولدر که چونکه فتحعلی خانک  
عسکر منهنم اولوب اکثری مقتول و کندوی زخمدار و کویله فرار ایلدی مزبور سپه سالار شاملو علیقلی  
خانی مشهوره بیکلر بکی نصب و تعیین ایدوب جمله اموری اکا تفویض ایلدی اما مزبور خانک امور مهتمه  
مشورتی عیش و عشرت و محارره جمعیتی اداره اقدار می نابدن عبادت بر کیفیت اولمیشدی بویکونه زمانه  
اختلاله بو احوال نا هواردی دنی اختلافه بادی اولوردی سردار بونا موافق اطو اردن حظ ایتیبوب  
مرقوم خانی عزل و آفری نصب مراد ایلدر که علیقلی خان استعین بالله و لایحیوه المکرانتی الیبا  
باهله مضمونتن غافل اولوب اوباشن و زدن و قلا شدن بر بلوک کرده ضناله بی جمع ایدوب اسمعیل  
خان اوزرینه کونردی انلردنی واروب خانی مزبور ی طتوب قید و بند ایله خیابان باغدن کشان کشان  
علی قولی خانک: حضورینه کتوردیلر انن جسمه کونردوب ایالت مزبورک ترتیب و تنظیمه بالذات  
کندوی مشغول اولدی بوقضیه که مشهوره واقع اولدی تایخ بنک یوز اتوز دروت محرتک اون ایکنجی ه  
کونی ابری همان اول کونره اغوانلردنی اصفهان اوزرینه هجوم ایتدیله ایکی برکونه تصادف ایلدی نهایت  
کار بوکامنج اولدی که مزبور طائفه رندان مشهوره زنباز لوه و غلامباز لوه و انواع منکوتدن انلدر کلری  
قیبه قلیوب علی قولی خانه دنی فرش حکومتی طی ایتدر روب عاقبت مزبور تاریخده ماه جمادی الاولده  
علی قولی خانک خانه سه هجوم جمله مال و مهتاتی غارت و کندوی متواری خاکه هلاک ایتدیله  
بعده اسمعیل خانی جسدن جقوبینه سردار ایتدیله اندک دنی حکومتی همان لفظی اولوب سوزلرینه  
اصفا و اطاعت و انقیاد لری اولیوب امر و تهی کیر و واردن برنسته یه قاتلدر میلد و مهتات سفریه بی دنی

بالکلیه

7  
بالکلیه یغما ایدوب کند و هوارنه صرف ایتدیله چونکه اول طائفه بر فرجام ملامت انجملک نهایت کار لری  
بوکامنج اولدی اسمعیل خان ماجرای بالجمه ملکه محوده تحریر و علی الفقهه کلوب قلعه یه و ضولنی تکلیف ایلدی  
اول خود بویله کونی خدادن استردی غایت ایله شادمان اولوب کمال سرعت و مبارزت برله وارد و مشهوره  
داخل و مسند نشین حکومت اولدی اگرچه طائفه رندان اتفاق و اتحاد ایلدیله که ملکه محودک هین و روزنه  
بردن هجوم کندوی و لشکری طوعه شمشیر تیز و اموال و اشیای بی نهایت لری لیکن مقصود لری ال و بر میوب **مصرع**:  
همه جادوش بردشند مکافات عمل یعنی الجزاء من جنس العمل مضمونی اوزره ملکه محود مقرر حکومت  
استقرار بولدر قنصرک مزبور طائفه بی بالجمه فردا فردا بولدر قتل و استیصال برله قلعه بی محکم ضبط و هر  
مخوف و مخاطن اولان بر لری محافظه ایدوب هالیسنگ و وحشت و وهشتی دفع و رفع اولوب کمال ایتت  
حصولی ایله و یوزلرینه آب راحت سر بیلدی اعوز بالله و لولادف الله الناس: بعضهم ببعض الایه  
**داستان میر محمد غلجائی و آمدن او باصفهان و کرمان** وقتا که میر محمد اسد خانی قتل و بومرستی:  
هیله و حدعه یوزنردن دولت صفرتیه یه عرض و اعتماد الدولته که وزیر اعظم در مصنع مکتوبلریا ذوب  
بلدات افرار ساله شتاب ایتدی مضمونته بنم عنایتلو مروتلو ولی انم افرم سده نم مفر تری کترین بنه ری  
شهر قندهارده اقامت و شاه عیاه خدمتده حکومت ایشا سنده طائفه ابدالی خروج و اسد خان نام  
باغینک عصیان و طغیان ظهور اسفراز و هرات و کوسویه و غوریان و بادغیس و مرغاب و قره  
سرداتنی تماماً ضبط ایدوب دست تصرفه کتورد کلر نه ترکان فتحعلی خان دوتلو شاهم جانبندن  
سردار نصب و کلیتو عسکر ایله کونردوب کوسویه توابعنده اغوانلره مصادف و جنگ عظیم و منهنم  
ایدوب اغوانلر فرار ایتشد خان مرقومینه قفادن یثوب دیرانه جنگ ایلدر که اغوانلر بردن هجوم  
خان مزبور دی و عسکرنی جمله قتل ایلدر کلرنی ایشیدوب بویوزدن عصیانلری ثابت اولمغه قندهارده  
عزیمت و اسد خانی قتل ایلدم و لشکری بالجمه اطرفه فراد و برکنه اولدیله بویزه ری دولت شاهی  
نک خیر انیشی و قوللغنده ثابت قدم صداقت پرور بر عبدملوک اولدغده ریب و ایشباه ه:  
بیورلیوب و بود دولت بوکتر حقیرک الله ظهوره ایرشدر کونن عسکر شاهی اول طرفن خراسان جانبته  
عزیمت و بویزه ری قندهار دن هراته حرکت اولسه عون حوی ایله و هته بی هتا کر برله ایکی طرفن  
سعی و اهتمام اولوب مقصود و مراد نه ایسه حصوله کلور دیو تحریر ایلدی امنای ساده لوح صحیحی هر  
سقیمدن و دورستی غلظن: تصحیح و تمیز ایله میوب اول ایکی یوز لونک کذبنی صدقه عمل و کلومنه:  
اصفا ایدوب نامنه ولایت قندهار مشوری و یاغنه خلعت و عادت شاهانه اوزره جواهر ایله مرقع



تاج و قلیچ حسینقلی خان رسالیده کوندر لوب اول د فی شاه خدمتند طائفه ابرایی قهر و ترمیر  
بهانه سینه قندهار دن قالقوب سیستان د بم نام ولایتی دست تصرفه کتوب قبضه حکومتند  
ادخال ایلدی بو اناده بلوغ طائفه سی کرمانه عزیمت و میر محمود فی کلوب کرمانی محاصره ایلدرکه اها  
یسی جنک ایتیموب شهری خالی قلوب میر مرقومه تسلیم ایلدی میر مزبور د فی اول ولایتی ضبط طفقوز  
آی مقداری حکومت ایلدی شول وقتد که فارسی زبانانک اختلاقی خبری میر محموده واصل اولد فی  
کرمان منصرف اولوب مقر حکومت ایلدی اولان قندهاره داخل اولدی . بو مقالک تفصیلی اولدر که  
میر محمود قندهار دن قالقوب کرمان جانبند عین عزیمتند مقدماته هر سه ساکنین سلطان نام لژی قندهار  
نائب نصب ایدوب اول جانبه روانه اولدی مزبورین سلطان قلعه یی اغولدر دن خالی قلوب سیستانی جعفر  
خان که میر محمودک محبوس ایدی جس خانه دن چقروب مشورت و دولت صفویته یی اظهار و احیای الملک  
سودا سیله اتحاد و اتفاق و عهد و میثاق ایلوب فارسی زبانان اعانه لریه شور و آشوبه صلاداد باب  
غوغای کشاد ایلدی قلعه ده موجود اغولدری لیله موعوده لر نه بیست ایتد کلری محله ده باصوب فردا فراد  
قتل ایتدی طشر ده بولتان اغولدر خیر اولوب و جمعیت ایدوب علی الصباغ قلعه نکه بر جانبند و خولین  
سلطانی و جعفر خانی و اغولدری اولان فارسی زبانانی گرفتارینجه قهر و نکال ایلدی میر محمود بود قعه یه واقف  
اولد قعه اهالی کرمانک نفوذ و اموال و اشیا و مواشی و حواشی و اطواری سنی و اهل و عیال لری سبی و غارت ایدوب  
قندهاره رجعت و کافی اول حکومتند قرار داده اولدی . چونکه تاریخ بنک یوز اتوز د زده بالغ اولدی میر محمود  
کرمانک فتح و تسخیر نه اتک در میان اولوب قندهار دن سکر بنک اغول و بلوغ و غیرین د فی بنکن متجاوز  
لشکر جمع ایدوب کرمانه واصل و نواحی سبب و غارت و شهری محاصره ایلدی اهالی قلعه کینه دن کند لره  
امداد و اعانه اید شیمی کنی قهر و اذراک ایدوب بر قاج کوندر نصیحه بالتضر و امانه طالب اولوب بو عهد  
میثاق اوزره قول و قرار ویردی لیم اصفهان قلعه سینک میر مرقوم جانبند فتح و تسخیری حصول بنیر  
اولور سه بز د فی قلعه یی میر مزبوره تسلیم ایدوب رعیه یی اولور ز اصفهانی قبضه تصرفه کتور مک و عجم شاهنی  
طوب تحت تاج صاحبی اولور فکر و ملاحظه سی میر محمودک و اغولدرن بر فردک خاطر نه خطور ایتش بر معنا  
دل ایکن اندر که کلانندن قلمند بو امرک . حصول نه جرات مشاهده ایدوب متمارنی قبول و کرمان قلعه  
سی محافظه سینه کفایت مقداری عسکری قوب کزیده و چابک سوار عسکرنی انتخاب ایدوب اصفهان  
جانبند الفارایه عزیمت و اوغردنی محله زب و غارت ایتکله روانه اولدی **ازین جانب** شاهه .  
و در حاله میر محمودک کرمانی محاصره ایلدی خبر واصل اولیجود اون بنکن متجاوز عسکر تدارک و هویز

خانی

خانی سردار نصب اولوب کرمان جانبند کوندر لری اشای راهده هویز خانی میر محمودک جانب اصفهانه توجه  
و شرت و صولت و کال . کریمت ایبه صوب و صوله صرفه مقدور و بزل مجبوره ایدرکن خبر ایچی رجعت  
و عجلته اصفهان . نه کلوب واقع حالی بلدردی بو خبر ملات انزی اشد کلر نه دهشت عظیم و وحشت .  
جسیم ال ویروب متمار اولدی و عجلته عسکر تدارک مکن اولریندن خزینه دن و ذرت اوزره نفوذ و جبه  
خانه دن کزته مهمات چقاریلوب درستی و بازاری فنون جنک و قتالدر عاری کال خوف و وحشت  
قلبرینه ساری اولان مقوله دن خیلی عسکر تدارک اولوب سیف و سنان و کزگران و جبه شنی . ایبه  
سلاج و مکمل و یال و کوبالده هر بری رسم ثانی یل اولوب الی بنکن متجاوزینجه خانلر و سایه پرورد بکلر برو  
هشت غایت انتما حمت و عظمتله . اصفهانن چقوب سوق و انتظار ایبه میدان کار زاره متوجه .  
اولدی رعشار و قبائلدن . مجتمع اولان عسکر یزیم نیجه ذریردن رهایاب اولوق نه مکندر دیو انواع برمانه  
ترانه لر قیلدی اصفهانه دورت فرسخ مسافه ده واقع . کلوب آباد نام قریه ده اوردولری . قورب  
اتوردیلر ایکی کوندر نصیحه میر محمود و اغولدرن کلوب عجم . اوردولر سینه قاج شوبر فرسخ مسافه ده واقع کلوب  
آباد نام قریه ده اوردولری قوردریلر بر کونکه علی الصباغ دستم آفتاب خاور شععه شمیر . جهانگیر  
ایبه طلوع و انجمن انجم . افلاکی نابود و نابید ایلدی بر قولدرن قولدر اغاسی دستم خان کندونک کزیره  
و ممتاز عسکر یه هجوم و بر قولدرن علی مراد خان کندونک منتخب و سرافراز لشکر یه کرده . اغولدرنه  
القائ هجوم و سار میران و خانان قول قول سرعت و مبادرت . ایدوب نائز جنک و قتال شرت .  
اشتغال بولوب اغولدر عسکر بنک بر جانبی انهمزاه قریب اولوب لیکن . اعتماد المدوله جانبند اولر  
اغولدرن سبی و کوشش اقدام تام ایتد کلر نه در کردان افتان و خیزان کزیزان اولدی . دطوبی بکنی احمد  
خان گرفتارینجه قهر و نکال اولغله . سار طوبیجیانه کللال و ملال ال ویروب طوبی مغل قالدیلر دستم  
خان و برادر علی مردان خان و رجال دولدرن نجه خانلر و سردار لوطیه . شمیر تیزان و قورتلندر جانب  
جای سلامت کزیزان اولدی . و اغولدرن بر طائفه دورتیوز قدر کورجیانه تفانر تشوب جمله سنی  
بی نام و نشان ایلدی جنک و جدال بر طرف و بر مقدار سکونت بولوندر قن صکر اغولدرن داروب کندو  
مرامری اوزره طوبیخانه یی و سار اسباب و انتقال و مهمات بی نهایت یی و نفوذ بی غایه یی . ضبط و کندو  
اوردولرینه نقل ایتدی و بقیه السیوف اصفهانه داخل . اولوب کندولره عظیم متانت و استحکام ویروب  
جایجا مترسره و خندقله محافظه قیوب و رود اغولدرنه منتظر اولدی . بر قاج کوندر نصیحه اغولدرن  
عجمکر کال مرتبه خوف و ضعف . اوزر اولد قلمنی فهم و ادراک و قرع آباد نام جنت مشای د فی خالی .



قیوب بالجمه شهر اصفهان تحصن ایستد کله فی استخبار ایلد کله زنده در حال اطراف و جویانه چته لرغین ایرو  
در سرعت و شتاب ایله . اوردور لرغین قاقوب قلعه فرج آباده درود و اطرافه . استحکام و خندق لرغین توخ  
ایدوب داخل و خارج جایی سراسر ایله قیوب برقات دنی قوت قلب بولوب برافرشکله دنی کیردیلر و  
وطننه و غلغله و های وهوی دیکر در ایله افلاکه زلزله ویردیلر بود قعه مزبور تاریخچه مجازی الأفرغ  
سنه مصادق و پارس . یلنه مطابقه واقع اولدی **داستان تسلط محمد غلجائی باصفهان در ابتدای**  
**سال پراختلور توشمال ییل** یله مزبور تاریخچه طوشان ییل ابتدا سنه برکونکه سلطان دارالقراریها  
یعنی آفتاب پرتو افشان محل شهرستانک فتح و تسخیرنه کرسنجا قله آچوب بهار لشکری هنگامه شتاکه  
بولن اوروب شهرستانی غارت ایلدی و هزارستان اغونلری چه هزارستان و طولوب ایله . فرج  
آباد چینه ولوله لر صالوب و هزاران بلیل زار و بلیج خار بای تحت کله شه پادشاه اولدی محمودیان اصو  
اصفهان محلاتک خارجه نهر زنده رود در اسنده واقع ارامنه محلاته بهوم ایستیلر اندر دنی و ذرت  
اوزره بولن غلغله غیرت و عیث . برله کندورنی محافظه ایدوب شاهه فریاد جیلر کونر دروب استمداد  
ایستیلر شاهن کندورنی یاسن کلی حاصل اولدوره ارامنه نکه پیرو اختیار لری جمع اولوب . و مشورت  
ایدوب اتلی عدد زرد زبور و انواع جوهر ایله آراسته و پیراسته باکره قیزرک الکترن طنوب  
میر محمودک دایره سنه هدیه نامیله . کتوروب و انواع اعتزاز ایله تسلیم و منقاد اولدیلر اغونلر  
دنی اول محلاته کروب سراسر ایله قونوب از قاترین بیوب لکن بر فرده تعرض ایتمدیلر ایرته کی . کون  
علی الصباح اول محلات جانیندن اصفهان جانینه . یوریش ایستیلر نهر زنده رود ایرده واقع .  
اولغله محاصره ممکن اولیوب قارشو قارشو برچه ایام طوب قلعه کوب و تفنگک رخد آهنگ .  
ایله حرب و ضربه قیام . ایستیلر بو انشاده شاه حسینک دجالنده غیر ترار و عیث شعار کسنه کی اولیو  
و کندورنی مسلوب الاختیار اولغله سراسر شاهین طرشه چقیوب و عکره دنی نظارت ایتمز اولدی عجم  
اتفاق ایدوب رجب شریفک بدیجی کونی شاهک بویکه فرزندی سلطان محمد مرزائی قائم مقام .  
شاه اولو اوزره تحته چقر دیلر بونلر بو حاله ایکن اغونلر جسر شیرازه یوریش ایدوب عجم دنی .  
کال کریت ایله و قعه سعی و کوشش ایدوب ضبط ایستد میوب اغونلردن چوق کسنه گرفتار پنجه  
قهر اولدیلر بر قیاج کونر نضک بر دنی یوریش ایدوب جبری ضبط و صدورن بککه باشلیدیلر عجم دنی  
بردن طویلره آتش ایدوب اغونلرک چوغنی طعمه اژده های طوب اولوب باقیلری فرج آباد فرار  
ایستیلر قفادن خادم اعمد مرزاد فی شتوب . عظیم جنک ایدوب اغونلر تمام مضحیل اولدیلر بود قعه

اغونلر

اغونلر کال خوف و اضطراب در شوب هیچ نه ایدر کلرین بیلیموب دیکه جوی وصلحه طالب اولدیلر  
اول کیچه هویزه خانی خاین و جانی خفته آدم کونر دروب عجمک ضعف حالن و قلعه نکه کیفیت  
فتحنی تحریر ایلدی پس اغونلر عجمک احوالنه واقف اولدوره صلیحی ترک ایلیموب و جنکک دنی ایتمیوب  
بو حال اوزره طور دیلر بونر نضک عجم لر بر دنی اتفاق ایدوب سلطان محمد مرزانیک اغونیان ایله  
جنکه سعی و قیای و خلوص و اهتمامی یوقدر دیو غزل و دمور قاپویه ارجاع و کوچک برادری مرزا صافی بی .  
تخته چقاروب شاه حسینه قائم مقام . نصب ایستیلر بود قعه عجمک اغونلرک کون بکون قوت بولدورن  
ازغان ایستد کلر نه هویزه خانی کندورنه صادق ظن ایدوب میر محمود کونر دروب صلیح طالب . اولدیلر هویزه  
خانی خود کلوب اغونلر تقویه . و یروب شاهه و ایدوب صلیح مجال یوقدر دیو صعبو بتر کوستردی اغونلر .  
برایکی آی اچنده اطراف و کنافه چته لر کونر دروب بی حد زاد و زخیره . جمع و تدارک ایدوب ایدوب آیره بر کون .  
علی الصباح آب سباد جسر نه هجوم و محافظه سنه مأمور اولون کورجیانی سیف و سنان و نهنگک تفنگک .  
ایله یک پاره هلوک . و افکنده روی خاک و اصفهانک چادر کوشه کنی محاصره و حمله . یوللری محکم سد و بند .  
ایلدیلر بو انشالده اطراف شهر لر دن اصفهان امدارینه . تجمع و عزیمت . ایدن باشن سز و ایاق سز عکر هرنه قدر  
جنکه مباشر اولور لر سه منزه اولور لر دی و علی مردان خانک کوچک برادری و ازر عکر و زخیره و مهمات کیش  
تدارک ایدوب . اصفهان امدارینه کلوب بر جانی آچقدور ملاحظه سینه عزیمت و اصفهان و وصولنده اغونلر  
قارشو چقوب جنک ایدوب عجمک منزه و مقتول اولوب اغونلر تماما . مهمات و زخایری . ضبط ایلدیلر اها  
لی اصفهان امدارن دنی مایوس اولوب متحیر قالدیلر جنکه اغونیان زخیره و مهماتی ضبط ایدوب اوردور لینه  
نقله مباشر اولدیلر ابن اصفهان نام . محله مجتمع اولون عاکر متوافر اغونلر قارشو چقوب . احوال  
غارت کرده بی اللرنن آلوب بن اصفهان نقل و چوق کسنه لرنی طنوب قتل . ایلدیلر میر محمود بود قعه بی  
اشد کده در حال بر مقدار کزیره و متاز عکر ایله . مزبور طائفه نکه . اوزر لر نه کیدوب عظیم جنکه ایلیموب  
ظفر موفق اولیوب چه لرینک کوی کله لری چوکان شمیر ایله پتان چه لری عجمیان اللرنه گرفتار و حیران  
اولدیلر میر محمودک قرناشی و عجمی زاده کی و پنجه بللو کسنه لر اسیر اولغله میر محمود . فی الحال شاهه آدم کونر در  
مزبور طائفه زینهار اسارای قتل و رنجیده . ایلیموب رعایت ایستونلر تکه بیز دنی عجم اساراسنی .  
اندره مکانات ایله لم علی الفور شاه دنی فرمان ایدوب بر معتمد آدمنی تنبیه و تا کید ایله اغونلر قونوب  
کونر دی محل مزبوره واصل اولدور لر نه کور دیلرک بجمه اسارای بردار و جدرنی احراق ایلملر اغونلر .  
کورجکک فی الحال اوردور لینه وارب میر محمود . و اغونیاننه خبر ویرد کده دیران عرصه هیجانک .



آتش غیرتدی زبانه کش و هر بری . خریک تند باد میت ایله یسار آتش اولوب آتزنه موجود اولوک عجم .  
اسیر لیکه کادرنی زارخان در عایا اعلی ادنادیموب جمله سنی بردار ایلدیلر . چونکه مرکور ماما حاکم عجمراخذ  
وضبط ایلدیلر خارجه . علی مردان خانکه اوزرنه مجتمع اولون عسکره دنی نفرت و وحشت کلوب اصفهان  
امداد حد امکانه اولدوغن بلوب . طاغدیلمر زاصفی شاه بو احوالی مشاهده و بودرده و واسیتره .  
اولدوغن ازغان ایریکه رجب شریفکه یگرمی بدی کونی . خلعت شاهی ارقه سندن خلع و کندوسن  
حکومتدن عزل ایلدی یینه شاهلور شاه حسینزه قرار بولوب اهالی . اصفهان امداددن ناامید اولوب  
کوردستاندن استمداد ایتدیلر انردن دنی جواب یاس کیلیک بالکلیه مایوس و باب امداد منسد .  
اولدوغن بلوب . شاه حسینکه . آخر اوغلی طرهما سبی ماه رمضان مبارکن یگرمی اوچینی کیجه کی طشع دن  
عسکر و زاده و ذخیره تدارک ایلکه ملاحظه سیه بر تقرب قلعه دن محروم کاغان طرافنه عزیمت .  
وردانه اولدی . اگرچه اطراف و اکنافه هر نه قدر جست وجود تک و پوایدوب کوردستان و رومیان  
و شیراز و لوردستان و کرمان شاهان و شرواندن . استمداد ایلدیسه ولم یصلح العطار ما افسده الله  
مضمونجه نکبت مستولی اولون طائفه یه امداد نه مفید اولوردیوب جمله سی اعانه دن در کردان او  
لیدر بعد طرهما سب . امورنزه متحیر اولوب و هیچ نه ایر جکن یلیوب قرزونه کلوب کوره لم عاقبت  
کارینه منجر اولوردیو منتظر اولدی ازیس جانب اغوانلر اصفهانکه جواب اربعه سنی مانند کرم . تمام  
اصاطه و در اغوش ایروب عشار و قبائل مترسری بر برینه شد و جمله بولدی حکم سدا ایروب وار  
قولنن صرف ایله برجه ایام . جنگ و طرفیندن هزاران دلاور لر سر رنقه طوب و تفنگ اولدیلر .  
و صفهان اهالیسی تغییردن خارج . حال پریشانه گرفتار اولوب شاشوب قالدیلر آتش .  
غلا و ناسر بلا جکر دن یا قوب سیلاب دیده لری جوشان و فروشان اولوب بناد وجود لرن  
یقردی آجله آتشنه . تحل ایرمیوب صوت بلند ایله باغرشوب فریاد و فغانلرن افلاک .  
چقاروب چاغرشور لری میته و مرداریمکه جان ویروب اطفال خورده ساللری بوغوز لیوب  
یرلردی . یورکلر بندا ایچون بندا کی چاک و جان قوشلری دانه ایچون دامه دوشوب هلاک اولور  
لردی آتش هسرت نان ایله درونلر . تودگی قیروب کلینی یساردی اول مرادتن خانه چشم لرنه  
خون جگر لری قطران کی قیناردی کوزلر شعاعی تماما کلوب انجه قرص خریندی کوردلردی آت و قا .  
طرو مار نایاب اولفله کلب دکری یرلردی انردن دنی نام و نشان قالیمی سواقا کرده ابلقدن .  
هلاک اولنلرکه لاشه لری که بر برینه چنتوب یساردی قصابدا اول لاشه لرکه بودلرن و یوشو

اتلرک

اتلرک . کوب ستار لردی پنجه شیرین . لب و غنچه و دهن نازینلر قایشن و کهنه با پوم پاره لرن و .  
پیزویاغ دری لرن صوره . میثروب شکر کی امر لایدی . پنجه خان زاده سایه پرور بانولر مستغرق .  
سیم و زر و درو کوه کس کردن جوهر زانولر نان دیر جان دیر لر لردی و کم میوه تناول ایتینلر باغ .  
زند کایندن اتک دور لردی و هر نوع اوزروم . مینلر تکا کلرن یا پراقلرن و قابقلرن دوشور لردی .  
ابریشیم . جامه یکمکه وجود ویر مینلر پیله قوردی کی . پراق یکمکه صاومشیدیلر باد ملو حلو اولدو قطایفه  
اغز ایتینلر . اغاجلرن کولکرن دوشور مکه . دروشیدلر بردانه سیاه نخود ایچون رفیقلرن اولدر لر لردی  
بردانه طاروی غشیاشن حباتی کی بولشور لردی . صوغان و هر سوه و ماشی و مرکک . لعل و یا قوتدن  
عزیز اولدی مطبخ اوجاقلری و خاندانلر . پراقلری بی نور و نابدون نا چیز اولدی لاله لاله کباب ایر  
مک ایچون باغرنه داغ اولدر لردی قری توخو بود اقلره هسرت اولوب کولور دیوب جاغر لردی نفس .  
اصفهانده حرب و قتال ایله افکنده . روی خاک و شدت جوع ایله سواقا کرده هلاک اولنلرن .  
تعدادی . حددن بیرون . و پنجه کره یوز بنگدن افزون ایری عاقبت سرای شاهیده ماکولوت . قسندن  
زره قدر نشنه قالمیوب شاه و رجال بر برینه . اغلشوب و داعلشوب سر ایدن طشع چقوب کوردیکه .  
سواقا قلمرده لایله مالامال و زنده ر . کی مفظرالحال و کی مانند هلال اولمش شدت کویه و زاریدن آه  
آتشباری افلاک صعود و سیلاب دیده لری نهر زنده رود اولوب اول . اخشامه دک شهری کزوب  
و هر کس ایله و داعلشوب بعد سراینه کلوب و رجال ایله مشورت قلوب شهری اغوانه تسلیمی تقیم .  
ایتیلر ایرته سی کون علی الصباح که تاریخ بنک یوز اتوز بنه بالغ اولوب محرم الحرامک اون ایکنی  
کونی ایدی مطابق پارس ییل شاه حسین قیزی ذیب و زیور ایله تیزین و کند و فلو صکار لرن بر قاع  
کسنه ایله بعض قیود و مواد ایراد ایروب کوندر لردی اولکی ماده کندونی بدر مقامنه قیوب هر رجاسن  
قبول ایله ایکنی ماده عیالنی والده مقامنده بلوب خوش طوقه اوچینی ماده اولردنی کوچک برادر  
لری مقامند طتوب . رعایت ایله در دینی ماده ارباب دولت ینه جایجا مناصبده قالب صدائته  
خدمتند اولدر بشنی ماده رعایا و بر ایایی خوش طوقه التینی ماده جمله احکامنی شرعه تطیسو ایله .  
بو ماده مخالف و مغایر حرکت ایلرک شرط و قیود رمواشو و عهدی قبول ایله شهری کندویه تصدیق  
شاهلقدن فراغت ایلکی نیاز . ایتش میر محمود دنی جمله عهدیه قبول صورتن کوستروب الله و عظیم .  
الشانکه اسم شریفنر یاد پیغبر علیه الصلوة والسلامک معجزات کینرالبر کاتلرینی ایراد ایلدی اول  
آدملرنی شاهه ارجاع و برابر مرقع . اتلر شوب شاه و رجال اول اتلره سوار اولوب . فرج آباده کلوب



بولشوب عادت شاهانه. اوزره کوردشیلر و اول مرتکش تاجک باشنه شاهان تاجنی کوردیلر  
میرمحمد همان اول اختام سرای شاهی و فرائضی ضبطه و ترتیب و تنظیم سار. ۲۰۰ اوردماهه به امان  
الله خانی کوندردوب سواقارن تطهیره و قاپورن. محافظه به عسکرتین اولندی شهر مزبورک اوندرد  
بخی یکشنبه کونی الایلر ترتیب اولوب فرزند عونی و بیادش ایلر شهر اصفهانه و خول و تخت شاهی به  
جلوس ایلدی. مترجم فقیردیرکه میرمحمد و جمله اغوانان سنی سنوی اولوب صاحب کتاب راضی.  
الذهب اولفته میرمرقومک تحت شاهی به جلوسدن ناشاد و کندوبه. راجع ناسزا تقیراتی ایراد ایلدی.  
و قتا که میرمزبوری تحت شاهی به اجلاس ایتدیله جمله ایش اولدی و لشکر کارده لری کلوب رسوم شاهانه  
اوزره کوردشوب صداقت برله خدمته ثابت و راسخ اوله جعفرینه عهد و عین ایتدیله میردنی اهالی  
اصفهانن مضایقه دفع اولسون ایچون همان اول کون جواندن ذخیره کلکسه. اهتمام و بزل محمود.  
ایلیوب مقرر حکومتده استقرار بولوب کندونی و قلعه نواصینی محافظه به نقیده اولدی **ازین جانب**  
بوداقه داهییه دن اهالی قرزین خیر اولدقلرنه. شهزاده طهماسبی اورنگ شاهی به اجلاس  
و جمله خدماندن ماسر فرد و رسوم بیعتی برینه کتوب اطرافه بیعت خبرن اشاعه. ایله بیکر ارسال  
ایتدیله نکتته سنجان قرزین شاه طهماسبک تحت جلوس تاریخی آفرماه محرم استیخاج ایتدیله.  
یعنی بنک یوز اتوزیش تاریخند محرم الحرامک آفرکونی طهماسب مرزا تحت شاهی به جلوس ایلدی  
میرمحمد ماه صفر خولنده امان الله خانی سکر بنک اغوان ایله. قرزینه تعیین و اهالیسته خطابا  
امر ارسال اولنوب مضموننده امر سزه واصل اولدقلره. جمله کز مطیع و منقاد اولوب شهری عکریه  
تسلیم و طهماسبی طرفیم ارسال ایدر سز طهماسب خیر اولدقلره یا ننده موجود عکریه آذربایجانده در  
براه اولدی قرزین اهالیسی شاهی کندوردن و در دشمنی پر زور کوردکلرنه راه مدارایه سلوک ایدر  
کندولره تعرض ایتک قیود و عهد ایله شهری اغوانده. تسلیم و قونقلر توزیع اولنوب بقعه بشقه  
قوندریلر اما اغوانان شهره دخولدن صکر عهد. میثاقی کلیئا انوب عهد مخالف و مفایر.  
وضع و حرکت شروع و ناسزا اموره اقدام ایتدیله قرزینسی بوندرک تعزیرنه طاقت کتور میوب ولایت  
مرکاتری حوصله لرنه صغیوب برارایه جمع. و مشورت دیکه دل یکجهت مرتب اولوب ایله مو  
عوده لرنه هر میزبان کندومها نخی قتل مبادرت ایتدیله خارج شهرده باغلرده بولنان اغوانلر اهواله  
واقف اولوب. فرار ایدر کله قرزینسیان انله دنی هجوم امان الله خان زفنانک و باقیلری کنجیده  
سنگنای حفرة خاک اولوب بنک مقدار اغوان کوجیلر سمنه کزیزه سوار و اصفهان جانبته عنان تاب

فرار اولد

۱۰  
فرد اولدیله میرمحمد بوفرد اصل اولدقلره اصفهانلور دنی. بوکونه فاده جارت ایدر کلرن.  
و کون بکون قوتنه ضعف و ضعفه قوت کله چکن فهم و ادراک. ایدوب یوز اون دورت  
نفر معزول خانلردن و سار رجال. و اعیانندن ارباب اموری دعوت و عظیم صیافت ایدر  
اشاء عیش و عشرتده جمله سنگ شجره. وجود رک بریده. اده تدبیر ایلدیله اندرون خانلردن  
صغیر و کبیر چار شورده و سواقارده. قزلباشیه دن هر کی بولدیله سه هلاک و قبای حیاتلرن.  
چاکچاک ایتدیله نواهی و حوایی کشت و گزار ایدوب حرب و ضربه قادر اولندی باجمله ایستصال  
قزلباشیه لاشه لریله اصفهانک. درون و برونی مالامال ایتدیله اغوانیانک بودفعه قرزین  
وقعه سنه مکافات. ایلدکلری اعداد مقتولان جمله دن افزون و حد دن بیرون اولدی بوداقه  
دنی بر طرف اولوب اغوانیانه نوعا امنیت حاصل اولفته. عاکر و افزه نکه مهملابقا او  
لوعسی و اکور طیب اطرافه واقع بلادک دنی فتح و تسخیرنه زبردست خان سردار نصب و  
بعین اولنوب این اصفهان و کز نام. قصبه لری لاغم و هجوم ایله ضبط و زیر حکومتلرنه ادخال  
ایتدیله و سار قری قصبات. خانلری باجمله اطاعت ایدوب سر فرود ایلدیله. اندنصکر یلدرم خان  
سردار نصب و شیرازک فتح و تسخیرنه تعیین اولندی عسکر شرازه واصل اولدقلره اهالی. شیراز  
قادر شو جقوب عظیم جنگ و یلدرم خانی. طره نهنگ تفنگ ایلدیله میرمحمد بوفبری اشتد کده.  
عجالت زبردست خانی سردار نصب ایدوب عسکر کوندردی زبردست خان عسکر واصل اولدقلره  
عظیم کریمت ایله قلعه یی قوشادوب مترسری بر برینه شد و باجمله در بندلری و کجتلری سد. ایدوب  
طقوز آی مقداری حرب و ضربه قیام و اهتمام تام. ایتدیله چون محاصره شیراز طول و دراز اولوب اها.  
لیسنه عموم بلاد غلا استیلا ایدوب. شهری اغوانده تسیم تمیمی بینلرنه تسیم اولنوب ناچاره.  
صلحه طالب اولوب آدم کوندردیله اغوانیان صلحه میل ایتدیله اعمال سیف و سنگن ایله بردن یوریش  
و قلعه یی اخذ و ضبط و درون حصاره و خول و قدوم. و جمله احوال و اشیا لرنه نهب و غارت ایلدیله  
اول حوالیده واقع قری و قصباتی دنی اطاعت ایتدیله بعد کلبیلند نام. شهری یوریش ایله آلب  
و کسان اهالیسی باطوع منقاد اولوب شهری میرمحمد تسلیم ایتدیله آخر الامر بلاد بختیاری و کوه  
کیلان و سار نواصیده واقع قری و قصبات قزلباشیه میرمحمد همدن بیرون. خارته جارت  
ایتدیله میرمحمد. و سوسه نفائی غلبه ایدوب کندوسنده آثار جنون ظاهر و باهر اولفته امر ایدوب  
شاه سینک زکوردن اولان اولاد و قرباتدن سرای. شاهیده بولنان شهزاده لردن اتوز. بر نقره.



و متعلقاً سندن دنی چوق کسنه ری سا طور آبار ایله سران سرای سلطان ایلدیر شاه  
 حسین هر نه دکلو شفاعت و عهد و میثاقی یاد ایلدیه مفید اولدی عاقبت جنون قوی و فاجع شیر  
 کندویه طاری و بالجه عقل و ادراکدن عاری اولغله بی . تاب و طاقت و صاحب فراش اولدی اغویا .  
 انوک حیانتدن مایوس . اولیچو میر محمودک عمی کی عبدالعزیزک اوغلی اشرف سلطانی زندان  
 چقروب بنک یوز توزیری تاریخنده . شعبان المعظمک اون ایکنجی کونی تحت شاهی به . اجلاس  
 و بالجه بیعت ایتیلد اشرف سلطان . فرصیاب اولوب پدیری انتقامک اغزه بهانه سیله امر ایروب  
 میر محمودک فراشنده باشنی کسوب حضورینه کتوردیلد شاه هسینک خاطر نه نوعا مراعات و طبیب  
 و تسلی ایچون مقتول شهزاده رینک نغشه لرئی زیر زمین چقروب هر برئی بر رصنقه وضع و داد  
 لومنین قسم نام . شهره شاه هسینک اجدانک مدفن اولان قبرستانه . کوندروب دفن ایتیلد بونون  
 حکم من حیث الاستقلال سریر حکم اینده جالس اولوب ایام سلطنتنده کرمان و یزد و بنادر و قم  
 و قزین و طهران و عراق و فراسان سرحدی اولان . بل کوبریه و ارغجه قدر ضبط و تصرفه ادخال  
 و تحت حکومتده قرار داده اولدی . دیکر وقعه غلبه درسته بارالمرز کیلان بو مقالک توضیحی اولد که  
 چونکه اداره علیّه ازلیه ایله ملوک صفویه نکه دولتری ذواله مائل و محمود خان افغان شاه حسین  
 ایلدیر تخت گاه . اصفهانه نائل اولد قده شهزاده طهماسب قزین جواننده بولنوب شاهلق ادعاسنه  
 دوشمکه اعظم اسباب سلطنت و شاهی اولان خراس و سپاهیدن محروم . وجواب اربعه دن دیار  
 ایرانه هجوم ایرن خصوم . ایله مقادته عدم قدرتی مجزوم اولغله گاه نخوان دکاه تبریزه ورود و اها . ه  
 لسنک کندویه طرفدار و اغورینه جانشپارلق اظهار ایتد کلرینه بنا کرسی مملکت . آذربایجان  
 قعود ایروب نوبت شاهی کندوسنه انتقال ایتک تمنا سیله تأیید و تاکید ایچون مسقو چارینه . نامه  
 و پیغام ارساله استیجال ایروب اسمیل بک نام . کسنه بی ایلی اولوق اوزره تجیز . و چاره  
 مقوره مزبور ایله ارسال نامه و دست آویز ایلدی مضموننده افتخار الامراء العظام الیسویه مختار  
 الکبراء الفخام الیسویه مصلح مصالح بما هیر الطائفة التصرایة صاحب ازیال الخیرة والوقار صا .  
 دلایل النجد والاعتبار مسقو ولایتلرینک جاری و جمله روسک و اکاناتیچه ولایتلرینک فرمان فرما .  
 و حکمداری اولوب دولت صفویه نکه صلح مؤبد ایله دوستی اولان پتر خمت . عواقبه بالخیر و الارشاد  
 و احسن الیه بسیل الصواب و التدراد بر قاج سنده دن برو شاهک رعایا سندن اولان میرویس  
 اوغلی . میر محمود افغان پدیرم شاه عجمه عصیان و فرج و ممالک قراننی اغزو ضبط و شاه حسین .

اولاد و عیالی ایله ایلدیر تخت اصفهانه عروج ایلدی سلاله شاهیدن اولوب طرش ده . بولنغله .  
 طائفه عجم یا نده اجتماع و شاه اولوق اوزره محبت قدیمه . و صی جواره بنا آ احوال پریشانی دولت  
 درسته به اخبار و انهاد استمداد . التجا کندور رعایا لر یزدن دولترین عجم ایچون ایدن اعدا و خصوی دفع و  
 قدیمدن سلاطین اعجامک تحتکاهی اولان داد الملکک اصفهانه بنی وضع ایله کر التماس اولنور خصوص  
 مزبور حصول پزیر اولنجه قرین ظهور اوله جو مصارف کثیره مقابله سنه . در بند و باکو و کیلان و ما  
 زندان و نیاز آباد و استر آباد مملکتلری الی الابد چارکک ضبطنه قالمو اوزره تسلیمنی التزام و  
 انواع ایمان ایله عهد و پیمان . ایدرم که طرفیزدن و سار شاهان طرفلرین خلافتنه وضع و حرکت  
 اولنیه . طهماسبین مسقو چارینه بو اشارت بهانه اولوب فی الحال بحر مرز ایله عکر کوندروب  
 و باکو قلعه سن ضبط ایتد ک نصکک ساحل کیلانده رشت نام مملکک ایماننده . لنگر بر اقوب و رشتده  
 تحسین ایله جک پلنقه بنا سنه مبادرت ایلدیلر دولت . عثمانیه طرفلرین سواحل بحر مزبورده ه  
 واقع بعض بلدان علی الخصوص ضبط . تسخیری مقصود اصلی اولان باکو قلعه کنی عجمک تصرفند  
 نزع و تخلیصه . علی جناح الاستیجال ارسال اولان قره مصطفی پاشانام وزیر اوزر لرینه عکر چکوب  
 مره آهنگک و بر مقدار اغراش و جنگک ایلد کلرینه مسقو چارینک سرداری وزیر مشارالیه حضرتینه  
 رقم یازوب عجالته کوندردی مضموننده محمود . خان افغانک اصفهانی ضبط و تسخیر و شاه حسین .  
 اولاد و عیالی ایله دستگیر . ایتکله دیار ایران بر هزده آشوب و اختلال و دولت صفویه قرین زوال  
 . اولغله شهزاده طهماسب سلوکک جاده دجا و سایه حمایه چار باوقاره التجا و قرین ظهور اوله جو  
 مصارف کثیره مقابله سنه شو قدر بلاد الی الابد چارکک . ضبطنه قالمو اوزره تسلیمنی التزام و انواع  
 عهد و پیماننده بنا عادت ملوک . پسندیده سلوکک اوزره مأمول و ملحوظلرین زیاده تکریم و توقیر  
 دیار ایرانک نظامی صورت پذیر و کانی الاول موروث پدیری اولان تحت اصفهانه تمکین و تقیر و ه  
 و طهماسبک دوسته دوست دوشمنه دشمن اولوق اوزره دو بره اولوب مسافه ورود رازی طی  
 ایروب خصمانی دفع و دفع و قهر و تدبیر چار بیزینکک امری اولمشد چارکک دولت عثمانیه ایله مصا  
 لحه سنه مفایر وضع و حرکت . یوز لمشدردی و ختم کلوم و بواد عایله بلاد مذکوره به حرب و ضرب ایله .  
 قیامه اهتمام تام ایلدیلر اما اغزو ضبط ایلد کلری بلادده . امراد رعایا اموال و مواشی سندن برسنه  
 تعرض ایتدیلر بواشاده . چار جانندن برر داد فی اون بنک مسقو عکر یله کلوب امداد لرینه تشدید  
 جمله بیکه دل و بیکه جهت اتفاق و اتحاد ایروب داد المرز کیلان نیاز آ باده . و ارغجه ایتلا و قبضه ه

11



تقریرینه اذخالی ایلدیرلر طرهما سب شاه بو وضع و حرکتنه نادم اولوب طرفدن سرعکرنصب تعیین  
اولوب وشت نام محله جنکه آهنگ و قزلباشیه منہزم و سمنگیزه سوار و طرهما سب جانبہ  
عنان تاب فرار اولدیلر مسقوکفره سی رشت و کهرم و اول نواصیہ واقع قری و قصبائی اخذ و ضبط  
و بلا معیت با استقلال یکی سنہ متصرف اولدیلر مزبور اسمعیل بک نام الجینک و قلندریا  
نکے ماصوله ده تمثیت و مسقوکفره سی ایله اتفاق و اتحاد و تقویہ لیلہ بی جنکے و  
جدال و بلا حرب و قتال لاهیجان و قلیجان نام بلده لری دخی اخذ و ضبط و دست تقریرینه  
کتوردیلر بوتخیزات مسقوچارینکے منکوش کوشی اولدقده بالذات قراجا بنندن شد رحیل و  
قیز قلعه سمتدن نہایت سز عکر ایله روان و بلاد مسیحی نکه ترتیب و تنظیمه انکے درمیان  
اولوب و در بند اھالیسی دخی ازن و رضالریلہ اطاعت بابنی کشاد و نزاع و مخالفتی کساد  
و چار مسفوری استقبال و درون قلعه یه ایراد ایلدیلر چار مزبور دخی نارین قلعه در بندی  
و تخلیه و محافظہ سنہ اوج بنک سوارات تفکیکی روسیہ قویوب با و کوبه و سالیان نام قصبه  
لری دخی ضبط و بالجمله مقاطعاتی اخذ ایله اکتفا ایدوب سنہ مقرر سلطنته رجوع ایلدی **دیگر**  
**استیلای رومیہ است بر ممالک آذربایجان** بو مقالکے توضیحی اولدر که چونکہ شاه طرهما سب  
قریندن قالقوب تبریز جانبہ روانه اولدی دولت عثمانیہ طرفدن تفلیکے فتح و تسخیرینه  
ارزن الروم و ایسی سحرار ابراهیم پاشا سرعکرنصب و تعیین اولوب ارزن الروم دن حرکت  
و قارصده قشایوب تفلیس خانی اولان دختانه اطاعت دولت عثمانیہ یه تحریص و ترغیب  
در اہ عصیانہ سلوکن عاقبتندن تحویف و ترہیبی متضمن ایلدی و مکاتیب ارسالندن خالی اولوب  
مسفوروختان گاہ اطاعت و انقیادہ رغبتی مشعر معاملہ و گاہ بعض شروط و قیودہ تعلیقی حاوی  
مکاتیب ایله مقابله ایلدی و گاه اشنادہ طرهما سب جانبندن محمد قلیخان چار و تلہ لی و سائر لڑکیان  
کلیتو عکر ایله تفلیس جانبہ ایلغادر و بکیر و شهر مزبوری ضبط و تسخیر ایتکله دختان خان  
کوری قلعه سنہ فرار و سرعکرمشار الیہ عرض عبودیت و رجاء دولت عثمانیہ یه التجا ایدوب  
سرعکر مزبور قارصدن قالقوب چلدر ایالتنه تابع اخلکلکده برقاچ کون اقامتی اشنا سنہ  
مسفوروختان خانکے قرنداشی یه خان و اوغلی شهنواز خان اطاعت و ہمیلہ کلوب و دختان  
طرفدن دولت عثمانیہ یه اهداستی تصمیم ایلدی کی کوری قلعه سنی ضبط و تسلیم اچون بر مقدار آدم  
ارسال اولمہ کی نیازی اولغینی سرعکر بر بایراق لشکر قلعه مزبورہ طرفنه ارسال مزبور لری دخی ارضای

عنان و شتاب و نصف الیڈہ پیرامن حصاره داصل اولوب نکر ہاندری فتح باب ایلیوب حصار مزبور  
بو طریق ایله داخل اعداد ممالک عثمانی اولدی و دولت عثمانیہ سربو ابلندن محمد اغا نام کسنہ تفلیس  
و اروب محمد قلیخان حنکار حضرتینہ اذل و جان بندہ فرمان اولغہ تشویق و ترغیب و مقدماتی  
ھاکی اولان دختان خان دخی دولت عثمانیہ یه اطاعت و مفتاحنی تسلیمه استعمال و سپہ سالاری  
مزکوری استقبال بی جنکے و جدال و بلا حرب و قتال قلعه یه اذخالی ایلیوب بو طریق ایله مزبور قلعه  
دخی ممالک عثمانیہ یه منہم قلندی چونکہ تاریخ بنکے یوز اتوزیدریه بالغ اولدی ابراهیم پاشا  
تقلیدن عزل و عارفی امد پاشا سپہ سالار نصب و تعیین و تفلیس محافظی اولغہ ارسال  
تفلیکے ترتیب و تنظیمدن فارغ و جوانبہ منانت و استیقامد نضک التمش بنکدن متجاوز عکرایہ  
قالقوب اربہ چایی نام محله چادر لرن قوروب قلعه روانکے فتح و تسخیرنه روان دخی جناح  
الاستعمال شتابان اولدیلر ناچار نوای بکری داوج کلیا با پاسی بالجمله استقبال و اطاعت  
ایله فارغ البال قلندیلر آب زنیکنکے برجا بنندن محاصرہ یه مبادرت و طرف طرف مترسل اولغہ  
مباشرت و طوب و فوج اچون طایبہ لربنا و ایرتہ کی کون حرب و ضربہ آغاز و قزلباشیہ دن چوق  
کسنہ رادواہنی هوایہ پرواز ایتدردیلر و برقاچ ایامدن صکر کردن و اغوانان و سائر تفکیکیان  
کلیتو پیادہ لر مانند نهنکے زنیکندن شہرہ عبورہ آھنگے و اول کون افشامہ قریبہ دکے جنکے ایدوب  
قرلباشیہ دن اون بنکدن متجاوز طوع شمیر وادن بشن بنکدن متجاوز اولاد و عیال لرن اسیر ایدوب  
د نہایت سز مال و مواشیہ سیر اولدیلر و ایرتہ کی کون یسنہ جنکے آغاز و طرفیندن طوب و فوج لرن اذ اولوب  
بو اشنادہ عثمان پاشا نام وزیر دخی کلیتو عکر ایله امداد لرینه داصل و اھالی روانہ کال خوف حاصل  
اولغہ استمہال و استیماندری مفید اولیوب سنہ کال اول ابقاد ناسرے کارزار و طوب آتشبار و فوج  
صاعقہ کردار ایله جنکے و قلعه ده متحصن اولان اھالیکنکے کار لرنی تنکے ایتدیلر تکرارینہ آدم  
کونزدوب و ای و امان استملری مفید اولیوب برقاچ ایام طوب و تفلیکے ایله جنکے قیام و قلعه  
التنه لاغ و یروب آتش و یروب لاغ آتلدقده تأثیری اولغہ هجوم ایدن عثمانیاندن چوق کسنہ  
زفناک و نیچہ لری ہلاک اولدیلر برقاچ کوندن صکر یسنہ لاغ یورودوب و جملہ نکے اتفاقیہ هجومہ  
قراردادہ اولوب لغہ آتش و یر لکده یسنہ تأثیری اولیوب نیچہ لریکنکے کادی زار و نیچہ لری ز فداد اولدیلر  
بو اشنادہ نخجوان اوزرینہ عکر ارسال ایلیوب قلعه مزبورہ ی فتح و تسخیر و اھالیسنی بالجمله اسیر  
ایتکلری خبر و اداد اولغہ عثمانیان شاه مان و اھالی روان حزینان اولوب مدت محاصرہ برآیہ بالغ اولدقہ



چوق کسته آهنک فرار و جزئی . عسکری پادار و فتح قلعه دن کند و یاس کالی حاصل اولمش ایکن .  
ینه مهر جانبدن و افراد لری کلوب دیرانه آغاز جنگ و لیل و نهار اعمال طوب و تفنگ قلندی  
و ایکی لغلرته روانیدن واقف اولوب ابطال ایتدیله بوضولده عفونت هودن رومیانه عارض اولد  
علل و امراض سببیه جنگدن اعراض صد دنده ایکن نخجوان اوزرینه ارسال اولنان عسکر نخجواندن  
قالقوب اوردوباد نام شهر اوکنده طهما سب شاه جانبدن منصور خان سردار نصب و تعیین اولدوب  
کزبنک قدر قزلباشیه ایله . دو بره اولوب روانه امداد تصدیله . روانه اولان عسکر تصاد  
و جنگ و جدال و حرب و قتال ایله سردار مزبور . منزه و طهما سب جانبدن فرار . و بر قاج یوز قزلباشیه  
طوبه شمیر آبدار اولوب و اهالی شهر دخی اقلان و خیران . شهره کیزان عسکر رومیان دخی اندری تعقیب  
و شهره داخل بو طریق ایله اوردوب یادک ضبط و تسخیرینه نائل اولدیله بوضوموش رومان جانبدن .  
واصل اولدقده رومیانه هیات جاوردان کلوب برکون علی الصباح مصریلر طایبه کدیکندن قلعه  
چقوب و سنجاقلر دیکوب ایکی قلعه ده مغلوب خواب اولان قزلباشیه یی قیروا اوچنجی قلعه یه صعود  
لرزه اهالیسی خبردار اولوب اوزرینه هجوم و اعمال سیف و سنان و زنهک تفنگ ایله جنگ و طرفیندن  
بشن یوز قدر آدم کیمی ذمناک و کی افتاده خاک اولدیله بواشناده تفلیس و ایسی مصطفی پاشا .  
عجالتیه ایالتی عسکر ایله . روان جانبدن حرکت و کمال سرعت ایله واروب عثمانیانه اقتدار کالی حاصل  
اولوب کمال اقدام ایله حرب و ضربه قیام اولدی یینه اهالی رومان استمهال و استیمان . ایتدکلرزه مفید .  
اولیوب تکراراً اعیان رومان و شیخ الاسلام . واروب مفایتی سر عسکر تسلیم ایلیوب بو طریق ایله .  
درون قلعه یه داخل اولدیله . یینه مزبور تاریخده وان هاکی کوپرلی اوغلی عبدالله پاشا عا کر .  
پیشمار ایله خوی طرفدن تبریز چا جانبدن دو بره اولوب طسوج نام قصبه یه وارد قلرزه طسوج  
محافظی رضا قوی و قربان علی بر قاج بنک قزلباشیه ایله استقبال . و جنگ رضا قوی گرفتار شمیر  
قربان علی مبتلوی اخذ و تنک لشکر بی سردار عنانتاب سمت فرار اولوب عثمانیان فرصتیم و علی الفور  
طسوجی ضبط و تسخیر ایتدیله . و مرز نام شهرک اهالیسی قلعه یی تخلیه و فرار ایتدکلری منکوش سر عسکر  
اولدقه مزبور اهالی جمع و اسکان و محافظه سینه عسکر تعیین ایلیوب . طسوجدن حرکت و انشای  
راهه اولان کوزه کنان و شستر اهالیله اظهار اطاعت . ایتدکله یچلرینه ضابطلر قیوب تبریزه  
عزیمت ایلدیله . شهره ینم ساعت مقداری محله وارد قلعه تبریز خانی اون بنک قدر قزلباشیه ایله قارشو  
چقوب بر مقدار جنگ و جدال و حرب و قتال نصکد خان مزبور منزه ما . فرار و عثمانیان انلرینک متر

سردنی جای قرار طوب و فبره استقدار ایله بچه ایام حرب و ضربه . قیام ایتدیله هر دفعه ده طرفیندن .  
بچه را سیر و بچه لر طوبه شمیر اولدیله چونکه . تاریخ بنک یوز اوزرینه بالغ اولدی مرقوم خان یگری  
بنک قزلباشیه انتخاب و اشتران . اوزرنده و فرطوب و زنبورک استصحاب ایدوب لشکر عثمانیا  
نک مقدمه الجشندن . سکان نفر پیاده طوبه تیغ و بنک قدر سوار ایله پرخاشی ایلدکلرزه . اهالی  
اوردو قتاله واقف و عموماً پاشایان عجالتیه روان اولوب بازار قتال . کرما کر اویلی قزلباشیه  
منهزم و عثمانیان مهمات متروکه یی اخذ ایله مفتخ اولدیله شتاتقرب ایتدکلره اوردورین قالدور  
کرویه عودت و شستر اهالی بنک اولاد و عیالدرک اسیر و رجاندک طوبه شمیر اولد سینه طسوج  
و سلس نام قصبه لرده قشایوب ایرتکی بهار عسکر پیشمار ایله نصب خیام ایدوب صوب  
مقصوده حرکت و ماه ذی القعدة نک اون یبخی کونی مانند سیل پرچوش و سپاه دریا فروش اییا  
قلری توی ایله طایبه لر بنا و مزغلدرک و راسته تفنگ . انداز لر قیوب هر طرفدن هجوم و فرار قلعه  
یه عروج و دروازه لری کشاد بو طریق ایله تبریزه استیلاد و نائل مراد اولوب اهالیسی عموماً . قلجدن  
کچور دیله . یینه مزبور اوزالتی تاریخده بنداد و ایسی سن پاشا سهرالار نصب و کلتیلو عسکر  
ایله کرمان شاهان جانبدن فرس دان و عرصه ایران زمینه قیامتدن بر نشان و یرملر ایله کرمان شاهان  
خانی فقراد کامرانی و جمله امراد عیالی . استیلای بیم جان ایله استقبال و انقیاد و رومیانی درون قلعه  
یه ایراد بو طریق ایله فتح باب و نیل مقصود ایله کامیاب اولدیله چونکه تاریخ . بنک یوز اوزرینه بالغ  
اولدی سن پاشانک روز نا بچه عمری تمام اولوب . اوغلی اهد پاشا سر عسکر نصب و جنود نا محدود ایله  
صوب همدان و اول دیارک فتح و تسخیرنه روان و قلعه قریزه . نصب خیام ایلدکلرزه اهالی همدان قارشو  
چقوب دستمانه جنگ بچه کله لر میان خاک و خون غلطان و بچه لر حیران و دنک اولدقه . اهالی شهره  
تحصن و رومیان شهرک قارشو سنده متین و مرتفع . طایبه لر بنا ایدوب بر جانبدن طوب قلعه کوب و نهنگ .  
تفنگ ایله جنگ و بر طرفدن هجوم ایله احوال اعجابانی بریشان و تنک ایدوب اول او انده حاکم همدان اولد  
فریدون خان حمله انبانک مکریه رومیان اعمال سیف و سنان . جانستان ایدوب محل کارزاری لوله  
ستان ایدوب قزلباشیه سمت عصاره عنانتاب فرار و دامن قلعه یه و ارنجه بی حد و شمار عازم دارالقرار  
اولدیله . و رومیان و در حال ادج ملدن یوردتدکلری لاغم آتشد و یروب قلعه نک بر جابنی هوایه . بران  
و متر سلرین خروج و یردیاندرا ایله طرف طرف فرار قلعه یه عروج بچه لری مغلوب تیغ تابدار اولغنه .  
قعرزمینه واصل و بچه لری نیل مقصود ایله درون قلعه یه داخل اولوب بو طریق ایله همدان ضبط زیر حکومت

۱۲



رومیان اولدی. واندنضکره اضرورم والیسی صادر و مصطفی پاشا قرق بنگون مجاور لشکر ایبه روان  
جانبین دربراه ولوری قلعه کی محاصره و دورت بش کون طوب و تفنگ ایبه مردانه جنگ و مشاخر  
ایلیوب اهالیسی جمله کسور شکارینه تاب آور اولامیه جقدرنی بیلوب بنک یوز اتوز کز تاریخند  
ماه ذی القعدة نکه یکر می. در دخی کونی بالجمله عرض اطاعت و قلعه یه ادخال بو طریق ایبه لوری.  
قلعه سی ممالک رومیانه الحاق اولندی. بر قاج ایام لوریره مکت و آرام ایلیوب واندن. کجه.  
جانبه عزیمت و واصل اولد قلدی کون اوج قولدن مترسیر آلفه ماریعت و اهالیسی جنگه  
مبادرت و اول کون اخشامه دک و اخشامدن بامه دک جنگ و جدال و حرب و قتال ایدرک جوانب  
شهری مانند کرا حاطه. ماه ذی الحجه نکه یکر می التخی کونی یورینه اغاز و درون قلعه یه فول  
اهتر از و قزلباشیه نکه قاندریه شهرک سوقات و چار سولری نادان خون. و ریخته شمیر.  
ایبه قاندری نهر همچون. ایلیوب بو طریق ایبه کجه یی تسخیر و اولاد و عیالدرک اسیر و مال مفتنم  
ایبه سیر اولدیلر. بو کونه استیلای رومیان انجمه منتشر اولیجو طرفان آشوب و هلاکون.  
احتمال چون قره طاغ خانی عرض انقیاد و اطاعت ایتمکله قره طاغ حکومتی حاصلنی طرف میریه  
تسلیم ایتمیلر و اردبیل اهالیسی دخی کوپرلی اوغلی عبدالله پاشا طرفندن ترغیب و ترهیبی.  
مشمول یورلدی فرستاده و قبول اطاعت ایتمکلی صورتیه مال و جاندرینه امان و لجاج و عناده  
سالک اولد قلدی حاله قهر و تدمیر اولنخقدری نمایان قلند قده لشکر دشمن شکار کسور کشانک  
جمله کوه اندازینه تاب آور اوله میه جقدرنی فهم و ادراک و بالضروره انقیاد ایتملریه شاه طهماسب  
اردبیلدن ستر حیل و طهران عزیمت ایلیوب سر عسکر جانبین کلتیولوشکر ارسال و قلعه یه ادخال  
بو طریق ایبه صاحب تسخیر و اردبیل کیر اولدیلر و اندنضکره مغانات و زنجان و سلطانیه و محال.  
کرازی نام بلده لری اخذ و ضبط و خطه تصرفلریه ادخال ایتمیلر اول و قنده شاه طهماسبک جلوس  
سلطنتی یکی سنه یه بالغ اولمشیدی. اختلال آذربایجان و شاه طهماسبک جانب طهران روگردان  
اولدنی اشرف خانک منکوش کوش اولد قده اصفهان دن عزیمت و طهران جانبیه ماریعت و طهرانک  
جنوب جانبنده واقع اندرمان نام قریه ده ضرب خیام و بر قاج ایام مکت و آرام و شاه طهماسب  
طرفندن قزلباشیه مقابله و سلمان آباد نام محله جنگ و مقاتله ایدرک نائز قتال اشتمال  
بولد قده قزلباشیه منهنم و بریشان و سمند کزین سوار و طهماسب جانبیه عنانتاب فرار اولدیلر طهماسب  
اول جانبین رحلت رمازندران و استر آباد نام بلده لره عزیمت ایدرک اشرف خان طهران محاصره سنه

بربولک. افغان و سیدال ناصریر نام خانی سردار و قزلباشیه فتح و تسخیرینه ارسال و کندوی اصفهان  
روانه اولدی و اهالی قزلباشیه شمشیرهایانگیر افغان ایبه نیجه بلاد فتح و تسخیر و اهالیسی قهر و تره  
اولدنی یقینا فهم و ازعان ایچکله قوت قلبدی شکسته و بالضروره طرف طرف عرض اطاعت و رغبت  
در سیمان امان ایبه کردن بسته اولوب اغوانلره آدم ارسال و قلعه یه ادخال ایتمیلر **ازین جانب**  
شاه طهماسب مازندرانه دارد واندن استر آباده عزیمت و دخول و فتح علیخان قجرتی سمنان حکم  
تیه سرافراز و ترکانیه و قاجریه عاکریه طهرانه استیلایدرن اغوانلری مدافعه یه ارسال ایدرک  
چونکه روبراه اولدیلر ابراهیم آباد نام. محله اغوانیان ایبه جنگ و قزلباشیه منهنم و مقصود لری  
ال و یرمیوب کلدکلری ستمه عنانتاب فرار اولدیلر طهران اهالیسی دخی امدادون مایوس اولوب  
در و ندرینه و هم و تلاش و نیروی باز و لرینه ارتعاش کلکین بالضروره قبول ربقه اطاعت افغانه  
یه کردن داده تسلیم و رضا اولدیلر قزلباشیه. طهران و اصفهان کبی معظمات بلاد ایران ضمیمه ممالک  
اغوانیان کسورستان اولیجو سوده و قم نام بلده اهالیلری دخی ناچار راه مخالفته سلوک  
ترک مبادرت و اغوانلره متابعه ماریعت ایدرک شهری تسلیم برله و مطیع و منقاد اولدیلر **درین**  
**مخاربه پاشایان روم با اشرف خان افغان و خاتمه کار خاقان شاه حسین سلطان چولک**  
اشرف خان افغانک تخت شاهی یه جلوس اوچنچ سنه یه بالغ اولدی لوی لایقای اقبالی معکوک  
و اعظم اسباب پادشاهی اولان خزان و تاج و تختدن بالجمله مایوس قناره قصابه کیرش قیون  
کبی جس مؤبد ایبه محبوس اولان شاه حسین اغوانلرک تعظم و ترفعلریه تحل ایدره میوب درگاه  
فلک دستگاه بارگاه عثمانیانه رجا و دامان دولت علیه یه تثبت و التجا اول دولتون.  
عسکر پیشمار ایبه استمداد و ملک مفسوبنی اغیاردن اخذ و استرداد ملاحظه سیده نهانی نامه  
کوندر ووب مضموننده حالاً فرمان فرمای ممالک عثمانی سلطان البرین. و خاقان البرین. ثانی  
اسکندر زوالقرنین. خادم الحرمین الشریفین. السلطان بن السلطان بن شوکتو  
مهابتلو عظمتلو قدرتلو السلطان احمد خان غازی اعز الله انصاره حضرتینک مجلس هایون  
مینت مقرون شوکت مشخوندرینه عریضه داعیانم اولدرکه طائفه افغان فی الاصلی صاحب  
تخت و کلاه و بتوب باشلور و دمان صاحب مکت بادشاه عسکر اولیوب هند پادشاهلرینک.  
و اجداد عم شاهلرینک خراج گزار رعایا سندن بریه نشین بر قوم مزوم و کرده مکروه بر سوری بهایم  
و خانلری اولاجو. اشرف خان دخی بر شخص باهر النقص و نادان و آیین شاهیدن بی خبر مانند غول



بیابان فی الحقیقه شیخ سعید بنک **مصراع** خری و جاهلی با مردم افغان دادند دیو تعریف ایلدیکند .  
دو اول بهتدن اوزریمزه ترتب ایدن انواع آلام و مصائب درلودر لو و کوناگون اولفنه طرف سلطنت  
علیه دن بوداعیلرینه اعانت و ملک مفضوبری استرداد و اعدا زدن اخذ انتقام و اسیر لکن آزاد  
و ارواح شاهان صفویه بی نه کونه شاد ایلدیکند و شانکره لایحه مرآم پادشاهانکره مفوضدر دیو تحریر  
و ختم کلام ایلدیکه وزیر هنکار سلطان احمد تامدار دخی اشرف خانه پیغام ارسال و مفوضنده غرتماب و سعادت  
انتساب اشرف خان افغان هفتتری دؤل سابقه دن برودولت فارسیه تغییر یله شهرت زده آفاق و مرور  
ایام ایبه صفویه به انتقال و الحاق اولوه حبسه اول دولت جهانندن تعداد اولفنه هوسنی و سندنشین  
دارا و جم ادعاسنی ترک و ممالک ایراندن کفاید و شوکتو کرامتو مهابتو شاه مجاهد هفتترینک رضای .  
همایوندرین تحصیل و خیر دعاری اغتنام ایلدیکردن ما عدا شهر اصفهان و توابعنده و سائر ممالک ایرانده  
مدخر اولان اتمعه و جواهر سائر کوزلر کور مرکز نوادراشیا غنیمتی ایبه مفتحم اولوب سرور و وطن  
اصلیه کز اولان قندهاره عزیزت و اقامت و اولاد اولادکره سبب مفارقت اولاجو نیکنام ایبه عودت  
دبو ایقلاظ و تنبیه پادشاهی سعادت بله سن و الایت خدا کشتی آنجا که خواهد برده اگر ناخدا جامه برتن  
درده . بیتنی دخی ایراد و ختم کلام و ایلی بریده ارسال پیغام ایلدیکه ایلی اغا اشرف خانه کلپایکان نام  
محلده مصادف و نامه بی تسلیم و مفهومی معلومی اولدقده در حال اصفهان ایلفا ایبه چا پار کونر و رب  
شاه حسین سر بریده و ایلی غنده فرستاده و امور لری سیف و سنانه حواله و دعوتلی و خوشنمتلی تحریر اتمه  
کلدیکی بوله روانه ایلدی کاغذ لری دولت عثمانیه به واصل اولوب مفوضنده سزرا ایران زمینده ضبط ایلدیکرد  
بلاد و قلاع دن کفاید و فراغت ایلوب سلفره تحمید اولنان سوردن تجا و زایل میکی الترام ایلکز و لایحه  
اندریر کردن نزع و تخلیص اولنمین اکتفا اولنوب سائر ممالک عثمانیه به دخی اطاله دست  
تعدیه تصدیق اغلب احتمالدر بو مقال ارباب دولتک مسموعی اولدقده بغداد و ایسی اولوب همدان  
سر عسکری اولان احمد پاشای مجددا اصفهان اوزرینه سر عسکر نصب و بیان و ایسی خانه محمد  
پاشا و بغداد و شهر زور ایاالتدرینه تابع قبائل و عشاردن یکر می بنکی متجاوزا کرد و دیار بکر و ایسی محمد  
محمد پاشا و شهر زور و ایسی کورد ابراهیم پاشا و همدان و ایسی عبدالرحمن پاشا و بکر بکیردن محمد پاشا  
و موصل و ایسی حسین پاشا و محمد پاشا و دیگر محمد پاشا و سائر لوزات و یکچریان و طوائف بلوکات ابعده دن  
و سائر پیاده و سواری سپاهی قرق بکندن متجاوزا لایحه بکله نفره متناهی مزبور سپهسالار کد معیتدرینه تعیین  
اولنوب عساکر همدانه جمع و سر عسکر بغداد دن عزیزت و کرمانشاهان شهرینه حرکت و اشرف خانه

مکتوب

مکتوب نصیحت اسلوب اشرف خان دخی خوشنمت آمیز تحریراته مقابله و تحریک مقاتله ایلدیکه  
سر عسکر جنودنا محدود ایله کرمانشاهان همدان و همدان جانب اصفهان عنان جنبان اولو  
زیر آباد و شهر برودر قرامان عسکری دخی جمع اولوب شهر جرده انجان نام صحرا ده تقابل و  
رومیان اعمال ادوات جنگ و اشغال فتنه طوب و تفنگ اوزره ایکن اغونیان عثمانیان .  
اوزرینه هجوم و قدملرین میدان معرکه به قدم ایلدیکلرینه رومیان دخی مدافعه رینه قیام و ازانه  
وجود رینه تحریک اقدام اقدام ایلوب گاه کله طوب رعد آوازیبه جمعیتدر پریشان گاه کلوله تفنگ  
درست انداز برله نیچر لری نام و نشان گاه معاونت حوام خون آشام ایبه کرونکسر بریده و گاه  
منقار عقاب تیر جان شکار ایبه سینه لر بریده قلنه رق علی التوالی جنگ و طرفیندن اخشامه قریبه  
دک دستمانه آهنک ایدوب و اغونیان شکست و فرار اوزره ایکن طائفه اکراد خباثت نهاد .  
خیانت مادر زاد لرینه بنای بی جنگ و جدال و بلا هرپ و قتال ترک نشات و قرار و عنان تاپ سمت قرار  
اولدرینه سوریان رومیانده پریشانلو و وقوع و پیادکان بیننده فرار آوازه سی شیوع بولجی بالجمده  
انهمزم و طوب و خیامی ترک ایدوب همدان جانبه عطف زمام ایلدیکدر اشرف خان دخی اصفهان عزیزت  
ایلدی چونکه تاریخ بنک یوز قرقه که بالغ الدی دولت عثمانیه اصحاب حرب و اسباب ضربک تبارکنه  
قیام ایدوب خصوصاً انا طولی عسکری که غنائم موفوره بلاد ایراندن حصه دار اولفنه خواهشدری  
ظاهر و اغوردهایونزه **بیت** برایشیدر عشاقه مکر ترک سرائتمک . طبرانه باشنه دو شیمه نک کله می  
خاکه زمزمه سینه جانب پار فنه شوقلری باهر اولان سر باز لر دن اون اوچ بنک پیاده و یکچریان و کردستان  
عسکر یله ابراهیم پاشا و محمد پاشا و عبدالجلیل اوغلی اسمعیل پاشا و حسین پاشا و زین العابدین پاشا  
وسیمان پاشا و عمر پاشا و اردلان و ایسی خانه پاشا مکتل قبولی خلقی ایبه و سائر اطراف و اکناف دن  
ترتیب و تجهیز اولنان جیوش جوشن پوشکر کروه قلمرو ایرانده دغونی و هر طرف دن جنود انبوه  
طوفان شکوهک سیل و روان کبی معسکر سلطانی به کرمانشاهانده وصولی سپاه افغانی موی  
آتش دیده و مادر سر کوبیده کبی مضطرب و بیجان و استیلوی رعب و هراس اشرف خانی سراسمه  
دبی جان ایلوب تشبیت دامان و جاوزیر جناح عفو و عنایت عثمانیه به التجا دن غیره چاره می  
قالدینی آشکاره اولجی سپهسالار اهر پاشایه کند و معتمد لر نرن بر افغان ارسال ایدوب اهل اسلام  
بیننده جنگ و قتال مشروع و مناسب دکدر کچن سنه نه ایسه برایشدر اولدی لطف ایدوب بوسنه  
اصول ذات البینه سعی و اهتمام بیور سنلر دیونیا زمند اولنمین مصالحه هر عصرده جنگه تقدیم اولنوه هوندر

۱۵



دیوسپه سالار مشاریه دولت عثمانیه به عرض دیومنوال اوزره طرفیندن عهده و میثاق اولدی که  
مالک ایران طوعا و کرها ضبط و تسخیر قلنان کرمانشاهان و دهقان و اردلان و نهاوند و فرم آباد و لورستان  
و مکر و مراغه و توی و سرکان و دارالملک آذربایجان اولان تبریز و لاری و کهنه و قره باغ و روان و اردو  
باد و نخجوان تفلیس و گرجستان و شمافی و شروران و هویز و بونله تابع قری و قصبات طرف عثمانیان  
ضبط اولوب و سنه سابقه ده مستولی اولد قری ولایت سمت شرقی عراق و دارالمرز و سلطانیه و ابرو  
زنجان و طارم و توابعلر کفاید و اغوانلرد فی کچن صحرای انجمنه ترک اولنان طوب و مهماتی و ضایعاتی.  
تماما عثمانیانه تسلیم درد ایلیلر بنای مالک و تعیین حدود تجدید و سنوری تجدیدی بونهج و دستور اوزرینه...  
ایقاع دیو عهده میثاق اوزرینه اتفاق و دفع غائله نزاع ایلیوب هربری کند و مقر حکومتده استقرار و استیلا  
بولدی اشرف خانک تحت شاهی به جلوسک در دینی سنه کی راشد پاشانام حنکار سلطان احمد خان جانبندن.  
تاکید بنای صلح و صلاح و زات ایلی کایسفی اصلاح و جلوس اشرف شاهی ترنیت ایچون سفیر ارسال اولتو.  
اصفهان وارد و اشرف شاه جانبندن دنی محمد خان بلوچ ایلی به ترفیع و درگاه دولت عثمانیه به راجع و عامه  
قلندی گفتار و بیان چند نفری که در ایام فترت ایران باد عای شهزادگی اظهار خود سری کرده اند  
زمین ایران به اختلافات و اختلالات و قوعی اشنا سنه بر قاج کسنه شهزاده لک ادعا و نجه بلده استیلا.  
ایلیلر اولگی صفی مرزانام کسنه در که کرای طائفه سنن اولوب بلود بختیاریده خلیل آباد نام محله ظهور  
و شاه سینک ادغلی بی بی و بی بی اسم اولا ابوالعصوم مرزا ایری تانیا اول اسمی ترک و صفی مرزا اسمنه تغییر ایلم  
شمدی بکاصفی مرزا اسمیه اولنور دیو ادعا ایلدکه اول حوالیده حاکم زمان محمد حسین خان صافی درون...  
اولغه جمله رجال و اعیان ایله انوک و جودنی مفتنم و اول دیاره قدومنی معزز و محترم طوب قبول ربقه  
اطاعت و انقیاد برله قلعہ ی و حکومتی اکاتسلیم ایلیلر و مرزور صفی مرزاد عاسنی استحکام ایچون اصفها  
نک ممتاز و حسنی قیزلر نون بر رعنا و زیبا دلاری لهنیر مدر اصفهان قری لرندن فلان قریده اخفا و معتد خادم  
اغار مدرن فلانی دنی انوک خدمت و محافظه سنه نصب و تعیین ایلمش دیو اعیان بختیاریدن برینه نامزاد اول  
کسنه نک خادم اغار نون بر معتدی ارسال و احترام تمام ایله قلعہ به ایراد و سورتارکن کورب نجه ایام و نمناد  
شکلر و سرور و شادمانی ایلیلر اطراف بلده شاهلو بیعتنه نامه لپراکنده ایروب و باشنک صلح جانبه  
صور غوغ طقنوب مساجد و منابرده جمعه و عیادده خطبه بی شاه طهما سب آینه بده کند و آینه او تودردی  
شوشرد کوهکیلویه اول ستمده واقع قری و قصبانک بالجه رؤسای و عفا سنی انوک باشنه جمع و کربند.  
اطاعت اولدیلر مرزور صفی مرزاد فی کند و سنه شاهانه زیب و فر و شوکت و کلو لرترب و کمال تکلیس و ایروب آرد

آرد قده نائل اولدنی التفات عوام کالهوام سببیه ظهور و شهرتی و شان و شوکتی ترقی باب از دیار...  
اولد و غندن ناشی شه طهما سبک حالنه و شهزاده لک مقالنه خلل ایراث ایچک حالاتی احداث فکرینه  
در شوب نجه فتنه و فساد مؤدی اوله جو حرکات و اطواره تصیری ایلی تاول و قته دک که حضرت نادر  
شاه ظهور شاه طهما سبی مشهوره توقیف دارکان دولتدن صفی مرزانک حالنی استعلام و شهزاده لک  
طهما سبه مخمرد صفی مرزانک ادعاسی خلاف واقع اولدنی پیدا و هویز اولغله بنک یوز قرق تاریخنده  
محم الحرامک او اسطنه مفر کوبه و مستقر طنطنه سی اولان ده دشت نام محله اول فتنه خویسره  
بی ازاله و سزا اولدنی جزاسنی تیغ بی دریفه حواله ایله سر سودا پرستی کردندن جدا و پیشگاه باب نادر.  
شاهده انداخته خاک مزلت قلندی و دیگر سید احمد نواده مرزاد او مستولی مشهور مقدس است.  
شهزاده لک ادعا ایلر ندرن بریسی دخی مرزاد او دک ادغلی سید احمد نام کسنه در که اصفهان و قه سنه نصک  
شاه طهما سب قزیننه عازم اولدی سید احمد ابرقوه نام ولایت جانبه کیدوب شاه طهما سب مهریه مهر  
بر ساخته فرمان ابراز ایلیوب مضموننده اها لیسنه خطابا برادرم سید احمد شاه سیز و اصل اولدنه بالجه  
مطیع و منقاد اولوب فارس و کرمانه واقع مهماتی اکاتسلیم ایله سز ابرقوه اها لیسنی بونک کز بنی...  
صدقه عمل ایروب و کلامنه آلد انوب بالجه انوک ربقه اطاعتنه داخل و مزکور مهماتی تسلیم...  
و اوباش و انقیاد اجناس مختلفه باشنه جمع و شاه طهما سبک امری نامیله بونات و مرد دشت  
در فارس که شیرازه سز فرسخ منزله واقع اولمش و اول نواصیده موجود بلود و قلع و قصبانک ترب  
و تنظیم و متانت و استحکامنه اغاز برله جمله سنی زیر ضبطنه ادخال ایلی اول زمانه میر محمود...  
جانبندن زیر دست افغان خان که شیراز حاکی ایری کلیتو عکر کونر روب سید احمدی پل خان نام محله  
مقابله و طرفیندن عظیم جنک و مقاتله در نصک سید احمد لشکرینک هیئت اجتماعیه لرینه پرت  
میننه و میره ری شکت و لوی کبر و اعتلاری سرنگون دست و منهنم و مقهور اولوب ابرقوه جانبه  
فراد ایلی ابرقوه اها لیسنی اول ابلیک ترلیسنه و ساخته فرمان و حیلہ سنک کسنه و غوربته  
تحصیل اطلاع ایلد کلر نره حکومتدن عزل و مأخوذ اتنی یندن نزع و تخلیص ایلیلر ایکی آید نصک...  
ابرقوه دن قرار و جرم نام بلده جانبه عجلته روانه اولوب مهرمه کند و سنه مجددا فرود قوت و شوکت  
و انتظام تحصیل ایروب و عظیم متانت و استحکام و ایروب جهرمدن عزیمت داراب و مر نام بلده لری دائر ضبط.  
و تصرفنه ادخال و عظیم جمعیت ایله و ایروب کرمانی دنی ضبط و تسخیر ایلیوب بنک یوز قرق تاریخنده ماه...  
ربیع الاول لک اون در دینی کونی قیون یلنه مطابق تحت شاهی به جلوس و تاج کینوب و کروشونوب



صرعوب طقنوب دراهم و دنانیر سکه اوروب ساخته پادشاه اولوب مساجد و منا برده کند و اسمنه  
 خطبه او قوتوری اشرف خان بود قعه بی اشتد که اغوان خانلرندن برینی سردار نصب و کلیتو عکرایه  
 فرستاده و حسن آباد نام قلعه ده نجه ایام مزبوری محصور و عاقبت الامر قلعه یه دخول و حیاتا اخذ ایدوب  
 اصفهانه کتورب اشرف خان امریه کردی سرسودا پرستی پیشگاه سرای سلطانیه غلطان ایلمکله  
 سرورد لک هواسنی کله سندن بیرون و پیرامن دامن وجودنی آلوده خاک و خون ایتدیله **دیگر محمد علی**  
**نام زنجانی کرانی مشهور بصفتی مرزانی است** شهزاده لک ادعای ایدنلردن بری دنی کرانی طائفه سندن  
 زنجانی محمد علی نام کسسه در که مرزا صفتی نانی دیمکله مشهور در بنک یوز قرق ایکی تاریخنده محرم الحرامده  
 مطابقه توشش بل مزبوری محمد علی درویش لباسنده شو شتره وارد اولدقه شو شتره او باش و درنو قلا . .  
 شندن بر طائفه مزبوری کورد کلر نده بود رویشک مرزا صفتی یه تناسب اعضا سنک ممانتی دکوز  
 برینک دنی مشابتهی وارد بود رویش مرزا صفتی اولوب احتمال اغلب در و بلکه علی التحقیق کند و سیردیلر  
 مرقوم هر نه قدر حاشی و تباعده از دیاد ایلدیسه انلردنی اول قدر عین عاقدن فر برار و بیعتنه  
 طلبکار اولدقه اقدام و اصرار ایلدیله شو شترها کی بو خبر مو حشی اشتد که بو آدم عاقبت بر فتنه  
 احداشنه موجب اولور البتق و ادوب بولوب پاره لک دیو حواشی سنه تأکید و تنبیه لر ایلدی  
 مزبور خبر دار اولوب خوفن قرار ایلوب هویزه جانبنه روبراه اولدی دنان طلبکاران دنی  
 باب بیعتنه اصرار و پایدار اولدقه ترکن و یرمیوب قفادار اولدیله هویزه ده مزبورن باشنه جمع  
 و هیچ یوقدن اوزرینه شهزاده لکی تحقیق ایتدیله ظاهره زیب و زینت و فروقوت و یروب هویزه  
 دن عزیمت و بصره یولیه وارد بغداده داخل اولدیله بغداد اعیانی دنی شهزاده ایران دولت آل  
 عثمانه التجا و دامن رومیانه تثبت و رجایلدی دیو مباحات و مضامیر ایه در بار هنکاره اعلام  
 و مزبوری احضارده اکرام تام و مقتضای شان و شوکت اوزره مراحل و منازلده مراسم مهمان  
 نوازی مراعات اولدق باینده واقع دلا و حکامه مراحل و قطع منازل ایدرک اسلوبوله وارد اولدقه  
 معتاد لر اوزره ترتیب الای ایلده اسکارده بر مزین سرایه انزال و بهر یوم شاهانه اخراجات تعیین  
 و ترتیب اولوب بومنونال اوزره بر زمان صفانش اولدی تا که هنکار سلطان احمد خان طرفلرندن  
 پادشاهلق خلع و آخره تفویض قلندی اول اشناده مزبور صفتی مرزای نایندن بعض حرکت ناهموار که  
 ظهوری بیسه قسطنطنیه یه اون سکر مرصده فرنگ سرحدنده واقع سلانک نام شهره ارسال . .  
 ایلدیله بر مدت آنده قالدق نصک اوزر نده اولان شراری مرفص و کندونی یمن جزیره سنه نفی ایتدیله و بونک

تمه احوالی

تمه احوالی بنک یوز اتلی سکر و اتلی طقوز تاریخنده که وقایعک اشنا سنده زکر اولنور **دیگر سید حسین** . .  
**نام قلندر بود** و شهزاده لک ادعای ایدنلرک بری دنی سید حسین نام قلندر در که بر مدت فراده ساکن اولوب  
 داندن قندهاره عزیمت و قندهاره سائلک ایدردی داندن درویش کوشنه اغوانلره همراه اولوب  
 اصفهانه عازم و روبراه اولدی بر مدت اصفهانه قالب صفتی مرزانک قلندر نصک جوانکی جا .  
 عتک محقاسنه لاصو اولوب شاه حسینک برادی ام اسم عباس مرزادردیواد عاد بود روغ بی  
 فرغ مسزینه ارتقا و ابنا یجنسی اولان قلندریانه اتکا و هوس کلاهینک گوشه سن قزوب . .  
 سرورد لک تمنا ایلدی جوانکیدن و سائر قلندریانندن چون کسسه لر باشنه جمع اولوب بیعت طلب  
 ایدوب بعض بلاه ده نامه لر پراکنده و بعضی قلاع اوزرینه عک فرستاده ایلدیله اول طائفه ادبار  
 مدار نجه مدت بو حال ایه بادیه ذل و هوانده سرری کشت و کنار ایدوب و رایت غوایتلر کشاده  
 ایلمکله اضاعت بضاعت ناموس و عار ایتدیله بعد مزبورک کن بی ظاهر اولدغه شمع دولتی . .  
 منطقی و شجره خبیثه وجودی بریده اده ترمیر قلنوب مرقدنشین مرزا صفتی اولدی **دیگر شخص در سمت**  
**شمیل و مینا** و شهزاده لک ادعای ایدنلردن بری دنی بر شخص مجهولدر که شمیل و مینا نواهیله نده  
 ظهور ایدوب شاه حسینک اوغلی ایم ادعای سیه کند و سنه سلطان محمد مرزاتسمیه ایلوب شهزاده  
 فرسوار دیمکله شهرتیا ب اولدی شمیلده نباد اعرابندن دورت بشوز قدر حشراتی باشنه جمع ایدوب  
 اندن بلوچ هاکی عبدالله خان جانبنه ورود و انده دنی حشرات بلوچدن بر از او باش بر معاش  
 کی طوغاد کی کره هار بقیه اطاعته کردن داده اولوب و اعانت برله با زرمی نام طائفه میانته کلوب  
 داندلریه دنی اتفاق و اتحاد ایدوب بندر اوزرینه روانه اولدیله رسید احمد نیرک مرزاداد نام باغی که  
 اول اشناده رایت غوایتنی کشاده ایدوب اول سمتلرده سرری کشت و کنار ایدردی مزبوره تصادف ایدوب  
 مباربه و مشاجره ایتد کلر نده سید احمد منزه فرار و مزبور شهزاده فرسوار بندری و شمیل و مینا بی  
 و اتصاللر نده اولان قری و قلاعی ضبط و تصرفنه ادخال و حکومتی استقرار بولدی بود قعه اول حوی  
 اهالیسنه مایه تلاش و بو خبر اشرف خانه منعکس و سامعه خراش اولیجه معتمد خانلرندن  
 برنی افغانلردن بر طائفه اوزرینه سر کرده ایدوب زکر اونان شراد آشوب و شورک و فغ و اطفاسنه  
 مأمور ایلده سیله مزبور سر کرده عکرایه علی الفقله کلوب بندر ده تحتن ایدن زنده بکلر درک اوزرینه  
 سحاب عذاب کبی نزول ایلوب مزبور فرسوار هندستان جانبنه فرار ایتکله عونه لرینی بالجه  
 طله شیر شمیر و سیر زهدا به قهر و ترمیر ایلوب متصرف اولدی بلو و قلاعی اغوانلر کند و ولایتلرینه منظم



تیلیدر دیکرزینل نام قلندر است شہزادہ لک ادعا میدنردن بری د فی زینل نام قلندر درکہ .  
 لاهیجانہ ظہور ایلدی مزبور زینل طسوجده ابراهیم نام کسنہ نگے ادغلی اولوب درویشانن .  
 برطائفہ ایہہ معتاد لری اوزرہ سرری کشت و کزار ایدوب سائلک ایدردی بو حال ایہہ قلندریان  
 حشراتدن براز کسنہ باشنہ جمع ایدوب طی مراحل ایہہ قنوب کوچرک و سیوب ایچرک دیلمان اعمالند  
 تکابن نام قریہ یہ وارد اولدی **مصراع** بد درویش اگر هیچ نباشد شاهی . یعنی درویشکلن صک .  
 اگر هیچ بر مرتبہ یہ دست رس اولجون بر وسیلہ بولامز این پادشاہ اولغہ سعی و کوشش ایہہ مضمونجہ  
 کچہ کلاہ کینورکن مرصع تاجہ هوس و قیون پوستی دوشورکن تحت شاهی یہ جلوسہ دست رس فکرینہ  
 در شوب اغاج بودا قلندرن اللہ ضیاق طوترکن سحاق و علم صاحبی اولوب آرزو کوچری چادر لرنہ  
 باد یہ نشین ایکن مسند دار اوج اولان بارگاہ سلطنت ہمایونہ کشورستان واقلم دانلغہ تکے پو  
 و جنت و جویلیوب شاہ سینکے ادغلی ہم نام اسمعیل مرزادر دیوادعا ایلدی صوفیان و دیلمان  
 دشتونہ اہالیلندن براز عمقایی آلیوب و رایت غیاثکے آجوب دیلمان درانکولہ نام بلدہ لری ضبط  
 و تسخیر ایلدی بو خبر موخش لاهیجانہ ساکن کیلان سپہسالاری قوربی باشی محمد رضا خانکے گوشگذاری  
 اولجوج ایکی اوج بنکے قدر کرایہ لاهیجانن حرکت و مزبور زینکے قرار کالھی اولان محلہ وصول لرنہ  
 شہزادہ زینل خبردار اولوب متزلزل اندام و استیلای خشیت و بیم ایہہ صعب الولوج بر رفیع و منبع  
 کوهارہ عطف زمام ایلوب انواب و انقالدنی تحیل و مکاندرینی تحویل ایتلمیہ سپاہ محمد رضا  
 خان اول شوم قمرلن ایزلرینہ پایمال ایدرک بر طار بوغازدن گزار اشنا سندنہ بر مقدار محاربه و مشاہدہ  
 ایدوب مزبور لر کوهار لره عروجہ آہنگکے بعض چنگلستانہ التجا و تحصن ایتلمیہ ہربری بر شیر  
 عرصہ جنگ اولوب پلنکے آسا صولتدرینہ متحمل مکن اولیوب محمد رضا خان و لشکر منہزما .  
 تکابن نام قریہ یہ فرار ایلدی زینل د فی همان اول کون لاهیجانہ داخل اولوب لاهیجانی و تلمیجانی  
 ضبط و تصرفنہ ادخال ایلدی محمد رضا خان برد فی کلتیو عکر ترتیب ایدوب لاهیجانہ مزبور ایشیا  
 نکے اوزر لرینہ تسیر درانکولہ تصادف و بر مقدار جنگ و جدال و حرب و قتال ایدوب بود دفعہ  
 قلندریان منہزم و مقهور اولوب کہ ہدم جانبہ فرار ایلدی اول حوالیدہ قبائل و عشار میا تندنہ .  
 و فرت و کثرت و شرت ملفت ایہہ شہرت شعار اولوب شاہسون تعمیر اولنان طائفہ کہ اول  
 اطرافہ واقع قری اہالیلرینی خدنگے جوڑو جفایہ آماج و اموال و اشیالرینی غارت و تاراج ایلدک  
 معتاد لری ایدی مزبور زینل اول مدبر و میثوملرایہ اتفاق و اتحاد و بغی و طغیان و فساد و عصیان

داعیہ سیدہ

داعیہ سیدہ تجع و امتشاد ایدوب رشت اعمالدن اولان ماصولہ نام قصبہ ی ضبط تصرف لرنہ  
 ادخال ایلدی و ماصولہ دن خلخال نام شہر اوزرینہ عزیمت و نیچہ ایام حرب و ضربہ قیام ایہہ  
 خلخال حاکی اوزرینہ د فی ہزیمت القایتملیہ مزبوری فرار ایدوب و اول کشتیلر اول محلی  
 د فی جای قرار ایلدی لرنن اردبیل حوالیسندن اولان رعایانکے مزارع احوالدرینہ القای تخہ ضرر  
 فساد داعیہ سیدہ اوزر لرینہ بلای سیاہ کبی نزول و اموال و اشیالرینی غارت و مزبور عاتدرینہ .  
 آتش و یردوب قابل نقل اولان اشیالرینی کتورمکے اوزرہ اولد قری خبری اردبیل والیسنہ واصل  
 اولجون صعب الوصول بر محلہ نزول ایتلمدن مقدم اوزر لرینہ عکر کوندرمکے مقتضای حال اولغہ  
 ایکی اوج کونلک زاد و طعامدرینی ترکیلرینہ بند ایتلمکے اون بش بنکے مقداری عثمانلویہ کتخدرینی  
 سر کردہ ایدوب علی جناح الاستعمال اوزر لرینہ ارسال ایلدی مزبور زینل و ہشراتی خبردار اولوب  
 مکاندرینی تبدیل ایتلمیہ عثمانلوی ایزلرینہ دوشوب چکیر کہ وکی تعمیر اولنان بوغازدن گزار اشنا سندنہ  
 بر مقدار کوچلرینہ دو چار اولوب اکثرینی طعمہ شمشیر عدو التقام و اموال و اشیالرینی اغتنام .  
 ایتکلرند نصکرے محل مزبور دن د فی ایلرویہ کید ندرینی تعقیب و جزای سزالرینی ترتیب ایچون مفان  
 چولی تعمیر اولنان بیایانہ و ارمغہ اقدام و عثمانیان د فی اول بیابان بی امانہ دخول و ایتقام  
 ایتکلرینی کویچکے بر مقداری بعض چنگلستانہ التجا و بر مقداری اول حوالیدہ اولان صعب الو  
 لوج طاغلرے و صفنا قمرہ عروج ایتلمکے ز عملجہ تبریر بلای مرک ایدوب لکن عثمانلوتحصن  
 ایتکلری طاغلرہ د فی عروجہ آہنگکے ایدچکے مزبور زینل و سائر رؤسای ہشرات فرار و  
 مزکور صفنا قمرہ التجا ایدوب ممکن الوصول محلدرہ بولنا شاہسون و تکلہ و دلاقردہ  
 و چند روز ویور بود و سائر عشاردن بش بنکے قریب خانہ لرنی تاراج و غارت عیال  
 و اطفال لرنی اسیر و ایکی بنگدن متجاوزنی طعمہ شمشیر و التي یوزنی دستگیر ایلدی بو غائہ  
 منوع اولد قد نصکرے ینہ مزبور زینل شاہسونلو کورہ انبوہیلہ لوی شقا و تلرکے کتادہ و اول  
 حوالی اہالیلرینہ ایرات انواع فتنہ و فسادہ آغاز ایتلمکے علی قلیخان مقولیدن بد بولوک سوا  
 رات ایہہ اوزر لرینہ واروب جنگ و منہزم و پریشان ایتلمیہ زینل شاہسونلو کورہ و ہیہہ مغلوب  
 و مرغوب ماصولیہ فرار ایتدی و مقولیدر عقب تعقیب ایدوب بر قاج کون محاربه و مشاہدہ  
 د نصکرے یوریش ایہہ قلعه یہ دخول و مزبور زینل کشتنی نکے سر سودا پرستی تیغ تیز ایہہ بران  
 و مقور کردہ سینکے سرایی اوکنہ غلطان ایلدی **کفتار در بیان مولد جناب نادر شاہ**



اولو الابصار زوی الافکار عنذنه واضح وهویرا در که اوقه دن برو مالوف اولنان عادت قریه به بنا  
شهرزاده و بک زاده لک بابا جانبری اکا پرو اما جد اولوب لیکن انا جانبری دون ودنی اولون کینز  
کان وجوایدن اولمو کندولره عیب ایراث ایلمز **مصراع** اگر جوهر شناسی تیغ اعریان تماشا کن  
مصداقجه در شهوار صدقن حاصل اولور و کوهر قیمتار خاک بی اعتباردن ظهوره کلور عقلاونک  
نظری بر صاحب دولتک کندوزاتنه که موجود جوهر خداداده در یوخسه طلب مادرزاده دکلدور  
خصوصا بونادر شاه دولت شعاری و شهرت انتشار شاه هفت اقلیم و اود خسرودیریم پیرایه  
بخش اورنگ جهانبانی دونو افزای اریکه کیتی ستانی تاجکیر شهریاران خطه عجم باجکیر تاجداران  
مسند بشید و جم شهریار فرزند بخت تاجدار فریدون تخت حکم فرمای ملک خاقانیه تحت پیرای  
سلطنت شاهانیه نکه اعتقادی کندوشمیرینه در یوخسه زور بازوی ایله و عشیر سنه دکلدور  
دودمانلر انوک دودمان پرتوشاندن بر شعله در و خاندانلر انوک خاندان دولتدن بر لعه در دولت  
تیموری انوک تیغ تیزینک نیامنده آستین کزیندر و چنگیز تاتار سلسله جنبانی انوک کنینک بولکنده  
حلقه نشین در **نظم** زسهم خدنگش قضا تیز پر ز تیغ کجش راست پشت ظفر اگر نادر افروزد از قهر پیر  
چو خورشید آتش زنده در سپهر اگر مهر از عارضش دم زنده دم صبح آتش بعالم زنده در آتش کزیند کندور  
زیم نهدر سر بکوه و بیابان نسیم **ترجمه** خدنگی اوقدن قضا تیز اوچره سرهای یری آسمانن کچره که  
تیغ کندن ظفر طوغریلور نه ستمه یونله مظفر اولور که چون قهریله یرده آتش یقر کونش کیمی  
اولدم سپهره چقر اگر عارضندن کونش دم اوره تو عالمه بردن آیدن ویره انوک تورقوسدن نسیم  
سحر و ادوب سرری طاغده طاشده یلر انوک دهشتدن سمندر قوشی بنا آتش اچره ایرد جنبشی  
**نثر** حضرت نادر شاه فلک دستکاهک مراتب کشور ستانلی و اقلیم رانلی شاهان سالفه دن یوزرتبه  
عالی ایکن انوک قوت قاهره سن در ائت با هره شی بیانده بو قدرجه ایله اکتفا اولنوب مدحده طی قلم  
اولمغه اولی در ارباب وقوف و اصحاب دانش اولاندردن بویله نقل و روایت اولنور که اول حضرت فی  
الاصل قرقلو قبیله سندنر و قرقلو ایماغی افشار نوعندن بر شعبه در و افشار ترکان جنسندنر و فریبور  
ایلک مکن قریملری ترکستان ایدی ترکستان صحرانرزه ساکن اولوب عادت مستر سی اوزره ایر  
زمینه و سائر اقصاننده واقع مالکه اقین ایدوب اول دیاری نهب و غارت ایتلییه مغولییه نکه ظهوری  
و ترکستانه استیلاسی اثناسنده اول نواحی ضبط و تسخیر اولنوب اهالی ایران بونلردن تشکی و نظلم و فساد  
رینی اعلام ایلدکلر نه مغولییه خانی طائفه مزبوریه آذربایجانه اجلا و اول طرفلردن تبعید ایله اول نواحیده

واقع صحر

واقع صحرا و بریه یرلرده اسکان ایلدی تاکه ترکستان و اقصاننده واقع مالک اهالیسی مرقومونک  
نهب و غارت ایله معنادری اولان ایصال مفرقلرندن راحت و آسوده حال اولر و قتا که خطه  
آذربایجانده بانی بنادر دولت شاهان و مؤسس اساس جمهور خانان عجمان اولان شاه اسمعیل  
صفوی که ظهور ایلدی انان امین اولمغه اول نواحدن کوچلری نقل و مشهد طوسک سمت شما  
لیسنده مشهد یگری فرسخ مقداری محله واقع فراسان و ایسورد اعلاندن اولان کوبکان پر چشم سنه  
ایصال و مرو شاه جهان جواری قریبه توطن و قرار دیارده اول محله ییلاق و قیسه دستجرد دره  
جزده قیلاق اختیار و بو حال ایله کت و کتار ایدر لر دی چونکه تاریخ هجرت بنک یوزاون سنه  
بالغ اولدی محم الحرامک یگری کزنجی جمعه ایردی کوی صفریله مطابق اول حضرت دستجرد دره  
جزده دنیا یه کلوب کنی دده کی نامی اولان ندرقلی بک اسمیله تسمیه اولندی چونکه اون بش  
یا شنه ایر شوب فی الاصل قوم و قبیله لری زماننده واقع جنک و غوغا و غارتلرده جمده سنه  
موجود بولنوب زاتنه شیعی و فارس و معاری ر شده قدم نهاده و تاجیک و ترک و خوردر  
بزرگ میاننده امور عظامه در کار اولمغه شهرت داده اولوب مبادی حالنده آثار دولت فرو  
اقبال ناصیه سندن ظاهر و طوق بشردن خارج متمتع الحصول والوصول اعمال دست مؤیدندن  
صادر و بوسن و سالد بو قدر دولت و اقبال و سعادت و اجلال صاحبی اولان نادر اولمغه بین الا  
نام نادرقلی بک دیکله مشهور اولدی **کفتار در بیان اغاز کار نادر کماکار حکمت جناب آفرید**  
**کار اول** اجلد نکه نقشند کارگاه وجود تار و پود زیبای بقای نوع بنی آدمی مزاجسته مربوط و بو  
جنس ایله اطللس طراز جامه قوام و دوامی افراد بشرک دوشنه منوط ایلوب کندوزات اجل  
و اعلاسی تفرده و صمدیه شایسته ایزدیکانه اولمغه حضرت نادرقلی بک که یگری یا شنه ایدوب ایام  
شباب و جوانلوق و هنگامه دیعان ریحان عیش و کامرانلوق مقتضاسیجه باغ ذنر کاندن لذتیا  
اولمو و گلستان نازینان نوز سیره لردن کلرد و شورب صفاسن سورمک آرزو ایلدی کوسه  
اند لوغشیرتدن بابا علی بک نام کسکه که ایسورد نام محله واقع طائفه افشاریه نکه کبارندن اوک  
اول ولایت ترکان و اوزبک طائفه لرینه معرکه آرای جنک و قتال و کارزار برد لیر و دلاور نامدار ایدی  
انوک سن یکانلوسکر طوطقوب پاک اصلتو کوزل فعلتو قاشلری هلاک دخلری بدر جمال برد ختر بلند  
اختری و ایدری اول عفت مندی تزوجه طایب و راغب اولدقه اول دخترک قوم و قبیله سنک  
حساد و فتاوی امتناع و نیچه ایام بنیلردن جنک و نزاع اولمغه اول قبیله نکه رؤسایندن نیچه



نام آرد را اثنای جنگه هم آغوش شاهد فنا و آنچه لری هم خوابه ریخ و عنا اولدیله عاقبت نادر قلی  
بک جابنی غلبه ایدوب حکم قضای و تقییر امر صمدانی برله شکار مقصودینه دستگیر و اول محذره  
سرادق عفاف ایبه مواصلت صورت بزیر اولوب بنک یوز اوز برسنه سنه مجازی اولدک بکری .  
بشخی یکشنبه کیجه سی ساعت اولد بچقه شهرزاده رضا قلی مرزاد نیانه کلدی چونکه مدت زفاف بشخی .  
سنه یر بالغ اولدی بتقدیر خدا اول دختر نازنینک مزاجته عارض اولان داروی تبریک کارگرتا اثر اولوب  
زهرا به کوراجل زانقه هیاتن تلخ . و حکم کوکب تقدیر غتره زندگانشن مشرق سلخ ایلدی . انز نضک  
مزبور بابا علی بک بشقه برغنی دهان باغ جنان محبوبه دوران نادره جهان طوطی شیرین کلام خوش  
دقتار و خوش خرام دختر پاکیزه سن برده کیان مریم عفت انتظامه ادخال ایدوب اول بانودن دخی  
یکی دانه دوج کهر دبرج اختر نصر الله مرزاد امام قوی مرزاد نیانه کلدی . اول اسکندر شکوهک  
ابتدا ظهور نده کوکبی اقباله اولوب **مصراع** سال نیکو ز بهارش پیدا است . فوا سجه خلاصه بوننه  
مشهد طوسک جوانده واقع دره جزو ایسوردو ناحیه دشته موجود قلاع و بقاع و قصبات و قری  
و قبائلدن بعض افشار بربتبار و اکراد بر نهادر ترکمانیه و اوزبکیه و سایر اضداد ارباب عناد و اهالی  
ایران بد اندیشان اصحاب فساد و بالجه دورد نزدیک و ترک و تاجیک ایبه ظهوره کلس معارکه  
وغوغا و غلبه سی . و فرزانه جنبش ایبه فرس ران اولوب ویران زمین ایرانه صدای فقیر صورت  
صغیر اسکدرانه ایبه عرصه قیامتدن نشان دیرمه سی . و نیجه ایلات و ایالاته ساکن و متوطن اولان  
نام آور خانلر و دلاور کارانلر و عشایر اعجمی مدن لایحه و لایحه صمی امراد اعیانلرک استیلای هر اس جان اید  
کفن بر کردن اول شاه . بجا هک و امان امانه نیجه زن اوله سی اگر کال ایبه تحیر و تقیر اولنه اندازه  
بیرون و حوصله قبول تدوین و شیرازه دن افزون نیجه مجلدات بر تاریخ مظلول و ملالت انجام بر فریضه اطول  
اولوردی لیکن بوروزنا چجه ظفرده غرض اصلی اولان ضبط کلیات امورده اقتصار سخن ایبه مأمور .  
اولدیزدن ایجاز و اجمال ایبه اکتفا اولندی و مترجم فقیر فی مسود کتابتک اثرینه اکتفا ایبه زیاده الفاظی  
ایراد و استعمال ایبه شبهه هنر فردشانه دن اخترازی ایلدی چونکه عشرت سرای ایران زمینده واقع مالک  
داهالیسی ظهور و حدوث ایدن وقایع غریبه و دواهی عظیمه و اختلافات اقوام متنوعه و اختلافات  
طوائف مختلفه برله بازده صدمات عکس و بر هر زده شره آشوب لشکر اولوب هر گوشه ده مخالف  
و مواضع نوار دکاسه طنبور کی هر بر با شدن صدر ایبه عالم طولوب ترک و تاجیک چنگ آسانا خد  
صرت ایبه سینه فراش و صغیر و کبیر قانون شادی و سروری بر مایه تلاش اولغه جمله اجناس ناس

واله و حیران و وادی و هفتده سرگردان قالدیله نیجه یولتی یولسزی سرو سامان تبه حال و برتر .  
قالدرایت افزای عصیان و طغیان اولوب . جمشید و جلک ادعاسیده اندازه دن بیرون ایاق اوزا .  
لتیلر و نیجه بر هر زده حال و وبال و حسرتکش روی دینار و درهم اولان بر کشته مالتیر غیرت و عار ایتیموب  
مانده چوب حدون افزون بایراق لیر یوجالتیلر . اول جمله دن بری ملک محمود سیستانیدر که جاده  
اطاعتدن اعراض ایدوب نه تقریب ایبه مشهد طوسه استیلا و قلعه یی ضبط و تسخیر و حکومت  
استقرار بولدیله بالاده سبقت ایلدی . نادر قوی بک اول انشاده حدود ایسورد و کلاته و سایر  
دشته ملحق سرحد آنده علوهت ایبه ملک دارلر و جنکال خونریز جلادت شهر بازاریه دشمن  
شکارلر . اسبابنه تشبیه اولوب همیشه آدبی ارسلان کبی شکار آلوه صد نده و اول شکار ایبه  
یکانه و آشنای خوشنوازلر . قیدنه اولوب و خلاصه اولان قبائل و اقوامک ناهوار امورده حرکت  
و اقداملرک کوروب و ارقوتنی بازوی غیرت و هیته کورب مهمات و زخایر و ادوات حرب و قتالی  
توفیر و عا کپ سیده و سواراتی تکثیر ایتکله ساعد سی و اهتمای تشیر ایلدی . چونکه ساقی جرف سینا مهر  
ماه ساغر لیده اهل ایرانه فونابه غم اچروب و مریف تنک ظرف زمانه بدست و محو لفظدن  
جمعه ضعفای بر هر زده جور و جفا دلفچون کاسه شره آشوبی باشلرینه کچوردی . و دهر فتنه .  
جو یک رهزن و هرا می سی ظلم و فساد الی اوزادوب ابواب آسایش و استراحتی جمله عرب و  
عجم دروم اوزرینه بند ایلدی . نادر نامدار غیر تمار بو احوال ناپسند و ناهواری شاهده ایلدکه  
حوصله سی قبول ایتیموب دعای خدای بی نیاز و ارشاد بخت فرزند طراز و زور و عزم بلند و قوت  
هت ارجمند ایبه لیل و نهار خواب و آدای کندویه حرم ایدوب بتون طوائف افشار و اکراد و جمله ایسورد  
دره جزده و کلاته ساکن اولان قبائل و عشایر رام و کال تیقظ و اتباه ایبه جمله نک قلوبخی  
تسخیر و محافظه یه قیام ایدوب کیمی نه تنبیه اکی و کیمنه و غدو و عید ایبه جمله سخی حوزده خدمت .  
استخدام ایلدی . و کلات کبی بر حصین حصین و حصار میتین خدا آفرینک قلعه دستورد ایسورد ایبه  
انوک اشهب کیتی نوردنک جولانکاهی و امنآرد و لتجو اهنک مادی و پناهی ایدی اسرهل وجه  
اوزره قبضه تسخیرینه کیرمه سی محضا خلوص نیت و قوت بخت نادر نام آورک آنا رزن اولوب  
اول بلادی لوی حکومتنی اعلا و اغداسی اوزرینه استیلایه محل و مادی ایلدی . حقاله اول  
اولوهتتور ارسلان جمله لور شجمان و فرسان ایدی که انوک مهابت صلابتی ارسلانلر طرفنده .  
ناید ایدی انوک حوصله سنه نه کونه صفردی که هر بر کفتار خصمیتلر و لکوهیلتلر جرف اویسلو



قبول فویلو بر بویلو رقاد شوسنه دیکلوب سراز لوه دعواسن ایده لر و اتفاقا بر سرد ایری که جمله  
سراز و کرد نغز لر طوق اطاعت یر کردن انوک پیشگاهنده دوبر خاک اولوب آستان بوس اولور  
ردی نرده و اولور دی که آخر ای ربقه اطاعتلینه اذغال و استخام ایله آلوب دلخواهلی:  
اولان محله دوبراه اولوب کیده لر قبائل و عشاردن سربقدم انوک او غورنزه جان باشن میدانه  
وضع اید نلریکی فرقه ایدیلر بری کند و قبیله کی اولان افشاریه و اول بری دره جزو ایسورده:  
سکن اولان اگر ادرکه فراسانک قوتلو و کتر تلو و شجاعتمو ایللر نزن اولور لر دی اگر چه غیر ی  
طائفه لر فی انوک خدمتده اولوب او غورنزه جان و باش اوینا در لر دی اما بویکی طائفه هر حاله:  
حکمت خدای متعال ایله نادر کامکارک با زوی اقبالنه یکی دست خم افکن و ساعد بخت تیرد زینه  
ساعد سعادت ایله یکی پنجه دشمن شکن اولوب هرینک و برده و هر جنگ و نبردده اکا قول و قناد  
ایدیلر بر دقت و نفع افشاریه و اراددن بعضی شعور دکم انیش فقا سده درونلقلر نزن دانش فرود شو  
و کار دانه زعیله و سادس ایلین بر تلیسه تابع اولوب افشاریه دن نادر نامدارک اضداد اولور  
فرقه یه ملحو و انلرایه متفق و نادرک خلافت سلوک کند و آمان و امانیلرینه نائل اولغه و سیره:  
اولو خیالیله بر لرینه صورت خیر خواهلغه افرغ اولنش قابللی سوز لر و طمطراقی سعادت ایله مکاتبه  
و مشافهت فته آمیز و فساد انگیز معاینلر ایراد اید و پیش و پسدن فوجا فوج و ادوب اول اضداد ارباب  
عناد افشار بر تباره ملحو و ملاقی اولیلر مرقومونک سکن و ماوی لری اولان قلعه نک سورنن ماعدا  
هر محله سی متین و مستحکم دیوار لر ایله گویا بر حصار استوار اولوب مرمر و معبر لری مواضع معدوده یه منحصر  
اولغه مزبور قلعه یه و اعداد لرینک کثرت و درفشه اتکا و اعتماد ایدوب نادر کامداره مخالفت اظهار ایتیلر  
و بعضی مشهرد طوس قبضه دست و تصرفنده اولان ملک محمود کیستایه ملحو اولوب انکله الفت و  
انیت پید ایدیلر و بعضی دره جزو ایسور اکراد بر انقیاد لر نزن خبوشان نام محله متوطن اولان اکراد بر  
نهاد لره متصل و مانوس اولیلر و بر قاج کرده مکروه دخی ترکایه طائفه سیه عقلمو الفت و مودتی بند  
ایتیلر و بالجله بو طوائف بقدر الامکان نادر قوی بلک ایله جنگ و محاصره یه ساق واحد و اتحاد قناد  
ایله قیام اوزره اولیلر جلیر ایلنن اوج دور تیوز خانوار دن غیر ی که انلرک رؤسای و اعیان و  
امراسی خصوصاً دم هیجاده شجاعت ایله مشهور و هنگام جنگ و و غاده جلادت ایله مزکور اولان طرما س  
قلخان وکیل و محمد علی بلک و ترخان نام دلور لر اعتقاد ده و امداد و اعانتلر نه متانتلرینه بر قصور و اخلاص  
قوی بنیاد لر نه که صلواتلرینه بر فتور کتور میوب شدت و رخاده رکاب کامیابلرینه انتساب و سستد

سخنی ده

سخنی ده کولکچی و نباله روجتر خوردن قباب اولور لر دی نادر نامدار قلعت اغوان و کثرت  
خصمان ایله دامن همتی میان جانه اوروب انتخاب ایلدیکی هواد اکرینزه سپاه برق افتاد لرینک  
اتفاق و اتحاد لر یله ایرا دین خوابگاه ایدینوب طاش یصدانوب طبراق و دوشنوب بایراق قدر اچوب  
مخالف و معاند اولان بر شعار و بر کردار لر ایله کیر و دار ایلردی **در بیان توجه موکب نیروزی کوکب**  
**مقدس بجانب ارض اقدس** ارباب و قوف عنده ظاهر و هوید ادرکه عالم افلاکه انجمن:  
انجمن جلوه کرد نمایان لرزان و پرتو افشان اوله کی کوکبه خوردنک ظهور نزه غایته ایرشور و براسه  
طبیعتو لرک شهباز بلند پرواز لنی نیر آفتابک طلوعی و قننه نهایت بولور بالاده تفصیل:  
اولدنیغی اوزره چونکه ملک محمود کیستانی مشهرد طوسی ضبط و تسخیر ایلوب حکومت استقرار بولری  
مقتضای وقت و حال اوزره متعهد اولدنیغی امر حکومت رؤسا و اعیان و امرا ایله مدارایه موقوف  
ایکن عواقب اموردن زاهل و امور خارجه ده راجل اولوب شدت و حدت و کبر و نخوت حصول  
مصلحتیه مدار اولمو و کل با عت فوت کار اوله جعفرن غافل اولغه اغراض نفس بر اندیش  
مقتضای سجه نیجه رؤسا و امرای کسر و تکبیردن ما عداد انما حکم لک نامیه مرای میلک انیش  
سی و تودیر لک پیشه سی اولوب بو اطوار نا هواریه اذ قاتک اذ اولدیندن ناچار فراسانه  
سکن ایللرک رؤسا و امرای کندرینک دخی اموال و مواشیلری نهب و غارت اولمو خونیله مهم  
و منوم و استیلای اندوه انبوه ایله محوم اولوب جان و مال و اهل و عیال لرینه تعدی و مزروع و باغ  
و اموال و مواشیلرینه قصدی اولنمقدن صیانت اچون حوزة اطاعتنه دخول و خدمتته کردن  
داده اولغی قبول ایتیلر اول جمله دن بری پاپا لوقلیج خان و امیر لوامام قوی نام کسنه لر در که  
فی الاصل طائفه افشار دن اولوب دولت نادر دن رو کردن و ملک محمود جانبینه شتایان اولیلر  
مزبور دن بو حرکت نا هواری نادر نامدار غیر تدارک طبع بلندنه ناملایم و نا استوار اولوب بیک  
خیالی هر جانبه روانه و بو امرک تدبیرینه طالب بهانه اولدی ملک محمود نادر دن هر حاله  
فرم و احتیاطی کند و سینه حسب حال ایتکلکه بود فقه کوشکاری اولدنیغی احوال و اطوار نزن  
مافی الضمیر نه اولدنیغی ازغان و ادراک ایلدکه خدعه حربیه طریقلرینه رعایت ایدوب:  
هیکمانه وضع ایله مراد و مرودت ستملرینی الدن قومیوب نادر طرفنه معتقد آدم ایله مصنع مکتوب  
یا زوب مضموننه بنم سلطانم بوبنده لری تون نام بلده ده حکومت اثناسنده مشهرد متوطن اهل  
دفتن و افساد اولان قلندر ان غارتگران اموال و ائقال و مسلمینی نهب و غارت و برقه دن خالی



اوله قلندر ماعدا زبنازلو و غلومبازلو و انواع منكراتن اشلمه كلري قبيحه قاليوب علي قيليخانك  
خانه سنه هجوم و جمله اموال و اشيا سني غارت و كند و سني متواري خاك هلاك ايند كلندن صكره  
اسمیل خانی كند و دره حاكم لفظی ویدرزه اولان مهمات سفریه یی غارت و كند و هوارینه صرف  
ایلد كلرنه اسمیل خان و سار مشهزده ساكن مسلمانان بوجید عاجزی تونون كشان كشان اقان  
و خیزان كتورب كند و درینه حاكم و سردار اتخا زایل مشردر بونزه لری سلطان ترك خیر انیش و خلوصكار  
اولد و غره رب و اشتباه بیور لیوب رسوم غیرت عشرته موافقت و مراعاتا دم حاجته امداد  
و اعانه بیورعلری موجود رو حقوق قریه بنا قدم بچیده ایدوب بر قاچ كون نان و نكده برابر بولسه  
برغایت لطف اولور دیو ختم كلام و ایلغار اینه ارسال پیام ایلد كلرنه نادر دنی انوك مسولن قبول  
مشهزده و دود ایلدیلر حصول ملاقاته نصركه نادر نامدار ملكه محمودك و حثت و دلفشتنی دفع  
دشتر و جودنی دفع ایچون سزا و علنا صداقت و محبت اظهار ایدوب كند و خدمتنده مقیم و مستقیم اولان  
افتاریه و جلایر دلور دریه اداره اقداح مشاوده ایدوب نتیجه مذاكره بونك اوزرینه قرارداد اولدیك  
مزبور دلور دریش قلعیه جرید بازلفه جقد قلنده ملكه محمودك نفرینه سواقتنده یلك دل و یلك همت  
مترصد فرست اولوب سول و قنكه نادر ملكه محمودك آیتنك دیزكندن قاپوب قتلنه مشغول اوله اندر  
دنی بلا توقف هر نه طریق اینه مكن اولور سه برابر بولون جرید بازلی بلا مان قتل ایدره و قتاك بر قاچ  
ایامدن صكره بر كون بیرون قلعیه ده جرید بازلفه روانه اولدیلر مزبور دلور قتل قول حاضر و آماده بولوب  
لیكن قضا ربانی طرفیندن جرید بازلفه قز شوب اشتباه بولوب نادر ملكه محمودك آیتنك دیزكندی قایمونه  
ال اوزا ترده همان الی آیتنك اغزینه كوب عنانه ایر شیموب الی بوشره قالب مقصود حصول پذیر  
اولدی مزبور ملكه محمودك پر كبر و نخوت و كند طبیعت اولمغه نادر ك وضع و هر كندن مقصود بی فهم  
ادراك ایدره میوب میدان تمام اولد قده ینه برابر جانب شهره عازم عطف عنان اولدیلر اما نادر  
هر بار مترصد فرست اولوب قلیج خان و امام قلی بك نام كسنه لری ملكه محمودك تنفیر و كند و سنه  
رام ایلمك ایچون دفعات اینه خلوت ایدوب دوستانه وضع اوزره نیاز مندانه معامله برله بنی  
خاك اینه یلكان ایلكی دراكور مركز دیوالتما سلاویه خاطرین اله آلوب ارضا ایلدی و ینه ینلر  
سابقه كه محبت رسمی تجید اولوب عزت و اكرامی كافی الاول كالمه كوستروب انجور حرم و احتیاط دن  
خانی اولیوب كند و سنی محافظه یه مخصوص آدم تعیین ایلدی بر قاچ كون نصركه مشهزده اوچ فرسخ  
محلده واقع صیدگاهده شكار اولمغه ملكه محمودی ترغیب ایلدیكه مزبور دنی نادر ك خاطر نه اظهار مراعاتا

ایدوب بر كون اول مخصوص اتباعیله اول محله روانه اولوب نادر دنی ابرقه سی كون قلیج خان  
و امام قلی بك اینه محل مزبوره عزیمت ایلدیلر چونكه مشهزده قری لرزن یا مخانه نام قریه یه  
وارد اولدیلر دامه و شمش صیدی الدن رها یاب ایلمك مقتضای عقل دكلدر دیوب اول  
ظاهری قبضه شمیركی دستیار و باطندی قلیج بورنی كی خوشخوار اولان ایلكی نفر ك قاندرنی  
روان و كند و لرینی صید تیر خورده كی بیجان و بیجان ایلدی نادر نامدارك مقصودی بویوزدن حاصل  
اولیجی مقر حكومتی اولان ایسورده عازم اولوب اول ناحیه ده اولان ایلدی جمع ایدوب بند و نفع  
و غد و عید اید و شیرد و مصلحت آمیز كلاملرایه مزبور طوایقی كند و سنه اعانه ده دوام و ثباته  
و اوغورننه باش و جان اینه اقدامه ترغیب و تحریص ایلدیكه اندر دنی جمله مزید دل و یلك  
درون غیرت قوشاغن میان اجتهاده بنی ایدوب اوغورننه جانمزی و با شمری فداییده رزیدیلر  
**دربیان آغاز محاربه جناب نادری با ملكه محمودیستانی** بویام ملامت انجام ملكه محمودی  
كوش كزاری اولوب فكر و اندیشه مودث بر معنای موحش اولمغه شجره بید وجود نادر دن  
یا پراقدن غیر میوه حاصل و محمول دوشی اولان باركران سرر منزل بخاته واصل اولیجینی فهم  
از عنان ایلدیكه عندیپ جانی بو مقوله كلام اینه نواسنج اولدی **بیت** روز اولكه دیدمش گفتم  
آنكه روزم سیه كند اینست در حال چكركه اكر اینه نامه تحریر ایلیوب مضمونده اكر امریبه انقیاد  
و امثال و بر كون اول امداد و اعانه ایچون طرفیبه استیجال ایدر سز فتم المطلوب و الا ترد اینه  
اطاعتن نكول ایدر سز جزای سزا ركزی ترتیب ایچون عاكر و افخ اینه اوزرینكه كلجكم امر مقرر  
دیو آدم كونردركه اكراد جواب و یردیلكه جناب نادر بر كردن فراز و مؤید و دلور و بسوط  
اید جمعیتی بسیار قلعیه سینك متانت و استحکامی بغایت اشتها رده اولمغه بو معنای  
تصور بزم حوصله مزدن بیرون و بو خیال بیزم چیز قدر تمزدن افزونرد چونكه نامه لری  
ملكه محموده واصل مفهوم و اعتدال لری آلوده مكر و صبه اولدیغنی حاصل و جواب كل رعنا لری بر بوی  
و جوان تازه روی لری بر خوی اولدیغنی ظاهر و نمایان اولد قده اوزر لینه عكر چكلكه نیت و جزای ما  
یلقیرینی ترتیبه عزیمت ایلدی مزبور اكرادك اوزر لینه و ایلجی راه مستقیم اولن كلات و جهجه  
درهنه یوللرنه عیوه دده لرد كوهستانلر و سنگتالدر و متین و مستقیم قلعیه واقع اولوب یوریکه  
مكن اولمغه رادكان یوللرن خبوشان جانبته روانه اولدی ملكه محمود منزل مزبوره واصل اولد قده  
اهالیسی اعتدال سفير ارسال ایدوب بوسودان فارغ اولسونكه بروجهده مناسب و مستحق



دکدر بلکه باعث وحشت و موجب فساد و نفرت در دیدار ملکه محمود کمال مرتبه خودین و خشین و ما  
غنی فاسد و فزونی کاسد اولغله کلن آدمک بوزن کسوب رعوتلی و خوشنتلی کللاملایه کردیه  
دو زردی خوبشانی مزبور آدمک بوهیستله عودتن کورد کلزنده جمله عظیم وحشت و دهشت  
ال و یروب قوت قاهره لری اولیوب بخت نامساعد لرنن مغلوب اوله جقلرینی فهم و ادراک  
ایلد کلزنده نواحی ده اولان قلعه جاته فرار و صعب الطریق جبال شاهیائی کند و لای جای قرار ایلدیلر  
ملکه محمود در عقب خوبشانه داخل اولوب جمله اموال و اشیایرینی بغا و تاراج و عودات و اطفا  
لرینی اسیر و زغون مال کبی جانب مشهده تسیر ایلدی مزبور فراری و متواری لرنن بر جماعت خوبشانه  
یکی فرسخ مجله واقع زیرانلونا مین و مستحکم قلعه ده حصن ایلمشردی انلری محاصره ایروب غیرت  
و عیت و کمال کریمت برله محاربه یه و روشدی ازیں جانب بو خبر ایسورده و اصل اولدقه نادر نامدار  
جهان چون بحر جوشان در عهد فرودشان باشوکت دشان و افواج دزم کوشان بلای ناکرمان کبی ایلمغار ایله  
اوز لرینه ایرشوب خوبشانه یکی فرسخ مجله ملکه محمود بر بلوک عکینه دوچار اولیکه مشهردن  
طوبخانه مهماتی کتور لرردی مزکور مهماتی اخذ و اکثری قتل ایروب باقلدی کسرو انزهام ایله اقتان و  
خیزان جانب اذ باره کیزان اولدیله ملکه محمود بود واقعه دن پیخبر قلعه کیرلک کنیزنه تاب و عاجز اولدی  
قلیبه رونق داب ویرمکه جنکه محکم قزئوب و قلعه بی بر تقرب ایله دست نخوست پیوسته آله  
زعمنه و شوب ضبط و تسخیر صد دنده ایکن دفعه و بنفقه نادر نام آورنجه جوانان صف شکن و دیلر  
مردان کن غربره جو و نغوه زن دلاور یکترا ایله بر طرفن ظهور یکدل و یکجهت سلسله زور ایروب  
زهره شکاف غله و هجوم ایله سینه لچاک کیمنی ز فنانک و کیمنی هلاک ایله ده عکری یکی شو ایروب  
سور قلعه یه فترهی اولدقه قلعه ده محصور اولان سران امراد اعیان ایاق لرینه یوز سوب تنگنای  
محاصره دن بخت بولغنه مرده جسد لرینه جان کلوب یوز لرینه آب راحت سربلدی ملکه محمود بولوی  
ناکرمانی اصابت ایلدی کن کورد که جوار قلعه دن فرار و حوالیسنده مقدما ترتیب ایلدی کی سنگر ده حصن  
اختیار ایلدی نادر فی اهالی قلعه نکه اطفال و عیال لرینی اموال و مواشیلر یه قلعه دن اخراج و صحرا  
جانبه بر جای سلمته انزال ایلدی ملکه محمود خوزدن پیغوله و گوشه لرده محتفی و متواری اولان اگر اناور  
کامکار کیم و زودی مزده سنن حیات تازه و بخت بی اندازه بولوب اول کیموده باشدی ایاق بایتاق و یاق  
اول حضرتک حضورینه کلوب او غورنده جان و باشدن فدایلمکله مجدداً عهد و میثاق بنلیدر چونکه  
کوشش پادشاهی افعو مشرقن قلیج سیروب میدانه چقوب کند و زن یلدیرمه آهنگ ایلدی ملکه

محمود فی بایراقلریو جالدوب میدانه کجوب مردانه جنک ایلدی مرید دشمن شکار کشتور کنگه  
جمله کوه اندازینه تاب آوز اوله میه جغنی یقیناً فهم و ازغان ایلدی ناچار کشته دیزکنی قرقه  
عنان شکسته مزراغی صنوه سنان روی گردان اولوب طوبخانه و تفنگی ایله کند و شی قویسه رقی  
جانب مشهده عازم اولدی نادر فی در عقب سواری عکرایله مشهده سرحد دنده واقع عشرت  
آباد نام محله دکن تعقیبنی اختیار ایلدی شایرکه ملکه محمود طوبخانه دن ایریلوب میدانه کیروب  
جنکه اغاز ایله ملکه محمود مشهده و رودی اختیار اولدقه نادر ک اوزرنده موجود عکری  
بالجمله طوائف افتاد و اگر اولدغه اول زمانه دکن مزراق و قلیج قوللنمده سریع و چابکلر  
اولوب طوب و تفنگ انداز لقه بشعور اولد قلندن قلعه اوزرینه وارمنه جاسارت ایریلر  
نادر فی بر خسارت و قوعندن هزم و احتیاط ایچون جنکی ترک و عشرت آباد دن اگر ادری مخص  
ایروب و کندوسی د فی ایسورده عزیمت ایلدی ملکه محمود فی مشهده واروب حصن ایتمکله بقیه  
عمری غنیمت دار و مجدداً دست زن سر رشته دولت و اختیار اولدی **تسخیر نیکی قلعه و باقی قلیج**  
**ایسورده بزور بازوی ظفر پرورد فی الاصل افشاریه طائفه سی یکی فرقه متضاده یه منقسمه اولوب**  
بر فرقه سی ایسورده ساکن نادر نامدار دولتتمدارک خدمتده داکمادامن در میان ایریلر و بر فرقه سی  
ایسورده نواحیسنده واقع قلیج و قصبته متوطن اولوب ملکه محمود سرد زهویه طرفدار و او غورینه  
جانب پارلوی اظهار ایتمه کلرینه بنا نادر دن روگردان ایریلر اول جلدن بری امیر لو جماعتی ایری  
که ایسورده یکی فرسخ مجله واقع نیکی قلعه نام بلده ده ساکن اولور لر دی چونکه نادر مزبور قلعه  
اقین تداکن کوردی شدت شتا و صولت سرمایه بقیوب ایسورده دن قالقوب شدت و صولت  
ایله صوب مقصوده متوجه و وصول مرانه کمال کریمت ایله صرف مقدر و دینل مجهود ایلیوب  
جیش قرادان و دیدار عرصه هجای بی پایان ایله واروب قلعه بی مانند کرا حاطه ایروب  
درون قلعه یه صواصل اولاجون منفذ لره بدن برابری طبراق طول و روب صولن کسری درون  
قلعه ده اهالیسنه کفایت مقداری صوبولنمو ایله اول یوزدن مقصود حصول بزیر اولدی  
اوز لرینه حواله طایفه لر ترتیب ایروب گاه اطاره مهر و تفنگ و گاه منقار عقاب تیر جان شکار  
ایله جنک ایریلر بر قاج کونر نصلر که صواعون بلا فرمین صبر و تحملدن یقوب یا تروپ افنا  
ایلدی اهل قلعه جبل التیس استمانه تشبث ایروب مقدرت جویمان نرامت پویان الامان  
الامان دیرک فریاد و فغانلر ایروب ربقه اطاعتنه کردن داده اولدیله نادر فی عذر لرن قبول



ایرود و قلعه بی قلندز قلعه ایلیوب جمله اهالی سنی اموال و ائقال و مواشی سیه تیسیر ایوب  
و سایر محاله پراکنده و اسکان ایلی سنی قلعه نکه کارینی تمام من صکر باغواده نام قلعه  
اوزرینه عزیمت ایلی که انوک اهالی سنی در فی ملک محمود طرفگیر و اخلاص کیلرین  
ایری مزبور قلعه یه واصل اولدقه شیر مردان میدان نبرده و دیران عرصه جنگه ناورده محظوظ  
سکین دل حصاری مانند کرم تمام احاطه و در اغوش ایلیله محاصره خصوصی قرین نظام اولدقه  
تیرد تفنگه ایله جنگه و جبال و حرب و قتاله قیام اولنمقله مدت تیسیر و تیسیر اوج آیه بالغ اولد  
مزبور مدتره اولد قلعه نکه یکی جانبنده دشمنک طایبه لری مقابلنده درونی طبراق ایله مملو طایبه لر  
بنا و قلعه لر انشا ایروب ایچینه تفنگیله تو منفه لشکر اعدانک غریب صبر و تحمل لرینی انشا ایلیله انزله  
نقب زن و خاداشکن استاد در افسار ایروب قلعه دیواری التنه لغم یورور دیلوب محل مقصوده واصل  
دخزینه سنی چور دیلوب ایش تمام حاصل اولدقه اهالی بلده یل و کلنک صداسندن مطلع اولوب بر جانیکن  
اندر فی بر نقب دلوب صوب بغیوب انطالنه سعی و کوشش ایلیله مزبور استاد لر فی الحال بار دوته آتش  
ویرد لغم آیلوب قلعه دیوارینی هدم و ویران ایردوب و نقبه صوب باغیلندر آسمانه بران اولوب دیار  
عدمه طیران قلیله اهل قلعه در حال اول بیقلون موضعه اغا جدر ترتیب ایردوب طبراق طولیرد بر سر  
سیر ایردوب سپاه نصرت بناهی دخولن منع ایتریلر چونکه لغم ایله در فی مقصود حاصل اولدی نیل قوتلو  
بیلچیلر اطرافدن جمع ایردوب قلعه نکه دورت جانبنده ایرماق اقان محکمه تخمیناً اون ذراع فاصلی  
ایتی یگرمی اوتوز ذراع و قری طقوز ذراع طبراقدن طایبه کی تپه لر انشا ایتردوب طاع کی صوب  
اوکینه محکم سیر ایردوب صوبی بند ایلدکه ایکی ساعت مقداری زمانه صوم تمام قلعه بی احاطه  
و دریا کی جوش و خروش ایردوب قلعه دیوارینک بر جانبینی قلندز تو پر و ب صرصر تلاطم امواج  
ایله برانده آخته آب ایلی در درون قلعه ده بر و ج و بیوتلری هدم و ویران و اهالی سنی بالجمله غرق  
آب اولون نمایان اولدقه حیاتلرین ال سیوب کوز لرین سیلر کی صورو اولوب الامان الامان  
دیو فریاد و فغانلری طیس انداز قبه آسمان اولدی اول سرور و دوران در فی صوغائله سنی دفعن صکر  
سرمایه شور و شر اولان امرادن دورت نفر کسنه بی طمه شمیر و شیطنت پیسته و فساد انیشه  
اولان که خدایینی کلوله تفنگه ایله نشانه تیر ایردوب با قلیرتنک جریده جرایم اعمالینه قلمه مضی  
سامضی چکیلوب قلع آفره ارسال و فوجا فوج بشقه بشقه محکمه اسکان ایلیوب کندوی در فی مقره  
حکومتی اولان ایورده رجوع ایلی باغواده شهری وجه محرر اوزره فتح و تسخیر اولدقه نصکر بر قاج کون

مردونه زاغچند قلعه سنی در فی فتح و تسخیر اولنمقله مراد اولدی انوک حاکی قره خان نام کسنه ایری کیشکری  
ترکان و کندوی ملک محمود طرفگیر لرین ایری نادر نامدار مقدمه باغواده بی محاصره انشاسنه جلایر  
و کیلی طهما سب بک ایلی افشار لوچراغ بکی بر بلوک دلادر یکتدر ایله زاغچنده کوندر مشن ایری مزبور  
بهار بنده کلادتن زاغچنده منشعب و روان اولان صوا اوزرینه کلوب نصب خیام و بر قاج کون آرا  
مد نصکر صوبی کسوب محافظه سچون بر قلعه انشاسنه مشغول اولدیله مزبور قره خان بوماده  
بی اشتدک وافر لشکر ایله اول جانبه عزیمت ایردوب مزبور سپاهک اوزرینه کلوب مقابله و محاربه  
یه تصدی اولدقه مأمور لرک در جنگه اول اقداملری متزلزل و عقد جمعیت و نظاملری متحمل اولوب  
غایت بر تر پراکنده و پریشان و وادی کیز و قراره شتابان اولوب بر بلوکنی طمه شمیر و بر بلوکنی  
چراغ بک ایله دستگیر ایلیله قره خانک بومر کرده کوی اقباله کورنری نادر باغواده تسخیرین نادر  
و ایورده وارد اولوب بوخبر ملالت اثری اشتدکه زاغچند زاغچینی شکار ایچون شهر باهت والای  
سنگ جلادت جنگالی تیز و سر سبچه شجاعتلری کسوب خون میثوملرینی در زیر ایلکله  
عزیمت و هنگام شام علی جناح الاستیصال دیران معرکه جبال ایله حرکت و میان جبالدن یولتی  
یولسز سارعت ایله بهار بنده واصل اولوب سپاه متفرقه بی جمع و بنیاد و تباد لرینی قلع و  
قلعه سعی و کوشش ایلی در حال زاغچند قار شوشنده عکرینی قونورب اوردوسی قوروب الی  
بغیوب لشکر بی صف ایلیوب قونم میثوملرینه منتظر اولدی و درون قلعه یه کفایت  
مقداری پیاده لشکر تعیین و ارسال ایلی که بوغاز لری حفظ ایردوب درون قلعه ده موجود  
ترکانیانندن قرار قصدن ایردرسه نادره اعلام ایلیله اول کون اخشامه دکن بر فرد طشر  
چقیوب و جنگه در فی اقدام ایتمیلر نادر سپه مال بلند اقبال چارده بنده رجعت ایردوب انجام کاره  
منتظر اولدی اتفاق اول کیچ بر مقدار مرد و لوتا تار عکری قره خانه امداده کلیوردی بوخیر کلوب  
قلعه دن بر بلوک نفر قار شوقوب انلری بر کینکاهده اخفا ایلیوب کور قلعه یه رجعت  
ایلیله مزبور محافظه پیاده لر قلعه دن لشکر چقوب کتد و کلرینی کورد کلرینه ترکانلر فرار ایلیوردی قسور  
ایلیوب نادره خبر ارسال ایلیله نادر فی الحال سواری عکرینی یا نته جمع ایردوب صباح وقتی  
مزبور لر قفادن و صوله اقدام تام ایلیوب سارعت کوستری چارده دن یکی فرسخ اراق اولد  
قره خان مجد سواری ترکانیه ایله طشر چقوب میمنه دن و کینکاهده مختفی اولان قاتار در میس  
دن سل سیوف ایکی جانبندن یثوب عمله و هجومده سارعت و جنگه و جداله دیرانه غیرت



و بنادرت ایلدیلر نادر در فی حضرت باریه عزاسمه اکتاد کند و عکرنیک قلمتزن و اندرک  
کثرت و ذرتن انیشه ایتیموب افشار دلاور لریه پای نبات و قراری بند ایدوب طرفین  
بر بر لینه قارشوب اعمال و سیف و سنان ایبه مر به قیام ایلدیلر بازار کار گزار قتال روح بویجو  
اول جمیعت بسیار طرغ خوبان تاتار کی تار و مار اولوب و ترکانیه دخی تمامًا روانه وادی فرار  
اولدیلر نادر در فی لشکر ظفر مظهر ایبه چارده رجوع ایلدیکه امر آتاتاریه ادای مراسم اعتزاز  
ایبه نادر کامکارک خدمته کلوب گرفتاری چراغ بک ایبه استدعای معاوضه و درجایتمین  
نادر در فی مسؤلرینی قبول و طرفیندن گرفتاری مرخص ایدوب همان اول کی تاتاریه خائب  
و خاسر جانب مرده عازم اولدیلر ایرته سی کون سلطان بلند طارم فراز قلعه چار منگه کشور  
کشالغی غن بوجالتدی دیکجه قره خانی انوک مقابله سنه قرار طوقا میوب قرص بزر انوردنکه  
قلقان آتری نادر کامکار سپاه نصرت پناه ایبه لوی ظفری اعلا ایدوب قلعه زاغچندک کارینی  
اتمامه حرکت ایلدی قره خان کند و حالنی تباہ و کونوزنی سیاه کوروب و ایشلرینه ندامت ال ویرد  
داین استیمانہ تشبندن غیری چاره سی قالمیوب در حال قلعه دن چاقوب نادر جانسه متوجه  
اولدی و وصول بولجوب کند و قیلجن بویینه آصوب حضورینه داری یاغنه دوشوب کال ابرهال  
و مسکت ایبه تضرع و نیاز لریه جرم و عصیانمہ مقرر و معترف و نادم و پشیمان در کاها کلام  
دیلرک کند و قیلجه بار سردن بنی دور ایبه دیلرک کر مندن عفو و آزاد ایبه دیدرکه نادر در فی مرتو  
مک سوابق حرکات و جرایم ما جرا سندن کچی قره خان دخی نادرک کر منته هزار تحسین و آفرینر دیوب  
هزار صد هزار القشدر ایدوب اخلاص ایبه خدمتکار لغی مشرهد و فرمان یر دار لغی متقبل اولدی  
اندر نادر امر یله قلعه دن ترکان طائفه سنی کوچ ایدوب ایبورد جانسه توجّه و اول نواصده اسکان  
ایلدیلر زاغچند قلعه سی وجه مشرود اوزره فتح و تسخیر اولدند و نصکک نانا نام دلبری تهر نه  
عزیمت ایلدی که دائم الدهر اول دلاری هر کون بر نابکار در آغوش ایدوب صفایاب اولوردی  
اما هیچ برینه وفادار اولمازدی مزبور قلعه ناسک داخل حد و دنه قبائل ترکانیه دن علی ایلی  
و برلی و تکه و موت قیسله ری متوطن و ساکن اولوردی مزبور قبائل ناکلانتری سید سلطان  
اغواسیده نادره چندان اطاعتی اولیوب انرازه دن طشرع ایاق اوزادوب کیف ما اتقوه  
الوب صا توب چالوب چرپوب هوا و سلرینه تابع اولوردی نادر نامدار اندرک جزای سزایرینی  
ترتیب ایچون ایبوردن حرکت ایدوب کار گزار دلاور بیکتر ایبه پیشگاه نایبه وارد اولدی اول انشاده

وشکرک

وشکرک و کیلی اولان سام بک زاده محمد حسین بک نادرک طرفیکر و اخلاص کیسرنن اولوب نادرک  
نامه دارد اولغله اگر اد لشکر یه خوبشاندن حرکت ایدوب ناپیشکا هنده نادرک اوردوسنه  
داصل اولدی سید سلطان حقیقت حاله واقف اولدقه مقاومتی اقتداری اولدینین بیلوب بالحد  
اول جانسه موجود ترکانیه ایبه نایبه ادج فرسخ محله واقع باغبان نام محله وارد اولوب بخت  
سیدرک دلالیتله امرادن بر طائفه ایبه نادرک حضور لامع النور لریه واروب استیجا و استعفا  
و ندامت و فحالت اظهار ایدوب و تجرید عقد صداقت و ادغورنده جانسپار لغه عهد و پیوند ایلدیلر چوکه  
ناقله سنک اهالیسی سار بلاد اهالیسی کی مخالف برده دن دم اورد میوب راه راستن  
نیاز و نوای راحتته الارواح امانه حسینی برده سنن آهنگ و آغاز ایلوب شاهان عجمه خرمن  
ملکترنن تسلیمی معتاد اولان سنبله مال میری اصول قریه اوزره ادا ایتلمک شرطیه ادج  
حصار مخالفندن نزول و نگره یان کلات و ایبوردن زاغچند اولان خاقانک ربقه عبودیتنی قبول  
ایتلمیله مزبور ره خلعتلر لباس و اظهار معامله و دنوازی و استیساس ایدوب هر بر قبیله بی جا  
بجا یرلنده اسکان و محمد حسین بک خوبشانه روانه اولغله رخصت و یروب کندوسی جانب  
ایبورده عزیمت ایلدی بوخلالده زاغچندی قره خانک مقتضای طینت اصلیه سی اولون شقادی  
ظهوره کلوب اجرای ملعنت دیو رجیم مردودی فکر یه بر قاچ نفر کندوسی بر طینت و بر جلت  
ادغور سز لریه اتفاق و اتحاد ایدوب مراد بجز حاصل اولدی فرصتی فوت ایتلمک اولماز شوکا بر  
ایش ایدالم دیو مزبور لریه مقاوله ایلدکنی خلوصکار لر نین بریسی ایشوب نادره اعلام ایلدیکه  
جمعه سنی معروض تیغ سیاست و تارک هوای ریاست ایلدی **در بیان آمدن رضا قلیخان از دربار**  
**شاهی بامر سرداری فراسان و خاتمه کار ایدوب** اوزره دگر اولان وجه محمد اوزره چونکه شاه ظهاسب  
قریندن قاقوب آذربایجان و رود دارا الملک تبریز دلاور زده قعود ایلدی بو انشاده رضا قلیخان نام  
کسنه بی سردار نصب و تعیین ایدوب کلیتو عکرو مهمات اوزرایه بلاد فراسانک جمعه قلاع  
و قصباتی فتح و تسخیر ایچون ارسال ایلدی مزبور سردار فراسانه عزیمت ایدوب انشاء و اهده نادر  
کامکارک شان و شوکتی سامعه فراشی اولدقه ارسال پیام ایبه اعلام ایلدیکه سز در دخی خوبشان  
جانسه دو بره اولوب اول حوالیه موجود اولان اگر اد ایبه سلسله جمیعته انقصاد و یروب و کمال  
اهتمام ایبه اتفاق و اتحاد ایدوب مشرهد اوزرینه عزیمت و ملک محمودک جزای مایلیقنی ترتیب و اول  
رتبه والادن انی طرد و تحسین ایلدیه سز چونکه ملک محمودک اگر اه خوبشان اوزرینه استیلاسی

۲۵



و قنده مزبور بر پراننده و پریشان اولوب هر خانه بر او دیده محقق و متواری اولغه اندک بر محله اجتماعی  
و اتفاق و اتحادی نیز امتناعده اوله سی نادره ظاهر و نمایان ایدی فقط کند و یا ننده موجود اولان  
جنود کزین نصرت قرین ایله جانب مشهره در برابر اولدی محل مزبوره و اصل اولدقه مشهره بر فرسخ  
محلده میرکهریز نام منزله خیابان عالی سمتده قونوب اولدی یلرینی تور دیلملک محمود دخی و از عکر  
تدارک ایدوب بر کرده عظیم اولدیله نجه نجه خانلر و بکلر و ضابطلر جمله سی معاضمت عظیمه ایله مشهره  
چقوب بر هیئت و هشت نما اولدیله کثرت و ذر تیرینه الانوب عظیم غرور ایله مفرد اولوب ایلکندن  
بر فرد انهزام احتمال ویر میوب مسافه بعیده دن کلمن زده لکن عکر توانا و دخی مجرب الاحوال  
و الاطوار اولان عکر جنگه جو سیه مقاومت قدرت نه احتمال در و اندر دن بر فرد پنجه ذور بزدن سومت  
و دهانه مکندر دیولاف و کراف ایله قار شورینه کلوب مقابله طور دیلر یکی جانبدن جنگه مباشرت  
اولنوب ناسر و حرب و ضرب اشتغال بولدقه سپاه ظفر توأم شمشیر تیزی اندر که اوزر زینه حکم  
ایدوب ملکه محمود که نجه اعوان و سر کرده لرینی روانه دیار عدم قلدیلر هر چند که ملکه محمود عکری  
مقاومته اقدام اوزره اولدیله فائده ویر میوب ینه مغلوبلر و عاقبت مقاومته اقتدار لری در کار و پایدار  
اولیوب نادر عکرندن دو کردان و جنگدن کزیران اولدیله ملکه محمود نادر که جنگل شهباز شمشیری  
صدقه سندن شکار ز فدار و شکسته بال کبی نکت و ادبار ایله سمت حصاره فرار دامن قلعه یه  
پنجه زن اولنجه عکرندن بی حد و شمار کشتنی عاریم دار القرار اولدیله نادر نامدار دخی جمله عکر یله  
همان اول کون اطراف شهری جولان و دزدان ایدوب مشهره که جانب غربی سنده واقع اوج فرسخ محلده  
حاج تراب قلعه سی دیکله مشهور قلعه طوسک شیر خانه سنه وارد اولوب اوزر و لرن تور دوب اوتور  
دیله بر انشاده مشهره اولان وقایع ملالت اشتمال و جزع و فرغ و سایر احوال قبامت نشان زکریویانه  
محتاج اولیوب ارباب عقوله معلوم اولغه کزیر نزن کیف لسان قلم قلندی نادر عکری دخی بر قاچ  
کون تنفس و راحتته محتاج اولوب اطرافه پی در پی قره غولدر تعیین و ارسال و بو طریقله صدور  
محمل قضا ظهورندن بصیرت اوزره حزم و احتیاط و هر جاننده طرقت موارد اعدای سربو بند و دیده  
باندر نصب و ارسال ایلدیله و هر یکی اوج کونده بر کره بلا حائل و مانع دلخواه لری اوزره با فوج خون  
آشام قلعه حوالی سنده جولان ایدوب راست کلن آدملر یرالیوب اولدور دوب مال و مواشیدن  
چالوب چریوب اله کتورد کلری غنایم ایله اورد و لرینه رجعت ایدوردی چونکه ملکه محمود نادر  
نامدار که هنگام جنگه و و غاده جلادت و شجاعتی و حرب و ضربه قیام و الهتمامه کمال

صلابت و متانتی کورب انظه جنگه سعی و کوششده پریشان قلدن غیر بر فائده حاصل  
اولدیجینی معلومی اولدقه یوملوب طور طوب اولوب من بعد شهر دن طشر چقیوب قلعه  
استحکام و ترتیب و تنظیمنه مشغول اولوب اوزرینه لشکر کلر که در دن قلعه دن جنگه  
آغاز ایدردی بالجمله اطراف و نواصیده واقع فراری و سایر اهالی قری و قصبات نادر که حضور  
کلوب ربقه اطاعتنه کردن داده اولدیله ملکه محمود بو خلاصه جمله دن مایوس اولوب همان  
دورت دیوار ایله مائوس اولدی بر انشاده شاه طر هاسب طرفزن نصب اولان سردار مزبور  
رضا قلیخان خبوشانه وارد اولوب معیتته مامور اولان امرادن شیخو انلو شاهیو یردی بک  
نام کسنه نادر که شان و شوکتنه واقف اولدقه رضا قلیخان شهبه انگیز تزدیر اولوب ایتدیکه  
اگر نادر بو میدانی ملکه محمود اوزرینه تنک و اعلاوی لوی نام و تنک ایلوب دشمنک حقندن کلوب  
و قلعه یی فتح و تسخیر ایدوب اهالی سنی قلدین کجوب و غنایمی اخذ و ضبط ایلر سه سنگ سردار  
لنگ ضایع اولوب عکرندن کسنه سکا اعتبار ایتیموب و عکله التنده طور معنی دخی اختیار  
ایتدیر رضا قلیخان بو نکته یی اشتکره کند و قریباً سوزن کاظم بک نام کسنه بی عجاله حاج تراب  
قلعه سنه کوندوب نادره بو گونه خبر ارسال ایلدیکه نادر ملکه محمود دن احتیاط اوزره بولنوب  
غرور شجاعانه مقتضایه اعدایه مقابله یه قرار ویر میوب فقط اوزر زره موجود عکر ایله  
بی باک جنگه حاضر اولسون بو نجه تدارک لوب عکر ایله بی محایا مقابله سبب تلفدر نادر بو ضری  
اشکره بیت دخی بیزدن اکا صواشتی یوق تجری بیلدن همان ایتسون مائنی گویا اولغه جنگه  
فارغ اولوب کرد و چکلدی سردار دخی انشا و راهده پراکنده اگرادی ممکن اولدینی قدر جمع ایدر که جانب  
مشهره عازم اولدی ملکه محمود بو ضری اشدوب سردشته کارد زعام اختیار و بالجمله امور  
کارزار سرداره تفویض اولدیفن یلوب سردار مردار نابکار که ماهیتی نمایان و نسیم فتح و ظفر بیزم  
جانمزه و زاندر دیوسر و شادی اظهار ایله مشهره دن چقوب طوبخانه و تفنگچی و مهمات کثیره و  
عاکر و افره ایله سرداره مقابله یه عزیمت ایدوب راه سردایتن روانه اولوب طی مسافه ایله  
جنابدر نام محله وارد اولدی سردار دخی جمله اسباب و انقالنی حاج تراب قلعه سنه قیوب اوزر زره  
موجود درنتی عکر و اگراد خبوشان ایله دهنه یولندن جانب مشهره متوجه اولوب مشهره  
بر فرسخ محلده واقع خواجه ربیع با غننه نصب خیام و مکت و آرام ایلدی اول کجه اهالی مشهره  
ارسال پیام ایله کند و زور و زور دخی خبرینی اعلام و کند و سنه اطاعتنه اقدام و شاه طر هاسبه از دل و جا



بنده فرمان اولدینه تشویق و قبولی آنچه ترغیب و بوا امرک خلافت به پیوسته حرکت و دشمنان تبعید و ترهیب  
خصوصاً ایراد استیلاکی کلمات و تمهید قلیبی مقدمات اهالی مشهرک صحیفه خیالگره مرسوم اولد  
علی الصباح اهل مشهردن بر طائفه ملک محوره مخالفته اتفاق ایدوب قبولی آچوب کلن آدم  
و ساطیله قلعه مشهری سرداره تسلیمه سادعت و استیصال کوستروب میان شهرده و بازارده  
ملک محو انبا عندن ارانوب کوزه کورینسردن و جنگه قادر اولندن راست کله و کلرینی طتوب بغلیوب  
جس ایلدیلر داعیان و امرادن نجه نفر عرق ریز شتاب اولاراق بوفتحک مژده سنی ابلاغ اینه  
سردار جانبه روانه اولدیلر **ازین جانب** ملک محو جناب نام محله دارد اولوب سردار افعال و  
انقالبی حاج تراب قلعه سنده بر اقوب کندوسی دامن همتی میانه اوروب جنگی عکرایله دهنه بولندن  
جانب مشهره عازم اولدیلر اشترکه جناب برده مکت ایتیموب اسباب و انقالبی اخذ و ضبط ایچون  
قلعه جانبه روانه اولدی سردار دخی همان اول کچه خواجه ربیع با غننه ملک محو کلن قلعه  
جانبه عزیمتی استماع ایلدی کی برله در حال کند و جمعیتی اینه ملک محو جانبه وصوله شتاب  
ایلدی سردارک بقیه عکری دخی سرعت اینه پیرو اولدیلر ایکی عکرملاق اولیچو سردارک  
عکری قول قول اولوب دودت طرفدن ملک محو عکری اوزرینه قلعه و هجوم ایدوب جنگه  
اقدام ایتدیلر ملک محو کند و عکرینی طویخانه و تفنگی اینه قوشادوب جنگه عظیم بوز کوستردی  
سردار عکرنه طوب کلیانایاب اولوب تفنگی دخی چندان بولنما مو اینه بر پشته یه ارقه ویردوب  
بر مقدار قورشونلشوب الایلدی بوزیلوب تار مار اولدیلر سردار لری اولان مردار لک نکبت و ادبار  
ری سببیه **مصراع** ملدر ساقیا باش کته آباق پایدار اولمز مفهومیجه عنان شتاب سمیت  
فرار اولوب شهر جانبه عزیمت ایلدی اثناء راهده استراحت دوشکن و دوشوب غفلت  
بالینه سویکنوب مأمور اولدیلر خذ متمک قیدنه اولیوب سازدوسوزوغوانی و مشاهده علمای  
هوراوش و تلذذ انواع ملاهی اینه مشغول اولدی حکما دمشدر دولت اقبال ایتدکه نفس آماده  
عقله خذ متکار و ادبار ایتدکه عقل نفس آماده خذ متکار اولور لشکر دخی شیوه سرداری اخذ  
ایدوب کند و هوالینه تابع اولوب هربری بر کوشده راحت آسایشی بر اقوب اولور دیلر مشهرک  
فتی مژده سنه فرستاده اولان امر خواجه ربیع با غننه کلوب سرداری یولایمیوب اندن محله معرکه  
جانبه روانه اولوب بعد الانهزام سردار غفلت و ایدیلر نه ایکن تشوب مژده فتی خبر ویردیلر  
سردار علی الفود اسفرا یسین حاکی هاییل خانی و مزبور کاظم یکی بر مقدار عکرایله علی الصباح

الاستیصال ارساله شتاب و پیرامین مصارده و اصل اولدکه نکر باندری فتح باب ایلیموب شهره داخل  
و ضبطنه مشغول اولدیلر بوخلالده ملک محو کلن مرم کتخه اسی اولان مهردی نام مشهری ملک محو کلن  
مرم و خد آمانی سریدن قالدروب آرک نام دروازه جانبنده واقع بر جره حرمی اختفا و دروازه یی <sup>نظه</sup>  
ایلیوب همان اول کچه ملک خبر ارسال ایلدی ملک دخی طویخانه و جمعیت اینه جانب مشهری ایلغار  
ایله کلوب مهردینک ضبطنه اولان دروازه دن داخل اولوب قزلباشیه اینه جنگه آغاز ایلدی قزلبا  
شیه نکه ایاقلدی بر طویتموب صبر و قراره و داع ایدوب شهری ترک ایدوب فراد ایتدیلر ملک محو  
شهره یینه مالک اولوب اخذ و ضبط ایلدکه نضکر اهالیدن نفاق پیشه و فساد انزیشه اولندری  
مواخذ و مصادره ایلیموب اموال و ارزاقلدی یغما و غارت اولنسون دیو اتبا عننه ازن و درخصت  
ویردی نادر نامدار بقلم آینه دوران نه صورت کوستردیو انجام کاره انتظارده ایکن مال کار سردار  
مردار نا پایدار بو حاله میج اولوب انهزام صودتن کوستردی نادر دخی سردار اینه کور شیموب ایسورده عزیمت  
ایلدی چونکه سردارک بومرتبه غفلت و کالت و غبا و تندن ناشی غنی بر بسته امر مههمی  
دسوا یلق کلندن کشاده و جوهر نایاب سعی و کوششی خاک مزلته فتاده و با غستان سفر  
لها یوندری ثمر ندامت و کلستان جنگه بر فنوندری بهار فحالت کتوردی خواجه ربیع با غنن حرکت  
و تأسف کنان **بیت** بونوبهارده انجوا آجلدی لاله داغ کشاد غنیه دل قالدی بر بهاره دخی  
زمزمه سیه خبوشانه عودت ایلدی بو واقعه مشکله نکه چاره سی و بونازله هائنه  
تارکی و بودردک درمائی و بو خوفک آمانی ندردیو سردار چاره جو اولوب **بیت** آهم که هر  
سوزند آتش بقف جرف آفا قرار زد و دل اعلام می دهد اشکم که هر نفس چکر از دیده در  
کنار مدقرات رآمدی وام می دهد مدلولیجه کف زنان بکایه آغاز ایدوب امر داعیان اینه  
عقد مجلس مشورت ایتدکه بعضیله بوکونه فتح باب تقریر ایلدیلر که ملک محو کلن عاکرینک  
نهایتی یوق و قلعه سی متین و طویخانه و مهماتی مکمل در و عکریزک خلقی مقادمتده عاجز  
ادبای کار زارک حرکتی حرکت مزبوع اولمشدر بعد ایوم مقابله یه مجال محال اولوب لشکریزک  
تثبت و صبر و سکوندری کون بکون کتر اولمده دردیو حیرته قالدیلر بو حال اوزره اویج آی  
مردنزن صکر بردخی حرکت مزبوخانه اینه جمع و جنگه هوس و بوتمنای مژده دنکن اعاده حیاتی  
دست رس اولور آرزو سیه مشهر اوزرینه روانه اولدکه ملک محو مقابله ایدوب سابقه  
بر تیراکنزه و پریشان و وادی کیزو فراره شتابان و یورد کلرینه داغ بر بالای داغ اولدیلر حاده خبوشانه



ظار داخل اولیله چونکه سردار نابکار که هر حیلله دن الی اوزیلوب حالی دگرگون اولدی بردی اعدا  
لویله اقتداری اولیوب گوشه لرده بوزیلوب سرنگون قالدی **در بیان سرداری محمد خان ترکمان**  
**وسلطنت ملک محمود و محاربت جنای نادری** چون سردار مزبور رضا قلیخانک منزهزم اولدوغی  
خبر موخش آذربایجانده دولت شاهیه واصل اولدقه بوماده کند ولرینه زیاده کدر و یروب مشورت  
ایلدیله که بوملکه محمودک تبارکی کوریلوب دفع مضرتی امور مهامند ربای طریقوه کان کورملودردیو  
قرار دیرد کلندن صلک مشهور طوس کبی بر مملکت تاثیر قوت بخت شاهیه مزبور سردار مردارک  
بنجه ضبط و تسخیرینه کیروب تنظیم کافه امور دخی کند و سنه تفویض اولنوب غفلت و تکاسدن  
تخاشی برله جلب قلوب اهالی و رعیتیه سعی و وقت ایلرک سپه سالار اولنره لازم ولازب  
بلکه مقوله فرض و واجب ایکن فرصتی فوت ایدوب سوات بیری سبیلله مزبور قلعه یه تکرار املکه  
محمودک مستولی اولما سنه سبب و علت اولما سی رجوه شتی ایله عزلینی ایجاب اقتضای تمکین محمد  
خان ترکمان سردار لوی ایله توقیر و اجلال و سپه سالار لوی مشوری احکام اولنوب کلیلو ::  
عکرایه جانب فراسانه تسیر اولندی اما محمد خان وارد فرات اولدندن مقدم ملک محمود عرصه  
ملکی خالی کوروب و هجوم اعدادن نواعا کند و سنه امنیت کلوب قلوب عکراه دخی قوت کلدی بر مقرا  
نظام و انتظام عکرون صلک تصیغ اوقات رد و کوریلوب عکری ایسن ایله مشغول قیلوب  
مصلحتی عد اولنوب کند و برادر زاده سی ملک اسحاقی باش نصب ایدوب کلیتلوب عکرایه نیشا  
بودی فتح و تسخیره تمیس ایلدی چونکه عرصه فراسانه ساکن اولان جماعت بیات و سائر  
اهالی نادر ناماددن غیر یی بر و همه امداد و اعانت مأمول اولوب برکنه اولدیغنی یلوب حقیقت  
حالی نادره اعلام ایدوب استمداد ایلدیله نادر دخی مسؤلر دخی قبول ایدوب مهمات سفری کورمکه ::  
مباشرا اولوب افشار و اکراد کلالت و دره جزو ایدورد عکرایه مکمل ایلر ترتیب ایدوب نیشا بود  
امدادینه روانه اولدیله ضبوشان اکرادی دخی مأموریتلرینه بنا و افر عکرایه کلوب نادر عکرایه  
تشدید چونکه بو عکرا تفنگ بردوش و خروش ایله نیشا بوده واصل اولدیله ملک اسحاق  
عکرایه کوردر کلنره میدان آت صحرادوب و نعره لر اوردوب تیر و نیزه و شمشیر ایله صواشوب و تور  
شونلوب بربر ایله التشمکه مباشرت ایلدیله کیده دک جنگ قزیشوب سیف و سنان ایله بربرینه  
کیریشوب یقه یقه یه جنگ ایدر اولدیله بوشانده ملک اسحاق عکری مال غنایمه پریشان  
دزب و غارته مشغول اولیجی ترتیبی بوزیلوب و عکرا نادره کیریشوب بولد قری آلات

ایله قیرمغه باشدیله بوسب ایله ملک اسحاق عکرایه ضعیف حال طاری اولوب قراره  
مجالری قالمیوب هر طرفه پریشان دوشت و دره میوب کیزان اولدیله ملک اسحاق بو هنگام  
قیامته بر جانه یول چقرامیوب براز اتبا عیله بر باغده تحسن ایلدی بو امرک و قوعندن صلک  
عالیجناب غفران مآب ملر رفیع کیسانی که سر آمد فضلای عصر اولوب مشهوره متوطن ::  
اولفله ملک محمود جانندن اصلاح ذات البین ایچون نیشا بوده وارد اولوب نادر نامدارک  
خاطر خواهی اولان وجه اوزره اصلاح میان جانبینه دار کلمات منجته البرکات ایله مقتضای  
مروت کیرمانه و شیوه فتوت عاجز نوازانه لرینه بنا املکه اسحاقی تنکنای تحسن مرخص ::  
و جانب مشهوره سلامت ایله روانه و ملک محمودی رهین احکام ایلرک ایچون کند و شانه شایانه  
حایت و رأفت بابنده تثبیت دامن رجا و زیر جناح عفو و عنایت نادر نامداره التجا ایلر کلنره  
نادر دخی متمایلرینی قبول ایلدی چونکه اکراد بهر نهاد و حشی نژاد زوی الفساد بو عفو و عنایت و قف  
اولدیله واقعات زمان ماضیه بنا کراضی اولیوب ملک اسحاقی اخذ و قتله و اعمال دانقا  
لخی زب و غارته رخصت طلب ایتدیله سر عفو ایدوب امان دیردیگر لکن بزمان دیرمز زبیر  
نادر بنم امانم اماند بونلره یبانه سویلر دیر کیده اعاده جرات ایدوب مال و منال دکلر  
قوم و قبیلله مزاقربا و پیونیز قالمیوب بو اوغوره کتیدیله شمدی فرصت بولمشکین چون انتقامی  
المیوب بونلره امان دیرد زطوغریسی بوکه دیرمز زیوب حدت ایله سویلیوب سوزلرنه  
مصر اولدیله الحاح و اقدام ایله هربری بر نیار آتش اولوب بجه ایام بوکنا کشته قالدیله ملک  
محمود حقیقت حاله واقف اولدقه مشهوره حرکت و سرعت و مبادرت برله نیشا بوده ::  
و اصل متحصن و فراریله حیات تازه و سرور بی اندازه حاصل اولفله لوی جدالی اعلا ::  
ایدوب و غیرت قوشغن قوشنوب جنگه آغاز ایتدیله ملک محمود عادت مستمعی اوزره  
اوردوغی قوروب تیغ و سنان جانستان قورقوسدن میدانه اقدام ایتیموب طوبخانه ::  
و تفنگچیا ایله سنکر ترتیب ایدوب نادر عکری اوزرینه آتش یاغدرمغه باشدیله ::  
بونلردخی قوشون آتمقدن خالی اولیوب اکرچه اندرک اساس قرارری منهدم و بعض لشکر  
یانی منهدم اولدی لکن طوب ایله اکراد و افشاردن و افرکنه هلاک ایلدیله نادرک قرناشی  
ابراهیم خان دخی زفمدار اولدی طائفه اکراد کند و نفر لرنه بهادر دوی باک و هربری دیر و غزته شیر  
اولفله ملک محمود عکرایه کوز لرینه کسیروب غرور عظیم حاصل ایتدیله غرور شجیعانه ::



مقتضای سنجه مقابله به قرار دیر و ب تفنگ انداز اولوردری اما موردیده و کار آزموده سر کرده لری  
اولغله ایلیری بوزیلوب تار مار اولوب بعض مال یغماندن اللرنه اولنی دنی براغوب هربری بر جانبه  
پراکنده و پریشان اولدیله انکرک رفاقتدن اصلاناده بر فائده حاصل و مطلوبونه واصل اولیوب  
تأستف کنان ایسورده عودت ایلیری نادرک انهر زماندن صکره ملک محمود دونوب طولاً شرق نیشا  
بوده واروب محاصره ایلیله اهل قلعه امداددن مایوس اولوب کنه ولیننی معرض مخاطره و تنگنای  
محاصره بولوب ناچار قالوب قلعه یی تسلیم ایلیله ملک محمود قلعه یی ضبط و تسخیر ایروب کرکی کبی  
مهمات لازمه لرین ترتیب و تکمیل ایلدکه نصکره بیات هاکی فتح علیخاننی انده حاکم نصب ایروب ان  
جانب مشهوره عزیمت ایروب مرتب و معظم الای ایله مشهوره داخل اولدیله ملک محمود مشهوره وارد اولدده  
سردار هولکندن شاهلو سوداسنه دو شوب باشنه صرغوج طاقنوب التونه و کتبه سکه اورد  
شاهان کیانیانه انتساب ایله مرصع بر تاج کیانی ترتیب ایروب بومنوال اوزره حکومته آغاز ایلیری  
لیکن هاتیف قضا لسان الغیب حافظ شیرازی گفته در سفته لرندن بویکی بیستی کوشش جانانه  
ایرشدردی **نظم** نه هرکه بهره بر افروخت دلبری داند نه هرکه آینه سازد سکنردی داند نه هرکه  
طرف کله کج نهاد و تشد نشست سپاهداری و آیین سردوری داند بعده مشهوره ایله ایسورد میاسته  
واقع بوغنج نام قصبه اهالیسی ملک محمود اطاعتدن روگردان اولغله انوک فتح و تسخیری  
مراد اولنوب ملک اسحاق سردار نصب ایروب اول جانبه روانه ایلیری بوغنج اهالیسی  
دخی نادرده امداد طلب ایلیله پراکنده عسکرک ترتیب و تنظیمه مشغول اوله کی نادره مانع  
عزیمت و سبب تأخیر اولوب عسکر جمع ایروب و مهمات لازمه ترتیب و تکمیل اولنوب محل مزبور  
واصل اولنجیه دکن ملک اسحاق بوغجه مستولی اولوب ضبط و تسخیر ایلیوب بر قاچ کون  
مکت و آراددن صکره معتد خانلرندن برینی وافر عسکر ایله محافظه سنه تعیین ایروب مشهوره عودت  
ایلیری نادره اثنای راهه بو حواله واقف اولوب دادگان بولبله مشهوره بعض سنجای قلینیه ایرات  
انواع خسارته عزیمت ایلدکه ملک محمود دخی قارشو چاقوب اشترابی نام محله قتال عظیم ایلیله  
تعبیر مخالف تقیر نادر عسکرینه قلع او شوروب ایکوز نفر دن متجاوز هلاک و اکثرینه زخم هولناک  
اصابت ایتمکله بالجمعه پراکنده و پریشان اولدیله نادرده انکی نفر کتبه ایله فرار ایروب غبار  
ادبار هولید او اوراق خزان رسیده کبی افغان و خیزان کلاته وارد اولدده **بیت** کوردم چنده قانه بو  
یاغش یا تور و ذوق بکزرکه بر طبایحه یمش روزگار داند مضمونی اوزره رنگ و درو لرندن شکسته

نمایان اولوردری ملک محمود دخی خوبشانه روانه اولوب اهالیسنه انواع خسارت و مضرت  
ایرات ایلی نادرده بودهن و فتور و یوغج و تصور صادر اولدده ارباب عناد و اصحاب  
فاد اولان بعض افشاریه مذاق لرینی اجرایه فرصت بولوب درون نام محله واقع ترکمانیه  
استمداد ایروب و اندر دخی اول ابلیسکرک تلبیس و تسویله رینه اعتماد ایله تارک عهده انقیاد  
اولوب اتفاق و اتحاد ایله مخالفته آغاز ایروب ایسورد اوزرینه عزیمت و ضبط و تسخیر ایلیله  
نادر دخی کلاتدن عازم اولوب کیت همتی جولان و شیر شمشیر کشتور کشارین عریان و سنان  
داست رد لرین اهتر از ایله برق افغان ایروب **نظم** صفای فیض الهی نه طبعه کم او غر  
کرکه کرکزی انی مظهر صفا ایله وجود قابله مفتوحه در دریا ض مرادی اوزره اولورده نه کم  
مراد ایله مضمونی اوزره ایسورده واصل و اندر دخی قارشو چاقوب خارج قلعه ده مزبور افشاریه  
و ترکمانیه ایله شعله مشعل و غاآ تشبار اولوب تحریک رک جنگ و پیکار زمین و زمانی  
بیقرار ایتمکین نیچه لر فراری و پیچری پیغوله غدمه متواری اولوب حصاره هجوم اولندی افشاریه  
و ترکمانیه هر چند دفعه اقدام و پیچ کونه تدبیرات و تزدیراته القای پیچر اعتصام ایلیله ایسه  
پایدار اولیوب اعلام اقبال لری سرنگون و طالع و بخت لری داژگون اولدوغن مشاهده ایروب  
قلعه یی تسلیم ایلیله ان نصکره مراسم نادر نام آور سکندر نشان و زان و چنزار حال فقرای تازه  
وزریان ایروب **بیت** دولت سنک دیلرسن اوله شاهم پایدار سویله غزک کسه یی دینجه خاطر  
ایتمسون مفهومی منادیله مذاهی عفو و احسان ایروب عامه اهالی غنوده بستر امن و امان  
اولدیله ان نصکره نادر نام دار ملک محمودک مضرتنی مدافعه یه عزیمت و مرکب تهوردی سمت خوبشانه  
سورب میاب نام محله واصل اولنجیه دک ملک محمود اگراد خوبشانک مال و مواشیلرینی یغما  
وسلک جمعیت لرینی پریشان و پراکنده ایروب مشهوره مراجعت ایلی نادر دخی بو احواله واقف اولدده  
ایسورده عزیمت ایروب اهالیسنک نظام و انتظام و قلعه نک لوازم متانت و استحکامنه مشغول  
اولدی بو مقدمه ماتک و توقعه نصکره شاه طرهما سب جانندن تعیین اوضان سردار مزبور محمد خان  
ترکانک فراسانه ورودی خبری ملک محمود جانندن نیشابوره حاکم نصب اوضان فتح علیخان  
واصل اولدده سرداره صداقت و خدمت و شاه طرهما سببه قوللق ملاحظه سیه ملک محمودک اط  
اعتدن روگردان و هوا سنه تابع اولوب اظهار مخالفت و انواع فساد عزیمت و تمثیت اسبابی  
تدارکنده ایکن جاسوس ملک محمودی ایقاپ ایروب ملک محمود دخی نادره شکسته اطفال و اسکان



تبریزینه صرف مکت و کلیتاً عکرایه نیشابوره وارد اولدقه فتح علیخان ملک محموده دماغنده  
 مضر اولان سو قصدی اجرایلکه حکم تدارک کوروش بولغله قارشو مقوب جانبینک عکری  
 تلاقی ایدیکه فتح علیخانک بوی بکلری جنگدن متعاشی بر جانبه کیدوب چکلیدلر سائر کما  
 متفوه اولند بونلری کوروب انلره دخی فتورال ویروب فتح علیخان جانبی مغلوب اولجوبیت  
 باعث فتنه ایری اول بیداد عالمی قلدی فتنه سی بر باد منظوقی اوزره عکرا نهمز امه ایکن  
 باقتضای تقیر فتح علیخان دستگیر اولوب ملک محمودک خیمه سی پیشگاهنه کتورد کلرنده امر  
 ایدوب جلادی امان شمشیر بران ایبه سرخی بران ایلدی اندن ملک محمود شهره داخل اولوب بر قاچ  
 کون مکت و آدام نضک ملک اسحاقی حاکم نصب ایدوب کندوسی مشهره روانه اولدی بر قاچ کون  
 مردن نضک نادری دخی مدافعه تبریزینه مباشر اولوب ملک اسحاقی نیشابوردن عکرایه  
 کتوردوب کندوسی دخی خارج شهرده واقع باغه نقل ایدوب بر عظیم جمعیت اولیلر اتفاق نادر  
 دخی مکت عکرایه مشهره اوزرینه روانه اولوب جناب نام قلعه یه وارد اولدقه سابق الذکر پیر محمد  
 نام کسنه که فتح علیخان دن روگردان اولوب ملک محمود عنیننه کلمش ایری اول اشناده مزبور قلعه  
 ملک محمود جانبندن حاکم و محافظ اولغله نادره قارشو مقوب حرب و قتاله و مدافعه یه اقدام  
 ایتیلر نادر بونلرک بوکونه حرکت وجا رتقونی کوریکک در حال عکرینی ترتیب و تنظیم ایدوب یوروش  
 ایلوب شرت و کریت اوزره طرفیندن جنک اوله رق اهالی منهرزم اولوب قلعه یه رجعت  
 ایلدیلر نادر دخی مکت عکرایه جانب مشهره روانه اولدی مشهره ایکی فرسخ محله واقع مهردی  
 گوشکی نام موضعه وارد اولدقه ملک محمود دخی مشهردن حرکت ایلوب نادر واقف اولدقه  
 مشهره بر فرسخ محله واقع کوه سنکین نام طاغ زیلنده طابور لرن قوروب قروم شوملرینه منتظر  
 اولدیلر ملک اسحاق دخی همان اول کون نیشابوردن وارد اولوب ایکندی وقتی ملک اسحاق  
 بابا قدرت ستمدن و ملک محمود باغ مزبور ستمدن ناکاه پیاده لشکرین تقسیم و آرد لرجه فوج فوج  
 بحر آهینن موج کبی سوار آیلدیلر دیوار استوار کبی انلره قفا دار ایلوب تفنگ لره آتش ایدوب  
 بر یوروش یوردیلر که دستم زال اولسه حائل اولغله تصور اولنزدی نادر نامدار دخی دلیران کردن فرار  
 ایله خدای متعاله نیاز برله مزبور لره قویلوب وقت غروبه دکیس لاینقطع جنک ایلدیلر بعد انلره  
 قراره مجالدری قالمیوب قرار ایتد کلرنده عکرا نادر اول ایدیلرک اکه سنه دو شوب برو جهله  
 قیردیلر که آن واحده اول میدان وسیعده کشته لردن پشته ریغلوب پیاده لرنن خود جان  
 قور تلبیه

قور تلبیه بقیته السیوف اولان سواریلرنن چوق کسنه لراسیر اولیلر فراریلر چادر لرنده  
 تحصن ایتکی مراد ایتد کلرنده انده دخی قراره مجال بولیوب چادر لرنن جمله اشیا و مهماتی طوبخانه  
 و نقاره خانه یی براغوب یکتا باشلریده طاغله و صحراره دوشیلر نادر جانندن جمله متروکات  
 ضبط اولوب آلوب کندو اوزریدرینه کتوردیلر ملک محمود و ملک اسحاق دخی قلعه یه داخل  
 اولوب قاپورلی قاپیوب تحصن ایتدیلر ایرته سی کون نادر گرفتار لردن اهل مشهره اولنره فرما  
 بجات احک ایدوب عکری اولنلری جانب کلاته ارسال ایلوب کندوسی دخی کلاته روانه  
 اولدی ملک محمود بو انهمز امه صکره انکست تیری دنان تفکر قیوب وادی حیرته سرگردان  
 قالدی دیوان ایدوب اعوانی اولان افشاریه یه عطف نظر برله بو بابره انلردن جواب طلب ایلدی  
 دیریلر بو کامکانات اولنر سه اطراف و کنازده البته شایع اولوب بردخی زره دکلو اعتبار بمز قانز  
 بویله بر نام اولدن جمله مزه اولک یکر همان غیرت ایره لم ترکانیه و اهالی نسا و درون و اگر اذخوش  
 اعانه لریله اوزر لرینه واروب اخذ انتقامه اهتمام ایره لم بونک اوزرینه اتفاق ایدوب مزبور لره یکل  
 فرستاده و عید ایدوشیدر ایله ترغیب و ترهیب ایلد کلرنده مزبور طوائف دخی ملک محمود موافقت و  
 نادره مخالفتده عهد و پیوند ایلدیلر نادر بو خبری اشتکرده بر کون علی الصباغ که شمشیر آفتاب درخشنده  
 و نطق زواهر کواکب پیچیده اولدی ایدوردن سوار اولوب بر کون بر کجه ده یکر می بشن فرسخ منزل ایلغار  
 ایدوب ایرته سی صباغ علی الغفله باغبان نادره ترکانیه اوزرینه بلای ناکرهای کبی یتشوب مهم  
 امکان قتل و غارت ایدوب اندن نسا اهالیسی جمع و قبلرینه نوازش و استمالت و بر مکه کندوسنه دام  
 ایلوب میاب و کوبکان یولیه مشهره اوزرینه روانه اولدی لشکر دن دورت بشیوز فکر کسنه یی انتخاب  
 ایلوب ماعدای ایکی قول دهر برینی بر کینکاهده اختفا ایدوب بهار نام قلعه اوزرینه وارد اولدقه ملک محمود  
 مدافعه یه عزیمت ایلدی تلاقی فریقین واقع اولدقه نادر خدعه طریقیه جانب کینکاهه فرار و ملک محمود  
 تعقیب و پسو محلینه واصل اولد کلرنده بسوره اولان دلیران ایکی جانندن جمله و هجومه مارت و جنک  
 و جدره غیرت ایدوب عاقبت ایام شتاد شرت سرما اولغله طر لدره قان منجر اولوب و اعضا حرکتدن  
 قالب ناچار جنکی ترک ایدوب نادر ایدورده عازم و ملک محمود مشهره دارمغه ملازم اولدیلر اننضک نادر  
 جانب مرده متوجه اولدی باعث توجه اولد که اوتنه دن برو جماعت قاچاریه خراسان بلادندن مرو نام بلده  
 نکه دروننده ساکن و جماعت قاقاریه و عرب مروک خارجنده توطن و قرار و صیف و شتاده سیلاق و قشلاقلده  
 کشت و کذا ایدر لردی فیما بین طائفه قاجاریه نکه بر خصوص ایچون بینلرنده نفاق و شقاق حاصل اولوب



نظام و انتظامی مختل و مشوش اولغله یکی فرقه متضاده به منقسمه و بری برلینک علیهم  
اولیله عقلی مسلوب اولوب دماغلرله مضر اولان فادی اجرا ایچون هر بری مزبور نواچیده ساکن  
اولان تاتاریه دن استمداد و هر بری کند و خصمی مدافعه و قهر و شدت میر ایچون مزبور لردن بر فرقه ایله اتفاق  
و اتحاد ایلیله تاتاریه بو معنای کند و له محضا بر غنمت عدا و یروب نواچیده اجرا بر مد کلدی عصیان و طغیان  
فادیخی بو انشاده فرصت بولوب فعله کتورمک ایچون بولوک بولوک کلوب شهره داخل اولوب کون بکون  
تاتاریه قوتلنوب قاجاریه تراجمده اولیلر احوال قاجاریه ده انکار آتاری ظاهرو نمایان اولدورن  
صکر مزبور تاتاریه اورکچون کلوب قراوت نام محله یودت طوتین موت طائفه نی دخی کتوروب  
فعله سی فادده متفق اولوب ضبط و دبطری اهالیدن کسنه نکه النده اولیوب هر فرد هواسنه  
تابع رعایا و بریا نکه عرضنه و مالنه و اهل و عیالنه دست دراز لقلری حد ددن متجاوز اولوب غضب  
و سرقه دن بر آن خالی اولمز لردی قاجاریه دخی بود قایم نضک کند و له نزامت ال و یروب یکک دل یکک  
دردن اتفاق ایروب یودت امر اسدن بر قاج نقر کسنه لری طتوب قلعه ده جس ایروب باقیلرینه  
فجاء و دفعه قلیج او شورب چار شورده و صوقا قلعه راست کلد کلرینه هجوم ایروب چوق کسنه لرینی  
قتل ایتدی بقیه سیون ماملکه لرینی بالجه ترک ایروب عریان و بریان مردن اون یکی فرسخ محله  
واقع کال نام موضع مشهوره وارد اولوب مردک مزرعلرینه جریان ایدن صویکک باشنده آقامت  
ایلیله ماروچاق ایماقلرین ترکمانیه دن استعانه ایروب مزبور مزرعله وارد اولان صویکک  
اهل قلعه یی کشت و زراعتدن منع ایتدی لردن نضک مزبور تاتاریه امر اسدن بر قاج کسنه ملک  
محموده واروب وجه محرر اوزره اعلام و اهل مردن شکایت ایلیله ملک محمود دخی بر طوبو است  
عای تاتاریه انلردن برینی مرده حاکم نصب ایروب ماروچاق و ترکمانیه اثر اوا شقیاسنی معینه  
تعیین ایلیوب مرده ارسال ایلی وارد اولد قلعه سابقه دن بر تر دست نظادی دراز و زهیب  
وغارته و تاخت و تازه آغاز ایلیله اوج سنه بو حال ایله حکومت ایروب اهل قلعه ظلم الله  
جانه کلوب هیچ بر و بهره نه ابر جکلرین یلیله چونکه اهل قلعه نکه احوالی ما کولوت و مشرد  
بات قلدن و ظلم و تعینک و فرت و کثرتدن بو فلاکت و زندقا نلقدری سرحد هلاکت متناهی  
اولری نادر نامدارک دامن مروت انجاسنه تشبث ایروب امداد و اعانه ایچون خاکبای اولیلر اول  
صاحب مروت دخی تعصب و ایلیت او جندن تشمیر ساق اجتهاد ایروب مذکور اثر اوا شقیاس  
نکه جز آرمایلیقلرینی ترتیب و درون و بیرون انلری طرد و تحین ایچون طزن یولدن اول جانبه

روانه اولری **دربیان مقدمات الکای سرخس** چونکه نادر سل سیف جلوت و مرد طرفه تحریک  
دکاب عزیمت ایلیله طزنه وارد اولد قلعه رودخانه نام صویولدرینی کسکده مانند تیغ فزکی اولغله صون  
عبور ممکن اولیوب برو جاننده مکث و آرام ایلیله رسیدگاه عزیمتدن تهری دست رجوع ایلمکی  
دخی حوصله شهر با طبع غبوری هضم ایلیوب اول طرفه واقع سرخس نام بلده حدود نه  
ساکن طائفه ایماقیه که مورد قلی سلطان جغتای نام کسنه انلرک سر کرده و حاکم لری اولغله  
اول نواچیده السنه و انواده مزکور و مشهور ایدی مزبو طائفه انوکک اطاعتدن روگردان اولیوب  
دانوکک اشائیه نادره میل و رغبت ایلمز لری پس صودن کچک ممکن اولدیغنی نادر تحقیق ایله  
کیزیه و چابک سوار عکیرینی انتخاب ایروب طائفه ایماقیه یی زهیب و غارت ایلمک سودا سیله  
طزن کناندن سرعت و یولتی یولسز اول جانبه رو بره اولدی اخشام وقتی دشت نام محله کلد کلرینه  
عظیم باران و دره لردن سیلر دزیایکی فروشان اولوب شدت ظلمت و کثرت باران هر کس بو لریغنی  
مکلدن بر خطوه حرکت امکان اولیوب چامور و بتاقدن بر ستمه چقا میوب نه رکوبه طاقت و نه  
نزوله قدر قدری اولوب هر فرد بر ستمه واقع اولیلر اول اخشام بامه دک بو حال اوزره اولوب  
صبح اولد قلعه سرخس قلعه سنگ قارشوسنه ایر شوب نصب خیام و مکث و آرام ایلیله  
چونکه مورد قلی سلطان بلای ناگهانی دن نوازل آسمانی کند و خانه سی قابوسنده مهمان کورب  
انقیاددن غیری چاره یلیوب ابواب معذرتی کشاده و بدرنی ما حضر طعام و لباس خوش  
نام ایله فرستاده ایلی نواچی ده واقع سار قلاع سر کرده لری دخی کلوب کور شوب هدایای کران  
بها و بخشلر ایله درون جذب ایلیله طوبوخانه برابر اولغله قلعه لره تعرض ایلیوب اول نواچید  
متکن بعض عشایر و قبایلدن کلات و ایسورده کوب کلرینه امر ایلمکده محبت علی سلطان جغتای که قلعه  
جات محافظی ایروب مخالفت ایروب جنکه اقدام ایلی عاقبت مغلوب و منزه ام اولوب قلعه یه  
تحصن ایلمکده اهل قلعه نادره اطاعتی معقول و مناسب کوروب کند و لری تسلیم اولوب محبت  
علی سلتانی اعوان و اتباعیله طتوب خدمتده کتور دیلر نادر دخی انلری سرخس عشایر نرن  
اوج بنک خانوار ایله کلات و ایسورده ستمه کوچ ایلیوب کند و سی دخی قالقوب ایسورده رو بره اولری **دربیان**  
**محاصره تورغان و تنبیه تاتاریه مرود و قایع آن زمان** افشاریه قلعه لرین بری تورغان نام قلعه در  
انوکک حاکی پاپالو عاشور بک نام کسنه اولوب نچه زمانن برو اول قلعه و نواچیسسی انوکک عقده  
تعویقنده قالمش ایدی عاشور بکلک دولت صفویه یه انتسابی اولوب هیله نادره میل و رغبت



و اطاعت ایلیزیری پیشکرک دو ساسنن ادوب دو دمان بغی و ضلالتدن فروغ افروز اولان جعفر قلی  
 بکک دخی بر سریه همیشه ایله واروب اول اولر آستانه مخالفه اندر ایله همدستان اولیلر نادربو خبری  
 اشتکرده قورغان جانبته شقه کسای لوی ظفر التوا اولوب کلتلو عکرایله روانه اولدی قورغان  
 واصل اولر قلنده طرفنده رفیع و منیع طایبه لرو متین و حکم سیه در ترتیب ایروب طوب قلعه کوب  
 و تفنگ رعد آهنگ ایله جنگه مباشر اولر قلنده مزبور جعفر قلی بکک و توابعی لشکر ظفر یا درک همد  
 کشور شکارینه تاب آور اولامیه جعفرنی بیلوب اظهار اعتذار و عرض اطاعت ایتمدیه معرفت خطا  
 پوش اندر دخصمت ارزانی ایروب قلعه دن جقوب کلر کلری یوله در بره اولیلر عا شور بکک یا لکر  
 کند جمعیت ایله مراسم قلعه دارلغه رعایت و برج و بارونک متانت و استحکامه مباشرت ایلی  
 اتفاق بونون اقدم خوارزم و ایسی اولان شیرغازی خان نام کسنه دولت صفویه ایامنده اندره  
 چندان اعتبار و انقیادی اولموشه سیله فراک اسرمتنه شجون و اول طرفلری با مال لشکر ظفر  
 مقرون ایروب زور بازو ایله سرحدات مزبوره دن افرای خراج و مال و ارزاق لرن زهب غارتگران  
 آتش مزاج ایلیدی نادرک میادی ظهورنده دخی سابقه ده که کبی زهب و غارت ایله القای خاست  
 ایچون هر بار جنود اوزبکیه و ترکمانیه ارسال ایلدکجه کلن غارتگران مغلوب و مقهور و خائب  
 و خاسر اول حوالیدن دور اولور لردی پس شیرغازی دفعاته کلن سریه خیسنه لری منزهزم  
 اولوب صفر ایله عودت ایلدکلرینی مشاهده ایلدکه غارتگر لکی ترک ایروب نادر نامداره و خان  
 لردن مقرب و نافع الکلام اولاندره مدارات آمیز و محبت انگیز تحیرات ایله ایلیچی کونوردوب بونون  
 بویه دوستلق اوزره معامله و تقوافل و کاروان طرفیندن کیدوب کلرک ره جاسنده قصور قوم  
 و افر نیاز و نوازشلر ایلمش نادر جانیندن دخی اول کلن آدمه کرکی کبی رعایت و اکرام نصک  
 مطلوبلرینه موافق جوابلریا زیلوب عودت اولنیلر قضا را اول ایامده بر کاربان جانبته  
 عزیمت ایروب دشت همدنده واقع چهچه نام ولایته ورود لرنه ملک محمود چهچه اهالیسنه  
 آدم کونوردوب اعلام ایلمش که مزبور کاربانه آتلقا توب سلامت ایله طرنه ایصال ایله  
 اهالی چهچه ایسه مزبور تجار دن باج مطالبه ایروب اندر دخی نزاع و امتناع ایتمکله جمله خنی قتل  
 ایلیوب اموال و اشیا لرینی اخذ و ضبط ایلمش شیرغازی کاربانه بو خسارت ایرشد و کشتکرده  
 جناب نادره ایلیچی کونوردوب مال منهوبه بی مزبور لردن اخذ و استرداد رجاء و ملک محموده اعتبار  
 ایتمیوب اول آستانه التجا ایلمکله نادر دخی زیاده محظوظ اولوب محبت لازمه یه بنا مال

منهوبه بی استخلاص و تلافی نضمین و مزبور تجاری استرضاده بزل محمود ایلیوب شرایط  
 التفات و مودته کرکی کبی رعایت ایلیدی بود سیله ایله نادر قورغانی محاصر ایروب فتح و  
 تسخیرینه مباشر اولر قلنده شیرغازی التون جلودیکله موسوم خاص دلا در جنگه آور لرن  
 التي بوز نفر کسنه بی خدمت دسمیله امداده ارسال ایلیوب وارد اولر قلنده نادر عکری برقا  
 دخی قوت قلب بولوب بر شکل آفره دخی کردیلر و ملک محمودک طائفه تاتاریته دن مروده متوطن  
 قاجاریته اوزرینه نصب ایلیدی خاکن ظلمی و تعدیسنن مضطر الحال اولان امرای قاجاریته دخی  
 دستیاری همت و اهتمام و مددکاری اراده و التزاملری رجاسیله پای قلعه ده نادره یتشوب  
 شفاه تجیل ایله داملرینی تقبیل ایلیدی وینه نادر نامدارک مویات دولت و اقبالندن بری  
 دخی بودر که انوک نام و شانی بر توفشانی اطراف دیار ایرانه منتشر اولمغه شاه طهماسبه  
 دخی سامعه فراش و درو شده برمایه تلاش اولوب اول ائشاده مازندر انه معیر الممالک اولان  
 حسن علی بکک نام کسنه بی تجسس احوال فرضنده فال و استفاد و تحقیق اخبار ایلیچی غیر  
 ارسال ایروب مزبور قلعه نکه دامندن ایام محاصر ده واصل اولوب نادر نامدارک تقبیل رکاب  
 رینه شتاب ایله شرفیاب و غبار خاک بارینی دیده لرینه سرمه سلیمانی ایله نکلر کامیاب اولیلر  
 نادر طرفندن دخی نوازش و التفات و عزت و احترام قات قات اولوب قلوبه کال برحت و ابنا  
 طرن اول کون اخشامه دک و اخشامرن بامه دک لاینقطع طبل و سوزنا چاللوب قلوب قلعه  
 کیانه داغ بر بالای داغ ایرشدر دیلر بیت باد صباه زلف پیامن کتور دیدیم کلدی کتور دی باشمه  
 سودا خبرین فحواسی اوزره اهل قلعه کون بکون مزاد اولان قوت و غلبه نادر یانندن بر لوزده  
 حزن و انگار اولوب و هیچ نه ایله کلرین بیلیدیلر بر قاج کونر نصک مزبور حسن علی بکک خلعت  
 الباس اولنوب شاه طهماسبک اعتماد اوله سنه تحیر بیوریلان مکاتیب بریعه الیه  
 سالیب بینه تسلیم و کردخت و کسمه سیله مزین برادر خشن و اتباعنه خلعتلر احک و فرخ  
 ارسال و تمام مراسم انعام و انضال اولنوب شاه جانبته اعاده و ارجاع اولندی و درون تحیر  
 شاه مجاهک جانب فرانسوا تشریف بیورملری ترغیب و تحریص قلندی نادر نام آور قورغان  
 محاصر سنه قیام اوزره ایکن صورتخای اطاعت اولان درون نام محله ساکن ترکمانیه  
 علی ایلی تجیر مخالفت ایروب عادت سابقه اوزره اجرای ملعت ایتملرینه سار لرینه ماید  
 غیرت اولمچون ظهیر اوله ابراهیم خانی سپاه نصرت بنا همدن کفایت مقداری عکرایله محاصره



قلعه قورغانه مأمور ایدوب کندوسی همان اوزبکیه و خاص خدایله ترکمانیه نکه مکنی اوله  
قلعه خود سنده دوبراه اولوب واصل اولدقه اموال و مواشیلرینی شیخون و شامت بیله اوله  
باغیه غاویه دن برگردهی نشانه تیر و قوروشون ایلدیلر کز ظفر مظهر قلعه یه یوریش ایدوب  
امرادن شیر حاجی نام کسنه یی طتوب زفت تامه ایله هجومه بزل مقدور و الهتمام تام ایتدکلر  
ناشی قلعه اهالیسنگ کلوبنه رعب و هراس مستولی اولوب خلاص جان امیرله استیمان  
ایلدیلر نادر دخی غدر لرینی قبول ایدوب مال و جانلرینه امان احک ایلیوب ایرته سی کون مکمل  
اورد و سیله قالقوب قورغانه عودت ایلدیلر عا شوردک کنده سینه قلعه دارلوق مفید اولدوغون  
یلوب و امداد و اعانه دن مایوس اولوب طرفیندن عهد و امان قراردادده اولدقده نصکره قلعه یی  
تسلیم ایدوب کندوسی دخی نادرک ربقه انقیادینه کردن داده اولدی اند نصکره نادر نام آور  
شیرغازی جانبدن وارد اولان التی یوز نفر ظفر اثر لکر هر برینه علی حده آت و خلعت و فرج  
احک ایلیوب انواع نوازش برله شیرغازی جانبنه اعاده و ارجاع ایلدی بو غائله مندفع  
اولدقده نصکره مقصود اصلی اولان مرد و اوزرینه متغلب تاتاریه نکه جز آسرا لرینی ترتیب  
داول شوم میثوملری اول نواچیدن طرد و تحنیب ایچون قورغاندن حرکت ایلدوب بجه  
دهوض خان و عباس آبار دیولرینه مر و جانبنه عزیمت ایلدی وارد اولدقده مزبور  
تاتاریه یه ترغیب و ترهیبی مشتمل اما نامه الجی بیلده ارسال و غفلتدن ایقاظ و تنبیه  
ایتدکلر نه اول مسلوب العقول جمعیت و قصد مقاومت و عدم اطاعت ایله رد جواب  
ایلدیلر اند نصکره نادر نام آور کز ظفر یا در ایله عرصه نبرد ایچره شیرانه حرکت و دلیرانه مبا  
زرت برله نیچه لرینی زخمناک و نیچه لرینی تیغ بی دریغ ایله هلاک بالآخر قلعه یی ضبط و تسخیر  
واهل و عیال لرینی اسیر و مال و منال لرینه عسکرینی سیر ایدوب اندن اسیر لره اما دیروب و مرخص  
ایلمکله شان ایلدی بعده جمله سی نادره قوللوق ایلکره اخلاص ایله اتفاق و اتحاد و عهد  
میثاق و طرفین دخی صلحی رغبت ایتدکله نادر طرفینن امر او و کلا سنی بربره کتوروب انواع نوا  
زش و عاطفتلر ایدوب تاتاریه دخی اصل مروده ساکن قاچاریه ایله حسن امتزاج برله معیشت  
ایلمکله اوزره صلح منعقد اولدقه امر آفریقین کند و رکابنه ملتزم و اعرابی کوچ لرینه ایسورده  
فرستاده و موکب شاهی اول جانبه متراهی اولدوغی ارسال رسل ایله اهالی مشهره مرزده رکن  
و کندوسی دخی جانب مشهره عازم عطف عنان اولدی **در بیان توجه حضرت شاه طهماسب**

بعزم شاه

بعزم محاربه با ملکه محمود بجانب خوشان و درود جناب نادر یی موکب شاهی و وقایع آن  
زمانه نادر نامدار قورغانه و مرده سفرا ایدوب اول اولکه لر ی ضبط و تسخیر ایلدی کی انشاده ملکه  
محمود یقاسنی خصم قوی چنکالندن دهاکوروب فرصتی غنیمت عدا ایدوب بیت مهر در خشنده  
چونپهران شود شب پره بازیگر میدان شود مضروبچه کرگی کبی تدارک ایله مشهدن حرکت جوین  
و اسفرا یین نام قلعه لره سفرد مر قوم بلده لری دخی کند و ممالکنه ضم و الحاق و اول نواچیده شاه  
طهماسبه تصادف ایدرسه تسلط و فرصت ال دیررسه اول دولتی ابطال و امانته و دول  
سابقه دن دولت فارسیه و دولت صفویه تغییر یله شهرت زده آفاق عالم اولان دولت قری  
بی احیاس و اسیلله و اول دولت رجالندن تعداد اولنوم هوا سیله مسند نشین دار او قی اذغانی  
کندویه سب حال قلوب دوبراه اولدی مع هذا نادر نامدارک کوکبی اقباله اولغله انوک مرانه  
دفرزانه لکی حد و فرزند بلند آوازه و اول دیارک اوضاع و اطورینک صولش کلتانی انوک  
نوجلال جو یبار تیغ آبرازدن تازه بتازه قرین طراوت بی اندازه اولوب اول اقلیمده واقع بلاد و قلاع  
دقزی و قصبات اول ماه انوکک مطلعندن منور و مشرف اولمشیدی شاه طهماسبک بر محله  
شباتی و قراری اولمغین اول انشاده بسطام نام بلده نکه قریبزه جاری اولان نهر عظیمک  
اوزرنده ضرب خیام و مکت و آرام ایلدی ملکه محمودک جوین جانبنه عزیمتینی اشتدکه فتح  
علیخانی سپه سالار نصیب ایدوب کلتلوق عکرایه جاجرم و اسفرا یین یولیله روانه  
ایلدی نادر نامدار دن دخی مظاهرت و اعانته امید و ارا اولوب حسن علی بک نام معیر الممالکی  
انوک خدمتینه کوندروب مزبور سپه سالار دن مقدم ملکه محمود اوزرینه عزیمتینی تمنا  
ایلدی مر قوم لرهنوز اثناء راهده کلور لرایکن ملکه محمود جوینی محاصر و ضبط ایدوب سائر  
نواچیده اولان ایلات و قصباتک تسخیرینه مشغول اولمشیدی نادر قورغان و مرز اولکه لرینی  
ضبط و تسخیر ایدوب جانب مشهره عزیمت ایلدو کی خبر مو حش ملکه محمودک سمعنه لاص  
اولیجوع غایت ایله مکرر و پریشان الحاطوا اولوب سائر نواحی تسخیر نین ال چکوب جانب  
مشهره شتابان اولدی بو حاله مقارن مر قوم حسن علی بک دخی نادرک خدمت و الاسنه  
واصل اولوب موکب شاه طهماسب حرکت و جانب مشهره عزیمت خبرن و یروب نادر بو خبری  
اشتدکه مشهره دار معنی ترک ایدوب فی الحال جانب خوشانه روانه اولدی اما اثناء راهده  
نادرک درونته خوف و هراس مستولی و فکر و اندیشه کندویه غلبه ایدوب اگر ادخوشان



ایله بینلرنده سابقه ده واقع اولون غبار و نزاع غایت ارتفاعه اولوب شاه طرهما سب  
خوشانه دارد اولدوقده مزبور اکراد واقع حالی ناشایسته مقال ایله اکر طرهما سبه اعلام  
افاده ایدر لر سه میانه ده شرف و فتنه احدانته باعث و بادی اولوردیو دوسه ایلردی لیکن  
برده تقدیر دن بو معنائک عکسی ظهور ایدوب **بیت** صد هزاران طفل سر بریده شد تا کلیم الله  
صاحب دیده شد **نثر** مضمونجه سبب الاسباب حضرت قری اول جنابک دولتته اسباب  
اها ایلدی بو مقالک تفصیلی اولدرکه چونکه شاه طرهما سب فرانسوا وارد اولدی  
اطرافه اولون عشایر و قبایل امراسی بالجه شاه طرهما سبک درگاهنه واروب سر فرد  
درسم بیعتی برینه کتوردیلر بعده کرو قتلون اختیار لر و موجود ایش اولدی عکری و طائفه  
اکراد کلوب بیعت ایتیلر و صداقت و استقامت برله من بعد شاهه خدمت و خلوص  
و طوئته ثابت قدم و راسخ الدم اوله جقلینه عهد و امان ایتیلر مزبور سپهر ارفع علی بن  
بو انفقاد بیعتده شاهی کندویه سرکران کر و ب **مصراع** کار اولده کشتی عاقبت اندیش کرک  
**مضمونجه** فلاخن تدبیر ایله سنگ تفرقه اول طائفه اکراد میانه آتوب وینلرینه نفاق  
شفاق القا ایدوب بو تقریب ایله امورد و لته کندوسی مقتدر و مستقل اولون ملاحظه  
سیله **چشکرک** امراسدن شاد لو بخف قلبی بکه امر ایلدیکه موکب شاه تدار کلرینی تکمیل  
ایدیجه دک سن یا لکر کند و عشر تکله مقدمه واروب قلعه مشهدی محاصره و جنگه اقدام و اعدا  
بی تظیو اوزره اول کرکی کبی تدار کز کور لکره بیز لر د فی موکب شاهی ایله اکه دن امر ایتشوب  
باعث ظفر و غلبه اولور ز بخف قلبی بکه بو امری اشتکره فتح علی بنک ایاغنه روزنهاده قتل  
بو کونه نیاز مندرانه تفرغ ایلدیکه شاه کرک هر حاله امرینه اطاعت و انقیاد برله ما مور سووردی  
خدمته صدق خلوص اوزره صرف مکنت ایدرم ولیکن قوتلو و تدار کلو قوی دشمنه یا لکره سل  
شمیر و انداختن کمان و تیر بو قوللرینه نسبت امر دشوار الجادت بلکه ارتکابی محالاتدن اولد  
بنم بنم دوللو خانم بو قوللری ملک محمود ایله یا لکره هر دو ب و قتاله امر ایلمه و بو کونه عنان  
اختیارم ایلمه اولدوغی خصوصه قولنی کر مند عفو ایله دیدکه فتح علی بن و واروب عکس  
اعتزاز اوزره شاهه تلخیص و امر کزه اطاعت ایلدو کی ملک محمود فیکر لر نون اولوب دماغی فساد  
و کلای فتنه انگیز اولدوغی ظاهر و هویداد دیمکله شاه اشارت ایدوب پیشگاه سر ایدره بوینی  
اویلوب کرینی غلطان ایلدیلر عشایر اکراد بو قتل خبرینی اشتکرلرنده جمع و شاهک سر اینه

توجه ایتیلر کور دیلر قلعه قابولری قبانوب محکم سد و بند اولمش فتح علی بنک باشی دیو فریاد  
ره باشلیوب نصیح و پنده وارن خادم اغالینه اصفا ایتیب طاشلیدر بالآخر هجوم عام  
واردحام تمام ایله حصار دیوار لرینی یقغه شروع ایلدیلر هر چندکه خادم اغالی دفع قیدرنه او  
لیدر فائده دیر میوب کتکجه جمعتلری و فرت و فریاد و فغانیه فتح علی بنک باشی طلبه  
اصرار لری کر میت بولوب عاقبت دفعنه چاره بولنمیوب عا کر شاه طوب و تفنگلره آتش  
ایدوب ضروری یوزلری دونوب قراره آغاز ایلدکلرنه قابولری آجوب آرد لر نون ایر شوب اوزره  
لرینه قویولوب ضرب قهرمانی ایله بر خوش کیر شیدلر اول زمان زحام انز آمده بر برین  
پامال ایدوب با صه رق چوق کسنه لر ایاغ التنه رو براه دهلیز عدم اولوب با قیلری  
کوچیله تخلیص جان ایتیلر اول هیات پر اکنه ایله واروب خوشانه بر فرسخ محله  
واقع بام تپه نام محله جمعتلری تفرقه اولوب اول کیجه صباحه دک اکراد و عا کر استرا  
بار دینلرنه غوغا و غلبه اشتداد بولوب هر کوره غالب اولدق لری بولو کلرک لباسی و  
سلاح لرینی صیوب عریان ایلدیلر اکرچه نادر نامدار ایله اکراد بیننده واقع اولون غبار  
خصومت غایت ارتفاع و اشتدادده اولوب برو جهله قابل صلح و صلح متصور  
دکل ایدی لیکن بو حادثه سببیه اکراد چاره دن مایوس اولوب ناچار امری اکراد بام  
تپه دن قالقوب نادرک خدمتنه عزیمت و میاب نام منزله رکابته ایر شوب بو حکایتی  
شکایت ایلوب من بعد صداقت و استقامت برله نادره خدمت و خلوص طوئته  
ثابت قدم اوله جقلینه عهد و پیوند ایدوب تولید نتایج التیام ایچون چشکرک و کیلی  
سام بکک قیزینی هم اول وقت نادره عقد ایدوب اول آجیلو دفع اولسویچون سکر  
ینلوب و شربت لری اچلدی العبدید بر و الله یقدر مضمونجه فتح علی بنک مقصودی امور  
دولت کندویه محصور اولون ایکن عکس قضیه ظهور ایدوب و نادر فتنه حدوتی  
خونفدن حزم و احتیاط اوزره ایکن اسباب دولت آماده و حاصل اولون ایله حضور  
ایلدی **القصة** نادر انواع نوازش و استمالت برله اکراد برانقیادی فاددن منع ایلوب  
اشارته کبار نون بر قاچ نفر کسنه لری اندک همراه ایدوب شیخو نلو شاه و یردی بک و کیلی اوله  
سام بک اوغلی محمد حسین بک جانبنه فرستاده ایلدی که بو فتنه تنورینی سوزان و فر  
زان قلمو ایچون جمع و حرکت ایلوب بلکه اولرجه اطفا سنه سمی و کوشش ایلوب



موکب والا و روزهینه منتظر اولسون و معیر الممالک حسن علی بک شاه طهماسب و فتح علیخان  
طرفزینه ارسال و رقم تحریر ایدوب مضمونده اولاهضما لفسه اعتذار و احتقار طریق قری مرا  
سمنی تماما ادا و تکمیل و کستاخانه وضع و حرکتده غایت تحاشی و اجتناب اوزره اولوغنی  
صورت و سباقی اظهار نر نصکده بودای و دولتکونک رای ناچیز و عقل کم اندیشه کوره دلیران  
مکره آراد جنود نصرت موعودی غزایه و سرباز لفظه هنگام دلالت و ترغیبده عا کر منصوره  
یه فتور دیرن امور نا شایسته یه تصدی ترک مریج و موجه کورینوب و بونار فتنه آب  
تیرج ایه اطفاد سکونت بولوب بو عبد احقر کبی شاهک صد اقتدار بنده سی بویه بروقت  
اختلاله خدمت دولتمنده بولنیغنی شاه مجا هک قوت بخت دولتمند کانی اول اول ملک شاهی  
نظام ماهو الرام ایه انتظام بولور لیکن بو خصوص صورت افریده خاکبای دولتکزه افاده ایدر  
سه وجود ویرلیه همان بو طرفلر احوالی بو توکلکزه تفویض اولنوب اول جانبدن اغراض  
المن ایه معامله بیوریله و تهور ایدوب خود بینلری سوزیه برفته یه مباشرت اولنیه و  
جمله سی ایاقده اولوب یا مقاومت سودا سیه قتاله جارت ایدر لر و یا خود مقاومت  
رتلری اولدوغنی حسن ایدر لر سه آلان بعضیلرینک لسانده جاری اولدوغنی اوزره خوفه  
دوشوب سلامتلی ملاحظه سیه مملکتی ملک محموده تسلیم ایدر لر هر حالده عا کری ریجیده  
ایلمک صلاحه مقرون اولیوب و کچن ماجراد فی حکم تقدیر ایه بره زده آشوب و اختلال  
اولدی بو عبد احقر دخی مزبور اکرادی خدمت حضور شاه کتوروب کناهلرینی استغفا ایدرم  
ایرته سی کون که خسرو سیارکان نور حضور ایه بزم فلکی تزیین ایلدی نادر عالیجاه  
عالیمقام عموماً کوبه تمام ایه خوبشانه وارد شاه طهماسب رکابنه شتاب و عذر  
خواه کناه اکراد اولوب ماده نزاع جانبدن رفیع و حکومت خوبشانه اشارت نادرزی  
شان ایه محمد حسین بکه تفویض و خانلوه منشوری احک اولنوب خلعت زاهره ایه  
تلطیف بیوریدلر چونکه تاریخ هجرت بنک یوز اوتوز طقوزه که بالغ اولدی محرم الحرامک  
یکری ایکنجی کوئی مطابق بالو بیل شاه طهماسب عکدر دیا جو شان و لشکر پلنک فرد  
شان ایه خوبشانن نهضت و فتح و تسخیر مشهوره عزیمت ایلدی شهره قریب اولدقه ملک  
محمودک کانی اول خانلقده بقا کند و سکنک و سایر اهلینک سلامت خراین و مال و جان  
رینی متضمن مزین و معنون اما نامه و نادر طرفندن مضا مکتوب بر کار آزموده آدم ایه ارسال

اولنوب اول برکشته دولت کمال کبر و غفلتدن جواب ویرمیوب و آثار کفتار لری بیدار  
اولیوب قلعه قابولرینی بغلیوب راه ترمده مسلوب ایه ادرک نام طار بو غازی کسدروب  
موکب والانک و روزهینه منتظر اولدی موکب مظفر ظفر دهر دخی ماه صفرک ایکنجی کوئی خارج  
مشهره وارد اولوب ادرک حراسنده واقع کوه سنکین نام جبل جانبدن کوبه رنگین و کمال  
عز و تمکین ایه عبور خواجه بیع باغنده سپاه منصور ایه اوردوغنی قوروب حضور ایلدی  
موکب والاشهرک کنارندن عبور ایتد کلر نه ملک محمودیان سور پر شور لر دن طوب آتشبار  
صاعقه کردار ایه صدای رعدا سایی کوشش ممکناته تشددوب عالم افلاکه دلوله صالری  
نادر نامدار دخی لشکر دیا فرودشون برسیل پر جوش ایه وقت غروب دکن پای حصارده  
طوب و تفنگ ایه مردانه جنک و مشاجره ایلوب آتش افروز نارغ حرب شیر اولوب  
افشام وقتی مانند خورشید جهانگیر ارا مکه نام محله مکت و آدم ایلدی نادر قلعه  
اوزینه هر کون بر جانبدن یورش ایدوب طوبلری کتوروب قارشوقاز شو جنک ایتیلر  
ملک محمود اول نیر طلعت خدیو سپهر متانک هر کون مانند خورشید انور بر برج کنارندن طلوع  
ظهور نندن کند و بختک بر کشته لکنه و اختر د و لشکر ذوالنه تفال ایدوب ششدر خیره  
سراسمه اولمشیدی اما هر کون علی التوالی نادر سپهر مال طائفه افشاریه و باقی  
منتسبان ایه پای حصارده واقع تنک بو غاز زرده قلعه دن طرش چقان محمودیان  
ایه حرب و قتال ایلدی تاکه فتح علیخانک قتل قضیه سی ظهوره کلدی **دربیان**  
**مقتول شدن فتح علیخان قاجار از قضای کردگار** مقدمه چون شاه طهماسبک بسطا  
ده توفقی اثناسدن ملک محمودک و رودی خبری سامع اعیان دولته که واصل  
اولدی اتفاقاً فتح علیخانک توابعی اولن استر آباد لی قاجاریه عکرتک حرکت  
ترارک و استعداد لری چندان اولیوب و ایام سفر دخی ممتد اولجوه بینلر نه ماکولات  
مضایقه سیه بریشان حال اولوب و قدم شتاد هجوم برف و سرماون میان لشکرده  
علل و امراض کونا کون پیدا بو تقریبده بازوی جلادت سپاهه رعنه فتور کلوب  
اقامتک و یا سفرک منج مرام اولیه جفی هوید اولغین هر چند که اول وقت بالجد امور  
دولت فتح علیخاننه تفویض اولمشیدی اما خان مزبور شاه طهماسبک مزاجنی استقا  
متدن دور کوروب بر اثر موحن ظهور ایدر احتمالیه غم و کورون خالی اولیوب ناچار بریشان



عسکری وسیله ایروب دخصت طلب ایلدی که عسکر ایله استرآباده رجوع ایروب فردا فردا  
هرکس کرگی کبی تدارک لیرین کوروب اول بهارده یینه حاضر اولوب مأمور اولدوغی جانبه دو بره  
اولر امر آرد دولت اگرچه ظاهرده رضا کورستردیلر اما باطنده انی دفع قیرینه دو شوب بو بخلین قوی  
دشمنک ظهوری وقتنده دخصت طلب ایلدی و همن و فتور و کسور و قصور نزن ناشیدر دیو طرها  
اعلام ایلدیله شاه طرها سب دخی بو عقده بی قلبنده مفر ایروب نادر نامدار ایله حین ملاقاته مزبور  
فتح علیخانی طتوب قتل ایلدی اشارت بیورد قلنده نادر خدمات سابقه سی اولمین انی قتل  
ایلدی مروت شاهانه منایردو هان جسن و قید کافدر آون جسن بیوروب بعده کلاته نفی  
اولسون دیو استرعا ایلدی و نادرک مقصود اصلی سی مشهرک فتح و تسخیر نزن صکرینه اطلاق  
ایتدی مک اولمین بو اسلوب اوزره قرار دیریلوب ماه صفرک اول دردی کونی فتح علیخانی  
سار دوسای قاجار ایله شاه حضورنده طتوب بغلیوب خان مزبوری نادرک خیمه سده مجوس  
ایلدیله شاه طرها سب فتح علی خانک قتلنه نادرک راضی اولمه جفنی بیلوب مقصودینی  
اظهار ایتیب اکندی وقتی نادر نامدار درگاه شاهیه ده امور دولت و مهمات سپاه و رعیتته مقید  
مشغول ایکن شاه مقربلر ن فتح علی خانک خلا فیکری فرصت باب اولوب شاه معتمدک اولوخان  
اولی کانه دتبه خیانتته جارت ایلدی بونک قیدی کورلمده عجله بیورمکز اتم مهمانندو دیریلدی  
طرها سبه دخی مقدمه دخصت طلب ایله خیانتی لاشبهه اولیجیو فتح علی خانک خصما سینک  
بک اشتری اولامهدی قاجار نام کسنه بی احضار و فتح علی خانک سر مقطوعن حضور شاهیه  
کتور مک اوزره فرما ایلدی مزبور مهدی نادرک خیمه سده وارد قده نادر اتبا غندن فتح علیخانک  
اوزرینه مؤکل اولنر بو قتل مجرّه شاه طرها سب امیره اولیوب نادرک اشارتی دخی اکانمضم در  
ملاحظه سینه منعه جرات ایله میوب مأمور مزبور خانک ایشنی کوروب باشنی کوب شاه  
حضورینه کتور دیر شاه طرها سب فی الحال نادره خلعت فاخره پوشان و متکفل امور سلطنت  
و مهمات ملک فراک ایله ترفیع جاه ایلوب و نادر مقربلر ن بابا علی بک اوغلی کلب علی  
بک ایشک اغاسی و شیخو انوشا هویردی بکی تفنگچی اغاسی ایلوب جمله اموری نادرک  
مؤثرینه تفویض ایلدی **در بیه تسخیر ارض فیض نشان بمنایت قادر سحان** فتح علی خانک قتل  
قضیه سینک و قوغن نضکر نادر نامدار دستیاری تایید کرد کار ایله مشهرک فتح و تسخیرینه کرد  
هتی بنز ایلوب قلعه اوزرینه واروب طوب قلعه کوب و تفنگک دعآهنک ایله بریجه ایام قارو

قارو

قارشو جنک ایتیلر اما ملک محمود فتح علی خانک قتلنه مطلع اولد قده کندوسنه حیات تازه  
سرووری اندازه حاصل اولوب بو معنای باعث اسیای دولت مرده و رونق فزای بخت نمرده سی  
زعینجه امر ایله بوکونه رؤیت و تمیث ایلدی که شاه طرها سبک اوردوسی اوزرینه علی الفقد  
باصفون و یروب دلخواه لری اوزره آلوب صاقتوب یینه قلعه یه رجعت ایله لر نادر بو خبری  
اشتدکه حکم تدارک ایله خواجه ربیع باغندن حرکت و سبقت ایروب تفنگک اندازه پیاده و مرتب  
سوارات و طوبلرک جمله سنی مهیا ایروب یکقدمه تفنگره آتش و قلعه اوزرینه یوریش ایلدکه  
ملک محمود طوبخانه و مهمات ایله قارشو چقوب خارج قلعه ده نیم فرسخ محله تلاقی فریقین  
واقع اولوب مقابله و محاربه یه تصدی اولد قده در جنک اول اقدامی منزلزل و عقد جمیت  
و نظامی متحمل اولوب اعوان و اعیانندن جمع کثیر طعمه تیر و شمشیر اولوب خصوصاً ستون  
عسکر اوله طوبچی باشیسی ابراهیم خان مباردی جنگده هلاک اولغه سار طوبچیانه کلان ال  
دیروب بالجه پراکنده دپریشان و جانب قلعه یه شتابان و تحصن اختیار ایروب من بعد طشر  
چقیوب ایکی آی مقداری قلعه ده محصور و گرفتار در طه حیرت و تشویش اولغه سرور و جهور  
دور اولدی و انوک هجج برو جمله کار بهبودی و آمالی محمودی اولدوغی جمله نکه معلومی اولوب  
**بیت** قدم نامبارک محمود که بر ریاد رسد بر آرد دود مضمونجه تون نام بلده دن فروغ و ساخته  
شاه اولوب زعینجه سیر سلطنته عروج ایلد و کینک نهایتی بو کامنج اولدی که اهالی مشهر  
بوخه زماندن بروروز کارنا همواردن زده لشمش تعب اختلال احوال ایله پریشان اولمش و  
شیر ابر حرب و قتال کندن و لرینه نفرت و د هشت کلش ایدی خصوصاً که شهر مشهرک احوالی  
دیگر کون اولدوغی منظور و مشاهده لری اولوب قریباً شاه طرها سبک دست ری اولد جفنه  
شبهه لری قالمیوب اول کرداب بلادن اجتناب و اول مهلکه عظمادن تحاشی ایچون رفته  
رفته کیفلی استکلری محله چکلوب کتدیله اول جلدن بری پیر محمد نام کسنه در کتون معرکه  
سنه فتح علی خاندن ریخده خاطر اولغه ملک محمود خدمتته کلوب سرداری و جمله الملکی اولمش  
چون ملک محمودک دولتی نقش بر آب و نمونه موج سراب کوروب و نادر پیرها ملک ناصیه  
حال همایونندن انوار تایید ربانی قابنده اولدوغن بیلوب کندو خلوص کارلر ن علی خان نام  
کسنه بی بریجه خفیه ارسال ایروب بوکونه خبر کونردی که اگر بکا اول حضرت جانبندن  
اطمینان حاصل و مشهر خانلغی واصل اولورسه کیچه دروازه محافظه سنه تعیین اولد

۴۶



بکجی لری قتل و دروازه لری آچوب قلعه ی سیزه تسلیم ایدیم هم سن همان عسکر کله کلون  
میر علی دروازه سی مقابلنده واقع کینکاهده مختفی اوله کور نادر دخی در حال طرهما سبدن  
پیر محمدک حکومتک منشورک آلوب کوندر دکرده هه اول کیجه که بنک یوز اولوز طقوز  
ربیع الآخرک اون التخی کیجه سی ایدی مطابوعه قویس یل ظلمت لیل غفلت فرده نی غنوده لری  
یوزی اوزرینه آصه قیوب ماه سپه لاری یلدر لر عکرینی فتح و تسخیر شهر سپهر که  
حواله ایلدی نادر نام آوز اون ایکی بنک دلاور ایله خواجه ربیع زاویه سندن حرکت پای  
قلعه ده مهور دروازه سمتده که کینکاهده مهتیا و حاضر اولوب پیر محمد وجه محرر اوزره پا  
سباندی قتل ایدوب و باشلین قلعه دن آشغه براغوب و دروازه یی آچوب نادر بنک  
نهاد نیروی خداداد ایله قلعه یه کیروب عکری دخی کرده کرده طولوب حصار لره یایلوب  
ساردر وازه لری دخی آچیلر طرهما سبه دخی خبر اولوب ایرته سی کون علی الصبح سرور و  
ایله حرکت ایلدی لری فی الواقع مشهر طوس متین دیوار ایله و خندق بعید القهر ایله محاط دنده  
حیاض و میاه و باغچه و باغاتی جنت مثال انواع اشجار و ازهاد ایله دؤنق نما قصور و  
بیوت کونا کون ایله وسعت بیدارم زات العاد بر سرای بی هتای اید و کن عاکر طرهما سب  
ایر بیکک غازبان و مجاهدانه موعود اولاجنت فردوس یره نزول ایدوب کندورینه تعجیل اجر  
جزیل قلنش صانیدلر پس اذهلوها آمین آیتی مفهومیله عمده سرعت و شتاب ایدوب  
جیفه مزفر فاتیله ملوث اوردور لرنن قالقوب فی الحال مشهره نقل ایدوب اول حوضه  
خلد قرینی تا صحن چهار باغه وارجه اخذ و ضبط ایلدی لری محودیانکه محلات و بروج محافظه  
مشغول ایلدی لری بحالی مشاهده ایتد کلرنه سرسام اولوب هیچ نه اید جکلرینی بیلیوب کندورینی  
ارک نام دروازه قربنده که متین طایبه یه ایرشدروب تحصن ایتدی لری ملک محودیانه عقلی  
باشندن کیروب غیرت ال ویروب صباح وقتی باشنده موجود عکرینی ایکی قول ایدوب بر قول  
خیابان چهار باغ سمتدن و بر قول خیابان سفلی جانبندن کمال جلالت شورش ایله شهر یورش  
ایتدی لری نادر نام ادر پیادگان دزم کوش و سرداران جوشن پوشی میدانه سورب قیلج لری چکوب ایکی  
جانبندن جنکه آغاز ایدوب ارک نام محله وارجه قیردی لری بقیه السیوف ارکه متحصن اولوب  
نادریان اول کون شهری تماما اخذ و ضبط ایلدی لری بعد شاه طرهما سب امام ابوالحسن علی  
بن موسی الرضا من آل علی المرتضی رضوان الله تعالی علیهم اجمعین حفرات لری بنک مرقومند

زیارت ایلدی ایرته سی کون نادر ارکی محاصر ایدوب ملک محودی قضیوه ایتد کله مزبور ملک  
راه تبریزی بسته و دست چاره سی شگسته اولوب رعب و هراس قلبه استیلا ایدوب عجزی  
ظاهر اولغله خلاص جان امیدیه استیمان ایلوب عواطف شاهانه دن مال و جان لری نه  
امانک اولدند که لباس فاخره سن چقروب و تاج و صرغوجی آتوب فراین و دارات دارایی  
طرهما سبه اصمیر لوب و اولاد و عیالنه مراعات اولغله دجا امر او انجیانک خور و حقیر اولغله  
شایسته کور میوب عزیز و محترم طوته سن دیوالتجا ایلد کلرنه التماس لری مقبول اولوب  
بیت اهل دنیا نکه اولمز آخرتی کربونی استری سن اندن کیچ مفهومیله حل و عقد امورده عجز  
تصور و رتوب و تقوه مصالح جمهوره کمال نقصان و فتوری اولغله سلطنت دعوا سندن عزلت و  
طریقه آخرته مارت ایدوب کسوت فقر و فنا ایله ملبتس اولوب ریاسته عدم رغبت  
اظهار و قوت لایموت ایله قناعت اختیار ایلوب شهر بریه ایلدم تارا میدی بن علی یقین  
انکچون بیلزم تفع ایله خدی بن خلیقن عجمی تیره خاطر اولمسم آمد شتر غمد تهی در کیر  
صحن دلم کرد عواقلدن دیکر شهر طوتدم یوزی پادشاه بی زواله بن سلطان برده بکره بنم منتقم ندره  
بن سالیک طریقه حقم مرشد استرم کیخبر و جهل اولنه رغبت ندره اتقی اولاندرا کرم اولاحون قاتنده  
چون پس بی قرار دولت ایله حرمت ندره ماصد قنجه تحت شاهیدن بر حصیری اختیار و سرای  
عجا هیدن بر چرجه ده استقرار بولوب وظائف تعیین اولنوب کبج فولده فارغ البال و مرفه الحال  
اولتوردی و عده سابقه یه بنا پیر محمد خلعت الباس اولنوب حکومت مشهر ایله ترفیع جا  
قلنوب اول رتبه والا کند و سنه امان اولندی درسه توجه جناب نادر بی جانب خوبشان  
و صادرات آن ایام فرخنده نشان چونکه مشهر طوس وجه محرر اوزره فتح و تسخیر اولنوب  
مخالفانک دفع و رفع ایله وحشت و دهننت بر طرف اولوب قلوب نادر یانه امنیت حاصل  
اولدند نادر در ارض مشهری غایت پسند ایدوب اول خلد برین قرینه توطی مراد ایلدی لری افشا  
رینه خاندنن معتمد کسسته لری انتخاب ایدوب ایسورده و توایعنده ساکن اولاعا کرایه اول  
نوعی ده واقع سرحداتی محافظه یه تعیین ایلوب سائر افشاریه و ایسورد اهلینی اموال  
و آرزاق لری به مشهره نقل ایلوب عالی سرایلده اسکان ایلدی وانلره مراد لری اوزره نجه نجه  
املاک دخی توزیع و تملیک ایلدی و ادغلی رضا قلی مرزایه هدایای کثیره و افره ارسال ایلوب حرم  
محرمنی و بالجه تعلقاتی صفار و کبار و زکوردانات مجموعی نقل ایلوب اول مکان ترهت



بیانده دولت سرای توقف و قرارگاه سعادت ایلدیلر نادر نامدار بفتح جلیل المقداد شکرانه سی  
ایچون موسی الرضا رضی الله تعالی عنه حضرت لیلینک مرتبه مبارک لیلینک قبه سی التک نقش  
نگاری و قبه التنه ناظر منظره رک تزهیبینک تجریری و جنبنده واقع مناره نک خدا سنده اعلی  
بر مناره لانتظیر بناسی و صفه لرتبیت اولنمه سی حکم والا اولوب دروننده واقع ستون بیر امتداد  
در نک ال ایله مانند شاخ نخل ارغوان و دیوار و دریاچه و منظره لری انواع نقش و نگار ایله  
تزیین و تحسین قلوب مناره لر عتیقه سرچکوب کنبه چرخ مینایه ایکی عمود و دیده مهر و ماهه  
ایکی میل زر اندود اولدیلر نادر نامدار نام آور دیار خراسانی جمله ضبط و تسخیر و حل و عقد  
امورده سابق اجتهادی تشمیردن فارغ اولدقه معتمد خاندنندن بیرنی هدایای کثیره ایله مقدمات  
بخف قلی بکله قتلی و قعه سنده بام تپه ده کند و سنده عقد افضان دختر سام بک و کیلی چشکرک  
سوروشنکلرینی معتاد عجم اوزره تکمیل و مشهره نقل و کوه مقصوده نیل ایچون خبوشانه  
ارسال ایلدی شاه طهماسب مقلبلندن نادرک ضد کاملتری اولد عراقلو و آذربایجانلو بعض  
رجال بزهاد خفیه طهماسبی اغوا و تغلیط رصغری کبیردن عبارت قصایای کازیه ایله  
اغفال ایچون شاه مزبور طائفه نک اعوانی اولد عشار و قبائل کثرت و وفرت اوزره اولمنده  
نادرانلخ انشته اولدقه غیرت مصاهرت ایچون بالجهه اکاتوجه و اقبال ایدوب سنک  
شاهلنگ لفظی اولوب شاه و رجال هله نادر و اغوانی اولد طوائف اکرادن عبارت اولوردر  
وهم اول کونه نادره زما و محبوبه دوران نادره نه موافق و خوری جنت نشان غول بیابانیه  
نه مناسب و نزن لایوه هله سزاد اولد اولد رکه واروب اول قیزی سنکچون الالم تا کم بالجرا کرد  
بیزم اغوانیمز اوله بو صورتده سن مستقل تحت شایده برقرار اولوب سنکله معامله کسکرک  
سکارجال اولوردر دیوب بو کونه کلمات فساد آمیز لایه طهماسبی اغفال و اغراددن غیر  
عاقبت اول قیزی استمک سودا سنده دخی دو شور دیلر پس طهماسب نادرک آدمیسی نک  
ورودندن اول کند و آدمیسی کونر روب اول قیزی طلب ایلدی مزبور طائفه طهماسبک اول قیزه  
دغبتن کوروب نادرک آدمیسی وارد اولدقه ضیافتلر و اکرام لایلیوب بش او کون علی التوالی  
التفاقر ایلدیلر اول آدمه خبر کونر روب نفعت زیاده اولد و ضیافت تمام اولدی سورتدار کن  
کوروب قیزی یزه تسلیم ایدوب بر کون اول یوله روانه ایلد که بزی نادر بو خصوصه کونر مشر  
قیز صاحبی تلفتم ایدوب نادرک عری مزبور اولسون بزی طهماسب غلبه سندن تود تار دیکر مابینده

صو جوار معلومدر و توکشی یه یاردم لازمه مرآت ارباب کرامند بر نادرک ادنا بنده سیوز  
هدایای فقیرانه مزایه شو قدر پیش کشمزی خاکبای نادره اولاشدروب بزدن قوللور عرض  
ایده سن دیو جواب کوندر یکک اول آدم خشمه کلوب بو قلیبان کیدی نه هرزه سن بیرمک  
نادر اوغلا بخقیدر که بویه کلمات ایله قریب دیر پس بزی بونده مسخره لفه می دعوت  
ایدوب در دیوب همان فی الحال رد بره اولوب مشهره کلوب واقع حالی نادره اعلام ایلدی چونک  
نادر غیرت مدار قیمت شعار غیرت و قیمتدن عاری اولد اهل بازارک حوصله سنده صفیان  
احواله که واقف اولدی بیرمه انلرک میا سنده قالمی بر چیز الا شمشیر تیز دیوب بر قاچ ایام اچنده  
کرکی کبی تدارک کوروب هوا خواهان جان فک ایله عازم خبوشان اولوب شهره اوج  
فرسخ محله ضرب خیام و مکت و آرام ایلدی و منتظر اولدی که شاه طهماسب و سایر اکراد  
بالجمله جمع اولوب اتفاق و اتحاد ایله یکقرمه خبوشانه هجوم ایدوب لمقدر هر نه ایسم ظهوره  
کلسو چونکه طهماسب مکتل اورد و سینه کلوب نادرک عکرینه که یتشدیلر اول اشته سبزو  
حاکمی شیخو انلو شاهویردی بک سبز واردن خبوشانه وارد اولوب مزبورک اشائیه  
خبوشان حاکمی محمد حسین خان مزبوره قیزک خطبه سیچون ارسال افضان طهماسبک  
کند و تحریر ایلدی کی کاغذی خفیه نادره ارسال ایلدی نادر بو معنایه واقف اولدقه قبلنده  
اضمار ایدوب سری اظهار ایلدی ایرته سی کونکه خسرو تیزر و آفتاب منازل فلکن طلوع  
ایدوب تک و تنها شهرستان غربه کر میت اوزره شتاب ایلدی تدبیر نا هواد متران رکاب  
واقضای ایام شباب ایله کجه اچنده نادر مطلع اولوب سزین طهماسب تبدیل قیافت ایدوب  
برائسه کند و سی سوار اولوب و براسبه بر مهر تیزی بندروب جریده و تنها کند و لری شهره یتشدیلر  
علی الصباغ که نادره بو حال منکشف اولدی طهماسبک او تاغذن کرک غیری چادر لردن  
اموال و اشیا غارتنه کنه یه وضع ید ایتدر میوب طهماسبک کند و سنده خاص اولد الباس  
و سلاحنی و تاج و او تاغنی خبوشانه ارسال ایدوب بقیه و تمه مهماتی بالجمله قالدروب  
اول منزلدن قالقوب جانب مشهره روانه اولدیلر چونکه منزل مزبور دن حرکت ایدوب  
خبوشانک غرنی ستمده واقع اکرادک معبری اولد یوسف آباد نام محله که واصل اولدیلر  
نزول ایدوب قلعه یوللرین کسوب کیدوب کلندری صیوب اطراف و اکنافدن چالوب چار بغه  
اغاز ایلدیلر خبوشان حوالی سنده بادیه نشین اکراددن بر طائفه جنود جلادت بنیادک



قادر شوینه چاقوب بارقه بیگان تیر و شمیر دکلوله تفنگ نهنک ایسه جنک آهنگ ایدوب  
اشتعال نائز جنک مشت اولدقه منزهزم و بر باد اولوب وادی فراره شتاب ایلیدر نادر برقا  
دخی شان و شوکت کسب ایدوب مشهره دارد اولدقه الایلر ترتیب اولنوب عظیم شنلکرایه  
شهر داخل و سرای دولتته نازل اولیدر بوقعه غریبه و داهیه عظیمه نک و قوعنده  
طرها سب دجال اصابت انفصال ایله مشورت ایدوب بونادرک دفع مضرتی بای طریق کان  
کور ملودر دیو قرار ویرد کلرندن صکر اطراف ممالکه خصوصاً کرایلی و استر آباد و مازندران حکام  
فرماند برکنه ایدوب نادر ناماری خیانتته اسناد ایسه اشاعه واندرن استمداد ایلدی ملک  
محموده و ملک اسحاقه و سائر اوردوی متحوسنه واقع رؤسای سپاهه رقم کوندر ایدوب نادر خائنه  
و بنم دشمندر انوک رفاقتندن ایدیلوب دو ستمه دوست و دشمنه دشمن اولک دیو حکم تنبیه  
ایدی ملک محوده وارد اولن فرمانی ابته اخفا ایدوب لیکن زور ایله ابراز ایتدیریلوب و معاقب  
اوله جفنی بیلوب برقاچ کوندر نصکر کتورب نادره کوستردی نادرک خاطر ایگرچه بو معنادن  
غبار آلود اولدی اما اول ناسپاس و حو ناشناسی مؤاخذه دن تجاهل بیوروب اغراض  
عین ایلدی برقاچ کوندر نصکر اطراف ایللردن طرها سبه امداد وارد اولدینی نادره سامعه  
خراش اولدقه نادر دخی مشهره دن حرکت ایدوب خبوشان جانبته عزیمت ایلدی اثناء راهده  
امداده کلن طوائف بر جانبدن و اهالی قلعه دخی بر آخر جانبدن مرتب پیاده و سوارات ایسه هجوم  
ایدوب مقاتله یه آغاز ایلیدر نادر دخی دلیران افشار و اخلاص کیشان جه نشار ایله معرکه  
کارزاره توجیه ایدوب بر بر لرینه کیر شوب محکم جنک ایلوب غبار عرصه هیجایی چرخ دواره  
یتشردوب افلاکه و لوله صالحیلر چشکرک امراسندن شاملو جعفر قلی بکه اول کون زینورک  
تعبیر اولنور کچرک طوب کله سی طقنوب هلاک و جمع کثیره غصه شمیر ایدوب افتاده خانه  
اولوب چخه لری دخی گرفتار و بقیه لری کرم خیز میدان فرار اولیدر ایرته سی کون جماعت قراچو  
لوکه طوائف اگراد میانشده صاحب شمیر و دلیر و دلورلک ایله ممتاز و شهر ایدیلر جمعیت  
ایدوب شاه طرها سبه امداده آهنگ ایدوب قلعه جانبته شتاب ایلیدر نادر اول زهر ندرک  
قلعه جانبته روانه اولد قلینی کورد که قلعه یه واردیلدی یولتینی کسردوب جنک آغاز ایلوب  
اندرن بر کردی قتل و بر کردی اسیر ایلیدر صحرا ده حبس خانه متعذر اولغله کند و لرینه طولانی  
بر قوی صفر ایتدوب ایچنه طولدر و ب انده حبس ایلدی برقاچ کوندر نصکر اندره افنا مروتته

منافی اولدوغن بیلوب شانته لایق مرمت و عشرت و ایلینه مناسب رعایت  
مقتضای سخی جمله سخی مرض ایلدی مع هذاکه اوسال فرزند فالد صغوق بر نه ایسته  
مشت اولدیکه اعضایی تحریکه مجال اولیوب ناکر هائی بر روز چهارشنبه او یسه زمانی جهانی  
قره بولوط قابلیوب مخالف شمال روزکاری اسوب آهسته آهسته یغور یا غمه  
باشلری یغور کتدیجه زیاده اولوب باد سرد ایسه صولر طوکفه یوز طوتری واضح  
صکر یغور ایله قاریشور قاریغوب نصف اللیده صافی قاد نازل اولدی اوج کون اوج کون  
متصل یاغوب قار آدم قوشا غنه چقدی کوه و صحرا متصل قاردن پنبه دار جامه کیسوب  
آتش سوزان دخی قارییه هم طبع اولیدر نادر بو کمال شدت برد کرده خبوشانی محصور ایدوب  
اهالی قلعه ی تنکنای حیرته القا ایلدی نادر عسکری قاری طایغ کبی پا برجا اولوب اصلا  
کندر لری بوز میوب متصل طوب و تفنگ اتار لر ایدی اهالی قلعه ضیوع محاصر دن جانه  
کلوب امرادن برقاچ کسسه کوندروب بر قیز ایچون بز لری بو قدر حقیر کورمه دیو برجا ایلیدر نادر  
اندرک دجالینی سیف و سنانه حواله ایدوب قیز دکل طرها سبی بیزه ویر مدکجه سیزه طریق رها  
بو قدر دیورده جواب ایلیدر طائفه مزبوره انجام کار بو کامنج اولدوغن بیلوب بود فعه بردنی  
برجا ایلیدر که عزیز مصر اقبال یوسف آباد دن حرکت ایدوب مشهره وارد اولسونلر متعاقبا  
بیز لردنی بر تقریب طرها سبی طتوب کتورب کند و سنه تسلیم ایله روز اما بو کلومدن مزبور طائفه  
نک غرضلری بو ایدی که شاید استمداد افغان اطراف ولایات حکامندن امداد تشورسه اقرار  
لرندن نکول ایدوب شاه طرها سبک آغوش تمنا سی اولد فیمازه کش شوق مطلوبنه صورت  
حصول ویره لر اگر چه دلوران رکاب نادره خدمته عجله و شتاب برله رضا جو اولوب برف  
زمستانی بستر قائم کبی دو شنبوب خدمت دن دل سردلک اظهار ایلر لر ایدی اما آت و سائر  
حیوانات شدت سردن معرض هلاکه اولوب مقتضای حاله کوره وقت آخره تأخیر ایدوب  
خبوشان دن حرکت و مشهره عزیمت ایلدی انجام کار ملاحظه سیه مدافعه و مدار طریق لرینی  
الدرن قومیوب طرها سبک خاص ایلر دن بعض سن ارسال ایلیدر تاکه مقدمه کرایلو واقع  
اولغله امداد دن مایوس اولیدر بو مقالک توضیح اولدر که سابقا قوللراغاسی اولدر اولدر  
خان اوغلی محمد علیخان نام کسسه که فتح علیخانک ایام اقتدارنده درگاه شاهیدن دور و قریب  
بساطدن مهور قالوب مازندرانده منکوباً متقاعد ایدی فتح علیخانک قتل قیسه سندن

۴۹



صکره شاه طهرها سبب جانبدن مأمور اولیکه مازندرانده متروک اولوا سبب سلطنت  
و خزینه یی مازندرانده قاله دروب شاه طهرها سبب آورد و سینه نقل ایلیه مشارالیه دخی  
بروفوه فرما عمل ایدوب فتح علیخانک صفوق نفسی شتاسی شدتند مازندران  
قتلا غنجه محتفی و متواری اولان امر او اعیان و سایر خدمت و غلمان دخی دورانی کند و لرین کام  
و دلزینیه موافق کوروب مزبور محمد علیخان هره اولوب عزم امداد اگر ابرله آهنگ خراک  
ایلدیلر چونکه کرایلی اعما لندن اولان جاهر نام قصبه یه که وارد اولدیلر جاهر حاکمی اولاعبد الرحیم  
خان برکیجه علی الفغله مزبور لری بصوب عداوت سابقه یه بناء استر اباد حاکمی ملازمند  
اولان شرف الدین نام کسینه نکه باشن کسوب اولنجه خزینه یی دخی غارت ایلدی  
چونکه صباح اولدی محمد علیخانک منزلی بضموم مراد ایلدکه مزبور واقف اولوب تماما  
اسباب سلطنتی ترک ایدوب قرار ایلدی عبد الرحیم خان متروکاتی دلخواهی اوزره بالجله  
ضبط ایدوب حوزة احتیازینه ادهال ایلدی بو خبر موخس سبب طهرها سببه و اصل اولدکه  
امدادن کند و سینه یأس کلی حاصل اولوب بو صورتله حیرت و تلاش ال و یروب بعد خراب  
البصر نادری التجا و استمالته کند و سینه دو بندر مک ایچونه چاره ایدر جکیینی بیلیوب نوروز  
ایامنده خوبشانن حرکت و مشهوره وارد اولدی معا همراه اولان امر آ خوبشانه اثناء راهده  
طهرها سبب شاه ایکن نادرک قبوسنه کتور مک معقولیدر دید کلرنده دولت قنغینک  
ایه انوک اولورتک ممالک راحت اولوب فتنه دفع اولدو دیو جواب ویریدیلر نادر  
شاه طهرها سببک التجاسنی مشاهده ایلدکه کالاول قوللوه لباس طقنوب خدمت  
قوشاغن قوشنوب عبد الرحیم خانه آدم کونوزوب تماما خزاین و اسباب سلطنت  
منزوبه یی استرداد و بالجله طهرها سببه تسلیم ایلدیلر بو اثناء نادر برکیجه دویاده کوردر لکه  
بر عظیم جنبه لو صوتوشی صودن ظاهر اولوب نادر اول قوشی تفنگ ایلد اوردوب زلفدار  
اولقسن قوشی طتوب قولتقلدی بعد ازان کوردیکه کند و چادری برابر نه بکار و حوض  
و اول حوضک میانشده قوزی بیو کلکه دورت قویر قلی بریاض بالو حضار مجلسه بونی  
طتوک دیو امر ایلدکه هیچ بر احد طومغه قادر اولیوب بالاخرانی دخی کند و سی طتوب  
قولتقی التذ حفظ ایلدی نادر علی الصباح بودویای خیر انجام و فرغ فرجامی حضار مجلس  
نقل ایلد کلرنه حضار دن بریسی فی الحال بو شعری او قودی شعر اگر در خواب بیتی مرغ و ماهی

نمیری

نمیری تادسی بر پادشاهی ترجه اگر دویاده قوش بالو کوردر سن اولور سن پادشاه  
اندن اولور سن دیکر چور دویاده طوتر سین مرغ و ماهی اولور سن عالمک سن  
پادشاهی فی الحقیقه بودویانک تغییر ی بو ایدی که ذکر اولندی زیر اقونام طوی  
مرغاب صوتوشلرینک اعظیمر سلطنت ایران دخی جمله سلطنتلرک بیو کیدر دورت  
قویر قلی بالفی صید ایلک بوکا بوکا اشارت رکه دورت مملکتن تاجداری و دورت اقلیمک  
شهریاری اولور خراک اترکستان هندستان ایران در ذکر وقایع قوی سیل ترکی مطابق  
سالها بون فال هزار و صد و سی و نه هجری و نوروز فیروز این سال مزبور تاریخده رجب المرجبک  
یکرمی اتنجی کونی چونکه خسرو سیارکان کلاهی جهل آراسنی شهرستان جمله چکوب  
کل شاهدی پیراهن بهارده کردن فراز و رونق فزای چنده سرفراز و دامن جو سبارده جلوه  
کر لکه اغاز ایلدی عروس دلدرای لاله در بحان جمله کلشنه نشود و نمایه برتر ترین و مشطه  
قوای نامیه لاله رخان نسرین و یاسمین چهره لک غازه و کلکونه دلکش ایدر زیب و  
زین ایلدی بلبل شوریده حال دفع خصمان شورانگیزه شتابان و تیغ زبان تیز فاخته  
سوخته بال هوای سر و سر سیده جستجوی رقیبان شتایده سبزه نوحیزدن کوزنان  
برک دشنه و خنجر خونریزی غایان ایلدی یعنی ایام بهار اولدکه مزبور اگر خوبشان که مانند  
آب و رنگ بهار سوزلری بی اعتبار اولمغه اقرار لرندن نکول ایدوب خدمت فادره کلیوب  
تقاعد اختیار ایلدیلر کلات و دره جزده ساکن اولان اگر دخی مخالفت اظهار ایدوب  
بشکر کلی شکر نام کسینه یی کند و لرینه سر کرده ایدوب اطراف و اکنافن نهب و غارت ایلد  
ایلدیلر تاتاریه مردد فی ملک محمود تحریک ایلد طبل عصیان اوردوب قاجاریه دن برکوهی  
قتل و قلعه یی تصرف ایدوب نغاره یی ملک محمود نامه نواز شه کتور دیلر پس نادر ابراهیم  
خانی کلتنلو عکرایده دره جزا اگر ایدنک جزا مایلیقلرینی ترتیب ایچونه تعیین ایلدی مزبور  
ظهور الدوله ابراهیم خان اول طائفه باغیه نکه اوز لرینه نازل اولوب اطاعت و انقیاد  
دعوت ایلدکه اول بر انقیاد لر سپر حیا سز لفی یوز لر یه چکوب مقابله و مقاتله یه آغاز  
ایلدیلر ناسر قتال اشتعال بولدکه ابراهیم خان لشکر دن بر کرده شکر خانک شورانگیز کیه  
شربت فنای نوش ایلدیلر بر طرفن ددوون کلانتری یمر و لی و علی ایلی ترکمان لریه و بر جانبدن  
زعفرانلو محمد حسین خان شیخو انلو شاهووردی خان ایلد جمله جمیته انعقاد

۱۱۲۹



و یروب کمال استعداد ایله اکراده امداد کلیدر قول قول ابراهیم خان اوزرینه هجوم ایدوب محض  
ایلدیلر نادر بوخبر موحشی اشیدوب شاه طهماسب ایله دره جره عزیمت ایلدوب روانه اولدقلر  
اشنا راهده خبردار اولدیکه اکراددن بر کرده یادر وینکا هلهین خبوشانه نقل ایدر نادر بوخبری  
اشترکه شاه طهماسبی دستبرد قلعه سنده براغوب کندوسی اول جانبه ایلغادر ایدوب اول اغزلر  
دوچار اولدقه آیین ناموس و عاره مراعاتا اول دهر ندرک زدنرینه تعرض ایلدوب تماما  
اموال و انقالدین اخذ و سائر نوای غارت و در ماغلرینی لذت اندوز مرارت ایلدوب غنائم  
بی پایان ایله عودت ایلدی اندر ندرک دره جره متوجه اولوب اول اکراد بر نهاده کاینبغی تنبیه  
بلیغ و انلردن بر کرده لایحه معروض تیغ بی دریغ ایلدوب بقیه السیوف مقاومته تاب  
آورد ایلدوب جمده سر کرده لرینه جانب خبوشانه فرار ایلدیلر نادر دلاور لرین بر کرده اول فرار  
لری تعقیب ایدوب حوالی خبوشانه یثوب اوزر لرینه هجوم ایلد کلر ندره در حال بنیان جمعیت  
منهدم و فرین حیاتلری احرار تفنگ نهنک ایله منهدم اولوب و شیخو انلو سلیمان نام  
سر کرده لرینی طتوب حضور نادره کتور دکلر ندره اول چشم پوشیده نک دیده جهل بیلرینی  
عبرة للعالمین صدقه سندن اخراج ایدوب اندن واروب قلعه خبوشانی محاصره ایلدیلر  
سر کرده لر قلعه دن حقوق استیمان و اوغورنده باش و جان ویرمکه عهرو پیمان ایلدکلر  
نادر بود دفعه یینه تمنا لرین قبول و ریایات جهانکشارین جانب مشهره بر تواناناز  
وصول ایلدیلر اندر ندرک ابراهیم خان نادر امریه کلینتو عکرایله جانب مرده روانه  
اولدیلر اهالی مر و حرب و قتاله حاضر و مقاومته آماده بولنوب همانم مدافعه یه  
اقدام ایتدیلر ابراهیم خان اهالی مروک بوکونه حرکت و جار تلرینی کورجک کندوسنه  
غیرت ال و یروب در حال عکربینی ترتیب و تنظیم ایدوب یوریش ایلدی و غارت و کرمیت  
اوزده طرفیندن جنک اوله دره شهره تقرب ایتدیلر بالاخر سلطان مرو شکسته اولوب  
تاتاریه که مقام طغیان و عصیانده ایدیلر بیای عابز و در مانده اولدله قلعه بی تسلیم  
ایدوب بقعه اطاعت لرینه کردن داده اولدیلر بو ائشاده اکراد خبوشان عهرو پیمان لرین  
نکول ایدوب کافی اول راه طغیان لرینه سلوک ایلدیلر بود دفعه نادر بیت میدان اچن  
عراقیلر لبر اچر منک الشی لایشتی الاوقیر نکت فواسجه اوچنچی بردنی توسن عزیمتی  
جانب خبوشانه جولان ایتدردی شاه طهماسب اگر چه طوعا بو مطلبه طالب و مرعایه

داغب دکل ایدی اما بالفخر و اول در فی رفاقت ایدوب همراه اولدیلر خبوشانه وارد اولدقلر ندره شاه  
طهماسب مقرب لرین نادرک خلا فیکر لری اولان رجال فساد لریش خصوصاً بیرام علیخان بیات که  
اول زما طهماسبک ناظر سرکاری ایدی چون کند ولرینک بدل متمنا لرینه موافق بر نقش مکرو آل پرده  
خفادن صورت ظهوره کلند و کن کوروب طریق حیلله یه سلوک ایدوب اکراده خبر کونردیلر که  
اصلاح ذات البین بهانه سیله کلوب عکره داخل و بو وسیله ایله نادری حقیوب دلجو الهلی  
اول مقصوده واصل اولد اکراد اگر چه اول منافق لری کند ولره صادق و موافق ییلوب صدق و خلوص  
علی التحقیق مشاهده ایلدیلر ایدی لیکن معکر نصرت اشرع و در دلدن ندرک بو ماده یه نادر  
واقف اولدسه سبقت ایدوب عکس قضیه ظهور یله بر اثر موحش نتیجه ویرملا حظه سن  
ایدوب جرات ایدره مدیر بیرام علیخان و یارانی چونکه بوتدیر لرینی در فی بی اثر و نخل امید لرینی بی اثر  
کوردیلر طهماسبی نادر دن ترهیب و جانب نشا بوده ترغیب ایلدیلر طهماسب خود مبهوت و  
متحیر البال و اراده امور ندره عاجز مکدر الحال و مضطرب الاحوال اکل و شرب و خوابی ترک ایدوب  
هر بار کندوسی محافظه ایتدوب نه ایدره جنک و نه دییه جکنی ییلدوب قدم سین فرسوده در یخ و  
کوششینی سپرده کوروب نادر دن عذر خواه و جانب نشا بوده و بر اهر اولدی نادر بود دفعه کرمیتی  
میان بن ایدوب اکرادی تنکنای محاصره یه القا یله تضییق ایلدی اکراد بر تقرب شار لو و قراچور لو  
طائفه لرینه خبر کونردوب استمداد ایلدیلر اول مردان شمشیر زن و بهادران صف شکن برفوج اعظیم  
ایله امداد و اعانه اچون صح وارد اولدقلر ندره اهل قلعه یه نوعا قوت قلب حاصل اولدله  
میدان جلادته قدم نهاده ایدوب قلعه دن طرشه چقوب مقاتله یه آغاز ایلدیلر نادره همیشه  
فتح و ظفر دهر اولدله در جنک اول هجوم هیبت لزوم لرینه تحمل ایدره میوب همانم اکراد اقدام  
قیام لری متزلزل و اختر بختلری نحوسته متحول اولوب جنکدن روگردان و قلعه جانب نشا  
اولدیلر بعد ازان امداده کلن اکراد اوزرینه متوجه اولوب اندرک در فی حمله اولی ده سلک جمعیت لرین  
بریشان و پنچ لرینی تیغ بی دریغ ایله بی نام و نشان ایلدیلر و بقیه السیوفی سورب کتورب خبوشان  
کنار ندره خندقه محصور ایدوب اکراد درون بودر طه عجز و زبوندن بیرون اولدیلر استیمان قبول سندن  
دخول و عهرو دو ایمانله خدمت لرین قبول ایلدکلر ندره نادر در فی موکب مسعود ایله جانب مشهره رجعت  
وسکن و ساوای دلکشای بهشت آسارینه سارعت ایلدیلر اندر ندرک کرفتار لری راه و رسم  
ایلیته مراعاتا مرضی ایدوب خبوشان حاکی محمد حسین خانی و شاهویری خان اوغلنی و سائر

۴۱



سرکرده لری ملازم رکارب ایلیوب ایشا در اهده طرها سب ایله کورشمکی مراد ایلیدر مشهره و خبوشانه  
اعلام ایچون آدمکوندر و کندی سلطان میدان یولندن نیشابوره روانه اولوب طرها سب ایله  
کوریثوب برقاچ ایام مکت و آردام نضک مشهره عودت ایلیدر **در بیان کشته شدن ملک محمود**  
**د ملک اسحاق باشاره قهرمان آفاق** چون بو عالم اسبابه هر شیک سبی مقدر و مسبب  
الاسباب بر یوزدن نصر فنی اظهار ایتدی و مقرر در بو وقتونک دخی اسباب متعدده سی یوقار و  
بروتیرج ایله ثبوت بولوب معلوم اولمدر خصوصاً مقدمه ضبوشانه شاه طرها سبک  
ملک محموده ارسال ایلدی و کج تحیردن نادرک خاطر غبار آلود اولوب قلبه عقده اضمار ایلمیشدی  
و بری دخی بو ایشاده مروده تا تاریخه نک عیقت و غلوسی در که بزمک محمودک عزلت و تقاعینه  
قائل دکلدر و زملکر و شاهز انجوه اولدر آخری استمز دیو کفت و کولری سمع نادره واصل اولدقه  
بو ماده جلدن زیاده اعدا لرینه باعث بلکه علت مستقله اولوب بونلرک افناسی ابقاسی  
اوزرینه راجحدر دیو مخخانه امر ایلیدر که ویسی اولدنی مقتول محک بکن خوننه آنلری قصاص  
ایله محک خان دخی ملک محمودی و ملک اسحاقی طتوب میدان سیاسته کتور دکلدره بیزی  
بو ماله دو اکورمه دشمن ایچون بقا ایله دیو قوع باب نصر ع ایله هر نه قدر که فریادر ایلدی  
چاره کر اولیوب بالآخر ایکی سنک دخی کوی سر برینی ربانیده صولجان شمشیر آتش نشان ایلیدر  
**بیت** ای قلیح ایله منصبه ایریشن تور قرم که فرنگدر قلیجک **دیگر بیت** هر نه قلک نیک و بر  
آخر کمال طوش اولور چکدی شرمنده لک هر کیم که بر ضوا اولدی فحوالریجه جزا مایلیق لرینی  
بولیدر و ملک محمودک کوچک برادری ملک محمد علی بی نیشابوره بر امعلی خان جانبنه فرستاده  
قیلوب واصل اولدقه اولدنی موی الیدی برادری فتح علی خانک ضونی عوضنده عرضده تیغ  
انتقام ایلیدر **بیت** هر سری شایسته تاج بزرگی کی بود کزنازی باقضا سردر بر سوداکن نثر  
مزبور دری قتل نضک سیستان حاکی ملک اسد الله نام کسه که اول او انده سیستانن حرکت  
ونادر ختنه ملازمت ایلمش لر ایری نادر بالجمله اولد و اقا ربیله سیستانه کوچ و ملک  
محمود منتسبلین مرضن و وطن مالوف لرینه اعاده و ارجاع ایلیدر **در بیان نهضت موبک جهانگشا**  
**محمد وقاین و تنبیه حسین سلطه و کیفیت جنگ محل سنگان** مزبور در وجه محرر اوزره قتل اولدقه  
صکر نادر کذ و طرفن بر خانی نائب نصب ایروب سیستان قربند واقع قاین نام شهر ارسال  
ایلیوب قاین اهالیسنه خطابا امر یازیلوب کوندر لری مضمونده سز که قاین اهالیسی سز ام

وصولده انقیاد ایروب قاین شهرینی اول جانبه مأمور اولان نایبه تسلیم ایروب کربو لفت  
کوستر میوب اطاعت ایلیه سز و الا امره اطاعت ایلیوب عناد و مخالفت و مقاومت  
صارت ایله جک اولور سز عون جناب صو ایله باد ظفر و غلبه طرفن وزان اولدقه  
بر فریکزه بر طریقه ایله امه ویرلیوب عموماً قتل و استیصال و ملک محمود و ملک اسحاق  
الحاق و ایصال اولنور سز مزبور نائب قاینه روان اولوب قطع منازل و طی مراحل ایله  
واصل اولدقه سیستان نقیاسندن اول حدوده کن حسین سلطان نام کسه  
اغوی و سوس شیطانی و انتاب ملک محمود سیستانی اعتباریله آغاز فتنه  
جنبان اولوب اتفاق درون و بیرون یک دل و یک درون عموم ایله هجوم ایروب  
نابئی قتل ایلیدر نادر بو خبری اشته که بر بلوک عکر تقین ایروب حقیقت پیشمار  
اولغله اوزر لرینه وارلیوب کرورد و نیدر نادر سنگان نام بلده ده متوطن اغواندر اوزرینه  
سفر تدارکنده ایکن قاینه سفری تقوی ایروب بنک یوز اتوز طقوزده شهرزی الحجه تک  
اون یرخ کونی مطابق قوین میل سز بنک نفر سز بازان معرکه جا فک ایله مشهور حرکت  
وقاین جانبنه عزیمت ایلدی مجرد بو آواز اول جماعته دغغه انداز اولوب ملک محمود  
اوغلی ملک کلبعلی و برادر زاده سی ملک لطف علی و سائر نقبای سیستان اول مکان  
فرار ایروب اصفه پانده اشرف شاه جانبنه شتاب اولیدر و حسین سلطه قلعه ده تحصن  
ایروب رایات نصرت آیات وارد اولدقه مزبوره نذامت ال و یروب کمال ابتهال و مسکنت  
و هزار شرمنده کی و محالت برله قباحتنه مقرو معترف اولوب اعتذار ایلدی نادر دخی عذاری  
قبول ایروب **بیت** پایمال ایله کیسوی عبیر افشانک قویرغن بصره نگارا اویر اژدر  
هانک فحواسی اوزره عجز و قصور کی یلوب برد فی نیچه انداز هر بران اولمه دیو عتاب  
ایلیدر **بیت** هر که با پولاد بازو نیچه کرد ساعد سیمین خود رانجه کرد انتظام مهام نضک  
اول ولایتن حرکت کوکبه سنکین ایله سنگان جانبنه عزیمت ایروب اسفندین نام قریده  
ضرب خیام و اوچ کون مکت و آرام دور دخی کون ترتیب هر اول رتیب و لشکر هر بر نهیب  
ایله مزن آباد نام محله وارد اولدقه اول مکان ایله طاغ اتکی میانی قومال اولغله طویخا  
قوم ده اتورب ناچار انده قالیدر پس نادر عکری بالجمله پیاده ایروب و بارو بنگاه کتورن  
دوه لری طویخا نه لری قوشوب کندی دخی مهر فلک کبی دوه یه سوار اولوب دامن همتی میانه



اوروب گاه سوار و گاه پیاده اوله رت لهر بر طوبخانه یی باشقه باشقه چکوب سلامت  
چقر دیلر بر کون بر کجه اول پیا بانه قالب بر یکا طوبخانه زمتی و بر یکایای ایلرینک حرارت  
شستی اولغنه دیران بالجمله عاجز و ناتوان اولدیله صفر الخیرک ایکنی کونی عسکیر هرا این نام  
قلعه یه نزول و یهدا اینده ساکن اغوانلر مصالح گفت و کوسنی عسکر ظفر ماثر میانه القا  
ایتمدیه بر قاج کون انتظارده تنکول و اول گروه پیمان کسل ایله جنک و قتاله جویان یک  
جهت و یک دل اولوب هجومه اقدام ایلدیله اهل قلعه کنولرینی معرض بلده کوروب و قتال  
ناده تاب آور اولامیجوه لرینی بیلوب راه خدعه یه سلوک ایله بعضی رؤسا قلعه دن  
چقوب نادر دن استیمان و عهده و پیمان ایلدیله کره سر کرده مزه دخصت احک اولوب  
قلعه دن چقوب نیاز آباد نام اها لیسندن اولغنه یینه مکله مالوفلرینه عودت ایلدکلر نه  
بیزلر دنی قلعه یی جنبد قاهر نادره تسلیم و خدمت رکابنده مقیم اولور زبوعه هر و پیوندک  
استقرار نرضکر مزبور سر کرده قلعه دن چقوب نیاز آباده وارد اولدقه جمعیت تدارک  
در میان اولدیغی سمع نادره لاصوه اولوب قلعه یه دخول ایدوب کوزه کورینن و جنکه قادر  
اولانلر بالجمله مقتول و مال و مواشیلرین نهب و غارت و اولاد و عیالترین اسیر ایدوب  
واغوانلر ایله متفق اولان رعایایه امان احک اولوب مواخذة و مصادره یه برل رضیح  
کش و صح طوبکش لک ایله اکتفا اولوندیله بعض طوائف اطراف قصبه لردن اظهار اطاعت  
ایله کلوب رکاب نادره رو نهاده قلمغه امان احک اولدیله سنکان کلانتری رضیح کش  
و طوبکش لکردن اعراض ایدوب و تمرّد و طغیاننده مستمر اولوب باختر زکو سوویه و غوریان  
اغوانلرینه خبر کونر روب استمداد ایلدی سنکان محاصره سنه مأمور اولان دیران قلعه طرفه  
مناسب اولان محلدره مترسه کیروب و طوبلر بند روب نادرک و رو رینه منتظر اولدیله ماه  
مزبورک دور دخی کونی رایات مضور آبات یتشوب مزبور قلعه یی محصور و محاط سپاه  
موفور ایلوب طوب و تفنگ ایله طرفیندن جنکه آهنگ ایلدیله اتفاقا اول کونده طوبجیلر  
امروالایله طوبلری کرما کریم اتار لایکن بر بالیمز طوب دامن قلعه ده پست محله اولغنه قلعه  
قادر شو سنه بر پشته او زره چیقار لوق مناسب کوریلوب محل مزبوره چیقار دیلوب نادر طوب  
اغری برابر نه طور و طوبک قلعه جانبنه توجیهی تعلیم اشناسنده طوبجی نشان آلفه مشغول  
نادر دنی بر قاج خطوه مراجعتده ایکن ناگاه درون حرارت ندرن طوب اچیلوب درون کلانتری سمیر

سلطان

سلطان و طوبجیاندن نیچه نفر و اول معاصره موجود اولامر و ملازم لرینی سوخته صاعقه  
فنا اولدیله بو حال ملول افزادن اگر چه بالجمله عسکر دخیله خاطر اولدیله امانا دردیله غرتنه  
شیر اول ضرر انکیز ریاح نواییدن مانند کوه البرز پارجا اولوب اصلانک و سنه لرزه عارض  
اولدیله ندرن خصم بر طالعک احتراق کوکبته حمل ایلدیله چونکه هنگام شام اولوب کونش  
جرضه بی سی فلک معرکه سنن سر منزل غروب و ماه زرتین کلاه یالرزلی یلدر عسکر یه میر  
سپهر رعایت افراز هجوم اولدیله اول کیجه صبا صه دک عسکر خواب و راحت ترک ایدوب یدره  
انجم کبی پیار و قلعه ذات البروجه ولوله انداز طوب صاعقه کردار اولدیله ایرته سی کون یینه  
اخشامه دکیمن بو اسلوب او زره کله و کللوله یی قلعه او زرتینه یغور کبی یا غدروب برنج و یار  
نک چوق یری لهدم و ویران اولغنه دیران میدان نبرد قلعه یه یورش ایدوب شر صابی  
محلته سنی ضبط ایلدیله اغوانلر بو حال مشاهده ایدیک استیمان قوسنن دخول و ریفقه اطاعت  
نادر نام آورده کردن داده اولغی قبول ایلدیله سنکان کلانتری دخی شمشیر استیمانی هیکل واری بوینه  
اصوب دستنی دامن ندرامته اوروب و مأمور اولدیغی تکلیفاتی قبول و قلعه یی تسلیم ایدوب یینه  
قلعه یه رجعت ایلدی قلبنده ملعننت اثری اولدیغی ظاهرا اولدقه بودغه آتشن قهر قهرمان زمان  
شعله و ر اولوب جیشش انجم شرا مر نادر نام آور ایله قلعه یی اورتبه آلوب جنکه آهنگ  
ایلدیله راه مزبورک یر بنجی کونی قلعه یی ضبط ایدوب رجال و نسا لرس عموماً قتل ایلوب زر ایلرین  
اسیر ایلدیله بیت شهر عشوه آیینتی اول دمکه در کار ایتدیله هر سر بازاره بنک منصور ی بردار  
ایتدیله منظوقچه عسکر بالجمله فتح قلعه ایچون اظهار نشاط و مسرتة و دلخواه لری او زره  
سرای و باغ و بوستان اخذ و ربط و اموال و ائقال نهب و غارت مشغول و نیچه پیره زنان  
و عاجز و ناتوانلر مزبوحانه حرکت و انواع تضرع و نیاز و اشک حسرت ایله مقتول اولدیله  
بیت آقوب قان بحری دوزی سیل آبه اچنده کله لر خونین صبابه اگر اول هنگام قیامت انجم  
کالیله تفصیل اولنه دیده لکریان و جگر لر بریان اولور دی عسکر بالجمله نقلی قابل اولان  
اموال و اشیلرین آلوب و شهری گوشه بکوشه تفحص ایدوب مطامیر نه و نیچه مواصغر محفظ  
بی حد خایر و بساط و اوانیه متعلقه نیچه اشیای فاخره و نقود و اقمشه بولوب یغما ایلدیله  
لا نظیر نه ایلدر و منقش کبجه و بساط فاخره و سایر تفاریق زی قیمت و امتعه نفیه  
محللریه طاغ و صحر الرطوب سیر اولدیله باغ و باغچه لرین ضرب خجاق و تبرایه قیروب



اشجار لرین کسوب بنا لرین یا قوب یی قوب طاق و در واقین خاکله یک ایروب درون و بیرون ما و ای بوم ایلیدر کار قلعه دن فارغ اولد قلزده خبر وارد اولدیکه هرات اغوانلرین بیری سکر بنک نفر اهل سکنانه اعانت یچون تاییبار نام محله وارد اولدیلر نادر بوضیری اشتکرده جیر اتلوسن ایروب سکنانه برفرخ محله واقع آباد ضوای نام قلعه محکم و مکان فرمه وارد اولوب مقاتله مهیا و حاضر اولدیلر هر فرقه بر منزله مستقر و هر گروه بر مکانه مقرر اولوب کنه ولرینه متانت و استحکام ویردیلر ایرتسی کوئی اغوانلر دخی نادر اوردوسنه مقابل یکی فرسخ محله اوردولرین قوروب اولدیلر اغوانلر قزلباشیه محاربه سنه چاپک و جری اولغله بیت کر به شیر است در کرفتن موش لیک موش است در مصافی پلنک نذر مضونن غافل اولوب معتاد لری اوزره ایلیدر قوروب فی الحال صف صف اولوب ناساچی و پلوانلر عکیرن ایلر و سنه طوروب جنگه مباشرت ایلد کلزده چونکه اغوانلر ایرانیانی کوزلرینه کستوروب عموماً آنلری قورقتمش ایدی نادرک لشکری سپاه فرائ اولوب اول طائفه ایله اول جنگلری اولدوغدن آنلر دخی نوعا هرات اولدیلر نادر عکرک جنبش و حرکت و ماهیتلرینه نگران و اغوانیانک ترتیب و تنظیمدن کرکی کبی لرزان و هرات اولد کلرین کوردکده جنگ میدانی مصلحتیه مقرون کور میوب قلعه اچندن آهسته آهسته کوزلری آلو شوب جنگ میدانه میلدری اولنجیه قدر تیر و تفنگ ایله جنگه تحریض و ترغیب و استمالت و غیرت و یروب محاربه یه مشغول اولدیلر اول کون افشامه دک تیر و تفنگ انداز اولوب تاکه آنلری دخی کوزلرینه کستوروب یود کلرینه قوت کلوب میدانه کیرمکه رغبت کوستردیلر نادر رضا بطة لشکر و استحکام سنکدن صکره التی یوزد نفر کار آذموده دلاور لر ایله سوار اولوب و یکقدمه هجوم ایله رستمانه جنگ و نی مکه رالوب قوت قاهره ایله اغوانلری حیران و دنک ایلدیلر مزبور لردخی سریع و چاپک و چالاک و قتل و جرح نظر لرنه اولیوب بی خوف و بی باک اولدیلرینه جنگدن رو کردان اولیوب گاه تیر و شمشیر و گاه تفنگ نهنک و گاه وحشت و مزراق ایله دوردت کون علی التوالی معرکه آرای حرب و قتال اولدیلر هر دفعه ده غلبه نصرت نادر طرفه رؤیت اولغله دوردخی کیمجه بازوی جلوتلرینه رعشه فتور کلوب مقابله و محاربه نکه منتج مرام اولیه جفی هوایر اولغین اغوانلر آهسته آهسته چکلوب مصراع طبل برکشتن بز ن مامرد میدان نیتیم ماصد قنجه جانب هراته فرار ایلدیلر نادر دخی آنلری تعقیبی صلاحه مقرون کور میوب هراته اوزرینه حرکتی وقت آخیره تأخیر ایدر

جانب

جانب مشهره اماله عنان آتجاه ایلدیلر در دنیا وقایع پچین میل موافق سال فرضه فال ۴۴ هزار و صد و پچهل هجری و نوروز فیروز سال چونکه اراده علیه ازلیه ایله ملوک صفویه نکه دولتری زواله مایل و نکاشته کلکن تقریر لم یزل ایله اندرک سعی و کوششدری بی اصل اولوب کون بکون نیچ امور عجیبه کینکاه غیبدن جلوه گاه ظهوره کلوردی که عقل صایب و رای مستقیم اول احوال غریبه بی اول دولتک اسباب تضیقندن غیری بر سنه یه عمل ایلمک متصور اولماز دی جلدن بری فیما بینهم اتحاد و اتفاق بولنمیفندن غیری مال یغماده قسمت نزاع بر آن خالی اولیوب متفرقه القلوب و پریشان الاحوال بلوک بلوک اولور لرایدی بومقوله دن ناشی بعض و عداوت و کین و غرض و برودت اتفاقلرینه مانع و اتحاد اوزره مدافعه قیدنه اولدیلرینه سید اولوب بری بر لرینک نظر شاهیدن دوشوب زوال و اضمی لالنه منتظر اولور لردی و بری دخی اعظم اسباب سلطنت و شاهی اولد فراین و سپاهیدن محروم و جوانب اربعه دن دیار ایرانیه هجوم ایله مقارمه عدم قدرتی معلوم و مجزوم ایکن لاف و کزانی دخی الدن قومیوب بر مقدار درنتی عکر اکثر یار عایا مقوله سی عجزه و ضعفایله اولوب بر قوی الاقتراره اتکا ایتیموب مهمات سفریه و آلات حرب و قتال تدارکنده و ترتیب و تجرید عکر مهمه سنه اهل و تکاسل اوزره اولور لردی و بری دخی نفس طرهایسب حکم و حکومتنده مستقل اولیوب زبون دست تسلط خدام ایلدیلر و بری دخی بونکت برله هر صبح و شام باده نوشلوی ایله عیش و عشرته مبتلا و امور و خصوصلری کورلمه دن بی پروا ایلدیلر و بری دخی نفاق و شقاق سببیه بری بر لرینه ضد کامل اولوب غننده موجود اولد رجال بنهاد دن برفرقه نکه مناسب کوردکی خصوصی البته اول برفرقه رد ایدر لر ایدی و بری دخی بو ایدی که اول رجال بنهاد پادشاه و الاجاه غلظت محکمه خفت و رفو و ملایمت محکمه خشونت و رعونت اظهار ایدوب تام و درست اولد اسبابه شکست لک و بلند و بالا اولان ماده پست لک و یروب منافی مصلحت اولد احوال ظهوره کلوردی نادر نامدار هرزه مقدار دوت صفویه یه حمایت و صیانت ملاحظه سیله اول گروه مکروهه مقام منع و تأدیده نصح و بند ایروب سویلدیه سود مند اولیوب بیت نصیحت کوشن کن جاناکه از جا کد و ستر دارنده جوانان سعادت مند پند پیردانا راز مفاد پسنیده سیده عمل ایتمز لر ایدی بیت صابو ک پند ایتمز اثر خبث طبعنه اصلی دخی جبلیتی مردار اولندرک مع هذا که امر و نهی و حکم و حکومتلری چار دیوار دوتسرایه محصور

۱۱۴



اولوب دائره دولتون خارج براصده كلامري نافذ كلن ايكن قوه طامعه لري جلب منافعه طالب  
وجازبه اشترهاري انفا و متمتالرينه داغ و آرزو هاي شهوات نفسانيه لري شنه عقل و زرينه  
غالب اولغله هر دست و دشمنك قپوسى حلقه سنه رسوايلو طاشني اوروب و هرنيك و برك  
محرم كرينه بي پروا كروب بو حال ايله جمله عوام و خواصني كند و لرزن تنفير ايدوب عجزه و ضعفا و  
مظلوم و مفرد و لر صبح و مساقهر و تدمير رينه دعا و خدای بي نيازه التجاي و درد زبا ايدن شلرايي و نا  
رضا جوي خاطر پادشاهه بنا آه هر وقت انلك حالنه مراعات و اول مفدان و بد اني شاتي فنا  
منع و كفتار نيم ايله اول نفاق كيشكرك قلوب در شتيريني تاليف و فسادى كند و لر دن وضع  
ضعيف و نا توانلري آلرزن نزع سمي و كوشش ايلردى اول ذات فحشته صفاتك مقصود  
اصليسي هما بوي ايري كه كريبان حال ولايتدن اول طائفه بد جيلتي نك دست بد لر ين كوتاه ايدوب و جهد  
اهالينك امداد و اعانه لريله هرات و اصفهانه مستولى اوله اغوانلك تمام كار لر ينه مشغول  
اوله اول بلادى و نواحيستى اغوانلك آلرزن نزع و تخليصدن صكرك حكمرانلغى و پادشاهلغى  
ينه طرها سبه ارزاني تسليم ايدوب كند و سى مسند نشين خدمت شاه ايله كامران اوله چو اول  
جماعت بز نهاد و بد كشت بر مقتضاي غرض **العاده كالتبيعة الثانية** فحوا سجه شيمه زمينه  
اعجام بز فرجام اوله عادات نا هو ايريني ترك ايلركه موجب مرض اولوب عين زبا اولان  
طمع خامدن كوز لر يني اور تيموب غر من قنع و زال من طمع مالندن غافل اولوب دار و ديار لر ينه  
مستولى اوله دشمنلرا ايله خصومتى بر طرفه قيوب كار نادر نامدار قوتى الاقتداره خلل و اختلال  
و اختلاف ايقا عنه سمي و كوشش ايلديلر القصة طرها سب شاه و الاجاه دفعاتنه نادره اصفه  
جاننه توجه و ملك مفصوب لر يني اغوانلر آلرزن نزع و تخليصه مبالغه ايله تاكيد و الحاح شير  
ايلدكلر نذ بالاخر نادر انوك غفلت و غبا و تن ملامت ايدوب شاهم هراته آلن موجود ابدالى كبي بر قوتى  
دشمنك غلبه و شدت و و فرقى عالمه منتشر و جمله ده مشهور و اسماع شيخ و شاب ديده تسلط لري  
ايله بر طين اولوب حال بود يارك تسخير ينه سوق ستور بي قصور همت ايتمشدرد دفع مضرت لر ينه  
لاشك تدارك تام و لشكر و استعداد مال اكلام لازم ايكن مهمل براغوب دقعي دشوار اولان دشمن دور  
اوزرينه واروب صواشمق مقتضاي عقل دكلدر اصفهانه جانينه وارلر قده هيس اولان دشمن  
بو بلادى و نواحيستى ضبط و تسخير و تحريب ايليه جكي مقرر در سيلاب بلا باشن اشخه كرد  
تخيره دست و پا اورمون فائده ايتمز اذ وقع المحذور لا ينفع الجهد امرى مصلحت بودر كه مهمات

لازمه ده

لازمه ده اهتمام تام و احتياط بليغ و كوشش يقصورا ايله هرات اوزرينه واريلوب دلخو انگز  
اوزره دشمنلر يمز قهر و تدمير و بلاد لري فتح و تسخير اولند قد نصكرك اسباب محاربه مهيا و توفير  
عكر و ادوات جنگ و جلال مستوفى اولوب كنيمنه كركي كبي متانت و استحكام و يرو ب اندن  
مقصود اصلى اولان دشمن اوزرينه حركت و مأمول و ملحو ظندن زياده همت و ديار ايرانك نظامى  
صورت پذير اولر قده كافي الاول موروث پدر اولان تحت شاهيده تمكين و تقرير اول نور سز  
لكل امور اسباب و لكل دور ابواب معلوم شاهانه كزدر و اكر بي اهتمام غرمت اولسه  
بو جاننده اوله بلاد قبضه تصرفمزدن اخراج و اول طرفه دغى برايشن كور ليه جكي امر متيقن در عقل  
زير شراره دن آتش بلند ظهور ين تصور و مشاهده شراب ايتدكه امواج دريائى تخيل ايدوب و غافل  
لهب آتشه دو شمد كجه خلاصه سمي ايتمز و كرداب بلا باشن اشخه قجه ينه گرفتار اولد و غن  
بيلر غفلت و غرور طرها سبك كوشش و هوش استماع نصيحتن بند ايدوب و بونصيحت لري  
تصور و فتور و بهرانه و اهاله حل ايلمكه بونه مختللكدر ابدالى و غلجائى نه مننك كزدر  
كثرت و و فرزندن بو قدر انيشه اولنه البته روانه اولام ديوا صرار و اقدامى حد دن بيرون ايلدى  
**بيلت** بر سخن سويليه ين دكلر ايكن دور اولمز هر كه مغرور اوله البته او منصور اولمز  
بالاخر بو كاتر اير ديلر كه نادر كامكار مشهور دن حركت و شاه و الاجاه ني شابوردن سلطان آباد و تر  
شير جانينه غرمت ايدوب محل مزبوره كركي كبي تداركلرين كوروب هرات اوزرينه متوجه اولار  
بس ايكي دغى سلطان آباده وارد اولوب نادر اطراف بلده لره نامه لر برانكه و لشكر جمع و تهيه  
كار سفر مشغول ايكن اعيان دولت شاهي طنبورده بر نغمه اخري آرتوروب و تازه ترانه ايله  
ترتلى ايلديلر و هله اول كون دائره موافقتن خارج امره سلوك ايدوب مازندر ان جانينه غرمت  
ايلديلر ارسلان خان اوغلى محمد على خانى نائب السلطنة و سردار نصيب ايدوب عراقه و آرز  
بايجان جانبلرينه ارسال انجام كار هرات و امور خراسان مت نادره احاله ايدوب خبر كونر دريك  
مقصد اولد و غن امور هرات سكا تفويض اولمشد اول جانينه متوجه اولوب فتح و تسخير نه چه  
ابلق و اكمل اوزره ماسارعت و مبادرت ايدوب بزل مجهود ايليه سز و بيلر سز واره و اندن مازندر  
غرمت متقضا ايكيين پيايى ما وقع بي طرفين اعلام ايله سز چونكه نادر سپه مال رايات نصرت ايتاي  
كشاده ايدوب راه خوانى و باعز زويليه بر قاچ منزل كه روانه اولديلر اعيان نفاق انيشه  
و خسارت پيشه كار خراسانك اخلاصه و اوغز دقلرى قرى و قصبات اهاليسى بي كناه ريجه

40



عهد رعایا و برایایه دست تظاولی دراز و ظلم و تعریبه آغازین بود بوقریب ایله سنگ تفرقه یی  
میان لشکر نادره انداز و بیندین نفاق و شقاق القاسنه سعی بی فائده ایلدیلر نادر کار بوکامنج  
اوله و غن کورد که هرات سفرین عزیمتلی منحرف و مشهر جانبنه منعطف ایلدیلرینه امنای دولت  
شاهی کافی الاول حرکات ناصوابلرین و از کلیموب نیشابور ایله سبزواری مابینده واقع کهنه  
سنگان نام قلعه اوزرینه و اروپب عشیرت بغایرین اول قلعه ده متوطن اولاد نادر <sup>منتسب</sup> ایلدیلر  
بر طائفه ننگ مال و مواشیلرینی نهب و غارت ایلدیلر بو مقالک توضیحی اولدر که چون اول  
قلعه ده ساکن طائفه بغایری نادرک هواضوا و معا و نلرین اولوب هربار نادره میل و اطاعت  
وامداد و اعانتنه مترقب اولور لر دی طرفها سب رجال نابرجای اغوا سیله اول قلعه اوزرینه  
ایلغار ایله و اروپب قلعه یی ضبط و تصرف و اموال و ائقاللرن نهب و غارت و اولاد و عیال  
اسیر ایلدی و کی خلانده نادره خبر وارد اولدی که هرات ابدالی روساکن و انکلی موسی نام کسنه  
اغوانلردن بریلوک کسنه ایله بیار جند نام قلعه ننگ جانبلی اقیین ایله تظیسه یغما و غارت  
عزیمت ایلدیلر نادر بو خبری اشتد که اول طائفه ننگ یوللرینی کسمک قصدیله تحریک  
لوای منصور ایدوب قدمگاه نیشابوره وارد اولد قده طرفها سب کهنه سنگانه ساکن بغا  
یرینک مال و مواشیلرینی نهب و غارت ایلدی دیو خبرینی دخی اشیدوب شاه و الاجاه  
خبر کوندر دیلر که بغایری طائفه کسنه تنبیه و جزایینی ترتیبه وجه اکمل اوزره مقصود حال  
و مطلوب بکزه و اصل اولمشن سز هینمه اغوانلردن اخذ انتقام ایلک تمنا و آرزوی ضمیر کزده  
جایگیر اولغه مزبور میان مملکت معموره مزه ایاق قیوب کند و ایاقلریه طوزغه دو شمشلرد  
و کهنه سرایه باقی کوردی ایچک برایشن قالمشدر کند و بعیتکله قالقوب سبزواری جانبنه کلوب  
یوللرینه قارشو جقوب بیزلردخی بوجانیدن تعقیب ایدوب دلخواهر اوزره اخذ انتقام ایدلم  
و تکمل ایله اهل ایدوب فوت فرصت ایتیمه لم طرفها سب جوا بیه یازمشدر که سیز کهنه  
سنگانه کلن سز که صویوقدر بیز سبزواری کلن سز که زخیر یوقدر اول دولتک اعیانی خبوشه  
وقعه سنده نادری تجربه ایتمش کی معامده سابقه اوزره و فساد تمشینه متفوه الدرین  
اولوب تماما ولایات فرانسا بیکلر اوچوروب حکم لریاز دیلر که نادری بالجمله اموردن مسلوب  
الاختیار بیله لر و طرفیزدن نصب اولنک ها کلن مطیع و منقاد اوله لر چونکه نادر اول جانبند  
وارد اولد جواب کلنرین رایه نفاق استشمام ایلدیلر **بیت** هر دم ازین باغ بری میرسد

تازه

تازه تراز تازه تری میرسد فی الحال خبوشان حاکی محمد حسین خانی خبوشه ضبطنه تعیین و  
ارسال ایلدیلر و تنبیه اکیده و شدید ایلدی که اگر اکراددن بر فرد شاه آورد سینه رکاب شاهی ده اولان  
شهروردی اعانه سینه کیده جک اولور سه جزا مایلیقی کاتقویض اولمشدر حقندن کلدن  
اندن نادر تمام لشکر انجم احتشام ایله سبزواری عازم اولدی اندن خیر خواهلر طریقه سلوک  
ایله طرفها سب خبر کوندر دی که ظلم فراران شان سلاطینه شایه دکلدر بو طائفه ننگ  
تقصیر لرن عفو ایدوب اموال مقصوبه یی عا کردن استرداد و اصحابنه رده و تسلیم ایدوب زور  
دشاد ایلر که کز ما مولدر چونکه بو مضمون جوابی بر و فوج صواب کلدی سبزواری قالقوب کهنه  
سنگان جانبنه روانه اولدیلر محل مقصوده و اصل اولد کلر ندر کوردیلر که لشکر شاه عاجزد  
بیلیجی قلیچلرینی تیز و خنجر ظلم و تعدی خونریز ایدوب عجز قلعه یی زبون ایلدیلر اعیان دولت  
نادر لشکرینی کوردی کک قاپولری قبا یوب مخالفت کمرینی میانه قوشاندیلر نادر قلعه یه آدم  
کوندر و ب عتت منعی استفسار و قاپو آچلمه نی استدعا ایله وقت عصره دک منتظر اولدی بر خبر کلیم  
جکی معلوم و تأمل و مدارای فائده اولدی فی مجرم اولد قده حصار و دروازه جانبلیینه طوبلر قوریلوب  
حسب الامر قلعه محاصره اولوب هر قوله برخان تعیین اولوب جنک و محاصره شروع  
ایلدیلر روز و شب آرام ایتیموب طرفیندن طوب و تفنگ آتفه قیام کوستردیلر مترسک و قلعه دن  
آتیلان طوب و تفنگ و زنبورک آوازه سی جهانی طتوب باروت دخانی سیاب مظلم کی عالمی  
قابلیوب کلوم و کله ضربندن نیچه در شربت اجلی نوش و خاک لحدی در اغوش ایلدیلر طرفها سب  
شاه کز و فردن صکر عالم باشنه طار اولد و غن کوردوب و گوشه بخت متصور اولد و غن  
یلوب اول کرده مکروه پر خاشخار بدتبار میانشدن اسب اعتذاری جولای ایتدوب حضور نادره  
کلوب شرط ایلدی که من بعد عهد مصادقتدن نکول و رضا جوی خاطر پرانور لرین عدول  
ایلیه لر مع هذ انادره ملاقات اشناسنده خفیه آت اوزرنه ایکن مهدی چقاروب محمد علیخانه  
تسلیم و نائب السلطنه نامیله موسوم و جمله لشکرین و خدام خاص و محرمین انوک اطاعتنه  
توصیه و تاکید و عراق جانبنه ما مور ایلدیلر ایش و بومفاسدی محرک اولان شیخو انلو شاهی  
خان فرار ایلدیلر نادر نامدار دخی شاه و الاجاهی کند و او تا غنه کتوروب اعزاز و اکرام و احترام تام  
ایله بستر آسایشده آرام و یروب خدمتده قیام کوستردیلر اما جمله امراد اعیاننی انوک حضور  
دور و خدمتدن مهاجور ایلدیلر <sup>اول</sup> کیجه طرفها سبک مقربلری و خدام خاصلری فتنه



انگیز لکه قرار و مازندان جانبته فرار ایلدیلر اول طائفه نکه وجود و عدم و حضور و غیبتلری  
ساوی اولدیغی نادر عنذنه مقرر اولدوقده بر فرده مانع اولیبوب دیلدکلری محکمه روانه اولدیلر  
ایرته سی کونی شاه طرهما سبی چراغ بکک و معتقدان افشاردن بر کرده ایله مشهوره ارسال ایلدیلر  
اندن نادر بیاد عهد امدادینه ایلغار ایله روبراه اولدیلر انشاء راهده خبر وارد اولدیکه موسی خانیار عنذنه  
مستولی اولوب مال و مواشیلرینی یغما و جمال و بغال و احوال و انقاللرینی هراته نقل ایلدیلر نادر  
بو خبری اشتکه که رویه رجعت و فیض آباد نام قلعه نواحیسنه و دود ایلدکلرینه قلعه کلانتری  
مهدی مرزانا مکنه قلعه قاپولرینی بغلیوب نادر لشکرینه زاد و ذخیره و یرمیوب ترمه و طغیان  
بابنی کشاده ایلدی پس نادر امر ایدوب لشکر بر او غوردن قلعه یه هجوم و برج و بارو لرندن  
دُخول و قلعه یی ضبط و تصرف و کلانتر کوی کله بی دولتی چوکان شمشیر ایله میدان مذلتده  
غلطان و جمله اموال و ارزاقدرن تالان و اندن مقرر کوبه ظفر اولد مشهور جانبته روان شاه  
و الاجاهلی امر سلطنته بسوط ایلد ایدوب خزمتمن شتابان اولدیلر **دربیان کیفیت محاربت**  
**ابراهیم خان باکراد و ترکمان در محل موسم بکرمه خان بیکگونه است** چون فتنه پیشه و فساد  
انیزه دن بعض کسینه لرفضته طالب و مقرب ایدیلر که سلسله فادی تحریک  
ایله نادره اقبال ایدن دولت خداداده رخنه انداز اوله لر اول جمله دن بعض ترکمانیه تکه و بگری  
و سالود طائفه لری ایدی که استر اباد ایله درون مابیننده توطن و قرار و صیفا و شتاده سیلاق  
و قشلاقلرده کشت و کزار ایدوب بو وقایعک و قوعنندن صکر هر کون جولان و اول اطرفه اولان  
مهنه و درون و سائر قری اهایلرینی خدنیک جور و جفایه آماج و اموال و اشیا لرینی غارت  
و تاراج ایدر لری های های یون فال نادر فحشته حال لوای نصرت التوایی موبک و الایله  
علی جناح الاستعمال مضر تلرینی دفع و دفع قصدیه اوزر لرینه عازم و روبراه اولوب چشکرک  
و قراچود لو اکراد بر نهاد لرینه امر لرسال ایلدی که بوسفر خیریت اثرده کلوب معکر انج حشرده  
حاضر اوله لر مزبور طائفه لر چشکرک حاکی محمد حسین خان تحریک ایله امر امتثال ایتیموب اطاعتدن  
روگردان اولدیلر بو انشاده قبائل و عشائر میاننده و فرت و کثرت و شرت ملعنیت ایله شهرت شعار اولان  
مانده و کرمه خان دیملکه مشهور اولان سملقان نام محکمه متوطن اکراد بر نهاد که رؤسا و امراسی  
لهوالرینه متابعت ایدن ایلات و اشخاص خلقی ایله اتفاق و اتحاد و اطراف و حوالی اهایلرینک  
مزارع احوال لرینه القای تحم ضرر و فساد داعیه سیده جمع و احتشاد ایدوب اول نواحیده واقع قری

و قصبات

و قصبات اهایلیسی اوزرینه بلای سیاه کبی نزول و کنه و لرینه متابعت ایتیمین دعا یا نکه اموال و اشیا لرینی  
غارت و صورت نمای موافقت اولدیلر نکه مزد و عاتلرینه آتش و یروب قابل نقل اولد اشیا لریده کنه و لرینی  
استصواب ایتیمک اوزره اولد قلمری خبری نادره و اصل اولیجی کنه و کسی مهنه و درون جانب لرینه متوجه  
و عنینت اوزره اولوب مزبور اکراد صعب الوصول بر محله ضرب طویله نزول ایتیم لرین مقدم اوزر لرینه  
عکس ارالی مقتضای حال اولمغه یکی اوج کونکک زاد و طعام لرینی فترک بند ایتیمک اوزره صالت  
و بکبار بش نکه مقداری مرید میدان نبرده ظهیر الله وله ابراهیم خانی و کرایلی عبد الرحیم خانی باش  
بوغ و کر کرده ایدوب اوزر لرینه علی جناح الاستعمال تسیر و ارسال ایلدیلر کنه و کسی کلات و ایسورد  
یولندن ترکمانیه اوزرینه روانه اولدیلر ابراهیم خان عسکر ایله روبراه اولوب اکرادک نصب خیمه  
نزول ایتد کلری محله وصول لرینه آغاز حرب و قتال و آهنگک جنگ و جدال ایدوب پنجه لرینی فریسه  
شیر شمشیر و تصویرینی کله کلری طرفه تازیانه قهر ایله ارجاع و تسیر ایلدیلر هنگام شام دلیران  
خون آشام کنه و چادر لرینه رجوع ایلدیلر اکراد بد فعال فی الحال بریشان عسکر جمع ایدوب ابراهیم  
خان عسکرینه قفادن و وصوله اقدام تام ایلدیلر عسکره یتشوب حله و هجومه مسارعت و جنگ  
و جداله دلیرانه غیرت ایدوب عاقبت ابراهیم خانک پای ثبات و قراری لرین اوزیلوب زکری کرد  
و ورود شکست فاحش ایله بوزیلوب نکه مقدار نفر طعمه شمشیر تیز و چابک فرار اولدیلر سلاست  
یول لرینه گریز و ابراهیم خان بر بلوک فراریان ایله پوزباشی نام قلعه یه شتابان و تحصن ایدوب  
و عبد الرحیم خان و سائر سرکردگان همان خارج قلعه دن هزیمت و کنه و خانه لرینه عنینت ایلدیلر  
ابراهیم خان اوج دورت کون قلعه ده متحصن اولوب بعد بر قرا کویجه ده قلعه دن چاقوب  
اوج کونکک یولی بر کجه ده کستورب زاز نام قلعه یه وارد اولدیلر بو احوال پراختلال و خلانده  
نادر نامدار ایات نصرت آیات ایله دشت قبیله قد و واقع بلخان طاغی نام محله دکه کیدوب ترکمانیه  
نکه اکثرینی طعمه شمشیر عد و التقام و اموال و اشیا لرینی اغتنا مدن صکر اول اشارک فرار لرینی  
تعقیب و جزای سزایرینی ترتیب ایدوب سپاه ظفریا و رمنصور و مظفر عودت ایلدیلر انشاء راهده  
بو خبر مو حش سمع نادره و اصل اولوب مع هذامانه و سملقان و درون حد و درنه واقع کوهستان  
افلاکه کرجکوب و یول لرینه عظیم قارلریاغوب یول لری سایدوب هر طرفدن ترمی اولان طریق قلمری  
برف شتا ایله قبانوب امداد و اعانه لرینه یتشمک محال اولمغه متیر اولدیلر آغر لنی نسا  
و ایسورد یولندن مشهوره کوندروب جنود نصرت موعود امر و الایله کرمان طاغی یولندن اکراد



اوزرینه ایلیغار و پیاده بی تقیریه و قار اولان محلتری قروب و یول آجغه مأمور ایدوب بوجال  
ایله اول صعب الولوج کوهستان و چنگلستانلردن آشوب کرمه خان و سملقان وارد  
اولدیله ابراهیم خان بوخیر مسرت اثری اشترکه قلعه زازدن حرکت و نادر خذمتنه عزیمت  
وردی فحالتدن جهره سایی نیاز و انواع اعتذاره آغاز ایلدی چونکه برادر والاکهردن بوسو تیز  
و محمد حسین خاندن فاد ضمیمه ظهوره کلدی انتظام خوابط ریاست و مقتضیات قوانین  
سیاسته بنآ صدور امر و الایله ایکینی دخی حبس ایلدیله مزبور اگراد خبانت نهاد لرینه  
بنآ مخاصمه اصرار ایدوب هر کون تحصن ایلد کلری قلاع و صفنا قدردن خروج و بر مقار جنگ  
و جدال و حرب و قتالدن صکره یینه اول چنگلستان و کوهستان صعب الولوجه عروج ایتکله  
زعمرجه تدبیر بلای مرکز ایدوب شیران عرصه جنگ پلنک آستحصن ایتد کلری کوهسارده دخی  
عروجه آهنگ ایدیک اول زنده بکوردن جمع کثیر طعمه شیر شمشیر و نیزه هدایه قهر و تدمیر قلنوب  
خانه لری تاریخ و غارت و عیال و اطفال لری اسیر اولنوب ناچار روسای اشقیاناندره التجا برله  
متعبر خدمت و چاکری و متقبل اطاعت و فرمان بری اولوب عهد و میثاق ایلدیله کره موکب و اولنک  
ظهور انصرفدن صکره تماماً سر کرده لر خانه لرینی دهن اولوب اوزره مشهره نقل ایدره لرنادر دخی  
بروفه استدعا عمل و مشهره جانبینه حرکت ایدوب انشاء راهده ابراهیم خانی و محمد حسین خانی جسمه  
اطلاق و کافی الاول خذمتنه استخدام ایله بسنیده اخلاق اولوب و روسای اگراد دخی بر طبع تعهد  
کوج لرینی متعاقباً نقل و مشهره اقامت و مقام اخلاص و دولتخواهی قبول ثبات و استقامت  
ایلدیله وهان اول ایام کرایلی عبد الرحیم خانه نادر جانبندن خلعت فاخره الباس و اولنوب  
ایالت استرآباد ایله توقیر و اجلال و کلیتو عکرایله اول جانبیه ارسال ایلدیله **دینا شورش**  
**استرآباد و حرکت دایات نادری بآن حدود و مقتول شدن ذوالفقار خان بتبع قهر قهرمان**  
**زمان** سابقا ذکر اولنوغی اوزره اول کونکه مقدمه کهنه سنگان واقع اولدی طرهما سب شاه  
والجاء خفیه مهربینی قونیندن چقادوب محمد علیخان تسلیم و نائب السلطنه نامیده سرافراز  
بالجمله خدام خاص و سائر لشکریده عراق جانبینه مأمور ایلد کلرنه خان مسعود طی مراحل  
و قطع منازل ایدره رکب بسطامه داد اولوب عیسی اوغلی ذوالفقار خانی مازندرانه نایب تعیین  
ایدوب و اندن استرآباده وارد اولدیله بر قاچ کونونضکره کار استرآبادی اختلال اضداد و اشرار  
ایله برهزده نزاع و فساد اولوغن کوروب اول ولایتده رونق بولامیوب ایالت مزبور دی الله تبارک

الله تبارک خانی قاجاره تفویض ایدوب کندوسی مازندران جانبینه روانه اولدیله بوجاله مقار کرایلی  
عبد الرحیم خان که نادر جانبندن استرآباده حاکم نصب و ارسال اولمشدی استرآباده وارد اولدق  
الله قلیخان هزار جریب دامغان جانبینه روانه اولوب اول نواحیده متوطن قاجاریه دن  
برگروه ایله اتفاق و اتحاد ایدوب استرآباده رجعت ایلدیله چونکه اهالی بلده میانشده اهل فساد  
تحریک ایله ماده نزاع اشتداد بولوب کار بر مرتبه یه و اصل اولدی که اهالی محلات بری بر لرینک  
قانلرینی و مال لرینی حلال بیلوب قتل نفوس و زهر اموال و اشیایه مشغول اولدیله عبد الرحیم خان  
بواحوالی مشاهد ایلد که پای نباتی لرزان اولوب کرایلی جانبینه شتابان اولدیله الله قلیخان  
استرآباده داخل اولوب مازندران نایبی ذوالفقار خانه آدم کونوروب کند کسته یار و مدد کار  
اولوب ملاحظه سیله استرآباده عودت و استمداد و استعانه ایلدیله ذوالفقار خان دخی تمام  
جمیت ایله استرآباده وارد و دست تعینی دود و نزدیک اوزرینه دراز اموال و ارزاق لرینه  
غصب و سرقه و زهر و غارت و آغاز ایلدیله بر قاچ کونونضکره سرینجه هوس ایالت کیر بانه  
کیر خاطر ای اولوب الله قلیخان کند و مدعا سنه محل کوروب کیجه ییتا غنده باصوب قیوه کی  
یا تورب باشن کسوب استرآباد حکومتده مستقل اولدیله ذوالفقار دن بو حرکت مزبور  
سمع نادر نامدار کامکاره و اصل اولدقه اول ماده فساد دفعه عزیمت ایدوب جمیت اوزره  
کلیتو لشکر ایلد سرعت و مبادرت برله یلدرم واری یثوب بسطام حدودینه داخل اولدیله  
چون آوازه توجه موکب و الا ذوالفقار خانه سامعه فراش اولدقه شمه زیمه اعجام  
نکبت فرجام اوزره لاف و کذابی ایله استرآباده دعوی استقلال و نوبت حکومت کند و سنه  
انتقال ایتد که زعمیده عا کر ترتیب و تنظیم طوبخانه و تفنگچی ارسالنه استعمال کندوسی دخی  
بر مقدار درنتی لشکر ایدره استقبال ایدوب اما خارج شهر دن قیفاج انذار سهم صلابت اولوب  
نیتندن دنوب پهلو انلوی آتینی مازندران جانبینه سوق ایلدیله نادر بسطامه وارد اولدقه ذوالفقار  
خانکه فراری خبرینی اشیدوب شاه طرهما سب کتور مک ایدوب مشهره آدم کونور دیله چون اول زمانه  
ساکن دشت قبیاق اولان ترکمانیه و بموت طائفه لری اظهار بغی و شقاق ایدوب باریه زل  
وهوانده سرری کشت و کنار اول نواحیده واقع قری و قصبات اهالیسنن غصب و سرقه  
ایله اضاعت بضاعه ناموس و عار ایدر لرایدی نادر نامدار انلر که جزا سز لرینی ترتیب  
ایلمکی اهم مهماتن کوروب پیاده تفنگچیانی استرآباده کونوروب کندوسی دهنه یولندن



ایلفار ایدوب بر کیمده بسطامدن اترک جانی کنارینه وارد اولدیله دست یاری بخت عالی ایله  
اول گروه مکروه اوزرینه هجوم ایتدکه بر ایکی ساعت آتش جنگ و جدال اشتعال بولوب  
عاقبت آتار اشعه نصرت نادرده بیدار اول طائفه نکه اکثری کشته شمیر آیدار اولوب  
اندن نادر استرآبادده وارد اولدیله بيش التی کونز نصکر شاه طهماسب دخی مشهوردن تعجیل  
ایله کلوب استرآبادده داخل اولدیله اندن نادر مازندرانده متوجه اولوب طهماسب مغانقت  
سنگ چندان حسنی اولدیغندن غیر بیهروده اتعاب و رجال و اتلاف اموالی مقتضی ایکی  
ظاهر و نادرک مرادی اولان امورده بولنمائی محتمل اولماغله برابر کتورمه سی مقوله تعزيب  
بلا فائده ایکی آشکاره و باهر اولمغین اشرف نام محله توقیف اولنوب نادر جیوش دریا فروش  
ایله بار فروش نام بلده یه عازم اولدیله محمد علیخان که نادرک اول سمتته توجهنده انیشه دارو  
عامل جانبده فرار ایلشیدی نادرک عفو خطا پوشنه اعتماداً کلوب اعتماد ایلدکه هوادارلی  
اولان مقر بلدی عفو ایله معامله اولی اولدیغی جانبی ترجیح و بیان یوللو گفتار یه خان  
مرقومک جرایم ماجر اسندن نادر بالکلیه کچوردیلر زوالفقار خان که غایت تهورندن محمد  
علیخان منزل اول پیشخانه صبر و قرار لاهیجی کوهستان و صفناقلینه ارسال  
ایلشیدی چونکه عنذنه مقرر اولدی که کیلان حکامی و اهالیسی راه فرادری انوک اوزرینه محکم  
سرو بنده ایلشردر که بر جانبه چقوب کتمکه مجال یوقدر پس کندودن صدور ایدن شناخت  
هسیله خائف و متحیر اولشیدی محمد علیخان نادر قاپوسنه کلوب تهمت و عصیان زومتی  
بر ایتکله ملتفت اولمغین زوالفقار خان دخی صولت شیر و جرأت موش برله کند و جمعیت ایله  
بار فروش جانبده شتاب و اعتداری فائده ایتکله کندوسی دخی تهمتدن خلاص اولوب فکرین  
ایدوب ظهور ایدن قباچ عظیمه سی قابل عفو اولمادیغی خاطرین کیدوب و نجات امید اولنور  
غیری ملجا بوله میوب لکن اول کم عقلسن باشنده قواق یلی اسمکله بار فروشه درود  
زبورک و تفنگلر اتمغه شنلکلر و آلی کوستردیلر بروجهده که طنطنه شوکتی دودو نزدیک  
قولاقلرینه ایرشیدوب ایلیری غایت مزین خدامک اکثر آلاقی مذهب خیلی محترم و معنون  
خان ایدی شوکت و شانی سار خانلره غالب کورندی بوهرکتی نادره غایت کران کلوب  
و ناصیه سندن آتار فساد دخی نمایان اولمغه حضورینه احضار و توجیه عتاب ایدوب بقه  
زوالفقار خان الله قلیخان سکنانه کلک ایلدی کندوسنه امداد و اعانه ایچون سنی استرآبادده

دعوت

دعوت و عزت و حرمت ایدوب مقابله سنده عصیانده کفران نعمت ایدوب کیمه یتاغنده قیوبکی  
بوغازلیوب ناصیه یره قتل ایلدک احک و عنایتک مکافاتنی طغیان و اساتیدریم قلیچون  
قورقدک ایسه جناب حقک قهر و انتقامندن چوون خوف ایتدک سنگه کبی حقو نمه بیلر  
غدارک اعدامده عامه انامه نفع تام وارد دیو وافر تهرید و تقریع و خطاب و زیلنده بیت  
بن بو تقصیری که دن بیلیم بگاکنمدن اولدی کندمدن مضمونجه اعتذار صدنده ایکن ویلتیوب  
اورک دیگره یریردن قلیچ او شورب باشن دوشردیلر نعشنی اول مجلسدن قالدروب دخی ایتیلر  
خوارد و طهران و ورامین نام بلده لری اغوانلرک دست تصرفلرین نزع و تخلیص ایچون بر بلوک  
عکرا اول جانبده واقع معابر و شوارع ارسال ایلدیله و شاملو محمد زمان خانی سرکرده ایدوب  
بر بلوک عکرا یه انی دخی سمنان یوللرینی محافظه یه ارسال ایلدیله و حسین قلیخان سردار  
نصب ایدوب کیلان و نواحیسنی مقوتصرفلرین نزع و تخلیصه مأمور و زیاد اولدی قوری  
خانی معینه تعیین منتهای ولایت مازندران و حدود کیلانی محافظه یه ارسال ایلدیله  
و هرات جانبده عزیمت و اول بلادی فتح و تسخیر نادرک جای کیر ضمیمی اولوب اول فتنه  
جورک بغی و فساد عرصه دولتدن زائل و انتظام مهام مازندرانن فراغ حاصل اولدقه  
مقوجارینه کیلان کفید و عجم شاهلرینک حسبطنده قالمو ایچون ایلچی ارسال ایلدی  
دکرایلی عبدالرحیم خانی استرآباد حکومتنده متمکن ایدوب استرآباد و کرایلی عاکریله ابتدا  
نودوز موکب فیروزه ملکی اولمغی امر یسوردیلر و ساری نام محله ساکن شاه طهماسبک  
حرم محترمینه ملبوسات فاخره و ماگولاتن زاده و زخیر و سار مالزم برنده و چرنه و حرم  
کتی اسنه و سار خدایم حرمه انعامات و احسانا تکمیل اولنوب طهماسب دخی مازندرانده  
قالقوب موعده مقررده متعاقبا کلوب سفرهاته عزیمت و مشهورده حاضر بولنده لریو قرار  
یردیله اندن جانب خراشا عطف عنان ایدوب اسفرا یسین و خبوشک یولندن توجانه یی ارسال  
دکندوسی جاجرم و نیشابور یولندن ایلفار ایله دوبراه اولوب مقرر کوبه منصور اولان مشهوره  
داصل اولدیله متعاقبا شاه طهماسب و انز نصکر عبدالرحیم خان جیوش مأمورده و عاکر موفور  
ایله مشهوره وارد و نادره لاجون اولدیله در ذکر وقایع تحاقوی بیل سال سعادت اشتمال هزار و صد  
پهل و یک هجری و نوروز فیروز این سال سنه مزبوره ده شعبان المعظمک اون سکرخی کوفی کوبه  
نیر اعظم کونش سر منزل حله نقل ایلوب بهار پادشاهی اختفا کل و کلزار ایداغن اچوب

۴۹



کحل کردن فراز لری دمور تقیه غنچه سیه پیراسته و خوش رایحه لوپ محکمر سرد آزادک حضرت و  
خرم زرخریه آراسته اولوب و شکوفه سپاهی بهار آیدرینک مقدمه الجیش لشکر کلکو  
سرو خرامان لوی جهان آزادی اعلا ایروب اغاج بود اقلرینک بهلوانلری تازه نهال و فدانلردن  
تیر و سنان تیز کوسر و ب و چنار شجما نلری یختی و ایتلو پیا اراق بیلکلریندن دشمن صالچی بچه  
لرین کشاد ایروب لاله سپاه قلقالی او موزینه آکوب کلبن غنچه عمودینی الله طتوب کل پیا  
پایر اقلریه سپر لنوب اغا جلرین بیلک بندلری اگری و طوغری بر اقلردن تیر و کمانلرینه زه و ایروب  
و سنبلر مشکین پر جلرین باشلری او زرنه یوجالروب انن یوزلری او زرنه صارقتیلر قیلر  
پوستنی پوش اولان بهار بولطی تفنگچیلری یغور قور شونلرینی کل پیا راغی بر نلرینه کله واری یاغرد  
و شمشک آتش باز لری یلدرم طوبلرینی کردون عربنه لری او زرنه بندر دیلر و مارت جنیدیلری یل  
ایا قلی سحر نسیملرین حواله ایروب قیش لشکرینی طاغرباشنه قاچردیلر و کلتا سنورکی  
انقلاب زماندن افغانه زاغ و زغ نلرینه مقام اولمشیدی اول اضداد و بیکانه لردن دور ایروب  
عذلیب و قریلره ما وای نغمه سرای ایلدیله و چمن معموره لرینی پای تحت سلطان بهار تازه لکیلر  
کل قزلباشیه سنک متصرفه سی قیلدیله مجلس عشرت و عیش سران لشکر و عظمای  
جیش ایبه آراسته اولوب سور و سرور تمامند نضک تهریه اسباب سفر و مدافعه  
خصم خیر سره مشغول اولدیله و افراد عکردن هر برد لیر و دلادر و جنگ آورده علی مراتبهم  
آت و نقود و سلاح عطیه لرینه بهر مند نوازش و بخشایش ایلدیله بیت سیجی مدعی بود کلکو  
بحردی بکنز سن یوردی وار سنده ایبه در بیان تنه احوال افغان ابدالی و مقدمات استیلری  
ایشان ابدال اغوانلری احوالندن بر مجمل صدر کتابه بیان اولمشدی که تاریخ هجریه علی صباها  
افضل التیبه بنک یوز اتوز بشه و صولنده ماه محرّمه میر محمد غلجانی اصفهانه مستولی  
اولدی و محمد خان افغان که اول زمانه هرات حاکی ایدی مشهری فتح و تسخیر هوا و هو سیه کلکو  
دورت آئی قلعه یی تخیص و محاصر ایروب بالآخر اطراف و نواحی نهب و غارت درایت  
منکوسلریه هراته عزیمت و هراته وارد اولدقه اغوانلریندن روگردان و زمان خان اوغلی زوالفقار  
خانیشور ابکرن کتور و ب هراته حاکم ایلدیله سنه بنک یوز اتوز بیه رسیده اولدقه مطابق  
یلان ییل عبدالله خان اوغلی عبدالرحمن خان که بری زمانخان حکومتی ایامنده هراته مقتول  
اولوب بدرینک قاننی طلبه عزیمت و هراته وارد اولوب حوادث غریبه ظهوری و هرج و مرج و قوی  
و شقاق

و شقاق و نفاق و عصیان و نیمه شیوعی اشتداد بولوب تاکه اغوانلر نافع شود و شرتی  
اطفای چون زوالفقار خان باهرز جانبنه و عبدالرحمن خانی قندهار ستمنه روانه ایروب  
سنه بنک یوز اتوز سکره بالغ اولدقه محمد خانک برادری الله یار خان ملتان دن  
کتور و ب مکین حکومتده متمکن ایلدیله و علی کوزلی عبدالغنی خان که زوالفقار خانک  
هوادر لردن ایدی الله یار خان دن متوحش و نیچه اوقات مدارای و حثت آمیز ایروب  
عاقبت قلبنده مخر اولان فادی ظهروه کتور و ب زوالفقار خانه نامه ایبه رسول ازال اول  
دخی درایت نفاقی اعلا ایبه باهرز دن قالقوب هراته وارد اولوب التی آئی نافع جدال اشتعال  
بولوب تاکه اغوانلر ایکی سنک دخی اطاعتدن روگردان اولوب زوالفقار خان فراره و الله یار  
خان ماد و چاق جانبنه فرستاده ایلدیله اول اولکه لرده هر بری بر ناصیه یه مالک اولوب  
اغوانلر باش سز و حاکم سز قالدیله تاکه موکب منصور نادر نامدارک اول جانبنه توجه خبری  
اغوانلرک منکوش کوشی اولدقه ناچار بینلرینه واقع اولاماده نزاعی قالدروب و محبت و سازشه  
آغاز و مصالحیه یه قرعه انداز اولوب فراهی زوالفقار خانه و هراتی الله یار خانه اختصاص  
ایروب نادرک دفع تبرینه مشا دره مجلسی قوریلوب بودرده علاج طلب ایلدیله سنه  
بنک یوز قرق برع واصل اولدقه مطابق میمون ییل نادر عالی رایات آهنگ سفر هرات ایروب  
سجی قلا اعلا ایلدی مصراع حاصلی مرد اولانک لعتی مردانه کرک ماصد قنجه یرکتور مرز  
عاکر ایبه نوردوزک قرق التی کون مرودند نضک شوال المکرک دور دخی کونی مشهدن حرکت  
اوتاغ میمون هر بر منزله نزول و زمره قام ضرب خیام ایبه صحرا مال مال اولوب طی منازل ایبه  
جام نام بلده یه و وصول و مشایخ کبار دن تربیت زنده ییل احمد جام ده قدس الله سره العزیز  
برقاج کون اقامت اثنا سنده خبر وارد اولدی که بنک نفراغوان کلوب باهرز ناصیه کنده واقع  
فرونده آباد نام قلعه یی محصور ایلدیله نادر بو خبری اشنگده اوج دورت بنک نفر دیلر و جنگ  
آدرلر ایبه سوار اولوب ایلغار ایبه کیدوب محل مزبوره وارد اولدقه اغوانلرک قلعه او زرنه  
رجعتلری معلومی اولدقه اول دخی نینه تربیت جامه عودت ایلدیله انن نادر ظفر جلین لشکر حضرت  
ایش ایبه تحریک لوی عزیمت و کاریز نام منزله وصول بولدقه اطراف واکنا فن و رود ایبه حیوش  
جوشن پوش کردها کرده حدود هراته دخولی و هر طرفن جنود انبوه طوفان شکو هک سیل  
روان کبی معکر نادر یبه منزل مزبوره و صولی سپاه افغانی موی آتش دیده کبی مضطرب و بیجان



واستیلای رعب و هراس امرای افغانی سراسمه و بیجان ایلوب مع هذا حرکت مزبوهانه ایله  
غیرت و حیثی الدن قومیب اول کیجه نادر طرفین تجسس اخبار ایچون ارسال اوضاع فراغ اولر  
اول حوالیلری کشت و کنار ایدوب فجرک طلوع عند نصکر نادر لوی منصور ای اعلا ایلد کلر زنه خبر  
کتوردیلر که الله یار خان کلیمو عکر و ازدهام تمام ایله کوسو یه یه وارد اولدیلر نادر بونی  
اشترکه قدم النذیرین بیکه کلام حکمت انجامی اوزره عمل ایدوب اطاعته ترغیب و تحریص ایله  
امر کونردی و مضمون امر بو ایدی بالجه افغان بکلری و سار دوسای ابدالی و اهالی بیلس اولکتر  
بنم غزیمتم بود یارده واقع بلادک بالجه سنه طرفن حاکم نصب ایلد کدر ایدی بالجه قلاع و قصبه  
مفاتیخی بکات تسلیم ایدوب طرفین نصب و تعیین اوضاع حاکمه اطاعت ایدر سکر سزه ضرام  
طقو نیوب حالک اوزره اموال و املاک کزی کماکان تصرف ایدوب آسوده اولک و الاقلاع  
و بلادی برغوب چیقوب آفر دیاره کیده سزیوضه بود عوتک برینی قبول ایتیب جنگه مبارک  
ایدوب بکاو عکیره قارشو طوب و تفنگ اتار سکر صکر الله و رسول الله حقیق سزی قتل  
عام ایدوب بریکزی خلاص ایلیم بیلس اوله سزبو امرک جو ابنی اول جماعت زبان شمیر تیز  
حواله ایدوب کیدن آدمی ارجاع ایلدیلر ایشی کون نادر و غار دود نام حوضک باشنه و رود  
ایدوب چادر لک قوروب تبرداران میرج صلابت و پاسبانان کیوان مهابت عاکری حفظ و  
هر است ایچون زیل جلادتی کمره اوزوب کلپانک نو آهنک ایله افلاک و لوله صالیدلر اغوانلر  
کلوب کافر قلعه نام بلده ده تحصن ایدوب وارد شلرینه عکر طول و دروب اطراف یوللری ایلدیلر  
نادر دخی بیت بازوی بخت کبر ایدر که کاغی استرورای قاقه قوسونلر نشانی مؤداسی اوزره  
جنود نام معدود و موکب مسعود ایله و غار دودن حرکت و مز بود قلعه دن نیم فرسخ محله واقع کوسویه  
جانبند اوردولرین قوردیلر اغوانلر دخی ناچار لک نضرت اثر مقابله سنه آهنک ایدوب  
عکرلر ترتیب و تنظیم و سکرلر و مترسلر ترتیب ایدوب قارشو طود دیلر چونکه بو طائفه اغوان  
مقدما ذکر اوضاع اسلوب اوزره جنگه کثرت مداومت طریقله فنون حربیه ده مهارت لری  
اولوب میدان جنگلری غایت ایله مدوع معتبر و متانت اوزره اولدیلر نذیرن میمنه و میس  
و میانه ایلر و صفر بغلیوب عمل و هجومه یک درون اقبال و ادبارده جمله ییک شناس  
معا توجه و معاً رجعت و زعلرجه آداب جنگه مراعات و قزلباشان جنگلر نه دیر دلکوی  
لتریله ارسال کیر اولوب اهل ایرانه استعلا و ولایتلرینه استیلا ایلدیلر ایدی نادر مراد

ایلدیلر

ایلدیلر که کندی و سپاهی اول طائفه خیره سر ایله اراقدن اولاقور شونلشوب و بر مقدر کوزلری  
آلشوب کندی و لرینی تجربه و امتحان و کرکی کبی ترتیب و تنظیم نصکر قدملر میدانه قدم  
و سنان جان کتان ایله اول طائفه اوزرینه هجوم ایدر لر پس طوبخانه و پیاده تفنگچیان  
حصار لشکر و محیط عکر ایدوب قول میمون برابر نذر مزراق کنار بر بلوک سوار کوس  
کروب دلیرانه طوروب جنگه ثبات قدم کوستردی لرا اول اغوانلر میمنه جانبنه عمل ایدوب  
جنگه مبارک ایلد کلر زنه پیاده لر میمنه امدادینه کلوب متصل جنگه ایلدیلر بو اشناده اغوان  
لردن بر کرده پیادگان جانبنه هجوم و دحول و حددن بیرون پیاده لر سرفزل آفرته و وصول بولیدلر  
پیاده لر کرب و چکلوب سواران دلیرانه دخی حیرت ال و یروب میدان معرکه دن دور و کرشته جنگه  
و جدالی دن مجبور ایلدیلر پس عاکر اضمی لاره قریب اولدقه نادر نامدار غیرت شعار شمیر تیز  
ایله عرصه سیزه عمله انگیز اولوب بر نفر سواریلر ایله اغوانلردن بفرقه یی افتاده خاک  
هلاک ایدوب آب تیغ جها نشوز ایله باد پیمان اولان خصمک آتش جراتنی اطفاد اسکانه  
ایلدیلر بیت ایر شمشک اوج کاله پیاده مشکدر نلر کلور باشنه فرزا دلجه بر بیارده فوجی  
اگر چه کمال کریمت و غیرت و حمت برله صبر و تحملده راسخ الدم و ثابت قدم اولوب پیاده فراریلر  
تکرار میدانه سوزوب اغوان سواریلردن ادرته دن قالدوردیلر اما نادر کرب کوب کر کشه  
جهان اولان صاغ یاغی مزراق ایله زخم دار اولدیلر لکن اختتام اولغله طبل آسایش  
اوردیلوب طرفیند دوتلوب نادر یان هله اول مکانده آرام و هر کس یوکن طور دینی یرده  
یقوب کیف ما اتفق نزول ایلوب و بعضیلر چادر لرین قوروب دخول ایتدیلر بر مرتبه اختلاط  
و ازدهام ایدیکه لشکرک اکثری آت آرقه سنه مزراغنه طیانوب طور دی اغوانلر دخی کافرتو  
حوالیسنه نزول ایدوب صوانلرک ضبطنده اولغله اول کیجه جیوش دریا خروش سزلقردن  
غایت بیتاب اولدیلر نادر عکری تقسیم و قیولر حفر ایتدوب صوچقار دوب نوعاً آب چاه  
ایله آتش عطشی اطفای ایدوب و اطرافه قراوللر تقیسن اولنوب صبح اولجه جوانب عکری  
حکم حیانت ایلدیلر ایشی کونکه سپاه نجوم کافر قلعه دن ذیمت و ظلمت شب کوس رحلتی  
اوردوب جانب غریبه غزیمت ایله نابود و نابیر اولدیلر اغوانلر کافر قلعه دن حرکت ایدوب کوسویه  
یولدن کیدوب هرات صوینک بو سمتنه نزول ایلدیلر نادر اوردوسی دخی قانقوب صوین آخر  
جانبنه ورود ایدوب اوردولرین قوروب اول کون هیچ بر طرفن جنگه اقدام ایتدیلر اول کیجه دخی



طرفین آرام ایدوب ایرته کی علی الصباغ چونکه طوب اژدر دهان افوق کلولة آتشیبا  
مهرکه که دهند آتی و عرصه جهانی سیاهی سپاه ظلمت شدن خالی ایلدی نادر سوار  
اولوب کوسلر اولدی و ریایات فتح و ظفر اچیلوب الایلر ترتیب اولوب اغوانلر اوزرینه  
توجه ایتیلر کوردیلر که اغوانلر کیجه اچنده طوبخانه لرینی اوردوی نصرت قرین برابرینه  
مهیا اولمشریکه حکم تارکلر کورمشلر ایمنش ناکاه یکی قول اولوب برقول دودخانه ترمز  
و برقول میمنه جانبندن هجوم ایدوب یکقدمه تفنگک دزنبور کلن آتشی و یروب بریوریش  
یوریدیلر که دستم زال اولسه حائل اولوب تصور اولنمزدی اغوانیانک هجومی اصحاب  
جنکک قتلرینه معلومدر هجوملرینک وهله اولیده آتشنه طورلر مرتبه کالده ایدیکی  
اهلنه خفی دکلدرا اولامینه نادر یانه یوریب کوه آهن کبی نلم و کور معنکسکه انک  
قبول ایتیبوب خیره لکه آغاز ایدوب و چهره لک اظهار ایدوب اول جانبده مستحفظ اولوب  
پیاده تفنگجیانی کروییه تو سکروب یرندن قوبار دیلرینه فی الحال لیکه تازان میدان دلاوری  
وطنطنه پرواز معرکه سروردی اعنی نادر نادر زمانه مانند شیر غران شمشیر بران اینه اول کرده  
اوزرینه خروج و ظهور و میانه پیادگانن دور و مطلبلرندن آجور ایلدی بود فیه بردی اغوانلر  
نادر عکرینه یوز طوب لاینقطع تفنگک سر بوب فذق یاغدروب عاقبت اغوان و عجم بربرینه  
قار شوب سیف و سنان اینه کیریشوب وقت ظهره دک یقه یقه یقه جنک ایدر اولدیلر **یت**  
گاه قودشون آچاردی قرمزی کل . جان تو شی اگا اولوردی بلبل که تیغ قلودی جا کستانلوق  
که نادر که ایدردی خون فشانلوق . اول بگزردی قری نکاره . برغنی دلفریب یاره نثر اویله دن  
صکر اغوانلر که ارقه لری شکست و علملری سرنگون و پست اولوب وانلردن جمع کیز طعمه  
شمشیر اولغنه دیار عدمه شتاب و بقیه السیوف اولاد و عیالترین ترکیدرینه آلوب دروازه  
هراته دکن عنانتاب فرار اولدیلر عاکر فیروز ماثر کافر قلعه یه داخل اولوب ذهاب و غارته شروع  
و خیام و اسباب و انقالترین ضبط طوبخانه و نغاره خانه لرین قبضه تصرفدرینه اذخالی ایلدیلر  
اول منزلن شاه طرهما سب اورد و سنی قاله و رب بالجمه آغر لوب و بالیز طوبلر اینه شانام قریری  
ایصال ایلدیلر نادر کندی و سنی شاه طوبلر اینه تیر پل یولندن هرات جانبنه عازم اولدیلر الله یارخان  
و سائر اغوانان بوخبری اشته کلرینه مع هدا پرکنده عکر هر فردکنده ایشنه مشغول و سیر و بیابانه  
کزدلر ایکن الله یارخان و سائر ضابطه طرفنک آدم ارسال اولوب شهرب قمع اولوب اینه مأمور

دیو خبر ویرد کلرینه هر فرد مشغول اولدیغی ایشی و طعام اوزده بولنا ندر فی طعام تناولنی ترک  
ایدوب فی الحال اول پرکنده و پریشانلر جمع اولوب حاضر و آماده بولنوب مجدداً بر دنی سلک  
بعقیدینه نظام و انتظام و یروب شهره یکی فرسخ محله واقع دباط پریان نام موضعه نادر  
استقبال ایلدیلر ابتدا طلب صلحی مشعر بر کهاغدری ظهور ایدوب در عقب پشیمان اولغنه قاه  
اغوانیان اوزده بر کلبی قتل ایدوب شیران میدان جنکک جانبنه ایتیلر و هله بردن یوریش  
ایدوب قلمچلر چکوب کمال جلادت اینه عکر قویلوب بود فیه دنی طوب و تفنگدن  
فراغت اولوب سیف و سنان اینه بربرینه کیر شوب یقه یقه یقه جنک ایدر اولدیلر یقه سنان  
ایله سینه لچاک و شمشیر بران اینه شیر بازو لر هلاک و خنجر لر اینه صخره لر کسوب سران  
دیران افتاده خاک اولدیلر کونشک ابتدا طلوعندن نصف نهاره دکن جنکک تمامی اولوب  
نیجه بنک خانانلر خاک اینه یک اولغنه ضامنلری ویران اولوب اغوانلردن دنی بنک  
نقردن متجا و ضرب سیف ایدر اینه عازم دارالقرار اولدیلر و هاندم بقیه اغوانان شکر  
ایچدن سچیلوب جانب شهره عزیمت ایلدیلر بو کلن انلری تعاقب ملحوظ عاکر ایکن  
تعقیبه رخصت و یرلدیکی ان هذالتی عجب فحوا سجه حیرت انداز عقل شیخ و شب  
اولدی و نادریان یرلندن حرکت ایتیبوب هله اول رزمکاهی مقرر کوبه عزوجاه ایلدیلر  
هیسکه آشوب جنکدن فراغت اولندی برباد شید ظهور ایدوب بر صرته و اصل اولدی که هله  
آز قالدی که کرب خاک یسه صاوریلوب عالم امکانن دیللرده بر آرد و عالم عتصرون خاطر دره برن  
قاله ایکی کون و ایکی کیجه طرفین کثرت غبار و شدت اضطراب و اضطراب سببیه جنکدن اغراض  
العین ایدوب هله بولند قلدی موضع لرده مکت و آرام ایلدیلر او چنجی کونکه باد غسرورد  
فلکک دماغندن طرش حقوب عالم سکونت و آرام بولدی الله یارخان جانبندن  
اهل و عیالترینیه طلب امان و مالترینه تعدی ایتماکک اوزده ایتیمک ایکن آدم  
کلدی نادر زبان حال اینه بیوردیلر **مصراع** تکیه بر عهد تو و باد صبا نساوان کرد نثر  
سادام که دوسای ابدالی دن بر کرده حضوریه کلوب دبقه اطاعتیه کردن داده  
اوله جقلرینه عهد و پیمان و موافق و ایمان ایلدی که سیزلردن تعهد خدمتی قبول خیزت  
امکانه و شاهد صلح و صلاح آینه حصوله صورت نمایان اولمز پس الیاری  
خان جانبندن عبدالغنی خان و یقه نقرام و اعیان کلوب عهد صلح و صلاحی بنز ایلدیلر نادر



دفعی اول جماعتن مسؤلین قبول و مویرک جانبنه عطف عنان ظفر شمول ایلدیر...  
ایرته سی کون الله یارخان و عبدالغنی خاندن خبر وارد اولدی که فراه حاکی ذوالفقار خان  
کلیتلوعا کرایه امداد و اعانتی متوجه اولمغه بوکا اطمینان معاهده و استیمانن پشیمان  
اولوب بینه زده اولان زنجیر بسته کسته اولمشد بو خبر نادره و اصل اولدقه بیت  
بویلان دیناره بکر زکر دش پیمانیه جام و می کریتی ایله عهد و پیمانک سنک نرمانلی گویا  
اولوب دیران معرکه رزم جویرن بنک نفر ذوالفقار خانک مقری اولان فراه جانبنه ارسال  
ایلدی و شکیبان نام قریه ده ضرب خیام ایدوب اوردوی میمون یکی کون مکت و آرام ایلدیر  
ذوالفقار خان دفعی کیجه اچنده اوزرینه روانه اولان بنک نفره راست کلیمه جک بریولون  
ماه خالی السیرکی چکیلوب کلیتلوعا کرایه شکیبانک اوست طرفدن کچوب کینکاه...  
خصومتده قرار ایلدیر اوچینجی کون نادرین سکونده ایکن ناکاه برتوز قوپوب اغوان...  
ایلیری ظاهر اولدی الله یارخان برکوه عکرایه جانب شرقدن آتشن افروز نوایر کارزار اولدی  
ذوالفقار خان دفعی برانبوه لشکر ایله کینکاهدن چقوب اوردوی اوزرینه هجوم ایلر کلرنده  
نادر ذوالفقار خانی مدافعه یه امر ایدوب عکربنوب قار شولدیله ضحوه کرایه دک محکم  
جنک ایدوب تیردله وز و سنان آتشن افروز ایله ذوالفقار خانک سینیه برکینه نی چاکی ک  
ایدوب بالآخر آتدن برغوب افتاده خاکه هلاک ایلدیر اغوانلردن دفعی جمع کثیر هذف...  
کلوله طوب و تفنک و نشانه زخم تیر و شمیر اولدیر ایشام ایریشوب طرفیندن دولنوب  
آرام اولدی یادکار نام قلعه حوالیسنده قار شوقاد و نصب لوای قرار ایدوب ایرته کی کونک  
کوکبه زرین هر خاوری آغاز جلوه کری ایلدی نادر آدم کونر دوب شاه و الاجاهی شاره دن  
کتور دوب مهات و اغلوی ایله شکیبان نام منزله برغوب و تفنگچیانن برکوهی خدمتته  
تعیین ایدوب کنوسی هرات جانبنه اعلا اعلام نصرت فرجام ایلدیر اغوانلردن قار شوقاد  
چقوب شکیبان ایله کوشک باد صبا نام مابیننده مقابله طور دیر تقابل صیفندن صلک  
یکی جانب دفعی قلچلرن چکوب حمله ذرا اولدیر طوب و تفنک شنلیک ایله اغوانلری  
کردونر دوب که لریند و شوب بروجه قیردیلر که آن واحده اول میدان وسیله کشته لردن  
پشته لرینلوب بقیه السیون بریده قرار ایدوب میوب شهره داخل اولدیر صبا و وقتی که  
مهر زرین لواما هیجه فلک فرسای غودار ایلدی اغوانلردن برینجه نفر کینه وارد اولوب آدیار

یارخان

الله یار خان جانبندن طالب صلح و امان اولدیلر نادر اول فرستاده لری کروییه ارجاع ایدوب...  
بوکونه خبر ارسال ایلدی که سودای قلعه کشانی دماغمزه جایگیر اولمشد لردن تحمل اوزار  
دارو کیر ایدوب شان عجز و ذبونی اولان فنون حیلله ایله سالک مالک مکر و تزویر اولتوز  
بزم همت والا مزمر دانه ایقاد ناسر جنک ایدوب مقصوده دست رس بو طقدراک استیمانلری  
خلوصه مقارن ایله عظمای افغان بالجمله حضوریه کلوب عهد و موثیوه ایله بنی...  
اینانر دوب ربقه اطاعتیه کردن داده اولار و الیزلره قول فصل دشت و یازیده موجود...  
هر طاش باشنه بزدن بر باش کتمینجه و سیز لرایه اسباب جنک و سبابی تکیل و اعان  
ایتمینجه و دیران جنک آوراندن تنلرده بر دمونه قالمه قجه رزمی ترک ایتمک و غزی فسح  
ایتمک محالدر و قلعه هراتن بدل افغان کله لرین قلعه لر پیدا قیلدین کروییه دوغک عیدم...  
الاصتالدر بو خبر کیندولرینه واصل و جواب شاقی حاصل اولد قنصکر اول طائفه دوساکن  
بر کرده کلوب شرفیاب خدمت سرور کردن افراز دروی اعتذاردن جبهه سای زمین نیاز اولوب...  
عرض ایلدیلر که غلجائی و ابدالی اغوانلری اوتقه دن برد شاهان ایرانیه رعیت اولوب...  
و محافظه امر و خدمت لرنده بولنه کل لرایکن بود فعه غلجائی مصدر خیانت اولوب اولد...  
دارالقرار قندهاری ضبط و اندن تختگاه شاهان ایران اولان اصفهانی عهده تصرف لرنده اذخا...  
ایلدیلر و طائفه ابدالی چه مدت ایرانیه هوادار اولمغه غلجائی ایله مقام جنک و جداله...  
اولوب بالا ایرانیان امدادندن مایوس اولمغه غلجائی لره مانوس اولدیلر اگر شان...  
والاکزه لایحه مقتضای فتوت و مرمت برله پیشن ازمین سز لردن صادر اولد سفک  
دماغفو اولنوب و جریده جرایم سابقه من قلم مضی ماضی چکیلوب نائل آمال اولور...  
غلجائی اوزرینه سرف عطف عنان ظفر حمله دن اهم و اقدام اولمغه طائفه ابدالی  
دفعی بالطوع و الرضا اطاعت و اتباعه پزل مقدر و اوغور کرده مال و جانلریله سعی  
موفور ایتمکله قوللوی حلقه کی کوشلرنده و غاشیه خدمت دوشلرنده اولوب منی بعد  
ابدالیدن رضای والاکزه مخالفت صورت پذیر اولماز اگر چه بو معنی طرما سب شاه  
والاجاهک و اعیان دولتک مرضیاری اولیوب کیندولره غایت کران کلوب اصلا وجود  
دیرمدیلر اما نادر انکرک مسؤلین قبول ایدوب و جرایملرن کچوب انلره خصیت انصاف  
و عنان غزیمتی شکیبان جانبنه نعطاف ایلدیر ایرته سی کون امرای اغواننن یکر می اتور نفر



کشته گرانها هیتیه بهیه لرایه کلوب شرف انروز تقییل دکاب فیروزی نشانه اولیلر چونکه اول امرای  
نظر عین عنایت نادره شایان اولیلر بالجمله الباس خلعت فاخره ایه سروروشادان قلندیلر  
درو سایی معتبر ایلدن برقاچ نفر کشته لری دهن کبی اولموش اوزره چاکر دکاب سعادت پیونر  
ایروب صدق مدعالرینی افاده ایلر کلرنه نادرینه حکومت هراتی الله یار خانه استقرار و نادر  
جانبندن خلعت و خانلوش منشوری نامنه عز اصدار بولمغه کامکار اولدی اندن فارسی  
زبانانکه هرات نواحیسنه قلعه جاتده ساکن و طائفه پشمیدی که باد غیث نام موضعه  
متکن ایلر جام و لنگر محالنه و مشهر نواحیسنه خانه لریده فرستاده ایلر بوانشاده الله  
یار خاندن بر عرضیال وارد اولدی که شکیبان منزلندن فراه اوزرینه روانه اولان دیران نصرت  
نشان فراهه داخل اولوب شهری ضبط و تسخیر و اموال و ائقالدن تسیر و اطفال و عیال  
لرین اسیر ایدوب غنایم بسیار ایدیه وارد اولیلر زوالفقار خانکه عیالی و خانه سنه  
اولان اقربا و متعلقاتی دخی جمله اسارا دنر اندر که حقننه امرکونه اولور نادر اساری  
مزبوری اطلاق و وطنرینه ایصاله فرما احکام ایدوب اول سال میمنت فالک زی الحجّه  
سینکه دزدنجی کونی عزو اقبال ایدیه مشهره وارد اولیلر مجموع مدت سفر ایکی آیه بالغ  
اولدی و مجده و آ الله یار خانه نوازش نامه و خلعت فاخره و مرصع شمشیر ارسال ایدوب  
خاطرینه مراعات و انواع التفات و نوازش بیوردیلر گفتار در بیه حرکت اشرف غلجائی  
اذا صفهان بعزم تسخیر فراک و کیفیت محاربه مهمان دست و انهرام دست چونکه وجه  
محرر اوزره نادر نامدار مشهره وارد اولیلر قربان بایرام کونی عاکر فیروز مآشره  
رضخت احکام ایلر که جنگدن فراغ حاصل اولمغه هر کس و وطنرینه و اصل  
اوله لر و ضمیر لر نه جایگیر اولان معنا بویادی که اول سال مسرت مالک شتاسنده دشته  
ساکن اولان طائفه ترکمانیه اوزر لرینه سفرا ایدوب اول حرامیلر کوشمال قادیب بر لهرای  
سز لرینی ترتیب ایلوب موسم بهار استرا باده ورود و بالجمله اصحاب آرا و ارباب شوری  
اتحاد و اتفاق لرینه لوائی همتی اصفهان جانبنه اعتلا و اول دیاری دخی قبضه تصرف لرینه  
ادخال ایدیه لر حکمت ربائی و تقدیر صمدانی ایدیه دوران هربار نادر که مرادی اوزره دور ایلر  
مصراع صیدرا چون اجل آید سوی صیاد رود نذر مضمونجه سر پنجه تقدیر کریبان کیر خاطر اشرف خانه  
افغان اولوب خواه ناخواه سمت خرافه کشیده و اول خون گرفته یه لذت ضرب دست

خراسانیانی چشیده ایلدی بومقالک توضیحی اولدر که چونکه اعتلا لوائی نصرت التواجب  
هراته وقوع و بو خبر جمه ایران و تورانده نشرو شیوع بولوب اشرف غلجائی که مقصدی  
امر سلطنت ایدی میدانی ارسلانن خالی و نادر غضنفر دورانی مشغول ابدالی کوروب عسکر  
موفور و لشکر غیر محصور ایدیه حدود خرافه ایت افزا در زم و پیکارا ولوب بنک یوزقون  
ایکی سال همایون فالده محرم الحرامک اون اوچنچی دو شنبه کونی وارد اولیلر همنوز دیر  
معرکه ارانکه قلیج لری قانی قوریمیدین و مراکب تیز کام زرین لکام آسایش و آرام بولمیدین  
بو خبر بهجت اثر سمع نادر فیروز فرسیده اولدقه لشکر جمع اولموش ایچون اطراف بلدانه نامه لر  
برالنده ایدوب کلیت بویادکان ایدیه سر ولایت مشهر سلطان میدان یولندن طوبخانه و هراتی  
روانه ایلر نادر دخی شاه طرفه کسب ایدیه اتفاق د اتحاد ایدوب کلیت بویاد عسکر و جمعیت  
اوزر ایدیه ماه صفر الحزیکه اون سکر بنجی کونی نیشابور و سبزوار یولندن تحریک لوائی اژدر  
پیکر ایلوب دو بره اولیلر اشرف شاه دخی اول طرفدن عزیمت و سمنانه وارد اولوب اول  
سمنان قاضی میر سید علی نکه قلعه نی ضبط و تسخیر و قاضی دستگیر ایدوب ان  
صکر سمنانی محاصره آغا ایلدی اول محل سمنانن فریاد جیلر کلوب محضر و شکایت  
نامه لرینی دکاب نادره عرض ایتیلر مضمونی بویادی که اغوان سمنان قلعه نی محاصره  
ایتمک اوزره در سمنان قاضی میر سید علی کی گرفتار ایدوب قلعه سنه انواع ضارت  
ایتمشدر امداد ایشمزشه مستولی اولموش مقرر در و محصور اولان اهالی قتل عام و کج  
کچورمه سی محل ریب دکلد نادر مجرد بو خبری استماع ایدیه احتیاط ایدوب مبادا که اهالی  
سمنان گرفتاری قاضی یه بنا قلعه بی اغوانلر تسلیمه راضی اولار دیو برنجی نفر فشار  
واسترا باده قاجار لرنن ارسال و خبر فرستاده ایلدی که موکب متصور اول جانبنه توجه اوزره  
در لرور دینه دکن صبر و ثبات اوزره اولوب قلعه یه استحکام و یروب حفظ و حرارت بانه  
بزل مقدر ایلیمه سز نادر دخی سبز واردن حرکت و دو بره اولیلر نادر طوبخانه و پیاد کانی ایلر  
کوندر و اشرف شاه طوبخانه و رودینه واقف اولدقه سیدال افغانی که کند و نکه سرداری  
و مقدمه الجیشی ایدی طوبخانه جانبنه روانه ایلدی وقتا که طوبخانه آتش فام اعمال  
بسطامن مهر و شمی نام قلعه یه که وارد اولیلر مزبور قلعه یه ایکی فرسخ کلدن دخی نادر نامدار  
ماهیه اعلام ظفر فرجامی کورنیلر مکر سیدال بسطامن بلد طوب قلعه یه فرسخ کله کلوب

۱۱۹۰



کوردی که قریب طاعن کبکی نادر آیلدی صحرای قابلش بریشته اوزرینه چاقوب نظر ایلدی کوردی  
 بر کبکی پایانه صحرای طوتوب چالقایورکنه ویاننده بولنانلر انلره نسبت در یادن قطع کلدیکنه  
 بنا بر مقدار الله لم صانه می بعض کار آزموده لر دیزکننی دیوشیروب برای خان آزر عکریله  
 چوقلمه قارشو طور لموه بهادر لوه دکلد رطمن دشمندن احتراز ایچون کنه وی بیله یه بره تلف  
 ایتمک تره لکه یه جان آتمقدر عشری قدر بلکه بیکه بری مقداری اولیان لشکر قلیل ایله بو قدر  
 جمیته قارشو طور لمز بو صورتده کرو اشرف شاه عکرینه عودت ایله آدم لکلتز عکر کزی  
 وکنه وجود کزی تلفه سمی ایتمکدن بمرهور عکر ایله متفقا قتال ایتمک دخی ناقدر دیوب سمیت  
 سلامتیه صرف ایتمریه سیدال بلد لری قتل ایوب و العود اجمه مفهوس اختیار ایوب کوردی  
 رجعت ایلدی لشول هنگام که شهر بن بسطام مقر کوبه انجم احتشام اولری کثرت و وفرت  
 و ازدهام سپاه کبیده طوبخانه یی درون قلعه یه آلموه قابل اولیوب خارج شهر ده قالمغه  
 اول کبیه سیدال اغوانلردن بر کرده ایله طوبخانه اوزرینه شبنون ایوب مقصودینه دست  
 دس اولیوب خائب خا سر کرده و نوب لوای هزیمتی اشرف شاه جانبینه اعتلایلی ایزرته  
 کون بایراق ایلوب معکر نادر مؤمن آبادد امغان نام محله توجه ایلد کلر نه سیدال  
 آنده اولمغین اندن قالقوب مهرانه دست نام محله وارد اولدی اشرف شاه دخی سمنان  
 قالقوب مهرانه دسته کلوب سیداله ملاقی اولدی شهر ربيع الاولک التبی شنبه کونی ایکی بلا  
 سیلی جوته و ایکی دریا طلفه لری فروشه کلوب بر جانبدن اشرف شاه داهیه دهیا وسیل  
 کوه دبا کبی تحریک رکاب عزیمت و بر جانبدن نادر یان سوتی مطیه خصومت ایوب **بیت**  
 سیل واد ایردی فروش و جوته طولی صحرایش آهه پوشه مصدر اقبه معرکه  
 گاه قیامت قرین اولدقه دلاوردان ترمتن و مردان دشمن شکن سمندر ووش غوطه خور بکر  
 آتش اولوب هر طرفن تحریک نیزه جنک و پیکار و تیر و دانه کارزار مردان میدان دزمی بقرار  
 ایلدی هر ایکی لشکر شیر و غاکبی قع جمع و غاعز می ایله فرس دان و بادوزان ایله همغان اولوب  
 جمعیتکاهه ایرتوب تیغ عریانله بر لرینه کیرتوب باد جمله ایله آتش پیکار افروخته و بجه  
 دلاوردن خرمن حیاتی سوخته اولدی **بیت** بری برینه لشکر قاتلدی متاع جان و دل هیبه  
 صانتلدی اجل انی سمدن کلدی ناکاه کمانک گوشه سن ایتدی کینکاه سنک جانستان  
 طوغر لری جانانه دل و جان اولدی تیر آشیانه نثر مهرانه دست صوتی کناننده ایکی طرف دخی لرینی

جانن ییوب برینه قبولیلر نادر نامدار بو حال مشاهده ایتدکه لشکر فیروزی تمام بر قول ایوب  
 طوبخانه اشبار صاعقه کردار دریا ی خوشخواری پیاده تفنگچی سام سوار ایله فوج فوج  
 احاطه ایتددی سواران ظفر بزوه دلیران انجم شکوه هله بو استوب اوزره کرده هر بلوک  
 معین اوله موضعلرده کمال آرام و وقار ایله ضبط عنان ثبات و قرار ایوب نادر که امری اولوه  
 سزن اول موضعلردن حرکت ایتیب سیف و کسان خون نشان جانستان استعمالندن ال  
 چکیده حقابر نادر زمانه ایوبی که میدان کار زارده سپه سالار عزیمی دریا ی جوشان پر فروشانه  
 کونله اشارت ایله طلفه لری لنگر واری طور ددی و اگر بحر سکونه اشارت ایله  
 جوش و فروشه کلوب طوفان اولوددی واقعا بر شاه جهان ایوبی که کوه کیران هنگام اشارته  
 جنبشه کلوب قوم کبی روان اولوددی و شام انتقامده برق لامعی آتش افروز لقدن منع ایله  
 قوت و قدرتی اولیوب چحقاق اورموه و آتش یا ققدن قالوردی القصه اغوانلردن دخی بودغه  
 اوچ قول اولوب تیغ خونریز و کسان تیز ایله نادر یان اوزرینه حمله انکیز و مشغول ستیز و آویز  
 اولدی بر خجیا خذعه حربیه طریقه اول طائفه اول کلرندن فرار ایوب تیب عکره طوغری کلوب  
 اغوانلردن دخی که دن تعقیب ایوب کور شون منزله کلد کلر نه آتش الی فرنگی نزار طوب کجیلر امر  
 نادر ایله طوبلره آتش و یروب طوب و تفنگ و زنبورک آوازه سی افلاکی لرزان ایوب  
 باروت دخانی قریب بولط کبی بربری اوزرینه تراکم ایوب ک عالمی قابلیوب دخان مبین سری آشکا  
 اولوب عذاب الیم مضونی کرده خصم اوزرینه بیدار اولدی اول آتلا کله و کلوله لر اغوانلر  
 مقدمه الجیش نفر لرینی و زنبور کبی دوه لرینی خاکه برابر وزیر و زبر ایلیوب اغوانلر بو حال مشاهد  
 ایتد کلر نه طوب کبی جانلرینه آتش و شوب توتنی دبه لرزن چقدی هر نه طرفه نکه هجومه اقدام  
 ایتدیلر کنه لرینی دریا ی آتسه شنا و رگوروب افتان و خیزان کنه و تیب عکر لری ایچنه کیزان  
 اولدی نادر یان دخی هله اول ضابطه و ترتیب ایله اغوانلر ک تیب عکرینه متوجه اولوب  
 طوب ایله علمدار لرین ایاقدن دوشور دیلر اشرف شاه لوای اقبالنی سرنگون کورب قوی غنی علم  
 ایوب طوبخانه و مرقاتی و سائر اسباب و الاتی بر غوب بختی کبی بر کشته اولوب بالضروره  
 سمند کیزه سوار اولوب وادی هزیمته عنانتاب فرار اولدی اول کون آخر عصره دکن نوایر جنک و  
 بوارق طوب و تفنگ فروزان اولوب اغوانلردن جمع کثیر طعه شمیر و عظماسدن بجه لرد ستیکر  
 اولوب بو وجهه نازق قتال اشتعال بولمچی بوبلوک ضعیف القلوب فراد عارفی اختیار ایوب



نظم سحر جوش ایتدی دژیایی لشکر: باشن قالدردی اژدر و دش علمه: رجوم آسا هجوم ایتدی  
سیونی: طاغدی همه افغانک صفونی نثر اگر چه دلیران معرکه داران اول فرایلدی تعقیب مراد  
ایدوب جولا کوستردیلر اما اکثری عا کر تجربه آموزراه و درسم جنگ اولم قلدن نادر اندری منع ایرو  
شاید تعقیب صلاحه مقرون اولیوب و رطه هلاکه و کرداب هولناکه اوغرایه لردی بود ضاده  
اولدیلر بیت بسی در قفای هزیمت مران: که باشد که دورافتی از یادان: **دژیای امور هندی**  
**که در آخال بوقوع انجامید چونکه** وجه محرر اوزره طائفه افغان منزهزم و پریشان اولوب  
جنگدن روگردان اولدیلر نادر دخی جمله مرتب و مکمل اوردوسی ایسه قالقوب دامغان نام محله  
وارد اولدقه کوبی اقباله اولدوغن کوروب جمله امور و خصوصه و تبری و تارکنده بصیرت  
اوزره اولغین سرینجه بختی دخی مساعده قلوب دولت عثمانیه یه ایسه الله تعالی معتمد لریندن  
برینی الجی کوندروب آذربایجان دن فتح و تسخیر ایلد کله ری بلاد دن کفید و فراغت ایلدین طلب ایلدی  
ان دن قوت طالع اعانتی ایسه کوچ بر کوچ اشرف شاهی تعقیب ایدوب اصفهان جانبته عازم  
والهوان نام منزله متوجه اولوب اثنای راهده طرفها سب شاهه مافی الضمیرینی بیای ایلد کله رنه  
الحق مرمفادی اوزره رای ناهوارینه بنا و طبعنه ناکوار کلوب عاکرین و نفاهه خانسین  
نادر عکیریندن جدا ایدوب تویه دار جانبته روانه اولدیلر نادر دخی بر مقدار رفاقت ایدوب شفقا  
نصح و پندری بالآخر سودمند اولیوب **بیت** که از و انفی رسنگه و آهن سهدرای دل: کسی  
قلبک ملایم اولسی اما عجب مشکل نثر عاقبت اول دل سیاهه نصیحت اثر ایتیموب اول  
کون منزل مزبوره وارد اولوب آنده نزول ایتدی لر شاه طرفها سبک خوشونت طبع ایسه ناملایم  
حرکتی و سو و تبری بر فتنه یه بادی اولور احتمالیله نادر محمد علی خانی و عرب سید علی خانی طرفها سب  
ارسال ایدوب هر نه زبان ایسه اولورسه قول لیتن ایسه خوشونتن کیدوب اوردویه ملحقه قلا  
دیوتنیه لر ایلدی انلردخی واروب قبوله قریب مقدمات دلفریب ایسه خاطر ناله آکوب کوردن لر  
نادر دخی سمنان صحرانده شاه انتظار ایله توقف ایدوب ضرب خیام و ایکی کون مکث و ارام  
ایلد کله رنه شاهه دخی خار غیظنر افاقت حاصل و کلوب اوژدونه و اصل اولوب نادر خیمه  
نزول ایدوب ذیل اعتزاز ایله بری برینک خاطرینه قونا زنگ غباری سیلوب کولک آینه رینی  
مجله ایلدیلر پس نادر مقدمات کیلا جانبته سردار نصب و تعیین و اول حدودی محافظه یه ارسال  
افغان حسین قلیخان زنگنه یه و چارخی بلا اولوز یاد اوغلی اوغورلی خانه مقدر منشورین ارسال  
ایدوب

ایدوب قزوین طهران میانه ساد خبلاغ نام محله وارد اولدیه امر ایلدیلر نادر دخی اول اول  
ایام شاه و الاجاه ایسه همراه اولوب اشرف شاهی تعقیب ایچون تحریک لوای غزیمت ایلدیلر:  
سائمه عجیبه که اول ایامده ظهور ایلدی بودر که طهران ساکن اولواغوانلر اشرف شاهک  
هزیمت خبرن اشته کله رنه کنار شهرده احداث اوضاع میانه ادرکه موجود قریب ایشیه دن رجال و  
ایمان و ایش اولدی ویر و جوانلرینی بر بهانه ایسه جمع ایدوب شمشیر تیز ایله جمله سنگ فوندرک  
ریز ایلوب قلعه یی خالی برغوب اصفهان جانبته عجاله فرار ایلدیلر بر بلوک کسنه میانه ارکه  
طالب مقتوللر اموال و ائقاللر نهب و غارت مشغول اولوب و بعضی برامنر اشیای فاخر  
بی حرامیدن حرامیه حلاله ردیو عجزه النزن الوب و بعضی دن فقیر هربری بر تیردیلر پلیر ایدیه زنی قیمت  
اشیای بر طرف اچنده اخفای ایدوب طعامدر و بوتکله اطفال و عیال ممالک ملایم غنادر  
**مصراع** صادق و کوبا که سنگ راه اولدندر که نازمدن: دیه دک میان غارتکرانن ساحل سلامت  
رها بولور لرایدی بالآخر غارت جبهه خانه یه واقع اولدقه اول ستاره سوخته لر نمایه قریب شوب  
انیشه ضرر خاطرینه یول بولوب شادمانلقدن ایاقلری یرطو تیموب هربری بر مشعله:  
یا قوب جبهه خانه کی گوشه بکوشه طولانرکن بادوت خانه کسنه بر شراره دوشوب بر عظیم:  
صداقوبوب آدم کوده سی قدر طاشلر و طوبر قله هوایه پیران اولوب و افرزما قلعه غبار و دخت  
اچنده نهران قالب بعده آچیلوب کوردیلر که قلعه نکه قله سی هوایه اوچوب افغانلر  
دانندن یاد کاد قالب انلردن التمش نفر دن متجاوز هوایه آتیلوب پروانه وار آتش بی پروایه  
یا نملر **دبیان محاربه سردر خادو کسر ایات شوکت افغانی حکمت سبحانی در مرتبه ثانی**  
اما اشرف خان افغان مرهمانده ستن منزه ماکیزان اولدقه و رامین نام قلعه یه وارد اولوب سببقا  
طهران حاکی اسلام خان افغانی سردار نصب و تعیین ایدوب مکمل طوبخانه ایسه بشنک نفر  
افغان جنگ آوران ارسال ایلدی سردار مزبور ایکی طاغ میانه کسنه واقع کرده خاد نام محله وارد  
اولوب اول محکک یولدری صعب و مروره قابلیت ایلدقه اول تنک یوله طوبلدی دیزوب دلیران  
فولاد پوش طوبلرک و راسته سب بقلیوب تفنگچی کرده طی طاغلرک باشنده صعب محله چقوب  
سواران جلادت آیین کینکها هلرده اولور دوب نادرک و رودینه منتظر اولدیلر بونن غافل که  
بر آوج خاشاک آتش سوزانی سیوندر مرزوشسته بیمز سنگ خادانی او فاند مرز پس قری:  
و لکر و دیره بانلر نادر نام آورده بود قعه یی خبر ویرد کله رنه فی الحال اول غضنفر چرا تلو بهادر و جنگ



آورد تفنگچیان بدش التي بنك نفر كسنه ي ايكي بلوك چرغچي كو نروب بر بلوك اول طاغك  
شرقي جانبندن و بر بلوك غربى جانبندن و كندوسى طوبخانه و زنبورك خانه ايده طوغرى يولون رونه  
اولوب كوه آلهنين كى دامن هتتى ميانه اوروب يوريش ايلدير نادريان اول تنك دره ده  
اعمال ادوات جنگك و اشغال فتيده طوب و تفنگه آغاز و مباشرته ايكن سپاه افغان مانه  
غولون بيابان سپاه نادريان اوزرينه هجوم و اول شوم قدم ميان ميدان معركه يه اقدام  
ايلدكلزده دليان نادريان دغى مرافعه جانسوزايه قيام و ازاله وجود بر بودرينه تحريك  
اقدام ايلوب كاه كله طوب برق افروز رعد آوازايه هيت اجتماعيه لري پرشاه كاه كلوله  
تفنگه ددست انداز برله نيچي لري بي نشان كاه دستياري حاسم خون آشام ايده كركش  
سر بريره و گنام كاه منقار عقاب تير جان شكار ايده هواي ذعم و اعتناده بالاي پرواز لري  
سينه دريره و اعدام قلنه دق بيت ايكي لشكر چوايتري عزم رفتار جهاني ايلدير تيره و تار  
قلجلكو ستر و ب شكل رهوى بري بيرينه ايتدير هجوم اجل سكي اولوب بيكان دمادم پيا  
دوشردى نيچه آدم نر مضموني اوزره بر قاج ساعت على التوالى جنگ و نبرد و اخنامه قريب  
زمانه دكين مردانه آهنك ناورد ايتلميره سپاه افغانيانك احوالى شكست ولواي كبر  
اعتلا لري سرنكون و بست اولوب پيادگان سكيل و اربالاي كوهدن اشاغى و كلوب و سواران  
دغى ميان دره دن طوبخانه و مهماني براغوب كمال خزلان و خوارى و نهايت فحالت و شرمسارى  
برله اشرف شاه جانبنه فراد و درامين نام قلعه ده قرار ايلدير اول هنگام و غاده نيچه كوشه پي  
نا بود و نابيد اولدير اشرف شاه اخباره انتظاره ايكن غبار اديبار ايده فرار ايلدك برى مقدمه  
وارد اولوب اشرف نه خبر ديو سوال ايتكده بيت يوق ستردن اشريك كدر آماده باده ناياب  
ولى خون جگر آماده نر مضموني اوزره شكسته لك احوال بيان ايلدكه اشرف فى الحال اصفهان  
بر اركتودوكى باليمز طوبلكر بعض سن قروب و بعض سن چويليوب هله بو اخبار دهشت آثار  
ايده كشتى حيرته سوار اولوب فرار ايلكنن اچدير و اصفهان دن يكا قاجدير چونكه اول اشاره  
حكومت قزوين اشرف شاه جانبندن سيدال خان افغانه توجيه اولنوب جمله اولاد و اتباعى و اموال  
و اتقالي و اغوانلردن جمع كثير قزوينه اولغله كندوسى قزوينه يتشدر مك سودايسه اول جانبنه  
ايدوب الفارايه كندى نادرجانبندن حسين عليخان و اوغورلو خان و جبالغ جانبنه و قزوين  
تسخيرينه مأمور اولغين اول عاكرايه قزوين يولى محكم سوبند اوليجو سيدال خايب خاسر  
كرد

كرد و نوب عجاله اشرف جانبنه كلوب واقع حالى بلردى سيدالك اوغلى بوخبرى اشكده جمله اغوان  
لري جمع ايدوب قلعه اطرافنه متانت و استحكام و يروب جمله اموال و اتقاليين نقل ايدوب  
نارين قلعه قزوينه تحسن ايلدير مأمورلر قزوين تسخيرينى وقت آخره تاخير ايدوب فراغت  
ايلدير اشرف بود هشت و وحشت برله اصفهان داخل اولوب اصفهان موجود قزلباشيك  
دغى استمالت و نوازش خاطر رينه رعايت ايده كندوسينه دوست اوليه جقلىرى بلوب اوج  
بنك نفر دن متجا و ز اخوندلرين و اعيان و رجوان و سار ايش ارلرين ديوانه جمع ايدوب اغوانلره  
اشارت ايلدكه انلردغى و ارقوتلرين بازويه كتوروب اظهار جلالت اچون قوللرين استين  
جامه و پيراهندن چقرو سينه لرين اچدير و تبغ كين ايده قانلرين خاكه صاچلدير بيت متاع  
زندگى صاقلدى اوزان دل و جان اولدى اول وهيله لرزان و كولى طبراغه تاج قزلباش قه  
طبراغه بست اولدى قزل باش اولوتير قضايه جمله آماج دوشندى دوى خاك اوزره قزل تاج  
نر بو جانبندن شاه طرهاب نادرا اشارتيله كوكبه كيانى و ديده خسروانى برله طهرانه و رود  
ايدوب انده توقف ايلدير قهر و ديولى صعب اولوب فرود و عبوره قابليتتى اوليوب طوبخانه ي  
كچورمك متعذر اولغله نادرجمله طوبخانه و عاكرايه طنزن يولندن اصفهان عازم اولدير  
هر منزله نادرقه و لرى افغان قرا و لرينه ملوقى اولوب انلردن كله و زنده نادر حضورينه كتوردر  
ايدى اسلام خان افغان دغى كاشان حواليسنه كركى كشت و كزار ايدوب فوج عظيم ايده غلبه  
صورتن كوستروب زعمي نادريان ايده محاربه و مقاتله قيمنده اولوب اللى عدد نفر نادر قه  
ولرى مزبور اغوانلردن دچار اولوب ناچار السنور الما يوس فوج اسنجه جمله قه و لان يكه دل  
ديك جهت سل شمشير ايدوب اغوانلر اوزرينه جمله قيديلر اغوانلر ايكى شوه اولوب بو طريق  
ايده قره و لري يول بولوب ميانلردن كچوب سلامتله كيدوب نادر ك خدمتنه يتشدير حقاكه  
اكر بر ضعيف سرجه اول نادر زمانك دست آموز تربيه سى اوله شهر بازليند پرواز ايده در اوين  
اولورد اكر بردلكو انوك قلاده تعليمنه داخل اوله شيرخان ايده ستيزلك قلور بيت چوب  
ضيسس را كرش تربيت كنى جاني رسكه بوسه كهرى خسروان شود نر در جلوه كرى اشرف خا  
عنبرين سم در ميدان بيان جنگ مودجه صورت و مغلوب شدن افغانه در مرتبه سيم بو اشاره اشرف  
شاه همدان سر عاكر عبد الرحمن پاشا دن استمد ايدوب مزبور سر عاكر دغى بر قاج نفر پاشا جليل  
جمعيت شايه ايده امداد و اعانتلرينه ارسال ايلدى بود فعه اشرف عثمانيانى كندوسنه هراه و معاون اتخاز



ایروب کوکبه و استعداد تمام و احتشاد و احتشام مالا کلام ایله مقابله و مقابله یه شتاب برله  
مورچه خورت نام محله وصول و بار و بنکا هدریه اول موضع نزول ایلیلر نادر دخی بوجانیدن  
اعلام ظفر نگار والویه مهاریت شمار و عا کر جنگجوی صاعقه ضوی آهینن قبای مملکت شای  
تازی سوار خصم شکار له قاقوب عزیمت نصرت فرجام و توجه غیرت احتشامنی اول جنبه  
منصرف و منعطف قلوب اشرف اورد و سینه یکی فرسخ محله واقع باغ سیران نام موضعه و اصل  
اولیلر نادر قرار چود لو اگر اندن بر کرده و هی قرار اول کوندروب مقدمه افغانن بر کرده راست کلر لرنه  
اوز لرینه یور یوب جنگ و جدال و حرب و قتال ایروب قرار لدر غالب و افغانن مغلوب واقع اولوب  
دور تیوز نفر مستلرینک سر لرینی باده ناب آب شمشیر تابناک ایله گرم ایروب خاکه صالیلر و بعضی  
قاچوب افغانن لاهو اولوب و بعضی سن دخی گرفتار ایلیلر اول ططول آدم لری کتور دیلر نادر  
چاغروس بوندلر اشرف شاهک عکیرینک عدینی صور دقه اندر دخی پاشایان دروم معکر  
اشرفه امداد و اعانه ایچون قد و ملرن خبر ویر دیلر نادر هر امری تقدیره حواله ایروب بحر محیط کله  
عزیمت و سینه امیری ناخدا ی قضا و قدره سبارش دلنکر تحملی بن پیونر ایروب بومعنائی دخی نتیاج  
اقبالن عد ایروب یکی عکر دخی اول احتشام سپاه انجم هشتم ایله طلوع طلیعه مهر زین علم یولن  
منتظر اولیلر چونکه صباح اولری مزبور سینه ده ماه ربیع الآخر ک یکر منجی کونی نادر اورد و سنن طبل  
جنگ اوریلوب علملر اچیلوب کوکبه سطوت سلطانی و در به هیبت خسروانی برله اشرف  
خان جانبته روان و اول طائفه خاک پز غبار خذلان و هوان اوزرینه انکی تن کرد هیجا ایله  
روان اولیلر چونکه اغوانلر مورچه خورت نام صحرا ده اورد و لرین قوروب ایلیلر باصوب صاغ  
وصول جناح لرین آراسته قیلوب جمله کی آهینه غرق کلوب مقابل اولجی اول موضعه واقع  
برکوه بلند میدان جنگ یولنی کسمک ایله نادر مراد ایلیلر که انلرک اورد و سی اوزرینه وارلیوب  
طاغ آنکندن اصفه با جنبه متوجه اوله لر شایر اغوانلر اول محله قاقوب باشقه محله معرکه  
دزمه آغاز ایله لرموب نصرت پر زده اول کوه فلک شکوهه مقارن اوله قلنزه اشرف مهمانه دست  
جنگنده نادر کار آموز تجربه اندوز دن مشاهده ایلر کی ترتیب و تنظیم اخذ ایروب و تیب عکری اول و جمله  
آراسته قیلوب کند و سینه نفع ایروب رزمیله بود فعه مقام معارضه ده اول ضابطه و آینه مراعات  
ایلر که نادر کشور کت نام مهمانه دست محاربه سینه اول و جمله اغوانلر غلبه ایلر کی عکری بقول  
ایروب اطرافنه پیاده و طوبخانه کوه بنیانه استحکام ویروب ازر در مهابت طوبلری اوق منزلی موضع

وضع

وضع ایله کله لداخل فوج لشکر دزم آزما اولوب اورد و لرینی یه زدن نزعه سعی و کوشش  
ایلیلر اغوانلردن بر بلوک دلیران دخی میدان معرکه یه اقدام ایله نادر یله هجونی مدافعه یه دروش  
دیلر نادر انلرک بو وضع غریبلرک و اهتتام دلفریبلرک قایر میوب کند و پیر فردی ارشاد یله اول جو  
بخت هر بر جنگه مقتضای مصلحت و قته کوره بر فکری خاص و علی حده بر اسلوبی اختصاص  
ایلیکن بو کت باشقه بر طرح جدید ایجاد ایروب اول وضع عجیب ایله جنگه آغاز ایلی عکرا  
ظفر مائری فوج مانده عان پر موج جوشن خروش ایتد و رب بهرام کین تفنگیانی که لشکر فیروز  
جنگن پیاده دژری ایبری شیر و پلنک کبی بر قولن جنگ و جنگال دلیرانه ایله طوبخانه اوزرینه روان  
و اعلام ظفر نشان شقه کشا اولوب انلری متعاقب روان ایتد و رب زنبکر و تفنگلر اکتوب  
جنگ و آشوب اولاشوب طوب و تفنگلره انلر لن ینفعکم القرار خیرین انبا ایروب و شمشیر  
الحیدر فیه باس شیر مضمونن انرها قلوب بیت نادر امری موجبیه صبی م پیری عکر  
و کوکی علم لشکر دزم ایلی اولم هجوم ایتدی لر تیغ فراخا چوموم نیجه سی اولدی نشان زنبکر  
کوز آچر ماز ایلی طوب ایله تفنگ نر فواسخه لشکر جراد ظفر آثار انلرک طوب فرنگی نژاد و زنبکر  
از در نهاد لرینه ملتفت اولیوب جان فروشلو یا زارنده طوبی اطللس کلنار دروم و فرنگ تصور  
ایروب زهنک کبی اول دریای آتسه طالوب کوهلر شاهوار ظفری اوله کتور دیلر یعنی درنگ  
و توقف سزاغوانلر طوبخانه سن ضبط ایلیوب آب تیغ ایله انلرک آتش باران شعله  
جهان سوز لرین سیونر دیلر بود فعه مهیا اوله سوارانه اشاره والا اولده جانبازان مرد  
میدان لهنر و شیر زیان شجاعت کستر دلیران موبک جلادت ایله ایر شوب و ایکی جانب  
بر لرینه کیر شوب بیت طولی غبار یله بومینا سرا چشم نریایی پرا ایتدی ترا آتش تیغ ایلی  
پیکاری گرم ایتدی دمای خصما خاکی نرم نر مضمونجه کیمی حام خون آشام و کیمی سنان سینه  
دران و کیمی تفنگ آتش فشانه ایله بنده تفنگلر یا غمور کیمی یا غوب غبار و دود عیتوقه صعود  
ایروب کرد معرکه کرد و کیردانه ایر شدی بیت چود دریای خون شده دشت و راغ چه چون شب  
آسمان چون چراغ ذرا و از اسبان و کرد سپاه نه خورد شیر پیدانه تابنده ماه نر انشای کیر و درده  
شعنه سیف و بارقه سنان اول کاد زارده اولنلرک کوزلن قماش دروب و دست اجل سله  
زن بهر دوز کاد اولوب جوشن و خروشن طیور و ووشک هوشی کیدوب عین ویدارده ناسر و رب  
و قتال اشتعال بولری قوشمه و دوند شمه لرا اولوب مزبور سیدال بر فوج عظیم ایله لشکر ظفر شکر



ارقه سندن کلوب و برگر وه اغوانیه د فی باشقه جانبدن نادر قوی اوزرینه جمله قلوب آتش  
حرب و ضربی علولند دریلر و نیچه لر اول آتش سوزان اچنده خار و خس کبی یانیدر بیت  
کارزار اصرح قیرلری نیچه اره ایلیدر دار عقبایه کزد آتیدر بر برلرینه خشت و سنگ اولیدر تره  
نیرایه خدنگ دوشدی چوق افغان کسلی نیچه باش اول کون اولدی مستر بویه صواش  
نثر اما اقبال نادر نامدار مدد کار اولوب دیران چره دست اوزرلرینه کلن جرهوری جیلتلر نه مرکوز اولد  
جلادت و مردانه لکی و شهرامت و فرزانه لکی ظهورده کتوردوب انلرک دیرانه جنک و دغاری بسيله  
اغوانلرک بسیاری کسوت حیاتن عاری اولوب بقیة السیوف د فی بوا سلوب اوزره  
اباس و سلاهلرین سلوب اولوب مرحله پیمای واری زلت و خواری اولوب بیت کشته لر  
طوتدی جمله آفاقی قانن قاننی ارضک اعماقی نثر مضونجه نادر یانه اسباب نصرت ال ویروب  
دخواله لری اوزره اغوانیانی قیروب و سیوب دوزدوب خاکله یکک ایتیدر اشرف شاه کندی و حالنی  
تباہ و روزدولتنی سیاه کوردوب جمع طوبخانه و اثاث سلطنتی براغوب حیران و دمنسته اولوب  
دل افکار و خاطر دیش کمال خذلان و تشویش ایله راه اصفهانی طتوب فرار ایلدی نادریان  
فرار ایلدی تعقیب ایدوب اول کون وقت عصر د کین نیران قتال اشتعال بولوب اغوانیانن  
و عثمانیانن کله و زنه بی نرهایه کلوب عثمانیانن گرفتار اولنلری نادر مرخص ایدوب وهر برینه  
لایحه التفات و نواز شرک کتوردوب یاندرینه معتد لر قوشوب محل ماملرینه اولاشد دریلر چو  
جنک کونی دیران نادریان جنک و جدال و حرب و قتاله مشغول اولوب سمند زوش آتش  
طالب نادرا و غورنده جان و باشلرین اوینادر لری بر بلوک سبک مغزان مال پرستان  
جنکدن روگردان اولمفله بند هستی ده خریدار متاع کار سرتن پرستلکه آغا زایدوب طوب انداز لنی  
ترک ایله اطلس طوبنه شیفته اولوب لوله تفنگی براغوب قماش لوله سنه فریفته اولد  
ینا و اخرمه یه قبولوب نهایت امالدرین کرانرهای مال متریکه ایلیدر و باش و جاندریله سعی  
کوشش ایلیدر لیرانه امداد و اعانه دن دورد اچورد اولوب طمع خاملرین ناشی سرمایه آفات  
و دشمن خاک نوع بنی انک اولد جمع ماله مایل اتمه و نقود و اسلیه زرانورد و ملبوسات  
فاخر و سائر فروش و خیمه و خرگاه و اوالی سیم و زرد و قرلات چوقه لر و بالجمله اسباب  
نقیه که اول طائفه خبیثه اغوانلردن اخذ ایلد لری نادر اللردن نزع ایدوب و بر کله  
جمع ایلوب میزان قیاسدن بیرون اولان مال غارتن فضای هامون مشیون اولوب انلرک

هت والاسی غننده اول اشیا حقیر و خوار اولمفله خار و خس کبی جمله سنه آتش اوروب کلتنه  
شاعر ایله عامل اولیدر نظم مالش دشمن ادهمی خواهی باید اول شوی تود دشمن مال زانکه  
منقو از اهل عقل بود دشمن مال هت دشمن مال در بیان سخن در السلطنه  
اصفهان و درود موکب ظفر نیک باب شهر زهت بنیاه چونکه اشرف شاه مورچه خوردن  
حرکت و سمن کرین سوار و جانب اصفهانه فرار ایلیدر هنگام شام اول دوز سیاه حال تباہ ایله  
اصفهان و وارد اولوب اموال و ائقال و خزینه لرین دوه لره بوکله وب جمله افغانلر ایله فی الحال  
چقوب شیراز جانبته فرار ایلیدر ابرته سی علی الصباح حوالی شهرده واقع اهالی قری و قصبات  
احواله واقف اولد قلر نه شهر هجوم ایدوب فراره تاب و توانلری اولیوب محلاته باقی قلر  
اغوانلر قلیج او شودوب بر آنه جمله سنی طعمه شمیر ایتیدر متنفس تود تلدی انن اولرین کیروب  
اموال و اشیا لرین تال و اطفال و عیالدرین تالان ایلیدر انلرک قابولری بغلیوب حقیقت حالی  
نادره چبار ایله خبر ارسال ایلیدر بنگ یوز قرق یکی تار کنده ربیع الآخر ک یکر می در دخی کوئی که نادر  
طرف شهر عازم ایدی بوخبر باجت اثر سمع فیروز فره واصل اولد قد عجماله بر معتد سنی اصفهان  
سرای شاهی اولان دولتیانه ضبطنه و خزاین و غنایم حفظنه تعیین ایدوب کونوردی اول دخی  
کلوب درون اصفهانه موجود اولان متری و کاتی ضبط ایدوب مأمور اولد قلری خدمتی امکان  
مرتبه سی رینه کتوردی و کندی دخی عزیمت ایدوب بایراقلری و جالوب الیدر ترتیب ایدوب سیمین  
تدوم میمنت لزوم ایله کلوب اصفهانه وارد اولوب خاک قد و میله سمره اصفهانی کبی کوز در جلا  
لنوب بر تو طلعت مهر آثار ایله اول دیارک دزد دیاری ضیالندی اطراف قریبا شلر فراری اغوانلرک  
اکه لرین بیتشوب گروه گروه طتوب اصفهانه کتوردیلر اصفهان لورک اغوانلرک اولور لرین  
اور کوب و وحشی جانودان کبی افتان و خیزان کیران اولور لری بود فعه کندی لرینه قوت تازه  
و سردی اندازه حاصل اولوب شمیر و بچو و تیر و بچو و بالطه کورک مقوله سی آلات ایله  
اغوانلری دیار عدمه روانه ایلیدر اشرف شاهک و بالجمله اغوانلرک خزینه لر نه موجودی قیمة  
آلات و اسباب و جواهر و بساط و نقود نامعدود و فرت اوزره بولنوب جمله سنی ضبط و اخذ  
ایلد که نصک غنایم واری عسکر تسلیم و بینلر نه تقسیم ایدوب عمر نه کور مد کلری اموال غنایمی کوردوب  
مال مستوفی فی فیضه تصرف لرینه کتوردیلر طهران و لایتنده نصب لوا عزو اقبال و بسط مواید جو دو  
نوال ایدن شاه طرها سبه مکتوب ایله مرده بر آن ایدوب بیت نوید فتح ظفر چو به باد شاه رسید



نوی عیش بشارت بمهر و ماه رسید. فحوا سنجی نادر طرهما سبک عجاآة کلوب تحت شاهی  
جلوسنی استه عایلیدر چونکه بوفردن غرض اصلی تسخیر اصفهان ایدی که تقدیر خدا اید  
میترا ولوب دشمنلر آواره دیار ایدبار اولیدر و نادر عاکری باجمله خراسان اهل اسی اولوب  
اول سرحد اتن دخی آشوب و اختلالی بیاندن مستغنی اولغه نادر ترتیب و تنظیم امور شهر دن  
صکره خارج شهرده واقع بار و بنگاه و بازار کاهی اول مکان دن نقل اید و ب شاه طرهما سبک  
وردی و کیر سلطنته قعود ندر صکره خراسان جانبنه روانه اولغی عزیمت ایدیلر شاه والاها  
دخی مرحله بیمای طریق سارعت اولوب عجازی الاولینک سکر بجی کونی اصفهان داخل  
ونادر مقیم اولیغی منزله نازل اولیدر اگر چه شاه طرهما سب نادرک صوب خراسان عزیمتین  
قلبا راغب و طالب ایدیلر اما یقینا بلور لرایدی که اگر نادر عنان عزیمتی جانب خراسان معطوف  
ایله لراوضاع سلطنت مختل و مکدر و شکل اولدن دخی بدترا اولور بو عزیمتی فسخه  
نیاز مند و امور سلطنت استقرار و استحکام بولنجیه دکن اصفهانده توقفلرین آرزو مند  
اولیدر نادر اول کون تا مل اید و ب ایرته سی کون شاه طرهما سب جمله امر او اعیانی جمع ایلوب بطلبی  
اندر اعاده ایدر کلزنده باب محاوره فتح اولوب دار مکالمه کشاده اولدی هر فرد عقلی و ادراکی ایدر و کی  
مرتبه ده سوز سویلکه مأزون اولوب کیمی نادرک اصفهانده قالمه سن و کیمی خراسان کتمه سن مناسب  
کوردوب بر طرف ترجیح اولنمیدن چوق قیل و قال اولدی انجاسنده نادر عاقل و مدبر دور رسین  
عاقبت اندیش خیر خواه دولت اولغه مؤید و مظفر اولوب پای همتی میانه قیوب دست کشک  
و کردن فزازان بواقلمدن کوتاه اولوب کار ایران دست مزاج و نقد دست فرسود شاهی دونو  
و ذواج بولدی شاه طرهما سبک موردت پیر اولر ملک مفسوبه سنی دشمن الذن استرداد  
اشتیلاص و اطراف و نواجیده کرری کشت و کزار ایدوب اسباب شاهیدن بالکلیه محروم و منقطع  
اولوب تکرارا اصفهانی قبضه تصرفه کتور مک اغواندری و اثر شاهی قتل و تخیسوه برله  
بودیاردن طرد و ابعاد ایتلک و تکرار اکلوب تحت و تاج صاحبی اولور فکر و ملاحظه سی بر و اید  
متصور اولش بر معنا دکل ایکن نادر بوجه یه باعث و بادی و علت مستقل اولشدر و انجی  
مدار الیه کارخانه سلطنت اودر و ارباب غرض کینکاهلرده محتفی و مترقب در نادرک کور و عودت  
ایدرله سی تقدیر جه اغوانلرلا محاله غیرته دو شوب بریبوک نادر غوغا علوی اشتغال بولوب  
فاد عظیمه باعث و بادی بر معنا اولسه کر کرد و الحاصل قضیه محذوره رونما اولوب و عن قریب

بر ناملفه

بر ناملفه باعث دورد نزدیک و دوست و دشمن عنذنده بر ندامت حادث اولمه سی میتقذر لهان  
اصلاح اولان بودر که خراسان عکبرینی معاف و سائر دیاران جانفشان متکفل مهام درگاه  
چهارک مطاف اولوب اگر بروهن و قصود ظهور ایدر سه هرزه درایه نادرک ترهاون و تکاسند  
عمله قادر اولمز بو تبر صابک اربابی نادرک توقفنی مناسب کورد مکله اول بر جانبنده اولنلر  
ارجاعنه زاهب و نتیجه مقدمات لرینی مناقضه و معارضه ایدیه سالب اولوب طرفیندن سوال  
و جوابده تکرر و معارضه و مناقضه ده تکرر شیوع و وقوع بولوب تغیر لهیات ایدیه دفع اصوات  
و خلاف و مکابرات وقت ظهر دن هفتکام عصرک تک عمادی اولوب آرزو لیکه نیکین آفتاب کف  
سلطان عصر دن چقوب خسرو زرین اقسر پرتاج کولر نیکار مهری قاله روب یر چاله شاه  
طرهما سب بوقیل و قالدن و اختلاف و اختلالن آشفته خاطر اولوب تاجی باشندن و مهری  
قویندن چقرو ب یر اوردوب بو پریشانلو سکنله آب و رونو بولشدر سکا قول فصل که  
خدمت دن منفک اولغه رخصت یوقدر ایدیلر نادر چون کوردیلر که بو کفتار طرهما سبک طبعنه  
ناموافق و امور سلطنت تکمیل اولقسن حرکت نالایوه در مقام اعتذارده توقف اختیار  
ایدوب و مسؤلرین قبول ایلوب امور سلطنت نظام و انتظام بولوب دشمن کلیا آواره  
دیاردینستی اولر قد نصکره خراسان جانبنه دایت مراجعتی افزاید روز دیو خاطر رین تطیب ایدیلر  
بو اشناده خبر وارد اولیکه شول معتمدیکه دامغان دن دولت عثمانیه یه سفیر تعیین اولنمشیدی  
تیرینج داخل اولر قد سفر آخرتی اختیار ایدوب دنیا دارندن متواری اولشدر نادر بو خبر واقف  
اولر قد انوک یرینه شاملور ضاقلینانی سفیر ارسال ایدیلر هیوزن و کوه کیلویه و بختیاری و ولایت  
طابعه اوزرینه باشقه باشقه سر کرده و عا کر تعیین ایدیلر بالاده تحریر و گزارشینر اولر و غی  
اوزده زنکنه حسین قلیخاننی و زیاده و علی اوغور لوزخانی فوج عظیم ایدیه سا و جیلرغ و قزوین  
جانبلرینه ارسال ایلشدر سیدال خا افغانن اوغلی قزوینک نادرین قلعه سنده متحصن اولغه  
کار اصفهان بر طرف اولنجیه دکن مزبور دن استمهال ایدوب بو حواله مقارن کیجه بکچیلر غافل  
ایکن قزوینده موجود جمله اغوانلر ایدیه اتفاق و اتحاد ایدوب اطفال و عیال و اسباب و اثقال لیدر  
کوپچوب عثمانیان تصرفنده اولان سلطانیه جانبنه فراد ایدیلر قزوین ده سکن شاملو محمد رضا خان  
اغوانلرک جمله اموال و اثقال لرین اخذ و ضبط ایدیلر و حسین قلیخاننی قراهان و کل پیکان جانبنه  
مأمور ایدوب اول مرزو بومده جانب عکر و مردن خبر دار اولور ایچون قرق کون مقداری اول ملک

داستانده

رها نرلی خانه



دلفروز مظفر فیروزه گشت و کذا و حکم دانی عشرت انروزایه کامکار اولیلر در بیابان توقه ریاست  
**هایوب بجانب شیراز و کیفیت محاربه زرغان و انزهرام افغان و تسمی آن ملک زهت نشانی**  
چون وجه محرک دوزده اصفهان فتح اولنوب و طرهایب تحت شاهی به جلوس ایروب و نادری  
دخی جزوی کله تشابه و فرعی اصله تاسی به بنای توقیف ایروب قرق کون اچنده نظام و انتظام  
امور سلطنت تکمیل و تنظیمدن صکر اغوانلر ضرب دست دلیران رزم کوشی فراموش ایروب شیرازده  
مکت و اقامت و اطراف و کناف اعراب و اعجامدن جمع لشکر و کیتلو عا کر ایله اصفهان اوزینه عزم  
سفر خبری سمع نادره کسیده اولدقه غیرت و محبت نادره غلبه ایروب رعایا مقوله سینه سلطنت نزع  
و ادعاسی نه و وظیفه لری در اندر لازم اولد ایا عن جد سلطنت صاحبی اولنلر که ربقه اطاعتلرینه  
دقبه لن ادخال در رعایا سلاطینه و سلطنتلرینه دخل و تفرض ایلمک مستوجب نکالدر ارنایا  
و استحقات صاحب ملک اولنه اجبئی نکه نه مدخلی وار و ازل و ادانی نکه اعالی به سل سیف  
ایتمک نه الی و اربیت شاهله قول ایردی هیچ اوغراش پشته کیمدر که باشه دن چکه باش  
**نثر** مضمون دیوب مجتد ادا من همتی اول خصمائی دفع ایچون میانه بند ایروب مجازی الاخرک اوچینچی کونی  
کوس و نغاره لرافلاکه صدا صالوب و ریایات جهانگیر آسمان قریب ایوب جالب شدت شتاره ابرقوه  
و مشهر و مادر سلیمان یوللر دن جانب شیرازده عازم اولیلر شدت کر مبار حده اییکه اگر قلم انوک و صفه  
آغاز ایله صیاده که نی گبی لرزان اولوردی و اگر دروات دهننی انوک برودتئی ذکر ایله کشاد  
ایله دماغنه رطوبتی منجر اولوب قالوردی موکب نصرت طراز شیرازده التي فرسخ محله  
واقع رزقان نام محله وارد اولدقه اشرف دخی تجیر جمعیت و احتشام و استعداد تمام مالا کلام ایله قارنو  
چقوب طرفیندن تسویه صفوف و تعیین مواقع صفوف و ترتیب اصحاب سیوف اولوب  
اولا اغوانلر عزم رزمگاه و سوق سپاه ایله نادر قوی اوزرینه حمله و در اولوب خیره لک و چیره لکه  
حد اعتدالی کچوب مقدمه لشکری پرکنده ایروب پیاده لره مقادیر اولد قلنزه تفنگچی چابک دست  
کلولرهای جانسوز ایله انلری پست ایلدیلر بر نوبت دخی میمنه جانبنه یورش ایروب غریب و غلغل  
زنبورک و تفنگچی جرف فیروزه زنکه یتشدر دیلر نادر دلیران عرصه دشمن کاهیدن بر کرده ایله عجاله  
میمنه امدادینه و ادوب حملات زهره که از و صدمات طاقت برداز ایله اغوانیانک بنیان قرار کرک  
فرازه مشرف ایروب در عقب زنبورک و تفنگلره آتش صالوب اول کر و هنر مجموعه سقا قلر اچیلر  
و صدمات و قوارعله چنه فرادیلری خاکه هلاکه صاحبیلر صفوف مرتبه لریں ضربن ضربی ایله

خرق

فرق و متاع حیاتلرین نهیب مهیب تفنگه زنگه ایله خرق ایروب همتلرین باشیده و چهره  
ایندلرین خراشیده ایتیلر اشرف فی الحال شیراز جانبنه ریاست افزاز فرار اولوب افواج خصم افکن  
و دلیران دشمن شکن یکی فرسخ مسافه اتلری تعاقب ایروب قضای هامونی خون  
دشمندن لاله کون و دامن صحرایی جاری مجاری رود جیحون ایلدیلر ایرته کسی کونکه میا صیدیوه  
صبح صادق شفقدن جبینی اوزرینه زعفران سوردی میا صیدیوه و ملا زعفران نام اغوانلر  
سیدال خان افغان ایله امه طلب ایچون وارد ذرقان و شرف اندوز تقبیل عتبه نادر جهله اولیلر  
مال و جانلرینه و اطفال و عیاللرینه امه طلب ایروب ویره ایله قلعه یی تسلیم نیاز ایلدیلر نادر جهله  
رنده ایتدی نرک مطلوبکر اول وقت حصوله مقرون اولور که شاه حسینک اطفال و عیال  
و متعلقاتی و سایر اساری ایرانی زکودا و انا نا برابر کتوروب تسلیم ایله سزا اغوانلر بالجه  
کرده کرده امر ایتدکم مواضع متفرقه و اماکن متعدد ساکن و متوطن اوله لرامراد اعیانی بنم رجا  
نصرت انتساب خذ مته بولنلر مایندن بو طریقیله برودت قالقوب جدال ترک اولنور جمله  
افا غنه نکه دوست دشمنه دشمن اولور اوزده شروط عقد اولنور بو جمله یه  
راضی اولور لسه نوید امه احکام اولنوب جرایم سابقه لرینه قلم مضی ما مضی حکموب  
عهد و پیمانعه اعتماد و استناد برله من بعد مستوفی و مرخص اوله لرید کره مزبور لر دخی منساب  
کودوب قالقوب کتیلر ایرته کسی صبحی کاهان که قطار جمال هفت آسمان هودج ذرین مهر  
تابانی آداسته ایروب شتر بانان قضا محل کشن عماردی ذر نکا چرخ دوار اولدی میا صیدیوه  
و ملا زعفران شاه حسینک اشرفه نامزد اولد قیزی و صحیح مرینی و جمله متعلقاتی حرم کتیلر  
کتوروب نادرک سراینه نازل اولیلر ایکنجی بردخی روانه اولیلر که اشرف شاهی مطمئن القلب  
ایروب انی دخی نادر حضورینه کتوره لراما سیدال اول که کون نادر اوردوسنه کلوب اوغلینک  
و متعلقاتنک قزوین محاصره سنن خلاص بولوب سلطانیته جانبه روانه اولد قلنزه واقف  
اولدقه هله اول کیمجه اشرف شاهی بر کرده اغوانلر ایله قاچورب اهل حرمدن فقط یکی نفر  
اسمعیل و ابراهیم نام شهرزاده لری ازال ایله اکتفا ایلدی میر محمود اولادینی و اوچ نفر اولادینی اعمامنی  
اولک اوچ نفر میر محمودک و میر و سکه زن و دختر و هشیخ لرینی کتورمکه فرصت بولیبوب  
شیرازده براغوب دیو صورت و شیطنت سیرت بر حریفی مزبوره لر نادر الله افتاده اولسونلر  
ایچون انلری قتله تعیین ایلیوب کندوسی عجاله قندها رجا جنبه غبار انگیز فرار اولدی مزبور حریف



دفعی اول قدر فرصت بولدی که اشرف زوجه نزنن یکی نفری که بری میر محمود کوشش می ایدی قتل ایدوب  
و میر محمود والد سینه بر زخم ایر شد روب اول دفعی یکی کون نضکر هلاک اولدی اشرفک غلبه اضطراب  
ماسکه قراری فراده تحویل اولوب اول لیل پرویل ظلمتنده قاچوب کیدرکن نادر قرودلری بومعنائی تفرک  
ایدوب نادره اخبار ایچون رجعتلرنده اثناء راهده میا صیدیه و ملاز عفران نام ایچیلره دوچار اولوب  
مزبورلری اولن التی نفر فیقلری اولان اغوانلر ایله طتوب نادر حضورینه کتوردیلر نادر مزبورلر  
کنه و اختیار لریه بنم درگاهه کلشدر هر قجن من بعدینه امداد و اعانه ده و اغوانلره دستگیر کده  
قصور قوملر اما آیین مروت و شرع فتوتیه بوندن تعرض جائز دکلدر دیوجله سنی مخص ایلدیلر  
اول آن دلیران نصرت نشان ایله سوار اولوب اشرفی تعاقب ایدوب شیرازه اوچ فرسخ محله دایق  
بیل نام موضعه یتشیدیلر چون شدت ایلغار بیسله عاکر عملدن و آتدیوریه دن قالبوب  
اخصام دفعی یتشوب ظلمت عالی قابلدقه نادر آت باشن چکوب عاکر تمام طوبلنوب اندن  
ناکوپرینه نیم فرسخ بر منزلده نازل اولدیلر اندن افشاریه و اگراد و قراچور لودلا و لرزنن التی  
یوز نفر انتخاب ایدوب چرچی کوندر روب کوپری باشنه یتشده کلرنه اشرف کوپریه اوغرمیوب  
چکیدن عبور ایلدی میا جیودینلکله مشهور پیر محمد خان نام کسنه که میر محمودک و اشرف  
شاهک پیر و مرشدلری اولوب و انوک تعلیم و تربیه سیله عمل ایدوب افغان میا سنده صاحب عزت  
کرم بوزات محترم ایدی بر بلوک فدایی سر بازر ایله مزبور چرچیلرک اوکن آلوب جنگه مشغول اولدی  
تاکه اغوانلر سلامتله کوپرودن اول ورطه دن دهیاب اوله لربا آنکه اغوانلر کوپرودن تهاجم  
و تراکم ایله صفشما یوب چوق کسنه لر اطرافدن دو کلوب غرق اولدیلر اوچ بنک نفر مقراری  
اطفال و خورده سال و شیر خوار زنان و عیاللر اول شب تار اچنده این المفردیه رک سالک  
طریق یوم المفرا اولوب مزبور چرچیلر زنده و کله و چوق اخترمه اله کتوردیلر میا جیونام مرشد  
دفعی اول هتکام قیامتده برکراهه زخم ایر شد روب **مصراع** فترهای سفرن ایتدی سقر پیر امنده  
اولان جهنمیلر دفعی اول مجاهدی تیغ انتقام ایله **مصراع** جنتی ایلدیلر اکامقر نثر میا صیدیه و ملاز  
زعفران دفعی گرفتار کرد و هندن اولوب اجل الی انلرک قفا سینه برسته اوزموی ایچون اسیر فترک  
دلوران اولدیلر اگرچه مزبور مأموردر شایسته خدمت ایتدیلر اما علی الفور خبر ارسال ایلد کلری نادر  
غایت کران کلوب اغوانلرک چوغنی کوپریدن کجوب سلامت یقاسن بولر قلدنن متالم اولوب لشکر  
جهان آشوب ایله سیل بی امان کبی کوپری باشنه یتشوب تعزیر اید و شیردن صکره عبق لساظرین

اگراد

اگراد امر اسنک خنجر خونریز ایله کوزلین حدقه سندن چقاروب افشاریه سر کرده لرنک توفکر  
کسوب و متفرقه اطفال و اسارای جمعه آمدن تعین ایدوب و کندی و کندی بر بلوک لشکر ایله  
ایلغار ایدرک اغوانلری تعقیب ایدوب طی مراحل ایله سکر فرسخ یول روانه اولدیلر چونکه  
اغوانلر تعجیل ایله کجوب کتشار ایدی یتشمک ممکن اولوب یینه شیراز جانبته عطف عنان  
ایلدیلر اطراف ممالکه ر قلمر برکنده ایدوب مضمونده ایر اسکانی امر او اعیانی افاغنه بو طرفدن  
بالکلیه منقطع و حکومت بلا نزاع بکا مقرر و مقرر اولغه اغوانیان جوانیه برکنده و پریش  
اولوب طرفدن تعین افغان امر و حکم موصله سنی و اقدام و اهتمام تام ایله مزبور فرایدلرک  
معبودین سوسه ایدوب بر متنفس قور ترمیوب طتوب حضوریه کتوره زبده میر محمودک  
و اشرف شاهک اطفال و عیاللرین و هشیخ لرین کرما یولیه مشهره روانه ایلوب  
میا صیدیه و ملاز عفران و باقی اسارای اغوانیانی جمعه متعلقریه و شاه حسینک شیرازده  
اغوانلر الله گرفتار اولوب فراده فرصت یاب اولیای حرم اسیر لرینی اصفهانه طرهایب جانبته  
فرستاده ایلدی و نادر خاسر مندرج اولان استدر اچلردن بری بودرکه مزبور گرفتارلری اصفهانه  
ارسال ایلد کلرنه مأمور محافلرک امر ایلدی که ملاز عفرانی خوب حفظ ایلک که کندی و سنی اصفهانه  
زنده یتشدر میه جکدر فی الواقع اثناء راهده بر عظیم صوا و زرنده اول کوپری باشنه وارد اولدیلر  
ملاز عفران طرهایب الله اسکجه ایله اولجکنی تیغن ایتکله بوزل و هوای کندی سندن دفع  
ایچون ییل کبی یلوب کندی و سنی کوپریدن آتوب غرق آب اولدی بقیته گرفتارلری اصفهانه کتور  
دکلرنه نقش جهان نام میدانه طرهایبک فرما قلمتر ایشده نقش وجودن صفی  
جهانن محو ایتدیلر و نادرک اقبالی علامتلرنن بری دفعی بودرکه شیرازده ایام توقف اثناسنه  
بردن تبرکات الغیب حافظ شیرازینک مزاری او جهنه واروب اول عنذلب خوش گفتار  
دیوانندن بر شخصه تفأل ایتدوب اتفاقا بو غزل فال کلدی **غزل** سزده از هه دلیران  
ستانی باج که بر کله خوبه کتوری چون تاج **محصل بیت** جانانه خطا ایدوب  
بیوردر لایقدر که جمیع عالم دلبر لرنن باج آلا سین زیر اجمیع مملکت خوبلرنک باشی اوزرنه  
تاج کبی سن یعنی جمیع دلبر لرنک سر فراز پادشاهی سین هب دلبر لرنک باشی اوزره یرک وارو  
چشم مست تو آشوب جمله ترکستان چین زلف تو ماچین و هندی داده خراج **محصل بیت**  
سنک یکی مست چشمک جمیع ترکستان مملکتک فتنه سید سنک چین زلفک

۶۲



ماچین و لغه خراج ویر مشرد ترکستان سمرقند و بخارا و اکازیسی هنده و ارجه ترکستان در دهان تنگ  
توداده باب خضر بقا لب چوقته تو برد از نبات مصر و رواج **محول بیت** ای جانان سنگه  
دهانک آب حیاته حیات و بقا ویر مش یعنی آب حیات اصیا خاصه نی سنگه دهان  
تنگدن کسب ایلش و سنگه قذکی شیرین لبک نبات مصر دن رواج و دروغه ایسه دؤب انی  
کاده و و شمش حاصلی سنگه لبک و اریکن نبات مصر که کیمه آدینی و دایینی اکر پس نادر  
بوفالی آچینه عظیم رعایت ایدوب حافظه قدس الله سره العزیز مرتد باکنی تجید و عمارت ایلیدر  
و شیرازده ایام توقفه صادر اولان حواریدن بری دغی بودر که چونکه مباردی دولت کرکانه و صفوی  
میاننده و ستلوه اسامی مستحکم و هیمنه بینلرنده مودت و الفت محکم اولوب ایام فترت ایرانده  
عثمانیانک و روسیه نکه یکی جانبدن ممالک ایرانه غلو و هجومی اثناسنده دغی اول دولتدن  
و فاقه مخالف بر حرکتی ظهوره کلمکله شاملو علیردان خان نام کسنه یی فتح اصفهان خبرن  
تبلیغ اچون سفیر تعیین اولنوب ویرنه فتح نامه ویریلوب هندستان پادشاهنه ارسال اولدی  
و مضمونده طائفه اغوانک عصیان و طغیانلری هر یکی دولته ظاهر و باهر اولغده تغلباً  
هندستان پادشاهلری الندن نزع ایلد کلمی قنده هار و نکه سنیینه اغوانلر الندن ضبط و تسخیر  
اول دولته مناسب اولر و غن اشارت ایلیدر و کنده سی شیراز دن قالقوب کابل طرفدن فراری  
اغوانلرن یوللرن سدا یلمکله عا کر کثیر ارسال ایدوب اندن شیرازده عودت ایلوب نظام و  
انتظام و استقرار و استحکام امور مملکته مشغول اولدی چونکه ایام شتا منقضی اولوب هنگام  
فصل بهار خود شید به تاب پس برده سحابدن نمایان و عرش آساکر سی خانه حوتدن  
ایوان عمده خرامه اولدی اول نواحیدن قلع ماده دشمن ایسه فتح فارس میسر و حال خصم ابتر  
اولدی اگر چه خراسان جانبنه غزیمتی ضمیرنده تصمیم ایلش ایری اما اول جانبدن قنده هارده یکی طریق  
وارد بری محمود و آبادان و بری بریه و چولستان اولوب باد سمودن دغی خالی دکلدن محمود اولدی  
یولدن طقس کونزه کیدیلور بریه دن اولک یولدن التمش کونزه و ایلور اما اگر بریه دن روانه  
اوله اورد و اها لینه کفایت مقداری غله و زخیر قالدروب کرکی کبی صولنمو کرک  
و اگر محمود یولدن روانه اوله لرا هالی سی پازده فراری اغوانیان اولش ایکن برقات دغی  
عبور و مرور کوبه نصرت نشان ایسه پامال و پریشان اولور اول اها لینک یکی قاپریش  
لغه عدم تحملدی متیقن اولغده بومعنا نادرک حوصله سنه صغیوب ولایت آذربایجان و همدان

و کرمان

و کرمان شاه و سائر ضبط ایلد کلمی بلاددن کفیر و فراغت خصوصه روانه اولان رضایقلی  
المیستک خبری و دولت علیه عثمانیه دن بر جواب صریح اثری وارد اولوب ماه شعبانک  
اون سکرخی کونی ممالک عراق و آذربایجان استرداد اچون نهانده و همدان جانبدینه متوجه  
اولوب دشت آذرنه و کازران یولدن روانه اولدیله ماه مزبورک آخرنده شوسته اعمالدن  
شست نام منزله ضرب خیام و کت و آرام ایلیدر **دربیان وقایع ایت ایل موافق سافال**  
**فرخنده فال هزار و صد و چهل و دو و هجری و نوروز فیروز شعبان المعظمک یکر می طقوزخی کونی**  
ضرب و کواکب حشم اعنی نیرا عظم نهانخله نه حوتدن دشتستان عمده علم افزا ایلدی  
و دیوان خدیو خطه امکاندن عرصه خاکوه مشور ولایت نرس قلیله وریه خطیله  
سلطان نامه نکه نامنه اصدا ایسه بنام اولدی و صاحب لوای کلبن غنیه دن مطبق  
کلدن تاج و صرغوج صاحبی اولدی و جنود توای بهار دو میان کم فرصت شتایی کرکوس  
تصرفی سرزمین چنده اوینادر لرایدی چندن انلری اوینادوب ممالک کلزاری فتنه جوینکری  
حوادث برهن و عکرفتن الندن رهیب ایلدی لشکر شتا که دیار کلتانزه فتنه کر  
لکه آغاز ایلدی موکب سلطان ربیع و صولی خوفندن رخت غزیمتی کر منزل هریمته کشیده  
ایلدی و جنود فساد انگیز کرماکه کلشن غارتکر لکته کرما کر قزشر ایری طنطنه  
شوکت نوروزین دیار عمده آواره لری اولیدر و ارض اقدس کلزار فرخیزدن فروردین  
انواع دیکانلرایه مزین اولیدر و ایلات کوه سار لاله و کلدر و اختام صحرائشین ریک  
و سنبلر فرمان قهرمان بهار ایله اطراف دشته و ساحت کل کشته دسته دسته  
یورت طتوب مکان معینه قرار بولیدر اسباب سورد و سرور بزم چنده مهیاد و شوب  
غنیه قیزی شبتان باغده کلبن ایله قوشوب کوسهی نیلو فر چگیله ازدواج و  
عروس باغ نوید بهجت و مزید مسرتن ابته باج بولوب نوروز بیرای اول مکانده وقوع  
بولدی تماماروسای سپاه و عظمای نصرت بناه رکاب نادر نامه کلوب خلعت  
فاخره کرکینوب خر جلقدر المغله غنیه کبی آوج لینی و آلرینی و جیب و قیونلرینی زرد  
نوروز ایسه طولدروب جامهای رنگارنگ ایسه قامتلرین پیراسته ایدوب اوچ کون  
اول عرصه دلفروز مقرر ایات فیروز اولدی اندن کرکی کبی یات ویرا غلرن کوروب بهان  
جانبنه روانه اولیدر اثناء راهده هویزخانی و مشایخ اعراب و کوه کیلویه بکلر بکی سی اول

۱۱۶



ممالک امرایه کلوب تقییل رکاب حضرت انتساب ایله شرفیاب اولدیله و حسن علی بکه  
نام معبر الممالک دخی شاه عجمه طرهایب جانبندن کلوب فتح شیراز خدمتی مقابله کننده نادر  
سیم و زرد و دو کوهرا ایله مکتل برتاج و اچویوز قات خلعت فاخره امرای سپاهه کتوروب فتح  
نامه سن دخی جمله خانلری جمع ایدوب اقوتدی مضمونه سنکه کردارم و اختیارم و مدبرام مکرارم  
و نادر نامه درم سن بوسال فرضنده فالده رهنومی اقبال و اجلال سکایا و اولوب ایله کله خدمت  
سده علیایه عرض اولنوب سعی بیدریغک مشکور و نامک نیک نامان دفتری سلکنه مسطور  
اولشدر بر ضرور داد اوله سن و سنکله جالیثوب جان و باشلین او غریبه قیوب و بزم یولیزه  
دریغ ایتمیلر و مقدر و پیش اوله سعی جمیلی برینه کتوروب عظیم خدمت ایدوب هلاک و زخمناک  
اولمقدن برهیز ایلیموب افاغنه بی قاجرو ب جمله سن کیزان و اموال غنایمی دیزان ایلشدر  
بونون بویله دخی سنک سوزیکه دام اولوب هر نه خدمت تکلیف ایدرسن اداسنه دقت  
و اهتمام اوزره اوله لرسکا اطاعت و انقیاد اوزره اوله قری بنم رضای محض رو نادره بشت  
خبرن کتور دیلرکه اشرفه نامزد اولان شاه سینک قیزی بی که میا صدیق و ملاز عفران  
و ساطیله اشرف شیرازدن زرقانه فرستاده ایلشدری جناب نادره نامزد ایلدیلر مقدمه  
شاه طرهایب خراشا ایام توقف اشناسنده نادرک او علی رضا قلی مرزایه نوی مصاهرت  
و همشیر لرندن برینی مناکحت و عد ایلکلیسن مزبور معبر الممالک حسن علی بکه اکرام و احترام  
و خرج راه بالتمام احسا اولننده نادر طرفندن مرزا ابوالقاسم کاشی ترفیوه و مزبور و عد برینی انفا  
و شاه سینک دختر و دوشین لرندن بو نفی مزبور شهرزاده رضا قلی مرزایه ازد و اجلرک خوا  
لهشمن اولدیله و بر عرض حال دخی یازوب مزبور لرایله ارسال ایلدی مضمونه بنم شاه عجمه دو  
پناهم حضرتلری دولت ایدر بیونلری خصوصه بوبنده لرینک و معتبره اولان دلیران شجعا نکه  
حق سیمیری سبقت ایلدی و کی ظاهر و نمایه و یوباغ دولت بو حقیر باغبان لرینک آب ایکا  
ریله رونوه و طراوت بولدیغی هوید او عیان اولمغین بلاد خراسانک اطراف دشمندرایه کما  
اولدیغی معلوم و بر قوی الاقنادر اول نواجیده کردار نصب اولنمزه عاقبت بر فتنه اوله صغی  
مجزوم دولتیدر بنا علی هدا شمدیلر بوبنده لری دولت شاهلی نکه خیر اندیشی و قوللغنده  
ثابت قدم صداقت پرورد بر عید ملوکی اوله و غمره ریب و اشتباه بیورلیوب بویله بروقت اختلا  
بو عید احقر کی شاهک صداقتکار بنده سعی اول جانبیه والی نصب اولنوب و جمله امور و

مصوص

خصوص طرفینج تحویل و تفویض اولنمونه قوت بخت د و لکنزدند زریا بوقو لتری ۶۴  
اول نواجیده اولدجه بو اختلاک دفع و دفعنه جان و دلدن سعی ایدوب حسن رأی و  
تدبیر تو ساطیله هر مشکل آسا اولور و بونوار فتن آب تدریج ایله اطفاء و سکونت بولور  
کافی الاول مملکت شاهی نظام ماهو اطرام ایله انتظامده اولور اندن مزبور دونه لری یوله  
صالوب کندوسی کوبه اقبال و دبریه اجلال ایله مهریز یولندن ساحت دیز فوله پرتو وصول  
واندن شوشتره وارد و اول ولایت ایالتنی ابوالفتح محمد علیانی نام قوللرا غاسنه توجیه  
بیوردیلر شوشتر ایر ماغینک بندی که شاپورد و الاکناف بنالرندن ایدی سیلاب مرورو  
دهور ایله یقلوب خراب و بیاب اولمشدی نادرک همت والاسی اول خرابه بی تجدید و مرت  
و عمارت برله صویا جو بی اوکنه سد اسکندر کی متین و مستحکم بر بند ایلدک مراد ایدنیوب  
مماران مرندسی پیته و کار آگاهله درست انزیشه اول امر مهم اوزرینه تعیین وانوک  
اخراجات و مصارفنی خزانه عامره دن مقرر ایلدیلر اول اثناده طائفه عرب ایله سپاه عجم  
بیننده اختلاف و اختلال و حرب و قتاله بادی بر امر هادث و عظیم فتنه یه باعث پیدا  
اولمغله شیخ عزیزی مملکتلرینه ارجاع ایلیموب و هویزه خانته رخصت انضرافی و پرو  
بلده سنه روانه ایلدیلر انک قالقوب ریز فوله وارد اولوب اول مقاصد بر قاج ایام مکت و  
آرام ایلدیلر اول ایام اقامته محمد خان بلتوج که اشرف خان افغان طرفندن دولت عثمانیه  
الچی لک ایله روانه اولمشیدی همدانه عودت ایلدکلرنده اغوانلرک دولتلی استیصال  
واجبه اکابری ازله اصا غدرتبه سنه ایصال و سراسر عجلردن اخذ ایلدکلری ممالک ایدر لرندن  
نزع و تخلیص برله اهو الدی دگرگون و آماللری با مال اوله و غن اشدکه ناچار معکر  
فیروز اثره وارد اولوب تقییل رکاب نادره شتاب ایلیموب حنکار روم سلطه احمد خان  
علیه الرحه و الففران حضرتلرن و اعیان دولتندن کتورد و کی تحریراتی نادره تسلیم و بالجمله  
نادر حضورنده او قنوب مفهومی حصار مجله تفهیم اولندی چونکه قوللور خذتیه  
کلمشیدی جرایم سابقه سی عفو اولنوب و عنایت خاص ایله ارجند اولوب ایالت  
کوهکیلویه کی کند و سنه توجیه ایله کر بلند ایلدیلر انک نادر قالقوب یوله روانه اولدیلر  
لکن نهر دیز فولک طفیانی و بوزبارده لری ایله شرت اوزره جریانی تسدید اولمغله فرمان والا  
اولوب کلمک لر ترتیب اولنوب طائفه جیلر و اوزکج جیلر اعانه لرینه جنود مسعود اول

محمد طرهایب



دو دزدن نیک عد و کلاک ایله کچیلر ایشا راهه واقع کوه کیلویه الوار بختیاری  
وفیلی و هوین اعرابی و سارطوائف متعندان و مخالفانک بالجمله جزالین ترتیب  
و بلاد لک تخریب ایدرک و حکام لک سیاست ویرار خانلردن برلینه حاکم لک جایدار  
و فرم آبادیولندن برزجرده وارد اولیدر و برزجرده نام قصبه ده حسین قلیخان زنگنه کفرله  
حدودینه سردار لوقه ایله مأمور ایدی حکم نادر موصی بکش التی بنک نفر جنود نصرت موعود  
ایله اوردوی ظفر طرازه وارد اولوب ایالت کرمانشاهانی عثمانیه لک لک نزع و تخلیصدن صکر  
کنده سنه و غم و توجیهه کفر از اولمغین مزبور حسین قلیخان استعدا شایه ایله عازم کرمان  
شاهان اولیدرله اول منزله معیر المملک حسن علی بک و مرزا ابوالقاسم کاشی شاه  
عجیه خدمتین عودت ایدر و خانلوق مشورین کتوردیلر مضمونه سنکه نادر نامدارم سن  
ممالک خراسان بالجمله کما توجیه اولنوب و قندهار دن رأس الحد عراق اولان یول کویبری  
نام محله و ارجیه دک و مازندران و یزد و کرمان و سیستان ضمیمه و الحاق قلسوب جلگه کی  
دولت نادریه تغییریه شهرت زده اولور اوزده کما احکاشایه اولمشربو خبر دولت  
مأثر دن هر فرده سرور موفور حاصل اولمغه اگرچه نادرک سرشاری تاج و صرغوجون کران  
و طبع بی نیازی اسم سلطنت و ولایت قبولدن کران ایدی اما امر او اعیانک دوسا و خانانک  
الحاج و ابرام و استر ضای خاطر اهلای خراسان که بود دولت انکرک بوزندن حادث و تقویه  
بخش ایله شوکت و عظمته باری و باعث اولمشردر بالضرور راضی اولوب مزبور بلده لوده تبرکاً  
و تعظیماً سلطان اقلیم ولایت و ارتضا علی بن موسی الرضا رضی الله تعالی عنهما حضرت لک  
نام نامی سنه کته اوردورب دراهم و دنانیری اول فخته اسم ایله مزین ایلیدر **دربیان آغاز**  
**مخاربه خبر یوکر بلند بارومیه و استیلا زنهاوند چونکه نادر شاه برزجرده وارد اولی دولت**  
**علیه عثمانیه الچی لک ایله روانه اولان شاملو رضا قلیخان جانبندن خبر و اصل اولیک**  
اول دولت رجالی مدعای مفید بر جواب صیرج و یرمیوب تعقل و مدافعه اییوب بلکه تهیه و طرز  
تبعید ایلشردن زنهاوند کانتیری عرضیال کونوردوب مضمونه اظهار تظلم و تشکی برله عثمانلو تحت  
و تازده آغاز و دست نظا و لی عجز جانبندن دراز اطراف و اکنافه واقع جلگه قری و قصباته هجوم و ام  
و ایشایرینی زهب و غارت قلدیلر و مواشی نامنده حیوانا تلرینی سوروب کتیریلر بوکونه فریاد جیلر  
کلیدلر نادر کی کبی یات ویرانی تکمیل ایدر و بقیه اول منزله حرکت اییوب بر کجه دلیران جلالت  
شمار

شمار ایله مراب صبار فتاره سوار اولوب چهار کبی اون فرسخ یولی اول کجه ده ایلغار ایله  
کیدوب علی الصباح هنگام طلیعه قجرده که لشکر ترکستان روز خدیو خراسان خود شیر سر  
لشکر ایدر نیوب سپاه سیاهی شبی تاخت و تاراج ایلیدر ماهیه سر لشکر ظفر بر چه طلیعه اختر  
صبحی کما هی ایله توأم اولوب آشکارا اولیدر چونکه لشکر شهری محاصره ایدر و بوردولین  
قوروب صحبایر اقلریو جالتیلر عثمانیان های و هوئی عساکر ایله غفلت اولقوسندن  
اویانوب سپاه نادرین بلای ناکرهای کبی ایشوب اجلی باشلی اوجنده مهیا کوردیلر زنهاوند  
والیسی عثمان پاشایه خبر و یرد کلر زنده جانی باشنه صیحه یوب هیسه ایرانیانی مغلوب و بزوب  
ایده کلر ندرن خراسانیانی دخی اویده ظن ایدر و بقیه همان اول خیال ایله قلعه ده موجود  
عساکر ایله قارشو چقوب بر مقدار جنگ و جدال و حرب و قتاله اشتغال و نافر کیرودار  
اشتغال بولاقده نسیم ظفر نادر جانبندن وزان اولمغه عثمان پاشا لهدان جانبنه کیرزان  
اولوب جلگه عساکری منزهزم و پریشان اولیدر بنک نفر دن متجاوز و میان امر او اعیان  
و رؤسای سنجریه و معتلر زنده موجود اولان اگر ادرن عرضیه شمشیر و جمع کثیر زنده دستگیر  
اولوب نادرین در حال شهر کروب بقیه رومیته دن دخی شهری تخلیه ایدر و باموال  
و ارزاق بی زهایه اخذ و ضبط ایلیوب شاد و شنگلر ایلیوب وقوع عالی شاه طرما کبه  
ایصال ایچون ایلغار ایله خبر ارسال ایلیدر **دربیان استیلا لهدان و کرمان شاه حکمت**  
**جناب سبحان** دقم زده کلاک بدایع نکار اولیغی اوزده چونکه زنهاوند دست تصرف نادره  
داخل اولدی خبر و اصل اولدی که وان حاکی تیمور پاشا و سنجرج حاکی خانه پاشا  
دخی سار پاشایان عظیم الشان جمعیت شایان و عساکری پایان ایله تخینا و توزینک  
مقداری نفرتوی کرمان نام محلدن کچوب جنکه آهنگ سودا سیله ملایر نام محله وارد  
اولیدر نادر بو خبر بکایت اثر و مسرت مؤثری اشتکره بونی دخی قوت اقبالندن عیدوب  
فی الفور عساکر ظفر مظهر و بر گروه دلیر و دلوردر ایله شقه کشای اعلام نصرت پرورد اولوب  
ملایر نام مطمح و متع صحرایه وارد اولیدر عساکر عثمانیان دخی نمودار اولوب نادر اولکده ضابطه  
و قانونه مطابق و اکثری معرکه لوده ایلدی و کی ترتیب و تنظیمه موافق سپاه منصور دی لشکر  
منفردی اوچ قول ایدر و بفرود میمنت نمود ایله آراسته اولیدر عثمانیان دخی کند و جمعیت  
اینی اوچ قول ایدر و بپای جلالتی ایلر و قیوب دایت افراز عرصه کارزار و نافر افروز حرب



و یکار اولدیله بزرگ عظیم میانه ده فاصله اولغله ایکی طرفدن تفنگ آتش فشان ایله جنکه  
آهنک ایدوب نجه دلیرانک خرمین حیاتلرینه آتش افروز خسران ایریشوب کی ننگ جایی  
جنان و کی ننگ مقامی نیران اولدی هینکه بازار کارزار قریشوب و دهان تفنگ آسمانه ایری  
مینده ده اولان دلیران میمنت قرین صودن عبور و کچلدن مرور ایدوب نادر خاسراش ایتله کل  
سیف ایدوب عثمانیانک میسر جانبنه هجوم و دلاوران روم دخی میدان معرکه یه قروم ایلیو  
**نظم** قرل ایرموه اقدیلر اوراده بد ندر پشته سی اور تاده ماده دلاور لر دو تا ایتسه کانی  
بولامز لر دی تیرنن امانی قیرلدی هر طرفن چوق دلاور شمارین دیسم ایتمز عقل باور  
**نثر** ناره قتال بو وجهله اشتعال بولوب شمیر و سنان و تفنگ آتش فشان ایله برزله  
جنک ایدر اولدیله سر و موی جوانان خون دلیران صورت پیران کبی بویان دیلر نجه بستر  
غرورده او یونانلر تیر و تبرز قیله او یان دیلر نجه شجاعانلرک اوراق عمر لری اوراق تیغ جانسته  
ایله اولر کبی چلدیلر و نجه دلیرانک نزال بیکر لنده قرشون جراحتری کلر کبی آجلدیله نجه دستم  
و شرجلادت و وظیفه سن ادا ده قصور ایتمیوب نریمانلر هادم اللذات شربتن ایچور  
دیلر و نجه نریمانلر دستم زمان اولنلر تیغ بیدریغ او شوروب کله لرین دو شوروب وجود خون  
آلود لرین قهر زمینه کچور دیلر بالا فرایکی لشکر بری برینه قاریشوب و یقه یقه یه اور شد قلنده  
رومیه غلدری دو شوروب و علمک او بی سرنگون نادرک دکابنه ایرشکرده رومیان پای نیت  
و قرار لری مترزل اولوب **نظم** کیریز ارقه سن خصمه دو ندر دیلر عجم ستمنه مزده کونر دیلر  
سبب اولدیله خصمک اقدامنه خلل کلدی عثمانیان نامنه کبایردن انکچون اولری فرار  
که برکه قاپه بصیلور هزار **نثر** بالجه رومیان دو آب و اسباب و انقاللرین ترک  
ایدوب اول معرکه پیکاردن معطل و پیکار و عازم راه فرار اولوب بونجلیس و قتلده پناه غایت  
و کیریزگاه امنیته اولان اولانوا حیده واقع کوهستان و چنگلستانلره التجا ایلدیله فرارک ابرهادر  
ریکه کوه و صحرادشت و او انلرک دیو پیکار صبار قنار برق عنان صرصر جولا اقلرینک او کنده  
یر اولوب اول سنگلاخده واقع دزه تپه یی و نشیب و فرازی هریرچین و طراز ظن ایلیوب کی پیاده  
و کی سوار تاتوی کرکان و حوالی هرانه و ارجه تعاقب ایدوب سور دیلر چونکه رومیلرک اقلری  
اصطبل فر برای ده بسی و خورد و خوابه معتاد و عجم دلاور لریک شمکک حله لو اقلری حله کوه  
بیکر و صرصر نژاد اولغله اکثر رومیته و هله اولیده ابری انجم نافر جامه اسیر اولوب بر جمع کیر دخی

عرضه

عرضه شمیر اولدیله هشت و د پاشا سی و سائر معتبر پاشا اردن نیچه نفر بر کوه لشکر ایله گرفتار  
اولوب مال فراوان و قوی هیکل مادر قنار اسبانی حوزة اکتابلرینه ادخال ایلدیله نادر  
عسکری پایان دهشت اقترا ان ایله اول محلدن قالقوب توی کرکان نام محله قونوب لشکر  
انجام فوج فوج کله و زنده و اخترا مه نادر شاه بی انیتا هکک پیشگاه پرتباهته کتوروب هر فرد  
کند و هنرمند لکته کوره جائز لر و عطیه لر ایلدیله ایرته سی کونکه موکب جهانکشیات و براغلرین  
کودوب علی جناح الاستعمال هر ان او زرینه حرکت ایلدیله اثنائاً راهره خبر وارد اولدیله هر ان  
حاکمی عبدالرحمن پاشا سرمایه حیاتی مفت و مجال بر غنیمت بیلوب اموال و انقاللرین و اطفال  
و عیالتلرین طوبخانه و مهماتلرین جبه خانه و خزینه خانه لرین بر غوب جریده عسکر تک و  
تنها چکلوب کتدیله نادر بوضیری اشتکرده سرور و عبور ایدیه هر انه وارد اولوب مرکز و جمله  
اسباب و اثاثی و طوبخانه و قورخانه یی اخذ و ضبط ایلدیله و اون بنک نفر دن متجاوز اسیر که  
رومیان عراق ولایتدن و آذربایجان دن و سائر نواحیدن طتوب کتومش لری بونجلیس  
تنک و قنده چقادوب کتورمکه فرصتیاب اولامیوب براغوب کتمکله اساری اقلرین خلاص  
اولمش لرنادر جهانگیر اول اسیر لر او زرینه امنای سلیم النفس کسنه تعیین ایدوب بجمعی  
جمع و حضانت و دامن عفتلرینی آرایش لوٹ بیکان کاندن و دست تصرف متغلبه و مجنده  
صیانت بر له مرخص ایدوب معتد کسنه لر ایله و طنزینه روانه ایلدی اما عبد الرحمن پاشا  
رعه الله شهر دن حقد قده بیم آفت و فرط مخالفتدن هر ان ایله سننج بینی که یگر می فرسخ  
یولدر طی مراحل ایدرک بر کیچه ده سنجه وارد اولوب ان دن دخی عجاله بغداد والیسی احمد  
پاشا جانبنه روانه اولدیله اثنائاً راهره اردلان اگرادی مزبور فراریلری باصوب یوللرین کسوب  
التی یوز نفر زنده و کله اله کتورب بالجه هر انه کتور دیلر سنجه ساکن اولان رومیان دخی  
بو حالی و سوا سدن بیم و هر اس جانلره ایتیلایر و ب سننج بوشالرو ب کتوره بیلر کلری  
قدنسنه آکوب روانه اولدیله کوبک نادر عز و احتشام ایله هر انی مقام ایلر کلر زنده بشن کون  
انصکره کرمانشاهانه حاکم نصب و تعیین اوفان حسین قلیخان زکنه نک شکست  
خبری وارد اولدی که مزبور بر دهر د قصبه سندن کرمانشاهانی ضبط و تسخیر مأمورا و مشیدی  
بو مقالک تفصیلی اولدر که حسین قلیخان کرمانشاهانه طوغری یولدن وارمیوب خلاف  
جاده اولان کوهستانات فیلی جانبندن روانه اولوب قلعه یه ایکی فرسخ محله کرمانشاهانه



حاکم حسن پاشا قادر شو جقوب مقابله و مقاتله به آغاز ایلد که عسکری کلتلو اولمغه  
حسین قلیخان غلبه ایدوب زنگنه و کلهر اهلایسندن برکروه راه عدمه روانه اولدیله  
بو خبر موخش نادره سامعه فراش اولدقه دایت غوایتلر کرمانشاهه جانبته کشاده  
ایدوب دلیران و غادن و شجمان هیجادن برکروه مکرده هی موکب منحوسلرین مقدم بر منزل  
ایلر و جرحی ارسال ایلدیله حسن پاشا مجرد آوازه حرکت دایت مفروزی اشتمکله طوبخانز و قور  
خانه و سایر اسباب و اثقالی براغوب سمندرین سوار و جانب بغداده عنانساب فراد اولدیله  
حسین قلیخان بلا حرب و قتال و بلانزاع و جدال قلعه یه داخل اولوب کرمانشاهه  
دخی خطه ضبط و تصرفینه اذخال ایلدیله بیت جو اقبال آدمی دارونماید همیشه کاراوه  
نیکو بر آید نثر چونکه آذربایجانک ضبط و تسخیری دخی نادرک ضمیرنه مکنون ایدی بو خبر  
برجت انزلی اشترکه اسد آباد هاندن صرف زمام عزیمت ایدوب کرمانشاهانه آدم کون  
دردیله که شهر قلعه قیمی خراب ایدوب باشقه بر جدید قلعه تملنی قوره لر پس حسین قلیخان  
کرمانشاهه بنیاد چون ادوات لازمه لی اعداد ایلوب اسباب تعمیر و بنا آماده و مهیا اولوب  
مختلرین اختیار ایتکلری ساعت میمنت انارده زنگنه و کلهر جماعتدن معاران دقیقه شناس  
وضع اساس مصون اولاندن اس ایتیلر مزبور خان عمارت کرمانشاهانه سعی فراوان  
ایدوب آرزمانه مراد اوزره آبادان اولدی و مقدمات بختیاری هاکنه نادر طرفدن امر والا  
ارسال اولمشیدی که بختیاری معروفلرین اکیوز خانه قالدروب اصفهرا جانبته کورده  
اول هوایره ساکن و متوطن اولار بو اوقات جنگه و و غاده اول طائفه موکب نادری  
سفر دن دوز اول جو ایندن هجود کوروب و کتد و مکانلرینک متانت و استحکامنه مفرو اولد  
نادانلقلرین نافرمانلوق ایدوب امر والا مو جیبغه عامل اولدیله نادرک آتش غضبی اشغال  
بولوب تکراراً حکم و الاصادر اولدی که بختیاری جماعتدن بنک نفر کسنه که معکر ظفران  
طریق خدمتکار لغه سالک ایدیلر بات و یراق و آت و مزراقدن عاری اولوب استکلری  
جانبه روانه اوله لر و بعضی امر و اعیانکه اطاعت فرمانن سرکران ایدیلر مقید و محبوس و صفا  
زندگانین مطرود و مایوس ایلدیله مزبور امرای بو حال ایلد دست و پابسته و امید راحت  
بلاد خراسانن جام نام بلده نکه حاکی پیر محمد سلطان نام کسنه یه کوندروب امر والا دخی  
ارسال ایلدیله که مزبور لر جرمی مقابله سنده تعیین اوضان جرمی لرینی اخذ ایلدکن صکر

اکیوز

اکیوز خانواریرینه درتیوز خانوار مزبور بختیاری اهلایسنگ امر او دوساسی خانه لرین  
اولم و اوزره بختیارین قالدروب جام اولکه سینه نقل ایدره لرود فی بوندن اقدم چونکه درکین  
اهالیسی اغوانلر امداد و اعانه ده حد اعتدالی تجا و زایتلر ایدی بر مرتبه ده که میر محمود  
اصفهانن ضبط و تسخیر ایلد که نصکر کند و اجناسی و عسکری اولان اغوان طائفه دینه تر فیع  
قدر و تعظیم شان و اعتبار طریقله نوازش خاطر لرینه رعایتلر مراد ایدوب منادیلر ندر ایتدی  
ممالک ایراننه و با خصوص شهر اصفهانه واقع اولان طوائف مختلفه من بعد اغوانلره  
اگر امده مراسم تعظیم رعایت و اغوانلره مصادفت ایلدکلری مکلرده یا غه قالقوب و قار  
لر نه قائم اولوب وال بغلیوب یولدرده دخی قالدردن اینوب تعظیم ایدیه یول ویروب  
هر حاله لازم کلن اگر امده قصور ایتیه لر دیو تنبیه ایلمش ایدی و اجناس ناسک  
هر صنفینه مرتبه ده حد تعیین ایدوب جمله نکه رتبه ده اعلی و اقدمی اغوانلر ایتدی  
دکزینلور او چنی ارمیلر در دخی هندن کلن منتاینلر بشخی مجوسلر التخی یهودیلر یخی  
قرلبا شکر که جمله دن ادنی و احقر اولم و رتبه سینه تنزیل مراد اولنوب صورت و سباق  
مرقومه حفظ و حیانت اولنم و حکم تنبیه اولمش ایدی بوندر نصکرینه اطراف  
واکنافه ترسب و غارتدن و القای خسارتن خالی اولمز لر ایدی نادر لهدانی تسخیر ایلدکن  
صکر نادر اول طائفه باغیه نکه جزالینی ترتیب و اول نواچیدن تبعید و دار و دیار لر  
تخریب ایچون عسکر تعیین ایدوب ابلغ وجه اوزره انکرک بیخ و تبار لرین اول نواچیدن  
قلع و دار و دیار لرین ایلرین تخلیص و نزع ایلدیله درکین لهدان کبی اقرار صولی باغلو  
باغچه لود و زیزده بر لطیف قصبه در خلقی اکثری سنی مذهب ایدیلر نادرک بلاد خراسانه  
دورانی اثنا سنده کولکلون نام محکک ترکان ایدر کاندلرین برکروه دکاب نصرت انتسابلرینه ملازم  
امداوم ایدیلر چونکه خراسانن حرکت و بلاد ایراننه عزیمت ایلدیله اول طائفه متابعت ایتدی  
و تحمل اسفار شاق ایلیموب خودیسن کلرین اطاعتن اعراض ایلیموب مخالفتنه آغاز ایلدیله  
بوسفرده حکم نافذ اولرکان باس شید البیان نادر نادر زمان انلردن برکروه ترکانی خواه ناخواه  
سفر کتوروب دشت نواچینی محافظه یه تعیین ایلدکلرین مزبور لر محل مأموره کتد  
صورتنده نادرک او دوسدن قالقوب برازیر کتد کلرینه فراد و کتد و مسکن و ما والرنه قرار ایلد  
هرچن نادرک لشکر بی پایانک جانبته اول طائفه غدارک و جود و عدملری بر اولوب شمار

۶۷



عاکر دائر اعتبار در بیرون وجه اعتدال ان افزون آید لیکن جزئیات تهراون مؤثر فای  
کلیات اولی صبیله اندرون بو حرکت نامناسب نادریک خاطر خطیر لرینه کران کلوب  
طوفان نام قاجاری بر گوه مکره ایله اندرک جزالینی ترتیبه تعیین اولندی مزبور محصل  
حوالی خوارده اندر دوچار اولوب طوفان اول ظالمی اخذ ایدوب کیمی محسور محاق  
و کیمی نادر اوردوسنه الحاق ایلدیلر بعد از ان بغیر لی قرع خان نام کس نه یی اول ایلدیلر که  
استرآباد حوالیسنده موجود ایلردن اوچ دودت بنک نفر لشکر جمع و ترتیب ایدوب سوار  
بیاده حاضر و آماده اولوب نهار که ترکان و بک کاندرا ایله هرات اغواندی نافرمانلغه آغاز  
کردن کشن لک ابراز ایدره لر ظر پیر آلله ابراهیم خان امریله عامل اولوب مراسم خذتکارلی  
یرینه یتشدوب مزبور درن ناهوار حرکت لرینه کوره او زر لرینه ترتیب ایدن جزالینی ترتیب ایدره لر  
پس نادر برای مقداری اول ولایتی موکب نصرت علامته محل اقامت ایدوب ضبط و ضبط  
امور مهم و ترتیب سپاه نصرت پناهک نظام و انتظامیله مشغول اولوب تقید اهتمام مالا  
کلام ایلدیلر **در بیان نهضت موکب ضبط آمیز بجانب تبریز عشرت انگیز و وصول**  
**خبر قتل اشرف غلجایی** چونکه نادره انتظام مهم هران و کرمان شاهان فراغ میسر  
اولی تسخیر تبریز دخی خاطر خطیرینه شوق انگیز اولوب سینه مستقبل حالی سان  
الغیب خواجه حافظ شیرازی دیواندن تغال بیوردیلر مال فال واقع حاله مصادف  
و مطابق راست کلامی **نظم** اگر چه باده فرخ بخش باد کلید است **بسانک چنک محسور**  
که محتب تیز است **محمول بیت** اگر چه باده فرخ بغشلی در ویل چک دو ک صبا چ در  
یعنی بهادری وقتی درونقید ایدری چنک و چغانه آوازیله شراب ایچه که محتب  
حد تلیدریا و زدرها صلی اگر چه ایچک زمانیدر لیکن محتب حدندن امین او پیچون محفی  
ایچک کرک محتب ترهیبک اصلی بودر که عجزه اول بو فرقه ضالته یعنی قرلباش او باش  
بر معاش بر تراش ملعون ابدی و مطرود سر میدیرنک فرج و ظهور لریندن مقدم بیغانری منگری  
محتب ایلریش مثل تارک تارک صلاتی و شارب فموی و زاینی و بالجه اهل فقی منکران  
منع ایلین محتب ایش و محتب اوزع و از هر علمادان اولوشن نته که سلطان حسین  
بیقر ازمانده میر حسین معالی ایدی عراق و فارس رفتی بعشر خوش حافظ **بیکار نوبت**  
بفرد و وقت تبریز است **محمول بیت** ای حافظ عراق و فارسی کوزل شعریه تسخیر  
ایلدک

ایلدک کل که بغدادی تسخیر نوبتی در تبریز ایلمک و قید حاصلی تمام عالمی لطیف شعر کلامه  
سخن ایلدورسن مترجم فقیر دیر که اگر چه مخلص بیتنده تبریزک فتح و تسخیرینه بشارت  
وار اما سار بیلترک کلیسنده قهر و ترمیرینه اشارت و از زیر مطلع بیستی ترهیب محسور ایکنی  
بیت صراحی و حرفی کرت چنک افته **بعقل نوش که ایام فتنه انگیز است یعنی بر صراحی**  
باده و بر باده مصاحبی محبوب اگر الکه دو شره یعنی کیر سه عقل ایله ایچ که ایام فتنه قویا  
ریجیدر یعنی برهیز زمانیدر ایچکی زمانی دکل بو بیت دخی مالوف اولدنی ضبط و تسخیردن تنفیر  
**در آستین مرقع پیاله بنهان کن که همچو چشم صراحی زمانه خونریز است یعنی خرقة لکه**  
پیاله یی کیز له کیمه کورسون زیر صراحی کوزی کبی زمانه قان دو کچیدر بو بیت دخی متینه  
اولدنی تقیر جه قتلدن تحذیر در **زرنک باده بشویم خر قها در اشک که موسم وزع و روز**  
برهیز است **یعنی** باده رنگدن یعنی لکه سندن خرقة لریموزی کوزی باشی ایچنده یویالم یعنی  
ایلدک باده نوشلقه بشیم اولوب توبه ایدوب اولقدر یاش دو کوم که خرقة لرده اولون  
شراب لکه لری هب آرسون پاک اولسون زیر برهیز کار لو موسمی در بو بیت دخی متصدی  
اولدنی موردن تحاشی و ترکنه ترغیبدر سپهر بر شده پرویز نیست خون افشان که ریزه اش  
سرکری و قناع پرویز است **یعنی** مرتفع فلک بر الکر دقان صحیحی که دو کندیسی کسیرنک کدی  
و پرویزک تاجیدر یعنی فلک اکایرو اعظم سلاطینی اسرکزی پرو اولدر در اسافل  
واصاغع خود نه اعتبار بو بیت دخی قتل اولوب عاقبت خونیه دامنی کلکون اولجند  
اشارت در **مجوی عیش خوش از دور از کون سپهر که صاف این سر فم جمله دردی**  
**آمیز است یعنی** فلک ترسینه دور دن کوچک دیر لک ایتسم یعنی فلکدن حضور و صفا  
کچنکی طلب ایلمه زیر ابو کوب باشینک صافی دزد آمیز در درد شرابک چو کلنه ویرلر  
یعنی فلک زوق و صفاسی بلا و محتله قرشدر فلکی باشی اشاغه بر کوبه تشبیه  
نادرک عاقبت باشی کلوب اشاغه دوشمه سنه تلیح واضح وارد زر عملینه بنا  
والله اعلم بحقیقه الحال والفال و المال پس ظاهر اولدی که بو فالی فتح ایدن کس نه فتح  
و تسخیر علامت اول بشارتی بیان ایلش قهر و ترمیری مشراشارتی کتم ایلش **القصه**  
بنک یوز قرق و وجهه محرم الحرامک غرق سنده مطابق ایتیل دایات کشور کشا هر ان کت  
و آذربایجانک فتح و تسخیرینه عزیمت ایدوب لشکر فراون ایله سنده وارد اولدیلر اول



منزله میر محمودک برادری اولان میر ویس اوغلی میر حسین وارد اولوب دکاب نادره  
اظهار اخلاصی مشعر بر عرضیال و یروب زیلنده شیرازده گرفتار اولان میر محمودک  
نوان و اطفالنی اطلاق و مرخص بیورملین رجا ایلدیلر و اشرف شاهک قتل  
خبرن دیوب کیفیت قتل بو وجه اوزره بیان ایلدیلر که اول برکشته روزگار مرحله  
پیمای وادی فرار اولدقه لار جانبند روانه اولدیلر دولت افاغنه کونکون و اشرف شاهک  
حالی دگر کون اولدنی لار اهلایسی بینده سیوع بولمش ایدی اهلای لار قلعه قبولین قیابوب  
راه اطاعتی کساد و باب مخالفتی کشاد ایلدیلر اشرف جا قود قوسدن اول مقاصده آرام  
بولمایا بچو ناچار اول دیاری دخی ترک ایدوب بم و نربا شیر و کیستک یولتیریه قندهاره  
جانبند فرار اولدیلر مزبور قلعه جات اهلایلی نادرک امر و اشارتی موجب چه خارجی لفتی  
اندرک یولی باشنده دیکوب و سنک ممانعتی باشلرینه د کوب تاب و توانلری اولدنی  
قدر انلری مدافعه یه نزل مقدر ایلدیلر چونکه اشرف مقصد اصفهانده میر محمودی دو شکنده  
قتل ایتدوب تحت شاهی به جلوس ایلدیلر ایدی اول سبب اینه قندهاردن تاختی ایدوب  
هر مذکنارندن میانه یول اینه بلوجستان جانبند آهنگ ایلدی میر محمودک قرن اشلی  
میر حسین بو معنایه آگاه اولدقه کامل بعیت اینه قندهاردن قلقوب اشرف جانبند شتاب  
اولدیلر ابراهیم نام غلامنی بر گروه عکر اینه آنی طلبه تعین ایلدیلر ابراهیم تفتحص و  
استخبار اینه متعاقبا اشرف جانبند ایلغار ایلدیلر بو جانبند اشرف ظلمت شیده روانه اولد  
شور ابلک سفلا جانبند واقع جبلن زروه سنه عروج و اول منزله نزول صدنده ایکس  
ابراهیم یتشوب بلای ناگهانی کبی اوزدرینه نازل اولدیلر اشرف حال نه اولدین بیلوب  
یردن پرتاب و اسبند سوار و فرار ایلدکه ابراهیم که دن یتشوب تفتکه آتش  
ویردکه بوی فیتله دماغنه ایرشوب حیانتن امیدینی کوب خنجر چکوب ابراهیم اوزرینه  
هجوم ایلدیلر ابراهیم تیز دستلک ایدوب تفتکی اشرفک سینه سینه اوردقه سینه سینه  
اولان عقده بی حل ایدوب دنیاغندن خلاص بولدیلر **نظم** کسیه ایتمز شفقت بو سپهر کوردی  
اندن بر احد روی مهر دولت فاینده اولودمی فروغ سکرانی سم دیسم اولمز دروغ اوکلده  
جاهنه پابست در خاک صفت مرتبه سی پست در اشرفه کورینلیدی جاه و جلال اولدی  
سراجام اکا چاه فلان چونکه مطیع اولدی نادر شهه اگردی باش اول اولودر کهه

کوردن

کوردن فلاکت انوک باشنده کلدی نشان اولدی باشی داشنه **نثر** اندن مزبور ابراهیم  
اشرفک منکو حه سی اولان شاه حسینک قیزینی و سائر قیزلرینی اول کلدن قالدروب  
قندهاره وارد اولدیلر بر قاچ کونن صکر میر حسین جانبند بو اسلوب اوزره عرضیال  
وارد اولوب و شاه حسینک قیزینه مراسم کرم و اکرامی اتمامدن صکر اصفهانده قرن اشلی  
شاه طرماکب جانبند **فرستاده** ایلد کلرینی بیان ایلدیلر و سائر اسارایه دخی عود و انصرافه  
رخصت و یرمشرو اول ایامده واقع حوادثن بری دخی بودر که نادرک اوردوسی شیرازده  
توقف اشنا سنده درگزین اغواندن بنک نقره قریب لار جانبند فرار ایلدیلر نادر مزبور ک  
رئیسینه فرمان استمالت کوندر و ب دروننده اگر امرهایونمه امتثال و برکون اول بر طرفه  
استعمال ایدرکک جریده جرایم سابقه که قلم مضی ماضی چکیلوب نائل آمال اولور سک  
والا ترده اینه اطاعت امردن نکول ایدرکک جزاکی ترتیب اچون عاکر وافخ اوزرینک  
تعیس اولنموق قراردادده اولمشدر کونک و کونک عکریمه زعت و یرسک معقولدر  
هه مطمئن القلوب جمله کز بو طرفه وارد اوله سز مزبور طائفه بو فرمانی اللزنده سرزشته  
ایدیوب لاردن چقوب اصفهان جانبند عزیمت صورتنده هر اوغراقلری قری و قصبانه  
ناحدن تسلط اینه سینه فراشن قلوب ضعفا اولوب مال و منالیرن غارت و انواع خشا  
ایصال ایدوب بو منوال اوزره ظلم و تعدی ایدرکک کجوب بختیاری ییلاقلری هوایسند جام  
حاکمی پیر محمد سلطان که اول جماعت اوزرینه محصل الاموال نصب و تعین اولنموقی مصادف  
اولد قلدنده دوست و دشمن بیگانه و آشنایه هر زو تعویذ اولان فرمان مطامی ابراز ایدوب  
ار نادر اینه طرف مأموره عزیمت اوزره یوزدیه کلرنده پیر محمد سلطان انلر متعرض اولوب  
دخو اهلری اوزره آلم صاتم ایدرکک کجوب درگزین قلعه جاتنه و اصل اولدیلر چون بونن  
مقدم درگزین سرکشلی اوزرینه بر مقدار عکر تعین اولنموقی بود فعه مزبور لرینی قردو  
عصیان و طغیانلری بو مرتبه یه واصل اولدنی خبری معروض نادر اولدقه مزبور لری قمع  
و حضور لری قلع اچون بر گروه عکر دخی اول جانبند مأمور اولدیلر **درسیه محاربه نادر و میت**  
**و استیلا و عدم و مداعه و تبریز بختهای رب عزیز** چونکه جفاخانه افشار نادر نامدار  
مرکز اشرف ابداد اولدی خبر وارد اولدی که وان حاکمی تیمور پاشا و مکر حاکمی علی رضا پاشا  
سائر پاشایان میمنت شایه مصلحت بویان اتفاقا قلدنه مراغه و عدم مابینلرنده واقع دو آب



نام محله اتفاق و اتحاد و احتشام و احتشاد ایدوب اول جانبدره اولان ایلاتی نهب و غارت  
ینما و خارت مشغول اولورلر نادر کامکار بار و بنکاهی هم اول مکانه براغوب اکندی وقتی  
سوار اولوب دلیران خوشخوار ایله یلفاد ایدوب داب ملوکانه یی تادک و مسلک صلحو  
کانه یه سالک اولوب ایرته سی هنگام ظهر دیک یگرمی ایکی فرسخ راهی طی ایدوب علم بنی  
و خروجنی تیمور پاشانک و سار عکریانک آدامکاهلری اولان رودخانه چفتوکه  
صحرایه دفع ایلدی اول طرفدن رومیته دخی و صول لشکر موفوره مطمع اول قله زنه تسویه  
الوف و تسویه صفوه مشغول اولوب کلکون بایراقلیو جالدوب مستورانه هجوم  
ایلدیلر هینکه بو جانبدن الویه ظفر ظهور بولدی سپاه خوشخوارک غباری اندرک کوزین  
طولدی پای ثبات و قرار لری اوزیلوب صفوف لشکر لری بوزیلوب تلاقی و تلاشی اولور  
سزین مراغه جانبنه عطف عنان عزیمت ایلدیلر دلیران ظفر نشان اون فرسخ بول اندرک  
تعاقب ایدوب رومیان جمع کثیر طعمه شمشیر و چغیر زنه دستگیر اولدیلر سپاه نادر  
عثمانیانک طوبخانه و مهمات و سار اسباب و اثقال لری اله کتوروب دمدم و سا  
و ضلایع و مکر و مراغه و دهخوارقان و لایتنی ضمیمه ممالک منخوسه ایلدیلر ایرته سی  
اول عاکر نادر اوردوسنه ملحق اولوب زنده و کله و اخترمه یی نادر حضورینه کتوروب  
هر فرد کند و مقدار بجه مشغول عطا یا اولدیلر ایکی کوند نصکرم که اوردوی نادر مراغه صحرایه  
ضرب خیام و مکت و آرام ایلدیلر خبر وارد اولدی که تیمور پاشا مراغه یه اون فرسخ دهخوار  
نام محله قراول رسمیه طولانور نادر همین موکب ظفر قرین ایله اول جانبنه عازم اولدیلر هینکه  
اشعه ماهیجه لوای جهانتاب ظهور بولدی رو میان سمت قراره عنانتاب اولدیلر موکب  
نادر رومیانی بر فرسخ مقداری تعقیب ایدوب تبریز حوالیسنده واقع کوه سرجه نام جبل  
عظیمک دامننده آنادر فرار رومیان بدیر اولدی نادر فی الحال طوبخانه یی بر بلوک تفنگچی ایله  
اول مکانه براغوب کند و سی سپاه جرار و دلیران نیزه کنار ایله عزیمت و ایلغار ایلدیلر که رومیانک  
اوکلرین کوب یول لری سربند ایلدیلر مقصوده اقرب اولاطاغ یول لریه شتاب اولدیلر سپاه  
رومیانک سیاهلنی ایکی فوج دریا موج کورینوب بر بلوک تبریز جانبدن و بر بلوک ایکی فرسخ  
ایلروده نمایان اولدیلر پس نادر دلیران جنک آورانن بر کرده انتخاب ایدوب ایلروده اولان  
فوجی تعقیبه تعین ایلدیلر و کند و سی بقیه سواران و تفنگچی دلاوران ایله فوج آخر جانبنه

متوجه و روان اولدیلر بو کامقارن قراولر خبر کتور دیلر که اولکی گروه مصطفی پاشا تبریز  
هاکی وینگری اغاسی و تیمور پاشا و سار پاشا لرد که الله اغشامدن تبریزدن حرکت و رفت  
کریزی فتران بند عزیمت ایدوب صوفیان یولندن عازم فرار اولدیلر و ایکنجی گروه بقیه لشکر  
رومدر که پاشا لرد فرارندن صکر تبریزده جمعیت ایدوب پاشا لری تعاقب ایدرک کند و با لری  
طوب افغان و خیزان کریزان اولورلر اندری تعاقب ایدن دلاور لری برق جولان سبک عنان  
باد پایان ایله کند و لری اول گروه یئتشدیلر اندرک بر بلوک عرض شمشیر خون نشان  
ایلدیلر و اول شیردلان و کرک مردم دران که ایکنجی سورینک قاندرینه قانقلری ایدی دستور  
نادر ایله اول گروه اوزرینه سوردیلر تقارب فستین واقع اولد قده اول طائفه تمام کند و زنه  
و سوانلری و آذربایجانن همراه ایلر کلری اسارای تبریزه ایکی فرسخ محله واقع خواجه  
مرجه طاعنه چکوب کند و لرد فی طاع اتکنده تیب طور دیلر دلیران ظفر نشان دخی اندرک اطراف  
احاطه ایدوب شعله سیف و سنا تیزدن قلب لری لرزان و جیره لری تب ریز اولدیلر لکن  
کانون درونلر زنه آتش غیرت هیجانی خاد و خاشاک اوهای افنا ایدوب هربری اظهار  
جلادت و ایناد شهرامت قیلوب دلیرانه جنک ایلدیلر عاقبت سرخس دامن کوه مرجانی  
تیغ الماس فامدن خون شهید ایله لعل کون ایلوب کند و لردن دخی نیجه اعجام نافر جام  
نوش جام مرک عماد قیلمغه بدنام اولدیلر اعداد مقتولین که حوصله قیاسدن بیرون  
و تخمین و تقریبدن افزون ایلدیلر اندرک ما عدا اوچ بنک نفر زنه دستگیر اولوب بیجا  
زنان حور بیکر و اسارای نیک منظر و غنایم موفور و اسباب نامحسور دست تقریبند  
ادخال ایلدیلر اول گروهن برانبوه دخی کوی کر لری چو کله دست ایله اول میدان هلاک  
و تشویشن تخلیص ایلدیلر هنگام شام که خسرو جهانگیر آفتاب شمشیر شعاع رخشا  
ندر غلاف معرکه سپهر دن ترک مصاف ایلدی عاکر نادر کرد و ندر اول نوا صیده واقع  
سهران نام قریه یه قونیلر طوبجیا زحل هیت و سقجیا مریخ صلابت فرما نادر ایله  
کتور دکلری اسارای جمع ایدوب و بر معتمد کسبه یه تسلیم ایلدیلر که تبریزه کتوروب امنای  
بلده نک اطلاع و محکمه شرع انورک معرفتله اسارادن هر فردی کند و ویسنه یئتشدوب  
زبل عفا فرینه اطاله دست و نظریکانکاندن صاقلیه لر چون نادر شاه صلابت پناه اعراض  
سلمنی اسیر و عکری نهب و غارت ایله میز ایلدی اقبال جرف ناهمواره اغترار ایدوب بالجه

۷۰



بلاد ایرانی دخی تسخیر ساق اجتهادی شمیر ایلیوب هر جانبه ارسال ساریا و نفیر قیلدی  
ایرته سی کونی که شهر محرمک یگر می برنجی کونی ایدی کند و سی دخی اول مقادیر قاقوب لوای  
چراکشای تبریز نوربخشا صحر کسنه نصب ایلدی و مؤترات اقبالدن بری بودر که دستم پاشا  
نام کسنه که دولت عثمانیه دن هشت رود هاکی ایدی تبریز هاکی مصطفی پاشایه اعانت اید  
عزیمت و هلاک اول کیجه ده ایصال خبر اچون بر قاج نفیر کسنه ارسال ایلدی مزبور لر وارد اولوب  
مصطفی پاشانک فرارینه واقف اولد قلر نه عودت ایلدیلر اهالی تبریز لهوز عثمانلو لبا سیله  
هر نک و سپاهی طائفه لرینه مخلوط اولوب قزلباش ایله عثمانلوی بری برزن تیمری متغذ اولد  
اول لشکری دخی کند و لر دن تصور ایدوب تفرض ایلدیلر اول لشکر کند و لر ی ستر ایله شهر دن فرار  
ایدوب دستم پاشای و اقع دن آگاه ایلدیلر پاشای مزبور فی الحال پاد در کباب و سمیت کیرنج عنان  
تاب اولد قده خارج شهر ده که عا کر جزار انره دوچار اولوب دستم پاشای جمله لشکر به گرفتار  
ایدوب نادر کاکار که حضورینه کتور دیلر نادر اهنه اشایه اول پاشایانی و سائر معتبر کسینه  
مورد لطف و اکرام و مستغرق احکام ایلیوب رخصت عود و انصراف ایله سرور ایددی  
بقیه اسارای طوبخانه خدمته مامور سیور مغله مجبور اولدیلر مزبور گرفتار لر ایله عثمانلو اوردو  
ضبط اوضاع کرده بنیه ازردها آتش فشک طوبلری خراش نقل ایلدیلر نادر نامدر طرف دن  
گرفتار اولد و زرا عظام زوی الاحترام و ساطتیه صدر اعظم و بدر الفتح ابراهیم پاشا حضرتینه  
دوستانه بیغاملر ارسال اولنوب اول جناب سعاد تمایل دخی دو کسنگی مؤتیر و مؤکده صلح و صلاح  
و امن و فلاحی مشعر جواب نامه لر وارد اولدیلر بو حاله مقادیر خبر وارد اولدی که سلطان  
احمد خاندن خلعت سلطنتی خلع ویرینه برادری سلطان محمود خا تاجدار بلند عنوان زینت  
بخشای اوردنک پادشاهی و رونق افزای دیر هم شهر نشاهی اولوب مزبور صدر اعظم ابراهیم  
پاشای شهر از من کسنه الحاق ایلمشربو اجمالک تفصیلی اولدر که وقتا مرود ایام و حدود  
از مایله تبریز و همدان ضمیمه ممالک رومیله اولد قده تبریز سر عکر دوم مصطفی پاشای و همدان  
عبدالرحمن پاشایه توجیه اولنوب بو ایکی ولایتک درون و بیروننده واقع جمله قری و مزارع  
و دکا کین دخاندو در کماندر طرف دولت عثمانیه دن میریه ضبط اولمش ایدی که اصطلاح  
عمره اکاد یوانی تعبیر اولنور نیچگری و اوجاق اغالرنک استدعا و طلب لرینه مزبور پاشا در دولت  
علیه عثمانیه به انرها و مزبور قری و مزارع و دکانان و خانان و در کرمانانی نیچگری جماعتنه

اغربهار

اغربهار ایله بیع و قبض ثمن ایلد کلر دن صکر اول مبلغی ینه مزبور بلده لرده موجود سپاهی  
بینده توزیع ایلدیلر اصفهانی ضبط و تسخیر دن صکر دولت عثمانیه به بلاد ایران کف  
ید و فراغت استه عا سی چون اول اوضاع شاملو رضاقلینک مأمورا اولدنی وجه اوزره استنبوله  
وارد اولوب تحریرت ایصال و مقصود بیله اولد قده انتشار اوازه موکب نادر صدر اعظم  
ابراهیم پاشانک کوشی زدی اولوب و کتد و عکر رینک جنبش و حرکت و ماهیت لر ی کوی  
معلوم لر اولد قده ظهور ایدر مقدمات احوالک و خامت عافیتنه انتقال و مشتمل اولد  
نارنج جنک و جدالک اطفاسی لازمه حال اولد یغنه کیفیت مشهوره دن استدلال ایتک  
حسیله عرض ماجرای حال اچون دکاب مستطاب جهانزایه جهر ساسی ضراعت و ابرهال  
اولد قلر نه درون اخلاص مشی نلر نه مرکوز اولد خیر خواهی دولت علیه دن ناشی صلح و  
صلاح و امن و فلاح مقدماتی و بلکه لهک مباشرت و حسن ختام و بر ملک مهماتی جوقه تعبیر  
ایله حضور لهایون سلطان احمد خانک تقریر ایلد کلر نه بودای اصابت قرینری مبارک خاطر  
الهام مائر پادشاهیده دخی جلوه کراولش قضایای سلمه دن اولوب پادشاهی مصالحه یه  
ارضاد و ولایت لر ی نادره دد ایله ایکی دولت بینده مشتمل اولد نو ابر فتنی اطفایه ساعی اولدیلر  
نیچگری طائفه سی و اوجاق امراسی که ایران زمینده واقع بلاد و قری و قصبه تده تصرف لرینی  
برو جمله مستحکم ایلمش ایدی که اول زمیندن انلرک نر هال امید لرین دهره تیغ بی در یغدن غیر ی  
بر نسنه ایله قلع و قمع ایلمک متصور اولد ایدی بالجهه یا غه قاقوب دعوی ایلدیلر که  
ولایاتی بر کره بین اغربهار ایله فروخت ایدوب و بر کره و عجمه دد ایدر سزاکر فی الحقیقه  
علاقه اولوب بالجهه میریه متعلق اولد بیز لر بو معنایه راضی اولماز با خصوص که  
زرد و کوب صاتون آلمشوز اموال و عقاد سلیمین و اطفال و عیال موحدینی گرفتار نیجه  
ملحسین قیلما اعداد و ازمانه بر آنزه کورلش و ایشد لش بر معناد کلدر اگر شرعا اموال  
و اعراض اعجام نافر جماعه تفرض و قانلرین اهراق بیز لر اچون مباح دکمل ایدی چون محرک  
سفر عجم و باعث سفک دما آیس الام اولوب خوابیده غوغای بیبار و آرمیده جهانی فتنه  
زار ایلد کر یا بو فتوالر نه که آله و کز و اگر مباح ایدی چون کرو ویروب بو قدر ابطال و شجما نک  
اکلرین ابطال و اعراض و اطفال و اموال سلیمینی اعد الله پامال ایدر سز حقا که بو گونه شرع  
شریفک مجوری و عقل مینفک منفوری اولان امور ناسزایه راضی دکلر زدیو عوم اوزره

محمد



چهر شریک مقدمه ظاهر بود کفر ابراز نه مفتی انام شیخ الاسلام عبد الله افندی حضرت ترینگ ویردوکی یکی  
قطعه فتوای جلیل الفحوی لری ابراز و مد عالینه سند ایلدیر صورت فتوای شریفه بود که ذکر اولو  
روافض عجم دیاری تحت حکمنده اولوب شاه نامه اولان رافضی نکه ازینده روافض صاحب  
منعه اولان برجماعت دارا سلامه مسیندن بر طائفه ایله علانیه مقاتله ایله لرشاه مزبور  
امام مسین سلطان سلاطین اولو آل عثمانک پادشاهی ایله عقد ایلدیکی مصلحتی نقض ایتمش  
اولوری الجواب اولور علی الخصوص ملاعین مزکورونک رجالیسک استیصال و جرمی اوزره  
قتلری واجیدر عن اصل وقوع بولان صلح لطف آلهی ظهورینه انتظار ایچو مصلحتیه عقد  
متاد که درهرنه زمان قدرت و قوت اهل اسلام ظهور ایتد که حقلرنده واجب اولانی اجر ایتد  
عامه مسینه واجیدر صورت فتوای دیگر شاه اسمعیل اولادینک تحت حکمنده اولو دیار عجمه  
متکن روافض خذ لهرم الله تعالی ابوبکر عمر عثمان خلفاء علی الحو اولو قدرینی اقرار ایدینی اقرار  
ایدوب و حضرت علیدن ماعد اکثر اصحاب کرام رضوان الله تعالی علیهم اجمعین حضرتنه و عایشه  
صدیقته رضی الله تعالی عنهما حضرتینه مرتدد و منافق دردیو علنا سب و لعنی و عایشه  
صدیقته رضی الله تعالی عنهما حضرتینه ذناییه قذنی کند و لره عبادت بیلوب قرآن عظیم الشان  
نیچه آیات کریمه یه قواعد عربیه دن خارج داب زنادقه اوزره رای فاسد لری ایله معنار ویرد  
کفره و منافقین حقلرنده اولان آیات قرآنییه اصحاب کرام مزکورون حقلرنده دردیوب اهل  
سنتن اولو مسینک قتلرینی مباح و نسالرنن اسیر ایتد کلرینک بلانکاه و طلرینی حلال  
بیلوب مؤمینک جنتده رویه اللری انکار و محالدردیوب علماء ضالاه سی بو وجه اوزره  
فتوای ویروب ریسلری اولان شاه و سایر حکام کراهلری و سایر معلمی بو احوال کاسه  
و افعال فاسده یه صو اعتقاد ایله لربو مقوله اقوال و افعالی اعتقاد ایدن ملاعینک  
تمکن ایتد کلری دیار لری دار الحرب اولوب کند و لرا و ذلرینه احکام مرتبتین اجرا اولور و الجواب  
دیار لری دار الحرب و اوزلرینه احکام مرتبتین اجرا اولور بو صورتده مسیندن بر طائفه  
ملاعین مزبورونک اول دیار لری اوزلرینه هجوم ایله لزر ذکر اوضان مفاسدی مرکب اولور  
رجالری و نسا و صبیان و اموال لرینگ و اول دیارده متمکن اولوب کفر اصلی ایله کافر اولور  
نکه نفوس و اموال لرینگ حکم شرعی نه و جرمه در الجواب ملاعین مزبورونک اسلامه  
کلین رجالی علی طریق الاستیصال قتل و نسا و صبیانی استرقاق اولوب اموال لری مال غنیمتدر

نا و صبیانی قتلدن غیر طریقله اسلامه جبر اولور لرشا لرینگ اسلامه کلرکجه و طلری  
حلال اولماز اول دیارده متمکن کفر اصلی ایله کافر اولور حربی حکمنده اولو لریسه رجال  
و نسا و صبیانی استرقاق اولوب مال لری مال غنیمتدر لکن بولورک رجال و نسا و صبیانی  
اسلامه جبر اولماز و اسلامه کلینان لرینگ و طلری دخی حلالدر انجور اول دیارده  
اولان اهل سنته تفرضدن اخترا تمام کرکدر مزکور فتوای ابراز ایدوب قلمه لری رودن  
مانع اولوب کثرت قیل و قال ایله انجام کاری معطل قیلدیر و قتا که اوراق دخی دولت  
افاغنه دریده و بیخ و بنیاد سلطنت لری روی زمیندن بر جیده والویه نادر اعتلا و بلاد  
آذربایجان استیلا ایلدیکی اخبار بینلرنده انتشار بولوب و بقیه السیوف که نرها و نرو  
هر انزن رضت حیات لرین محروسه اسلامبوله کشیده و نادر یانکن کریزان افغان و خیزان  
دارالاماته رسیده اولدیر کیفیت حال یقینا کند و لرینه معلوم و خصم قوی الاقتراره مقابله  
و محاربه یه عدم قدرت لری مجزوم اولوب پادشاه صدرا عظم سید قیل و قال و بنذ تقوه و  
اقوال ایچون آذربایجان سفیرنه عزم و اسکدره روانه اولدیر و اوتاغ کردون نطق دخی  
قوریلوب رجال دولت ایله دشت و صحرا مال مال طولیدر پاترونه نام دخی الاصل خبیث  
النسل دلرک بی باک که او جا قلو زمره سنده اولوب کرمجیت نکر یه اولمغه پاک و نایاک  
میدان و قاصده فادانکیز و استر بی باکی سنگ شرارت ایله تیز ایدوب روی خلیفه اسلامه  
قلیج چکوب اول ایام هشت انجامده حاو ث اولقنته و فاد و غده انداز شیخ و شاب  
اولوب پادشاه و وزیرک نادغیظ و غضب لری پرالتهاب اولوب لکن شرارت و بغات و طغانه  
جوابه بی طاقت و تاب اولمشرایر ناچار تسکین ناسر شرد نشودی دفع ایچو توکن  
عزیمت سفر سواد اولدیر لکن غائله فاد بالکلیه منزع اولور ایچون تکرار استنبوله عودت  
ایلوب بی فائده سعی و کوششده اقدام تام کوستدیر بالآخر وزیر لری استر و زدیو کرای عامر یه  
هجوم عام ایلوب صدرا عظم ابراهیم پشایی و قبوده مصطفی پشایی و محمد کنجدانی استر و زدیو  
طرفین ازال اولنور دیو ابرام ایلد کلرنده سلطان احمد خان حضرت لری استر ضای اربک فاد ایچون  
داماد نیکونهادنی قتلده راضی اولوب اشارت علیته لری صادر اولورده برینجه کندزن اهرمن  
اوطه لرینه کیروب راه نفس سوسیم حیاتی دهکدر سینه کندن صد ایتدیرا و چینی دخی مخوف  
و بیجان ایلوب جسد لرینی براو کوز غربه سینه تحمیل اولور کرده ضالاه و کینه ایلدیر نظر چین است



آیین کرده دهر نه لطفش بود پایدار و نه قهر نه پروردگس را که آفرنه کشت که در  
مهر ترست و در کین ددشت **نظم دیگر** بونگه کیبدر حال کج دو جهان صد اقت هوید اعداوت  
زبان نه کل یوز لولو کوردی اشبو زمین که برسته اورمادی دست زمانه کیمک دستنه  
صوندی جای طلوع که بفرن انوک ایتدی طولوقه کیمه ویردی دولت که لت اورمادی کیمی  
دیمی بوخر بی عنان عمر لاله ویرد وکی عیش و سرور یارم لحظه اجمع اولورکن فلکان نثر  
بونگه سیله اول طائفه بد فرجام ترک اذحام و رفع غوغای عام ایلیوب عاقبت سلطه  
الله خان هفتلری کوشه کیر خلوت و تنهانشین نشین عزلت و متنفر غوغای سلطنت  
اولوب برادرزاده هایون بختلری شهرزاده بسهر عنوان و شمع شبستانه خانده آل عثمان  
سلطه محمود خان بن السلطان مصطفی خان سیر سلطنته وضع زاتوی جهان کستانی  
ایلیدر القصه شهر تبریز که رو میا الله پامال جنود عد و اولمشن ایری ضبط و تسخیر دن  
صکع بشن کون الویه نادرک مقرر کاهی اولوب عزیمت تسخیر خجوه و روه خاطر نادر  
کشور ستانده تصمیم و ترکیب اولفله بایراقلر کشته سوار و پیاده مهیا و آماده اولمشن  
ایدی بو حاله مقارن ماه صفر الخیرک غمگنده چا پار شهرزاده رضاقلی جانبندن وارد  
اولوب هرات اغوانلری مشهر او زربینه عزیمت و ابراهیم خان هزیمت و سائر اول ستمه اول  
وقایع حضور نادره عرض ایله کلرنه فی الحال خراک جانبنه عطف عنان ایلیدر  
**در بیان آمدن افغانه هرات بر ارض اقدس و شکست یافتن ابراهیم خان سابقا**  
واقعات هرات سمت تحریر کنه ارش پذیر اولیغی او زره چونکه نادر شاه نجه مدت الله یارخان  
و ابدالی افغانلریله محاربه و مقاتله دن صکع دار و دیار لرک ضبط و تسخیر ایدوب مجده آیالت  
هراتی الله یارخانه مقوض و تسلیم ایلیوب جانب آذربایجان عطف عنان عزیمت یوردیلر  
دایات نصرت آیاتک جانب عراق و آذربایجان و رود ندر صکع میر و یکس او غلی میر حسین  
غلبایی که میر محمودک برادر لری ایری قندهارده استقرار بولوب حاکم مستقل اولمشن ایری آوازه  
طبل دولت نادر عالم کیر و روی زمین اول فرخنده اخترایبه شرف پذیر اولور و غن اشترکه عراق  
و آذربایجان سفر ندر صکع نوبت کاد جانب قندهارده اولاجن و نادر یان اول ستمه عطف عنان  
ایره جلکرن یقینا ایلیوب قاعده التجا و رجایی متزلزل ایدن اعوان و انصار تحریک ایله تحاسر و  
تنافس ستمه مایل و نادر شاه مخالف جانبنه قایل اولوب و جمله اغوانلری دخی مخالفته

ترغیب و تحریص ایملکه و سوسه سی اول جماعته تأثیر ایلیوب نواجی مشهری تحت و تازده  
آغاز ایلیدر اما الله یارخان فتوحات متواتره و تسخیرات متکثره انتشار اخبارینه بنا  
عاقبت انزیش اولوب ایانن جاده پیمانن متخرف قیلیوب انلره اختلاط ایلمدی بو جهتن  
جماعت ابدالی الله یارخانن دلگیر اولوب جمله سی روکردن اولیلر فراه حاکی زوالفقار خان  
ادم کوندروب واقع حالی بیلدروب عجماله کلمه شی طلب ایلیدر زوالفقار خان دخی تیغ خلا  
غلافتدن چقاروب هرات ناحیه سنه وارد اولیلر الله یارخان انلرک حرکات نابرجا این  
عدم قبول ایله مانفت باینن دخول ایدوب اغوانلریکی فرقه اولوب تقابل صفین اولده  
الله یارخان یاننده بونگه امرای صف آرایله دلاور لک رسمن برینه کتوروب شود کللو کوشش  
مردانه و کوشش کردانه ایتدی لکه بیر سال دیده جرف دوار نیچه اذ و ایدیلر کن بری بر بویه معرکه  
انفقا دین کورمشدی زوالفقار خان دخی جلادت و طیفه سن اداره قصور ایتیب بالذات  
خصمایه هادم اللذات شربتن ایدوروب میغ تیغ بید ریغدن تکرک مرک یغادر ایدی سیم بادپای  
اناد ایتدی کی غبار جرف دوار قبه سنه اغار ایدی اول نبرد کاهده جانبنن نجه دلاور لک  
بو نجه خادیت کلیه مرتب اولمشن مقاتله دن برکس یوز چور میوب و بر احدک ادرکی  
کورمندی لمعات سیوف و درماع ناسر کفاح بر وجه اشتغال بولدی که دیده خودش اول  
مقتل خصما و سیل دما ملاحظه سینه شفو شام کی خونین اولدی و مجرب حلول اچال  
الحرب سبجال مفهومی اداره استعمال ایدوب بیکه بیکه بویسای ابلاغ هنکامنده اجلی کلمته مجلی  
دیرمز ایدی **نظم** یغادر اولدی قودشون همچو تکرک بهر کوشه ده قالدی طوقه مرک زمین  
اسم طولدی تو زو دغان دگر کیسی چالقدی خلق جهان کند اغزین آچمشدی اژدر دنال  
هزیران پر خاشه ویرمز مجال **نثر** ناسر آشوب و جدال و حرب و قتال اوچ آی بومنونال  
او زره اشتغال بولوب بالآخر زوالفقار خان غالب کلوب بنک یوز قرق او جده ماه شوالک  
او چنچی کونی شهره داخل اولوب الله یارخان کند و توابع ولوا حقیله مار و جاق قلعه سنه  
روانه اولیلر پس اغوانلر حقوق عنایات نادر نام آوردن کوز لریس پوشیده و بینلرنه عقد  
ایضان عهد و میثاقی نقصه کوشیده اولوب زوالفقار خانی حکومت اختیار و نواجی مشهری  
تاخت و تاداجه اعلا لوی ایتدی ایلیدر **نظم** جمع احباب ایدوب خروج ایتدی زروه فتنه یه  
عروج ایتدی مشهر طوسی ایلیوب دعوی جمله اطراف ایتدی پر غوغا بولد و غن قردی ایدی



اسبان آتدی بیدر و احبابین آتدی پیر و جوانی طعمه سیف طفل و نسوانه بیله  
ایلدی حیف نثر الله یاد خان اسبک و انقالن و جمله متعلقاتن مار و چاق قلعه کنده براغوب  
سرخس حاکی جغتای مورد قلیخانله و بعضی ایماقیه حکام و امر اسبکله اتفاق ایدوب  
اغوانلرک و دودندن اوج دودت کون مقدم مشهده وارد اولدی لر ظهیر الة و لة ابراهیم خان دخی  
انواع توقیر و اجلال ایله استقبال ایدوب مراعات تمام و مراسم اکر امی رینه کتوردیلر نادر شاه  
کراه تسویلات ابلیس بر تلبیس ایله تفتن و تفرس ایدوب یقیناً عزم و جزم ایلدیر ایدی که اول  
کم فرصت اوله فرقه عهد شکن فرجه بولد قلنده فراسایانله جنکه آهنگک و اول میدان و سعی  
اهالیسنه قضیسه و تنک ایدر لر اصفهانی تسخیر و نضکر بو و در طه دن هراک اولمغه  
بر بلوک عکر خراک جانینه ارسال ایلدی و سابقایله اولدیغی اوزره بغایر لی قره خان نام  
کنه یی استر آباد جانلرینه ارسال ایلدی که اول نوا حیدر اوج بنک قدر شجاع تفنگچیان  
جمع ایدوب سوار و پیاده مهتیا و آماده اولوب حسین ضرورتده ابراهیم خان امداد و اعانه ایدر  
و ابراهیم خانه دخی امر و الا ارسال اولدی که غله و ذخیری و فرت و کثرت اوزره اذخار ایدوب  
مشهد اوزرینه دشمن وارد اولور که قلعه یه متانت و استحکام و ایدوب محافظه کنه مشغول  
اولوب زنبهار زنبهار خارج قلعه یه مقوب محاربه و معارضه دن بغایت اعراض  
ایله سن بر قاج کون نضکر زوالفقار خان کز بنک نفر افغان ایله و اصل و مشهده قربنده  
خواجه بیج زاویه کنه تازل اولوب اطراف قرا و قصباته عکریا ایلوب نیجه ظلم و ازار  
ایله و عایانک خانه لرینه کردیلر و بولد قلیس نهب و غارت و او کلرینه کلن فقرایه  
کللی ظلم و خادرت ایلدی ابراهیم خان انلرک و رودینی نادره عرض و اعلام ایدوب اول کون  
درون قلعه دن طوب و تفنگک ایله مر حبا قیلوب الایلرین پریشان و اکثرینی بی نام و نشان  
ایلدیلر ایرته سی کون ابراهیم خان عکری غیر تلندر و ب هری هری غضبان کبی حاضر باش  
طوب و ب قلعه یه یوردین اغوانان ایله عظیم صواش ایلدی لر دوسا و امر ایزر و بالای حصار  
بر کار وارد ایدوب دفع حضرت اعدا ایچون سعی بی پایان ایلدی لر قلعه دن آتیلر طوب د هشت  
نش اغوانله شراره فش اولوب کرده کرده اغوانانی دیار عده کوندردی صیت و صدای جنک  
آوران وهای وهوی ارباب طغیان و آوازه طبل و نفیر و شمشعه خدنگ و تیر صاعقه طوب  
و تفنگک دغا آهنگک و نعره اهل جنک بر مرتبه یه واردیکه زمین و آسمان لرزان اولوب

مصراع

مصراع صناسن قوپدی اول یرده قیامت نثر و الحاصل بو اسلوب اوزره اهل قلعه  
درونن اغوانلر بیرونن محاربه و مقاتله ایدوب اما اهلای قلعه غموم غموم تنک و قضیسه  
ایله مغموم اولوب آشوب و فتن حد دن آتدی کندیج نام قلعه رو میانن اخذ اولوب  
مقر کوبه جنود نامعد و نادریان اولدیغی هنکامده ابراهیم خانک عرضی سده جلال نادر  
شاهک معروضی اولوب مجدداً جنک میدان منعی باینده امر و الا تحریر اولوب مضمونه مقرر  
درکه سپهر الارجیوش دن مراد محافظه حد و در بلاد و قمع و قلع اهل فساد و عناد در  
مقدمه ده حسب المراد بر اثر مرتب اولوب هراک کبی احصن حصون تغلب اعدادن مصون  
اولیوب بله نیجه قلاع الیزدن اقتلاع و نیجه قری و پلنقه لرا نقطاع اولدی شمسی  
نوبت مشهده کلدیکی واضح اولوب اول اجلدن تلاقی مافات و دفع مجافات امیدیه بغایر لی قره  
خانه تکلیف مصافات و ارسال عکرایله قصد دفع آفات اولوب هراک امدادینه عکرایلی  
مقتضای وقت ایکن عکری او یالندوب نائز فتنه اعدای داسر مالیکردن منقطع  
و فتنه لرینی منفع ایتدین کند و کی قوردر سن بو کونه جزئیات مقوله سیه اغوانلر زبون  
اولر شاه لرینی قتل ایتک ایله و اصفهانی لدرن آلفله نه آتدی سیونی و نی بود کلر  
کویندی رو میان لندن بلاد ایران بالکلیه آنسه هراک دخی محفوظ و مشهده اهل محظوظ و قندها  
دخی فتح و تسخیری ملحوظ اولوردی انلرک ایچنه کرده کرده عاکر و جنود کوندر و باقتلر  
صالمغه زراعت و ذرعن و اصل و فرعن یا قوب ییقوب خان انلرین ویرا و خانانلرین  
تالان ایدوب مشهده و هراک نوا حیلرین محافظه ایتمه ده فکر و ملاحظه ایدر کز طا بود لر اوزر  
کلر ایدی و بود کلوفاد و خادرت اولمز ایدی قولاق استرایکن کوزدن اولرک و کند و زکی  
محافظه دن قالرک هر نه ایله اولیه که جنک میدان ایدر سن و خود ایلوب ایدوب طا بود  
قور و ب قادر شوکیده سن مبالغه ایله حرم و احتیاط ایدوب قلعه دار لوب اسبابینی قایر و ب  
بیدار اولوب درون قلعه دن دفع اعدایه دروشه سن عن قریب رو میان پیرامن ایرانن  
مبا عده و جانب فراره عزیمته ماعده اوزره در لر اول طائفه نک دست تغییر لری بو جانندن  
بالکلیه ممنوع قلوب بلاد ایران قلاع خرائشا الحاق اولند قنضکر اول جانبه وصوله  
شتاب اوزره اولور زوال السلام تم الکلام بو جوابه مقارن قره خان دخی شمار تفنگچیان  
مار شمار ایله و اصل اولوب خارج قلعه ده الایلرین ترتیب و صدای بیدادی کره نای ایله قلوب

۷۴



اغوانیائی گویا ترهیب ایلیوب طوز عجیب و اسلوب غریب ایله تقابل فیتن واقع اولدوقده  
باب امر و جداله یا ابراهیم جنک میدانن اجتناب ایله دیومکر خطاب و اصل و بوسورتده  
بر فحالت ال ویر جکنه کنه و سنه دخی یقین حاصل اولسکن هوا خواهانن بر طائفه سست  
دای بدتر بشجما نلقارینه مغرور اولوب ابراهیم خانی تحریک ایله سپاه مو فودرک طبع غبور لرینه  
نوعا قوت کلوب اوچ کونک آذوق قالدوب کوبه دنکن ایله کوه سنکین ستمته رایت  
افراز هروب اولدیلر اغوانلرد فی ترتیب صفوف و سل سیوف ایروب قارشو طور دیلر ه  
فی الحقیقه ابراهیم خان عسکری منتجب دلاوردان و کزیده جنک اولوب اولوب نائز جنکی اشغال  
و آتش حرب و ضربی پر اشتغال قیلمغه اغوانیانک طبع کردی اول حرادتن کرم و قلب هیری  
موم کبی نرم اولوب هجوملری ظفر انجام اولوب صودتلی آینه امله نمایه اولمشیری قه خان  
دخی اول عرصه نبرد اچم شیرانه حرکت و دلیرانه مبارزت ایروب بالآخر قلجن لندن الیروب  
اول کیر و دارده کنه و سی زفقدار اولدی اما لشکری درنتی عسکر اولوب نیچه لری اغوانلر الله شرتی  
مرکی ایچون و نیچه لرینک کردن لرینه حلقه بلا کوب باقیلرینک قلبلری مرعوب و کنه لری مغلوب  
اولمغه قاچوب بر کنه و برینک اولدیلر ابراهیم خان بر بلوک شجما ایله هجوم ایلیکه فرایدرک  
اولک لری کلوب کورد و ندره هنکامه کیر و دار و استیز و آویزده کما کرم قریشوب قودشو نلک  
تفکیک ابراهیم خانی دخی فراره عمل ایروب سردشته جنکی آلرینن بر اتوب جمله لشکرک عنان  
اختیار لری آلرینن کیدوب دخت عزیمتی شهر استه هزیمته چکدیلر اغوانلر که لرینه دوشوب اسب  
ولیا سلیس و متاع و اسلرین صیوب صویقلیوب صالی ویردیلر بر کروه لشکر ننگ و عاردن  
کنه لرین چاه و قنوات ایچم آتوب و بر بلوک سلوب لرینن ماتم کینوب شهر مشهده داخل اولوب  
تحصن ایلدیلر بو وقعه هانکه بنک یوز قرق اوچره ماه محرکک اون اوچنی کوفی سمت صحرای  
عده شت و زرکران مشهده واقع اولوب بوسانحه حیرت انگیز و ملال آمیز کرم و قوعندن صکر  
ابراهیم خانه کال فحالت مستولی اولوب رکاب نادره عرض و اعلامه یوزی قالمیوب شهرزاده  
رضاقلی مرزا بومراتی چاباد و ساطیله معروض خدمت نادر کما کار ایلدیلر چونکه نادر شاهک  
هنوز اصفهانه حرکتلرین اول شاه طرماکب ایله بینلر نه جاری اولدو عهد و میشا قابونک او زین  
جاری اولمشن ایری که اصفهانی ضبط و طرماکبی تحت شاهیه اجلاسکن صکر صوب مراملیر  
حرکت ایلدکلری کونن حصول مراملری و قتنه دکن دیار عراقدن و آذربایجانن فتح و تسخیره

وکب

وکب و تحصیله قادر اولدکلری بلاد و قلاع و اموال و اشیا هر نه دکلو اولورسه بالجد  
نادر شاه ضبطنه قالبوب و ممالک علی حده جنک نادرک اولوب اصفهانه نغیری کشور  
کشاک مرام و عثمنا لری اولیه الحاله هر نه نادر امر فراتی اهم و نقض عهد ایرن هر آت افغانلر  
د اول جانیده اول سرکشون تبینهری الزم کوردوب وانلری قهر و تدمیر تیرینی تقصیم ایلیوب  
چاپار صبار فتاد ایله شهرزاده یه اعلام ایلدیلر که حصارده متحصن اولوب و قلعه یه ه  
استحکام و یروب و شهری محافظه ده اهتمام اوزره اولوب بنیه نبات و قراره دخنه ویرمیوب  
دیوار اطینانه اتکا ایلیه سز که بیزارد فی دلیران نصرت شعار و شجما چابک سوار ایله ایلفا  
ایروب مرحله پیمای منازل اوله رقی اول تبه روزگار خصما اوزدر لرینه بلای ناکرهای کبی  
نازل اولوب جزالین ترتیب و اول نواحدن طرد و تبعید ایله آرزو لرینن تحینب ایلر و زانن  
ایالت تبریزی افشاری بیتون بک نام کسنه یه توجیه و خانلق منشوری احکام و آذربایجان  
سردار لقیه کرافراز و کر بلنه ایلیوب قلعه تبریزده دو میانن باقی قلاذخایر و اسباب  
و اثقال و مهماتی بالجله مزبوره انعام ایلدیلر که بروجه تحین یوز بنک تومن بهای تقسیم  
اولمشیدی افشار و ترکان ایلرینن بر نیچه ایل بولندنی محله دن کوجوب تبریز ییلاق و قشلاق  
رنه ساکن اولمچو کلک فرما اولندی و الی بنک نفر مرد کادزار دلا و دیکلر مزبور بیتون بک  
سلاک ملازمتنده مسلک اولوب و دو میانن نزع ارضان ولایتلرک هر برینه بر حاکم  
و حکومتلری کنه لرینه تفویض و مقرر قلموب بو ولایتلر شاه طرماکبند چاه و جنه ایله اکا  
خدمت ایلکردیو و تنبیه و ناکید ایلدیلر اول سفر فزنده اثرده بولنا فارس و عراق و آذربایجان  
ایلرینن هر برینه آت و اولوغ و خرج راه و یروب خانه لرینه خرافت کوندر دیلر انلرک اعدادی  
اللی التمش بنک خانه یه بالغ اولوب اول جمله دن یالکر او ایکی بنک خانه افشاددن و جمله  
افشاریه دن ایکی بنک خانه قرقلو قبیله سنن ایری که جمله ایلرک اکر فی و نادر شاهک کنه  
قبیله سی ایری سابقا مژ کورد و صحیفه بیله اوزره مسطور اولمشیدی که میب و کوبک نادرک و وطن  
اصلی سی و یوردت قیری اولوب قرقلو قبیله سی دخی اول محللر ده ساکن و متوطن اولور لردی  
نادر شاه امریه اول قبایلدن بر طائفه کوجوب مشهده ک ییلاق و قشلاق رنه ساکن و متوطن  
اولدیلر انلرک ما و آلر نه مزبور کوجولردن جدید قرقلو و میب و تنمه افشاریه کلاتره اکا اولوب  
دیگر قرق الی بنک خانه ترکانیه و اگر اد بختیاری و سار ایلات متفرقه و طوایف مختلفه دستور

تومن اوز بنک



نادید پر زور ایله تدارک اولوب باقی مالک خراشا موطن و سکس ویریلوب هر برقیسه یه  
بشقیه سیلای و قشلاق تعیین ایلدیلر **دربینه انصراف موبک خسر نشا** از آذربایجان جانب  
**خراشا بعزم تنبیه افنا** نادر قبض و بسط امور و بست و کشاد کار نزدیک و دور و نظام  
و انتظام مصالح جمهورد نصکح بار و بنکاهی براغوب یکه تازان عرصه کارزار ایله جانب  
خراشا ایلفاد ایدوب هیچ بریرده مکت و آرام ایلیموشدت و صولت ایله صوب مقصوده  
متوجه اولوب و صول مرامه کال کر میت ایله صرف مقدور ایلیموشد قزل اوزن نام محله و  
اولده مشهوردن چاباد و سا طینه خبر وارد اولدی که ابراهیم خان منزه اولده نصکح  
اغوانلردن برگروه مرتکب اولد قلی امر بی ماله نادم اولوب بوگونه گفت و کوا ایلدیلر که  
رایت افزایغی و فساد اولوب شمشیر عداوتی اول دولت یوزینه چکوب بوگونه شناعت  
و عصیان و عدم اطاعت و عناد و مخالفت و مقاومت خادست صادر اولوب اول  
شاه کردون مقام بو جانبه عطف عنایه ایلیموشد بی زاری مقام انتقام و محل خطاب  
و عتابه توقیف ایلدکه جوابه قادر اولیموشد بود فعه ایچمزدن بر فرده بر طریقیه امان  
ویرلیوب جمله مزعمو قتل و استیصال اولنورد پس اغوانلردن بر طائفه بونک خلافت  
زاهب اولوب و راق شرد انکیز شرارت نهاد بر بنیاد لرندن قالقوب مززع ماملریند و شوب  
و خرمن محمولری طوشوب بینلرند ناسخ حرب و جدال بر گونه اشتعال بولدی که قریب  
اولدی که اول نوایر شود و شردن بر شراره دخی خرمن مهر و ماهه دوشوب دسته کنبه و انبا  
کهکک و خوشه پروین و مززع کیز چرخ برین طوشته بو اسلوب اوزده حوالی مشهورده  
اونوز بر کون اول نکت عهد اید ندر مکت ایدوب مراتع و مزادعی بیروب چغندوب یقیه بی ه  
یقوب یا قوب ظهور کال بغی و فسادن صکح جانب هراته روانه اولدیلر نادر بو خبری  
اشته که ایلفادی ترک ایدوب ماه صفرک اون التنجی کونی قزوینه وارد اولوب خراشا عکس  
ماعدای تماماً عراق لشکرینی و ساردرنتی قشونی مح خان ترکانه قشوب شاه طرماکب خدمته  
فرستاده ایلدیلر که اول دولتک داسر دفر و نهینه اولوب پرکار و اد کرینی خط اطاعت شاه  
بلند اقتدارده کچوده لبو اشته خبر وارد اولدی که مرصوم صدر اعظم ابراهیم پاشا اسلامبوله  
وقایع دهفت انکیز مقدماتن اول سلطان احمد خان پادشاه زیجا حضرت قلی جانیندن الی لک  
دسیله محمد اغانام ارباب دولتدن بر کس نه بی صلح و صلاح طلیسه نادرک خدمت والا

روانه ایلیموشد مقصودی بو تقریبه نادرک احوالی و اوضاعه اطلاع حاصل ایلیموشد  
و کلامک سیاق و سباقندن و حرکات و سکناتندن مرادینه واقف اولوب در دولت علیته  
عثمانیه یه واصل اولد که کوردوکی و اشته وکی وجه اوزده تقریر و بیله ایلیموشد نادر بونی اشته که  
چاباد کوندروب تبریزه و رودند نصکح خراشا دعوت ایلدیلر درگزینده ساکن اغوان سر کرده لری  
و روسای استیمک قاپوسندن داخل اولوب اسکی سلطان افغانام کس نه نک شفا عتیه  
رجاری طتولوب قریب سعادت اولدیلر مزبور اسکی سلطان اشرف شاهک ایام دولتنده نرف  
جانیندن یزد نام بلده نک حاکی اولوب اشرفک انقراض دولتند نصکح روی نیازی دولت  
نادر عاجز نوازه کتوروب جبهه سای اولوب نظرند خیلی اعتبار بولمیشدی قزوین نزهت  
آیین اویج کون مقر کوبه عزو تمکین اولوب طهر یولیه ایوان کیف نام محله وارد ه  
اولدیلر چون دشت قباچه ساکن ترکانیه ی موت که هر بار سالک مالک ترمذ و نفا  
اوزده اولوب و کرایلی حد و دنده متوطن کوا کلان ترکانه کماندری که تقدیم خدمته تکامل ایدوب  
سابقا ذکر اولدنیغی اسلوب اوزده لازم الاتباع اولد فرمانه عدم اطاعتلرله هر فرایلدینی  
ویرمیوب سارخدماتدن دخی اعراض ایدر لرایدی نادر بهادر انکر جزایرینی ترتیب ایچو منزل  
مزبور دن تجدید منازل ایدوب دلیر جهلات شمار و شجاعت د ناردن دودت بنک نقر بسطام  
یولیه روانه ایدوب و موبک نادر کوشود کشا ما زنده یولیه شقه کشای اعلام ظفر فرجام  
اولوب و قول و قرار یو تمهید اوزده استقرار بولدی که ربیع الاولک اون ایکنجی کونی کوبه نادر  
غادر استر اباده دودت فرسخ محله واقع تودش میدان نام موضعدن ی موت قبیله سی  
اوزینه بلای ناگهانی کبی نازل وینه یوم موعوده اول بر طائفه دهنه کرایلی دن کوا کلان  
کروهنه قانزل اولوب بر برینه امداد و اعانه ممکن اولد ایچو ایکی قول اولوب ایکیسی  
دخی بر کونده بر قبیله ناقابل رسوم اوزده هجوم ایلیموشد کوبه نام موعوده  
علی الصباح اترک صویندن عبود ایدوب صیاد مطاردینلکله مشهور مکانده عقاب نسیرین  
شکار اولوب نصب لوای خیبست التوا ایلدیلر بقیدلر که مزبور ی موت قبیله سی یرنده یلدر اسوب  
مکر میان دریا ده واقع اطه ده ساکن آغریجه ترکانلری توسط طیله عا کرک کلچکلرین خبردار  
اولوب خبوق سمتنه فرار و کوا کلان جماعتی دخی کرایله اولوب الاداغ و سیمبار جانلرند قرار ه  
ایلشدر پس نادر غادر خائب و خاسر استر اباده عودت ایدوب عموماً سرحدات خراشا پروانه



پراکنده ایلدی که من بعد ترکان برکان اوزدینه راه معامله بی حکم است و بنی ایلوب هر نه جانبدار  
 کلجک اولور ارسه یولترین قطع و زاد و ذخیر یعنی اندر دن منع ایدره لر غنغ ربیع الاخره آب  
 هر جانبدار عبور ایدوب دشت حد و دمانه و سملقا کنار دن خراش و روانه اولدیله ایشا راهه  
 کر ایلی اعمالدن قراباغ سنجی غنزه عصاة و بغات متمر در دن بر کرده و کوه کلور و ساکنان برانبوه  
 عجز و اعتذار قابوسدن دخول و مسؤلری دلخواه لری اوزره مقبول اولوب زوال و یورغه  
 مال ویرمکی متعذر اولدیله ما مولتری قرین قبول اولدقه نادر دخی فرما ایلدی که خانه لری  
 و دهین لری قالدروب متعاقباً خراش روانه اولار ان دن عکس طرفه سیکر رخصت احکام  
 اولدی که فوج فوج هر کس وطن لریه واردوب قشایله حین اقتضاده نه طرفه امر اولور  
 اول جانبه غیرت ایدره لر بعد فرما ایلدی که دلوک یکر منجی کونی سفر هرت ایچون سوار و پیاده  
 حاضر و آماده اوله لر نادر همنوز قره باغ سنجی غنزه ایکن مشرکدن الله یار خا افغان جانبدار  
 بر عرض حال وارد اولوب ابراهیم خا بیچاره دن صدور ایدر تقصیر اتن عفوئی التماسی مشرک  
 ضراعت نامه سی اول پایه سیرا علیه رسیده اولدی نادر بهادر جانبدار دخی بواکسوا اوزر  
 جواب نامه یازیلوب ازال اولدی **شرح فرمائی که با الله یار خا افغان در باب عفو تقصیرات**  
**ابراهیم خا قلمی کردید** بعد الاقاب عالیجاه الله یار خا معلوم اولکه قرن اشم ابراهیم خانی  
 صیانت و خود را یلغی کبیره کند و سندن صدور ایدر تقصیراتی عفو ایچون استه عای عنایت  
 عرض حال ازال ایلش سز که مشار الیه ابراهیم خا کند و بر طالعن آزرده و شرمه حکمت  
 ربانی و قضای آسمانی برله واقع اوله هر یتمدن دل شکسته و کرافکنده اولوب خجالت  
 عتبه شاهنامه ضراعت نامه تحریرینه یوزی قالمیوب کج خوف فوله واله و حیران  
 و کردان قالمشدر من بعد بوجانبدار زبان قلم ایدره مزبوره آزار و درون انکار دن  
 غیری موجب شرمساری بر کفتار سویلمک احتمال یوقدر امر واجب الامتناله عدم  
 اطاعت و غرور و خود را یلغی و نادانلی و جندن چکد و کی خجالت کند و سنده عذاب کفایت  
 ایدر بلکه ارباب غیرت و اصحاب عیته بوکونه الم و کدر هر نه آتشیه عذابن بر تر در بوان  
 قیل و قالن فارغ البال اولدق اول عالیجاه رفعت پناهه طاهر و هوید ادر که ننگ و نامه  
 طالب و جاه و رتبه یه راغب اولار باب همته میدان کار زارده بقدر الامکا اظهار جلالت  
 و ابراز شجاعت و سعی و اقدام و دقت و اهتمام برله افتاده خاک و هلاک و ذمناک اولوب  
 کوزینه

کوزینه بر ایچ صوا اولیه و جا خوفی خاطرینه کلیه اما جهره شاهد فتح و ظفر پس برده  
 غنبدن جلوه ظهور ایتیموب و بر سننه یه دست رس اولوب مقدر اولدقه نصک منزیم  
 اولان طائفه یه لوم و تویج ایلدک تقدیرت خدایه مقابل طور مو کبیر مخلوق خدا قبض  
 و بسط جهانن بر کار و تقدیر دن خارج بر سننه بی اختیاره صاحب اقتدار اولوب زاولش  
 ونه اوله کر کرد فتح و ظفر و ما النصر الامن عند الله نص کریم بر رقه کسه منوط و تأیید است  
 حضرت متعاله مر بو طدر زور بر پنجه سعی بشر ایدره حصوله کلور ایش دکلدومع هذا قلیج  
 دعوا سن ایدر نکرک سپر کبی بلاره کوس کر ملک دائم پیشه سی و کردار لک سودا سنده اولنکرک  
 زخم تیغ و تبر دن باکی اولوب هر نفس انیشه سی اولوب کر کرد حذر و سلامتده برده نشین لک  
 اختیار ایدر نله ادلک ادی خطا و اولومدن قورقن که لره اته بنک و قلیج قوشانغور  
 ناسزادر ابراهیم خا ایدره بولدیغی معرکه لرنک بالجمله سنده باشنده موجود اوله عاکری  
 کران ایدره قلال و جبال نیشا ستم ستور لشکر ایدره سپهر بر هلال اولمشکن جبا و نادر  
 لغی کبیره نه نام و نشا پیدا ونه وجود دن اثر هوید اولور برو جهله محتفی و کسور کورکه  
 وجود و عدی علی السوا کورینور اعدا تو حه ایلدکره بو مشابه ده اختفا و بود زجه ده زاویه  
 خوله انزوا سبب اغلب احتمال کثرت عکس بیقاسدن استیلای رغبت و هر اس اولمقدور  
 بوکونه حرکت خصمه ارضای عنای و توسیع دائر میدان اولور اگر زاتنده غیرت و عیته  
 شمه اثر اوله عاکر نصرت مؤثر ایدره خصمه مقابل طور در ازل آزاله مقدر اولان هر نه  
 ایدره معروض بر وزده جلوه کر اولور غیور اولان کسنه لر جانیه قیوب تیغ تیز دشمن  
 کر کنه تسلیم کر ونه رضاداده اولور اما امثال و اقرا نکرک نیزه خط قلم لری طمنه سنده تحمل  
 ایلر لر و تیر و ستان و طوب آتش فیشاد دشمن بشکن ایدره ریزه ریزه اولمغه دغبت ایدر اما  
 چویکار دی برد و برادره رضا و بر مرز اچی کلای سیف قاتدن احد و اکشی یوزی زهر هلاهلدن  
 اشد عید ایدر **نظم** درد و زخم سیفکن و نام کینه میره کاتش بکرمی عرق انفعال نیست نر و بود کلو  
 کور دن صکر بو مجلس هر نیت و اذبار صادر اولدقه غیرت ایدر و حمت شمار اولمردن کرک  
 اجلدن بیجان و درون چاه عمده بنه ایلدی و لغی زنده قالب دوست و دشمنه قار شو شکنی خجالتده  
 کفتار قید ملالت اولمقدون راج صیاد لر نته که کوزنن اظهر و قردن انور در که سپهر الارزین  
 لوی آفتاب قلیجک چکوس شرت صولت وحدت و سورت ایدره معرکه سپهر هجوم ایدوب



اوج مقصوده ظفریاب اولوب تمام عالی فتح و تسخیر ایلدکه قصار! تختی معکوس هر  
واقبالی منکوس اولوب هریمت ال ویردکه رنگی زرد اولوب غیر تندن قمرزمینده متواری  
اولور و هر بار که رایات جها نکتا مرکز نقطه نصف نهدن که منحرف اولور فرط  
خجالتن آفتاب عمر کند و سنی قرین زوال کورور اگر چه معانی مزکوره به بناء مسفور الیه  
خانه بچون معرکه دن دوکران اولدک و تمام و درشت ایکن شکست بولرک دیو سوال وارد  
اولسز و شمع مجلس افزوده بچون مقراض بلا باشند قالقر دیو کرزنش و تویسخه یو  
بولنر بیت استقامته قلم یا نده شمع اولسه کشیینه مقراض بلادن باشنی قور  
تراز نر فحوا سنجی بلا و کدر دست دوردن دنی دورد کلدرا اما سوز بونه که یکی دفعه امر  
والا ارسال ایلدک که قارشو چقوب روبرو جنگ ایلدکن بغایت هزدا وزده اولاس  
قلعه یه متانت و استحکام و یرو ب درون مدافعه یه درو شسته سن بو قدر تنبیه و  
ایکد و شیرد نضک خلف مامول اوزده مصدر جهل و فضول اولوب مورث خسرت و خجالت  
اولور نه لازم ایدی دهنونی عقل و سداد ایه طریقه مصلحتی اجتهاد و یار شاد ایلرکز  
طریقه سلوک ایه و فوج اراده مز اوزده امره انقیاد ایدوب بو صورته سالک طریقه احد  
الامین اولوب طعن و تویسخه کز اوار و شایسته دبخش و آزار اولمز ایری چونکه اول  
خان عالیجاه مقام شفاعت و التماسه کلوب عرض نیاز ایلدیلر حسب المسؤل قلم  
آزادی مز بوردن رفع و کوتاه و هله تویسخت سابقه ایه مورد انتباه ایلوب مز کورد  
خان نقطه شفا عتکز ایه مظهر لطف و احک اولدی و السلام تمام ش کلام نادر شاه درین  
درد کوبه مسعود بمشهر مقدس و صادرات ایام توقف ارض اقدس چون نادر  
بهادر بی آفتاب و برسم ماهتاب روز و شب دیموب قطع منازل و طی مراحل ایدرک  
روانه اولدیلر ماه ربیع الآخر که آخر نه صبحگاهانکه تاجدار اقلیم چهارم و کیر آرای این بلند  
طایر یعنی آفتاب عالم تاب سفر جانب غربن منصرف اولوب دروازه افقن نیلک و قلعه  
سپهر که حصارینه که قدم نهاد ایلدی نادر نادر که کوبه کیانی و دید به خسروانی  
و سطوت بهرامی و فر غظنفری برله مشهر فیض مده و ایدر اولوب چهار باغ نام عمارت  
جنت افتارده قرار ایلدیلر چونکه ابراهیم خان هزمتنده افتاده خاک لهلاک اولان ادباج  
و خانک قبایل و عشایری قاعده اعجام اوزده لباس ماتم و یاس کینوب کینه طنبور

زفه ناخن ایه چنگ آسا فریاد زن و افغاندک جو درن صدای ناله و افغانه هفت  
آسمانه و نوله افکن ایلر کی سی جگر سوز کلمات ایه مرثیه ترکیب بند ایدوب بو گونه ناله  
اولور لردی که **نظم** دولاب چرخ دو کدی کیل فنیاشن باغ زمانه طبطلو خار جفایشن  
کوته بجلدی قوته روحک قبای تن طول بقا انک که قبای عبا یمشن شاد اوله  
اول لباسه که اول مستعار اوله فرض ایت که باشن آیفه حسن بهایمشن دولت  
بهار عیشنه ال نه کم بونوش بر باده در که علت نیشن بلایمشن اقباله و یرمه قلبکی  
که بی بقادر اول کوز مز مس که قلب انک لابقایمشن شادی کونینی غم بولدی قبلدی  
دریغ بلرله یرو کوک دون و کون اغلدی دریغ نر و کی سی جگر لرین لاله کبی پرداغ و خانه  
در و نلین اول داغ ایه فروزان چراغ ایدوب بو گونه کریه اولور لردی که **نظم** اغلک که  
ییر کردی بود کلو جوان دنی ظلمت پلاس اکتی الی جهل دنی چالدی یره کلاهنی در دیه  
صبحگاه چاک ایدی غصه دن یقه سن آسمان دنی دولاب یا شلر اقبوب اکلر بورد  
ایه طشرله دو کنب یور آب روان دنی قلعه یر اهلی سینه سنی جامه کبی چاک  
قان اغلیه قیامته دک انس و جان دنی فریاد ایدر سه حشره دک افراد کایات اولیه  
بو مصیبت کوره فغان دنی اولمز مصیبتی بو عز انک بی دریغ زیرا که شمع کبی طوتشری  
زبان دریغ نر هنگامه کریه کی گرم ایلدک ایچون سوز جکردن آتش باز لقلر قوروب  
له کیجه اول کشته رک دو دمانلرینک آه آشناکلری فشک آسا آسمان چقاردی  
درون مراد تنیورک کوتکلی باطلرده شراره سی زمینیا قوب صداسی افلاکی یقردی  
کوس و نغاره صداسن دور و آیس سور و سرور دن مچور ایدیلر چونکه نادر بهادر  
دربه و طنطنه ایه شهر قریب اولوب طبل و سوز ناناغاره و چفاتا آوزده لری کوشن  
ماتیمانه رسیره اولدقه سینه لرینه روح تازه و سرور بی اندازه حاصل اولوب طوب رعده  
آواز و تفنگ برق آهنک ایه شاد و شنگلر آغاز ایلدیلر اوج کون نضک که عاکر مکن  
قیام و غسل و استحمام و آسایش و آرام ایه ریخ سفردن ریخ اولدیلر اولافارس و عراق  
و آذربایجان جانلرین فرستاده اولافناریه و سایر ایلاتی مناسب ییلاق و قشلاقلرده ایطاف  
و اسکا ایلوب بعده مز بود ایلردن برکروه جوانا مردان میدک جنگ و وغالی انتخاب ایدوب فارس  
فریست پیسته و چاپک سواران فراست انریشه سلخورانی سلخور لور فنلین تعلیم ایچون



تاریخ  
نور  
تاریخ  
نور

مزبور بیکتره تعین ایلدیلر انردنی مست چشمی خوبا کتکتکی خلقه خنر کدارلقده  
و دیده فتان دبران کبی که سیاه رنگه تو زوتیر دله وزایه عکسنگن و قیقاق انرازلقده  
ماهر اولوب هر بریسی آرزمانه فنون سواریه دستمیل و خوشخوارلقده فرزندشید جریغ  
و جلا و اجل اولدیلر **نظم** اگر از کار فرما روی دستی در میان باشد بناخن سنگر آینه  
سیمایستوان کردن **نثر** چونکه سفره آنادر بهادر خاطر نه مصمم اولوب الله یار خا ابدالی که اول  
زمانه دک مشهوره مهمل و نواله خود خون احکای ایلدیلر چونکه هر آنک اصلاح احوالی هم  
یری حضور نادرده باله فعات مشا و ده اولنوب استجواب قلندره جمله خانلر الله یار خان  
مجتب الاطوار بر صد اقتدار بنده لریدر ابراهیم خا انزای کت و نک خودین و جلا و طمع خای  
و سورتیر و تقصیر مالاکلامیدر خصوصاً واجب الاستماله اولر عاکردن چه طویغنی کت و دن  
تغیر ایتکله انردنی امداد و اتحاد ایتیموب یا ویردیلرینه کردار لفه الله یار خان ساردن او قدر  
ینه افغان و هم جنس اولغه واروب مار و چاقه توقف ایدوب اهالی هراتن کینک قلوبن  
تالیف و کینک ترهیب ایدر و احوال و اطوار لینه کگی و قوف حاصل ایدوب درد ولته اعلام  
ایلدره مقتضای حاله کوره حرکت اولنور دیو هراته سردار اولسین مناسک کوردیلر بوشو  
مرضی نادر شاه اولوب سردار لوی امر لری یاز لوی فرما اولنوب مزبور الله یار خا نقود واقع  
و خلایق فاضل و خنر مرصع و عطایای خاص اینه اختصاص بولوب حضور نادر دن  
مرخص و مار و چاق جانبنه روانه اولدیلر چون سابقاً و ایدر بیله و تقریر کشیده سسط  
و تحریر اولنمشدی که کرایلی اعمالدن قرع باغ سنجی غننه ساکن کوهکلان امراسی نادر که ربقه  
اطاعتنه رقبه کرک اذخال ایلدیلر تعهد ایلدیلر که اکیوز خانوار دهن و زوال اولوب اوزره  
مشهره نقل ایدر چون بر قاج ایام مرو زنه قرین ظهور اولدیلر تاخیر اولنمغه احتیاطا  
بر امر دنی ظاهر اولدی که استر اباد عاکری سفره آت بهانه سیله کلوب سنجی اسب نام محله  
توقف و منتظر اولوب نه کونه امر م ظهور ایدر که اکا کوره حرکت ایدر ل انرا نادر بر شرمه  
قلیله اینه مجازی الاخر که اون ایکنجی کونی اول طائفه یه تنبیه اچون روانه اولوب خبوش  
وارد اولدیه مزبور مامور لدنی برو فو فرما و اصل اولدیلر نادر جانب مشهوره عطف عنده  
ایدوب اول جماعت دنی خانه لرین کتوروب مناسک محالدره اسکا ایلدیلر و متعهد اولدیلر که  
هر آنک ضبط و تسخیر نضک جمله قبایل و عشایر ایدر هراته ساکن اوله لر وقایع ایام **مست**

انجام

**انجام سوز و واج فاطمه سلطان به شهرزاده رضا قلی مرزا وقتکه بر قاج سنه دن برو کوش ۷۹**  
آیاش کائناته ولوله و بقای ارایش مالکه زلزله ویرن فتن و آشوب و حروب نادر  
شاه عالیجا هک تبیر اصابت بنیر لرینه اورتالقدن مرفوع و مسلوب اولوب رزانت رأی  
شاهانه لرینه با مال صدمت اختلال و خاست انجام اولان امور مهام مجد انسور بابه نظام  
اولغه خلق جهل آلام کتشته لی فراموش و صفای وقت و امن خاطر اینه هر کس  
اسبب شوق و انبساطه نصب چشم و کوش ایلدی سهر بر سر و رازدواجک بوندن مناسک  
و زوق مست و نشاطک بوندن موافق ایامی اولدیلر فی قرار داده رأی اصابت فرجامدی  
اولوب مقدما وقوع بولان سوز شاهک اعجامده مسلوب اولر راه موافقت دکاهه  
سلوک اینه بالجمله ممالک محروسه اولر خانان و میران و علما و اعیان و ولایه صاحب  
نام و کاهه ابراهیم خا و الله یار خا مکتوب لرینه سوره مبارک اولنه جفی اعلام و هر طرفن  
سوره مناسک ارباب هنر تارک و ازال ایتک خصوصاً انرا و افهام اولندی سابقاً  
ایر شاه حسین صفوینک کرایم مکرمه لرین هنوز دیده نصب تزویج اولر فاطمه سلطان  
که شاه طرما سبک لغشیر ری اولوب شهرزاده رضا قلی مرزایه نامزد قلنمشدی آلان مهامت  
سور بر کرده مبارک اولنوب مزبور ارقام ازال ارضان بالجمله امر و حکام و سرک سپاه  
نصرت فرجام و عظمای احشام انجم احتشام بزم ارم نظم سوره و محفل عیش و کور  
موفوره حاضر و آماده اولدیلر لیاقت و استقامتی متعین اولان بوخه سوز امینی نصب  
اولنوب و ارباب هنر جمع اولوب ابراز صنایع ایلدیلر و انرا و بشر زراع اوچر بشر صبله  
خل صغیر و نخل کبیر و شکر باغچه لری ترتیب و انشا قلنوب و چه بنک عدد طاو و قاز  
و بلیج و کبوتر و اور دک صاتون آکبوب و شکر ایشدی وضع اولنمو اچو طبه لرترین  
و میدان سوز چراغ اینه مالا مال اولر اچو نیشته قنیلر و شربت لری اچو قتلور و قوان  
و سیر پرزین اولندی و چه محبوس و محنت کشر معاف اولمغه نایل الطاف اولدیلر  
ولوزم سوزدن اولر خواننده و سازنده لرین مهاردت لری مسلم اولندر انتحاب اولنوب و رقص  
اولعبته ماهر چنگیلر و جانباز لر و سار شعبده باز لر جمع اولدیلر و کبار بلده دن کبیر سینلر و سیر  
و اوانی نخاس و کبیر قرغان و تنج لر استعاره و تعمیر و اعداد اولدیلر رجب المر جبک اونی  
همه کونی که قبه خضر آراسته لکه رشک چتر طوسی و بیسط غیر افرغ بخشکده خجالت



افزای جمله عروس اولوب زهه سرود چنگ و چغانه ايله سن سورا آفتاب و قمر  
هزاران فروزیت زیب و ترتیب. ایلدیلر اول کونده نادر نام از سر کردگان سپاهه و امیران  
بادگاهه و بندگان دزبارة و چاکرکجه نثاره یکی بنک قاشکران برها خلعت الباس ایلدیلر  
چهارباغ نام نموده هشت بهشت اول صحرای واسعه یه اوطاق کردون نطق اخراج  
اولوب و خیام نیل کون فام قوریلوب و ایکی شرا و جرد کلچلر کره لرو ضیافت خانه لرترتیب  
اولنوب هر کس اظهار لعت بازلفه رخصت اولننقه پیاده جریه باز لور ملاحظه سی اولوب  
واندن برکروه نفر لباس غریبانه و شبکلاه عجیب ایه استصناع ایتدکلری غریب شکل دوه  
توشنی اوینادرق میدانه بازیجه یه کلوب و دستار لری عجمانه دف چالار صورتلر و عربه اوزر  
او غلان صورتلر یکه یویدیکجه هم چلار هم اوینادر لرو بدن یوقاروسی آدم و اشاغسی ات  
برالنه یالین قلیج اوینادر صورتلر ایه هنر باز لقلر و لعتلر اظهار ایدوب و صریقلر اوزر نه  
مصنوع حلقه یه او یخته کونا کون فشکلر آتش لرو ویریلوب و بریسی دخی اطرافنه  
تیغرباغلو اول چنبردن پرتاب والنه بر مشعله آلوب آغاز طبل و سوزنایه موافق  
برازرقص و شیرینکاد لقلر لضمک بر آدمی باشنه آلوب اوینادرقه بیر ییقلوب دو غریلوب  
باشنده اول آدم دخی بیله ایلوب قالقار ایکن دو شمز ایدی و کجه اولدقه چادر فشکلری و فقیه  
فشکلری و طبه فشکلری و هو ان فشکلری و سایه فشکلری و چیچک فشکلری و پوسکر  
فشکلری آتیلور ایدی و صباح اولدقه کاه کوسر چالینوب و کاه چنکدر اوینایوب بریسی  
برمزاق یا طمانی الی اوزر نه دقص ایدوب و بریسی بر چنبرک ایچ و طاشنی دائر سنه فنجاندلر  
دیزوب و ماهی و ارچنبردن کچوب اصلا بری دو شمدی و بریسی الله بر برداق برستون اوزر نه  
چقوب و دپه سی اوزر نه برداقن صوایچوب و بریسی بر چنبرک اطرافنه بجا قلد صوقوب  
بر طرفنه بر طرفنه پرتاب ایلوب بر آفر کسنه چنبر ادر نه لام الف کیسی ایکی قلیچ طو تر کن  
اول قلیچ لرن اوزر نه کچوب بر چبلق دوه اوزر نه بر چنبر طو در کن بر قاج آدم بر پرتاب  
ایه انن دخی کجری و طوب کجیا کروهی دخی بر قاعده قلعه جنکی ایدر کی طوب و تفنگ ایه عالم  
ولوله انزا اولدیلر انن چاشنکیر کسفر لره وضع طعام و خدمته قیام و نغایسی اطعمه  
ایه جمله حضاری اطعام ایلدیلر انن جمله حضار بخور و کلاب و چای و قهوه و میوه  
ترقه و حضور ایلدیلر وینه اختام اولدقه عجیب و غریب فشکلر اتمغه باشیلوب

کورلین صنایع عجیبه صورت نمای بروز فشکلر و مشعله لر قندیلر بر تویله شب دیجور فشکل  
روز اولوردی و ایرته سی کونینه انواع مخیل صنعتلر ابراز اولنوب و استاد هنر پر و از جنباز لر  
اول محله قوردقلری دسن بلند خطرناک اوزر نه انواع مهادت اظهار ایلدیلر بر هفته بومنون  
اوزر سوروشنکلر اولوب آخریوم سورده اهالی بلده فوج فوج کلکه باشیلوب میدان سور  
اطراف جبال و نسا و اطفال اینه مالامال اولوب نجه بنک طبه بلار و اطعمه نفیه  
میدانه کسترده قلوب ضیافت عامه شاهی ایه جمله سی تلطیف اولنیلر بنک یوز قرق دورته  
ماه رجبک اون بدخی جمه کیجه سی قره شرف آفتاب و قمر واقع اولوب اول عمارت دلنشینده  
اول ایکی اخترک بر تو وجود مسعود لر دن برج سعادت رشک بیت الشرف آفتاب اولدیلر  
حالیابو اوراتی ترجمه و تحریر ایامنده والی بلده مزوالی محیه قارص ارضروم پاشای صاحب رای  
دلنیز ادر سطوت بیدر و لتویعقوب پاشا زاده محمد پاشا اصلح الله تعالی امره حضرتلری بنقا  
والی قارص مرحوم مفسور یوسف پاشای و قور حضرتلر بنک حفیده لر دن بر حکتمه لی مختوم  
سعادت مکتوملری اول مصطفی اغا حضرتلرینه عقد و نکاح ایلدیلر ایکی هفته عظیم شادو  
شنکلر اولوب جمله اهالی بلده یه مشایخ و علما و اعیان و امرا و سپاهیان و بکتاشیان  
و سایر اصناف متنوعه یه ضیافت و رعایت برله مراسم ولیمه بتماها صیانت اولنوب جمله  
علی مراتبهم تتیم اجلان و احترام و تجلیل مالاکلام قلندره انواع اطعمه نفیه لیزه ایه هر فرد  
سیر و طرف خانه لرینه سیر اولنوب فضله ماکولات و مشروبات ایه جمله ماکین و فقر اوا  
دامل و ایتام اطعام بعده منزل لرینه عازم و دعای عمرود و لتلرینه ملازم اولور لردی کرو موفو  
و عبور نا محصور ایه تکمیل سور اولدقه هجرت نبویه علیه اکل الصلوات و التحیه نک بنک  
ایکوز یکر می بر نه ماه ربیع الآخرک اون سکر بنجی لیله جمعه ده قره سعیدین و اتصال نیرین واقع  
اولوب سور اذواج ختامنده دودت نفر صغیر ایتا سعادت مینالین دخی ختای بیوردیلر حقه  
بو سورده کرده شامل اول شمایل سور نادر شاهه معادل و انن دخی رونو فرا و براجت افزا  
اولینغی رای العین جمله نک منظور و مشاهد لری او طفله مبالغه دن دور ریا و مداهنه دن  
اجور دره لره خدای متعال همه حال خیره مقرون و امن و احسانلین افزون و نعمت  
جمله ایه ممنون و مکاره لرن مصون ایلیمه آمین بکرمة نبیه الامین نظم عروس کلای  
بز تابه لم بزنگه بک قاتی شهر ناز اولور بودکم سوزی چوق و زاتایه لم کوزل سوز



که در کهر آزا اولور: وقایعی که بعد از سوز نظر بود آمده است چونکه ایام سوز کرا انجام  
بولدی نادر نامدا سیر و شکار ایدرک مسقط رأسی اولای سوز و کلات جانبنده دوانه اولیلر  
اول دیارک اها لیبی انوک حرکتکش اولدقلری دیدار قابض الانوار یله دمه لیرین روشن  
قلیلر چونکه نواحی خوار زمره ساکن طائفه ترکا به کما که اکثر اوقات کلوب سوز در هدا  
منتهای معموره سنده واقع طزن نام بلده دن نسانام بلده نکه هوای سنده و ارجه اضرا و غارت  
وانواع خسارت ایدر لر ایدی اگر چه مقدم ابراهیم خانی کلتلو عکرایه روانه ایلد لر ایدی که  
درون نام محله وارد اولوب اول طائفه باغیه یی علی الغفله باصوب مأمور اولدنی و جبه  
اوزره جز آسز لرینی ترتیب ایلیه لر امانا نادر عالیجناب علوهتله کسنه دن اصلات توفع  
امداد و اعانه طو تیموب و برادر و چاکر امیدینه ایستنی ترک ایلد لر ایدی ابراهیم خانی سوزده  
احضار و شعبان المکر مک یکر می سنده برفوج عاکر جه نادر ایلد لر ایدی و ب قرق فرسخ نیولی  
اوچ کونه کسروب طزن نواحی سنده طرسخون سنجی غننه اول کروه مکروهی علی الغفله ه  
باصوب رجالت لرینی عرضه شمیر و نالرینی اسیر و اموال و انقال لرینی غارت و دارو  
دیار و اشجار لرینی هدم و احراق ایله تخریب ایلد لر ایدن تکه و میوتده ساکن ترکا نلرین ترتیب  
جزا لر چوک ابراهیم خانی بر بلوک لشکرایه کوندروب وارد اولد قلر نه مزبور کشر لیرین قولقلر  
بوروب و بور و نلرین قروب عودت ایدر کلر نه رجعت ایدوب مشهره وارد اولد لر بون  
اقدام زکرو بیله اولنشدیدی که نادر شاهک آذربایجان طرفنه حین توجهنده هرت اغوانلری  
کلوب دکاب نادره یوز سوزوب ربقه اطاعتنه کردن داده اولوب صلح میر محمد ک قرنه  
میر حسین غلجایی نکه مخالفته تحریص و اغرایسه سلسله جنبان فاد اولد لر وقتا که  
نادر شاهک اول جانبه خبر عزیمتی واصل اولوب جمله دورد نزدیک و ترک و تاجیک  
بینلر نه که ولوله انداز اولدی زوالفقار خانه کال خوف و هراس ایتلا ایدوب الغریبه  
یتشبت بکل هشیش فحوا سنجه میر حسین خبر کوندروب استمداد ایلدی میر حسین دخی  
برکوه انبوه ایله ابدالی اغوانلرینه اعانته عزیمت و قندهاردن حرکت ایدوب اسفر از نام شهر  
وارد اولد لر که شایر بر لرینه معاونت برله خام قلج لر یله نادر جهله پروردک زی جوهر فولاد پیکر  
تیغ و تبر دن رهیب اولوب رضیت وجود لرین و ایدی نجاته کشیده قلار چور چوب ایله راه  
سیلابی بند ایتک متصو و اولمز و برقر ایتله کونشک شعله سی کلر نه ایسه زوالفقار

خان ایله میر حسینک اتفاق و اتحاد باندنه سوق ایتد کلری مقدمات سر اپا سقیم و نادر  
واج و اوضاع غریبه و معکوسه لرینک مقدمی تالیسته نامربوط اولفله عقیمة  
الانتاج اولوب میدان جنگ و غاده تیر و شمشیر ایله کرباز و عرصه گیر و داده بال  
و پر لری ناپر و آزا اولمقین میر حسین کند و اسیر لرینی استخلاصه وسیله اعتد ایدوب  
سکت آمیز بر عرض حال کوندروب میر محمد ک اطفال و عیالتی آزاد ایلد ک استدعائی  
مشر نیاز مندانه ملاز عفره و سابقا یزد حاکی اسحق سلطان نام معتد لر یله دکاب نادره  
ایصال ایلد لر نادر مسؤلرین درجه قبوله ایدوب تمام اسیر لری که اول دورت نفر کسنه  
ایدی زکور و انا نادر بور لری تسلیم ایدوب فرستاده ایلد لر مرکز کور آدم لر نیل مرام و حصول کام  
ایله رجعت ایتد کلر نه میر حسین دخی کند و جسنده اول شاه حسینک یکی نفر قیز لرینی ملاز عفره  
یر یله بارگاه نادره فرستاده قلوب کندوسی صلح و جنگ و مک و دزدنک ایلیموب فراه جانبندن  
قندهاره عازم اولد لر امانا مزبور میر حسین بولطف و احسان مشاهده ایلد ک نصره ربقه  
صد اقتد ک پر پیچیده ایتک لازمه حال ایکن سینه مخالفته آغاز ایدوب سیدال نام افغانی  
سر کرده ایدوب یکی اوچ بنک نفر اغوان ایله هرت اغوانلرینه امداد کوندردی بو خبر نادره  
واصل اولد که بر معتد لرینی حرم کتخاسی نصب ایدوب شاه حسینک قیز لرینی اعزاز ایله ه  
اصفر هانه کوندروب شاهک حرم کراینه ایرشرددیلر درایت افزای قلم فحشته رقم در مضار  
وقایع نکوز ییل موافق هزار و صد و چهل و سه هجری و حرکت موکب فیروزی بینات بجانب  
هرت ونورد و فیروز آن سال ماه صیام فرضنه فرجامک دوردخی چهارشنبه کونی که تیر اعظم  
عزم تسخیر شهر بند جمله دایت افزا اولدی بهادر شهرستانک سفر کشری که ریخ نیسا  
شتادن ایرماق باشلر نه و باغ و کلزار زاویه لر نه قشلاق طوتر لردی شهرستان صیفه  
ایرشیدر فرآشان فرآشان قوای نامیه ایله اطراف چمن و فضای هامونی الوان لاله و ریخ  
وردنکار نکه سز پرده لر و خیام کلکون ایله آراسته ایلد لر دلا و رصنوبر و جماعت شمشار و  
عرع تمام برک و ساز ایله معکب سلطان بهاره داخل اولد لر افواج فاخته و قری خاقان  
ربعه قوللق طوقتی کردن لرینه بند ایتد لر سبز لری کیمی سی دشنه و خنجر کیمی سی پیر و شمشیر  
قالدروب و چشمه سار لر موجودن زرخ کینوب و اغا جلر شکوفه لر دن دمور تقیه اوردنوب  
و جنود ایدر بهشت راه فتنه یی زمستان یغما جیلدی اوزرینه بغلیوب سپاه شکوفه و ازهار



شاه رخساری منزه از ایلدیر بزم خسروانی ترتیب بولوب خلایع زرکش کونا کون  
ایله دوش دلبران مزین اولوب جیب و دامه آمالترین زر کفر و سفیدن مالامال و مشغول  
ایلدیلر یعنی اول بهار اولوب مجلس جشن و سرور ایام عیش و هجور منقضی اولدوق  
اول شهر صیام سعادت فرجامک اون ایکنجی یکشنبه کونی فریرون و کوبه کیکاوس  
ایله مشهور حرکت ایدوب طرق نام منزله نصیب خیام زرین قباب ایلدیلر دیرانکه  
برچه ایامدن برودشمن قاننی ایچکدن طوطقلین دهان روزه دارکی بغلشیرایی اول  
کونی کندورینه بیرام بیلوب خون آشاملو لذتندن برکام اولدیلر و دلاورانکه حرارت  
درو نلین دفع ایچون خصمانک قاننی ایچککه محتاج و مال منسوبه لرین بیگه آج و هر  
لا علاج ایلدیر کری قلچلین هلال شوایک طوغر و مسنه حواله ایلدیلر چونکه ایام  
صیام منتهی اولدی نادر بهادر موکب ظفر فرجام ایله جام سنجاقلرندن بوچکام نام منزله  
وارد اولوب بار و بنکاهلین براغوب آداب سپاهکرک و رویه رزم کسترلکه موافق  
چرخچی و قرع غوللر ترتیب و تعیین ایدوب لشکر محشری اوچ قول ایلوب مینه و مسه  
و میانه صفلر و ایلر ترتیب اولنموه تنبیه قلوب نیزه کناران راح قرین و تفنگچیا مرغ آسین  
عساکردن طوبخانه و زنبورک خانه یه باشقه باشقه پیاده و سوار تعیین ایدوب التی  
کونلک آذوق قالدروب رباط قومایه یولندن آغازه نورد و ایدی کین اولدیلر و دما بغی و ضلالت  
فروغ افروز اولدیر بریه خبیثه محل مزبور دن ازال اولنوب شمش و شکیبا و غوری و سار اول  
نواصیده اولان قری اها ایلرینی خدنگ جود و جفایه آماج و اموال و اشیایرینی بالکلیه  
نهب و تاراج ایلدیلر اثنای راهده واقع قصبات اهایسی محضانادرک اول جانبه حرکتی  
آوازه سیله کلوب رکاب نادری تلیم و مفاتیحی تسلیم ایلوب موکب نادریه شوال المکرک  
در دنجی کونی هراته اوچ فرسخ محله واقع نقره نام منزله وارد اولدیلر چونکه اول شجما  
رویین تنان زرین کرو آهن جانان فولاد پیکر که نقره ده لنگر براغوب اوردولین قوردیلر  
خصما التی همتن موئی معاینه کوروب حیران قالدیلر اوچ کوند نصکر نادر بهادر جنگ  
جویان نصرت طراز و دیر کینه بردازدن برکوه ایله حوالی شهر هراته رایت افزاز رزم ساز  
اولدیلر زوالفقار خان دخی اظهار جلالت ایدوب شمشیر خلائی غلافتن چقاروب اول  
کون دلاوران نصرت نشا وقت غروب قریبه دکن شهرک اتصالده اولان باغاتی هنگامه

ساز عرصه جنگ ایلدیلر اشام اولوب طبل آسایش اولدوقه طرفین اللین حربدن  
و ایاقلین مضمار طعن و ضربدن چکوب اوردولرینه دونلوب آرام اولدی عساکردن نادر کیف  
ما اتفق نزل ایدوب و بعضیلر چادرلین قوروب دخول ایتدیلر و بعضیلر اختلاط و ازدحام  
آت ارقه سنده مزراقلرینه طیانوب طور دیلر مکر سیدال خان غلجایی ظلمت شبده برجم غفیر و  
جمع کثیر پیاده و سواران ایله اوردو اتصالده شهر شکسته نام محله عزم شجی ایلوب و ازل  
اولدیلر چونکه پرده داری ظلمت لیل و ترهجم لشکر و خیل جیوش دریا فرو شک دیره لرین  
بند ایدوب جنگچیا و طوبجیا ضبط و صفوق و نظم ترتیب تیب و الوذن اللین قالدروب  
و اکثریسی خواب و راحت و آسایش و استراحتده ایکن بغتة علی الفظه اول گروه انبوه ه  
اوردو کنانده تفنگ مردم کوبه جنگ و حروب ایلدیلر اتفاقا اول موضعدن جاری ایرما  
باشنده بر قاق کون مقدم برطابیه احداث اولنوب نادر بهادر اوردوی فیروز شموله  
و صلوند نصکر با سطوت بهرامی و صولت ضرغامی اول برجه عروج ایدوب اوردوی  
تفریح و احوال ناسی تفقد ایدوب اول کیچه دخی آنده خواب و راحت ایتدیلر  
چونکه افغانر مشعله لر و سوزان فیتنه لر ادرنده یلر زکروهی کبی یال و زلنشن هیساته  
میان شهر دن ظاهر اولوب هجوم ایلدیلر انلردن برکوه مزکور برچی احاطه ایدوب رضنه  
لردن و لوجه بر جک زروسنه عروجه قصد ایتدیلر نادر قرصاب دل که زهه شیر  
فلك برج آسمانده انوک مها بتدن آب اولوردی خدمنده انجو سکر نقر تفنگی حاضر  
بولنوب مدافعه یه مشغول اولدیلر شمشه تیغ و تفنگ ایله اول برج خاکی برج آتسه  
مبدل قیلدیلر عسکر ظفر ما شردن برکوه دیران خصم فلک و بهادران قلب شکن دخی پیاده  
سل سیف ایدوب اول تیر دوزله قلع او شوروب برچه نفر کسته نکه باشلین دور دیر  
تیغ آبدار جو بیارینه اول فتنه آتشی سیوندروب اغوانلرک یوزلین دوندر دیلر ایتد  
کون طرفین مستعد قتال و متهیات جلال اولوب دایتلین اعتلا ایدوب چرخ آنبوسه  
غریونای و کوس ایله ولوله انداز اولدیلر اغوانلر سبقت ایدوب طاغک فراز و نشینده  
ایلرین قوروب صف صفا آراسته اولوب جنگ طلب ایلدیلر نادر دخی در حال  
برکوه تفنگچیا کیوان شکوه ایله زروه جبهه عروج ایدوب اغوانلر اوزرینه یورش ایلوب  
کارزار جنگ ترشده اغوانلره غلبه ایلدیلر اغوانلرک خون خوشگوار آینه اطفای



نائب حرارت و تسکین سرد شرارت حاصل اولدقه طرفین رجعت ایلدیلر ایرته سی کون  
علی الصباح که هو اصف و آینه خود شید شفاف اولوب فیتن عزم مصاف ایلدیلر چرخ  
تیز فته انگیزلکه سبقت ایدوب بولط سپاهی افلاکی قبلیوب قبلان کبی کوکریوب رعد ه  
کوس حرب و آشوب عالمه ولوله انداز اولوب شمشک ویدلرم آتش افروزی نائز  
شرارت ایه پرتاب ایدوب آسمانلوقود شونلین یاغدروب ویاغور اوق یاغدر  
دادین و یروب ناچار طرفین جنگدن ال چکوب مقرر مقاملرینه دونوب آرام ایلدیلر بر قاع  
کون نصک که افاغنه و ذوالفقار خان همیشه ابراز جلالت و اظهار شجاعت بر له  
خصمالرینه غلبه ایه کلشرا ایدی بود فعه کند و لرینی تنکنای زبونیده کوروب نائز  
غیظ و غضبدری مشت اولوب آرقالری که جامه جانی تلرینه ریزه ریزه ایه لر بود فعه  
اورتیه مصحف و قلع قیوب حکم اتحاد و اتفاق و عهد و میثاق ایلدیلر که تاجان و ه  
باشمز بو اوغورده کتینجه و اسباب جنگ و سباباشی تکیل و اتمام ایتینجه بود  
یوزد و ندر مک محال و نادری مقصودینه دست رس ایلدک عزم الاحتمال او ایرتیه  
کون علی الصباح که شام سینه درون رمح و سنان نواب کواکی ذنگ ظلمتن منجلی  
وتغ خورشیدی خاکستر صبح ایه مصیقل ایلدی ذوالفقار خان عهد و شینه یبنا  
برگروه افغان ایه یکل و یکر بان هیئت مجموعه ایه کلوب نادر که او دروسی اینه  
ساق سلما نام قلعه بی ضبط و تصرفلرینه اذخال ایلوب درون قلعه دن هنگامه  
آرای جنگ جلال اولدیلر بو جانب دن دخی نادر کشور کشاکش و فرایه میدان معرکه یه اقدام  
و ترتیب صفوف و تثبیت اقدام ایلوب پیاده تفنگچی ایلر و سوروب طرفین قود شونلشوب  
اوچ ساعت مقداری بلا بولطی قطع ریز و اجل ایلدی صاعقه انگیز اولوب دلاورلردن  
بر ایدیا ندرین یردن اوز میوب و ترتیب صفوفی بوز میر صبر و ثبات بیسه اغوانلر غالب  
کلوب اوز لرینه قویلدیلر اندردن جمع کثیر عرضه شمشیر اولوب بقیة السیوف مرحله پیمای  
وادی فرار اولدیلر نادر ایه اغوانلرک طوبخانه و نغاره خانه لرین ضبط ایدوب یگری یکی کون  
اول مکان نصرت اندوز مکر کوبه فیروز اولوب هر کون باشنده اولان حشراتی گروه گروه اطراف  
و کتافه آلال و اندر فی زب و غارت ایه رعایا و بریایه انواع خسارت ایصال ایدرلری  
تاکه بغال و جمال و اموال و ائقارن ما عدا اوچویوز بنک کوسفنه خطه اکتسابلرینه اذخال

ایلدیلر

ایلدیلر اغوانلرک ایه سینه لری نار غضب ایه سوخته اولوب هر کون قلعه دجقوب  
حرب و قتاله آهنک و حوالی شهرده عظیم کارزار جنگ ایدر لری و هر دفعه ده هزیمت  
ایه فرار و درون قلعه ده قرار ایدوب کون یکچر دی که مزرا قله باشنده انلرک کله لری پیشگاه  
نادره کلیمه و کیمه اولمزدی که برکشک کوس لری آستانه بارگاهنده غلط اولیمه و ایام  
توقفه حادث اولد جمله و قایمدرن بری بودر که الله یار خانی سابقا مشرهدن کردار ایدوب  
مار و چاق جانبنه ارسال ایلشرا ایدی الله یار خان محل مزبوره وارد اولد کلرینه باد غیث  
و مار و چاق جنگی لرینی انتخاب ایدوب کلوب نادر او در و سینه ملحق اولدیلر مرو حاکمی  
محمد سلما نام کسنه دخی اوچ بنک نفر خو خوار لشکرا ایه کله کلرینه فراه جانبنه مأمور اولوب  
اول ستمه روانه اولدیلر فراه سونینه وارد اولد کلرینه خاش نام قلعه نک حاکمی مصطفی خان  
نام ابدالی قادش و جقوب براز محاربه دن صک شکست و مقتول اولوب کبری سنی بر بلوک  
کرفتار ایه حضور نادره کتوردیلر خاش و کله نام بلده لری دخی خوزه تصرفلرینه اذخال  
ایلدیلر چونکه نادر کشور کشانک همت و الای بو کا مقصود ایدی که هراتک اطراف ه  
اربعه سنی جنود نام مسعود ایه محصور ایلیمه شهر شوالک یگری التخی کونی سپاه نصرت  
پناهن اون بنک نفر لشکر اهل و قوف کسنه لری سر کرده ایدوب طوبخانه و سایر اسباب  
سپهراری و مهات سفری نقره ده جمع ایدوب و مزبور لشکری مزکور مهاتی و سنکری حفظ و  
حراسته مأمور ایلیمه کندی سائر نواصلی ضبط و تسخیر روانه اولدیلر چونکه هرات  
صوینک طفیان و قتی اولوب عبود ممکن اولمغه زنده خان و کبوتر خان کدر کاهلری سائر  
یوللر نسبت او فوج اولوب اول یوللردن بل مال ستمه عازم اولوب هنگام ظهرده ده  
نو محله نازل اولوب او در و لرینی قودوب اولتوردیلر عاکر ک قرالتنی اغوانلر کورد کلرینه  
چرخنی ظن ایدوب بو کرک اتلر بهادر لری قلعه دن جقوب شمشاد نام قریه معوره نک حصار  
دیوارینه ایتکای ایدوب جنگه حاضر و آماده اولدیلر نادر که بویه کونه مشتاق ایدی فی الحال  
ارقه سینه زده و باشنده دمور تقیه کینوب و مرکب کردون خرام او زده سوار اولوب کرکی کبی یات  
ویراغن کوروب طوبچی و تفنگچی کوهنی کامل مهاتره اغوانلر مقابله کوندروب قارشو طوروب  
جنگه مشغول اولدیلر اغوانلر طوبچی و تفنگچی انله کادزار و کیر و درده ایکن نادر غادر بر گروه مکره  
از دردل و غضنفر زیکتر و ایترا ایه و راء جیدن طولاشوب که لرین کسروب اغوانلر ایه

۸۴



قلعه مابین فاصله اولوب سطوت هائل ایله راه کزین حائل اولیلر بر جانبدن طوب  
وتفنک اذربکی آغزن آچوب یقین اوزاق دیموب اغوانلری یوطاردی بر طرفن سیف و سنا  
افعی کبی صوقیفنی خاکه یکک ایرردی چونکه اغوانلرک دوردت جانبی دگر کسلب کندی  
سرنجه بلایه دوچار کوردیلر بر جانبد فرادری ممکن و متصور اولوب قزلباشلر قویلوب  
دلخواه لری اوزره قلیج قوییلر **نظم** جدال ایته قیودنیز بی دال خدود اخدوده دوشری اولدی  
پامال ززه چشمندن اقدی چشمه خون دم اغوانه خاک اولدی کلکون جراحته دهان  
پیکان زبانی بیله ایلر تقالیب زمانی چالشمو قامت شمشیری بوکری خرابه قزلباشلر عمری  
توکی اجل ساقسی دوزاید و بدمادم دوشردی روی خاکه هر دم آدم نثر و فرجه بولوب  
فرادری دخی تعقیب و انواع ازی و تغیب ایله کیمنی طعمه شمشیر کیمنی دستگیر ایلیوب میره  
معرکه ده کشته لردن پشته لرو کله لردن قلعه لرسید اولوب آن واحده اوچ بکک نفر دن  
متجا و زاغوانلر افتاده خاکه هلاک اولیلر قزلباشیه اغوانلرک علملردن و نغاره خارلین  
ضبط ایلیلر چونکه نادر فلاح جناب مظفر و کامیاب اولوب اوردویرینه عنانتساب اولیلر  
مقتوللین سلاح و سبکدین لشکرینه توزیع ایدوب کرفتار لری شهر ازم سینه الحاق  
ایلیلر ایام اقامته واقع اتفاقاتن بری دخی بودرکه نادرده نونام محله عزیمت و قنده  
سکر و مهمات محافظه سینه تعیین ایلدوکی عساکردن برکروه بیاتلی قر اولد سیمیه اول  
اطرافده تجسس احوال اغوانیه ایچو جولان ایردن اراقدن توزو طمان اترینی کوروبده نو  
معرکه سندن فراد ایدن اغوانلر اولد قلدن حسن ایدوب هرآ صویندن عبور ایدوب یتنشوب  
پای حصاره دک سوروب بعضلین قتل و بعضلین صیوب صویقلیوب دونوب اوردو  
یرینه کلیدلر ایرته سی کون نادر نقره دن حرکت و پل مالان جانبند عزیمت ایدوب ضحوه کبراه  
ناکله نام قریه یه وارد اولوب کوپری قریزه جادرلین قوروب اوتوردیلر نادر دارانگوه ایدوب  
اوردو اطرافده مناسبا محله حکم و مرتفع تابیله لربنایه و اطرافده خندق کسوب استحکام  
یردیلر اون کون نرضک که زی القعه نک سکرخی کونی ایدی تایمنلو دلورده نام کسنه که  
اوبه و شاقلان و غور و ساخر نام محله ک حاکمی ایدی اوچ بکک نفر لشکر ایله کلوب معکر فیروز  
اثر لاص اولوب جناب نادر دن التفات و نوازشات ایله بره یاب اولیلر و غریب امور  
ایام توقفه نادر کامکار برکون وقت عصرده جنگدن عودت ایلدکه کلوب میله خیره ده سلاح

براغوب درون شهری تفریح ایچو احداث افغان طایبه لرین برینه عروج ایلیلر همان  
اول دم اغوانلرین طوبجیلری نادری او طاقده دژطن ایلیوب او طغانی نشانه آلوب آرتقزله  
کله او تاغن سقفنی پاره لیوب اوردو غنی مسند والایه دوشوب فرسک کتارنده بر ذراع  
قدیرع اوتوردی بوقضا صاوشمو وقایع عجیبه دندرکه اول نادر جهن صاحبقران  
قوت اقبالندن غیر بر شیه عمل ایتمک اولماز چون دقرده کلاه بیله اولمشیدی که قرا  
جانب غربی سنده واقع نقره نام محله لشکر نادر اوردو لرین قوردیلر و شهرک جانب  
جنوبی سنده پل مالان سنده نادرین او طغانی قوریلوب قوی الاقتدار دیران معرکه آرادن  
برکروه دخی اول مقامه ضرب خیام ایلیلر اما شهرک طرف شرقی سی حالی قالمین  
زی القعه نک دوردخی کونی لشکر ظفر اتردن بر فوج دیرانی طوبخانه و تدارک شایه ایله اول  
جانبه مأمور ایلیلر که هرآ صویندن عبور ایدوب کرخ یولی طوغری سنده شهرک شرق  
جانبند جادرلین قوروب اغوانلرک کیدوب کلجک یولترین محکم سوبنده ایلیه لرا اول کونکه  
مزبور لشکر محل مأموره عزیمت ایدوب شهرک شرقی جانبند متوجه اولیلر نادر و غربی  
جانبند موجود اولد عساکر بالجهه قالقوب شهر اوزرینه هجوم ایلیوب اغوانلری حرب  
وقاله مشغول ایلیلر شرقی جانبند توجه ایدن لشکر امنیت غنمت بیلوب دلخواه لری  
اوزره مأمور اولد قلدی محله طایبه لرو سکر لرو متر ستر ترتیب و تنظیم ایلیلر جادرلین  
برتل رفیعک زروه سنه نصب ایدوب اول پشته نک صحرایه منتهی اولد دامنه دک قونوب  
برمقداری دخی اول پشته نک کنار دامنه متصل اولان صحرایه قونیلر و اغرنی و رای هر  
پشته یه قودیلر و لازم اولان یرلری خندق کسوب متره کیدیلر سیدال فاعاً جلادت  
اظهار ایدوب برکروه غلجایی و ابدالی اغوانلریله اوزرلینه هجوم ایدوب ترتیب صفو ایدیلر  
واحقانه مقابله جه جرات ایدوب مید مبارزته آت سوروب یولترین کسک  
قصد ایلیلر هجوم ایته کلرند دیران معرکه آرادم فاعه و مقابله ایدوب میمنه و میسر صفر  
ترتیب ایلیوب سرکرده لر میانه طوروب اقدام توکل ایله محاربه یه اقدام ایلدکلرند ضرب  
دست ایله غلبه ایدوب اغوانلرین یوزلین چوردیلر بر مرتبه محاربه ایدیلر که مرخ فلاح  
تکسین ایلدی بود فاعه اغوانلر جه و باشن کچوب هر جانبدن متع بعد اخیری هجوم ه  
و اتمام و حملات خارجیه ایله مقاتله یه بی باکانه اقدام صد دنده دیرلر یکره چاپک

۸۴



عنان دفعه هجوم طوب و تفنگ و سایر آلات جنگ ایبه اغوانلری نشانه هجوم ایروب  
بر بلوک دلیله دنی اسکهدن بالای پشته یه سحاب کی صعود ایروب اندن برو طرفه صحرا  
سیل صفت روانه اوله قلیس اغوانان کورد کلرنه پای نیاتلری متزلزل اولوب فراره یوز  
طوتیلر هول جان ایبه کیزان اولوب معقبردنی بولقلری باشکسته و نیچی اغوانلری  
طعمه سیف و سنان ایبرک معظ فراریانه شهر قریب بر عقبه تنگه ایرشد کلرنه اغوانلر  
راه فرادنگ ایروکن کوروب ناچار د ونوب بر عمده عاجزانه دنی ایروب یینه منزهزم اولوب  
جان قود تار موی اردنجه شتاب اییدلر کنزی پیاده ویات و یراقن ساده قالمغه کنزی  
تلف و شیر شمشیر عقبیرانه علف اولیلر عقبیبردنی هصاره دک تقیب و بولقلین  
قتل و بند و تعزیب ایروب چوق زنده و کله اله کتوروب مترسره و سکرلر عودت  
اییدلر شرقی جانبنده اولان اوردو یری قلعه دن بر مقدار دور اولمغه نادر محل توقف  
اوطاغن قاله وروب زی الحجه نکه اون ایکنی یکشنبه کیجه سی کلوب اول یقه یه  
قونیلر ایرته سی کون علی الصبح که لشکر یخوم معکر فلکن کچوب سلطه زرین  
کلاه آفتاب ریات کیتی فروزایه سکر شرقین طلوعه آغاز اییدی نادر اوردو وی  
اول یردن قاله یروب شهر بر فرسخ محله واقع اوردو خان نام قریه یه نقل اییدی  
اغوانلر آتش غیظ و غضبه طولوب شول چور چوب کی که بر یول باشنده  
آتشه کندی و سنی اوروب یینه کندی و سنی طتوشه هیست مجموعه لیره کلوب هجوم  
ایته کلرنه حکم نادر ایبه دلیله کردو د ونوب اغوانلری دو ندروب یینه شهر رک حوالی  
سنده که تنگ بوغازه دک سوروب بر جمعی هلاک و بر جمعی زخمناک و بر جمعی ایر بند  
فترک ایروب بی حساب جمال و بغال و اسباب و ائقال اخذ و ضبط اییدلر لشکر  
خسر بی پایان نصیب کان آرایش و زیب صنایطه و ترتیب اخترمه و کسب ایبه  
قریه اوردو خانه عطف عنان ایروب او توردیلر اول ایام ترع انجامده واقع وقایع متنوعه  
بری بود که شهر زی الحجه نکه اون التبی کونی دلاوردان نصرت نشاندن اوچ بنک نفر  
کنه بلخ اعمالدن میمنه و چکتوس اولکه لینه اقیس صالحوب اموال و اشیا لریس ناسب  
وغارت و انواع خسارت اییدلر کلرنه اوز بکلردن بر گروه مال مفصوبه لی بر اقدرمه شود  
قار شو چقوب مقابله اییدلر کلرنه کنزی عرضه تیغ تیز اولوب مزبور دلاور لیر مو فوره

و غنایم نا محصور ایبه عکر کاهه وارد اولوب سر کرده لره نادر جانبندن خراج فاخره  
الباس اولنوب انواع نوازش و التفاتله مظهر احک اولیلر و یینه اول ایامده مزبور محمد  
بک نام کنه که مقده مانادر طرفندن بلو جستا حاکی عبد الله خانک معینه تعیین  
و ایکی معاقده هار و ایسی میر سینک جزای ترتیبه ارسال اولنشدی مزبور ک رجعتی  
و عبد الله خانک قتل خبری رکاب نادره عرض اولیلر بو مقالک توضیحی اولدر که نادر  
شاه همجه مزبور عبد الله خانه خلعت و مجوهر تاج ارسال ایروب خانلق منشوری و ک  
عکرک عنوانیله مکرتم ایروب مزبور دنی مهاتن کوروب عازم سفر قنده هار اولیلر اول  
اشاده سند حاکی خدایار عباس نام کنه نکه بعض اوضاع ناهواری بیسینه انوک  
اوزینه سفری مهم کوروب اول جانبه روانه اولوب تقابل صفین وقوع بولوب  
نوازر حرب و قتال اشتعال بولده بر تفنگ دانه سی عبد الله خانک باشنه طقنوب  
انداخته زمین تلف اولدی بلیو جیه کردار لرینک زمین هلاکه غلطان اولدو غن کوروب  
هجوملرنه اقدام ادیارد و مقابله دن رو کردان اولوب کردار لرینک نفسیله مقاملرنه  
رجعت اییدلر عبد الله خانک او غلری میر محبت و میر امتیاز واقع حالی غلری اوغلی  
محمد بک نام کنه ییره نادر شاهه عرض و افاده اییدلر نادر عبد الله خانک مقتول  
اولدو غن استماع اییدیک غایتله ملول اولوب بیوک اوغلی میر محبتی یرینه بلیو  
ایالتنه حاکم نصب ایروب او غلرینک هر برینه خراج فاخره و انواب نفیسه کونرو  
نوازشات بشمار ایبه ایید و ایلیدلر در بیان مقدمات دار الرقاه فراه و کیفیت محصور  
آن آنفاییه اولنیدی اوزره مزولی محمد بک نقر سنکندن فراه اولکه و نواصیتی تاخت و  
تاراجه مأمور اولوب وارد اولد قنده ابرالی مصطفی خان افغانی قتل ایروب و خاش نام  
قلعه لی ضبط ایروب او توردیلر بعده دار الاما کرما نایبی صاری و لیلو امام و یردی بک  
نام کنه لی کیستان حاکمه کرما و کیستان عاکر یه مزبور محمد بک معینه  
تعیین ایروب قراه شهرینی محاصره و تسخیر مأمور اولیلر و ظهیر الدوله ابراهیم خاندنی  
خراک سرحداتی لشکر یه طیس کیلکی یولدن فراهه عازم اولیلر با جمله سر کرده لر فراه سنوینه  
وارد اولد قنده امام و یردی بک بر بلوک لشکر ایله قنده هار توابعندن کرشک و بلبست نام  
قبضه لری ناسب و غارت اییدوب لبست قلعه سنه مستولی اولوب اها لینی قتل و غارت



ایلیدر بوکما مقارن سابقا افغانیه دولتی ایامنه لادوبنده حاکم اولابار و خان بابی نام  
کنه میر حسین جانبدن کر کرده اولوب قارشو چقد قلزده بالجه اول شیرانه شکار  
واسیر بندر قنار اولدیله مزبور مأمور جمله اسیر لری و دو اب و اسلمه و مهمات لری  
اغذ و ضبط ایلیوب رجعت ایروب امام و یردی بکه ملکو اولدیله کاخ نام محله  
سکر لرتیب ایروب فراهک اطرافنه اقیس صالحوب تاخت و تاراجه مشغول  
اولدیله بو اثناده ابراهیم خان طبرس حد وینه وارد اولد قلزده کولکلن ترکان لری  
طغیان خیری کلکله نادر دن امر لرو وارد اولوب مزبور ابراهیم خان اول محلدن حرکت  
ایروب ترکان برکان اوزدرینه عطف عنان ایلیدر بو مقالک توضیح اولد که نادر  
شاهک مشهوره ایام توقفدن مزبور ترکانن بر طائفه خدمته عازم و رکابنه ملازم  
اولدیله بود فعه فراه سفینه مأمور اولوب اول جانبه روانه و اسفر اینی حد وینه  
داخل اولد قلزده اول محله اولان رعایا ایله ایقاد ناسر شرارت و دو اب و اسباب  
و انقال لری غارت ایروب مقاملینه عودت ایلیدر بو خبر سمع نادره لاهو اولد که  
ابراهیم خانی کویه دوند روب لکر نصرت اثر دن بر فوج دیکره اسمعیل سلطانی سر کرده ایروب  
وصاری و لیلو علی قلی بکی معینه تعیس ایلیوب امام و یردی بکه امداد و اعانه اچو  
ارسال اولدیله و امام و یردی بکه امر و الا ارسال اولدیکه مزبور سر کرده نک و دوندینه دک  
صبر و تأخیر ایله کرسکه کرک ایله اظهار جلالت ایروب قلعه اوزدینه روانه اولیه لر  
امام و یردی بکه بوار الو صده زاهب اولوب شاید بر یوز اغلو اولور سه آخر که  
خدمتی مقبوله کچوب بزم خدمت از ایرده صنایع اولوردیو عکر که کلمه سنی کوز تمیوب  
زی الحجه نک یکر می سکر بنی کونی بار بنکاهنی اول مکانن قالدیروب قلعه فراه بر چو  
فرسخ محله واقع ده نونام موضعه نقل ایلیوب سکر ترتیب ایلیدر ده نو سکرینه وارد  
اولد قری کون ذوالفقار خان ابرالینک برادری علیر دان خان فراه اغوان لریه قارشو چقد  
فراه صویله شکلی کوه هو ایسنده اوزدرینه هجوم ایروب سر کرد محمد بکی و کرمان لشکر بنی جمله  
قلج کچوردیلر ایرته سی کون اغوان لری بر فی هجوم و سکر خلقی اوزدینه شراره تفنگ و خنکی  
مانند رجوم قیلوب پنجه دلاوردی آواره دیار عدم ایلیدر او چینی کون اغوان لری بر فی یورش  
ایروب اهالی سکر تنکنا ی کیر و داده ایکن جدید کر کرد کان و عاکریت شوب یکی طرفن اغوان

هجوم

هجوم ایروب ناسر جنکی اشغال و آتش حرب و ضربی بر اشغال قیلمغله اغوان لریک طبع  
سردی اول حرارت دن کرم و قلب حیدری موم کبی نرم اولوب اول دمده پای نبات لری متزلزل  
و تاب و توان لری متخلل اولوب راه کیزن متوجه اولد قلزده قزلباشیه تعقیب ایروب الی  
یوز نفر طعمه شمشیر و جمع کثیر زنده دست کیر اولوب بقیه السیوف قلعه فراه فرار ایلیدر  
امام و یردی بکه مغرورانه جنبشی و سکر ی تغیرده سو تبریری اغوان لریک مستولی اولد  
و پنجه نفر معتبر کر کرده لریک قتلنه سبب و علت اولد سنی و جوهر شتی ایله عز لنی ایجاب اقتضا  
ایتکیس کرمانیا بتدن معزول اولوب باقی کر کرده لریک و عاکر که خدمت لری مقبول و انعام  
واهنه مشمول اولدیله نادر شاهک ناکرمان نام منزله و رود ندر نصکر استاجلو ابراهیم  
خانک اوغلی اسمعیل خانی اندر کر کرده نصب ایروب دلیر افواج قاهره دن بر فوج دریا  
موج ایله اسفر از بلده سنی محاصره یه مأمور ایلیدر بر قاج کوندر نصکر قراچور لو  
سردار سلطانی کر کرده ایروب دستبرده و مزبور و لاسلر روانه ایلیدر مزبور دلاوردن  
جنک آوردن کیجه اچنده خیزان قلعه سینه داخل و کینکاهده مختلف اولدیله کفیده صبح  
پهلو فروز بر معدود ایله جلوه کر میدان ظهور و بروز اولد که اغوان لری جمع قلیل قرالیتی کوزدینه  
کس و روب بی باکانه میدامر که یه هجوم ایلیدر کینکاهده مختلف اولد ابطال اول بقعه  
مکرو آلن بر تاب ایروب اغوان لری قلیب قیوب زنده و کله بسیار و دو اب اغنام بی  
شماراله کتوردیلر بود فعه اغوان لریک دروننه آتش دوشوب و بوانهزام ه  
موحش دل دریا انتقام اغوانیانی جوش و خر و شه کتوروب بریره جمع اولدیله  
نک یوز قرق اوج تار کینه محرمک اون بیخی یکشنبه کیجه سی ذوالفقار خان و جمله  
اغوانان برادریه کلوب و اللرنه اولان قزلباش اسیر لری قتل ایروب و من بعد قزلباش  
تسلیم قلعه لی بر فرد لسا آلمیوب اغوان دن بر فرد صاخ قالنجی اخذ انتقامه جا و باشیه  
بزل مقدر ایره جکلرنه جمله سی متعبر و مصحف شریف اورتیه کتوروب متضو له و دن بکدی  
ال اوردوب ایما غلیظ ایله عهد و امان لری روب بونیت و غیره قلزده قیام و ثباتی تاکید و تائید ایلیدر  
بس عهد و امان لری موافق انتقامه جا حقیقه سی و کوشش ایروب بعیت تمام ایله هر ات  
صویندن عبور و نادر قرا و لریه آغاز شروع ایلیدر نادر شهرک قارشو کسنه بر رفیع طایفه  
بنایلمش ایری که هر کون انوک زد و کسنه عروج ایروب اطرافه دید بانلو ایلیدری اول کون

۸۶



دفعی عادت مألوفه سی اوزره چقوب اطرافه تماشا ایدر کس اغوانلرک قر اوللر اولر  
غوغاسنی تفرس ایدوب در حال مرکب اقباله سوار و بر فوج خو نخوار ایله عازم کار  
زار اولیلر بر کوه جنک آوزلری شرق جانبند انلرک اوزرینه تعین ایدوب کندوسی  
قادر اولرینه کتیلر تقابل صفین واقع اولدقه اولکیدن بر تر منزهزم اولوب پنجه لری طعمه  
شمیر و پنجه لری زنده در زنجیر اله کلوب بقیة السیوف فرط اضطرابدن کندولرینی صوبه  
اوروب نامه عمر لری صوده یویلدی زوالفقار خا آتندن یوار لنوب آخر اتلولر اعانه کیسه  
یات ویرا غیله غرقن قورتلوب نجات بولدی بو حال ایله هراته داخل اولیلر بر قاج  
کوند نصکر هراته ماکولات قسمی نایاب اولمغه بر کجه اول طوز اتمک یلیسنر طوز اتمک  
تحصیل اچو قلعه دن چقوب کرف کستنه روانه اولد قلزنده بر بلوک دیری اول نملک  
کیرلر اوزرینه ازال ایدوب وارد اولد قلزنده جمله سنی شمیر زهراب طعمه کیسه طعاملندریلر  
بو اسلوب اوزره لهر کون دست قضا چرف شو چشم الکندن انلرک جراحته اوزرینه طوز  
لردی تا که زمه محاصره دور دایه بالغ اولدی سیدال خا افغان که حسین غلجایی جانبند  
بر کوه لشکر ایله ابدالی یه امداد و اعانه اچو کللر ایری اکثری دفعات ایله واقع اولد محاربه  
لرده عرضه تیغ فنا و بقیة کی گرفتار جوع و غنا اولوب غرق سفرده این المفردیه رک  
بر کجه شهر دن چقوب جانب کیزه شتابله اولیلر در بیا تفویض ایالت بالله یارخان  
چونکه اغوانلر مرتبه بعد اخری منزهزم اولوب مقصود لرینه دست رس بولیلر ابدالی  
رؤسکن بر قاج نفر معتبر کس لری نادر خذمتنده مقیم اولد الله یارخان جانبند ارسال  
ایدوب و مزبورک وساطت و شفا عتیبه دیلر کلری محله کتمک اوزره استیما ایلیلر نادر دفعی  
مقتضای وقته کوره سؤلرین قبول ایدوب فرستاده لری کرو اعاده و ادجاع ایلیلر قضا را  
ابراهیم خان دفعی نادر امریه اول کون اوردودن حرکت و فراه جانبند روانه اولیلر اغوانلر ابراهیم  
خانک کت و کن کوروب میر حسین قندهاردن کتله امداد و اعانه اچو عساکر بشمار ایله کلیدر  
ابراهیم خان سزده و مقابله و محاربه اچو کتیلر ملاحظه کیسه عهد و میثاقلر دن نکول ایدوب  
خبر ارسال ایلیلر که میر حسینک طرفه امداد و اعانه اچون و رودی خبری دلرده مزکور در  
بونک صحتنه و قوف تحویل ایتکسرن انفقاد صلح صورت پذیرا و طاز بو خبری تحقیق  
اچو فراه جانبند آدم ارسال ایلیلر اغوانلرک نادر شاه ایله بو کونه معامله لری همانا اذدر

خوابیده

خوابیده یی تحریک و کوش غضنفر در زنده یی تعریفک اولوب و نادر غیضی و غضب ایله  
طولوب بو امرک انجامنی شمیر تیزه حواله ایدوب در مخالفتی باز و سعی و کوششده  
اقدام و اهتنامه آغاز ایلیلر بر کونکه هند وی تیرج روی شب انجم و کواکبدن اولرکنک  
فتنه یی اکندن دو کوب خورشید زرد کوش تیغ کشلکدن صکر چرف نیلی نک دامننه که  
اصلدی هر آنک بشن در و ازه سنی ده آچوب هردر و ازه ده محافظ اولان سر کرده لر نادر  
اورد و سنه کلوب زیل امانه تشبث و امری اوزره حرکته تعهد و ایالت هراتی الله یارخان  
تفویض ایلکه نیاز مند اولیلر نادر دفعی متمنلرین قبول ایدوب بود فعه دفعی مسؤلرینه  
ساعده ایلیلر الله یارخان ایالت هراتی احسانه کرافراز و الباس خلعت بر هیته  
ایله سار خانلردن امتیاز بولوب بالجه کرده لر ایله ماه مزکورک اون سکرنجی کونی قلعه  
هرته روانه اولیلر اوج کوند نصکر الله یارخان اویو ز نفر امر آ معتبر دن اوردوی ظفر  
انج و وارد اولوب حضور شاهه لایو پیشکش کتور دیلر و عرض نیاز لرینه مطابقه  
خانک و برادری احمد خانک جرایم سابقه لرینه قلم مضی مامصی چکیلوب و طی اصلیلری  
دارالرفاه فراهمه اقامت و مکت و آرام ایللری امر اولوب هم اول کوندن نقل اولیلر  
الله یارخان سار سر کرده لر ایله مرضص اولوب هراته عودت ایلیلر ایرته سی کون وقت  
عصرده اهالی قلعه بابو خا افغانی فرستاده ایدوب عرض ایلیلر که قرق بنک نفر غلجایی  
فراه ابدالی لرینه امداد و اعانه اچون یوله روانه اولمشد اگر خصیت هایو اذانی بیوریلر  
اوزر لرینه و ایلوب او غور کرده جان و باشمزی فدایه لم چونکه انلرک کلاملری کند  
اولیفنی عیان و عهد و میثاقلری حیلله و خدعه اولیفنی نمایان اولوب گفتار لر دن بوی نفاق  
استشمام اولدقه بیور دیلر که نظم آن دولتی که می طلبیدیم از خدا پر سیده راه خانه و خود  
برد آمده نرسن حیلله کز معلوم و ایکی طائفه بریره کلوب اتفاق و اتحاد ایله طفیفانی ایدر  
بجزوم اولدی اولاسزی قتل عام ایدوب ان نصکر و ایدوب انلرک جزا لرینی ترتیب و مأمولر دن  
تجیب ایلیم پس یا ننده موجود اولایشمار کاردن ازل اولر لری ایکی قرقه یه تعین ایدوب  
بر قرقه سنی غلجایی اوزرینه حواله و بر قرقه سنی ابدالی اوزرینه احواله یه اشارت بیور دیلر و بر کوب  
دیرانی ششون ایتکه ارسال ایلیلر الله یارخان بو کلامی ایشیدوب و بو احوالی مشاهده ایلدکه  
آشفته حال اولوب سینه عرض اخلاص ایدوب رجا و استعفا ایله نیاز مند اولیلر نادر

۸۷



دشن نواز که چه حال نه کونه اولدوغن فهم وادراک ایلدی اما نیا زینه مساعده کو تروبا  
 اول زمستان آفتابی و تابستان سحابی کبی اولان عهد و بیونده اعتبار ایلدی و بعد الفنی  
 نام سر کرده یی سائر سر کرده لر ایله کوز حبسی ایدوب الله یار خانه رخصت انصاف شهر  
 اعاده و ارجاع ایلدی لر بیع الاولک ایکنی کونی اسفراز جانبته مأمور اولدو سر کرده لر  
 خبر وارد اولدی که زوالفقار خانک و سیدال افغانک اسفرازه ورود لر نزلن صلح ایکنی  
 دخی اتفاق ایدوب اسفرازده متوطن اغوانلری وطن لر نزلن اخراج ایدوب خانه لر یه  
 فراه جانبته نقل و ارسال ایلدی لر بو یوزدن دخی نفاقلری ظاهر اولغله یوسف سر کرده  
 کند و چاک لر نزلن بر نقر ایله شهر ارسال ایدوب الله یار خانه و سائر سر کرده لره خبر کوندروب  
 هراتی الیغره بریکزه اما ویرم جمله کزی قتل عام ایلرم دیوب بو کونه تهدیدت و هشت  
 انکیز و بیفامات دهشت آمیز فرستاده ایلدی لر اندر دخی جواب ویروب نادر شاه مکره هیچ  
 شمع اقبالنه مفرو و مفتون اولسو نکره مقراض اتفاقله کرشته امیدنی قطع  
 ایدوب شمع دولتتی اطفا ایلدو ز دیوب قاصد لری قلعه دن مطر و قیلدی لر نادر بهادر  
 بو خبر مو حشی اشکه که عبدالغنی نام سر کرده یی ابقا و سائر سر کرده لری خنجر خونریز و  
 شمیر تیز ایله اعدام و افنا ایلدیوب یوسف سر کرده نک خدمت سابقه سی اولغله  
 قتلن مصو و رخصت انصاف ایله ممنون ایلدی لر در بیله **کشتی و طفیان و محاربه**  
**الله یار خان باطرها سبقلینی** مرغ دل کل برتر نم قیلینه طوطی اسخوش تکلم  
 قیلینه بر حکایت بشله کیم شیرین اوله دلکش و تازه و رنگین اوله سویه طرها  
 قیلینی قصه سن کل کیدر دلن کو کلر غصه سن ای قلم کل دستا میدانه ویر صفا  
 ارباب دانش جانته آب نمله بازا و شاهک نامنی سویه بر بر قصه ایامنی نثر قصه پردا  
 زان داستان کهن و چوگان زنان میدا سخن بو و جمله دوایت ایتشد که الله یار خان  
 اهالی قلعه ایله متفوق آدرن اولوب دروازه لری قبادوب قلعه نک برج و بارو لرینه  
 استحکام ویروب رخنه لرینه تعمیر و مرمت مشغول اولوب جنک و مدافعه یه مهیا اولدی  
 بیع الاولک اون اوچنجه کیجه سی ظلمت شبده قلعه دن برکوه لشکر چقاردوب قلعه سفیده  
 فرستاده ایلدی لر نادر شاه که اوائل حالده صورتا شاه طرها کب خدمتده اولغله قاعده  
 اعجام مد فرحام اوزره طرها سبقلینی دیملکه مشهور و ملقب ایلدی بو وقعده دن خیر اولد  
 بر بلوک

بر بلوک عسکر کوندروب واروب کرد لرینه قرل قلاده بغلی لر اهالی قلعه بونی اشته کلر نه  
 مجد ابر کروه دخی باد غیس طرفنه ارسال ایلدی لر مزبو لر قلعه دن چقد قلر نه نادر که چنکانه  
 رهیاک اولیه جق لر سن بیلوب کنه و ایا قلیله کلوب اوزد و یه ملحو اولوب اعترار ایلدی لر  
 کنه لک متعینان ایدلر موسی دانکی نام کسنه جمعیت و افره ایله ظلمت شبده قلعه دن  
 چقوب قر نفل چشمه سی هو ایلندن باد غیتا شیخونه کتیر فی الحال نادر برکوه انبوهی  
 اندری تعقیبه ارسال و کنه سی بهادرانن بر فوج دریا موج ایله شتابا اولوب شیخونجیلر کن  
 معبری اولان جبریل نام موضعه عازم و یول لر سن کسکه ملازم اولدی لر اغوانلر دخی  
 هیئت اجتماعیه لر یله قلعه دن کلوب پیاده لری طایغ جانبندن و سواریلر طوغری یول  
 ایله وارد اولوب کیجه اچنده تقابل صفتین وقوع بولوب باب محاربه یی بازو بر عت  
 مقداری حرب و قتاله آغاز ایلدی لر ظلمت شبده قور شونلر کن شباطینه هجوم کبی هجومی  
 قیامتدن بر علامت اولوب تفنک و زنبوک شعله شربلریه روی زمینی نمونه چرخ  
 فیروز قام ایلدی لر کثرت دو شندان اول دشت برهنای نصف النهاره دو ندروب اول کیجه نادر  
 و عسکر اول صحرا و اسعد سوار و پیاده مسلح و آماده صبح اولنجه طور دیلر ایتته سی کون  
 علی الصبح الله یار خان عسکر بی پایان ایله کلوب دژ بندگاه شیرازده محاربه یه آغاز  
 جلادت ابراز ایدوب نادر دخی لشکری جنکه تحریص ایدر ایدی نمونه قیامت بر جنک بر عبرت پیوسته  
 اولدی که خروشن و صیاح دلاوردان و سیل اسب و تفره مرد طراقة تفنک و چکا چک تیغ  
 درنگ و لوله انداز کنبه فیروزه رنگ اولمشیدی مکر نادر دیرانن بر بلوک دلاوردلر اول سمتره قریب  
 کلشن ایمن تفنک و جنک صداسن ایشتیکی کبی عوم آت قالیروب مسارعت ایله  
 میدان معرکه یه ایر شوب دنج دلاوردلر صاعقه کبی اغوانلره قویلوب حمله ایتدی لر اغوانلره و  
 طاری اولوب کیزه یوز طتوب نادر لیر دکلرینی قلیچن کچوروب و پنجه سن اقطاروب بنده  
 چکلیر و هله اول مکانه دره عرض ایلدی لر که موسی دانکی لشکرینی تعقیبه مأمور اولدو لدر لره  
 مزبور لره تشوب اوغراشد قلر نه شعله سیف لامع انده دخی برها قاطع اولوب کهلر کن  
 وکی زخمناک وکی دزدناک اولوب دشت و صحرا جنه و کله ایله ملامال اولدی بو خبری دخی  
 اشته کلر نه نادر یه قول قول اولوب علم و سنجا قلیسن اچوب طبل شامانی اوده رق و کره نای  
 ارجاله رق مراجعت ایدوب اوردو کاهه وارد اولدی لر بر دفعه دخی سیاوش نام عرصه ده



دلاوردان بربلوک بر مقدار اغوانره دوچار اولوب تیغ بی دریغ رویین تنه خون سیاوش کی اول  
محلّی دیکس و دوش زمین اجد کشتک ایله سکنس ایلیدر برکه دخی الله یار خان هرات  
صوبی جنبه واقع کوزدان نام قلعه سمتنه زاد و زخیر تحصیلنه روانه اولوب اهالی  
قلعه دخی زخیر ویرمکن کلیا ابا و امتناع ایدوب طرفین هنکامه آرای عرصه کادزار  
اولیلر نادر بو خبری اشتکه طوبخانه ایله اوزدرینه لشکر کوندروب طوبجیا آتشین دم  
طوبلری مناسب محلردن دیزوب آتشین کله لری دم بدم یا غور کبی یا غدروردی **نظم**  
شاه امری موجب صبحم پیری عکروطودی و کوی علم تیغ مصری چقدی و تیر و تبر  
نیز دن اولدی نیستایام و دردی دوشی جوق اغوان کسلی نیچه باش اول کوا اولدی  
مستربویه صواش نیچه سی اولدی نشه زنبک کوز آچرمازیری طوبیه تفک نرشاهی  
طوبلر و خبر ندره وایه عروج ایدوب آهنگ جنک ایدوب بی ننگ لک کاغ صماضی ادر اک  
موت ایله ملو ایدوب خاک و ماندرن خراب و اجدنا ستوده رس توده تراب ایلدی بو جهله  
نیچه آباری پسر و پسر لری بد قالوب طوب و تفنگ دهانلردن و رود ایدوب دودت و منهرم اول  
آینه وجود لردن صعود ایدوب غبارنا محدودت ابصار دیکه لرینی مسودت و روی جهانی کیه  
و کبود ایلدی **نظم** طولی غباریه بومینا سرا چشم نریایی برایتی نرا آتش تیغ ایلدی  
بیکادی گرم ایدی دمای خصما خاکی نرم نر چونکه اول کون اغوانلر و هی نشانه طوب و تفنگ  
وزنبرک و بقیه لرن نقش حیات لری کز لک سنا جانستانه روی معرکه دن حک اولوب  
هنکام شام طبل آسایش اورلفه طرفین مقاملینه عودت ایلدی بونز صکره دخی نجه ایا  
قط او جند هر کون و هر کجه دفاتره اول کزسته چشم تحصیل نفقه ایچو بر طرفه سیر  
سیف و سنا زخیرینی یکه جانلردن سیر اولوردی مع هنکامه هیچ برکه کربله حصار دن  
باشن طشره چقدار مزی که الاتیغ مغر شکاف دیر ایله باشن چقدار دی و تیر و نین  
بهادران افعی کبی انی صوقاردی و شتت جو عدن آه و اینلری افلاکی یقردی کیجه لراولکی  
کورد کلر نه فرما ویا اوزم صلحی ظن ایدوب استر لردی که دزگنه ایدره و صله نایاب اولمغه آت  
وقا طریس چکر لردی که فرم کز کز ننه بند ایدره لری بو غرت دیوب آئی ایشن یلاردی کوردیوب  
چشم سیر لرن یولاردی طوب و تفنگ دهانلردن چقان کله و کلوه لری لقه طعام کبی دیو ط  
لردی تیغ و سنانن یه کلری نیش عوضنه نوش جانلرک فدا اولوردی مع هنکامه محاربه و معانته

زنگ قلدر نشه  
معانته

و مقاتله ی ترک ایتیموب عجم دلاوردی هر صباح و هر اخشام مزارا قلم باشنده اتوز و قرق  
کله حضور نادره کتور لردی و هر کون اخذ افغان مال و اسیر حددن افزون و قیاسدن  
بیرون اولوردی چونکه الله یار خانک اطفال و عیالی و اموال و ائقالی مار و چاقلمه  
محصن و محفوظ ایلر بادغیس حکامنه امر کوندروب مزبور قلعه یی محاصره ایتا  
بیوردیلر مامور لردی امره امتثال مار و چاق قلعه سینه هجوم و ضبط و تسخیر و الله یار خانک  
اهالی خانه سن بالجه اسیر ایلدی **دیوان جنک سمت کبوتر خان و وقوع فتح نمایان**  
**بتقدیر ایزد سبحان** دینوع الاخرک یکر می برنده مجددا اغواندن برکروه کبوتر خان نام قلعه اوزرینه  
بال و پراچوب پرواز ایلدی اتفاقا اول کجه دشمن شکار اولان شهر سباز لردن بربلوک  
قراولغه سیر ایدوب اغوان ایلدی ظاهر اولدی همنوز ایلر و سی کید و سندن بی خبر پیرش  
یورغون طور غون کیدر کن قراولر جنکه مباشرت ایلدی شیشه ایله طاش پنبه ایله  
آتش بررینه طوقنیلر ایکی ساعت قدر حکم جنک ایدوب بعیتلر نه نظام و انتظام اولما مغلله  
یوز لیلر ظلمت شبده خلاصه مجال بولامیوب اکثری طعمه شمیر اولدی بقیه اغوانلر کز دان  
نام قریه عنده برورانه حصاره کیزان اولوب انده تحصن ایلدی قراولر اول مکانی احاطه  
ایدوب صباح اولنجه طور دیلر ایته سی کون قهر مانه جهل قهر و تیر میر و اخذ انتقام ایچو بربلوک  
الاور ایله اول سمته متوجه اولیلر بوار الو الله یار خان فرجه بولوب قلعه دن چقوب  
بربلوک تفنگی انتخاب ایدوب محصور لره امداد و اعانه ایچو تعیین ایلدی نادره انباده  
راهده دوچار اولوب رزم و سازه آغاز ایدوب ایکی دریا جوش دوش بدوش و لوله فرو  
ایله حرب ایدوب اول مکانه ایرشیدلر نادر بر ماغیله اشارت ایدوب قراولر ایکی شو اولوب  
امداده کلندر دخی اول حصاره داخل و هم جنلرینه و اصل اولیلر نادر سواران خو خوار  
و دلاوران نیزه گذاری ایکی قول ایدوب هر قولی معبر لری اولان بر ریول اوزرینه تعیین ایدوب  
تفنگچیا چالاک و زنبو دیکه بی باکی حصار قادشوسنه نصب ایدوب طور دیلر اغوانلر لحظه  
توقفن صکره جمده دفعه دریا طالع لری کبی بربری آردرک روان سیل کوه ران کبی غیره  
کنان هرات جانبه شتاب ایلدی بوللرین سدا بدن جیوش دریا فروش او کلرین آکوب نادر  
دخی اکه دن یوریموب اغوانره مزارق او شوروب بیکان قانلرینی فسقیه وادی مزارا قرد  
آشوروب بو عنایله جمع کثیر غریب لجه فنا اولیلر و برکوهی دخی گرفتار اولوب اللرنه ذاروت

۱۹



زار و مبتلا قاله یلیرته سی کون نادر بهادر مجلسی استه ایوب ماز الذکر عبد الغنی و سائر  
یلرنده مجوس اولاً افغانلری کتوروب حضورنده قیام و ناچار اول قوم ما سورداس  
بوسه تقدیم و اقدام کو ستر دیلر صغیر و کبیر شریف و خطیر دست برسینه قارشوسنده قیام  
وامرینه مطیع و رام شکلنده اولوب طور دیلر نادر اول هنگام غایت عظمت کستر اولوب  
نه عبد الغنی خانی شرف خطاب ایله تشریف و نه سائر سرکرده لری نظر التفات ایله تلطیف  
ایدوب انجمن خطابی طرفینده دوردان مقربلینه مقصود و سوال و جوابی اندرایله مکالمه یه  
محصور قیلوب بعد از ماه ضحوه صفریه عاکر تفنگ و زنبورک ایله شلکله ایدوب کلوب  
بنک اوچیو زکله مزدا قریه کتوروب پیشگاه خیمه ده پشته واری یغدیله سردار  
و دلاور مظهر احک و اقبال و مورد عطا یا و نوال اولدیلر مزبور اغوانلر کجیب افکنده  
غریب لجه خجالت و اتفعال اولوب قالدیلر **دربیان تصرف کردن افغانه قلعه اوبه راه**  
بو واقعه فاعله دلا ویز روح انکیز نضک اول کون هنگام شام خبر وارد اولدی اغوانلر  
اوبه نام قلعه یی فتح و تسخیر ایلیوب نادر اسفراز قلعه سنه یکن اول نواحی نکه  
حفظ و مراستنه مأمور و ارال ایله کلری استاجلو اسمیل خانی و مقدماتیست  
کلانتری اولوب حالاً غوریان حکومتیه سرفراز اولان میرزا ابراهیم و بالجه اوز  
اولان عاکری مقتول و محذول ایلدیلر بواجمالک تفصیلی اولدرکه خبر وارد اولدی که اوبه  
و در جزو سائر اول نواحیه متوطن اولاقری و قصبات اهالیسی اغوانلریه ساز و کوش  
هم مشرب و هزار دلدلر نادر بواحوالی تحقیق ایچو مزبور اسمیل خانی سرکرده نصب ایدوب  
اول جانبه فرستاده ایلدیلر اوبه کلانترینه دخی اعلام ایلدیلر ایزن جانب اغوانلر  
خان و اشرف سلطان و ایاز نام اغوانلری سرکرده ایدوب مزبور لری یکی بنک نفر لشکر ایله هر اتدن  
حرکت و رودخانه دن عبور و اوبه قلعه سی اوزدینه عازم اولدیلر کجه خارج قلعه ده  
برکنکاهده اختفای ایدوب بامه اده قلعه دروازه لری کشاد اولدی مزبور اغوانلر کنکاه  
دوان و قلعه جانبه شتاب اولوب علی الغفله قلعه یه دخول اسمیل خانی و عاکرینی  
مقتول ایلدیلر بواحوال خلانله خبر وارد اولدی که درویش علی خانی هزاره یی گرفتار ایلدیلر  
بونک تفصیلی اولدرکه مفسر نادر حد و دیرانه وارد اولدر نضک قندهار جوورنده واقع  
تیس نام قلعه نکه حاکی درویش علی خان قندهار اغوانلرینه هجواریتی حبسیله اندرایله

موافقت و نادر شاه مقابله مت سواد سیله مخالفه جنگ ایلدیلر نادر بو خبری  
اشته که قائلی دلاور خانی سرکرده ایدوب فراش دلاور زرنن برکوه ایله مزبورک جزاسنی ترتیبه  
ارال ایلدیلر مأمورلر وارد اولدر قلعه یوریش ایله قلعه یی ضبط و تسخیر و درویش علی خانی  
دستگیر ایدوب درگاه نادره فرستاده ایلدیلر پیشگاه نادره و اصل اولدرده اشارت علیه  
ایله تیغ تیز ایله مقتول و جزای مخالفه موصول قلندی **دربیان تسخیر دار السلطنه**  
**هرت و انجام کار افغانه** رجب المرجبک او اخرنده اغوان مشایخندن سعادت نام بر شیخ  
مقدم دزبار عظمت مدار نادر نامه اده کلوب متعده اولدی که مار و چاقه طرفکزدن ارال اده  
سپاه اخذ ایله کلری الله یار خانک اطفال و عیالنی و سائر خانه اهالیسی رخصت و الله  
یار خانه تسلیم ایدولر تاکه اغوان دخی اکامکافات ایله اوبه قلعه سی اهالیسنه معامله  
ایدولر و بوند نضک جمله اغوانلر بقعه اطاعتکزه کردن داده اولدر نادر مزبور شیخک مسوونی  
قبول و شیخی توقیف و اسارتک خاطر لری نکه تلطیف ایدوب الله یار خانک خانه سی و متعلقاتی  
بالجه اطلاق و ارال ایلدیلر الله یار خانک یکتلکنی عورتنه صنایوب درون خانیه و رود  
ایتکه اهلک و مطوره خاک ایدوب طغیان و تمردنی اولکیدن دخی افزون ایتکه رایت مخالفتی  
اعلا ایلدیلر نادر ماه مزبورده بر فوج ایله کوچ ایدوب کادگاه سفینه متوجه اولدیلر الله یار  
خان جهل و غرور و عتو و نفور ایله لچ و عنادنی از دیاد اوزده ایدوب فوفلزانی عرف سلطان  
نام کسنه یی کند ویرینه هراته نائب وکیل نصب ایدوب صورتا نادر عکریه بیده کادگاه  
سفرینه عازم اولدیلر چونکه تجرین عاکر خونریز و تحریک دایتا جنگ و ستیز ایله هراتدن  
نهرضت و کادگاه طرفه اماله لجام عزیمت ایتدیلر محل مزبوره و اصل اولدر قلعه قلعه طرف  
کروه پرشکوه اغوانلر زنبورک و تفنگ اندازان نصب کادگاه کارزار و اناره شعله رزم و یگان  
ایتملری ایله تقابل فریقین و تصادم صفین ایله جا بجا نوای نای فرد فرسای قتال پراهنک  
و غفله طبل و دهل محرک رک سیتز جنگ اولوب **نظم بری** ایرغلا دی سمنده ستور سیه  
توز سمایه کتوردی فتور ندر لولجه غبار ستم سمنده لیر سینه آسمانه که ورت  
رک اولوب مدت جنگ و جدال دورت بشن ساعت اتصال و نایق حرب و قتال هنگام  
شام و ارجه اشتعال بولدرده دستیار یی بخت قوت افزای بازوی عکرنادر سخت اولوب  
اغوانلر ده کیر کیز و پنجه بخت کشته شمشیر خونریز اولدیلر بوهنگامه قیامته الله یار خان

90



عسکر اجندن سچلوب ترمه و طغیان از طرف ارباب هرات جانبنه شتابه اولیدلر ایشا و فراده  
نادر کامکار که حقوق عنایاتک گرفتاری اولدی بونک تفصیلی اولدرکه هرات دروازه لرین  
بر دروازه فوفلانی طائفه سنک ضبطنه ایری نادر طرفنه تحریر ایله متهم اولیدلرکه اگر جان  
و مالیمزه و اولاد و عیالیمزه امانک اولنور ایسه کیجه نک بر وقتنده ضبط نه اولد قابول  
آچوب قلعه یی تسلیم ایلر و نادر دخی بو خبری تحقیق ایچو دجیک یکر منجی شنبه کیجه سی  
عظمای افغانان امان خان نام کسنه یی که مقدمه کنه و توابع و لواحقیه کلوب  
دارالامه دولت ابدینانه و خیل و شمشیری بر کرده دلور لایله بو خدمتی ادایه مأمور  
و روانه ایلیدر الله یار خان عن سلطانک مکینه و اقف اولوب ایشا راهده امانخانی  
طوب شمشیری امان ایله کرنی بران و خاک و خون اراسنه غلط ایلیدر عن سلطان  
بو واقعه فاعله اشترکه فرمان قهرمان زمان ایله قصاص امان خان ایچو تیغی امانی  
چکوب الله یار خان اوزینه روان اولیدر الله یار خان باشقه دروازه دن قلعه یه  
داخل اولوب نادر دخی کارر کاهدن رجعت ایروب عن سلطانک و سار برهادر بر قاج ایام  
اچنده قلعه نک جوانب اربعه کنده دودت عدد عالی طایبه لر بنا و سنکر لر ترتیب ایروب ایشا  
محاصره ایله و اقدام و اهتمام بر له احوال قلعه کیانی تزیین و تنک و غذا و غنایین منحصر  
لقه کله و کلوله طوب و تفنگ ایلیدر برنجه ایام نضکر که اول بخت بر کشته لشکر دیگر  
ملجا و مفروا طاعت کردون مطاعن غیری بر مقر بولامیوب باب استیمانن دخول و غلیظ  
شیر عهود و موایوه ایله رقبه لرین ربقه اطاعتینه ادخالی متهم و قبول ایلیدر پس  
رمضان شریفک عن کنده ایشا بر وی هلال ماه صیام ایله شمشیر دلور ان طوطقرین  
خون آشاملقدن بنیادوب و نغاره خانه اقبال ضبط و تسخیر و اجلال ایله عالی بر صد ایلوب  
غبار فتنه سکن و مخالف خانه نکبت مایه لرین مختلفی و متوطن اولیدلر لایله نیرمه مهبت  
و ساجیا کیوه صلابت دروازه لری ضبط و تسخیر و درون قلعه یی تخلیه و تطهیر ه  
تعیین اولنوب طوائف اغوان هر قبیله کنه و کمنده اولان دروازه دن گروه گروه جقدیلر  
اولاد و عیال لرین و اسباب و اثقال لرین دابه لره یوکلر و ب خارج قلعه ده قونیلر الله یار خان  
و توابع و لواحقی که مشمول عطیه امان و لشرایری منشور عفو و احسان و برقه عنایت  
بی پایله ایله سالما غانما ملتان جانبنه روانه اولیدلر سار اغوانلرک اسباب و اثقال لرین

تحیل

تحیل ایچو بحال و بغال و اولاغ تدارک اولنوب طوق و قازلین کنه و بشکلین بیه ۹۱  
یوکلر و ب کوچ ایروب کتیلر مشهدک و ایسوردک ابتدا سنورندن منتهی راس الح کمنه  
نام مکانه دک مناسب مکلده جا جا اسکله اولنیلر مازالذکر جام حاکی بیر محمد سلطه  
نام کسنه یی حکومت هرات ایله سربلند و خانلوق خطایله بهرح مندا ایلیدر ماه رمضانک  
برنجی کونی دبر به و طنطنه ایله شهرن داخل اولوب بساط تمکنی دوشیوب حکومتده  
مستقل و امیرانه زوق و صفایله مبتجل اولیدلر **دربیان تتمه و قیام فراه و کیفیت تسخیر**  
**قلعه حکمت حضرت الله** سابقا مرسوم یراعه بیه قلینغی اوزده ظهیر الله و له ایراهیم خان  
طبرک عودت ایلدک نضکر طائفه کوه کلانک ترتیب جزالریچو ارا له تصمیم اولنوب ایراهیم  
خان عاکره و افره و مهابت کاشه ایله قالقوب سخواسب نام مکلده وارد اولدقه مقابله  
تاسا آورد اولامیا جقلین بیلوب و ایشکلری مخالفته دخی نادم اولوب ابواب استیمانن  
داخل و بر بلوک دلور لهرات سفینه عزیمت و دربار نادر فلك مداره و اصل اولیدلر  
نادر دخی انلری فراه سفینه مأمور ایروب اول جانبنه روانه اولیدلر نظام و انتظام  
امور مهام سرحدات خراسان نضکر ایراهیم خان دخی ایسورد و سار سر حد لر عاکریه  
کلوب اوزدویه ملحو اولوب انن فراه سفینه روانه اولیدلر ربیع الاولک اون بشنده  
فراه قلعه سی اوزرینه تحریک لوای نکبت احتوا ایروب کلی توابع شوم ایله صفوف  
اغوانه هجوم ایشکلرنه بر ایکی ساعت آتش جنک و جدال اشتغال بولوب عاقبت ایشا  
شقه نصرت و غلبه قزلباشیه ده بیدار و اغوانلرک کرده لری و اتباعی کشته شمشیر  
آباد اولوب خون سرخینلری ایله طاغ و صحرانکین اولدی بود فعه اغوان تفنگ انداز  
لری فوج فوج جانب شهر دن نمایان اولدقه قزلباشیه دخی هجوم غیرت لزوم ایله پاک  
و نامدار اغوانه دن نجه لرینی اهلک ایشیلر اول روزد ل سوزده بازار کیر کیر کرم و تنکیان  
بی امان مبارک تیله قانون ضبط و ضبط حرم اولنوب آوازه و ویلای ایتمام و ارا مل رسیده  
فلك ایشرو نوای ناله و اصر تا عالمگیر اولد و غدن غیری نجه لری بیمانه کشتن شربت هم  
و نجه لری فراد ایله درون قلعه یی مقام ایلیدر پس ایراهیم خان نادر خدمتده پرویش یافته  
اولدغه بنا و سنکر لرینی تغییر و قرنام مکلده نزول و اول یرده سنکر لر ترتیب و تعمیر ایلیدر و مکلده  
اورد و کاهی اول مکانه نقل ایروب مین طایبه لر و عالی بر جلر بنا ایلیدر اغوانلر بو حالی



مشاهده این کله نه ساق اتجا دا وزره قتاله مهیا اولوب قلعه دن چقبوب هجوم ایلیدیر  
خراک دلاورلری دخی صف آرای معرکه کارزار اولوب شجما نکرک غبار انگیز لکندن انارفته  
قرده پیدا بهادرلرک ولوله و آشویزن علایم قیامت هویه اولوب بر ساعت اچنده  
بنک درتیوز کله نیزه لرا وجنده کلوب عرصه میدانه طوب کبی غلط اولیدر کر کرده لر  
اول او غورده جان و باش اوینایندر عطا یای خاص ایله اختصاص بولوب مشمول  
انعام و احک اولیدر اول اثناده السنه انامده مذکور ایدی که فراه اغوانلری قندهار  
والیسی میر حسین غلجی سید استمداد ایدوب میر حسین دخی برکوه انبوه امداد و اعانه  
ارال ایلیدر بوضیع بناء نادر بهادرک مطمح نظری میر حسینک حوزه حکومتده اولو کر میر  
سکافی بتوجیه طائفه سنک اموال و ائقالتی و مجال و بغالنی تاخت و تاز و نهب و غارت  
اولوب جلایرلی طرهما سبکی بر فوج دریا موج لشکر ظفر اثره چرخجی باشی ایدوب فراه جانبنه  
روانه ایلیدیر که اگر قندهار اغوانلرنن بر اثر ظاهر اولور ایسه ظهیر الله اوله ابراهیم خان ایله  
اتفاق ایدوب مدافعه یه سعی و کوشش ایلیه لرو الا طرهما سب بک کنه و جمعیتی ایله بخالدین  
و پایاب یولندن روانه اولوب قلعه جا کر میرا جانبنه رایت عزیزمتی افزایدوب بتوج  
اوزینه شجوه ایدره لرا قاطرهما سب بک فراه جانبنه وارد اولد قلزنه میر حسین بر قاج معتد اید  
اظهار اطاعت و اخلاص برله کر انبها کشمیری شالرنن و زی قیمت هند تفار قلزنن هیره  
برته لراهد ایلیدیر مزبور معتد لر حضور نادره وارد اولد قلزنه امتناناً علیه حقوقه  
رعایت ایدوب آدم کوندروب طرهما سب بک مزبور قلعه جاته دست درازلور ایتیموب  
عودت ایدره لریو امر بیوردیلر چونکه فراه اغوانلری بو حاله واقف اولوب عجز و هزیمتی در  
پیش و کنه لرینی گرفتار ورطه خیرت و تشویش کوروب امداد و اعانه دن مایوس اولیدر  
رؤسای فراه دن بر قاج نفر معتبر کسنه لری ینه میر حسین عنینه استمداد و استعانه اچون  
فرستاده ایلیدیر میر حسین دخی هجوم اریته بناء قندهار دلاورلرنن یکی بنک نفره سیدال افغانی  
سر کرده ایدوب ارال ایلیدیر بو حاله مقارن الله یار خاک فراه وارد اولوب و اهالی فراهی قرا  
ضبط و تسخیرنن آگاه ایلیموب مظاهر سیدال ایله اول داندن دولت و اقباله مخالفت امر  
محال اولد و عن اعلام ایلیدیر بر طرفن افغانه غلجی ای هنکام شام قلعه یه داخل اولوب  
و بر طرفن اهالی فراه کوچ ایدوب مجال فراه سوار و عازم قندهار اولیدر نصف الیلده ه  
بو خبری

بو خبری قرا و لظهر میرا دولة ابراهیم خانه ایصال ایله کلزنه فی الحال سر بازانن بر طائفه یی  
اندری تعقیبه فرستاده ایدوب وارد اولد قلزنه برینجه لرینی اسیر و نیجه لرینی طعمه کشنیر ایلیدیر  
سپاه رزم سازمقتول و گرفتارلین سلاح و کلبلین یغایه آغاز اثناسنده بقیه السیف  
کنه لرینی سر منزل بجاته یتشددیدر بو جانبنه ابراهیم خان قلعه یه داخل اولوب خان و  
ماندرین و اموال و ائقالتین ضبط و تسخیر و عساکره توزیع و خانه لرین تملک ایدوب  
و فراهک جمله توابع و لواحقلین دخی حوزه حکومتینه ادخال ایلیدیر انن صکن ابراهیم  
خان رجعت ایدوب نادر اوردوسنه وارد اولیدر چونکه نادره نظام و انتظام امور خواص  
و عوامنکه فراغ تام حاصل اولدی ماه فرضنه فرجام صیامک اون طقوز بخ کونی جمشید ه  
شوکت و فریدون عظمت ایله فراه داخل اولیدر چونکه اول دیاره آهنگ ایتیلر اول  
و ایدنک خاک و سنگنی خرام اشربها صرصر تکدن عنبرینی دنک و لعل برختن ایله هسنک  
بیوردیلر شهرک حصار و بارنی و باغات و بازاری و عالی بنالرنی تماشا ایدوب وقت  
عصرده مستقر دوتلرینه مراجعت بیوردیلر در بیان رفتن شاه طرهما سب بر قلعه روان  
دی نیل مقصود و مرام باز کشتن آن نظم قصه برداز اولینه ای خامه عنبر نشان  
ویرینک سلطان محمود داستانن نشان نثر سابقا تفصیل و بیان اولنمشیدی که  
بهادر تبریز دلاویزی ضبط و تسخیر ایله کلزنه نصکر روان و نخج و دخی فتح اولنمو مراد لری  
اولوب لیکن خراسانک اختلاف و اختلالی و افغانه نک غلبه و استیلا سیسیله  
اول جانبنه عطف و عنان ایلیدیر بو جانبنه دو میان فرصتی غنیمت بیلوب دلخواه لری  
اوزده مالک آذربایجانی ضبط و تسخیر مشغول اولیدر شاه طرهما سب دخی جمله مالک  
اصفهانن غیر نادکرک ضبط و تسخیرنده قالمو اوزده متع بعد اخری عهد و میثاق ایلیدیر  
ایدی چونکه نادر خراک جانبنه روانه اولیدر شاه طرهما سب دخی تجرید عساکر خوزنیز  
و تحریک دایات جنک و کتیز ایله اصفهانن نهضت و آذربایجان طرفنه اماله لجام غرمت  
ایتیلر و لکن عثمانیانک تجلینه اصلا وجود ویر میوب عجم شاهنه مقابله یه نه یاردا  
ونه جراتلری وارد دیو رجال نامنه اولان مداهنه از بانک خوش آمدی کلامنه و لا  
و کزاف آمیز گفتارینه آله انوب و بر سهلجه هنکامه در صانوب آرای باطله و مشاوده  
عاطله لرینه دشمن طرفن اذدر او تحقیر و تدارک ادوات قلعه کیریه خیلی تقصیر ایدوب



عظیم غرور ایله مغرور اولوب بوکون یارین عثمانلو طرفین استیما ایچو آدم نیایان  
اولود سودا سیله تسلیمه بخش خاطر مغفول اولادق عکس قضیه ظرود ایدر سه حاله  
نجه اولور دیمیوب دستمانه جنک ایله بینلرنه شاعرانه وادیلر و نکته آمیز ابیات و  
اشعار کفتاریلر سویلنوب های وهوی ایله دست افشان و دوکن ویا کیرانه کیرکی  
یوله دو شیریلر نادر بهادر همنوز مشهوره ایکن بو خبر وارد اولوب در عقب رقم یازدیله  
زینهار زینهار بوسودان فارغ اوله سن عثمانلو کوهی آشیله قلاعدن اوردکش طایر  
شکسته بال و پریش حال درو یا مراز طاشی کبی قول و قنادی باغلو برهیلو امثالدر  
ظن ایلیه سن بو تمنا خزینه سنگ ستمنه طولاشمه که طلسمه هلاک اولور سن  
واژدر قورینغه بصره کیم نفیله یو طولور سن **نظم** قیلر یلانن فرار کور میه سن اژدها  
ایله برنه قرار حالکا صبر ایله هانتر مرد میدانلو و جنگجویو مملکت کیرلک و تک و  
پویلو آکایشن دکلدر دیو منع و زهر بسور دیلر و اقتضای وقته کوره صبر و تحمله  
ترغیب ایلدیلر لکن امنای دولت و امرای شوکت نامنه اولان مغرور اتک حریم کاغ  
صما خزینه بو پنه آمیز سخت کتیوب و حوصله لری بو نصیحتی قبول ایتمیوب نادر  
بهادر تسخیر هراته مشغول ایکن شاه طرهما سیده اکا تقلیداً زعمیه تشیر ساق و کمر اجتهایا  
میانه بند ایوب بنک یوز قرق اوچده ماه مجازی الاوله مطابق ایتیل کوبه تمام  
و احتشام مالاکلام ایله اصفهانه حرکت و سار و لایته آذربایجان تسخیر عزیمت  
ایوب رایت افراز غرور اولیلر همرا نه وارد اولد قلزنده متعینان دهالان و لیلیخی نام  
کسندی شوکتلو سلطان محمود خانک ترنیت جلو سیکو آستانه دولت علیه  
ارال و معاً عنبرین نامه و عنبر شمامه ایصال ایلدیلر بعده همرا نه رحلت و تبرزه عزیمت  
ایوب وارد اولد قلزنده نادر طرفین تبرزه والی نصب افغان نامداد اموز دیده و کار گذار بیستون  
بک افشاری عزل ایوب حکومت تبریزی سمدلو محمد قلیخی نه تفویض ایلدیلر تبریزدن  
دخی قالقوب عراق و آذربایجان و اول نواجیده واقع دودادس ولایاتی حکامنده اون سکر  
بنک نفر عکریه روان جانبه عمله انکیز اولیلر اوژدو باد و نخچو خالی اولمغه روان  
قلعه سی اوژرینه یوریلر ازیس جانب دولت عثمانیه طرفین سر عکر روم اولان حکم  
او علی علی پاشا و قلعه محافظی میوز پاشا حضرتلری قلعه دن چاقوب کرنی صوبی

کنارنده روانه اوچ فرسخ محله سکر و متر ستر ترتیب ایوب قزلباشلری یولنی محکم  
س و بند ایلدیلر کوبه طرهما سب بحر عثمان کبی لشکر فراوان کوب بریدن و صودن عبور ایوب  
علی پاشا دخی قارشو چاقوب تقابل صفین واقع اولد قده و هله اولی ده رومیله صدمه  
قزلباشه تک آورد اولامیوب منهرزم و مغلوب اولوب جیخانه و طوبخانه یی براغوب  
روان جانبنه عنانتک فرار اولیلر قزلباشیه جمعه طوبخانه و اموال و اسباب مهرانی  
تماماً ضبط ایوب کنه و اوژدو لرینه نقل ایتیلر بعده اول کلدن قالقوب قلعه تک جانب  
غربی سنده شهر اوچ فرسخ محله واقع کنکر نام موضعه ضرب خیام ایلدیلر بر قاق  
کوند نصک قزلباشیه تک تو سن جلادی سکر کش و نفل یادی پای غرور لرینی آتش  
اولوب کثرت و ازدحام ایله بردن قلعه اوژرینه یوریش ایوب پای حصاره دک مرکب  
جلاد تدریس سور دیلر روم دلا و لرلی دخی غیرت کمرین در میله و جان و باشلریس فد او قربا  
ایلمکی سید ریغ طوب هزبری هزبر غضبان کبی حاضر باش طوروب قلعه یه یوروسین  
قزلباش ایله درون بیرونن عظیم صواش ایلیوب بالای حصار دن کله و کلوله یی بار  
کبی یاغدر دیلر قلعه دن آتیلان طوب و دهشت نشان شراره فشان اولوب کروه کروه  
ملایینی جانب نیرانه کونرردی بالاخر پای ثباتلری متزلزل و عقد جمعیتلری متکمل  
اولوب یوزلری دونوب برج بارویه طرمنوب چاقوب صدزنده ایکن بوزیلوب  
طابور لرینه فرار ایلدیلر اون سکر کوند نصک اوژدوده عظیم قحط اولوب و زار و ه  
زخیره کلجک یولدر دخی سوزد اولوب ناچار اول مکانن قالقوب طقوز یولوم  
یولندن و اداس صویندن عبور ایوب خوی و سلماس یولیلر تبریزه وارد اولیلر  
شاه طرهما سب قلعه روانه ایتیلر عزمیت ایتیلکنده روان خانلغه نامزد ایلدو کی ه  
متعین خانلر دن دکا بدار حسین خان نام نامزد بی ایما آتسا دار و کیرده اسیرو دستگیر اولمغه  
روان سر عکری وزیر علی پاشا استخبارد قایوب احوال ایچو مقدما بعض خدمت ایله  
روان طرفنه روانه قلنه عبدی پاشا زاده علی بک ایله اسلامبوله ارال ایتکیس بر قاق  
کون جنایای احوال دولت و مزایای آمال و نیتلری استنطاق اولد ق نصک پادشاه  
عالم پناه ایله الله و قواه سلطان محمود حضرتلری مزبور ک نقطه بجای وجودینک  
کرکک شمشیر ایله صحیفه عالم دن نابود قلنا سنی فرما بیور مار یله ماه زی القعه تک



اون سکرچی جمعہ کوئی الای کوشکی پیشکا ہندہ سرنکبت افسری بریہ و پیراھن حیات مستعاری  
دیرہ قلندی انہ نصکع بغداد دارالسلامہ والی صاحب شان و نام اولوب کشودا عجا مکہ  
بلادی اخذ و تاراج و اغتنام ایچو سرعکر مقدم اولو وزیر دلیر نبرد آزما دستورد شمنگیر  
مملکت کشا سعادتلو احمد پاشا حضرتلری معیندہ اولان جنود ظفر مو عود ایہہ منطقہ بند عہد و  
میثاق و یکدل و یکزبہ اتفاق اولہ قلندہ نصکع ایرہ طرفہ تیسیر لشکر عیت سپر و ہرنہ محلہ  
قرلباش ضلالت انتعاشک جمع اجناد نبرد اعتیادینہ تصادف ایرایہ سل ایسا جوش  
گذر ایتمک اوزرہ مأمورا اولیلر و روان سرعکری علی پاشا دخی اول حوالیدہ واقع بلادی ضبط  
و تسخیر ایچو تعیین اولیلر طرہماکب شاہ بوخبر مو حشی اشہ کلر نہ تبریز دن حرکت زجا  
و سلطانہ جانبیرینہ عزیمت ایلیلر ابرہ نام بلدہ یہ وارد اولہ قلندہ سابقا قولراغای اولو  
فارس بکلر بکی اولان محمد علیخان نام کسہ کند و باشندہ موجود اولو عاکر یہ کلوب شاہ  
طرہماکب اورد و کسہ ملحوظ اولیلر شاہ طرہماکبہ نوعا قوت حاصل اولوب ابرہ قاقو  
درکیزین یولیلہ ہر انہ متوجہ اولیلر وارد اولہ قلندہ ہر اہ اعمالدن کورخان نام قریہ دہ ضرب  
خیام و مکث و آرام ایروب ہر اندن و اول نو ایدہ اولہ قری و قصبہ تہ پیادہ و سواری عاکر  
جمعہ مشغول اولیلر ازیں جانب احمد پاشا اولافتح و تسخیر کرمانشاہ ہا مامولی ایہہ حدود  
ایران زمینہ دخول و رسیدہ اولیغی محذری یغما و غارت ایرہ کہ وضع اقدام خیول ایلیکی  
خبری کند ولہ نام محلہ دبط پیونر سنور اتحاد و ضرب او تاد تحزب و احتشاد ایر خانان  
بی کرو سامانک مسموع و معلوملری اولیچو یا نلر نہ کہ چند رو افضل تہ روزگار ایہہ  
بومرتبہ ہجوم و غلو ایرن شیران دلیران غزات جیش اسلامیہ نک مقابہ و مصادمہ  
بروجہلہ طاقت و مجاللری اولیہ چغین تصور و خیال ایلر کلر نہ استیلای کال خوف  
و خنیت تفرقہ سازنات و جمعیتلری اولوب **مصراع** بہ مدد صاول یولدن بوکلش  
یمان کلشدر **نثر** مدلولیجہ ہبوب عواصف و دبورا دار ایہہ جراد متشرکی پریشا و تاروما  
و بی سپر بیابان فرار اولملری ایلہ بتوفیق اللہ تعالی لشکر ظفر دہرہ سہ راہ توجہ و عزیمت  
اولور حواجز و موانع منفع اولمیں بر طریقہ تسہیل و تیسیر اولکای کرمانشاہان  
بالجہ توابع و لواحق ایہہ و مجددا انشا و ابراع ایلر کلری او تو زایکی عدد طابہ بی حاویہ  
قلعہ فلک اتع و کسہ سابقہ دہ داخل تصرف قرلباش پرکرو ب اولان یکر می یکی عدد

طوب قلعہ کوب و ایکی قطعہ ہا و ن آتش افکس پرا شوب لوازم مرہات جنبہ خانہ  
سیلہ نک یوز قرق اوچ سنہ سی ماہ محرم الحرامک یکر می بشنی انین کوئی فتح و  
تسخیر و ضمیمہ ممالک سلطہ عالمکیر قلوب قدر کفایہ نفرت جیش محافظینی  
ترتیب و تنظیم و ممکن مرتبہ سی لوازم حفظ و حراستی تکیل و تمیم اولنمو ایچون  
برقاج کون مکث و اقامت و بعد تمام مصلحت سنہ نام کلک جانبہ ارخای  
عنان عزیمت اولندہ عنایت خدای مفتح الابواب ایہہ اردلان ایالتی دخی ایادی اعادی  
ارزلاندن ملحقات کلیتہ سی ایہہ نزع و انتہاب اولنوب بوخلارہ سبیل و یردی خانی ایما  
اولکیدن زیادہ اقبیح ہزیمت ایہہ منہزم و سرعکر مشار ایہہ ہر انہ طوغری متوجہ و عازم  
اولیلر اولکای کرمانشاہان داخل حوزہ تسخیر اسلامیہ قلندہ دن صکن شاہ بر کشتہ  
جاہک تبریزدہ اولیغی معلوم و متحقق اولیچو ہر ان قلعہ سنک فتح و کشايشہ با  
سہولت و سرعکر ظفر خواہشنہ و سیدہ قوت و مظاہرت اولو تصودی ایہہ بلدہ  
کرمانشاہان دن حرکت و سنہ نام موضع جانبہ شہراصلہ عزیمت اولندہ شاہ طرہماکب  
جیوش دریا فروش عثمانیانک تراجم افواج و تلاطم امواجی نہ مرتبہ دہ یکد و کر ایکن  
آگاہ و متفطن و تبریزدن علی العجلہ خروج و زروہ شاہقہ عتو و عدوانہ خروج ایہہ  
اولو ایلردہ تعیین اولوب معکیر وزی پیکر اوج مرحلہ قریب محلہ و رود ایتشکن **مصراع**  
خار و خس طور سوئی سیل کویہ فرساد کلن **نثر** مصداقجہ مقابہ و محاربہ یہ عدم قدرتن  
اظہار و ازعان و قزوین و ابرہ طوغری بی زہر و بہرہ تحریک مہیز عجز و حرما ایتیکیدہ  
تعقیبی ایچون قدر کفایہ عکرایہ اماکیہ متصرفی سلیم پاشا تعیین اولنوب لکن  
شاہ دوتہ قریب بی انتباہک دوش مسلک دینتہ سی کی طریقہ مستقیم انحراف و کربوہ  
تغلیظ و اشتیاءہ نعل باز کونہ اعتاف ایہہ عازم سمت خلاف اولیغی مسموع و معلوم  
و دنبالہ دو ان جستجوی و وصول اولہ لمر مجرد تعب بی سود و مشقت پیر ہودہ دن غیر  
نتیجہ پیر حصول اولیہ جفی مقطوع و مجزوم اولمیں پاشای مومی ایہہ شکار گاہ مقصد  
و مرادن تہی بند فتراک اغتنام ارجاع اقدام موکب اقدام ایتمک ایچو بعض یردن کوچوب  
قصدا عانت و امداد ایہہ پیرو اجناد ارباب رفض و الحاد اولو اون بنک قدر قبائل ایلات و احشام  
قضای ناگہانی کی پرا شوب اموال و اشیاء و دوات و مو اشیلیرن یغما و غارت و فرغ و فخر اوردو



لها یون طرفه رجعت ایله ایصال دایت فوز و نصرت ایله پس ملاحظه سر عکراوزره  
شاه عاقبت تباہ برو فوج خاطر خواه تخویف و از عاچ و تبریزدن فرسخ بعیدہ یہ دک ابعاد و  
اخراج اولنوب بعد ازین سنہ نام مکده توقف و آرامی موجب و مقتضی اولور حالات  
مرتفع و منقضى اولمغه اول ماه ربیع الاولہ ہر ہر حوالیسی کروه چند و افضن خالی  
اولموظنی ایله منزل مرتومدن طی بساط اقامت و ہر ہر رفیع البیان ستملینہ تحریک  
قادمہ سارعت قلوب ماہ مرتومک او بنجی کونی سود مزبورہ قریب قریہ صالح آباد ہر  
قضاکنندہ دگر کسان نصرت نشان سیتان ایله بسیطہ روی زمین مانند لاهستان مزین  
و پرزب قلندی شاه ہریمت سپاہ دخی ابرہ و قزوینہ و ارب یا شہ کی جنود خدات موعود  
ماعد شیراز و اصفہان کلوب اول حوالیہ موجود و مہتیا اولان زرد پوش و کپرہ  
بردوش اولوز بنک مقداری جیوش سیلاب جوش انضمام و التحاقی ایله بالجمہ ہر  
خانان و امر اور و سابع ہمدانہ یقین مکہ وارد و نازل و مقدمات تعیین ایلیکی ہر  
معیار الممالک منصبی ایله بنام حسن قلیخان دخی اون بش بنک کزیرہ لشکر خسرا  
ایہ درون قلعه یہ و اصل و داخل اولمغه اندری دخی ساق میثاق میثنہ ارداف  
والصاق و قصدیت تقابل و پرفاش ایہ رف لوای الشقاق ایلیکی بیامی سامعہ گزار  
غزات اسلام اولجوج اتفاق آرایہ ماہ مرتومک اون برنجی کونی قلعه ہر ایہ شاہک  
فاصلہ میانہ لشکر کاهی تجیز و تسیر ایچون معیت عاکر نصرت ماثر ایہ حرکت اولنوب  
نصف فرسخ مسافہ طی اولندہ شاہ عجمک امر و معتبرہ سندن قولہ اغاسی و قوری  
باشی و خلیفہ الخلفاسی ہر لیلہ مخوم بری عکرا پاشیہ و بری کتی اسنہ ایکی قطعہ  
مکتوب سیر مہر خدیعت مرسوم تبریز لو فتح علی بک نامندہ بر شخص مخذول کشتنی و ساطیلہ  
وارد اولوب درون حیل مشحونہ ہزار بارہ عاکسک خلافتہ تجربہ لرسبت یرن صورت  
مصالحہ و آشتی اراستی ایہ نبت و تحریر اولنان اکازیب قیل و قال محض اغفال مردم قریب  
کیرو احتیال ایکی ظاہر و آشکار اولمغه قطعاً امرانکاہ اعتبار اولنوب اقتضای وقت و  
حالہ کورہ عکرا پاشا طرفدن مکتوب مرتوم مقابلہ نیقہ ترقیم و مزبور فتح علی و عجم معاً  
کلان اللہ و بردی نام رفیقنک یر لیلہ تسلیم اولنوب تعیین اوضان وقت و زمان طولدن جو  
کلمک اوزرہ ذل و احتقار ایہہ دو بقفای سمت اربار قلندہ نصک اول کون چند ساعت مسافہ

نزول و آرام و ایرتہ سی کون دخی ارسال افضان مکتوبک جوابی اور دوی شاہک برچوشت  
قریبندہ ضرب خیام ذر بجد فام ایلدکلرنہ ماہ ربیع الاولک اون او چنجی کونی یر کی طلوع  
شمن بر ساعت مروینہ دک جواب مکتوبہ منتظر ایکس ناگاہ شاہ خذلان سپاہ یگری  
سکز قطعہ بال یمز و بش عد شاہی و ایکیوز ذنبورک تعبیر ایتہ کلری طوبلریں و جرف فلکریں  
دپیش و جمع و خیرک ہا و نلریں یر لو یرنہ ترتیب و وضع ایدوب قرق بیکدن متجا و لک شیعہ  
خونخو اد ایہ آیو آیو یرنہ صف کش حرکت جنک و بیکار اولدنی صحرا ی بہنا و فریح ال  
ارجای ہمدانہ مرتفع اولان سوار کرد و غباردن بیدار باہر الاثار اولوب قلب عکردہ محمد  
خان بلوج مینہ دہ سار امر اور و ساوشاہ ظہما سب جانب یسارہ مضطرب الحال و البک  
جمہ امور جنک و جدال محمد خانک دای و تبریزینہ حوالہ اولمغه سر عکرا مشار ایہہ دخی ہر  
صفوف الای منصود اللوای ظفر موصوفلریں بیت اولوب انا فتحا خولہ لوج مصحف  
دایت ملایک اولدیلر شہر کشای شقہ نصرت نثر نشیہ سیلہ ترتیب و تیسوق و پیادہ  
و سواری درگاہ عالی یکچریلی و بیک نفر میری و سواری و سپاہ و سحر ادر قیلو لری و سار  
جنک آودان کار گزار و جگرداران درکار ایہہ پیشکاہ صلابت دستکالہریں صف در صف تریں  
و توفیق ایلیوب ایالتی عکری و قبوسی خلقیلہ دیار بکر و ایسی وزیر مکرّم مہطفی پشا  
و کردستہ عکری و ایالتی و قبوسی خلقیلہ مرعش بکلر بکیسی ابراہیم پشا و رقبہ ہر  
و ایسی وزیر مکرّم حسین پشا و ماردین و یودہ سی صادق اغای کندی تحریر ایلیکی اوچ  
نفر میری سواری لونڈاتی ایہہ طرفیں میں و یسارہ تعیین و کند لری دخی قبوسی خلقی اما  
متصرفی عبدال جلیل زادہ حسین پشا ایہہ قلب گاہ عاکر جمیل الماثری جلوہ گاہ سمند  
سعادت مند کویہ تمکین ایلدکن صکر موصول بکلر بکیسی علی پشای ایکی بنک مقداری  
عکرا شجاعت کردار ایہہ محافظ دمدار و ردوی ظفر مدار ایلدیلر بوشو و آیین شجمانہ  
و بوغظ کزین نیرمانہ اوزرہ بیت اللہ اللہ دیہ لم سنجی شاہی چکہ لم یوریوب ہر یکا شرفہ  
سپاہی چکہ لم نثر فوج اسیلہ نغہ جہانگیر توجید و تکبیر غزات غلغلہ دن نہ قبک سموات اولہ  
لشکر فوجا فوج اعجام بر فرجام اوزرہ حوالہ صمصام برق ابتسام و اسالہ بارہ سہرام  
اختصام قلندی قلعه دروازہ برج ہفت قلہ آسمانہ بالای دروازہ افضا اوزرہ علم  
زین فلک آفتاب عالمکاب نشانہ اولہ لی ایکی ساعت بخومی کردان ایتمشید کہ کور بک نام

x x



قریه صحرا سنده بیت دولشکر بنا و در بر خاسته دو صف چو صف محشر آراستند ز دست  
دلیران خاداشکوه سنانها نمایه چو در کهای کوه نثر اجناد اعدای ضلالت معتاد ایله  
مخاربه و مصارمه یه در کار و صدای طوب و تفنگ دغد آواز صاعقه بار ایله و لوله  
انداز چرخ دو آرا و لوب بیت نوای تفکله قولقلر طولوب جسد لرد و شوب زهق لرد  
چاک اولوب قلیگر که قول صالمه اوینا دیرلر قودی کله لر جنبه کلید لر نثر ماصد قنجه  
شمیر بازان معرکه گاه میدان و فارس کرم تازان شهر سواران شجما مؤمنین و بیادگان  
غازیه مسین آستین فشک و در قص کنان اظهار کمال شوق و میلان ایله رک بمعنایه الله  
تعالی طوایف قزلباش به معاش او زده آچقون یوریش و جنبش آتشیز دلیرانه ایله  
زد و برد جنگ و پیکاره مبارزت و کوشش نظم رزم اولری بلا بغشلو بر منق برق اولری اکا  
تفنگ ایله تیغ پر غلغه ایدی عالی صورت کردی صماغ جانی ناقور جا و یردی اودم بجه  
سلاطین کمل صولری خراب اولوب باستین نقاره جهانی قیدی دلگیر ملک دلی غصه  
ایدی تسخیر خلق ایکنه دوشی اول سحر گاه بر لوله کم نمودن بالله و انفسی نواسی  
اولری ظاهر صان قویری قیامت اولری آفرین داد و ستید کارزار مشاجره و جدال و کریمت  
بازار جان فروشان حرب و قتال وقت عصره دک متمادی و صواعق صمام استیصال طقت  
کذا خصما و اعدای اولیچو آخر کار شاه طربا سب خاک ایشیوز مقداری خواص خدام  
پریشار و زکاردی ایله زاد و ناچار در کزین اوزریندن قزوینه طوغری و بره فرار و معادای  
بقیة السیف اولان لشکر قفادار و پیرامن کزای بنات لغش کبی تار و مار اولیرله مجاهدین  
سینان با وفاق نصف الیله دک تعقیب ایله ایرش کلین قتل و سبی و استرقاق و اخذ و  
بطش و زجر و ترهیب ایله طاقتین طاق ایتد کلر نضکر در کزینلی طائفه سی دخی قطع طریق  
مفر ایتکه اکثری جو کسوف دن کزاید و بیدار عدمه سفر و منزل سقری مقر ایله کلین بعد الفرار  
محد بلوچ خان اتباعدن اوج پاشا اورد و سینه استیمای ایله عود و رجعت ایدک بر قاج نرافغان  
خبر و یردیله حاصلی طائفه سیه بختان کزیرله عداد لشکر اسلامیانن اضعاف و مضاعف فراد  
ایکن حفظ خدای مستعای ایله اوچیوز قدر موحه کتی نهاد با کیزه عقیدت شسته روی مومنین  
حوض شهادت و چاشتی یک ثبت شیرین کاس مغفرت و بشیوز مقداری نیزه کزله میدان  
شبی عت زخم خورده آلات حرب اهل غوایت اولوب اما قزلباشیه نک یکرمی بنک نفیسه  
مذلت

مذلت پیکردن پذیرای تنفس حیات ایدر بر احد دائر و وجوده پایدار ثبات اولیوب سوار سندن  
کذک دورت حصه دن اوچی افتاده بخاک هلاک و هدر و خان با اعتبار و خواص کباردن  
قزویں و شیراز و مقدم خاندری و لشکر نویسی و خلیفة الخلفاسی و بونلرک امثالی دولت  
ملاصده صفویه رجالی بی با و سرعازم طریق سچین و سقرا اولیر پس مانده جایگاه فریختی  
اولان صغیر و کبیر درشت و مکورا و تو زایکی قطعه طوب و ایکی عدد هاون و ایکیوز عدد  
زنبورک و مرهات جبه خانه و ادوات طوبخانه و بار و بنگاه و خیمه و خرگاهلری نصب قبضه  
چند اسلام و داخل حوزه تصرف و اغتنام اولشدر ایرته سی کون هر آنک چند ساعت قریب  
نصب اوردوی همایون نصر تمقرون اولنده فیه مقهوره قزلباشدن درون قلعه ده محصور  
و کرکردان اولوب رعایا و اهالیکن هریمت کیچه سی شاهلری اردبجه حرکت و قراره قادر اولاند  
ماعد اعجنج و مسکین بزه مقوله لری اوردویه کلوب اوراق خزل کبی لر زان و هراک  
سربفر و داده دامک استیمای اولیر قلعه هر دخی یردی بالیز و یکر می کز شاه ایکی خیمه ها و لخی  
و اون ایکی عدد زنبورک طوبلری مرهات جبه خانه سیه ضبط و تسخیر و اضافه ممالک  
جهاندار اسکندر کزیر قلوب بر کون دخی محل مزبورده مکث نضکر ماه مرقومک اویرنجی پنجشنبه  
کونی پشگاه قلعه هرانه نقل داخله عزیزت و ربط طناب سیاه سعادت اولندی  
فرداسی جمعه کونی درون قلعه ده واقع اکبر و اشرف جوامع رفیعه ده اقامت فریضه  
صلوة جمعه و بالای منبر فیض آورنده پادشاه محمود الفعال و شهرنشاہ مدوح الخصال  
بیت جهانگیر حرب آرد و غرب و شرق خداوند یریم نصرت بفرق نثر خلیفة الله فی الارض  
و اولی الامراقایم السبع بالطول و العرض علیه الرحمة و النفران حضرتلر تک نام کشور  
آرای ابرهت مطلق لری اثناء خطبه ده قرائت و عنوان طراز شرفنامه تذکار و تحت قلندی  
بو خبر بهجت اثر سر عکر تحریری ایله اسلامبوله و اصل اولده پادشاه عالم پناه حضرتلری  
طرفدن کوندریلان امر عالی شانک تصادف فیض وقت ایله انشای ادای رنگینی خیل مرغوب  
و دلنشین واقع اولمیس استیمای انا بعینه صورتی ثبت صحیفه بیله قلندی سر عکر اوج پشاه  
ارال اوضاع فرما جلیل العنویله صورتی بعد از القاب بو اثناء عتیة عتیة خسروانه  
ارال ایلدی لکل کاغذ لک درگاه معلوم قیوچی باشیلر دن مقدمه معیتکه مأمور خلیل دام مجده ایله  
کلوب و اصل و مضامین بشارت ضیسندی محتویه اولیرنی تفاصیل وقایع فتح و نصرت  
مذلت



حرف بحرف علم عالم آرای ملوکانه م محیط و شامل اولمشد رس ارثا و اصلا و زاتا و نسلادت  
علیه مک صد اقتکار و خیر خواهی و وزیرای عظام مک مدبر و مجرب الاطوار صاحب انتباهی  
اولما کله زانکه اولان غیرت و لهت و هبته و همت و استقامت غیر کسبیه مقتضای  
و دیمه عمره کفایت و امانتک اولان امر سپهر سالاریده دین و دولت علیه مه لایق و نشان  
و شوکت سلطنت سینه مه موافق مآثر جمیه و مفاخر جلیله اظهارینه نقینه نشان اقتدار  
اولم و خلاصه خیال و نفاوه افکارک اولدیغی اجلدن معیتکه مأمور اولوزدای عظام  
صابت الازا و بکر بکیک صداقت انما و سایر رؤسای ضابطان عساکر ظفر سیمایه دائمی  
ست سینه مشورت و قاعده اتحاد و یکجهرتی به رعایت ایلدیگه بنا اتفاق و کلای  
خردندان امور آزما و استیاد رؤسای کاردانانیا صوب آشنا ایله تقسیم اهم رسم و راهی  
معتبر و مسدوک طویلوب ابتدا شاه کراه بی انتباهک تقویوشمل و جمعیت و تمیز و ذیل عجب  
و خوتنه صدق نیت ایله عزیمت اولدیغی شیاطین رو افض ضلالت نطق استماع و استراق  
ایتلیله محضا عساکر اسلامی اغفال ایچو فریفته دانه مکر و آل و کرفته دام کید و احتیال  
ایتیک فکر فاسیده صورت رغبت مصالحه اراشته مبتنی کردار و مراراً طرفه اول ایلدیگی  
رسل و رسالترنه یافته کادگاه میکیدلری اولان کالای کاسدک و مفاخرینه رش و کاست  
زاتیه و لهت و همت فطریه کن ناشی تمنازن اعتبار و اعتماد اولیوب جنود موحدینک  
تکیل نوامیس دولت و دین خصوصه اخذ انتقام ایله غلبان قدر غیرت و فوران  
تنور خواهش قیتلین فال حیز فوز و نصرته عمل و عون و عنایت رب العزته استناد و  
توکل ایله محاربه و مقاتله لینه اقدام و عزیمت و همدانه التي ساعت مسافه دو اقع کور  
نام قریه صحراننده مقایله ایله سوق کتیبه مبارزت اولنقله محل مزبوره تقابل فریقین  
و قوعنده و صایای سینه و نبالی و اجناد ظفر اعتیاد اسلامیته نکه تیره سواعه تحمل و  
اصطیاد و تعویذ جیاد غیرت و اقتدار لری ایله رک توطین قلبلیله تمکین پای صبر و شکیلدنه  
دقیقه فوت اولنما مقله نهنگان دریای دلیری و شجاعت و پلنگان صحرای شیر کیر و شهرامت  
اولان عساکر دزم آزما دنی کهراف الامه و قایة الله استظهار و التجا ایله سطوت اعادی  
ضلالت آینه آچقدن سپر کسینه اولدیله لله الحمد و المنة نسیم فتح و ظفر جناب  
اسلامیانه وزان و طائفه قزلباش بد معاش صرصر فزی و خذلان ایله افتاده خاک دماری

ضران و بالجه اسافل و اعیان لشکر خبیت نشانی علی طریق الاستیصال با مال مطایب  
استه و اسیاف غازبان و شاه عاقبت تباه و مکرده راه اهراب سیر مخصوصه مخو  
سیله من بخابر اسه فقیردج تجارتس ا هزار ایله این المفرکویان بوادی فراره شتابه  
اولد قلند نصک دخی میدان دلیران کارزار و جکر داران مصاف سیتز و پیکار لن یفعلکم الفرار  
نفره لیس ریده صحاغ ادبار لری ایله رک عقبدار لقلینه سابق و ابتداء و نیچه لیس علف  
شمیر آبرار ایلدیله بعون الله و حسن توفیقه بالجه بار و بنگاه و ضمه و فرکاه لری  
علی الخصوص هر قلعه سی و اوژد و سنده موجود بولنان معلوم المقدار طوب و هاون  
و زنبور کله و مهاتجیه خانه و ادوات طوبخانه لریله داخل حوزة ضبط و تسخیر اولدیغی  
قبوچی باشی مومی الیهک شفاها تقریر نزن دخی تکرار قرین سمع یقین پادشاهانه اولغله  
الحمد لله الذی اعز جنده و نصر حزبه و عبده هذا من فضل ربي یؤتیه من یشاء و الله ه  
زوالفضل العظیم حقا که صد اقتکاران دولت علیه و خیر خواهان سلطنت سینه م اولان  
و کلور رؤسایک ساق و احد او زده قیام و حسن تدبیر و اهتمام لری و جان سپاران اغوردین  
ببین اولان مجاهدین کوه تمکینک ثبات اقدام و تشبث و اقدام لری ایله بیت بر غز ایتیک که  
خشنود ایلدیگ سیغیری بلکه جبریلی بیله و الله اعلم بالرشاد نثر مفرومه منه ماصدق و دیباجه  
صحایف ملام و مفاز لری روزگار اولغله احو و الیون اولان بو غزوه عظما و ملحه کبراده  
ظهوره کلان مآثر سعیده لری و تکیل عرض و ناموس سلطنتم باینده جلوه کرمات شهرود اولان  
مفاخر بسنیده لری مقبول همایونم و باعنت انبساط طبع صفا مقرونم اولیغندن غیر عامه  
عباد مؤمنین و کافه مسلمین و موحدینه کرمایه سرور و شادمانی و کسب حبور و خود جا  
دانی اولغله سکنه سر عکر همت شجاع جلاوت کسرم و سپهر سالار ستوده اطوار مرضی الاثرم  
مشاد ایله سن خاصه سکنک و معیتکه مأمور اولان و زرای عظام من غیر تکشادین و دولت  
و حور کزاران و نفعت اوله حال دیاد بکر و سیواس و ایلدی دستورین مکرین شیرین مقحین نظام  
العالم وزیر دلیر صاحب تدبیر دم مصطفی پاشا و حسین پاشا ادم الله تعالی اجلالهمانک و میر  
میران کرامک بهادر جلیل الماثر نزن مرعش بکله بکیسی ابراهیم پاشا و حال موصل بکله بکیسی  
علی پاشا و سابقا ماسیه و حالاکا تقری متصرفی سلیم پاشا و سابقا موصل متصرفی عبد الجلیل  
حسین پاشا و امرای کردستان و ایالت الویه الای بکیلی و سائر عامه رؤس و ضابطه عساکر نصر



ارتس مک خصوصاً کرم سزان و طیس و غایعنی سمنه ازان ناسخ هیج و هزوراه عرصه  
غو غا اولان یکجیر یان شمیر بازان و جبهه جیان معرکه پروازن و کردنجه یاه جانه نقدیان  
و تر قیلویله صاحب سنان و طوبجیا آتش فش و عربجیا طوب کش و زغما و ارباب تیمار بالجمله  
پیاده و سوار افراد اجناد ظفر کردار قولدریک سعلریک مرضی و مشکود و خذ متلیک و جوهه ایبه  
مقبول و میرور اولمش ریوز لریک آق و قلیجریک زانما کسین و دما اعدای دین و خون  
فرق مرتین و ملیس ایله آلوده و براق و سیل دین مینده مجاهده صادقانه کز مقابله سنده نان  
و نمک پادشاهانه م سزله حلال اولسونم عز و تمتع دنیا و عقبادن حصه دار و غنائم چور  
جزیه افرادن جمله کز بر خود داد اوله سز حلاله حق کرده عمان بیکران بره اها و کربانی پانکار  
بی امتنا نم تموج و متلاطم و مشهتج و متزاج اولوب سکنه کر عکر محو الماثرم مشار الیه کس  
خاصه خلع فاخره ملوکانه مدن سمور فائض السوره قبلو سکا بر ثوب خلعت مودش  
البریه سلطانی و اسیاف فاتحه الکتاف خدیوانه مدن بر قبضه شمیر طفر تاخیر خاقانی  
و تزیین فرق جلالت قرینک ایچون بر قطعه مجوه کر غوج کسود ستانی عنایت و احکا  
و رایکه موافقت ایبه همنان مرافقتک و میه بسته امر و متابعتک اولان وزیر مشار الیه  
و بکلر بکیا نیکو را و سار رؤسا و ضابطا عا کر نصرت پیمایه الباس و اکا ایچون یکی قطعه  
پوستین سمور و یوز آلی عدد خلع زاهر مستلزم الحبور اعطای لها یونم اولوب تبلیغ  
و ایصالی ایچون درگاه معلوم قیوجی باشیلرن و سلحور له آستانه سعادت نشانم زمره  
حالا میرا خود نانی و کیلم اولان عبیدی پاشا زاده علی بک اول اولمش دران شاه الله تعالی  
و وصولنده خاصه سکا عنایت و احسانم اولان خلعت فاخره و کسوه زاهر می تقیرم خطوات  
تغظیه مقارن استقبال و تلیم ایبه دوش قیت پوشکه اکتا و حصصام نصرت ارتسای آرا  
یش میان مفاخرت و کر غوج مباحات و ابتهارجی زیود تاج رفعت منزلت ایدوب اهراز  
مبايعات اونی و اظهار مسرت بی انتهایه دک دشته بنان اتحاد و موافقتک و کربستان  
امر و اطاعتک اولان وزیران مشار الیهما و بکلر بکیا و امرا و سار رؤسا و ضابطا عا کر ظفر  
انتمایه عنایت و احکا اولان خلع فاخره می علی قدر مراتبهم الباس و اکا و جمله ایبه نصرت  
ایام عمر و دولت و ترادف اسباب سلطنت ایدم دعای واجب الاداسنی یکز با انقاد نصک  
سکنه کر عکر جمیل الماثرم مشار الیه کس داخل حوزة ضبط و تسخیر اولان قلعه هه و بالجمله

بقاع و ضیاع و بلدانک ضبط و ربط و انتظامی ایچون تعین و تقریر مخا فطین و تخصیص  
و ترتیب حفظه و محارکین ایله سار تمثیت و اجراسی مقتضی اولان امور و خصوصاً  
لایق و لازم اولان وجه و جبهه و طور و شیوه اوزره رهین تنظیم و تمکین ایدوب اول مملکت  
وسیعته الاجا و فسیحه الار جانک قلیل و کثیر و خلیل و حقیر مهام لازم الاهتماتی صورت  
مرغوبه حسن نظامه افراغ ایله تکمیل خدمت و تزییل منظومه مآثر قرین الحدیث که نشان نقینه  
غیرت و همت ایله کس و سز که کر عکر مشار الیهک معینه مأمور و زرا و بکلر بکیا و حکوم  
الویه متصرفی و سار طوائف عا کر ظفر مظارم و بالجمله قیو قولدری موی الیه کس  
نیما بعد فی فرمانم اولان خدمت دین و دولت علیه مک تمثیت و تکلیف کر عکر مشار الیهک  
رای صواب دیدیرینه موافقت و حکم و امرینه انقیاد و اطاعت و بوزن بویله دخی مساعی  
مشکوره و آثار مبروره اظهارینه بذل تاب و طاقت ایبه هر حاله دعای خیر یقینه تاثیر  
پادشاهانه می اغتنام و استحصاله سعی و دقت و صرف قدرت ایلکر باینده فرما عالیشانم صادر  
اولمش **جس و توفیق و درویشا ایلیک عجم** چونکه شاه طرما کب و طرما کب قلیبی طرفلرن  
اسلامبوله اول اوظل ایلی رضا قلیبی و ترهینت جلوسی ایچون کوندریلان ولی قلیبی آستانه  
که فرس سایه ثقلت انداز اولدیلر بر یکی دفعه امنای دولت عثمانیه ایله مکالمه و مذاکره  
امر مصالحه و مسالمة ایتد کلرنه زعم فاسد لری اوزده شاه بر کشته حالدرینک ناصیه دولتنده  
پر تو اقبال ملاحظه ایتد کلرینه بنا مقدمات رضا قلیبی رخصت کلیه کی حبسیه قبول ایدوب ولی  
قلیبی ایبه معامتک و یرد کلری وجه اوزره قولدرن رجوع و کلمات کجیفه و مقدمات ضعیفه  
ایبه بر طریقه دولت علیه طرفن ماسعه اولنیه جوه تکلیفه شروع ایتدیریه و ذرای عظام  
و علمای کرام ایبه مذاکره و مشاوره و نصک مرقوملر بغداد کر عکری وزیر احمد باشانک یا ندرینه  
روان و مشار الیهک شاه کراهک ضعف و قوت و اعجام نکت اجا مک قضا و نیتدینه و قوف تاتی  
اولغه مزبور لریه مکالمه و دولت علیه یه نافع اولان وجه ایبه حرکت ایتدیریه ایلرینه احواله  
قلتمو استی و اولدیرینه بنا دولت عثمانیه طرفن بر امین ایبه مرقوملری متعلقا تدری ایبه  
کر عکر مشار الیهک حضور دینه ایصال ایتدیر فرما و ایلیجیلر لازم و خرج راهلری طرف میرین  
احکا بیورد مطلقه بنک یوز قرق اوچه اول رمضان شریفده اسکرا درن جانب بغداد حرکت  
ایتدیر ایدی لکن مزبور درن دیار بکر و وصولرنه مقدم شاه کراهک تبریزدن حرکت و روانه

۹۸



استیلا قصد فاسریه اراس نام صوی عبور و سه حد ممالک پادشاهی به تجا و زو مروره  
تصدی و اظهار عداوت اید و ب تبریک جلوس شوکت مانوس پادشاهی ایچون ایدرل  
ایتسی زعم فاسد و رای کاسد اوزره و کلای دولت علیه لی اغفال و اقا ویل باطله ایله  
تدبیر امور در حد و نفور دن اشغال ایچون اولدنی متعین و شاه شیا طین بسا هک **مصرع هو**  
روی اسلام نماید دل کافر دارد **نثر** ما صدقی ای یکی متعین اولغه تبریک جلوس برهانه سیله  
ارل ایتیکی ایلی کنگسی لوی قلیخا بر قاج نفر معتبر آدمیسی ایله مصادفه ایلدیکلی کلن نوز  
آظه سینه کتوروب قلعه بنده ایتیک اوزره مباشر تعیین و رضا قلیخا نی ماردین قلعه سینه  
توقیف بعده قلعه بنده اولغون اوزره فرماندر ایل اولنوب قلعه مزبوره مجس شیا طین مار  
دین قلندی **سحر کشتن حصن اوومی** چونکه وجه محررا اوزره کرمان شاه و همدان  
دفعه انبیا و هو ایسینه اولان بلدان سر عکر مکرّم احمد پاشا نک سکی بی پایانیده فتح و تسخیر  
وضیمه ممالک عثمانیه قلندی دار الملک آذربایجان اولان بلده تبریزی دغی ایدای رضیه بد  
نهاد سفلی نژاد دن نزع و استرداد ایچون سوتق و اعداد اطفاله اجناد ظفر اعتیاد ک کرد اسپاه  
سالار قیمت شمار وزیر شیخ دستم و غا و دلیر هیدری الحمله حاتم سخی دستور مکرّم علی پاشا حضرتی  
عسکر منصوره ایله بلده مرقومه جانبینه روانه اولوب خویبدن مرورد و سلکس نام محله  
شرف بختای دغش قوم و ترتیب ساز مشا و ده عموم اولد قلنده با اتفاق آرانادر بهادر که  
خرانشا نهضتی اشنا سنده خانان قیله افتاردن قائم مقام نصب ایلدیکلی بی ستون خانک پرا  
و اسیمله ستمی فرزند ماه دخطاسی اولکای ارومیده خله بولنوب کندی قیله سنده و آذربایجان  
نه قدر شاه قولی و خان نوکری و مابیندر نه یکتک و ایتلاک ایله مشهوره والوا طبعیر ایتکلری  
اسافل و ارازل مقوله لری و شاهکک روانه انهرزامی و قنده فراد ایدن بقیة السیوفی محاربل  
ملعت مالوف و شهر و قراده متمکن اولان التی بیکدن متجا و زکینیه صحیح ایمانی اهانه  
طاش و طبراق چکیروب منهرم اولان محاکمیری تعمیرده اهل و عیال لری ایله در و درون  
قلعه یه جبراً و قهرأ جمع و احضار ایتدیکدن ماعد اطراف و کناذن بولد قلدی رعیت فقراتی  
طوغا و کرها گیمنی شهر قلعه سینه و کیمنی طبراق قلعه نام موضعه تعیین ایدوب کرک دعا یا  
و کرک طویف آخردن نیچه بنک مردان کار کازار و مقدم مدت قیله ده شهر مرقومک جنوب  
دائره محویه سینه عریض و عیوق خنادق هاویه و ایکی قات طبراق طولیه بروج ایدانی مشتله

جددان عالییه و اتلی طقوز عدد ازیس و درصین احداث قتل و طابیه ایله متانت و استحکام  
ویرد کلرنده صکر ادوات و آلات حروب و ضرب و مزها ت جبه خانه و تفنگ و طوب ایله  
تزیین و اکمال و داخل سوزده اولان مخزن لری ذخائر مستوفی و درون قلعه لی لشکر مهیا ایله  
مالامال ایدوب قلعه روان مثال بر حصن حصین عال العال ایلشرا یکن بویله بر عقبه  
عظما و داهییه دهیا پس مانده و متر و ک و تبریز طرفنه تسیر کتاب عزم و سلوک قلندوب **طریق**  
ایله مناسب اولدینن تحقیق و اعلام ایله ارباب مشورت کلامدین رسیده سر حد ختام  
ایتدیریه محاصره قلعه ارومی تسخیر بلده تبریز تقیم و بر ساعت اول اوزرینه وارلمو اوزره  
نیت و تصمیم اولدنیغی آنده بر قاج دفعه آرائت صورت رای و امامه و اشارت رخصت عرض  
ایتیمک اولنوب و جها من الوجوه یکسر مو مندرج اطاعته میل و رغبت ایله کفر و ایتیمه  
جکلری متحقق و نمایا اولدینن بالضروری سلکس حرکت و عبور و حد و دفتنه اولدینه  
وضع اقدام مرورد اولدنده تبریز کشته عزیمتدن عطف عنایه و سوز مزبوره طوغری بیت ازها  
بیکر علم اوزره پراچدی شقه سکی و یردی اندر بیجن سیرغ و اژدر دن نشان **نثر** فوج اسبجه  
عنقای نصرت آشیان اولان اعلام زرد منجوق خود رشید لمان علی جناح الاستیجال توجیه  
واقبال برله هو اکیر طیران قلوب مقدم قرمه و ایسی وزیر مکرّم ابراهیم پاشا دوم ایلی ایتیم  
ایله معتزله سیواس بکلر بیکسی پاشا و قارص بکلر بیکسی کنج علی پاشا قبولی خلقیده ه  
برضه بی تعیین و ازل اولدنده شهر ربیع الاولکک او بنجی کونی ارومی صحیح سنده امر آ افشار دن  
ولیدی بکک نامنده بر کلب عقور قلعه یه درت ساعت فیه محله ظهوره ایدوب بر قاج بنک  
فدایبان خود خوار ایله لشکر اسلامیانه مصادفه و مقابله و برچو ساعت مجادله و مقاتله  
صکر منهرزما افتان و خیز ا باب قلعه یه دک فرار و غازیه سبک پایا و چابک سواران  
دغی تعقیب ایدرک خله مسفور ایله اکثرین کرافکنده خاک قتل و مدار و کبریه لرین بسته  
فتراک هلاک و بو ایدر کلرنه هله اول روز فیروزده جه سپارده مبارزین دین مین و چکرده  
نبرد آیین سلین غبار اقدام اقدام لری ایله معرکه نمای هجوم و اقیام اولدینن بر قولدن  
ابراهیم پاشا دوم ایلی و قرما ایالت لری ایله معتزله سیواس بکلر بیکسی پاشا و قارص بکلر  
بیکسی کنج علی پاشا و صاوق بولاق متصرفی رضا علی پاشا و کورستان بکلری و دودت  
نفر مسلم و ممتاز بیکک باشیلر عکبر لریه و دیگر قولدن اناطولی و ایسی وزیر مکرّم ابو بکر پاشا



ایالتی و قیوسی خلقی و مکمل لونداتی ایله و وان بکلر بکیسی تیموز پاشا و کنفری متصرفی میرزا  
پاشا و سابقا قسطنطنی متصرفی صولاق محمد پاشا و سائر میران قبولی خلقی و عسکر  
بعده یکجری و جبهه بی نفراتری دنی سر عسکر ظفریا و در حضرتلینک پروازگاه جناح ه  
فرشتگان فوز و جناح اولاً قوللرند ملاصق یکدیگر هف اولان متر سکرده مرتب و کار ساز  
و در حال هاون و بالینز و شاهی طوب پلرینا سیریلوب قلعه دو کولمه کراغا قلندی متر  
رسیده اولین محلردن سواری لشکر ایله محاصره و تنگ داشته و طبرقا قلعه طرفه  
مخصوص ماملو زاده عثمان پاشا تعیین و کاشته قلند قد نصک حفر لغه شروع و مباشرت  
و مجدداً بالای جداد سوره محازی طایبه لراخراج و بنیاده او زر لرینه طوب و هاون لرینیریلوب  
طرفیندن ناره جنک و آشوب و قتیله تفنگ و طوب ایقادینه مبادرت اولندی جا  
بجا حصن مزبورده نشانه انهدام جدره و رخنه و دهن ابد نمایان اولجی طوایف عسکر  
اتمام کار لغه تأخیر ایتیموب محله و هجومه کمال خواهش ایله تشیر ساق ایتد کلرند هر چند  
یور ویشتری لشکر تکلیف حواله و منوط و بر قاج عتقا صبر و ثبات اوزره اولوب ضربت  
طوب ایله کشاده اولان شکاف لر فرافنی و وسعتنه تعلیق و مربوط قلند قجه قطعاً مفید  
اولیوب رخصت ناچار ویرلده ماه مرقومک اون طقوز بخج بست کونی نمین و  
هجوم نابهنکامه در کار اولدی ایله طاهر اولان ثلثه و سوراخ لر دیوار ک بالا سنده  
تنگ و مضیق هندقلر صوابه لیمالب و عیسوی واقع اولدی فنون بر طریقی ایله وصول و در  
حصاره عروج و دخول درجه امکان بعید و منعدم الحصول اولفله بر مقدار بازار کار  
جاننازیده داد و دهش و محاربه یه انهراک ایله صنوف اسلامیان نیجه شهید و زخمی  
و قربانیته دن دنی ضعیف ملا عین ضربت سنگ ایله افتاده حسیض هلاک اولوب بالاخر  
عسکر منصوره محل معرکه دن عود و انصراف وینه متر سکرده اجتماع و ایتلاف ایلدیله  
بر قاج کون نصک تکرار یکجری متر سکر پیشگاهنده نقب و تطویل افضا لغم که ریح الآخر  
طقوز بخج کیجه سی ایلی تئیم و تکیل و ایرتسی سحری اشغال سردشته قیس اولوب دیوار  
لرین چوق بر لرین سوزان و خراب ایتد یکن غیری او حیو زدن افزون و افضل ملغولرین  
یکه لخت روی سخت تراب و بی روپا عازم منزل دار العقاب ایلدی لکن گروه جاه قرایان  
اعجاب غایت کثرت و زحام اوزره اولوب اهل و عیال لری غیرتنه جان و باشلرین ذوا

و کال

و کال مرتبه اجرای صحت و معاداته تصدی و اجترای ایلدیله اولکونده سر عسکر پاشا حضرتلینک  
بلوک باشلری و یکجری سردنکجی انخاری ممتاز و سراندر لرند طق ک نفر و جبهه بی و طوبی  
ردن اون نفر و لوندات و وزر آذ عظام و میر میران قبولی خلقند نیجه لری **و لا تحسبن الذین**  
**قتلوا فی سبیل الله امو اتابل اهیاء عند ربهم یرزقون** دار الضیافه سندن چاشنی یک  
نعم کونا کون و مسکرتین مذاق فواکه **مایشتروون** اولوب **سقیهم ربهم شربا ظهوراً**  
بز مگاهندن دست ساقی رحمت پروردگار دن کاسه کاسه تجرع شربت شیر نیکو از شهرها  
ایلدیله محصل ایکی نوبته بقضای الله تعالی غیرت نامحل ایله اگر چه کسکه سینه کرامه غزاتک  
بر مقدار چاکرین جامه حیات و زخم خورده و لغزیده پای ثبات اولوب سر ضرر انک دنی هر کون  
کله بی دولتدی دندان کر تیز نهنگ حکا نیلی فام ایله بریده و غریق دریا ی نیل جوش خون  
خبر و کله طوب از در التقام ایله کونکون چاه ناقص یک ریب المنون اولد قلند غیر  
دفعیتن ده التي بنکدن متجا و ز سر ضرر تبه کاره و بره سمت نیر و بیرون حیطة شما مجروح  
و زخم دار اولد قلندی گرفتار کند بسی و اسار اولان قرده مرده شیاطین شب عین عثمانیانه  
خبر ویر مشرد در هر نه حال ایله یوم مزبورده بی بجوی عتسالی انقضای و انفصال ه  
مباشرت حرب و قتال و اخنامه قریب متارکه جنک و جدال اولنمین اولکونده دنی قلعه  
مرقومه نک فتح و تسخیری درگاه قاضی الحاجاته توجه برله وقت آخر تأخیر و تسویف  
و مجاهدان اسلامیینه متر سلینه اعاده و تصریف قلندی روز فرداده صاخ قوله کی  
لغم رخنه نمون اولفله سر عسکر فیر و ز سپر قوللرند ترفیع و اعلا قلند طبرقا طایبه بالاسنه  
بالا اقتضا اساطین سیکندن بر برینه متلاصق و متصل ایکی طرفی مزغلا قلعه لانتا و خارج  
و دیوار قلعه اوزره و دروننده اولان قزلباشیه کال مرتبه تفسیق و از عاج قلند قد نصک کله  
جک و زخایر یوللری قطع و تسدیر و جوانب اربعه سی روز و شب محاصره دائمه ایله تدر  
تشیه قلند دق بلا فاصله اعدایه کوز آچدی ریلوب غزات ثریا و فاق و غیرت نطق دنی دینه  
ضوابط و راضی حرام و بوسیق اوزره تعاطی جهاد و اختصامه جهاد و اهتمام ایلدیله ماه مجازی  
اولینک اون بشنخی کونته دک تمام آلمش بش کون بالذات سپهر سالار ستوده آثار و سائر  
وزرای نیکو رای حضراتی عساکر حضرت شمار ایله یکد رنگ حال انتقاش متر سن نشین و همفر اش  
اولوب عاقبت الامر سوزد مزبورده متخصص اولان معانین بی دین تماردی ایام محاصره دنی تکاب

۶۰



و توان و اساس بنیان صبر و ثباتی متزلزل و ویران اولمین بگویم بو غازه تیشدی مثل عاجرانه  
سی صبحال پریشان مالتری اولیچو ذیل استیمانه تشبث ایله خانزادگان و اهالی شهر و ده  
ایماندن قوی دهنر ویرمک شیطیه قلعه مرقومه نکه تخلیه سنه اون برکوت توقیت و  
امهال برله توسیع میدی اولنه قدنضک رضت اطلاقری ایله ارضای عنای رأی و اما قلدی  
اوز لرینه دولت علیه طرفدن حاکم و محافظ تعیین اولنمیس دجا و التماس ایتدکلر نه هنوز  
تبریز فتحی میسر اولدن باشی باغلو عکری با خصوص یکجری نفراتندن افراز و تفریون  
ودرون قلعه یه وضع و تلقیو اولنمو مناسب و چسبا و خاصه قلعه قوی ترینه دخی  
مساعده وقت و زمه اولما مقله قرب جوادرلی اولمو کبیله هکاری اغارنک بنام معتبر اول  
بنانشین اغاسی دیکلری صاحب عشرت بر مردی مکتت ضابط اولمو بیس قلعه قدنضک  
تبریزه عزیمت و زخائر باغش قلت اولمو دیو قرمه و ایسی وزیر دستم پاشا و قارص بکلر کیسی  
و سر عکری پشنگ کتخاری یحیی اغا اون بنک لشکر جراد سبکبار ایله صاوق بولاق اوزرندن  
دو بره مرافقت قلوب سپه سالار مشارالیه حضرتلی سائر عاکر ایله سلس طرفندن اقبال  
و دولت پیرامن کریمین سعادت اوله دق کمال بواجت و شادمانی و وقور حیدر و حضرت و کامرانی  
برله حرکت و نهضت بیوردیلر **وقوع ضبط دارالملک آذربایجان تبریز قلعه اردوی نکه فتح و**  
تسخیرندن صکح سابقا تبریز و ایسی اولان بیتون خانک صبر و آرامی بی ستون و مراغه  
طرفه کیزرنا کیز ایله ده نورد سرعت نمون اولینغی خبری کوشن زد جناب عکری اولیچو بالاده  
مژکود اولینغی اوزره صاوغ بولاق و مراغه اوزرندن مقدم اون ایکی بنک کیزره لشکر افراز اول  
و بقیه جنود ظفر مؤعود ایله کنز یلری سلس جانبندن سمت تبریزه توجه و اقبال بیورد  
قطع منازل ایله طوع صحرا سنه و اصل اولنه قد سپه سالار مشارالیه مقدمایه تبریز عکری  
اولاقلری هنگام اول هو الیده واقع نواحی و قضایا و قصبات و قری کماندن مظهر الطافی و  
اکرام و منظور چشم التفات و انعام لری اولان خواص و عوام فوجا فوج و کروه کلوب  
استیمای و استرحام ایله عبودیت و رعیتکی ربقه رقبه قبول و التزام و میانه اطاعت و تسلیم  
تام ایتلری ایله اوز لرینه ضابط نصب تعیین و مهما مکن اقتضای وقته کوره لوظم نظام  
حال و شانلری مراعات ایله قلوب قاسیه منکره لری جبر و توطن اولنه دق تبریز ایکی منزل  
فتح بغوی اولاکفل ملک نام محله نزول اولنه قد منزل مزبوره ایمان ولایتدن تاج الین زاده

محمد رضا نام شخص نافذ الکلا مک رأی و اما دجا کاغدی وصول و تفس تبریزه خیابا  
و باغ میینه و عمارت و شنب غازان و حکم آباد و میلنکوه دینلکله معروف کوجه ها و محلا  
نکه بابا تغییر اولنور سوز صاحب لری مشیا علی النواصی استغفای جرایم و معاصی رله  
اوردوی میمنت سویه ورود و دحول ایدوب تبریزدن قزلباش طائفه سنک فرار و درو قلعه  
اولا آثار و آبادانی و عمرانی منعم و خاکسار و خارجه دخی بیوت و سیعه و موطن محمود  
نه و ادایه منظم و خرابه زار ایله کلین اخبار ایتدکلر نه بلا توقف و اهل اهل اول کلدن  
علی جناح الاستیجال نکه باشی یکجتم مصطفی اغا و بیچ بنکدن متجا و زاتلو ایله حفظ و حرمت  
بلده و رعیت ایچون اول اولنوب در عقب سر عکری دخی عازم شاه راه مرام و مجازی افزه  
نکه او چنجی کونی یا ندرنه اولان مجموع عاکر اسلام ایله شهر مرقوم کنار نه جاری آبی صو  
دیکلری ایرما اوزرینه مبنی جسرک باشنه چادر لرین قودوب او تودیلر بتوفیق الله تعالی  
مراغه جانبندن اول کوند ریلان لشکر چاپک حرکات ایله شهره دخولده تصادف واقع اولوب  
ماه مزبورک در دخی کونی اتفاق ایله ایکی طرفدن جیوشش پرفوز و شکوه عناد رعنان  
و دکاب دزدکاب کروها گرو صف کشیده ترتیب آلی انبوه اوله دق تبریز و اصل و مقصود  
نائل اولنوب کمال دبر به و حشمت و نهایت فرو صلابت ایله درون قلعه یه داخل اولدی  
**هذا من فضل ربی بر مقتضای تواتر الملک من تشاک دارالملک آذربایجان اولان شهر دلاری**  
تبریز دخی پادشاه عالیشان حضرت لریک طالع فیر و زهایون لری تأثیری ایله بروجه سیر و طریق  
دلبندیر اوزره فتح و تسخیر اولنوب شهر مرقومک یکری ایکنجی بست کونی اخشامه قریب  
مزرده فتح جدید اسبلا مبوله و اصل اولمشد **تقریر میسر شدن ضبط حوین** اصلنده حوین  
خانی السیه محمد خانبوندن اقدام ضبط و تسخیر اولنه حوین قلعه سنه محافظ اولمو اوزره دتبه  
میر میرانی اصالی ایله حصن مرقومه والی و حاکم نصب و تعیین اولنمشیکن نادر شاه که  
اول ازمانه طرفها سبقلینی لفظله ملقب ایدیلر مزبورک ظهور و خروجنده طرف شاه نحوست  
تحت کاهن خا دیکر منصوب و پاشای مومی ایله معزول و منکوب توابع و لواحق ایله بصیر  
کلوب جانب میرین مستوفی تعیینات ایله ظل ظلیل حایه دولت علیه ده راحت یکب نوادش  
منتظر میعاد الامور مهونه یا وقا ترها اولمش ایدی پس سر عکری همدان و پاشا حضرت لریک  
ایله سفینه مأمورا بغداددن حرکت لری اثناسنه مشایخ قبایل عربانندن زی قدرت و صاحب نام



منتفق و بنی لام شخری حسن تدایر و اجود مواعد پذیرایه منتفق قلوب بلده مزبوره نکه  
 دست تصرف بجزن تخلیص و انتزاعی عشایر و قبیلہ لرینک اتفاق و اجتماعی برله کردن عهد  
 و التزام لرینه تحیل اولوب بویبه توصیه و سپارش اولندی که ان شاء الله تعالی حوینع  
 اوزرینه استیلا و استعلا اولندقه نادرک نصب ایلدی کی خاک مسفور طرد و ابعاد و پاشای هر  
 مومی ایله معا کو توب ایالت مزکوره بالکلیه ایادی اعدادن نزع و استرداد اولنیغی زمان  
 طرف سلطنت علیته دنینه مسند صدر حکومت ارجاع و اسکان ایلیه لر بنابرین قبیلہ منتفق  
 شیخی محمد مانع عسکر اسلامک صحرای کوردی کشته لشکر اعجام و شاه کراملری اوزره کمال  
 غلبه و نصرت ایله اخذ انتقام اولنیغن استماع ایلدیجک بلا عاجز و مانع مجموع عربا قبیلہ  
 سیله حرکت و مسارت و بنی لام عشیرتنی مسابقت ایلوب حوینع اوزرینه هجوم ه  
 و ضبط و تسخیر الکای مرقوم ایلدی که معاهده سابقه اوزره مسفور خاک افغی نشانی خزینه  
 سوراخ ابدار و ازجاج و محل حکومتگاه ناسزا سندن اخراج ایتکله پاشای مومی  
 علی ما هو المأمول مقام جاه قدیمه موصول ایلدی کله نضک سپهسالار ایلدیه  
 حضرت لرینه سیکامومی ایله مانک کوندر دکلری مکتوبلری ایله کند لرینک دخی قائمه لری که  
 حوینع نکه داخل ممالک عثمانی اولنیغن مجبر و ناطق ایدی مجازی الاخر نکه او اخر نه  
 اسلامبوله ازل ایله رسیده پای تخت عالی بخت کشور ستانی و باعث تجریشوق و شادمانی  
 اولدی چونکه ستمی حیدر کراد سعادتلو علی پاشای نامدار حضرت لرینک موقوف اولدقلری فتح قلعه  
 اردوی و تسخیر بلده تبریز معلوم اسکندر نظیر ضمیر جهان داری و مقبول طبع لهایو الهام مشخون  
 شهر یاری اولغله بزینغ الماس تاب مجلای زدنش و سموره قبلو بر خلعت ذریفت مرت  
 رک کبینه عواطف ملوکانه دن خاصه کند لرینه افراز و احکام و معتلر نه اولد و ذرای عظامه  
 دخی برد خلعت سمور موجب السرور و سائر اوجاق اغاری و رؤسا و ضابطه عسکر معتاد اوزره  
 خلعت لطف و عنایت و اصحابه ایصال اولندی چونکه و ذرای دولت عثمانیه شاه طرماکی پست  
 و رزیل ایدوب و بو قدر فتوحات جلیله ایله ذکر جمیل صاحبی اولدی لر مزبور شاه بر کشته جاه عسکر قلیل  
 ایله اصفهانه وارد اولد قلر نه محض بلوجه غیرت ال و یروب خدمت لر نه اعراض ایتکله مخا  
 اظهار بلوغ و هزاره عسکر به فرار و تم نام بلده اعمالن سارق نام منزله قرار ایلدی لر بالاخره محمد علی  
 نام کسنه نکه تطیب و استماله سیله کورد و نوب ناچار خدمت لرین اختیار ایلدی لر و غیرت انگیز ه  
 حیرت

**حیرت آهیز و قایم ندرکه** بالای کتابه بیان اولنشدی که ایام دولت افغنه ده میر  
 محمود غلجایی اصفهانه تخت شاهی به جلوس ایلوب بر قاج سینه کامر اولد قد نضک  
 آخر عمر نه جنون غلبه ایدوب علاج و غیرت اثر ایتیموب یوما فیوما مرض جنون زیاده اولد  
 ترقی بولاقده بر کون دیوانخانه ده کزینورکن انشای افکارده آتش تهروری اشتعال بولوب  
 امر ایلدی که شاهک اولاد لرینی و قرنه اش لرینی و سائر زکوددن اولوب خانان شاهیدن  
 اولان اقربا و متعلق لرینی دولتخانه ده موجود کسنه لری بریره کتوروب قوشا قلدیله  
 اللین ارد لرینه بغلیه لرو بو صورت اوزره حضورینه کتوره لر اغواند امرع امتثال برله شاه  
 حسینک اولاد و اقربا سندن یوز بش نفر کسنه یی وجه مشروع اوزره قید و بند ایله کشان  
 کشا دیوانخانه ده میر محمودک حضورینه کتور دیلر جمله سکن بوینی اولد کدیو امر ایلدی که ه  
 جلادی اماند امرع مباشرت ایدوب جمله سنی قتل ایلدی لر شهرزاده لرح لاله لری و خادم اغاری  
 و سائر امکدار لری کربان لرین چاک و چاک و آه و واه و فریاد ایله دزدناک اولدی لر اول هنکامه  
 قیامتده شاه حسینک اسمعیل مرزا نام بر اولغنی که شاه طرماکیک برادر لری ایدی جلاد لر دن  
 الماس نام بر کسنه نکه مزبور اسمعیل مرزا ایله بینر نه الفت و حق صحبت اولغله قتلنه  
 قیشما یوب و امر دخی مخالفت ایدیه میوب مجروح ایدوب بر چو الک ایکنه بر اغوب کرایدن  
 طرما کتوروب صالی و یردی مزبور اسمعیل مرزا و اله و حیره هر طرفه شتاب و نکه و بو  
 کوه کیلویه نام ولایته وارد اولدی لر اول ایامده بر شمیره باز کند و کسنه صفی مرزا تسمیه ایدوب  
 شاه حسینک اولغنی ام اول اشناده دولتخانه دن فرار ایدوب بختیاری یه و صول بولم دیو  
 ادعا و سلطنت دعوا کسنه زاهد اولمشرا ایدی حتی طرماکی خبر القده کند و کسنه آدم و کاغذ  
 کوندروب معیینه دعوت ایلدی که مرزا مرقوم بنم کجا برد لر ضررم یوقدر و یانکه و ارم ه  
 و ایشکه دخی مانع اولم دیو جواب ویرمشرا ایدی مرقوم مرزای محمود دخی کوه کیلویه جانب  
 لر نه دایت افراز عتو و طغیان اولوب سلطنت دعوا سنی ایلدی کله اشناسنده مزبور شهرزاده  
 اسمعیل مرزا نکه و رودینه واقف اولدقه حضورینه احضار و استنطاق نضک قولق لرینی  
 و بودنی کسوب مرضص ایلدی اسمعیل مرزا بر قدرت صحرا نودد وادی حیرت اولوب و کند و کسنه  
 غیرت تمام کلوب شهرزاده لک ادعا سیله اجامع و او باشلر باشنه جمع اشرا و قرنه اشکی  
 شهرزاده طرماکیک قودوبی باشکی اولوب لاهیانه حاکم اولد شخصی ناصوب مازندرانه



قاهره مغله شخص مزبور عکرایه او زرینه کلیدکنده تاب آورد مقاومت اوله میوب فرار  
 اینه که نصکح تبریز و قزوین و اول حوالیده کردان اولاً او باش قرل باشن جمع سپاه فراوان  
 ایتکله مقو ضبطنده اولاشفت ورود و قوم نام کلتری تاراج و غاراته عازم بعده  
 کلانده فارغ البال اقامت او زده ایکن مقو عکری او زرینه وارد قلزده هزیمت نامه  
 ایله منهنم اولدیله بعده مرقوم اسمیل مرزا شاهسون و شقاقی و ایلات و احشاما  
 تک نیچه ارباب مکر و شقاقی ایله اتفاقی اولوب خلخال و ادبیل طرفینه سو قصد  
 و اضرای تبریزده علی باشک کوشکاری اولغه درتیوز بسکبار لونا آیه اغالزین مجرای  
 خلخال متصرفی محمد قولی باشک تقویتی ایچو ادل ایوب مزبور اولواصل اولمازدن مقدم زکر  
 اولنا اسمیل فتنه انگیز بر قاج بنک نفر او باش بی تمیز ایله برکیجه قضا ناکهانی کبی خلخاله  
 نازل و محمد قولی باش بر طریقله مقاومت مکن اولیه جفنی تحقیق ایچیک فرار و کمروده  
 سوزنده مشکول نام قریه یه و اصل اوله قلزده محمد اغا مزبوره ملاقی اولوب لکن پشی موی اله  
 کیفیت حالی علی پاشایه اعلام و کلیتله عکرایه امداد باینده ابرام ایتکله وزیر مشاد ایله  
 اندرون و بیرون اغاری و میری بیراقاری و کند و لونا اتدن بشن التی بیک کزیده اغاری عکره  
 باش بلوک باشیلرینی سر کرده ایوب ادل ایتکلری ائشاده اسمیل مرزا پاشای موی الیهکله  
 عنان شب سمت فرار اولماکنه مفور اولوب یاننده مجتمع اولان او باشن درت بیک سواری  
 و پیاده یه شاهسون بیک و روشن بیک و شقاقی بیک اولوب قوروجی باشیلغی مقاضده اولان  
 کریم بیک سر کرده ایوب محمد قولی باشک او زرینه تعیین ایتشیدی پاشای موی ایله قریه  
 مزبوره دن دخی حرکت ایتیک صودته اسمیل مرزانک ایلاته ملحو و کمروده ستولی اولما  
 محقو اولغه یاننده لونا اتی و سنی رعایا سندن موجود بولنا عکره قتلنه باقایوب زکر قضا  
 ملاعینی استقباله مسارعت و انشای راهده مصادفه ایتکلری محله جنک و جداله مبارزت  
 ایلیوب محاربه یه تصیلری درت عت متادی اوله قد نصکح فضل حو ایله غالب مطلق و معاینه  
 و تعداد اولدیغی او زده محل معرکه ده سکر یوز قدر لعین زمره کشتکانه ملحو اولوب بعده وزیر  
 مشاد الیهک امداد ایچو ادل ایتکلری لشکر ظفر معناد خلخال قریه لرزن کیوه نام قریه ده پاشای  
 موی الیهه ملاقی اولما ایله اول محلدن اسمیل مرزانک ماسوله طاغزندن شقاقی عشاری  
 و ساربتعیت ایرن قرل باش عکری ایله تحسن ایتیک صفتاق او زرینه توجه و غزیمت

و مزبور

و مزبور ایله مقابله و مقاتله ائشکنده سابق الزکر شاهسون بیک و طرمودش نام بر معتبر آدم  
 ری و شقاقی عشرتندن شاه بنده یوزباشی فتاده روی خاک و بر قاج یوز نفری سرزاده  
 بالین هلاک اولغه اسمیل مرزا و بقیه عکری عزم کریوه هزیمت ایلیوب اسمیل مرزا تک  
 سیم دکاب زرین ایله مزین رخسری و سایه چوق خیمه لری و جمله اعمال و انقالی ایله  
 او چو زده و درتیوز قاطر دن ماعداد و اب و مواشی و اموال و غواشیلری بالجله ه  
 اخذ و ضبط اولوب اسمیل مرزانک جمعیتی پریش و کندوسی ماسوله قصه بی طرفنده  
 پنهان اولدی و برزما گاه اختفا گاه پیدا اولغه بوادی حیرته کرری کشت و کزاد ایله دک  
 قاری وقتاکه اصفر هاست اغوانیانن استرداد اولوب و شاه طر هاب دخی روان  
 سفر دن منهنم ارجعت ایوب قلیل عکره ایله اصفر هانه داخل اولدیله اسمیل مرزا دخی  
 اصفر هانه وارد اولوب عباس آباد نام محله ده ساکن اولدیله نادر بهادر دخی هرات و فراه  
 محاربه لرینه مشغول ایدیله طر هاب شاهک اعیان دولتی بو معنایه مطلع اولوب اسمیل  
 مرزانک اصل شهرزاده اولدیغنی تحقیق نصکح جمله سی یکدل و یک درون علی العموم اتفاق  
 ایوب شاه خلع ایله جمله مز اضطر ابرن خلاص و درها بوله لم و اسمیل مرزای تحت شاهی  
 اجلاس ایله لم دیدیل طر هاب شاهک نهر ائندن صکر کند و سنه عارض اولوهم و و کوه  
 دخی کند و سنه ایتلا ایوب و ضعف حالن ادراک ایلکه خوف و شوب عجز کن دخی کند و سنه  
 اولکی کبی اعتباری قالمیوب خد ائندن بیده کند و سنه و هشت و دهشت ال و ایوب بر طریق ایله  
 فرصت یاب اولیه لر دیو اسمیل مرزای قتل ایلک فکرن ایلدی امر او اعیان دخی اسمیل مرزا تک  
 مجلسنه و صحبتنه رغبت کوشتر لر دی ارباب شورادن برخان خایس تقض عهد ایوب مزبور  
 شاه و الاجاهی آگاه ایلدی ایره کی کونکه عموماً خانان کلوب شاهی خلع و مرقوم مرزای تحت  
 شاهی یه اجلاس ایچکلر ایلی علی الصباح اسمیل مرزا حومه داخل اولدیله طر هاب خبیر  
 اولاده فرصتی غنیمت عدا ایوب بر گروه دلاور لر کوندر و ب فامه طتوب حضورینه کتور دیدر  
 سوال و جواب و تحقیق احوال و صدق مقال معلومی اوله قد نصکح تجا هل ایوب حضور  
 تیغ تیز ایله کرنی غلطان ایتدوب اول و رطه دن رهباب اولغه شادمان اولوب قرنه اشقی قانیله  
 آلوده دامن اولدیله در بیان مصالحت شاه طر هاب با امنا دولت عثمانی و فسخ آن نادر  
 غادر بکلت حضرت سبحانی چوبیا اولمشیدی که نادر اصفر هانه ایکن شاملو رضا قلیبی دولت عثمانیه



طرفین ایران زمین را خدای تعالی و ولایتی طلب ایچون و ولایتی ترنیت جلوس سلطان محمود  
ایچون اسلامبوله اول اولنشر ایچی طرفی اسبک فعل نابرجاسی بسینه مزبور در کج بری ماردین  
وبری بر جزیره یه نفی اولنشر شاه بر کشته جا هدرن و اعجاب به فرجام بر و فوج دلخواه و مرام  
عثمانلو اخذ انتقام ایلیوب زما سالفه ده مثلی نادر الو قوع معرکه جنک و جدال و عبره  
حرب و قتال اثناسنده ظهور ایدین کمال فوز و نصرت و نجاح و غلبه فیروزی و انشراحک  
اسلامبوله مزده سی و وصوله نصک مجازی الاولک اون سکرخی کونی تکرار و پشاه طرفین  
کنه و یه رجای صلحی شامل شاکه اعتماد اوله سی کونرد دیکلی نیاز نامه و معتبرنده موجود  
وزرای عظام و امرای کرام و سایر رؤسای عسکر نصرت ارتسام مهر لویه مضی و مهور بر  
عرض و محضریه قائمه لری اسلامبوله وارد اولوب مفهوم و مالی واقع اولفتو حاکم جلیله  
صکک عاکر ایله صحرای هدانده مکت و آدام اولنیرغی هنگامه شاه قرلباشی به انتفاشک تم و کا  
شک طرفینه مساعدت اوزده فراد ایلدیکنده اماسیه متصرفی سلیم پاشای سکر بنک مقداری  
سواری ایله اثناسنده تصادف ایلدیک قراونواحی و ایلات و احشاماتی تاراج و تاخت هر  
ایتمیکچون عجماله عقیکر و ماردین و یوده سی صادق اغاد فی لشکر موفوره ایله اصفهانه دک  
او غرایغی محذری یغما و غارت ایتیمک اوزده تعیین و تیسیر قلنوب نیچه قلاع و بقاع و قصبات  
پامال کتبه نهب و خسار و نیچه یر لری تخریب و تار و مار ایللیوب اسارای پیشمار و غنائیم  
سیار ایله اورد و یه منصوره مظفر عودت ایتلریله شاه بر کشته جا هده تم ده دفعی قیام و قرار  
ایده میوب اصفهانه جا آتوب کیزله اوله قلنن نصک اعتماد اوله سی طرفین نیاز نامه ایله  
رجال معتبر لرنن محمد باقر نامه آدمیسی کلوب انفقاد مواد اراده سیله جانب شاهیه مکالمه  
مأمور اوله جوی منفی و محبوس رضاقلینی نک طرف عسکری یه کونرد لمستی استینه و غنایه  
قصوی مرام لری اوله امر صلح ایچون عقد مجلس مکالمه اولنه جفی اخبار ایله ینه کنینک اعاده اول  
اولنماسین التماس و بیای ایتکیله جمله ایله مشورت اولنن طائفه اعجاب عسکر نصرت حاضرک  
بودتبه لرده مکررا هجوم بی باک دلیرانه سن مشاهده ایللیوب حصول کار صلح و صلح ایچون  
خواهشک حسن قبول و عشا اوله قری کمال عجز و اضطراب لرنن نشأت ایدر حالاتن ایدیکلی  
معلوم جمله انام اولمفین صنف جمیل بشارت ایله مرکول و مرقوم ارجاع و ع اعاده قلنوب  
رضاقلینی مأموریت رخصت کالمه ایله کله نصک شان و شکوه دین و دولته و عرض

و ناموسی شوکت و سلطنته لایق و شایان اوله وجه و جیه اوزده مکالمه یه شروع و ابتداء  
اولنوردیو اول پشاه حضرت لری تحریر و اعلام ایتکیله مجازی الاولک اون طقوزنجی نلشاکونی کرای  
صدرا عظمه عقد انجن مشورت اولنوب اعتماد اوله نک مکتوبی و مزبور عرض و محضرو  
برقطعه قائمه قرائت و اهل مجله اسماع و اشاعت اولنوب مجموع مستعین مزایای  
مال و جنایای احوالک خیر و آگاه اوله قلنن علی الاتفاق جمله سی یکنب اتق اولدیکر  
بفضل الله تعالی طرف دولت علیه ده بوکونه غلبه و نصرت عظیم آشکار و اندرک جانب  
منحوسه رده سنده مثلی نامسبوق مغلوبیت و هزیمت بیدار ایکن **المغفور زکوة الظفره**  
مدلولنجی گوشه دامن استعفا و استیمانه افتاده و آویزان اوله رق سائل شاهراه لطف  
واحد اولدیریه مسؤلرینه عشا اولنوب منکب ایدیکلی قراردادده رای و استی و انفس  
لاجرم سر رشته حزم و احتیاط الکن براغلیوب سرحد اسلامیه ده واقع حصو و قلا عک  
حفظ و حرستی و عاکر مسلمانک ترتیب ذخایر و تجهیز مهتمت لازمه لری ایله تمثیت و انفا  
دفعی قطعاتها و تکامل جائز کورلیوب هر خصوصه متیقظ و آگاه بولنوب شرطیه  
تأسیس بنیان مصالحه ایچون عقد اوضان مجلس مکالمه نک برکون اول اتمامه ترفیع  
زبل اهتمام اولنوب وجوه معقوله و مشروع ایله امر صلح و صلاحه نظام و یرلک  
جوابی ایله مشارالیه احمد پاشا نک اسلامبوله فرستاده ایلدیکلی آدمیسی ارسال و اعاده قلنن مزبور  
آدم پاشای مشارالیه حضرت لینه و اصل اولوب امر صلح و صلاح کند ولینک رای و تیسیر لرن  
تفویض اولنیرغی معلوم دولتری اولنن عشا اقدم بو امر خیرک اتمامه اهتمام ایللیوب  
دفتر دار داغب افندی حضرت لینی که صکک و زیر و صدرا عظم اولمشدر اصفهانه طرفهاکب  
جانبه فرستاده ایلدیرد ولت عثمانیه طرفین مشارالیه داغب افندی و شاه طرفین قورچی  
باشیسی محمد رضاقلینی مرخص اولوب مکالمه صلح و مسالمه یه مباشرت و کلمات  
مصلحت سمانک مال مؤداسنه کوره تکریر مقالات مشورت اولنن خواصن اهالی و رجال  
براز آواره کاس قیل و قالن صکک شاه طرفهاکب ازینله امر مصالحه نظام و بوکونه نتیجه  
بیز ختام قلنن که آذربایج طرفین ارسن نام یرمو و عراق جانبینن دزنه و دزرتک و سایر  
حدود قدیمه حد فاصل طرفین طوتیله و کنجه و تفلیس و روه و نخج و کاخت و کارتیل  
و شر و شمغانی و طاغستان ایالاتی بالجمه توابع و ملحقا و نواحی و مضافاتی ایله دولت

۱۰۴



علیه تصرّفده دائم الثبات اولوب تبریز و اردلان و کرمانشاه و همدان و هویزه و لورستان ایالتی  
دخی جانب عجز ضبط اولوب متصرف اوله لربودستور اوزده کسینور مقرر اولوب طرفین  
و نابی معتبر و تمسکات ویرطک ایچون معیر الممالک حسن علی بک و مرزا کافی داغباغدی  
ترقیق اولوب نادر بهادر جانبینه فرستاده قلندیلر نادرک هراته استیلاسی ایامنه ماه شعبان  
المعظمک او اخرنه نادر حضورینه وارد اولوب مصالحه کیفیتنه واقف اوله قلنده بوکونه  
انزمام عظیم نصکک وجه شروع اوزده تحیدر سنور طبع غبورینه مخالف کلوب مصالحه  
اصلا رضا و تمسکاته دخی اعضا ایتدیله رمضان شریفک او اسکنده محمد اغا نام کسینه  
امضان علیه الرّمة و الفکر حضرتینک ایام سلطنتنده وزیر اعظم ابراهیم پاشا طرفین  
ایلیک ایله ایر زمینه وارد اولوب سلطان محمد خانک سلطنت خلی و ابراهیم پاشانک  
قتلی بیسله مشهورده توقیف اولوب مومی الیهک جوابی عقده تعویقه قالمش ایلی  
نادر بو صلح خبرینی اشتکه مزبور محمد اغایی هراته کورتوردوب بینه رد نامه ویروب علی جناح  
الاستیصال اسلامبول جانبینه روانه ایلدیله مضموننده در دولت علیه عثمانیه به اعلام  
ایلدیله که ایران زمیندن و آذربایجاندن اخذ و ضبط ارضان ولایت یا اوردکه تمام شاه ایران  
رد و تسلیم اولنور و یا خود جنک و جداله آماده اولور **زینت** چو بو قلمو مباش هر لحظه  
برنگک یا بر صلح باش یا بر جنک **نثر** و بغداد و ایسی محمد پاشا به دخی کلان آدمی سیله جواب  
نایا زدیله که تو جهز اول صوب سعادت اوبه درت ادرک تام اوزده اولوب مهیا اوله زهر  
و مهمانکزه رعایت قیله سرو بو مضمونی شعر اصفهانده رجالد ولته و بالجه بلاد ایران  
بر معتمد بیکه فرما فرستاده و اول ایلدیلتکم ذکر اولسه کر در **دربیان عقده جمع شورت** **دیش**  
**بادگاه سلطان محمود و الاجاه** آنفا نکاشته قلم و قایع دتم اولینی اوزده چونکه شاه طهماسبک  
مرخص و مکالمه صلح و صلاح ایچون ازال ارضان آدمیسی همدان کر عسکری محمد پاشا به دیده  
اولوب مشاور ایله دخی ارباب دولته قائمه تحریر و آستانه سعادت ایصال و دروننده شاه  
عجک کمان طوع و انقیاد و خلوص طویت و نهاده ایله خواهش انقصاد صلح و صلاح و آرزوی  
اتحاد و فوز و بخاح ایر و بس طرفین رضاقلینی شروع تأسیس بنیان مکالمه ایچون مرخص  
و محتاد ایلدیکن در دولت عثمانیه به طریقه استصوابه تحریر و اخبار ایتدیکن ناشی رعایا و برا  
یا نکه تنظیم رفاه حال و جنود مسلک صیانت و اضاعت جان و مالتری خیالی ایله بعنایه  
تعالی

تعالی حالا غالبیت طرفزده مقرریت و هزیمت اعدا جانبنده هویزه ایکن وجه معقول ایله  
ربط پیونده مضافات و قطع سلسله بینونت معادله اولنسی شورت و اتفاق اوزده مستحسن  
اولی کوریلوب مکالماته مباشرت اولنغه از هایدیو شهر یاری صدور و سبقت و وزیر مشاور  
کلان آدمیسی عودت و رجعت ایتشیدی بعد الوصول طرفینک مرخصی بر قاج محلک  
و مزاکره نصکک عاقبه الامر صلح و صلاح بو شرط اوزده قرارداد اولوب تکرار اید پاشانک  
دیوان کاتبی مصطفی افندی و ساطیله عرض و اعلام ایلدیله که آذربایجان طرفین نهر ارض و بغداد  
جانبین دزنه و دز تنک و سائر حد و قدیمه حد فاصل اولوب کنجه و تقییس و درو و نخج و کاخت  
و کار تیل و شر و آ و شمغانی و طانغستان ایالاتی و بالجه مضافاتی ایله دولت علیه تصرّفده دائم  
الثبات اولوب تبریز و اردلان و کرمانشاه و همدان و هویزه و لورستان ایالتی دخی جانب عجز ضبط  
اولوب متصرف اوله لربور وجه معتاد طرفین تمسکات اخذ و اعطا ایچون شاه قولند  
نظر علی بک نام شخصک کوندله یکس تحریر و شروط مرقومه اوزده مرخص سفود توری  
باشی رضاقلینی ایله امر مصالحه تمام اولندیفن انزها و انزها ام ایلدکه شعبان المعظمک بکری  
سکرنجی کوئی وقت ظهرده کرای هایدیو نه اینجولی کوشکده عقد جمعیت مشاوده عموم اولوب  
پادشاه عالمپناه آیه الله و قواه مسند و الاسنده و گروه اعیان رجال حضور شاهانه لرنه وزیر  
اعظم عثمان پاشا و شیخ الاسلام داماد زاده عبد الله افندی و استانبول قاضیسی افندی و سائر  
افزیه و توقیعی اید پاشا و عزت علی پاشا و قیود حسین پاشا و یکچری اغاسی اسمعیل اغامین  
و یار زانو زده قعود فرخ احترام و پیشگاه شوکت دستکاه لرنه سائر ارباب دیوانه استاده  
بپای قیام شرف یافته نیل مرام اولوب مشاور ایله اید پاشان کلان قائمه و معیتنده که اید و روی  
عسکریه نکک عرض و محضری و عجم طرفین کلان فارسی مکتوبک ترجمه سی و شروط مذکور  
مکتوبی صورت تمسک اذن شهر یاری ایله قرارداد جمله به اسماع و اعلان و صرف بحرف ه  
بلا نقصا تقریر و بیان اولند نصکک پادشاه عالمپناه حضرتلری سعادت ایله فتح کلام سیوروب  
فتح بلده تبریز رخصت عقد مکالمه مصالحه دن صلح غیر معهود ظهور اید و بس تکرار طرف  
سلطنت علیه مدن استیذان محتاج ایکن نه ضرورت مست ایتدی که قلعه مرقومه یی دخی  
هنوز مال مباحث مکالمات بر سو و فانه قرین علم الیقین ملوکانه م اولدن خود بخود  
رضاداده اوله قلمی صلح بی نظامک شروط و عهده ناطمانه ادخال و انضمام و تسلیم و رد انجم



بر فرجام ایلیه لردیو بیورد قلزده کیسه کله مناسب گفتاره قادد اولیجوشیخ الاسلام  
افندی دفتر امینی محترم افندی به خطاب ایدوب اصلنده سن بوایشکرک ایکنه ایدوب لفر خصوص  
کرگی کی معلوم کرد سویله سنه دید کلزده مومی ایله افندی اظهار کمال عجز و اضطراب ایتمکله  
هله فردوسی افندی فضولی طور دینی مکلن طوغری حرکت و مقابله سلطه جهانبانه واروب  
بو وجهه ادای جواب ناصوابه تصدی و جرات ایلدی چونکه ایدیشا قوللری بونون ادم  
تشید مبانی صلح و صلاح ایچون مرخص بیوریلوب بوا امر خیرک حصولنه سعی و اقدام و عمل  
اتفاقی ایله تکیل عقد مصالحه راحت انجام ایلدین فی الحقیقه تحریر و اعلام ایتمکله اوزره  
وزیر مشارالیهک ماژون اولدقلری تمام کار مصالحه اهتمام و تحریر لری اوزره رسیده حسن ختام  
ایتمدی و جوه شتی ایله نظر قبول و استیخانه جدیر و احری و بعد ازیں بود رابطه جبل المین  
بین الدولتین مرعی و مؤدی طویلوب نسج اولنما مواسب و اولاد دیکجک شیخ الاسلام  
افندی حضرتلری بری بکر افندی سن بندن بتر معنوه اولمش سن شوکتلو هنکاریمزک مراد لهایون  
لرین آکله دن بیهروده و عبت کلمات ایله تقویت اوقات ایدرس دیوانخیام و احکام بیوردق  
لرزه **مصراع** سویلنکرک و سن بیلنر سویلنر نثر مفرومنه ما صادق اولدینی حاله جمعیت  
قهقری ایله کرو کلنوب مقامنده طوردی بعده عثمان پش حضرتلری جمله او جاقلی به مناسب  
اولان و جری سویلنکر دیوب مخصوص جبهه جی باشی به توجیه نگاه التفات اود فی قائل  
بی طائل افندی به معادل بر قاج سخن ناموجه ایراد و اثبات ایلدکه بالآخرع پادشاه عالیشان  
حضرتلری بیوردیلرکه بو خصوصک غور و کنه نه و صول ایچون غلط لهایون شوکت مقرونم  
ایله ایدیشا به مخصوص چوقه داد کونردم انشاء الله تعالی واردده کاینیغی هرامو  
واقف اولوب عودت ایلدکه رأی لعین مشهوردو معلومی اولان خلاصه اقوال و احوال  
هرنه ایسه بالمشا فریه کنه و دن استعلام و کرگی کی کیفیت حاله تحصیل و قوف نام اولنور  
اول وقتده جمله نکات اتفاقی ایله اقتضاسنه کوده حرکت اولنکویوضه بوسباق  
سیاق اوزره اعدای دین و دولته بلده تبریز ویر ملک شرطیه عقد مصالحه به صد و رازن  
لهایونم عیدم الاحتمالردیو قطع کردشته مقال ایلدیلر بود فعهینه شیخ الاسلام افندی آغاز  
تکلم ایدوب شوکتلو پادشاهم جمله مرکز دن بسته ربقه مطا و عبت امر و فرمانکر و قلاع و مملکت  
سنگر طبع نازنین لطافت آکس و وجود شریف سعادت قرینکه بار اولاملاحظات و افکار ایله

چون

چون زحمت کشیده اولودسن شرعاً مالک پادشاهین و شمنه بر قارشیر ویر ملک جائز دکله  
لکن سبب آسایش عباد و باعث آرامش زیرستان رعیت بلاد و زریعه حسن و قوت  
و اتحاد اولمیش چون طرفاً شهر یار مرمت و ناردن بعض محاکمک اعدایه رد و تسلیم ایله  
ظهور بخشایش عیلمری مجرد عین عنایت و محض کرم اولمش اولور اویله دکلیدر افندی  
دید کلزده جمله سعی تصدیق قول جناب شیخ الاسلام ایتملیله اثبات مدعی ایلدیلر و اقامه فیه  
جامع شوق بخشای سوامع اول کلام حکمت ارتسام ایله ادای مرام و تقریر دلپذیر لرین مسکتی  
الختام بیورد قلزده فرما لهایون ایله تکرار کرای صدر اعظمه مذاکره اولنوب بسنیده عقلای خیر  
ضواها و قراردادده عمره و ایمان و ارک اولدوجه انسی خاکبای سلطنته عرض و انزها  
و مرق بعد احری حضور لهایوننده عقد انجمن شوری اولنوب اوزره دفع مجلس لکی الله  
المستفکر امتلو پادشاه عالیشان حضرتلرینک مورد فیوضت الهام دبتانی اولقلب آگاهلر نه  
طائفه انجماک نقض عهد و میثاق اید جملری کویا جلوه کر مجلای شهرود و عیان بو خصوص  
ظهور ایدین کلمات صداقت سماتلری بی شک و شبیهه الطاف الهی ایدکی نادر غادر ک تکرار  
عتوه و بغی و معادات ایله هم اساس بنای مصافحت ایتدیکنده ظاهر و نمایه اولوب حیرت افزای  
عقول کاداکرها و غیرت نمای دور بنیان حکمت شناسان اولمش **شرح فرما طرک سبب قلیان**  
**یولایت ایران نگاشته کلک دیر به بلاغت نشا کر دیر بمسوده مورخ مهدی خان سابقا** اولدینی  
اوزره پیام صلح و صلاح نادره و اصل اولدقه رد و نقض ایله اید پاشانک و شاه طرک سبک  
آدمیلرینی اعاده و ادجا عد نضک بلاد ایرانک کلیننه بوسیاق اوزره فرما ازل ایلدیلر بعد از  
قاب کلانتران و اهالی و ایمان مالک محروسه توفیقاً یزدانیه موقوف و توجها خاطر خطیر ایله  
ستون اوله لمعلوم اولکه برکات عنایت ایزدودا وروین تولای خانده ائمه اثنی عشر  
علیهم رضوان الله الملک الاکبر ایله تیغ فلک سای هلال آسای شاهانه مه فتح بلاد و قلاعه  
خاصیت ماه نو و ادر و موکب سعادت قرینه همیشه نصرت و ظفر دلیل و دهر در جیوش اقبال  
نیوشمه غیب ملگری برقه و پیشرو در بازوی نیروی بخت فیروزیمه اقلیم و کشور کشایشده  
ظفر و غلبه هست و همناندر بنا برین بو اوان میمنت نشانه عواطف قادر و منایه لایه لایه  
افغانلری از سلا شجای عتله اژدر مرها بتلو غازیلرک قلیجی قویر غندن قسوده دن قیادیمز  
کی فراد ایتدیلر حصونلری کنه لری قودرت و رظن ایدوب بیکدوب لهرتا قلعه سنده متحصن و متواری



اولیله قبلدینه رعب و هر اس مقدونی اولغه احوالی متبدل و زلزالی شدید اینه معرکه و مملکه  
زلزله صبر و قرار لری متزلزل اولوب آجلقدن جانانه زخم کسیف و سنان یکن امانه کلیدلر  
بزدنی مشرکلردن بری اما طلب ایتسه اما ویرمک واجب اولور مضمونجه و احسن العفو  
عند القدرة مدلولنجه اول طائفه یه اما احکایلیوب هر قلعه سندن خاناندرین نقل  
ایلیکه فرما ایلدک اول ورطه هلاکت و عرصه فلاکت التمش بنک اذ خانه لریه کوچ ایدر  
جراد منتشر کی متفرق و پراکنده اولوب ممالک خراسانه خوار و شهر ری ارحه و دینه دک اسکان  
و ایطان اولدیله الحی الله تعالی مقالیه تاییدت ایزد جل و علاییه فتح قلعه هر قلعه میسر و قندهارده  
سکن طوایف غلبای کی ابدالی اینه متفق ایدر جمله سی مطیع و مستخر اولوب طوق اطاعت  
و چاکر لکه و حلقه خدمت و فرما بر لکه کردن انقیاد لرن اذ خال ایلیدر چونکه انجام هر تمام لرتدن  
فراغ حاصل اولوب و حدود خراسانه که موجود کر کشله تنبیه کامل سیوردق بو حال خلاصه  
روم جانبینه ایلچی لک ایله مأمور و روانه اولان رضا قلی خانی نون بر کاغذ ایر شری مضمونه مکتوبه  
امناى دولت عثمانیه نکه صلح و صلاحی بونک اوزرینه قراردادده اولدی که ارس ایر ماغنگ  
اوته طرفی روم ضبطنده و بو طرفی قزلباش تصرفنده الی الی بر قاله حقا که بو مصالحه بنظر مده  
نقش آب و موج کربا کبیر زیراکه مقصد اصلی ممالک ایرانی اسیر لکن استخلاصه و بوام  
اهم و مطلب اعظم ضمن صلحه مندرج و مذکور دکلدر و بزم امتا لیز قور لکه توفیق پروردگار  
ایله رتبه علیا و اقده نائل اولدق همین بونک چوندر که کلکم داع و کلکم عن مسؤل رعیتته ه  
مقتضای بنجه ضعیفانه یاردم ایره لم و مخالفینک شرنی سلینک باشندن دفع و ماده فارسی  
مزاج ممالکن دفع ایلیه لم دکل که قفل غفلتی قلبه اوره لم دای دشمنه تابع و خاطر خصم  
عهد شکن رضاسنی طلب اچونک اسایش عباد الله مانع اولالم بحول الله و قوته بو کون  
دشمن لیز کن کونی تیر و دست اقبال شاهانه مزبیره و ضعف بر خواها نه مزقوی و نصرت  
و غلبه دین مصطفوی و ملت مرتضوی اوزرینه اولمقدندر بو صورتده اول کم فرصت طائفه  
بیزلری کورد کلرنه اولی کوردکی کوزلری حلقه حلقه اولور و قبلدیری غیظ و غضب اینه  
طولاد اما دلری طتو لوز اراق اوله کلرنه کسین دلتو اولوب درونلری طشرح ویرور  
پس بو معنایه تحل ایتک عیثدن دور و منافی طبع غیور د صلح مزبور رضای رب العالمینه  
مغایر و دای و مصلحت دولت ابرمه ته منافی و مخالف اولدیفندن رضا ویروب انضای سوردق

اول سبب نکه سر پنجه شوق طوافی ملائکه مطاف حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین  
غالب کل غالب و مطلوب کل طالب علی بن ابوطالب کرم الله وجهه و رضی الله تعالی عنه  
کوکلرک یقاسندن طوتدی و ضمیر حقانیت مضمیر بزدنی بونی اختیار ایتدی دگره احدیتدن  
مسؤلینر بودر که توفیق ایلیه تاکه اسادای سلینی خلاص ایلیه لم ان شاء الله تعالی  
نوروز بایرامندن صلح جنود رجال غیب ایله همفنا و تاییدت لاریب ایله هر کباب اولوب  
خدمت سلطه اقلیم ولایت و ارتضا علی بن موسی الرضادن مرضص اولمغه ازن آلوب  
جیوشن دزیا غروشن قوی جنک و عاگر هزبر خوی فیروز جنک اینه بلاتامل ولادر نکه  
کوچ بر کوچ ایدر و با عازم کعبه مقصود اولسم کرم مصرع تاییدت اخواهد و میلش بک بانه  
نزدیمه کل بر شنی کی که بونی اشلم فردا الادر عقب دی که اگر دیلر سه خدایت حافظ اکر دم ای  
بره خاندان نصیق بر رتبه دهت شود همت شحنه بخف نه افراد ناسن هر ککه بو ایشه دلیل  
و بو صلح فادندن غافل اوله البته کسوه عیثدن عادی و سعادت دیندار لقدن بری اولور  
حوزه تشیعندن خارج و سلک خوارجده داخل اولسه کر کرد و سلام در بیان و قیام  
سچقایل مطبوعه سال میمنت اشتمال هزار و صد و چهل و چهار هجری و نوروز فیر وزیرین سال  
همایون فال منظومه سلاک سین هجرتده منسلاک تاریخ چونکه بنک یوز قرق در دخی سنه یه  
بالغ اولوب ماه رمضان المبارکن یکر می اکنجی کوننده اتفاق حکم سلطان نوروز ایله افواج  
قاهره نسیم غنچه نکه قات بر قات سرا پرده لر نی فاتح و ازهار پرا نوادک سد و الباب قلعه لرین  
مفتوح و قلاع زرد و سرخ لاله و بلاد سفید و کبود شکوفه مسخر سلطان بهار اولیدر و افغان  
عند لیب بهاد کوه دو شاخ شاخساردن شورانکیز لکه آهنک کوستردیلر و لشکر یغما کر بهمن  
شهر بند چندن ایباغن دامنه و اسباب و انقالنی مأمنه چکلیدر و سلطان فریدون حشمت فرورد  
ین دارالسلام چمنه عزیمت ایلد کلرنه قوت نامیه صحن کلشنه زیب افراز و چمن آرا اولوب  
خیمه زن و عمود افکن اولیدر و باعث اختلال اوضاع بستان اوله افسرده مزاج پادشاه  
شتا امر قهرمان طبیعت اینه شغل و عملدن گوشه نشین و کل نوباده زاده قوت مولده  
نافذ الامر عرصه خاک و بسیط زمین اولیدر و چمن ضربخانه سنده لاله و کل سلطان نامیه نامنه  
درهم و دنیاده ککه عباسی اوزمغه رواج بولیدر بلبل و قری خطیب لری منابر شاخسارده بنک یل  
ایله زمزمه دعای پادشاه زمان ایله رطب اللک اولیدر مجلس تحویل آیین جمیل اینه ترتیب



بولوب طقوز بنک قات خلاع دشمنه و اثواب ارزنده سران سپاهه و چاکران درگاهه  
جامه خانه احسانن عنایت بیوردیلر چونکه نورد بایرامی منقضی اولدی بالجمله امر او اعیان  
و سپاه جنگ آورده نادر بهادر امریله بغداد سفینه مهیا و آماده اولدی در رمضان شرفکله هر  
عید سعیده مالان کوپری سندن نهضت کازدر نام بلده جو لکاسنه ضرب خیام نیلگون قام  
ایلیوب دامن صحرائی سرادقتا دیکندن رشک کلسنا چین ایلیدر ابراهیم خان دخی اول کون  
کنه و بعیتله فراه سفرنن کلوب نادر اوردو سنه لاهور اولدی ایرته کسی کون امر او اعیان  
خلاع آفتاب شعاع الباس اولنوب ایالت فراه قاین نام بلده حکومتیله اسمعیل خان خرمیه  
توجیه و اسفراز حکومتی نادر خد متنه خدمت جلیله کی سبقت ایدن لزی کی چن سلطان او علی  
اسمعیل خانه تفویض اولنوب هر برسی کنه و منصبینه روانه اولدی و جلایری طرهاب  
بکه آر قوشنی نه و چرمغان و جاجیلر سنجاقلری حکومتن احک و خانلو مشوریه کرا فراد  
ایلیوب اغوانلردن برکرو هدی دخی خدمت مأمور ایلیدر اول شرط ایله که ایلات و تفنگچیان  
سرحد اتن بنک نفر کسندی خد متنه ملازم قلوب دشت قباقره مناسک محله برمتین  
قلعه بنا ایدوب مزبور بنک نفر کسند ایله اول قلعه ده توقف و مهاتیره تقیه ایدوب  
یموت و کولکلان اشرازدن شر و شور صداد اولدقه ضرر لرین دفع و دفع و عتدینه کوره  
تنبیه و ترتیب جزالینه اقدام و اهتمام ایلیه لرامور مزبور ک نظام و انتظامه نصک لو ای  
جهانکش این آچوب خراک جانبنه روانه اولدی همیشه اقبال سیرع الزوالینه فتح و ظفر  
علی بیسل الاستدراج استقبال ایلمکین موکب نادر جام نام بلده سنو دلینه وارد اولد قلعه  
افتاد لولطف علی بیکدن و پاپالو عاشور بیکدن که طزن ترکاندینک شره ضرر لرین دفع و دفع  
مأمور ایدیلر چایار وارد اولدی که اول ستمه موجود ترکانلردن بر بلوک لشکر لیک و خلیج  
صویندن عبور ایدوب اول نواحی تاخت و تاراج ایدیلر فی الحال نادر امریله سر کرده لبر کرده  
عسکریله مزبور لری تعاقبه بویان و بویان نام قریه نکه جانب سفلا سنده اول فتنه ه  
جویانه ایرتوب بعیت لرین باصوب و پنجه کله لکسوب دلتلطوب تمام کرا فتاد لری و امول  
منه بویه بی حضور نادره کتور دیلر پس معکر نادر عامه مزبور ک اون بشنخی کونی دبیره و طنطنه  
ایله مشهوره داخل اولدی اعیان و رؤسا بر لرینی چشم روشن دیوتبر یک ایلیدر جمله وضع  
و شریف قوی و ضعیف نادر ک شرف اندوزی خدمت فرخنده کوهلر ندر لالی شکر الهی بی مشقب  
زما

زما ایله سفیده قیلدیله مشارالیه داغب افندیه شاه طرهاب جانبندن ترفیق اولنان  
صنعلی بک و مرزا کافی که نادر هراته ایکن صلح و صلاح مرزده سنی اخبار و ایلاغ ایله و  
اولش لرایری مرقوملریله مقدمات سفر عراق و عزیمت جانب بغداد و صلاح و فساد بعض مواد مزاک  
اولنوب مزبورده ملا علی اکبر ملا باغی و مرزا ابوالقاسم کاشینی ترفیق ایدوب ذی القعدة نکه اون  
برخی کونی اصفه جانبنه روانه ایدیلر که صبر ایلیوب طرفینن تمکات اخذ و اعطاء اولنوب که  
بو مصالحه مصلحته مقرون دکله شاه طرهاب اصفه ندر حرکت قم و طهران جانبنه عزیمت  
بیوردی نریز لر دخی بو جانبندن وارد اولوب بعد الملاقات مشاوره اولنوب بغداد جانبنه ه  
عزیمت و روانه اولالم نصلک نادر اسباب سفر عراق و تهیه تدارک و یساق و کرکی کبی یات  
ویراقرین تکمیل ایدیلر شاه طرهاب وجه محرزا و زره منورزم و پریشان اولدقه نصک ولایت  
ایرانه ارباب بغی و فساد خود سرک ایدوب هر فرد غالب اولدیغی محله کیف ما اتفق حکم و حال  
اولدیله شاه دخی کنه و پریشانلغدن ولایت و حکامه تمکین و نظام ویرمیدیلر پس نادر بغداد  
توجه اول سر کرده لرین هر برینی بر بلوک لشکر ایله کوه کیلویه و لورستان و فادس و سیلا  
ضور و چابلق و قره یوز و سایر ولایت عراق و مغانات وارد بیله تعیین ایدوب و اختیار  
مهات آذربایجان کوه احمد لولطف علی بکه تفویض بیوردی جمله حکام ممالک حکام  
مطاوعه ازل ایدیلر که مترصد امر و فرما و حکم مطیع و منقاد اوله سر شوبلکه دماغنه لذت  
فساد اولوب نصیح و پند ایله صلاح بنیر اولمیان اشقیانک اوردینه و ایدیلوب حقن کلنور  
بصیرت اوزده اولوب اکاکوره عمل ایله سر کوز ایلی عبد الغنی خانک هرات محاصر کسند خدمت  
پسندیره کسی ظهوره کلک ایله بین الامثال و الاقران احشاشایه و جمله دن ممتاز و کرا فراد و نسبی  
لازم کلکین خانلو مشوری احک اولنوب و حکومت ابدالی عنوانیله مکرم قلوب خلعت  
فاخر الباس اولوندقه جمله رؤسای افغانه مرخص و مسند حکومتینه ازل اولدی اول شرط  
ایله که اوردوی نادر عراق جانبنه حرکت ایدلکرنه من حیث الاتفاق تدارک کلی ایله وزیر ضبطه  
اولان جنگی دلاور لایله حاضر و آماده اولوب اوردویه ملحو اولامه ذی القعدة نکه اویشی کونی  
نادر کامکار مشهور دن نهضت و مسکن اصلی سبی اولایسورد جانبنه عزیمت ایدیلر کلاته وارد  
اولوب اون کون اقامت ایدیلر قلعه مزبوره که خدا آفرین بر قلعه میتن و حصن حصین روی  
زینده نادر الامثال وسعت و رفعته نمونه سپهر برین بر شهر دلاور لایری هر کون سور کون شکارینه

۱۰۸



چقدار ایری نخیر لموج اوردوب آهو و روبا و سار پرزده و چرزه شکاریس ایروب صفیاب  
اولوردی اون کونه نصک ایسورد جانبنه توجه یوردیلر اول خطه دکشاده ابراهیم خان دخی جده  
سردکان و روستای عساکر حدات ایسه ناسام بلده حد و دندن طولاشوب حضور نادره وارد  
اولیدر جمله ضبط و ربط مهلت خراخا اکاتفویض ایروب برهفته نصک دزه جزو میاب  
و کوبکان و ایلیخانک مرتعی اولخرم دره یوللریله دختن بیکر خان زاده لر خدمت ملازم سیرود  
شکاد ایردک مشهوره اون یکی فرسخ محله واقع دادکان نام قصبه یه وارد اولیدر مزبور  
قصبه اقدار صولی باغلو باغچه لو دوزیرده بر لطیف شهر در سیوک سرایلری قلیل باغچلری  
قواق اغاچلریله صف اندر صف مرتی و درودیوارلری اکثریا مصطور و منقش آب و هوای  
لطیف صحرایی چمنزار و واسع زرع و قریه لری و افرملوک پیشین انادندن اینینه فاض و  
عالیه که زدران در نقوش لطیفه ایله منقش و مطلا بر بلده زیبا ایری نادر اول بلده یه یس  
قوم میمنت لزوملرله غیرت افزای اذرباشت و فروردین اولیدر بر قاج کون اول جای فرج بخاند  
عیش و عشرت ایلیوب دادکانن نهضت زی الحجه نک بشنخی کونی آلائی اعظیم ایله مشهوره  
داخل اولیدر بو انشاده هنوز ذریقه اطاعتنه کردن داده اولیا کولون ترکانلرنک امر او روسای  
وده باشیلری دکاب نادره کلوب اعتدال و جرایم سابقه لری استعقا اولدقه امر ایلیدر که بالجمله  
خانه لریله کوچ ایروب مانه چایلغون جانب شمالی سندن عبور ایروب سینه مانه صوینک  
سمت جنوبی سنده مانه دن کر ایلی حد وینه و ارجه ساکن و متوطن اولار و جنگ آوژدلاوردن  
بنک نفرکنه بی مرها و آماده کلوب سفر عراقه جیس تو جهلرزه اوژدویه ملحق اولار و ماه  
مزبورک او بنجی کونی دشت نام بلنقه ده ساکن مسقوردلرزن کر انبها تحف و پیشکش ایردی  
کلوب حضور نادره وارد اولد قلرزه خراعت آمیز عریضه لیس ویریدر مضمونه کیلان حد وینی  
تخلیه و تسلیم موادی امر و اشارت نادره حواله و موقوف اولمه کنی عرض و اعلام ایلیدر ایری  
بو مقالک تفصیلی اولدر که نادر نامدار مازندانه وارد اولد قلرزه مسقورالنه ایلی کونردیلر که ده  
دار طرز کیلانن و نواحی سندن کفیر و فراغت ایلیوب اول اولد لری شاه ایران ده و تسلیم ایلی  
قرال ایلی بی توقیف ایروب جوک ویرمیلر و قتا که نادر اصفهانی افغانلردن و تبریز و سار مالکی  
رو میاندن اخذ و نزع و کنه و طرفدن اهایلیسی اوزرینه حاکم نصب و وضع ایلیدر بو خبر قرالده  
اولدقه دشت و لاهیجان نام بلده لری تخلیه و تسلیم ایلیکی قبول و بو امرک انجانی کیلانده کنه و راز

محول و موکول ایلیوب ایلیچی مرخص و منصرف ایلیدر نادر لهراتی مضرب سراقا دو ایلیکلری  
هنکامده ایلیچی معاودت و حقیقت حالی معروض خدمت والا ایلیدر نادر ایلیچی و قرال آدم لری شاه  
طرهاکب اوردوسنه اعاده و ارجاع اولنوب اوژدویه وارد اولد قلرزه شاه و رجال مسقوردلری  
مصالحه یه بو کونه قرار ویریدلر که کیلان اولد که سی سالیان نام بلده نک بو طرفته دکن ایرانش  
تسلیم اولنوب بادکوبه و در بند و کونام صویک اوته طرفه که سنجاقلر که حایا عثمانو ضبطنه  
در عثمانی نودن اخذ و انتزاع اولدقه نصک انلردخی علی ال و ام شاه ایران طرفدن اخذ و ضبط اولنه  
مصالحه یه بو کونه قرار ویرلر که نصک شاه طرهاکب دشت نام بلنقه یه برهاک فرستاده ایلیدر  
چونکه شاه طرهاکب روان سفر ندر منبر ما رجعت ایلیوب هر ده قریبه دخی اولدکن بدتر برکنده  
ویریش اصفهان جانبته اقل و خیزلر کیزلر اولوب دو میا کم فرصت دخی غلبه ایروب کرمانشاه  
و هر ده و مراغه و اوژدوی و تبریز قلعه و نواحیلرینی اخذ و ضبط و ممالک عثمانیه یه ضم و الحاق  
ایلیدر مسقور کف سی دخی نقض عهد و مذکور ولایتلرک تخلیه کنی دفع الوقته بنای دشت و  
ولاهیجان فرستاده اولان حاکم اصلا اعتبار ایتیموب بر محله ده قونیریلوب مقناده اوزره لوزی  
ویریلوب نسیان سنیاترک اولنوب بیچاره بر مدت صفی شماره د فتر اعمار اولدی چونکه هر ات  
و فرام ضبط و تسخیر اولنوب امور مهمات نظام و انتظام تکمیل و مخالفینک کیمی تسعید و کیمی تحمیل  
قلنوب معکر نادرک عراق سفینه عزیمت لری متحقق اولدقه مسقوردلری عاقبت انیش  
اولوب نادر خدمت آدم و در قم کونردیلر که شاه طرهاکب ایله منفقد اولدصل اوزره کرو  
مصالحه یه قرار ویریلوب دخی نه در لوتشیت و مصلحت رأی و تبریر اولنور که امر نادر ده  
نامداره منوط و مربوط نادر دخی ایکی نفریسا ول کتور دوش تبیه و تفریم ایلیدر که مسقور  
کف سنی و ارب دار المرز کیلانن اخراج و طرد و تسعید ایلیه سزاکر لچ و عناد و بغی و فساده مبتد  
اولور لسه طرفینز کیرنما و صریحاً تحریر و عرض و اعلام ایلیه سز در بیان نهضت موکب اقباب  
**اشراق پنج عرق حکمت مالک الملک** چونکه نظام و انتظام امور مهمات فراسان که فراغ  
کلی حاصل اولدی هجرت نبویه علیه افضل الصلوات و التحیه نک بنک یوز قرق دور سینه  
سنده ماه ذی الحجه نک یکر می التینی جمعه کونی مطابق قاره ییل نادر وقت ظهر دن یکر می  
دورت دقیقه منقضی اولدقه عمارت چهار باغدن عزیمت و موسی الرضا رضی الله تعالی عنه  
حضرتلرنک مرقدینه کیروب تضرع و نیاز و زعم باطنجه دو حذن استمداد ایروب ماه محرم الحرامک



یہ بھی کیجیے شوکت دارا و جم ایہ خارج شہرہ مضرب خیمام اجم حشم و مقر اور دوی  
کواکب خدم ایلیدرادکان منزلدن طوبخانہ و قورخانہ یی سبز واریویلیہ فرستادہ ایلیوب  
نادرا و دوسی دخی خبوشان جانندن کوچ بر کوچ عازم مقصد اولیدرچو مقدما طائفہ  
ترکمانیہ بنک نفر دلاوردی نادرا و دوسی ضرم و الحاقی تفرہ ایلشرایری ہنوز برو فوق قوما حاضر  
اولہ قلندن سخو اسیہ وارد اولہ قلندہ آغرغنی افواج قاہرہ ایہ بسطام یولندن روازل قلوب  
کندوسی کرایلی جانبہ عازم اولیدر مقصود لری بویری کہ اگر ترکمانیہ ادای تفرہ دہ عناد و تفرہ  
اظہار ایر در سہ راہ دشتن او زرینہ نازل اولوب جزالین ترتیب ایلیوب و انڈن استرا بادہ  
عطف عنای ایلیدر اگر مسقو کفح سی دخی تخلیہ و تسلیم ولایاتہ اہمال ایر در سہ استرا بادہ  
و عازنہ رانڈن بلای ناگہانی و نوازل آسمانی کبی او زرینہ نازل اولوب دلاوران عرصہ جان  
فانی اندرک خانہ لری قبوسنہ مہمان کوندرہ لچونکہ نادرجا جرم نام بلدہ یہ کہ واردہ  
اولیدر ترکمانیہ دن التیوز نفر عہدہ بناد او ردویہ ملحو اولوب بقیہ سمت دشتہ فرار  
ایلیدر موسیم صیف و شرت حرارت بریہ و جولستا و اریلیجو املکنہ دہ خاکولات و مشروبات  
دخی نایاب اولمغہ سواریلرک آتلندن یکی بنک عدد قسرت انتخاب و یکی بنک نفر دلاوران  
ظفر انتسابن رفیو دکاب ایر و ب او کونک صو و آذق قالیروب ایلفاد ایلیدر اتفاقا اول  
ایامہ جلایری طہاسب بک خانہ مجددا بنا و انشا ایلدو کی چندیر نام قلعه دن فارغ اولوب  
کند و اتباعی و ملحقاتی ایہ نادر خدمتہ عزیمت ایلد کلندہ انشا راہدہ مزبور ترکمانیہ فرایدرینہ  
دوچار اولوب ادرین طوع شمیر و عورتلین اسیر ایر و ب غنایم بسیار ایہ کلوب اورویہ  
ملحو اولیدر نادرایہ کوبہ بلخان حوالیسنی دوردان و جولان ایر و ب رنگ پریرہ و مرغ  
دیمبرہ کبی اثر لندن بر نشان بولامیوب صرف زعام عزیمت ایلیوب اوردویہ کلیر طہاسب بک  
بویہ حصول مقصودہ واقف اولہ قلندہ طہاسب بک خانہ ضلعت و مجوہ تاج و قندھار  
سر عکر لیکلہ کرافز ایر و ب فرما ایلیدر کہ انشا ایلدو کی چندیر قلعه سخی تخریب و ہراتہ عزیمت  
ایر و ب ہرات بکلر بیکسی پیر محمد خان ایہ ہر برسی التیشر بنک نفر کزینہ لشکر ایہ اتفاق و اتحاد  
ایر و ب یکل یک درون یات ویراقرین تکیدن صلک قندھار او زرینہ و ایر و ب شوکت و اقتدار  
اظہار ایر و ب قلوب افاغنے یہ دغب افکن اولار طہاسب بک دخی ہرہ اولکونہ مکمل  
ایلیرایہ اوردو دن چقبوب مشہد و ہرہ یولیلہ عازم سفر قندھار اولیدر نادرا دخی کند اوردو

اوردو سیلہ قالقوب اترک یولیلہ روانہ اولوب ماہ مزبور کج یکر می در دخی کوئی کہ کلک صوبی  
کنارینہ وارد اولیدر اندن دخی کیلان سمتہ توجہ مراد ایر و ب عزیمت ایلد کلندہ اہالی کیلانڈن  
آدم و رقم وارد اولی کہ محضنا نادر نامہ ارک انتشار آوازی مسقو کفح سنہ دغغہ انداز  
اولوب بی بال و پربالچہ قالقوب مملکت منحو لری جانبہ پرواز ایلیدر پس نادر کلادی  
ارجاع ایر و ب امر ایلی کہ کیلانک عمال و رؤسای اوردویہ وارد اولار لاندن حرکت و علی  
بلاغی یولیلہ روانہ اولوب قوشہ نام منزلہ نازل اولہ قلندہ مزبور عمال و رؤسای کلوب  
اوردویہ ملحو اولیدر اندن دخی قالقوب عظیم الای ایہ طہرانہ داخل اولوب صحرائی طہرانی  
مخیم حشم محتشم ایلیدر مرقوم کیلان اہالیسی کلوب تقبیل عقبہ ایہ شرف یاب اولہ قلندہ نضک  
اول ولایتہ متعلق امور مہام مذاکرہ و محاسبات و معاملات تنقیح و تشخیص اولندہ نضک  
ولایتینہ اعادہ و ارجاع اولیدر بعہ عاکری یوقلیوب کروزہ کروزہ حضور ندن کچو رو ب  
بیندہ توزیع و تقسیم ایچو آلی بنک تومان انعام ایلیدر منزل مزبورہ شہر یار محمد خان بلوچ  
کہ شاہ طہاسب جانندن ایالت کوهگیلویہ احاسیلہ کرافزا اولمشیدی نادر خدمتہ  
کلوب ملاقات اولہ قلندہ مقدا بلوچ طائفہ سنہ و ولایت اہالیسنہ ظلم و تعدیسی فراوان  
اولمغہ بی حساب شکاۃ و بکات و فریاد جیلر کلندی کور شد کلندہ نادر حضور دن قال  
دور و ب جبہ کوندر و ب مصادرہ ایلیوب جملہ اسباب و ائقال و خزینہ سخی میریہ ضبط  
ایلیدر فارس بکلر بیکسی محمد علی دخی فارس و عراق عاکر ندن مکمل قابو ایہ کلوب قم دہ  
نادرا اوردو سنہ ملحو اولیدر مقدما شاہ طہاسب آدم و رقم کوندر مشرایری کہ شاہ والا  
دخی کند اوردو سیلہ قالقوب قم و طہران جانبینہ عازم اولوب اتفاق و اتحاد ایہ فراہان  
یولیلہ بغدادہ سفرایر و ب عثمان نودن اخذ انتقام ایہ لم شاہ بو معنادن آگاہ اولہ قہ ز عینہ  
عاقبت اندیش اولوب فی الحال احمد پاشایہ ایلیچی کوندر و ب ذکر سابق او زرہ مصالحہ ایر و ب  
تمکلیدر نادرایہ بو کونہ امر خطیری پیشنہاد و سفر بغدادہ تشریق اجتہاد ایر و ب  
راہ مقصود دن دہ نمکہ احتمال محال ایری شاہ ایہ مزبور فعل فاسدن رای کاسدن  
ناموسی سلطنتہ عارلا حو اولین قایر مزایری شاہی خواب غفلتدن بیدار و اصلاح حال  
ایچو اصغر جانبنہ عطف عنای ایلیدر لشکرک غایت کثرت و وفرتی اولوب قہر و دمعبر ندن  
عبو رمغزرا اولمغہ نادر اوردو سخی حرکت ایتمدن مقدم افواج قاہرہ فوج فوج قہر و د



و نظر یولتریله اصفهانه متوجه اولدیله نادر دخی اوردوی میمونیه اندری متعاقب اولو  
باغ هزار جریب نام محله نازل اولدیله در **دربیا** و **درد موکب** و **الاباصفرها** و **خلع خلعت از**  
**شاه طهماسب** و **تفویض پادشاهی بشا هزاره عباس مرزا اوله** او چونکه نادر منزل  
مزبودن حرکت ایلدیله کرما و کرما دیوب طی مراحل و قطع منازل ایدرک ماه ربیع الاولک  
دوردخی شبیه کیجه سی طلوع صبح دن یکی ساعت اول منزل نظردن حرکت و اصفهانه غریب  
ایلدیله شاه طهماسبک امر او اعیانی استقبال ایدوب دورباش سطوت باهره و ازدحام جنود  
قاهر دن تقبیل رکابه دخی یول بولامیوب هنگام طلوع فجرده بایراق قرصای شهر وصل  
اولدیله کوبه کیانی و دبره خسروانی برله شهره و اصل اوله قلنده برج شهرده و نقش  
چهار نام میدانه و جلو ظرفده موجود طوب اذرددها ندر ایلوب زمین و زمانی لرزان  
ایلیوب قولقرصتا اولوب کولدرده که غم عقده سی آیلوب اهالی اصفه را بختلری کبی  
ایقودن بیدار و فخر مستی طالعدن هشیار اولدیله جمله اهالی شهر کیر جقوب بام و در  
و صوقا قلسیر جیلر اینه مالا مال اولدیله القصد چونکه نادر بهادر باغ هزار جریب نام محل  
دلگشایی نزول موکب سعادت آباد ایلدیله شاه طهماسب دخی محل مزبوره کلوب شاهانه  
و امیرانه کور شوب او توروب آفاقی صحبت ایلدیله وقت ضحی ده خدام عالی مقام بسط سفه  
طعام ایلدیله کثرت انواع اطعمه متنوعه کبیره بر ساعتن متجی و زمامه دایر نشین کرسه  
خوان و بعده شوینده دست و دهله اوله قلنده نصک نادر بهادر آنا سفر دن ظهور ایدر نوا  
انحراف مزاج لر دن ناشی بر مقدار تنهانشین آسایش و استراحت او طبعی آخرا و تاغه  
واروب بر ازا و یقودن نصک بینه بیوک او تاغه عودت ایلدیله و تا قیبتکا هندن جاری  
نزه وروضه له و حقیقه له تماشا ایلوب وقت عصر قریب بینه او تاغه کلنوب قرار  
اولنده مجلس عشرت آراسته اولوب **شهر ساقی** کتور اول می مغانی کم او نه لم غم چهرانی  
ساقی بکاجام جم نشان ویر خودشید ممالک چها ویر قلک بو قدر کیر تأمل ویر مزبوره  
ساغر مل کل دم اینه لم سنگله ساقی افانه دزدو غصه باقی ندر لولی او زده یکی  
شاه بر بزماکاه خلوتده تجرع اقراج راج ریگانی و تشریب بادهای ارغوانی برله زوقیاب  
اولوب افکار دوشینه بی فراموش ایلدیله **شهر مطرب** دوره جو زمان دکلدرد ثبوت ایتید لم  
دم شبابی هنگامه زوق و شوقی کرم ایت ویر مجله زیب و آب و تابی آب اینه شرابی

منع ایت هم بر برینه چک اینه ربانی ندر منطوقجه خواننده کا خوش نفع و سازنده کان  
شایه نفس آتین و سرود نازنین اینه مجله زیب افرازا اولدیله **شهر مطرب** نفسکله ه  
عقلینزیتی بوکون بلکم بینه او نغمه لر نندی بوکون انصاف که اصفهانه بر نقش  
او قودک آوازه سی اصفهانه دک کندی بوکون ندر اول و جهره غدای روح اولامو قتی  
برله تلذذ اولنور ایکن صفه طعام دخی فرش اولنوب کونا کون شیرین و سکرین الهوان  
کثیره اغذیه شریه تناول اولنوب کیجه اولدقه پیمان عهر و پیمان اودتیه کلوب نادر ه  
بیوردیله که آینه قلبی مجلا و بر صفا و دشمنی عزی اطفال ایلوب رومیانی بلادیمزدن اخرج  
و شهر لر نندی بر ندر نزع و تخلیص آذربایجان دن و عراق عرب دن کلیا از عاچ ایلدکه نصک ه  
بر خواهلردن کمال امنیت حصولده بیزر مملکت اصلیه مزاولان خراشا عطف عنا و کیر  
دخی بروقو خاطر اخواه ایره زمینده شاه چها اولوب رضه کر ملک و دولتی بالجه دخیل دوت  
صفویه ایدر لم نادر بهادر هر نه دکلو که دولت و سلطنته شایه کفکار اینه دزبار اولدیله  
و خیر خواهلر اینه طهماسب شاه پند و نصیحت قیلدیله مفید اولوب عثمانلوی اینه نقص  
عهد محاررو بوصلی دن دو نمک عیدیم الاحتمال دیوب سی حاصل جو ابلرایه آواره کفت و  
کویه درکار اولدیله نادر طبع شاهده و حشت و نفری داسخ کوروب سوز تا تاثیر اتمیه حکمی  
یلوب سویلکدن فارغ اولدیله ایرته سی جمه امر او اعیان و سپاهی و زوسی کار آگاهی  
بریره جمع ایدوب مجلس مشاوره آراسته اولوب بیوردیله که شاه کزن قلب عقلی و عزم  
تصر فی جمله نک معلومیدر اگر مدافعه دشمنده دفع و تأخیر اولنه مفاسد عظیمه متصور  
اولوب ممالک ایرانک کیمنی دو میانه و کنی اغوانله و کنی مسکو کف کسه ویر مکه جمله ه  
زمین ایرادست تغلب اعدا اینه بر هر زده و پایمال اولاجنی کون کبی عیاندرو اگر مدافعه و محاربه  
اقدام و اهتمام اولنه شاه دوست و دشمن و نیک و بدی فرق ایتیموب خیر خواهد دوت و سلطنته  
مخالف و مخالفه موافقت ایدر اطمینان قلب اولماز که بر کاره مباشر اولوب مقصوده دست رس  
بولالم اصلا شبهه کرا اولسونه اگر بر زمانه شاهلقده قالودسه خسران غیر نشنه نتیجه  
ویر مزودامت مقرر در بر کون مقدم واجب اولان تدارک اهتمام لازمدر جمله اعیان و اکابر بود  
کلامی اشته کلرنده چاغر شیریلکه بود و لتک کر رشته نظامی کشاکش دشمنان قوی الاقتدار اینه  
الک کتمش ایدی زور بازوی نادر نامدار اینه اله کلوب بوچن سلطنته آب و رونو و نشو



نمای سیزدن بولشد شاهزک اقبالی اذبارہ توجہ ایتکله رأی و تبریدن بری و عقل و ادرار  
عادقای طشده حق سلطنت سنگدندار بولکلای قبولن تحاشی و اجتناب ایروب ناچار اذ  
مرزا عباس نام سکر آیلوی یا خود اوچ آیلوی یا خود قرق کونلک برکودک شیرخواره لی  
باباسی مرکزینہ اؤرنک شاهلی یه اجلاس ایلدیله تبشیر جلوس ایچو اطراف عالمه فرمانلر  
چاپار لایه برکنه ایتدیله عمو مار باب دیو بیعت ایروب کنه و سی شاه و کیلی بی دیو مسند شاهلی یه  
جلوس و شاه طرماکسی مقید و محبوس خراشا ازاله قرار ویردیله که موسی الرضارضی الله تعالی  
عنه حضرتینک مرقد پاکنه جبهه سای زمین نیاز و بنکی پادشاه بنده نواز ایله باقی ایام عمرتی  
عبادته صرف ایله لرمه ربیع الاولک اون دردیخی کونی شاه طرماکس و اهل حرم و خدای تخت  
روانله تحیل اولنوب تراکات شایه ایله یزدیولندن خراشا روانه ایلدیله ماه مزبورک اون  
یرنجی کونی شاه و کیلی نادر بر بزم خسروانی ترتیب ایروب بش بنک قاضعت و انواب ذی قیمت  
جده امر او عظماء و رؤسا و کرده لره عنایت و الباس ایلدیله سابقا برای مصلحت شاملو علیدر  
خانی هندستانه فرستاده قیلشدر ایری بودغه اول مصلحتی تأیید و خبره جلوسکی تبلیغ ایچو  
فارس بکلرکی اولاقوللرا غاسکی محمد علیخان دخی روانه ایلدیله و تفنگچی اغاسکی زال خان  
اوغلی احمد خانی مسکو جاری جانبنه خبر جلوسکی اعلام ایچو ازال ایلدیله شاه جدید شاه  
عباس ملعبه ناسی دخی جبهه متعلقات حرم سلطنت ایله قریننه فرستاده ایلدیله بو ائشاده  
خبر طغیان جماعت بختیاری و حاکمیری اولان احمد خانک قتل پیغامی معروض عتبه علیه  
اولمغه اول حدوده کیریک دکاب ایلدیله بو مقالک توضیحی اولدرکه نادر بهادر اصفهان  
وارد اولدره نصلک بختیاری قاسم خان اوغلی احمد خانکه هرات سفر نه نادرک خدمت  
عبودیتنه مساعی مبروره سی ظاهر و آشکارا اولمغه مرقومی حکومت بختیاریله کرافراز  
ایروب اول جانبنه فرستاده ایلدیله موسی ایله احمد خان خلیل آباد نام محله وارد اولدره  
حسب الاقتضا بختیاری برنفرکسی دوکوب و مزبور مضروب دکنک الله مقتول اولوب  
و قتلک متعلقاتی دخی احمد خان اوزرینه هجوم ایروب تیغ و تبر ایله دیره دیره ایلدیله انان خان  
ریکه کوچ ایروب کسیرته جانبنه فراد ایلدیله نادر بو خبری اشتهکه به به نام محله ساکن هویزه  
سردار لرینه فرمان ازال ایلدی که اوزرلر نه موجود لشکر ایله شوشتر جانبنه عازم اولوب  
ولودستان کرداری چاپوشلو بابا خان دخی لودستان طرفدن عزیمت ایروب اول فرار ایلدیله

معبری

معبری اولان روذخانه سمنه وارد اولوب یول لرین سده و بند ایله لر ربیع الآخرک یکر می ه  
طقوزنجی کونی اول طائفه باغیه نک جزالرینی ترتیب ایچون جنود نامح و دایله سوار  
اولوب روانه اولدیله نادرک حرکت نصلک التی کونی علی الروام طوب و مهامت و عساکرت  
کروهاکروه متعاقبا روانه اولوب اما مزاده سهرل علی نک تر به سی قرینه توقفا ایروب  
امر جدید منتظر اولدیله اصفهانن نهضت ایلدیله کون محمد خان بلو جک جرایم سابقه لرین  
عفو ایلوب کوهکیلو یه نیابتیه کرافراز ایروب امر ایلدیله که فارس نیابتی قرقلو امیر  
خانیک ایله اتفاق ایروب بنادر نام محله بغی و طغیان اوزره اولان شیخ احمد مدنی و اعراب هول  
وسر اشرارک جزالریک ترتیب ایلیه لر پس نادر سرچشمه یولیه صعب الولوج متنع ه  
العروج بختیاری طاغلینه متوجه اولدیله مزبور طاغلری و چنگلستانک سخت و صعوبتی  
بر مرتبه ده ایریکه اگر اقلام و السنه بنی آدم علی الروام تحریر و تقریره و توصیف و تعیین مکتب  
اوله لر سنکلاغ حیرانه عاجز و ناتوان اولوب بر شمه سنی بیان ایله مزرایری چو کوه  
نامح و اول حدوده وارد اولدیله مزبور طائفه باغیه رخت عزیمتی قله قاف هریمته چکوب  
محصور اولوب یکر می برکون آب و دانه دن دوژ و آسایش و استراحتن ایچو درقالدیله چو  
باشلرینه طاش و یود کلرینه آتش و شوب جانه کلدیله مزبور سنکلاغه نیواد نام قلعه نک  
زروه سندن استیمان ایله اینوب مقتول احمد خانک قاتلرینی کشاکش حضوره کتوروب  
جرای عملرین بولدره نصلک اول جماعتن اوچ بنک خانه انتخاب و کوچ ایروب خراشا  
ارال و مناب محله ده اسکا ایله امر ایلدیله بختیاری حکومتنی قاسم خان اوغلی ابو الفتح خان  
عنایت ایلوب بایراقلر کشاده اولوب لودستان فیلی میانه سندن میلان یولیه کرمان  
شاهانه وارد اولدیله جمازی الآخرک طقوزنجی کونی طوبخانه و مهامت دخی اما مزاده زاویه  
سندن قالقوب طی مراحل ایردیله کرمانشاه صحر اسنه قونیلر زنه طائفه سندن بشن التی  
یوزخانه که اغوانلرک ایتلاسی ایامندن بو حینه دکن سرانده و سیلا خود جانبلر نه  
کرکش لاک و شوره مشغول و اطراف و اکنافن زربا و غارته مالوف ایریلر چاپوشلو  
بابا خانه برد جرده ساکن کرده لره امر لور وارد اولدی که طائفه مزبوره نک اوزر لرینه ه  
و ادوب جزالریک ترتیب ایره لرمه حامور لر دخی حسب الفرمان ایلغار ایله اول طائفه نک اوزر لرینه  
و ادوب عظماء و رؤسا لر زنه نجه نفر مقتول و بقیه السیوفی خانه لر یله کوچ ایروب خراشا

۱۱۴



روانه ایلیدر لهران و لورستان اولکه لرزه موجود افواج قاهره دخی کوه کوه کلوب آورد  
ملک و اولیدر عقد مجلس مشورت در حضور لهایو سلطان محمود خان در قهر ظهراستقلینی  
وکیل شاه بی آگاه شاه و کیلی نامنه اول طرهماستقلینی نادر متمرده و عیند و بیلد و غادر بفر  
حوالیسنه کوه انبوه قرباش ایله مستولی و علی الفقه در نه بی با صوباسه قصد  
اوزده اولیدر بی سپهر سالار دلیر احمد پاشا عرضله اسلامبوله صدر اعظم اول حکیم باشی زاده  
علی پاشانک مسموعی اولده اول اطرافک جنایا و ارارینه اطلاع عالمگیرینه بناد  
سرای عالیدره عقد اوضان مجلس مشاوره یه حضور لری مقنن اولان شیخ الاسلام  
و وزرای عظام و علمای اعلام و سائر رجال دولت ثریا نظام مواجره لرزه سر عکر  
مشاد الیهک عرض و قائم سی قرائت و مفروضی جمله یه اعلام اولنوب مجددا ترتیب  
عسکر و اسل کینج و اخرو طرف طرف تشر احکام و اول امر قلمی اوزده قرارداد اولان تاپیر حسنه  
بایه سریر سلطان محمود خان حضرتلینه عرض و انرا قلمنوب اتفاق آدرالی شایه استی  
پادشاه عالیشان اولیجی مقدمات سر عکر مشاد الیه معتبره مأمور قلنان مکمل و مرتب قبوسی  
خلقی ایله دیاربکر و ایسی وزیر قره مصطفی پاشا و مرعش و ایسی وزیر مصطفی پاشا و قرمان  
و ایسی وزیر ابراهیم پاشا و حلب و ایسی وزیر محمد پاشانک قبوسی خلقدن یراد سلج بشیوز  
نفر و میر میران موصل حسین پاشا و شهر زور و متصرفی میر میران علی پاشا و لوای اقسرای  
متصرفی ابراهیم بک و بابان سنجی متصرفی خالد پاشا و کوی سنجی متصرفی محمود پاشا و عمادیه  
حاکمی برام پاشا و دیاربکر ایالتنک الویه و حکومت متصرفی عثمان و قبایل سواد سیله  
و ایالت مزکوره نک عموزغا و ارباب تیماری و در تیوز اوون یکی نفر غلنا و ایالت رقه نک  
و حلبک و قرمانک و مرعشک و موصلک عموزغا و ارباب تیمار و زغا و جنک آزمازی و بنک  
نفر سپاه و سلج ار تر قیلو لری و یکجری کردنک یلری و عتیو و جدیر اوون بر بنک بشیوز سک  
بر اوردته نقراتی و اناطولیدر مجددا تحریر اولنان دورت بنک نفر جبهه جیه و در تیوز نفر عربیه  
و سیواس و دیاربکر اطرافدن اوون بنک نفر بیاده لوندات و اوج طوبجی اوردته سی و اوج بیراق  
طوبجی کردنک یلری ایله سر عکر پاشانک قائم لری منظوقجه مقدماتی و معرفتیه تحریر اوضان  
من حیث المجموع بیاده و سواری قرق سکر بنک طوقوز یوز اللی درت نفر عزات اسلام حضرت اعلام  
ایله ایکنی دفعه ده اوج ایل سنجی متصرفی وزیر کوچک مصطفی پاشانک قبوسی خلقیه کتخی ای

واما سیه متصرفی مرزا پاشانک قبوسی خلقی و لونداتی و آقشهر سنجی متصرفی طوقوز  
حسن پاشا زاده عمر پاشانک قبوسی خلقی و قره سی سنجی متصرفی عثمان پاشانک و چورم متصرفی  
مالو زاده عثمان پاشانک و ملاطیه سنجی متصرفی رشید زاده محمد پاشانک قبوسی خلقی و لوندات لری  
و دیاربکر و سیواس طرفدن مجددا تحریر اوضان بنک بشیوز کزیده لوندات سواری و اوج بنک  
نفر پاک و مسلح و جنک آرد مصر عکری و ایکی بنک اولاد فاتحان دلاورد لری و اسلامبولن ایکی  
عدد قالیون ایله اسکندرون اسکله سینه نقل و اخراج و سائر محافظین کبی دارال و راه ادخال  
و اخراج اولنان بشیوز عددی کجری او رطه لری و قیصریه و نیکه و قونیه و یکشهری و ده  
و قرشهری و اقسرای و مرعش و عینتاب و ملاطیه و حلب و آدنه و رمله و رقه  
و بیرجک و جزیر و داو زغنی و ابریل و چشکرک و کرکوک سنجی قدریه سائر عسکر ظفر  
مدارک جمله کی طوقوز بنک التیوز نفر اولو اوزده تجرینه ترتیب قلند قد نضک دفعه نالته ده  
طاغستان جانبندن مانند سیل جراد بهار آقین ایدر کبی ایکی سلطان نامدار شجاعت کردار ایله اوون  
ایکی بنک تا تار صبار فتار آتش نثار و اناطولی متقش اولان وزیر احمد پاشا و لوای علاییه  
متصرفی شهاب پاشا زاده ابراهیم پاشا و عصمت متصرفی وزیر سلیمان پاشا و انقره و کانقری و یکشهری  
و دیویرکی متصرفی قبولی خلقی ایله و اناطولی ایالتنک عموزغا و ارباب تیماری و یون  
لردن ماعده ایجه و شمار بیاده و سواری ایله لهربری محکمنن بلا توقف و لا تاخیر دارا السلام  
بفاده نقل و تیسیر قلمنوب پادشاه اسلام حضرت لری خزینه لهایو نون سر عکر پاشا امور مرتبه  
صرف ایتمک اوزده اول اوضان بنک یوز اللی کیه رومی ذر محبوب خالص العیاردن ماعده  
سکر یوز التمش التی کیه اچه دخی لونداتک بخشش و علوفه لری کچون و طوقوز یوز  
کیه رومی ماردین جانبندن تحریر اولنان لونداتک مصادر ف لازمه کچون و او حیو زیتش  
اوج کچون کیه بناد و کرکوک قلعه کی محافظه کچون مأمور اول لونداتک علوفه بخشینه  
مکوباً ویدی یوز قرق ایکی کچون کسه رومی فاتحان طائفه سندن تحریر اوضان لوندات و اشکنجیا  
و خدمت محافظه ده قیام ایچون عنایت و احکام ایلیدر و دیاربکر و ماردین و موصل اطرافدن  
اشتر اولنان ذخائر ایچون درت بنک سکر یوز او تو ز اوج کیه و طوقوز غروش عن نقد  
خزینة عامه دن اخراج و بی اندر بی اول و اموال مقاطعاتن بطریق الحواله و بیرون نقد فراوان  
عقول بشری حیرت ایدر و باندن ماعده ممالک ایراندن مقدما فتح و تسخیر اوضان کچون و تقیلس



و روان جانبدار حرم و احتیاطه رعایت بر له اندرک دخی امر محافظه ده تو فیرت ارکاتنه صرف  
نقرینه هکت اولنمو بانبه صادر اولان امرهایون اوزره یکی نوبت اولان محافظی سرعک  
ابراهیم پاشا معیتلر نه مکتل و مرتب قبولی خلقی ایله دفتر دار علی پاشا و سیواس و ایسی و زرخس  
پاشا اربه جانیده اقامت و سرعک پاشانک رای اوزره حرکت و قارص بکلر کیسی تو ز محمد پاشا  
و بایزید سنجی متصرفی محو پاشا حوزه حکومتی حفظ و ضبطه مأمورالشکر سنجی غی بکی  
بابا خان و ملا زکریا بکی ابراهیم بک و مار دین بکی حامد بک و شلوه سنجی متصرفی احمد پاشا و خنس  
سنجی غی بکی سلیمان بک و ایالت ارض و ملک سائر الویه متصرفی و قارص ایالتک بیک او حیو  
یکرمی قید اعتباری اولان زعی و ارباب تیماری و ایالت ارض و ملک عموار بک تیمار و زعی کسی و پناه  
ترقیلوسی و طوبی نفراتی و خداوند کار سنجی متصرفی صولاق محمد پاشا و ارض و م و طود طوم  
و آذربایجان و قرق حصار شرقی سنجی قلیله قارص و ارض و م و طربزون ایالتنه و واقع قضا  
متکس مقیم و مسافر صحیح الاسامی و چالو جنگ و حربه قادر یکجری و قول او غولاری سرداری  
بیراقلیه قلعه محافظه سنده بولنلر کچو او امر علیه اول و ایالت تفلیک و قرا سنجی غنک  
و طربزون ایالتک زعی و اصی ب تیماری ایله جلد ایالتنه و واقع قضا دره یکجری و قول او غولاری  
کجه محافظی وزیر مکرتم علی پاشانک معیتنه تعین و طربزون و ایسی شاهین محمد پاشا و برک شاد  
سنجی غی متصرفی قوچ علی پاشا اول حوالی علی الدوام محافظه مأمور و حکاری و بریس  
و خوشاب حاکم و الویه متصرفی حوزه حکومتین محافظه و آدنه ایالتک زعی و ارباب  
تیماری پیاده و سواری و ان محافظی تیمور محمد پاشانک معیتنه تعین قلوب ارض و م و ایسی  
وزیر اعظم سابو عثمان پاشا حوزه حکومتی محافظه سنده ثابت قدم و وانه نقل اولنه جو طوب  
و عا کر مأموره بی بران مقدم کلدرینه ایصاله سادعت و سرعک روان وزیر ابراهیم پاشا ایله  
متفقانه حرکت و اغوردین و دولتته هربری بذل قدرت ایلدری بانبه صد و درین او امر علیه  
علی جناح الاستعجال طرفیننه اول و ایصال قلندی دولت و کجه و تفلیس و وان قلعه لرینه مبیعه  
و احضار اوضاع زخایر و مواجب و عا کر نصرت مائزک بخشش و علوفه لر و سائر مصادر  
و لوازم ایچون درت بک یسیوز کیسه روی خزینه عامه دن اخراج و مبارک لایله ذکر اولان  
قلاع منصوره یه نقل و ادراج اولندی و داغستان حاکی اولان سرخای خان که اباعن جدا  
صالت ایله ایالت مرقومه نک حاکی درش و ان ایالتی بالجه مداخل و مواردی ایله بوجه  
یورتلو

یورتلو و او جا قلوب کنه و یه تابدان خانلو رتبه عالیله سیله لطف و عنایت و سورد فاضل سرو  
قبله خلعت مودت البرهجت و عواطف سینه ملوکانه دن یوز اللی کیسه اولون اوزره  
او تو زبک عدد زکریا بک اکت هایون بیوردیلوب سرعک مشار الیه بک رای اصابت اولاری  
موجبینه وضع و حرکت و مطاوعت ایتیمچون امر جها مطاع فرستاده و اسراع قلندی درین  
**توجه موکب نادر و کیل شاه بجانب بغداد و کرکوک و صادرین آن زمان مجتهد ه**  
**بنیاد چونکه طرهما سبقلینی بر پیمان دار الملک هرت و فراه و خراشا مستولی و اهالی لرینی طرد**  
ایله اخراج و بیرلینه عراق و آذربایجان غشایری اسکان و ادراج ایدوب و شاه طرهما سببی مذهب  
دولت عثمانیه ایله عقد مصالحه و مسالمة و طرفین تمک و تصدیق نامه ویرلینکنی بیشتر  
ایچون رقم ایله صفی قوی بکی اول و کیفیت مصالحه یی لناد فی تقریر ایلد کلر نه شاهنه  
علت سبب و لغس و دشنام و رقمی مذکور کی بسته ذخیر قهر و عتاب و کنه و کسی تختگاه  
اصفهان ایلفار ایله عنایت و اوج کوندنضک اجرای ملغنته نصب نفس و شاه  
طرهما سببی کیر شاهین خلغ و حیس و عباس مرزانا م کورک شیر خواره یی بابا سبی  
مرکزینه اجلاس ایله دولت صفویه یی ملعیه صبیانه و ندر و سب آییندری اوزره عموما  
بیعت ایتدرد که نصک خود بخود شاه و کیلی ییم دیومسند شاه یی به جلوس و شاه طرهما سبی  
مقیه و مجوس خراشا کوندوب قوربچی باشی محمد رضا خان و سائر خیر خواهان شاه  
اولان امر و ارکان و متعینانک احوال و ارزاقنی ضبط و کنه لرین بالجه حیس و در زندان  
ایتمکله ایندای ظرهور نبر و جایگیر ضمیمه نبشت سیری اولان خیال محال تسلطن و استقلاله  
دسترس بر له تلویح سند سلطنه و برد و لته مثلثی نامسبوق بو مقوله حرکت مفرو  
ارنه یه مبادرت و جادتی گویا غیرت جاهلیه شیعت مقتضای سنجی دولت ابرمدت  
عثمانیه دن اخذ انتقام داعیه سن پیش نهاد و ربیع الآخر ک یکریمی برنجی کونی اصفهان  
دارالسلام بغداد قصیده کلپایک نام محلده حضرت خیام نخوست او تاد ایدوب غشایر  
کردستان دن بختیاری طائفه سنگ کوشمال و تادیبدرینه عزیمت و تبیم مصالحه نصک کرمانشاه  
توجه و نیت شتر و دیپول غشایر دن ترتیب جنود هزیمت انجام و قم و قزوین و کاشان  
اطرافدن ذخیر جمعنه تفریق ارقام و عا کر مخوس و مخصوصدن ما عدا عراق و اصفهان  
کتوردی بکی گروه دفعنه و طوب و جبه خانه سیله بغداد اوزرینه هجوم و ایتام ایتک اوزره

۱۱۴



ماه مجازی الاخره نك اوان التبخی فیس کونی کرمانشا هانده قرار وزعم باطل و فکر عاطلیخه  
تیزلان ایراش و هشت و اضرار داعیه سیده رأس حدود اولان درنه جانینه شیخون مراد  
ایتمکله سرعک بغداد وزیر مکرتم احمد پاشا طرفدن درنه و مندرجین و برده و جسمه و سارمره  
معبوره درنه بکی معرفتله تفنگ انداز قرا و آله تعیین ایله مرابیم حزم و احتیاط کما یبغی مرعی  
قلوب ماه مزبور کج یکر می ایکنی کونی نادر بی دولت اظهار طنطنه شوکت ایله کرمانشاها  
حرکت و ماهی دشت نام صحرا ده علم افراز شقاوت ایله اقامت ایلیله چونکه سرعک بغداد  
احمد پاشا جانیندن باج الان احمد پاشا نام وزیر زهاب نام قلعه نك حکومت و محافظه یچو اول  
و تعیین اولن شیرای مزبور قلعه کرمانشا هانده التي منزل مسافه ده واقع اولوب سار  
میر میران و عاکر عثمانیان دخی قلعه مرقومه محافظه سنده موجود ایلیله نادر بو خبری اشته  
طوبخانه و قورخانه و جمله مهماتی و آوردوی ماهی دشته براغوب و متعاقبا علی جناح  
الاستیعال وارد اولک دیو امر ایلیوب کنه و سی عجمه برکوه زرخان لجه جنگ ایله حرکت  
و شیخونه عزیمت برله ایلیله نادر کرمانشا منزل و اصل اوله قلعه خیر آلیله برکه رومیته  
عسکری طاق کرانام معبر و مری و سارگره نگاه لشکر اولان یوللری محکم و بند ایلیوب قرا و آله  
دخی طلب اخبار ایچو اطرافه تک و پو و جست و جو ایلیله نادر زمین و یساردن مرور ممکن  
اولی یعنی یقین ایتمکله ندره جانب جنوبه کا و قران دینکله مشهور بر یوکک کوه هاره  
نظر ایوب انواع حیل کونا کون و ساس شیطنت درون ایله اول طرفدن عزیمت عطف  
عنان ایلیله راهل و توقف بله کلوب فریاد ایلیله برکه طایر و هم بو مکاندن عبور هواسیله  
پر و بال آمو محال و عنقاری عزم بو کوه فلک شکوهک قله قافته صعوده آهنگ  
ایلمک عیدم الاحتمال نادر بو سوزلری قبول ایتمیوب باز بلند پرواز کی قول و قناد آچوب  
اقبال نابرجاسنه مفرو را اولوب عسکر کنه اوکنه دو شوب اینش و یقوش دشوار و کلز  
دیموب اول کوه پرستوه کریوه لر نه گاه پیاده و گاه سواره بخیلر کوزی کبی تنک تو س قصو  
رفتاردن عاجز و لنک اولان صعب المسالك و عین المهاکک یوللردن نجه بنک بلایله مرور  
ایوب هنگام غروب پای کوه نزول ایلیله عسکری دسته دسته ترتیب ایوب مرهاله بیسای  
مقصود اولوب ظلمت شبده کرشته جاده دخی اللردن چقوب نادر کنه و سی جست و جوی راهه  
مشغول اولوب بش التیوز قدر نادر اولر ایله که اطراف دکلای و الاسنه جمع و اول شب تارده

پروانه و ارا و غورنده جان سپاریدیلر پیشرو اولوب بقیه لشکر دخی یوزغون طوزغون ۱۱۵  
مفلوب خواب پیرو اولوب طلوع صبحه مقدارن قلعه حوالیسنه تشدید ادا ی فریضه  
فردنصک عکرن قلت و کثرتنه باقیوب علی کبیل الاستدراج کنه و سنه ادراج اوضان قهر و  
غلبه یه انکاء زهاب قلعه سی او زیننه علی الغفله هجوم و شیخون ایتمکله رومیانی صهریل  
اسبان دلاوران بیاد ایلیوب اجلی کنه و لرینه قرین و اولومی بالای کربالین کور و سراسیمه  
و حیران اولوب کناده کیر سلامت اولمچون آهنگ کیز و برکوه اصحاب سعادت فایز دوجه شریها  
اولمغه عرضه تیغ تیز اولیلر درنه بکی احمد بککه باجلان دیمکله معروف عرب ایله کردن  
متی نس بر طائفه دن اولوب مزبوری و سار معروف و معتبر کسنه لری حیثا گرفتار ایلیوب  
اخترمه و بسیار کسب اعجمی خسران آنجامه نصیب اولوب مال فراوان بی حد و پایانی آورده  
دست ملعنات ایلیله اگر چه ماهی دشته ایله زهابک مسافه مابین راه راست متعارفون  
یکری درت فرسخ مسافه ایلی اقاطغدن اعوجاج و انحراف و ارتفاع و انحطاط ایله  
اتو زبش فرسخ فضا اولوب مع هذا نادر صعوبت راه و صولت برده و کثرت بر فون یوزد و ندر  
میوب بر کون بر کبی ده اول کوه پر شکوهی طی ایوب بار و بنگاه دخی بش کون نصک کلوب  
موکب نادره و اصل اولیلر زهاب قلعه اطرافه مستحکم طایبه لرترتیب ایوب باکشته جمع ایوب  
قرلباشی ایکی بولوب بر فرقه سن قلعه یی محاصره یه مأمور ایوب و برکوه هنی جمع غله و ذریه  
ایچو و بریز حوالیسنه واقع قری و اهالیسی تاخت و تاراج ایچو تعیین ایلیله امر ایلیله برکه  
تیز زبایی کوه احمد لولطف علی بک آذربایجان عاکر یله حرکت ایوب اولان و هر کون دخی اولوب  
قراچولان یولیده روانه اولوب آوردویه و اصل اولر رجب المرجبک غره سنده جمع کون زهاب  
حرکت ایلیله قلعه محاصره سی او زیننه کفایت مقداری عسکر قیوب کیزه و چاپک سوار عسکری  
انتخاب ایوب بغداد قلعه سنک متانت و استحکامی محقق و معلوم اولوب جو انبانی زب  
و غارت ایلمک سوار ایله زهابدن سرعت و جانب بغداده دو بره اولیلر ایچو شاقعه دار لغه  
مبادرت و تخصص ایچو کلین سیلوب منزل بمنزل قلعه علی بک یولدن کرکه ک جانینه عازم ه  
اولیلر که شاید احمد پاشا ترش و چقوب جنگ میدان ایله لر مفید اولما یحقی عسکر هزیمت اثر یله بلکه  
او زدن دیاله نهرین عبور ایوب حسین عبورده چوق آت و آدم غرق اولیلر بقیه عسکری  
نادر صوبه او غر مقدر منع ایوب و بنیم فرسخ یو قاروده خطر دن خالی بر معیر بولوب آفت و محافظت



سالما کجوب زنگ آباد حوالی سنه مرور ایتمشکن ده راستن دارالسلام بغداده هجومه عدم ه  
تجاسرین ناشی کنده کسی در نه ده مقیم و باشنه جمع و احتشاد این عسکری ینه یکی بولوب بر فرقه  
کرکوک و برکوهنی کرکوک ایله ضرب صوی بیسنده جاده سلوک اولادیل قلعہ کی اوزرینه  
تسلیط و اول و جہدہ عسکر اسلام نصرت انجائی تعویق و تغلیط ایله بعد الاخذ قلعہ جوانان  
اوزرن کرکوک طرفینہ دخی ایصال خسارت و ایرشاد هفت قصیدہ غزمت و طوزخرماتی نام محله  
سایہ انداز خوش اولدوقہ بار و بنکاهن محل مزبورده براغوب قزلباشیہ برہادرلرنن طقوزنگ  
منتخب و کر وہ کر وہ مرتب ایروب لکروہنی برستی تاخت و تاراجہ تعیین ایروب سکنہ کسی یری بنک  
مقداری سواری ایله وجب الفردن طقوزنجی سبت کونی اقصی الغایہ حیل و مقتادی اوزرہ  
علی الغفلہ کرکوک اوستنه هجوم و اقتحام و خارج قلعہ لی نہب و غارت شروع ایرنجہ درون  
قلعہ ده اولاد عسکر اسلام زور بازوی دلیرانہ ایله اوچ عتقا مقداری مکافحہ یہ مبادت و شیردلان  
غزاتک محله دلیرانہ لینه تاب آور مقاصت اوله میوب بر مقدار زنہ و کلہ و دو کلندی ایله کیرو  
طوزخرماتی نام محله منہرنا عودت ایلیوب اطراف و جوانبہ برکنده اولاد کر وہ دروافض  
دخی رعایا و بریادن چہ لرس طعمہ ششیر و چہ لرنی حیثا اسیر و مال کثیر نہب و غارت ایروب  
اوزد و یہ ملکی اولیدر کرکوک کز فرسخ محله ساکن و متوطن بیت طائفہ سندن یکی بنک  
خانہ لی کوچ ایروب نیشا بوده فرستاده ایلیدر و ہی اول مکانن دروافض لشکر نیری بنک  
نفرکنہ لی کرکوک قلعہ کی محاصره یہ مأمور ایروب سکنہ کسی قرہ تپہ یولیلہ بغداد جانبہ عازم  
اولیدر قرہ تپہ تیریز نایبی لطف علی بک التی بنک نفر آذربایجان عسکر یہ و یکی بنک نفر اولادزلانہ  
اوزد و یو وارد اولیدر یول غایت تنک اولمفلہ اول لطف علی بک کنہ و جمعیله آدنه کو پرستی نام طاش  
کو پرین عبود و شہردان محازاتندہ جلوہ گاہ خیول سپاہ مو فور ایروب ماہ مرقومک یکر می کنی  
جمعه کونی دارالسلام بغداده اون سکر عتقا بعدی اولان مزبور کو پرین کجوب قراولدر یکی فرسخ فاصه  
محله اول طرفک محافظه سنه مأمور اولاد جنود دو میانی کو روب نادرہ خبردک اولدقرنہ ه  
فی الفور یکی بنک چرخہ بی کو ندر و سکنہ کسی دخی جنود بی پایانہ اکہ دن شتاب اولوب مقابله  
طورد قرنہ معلوم اولدی کہ دیار بکر الای بکی عی الفتح نام کر کرده اون یکی بنک نفر لشکر یہ او  
جانبندن اول نوا حی محافظہ مأمور اولندرد محاربه یہ آغاز ایتد کلرنہ و هله اولیدہ بر قاج نفر  
بلوک باشی والی بکری نوش جام شہادت ایله جسرفان کدار و عبه الفتح الای بکی حیاتقار

اولوب ملاعین دروافض آج قوریلری عسکر اهل اسلامن برکروہنی سواری کی اوکینہ قاتوب  
سوروب نادر اوزد و سنہ کتور دیدر چہ سنی نادر طوبخانه عربہ لرس چککہ مأمور ایلیدر  
بو خبر رسیده سمع سردار غیرت شمار اولیغنی کبی شطک جانب غربیسنہ اطلاع اقام ایتمندن  
احتراز و احتیاطاً قوشلر قلعہ سندن تکیرنه و ارجہ کنار دجلہ یہ چشم و گوش بصیرت اولوق  
اوزرہ جسته جسته قراول تعیین اولندیلر و نادر ماہ مزبور ک یکر می سنجی اشین کیجہ کسی جانب  
شرقیہ واقع سمرقصبہ کی حوالیسنہ اون بنگدن زیادہ مستولی اولان عجم سواریشی  
شطی عبود و جسر بہریزی مستحفظلر تصرفدن اخذ و ضبط مطبلری اولوب لکن ظلمت شب  
وصولن مانع اولمفلہ اوزد و رباط خان منزلندہ بغداده اون اوچ فرسخ محله نیگہ ده  
مکن و توقف ایله امر ایروب سکنہ کسی بغداد جوانبنی نہب و غارت ایچو ایلغار ایلیدر قلعہ یہ  
بر فرسخ محله قراولدرہ دو چار و قتل ایلیوب و عبودہ کدار اولان دجلہ کنارندہ واقع اعرابن  
بر جمعی اسیر و مال لرس غارت ایلیدر بو اشدہ سپہ سالار نصرت انتما اوچ شاطر دن رقبہ و ایسی  
وزیر اوچ پشایدہ بیر اقری و مسلح و مرتب قبوی خلقی و دیار بکر و ایسی وزیر مصطفی پشایر اقری حلب  
کتی کسی و میری پیادہ عسکری اون قطعہ طوباشا ہی ایله مقابله لرنہ و ایروب کز کاهلرنہ  
سید اولیدر امر ای کردستانن کری سنجی متصرفی اوچ پشایر و بابا سنجی متصرفی خالپ پشایر کز جرد اتلو  
وصا و قابول سنجی متصرفی علی رضا بشیر زاتلو ایله و اول حوالیہ اولامام اعظم سکاتی  
و قراول سارک اھالیسی باسرحم حص متین بغداده و اصل و داخل اولیدر چونکہ مزبور عسکر راہ  
راستن کلوب نادر کز کز کاهنی س ایلیدر نادر ایسہ ظلمت شبہ بغداد حوالیسنی بغا و تاراج ایروب  
نیگہ جانبہ عودت ایلی کلرنہ سمت آخردن بلای ناکرہانی کبی اوزر لرنہ نازل اولوب هجومه آغاز  
ایلیدر و میان سراسرہ و حیرت اولوب بغداد جانبہ کیرت اولیدر نادر عجم دلورلرن اوچ بنک نفر  
برہادی فرادیلر اوزرینہ حوالہ ایلید کہ جنک عسکر اوکلرنہ فاصله اولوب سارک عسکر دخی تعقیب ایله  
میانہ الوب طرفہ العینہ جملہ کی عرضہ تیغ کین و بستہ فم کند دلیران خوش قرین اولوب جام شہادت  
شراسد اولندردن ما عسکر قنادر اولوب کوی سنجی متصرفی محمد پشایر دخی حیثا اخذ ایلیوب اوزد و ی  
فریمت بویلی بکچہ نام قریہ قضاسنہ نازل و احوال منہو بہ بی سین العاکر تقسیم ایلیوب و ایرتہ کی  
اول طرفن تحریک قائمہ نحوست لازمہ ایله قلعہ بغداد مقابله زاویہ کاظمین محازاتندہ بغداده  
یکی فرسخ محله واقع کیرت بہ کسی نام مکان معلومہ غن شعبا المعطرہ نزول و وصول و جنک و جدالہ



سیر و نظر ایچون آنده ضرب خیام هریمت انجام قیلوب نهر در جله ده عبور و طرفین تزیین  
قصیده طوب و مرآتینی کنار جله ده واقع باش دو لب مشرعه نقل و تدارک اسباب مروره  
مباشرت ایتیلر اول ایامده واقع عجبیباته ندرکه نکل کونکه نادر قرآ و لری با صوبه تحب باشی و بجه  
رینی اسیر بقیه یی طعه شمشیر ایلیدر افشار لوبنده علی نام بر قرلباش بر نقر عثمانی شهرید و کله کنی  
آویزه فترک ایدوب قفادن شتاب اوزره ایکن عکردن دوردو جاده دن مرهجو رقالبوب اول کیجه  
صحراره سرگردان و هر طرفه پویا اولوب علی الصباح کند و نی بغداد قلعه کناره کوردوب  
دست تیز عثمانی نیا ندر کیز محال اولی نفس بیلوب طریق حیلده یه سلوک اید کله یی بریده پنهان  
ایدوب قلعه مستحفظ لینه ندر ایلرکه الچی بر نادر شاه خدمتدن کلتم و پاشایه خبرم و اربکچیمز بودی  
اچر اولوب سر عک پاشایه بولشده پاشایه بو کونه ادا ییام ایلرکه نادر سوردیلرکه بجه  
ایامدر بو حوالده جول ایلر و زاریه میدانه کلک جنگ ایدلم مقدرنه اید ظهروه کلوب  
ویا خود قلعه یی بیزره تسلیم ایلک و پاشایه سوردی قلعه بادشا هکر بنم دکل که تسلیم ایدم  
و چقوب مقابله و محاربه یه دخی مامورد کلیم غایتی قلعه اوزرینه اقدام ایدر سه مدافعه یی سعی  
ایلر و زاکر صبر ایلر سه شو کتبه عنکار حضرت ندر نه کونه امر و فرما وارد اولور سه آکا کوره عمل  
اولنوردیوب و بر قاج نفرتیکر یلردن همراه ایدوب سلامتیه چقاروب اوردو جانبنه روانه ایلیدر  
سر عک پاشا حضرت ندر الی عدد بیاده و قلبا قوت تفنگچی بر اقلری و سائر کزیده تفنگچی و قرق عدد کردنچی  
بیر اقلری و رقه و ایسی وزیر ایدو پاشا قوشویقه یه تعیین و هر نه مکلدن متعدی مرور عبور اولور  
ایسه مدافعه لینه قیام ایتک اوزره کنار جله ده متین و مستحکم متر سکر انوب محافظه لری  
ایچو وزیر مشاور ایدیه طوب ایر شمر مکلده قپوسی خلقی و سائر تعیین اوفان سوادیه ایدیه ضرب  
خیام و طوب و فوج ایدیه مدافعه لینه اهتمام اوزره ایکن مرقوم نادر امام موسی الهالیندن  
بعض یر لوقرلباش لالینه قوفه تعبیر اولنورد بر ایکی سفینه یه دسترس و استیجاب ظلام لیلده  
یوز الی مقداری تفنگ انرا کچر و کورد جله ده عک اسلام متر سلیرنه قریب جرف دی مکلده معروف  
یاد بینه متر سکر ایدر و ب تقویت لری ایچو طوب و زنبود کلرین اوزرینه حواله بندر مکلده سید کتور  
دیگی جسر مرآتینی ترتیب و لا ابالیانه عبوره اقدام داعیه سیده اول معبر استحکام ویرد ایکن  
متر سلده اول غزیه موحدین طوب و تفنگه باقیوب بی باک و بی پروا اوزرینه غالبانه هجوم  
ایتیلر بر مقداری سوخته بارقه تیغ شعله بار و بر نفی دست غزاته دنده کرقار و بقیه السیوه

کارزار اولان اشرا جنود فرعون کبی نهر در جله ده لطمه خوار موجّه دمارا و لشکر ایکنینه کفید  
ایتمیوب و رای برده ده طوبناریا بحق کلمک با غلغی مثله نریه اسباب جنگه نزل اقدار ایدوب بعین  
مذکور زیر لوای هریمت احتوا اسنده مجتمع اولان حضرت ارض ایلده مقابل بغداده قونریغی کون الای  
منجوس دانت و مقدمه ماده کوب برسی محاربه کنده اخذ ایتدیکی دیار بکر الای بکیسی عبد الفتاح قیدار  
اطلاق و جنگ و صلحه شامل محتمل النقیضین بعض ترهات تقوه ایدر ریاضته بر آدمین ارفاق و ضمانت  
وقت محاصره تحتس کیفیت احوال ایچو اول و ایصال ایتکله سر عک مشاور ایدیه بیت بر المده  
کلاک صلح و بر المده تیغ جنگ قنفسی مطلوب ایدیه یوقدر دینغه و السلام نثر مفروض متضمن  
جواب نامه ایدیه ارجاع و تسیر و محصوریت بغدادی متعدد عرض و قو اتم ایدیه دولت علیّه عثمانیه  
انها و تحریراتیلر یه صاحب دولت بلند هتک کرای عالیذره عوماً عقد مجلس مشورت و بو امر مهم و خطیر  
بر شیر نامه در لیکر عمره کفایت مردانه سینه احواله و لنوم مقتضای وقت و حاله موافق کورد مکلده  
سابقا مر حامل لوی و حاله و الی ایالت ارض و م عثمان پاشا حضرت لری سر عک ظفر ندر و بر کون اقدم  
و بر خطوه مقدم موصل جانبنه عزیمتی قرار داده رای لوی پاشا ربع مسکو و اول خلعت و اکس ایدیه  
روش اعتباری برابر اکلیل آفتاب رخشا و فرق افتخاری هر اوج آسمان قیلنوب علم افزای و طفیان  
اولا طرهایب قیلنیک و کیل شاه بی ایما و زیر لوای استدر اربع قرین الرزوالنده بولنا شرمه ایی عاقبت خذلانک  
اینا کانونا اقره و استیصال و کسر و اضحی لاری ایچو مستعینا بالله تعالی موصل جانبنه کردار اکرم  
و سپهر سالار مکرّم نضب و تعیین سوردیلر وزیر مکرّم عثمان پاشا حضرت ندر معیتلرینه و زرای عظام و امر  
کرام و اجناس عساکر اسلام ظفر انجام مامور و علی جناح الاستیصال صوبه ماموره تسیر و اول قیلنوب  
اللی بیکی متجا و عساکر ظفر اعلام حضرت انجامک کاینیغی لوازم سفریه و علوفه و بخشش و مرآت سار لری  
جزینه لویونک و بر وجه حواله اموال مقاطعات میرته دن ترتیب و احکام و هر فرقه نکل ضابطه و مبارک  
و متعینانیه بر آن اقدم و بر عتقا مقدم سپهر سالار مشاور ایدیه حضرت ندر اوردو یی ظفر توه ایلرینه الی ایچو بر  
و بکرا سرحد منصوره موصله ایصال قیلنیک ایزین جانب نادر اسباب جنگی مرتیا و آماده قیلنغه نزل اقدار ایدوب  
جنگی و تفنگچیانن بر کوهی امام اعظم و هم اکرم ابو حنیفه النعمان علیه الرقه و الرضوان حضرت ندر مکرّم  
بالکنی عوام کالهرام لایبالیانک بی ادبانه حرکت و هتک حرکتن صیانت و مر است ایچو تعیین ایلیدر  
چونکه اهل قلعه مقدما نادرک بغداد اوزرینه توجیهلرینه و قوف تحویل ایتکله جمله اطراف و نوا حیدر  
محصه لاتی روزخاری درج قلعی نقل ایلر ایدری و اطراف و کنا فده ماکولات قسمدن بر شنی قالمش ایدری



نادر ام ایلیله که او زودده نهر نه قدر آت و قاطر و دوه و سار دواب و ادايه کتور و ب طوز خرماتی  
وزهاب و منلیچن زاد و زخیم تحیل ایوب او زود و یه نقل ایله لردجه نکه قلعه جاننده دخی بر قاج  
سکر ترتیب اولغی مراد اولوب کیلر بالجه عثمانو ضبطنه اولغله بر شیشه دست دس اولوب  
بغداد تفحص بسیار دولا بلر میانه بر قاج زورق اله کتور و ب اغواندن برک و لغی اول زور قله و  
و اوتنه یقه یه کچوب سکر و متر سن ترتیب ای رکن اهل قلعه طوب و تفنگک ایله مدافعه دود و  
او تو ز قرق نغوانی مقتول و مخذول ایلیوب بقیه یه زور قله سوار اولوب جان و جسرین  
ساحل سلامتیه جقدیلر بود فعه کسکر جانندن عرفه و ایسی اید پاشا و قح مصطفی پاشا بر فوج  
عسکر دوم میمنت لزوم ایله کهنه بغداد سمتن کلوب صویکک اوتنه طرفه نادرک او زود و یه کجاز  
سکر و متر سلا حدیث ایوب طوب و زبیر کلرین بندر و ب رکن لوای قرار ایلیله نادر مراد ایلیله که  
اندر خیمه اولقسن آرد لردن طولاشوب بلای ناکه های کبی او زود لینه چو کب سر دشته ایله لینی قطع  
ایله کیجه اچنده کتور دیک مرآت جسر ایله بر بو غازدن یکی جانندن تیمور قاز قله جقوب و صوا اچندن  
ایب کروب تعینه طریقله بر جسر ترتیب ایلیوب آت و قاطر و دوه آت و جهرله اول صوا اچنده اولان  
جسر او زودن عبور ایلیه نادر بو ملاحظه ده ایکن عرفه و ایسی اید پاشا جانندن بر ایلی کلوب کی  
و جسر صنعتنه حد اقی اولیغی معلوم اولدقه نادر وجه محرز او زده بر جسر ترتیب ایلیله فرمایید و ب مزبور  
حریف دخی اگر خوف و اگر خلوص کیفیت ترتیبی تعلیم ایلیکه نادر ام یه فی الحال چاپک دست دولا کفر اغاجیلر  
کوب قالن و یوغن دود زوزراع او زونی تخته لیر چوب دوه لیر یو کله و ب بغداد یه دخی فرسخ محله  
واقع دخاله نام موضعه اول ایوب اخشا مد نصکک او زود و یه حالی او زده بر نه انقا و او یکی نیک نفر  
سواری انتخاب و هر برسی آت او زودنه بر دتخته پاره طتوب ایلیله ایله کید و ب علی الصباح بغداده اول  
فرسخ محله واقع نهران هو ایسنه و اردو ایلیله صویکک یکی جاننده محکم و کیر عمود لرو قائمه لیر  
چاقوب زخیر و ارتقوی ایلی کروب اول عمود لره بنیاد و ب تخته لری او زودینه دزوب پر کتور و ب  
و طوله لیر شش و ب تخته لیرن الله با غلیوب نادر دیر اول یکی نیک بشیو ز نفر کینه لشکر ایله فرمود جسر دن  
عبور ایلیله هنگام شام غغ رمضان المبارک هلال ماه صیام دخی بیدار اولوب نادر دودیت تنو هلال  
بلند اقبالنه بر اعیت استهلال ایلیله اقبال کربع الزوالنه مفرور اولوب عسکر کک قلد و و فرته باقیوب  
یاشنه موجود اول فوج قلیل ایله آهنگ راه ایلیله بقیه لشکر دن دخی ممکن اولیغی قدر کی کلاک ایله و کی  
جسر ایله عبور و تعاقب ایلیوب لشکر ملحق اولیلر ایرته کسی کون وقت ظهرا ده کک بنک بشیو ز نفر دیکر دخی

عبور ایلیله کله کوب پرینک کرشته طاقی او زیلوب تخته لری بو زلیله نادر علی الغفله پاشا لری با صمغ  
ملاحظه سیله اول کیجه صباحه دک ایلیله ایلیله رو میله او زود و یه سی که نادر او زود و یه مقابله ایلیله  
بلد لردن کستکی و یو لیرن شکستکی سیله جکرک طلوعی وقتنه بغداده اتی فرسخ محله واقع یکنجه  
نام قلعه قار شوسنه و اردو ایلیله نادر قرا و لری عثمانو قرا و لینه دو چار اولوب یکی نفر لیرن قتل اید  
بقیه کسی بتشوب پاشاره خیر و بر دکلر نه بار و بنکا هلیس خیمه و خرکا هلیس بالجه او زود و کاهلیرین  
بر اغوب جانب بغداده شتاب اولیلر بو صورتده ایلیله فانیه اولیغی معلوم اولدقه اول کله اول  
مکانه مکث و آرام ایلیوب اخشام وقتی اول یردن قالقوب بغداده عازم اولوب علی الصباح که  
رمضان آیی نکه ایکنجی صالی کونی ایلی سبج بر انا هو ایسنه و اصل اولیلر اگر چه اول یو لردنه اولان  
صعوبت و نشیب و فراز بغایت بسیار ایلی لکن بلند و پست روزگار نادر بر کردار کک نظر نه سهیل و هموا  
اولوب آت و جهرله اول منازل مهالکی قطع ایلیله عسکر یه ی طابور ایوب جنک طلب ایلیله  
سکر کک حفر تری کده کسی قلعه ده تخصص ایوب پیاده و سواری و شکرین او تو ز نیک نفر دن متجاوز  
طوبخانه و استعداد تام ایله قلعه دن جقوب عرفه و ایسی اید پاشا و قره مصطفی پاشا لار سپاه  
اولغله صفر ترتیب ایوب قارشو طور دیلر اول یکی سپه سالار نامدار عسکر کروی الاقدار ایله ه  
مقابله و مقاتله یه استقبال و آتش جنک و جدال اشتعال بولدقه معرکه زمین خانه زنبور کی  
چاقو و جقه رو تا استوار اولوب قادر اچور لو اکرادی اول ناهو ایردن تنو و کسان ایله قلبگاه دومه  
هجوم ایلیله کله رو میا تفنگلره آتش ایوب بشیو اده جمعیت لیرن تاد و مار ایلیله کرد دلا و لری ارسلان کبی  
آتش دن او د کوب ک و طور دیلر نادر ام یه طائفه ترکان هجوم و اقدام ایلیله لکن تفنگک آتشبار  
کوز قورقوب یورد کجه تفنگک عسکر کیر و دود ندردی مفید اولدی اند نصکک درون قلعه دن بردخی  
دریا کبی لشکر ظفر سیکر بالای کوه هاردن روان اولان سیل کبی آدی و لمعاتیغ و کسان لری اعدا جکر لیر  
یا قدی اول افواج دریا مو اچک حدت و شدتله آتشی قزلباشکک جمعیتک منظور ی اولیجی هر اس و هم  
و رعب عظیم ایله زهره لری دو نیم اولوب اول نمودار اولان جبل سید فکری دریا کسنه طالیله و صورت  
دیوار کبی کنا در عرصه سیکارده بر زمان معطل و سیکار قالیله هر بری خشیته خشک لب اولوب مقام حیرتده  
طوردی و هوقل تفنگک و سهم خدنک ایله سیر لیرنک کوبکی بوددی کم و کیفدی و سهم و کیفدی مشاهد  
سیله کوز لری قرار دی و صفر و جل نظر تی ایله یوز لری صادر دی تصور ایلیله کله خیال انتقاشی دست  
بایرنک ارتعاشنه مودی اولوب طاینت و سکون لری عنان اختیار کی اللردن قاپدی و ملاحظه کنا



در واژه سن سنیاس اینه یادی مقدمات عساکر اسلامه رو نم باز در کاندلی دیو تحقیقه یاد ایرد ایری  
بود فعه اول دلاوردک هربری اول فاجر نظر نه بر تاجر کوردنی که صامت و غنی متاع افر قاشی ایری ه  
و داس المال قزلباش باشی ایری بیت کوردیلر کم فراره یوق چاره ایلیدیلر شروع بیکاره نثر باشا باش  
آچوب میدان جنگه کیر نری و سپر کبی تیر و شمشیر کس کس نری ترتیب ایروب صفین سه آهن کبی  
دیزلردی هیزر و غایب و غایبی ایچون آماده و کوه کوب و گروه دوب تفنگ و زنبکله اژدر کبی اژدر  
آچشیدی بود فعه بردنی قزلباش پرستیز خراده شرارتله تند و تیز اولوب بیکار حمله و هجومه اقدام ایلیکله  
اول اژدر فرخ و نرنک دم تفنگ و زنبکله آتش صالحه همانم اول گروه شقاق جمعده سقاقلر ایدیلر  
و صدمت قوراعله اول مخازیک سر و مغزنی خاک هلاکه صاچیلر ضربن ضربی صقوف مرتبه این  
خرق و آتشبار تفنگ نرنک متاع حیاتلرین حرق ایروب جمعیتلرین پاشیده و جهره ایدلرین خراشیده  
ایتیلر نادر شاه شیاطین سپاه احواله آگاه اولجی بیت ندامت اودی ایچن ایتدی پردو و دیشمین  
اولدی اما ایتدی سؤد نثر و مع هذ غیرت جاهلیته یی الون قوم میوب جسته جسته عساکر نی میدان  
سور دیکه التراب نو ایر تفنگه تاب آور اولامیوب یوزلری دوزلری گروه گروه شهاب ناقب رجوع  
بخوم کله ایله جمعیتلری ریشان و وجودیو بودلری یناردی افغان دلاوردلرین اسواری قایم میوب  
مقام جنگ و قتاله خیلی ثبات قدم کوستدی چونکه روم عسکری دنج و تو انا اکثری پیاده و کثرت و  
عدتلی حدون زیاده مهران و استعدادلری آماده اولوب و عجم سپاهی جمله سواره مسافه بعیده دن  
کلشن یورغون طوزغون او یقوز و راحتسز آواره اولوب برایش دخی کوردلیوب کنه واره ملال  
و کلان حاصل اولدقه نادر فرقه فرقه لشکری طوب لاشوب و استمالت لرویروب صبر ایلیں بنم دلاورد  
اسلانلرم ایتد امغلوب اولان صلح غالب اولوب اوله کلشنر عاقبت قهر و غلبه بیز مرد دیو عسکره  
نوازشلر ایلدی لشکرک بر طرفی صو و بر طرفی عثمانلر هیچ بر جانیدن فراره مجال اولمیوب نصیحت  
دخی اولمیوب جنگه اقدام ایلیر ایری نادر بو واقعه دن خسته خاطر اولوب هیچ نه ایر جگنی یلیوب  
روی تضرعی یرله سوردوب فردا فردا ایلدو ارب اگر انزرام صورتی نمایان اولجی اولور سه جمله فری  
قلین بکوردلر شوخلیس که بر فردا ساحل سلامت جقوی متصور اولماز دیوب خدای متعاله تضرع و نیاز  
ایلیدیلر ناکاه بر قاج میل راهدن بر سپاه کیا هلفی ظاهر و نمایان اولوب مکر بقیه لشکر قزلباشیه دخی جسر ایله  
و کلک ایله صودن عبور ایلیشردمده لشکرک بر نلرینه روج تازه و کینه لرنه سرور بی اندازه حاصل  
اولوب بر جانیدن اول جدید لشکر و بر جانیدن طائفه افغان مانده نفقه صرصر و نادر دزیاد دخی اوردو ه

خلقیه جمله و ذوالوب رومیان اوزرینه اوج قولن عجم عسکری سرعت و کرمیت اوزده هجوم ایریکله  
بازار کار در جنگ و قتال رایج اولجی عسکر عثمانی نیک مقاومته اقتداری در کار و پایدار اولمیوب قزل  
باشدن روگردان و جنگدن کیران اولیلر با خصوص با عین قوت دل و درونلری اولان ینگری طائفه  
قراری فراره تبدیل و نیاتی انحرافه تحویل ایریکله سائر عسکر طائفه سی دخی قیام ایره میوب عثمانلر  
جانبنده علامت ملالت اثر انزرام رو نما اولدی ستون عسکر اولان پاشا لک یا شنده اولان لوندات و اغوی  
دخی یوزد و ندروب اقبال و اقدامی اذبارده و فراره تغییر ایتدی لر قزلباشلر اوردو سندن غارتله مشغول  
اولان عرب عسکری دخی عثمانلر نیک اختلال و انزرامک مشاهده ایریکله اسباب و اتقالی بر ایدیلر  
چونکه منزه ما قلعه جانبنه فراد ایلیدیلر عجم عسکری تعقیب ایروب سیف و سنان او شودوب  
باش نیک نفون متی و زرد و شورب شهر ازم سنه الحاق ایلیدیلر عثمانلر قلعه یه داخل اولدقه قزل  
باشن کورد و نوب عثمانلر اوردو سنه کلوب طوبخانه و مهرانی و سائر موجوداتی تماما اخذ و بلا  
حائل و مانع دلخواه لری اوزده ضبط ایلیدیلر کهنه بغداده دک و شط و جمله جسرینه دک ضبط ایلیوب  
هنگام شام نیل مرام ایله کنه و اوردو کاهنه و اربوب نصب لوی خوش استقام ایلیدیلر عجمه قهر و  
غلبه نیک منشی اغوانلر اولوب فتح و ظفره مظهر اولد قلیچون نادر طرفدن خدمت لرنه شایه نیل  
احکام ایله مشمول عنایت بی کران اولیلر قراجورلو و ترکمانیه طائفه لری که یکی دفعه بعین انزرام  
اولوب عثمانلر جنگندن اعراض ایلیش ایری جمله سنی عرضه تیغ هلاک و کرده لرنی طعن سنان  
زبان ایله زخمناک ایلیدی و سمن و حله و کربلا و جحف و حله و رمایه نام قصبه لرنی فتح و ه  
تسخیرینه گروه گروه عساکر تعین ایلیدیلر هر گروه تعین اولدنی قصبه یی آک و جمله ضبط ایلیوب  
قلعه بغدادن غیری بالجه اطراف و اکنافه اولان قری و قصباتی حوزة حکومت لرنه ادخال ایلیدیلر  
قلعه نیک اساسی دخی طوب قلعه کوب صدمت لرنه کله کلوب اهل قلعه هیچ نه ایر جگرین  
یلر ایری نادر امر ایلیدیلر که امام کاظم رضی الله تعالی عنه حضرت نیک زاویه سی حد اسنده بر جرتیب  
ایره لرتاکه لشکر آک و جمله مرور و عبور ایلیه لرس اوردو سیران تپه دن کوچ ایروب امام ابو حنیفه  
مزاری قبرنه او تا غن قوروب حله و رمایه جانبنه چوق قانقلر کتوروب بر حکم و متین جسر ترتیب  
ایلیدیلر و کهنه بغدادک جانب غربی سنه طرف سفلی ده بر حکم قلعه جک انشا ایلیوب جانب جنوبی سنه  
سمت غربی سنه دخی مستحکم قلعه لرو جمله کنارنده دخی بر حصن استوار بنا ایلیوب و هر برینک کیفیت  
حافظه سنه مقداری تفنیکلر تعین ایلیدیلر و قلعه نیک سمت شمالی سنه دجه کنارنده بر قلعه ترتیب



ایر و ب می فظه سینه بر بلوک تفنگی تعیین ایلدیر و محمد اکبر و صغیر کبیر بنایید و ب حکم آند از تفنگچیلر  
ایله مالامال ایلدیر و سطنه دخی اهل قلعه نک یولدرین سید ایلدیر بصره جانبته و غیره  
موضع دخی حرکتن قطع امید ایلدیر اول ایامده قبایل عربانن بنی لام مشیا کندن عبد العالی نام  
شیخ که کیتلو بیعت و قدرت صاحبی ایدی نادر خذمتنه کلوب تفره و التزام ایلدیر که حویزه  
و ایلیله اتفاق و اتحاد ایدوب حویزه یولیه متوجه اولوب بصره بی فتح و تسخیر ایلیه لر  
وینه اول ایامده جهرم حاکی علی بنی فادس نایبی افشارلو امیر خلیک ایله بر خصوص ایچو خصو  
و بر برینه عداوت اوزره اولدیلر و لار کلاتری مرزا باقر دخی شیخ امدنی نک مسکنی اولان قلعه  
عوض اعزاندن بر گره ایله لار حاکی ولی محمد خانی باصوب مقتول و اموال و اشیا لر فی غارت  
ایلدیر کرم کیرت نام محله شیخ امدنی نک یانته فرار ایلدی نادر فرما ایلدیر امیر خلیک حویزه  
و کرم سر کرده لری و عا کیره عزم اقدام ایلدیر و ارب اول ایکی مفدی قتل و اعدام ایلدیر  
**سر عکری عثمان پاشا بجانب بغداد و فریخت نادر شاه ضلالت بنیاد چونکه ایام شتا منقضی اولوب**  
**موسم بهار ایشدی مدت محاصره دخی سکر آیه بالغ اولدی اهل قلعه شدت محاصره دن غایت**  
**اضطراب و شوب و غلا دخی جاندرینه تأثیر ایدوب شدت جو عدن هر کور لور قزلباشلردن بر گره فرار**  
**ایدوب حصار و بر جدن بر حیلله ایله کنه و لرین آشفه ایندیروب نادر اوردو سنه کلوب نغم کوناه**  
**کوندن قسغ اولوب کوزلری و قزندی طیوس اوردو و اچنده مطلوب العنان کز لردی و اواخر محرم الحرامده**  
**دفتر دارالخبره افندی و کتبی محمد اغا اید پاشا جانبدن نادر اوردو سنه وارد اولوب ایستیمان ایدوب**  
**ماه صفر کله اواخر نه دک قلعه بی تخلیه و تسلیمه تفره ایلدیر و هر کون امانا و سفاری اید پاشا ترو**  
**و آمدشدن خالی اولر لرایدی بوندن اسبوق تقریر و بیای اولدینغی اوزره وجود لئام اعجازی دامن دارن**  
**السلام اسلامن ابعاد و اعدام ایتمک ایچو صدر اعظم سابق ارضروم و ایسی وزیر مکرم عثمان پاشا**  
**حضر تلی طرف دولت عثمانیه دن اناطولی ایالتیله بکسار تعیین و خلع فاخره مله کانه دن**  
**سمه فاضل السوره دوخته خلعت سلطانی و بر قبضه شمشیر انداز کیتی ستانی قبوجی بشتی حسین اغا**  
**نام مبارک سینه ماضیه و مضانک اونیچی کونی سردار مشارالیه و ادد اولدده استقبال موصل**  
**و کورک جانبدرینه مد جناح استیعال اولدینغی اجناد حضرت اعتیاده اشاعت و اعلان قلندره سمع و طاعت**  
**دیوب تشریفات مله کانه بی پیرایه دوش و میان ایدوب ایکی کون نضک اخراج توغ و ریاست ماه مرقوم**  
**اون طوق زنجی فیس کونی مکل و مرتب قیوسی خلقی و بیک بشیوز قدر سواری لوندت ایله بروجه**

ایلغار کوه کشمیر اوزرندن صالت و سبکبار اوان بشن کونده دیار بکرده حظ رحل قرار و آند  
تکیل مرمت سفریه یه بذل نقیینه سعی و اقدار و وارد اولاش عا کر حضرت مأثری جمع و احضار  
و موجود بولنان ایکی نک مقداری مکاری دوه و قاطرله جبه خانه و شاه طوبلر تحمیل و لوازم  
سفریه بالنفا مابلغ تکیل اولنوب عموماً اناطولی و قرمان ایالتیه میر میران دشوان زاده محمد پاشا  
باش بوغ نصب و تعیین قلندره مقدمه موصل جانبته اول و بر طرفدن توارد ایدن جیوش  
دریا خروش عقب برجه پی اندر پی تسیر و ایصال اولنوب سر عکری ظفر یاورد دخی دیار بکرده شریزی  
القلعه نک اون ایکیچی کونی علی السحر لشکر بی پایان و عکری فراوان ایله موصله روان و مراحل و  
منزله تعیین اوضان مجاهدین اوردو یه التیاق ایله آنا فنا قوت غزات دین صد چندان  
و موصله و صولت لنده کنگر و بر آتسیر اولنان مرمت جبه خانه و ذخیره و طوب و دانه ها  
و رودیه آلات جنگ و بیگار مرتبه عد و شماردن کزدان و علوفه و بخشش لوندت اول بر اول  
غزانه عاطفت شهر یاریج عنواندن اعطا و احکام و لندره خوالهشکران اعدام خصم لئام اول  
جنود موحدینک دمدمه شیرانه لری رسیده اوج آسمان اولدینغی ائشاده محافظ بغداد دارالسلام  
وزیر احمد پاشا و معیت لنده اول سائر وزرای کرام و امرای فحام حضرتان امتداد ایام محصوریتندن ناشی  
سر عکری پاشا حضرتینک بر آن اقدام تحریک قادمه مساعدت و بر خطوه مقدم امداد و اعانت قلدرین  
استدعا و سکر آیی مدتدن برو مبتلا اولدق لری حالاً مضایقه بی انزایا تملیه تکیل و احتشاد ظفر  
اعتیاده باقیوب اشوبنک یوز قرق التی سنه سنی محرم الحرامک بشنچی کونی مستعینا بالله تعالی  
موصلدن حرکت و اون اوچنچی کونی ضرب صوبی کنارنده نصب خیام اقامت ایتد که نصیبین  
صحر اسنه نزول لنده جنود موحدین یوز تمش بشن بنگی متجا و زایتیکی رسیده مرتبه تحقیق اولو  
در کینتلی و عشایر کردستان دخی علی العموم ملتحو اولدغه پیاده و سواری کامل ایکیوز نک مقداری  
جیوش دریا خروش ایله اول معبردن عبور و عقب برجه سر عکری پاشا دخی مرور ایدوب کرک کوه  
طوغری شتابان و اون بشن بنگ متجب و جنگ آوردان اوزرینه میر میران مش پاشا و سلیم پاشا  
و اقصرای متصرفی ابراهیم پاشا و دشوان زاده محمد پاشا بر خه بی تعیین و ماه مرقوم یکر منجی کونی  
دخی آندنه و ایسی وزیر مکرم پولاد اید پاشا طلیعه جیش حضرت قرین قلوب یوم مذکورده اختتام  
نماز نضک سر عکری پاشا دخی حرکت و شرط کناریه توفیق ربانی بر له طرف دارالسلام بغداده توجه  
و غزمت ایدوب ناز بوردی قولیه رق قطع مسافت قاصیه تلال و جبال و طی طومار ساعات

۱۲۰



ایام و لیال ایله ماه مزبور کن یکر می برخی گونی تخینا قاعده عواصم زواریه اون یکی عتبدی  
دو جوم نام موضعه ضرب خیامه مشغول اولیلر جا سوسلر و ساطیله بو خبر ایدر بنگ  
سمعه رسیده اولدقه مسرور اولوب ایفای عهده کسنت و امری فظه قلمه ده کخت درت  
اولیلر سر عکر مزبور کن سامه نام کله و رودی سمع نادره و اصل اولدقه تفنگچی لردن اون یکی بنگ  
نفر لشکره مبرر کرده لرضب و وضع ایلیوب قلمه بغداد محاصره کنه و بجد ابناء و انشا ایله وکی  
طایبه لر دقله لر می فظه کنه تعیس ایدوب و اهل قلمه دن بر کسنته واقف اولدقن کدوی  
حرکت ایلردن اول کر وه کر وه فی الايام و الیالی متعاقب و متوالی سر عکر جانبنه روانه اولیلر  
کنه و سی دخی ماه صفر کن التخی یکنبیه کجه سی بقیه لشکر ایله حرکت و بغداد کن ارقه کنن ایلغا  
ایله عزیمت ایدوب علی الصباح عاکره ملحق اولیلر چونکه کوبه سر عکر دجله صوبی کنار نه  
نمودار اولیلر کردار غیرت مدار قلبگاه عکر جراده پار جای موقوف استقرار اولوب جناحین  
سپاه نصرت بنا هده اولان دلاوران ها جنگی صاعقه ضویه **مصراع** قتل عامی آرزو دارم  
هلاکو خان کجاست **نثر** زمزمه سیله هینکه ایکی بحر خوار و یکی دریای آتشبار برینه مقاد  
اولیلر شطک سمیت غربی کنه نصب خیام قرار ایدوب نادر عکر کن اوج طرفنی سنکر و قمرس ایله  
استوار ایدوب اطرافنه عربیه و طوب و زنبک ایله آهین قلمه لر و آتشی قله لرتیب ایلیوب  
قوا ایلرینی آغز بجز ایدیه حکم بنده ایدوب طوبو کجا و تفنگچی لردن برجه کر وه فی اول مقامه تعیس ایلدیر  
عثمانلو و وجوم نام موضعه ضرب خیام و هنوز قلمه نظام آرام ایتدین قزلباش چرخی لری  
عده ایدوب جنگه مباشرت ایلدیر و هله اولیده عثمانلو چرخی سنی رزن قالدیر و بکشمعه سیفا  
و سنان بر آق ایله خرمن جمعتری سوخته اولوب سر عکر جانبنه کیزله اولطی دخی فراموش ایدوب  
کر کون کسنته شتاب اولیلر سز قزلباش عکری دخی هجوم ایدوب جمله خانان و میران و ضابطان  
قول قول جمله ده سرعت و مبادرت ایدوب ناری قتل شدت اوزده اشتعال بولوب عجم عکری  
مبادی حربه بر مرتبه ده سعی و کوشش قلدیلر که عثمانلو عکرنک بر جناحی اضحی لاله قریب اولوب  
رجعت ایدوب متر سکر نه تخصص ایلدیر طرفیند طوب و تفنگره آتش ایدوب زمین و زمانی  
لرزان ایلدیر بر مدت هنگامه کیر و دار ممتد اولوب قزلباش عثمانلو طوبخانه سنی ضبط ایلر که  
میان همتی بنده ایلیوب پیاده تفنگچی لردن بر کر وه قزلباش چالاک و برانبوه افغانه بی باک اول  
حصن حصین آتشی اوزره جمله و هجوم ایلدیر نه کسندگی دریای آتشی طالب قوتلین

صرف ایلیوب طوبخانه یه داخل و ضرب شمشیر برق اثر دمود تقیه لوطو بیجانک دامغه  
رینه و اصل اولوب قزلباش کر وه فی اخلاط فاسده کبی سپاه اسلامه اختلاط ایدوب مزاج و  
امتزاج لر نه اختلال عظیم و یرو ب تیغ و تبر ایله کله لر کله واری آتیلوب جسته لبری برینه ه  
قایتیلوب نادر سکار امله خشک و تر بر او غوردن یاندی و موهده و ملی قانی ایله جای هجا  
اخر قانی یه بو یاندی **نظم** اولوب بر آن خدنگ و زنبکله سپهری دخته دار ایتدی تفنگله هوا  
ییلر که او چندی رزمکه دن سپهره روزن آجدی مهر و مردن فغان کره نای و کوس حرجی  
پز ایتدی کوش اهل شرق و غربی که درلر شاشدی اول جای مهلی اقادری دجله کبی قان  
سیلی زره قان اغلیوب روح اولدی بیچی پیچی دستم کاند اولدی بیچی دوشن خاک اوزره ه  
صفر دی شماره بدن چاک زره لریاره پاره شود کلو جو غیدی میدانه کشته که اولدی کشته  
لردن نیچه پشته غبار یله قرار دی چشم مهرک باشی چرکنی دودیه سپهرک اگر ضو باصمه  
گردنبردی مقرر بر ریزه یل اسردی نثر قزلباشیه ضرب دست ایله طوبخانه نک بو جانبنی ضبط  
ایدوب بر جانبدن دخی متر سه یوریش ایلیوب هر نه ایسه هقن بو کونکه کون فیصل پزیر  
اولک ملاحظه سیله میمنه و میسح و میانه قشون لبری برینه قوشولوب سواره پیاده  
بری برینه قاریشوب القصه زمان حرب و آوان طعن و ضرب ضحوه کیریدن عصر ثانی یه دک  
ممتد اولوب تمام طوقوز عتبا بخومی اشغال نوار محاربه و مقاتله اولندی چونکه مکره بغداد کن  
سمت شرقی کنه واقع اولوب عثمانلو عکری صحرا جانبنه دجله صوبی دخی ضبط و تصرف لره  
ایرکی بر طرفن تموز آینه حرارت و شدتی و بر طرفن شیر البطش دو میانک صوتی و سورتی  
یو دکلر تنو دکی قیزوب اغزده دلقو دیسوب طمر لده قان قطران اولوب آت و انک عملدن  
قالدی بیت چو خود شید تابا مشوش ایدی کونش چشمه سی جمله آتش ایدی شونک  
کیبی قرغون کون ایدی اولان که آدی اغزده یا قر دی زبان اگر قوش هواده اولوب جلوه  
کر او چیدی طتو شردی بال ایله پز سبجی قن یرک باغری یا نادر ایدی که شاطن اقان صو  
دکل نادر ایدی کسندرا سویه ایدیری کز دینار ایدی پر برد و شیدی اگر **نثر** القصه قزلباش لشکری  
الری ایله باغه و یا قلی آغه او غریوب حیرت دریا کنه غرق اولیلر قانون میمنت مقرون  
عثمانی اوزره جمله وزدا و سپاهک بادکش طوار لری و اسباب و زواده لرینی چکن اشتر و استر  
قطاد لری ظاهر سپاهه بر وجه ترتیب و تسدیر اولنمشیدی که میان لردن اعدای بنهاد دکل باد عباد



بسیله که از ایدیه مزدی و افار زنجیری بری برینه شویله یا غلنتی که صفوی ستور ایدیه که  
و هامو مستورا و لوب سانه سکندر کیبی استوار او طشیدی که اول کرده مکر و هک و اادی کرد ایدیه  
عقلتی شندی دلالت ضلالتی کنه و لرین و رطه هلاکه گرفتار قیلوب اللری و ایا قدری طولا شندی  
قضای هیجاده آتشی بال ایدیه پرو از ایدین بی پروا شربا ز لهر طرفن اول مخذ و لره قلیچ او شور  
دیر جمع بدینی و فریق ملیحی بی تیغ کین ایدیه خاک هلاکه دو شردیلر و شمیر آتشیبار و سنان شهاب  
شرد ایدیه اول جمع بر کرداری تار و ماد و اجساد مردار لری طعمه مؤدو و مار ایلیدر اول زرد و برد خلا  
نیچه خانری و سلطانری که مدار اعتماد و اعتضادی ایدیلر جو اله آتشی شمیر ایدیه پرو اند مثال  
یانیدر و صباغ تیغ علی ایدیه قرل قانه بو یانیدر قرلباش پیاده لری کی فراره و کی عثمانلو متر سکرده  
کیر و داره مشغول ایکن چرخ سفله نوازکن شاه انداز لقی خاطرینه کلوب بر نرف عثمانلو نیزه س  
طوغر و له و ب نادر کج اندیش او زرینه عمله صالری هی نیم اتی او رکوب قاله و رب اول بر علی یره  
چالری هر نه ایدیه دست چا پکلاک ایدیه بینه سوار اولوب کار زاره مشغول اولدی لباس وقت  
وزینت و شوکتدن عثمانلو نادر شاهی بیلد کلر نه اول جانبه طولودانه کسی کبی قورشو یا غدر دیر  
نادر سکرده کبی آتشن یه زرد و ندر میوب هر جانبه طالب چقدری و ششعه سیف و سنان  
ایدیه او غر ادیفن یا قوب یقردی عثمانیاندن چخه سوار ایلدی نونکن سنان جا کتک ایدیه خاک  
هلاکه صالری و بر نرفه دخی نیزه سیله او رب مردی و مرکبی ایکنی سیله صدمه ضرب سیله یره چالری  
بو صدمه دخی نادر کن اتی سرکشک ایدیه و ب نادر دی قاله رو ب یره او زدی بر کبی خاص بر کلردن  
بشقه بر آتکتور و ب نادر اکا سوار اولدی چونکه نوایر عطش شیخ و شایک جگرینه آتشی  
صالوب سبها هک یور کلری دخی سوز صولقدن تاب و طاقتدن قالمش ایدی نادر دخی  
آتن یقلوب رو میان او زرینه هجوم ایلد کلر طائفه قرلباش کورد کلر نه آت نادر دی  
آتری کل اقبالی چاره باتی دیوب زمام اختیار لری الرن کید و ب انزنامه یوز طو تیلر یس  
جیلر و نساقیلر هر نه دکلو که فریاد ایلیدر که نادر حیاته در مفید او لمیوب لکری ضبط و ربط  
عاجز اولیدر نادر بو حالی مشاهده ایلد که جنگدن رو کردن اولوب فی الحال چا پار لر که ندر و بقله  
و طایبه سکتفظلر نه کو چدر دیون ایلیدر همه قرلباش موکب نادر جانبه جا آتوب نادر  
دخی بر و جانبه متوجه اولیدر بر که قرلباش صومزلقدن دجله یه او غرایوب غرق اولیدر  
و بر که دخی خشک دهک تضنه زبان دجله کنارینه وارد ده قورشونه نشانه اولوب صوب  
خون

خون جگر قانیدر اول هنگامه قیامتده نادر دخی نیزه و قورشون ایدیه زخماک اولیدر ه  
بعون الله الملك المتان نسیم نصرت عسکر اسلام طرفنه و زان او لفظه خان مسعود و مدد  
مقره و بقیة السیه اولان خازیل اعجام ایدیه مجروح و خا و بره کربوه انززام و قرق بنکه قریب روا  
فضل نام طعمه صمصام انتقام اولنوب بو پیام مسرت انجای حاوی عریضه مزده بر عسکر  
مشاد الیرک عثمان نام تانار اغاسی بریده دولت علیه عثمانیه یه ازال اوظان قائمه بر اجت  
آیز بشارت انگیز ایدر که لاجل التئور بو محله ثبت و تحیر اولندی **صورت قائمه** .....  
**بسم الله الرحمن الرحیم** و ماتو فیقی الایبالله و ما النصر الایمن عند الله دلالت تو فیو  
خدای بی رفیع ایدیه که کو کن حرکت و شط کنارینه طی مراحل ایدیه رکب با نام منزیه و اریلو سب بعد انزوا  
دشمن قراغولری کو دینوب او زرد و سندن کرکی کبی خبر اولنمنده ایرتسی یوم بازار که ماه صفر  
الجزیر کب ییخی کو نیدر بات منزله حرکت و بغداده تخمینا اون ایکی عت مسافه ده دو جوم نام منزله  
عزیمت اولننده اون قدر طا بور مخوسی و صغیر و کبیر خچه قطعه طوب و جبه خانه و عدی  
نام معلوم زنبور کلرایه و روایع مختلفه او زره سکن ایک یا خود دخی زیاده و نقص پیدا ده  
و سوار ایدیه طرما سقلینی بر پیله بالنفس ایلیرن بغلیوب عت او ب حقه ایکن چرخه یه طور  
حالا آدنه و ایسی و زبرد لیر ایدیه پشاه حضرت لیرنک و آنوک قولنده اولان میر میر کب شعی عت نش  
مش پشاه قولر لیرنک او زرینه کلوب اثنای محاربه ده او زرد و مزشط کنارینه قونوب قول  
کتخاسی عبد الله اغای کبیری دلاور لیریه صاخ قوله و بو عید عاجز و ناتوان روم ایلی ایالتک  
موجود لری و اولاد فاتحان طائفه کسی و بعض طوائف عکریه ایدیه او رته قوله و سابقا  
قونیه و ایسی ابراهیم پشاه حضرت لری خسته جه او لفظه بر طرفه و قرص حصار صاحب  
متصرفی غیور محمد پشاه قولر دمدار و بو قوله طور و ب علی قدر الامکان طوب بر جقار ایلوب بلا  
مترس الحرب سجال فحواسی او زره طقوز ساعت محاربه عظیمه و قوعند نصک بعنایة الله  
القهار هجه دلیمران خصم شکاره تاب آور اوله میوب اقبال همایون شهریار فلك اشتها ایدیه  
رو کردان صحرای این المفر اولد قرنه بشش عت مقداری تعقیب اولنوب اون بشش بک پیاده کی  
بالکلیه محو سوار سنده دخی قتی و افری طعمه تیغ بیدریغ اولوب خچه قطعه کبیر و صغیر  
طوب لری و جبه خانه کسی و قتی و افر زنبور کلری ضبط اولنوب لعلی وجه المبالغه او توز  
یکدن متی و ز عسکر منجوسی جان با کلرین اسفل نیرانه روان و طرما سقلینی بر پیله بقیة السیه

بزرگ عکس ۱۲۴  
از بره های ۵  
احوال



ایله بحر و جاگرا زانه کیزان اولمشده ان من فضل دبی ذلک تقریر العزیز العلیم و الله زوالفضل العظیم مرده  
دس سرور اولان تاتار انکسی او آخر شهر مر قومه دار السلطنة العلیه یه وارد اولینی لیه مبارکه کتبه  
بین السعائیس طوب شلکنه آغاز اولوب اوج کون قلب منتظر عبادی برسم عادی رخ علی انفا الاعادی  
کنینه سرور شادی و ایتسی شوکتو عظمتو سلطه محو دخانه علی بخت یالی کوشکنه پیرای بخشای سرور  
تخت اولوب طوب و مهر خانه لره عظیم شلکلر تبریک غزای ابرای چون صدر اعظم حضرتلی شیخ ال  
اسلام اقدی و قبودان پاشا و منصوب و معزول قضات عاکر حضراتی حضور لهای یونه دخصتیا  
دخول و احرار سعادت دامنوس ایله نائل مأمول اولوب علی مراتبهم هر بیک بالای قدر و شانی  
جلوه گاه فرود مترت طراز شادمانی قلند قدنصک کر عکرمشار الیهک او غلی قیوچی باشی اولوب  
الباس سمور و تاتار انکسنه بشکیه اچه طوتار برزعامت احسانیه سرور و شایه عطای  
موفور خداوند منصور اولدی طرف صدر اعظم کذلک یکی تنک دینار کتبه دار عطیه و کراعتبارنه  
وضع جلنک و الباس خلعت برتیه ایله کربله و کامکار قلندی و صف هیزم و فرار عجم خسارت انجام  
با عون و عنایت ربانی نادر بر پیل طرکما سقیلیک هیزم عنونک شرمه فراوانی همه شیردلان اسلام تاب  
آورد اوله میوب طقوز ساعتده اولتوزیکدن متی و زطوع شیر شمشیر و نشانه تیر و قهر و تیر میر قلندون  
صلک بقیة السیوف جلاوت موصوف اولار کرازلر بر کشته توله ایله بحر و حاکم افغان و خیر کیزان  
و بغداد التده احداث ایتکی قلعه ملعت بنیانی اخلاسته بعث و تیسیر چندم مقهور و کتوی اول کجه  
نزد دیالهی عبور ایدر کس اکثری بن نشین غرقه گاه فنا و مقله انهم جنه مفرقون حسب رایجی مری  
اولینغی ظاهر و هوید او خبر هیزم دن متحصنان دار السلام آگاه اولد قری کبی انا فتحنا کویا در و در  
وازه بغدادی کشاد و والی حلب مصطفی پشایده تجرین اوضان اصحاب جهاد قلعه او و در و سنی بغا و با  
واد و ایت جنک و بیکاردن ماعدا مال غنایم حصه غرقه مو جدم اولوب او زده علی العموم او زدرینه  
غالبانه هجوم و نیجه بنک رو افض شوم علف شمشیر ظفر نوم قلند قدنصک طوب و تفنک و جبه خانه  
و مرفون بولنان بالیمز قلعه بغداد و کر که نقل و تسیم اولوب بو خبر لاجت اثری سلخورد اچه  
فزع اغانام کسنه علی جناح الاستیعال مرده دشا اولوب اسلامیه وارد اولدقه حضور جنکاده اول  
بوم شومی معیثده اولان عکرم شوم ایله اول مرزبوم دن دخی پران و کر کردان ایتد کلر فی تقریره آغاز  
ایتکه الباس خلعت شرف طراز ایله ممتاز و کرافراز و تکرار طوب و تفنک شلکلری طاس سپهر طین اناز  
اولوب قوت بخت خدیو اسلام خده الله تعالی و ابقاه الی یوم القیام حضرتلینه بوسنه مبارکه ده قوع

بولان سفر نصرت اثرده ممش پاشا و سلیم پاشانک اغور دین و دولتته سبقت ایدن خدمت پشایده  
دکاب مستطاب جهانناری یه عرض و اعلام اولدقه عواطف علییه خروانیدن بر توغ احتشانه  
داخل زمره و ذرای کرام و سر عکرم پاشا حضرتلینه بر قبضه شمشیر ظفر مدار و بر مجوهر جلنک تابدار و کرا  
سره د و خسته ستمو قیمت دار ویدی بنک عدد دینار و محافظ بغداد وزیر احمد پاشایه کذلک دس مریس  
و قانون پیشین او زده مجوهر سرخوج و کورک و شمشیر و سائر و ذرای کرام و بکلر بکلیره کورک و خلعت  
فاخره و عطایای و افره و تشریفات سائر ایله باخط لهای جلالت مقرون میر اخور اول شهر یادی  
یحیی اغا طرف لهای یونن تعیین و اول اولدیلر ازیس جانباً چونکه نادر منزهزم و پریشان بر روزه  
کریم اولدیلر دجه نکل سمت شرقی کسنه موجود قزلباش لشکر کوی ایله و ب بلامانع بر روزه نادر  
موبته ملحق اولدیلر خیر انزمام بغداده و اصل اولدقه اهل قلعه دن بر کوه طرش جقوب جسر  
دجله یی قطع ایدوب جانب غربیده و اول ستمده انشا اولد قلعه جاتده موجود عاکر قزلباش راه  
عبوری بسته و سر رشته امید کسته کوروب اکثری مقتول و مخذول اولوب بقیه حله و  
هکله یولندن طائفه بنی لام اعانه سیله و شیخ و او و خزاعی بلد لیکله مامن عافیته یتشیدیلر  
سر عکرمشار ایله بو واقعه دن صلک بغداده داخل اولوب و اوج کون بغداده مکتوب  
آرام ایلیوب انون کر کورک جانبته عزیمت ایلدیلر نادر بر روزه بر قاج کون مکتوب ایله و بقیه سیو  
دخی باشنه جمع اولوب انون قالقوب مندلیخته وارد اولدیلر مندلیختن امر او اعیالی و ایلیوب  
ابوب محاوره و مشاوره کشاده اولوب چوقا گفت و کوا ایلدیلر بالاخر نادر یسوردیلر که بو هیزم برام  
مقدرد و پرده غیبده مستراحوالن اولوب تقریر خدادن بر پیچیده و حکم قضادن دنجید و طوق او طاز  
و شاعر نکتده دان حاله مناسب دیمش نظر بمن کر کنه بخت دولت قران بیکیم جهان انکران تا کران کرم صلک  
دولت نیفتدیرست من و کرونوشت ازل هر چه هست نذر بو کلامی اشته کلرنه جمله امر او اعیان ادانی  
و اعیالی ریب و ریادن خالی یوزلرنیره او دوب چاغر شیدیلر که نظر نوز آن سایه بر زمین از خدای که  
دارد دران سایه منزل لهای اشارت ذنوکین کناری زما اشارت ذنوجا کسبادی زما ندریم انیشه از  
کار زاده تن ما و تقدیر پروردگار نوز جمله سی یکر بان راه قبوله شتابا اولوب و در و ظفر بود شاهی  
بر دخی اول جایگاه شرف حلول ایله مباحی ایدر ایه حلقه اطاعتی کوشم زده و غاشیه خدمتده اشارت  
دوشم زده اولوب مقرد در بزم دخی لوح ضمیر میزده بو معنا چوقدن مجرد در نظر دولت آنوک کیم اوله اول  
شهره قول فخر ایدر قواللفظدن اهل عقول بیزدخی استر و زاکا چاره کولالم قول شه جهانناره

مقدرد و پرده غیبده مستراحوالن اولوب تقریر خدادن بر پیچیده و حکم قضادن دنجید و طوق او طاز  
و شاعر نکتده دان حاله مناسب دیمش نظر بمن کر کنه بخت دولت قران بیکیم جهان انکران تا کران کرم صلک  
دولت نیفتدیرست من و کرونوشت ازل هر چه هست نذر بو کلامی اشته کلرنه جمله امر او اعیان ادانی  
و اعیالی ریب و ریادن خالی یوزلرنیره او دوب چاغر شیدیلر که نظر نوز آن سایه بر زمین از خدای که  
دارد دران سایه منزل لهای اشارت ذنوکین کناری زما اشارت ذنوجا کسبادی زما ندریم انیشه از  
کار زاده تن ما و تقدیر پروردگار نوز جمله سی یکر بان راه قبوله شتابا اولوب و در و ظفر بود شاهی  
بر دخی اول جایگاه شرف حلول ایله مباحی ایدر ایه حلقه اطاعتی کوشم زده و غاشیه خدمتده اشارت  
دوشم زده اولوب مقرد در بزم دخی لوح ضمیر میزده بو معنا چوقدن مجرد در نظر دولت آنوک کیم اوله اول  
شهره قول فخر ایدر قواللفظدن اهل عقول بیزدخی استر و زاکا چاره کولالم قول شه جهانناره



لیک البته شاه عالی جاه دینه قلم و یا که سوق سپاه بیزد فی خدمتی ادایه لم جانمزیولنه ذلاره  
لم نزه قول و قرار و بوعهد و میثاق او زده فاتحه او قودیلر اول سفرد هشت ازده خیمه و خرکاه  
و دو آب و اسباب و جیخانه و مهمات و سزما محتاج الیهدن تلف و تاراج و هدف زهبه آماج  
اولندی جیر کسر و تیمیم و تکلیل ایچو جمله بلاد ایرانه ایله و شیر فرما کر کوندر و بجد اذکار ایچون  
تجلیل ایلیلر لرستان فیلی و کرمان شاه و هرا و لکه لینه صاحب انیشه و اخلاص پینشه  
حکام و امینان تعیین ایروب محضه بته جه مقدمه کوه کلیویه ایالتی نیایه ویرلشیدی بودغه  
اصالة ویریلوب شوخته و دیز قول دخی کنده و سینه عنایت و احکام اولنیلر و امر اول ایلیلر که خانه  
مرقوم فارس نایبی قرقلو امیر خان بک ایله کزیده و منتخب لشکر جمع و ترتیب ایلیوب ایکی آی تمانده  
او زده و یه ملکی اولار و هر ایچکلی بی محمد خانه فرمان اول اولندی که التی بنک نفر لشکر ایله سوار  
و پیاده حاضر و آماده اولوب حد و دقت هادی صیانت مشغول اوله لر و قندها کردادی جلایر لی  
ظرفا سقلینی نه امر کوندر لی که فراه و قایس و کیستا و تون و اول نواحیده واقع سار حکام  
معیشه التی بنک نفر لشکر فیروزی انزایه همدانه وارد اولوب حاضر باش طوره لر بو هزیمت خبری  
خراسانیانه و اصل اولدقه خراسان جو انلینه غیرت و حیت ال ویروب مأمور و غیر مأمور  
دلا و زو جنگ آو زلر نین برجه گروه جمع اولوب علی جناح الاستیعال او زده وی حیرت اشتماله وارد  
اولیلر انان نادر منبجیندن حرکت و همدانه عزیمت ایروب ماه صفر ک یکر می ایکنی کونی اول خطه  
زاهد بنیانه وارد اولیلر چه مقدمه مادی ده اسکان اولنا افشارلو طائفه سنی کوچ و مسقط  
رأس اولان مکانه اعاده و ارجاع ایله مأمور اولوب و مزبور لر عظیمه ایچو رعایا و بریادن  
تحصیل اولنا یوز بنک تومن نقد دخی محصل لر عنده موجود اولمشیدی مزبور لر هزیمتک و تومن  
صلک کوه چکه مأمور اولان افشارلو و الوار فیلی و اردلان اگرادی سمت عراقده بولونمیلر حد و  
عراقی مزبور ایلات و احشامدن تخلیه مقتضای مقام و مناسبت وقت و هنگام اولوب اول  
طوایفی کوچ ایلیک وقت آخره تعویق اولنوب محصل و معدود یوز بنک تومن مادی اخزینه دن  
بقعه یوز بنک تومن دخی اخراج و تجرید اوضاع و جبهه نقصان سفر ایچو دسته دسته و جسته جسته  
عساکره احکام ایلیوب و بینلر نه توزیع اولنوب دامنه اعمال لشکر یه نقود عنایاتدن مالا مال اولوب  
اون تومن بره ایله داتی تلف اولدگسته یه یکر می تومن ویریلوب کز لک دوه و قاطر خیمه و چا  
شمیر و سپر جوش و مغرب باقی آلات و حرب اسباب سفر حتی منعل و میخ و آب و جزویات دیگر

برقی

بروق فرمان با حکمت قدر ممالک منجوسه دن او زده و یه و اصل اولوب کون بکون مرهم سفر  
تزیاید و ترقی بولوب اول کروه مکروه جلاد بر و ز بینلر نه تقسیم اولنوب التمش کون طرفه جمع  
موقوف علیه اولد امور سفر تدارک قلوب ککر ملعنث اثر و افواج جمعیت کستر متوالی  
یکدیگر میعاد مقررده مانند ابر بهار و سیلاب کوه سالار بحر زخار پیوست اولوب وارد او زده  
نصرت پرورد داخل معرکه شوکت اثر اولیلر تحریب قلعه تبریز و قایم آن او ان حیرت بینا مقما  
سپه سالار ایران وزیر مکرّم عثمان پاشا تفرقه انداز جمعیت انجم اولیلر فیروز نصرت انجا  
و زرادن معینته مأمور اولان وان محافظی تیمور محمد پاشا ایالتده واقع امرای کردستان  
و عشایر و قبایلن بشن بیک نفری متی و ز شجاعت شیردلان ایله طرفا سقلینی تی تعقیب و مصاد  
ایتد کلری فرایدلی قتل و اسیر ایله دکن قره جه داغ نام محله وصول لر نه متحصنان نیز محض  
تیمور پاشا نک آوازه هر کترین اشتمکله قلعه تبریز تخلیه و اسباب و اثقال لرین دوابه تحویل  
ایلیوب فراده آغاز ایلیلر تبریز نایبی لطف علی فرزند کلوه که مخالفت صد دنده اولوب مزبور لر  
نصیح و بند ایلیسه مفید اولوب نافرمانلق و بد کالتق ایروب شهرری بو شالتیلر مزبور  
نایب اول کوه اخشامه دکن اهلایی توقیف و اسکان و قلعه ده تحصنه سعی بلیغ بی فائده  
ایروب او زده موجود اولان افشارلو و خراسانلو جمع قلیل ایله قلعه یی محافظه و صیانت  
دخی حیرت امکانده اولوب اول دخی بالضر و دکنه و قاپو سی خلقیده مراغه جانبنه شتابان  
اولیلر قلعه تبریز بی محیا فتح و تسخیر اولدقه کر عسکر مازالیا و سار و زرای جلالت نشان  
حصن مرقومک دولت ابد مدت عثمانی یه عدم لزومنه بناء تحریبی ایله اکتفا و انقیاد  
ایتد کلری بایه جهانیا نی یه عرض و اعلام اولنمیس جمع ابنیه و سقوف و جدرانن انراقا  
شرطیه هدم و تحریبی روان محافظی وزیر ابراهیم پاشا نک عهده اهتمانه احاله اولنوب با  
خط هایون اصابت مقرون ایله مباشر لر بعث و اول قلندی و بوسنه جلیله ده کسر طابور کم  
و قهر جه رفقه انجم ایله استرداد تبریز کبی وقوع اولفتوحات و مغازی ایچو جناب پادشاه مؤید  
استکا هک نام هایون نری محافل و منابرده لفظ غازی ایله پیرایه زبان معرفان و خطبا قلنمفه  
عامه افراد کائنات ترکیب ایله الله تعالی بابیح المرادات دعواتنه حصر اجراء اوقات ایلیلر چه  
تبریز نایبی لطف علی بیک مراغه جانبنه روانه اولیلر نادر طرفدن اول قصبه ده حاکم بولنان  
عبد الرزاق خان قاپو لر قبادوب مزبور نایبی ایچو اولوب بغی و طغیان قاپو لرین آچدی



لطف علی بک مضطر اولوب خلخال جانبته عازم اولوب حقیقت حالی عریضه ایله نادره اعلام  
ایلدی پس نادر امریه برکوه لشکر دارالمرز کیلان حد و دینی محافظه یه اول اولندی و ایسورده ساکن  
نادرک عموجه کی قرقلو بکتاش بک نادر جانبدار خانلق منشوری و دارالمرز کیلان کرسکر  
عنو اینه مکرم اولوب و استر اباد ایالتی کند و سنا احکام و منفله کرافراز قلندی و برکوه خراک  
لکریه کیلان روانه اولدیله تبریز نایبی لطف علی بک معکرن فرار ایدوب دارالمرز جنکلیستانه  
و صفینا قلنده اختفاییدن نابکارلر اخذ و عبرت للاحزین سیاست اولنوب و جمع کینه دنی حالینه  
تأیید اولدیله و اختیار طاعننه زاویه نشین کنج اختفا اولان بختیاریدن بر طائفه دنی بغداد  
هفریتن اشتکلرنه جاده اطاعتن حقوق راه بغی و طغیانه سلوک ایتیلر چونکه همیشه نادرک  
پیشنهاد هفت و الا سی اول ایدی که مهتاب سمیت دومن فارع اولد قنصلکینه شاه طهماسبی  
اصفرانه کتور و سایر شاهیه اجلاس ایدوب ارض الله و اسعه مضاد بجه بال هفتی کشاد  
ایدوب شهر باز بلند پرواز ایدوب با شقه اقلیدر قضاینده کشور ستانلغه آغاز ایلیدر نادر بغدادی  
محصور و الهالینتی تظییو و قلعه یی فتح و تسخیر و بیخ و بنیاد رو میانی هدائو بغداد ایش  
آباددن قلع و تمیر و امور عمری انجامه دیدوب اولوب ملحوظ اولدیغی ایامده متلاباشیسی اولان  
ملا علی اکبری و مرزا کاف خلیقه یی مشهوره اول و شاه طهماسبی باکر و فر اقبال اصفرانه ایصال  
ایچونک مأمور ایدوب مزبور اول جانبته روانه اولمشد ایدی مومی الیهما بر و فوج فرمانده صفرک  
اون سکر بنی کونی مشهوردن حرکت و بر قاج منزل مشاعر متذکره نادر بغداددن منزه مار جوع تکلمه  
شاه و الاجاهلی بر سلطنته اجلاس تعویب و برای مصلحت وقت آخره تأخیر اولنوب مزبور  
مأمور لره امر و الا اول اولدیکی شاه طهماسبی دامغان یولیه مازندرانه ایصال ایدوب و اسکه و اقر نام  
ناسپسنه اولان شاه عباس ملقبه ناسک و الوله لری اولان شاه طهماسبک حرمی دنی قزویندن کتور و  
مازندرانه فرستاده ایلیدر جلایری طهماسب قلی بکه اصفران حکومتی ویریلوب و زمام مهام عراقی  
قبضه اختیار لینه تفویض ایلوب و بر بلوک لشکر دنی متابعتنه مأمور اولوب حکومتده مقرر  
اولدی و کمال حرم و احتیاطه بنا ایلات و احشامدن اون بک نفر لشکر اصفران می فظه ییچ معینه  
تعیین اولندی که بصیرت اوزده اولوب شاید کینکاهده مرتب اعدادن ظهور و خروج و ابواب بغی و  
طغیاندن دخول و ولوج ایدر که بولنور ایدب مدافعه یه دودوشه ل و برکوه لشکر سلطانیته  
حد و دینه تعیین ایلوب کیلان حاکمی بکتاش خان و لطف علی بک و افشار حکامنه و سایر حد و ولایات

اولان جمله و ایله احکام و امر اول ایلدیله که دشمن ظهور دنه و هنگام ضرورتده بری بر لرینه  
اعانه و یار دنده اقدام و اهتمام ایلیدر در بیان نهضت دایما نادر مرتبه ثانی بجانب دوم بعزم  
انتقام و قضایای آن ایام و رفتن موکب و الا بجانب کرکوک چونکه نادر نامدار عسکر اجم شمار  
و بر بلوانان دستم شمار ایدوب لوازم سفریه یی تقدیم و کرسکر عثمانی پاشا حضور قلندن اخذ انتقام  
و تسخیر بغدادی تصمیم ایدوب بر رقه نخوست آثار ایدوب همدان کزار و طی طوا میر منازل و لف  
رشته مراحل ایدوب کرکوک پاشا هانه وارد اولد قلنده جاسوسلر انزلیسیله خبر دیدوب اولدیله عسکر  
جانبدار دنه و ایسی پولاد پاشا و عمش پاشا و سایر معتبر پاشالردن بر قاج نفر لکری بک قدوم عسکر  
کرکوک قلعه سنی محافظه یه تعیین اولنوب زهاب نام قلعه یه سکر فرسخ محله نهر دیاله کنارده  
جم شاه دنیا مکه مشهور مکانده نصب خیام اقامت ایلوب منتظر اولور لره اگر موکب نادر تبریز جانبته  
حرکت ایدر لر ایدوب انکرک پاشا هانه جانبته دایت افراز جلدت اولور لره اگر کرکوک و بغداد جانبته متوجه  
اولور لر سه مقابله و مقاتله یه دروشلر نادر فریدون فرجه خبری ایشده بار و بنکاهی بر اغوب باشنه  
تجمع ایدوب فرخ لکریله ایلغار ایدوب سکر منزلی ایکی کون ایکی کجه ده طی ایلیدر اگر چه نادرک مطر نظری  
علی السحر عثمانلو عسکرینه شجون ایلدوب ایدی لکن و فرت لشکر و تنگی مغیر کبیره کونش مرتفع  
اولدقه نادر بر یوکک تپه یه عروج ایدوب دو رین ایدوب باقوب تحقیق ایلیدر که نهر دیاله  
کنارده عثمانلو فوج فوج دریا کبی تموج ایدوب اندر دنی نادرک بلای ناگهانی کبی کله کلین بیلوب  
و هیجان غبار علیمیله احواله واقف اولوب جانندی باشینه صحرایوب غلبه اضطراب برله  
ضمیمه لرین بقوب الی دیر کیندن و اییغی و زلکیدن فرق ایتیموب کیف ما اتفقو کرام کبی ائله سوا  
اولوب فراده قرار ویریدیلر نادر بو احوالی مشاهده ایشده قزلباش خونپاش اشارت ایدوب آندو قاجی  
اوروب یکران بران اولوب بش فرسخ بر اندری تعقیب ایدوب ایشده کلین قتل و اسیر ایدوب و چوق  
اخترمه آلوب جمله اسباب و انتقال و خیام و بنغال و احوالین بلا مانع اخذ و ضبط ایلیدر اول  
دودمان بغی و ضلالتن فروغ افروز اولان لشکر قزلباش که دو شبانه روز آت و قاجی ایدوب مرصه پیمایی  
وادی طلب و قدم فرسای بوادی تعب اولمشد ایدی ممالک قطار و مرهار اولوب خیام راحتده آیش  
کین و شاد روان استراحتده سایه نشین اولدیله اول مکانده ایکی کون توقف اولدقه محمد خان بلوک  
خبر بغی و طغیان بعضی امن و ساطیله وارد اولوب نادره عرض و اعلام اولدی در بیان عصیان  
محمد خان بلوک بو مقالک تفصیلی اولد که مزبور محمد خان مصادرات احوال افغانه ضمنه احوال اید

۱۴۵



اولین بی او زره میر محمد دغلی بی ظهیر زنده مومی الیه دخی معاکلوب و وقعه کرده بولنوب نوبت  
سلطنت مستعار اشرف شاهه رسیده اولاده مرقومی المی لک ایله دولت علیّه عثمانیه جا  
کونر و ب مرقوم دولت دوم جانبندن احترام و شان و هدایای بی کرا ایله ارجاع و اعاده  
اولنوب اسلامبولن دونه که اشرف شاهک دخی دولتی د و نوب محمد خانک اول دولتک  
دامتدن التی اولیلوب و کر رسته انتظامی بوزیلوب ناچار اصفهانه وارد اولوب دولت علیّه  
عثمانیه دن اشرف شاهه اول اولنا نامه و هدایا کنی نادره پینکس ایلیدر نادر عاجز نو از دخی  
مومی الیه ایالت کوهکیلویه ایله ممتاز و کرافرازیرو ب اول رتبه و الایله صاحب عز و شان  
ایلیدر مزبور ایالت کنه و یه توجیه اولنده اطراف و نه اچیده قری و قصبه دن دخی جویر منظم  
اولمشیدی مال و لشکره اقتداری هر و جهره میسر اولوب و بوقدر اقتداره نائل اولم دیومغورانه  
حرکت ایدوب و دولت صفویه بی ازاله سوداکنه دوشوب شاه طهماسبی رو له و همد سفرینه  
تحریک ایدوب ایکی جنگه دخی منشا هریمت اولوب بی حساب قربانیه نکه تلف و هلاکنه باعث  
اولمشیدی نادر خراسانن عودت ایدوب اصفهانه وارد اولاده حقیقت حاله واقف اولوب  
اما اقتضای وقت کوره اغماض ایدوب و هم و غائله کنی کلیتاً دفع ایچون محمد کوهکیلویه  
ایالتن توجیه و شوشر و دیزفول ایالتین دخی ضم ایلیدر مزبورک بود دفعه اقتداری دخی  
زیاده اولدی نادر بغدادن منبر ما عودت ایلد کلزنده شیراز نانی قرقلو امیر خان بکی و مزبور  
بتوج محمّد خانی کوهکیلویه و فارس قوشونلریه سفره مأمور ایلیدر اول و لایتلرد دخی عسکر دن  
خالی اولوب حرم و احتیاطه منافی اولمغه کوه لولوا و سلطانی فارسه حاکم و قرقلو قاسم بکی  
کوهکیلویه ایالتنه نایب نصب و تعیین ایلیوب هم از دن فرستاده ایلیدر مومی الیه محمّد خان  
بتوج نادر او زده سینه عزیمت صورتنده لورستان فیلی توابعندن جایدر نام محکمه وارد اولمغه  
اول کیجه لشکر آداکنه برصد اظهرد ایدر که امیر خان بکلج مرادی برطریق ایله بتوج خانی  
توابعنی قیردر مقدار دیو کفکوه و قصد فساد داعیه سیله راه مقصود دن برهلو و یرو ب فارس  
و شوشر و بتوج و هزاره عسکر یله چکیلوب کتیلر تا که شیراز یه تیرلر امیر خان بکلج دخی معیتده  
اولان افشار و خراسان قوشونلریه نادر او زده سینه وارد اولیلر اگرچه اعداد و اعانت و ادای  
خدمت بونجلیس طار و قته لازمه حال اولوب آذربایجان اها لیسسی تبریزی تخلیه ایلد  
وا هالی شیراز محمّد بتوج خانه موافقت ایله اطاعتن رو کردان اولوب شان نادره مورث  
وهن

وهن و قصور و موجب خلل و فتور ایدر اما بومثله هو ادتک و قوعی نادر در یاد ل  
پینکا هنده جنب دریا ده خار و غش جنبشی مشابه کنه اولوب بر بلند بر و از کوزی برک  
حریف اولمغه عزمندن رجوع ایتیموب و خاطرینه ترزل یول بولیموب غلوه قهت ایله راه  
مقصوده عازم اولوب بش کون نضک جمله مهک طوبخانه و جبه خانه دخی کلوب او زده  
ملحوظ اولیلری کرمک مشار ایله عثمانی پاشا حضرتلریه مقاتله قصدیه کوچ ایدوب مجازی الا ولی  
نک اون ایکنده لیلان هو ایسنه کر کوه اوچ فرسخ محکمه وارد اولیلر ایرته کی کون کر کوه  
قار شوسنه علمداران نام موضعده ترتیب صفوف اولنوب و الیلر قوریلوب طنطنه دلاور  
و لوله جنگ آوران و دبه به کوس روین و غریونای زین زره و چرخ برینه تشوب کوه  
انج شمدی مشاهده ایدر حیرت اولوب آفرین او قودیلر نظم سلیم بیدین کونه لشکر نه اشته چینی  
دستگاهی کنده اشته کس این رسم و ترتیب و آیین نیرد فریدون با آن شکوه این نیرد نیرد  
عثمان پاشای ظفر شمار دخی کر کوه قلعه کنک خار جنده نصب خیام قرار و دفع لولای اقتدار ایدوب  
او زده سی اطرافنی خند قرا ایله احاطه ایلیوب کنه و لپینه کر کی استکام ویر مشل ایدر بقضا  
تعالی عثمان پاشا اول ایامه خسته و صاحب فرارش اولوب ومع هذا مقتضای غیرت و قیست  
ایله عسکره امر ایدوب قلعه یه ارقه و یرو ب جنگه آغاز ایلیدر قربانیش جانبندن دخی بر بلوک  
روین جنگه آهنگ ایدوب با جمعیته خوک و جرات بکنک بلا تا مل ولادرنک زمین معرکه  
یوریش ایدوب تیر و سنان و طوب و تفنگ ایله آتش افروز نائز جنگ اولیلر بر کوه عثمانی  
اول وقعه ده شهرید و جملری قوایم مرکبانه پایمال اولمغه میدان معرکه ده نابود و نابید  
و بر کوه دخی اول تنگدان کیزان و ارضروم جانبنه شتاب اولوب بقیه کر کوه قلعه کنه  
تخصس ایلیدر کنی و قتی سینه قربانیش لشکر میدان معرکه ده جلادت کوه ستروب و افر کوه فرایه  
جنگ طلب ایلیدر عثمان پاشا بیمار اولیلر غندن ما عداد رونی دخی بو غائله ایله داغدار اولوب  
هیچ نه ایدر جگنی بیلر ایدر کرمک جانبندن بر اثر ظاهر اولما بکوج نادر غادر تیر و تبردن قتال  
مضمونی تلخ آرزو مکتوب یا زوب اسیر ددن برینه و یرو ب اذل ایلیدر مضه ننده معمل مکان عثمان پاشای عالی  
شان بعد السلام بغداد وقعه کنه و افریو زاغلقلر ایدر کز بر خود داد اوله سز پادشاهک نان و نکی  
سز لره حلال اولک و غوردها یونزه بزل اقتدار بود کلو انج اولوب بود دفعه سفرم انجی سنگ  
او زده کادرد دولت علیّه عثمانیه ایله بخت و خصومت یوقدربو باش سنگ خصم جاندر بویلیجه



معلو ملک اولوب اگا کوره دبر نوب غیرت ایدر سن و اگر مردگن نام و نشانک و ادایه  
 قدم رنجیده ایدر وب میدان معرکه یه بیوره سن بزیم رزیده معاطعام خون آشام ایدر لم و السلام  
 وقت غروب به دکیس نادر میدانه کوه فرایه جولان ایدر وب جو ابنامه یه منتظر اولوب بر اثر  
 ظهور ایتمکله او تا غنه عطف عنان ایلدیلر بر قاج کون بو منوال او زره قلعه او زریسه  
 یوریش ایدر وب سر عسکر دن و لشکر دن میدان جنگه میل و دغبت کوریمجک کر کو کون فارغ  
 اولوب ایکی منزل محله واقع سوورداش قلعه سنک فتح و تسخیرینه متوجه اولدیلر بزور  
 قلعه بر کوه بلند فرازنده واقع اولوب متین و مستحکم افلاکه سرچکش ایچی زخیره و غله  
 و انواع ماکولات ایدر مشهور قبایل اکرادن بیه و بلباس نام قبیله لر اول مقامه متحصین  
 نادر در آغدر بند نام راه دن اول ستمه روانه اولدیلر که شیر بو معنا سر عسکر مشارالیه حضرت تنک  
 سلسله جراتی تحریک ایدر وب مقابله و مقاتله ایچو قادر شو چقه نادر حیلله کرسورداش قلعه  
 و اصل اولدیلر کون یکر یک حله قلعه یه داخل اولوب حوزة تصرفینه ادخال ایدر وب  
 و اکناف قلعه تک متانت و استحکامنه اتکاء مجتمع اولدیلر قبایل اکرادن زکوه بینی عمو قلی  
 کچوب و انانینی قید گرفتار ایلدیلر غنایم موفور و نقود نام محصور کی سپاه نام منصور ک مساعی  
 نامشکوری مقابلنده و ایدر وب قریب ایشیه اول غنایمی سندنه تقسیم و توزیع ایلدیلر و جو بغدادی  
 محاصره ایلرک نادر ک اقصای مرای ایدر امیر خان بکه فرما اول ایلدی که خراک قشونی و طاق  
 و سطای کرمانشاهانه مجتمع کرمان افشاریه سیله دیاله صوی کنارینه کلوب مقدمه اولدیلر  
 اورد و سنک آدامکاهی اولان جشاه نام محله نزول ایدر وب اول مکانه محکم و رفیع طایبه لر بنا ایلدیلر  
 اردلان و کرمانشاهان حکامنه دخی امر لکه ندردی که کنه و جمعیت ایلدیلر و ایدر وب شهر زور دن و توابعه  
 اولاقری و قصبات دن زاد و زخیره جمع و تدارک ایدر وب بغداد سفری بر طرف اولنجیه دک اولدیلر  
 بزل مقدر ایلدیه کردستان و نواچسند اولان قریه لر دن جمال و بغال و سار و اب جمع  
 و اول ایچو چایدار اول اولدی که مزبور محله دن مجتمع اولان زاد و زخیری امیر خان بک اورد و  
 نقل ایدر وب اورد و برزه متین و رفیع طایبه لر و انبار انشای ایدر وب نقل اولان غلاتی حفظ  
 ایدر لر اوج کون نصرک سوورداش قلعه بغداد جانبه عازم اولوب ایکنی منزله حله خان  
 رینی و بلبلو باشو امور دیده لر جمع ایدر وب بغداد ک و تبریز ک عثمانی ایدر دن نزع و تخلص اولدیلر  
 باینده مشاوره ایلدیلر و نهایتنده نادر خراک لشکر تنک خاطرینی اله املو ایچو راه اعتداله سلوک

ایر و ب سیور دیلر که ای بنم صاد قلم مجتتم ایه محنته گرفتار اولمشن قد اشلم او غورده حله  
 و باش قدر ایدر یاردا اشلم نادر غیر تم و آتش عیتم ایه یا نشن یا قلش صد اقتدار لم بنم ایچو  
 بعیده دن کلوب سین متعده دن برورد و کرم و ریخ و محنت چلوب و چخه کردک بلالرده بولنده کرمان  
 هلال سیر سفر ایتدیکجه بر کامل اولمز و نیک قطره سی قدر دیا یه ایندیکجه دریکتا اولوب کوه شهره  
 اولمغه لیاقت بولمز بو حالته که بغداد خلقی کر عسکر ک اعداد و اعانه سندن مایوس و تشویش  
 قحط و غلایه مانوس لر بو عسکر کیل خو خوار ایدر اکر بغداد قلعه سنک اساس و تکی تحریک و  
 تقلب اولنر سه و قلعه مزبور ک نزع و تخلصنه بر تقرب یول بولنر سه و وقت آخردن فتح و ظفر  
 متصور اولماز و قیامتدک بو خصوص بردخی نزدما حصوله کلر بیت بازی ماکچه اول  
 خام می ایدر چشم در عقب دارد تماشا های رنگین عجز نادر دن بو جانکه از نیازی اشته کلرنده  
 جمله کی جوش و خروش کلوب متفق اللفظ نادر او غورنده جان و با شیله بزل مقدر ایدر  
 تعهد ایدر وب کرباز لوقه و جان کز لوقه ایله غلیظ ایدر عهد و امان ایدر وب بو نیست و غیرتندنه قیام  
 و نباتی تاکید و تائید ایتدیلر بو عهد و میثاقی اتمام نصرک عسکره امر ایلدیلر که اورد و ده نه قدر زاید  
 بغال و جمال و اداب و ادایه شهر زور جانبه که تور و ب عسکره بر ایلق کفایت مقداری زخیره  
 یو کله و ب نهر دیاله کنارینه نقل ایدر لر قرونلر بنا اولنر بیکاد و سار ماکولات قوتریله ب بغداد  
 محاصره اولنر که کون یتلک آرزق عسکره اولاش و ده لر در بیان آمدن توپال عثمانی پاشای  
 سر عسکر بمقابله جناب نادر و وقوع محاربه و شهریه شکر عسکر مشارالیه بو کونه قول و قرار  
 تمام اولد ق نصرک نادر اورد و سیله قالقوب قره تپه نام محله وارد اولدیلر عثمانی ندو جانبند  
 بولنا اکراد بو حالی مشاهده ایتد کلرنه تعجب ایدر وب زخیره و غله دیاله کنارینه جمع اولوب اورد و  
 لر بشقه جانبه چلوب کتمک ضعف حالدرینه دلالت ایدر و یا خود ایرانه بر واقعه حادث اولدی  
 دیو ملاحظه سیله نادر اورد و سی چیلوب کندی دیو عسکره خبر تیشد ریدلر اول دخی بو معنایلی  
 نادر ک ضعف حالنه و فرارینه عمل ایدر وب عمده الوزرا مشن پاشای ایکی تنک نفر لکر ایه موکب  
 نادر کی تعقیب ایچو فرستاده ایلدیلر ایکی منزل فضا نادر اورد و سنی متعاقبا وارد اولوب اورد و  
 قره تپه نام محله نازل اولد کلرنه مشن پاشای سوورداشیه ری فرسخ محله واقع آغ در بند نام محله  
 ضرب خیام ایلدیلر مزبور مکان ایکی طایغ میاننده واقع اولوب یولی بره منحصر اول دخی غایت تنک و باد  
 ایدر قرا اولر و ساطیبه بو مرزده نادره رسیده اولد قده مجازی الاخری تنک ایتد بختینه کونی بر کوه منتخب

دوازده هزار و در اصل  
 با همه قدر نوبتند



لشکر ایله جاده غیر متعارف چولستان اولان بو ازیس یولیه اول جانیه روانه اولوب  
 وایلغار ایرو ب قنار اعتمی نله قراولرینک دیره بصیرت لری دخی باصره لری کبی غفلت اولوق سینه  
 باغله اولغه قنباش لشکرینک معهود اینجه و طار معبردن عبور لرینه واقف اولوب مزبور  
 خسر لرا اسرسل و جرمه اول یولدن عبور ایرو ب علی الصباح ممش پاشانک اوردوسی اوزینه  
 بلای ناکرانی کبی نازل اولدیله بیت خدیو عی و بند و کشود کسای زدر بند اخراخت ذریس لوای ننه  
 اکثری تفنگی و جزایر حیاطیاده اولوب سنکلا خدن و بیته کاهن قیاره طرمانوب کاه یولرین  
 اعوجاج و انحرافی و کاه طاغیرین ارتفاع و انحطاطی مشاقتی متحمل اولوب بنک بلایله در بند  
 داخل اولوب اوز لرینه یوریش ایتکلر نه عثمانی نلو نکه جانلری باشلرینه صحرایوب فی القود  
 تسویه صفوف و سل سیوف ایرو ب طرفین بری برینه کیریشوب کاه تیر و سنان و کاه تیغ خون  
 فشان ایله مردانه جنکه آهنک ایلدیله حقا که طرفین پایدار اولوب رستمانه جنکه ایتدیله  
 بیت دستم اول جنکی کورسه ایلی تمام ادلکی کنده ایرو ب حرام نثر اتفاقا سر عک مشاد ایله  
 حضرت لری ممش پاشایی نادر اوردوسی تعقیب ایچو اول ایلدک نصره کنده کسی خسته و بیمار و  
 محتاج تیمار ایکن نشنه صد قلنه حرکت ایرو ب و اجل الی قفا سته برسه اوروب شایر ممش پاشا  
 بود فعه دخی نادره غلبه ایرو ب برینک نام کسب ایرو ب خدمت سابقه سی دولت علیه نکه  
 پسیره سی اولغه وزارت نالنه و یا ثانیه ایله چراغ اولوب بر اعلا منصب دخی کنده سنه  
 ویریلور و یا خود رتبه والای سر عکر لک اکا احک اولنور ملاحظه غیر مرضیه ایله ممش پاشا  
 امداد نامیله تخت روانه جالس اولوب محل معرکه یه توجه ایلیوب اول هنگامه قیامتده که  
 شمیر و سنان و بارقه تفنگ آتش فشان ایله کوزلر خیره لنوب و سپهر نیل کون غبار کار زار دیتن  
 لنوب دمور توله لرا اوزره مزراقله و قلچر شادردیسی افلاکه صد اصلا ردی سر عکر مشاریه نمود  
 اولوب بر و یازی و جبال و تلال عثمانی لرو عکیر یه مالا مال اولدی و ممش پاشا لکیرنه دخی قوت  
 قلب حاصل اولدی تفنگ سنلکنه آهنک ایرو ب کاه جنک کاه آهنک ایرو ب کاه عالیه و له  
 ویریدله و هله اولیه قنباش لشکر برینه کیریشوب مضطرب اولدیله لکن بیت بیخ راحت دانکه  
 مطلب بزرگ کرد کله توتیای چشم کرک بزم دلونجه به معنای دخی علی بیسل الاستدراج کنده سنه  
 ادراج اولنا غیبتلردن بیلوب برینجه لری نادر الذن طولو ایچو موت اوزره مبیامه ایرو ب سد فقه  
 عنان طوغر و له بود و در کسج قشایردن صدای موحش ایله چاغره رق خنیزر سویسی کبی بر حله دن

یوریدیلر شویله که لر هکذا در لرنه دریا آتش اولسه یوز لری دو نیوب آتلی ایباغی التنه ه  
 منطفی اولوردی ملاعین سرست تیر و تفنگدن و سیف و سناندن یوز چور میوب ایتراجر خچی  
 عکیرنه او غریله چرخیلر فوق الملحوظ اقدام و مقتاته یه اهتمام ایرو ب لکن طیانوه لکن  
 اولیوب متفرق اولوب اکثری قلبی کچی اندن قلب عکرا اوزرینه هجوم ایرو ب لشکر بلو کلری  
 بر لرینه کیروب قنباش ایله مخلوط بوزیلوب راه کیزه شتاب اولدیله سر عکر حضرت لری که  
 برینجه ایامد نبره نامزاج اولوب باشوکت و شان تحت رواندن جالس ایدیله کمر منازم اولوب  
 طرف طرف قاچغه یوز طوطه قلرین کورده که حاضر بولنان خواص خدامنی و ایچ اغاریس هر  
 طرفه کور و فراتیروب جمع و تشنه اقدام ایرو ب کورده کورده کورده کورده کورده کورده  
 سر عکر دخی تنک اوله بو حالان ادباده اعتراف ایله ناچار بویله تنکناره مهم فرار ایچون  
 صقلدیغی آتی طلب ایلیدی چکی ویریدیلر سوار و عازم فرار اولدی قنباش لشکرین بر کوره اندری  
 تعقیب ایلیدی نادر کنده کسی بقیه لشکر ایله در بنده عود ایرو ب ممش پاشا ایله اولان لشکر اول  
 جای تنکه قبادوب اتی بو کرک و یا غنه قوی اولنلر جان عزیزینی سلامتیه حقا دوبا اتی یوز  
 و ضعیف پیاده اولنلر طعمه سیوف اولوب مورخ روایتنه کوره اون بنک نفره قریب لشکر  
 شمیر اولغه شهید از مره سنه ملحق اولوب و اوچ بنک نفر حیاط کور قنباش سر عکر فرار یلینی  
 تعقیب ایرو ب قنباش کورده کورده عقبیکر لک ایرو ب عکرا اسلامک پشاه لرینه ال صنوب قتل غارت  
 ایرو ب کبی محابا قلب لشکره دخی قویولدیله ایشا لفریتمده کیر ایلی برد و زخی الله یار نام جهنی سر عکر پاشاید  
 ایریشوب علایمه سر عکر اولدی یعنی بیلوب قادشو جانبندن الله اولامز راغنی حواله ایلیدی عکرا  
 پاشا هم بیمار و هم سکنه و سوار یلکه پیاده اولغه تدارک ایرو ب میوب مزراق بو غا زدن کیروب  
 اکسندن قاریش یلک کورده کورده جهنی تین سن چکوب سر عکر سقلده آتدن اینوب باش  
 کوب مزراق باشنه حقا دوبا بو حقا رتله نادر حضور دینه کورده کورده کورده کورده کورده  
 پاشانک اوردولرنه اولان اعمال و انقالی طوبخانه و مهماتی قنباشیه دلخو اهلری اوزره اخذ  
 ایلیوب نقود و خزینه لرین نادر خزینه سنه نقل و ایصال ایلیله عکرا اسلام بو و قعه ده اولان  
 خدار سج و قایعندن بر تار کیده کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده  
 اکرم شهید عثمان پاشای مکرم حضرت لری کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده  
 غضبه کلوب بهی نابکار کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده

۱۲۸



دیوبند غشی دخی بولور و دیوبند اسیر لردن او و دو قاضی سی عبد الکریم افندی و بریر اقا اسیر لردن معا کتک  
او زده سر عکرم جو مک نعشی و باشی بر صند و قه قویوب و کتک روانه تحیل ایر و ب بغداده  
استد دکری مده فذه دقتن ایلسو نلر ایچون بغداده اول ایلیلر انون نادر عو د ایر و ب قره تپه نام محله  
عطف عنان ایلیلر لو رستان بکلر بکی چاپوشلو بابا خانی بر کروه قرلباش ایله تعین ایلیلر سر آتی  
هو ایلسنه سال و کلاک ترتیب و دجله دن عبور ایر و ب حله و کجف و کربلا نام مو ضلعری ضبط و  
ایلیوب دجله نک او ته یقه سندن ذخیع یولنی اهالی قلعه او زینه سر ایر و ب موکب نادر ک و رود  
منظر اوله بقضای الله تعالی چونکه نادر یان عثمانلو عسکر نک کزنده و منتخبلرینی که وجه محرر او زره  
منه زرم و پریش ایلیلر بلاد آذربایجان و تبریز استیلا ایر و فرت شجاعت و جلا دته مشهور تیمور پاشا نک  
قره و استیصال ایچون اول جانبه عازم و نقطه و جو دینی صحیفه دوکی زمیندن کزلک شمشیر ایله حکم  
ایتکه جازم اولوب تبریز جانبه روانه اولیلر بانه نام موضعه وارد اولور قلزده خبر دیده اولور که  
مشاد ایله پاشا حضرتلری دیاله صوی کتارنده بولاد پاشا نک شکست خبرینی اشتیگی بر له قلعه تبریزی  
رو میاندن تخلیه ایر و ب و ان طرفه روان اولیلر سابقا تبریز نیسی لطف علی بک که اول هنگامه مراغه  
توقف ایلر ایری تیمور پاشا نک رجعتند نضک تبریزه داخل اولوب قلعه یی ضبط و تصرف ایلیلر نا  
بو خبری اشتکه او و دو سنگ قرار کاهی اولان قره تپه جانبه عطف عنان ایر و ب ایلیو یولیه طوز خرماتی  
نام محله وارد اولیلر اول مکانه محضه بلله حکم طغیان خبری تو اتر ایله شیوع بولوب درون نادره  
دغدغه انداز اولور **درد خبر طغیان محضه بللو** بو حکایه نک تفصیلی اولور که وجه محرر او زره  
محضه بللو ج رایت افراز بغی و طغیان اولوب لو رستان فیلی تو ابعندن رجعت و شیر از جانبه عزیمت  
ایلیلر دیز قول متصرفی قاسم بک انواع صیله و خدعه لری مشتمل کاغذ کونر و ب بر تقریب الیه کتور مک  
داعیه سیله و یا خود کند و سنه رام ایتمک فوجا سیله مکر آمیز و فتنه انگیز دروغ بی فروغ یاز و ب  
فرستاده ایلی قاسم بک تحریر آنک سیاق و سباقندن انار نفاقی استنباط ایلر که وقوع غرض خو  
ایر و ب دیز قولن قالقوب شو شتر جانبه عزیمت ایلیلر شو شتر اهالیستی قابولری قبادوب قلعه دیله  
بزهان نام قلعه جانبه روانه اولوب وارد اولیلر بر قاج که نضک محضه علی الغفله قلعه یی  
داخل اولوب قاسم بکی و اتباعنی مقید و مجوس ایر و ب قولر اغاسی محضه علی خانک اقر باندن سابقا  
شو شتر حاکی اولوب ابو الفتح خانی سینه شو شتره حاکم نصب و تعین ایلیوب فرستاده ایلیلر شو شتر اهالیستی  
دولت و اقبال توجه ایلی ملاحظه سیله مزبور ایستقبالی ایر و ب طوب و تفنگ ایله شکر ایلیوب کور و

و عبور ایله مزبور دی حکامه مخصوص سرایه ایندر دیلر بر حاکم و الیمزی بولر قطن ایر و ب  
قاتی مفور اولیلر حویون اعرابی و مشایخی دخی مزبور دخی خان ایله اتفاق و اتحاد ایلیلر سید علی  
برادری سید رضایی حویون یه خان و حاکم نصب ایر و ب اولاد آل کثیردن شیخ فادس نام کسنه یی  
کوهکیلیویه والی تعین و اول ایر و ب کند و سی شیراز جانبه روانه اولیلر شیراز بر فرسخ محله  
مروالی ای سلطان خراسا عسکر کندن اوچ بک نفر لشکر ایله مدافعه ایچون قار شو جقوب بر مقدار اللش  
دکرنه مغلوب اولوب قلعه یی قبانوب تحسن ایلیلر اوچ کون محاصره نضک صو و زخیر  
صقلوب راه بخا ته طالب اولوب استیما ایلیلر کزنده اما ویر لری ایستلر کتک لکری قیل و آجلقدن بصری  
کلیل اولوب ناچار اطاعت ایله تخلیص جان تارکنه دو شو ب بر قاج معتبر نفر کسنه ر قلعه دن  
کونر و ب نفسنه و حالنه و اتباعنه بر ضرر او لمامو شرطیله محضه اطاعت و التی و تسلیم  
حصار ایتمک او زره عهد و میثاق رجایتیلر محضه خان دخی سولنی قبول ایر و ب وجه شروع او زره  
و عدو عهد ایلی ای سلطان دخی مزبور ک پیما و ایمانته اعتماد ایر و ب جمله اتباعیله قلعه دن  
بتوجه بولوشوب اول کون تو قیر و احترام ایر و ب ایر ته سی کون کند و سنی و اتباعنی دخی مقید و مجوس  
ایر و ب مجلس ناگامیده قاسم بک ایله برهنه نشین ایلی اهالی قلعه و اعراب بنادر دخی محضه ایله یکل  
ویکجهت اولور او زره عهد و پیما ایلیلر و اعراب دو سالر دن شیخ احمد مدنی و شیخ جباره دخی مزبور  
ایله اتفاق و اتحاد ایر و ب مال و لشکره اقتداری هر وجهه میسر اولوب و افر لشکر ایر و ب آدی بللو  
نامد اشجعان و خراسان قسمنه رعایتی لازمه مصلحت بیلدی دفته دفته او ب نک قدر دلاور لشکره  
مالک اولور بو خبر سمع نادره عکس ایتکه استر آباد بکلر بکی محضه سیننی ان قاجاری خود رستان  
سرداری ایر و ب مزبور دیشین ترتیب جزایر ایچون مأمور ایلیوب محضه سیننی ان دخی استر آباد عسکر یی  
جان و ماددای یولیه روانه اولیلر قاین حاکی اسمعیل خان خزیه یه که هیکلیوه ایالتی احسا  
اولوب سائر فادس و لایتنر دن هر برینه خراسا خاندن بر حاکم اول ایلیلر و مرکز و خاندن کزنده و منتخب  
لشکر دن او ب ایکی بک نفر قشون تو شو ب و لانا فادسی مخالفندن تخیه ایچون روانه اولیلر و جلایری  
ظواهر بقیلتی نه فرما اول ایلی که سکه عراق اختیاری و نامداری س کل عسکر ایله اصفهاجا  
اسمعیل خان خزیه که هیکلیویه جانبندن و سائر حکام و جنود ایچ احتشام هر بری کت و لایتنری جانبندن  
اشته تازده جمعیت ایر و ب مخالفی دفع ایله آتش فتنه نک انظافانه سعی و اقدام ایر کزنده نضک  
نادر اول منظر دن حرکت ایر و ب کرمنی دای جانبه عازم اولیلر مزبور بدیده وارد اولور قلزده چاپوشلور بابا



بر عرضی لکلید که بوجانبند حرکت بیورد قلعه نضک در جلوه دن عبور ایروب شایر عثمانلو عساکرن  
مقابله و مقاتله ایچو قلعه دن چقوب اوزریمزه کله در ایسه جنگ ایسه لم دیو کهرنه بغداد  
حوالیسنه برکیه توقف ایلدک عثمانلو ایسه بر مرتبه خوف و دهشت کنه ولیننی استیغاب  
ایلدکه اگر بیزدن بر آدم اندون بر کسنه نک قابوسنه طلبک ایچو اوسنه حلقه دوع  
ایسه نفس آلوب جواب ویرمه اقتدار لری اولماز بو مرتبه خوف و دهشت کنه ولیننی استیغاب  
ایروبا قلعه دن طرح حقیقا جقری متیقن اولدقه حله جانبند وارد اولوب حله خلق اول  
حوالیسه اولاهالی جمله سی مطیع فرمان اولیدلر نادر بر قاجار کون کر منی رایده اقامت وانده بغداد  
جانبند عزیمت ایروب شهر جازی الاخرک یلکری التنج کونی سنکر قیوم اولان محله وارد اولوب  
اوتاغی قوریلوب سائر عساکر دخی ضرب خیام فلك فام ایروب عثمانلو جانبند احدای الامرن جنگ  
وصلی منتظر اولیدلر عجم بو مرتبه غلبه ایترکه بغداد والیسی پاشا حضرت لری صلیه قائل اولوب  
اوج کون نضک نادر حضورینه بر معتمد میسنی کون ندروب کاغذ کتوردی یا زمشکه بو حصه  
پادشاهی پناه حضرتینک وکیل مطلق اولوب انلرک جوابی بیزده اولمغه سلطان سلیمان علیه الرقة  
والفقراء حضرتینک ایام دولترنه منعقد اولاصح وصلاح اوزده وعهد قدیمه قراردادده اولان  
تجدید سنوره بنا ایکی آیه دک وعده اولوب ایردیزینن اخذ اولنان قلعه لری تخلیه شه عجمه رد  
وتسلیم ایره لم نادر بو مسؤلی قبول ایترکه ایچبا حفظ لریون ایره کنجه و شیر وان و تقیلس سائر  
ایران زمینده والی اولان پاشا لره طرفین معتمد لری بیه فرمانلر کون ندروب قلعه لری ایکی آیه متسنده  
تخلیه شاه عجم تسلیم ایچو تنبیه و تالیه ایلدیلر بعد ایچپاشا حضور شاهه لایق پیشکش کون ندروب  
لهران جنگنده و عثمان پاشا محاربه سنه قزلباشیه دن اخذ اولنان اسارای بغداد قاضیستی عبد الله آدی  
ایده معا ازل ایلدکه نادر دخی انشاء محاربه ده اخذ اولنان گرفتار لری امر اسنه و اوجاق  
ضابطرینه خلعت کیدر وب جمله سنی مرخص ایلدیلر اگر چه اولکی نوبت نادرک مطلب اعلامی  
بغدادی فتح و تسخیر ایلدکه نضک بخف اشرف که امیر المؤمنین لیت الله الغالب علی ابن ابی طالب  
کرم الله وجهه و رضی الله تعالی عنه حضرتینک مرقد شریف لری اول بقعه مبارکه ده درو کربلای  
معلکه امیر المؤمنین حسین بن فاطمه رضی الله تعالی عنهما حضرتینک کتیر ایله اولیغی محمدر اول  
بقعه لری زیارت ایری اول نوبت میتر اولدقه بو دفعه جمله موانع فیصل بیزرا اولوب صفا  
خاطر ایره امامین کاظمین حضرتینی زیارت و اندن حله یولیه وارد اولوب مرکز بقعه لری

زیارت ایروب سینه اوردویرینه عطف عنان ایلدیلر در بیان توجه موکب نادر نادر به جانب فارس بعزم  
دفع محمد خان بلتوج و شکست محی و وقایع آن زمان عبرت بینان سنه فیس و فیس و مائة و الف  
احب الفردک اون بشنجی کونی شرت شتاده نادر بغداد دن وصلت ایروب طوبوخانه و مهماتی خرم  
آباد فیلی یولدن اصفهانه روانه ایلدیلر چو وجه محرر اوزده حاکم سابق شو شتر خانی ابو الفتح خان  
کفران نعت و درو سیاه لوه ایروب محمد بلتوج جانبند شو شتر قلعه سنی ضبط ایلیوب حویز  
مشایخیه دخی لهر استان اولوب نادرک خلافته سالک اولیدلر کعب طائفه کی و بنی تمیمه قبیله  
دخی دیز قول حوالی سنی غارت و افشای شرارت ایلدلر ایری و حویز کردارینک استی دخی نین منجر  
اولیغی معلوم اولما مغله باغای یولدن روانه اولوب بیست نام قلعه یه ورود لرنده  
بارو بنگاهی براغوب دیز قوله وارد اولوب بر کوه لشکر شو شتر اوزرینه حواله قیلوب  
کنه و سی بر فوج دلیران ایره بیابان یولدن حویز جانبند شتابان اولیدلر ایرته کسی کون  
علی الصباح حویزه یه داخل اولیدلر محسینیان کرداری که اول ایامه دکیس حویز اعرا  
کیه و دریده گرفتار ایلدیلر بو دفعه کنه قلعه سنه تحصن و مقام مخالفته تمکن ایرن اولاد آل  
کثیرن ترتیب جزا ایچو ازل ایلیوب نادر دخی حویز ده اوج کون طرفنده نظام و انتظام امور  
مهاد نضک شو شتر جانبند عطف عنان ایلدیلر انشاء راهه خبر وارد اولری که نادرک اول جانبند  
توجهندن شو شتر اها لیسیتی حیرته قالوب اطاعتن غیر چاره بیلوب جرایم سابقه لینه  
توبه و استغفار و استغفایر وب ربقه اطاعت نادر بره ادره رقبه لریس ادخاله قابل اولید  
پنادر ارجنه مزبور قلعه یه وارد اولوب ایرته کسی کون علی الصباح فرما قهرمان قهرمان ابو الفتح  
خانی نشانه قهره آماج و اها لری شهرک اسباب و ائقال لری امتعه و اقمه لریس بالجملة تاراج ایته و  
روب اول خیر کری مقتول و اها لری شهرک ماملک لریس اخذ ایتمک ایره مزبور لری محمدر اول ایلدک  
صلح خراک دیزلرین بر ضابطی انلرک اوزرینه حاکم نصب و تمیس ایلدیلر چونکه بختیاری طائفه  
دخی بیان اولدیغی وجه اوزده جاده اطاعتن چقوب و راه طفیانه سلوک ایروب صعب المسالك  
واله لوج کوهستانلره عروج و اطراف و کنافی غارت و اول حوالی اها لیسیتی تضيوع ایره خلوع  
اوزرینه بر بلای عظیم و لشکر ایری فیلی بکلرکی بابا خانی سردار نصب ایروب اردلان و لهر و کرمان شاهان  
حکامنی دخی معیته تمیس ایروب یلکری دوزس بنک نولکر ایره مزبور طائفه باغیه نک ترتیب جزا ایچو  
ازل ایلدیلر کنه و دهشت و کوه لکیلویه یولیه شیر از جانبند متوجه اولوب بارو بنگاهی مهر زده



بر غوب منزل بمنزل اول جانبه روانه اولیدر بهرمان نام محله بر منزل قالده خبر وارد اولدی که  
 اصفهاندن جلایری طرفهاستقلینی و خزیمه بکلر یکی اسمعیل خان محمد خان بلوچک دفع غائله سیچون  
 اجتماع و اتفاق ایوب و مقر حکو متلندن حرکت و بر لرینه ملحق اولیدر محمد خان دخی شیر ازدن لقب  
 و افرجعت ایله انلری مدافعه یه آماده اولمشورنادر بو خبری اشتمکه بهرماندن ایلفادایه و ب خیر آباد  
 نام محله وارد اولده تعجیل فرمائی که ندر و ب موی الیها عکریه دو کندان نام محله نادر اورد  
 ملحق اولیدر محمد بلوچ دخی کند و بقیته شوستان در بنینه و رود و توقفا ایوب ایله و جرجی که ندر  
 نادر قراولری انلره دوچار اولوب تیغ و تبر زبانیه انلرک اوراق اعضا انلره در جدائی شرفتی نکراد  
 ایوب انلردن برکوه دخی تیز عنانلو ایوب فراد ایلیدر واروب خانم نه طور در سز نادر کتورمز  
 لشکر ایله در بنه کلدی و قراولری جرجی لشکر کی جمله قیردی بیز که جیلده قور تلاق دید کلر نه خبر دسانه  
 آزاد ایوب بونه اصا سزاد اچیف لاقردیر نادر بغداد جانبلرنه عثمانلو انلر یقاسنی قور تاردی که  
 بو طرفه قنده کله بیلور کلن سردار در بویه باطل کلامه وجود ویر لردیوب رسانده اخبار موش  
 اولدیچیک اول کلنلری قوغدی و فرت عسکرینه مفر و اولوب در بند بو غا زینه استحکام ویروب  
 معبرک یکی طرفنی حدن زیاده پیاده تفنگچی ایله مالا مال ایوب زخمی راه عبوده خیل استحکام ویردی  
 نادر صیبه که اول کیجه در بنه نیم فرسخ محله توقفا ایوب صبحی کاهان بایر اقدرا چیلوب ایلیدر  
 قوریلوب میر تخ صولتو خیر کندان و سماک سوطه تلونیز داران دلاور شجها ایله در بند قارده  
 ایر شوب بهرام کین و صلابت قرین تفنگچیلری در بندن یکی طرفدن شرقی و غربی جانبلرنن یورده  
 مأمور ایوب بلوچ ایلیری ظاهر اولده ایله و ده طرفینک جرجی لری جنکه شروع ایوب مبارزلر  
 سوار و پیاده لراظهار شجاعت و بلوچیانن کله لرا لوب نادره باش و دل کتور مکه بخشند  
 ویر لکلره نائل اولیدر آتش قتال اشتعال بو لوب یکی لشکرک مقدمه سی بر بنه کیر و ب بیجک  
 اولوب و هله اولی ده بلوچ پیاده لری خیل جرات کتور و با زره جلدن طلوع کتی قور شون  
 یاغدر و ب زخم تیغ و تفنگ و هجوم بی آهنگ ایله نادر قشوننی خیل طایه دقه ضابطه انلره دیوس  
 بر تو نما قزلباشیه یه حایق و بیره قوماک یکتو شاه دشمن بنی غیرت ایلاک دیو ات سوردوب جنکه  
 تحریص ایوب غیرت ویر لردی قزلباشیه دخی غیر ته کلوب حکم قور شون یاغدر و ب یا یا بلوچ جیانی  
 تو سکر و با تلوه و زرنه دو کلیدر محمد بلوچ دخی اقدام ایوب کر میت نادر یکار حدن آشوب طرفین  
 زیاده اقدام ایوب طیانیلر بالاخر قزلباش شجها نلری اول کوهستانن طلوع کتی و کلن قور شولری

قطر ابر بهادر دشمنی است کسی که هار قصه در ایوب تیز دستک و پای مردک ایله اول  
 قله بلند او زده استعلا و افلاک سر چکن کوهستانه استلایه و بس طرفیندن نو ایر شودین  
 اشتعال بولوب بر جنک دستمانه دخی اولدی که بهرام فک شمشیر خیرت ایله زمین صلاک  
 قزلباش بهرادر لری جلیت مردانه لرنه مرکه زاولان جو هر جلا دتی ابراز ایوب و ب شجها خوخوار  
 دوس مخالفینی جلدنن افرازا ایلیوب سخت محاربه ایلیدر محمد خان بلوچ فراد کوهن نظرایه  
 نادری باشنده که مضع صود غوغو جندن بیلوب زمرد لرن شجاعی اول مار خستونک نظرنه  
 دو قنده دیده اقبالی کور و چراغ حیاتی بی نور تو سن بختی پی و مرحله عمری طی اولوب این  
 المفردیه دکن شیدز کزیری مهیز تیز ایله انکیز ایوب و ب طاع او زرنه لنگ و لوک یوسرز  
 وادیلره و طاغره سلوک ایلیوب لشکرکی دخی طاغیلوب هر فردر کوشه ده اختفا و برد جا  
 فراد ایله پریشان اولیدر قزلباش دلاور لری که دشنه کبی انلر خوننه تشنه اییلر نادر امر ایله  
 برکوه فر هلیا یولندن و برکوه تنک کرایولندن انلری متعاقبا کیدوب اون فرسخ زیر سوروب  
 هنگام شام کور و کلوب اخترمه ایله لشکر غاتم اولوب بار و بنکا هلی و خیمه و فرکا هلی یغا اولوب  
 باش ویدل کتور و ب نادر او کنه طاغ کبی سیغیلر و نادر دن و افرانعام و احکام الوب بچه  
 شهر بازه دیر لکلر و چو دکلر ویر لری محمد بلوچ کتور و سی یوسرز کیدوب نه جانبه کتور کی معلوم  
 اولوب تعقیب ایین لشکر وقت غروب به دکیس جست و جوده اقدام و اهتام ایوب هنگام شام مقور  
 مقاملرنه صرف زمام ایلیدر محمد بلوچک اوچ بنک نفر دن متی و ز تفنگچی لری طاغده قبانوب قور شون  
 لری دو کتوب هر طرفه عمله ایوب قلمچکلر لری بالاخره جمله سی زبون اولوب سیف صالمغه باز و زرنه  
 قوت و یا قدر نه تکاپویه طاقت قالمیوب نامیده قاله قدر نه آردی او کی لشکر ایله بغلنوب خلاص حال  
 اولدیغنی بیلوب انلردن قلیچین فرادوب کتور لری کلب دیوانه کبی اول یکا بو یکا طولا شوب کیر  
 فراد ایتکه بر فرجه اراد لردی قزلباشیه اول به اختر لری کور و کور قیر قیر جسرین و کله لرین  
 طاغدن اشانغی دو کیدر اسباب و ائقال و اسلحه لرینی بالجه یغا ایتیدر نادر هله اول کیجه جلایری  
 طرفهاستقلینی کردار ایوب برکوه لشکر ایله محمد بلوچ بولمغه مأمور ایلیدر بنک قدر سلاح لشکر  
 قوشیلوب کتیدر محمد بلوچ ایسه شیر از جانبته ایلفادایه و ب بچه دده و تبه و آب خوخو ادی ایلیدر  
 صحرا یه دو شوب کیجه و کور نادر ام ایتیموب شیر ازه ایر شکی عیال و اولدین شیر ازدن قاله یروب جرم  
 یه ایله لار جانبته عازم اولدی کردار دخی بر قاج کور ندر نصلک شیر ازه وارد اولیدر چونکه محمد خان بلوچ



اسباب و اقبالانی جبه خانه و مهماتی و زاد و زخیم کنی شیرازده بر اغوب اغوب و بلبو جدن بر کوه لشکری  
دخی می فظه سینه تعیین ایلشیر ایدی قاسم بک کلدکه مرقوم مستحفظه استیم و استقبال اید و با قاسم  
بکی قلعه یه آلوب ایدی سلطان جسدن چقاروب مرقوم اید و با کردارک خدمت کمر بسته ملازم اولیلر  
سرداد شیرازده بر کون ملک اید و با ایره سی کون جمعیت فراوان اید و با بلو جی تعقیب اید و با لار جانبته  
عازم اولیلر مح بلو ج لار حه ایلسته و ارد اولوقده رسم استمال و استعانته مراعاتا یحیی خان بلو جی ایلر  
کونیه روب واقع حالی اعلام ایلدکه الهالی قلعه یحیی خانی مقیمه و محبوس اید و با وقایه لری قباد و با  
مح بلو جک لشکری نمایا اولوقده تیر و تفنگ اید و با ایله مرصبا ایلدیلر مح بلو ج امداددن مایوس اولوب ناچار کیمیر  
جانبته فرار ایلدیلر سردار فرار ایلردن پس عازده لری قتل و غارت اید و با سینه شیرازده عودت ایلدیلر مح بلو جک  
لهزیمتد نضک نادد منزل بمنزل شیرازده عازم اولوب شهر شعبان المعظمک یگر می التخی کونی شهره و ارد اولیلر  
طوبخانه و مهماتی دخی مهریز یولیه کلبه رمضان شیرینک سکر بنجی کونی شیرازده و اصل اولدی مح بلو جک  
کرمیر ستمته فراری نادره عرض اولوقده فرما کوندردی که سردار لشکری نسا و جهرم نام بلده لرده بر غوب  
یا لکر کنه و کسی عیال کله کرده ام و اصل اولوقده ایلغاد اید و با سینه ماه صیامک اون سکر بنجی کونی نادر  
حضور سینه و ارد اولیلر بعض کرانه سفار شیر اید مأمور اید و با کرکی کبی تارک اید قالقوب مح بلو جک  
و شیخ احمدی نیک و سار کرمیرده واقع اعراب کشرینک کز اینی دفع و غائنه لری دفع و جرایزینی ترتیب  
و بلاد و قلا علی بنی تحریب با بنده تنبیه بلوغ ایلدیلر و نادر شیرازده ایکس حویز کرداری طرفدن عریضه و ارد  
اولیکه قلعه نیک درون و بیرونه و واقع کشر و متره و عیند مشایخ اعراب و قزلباش که نفاق اوزده  
و فاق و خلاف اوزده ایتلاف ایلشیر ایدی مزبور کشر و اولاد آل کثیر بالجه طالب احان و راغب خدمت  
نادر نادر زمان اولیلر نادر ایدی که بالجه مزبورونی خانه لریه کوچ اید و با فرم آباد یولیه اکثر ابا  
و ارد اولوب مناسب محللرده ساکن اولار کنه و کسی دخی شوستان یولیه اصفهانه و ارد اولیلر اول  
ایامده نصر الله مرزاد دخی حسب الامر خراسان کلوب تقییل بساط کردون قماط اید کرافزا اولیلر  
دزک و قایع پادشاهی سیل موافق فرزند فاله فراد و صد و چهل و شش هجری و نوردوز فیروز زاین سال  
نهایت فال شهر شو الک دوردخی کونی شول هنگامه که خطه دلکای شیراز مق که کبه ظفر طراز ایدی  
خسرو فلک اوردنک یعنی مهر منو مهر ایوان جمله خراسان اولوب تحت جم سپهر عروج ایدی کوبکه سلطان  
بهادر عزم جهانگیر لکه نارضت بیوردی طفل غنچه میثمه کلبدن عرصه ظهورده قدم قودکی بوستان چوکنده  
ستان دایه ابر بهاریدن سدنوش ایدی و بر بهار کس شهر لایه ابلاغ مرده اید و با چشم روشن دیدی  
وقش

وقش قشوندی که رخنه کرباغ جهان ایلدیلر حکم قهر قهر مان قضایه بندر وجه ددن قلع اولیلر  
و خاقان کیتی کستان قوای دسیع عزم داغستان لاله و شقایقه لکران اولوب سبک خیز صبا و شمال  
کبی جولان ایلدی و قلعه شماغی قلعه شامخه که جنود نظاول شبا طک آرا مکالی ایدی هجوم جنود  
خرداد ایدله تسخیر اولندی و لریکه کوه نشین برهنی داغستان کوهستانن ایلدیلر حاصلی بهار اولوب طاع  
و صحرائی انواع شکوفه لرایله مرین ایلدیلر نادر نام ادر سلطان نوردوده جمله امر و اعیانه و کرباسا  
زربفت خلعت و قفطان الباس اید و با شمشه زرد زینور دن جمله عا کر لهر و شن آفتاب انور اولیلر  
چونکه بغداد ایلدی اید پشاد دولت علیه عثمانیه دن صلح و صلح و نیکه سنی اخذ و نادره تسلیم ایلدکه  
یکلی آی استر هال ایلشیر ایدی مدت معهوده تمام اولوب اول جانبدن بر خبر صریح و جواب صحیح  
کلیوب ارباب دولت علیه و امنای سلطنت بریه نیک انقلاب فارس بسینه امضای امر مزبور  
و استقرار حد و سنورده دفع الوقت مسامحه و مفاصله لری ظاهر و قویه اولوقده خود کشتا و کرمان  
و فارس و بنادک تمشیت مصالحنه فارغ اولوب سردار مسفور طرما سقلینانی بو وجه ولایته  
وکیل و مح بلو جک و شیخ احمد نیک تمام کار اینی دخی مرقومه تحویل اید و با قدیم شیرازده کلانتر و  
کلانتر چیه اولان شیراز لو مرزاتقی نام قزلباش پر خاشی اول ولایته نایب نصب اید و با اول کتمده  
واقع انتظام امور دن جمع خاطر اولوقده عثمانلو و سقو لویه لر نه اولان ولایاتی آنردن انتزاع  
استخلاص اچون زکی القعدة الحرامک اون دزد بنجی کونی شیرازدن حرکت و اصفهان جانبته عزم ایلدیلر  
نادر نام ایدرند خاصه سنجاقلردن اسپاس نام محله و ارد اولوب بر کون صید و شکاره میل طبیعی  
مقتضای سیر صحرا و چمن و تفریح نشین اچون حوالی اسپاسه واقع باغچه لری اطرافه خواص  
و مصاحب ایدله توجه اید و با صید و شکاره حقدی اول حینه دار السلطنه اصفهانن چاپار ایدله  
خدمت خاصدن بر خان کلوب تقییل رکاب نضک موقوف عرضده طور و با و غلی رضا قلی مرزاتنگ  
شاه حسینک قرنی فاطمه سلطان بکر بر شیرزاده جوان بخت و لودی ایدله تبشیر ایلدی چو اول شمع  
فواد ایدی و جوادی باعث کرد مو فود اولوب سینه نیک یوز قرق الیته شهر شو الک اون ایکنی  
یکشنبه کونی عشا و چده تو آید و با تفالاشا هرف مرزاتسمیه اولندی بو مرده نیک نسیم بهجت  
شیم وزان اولمقدن کوه کلتر باغچه لر نه رنگارنگ نشاط کلتری و انواع و الوان انبساط سنبلری  
اچلوب در خال نادر قرآن عظیم دن فال اچیر و با مورخ کتاب مهدی استر آبادی عیار و مکار حریف  
اولغه نادرک طبعنه موافق و مزاجنه مطابق بو آیت کریمه لی کوندردی و کذلک مکتا لوف



فی الارض ولعنه من تأویل الاحادیث والله غالب علی امره ولكن اکثر الناس لا یعلمون نادر دغی بوفالی  
ضبط ایتردی فقیر دیرم که اگر بوفال حقیقت حال او لیدی مقتضای مضمون شریفه بنام مزبور و اوله  
زمان عمر اولوبشان و شوکت و دولت و سلطنت صاحبی او ملالی ایکی صغرنه قتل و اعدام اولوب  
برسنه یه نایل اولمغه موافق مرقومک مکر و حیلگی و کذب و خدعه ظاهر اولدی اصابه خدیعه  
ایله نادر اولوب اغوا ایله اغرا نوب کذب صریحی واقع حال ظن ایلی منزل مزبور ددن حرکت ایله  
کمال بهجت و سرور ایله زکی القعه نیک یکر می شنجی کونی اصفهانه وارد اولوب ساری کون یکر می کجه  
شهر و نمناسی فرمان اولندی هر کون طوب و تفنگ شکلنه آهنگ ایرو ب عامه و لهله ویرردی  
میدان نقش جهان و سایر چارشو و بازاران انواع امتعه و اقشقه ایله برزس و زینت اولوب جیناز  
و اوین بازرد و درلو وینرا اظهار ایرو ب کیجه اولدقه خواجه دروازه سندن طوب غنچ نام محله ک  
مشعله و چراغ و قندیلر و ماهیه لایله شهر کن درونی و دائرگی مشعله جو اله کبی نیایا اولوردی  
سازنده و کوینده مطرب و مغنی برین رقص و نغماتی عالم افلاکه زهره و مشتری نام ستاره لری شوقه  
کتور ب رقص ایلردی اول ایامده او زرد و قاضی عبد الکریم افندی که سر عسکر عثمانی پشاکار به سنده  
دستگیر اولوب پاشای مشارالیه مرحومک باشی و نغشی مومی ایله افندی ایله بغداده آدل اولنیشدی  
دولت علیّه عثمانیه نکه وزیر اعظمی جانبندن رسم سفیرانه نامه ایله کلوب نادر ایله که رشید صدر اعظم  
حضرت ترینگ مکتوبنک مضمونه کو پرولی او غلی وزیر عبد الله پاشا بر مو جب فرمان عالی طرف دولت علیّه  
وکیل مطلوب نصب اولوب و سر عسکر کنگ و سنا احک اولوب ایران ایله صلح و جنکه مازون  
اولوب مستوفی مرآت ایله دیار بکه کلوب سیرک وکیل و مخصلیر دغی دیار بکه و اروب طرفینک  
و خلاسی بریره کلوب صلح و یا جنک ایکندن بری قراردادده اولنجی طرفیندن کسنه حرکت ایتمیوب  
سرحد عسکری لر زنده طوره و طرفیندن مصلحتی مقرون اولان امور او زرنه صلح و صلاح  
منفق اوله نادر بو سوزاری دفع الوقت و حیلایه عمل ایرو ب سیرور دیر که امنای دولت عثمانیه  
بو مضمون مقصود لری دوستلو اظهار و ابراز ایرو ب بو بهانه ایله یزلی عو ق و تأخیر و کنگ  
امور برین درست و نقد ایشارین تکمیل ایله لرینم مقصود یز اولور که ترضیع نفوس و سفک  
دعا طرفیندن منفع اولوب عباد الله آسیاشه اولار بو موعنی اول وقت مسلم اولور که ادرس صو  
اوتنه طرفنده اولان ولایت که کنجه و روان و سایر بلده و قری و قصبه سندن کفیر و فراغت ایرو ب عجم تسلیم  
ایله لکر دغی اولور درسه که اربنه جایی ایکی سندی فاصله اولوب بویقه عجم ضبطنده و اوتنه یق  
عثمانیه

عثمانیه تصرفنده قاله فیه و الا حاضر باش اوله لردیار بکه بیز کنه و مزور اروب اول صاحب سعادت  
پانت حضرت تریکه که رشور زبو مضمونه جو بک نامه یازیلوب مومی ایله افندی حضرت تریکه برقر باش  
ترقبه اولوب قاضی افندی دیار بکه جانبنه ارجاع و اعاده ایلیله و بوندن اول مسکو کفر کی  
نادر اشرافیه کلانات نام بلده یی بوشادوب عجم تسلیم ایرو ب در بند و باد کوبه نام بلده لری تکیه و سلیم  
ایلیکه بر قاج آئی استر هال ایرو ب و معتبر بالیوز لرندن برینسی اصفهانه کوندر و ب تجتس اخبار  
و اطلاع احوال ایچو نادره اظهار خدمت ایرو ب او در و هنر نه جانبه کسه اول دغی برابر کیرو ب  
آیر طر ایکی درین حرکت موکب هایت از اصفهانه بفرم تسخیر شیر و و وصول خبر کف قاری شیخ احمد دغی  
و محمد بلوچ و وقایع عرض راه اصفهانه انتظام امور مرها مندن فارغ اولدقه نصلک بنک یوز  
قرقیری تار کهنه محرم الحرامک اون ایکنجی کونی نادر اصفهانه حرکت ایرو ب لری یولیه راه مقصوده  
روانه اولیلر اثنای راهه خبر وارد اولدی که جلایری طرما سقلینی کردار حضور نادر ددن مخص  
اولوب اعراب او زرنه سفیرانکه اعراب بنادرک مسکنری اولان خنج و عوض قلعه اینی کهره  
ضبط و تسخیر ایلیوب قلعه باغ محاصر کسه شغول اولدی چو کنگشک نام قلعه شیخ احمد مدنی  
متعلق اولوب شیخ مومی ایله روسای مخالفیندن برمه محتشم درگزین و سقان اعراب لرندن جمع کثیر  
باشنده مجتمع اولمغه صاحب اقتدار ایکی محمد بلوچ خان که اول زمان دشت قلعه سنده ایکی دارک  
ورودندن آگاه اولدقه استمداد و استعانت ایچو شیخ احمد مدنی جانبنه عزیمت ایرو ب التي یوز نفر لشکر  
ایله روانه اولوب کنگشک نام قلعه یه بر خر کج محله قونیلر سردار بوندن خبر دار اولوب بر کر و لشکری  
قلعه باغ محاصر کسه تعیین ایرو ب کنگشک بقیه لشکرایله ایلفار و قونز قری یرده هر کس و عائلده  
ایکن علی الغفله با صوب بر کر و هی طوعه شیر شیر و بر کر و هی اسیر ایرو ب محمد بلوچ اقل قلیل ایله سمیت  
سوا حله فرار ایلیک شیخ مومی ایله مبادی حالتدن سوا حل اهل ایلیرنک اختلالنه بسب اولوب  
بنادر اعرابی بیننده دائمی حد و شقاقه مؤدی اولدیفندن کردار انوک قلعه شیخ تریکه  
عازم اولوب هر قلعه او زرنه وارد اولدیفنی کون قلعه یه داخل اولوب شیخ دستگیر و اهلای قلعه یی  
بالجمله اسیر و اموال و ارازا قریس سیر ایرو ب اول حوالیه اولان سایر قلاع و مسکنی دغی ضبط و تسخیر  
ایلیله واقع حالی نادره اعلام ایتمک لرنه جمله بلادی تحریب و اهلایسنی تسیر ایله امر ایرو ب کردار دغی  
بروق فرمان علی زعمم اشیانده فساد اولان قلعه جاتک جمله سنی ویران ایرو ب و اهلای قلعه یی کویچ  
ایرو ب کر میله خراشا آدل و مناسب محله کله کلای ایلیله شیخ احمد مدنی روسای اعرابن بر قاج نفر معتبر کس  
عثمانیه



ایله نادره کوندر در نادر خود خواری: او تاغ او کنی آچدی و بسا کله او زرینه و قورانه اتور و بسا شیخ  
او میران سیاسته کله با طور دقه نادر بر نگاه خونیرز ایله شیخ احمد طوغری باقوب آواز بلند ایله  
برگه جلا درید که جلا دی اما کله با شیخ کله سنی غلطان ایر و بسا او تاغ قادر شوکده آصه قودیلر بیت  
اصلی کرکی در که شاهه: او ده بولدی رفعت بودر کا هده نذر ماله لجه نیل رتبه درجه شهره تله  
سرفراز اولی اما محمد خان بلوچ کشک قلعه کی حوایسندن فرار ایلاک نصکر راه چاره یی مسود  
کودوب و حیاتن قطع امید ایر و بسا حوایل جانبه شتاب اولوب کچی یه او تور و بسا هوله اعرابک  
مکنی اولان جزیه: قیه کیزان اولدی هوله لو شیخ داشک او غلی شیخ علاقه خانه سنی  
و عیالی و سائر تعلقاتی بنوده نادر یان الله کرفار ایریلر کنده عیالینی استیلاص ایچک نادره بونک کچی  
بر بویک خدمت اولماز دیوب محمد خانی و سیله سنجه اولان خدمتی اسیر و در زنجیم ایر و بسا کرده فرستاده  
ایلی کرددی بو خدمت بسنیره مقابله کنده ماملونه عشایر و بسا و محمد خانی مغلول و مقیدان  
که ندردی چونکه نادر مقدمه مزبور خان خایینی منظور نظر عنایت و صاحب مملکت و ولایت ایلیوب رتبه  
والا احکام ایر و بسا امثال و اقربانی بیننده جمله دن کرا فرار و کر بلند ایلا شرایر کی کفر نعمت و اغراض الیکون  
ماعد انادریله عهد و میثاق اشناسنده ناک و هنی ازاله و غفلتی اطاله ایچک او کینه طوز و آتمک  
و قلیچ قویوب بیت با مصحف شریف ندرانه نسبتی: دنان قسم بقبضه شمشیر و نان خود نذر مفروضه  
اگر بن سکا غدر ایردیم شول طوز و آتمک کوزیمه طور و بسا شول قلیچ کوردمه او غراک دیوب بر مقربتی  
کوزی او زرینه وضع ایلاش ایری: بود فعه حضور نادره کتور دکلر ندره نادره اشارت ایر و بسا قورکی باشی  
اول تیر بختک کوزیرینی عبرت للناظرین حدقه سنن اخراج ایر و بسا جر آه عملنی کنده کوزیمه کوردی  
عرصه غمراده: بو کونه عذاب و شکنجه ایله اوچ کون قالوب جانندن رموقا لده باشنی کوب  
حضور نادره یو اولدیله ماه صفر الحیرک او ان او چینی کونی او ردوی نادره ان حرکت ایلا دیوب کله پاناله  
عاشور خان اول زمانه او درو میه هاکی ایریلر او درو میه ده ساکن افشاریه دن اوچ بنگ خانینی کوچ ایر و  
اوژدو ننگ مغربی اولان صایس قلعه نام محله اکلوب او درد و کسندج یولدن اول مکانه وارد اولده  
مرکز خانه لری نادره اشنانقل ایتور و بسا کندی مراغه و مغان جانبه عازم اولدیله چونکه دولت  
علیه عثمانیه دن کجه و شیروان و روان قلعه اینی تخلیه و عجم تسلیم باینده امر صادر اولوب بغداد  
و ایلی باشانک معتدلی ایله مزبوره لایک و ایلیرینه و اصل اولدی و ایلیر و اهالیله او امره اطاعت  
ایتمه سیرر غلویا و بسا مادامکه جانر تنده در بو قلعه لردن فراغت ایتمز و بو قلاعی دنیا مالنه و مرز

هر طاشنه

هر طاشنه بنگ باش فرادریلر نادر اوژدو ایله مراغه یه وارد اولده باشنده مجتمع اولان خانلری  
و سردار لری هر برینی کنده لشکر یه بر جانبه کوندر و بسا دارالمز کرداری قرقلو بکتاش خانی تبریز جانبه  
افتار و مقدمه و ملکی حکامنی مددم جانبه اول ایر و بسا ام ایلی کی هر بری کنده لشکر یه ماملونه لونی  
مکله توقف ایلاک و امره منتظر اولوب هر نه جانبه اشارت اولنور که اول طرفه حرکت ایتسه نذر  
و بغات و اشراردن بریجه گروه استاد احمد و دنه سکت و پر زده کوه هستان و چنگلستانلر ده تخصص  
ایر و بسا او امر نادره مخالفت کونه هر کتلی ظهوره کلمکله نادر استار او اربیل و کیلان حکامنه امر  
کوندر و بسا هر بری لشکر فراوان و تفنگچیا و جریا جیانه اول باغیلر او زرینه تعیین اولوب امر او زره  
حقنرین کلندی اندنصرک نادر مراغه دن قالقوب شهر ربیع الاولک او نطقوزنجی کونی خطه اوردیله  
وارد اولدیله **دبیان تسخیر شیر و غازی قوه و تینه لیکه داغستا و فرار نمودن کرای** نادر اربیله  
وارد اولد قنصرک کوریلدی او غلی کعسک عبد الله پاشان بر الی کلوب نادره نامه کتوردی الی حضوره  
کلاکه نامه دن مرادند سویله دیوب الی به خطاب ایتدی الی دخی شوکتبه پادشاه اسلام شاه عفر تیرنگ  
فرنگ قرالی ایله جنک و نزاعی وارد ایلی کسینه دهک و عدا اولوب ولایت موقوفاحالی او زره قالو  
ایلی سنه دنصرک طرفینک و کتلی بریره کلوب اقتضاسنه کوره مصالحه اولوب ولایت عجم شاهنه  
تسلیم اولنه عثمانلر ننگ ولایتلردن ال چکی کجکری ظاهر و هویر او لوب خصوصاً دولت عثمانیه طرفدن  
حامل فرما اولان او پاشانک معتدلی ایله کوندر ییلر قزلباشره اهالی ولایت قطع جو اب ویروب  
قیلچکز و ارایسه ولایاتی آلودر و الابوش کوزیمه ولایاتی کره تسلیم ایرد کلو زده کون عسک  
قلعه ویرمک بزم شاترزه دو شمر و اروب ایو کور دیکلری سویلس دیوب کوندر دیر اول قلعه لده متخصص  
اولان اهالی و وایلر قلاع سخت بنیان قبلری لجوم جنود نصایح ایله رخنه بیز او لما یچو او زرینه  
عسک چکلک اتم و الزم او ملاغین جمله دن اول کرای خان که قانون دولت عثمانی او زره کنده سنه  
رتبه وزارت ویریلوب شیروان ایالتی دخی احکام اولنمشیر شیروان و داغستا ولایتی بالجمله  
حوزه حکومتده ایریلر استاد اهاکی طالش موسی خان موجب فرما عثمانیه ایله کرای خانه و اروب  
فرمانی ادانت و قرابت ایتکه کرای خان حامل فرمانی قتل ایر و بسا حوصله دهانن خارج کوزلدرج  
ایر و بسا نادرک آدینسه جو اب ویردیله کسین ولایت شیروانی ضرب شمشیر و ان لیکه ایله ضبط  
تسخیر ایلاشم بغدادی احوک و یاغیرینک نه حتی در که بوقوله کوزلردن دم او ده لری یا خود بونوع  
مدعیالی ادا ایله میدانه قدم قویه لر بو خبر نادره عکس اولده اول ل خیره کی تأدیب و جراس ترتیب اول



نواصدن طرد و تحیب و بلائی تسخیر و با تحریب مرادری اولوب بسع الاخرک یکریشی کونی کور صوبه  
کنارینه اورد و ایله کلوب قونیلر سرخای خان نادر بهادرک عساکر دریای خودخوا و لطمه چها آشوب  
بجز خاد ایله دیار شیر و انه آوازه تو جهلین اشته که مقابله و مقاتله به تاب آورده و ایلیا جغنی سلو  
رخت و جوینی قبل داغستانه چلوب فرار ایلی عابه مزبورک یکریمی طبقه زنجی کونی نادر اورده و ایله  
شماخی قلعه سینه و اصل اولوب شماخی ایالتی اردبیل حاکی سعدلو محققلینی نه توجیه ایلی اول  
اشاده قر اولر خیر کتور دیلر که داغستان لری کیزدن برکوه شماخی به اوج قونو محله واقع ایلی نام  
صعب المسالك مو اضعه مختلفی اولوب بر خضارت ایقاعنه متر قدر لری لبا شلردن بر ریه خبیثه  
انری شیخونه تعیین اولوب مزبور اولوب علی الفقله لری با صوب التیوز نفرزنده و کله ...  
کتور دیلر نادر اسارالی عفو و اطلاق و شیر و ان بکله کینه تسلیم شیر و ان بکله کی دخی مرقوم کتور داری معتمد  
آدمره قوشوب حاضرینه ایصال ایلی محمد بلوچ و شیخ احمد کتور اولوب و امور قارلس نظام بیزر  
اول قدر نضک طرما بقلینی سرداره امر کونر دیلر نادر حضورینه دعوت اولنیدی کردار دخی بعض  
معتبر خانلر ایله ایلفادایه و بکلوب شماخیده آستان بوس ایله و ب مقام خدمته طور دیلر اول اشاده خبر  
کلید که قبله نام مو اضعه سرخای خانک باشنه لشکر فراوان مجتمع اولوب بر طرفه شیخون و باصفون  
تدارکنه در دخی الحال نادر بار و بنکاهی شماخیده بر غوب او غلی نصر الله مرزالی محافظه سینه تعیین  
ایر و شماخیده اون بش منزلده واقع قوق نام قصبه که منتهای داغستان و سرخای خانک کیزر  
گاهی ایی مزبور قلعه یی ضبط و تسخیر ایچون تیر و تدارک کوریلوب بسع الاخرک اون طبقه زنجی شنبه  
کونی طوبخانه و مرما و اون ایکی بنک نفر جریه لشکر ایله قوق جانبته روانه اولیلر مارا لدر طرما بقلینی  
ینه عسکره کردار ایر و با امر ایلیله که قبله یه و اوروب سرخای خانک جز کنی ترتیب ایلی که نضک بر دخی اور  
معا و دست ایتیمو با شیر از و کیستان یه لیله هراته روانه اولوب دستور سابعه او زره قدر نهادن  
اولی هو ایله اولان دار و دیارک کردارک اولوب امور زنه تیقظ و انتباه او زره اوله کن کردار دخی  
نادر او کنه سر او بوس لشکر ایله که و شماخی ایله قبله ییننده دوه باتس نام محله او غرا شوب کردار  
ایر و با سرخای منزه ما فرار و قوق قلعه کنه تحصن ایلی بونک تفصیلی اولدر که سرخای خاشتا  
فرار ایتدک نضک آدی بکله نام ادر شیخ و فرک لری کن و غیرین و افر لشکر جمع ایر و ب قبله یه وارد او ک  
آنه دخی جارد و تله لری کیزدن خیل قوالتی ترتیب ایلی کنجه و ایسی علی باشاد و تفلیس و ایسی قبا شان  
امداد طلب ایلی کورچی خان زاده لریک میلی سرخای خانه اولیغی کونک باشا امداد و اقتناع ایر و ب  
و خامت

و خامت عاقبتن دخی خوف ایلی اما علی باشا معینه اولان و زرادن مصطفی باشایی و توه پاشا  
و تاتار سلطانی فتح کرای خانی و او غلی سکر بنک نفر قدر عثمانلو و تاتار ایله سرخای خانه امداد کور و ب  
سرخای خان باشنده یکریمی بنک نفر لشکر جمع اولدی کردار دخی شماخیدن حرکت ایر و ب صوب مأموره روانه  
اولدی سرخای بر قاج کون مقدم جمعینه قبله دن چقوب بر جانبی طاع و بر جانبی میسه اولان دوه بتا  
نام محله قونوب کج لری کتور بند ایر و ب قزلباش عسکر بنک قوه مننه منتظر اولیلر کردار دخی کنه جمعینه  
کیدر که کیف ما اتفقو محل مزبورده مصادف ایر و ب چنگلک و میسه بستای اچی اولفله عسکر  
قلتی و کنتی یلینوب سرخای خانک قرات نام کرده کی ظن اولوب کردار لشکر ییلا توه قف هجوم ایتیلر  
طرفین جنک و جدال اشته اد بوی لجوی کیر و ده لری ایچنه غلغه دوشیکه نادر کتور مز عسکر ایله  
کلش و ایله و ده اولان لری کیر قیلی کچو دشمن لری کیر بونی اشته و کلری برله مد هوش و لای عقل اولوب  
اختیار لری ان کیر و ب منزه ما فراره یو زطو تیرلر به زغون لشکر سرخای خانک معسکرینه ایر شکره  
اندره دخی ضحیرت حاصل اولوب رعب و هراس کنه و لینه استیلا ایر و ب نادر کلدی صدای ایله لری  
و عثمانلو و پاشا لری بر برینه کیر و ب سلاک قرار لری بو زیلوب دشته جمعیت لری او زیلوب جمع کثیر عرضه  
تغیر بی ریغ اولوب عثمانلو کنجه کشته و سرخای جزئی لشکر ایله غازی قومو جانبته فرار ایلیله قزل  
باشنه تماماً اندرک اسباب و انقال لری و مرما سفینه لریس اخذ و جمع ایر و ب غنیلر و عظیم شاد و سرور  
اولیلر لری بختی کبی بر کشته اولیجی نادر بانک قوت قبلدی دخی زیاده اولوب سرخای خانک کجدا  
بنا و انشا ایلیکه بغایت معمور و آبادان اولان خانقرا نام قلعه او زرنه و اوروب دجال قتل عام و املاک  
و خانما لریس خراب و اولاد و عیال لریس اسیر و بالجه و اورو دیار لریس و قابل نقل اولیسا اسباب و انقال لریس  
بالنار ایر و ب خانما لرینه یغن یغن کل تپه لری جمع اولدی نادر بو خبری اشته که فرار ایرن لری کیر تعقیب ایچون  
اول جانبته برکوه قزلباش تعیین ایلی لری کیر نادر او روسی قوق نام محله وارد اولیغن اشته و ب منزه  
اولدر قدر نضک هیچ بریده قرار ایره میوب لقی اول کجه شول طاع یه لیله کیزان اولیلر که نادر تعیین ایلی و ک  
قزلباش دخی اول یه لیله روانه اولمشد ایری اتفاقا صباح و قتی مزبور قزلباش اول فرار ایرن تاتار و لری  
برکوه ده چاد اولوب بیچاره اصباحه دیکس یو دیکس غایت یو زغون و ضعیف و زبون اولفله مقابله  
اقدار لری قاطیوب و بر جانبته فراره دخی مجال بولا میوب سینه او غرا قزلباش یلیر قزلباش او صیبه زنفرا توه اندر  
باشلریس ایلیله قوشوق و قتی نادر دخی اول محله تشوب بر لحظه توقف نضک دلاور ان نین کتور و جز ایر جیان  
خونخوا اردن برکوه ایله سرخای خانی تعاقب ایر و ب ایلفار ایلیله اشته اده کردار دخی فرار ایرن لری کیر مصادف



اول قلعه امان ویرمیه قتل ایرداری تاکه اول حوالیده اولان کوهستانلری جولا یه ویرمیه بیلین  
 و بی صاب قیونلین دست تهر فزینه اذخال ایلدیلر **القصة** اون کون اچنده اون بش که نکل فشی لی  
 قطع ایروب صعب المسالك اینش و یوقش که هفتان و جنگلستایو لرزه طوبلری و طوب عربه  
 دینی و آلتی و مرهاتی پیاده لرموز لریه چکوب قتل جیلان نقل و تحویل ایروب بو منه ال اوزده  
 غازی قوموقه برمنزه خسرک نام قریه یه وارد اولدیلر ایرته سی کون کوشش طلوع ایتدکه  
 سرخای خان جانندن بر قاج نفر معتبر کسنه لکوب عریضه کتوروب نقشه و مالنه و اتباعنه  
 بر ضرر اولمامو شرطیله جرایم سابقه سینه توبه و استغفار و نادره اطاعت و التجا و هر امرینه منقاد  
 اولمو اوزده امان دلیوب عهد و میثاق و دجا ایلش نادرک طبع ضربخانه سینه موی ایلرک نقروی  
 تضرع و التجاس قابل کتقبول اولدین بیلوب بیوردیلر که لشکر قیل و بصری کلیل اولوب بالضروری  
 اظهار اطاعت ایله تخلیص جان تارکنه دوشمش انک مسؤل اول وقت مقبول اولور که پناه عفو و  
 احسانه کلوب جبهه سایی شگاه حضورم اوله و الا سیل پر آشوب یولنی بو کونه حیل و خد  
 خار و خسیله و بنه ایلدیلر متصور اولماز و فعی کسان و اژدر مهابت لشکر نفسدن بو بخلین افسون  
 و فانه ایله رهیب اولمو خیاله کلر اما سرخای خان بو ایامده مجتد اداغستان لشکر فرا و اوج ایر  
 قوقه بر فرسخ محله رودخانه کنارنده سیه و مترس ترتیب ایروب و کچ نقطه بر کورینه متحصر اولمغه  
 کوریری یقوب صو کنارنده ایلدیلر ترتیب ایروب جنگ و جداله آماده اولدیلر اول نهمز بر عیون دده  
 اچنده جاری بر مرتبه طغیان ایلش ایری که شرت جریانی مرغ طیاری قیاد و دریاکی موج ایروب  
 چاغراقار و نغور قعینه ایزنه غواص متناهی اولمز بر زمان طرفین زبورک و تفنگه جنگه آهنگ  
 اولوب نادر همور البته عبور اولنوب دیو سور مغنه غایت باریک و اینجه برکت بولنوب هر اوزد  
 و مشقت ایله عبور و مباشرت اولندی ابرالی حاکی عبد الغنی خان طائفه افغانه اوته یقه یه کچ کلر  
 سرخای خانک و لکیانک زمام قرار و عنان اختیار لری لرن کیه و با جانب کیره دو کردان اولدیلر اغوان  
 دخی انزی تعقیب ایتدکه لیکر کنه و اینی طاغ و ایروب قتی چوق ازب و حیوان او چور و مردن او چوب  
 صویه دو کیلوب احوال و انقالبه غرق آب اولدی سرخای اقل قیل ایله قورتلوب کوچ و کلفتی  
 قالدیروب صالت سبکبار کنه و اتباعی و تعلقاتی ایله قودن قالقوب دیار چرکس و آوار جانینه آواره  
 اولدیلر پس اول دریا لشکر پر شور و شوق قلعه سینه طوبلر سرخای خانک و اهلانک خیزنه کچینه  
 یه اینه غواص شنا و کبی طاله با مال و مو اشیرین و اسباب و انقالبین یغور غارت ایلر کلر نضک عالی

ناریس و سائر قصور و بیوتلرین دیوارلرینی تمکن یقوب بر قاج موضعده مال مد فونه اطلاع  
 و مصادف برله دروندره و زیر زمیندره پنهان اولور ازنهفته و کبر استه لری آجلده لشکر شهر  
 اچنده غلورلی و های و هو لری افلاکه صد ایروب کتوت و اژدر حامن قلعه نکل اچر و سی  
 و طاشر سی دریاکی چالقنور دی ظاهر و باطن هر کس اخذ ایتد و کنی بر کتوروب نادره عرض ایتدیلر  
 داغستان خانلرنک کیزه سی عادل کرای خان شمش لک او غلی خاص فولادخانه کله جمله داغستا  
 حاکم درجوق زماندن قالمش کرم و کزد که دش بر پر دوش ضیم ایری یه یج بروقت عجمه کور و ایتیموب  
 عثمانلو طرفدن و رود ایدن سردار لره و و زرایه دخی بولوشما شیدکی بودغه نادرک مهابتی قلبنه  
 تاثیر ایروب جمله اولکه سی عکریه کلوب نادره بولوشوب خلعت فاخر کیوب شمش لک منحصیه  
 معزز اولدقه یینه داغستان اهلانک تقصیر اتنی شفاعت ایروب صحیفه جرایمینه قلم عفو خط  
 چوروز قاسم کچوب وقت شتاهول ایلدی داغستان جبال قیوش لری اولوب طایغ بولدری غایت  
 ظار و رعبور و نزول آرامدن مانع اولمغه ضروری کچ لک لازم کلدی سرخای خان دخی تعقیب چندان  
 اهم اولمغه برهفته دنسکر لک کتورولرینک اذکر دی و انانی بالجمه شخاله بخش اولنوب اهل  
 قوقک اتمام و جرایمینه قلم عفو چکیلوب اطلاق اولدیلر اول محلدن صرف زمام عزیمت ایروب کوریه  
 دونه یلرینه داغستان اولکه سندن اختی نام منزله وارد اولدیلر ندره کور دیلر مقدمه ایلر کلدی  
 سمور نام ایر ماغک کوریری کئی اول حوالیده اولان لیکر یقوب کتوروی طایغ قلعه لرزه و صغناقلر  
 اختفایلر اوردوی اول کون ایر حاق کنارنده قنوب اختتام و قسته دک میشه لردن کوریری  
 ترتیب اچون اغا جلر کسوب کتور دیلر اختتام و قتی کوریری قور دیلوب لشکر کوریه کوریه کچیلر اول  
 کچه صو کنارینه قریب برکوهلک دامنه نزول ایروب ارام ایلدیلر ایرته سی کون علی الصباح کور دست  
 آفتاب تیغنی چکوب عزم کیتی ستانلو ایلدی نادر دخی کوریری یقوب صغناقلرده اختفایدن لیکری  
 استیصال اچون اول کوه فلال شکوهه صغور دایر و فراز جیلده قرار ایلوب بر کوریه قربانی اول  
 طایغک آنکنه بر موضعده مزبور لیکر کن اطفال و عیال و عمل مانده لری تحصن ایلدی کی محله تعین  
 ایلدی اول بیچاره لشکر کوردر کلر نه فراره آغاز ایتدیلر نادر بر کوریه ایله اول فرادیلر تعقیب ایروب طوب  
 ارس قیادن ایتوب اشاغی ایندکه ریزه ریزه اولور ددی اول کون صباحدن اختتامه دک اول جبل  
 هولناکی کوشه به کوشه دوردان ایروب طوبه قلعه امان ویرمیه بولوشوب و جبال دن آتد کلر نه کی کی  
 طایغ بو کورنه قالور ددی و کیمنی صو طوب یار لیبوب آتوب کیردی و اطفال و عیال بر کوریه دخی ایتد



ایلیدر بقیه السیو لکیر اولاد و عیالنی قزلباش آلرینه اسیر اولاجقلمینه تحمل ایه میوب فرط ...  
 دهشتن کنه و عورتلرینی و سود امر و بشر التی شریکتر چه جقمقنی آلرینه دزه لره و صوله آتوب  
 نیم جانلرینی خلاصی مفتخر بیلوب کنه ولرینی قله قاف بکاته چکیدر کونش غروب ایتکه نصلک نادر  
 غادر علیه مایستی طاغدن ایسوب دامن کوهده آسایش ایلیدر صباح اولاده طوبیلرجه خانه  
 و مرهتا اول صغو بتلو کوهستانلردن کیمیلک متعز اولاده ضروری نیلجه و شاه طاغی و البرز  
 طاغی یولرینه کتوریلک اقتضایه وب اوردو نکل مرهتا مریور یوللردن قبله جانبته روانه اوله  
 لرینی امر ایلی کنه و سی دخی چاقور یولله قبله جانبته متوجه اولیلر مزبور چاقور یولنی کراضی  
 نیلکدن ایداش ایه و بچه یرده طاغ بوکرده طاشدن و اغاجدن و کرکدن بریایولی ایجاد ایلش  
 نادر و لشکر بالجه یکایک پیاده اولوب یردی فرسخ فهای هوار مشقت ایه موز ایه و سلامت  
 چقیدر اول اگری بوگری اینش یوقش او چور و مردن قور تیلوب سلامت یقه کین بولقلزده  
 عظیم شاد و سرور ایه ماه عجازی اولوی نکل اون التینی کونی قبله اعمالدن قونقاشین نام کله  
 وارد اولیلر اغلوی و طوبیلرکه بیوک اوردو ایه شاه طاغی نام کله قالمش ایدی برو فو فرما  
 او چکون نصلک کلوب طوبیلر و جمله عسکر ایشیلر چونکه طرما سقلینی کردار ایا اولینی اوزده  
 سرخای خانه غلبه ایه و بجمعیته بریشان ایلی حسب المأمور شماضدن کوجوب هر آجانبته  
 روانه اولدی نادر انوک عقبنه ابرالی حاکی عبدالغنی خانی دخی اوززده موجود اولان ابرالی  
 اغوانلرینه اول ایه و ب معینه قوشوب و خذ متنده بولنموز فرما ایلی اول ایا مده کرجستان و لسی  
 نظر عیلتی نکل ولدی طرما دشت مرزادن بر عریضه وارد اولیکه کراضی خان کردار ایه جنکه مباشرت  
 و قنده کجه و تفلیس باشلردن امداد استکه تفلیس و ایسی کسکوپ باشا عثمانلر عسکر ایه کیدر کن  
 کاخ اوززده او غر ایلر و کاخ اطرافنی با مال ایه و ب کاخته کزدر ایه کومک قصنده اول قلمی کوم  
 اولاده کوربی خان زاده لری بر بلوک کورجیلر ایه ایلفار ایه و ب عثمانلوی تجتس ایدر و ب کاخ  
 نواچسند قونقلمی یرده علی الغفله با صوب بشیوز نفر عثمانلوی قلیچ کور ب بقیه لشکر و بال  
 کردار ایه و ب تفلیس قلعه سنه داخل اولیلر نادر غدار و فاجر بر کردار ایه و خبری استکه خذ متلری عننده  
 مقبول اولوب مقابله سنه کوربی کاخ لریک خان زاده اینه خلع مهر شعاع اول ایه و ب انواع نواز  
 و اکرام و انعام ایلیوب کفار خاکسار التفاته مظهر اولیلر علیهم مایستی حقون نادر بر هفته نصلک  
 قبله دن حرکت ایه و ب کینه قلعه سنی ضبط و تسبیح کور دفع لوی عیتمت ایلیدر دریا توجه موب

**نادر کی بجانب کینه و محاصره قلعه کینه و وقایع آن ایام** نادر انتظام امور شیر و آتشیت و  
 تفریح لریکه داغستان فارغ اولاده شهر عجازی الاوی نکل یلری دوردخی کونی کینه جانبته لوی  
 شوکتی رفع ایلی کوصوی اوززده بر حمر قسین بنایه و ب عسکر کوه کوه اول جسر اوززده عبور  
 ایلیدر عجازی الاحرک التینی چهاشبه کونی کینه یه و اصل اولوب کلیساکنی کمنده اوتاغ ...  
 میونلری قوریلوب اهالی اوردو یر ضرب خیام ایلیوب قونیلر کینه و ایسی علی شا و کینه ...  
 محافظه سنه تعیین اولنا قریم سلطانی فتح کرای خان بی فائده خلقی رعایا و نسوک و صیانی نادر  
 قلعه اچر و سنه طولردیلر ککی کبی تر اکرین کوروب قلعه یه تخصص ایه و ب جنکه آماده اولیلر نادر  
 اسکندر توان قلعه نکل جمله جو انبسی جولان ایه و ب قلعه یه فتح و ظفر مکن اولاجو کملری تخمین ایلی  
 ایتکه کوی کون شهر اک جانب جنوبیسنده تخینا حصار قلعه یه یوز یلری زراع کله اوج طرفن کنگر  
 و متر سله ترتیب اولوب جزایر حیان خو آشام متر سه کیروب طبراق سوروب طایبه لری ایلر بر کوه  
 جزایر بی طبراق سور مکله قلعه حواله اولا و اوردو شکرده که مناره لره چقوب قلعه اینه او و قور  
 یاغور دیلر عثمانلر طوبیلرکی مناره لری نشانیه ایه و ب کون علی التوالی کله یاغور و ب مناره  
 یقوب ایه برابر ایلیدر عثمانلر دخی درون قلعه ده اولان مناره لره چقوب قزلباش لشکرینی قور شونه  
 طوبیلر قزلباش طوبیلرکی دخی نیر و زدن اقله طوب آتشبار صاعقه کردار ایه مناره لری اوزرته برزن  
 قوباروب اوززده موجود تفکک انداز مناره ایه ایه و ب کورب کورب خور و خاش اولیلر  
 صلک قلعه اوززده حواله اوردو اچسده قوی اغاجلردن انبار کلنده قله کینی سنه ترتیب ایه و ب اوز  
 بالیر طوب بندر و ب کجه اچسده مراد اوزده قلعه قارشو سنه یناشه ردیلر طوبیه آتش ایتکلزده صدمه  
 طوبیه تحمل ایتیموس اول هیست عظیم عظیم ریم کبی او فانوب پاره پاره اولدی انکله برایش کورمکه  
 کردون دفعتمی منجیقلا پاره و ب پیماره ها و نی اچسده تیمور او فانی و نعل و منج پاره لری و بار و طوبیلر  
 آتش و ب منجیق ایه شهر اک اورته سنه آتده ها و ب پاره لنوب بچه دلاوردی ایدر مه بر آن  
 اولیلر لغیملر قلعه نکل اکی جانبندن لغی یو تمکه آغا ایه و ب فرهاد کبی طاغلو قیاردلوب اوج دفعه  
 طوبراق سورد و کلری مو ضلعردن لغی یو ایه و ب حصار الله اولاشه و ردیلر قیتل باروته و اصل  
 اولیجو ذلله کبی یر حصار صیلوب قلعه نکل بش التی زراع قدر طوبراق حصار کی اسکندن خلغ  
 و هوایه بر آن اولدی متر سن و قلعه باروت خانی اچسده قلوب حصار اوزده بولنان مستحفظ  
 بر کوه هوایه قوش کبی چقوب اینه که خور و هلاک اولیلر دفعه دخی یکی یردن لغی یو ایه و ب







و مواردی حکم کرده و بنام ایتیلر بغایر لی صنفی قلیخاننی دخی سردار نصب ایروب بر کرده قلاش قزلباش  
ایده تفلین او زیننه کوندر دیلر که کبری آزانو زو تا و اتلریه متفوق و متی اولوب تفلینی محاصره  
مشغول اولار بود دفعه کجه قلعه سنگ ضبط و تخیری میسر اولمغه کند و کی کوشیدن  
فارغ اولوب وقت آخره تاخیر ایلدی و نادرک نتایج احوال استدر اجیه کنن بری بود که کجه  
محاصره سی ایامنده او زدی قلعه دن بر اوق آتی دور محله واقع اولوب قلعه دن آیتلر کله  
و کلو له دن حفظ و محاصره ایچو اوطاق کردون نطق اولنده استدر کبری بر حکم دیو انشا ایلدیله  
اتفاقا بر کوندرم او تاغنده پسته آسایشه یا کلوب عیاش و عشرت و زوق و لذت کرمیته صفایا  
اولوب لذت جسمانی و غذا آردو حانیسی تماماً حاصل اولدقه عزم دیوان کرای ایلوب پسته  
آسایشن قالدیغی برله هر محاصره سی ایامنده واقع اولدیغی کبی فی الفوق قلعه دن بر طوب آیلوب  
کله سی کلوب او تاغی پاره یلوب پسته او زیننه دو شوب حکمت ربانی بر ضرر اصابت ایلدی فسیان  
الله القادر القاهر کفقدردینا زکر کشان کیه جار و تنه و باقی صادره امردان ایام توقف کجه قلعه  
کجه یی محاصره ایامنده جار و تنه لیکلر نیک امر او زو ساسندن بر کرده رکاب نادره کلوب تعهد ایلدیله  
شجاعت و فرسنگ لیکلردن بر جماعت انتخاب اولوب رکاب نادره ملازم و خدمتنده حاضر باش طوره  
ویکری کون تمامنه دیکس حضورینه وارد اولار و عده تمام اولوب لیکلردن بر اثر ظاهر اولما کچو  
حکام خیب انجامدن بر بلوک خانلر که اغداش حد و دنه فرمان نادره مستعد و منتظر ایلر انلره امر کوندر  
جار و تنه لیکلرینی قهر و تیر و اول نو امیدن طرد و تبعید و ادر و دیار لیس تحریب ایچو او زیننه موجوده  
لشکر ایله اول نو اجیه تعیین ایلدی و او زو دن بر بلوک قزلباشی معاونت ایچو اولار و کا خسته  
ساکن کبری کا فر نیک رئیس اولان امام قلیخانک ولدی علی مرزانی دخی کصوبی کمتدن تعیین ایلدیله  
لشکر فراوان برار ایله مجتمع اولد قلعه نضک اول جانبه متوجه اولدیله لیکلر احواله واقف اولد قلعه  
البرز بر ابری بر کوهک قلعه کسنه تخصص ایروب مقابله و مقاتله ده امن درمیا اولوب جنگه  
آماده اولدیله پیاده و سوار سپاهیشمار اولوب او روی علی الفظه باصموم ملاحظه کیره سرعت  
ایر و سوار و دیه تشکر قلعه نادره دعوی مردک اظهار ایروب بیت اشتیه کلک اول دخی کلک و برو  
جنگ میداننده طود کوندر و برو مردایه کلک برو طوتک کوروش کیرن سوراغنه رو باه و ش  
هرنه دکلو پر بلو ایسه خروس کله شاهین یا ننه اوله دعروس ندریه دک هجوم ایروب  
یاغور کبی قودشون یاغور دیلر بالاخرم اک قزلباشیه غلبه ایروب بیچاره لیکلرین اکثرینی مانتد علف تلف

ایتیلر بقیه فرادیر و ب صفنا قلعه شتاب اولوب تخصص ایلدیله انشا کیم و داده یوز الی نفر ایلم اولان لیکلری ۱۴۹  
دخی قزلباش عرصه ششم ایروب انون خانه لرینه کیم و ب جمله عامل کلرین نرسب و غارت ایروب قابل نقل اولار  
اشیائی سیلوب سوپر و ب که ترو ب و جلالینی قتل عام ایلوب اطفال و عیال لیس کرفتار و مسکن و ماوا  
لرینی باجمه احراق با تار ایلدیله کم فرصت کخول ابری و مطر و در کمدیلر دنیا ی دوش اقبال لابقا کسنه مغرور اولوب  
بود کلو او زار شیماری تحت ایلدیله جزئی الله عنهم چه موکم شتا حلول ایلدی اول مو ضلع قیشن بری  
اولمغه عظیم قاریاغوب اعضا کمتدن قالب شرت بردن چه ق کسنه نونک الی و ایاق لری معروض  
تلفه اولدی لیکلر دخی صفنا قلعه چکیمه بتنگ و باریک اولان تری دخی عظیم اغا جلد ایله مسود ایروب  
صوب باغلتلر ایری اگر چه صوب کلوب بوز او مشیدی آقا یو ریشن حیرت آمکانه اولمغه ضروری که چک  
لازم کلوب صفنا قون ال چکلری روسای لیکه دن کرفتار و حفظ کرده دخی باجمه مقیده و محسوس اولوب  
قتل و اعدام لری وقت آخره تاخیر اولدی اول انشاده رکاب نادره خیر وارد اولدی که طوب ایف اختیار بر کرده  
جرائم سابقه لری عفو اولوب روسالینه الباس خلعت و رعایت نضک بلاد خراشا مناسبت کلمده ایطان و  
اسکال ایچو اول انشایر ایری مزبور طوب ایف دایما شرت و فساد و تغلب و عناد و زنده همیشه ایقاظ فتنه  
بیشه لری و ایلرینه عدم اطاعت کار و انیشه لری اولمغه فساد لرینی عمله کتوروب انشا و راه خراسان  
یولندن دوشوب بختیاری کوهستان لرینه و صفنا قلعه یوریه و بر دیلر به خیر نادره اصل اولدقه کوهستان  
فیلی بکلر کیسی چاپوشلو بابا خانه بر کرده لشکر قوشوب مزبور طائفه باغیه نیک ترتیب جزالینه تعیین ایلدی  
لشکر محمل مأموره وارد اولدقه دامن کوهه جمله پیاده اولوب عبور مکن اولان محلدون یو ریش ایروب  
قلعه کوهه اصل اولدیله بابا خان باشنه مجتمع اولان افشار لیکلر که دولت نادرک صدق پیسته لری  
و بود دمان نو بینانک نیک انیشه لری در نطق غیرت کرمیستری و کلاه نیک خواهی افسر مفاخر تری او  
تخ خوه آشلمی نیچه کرمه معرکه لده دما خصما ایله کرفخ و اوله کلش رو تیر و تیر لری اعدا جکرس او  
قلعه دن طولوب کبی یاغور قودشون نله و طاغله خاشلنه دق زروه جبهه چقوب زو پنجه لرینه اول  
نا بکادرس یقه لرین طوب سقوب برکوهنی طانغن آشغی آت قلعه طاشن طاشه چالنه دق صویه  
دیکلوب غرق آب اولوب نابود و بایر اولدیله و بر انیوهی دخی بارقه ششم صاعقه لرینه یا نوب یا قیلر  
تماما زکدرین طعمه ششم ایلد کلر نضک اطفال و عیال لیس دستگیر ایروب نادره اعلام ایلد کلر نه امر ایروب  
خیل آباد نام محله ساکن اولان طوائفه ملکی و انون جمله سنی خراسان جنبه فرستاده ایلدیله جام نام ولایت  
کنه هجرت لرینه بر بلو نشین اولدیله و صد اقتدار لده افشار لرینه همتا اولان کرمان ولورستان و سیستان



حکامی که جان و تنین نادر و غورنده فرایه قوم مشرایک بیت جنگ و غوغا منزه بکنار روزی ایلغارده  
سبکبار قلعه افکنده هربری فرهاد پرجه چقا قه جله سی استاد حربه لالنده نعبانده دشمنی  
صوقما غه شتابانده جو شنه کار ایدر خندک لری سنگ خاردار تفنگری شاه یولنده چالشموی  
ایشیریده اتفاق ایلک روشلیردیگد و یکنبان و یکه هله سوزلینی قبول ایدر شهرله اولمزانده هکسه  
زواله جرایس اتفاق ایتکد دانله شین شاه اعجم اولنجه تخت نشین دائم اولور قلیجلی کسین نوزبیر  
حکامه اولم مطاعه اول اولوب بلو جتا و دیزک اهایسی اولنیزه تعیین اولنیزه مراد ای خدمت  
ایوب عتبه نادره خبر که نوزدیله که نادر نامدارک مراد لری اوزده اول مراد لری اوزدینه اولوب بلو جیان  
صفوفلین بکنک قله هیجی و نرنک لجه و غا اولاد لور طرفه العین اچنده خاکله یک ایدوب بچه  
سرکشین باشن آیلر و دیزک اهایسی اوزینه هجوم ایدر کوردریز کله کوهه عمله ایدوب نوا هر ب و قتال  
تمام اشتعال ایدوب طرفین قودشمه و دوشمه و دوشمه اولوب هر طرفین نیچه لری کیم کیم کیم  
و کیم مقتول اولوب بالآخر دیز کله نیک قرار ایتکد بجالری اولوب فراد اختیار ایتد کله نکر طرف ایزدی در عقب  
یتشوب دیز کله نیک سنجی قلیس معکس و کرد لریس باغ زندگانیدن مایوس و نیچه ریشلین مقیده و کجه ک  
ایدوب فراد ایلر ایدوب کله طاقه ایدوب کیم و ب نادر نامدارد ولتده دیزکی دخی اعدا لاندن نزع و تخلیص ایدوب ضبط  
تصرف ایلدیرد زکر و قایق سال فرضده مال هراد و صد و چهل و هفت لهری تاریخ هجرت نبوی علیه  
افضل الصلوات و اکمل التیمات نیک یوز قرقیری به بالغ اولوب ایام شتا و عید نوروز منقضی اولدور  
برادر عثمانلو آلنده و مقوله تصرفلنده اولان ولایتلری نزع و تخلیصه مباشرت ایلوب بیت اوتاغ و طوغ  
و سنجقده صحرا اولوب بیکاره برکلر اوزبنا قورلدی بزم و رزم آشوب و بیکار کنانندن غضنفر اولدی  
بیدار نوزبوم مقالک تفصیلی اولور که سابقا ایلر اوزده مقوله قرالی جانندن کتاس نام بر ایل کله ب  
اصفر پانده نادره بوشوب سفرلده و حفرلده خدمتده ملازم اولمشیدی نادر شما فی قلعه سنی ضبط  
تسخیر ایلدیر نضک مقوله تصرفلنده اولادنده و باد کوبه و سار و لایاتی دخی ضبط و تسخیر ایلدیر  
ایلدیر مسفور ایلر و کالت مطلقه کیم سیله صلحه رغبت ایدوب نادرک مرخصلیرده بریره کله ب التي ماده  
اوزینه مصالحه اولوب تکک یازیلوب اوچ آیه دیک استر حال ایلوب اوچ آیه اچنده عکرا اول  
جانبه حرکت ایلدیر دیو عهد نامه یی قراله که نوردی صورت تکلی موزبور مقوله طائفه سنگ اعجام  
فرجام ایلدیر بینه شش مو ادا اوزینه منعقد اولان مصالحه تکلیک تریجه کیم بودر مقوله لتی عجم شاهی  
ایله مصالحه و دوستلنی تأیید ایتد ایلکه حاضر و آماده اولوب بویکی دولت بینه زبده مطه اولور مو ادا

مقتضایه

مقتضایه مؤبر اولور اوزده طرفین قرار داده اولدی اولی ماده عجم اولور که سندن اولور اوزده  
بکر مز سوا حلنده مقوله نیک اثنای جنگه اخذ ایلدی بالجه بر اولور قلعه لویا خود بالطحع و اولر  
مقود و لتک حمایه سینه التی ایتش بولانلر اخذ اولور قلنده بولنده قری حال اوزده عجم دولتده  
کیر و د اولنه و زکر اولور کله ایچو کرک مقوله چاریچه کیم و کرک خلفری من بعد بر دلور اعادة اولور  
مقوله دن تعهد اولور ایلکنی ماده بالجه عجم دولتده اولر حریر اوتته دن بر نزع جاری اوزده زیاده  
برایه چقا مو شرطیه مقوله لویه فروخت اولور تخصیص اولوب و من بعد سار ملاء ویرط  
ایچو عجم شاهی خلفلیرده معا عهد و پیمان ایدرک تعهد ایدر او صحنی ماده زکر اولان تجارک تمشیتی ایچو  
بکر مزده مقوله دن مجد ابناء اولان قلعه شاه عجم طرفین مقوله لویه دد و بونن غیر کیم کرد  
طرفینه قریب نهر کور بکر مزده منصب اولدیغی کله دیکر قلعه بنیاد اولور اوزده مقوله لویه بر  
کمل و یریله و زکر اولان قلعه لری مقوله لویه محافظه و بکر مزده مقوله کیم لری اولوب بویله  
تأیید تجارت اولنه بتا علیه مقوله چاریچه کیم تعهد ایدر که زکر اولور قلعه لره بشریو زیاده بفر  
وضع اولنه و من حیث المجموع بیک نفر اوله و اشبو حریرک امنیت برله اوزده هانه نقلی ایچو مقوله  
بکر مزده جنگ کیم لری موجود بولمشی جائز اوله در دخی ماده روم مذ هبنده اولان تجار ایتلرینی  
اجرا ایلکه مازون اوله لرو تماما مالک عجمه و با خصوص مقوله قوسار لری تخصیص اولان  
یرلده تجارخانه لراشته اوساکن اولور قری کند و خانه نرنده کیسایر ایتکد جائز اوله و مقوله لویه  
خصوص استوقول و دانقه شهر لرنده اولدیغی کیم روم طائفه سینه تأیید محل التجا اولور اوزده  
شاه عجم مقوله حکومتی اولان اصفر پانده شهر لرنده کند و خزینه سندن بر کیم خانه بنای ایتد ملکه تعهد ایدر  
سار امتعه برهانه کیسه آخر مملکتده حریر چقا مو ایچو حد و دلور بکر مز سوا حلنده وقت ایلد کیم  
التمام اولنه و اصفر پانده شهر لرنده اقامت ایدر مقوله کیم باش قوسار طرفین ازن کاغدی اولد قجه  
سار مملکتده حریر اشته اسی جائز اولوبه التینی ماده عثمانله و تاتار طائفه کیم جوستا و عجمستان  
و مقوله حد و دلرنن اخراج اولور قجه ترک جدال اولور مو اوزده طرفین قرار ویرطشدر و بوضو  
دار کرحمانه بر ماده دخی عقد اولوب اشبو تمکه ضم اولور عجمه و مقوله لویه اهم و انب  
که دیشدر کتاس ایلدی بو عهد نامه یی مقوله چاریچه کیم کوندر و ب حقیقت حالی ایلد که  
ارباب دولت افعال و تعقل مفید اولدیغنی سیلوب بالاده مطور اولان مو ادمقتضایه و لایاتی تخلیه  
باشد فرما که نوزب عجم اخذ اولان بلده لری تخلیه و عجمه ریا ایچو کتاسه خطاب ایلدی ایکی

۱۴۰



دولت مابینند بود و جمله مصالحه منعقد اولوب صلح و صلاح حکم طویله دیو طرفین نام نامه  
تخیر اولدی نادر دوزنده و باد کوبه و سالی نام و لایتره حاکم کوندر و ب امر ایلی که مکتوبه الله  
اولان طو تساقدر باسز قویو و یریه مکتوبه دن بر اصد قتل و جرح ایله تعرض اولنیه زبانه  
ضرب چوب ایله جمله سی اخراج اولنوب ممالک جانینک رأس الی اولان سولاق نام قلعه  
دک ضبط و تصرف اولنوب مکتوبه کفره سی و کردار لی یوز لری صوبیه چلیکوب دیار روس منجه  
روانه اولار مزبوه حاکم دخی هر برسی مأمور اولیغی محله و ادوسا وجه محرر اوزده عمل ایلیله  
بو مقصد حصو پذیر اولدق نصلک شما فی قلعه سکنک اساسی مناسب محله واقع اولوب بیگانه  
لشکر کلوب حصاره هر جانبدن یو ریش و دو کشن ایله غلبه و تسلط ایروب اسرهل طریق ایله  
ضبط و تسبی ایرلر اول مکانی تعیین مراد ایروب ارباب و قوفک ابعان نظر ایریه قلعه یه دور کسج  
محله کوضوییه شهر قدیم سینده آقو نام محله منجمله اختیار ایته کلری عتیمت آتارده معماران قیقه  
شناس و ضوع اساس مصو الاندر اسن ایتیلر آرزمانه اول حصص متینی لهر و شن قلعه زان  
ایروج جرف برین ایلیله قلعه قیام سکنه و اهالی سنی کوچ ایروب اول مکان ته نشانه اسکان  
اول قلعه یی دار الملک حکام و بکلر بیگ شیر و ایلیله اول ایامه واقع اولان حو ادره ندر که حو ادره  
و ایسی ایلبار خان یسوت و کیلی حسین خانی اوچ بنک نفر ترکان برکان ایله خراک حد و دینی تاخت و  
تاراجه کوندردی اول لشکر ایکی فرقه اولوب برکوهی مانه ناحیه لرینی تاراج و برکوهی لشکر کون طائف  
سنگ مسکن لری اولان آلاطاع و سملقان ستمین خنیه آماج ایلیوب رعایا و بر ایایی ترضیو صد  
اولیلر بو خیر اول حوالی حکامنگ معلوم لری اولدقه جمعت فراوه ایله و ادوب علی الفقه اول  
نابکار لری باصوب نیچه لرینک باشین کسوب فتر اک بن لریندن آصوب جزا لرین ترتیب ایلیله بو خیر  
نادره و اصل اولدقه مزبوه حکامه ضلع فاخر و ششم مرصع اول ایروب مظهر نو ازش اولیلر  
درینا نهضت موک نادری به جانب قارص و بعزم تنبیه عبد الله پاشای کر عکر و وقوع محارب  
در خارج قلعه روان و مقتول شدن کر عکر جو بر مدت تنه و کوه بریلی اوغلی عبد الله پاشای کر عکر دوم  
افواج قضا هجوم ایله و آندن حرکت و قارصه و رود ایروب حد و درومی مخترت اعدا دن محافظه قیله  
اولیلر عکر سیکرانی ایله طاع و صحر امال مال اولوب سیل کوه ساری کبی بر جانبدن رو له اولوب  
بحر عمان کبی چالقنور ایری ندره و سلطانی کجوب ایام محاصره دخی مده اولوب کر عکر بو قدر زمانه  
کیرت فولن باش چقار مد یغدن نادر نو ارحی قارصی تاخت و تاراجه بر بلوک قزلباش تعیین ایلیله  
شاید

شاید عکر مشارایه حضرتینک عسرق عیسی سلسله جنب اولوب قارص دن حرکت ایروب  
کجه جانینه متوجه اولار عکر حضرت لری بنا برتی هل معارضه دن اعراض ایلیله پس نادر  
اول سسته تو جری تصیم و در خاطر ایروب دلیر کیو که مهابت و نیزه که ازان راج صلابت قزلباش  
او باشند برکوهی کجه محاصره مأمور و معتبر خانلردن بر قاج نفر ششم ضابط لری اوز لرینه کرده  
نصب و تعیین ایلی و برکوه قزلباشی دخی اغدا شه توقیف دوزند لری و کج لری محافظه یه تعیین  
ایلی که اگر جادوتنه و یار اغدا نلو کم فرصت کینکاهده مترقب لر کلدن بر فساد ظهور ایردک  
اولدسه بلا تقصیر تفک و تیر و سل شمشیر ایله مدافعه و مقاتله یه مشتمل اوله له مقتضای حاله  
کوده شیر وان بکلر بیگ سنه و سائر اول نو اصد اولان حکامه اعلام ایره لر دیو تنبیه ایلی و برکوه لشرکی  
دخی روان معبر لرینی سده بند و محافظه ایچون نچو جانینه تعیین ایلیله نادر نابکار ترتیب و تنظیم  
لشکر و جمله امو د فرهادن فارغ اولدق نصلک بنک یوز قرق الی تار کندنه ذی الحجۃ الحرامک او جنبی کونی  
یوم جمعه وقت عصره طالع مسعود و نویر اقبال موعود اوزده کجه حوالی سندن حرکت و عکر  
دریا جوشان و لشکر بنک خروشان ایله قارصه متوجه ایروب شمس الین لو محالندن الاکو نام  
منزله وارد اولدق ندره خبر کلدی که وان حاکی میلی تیمور پاشا وان اگر اذن و دروم لشکر دن مجتمع الی  
بنک نفر لشکر ایله تفلیس جانینه روبراه اولیلر بو خبر مستر اتر نادره و اصل اولدقه قارص اوزده  
و ارفغی مناسب کور میوب خان لرینه باقوب ایتیمور پاشانک کجک معبره و ادوب یول سده بند  
ایروب عکس بر طرف ایره لم شمدی انکرده و اوزدینه و اره جعفر دن غافلدر علی الفقه الله و اسر  
غلبه ایره روز صک قارصلونک اشکی سر بلر دیوب تفلیس جانینه عازم اولیلر بلا امثال علی  
وجه الاستیعال بر قاج بنک تو انا منتخب برهادر نام اد لری اختیار ایروب دشت و کوه ساردن باد وزان  
کبی گذار و تفلیس جانینه ایلفاد ایلی طوبیلر و مرهاست نقلنه مأمور اولان کاد که ادره طوبیلر لوری یه  
ایر شه و دک بن تفلیس دن رجعت ایرنجیه دک اوردو لوریه اکلنک دیوب اندر دخی لوری جانینه  
روانه اولیلر نادر تفلیسه اوچ فرسخ محله وارد اولدقه معلوم اولدی که تیمور پاشا تفلیس  
قلعه سنه زخیم کتوروب اچکویه تسلیم ایروب نیل مرام ایله کویه منصرف اولوش نادر دخی مراد ایلیله  
قایقو بی نام جبل مشهور ک میا سندن یوسر و ایدله سلوک ایروب لنگ و لوک ایله عثمانلو نک  
محل جمع لری اولان قره چایی نام نواهی قارصه و اقع قلعه یه بغتة ایریشوب و قلعه یی  
قوشادوب قتل و غارتنه مشغول اوله لر سپه رده تفلیسه و اولدق نصلک ضروری کیرود و نیلوب

۱۴۱



سته نوزد یا منده قار او زنده یوسر و ایدله و طاغله و دوشوب قایفولویه طوغری عزیمت آیدله  
طاغ صحر او دره تپه قاریبه مالا مال اولوب بری برین تشخیص اولماز ایله ییجه ایام عساکر قار او زنده  
یا توب قالقوب ییجه خشا واقع اولغه چو کسسه نک اعضاسی معرض تلفه اولدی شرت  
بردون اکثری تشنج اولوب یوسر و ایدله و طاغله یوسر ممکن اولوب نادر پیاده لره ایکی کوه ایلی  
کیجه قاری دو کیروب یارم ذراع قدر جغرافیایه و عساکر بری اوردیجه قطار لنوب کی دردی شوب  
که بری کیرویه دو نمک ممکن دکل ایلی اگر جفرون طرش برآت دوشه قولاغنه دکل قاره صابلا توب  
چققی متعسر ایلی اول مکه واقع وادی هو لنان ایلی جنبه بالای کوه هار لده هوب ریاهدن  
متراکم اولمش قارتوده لری که برجبل عظیم جسم اولور شرت بردن طوب کوب شباط ایامنه برک بجاری  
هر اتندن قارتوده سنگ اشغی جانبی اریوب حتی مجوف شکلده قالدقه اول کوهک او زنده اولایلی  
مزراق قالمگنه عظیم قارتوده سنگ اغرغندن اطرافی منشو اولوب برین قوبوب دریه طوغری  
دوشرا کوه بیک آتوده اولور سه بری خلاص اوله مزطوب اریوب دره یه طولور دراکا صیغ  
تعبیر اولنور نادر بوقضیه یی استماع ایلده خوف ایدوب کیرویه دوشوب لودی قلعه کسسه توب  
اوردویه اولاشکی لوریده کوه عکعبه الله پاشایه برکتوب یازوب طوب ساقرین برینه و اوب کوه نوری  
مضونده معش اقبال خرو انیم ایله ایادی رومیته و رویته دن مالایخصی بلاد و قری یه استیلا ایدوب  
جمله سنی حوزة حکومت اذخالی ایلیم اریسک میدانه کله کسین مقدر نه ایه ظهرو ربولور  
برقاج آئی او کورین ایما و اعلام ایلمه کس فی متبه اوله کسین تادکله ایه کسین غافل بونیم دیه  
غدر و برانه ایمییه کسین ییجه متبر و طنطنه لشکر عالمه و لوله انداز او لشکر و صدای غلغله  
برویازدی تلال و جبال طوب لشکر سنن نه نام و نشان پیداونه وجود کن اثر هوب ایدوب و جهله مستور  
الحال کس که وجود کس و عدلک علی السه ادر قلیچ دعوا اس ایدن کس کسیر کی بلاره کس کس کس  
و سردار کس و کسسه اولنک زخم تیغ و تبردن باکی او لاسو لور نفس ایشیه سی او لور کس کس کس  
اختیار ایدن لره اولک آدی خطا و اولومدن قودن کسسه لره آته بنک و قلیچ قوشانمو ناسزادر حالیا  
بومثابه ده اختفا و بوب درجه ده زاویه فوله انزه عساکر بیقیاسن استیلا رعب و هر اس و مقدر ایدی  
بومعینک ازاله سی ایچون عساکر ظفر هم دن او ایکی بنک ارفراز اولنوب اول جانبه توجه اولمش دراک  
زاکمه فی الجمله غیرت و عیبتن شمه اثر و اریسه کلوب عساکر نضرت مأثره مقابل اوله کس  
ازاله مقدر اولن هرنه ایه معرض برورده جلوه کرا اولور و السلام او ایکی بنک نفر عساکر نامدار و دیر ان  
عرصه

عرصه کیرودار ایله عازم مقصد اولوب محرم الحرامک غرق کسسه قارص قلعه کسسه قارشو  
براستلک مشا مقدر ایدی برده عسکری قونور و اوب او دره سنی قوردی بیت کس کاهان که زبیرغ  
ملوکب دوزین کوس کوس رحلت شب نتر عساکر قزلباش قلعه قارشو کسسه ملون بایراقله  
ایله کران باکران دریا کی جالقنوب کوس و کوه نای صد اریبه میدان جهان برغلغل اولوب  
تفنگ شنگلری ایدوب عساکر نه مقدار اولیغن اهالی قلعه یه سیلدر دیر نادر مطلی او تاغین  
قوروب سایا او کسسه صندلی او زنده او توروب اعلام نکار نک و صیت نفیر و طبل جنک عالمه  
ولوله انداز اولوب قزلباشک نامدار جنک آورا و باشکینه د آب دیرین انجم او زنده پیمانته استمال  
او زنده پیمانته لری ایدوب قلعه برابر نه طود عجیب و طرز غریب او زنده ترتیب صفوف و تسویه الواف  
ایدوب فوج فوج قزلباشر جمله ایدوب عرصه کادزاده دیزلیر عساکر مشاد ایله ایه نادر ک اول  
صوبه عزیمت کسینی استماع ایلده کسسه و قلعه یه کس کس استحکام و ایدوب اطرافنه عمیق  
خند قرقاز دیروب قلعه یه قیاسمندی میلی تیمور پاشا دخی قلعه او زنده شرف قره طایغ نام تل  
رفع او زنده سایا قوروب سیو زیکر می بنک نفره بالغ سوار و پیاده عثمانی لره عساکر یه قلعه یی قوروب  
اطرافنه متر سله و خند قزلباشه استحکام و ایدوب طود مشی ایدی نادر پاشا و یسار ایلی اینه  
آهسته یور یوسوب طوب ایشمه جک قدر بعدی برده قرار ایدوب اغاز مناشه و قتال ایلدیر که  
شاید انلره دخی غیرت ال و ایدوب جنک اقام ایدوب لره و یا خود محاصره دن فارغ اولور چونکه وقت  
عصر اولدی اصلا طابور دن باش کوستر مدیله لایه نادر امر ایدوب طوب لری قلعه حوالی شنه  
نادر قلب عسکره سمت راسته سایان آتشی ایله شوکت ساز و صدای کوه نای ایله دهشت بردن  
اولوب نامداران پیشگاه قلعه ده سینه بر زمان میدان نورد اولدیر که عثمانیان طمطراق نادر پاشا  
مرعوب و های و هوکی دیر به و طنطنه ایله قلبری مضطرب و مغلوب اولوب بالا ضطر ایدوب  
قلعه دن فرار ایدوب بالا ضطر مفید اولیجه اشارت نادر ایله تیمور پاشا ایلیینه جمله طوب لری طوغری ایدوب  
بر او غوردن عثمانی جمعیتکاهنه طوغری آتشی ویر لکه زمین لرزیه کلدی عثمانی لری ایدوب  
برینه کیر و بیسته او غراد قزلباشی ایدوب جمله هجوم ایدوب لاینقطع تفنگ کسیروب قزلباش او باش  
او میا ایلیینه ایشیلر قوردی قونور کیر لری کیر شیلر و میاندن چو کسسه شرت اجلی کوب و ییجه لری  
زغناک اولدی هجوم عجب بغته اولغه و هله اولیه عثمانی متفرق اولوب بعده غیرت ال و ایدوب  
جمعیت ایدوب دیرانه صیت ایله یکدیله قرق کسیروب قیاسمندی قوروب ایدوب لری طرف ایلی اینه ایدوب

۱۴۴



تغ به تغ نین به نین مضاربه و محاربه یه اقام ایروب بر جنگ بی درنگ سوخته اولدی که جمله  
جنگل اولدی و دلاوری بود دفعه سیف و کمان صاعقه بارایه عمله و هجوم ایروب همه کوه  
کیرن آج قوردکی دو میانه کیروب یکدیگر قلیج قوی بدیلر خان خانان قولدن زخم تفنگ ایله مجروح اولدی  
ینه میالست ایتموب دلاوری جنگه اغرایه در ایلی نمونه قیامت بر جنگ بر عبرت پیوسته اولدی که  
خروش و صیاح دلاوران و سرپل اسباب و نعره مردان طراقه تفنگ و چکاکک تغ بی درنگ و لوله  
انداز کینه فیروزه رنگ او طشیدی بالاخر رو میان مقابله و مقاتله دن رو کردان اولوب بر بلوکی خارج  
قلعه قارصدن وان جانبته روان و بر کوهی ارضروم جانبته شتابان اولوب بقیه قلعه یه چکلیوب  
تخص ایلیله چوکه اختام اولدی طبل آسایش او ریلوب نادر او تاغنه عودت ایلیله ابرته کی  
محاصره تمشیتی شسته بر مقدار تسهیل رو اوردوب بر بلو کلرینی چاغروب قلعه او زیننه و اولدیله  
تنبیه ایلی او چینی کون عساکر یه ریشه طالب اولدق زنه نادر دفع ایروب جو از ویرمدکی اوچ کوه اجنه  
اصلا قلعه دن بر طوب آتلیوب و بر اهد دخی طشره جقدی اطراف جو ایلی لشکر قزلباش پامال ایروب  
قتل و غارت و خارتدن خالی اولدق ایلی عثمانلونک قلعه دن حقیقی جقدی معلوم اولدق نادر عسکره  
برکتوب یازوب طو تساقیرن بر یله قلعه یه کوندردی مضمونه کالاول عسکر مشارالیه میانه جنگه  
دعوت و ترغیب ایلی اندن دخی بر جو ب جقدی کینه و تفلیس قلعه لری محصور لمغین دور دخی کون  
روان جانبته عطف عنان ایلیله که شایر عسکر مشارالیه قلعه لریک برینه امداد و اعانه ایچو طشره  
چیتقه و یا خود عسکر اول ایلیه کوچ بر کوچ روانه اولوب اوچ کلیسا جنبنده او زور لریس قوردوب  
او توردیلر اول مقاصد بر قاج کوه مکش و آرادن صلح حرکت و قیام و روان قلعه سینه بر فرسخ محله و  
اولوب ضرب خیام ایلیله در وک و ایسی شاد دخی کینه و قلعه یه لری کی متانت و استحکام و ایروب  
جنگه آماده اولدق نادر بر کوه قزلباش او باشی بایزیر طرفته ارسال ایروب وارد قلعه جمله قوی و صبا  
زهب و غارت و انواع خارتدن نضک و جانندن چخه لریس طوعه کشیر و چخه لریس اسیر و بایزیر حاکی عثمان  
اغای دستگیر ایروب نادر حضورینه کتوردیلر عسکر عبد الله شاه قزلباشی نادر او در و سیله قارصن هو ایسن  
چکلیوب کر و کتیلینی قزلباشیه نک ضعف حالته و یا خود دیرانده بر حادثه سوجه عمل ایروب متفوق و پریش  
لکرک بقیه سنی قوج ایلیوب اذاجا القدر علی البصر مفاد بجه لشکر فراوان ایله نادر دق تعقیب ایلی مزبور لشکر  
دفاعت و قیه تحرینه موافق و اسارای رو من رضین جی محمد اغانک تقریرینه مطابق تمشیلک سوار  
و اتلی نیک بیاده نیکو ایلیله مشارالیه عسکر زنی شان بود کلر لشکر فراوان و بحر بی پای ایله قزلباشیه بی متعاقباً

روان و روان جانبته شتابان اولدیله بو کوه فرایه اریه چایینی عبور ایلیله بو نوید پلیند و مرده  
براحت پیوند نادره و اصل اولدق بار و بنکاهی و خیمه و خرکاهی و جمله بارکاهی روان قزلباشیه کوه که  
کندی نام محله بر غوب اون بش بنک نفر شجاعت قزلباش ایله دو میا لشکرینی استقباله عازم اولدیله  
چونکه کوهک پاشا کوه ایچ احتشام ایله روان محالندن یاغ آورد نام محله که وارد اولدیله  
دامن کوهه نزول ایروب او در و لریس قوردوب او توردیلر نادر دخی کینه و جمعیتیه کلوب مزبور طایفه  
ایکی فرسخ فاصله دخی کینه نام قریه جنبنده بین العسکرین میدان مسطحه نازل اولدیله عثمانلونه کثرت  
و فراترینه الانوب عظیم غرور ایله مغرور اولوب انحرام احتمالن ویرمیلر سر عسکر سبکالختی  
دامن کوه دن قالیروب فراز جبله قوردوب قزلباش لشکرینی بر خوشجه تماشا ایلی اول کیجه لهر فرود  
غلبه کونه خیال محال تصویریه صبا آچلینه اشتیاقله اظهار ایروب منتظر اولدیله امان نادر دریا  
دل نصف اللیله دک انتظام امور لشکر مشغول اولوب صبحی قریب اولدقویه واروب اول کیجه عالم  
رو یاده کوردیلر که اعضاسی جاموش و دوه و قیلانه مشابه بر سبب جانور نادر کینه و او تاغنه  
نادر او زیننه عمله و هجومه اقام مراد ایله نادر شیر صولت دخی اول جانوره عمله ایروب بوی آردن  
یا پستی اول جانور دخی حکم کلوب نادر دخی زنی او زیننه کتوردی نادر دخی حایقروب اطرافه اولان  
لشکر دن امداد و استعانه صدنده ایکن شتت ایله چکوب ضرب دست ایله اول جانور دخی بقوب  
ایا قزلباشی برندن او زدی اول هنگام اولدقون او یانوب سپاهک کرضیل و بر بلو کلرینی حضوره  
دعوت ایروب اولان لکرک جام هوش و ساغر کوشلرینی بو کونه باده تلخ بیانن بر ایلیله که دشمن  
دریا جوش و پلنک خروش می غروری نوشن ایروب سرهایم قضایه کوه کس کوب مقابله ده او تو  
در بر طرفه زور قلعه کی و بر طرفه زنی صوی اکر عزم و زنده بر فتور و قصور و لاجوه اولسه راه  
بخت لهر طرفن بسته و زمام فرار گسته در نه کونه حرکت مناسبه دهاندر دیای حیرته طالب  
مقامه مناسب کلامه اقدار لری او طایچی خوب شبانه بی بیان ایلیله قزلباشیه اول واقعه  
صیبله قوت قلب حاصل اولوب فتح و ظفر امید طوب کند و لرنه شوق حیدر کلوب جنگه  
آماده اولدیله ابرته کی کون علی الصباغ ره قلعه سنده اولان او در و میان جمله سلاهلنوب  
قلعه دن چقوب قزلباش او در و سنک قفا سندن زنی صوی نکر کنارینه کلوب طور دیلر عسکر  
او در و سی دخی ایلی لکرک ترتیب ایروب صف صفا آراسته اولدیله چونکه داو در هزار آق سنجانی  
سپه در و آد فضا سنده اشکاد ایروب خورشید نین کشن دقش زرتن ایله معسکر کردنی تزیین ایتکه اغا



و پنجه نور افشانی ایله شب ظلمانی پرده سین باز آیتدی **بیت** خسرو خاوردن زینس چکدی علم لشکر پنج عین  
اتدی دم نثر نادر امری ایله لشکر آرسیل زود کد ادرکی سالن اول قلی تپه نکه فرزند صحر جانینه جاری  
اولیلر و دیران عجم لشکر عم ایله زروه تیل رفیعدن کل سیف ایروب میدان جنگه هجوم ایلیلر عثمانلو  
طوبلری ایکی یردن قوردیلر بر بلوک طوبنی قزلباش اوور و سنگ جانب یسارینه دیزدیلر و بر بلوک طوبنی  
فضای میدانه اولان تیل رفیعک باشنه حقدیلر کنه ولری اول تپه نکه طاله کنده طوب ایکی یردن رفی  
طوبله آتش ویردیلر نادر اشارتیه بر کرده جزایرچی تپه اوورنده اولان طوبله یورش ایروب طوب  
و تفنگن سیف و سنانین یوز جو **میسوب** کنه و لرینی آتسه اووریلر بر کرده قزلباشی رفی صول جانینه  
طوبخانه اوورینه حواله ایلدی کنه و سی باشنه مجتمع اولان شجما ایله میدان کاد زارده میانه ده  
رومیه لشکرینه مقابل طوروب اشارت ایتمک برده طوبله آتش ویریلوب طوب و تفنگ و نعر  
و غلو و های و هو صداسی آسمان ایدر که عثمانلو باشنه جهان تنک اولوب برینه کیردیلر بو حاله  
مقدار تپه اوورینه یورش ایردن جزایر جیلر اول تیل رفیعه استیلا و طوب بیلری پریشان و طوبخانه  
بی دلخواه لری اوورده ضبط و تصرف اییلر کلرین صکر طوبلری قلب عسکره یونلده و آتش اتمکله  
عثمانلو نکه ایلی پریشان و پنجه لری بی نام و نشان اولیلر عساکر اسلامه بو پریشانلو واقع اولده  
کم فرصت قزلباشر تفنگ و طبایحه لری ایله و قارغی قطار مرزا قلی ایله حمله ایروب پنجه رین خان هلا  
یقوب فذق کربوب قیامت قویاردیلر بر کرده مکروه قزلباشر رفی پیاده رین راه کیر رین سده ایروب قلیج  
او شور دیلر پنجه مردل اول نابکار لر تیغ معوه جندن شربت شهر هادی ایدیلر بر اطراف رین احایروب  
بر مرتبه قلیج قویردیلر که بر خسرو اوینگر بی اقطاروب دیار عدمه که ندردی سوایلری رفی تعقیب ایروب  
مورخ روایتنه کوره ادرینه چاینه دن سوروب عثمان نیاندن اللی نکه نفردن متجا و زلاوردی عرضنه  
تیغ هلاک و اسیر فرم کنه فتر اک اتمکله شهر هادیم سنه الحاق ایلیلر مکر قراچو له طائفه سنگ ابا  
عن جد حاکی دستم خانکه نادرک معتمه علیه شیری و شورابه رفصک ازل خنیزی ایکی اشارت  
کیرده عسکر مشار ایله عبد الله پاشا حضرتلینی حیثاً اخذ ایروب نادرا و تاغنی طوغریلایوب کتور  
قزلباشر علیمه یلوب بر قلیج او شوروب پاشای ناتوانی آدن دوشدیلر دستم دستم اول وزیر شاک  
باشنی کسوب نادر حضورینه کتورده نادر دیردیلر کسکره آجیوب دستم خانه دخیله خاطر اولوب  
آزاد آیتدی عسکرکی محافظه ده تقصیری اولیغدن مظهر نوازش اولدی و دیار بکره ایلسی داماد  
صادق مصطفی پاشا اشار فرارده زلفان اولوب حیثاً طوبله حضور نادرده کتوردر لکن یوله و قای ایلی

نعشی

نعشی اوورویه کتور دیلر بو سفر نحوست اثرده اون بنک قدر نفردوسا و امر او کربلو کلردن  
راه عدمه کیده بوشن جام شهر هادیت ایله دو قیاب اولیلر تاریخ مزبورده شهر محرم الحرامک  
یکرمی التخی بکشنه کونی ایکی که جانب عثمان نیانه علامت ملائت اثر انهرزام رو نما اولوب  
وزرا و امراسی قتل اولنوب بو صورت و کسبای اوورده طرفینک عسکر نه شرت ده زکاد نالهوار  
ایله تموج ایردن دریا قتل ایکی جانین عدو جزایر ایله کاه تلاق و تلاطم و کاه تزویج و کاه تفرقه  
ایکی عجم میته زمانی مورورنده بر مقدار سکونت اولنمغله طوبخانه و فرانسه و احوال و ائقال  
و روایت و آلات کسکرک و لشکرینک حد دن افزون و قیاسدن بیرون ضیمه و خرگاه و بازار و  
تماما اخذ و بلا هائل و مانع قزلباشر دلخواه لری اوورده ضبط ایلیلر اما میلی تیمور پاشا و اگر ایله  
بر جاننده بو لنوب نوا اتر قتال اشتغال اوورده اولوب عثمانلو عسکرینک بر جناحی اضمحلاله قریب  
اولیغی بر له غیرت ایروب کنه و بعثیه شتاب اوورده فرار ایلدی فراریلر بر کرده و هی اوج کلیسا جانیندن  
و بر کرده هی اشتراک کوی یولندن کیر رین اولوب اوج کلیسا اول حوالیده بو لقا قری ارمی لری  
طرق و موارد فراریلری محکم و سده و بند ایروب اشتراک حوالیسنده برده ده باشلرینه طاش یاغیر  
طاش و اغای ایله یوللین کسوب تیره و تفنگه طوب آتلین اوورکده و سبک نفر کین آتلین  
اقطاروب باشلرینه یاغن طاش و قیاق و قورشون جمله سنی طوب پارلیوب اول بی پایادره یه طولر  
آتله و آملر بالجه چاهار عدمه شتابان اولیلر انصکر قزلباش لشکر ایکی کون مکنه و اقامت  
ایروب مراد تپه نام موضعه عثمان نیاندن اخذ ایلدی کلری مال فراوانی بینلر نه توزیع و تقسیم ایلیلر عسکر  
مرحومک نعشینی و باشنی زخیم بی محایا ایله قارصه فرستاده و داماد صادق مصطفی پاشانک  
جنازه سنی روان قلعه سنه ازال ایلیلر و سایر اسارانک جمله سنه خرج راه ویروب مرخص ایروب  
انایله ماملرینه ایصال ایلیلر و طوتسا قلدن بر کرده کسبه یی یو کر کنه شتی نقل ایچو کنجه و تقییس  
و روانه روانه ایلیلر معشار و زکاد ایله بو کونه قهر و غلبه کنه سنه مستر اولده اوورده ایله مراد تپه  
قالقوب بیلاق جانینه حرکت ایروب تپه تخان خان نام محله ضرب خیام و مکنه و قیام ایلیلر بو قهر  
عبله نکه و قوعدن صکر لو رستان فیلی بطلر بکیشی چایه شلو بابا خا بر موهب فرما اوورویه کلوب التی نکه  
نوروزم کسکر خسرو ایله روان قلعه سنی محاصره یه تعیین اولیلر مزبور مکانده نادرک سیوک اوغلی ضاقلی  
زاد رفی مشهوردن کلوب نادرک مرمنی کتوروب نادرده بو لشوب تقییل ساط ایله نیل انبساط اولیلر  
**تسخیر قلعه جاکنجه و تقییس روان و وقایع آن او ان حیرت نشا و دهشت نشا** مقدمه نادر برادر



کنجی قلعه سنی محاصره و دفعاتیه محاربه ایست که نضک بخه مدت محصورینک کمال غیرت و عیبت ایدیه ...  
مقابله و مدافعه ازین استیمنان محال اید و کنه دلالت حال اید انتقال ایلدکه و ارتقوتن بازوینه کتورک  
قلعه یی ده مکه باشدی و لغیر یورتی محصورینی کمال تفسیر اید بی آب و تاک ایلدی بود دفعه کنه  
قلعه محاصره کفایت مقداری لشکر تعیین اید و ب قارص او زیننه و اروب اندن دخی مایه سار جمع  
ایلدکه بقضای الله تعالی سرعتر تعقیب اید و ب اعاده سی موجب کرد فضا احتل ظهوره کلاکه بو خبر  
پریشان لشکر گریزان و ساطیله اهالی کنجیه ایریشوب ایام محاصره دخی مدیره و اعداد و رودن قطع اید ...  
محصورینک تحل او زار کارزار اید حالری دیگر کون و ضعف و اضطرابلری حدن بیرون او پیشدی نادری  
محاصره شروع وقتند کنجیه ده عسکری نامنه بشن التی بنک کسنه و اراکن زمان محاصره او ای تماری  
اولوب بنک بشیو ز قدر آدم ضلایل جنگه کشته و بشیو ز قدر آدم حتف انقه انتقال اید و ب نصف عسکر  
قدر کسنه باقی و موجود اولوب بو شتر زمه قلیله اول حصار و سیفک که تفورینه می خدمت و متع  
صولت اعدایه می بدل لغت اید جلد دیو و زیر و عسکر متحیر و کردان اولوب محافظه حصار دن رفع  
ی ایتیلر قزلباش اید کتر تلی سببی اید غلبه لینه جازم و اقدام اید تسخیر قلعه یه عازم اولوب  
لکن محرم ملاحظه نیک ایام ماتمی او مقله نو عازا از آن نفوسن تحاشی قیلوب ایام ماتم محرم حمله اید کجه  
قلعه او زیننه هجوم و صولت تن تکامل کوستر و ب بعد زانک اقداملری ظهور اید جکی و عسکر کسرت  
خبر لری متواتر او پیشدی ناگاه بر سائو حادی عسکر نادر جانندن استیمنانه نادری او لطیفین الحاح ...  
و ابرام بقیه تغییر اید نامه وزیر علی پاشا و مرزا پاشا یا زیلوب بر قاجار نفرا و جا اغار اید حضور نادرده  
فرستاده ایلوب طالب امان اولیلر بو مسؤل مقبول نادر اولوب دفع دست تعدی قیلوب ذلکنه  
عبد الباقی خان نام قزلباشی مزبور اغار همراه اید و ب با فرمان کنجیه یه اعاده و ارجاع ایلدی فرستاده  
کان قلعه یه و اصل اولدقه پاشای مشارد اید صفر المظفر کون اوین بنی کونی قلعه یی تخلیه جلد طو بخا  
و مهتماتی وید لرنه اولان عجم اسار سنی قزلباشی تسلیم اید و ب شکرانه خلاص اید چون علی پاشا و فتحی ای خادیه  
ضلالت آشیانته و اروب عبد الباقی خان و ساطیله ناچار دامنوبه تقدیم و اقدام کوستر ایلر و مجلس  
شاهه لیبو پیشکر عرض ایلیلر نادر دخی ایدکنه ده طلار و ز خلعت کیدر و ب یا نلرنه لشکر قوشوب  
علی پاشای قارص جانبته و فتحی خانی تغلیس بولدن ولایتی اولان دار الملک قریم جانبته ازال ایلدی  
عجم بر فرجام کنجیه یی وجه محررا و زره ضبط و تسخیر ایلد کلر دن صلح تغلیس جانبته توجه ایلیلر تغلیس  
و ایسی پاشا دخی قلعه یی تخلیه و تسلیم صد دنده ایکن اهالی قلعه کرانه هجوم و غلبه اید و چاغ شریلر که  
البتّه

البتّه اولاد و عیال و اعلان و امور الیمزی کنه و الیمز اید قزلباشی تسلیم ایتیز کسنن دخی عهد و میثاق  
استرز که بو خصوصه بیرم اید متفق و متحد اولوب اعدا دینی مدافعه و مقاتله ده مال و جو  
بذل اید سریدیلر پاشا دخی ایمان غلاظ اید عهد و بیمانی شد قیلیمو استکه چه چاغ شریلر که ایمان اید  
بیره قوت قلب حاصل اولماز بو سوز کزن صدقی اول وقت محقوب اولور که تعهد تا مدن صلح  
و حاق اختیار لری اولان امانیه خزینه کزی تسلیم اید سر پاشا دخی ایکی کون استر حال اید و ب و چینی کون دمن  
هجاری اید مملو و مقفل صند و قلی خزینه دیوموی الیمز تسلیم اید و ب کجه اولدقه قلعه و طو بخا  
انته لرینی اسارای ایران و کر صیلدن بر قاجار نفوسنه تسلیم اید و ب کنه و خواص ایتاعیله افسخه  
جانبته عزیمت و روانه اولیلر علی الصباح اهالی غیض و غضب اید طو لب مقفل صند و قلی  
قیر و در لغم و دنیا بد لنه رمل و ا هجاردن نصیلر کوب بیع الا ولک یلری ایکنی کونی اید که قلعه  
خالی قیوب هر بری بر جانبته پرانده و پریشان اولیلر اما روان و ایسی پاشا دخی قلعه سنی تخلیه و ب  
ایچون قرق کون استر حال ایلدکه مسؤلنه عشا اولنوب امر حال اولدکی بیع الاخر کون ایکنی کونی تحاشا  
یلا غندن کوییلوب سینه قارص جانبته رفع لوی عزیمت ایلدیلر ماه مزبور کون اوین کونی قارصک  
جانب غریب سنده ارض و هم معبر نه او رد و لرن قور و ب او تور دیلر و ک حاکی میلی تیمور پاشا که مرادیه  
جنگنده معرکه پر آشوبدن فرار اید پیخه قهر نادر پاشا شگنیه کسنن سخی تیز دستلک اید سلامت بو پیشدی  
قارصه داخل اولوب بود دفعه قارص و ایسی قلعه دار لغه بدل مقدر ایلدیلر اید چایی کنار دن  
ارض و مه دنگ جمله قرا و بنا لری سیقوب مزراع و تو ابعالین بیرو ب ایصال انواع خا اید خلاص  
تصور قومیلر چونکه سر عسکر ثانی عبد الله پاشا شریه و عسکر بی پایانی منبر از م و پریشان و نابو دو  
ناید اولیلر دولت علیه عثمانیه بو خصوصه ایچون تهرمت تقصیر اید بغداد و ایسی پاشای اید  
بغداد دن معزول ایلدیلر اید بود دفعه مجدداً سر عسکر نصب و تعیین اولنوب و جنگ و صلح مازن  
اولوب ارض و مه و اردو اولیلر اندن نادرده نامه یا زوب الصلح سینه الاحکام ماصد قنجیه صلح جنگ  
او زیننه ترجیح اید و ب صلح متعده اولیلر قارص و ارض و م و ایلدی و اهالیلری دخی صلح طالب  
و راغب اولوب متعده اولیلر که بعد الیوم ایران زمینه دست دراز لوب ایلیمه لرشول شرط اید که  
انجام دخی عثمانیانه آزا و اضر اردن کف اید و ب ثقلترین اول هو الیدن دفع و رفع ایلوب بلاد  
ضلالت بنیاد لینه ره بر اه اولار ارض و مدن نقیب الاشراف امر او اعیان و بر قاجار نفرا و جا اختیار لری  
قارصه و اردو اولوب قارص علمای اتفاقیله حضور نادرده کلوب التماس لری عرض ایلد کلر نادر



سولتین قبول ایدوب لرینه فرمان امان و یرو ب روان قلعه سنی تخلیه و تسلیم اچو جمله کنی رو  
و ایسی حسین پاشا جانبنه فرستاده ایلیک حسین پاشا اگر چه اول فرستادگان مملکت اولیوب  
و هله اولیسه آنلره جو ب یاس و یردی اما قلعه دارلوق مفید اولیا جفنی سلوب بالضروره قلعه  
بوشالوب ماه مجازی اولولینک اون بشنخی کونی بالجله طوبخانه و قورخانه و اسارایی نادرگاشته  
لرینه تسلیم ایدوب الهالی قلعه و عواشی و طواشی سینه رواندن عقوب ولایت رومه روانه اولیلر  
روان محاصره سنه مامور اولان لوستان بطر بلیبلی خان و سارگرگدگان امر لکوندریکه روان  
صو ایسندن قالقوب شمس الدینله نام محله و رود و توقف ایلیوب صد و امر مجده منتظر اولار اول  
ایام و قایعنه ندرکه داغستان کیلرندن برکوه جاده اطاعت نادر نابکاردن عقوب بر قاج نقر باشلر  
اوز لرینه جمع ایدن لکیر ایله قبا نام بلده یی محصور ایلدیلر خاص فولاد خان شخیان بر جانندن و در  
حاکمی اول بر جانندن لکیر ایله مدافعه و محاربه یه دوریشوب اندردن اوج بک نقر ندره و کله خند  
ایدوب بقیة السیف منزه عاکرینک اولیلر شخیانک و معیتده اولان ابطلک صد اقت برله خدمتلی  
نادرک معلوم لری اولیجوق استقامتلی مطبوع و مشکور واقع اولوب و افرانعام و احشا مظهر اولیلر  
به خصوص اچو مشارالیه شخیان درنده و اردو اولده آورانام قصبه خانی او شخیان بیلوک لکیر ایله  
واروب شخیانک شکی ترضو نام قلعه یی محاصره ایدوب مقاتله یه آغاز ایلیک شخیانک قلعه محافظه  
تعیین ایلدی و کی اتباعی دخی قادشوق عقوب او شخیان خان ایله عظیم جنگ ایلدیلر مزبور اتباع و فرخ اوزره  
بولمغه عاقبت غالب اولوب او شخیان مقتول و نیچه لرینی مجروح و محذول ایدوب تتمه دیار فراره شتاب  
اولیلر و صورت اقباله نمایان اولان استدر اجاتن بری بودرکه مرو نام بلده سیل طائفه تاتارک جریان  
و طفیانی و آشوب و غلبه سی ایامده برای مصلحت امر نادر ایله شهره جاری اولان صوبیک بنی ۲۷  
اول روزخانه دن صو کلیسا منعم اولمغه باغ و بوستان پر و بیابان اولمشیدی اندر فصلک نیچه سنه  
تعمیر و مرتیجی عله و اسارا و فراوان و بی پایان ارغاد و استاد تعیین و مصارف کله خرج اولوب  
تمام اولده صو بر دخی سقوب کیر و یار ایدی دفعتیه بویله یا بلوب صو کله و کی کبی سقلوردی مباشر  
اولندر و ایسن ایشیلر جانندن یزار اولمشیدی بالاخر ظهیر آله اوله ابراهیم خان اول بنک تجیه و تعمیرینه مامور  
اولوب هله هر روز حمت ایله بوسنه مبارکه ده بر خوشجه تعمیر اولوب تکیلندن صلک بنده صو باغلندوب  
بند مزبور متین و مستحکم اولمغه بنا طوب صو قلعه یه و باغات و بسایتنه و مزراع و مراتعه جاری  
اولوب اول روزدن و روزدن جمله تشنه کامله کامیاب اولیلر و مسقه طرفندن و اردو اولان گنا س نام ایلیک

سین متعده دن برو توقف اولوب نادرک دکاندن آریلیوب شرف خند متلیه مشرف اولمشلر  
ایری روان یا بلاغندن قارص جانبنه عازم اولدیلر نه مسفور ایلیک به رخصت و یریلوب مرزا کافی نصیری  
دخی رسم فادته ترفیو اولوب بر فیل توانا و مسقو چارینه لایق بعض لهد یا ایله دولت روس  
مخوس جانبنه رجاع و اعاده اولدیلر درینا حرکت موک میمو از قارص بجانب تغلیس و در بند  
**و انتظام مرهام کرجستان و تنبیه اشرا و طاغستان نادر برادر مساعده روزگار ایله روان کجه**  
و تغلیس قلعه لرینی ایادی رو میاندن نزع و استخلاص ایلدیلر ندرک صلک انتظام امور کرجستان دخی  
مراد لری اولوب مجازی اولولک او سکر بنجی کونی قارصدن عطف عنان و تغلیس جانبنه روان اولیلر  
و مقدما امر کوندریکه تغلیس سر کرده لری و طریمو رشت مرزا و علی مرزا و کاخ و کار تیل تا و اتلر ندر اوج  
یوز نفر کشته تمثیل امور مرهام کرجستان اچو اردو یه و اردو اوله لرم مامور لرد دخی حسب فرمان اثار الله  
کلوب ایشوب خالکوس ایتیلر اگر چه طریمو رشت مرزا و ایلیک اولی و اخو و مملکت دار لغه امری  
و ایلیک ایلیک اما علی مرزا فرخ کرجیه دن شرف اسلام ایله مشرف مدبر و مبطن اولیلر ندر ماعد ابغداد  
وقعه سنه قنده اشقی محمد مرزا دخی قتل او نمغین تطیب خاطر و مراعات اچو کار تیل و کاخ حکم متی کنده  
توجیه اولوب خانلوق خطایله سر افر اولدی و برکوه لشکر ایله مقر حکومتنه ازال اولندی و طریمو  
مرزایه امر ایلدیلر که مسفور تا و اتلر ایله بریجه وقت دکاننه ملازم و سایه عایتده مستخرج و خدمتده مستفید  
اوله لر تغلیس ایکی منزل برای ایلی نام کلون مسفور طریمو رشتی فرخص ایلدیلر که واروب کاخندن خانقاهی  
و سارکوج و کلفتنی قالدیروب تغلیس ایلیه طریمو رشت مرزا مقدما کرجستان و ایلیک اولوب و ایشی باوقعه  
خدمت پسندیه کی سقوب ایدوب شمشیر و تبر صاحبی اولمغین بود فعه و ایلیک کنده و یریلوب یا یوسا  
عوت ایلیکله عننده موجود اولان کرجستان و سا و امر ایلیه تغلیس او غرامقزی کنده و خانه  
شتاب اولدیه کیدوب لوق اول کونون کوج و کلفتنی آلوب و کنده یه موافقت ایدن تا و اتلر ایله قالقوب  
قراقلیق سمتنه فرار ایلدی روس و چرکس سمتلر نه صعب المسالك محله چکوب کندی نادر  
دخی صو خانلوق نام منزله و اردو اولده طو ائیف کرجستانک خانلرینه بولوب لشکر کوندروب  
ملازمت و استمالت ایله اطاعته ترغیب و عسنا و مخالفتن تحذیر و تهیب ایلدیلر ماه مزبورک بکرمی  
طقو زنجی کونی تغلیس و اصل اولوب اول طو ایفدن مطیع و منقاد اولندر مودد احسا اولوب  
سرکشر موافقه و مصادره اولونیلر کرجیلردن التي بک خانه یی کوج ایدوب خانه لریله خزانه کوندر  
بکرمی کوندر صلک تغلیس قالقوب قیم خانندن دخی اخذ انتقام اچو در بند جانبنه عازم اولیلر



بومقالک توضیحی اوله که کورپلی او علی عبد الله پاشا دولت عثمانیه دن کر عکرنصب و تعیس  
اولنوب جانب ایرانه عازم اولده که قدم خاننه دخی شوکتلو پادشاه حضرتلرندن خط لهایون  
که ندریلوب سولاق و در بند یولیه تاتار خانی بر قاج بک تاتار لشکر یه تعیس و ازل ایشلاری  
نادر بو خبری اشته که شیر و ان بکلر کیسی ساری و لیلو علی قلیخانی کردار نصب ایروب کلیتلو قوشون  
قوشون و اکثر آباد لشکرینی دخی معینه تعیس ایروب در بند جانبته ازل ایلیله و تنیه ایلیله که  
در بند حد و دینی کرکی کمی محافظه ایروب بختس و استخبار ایروب سن تاتار لشکر بک حرکتی اول جانبته  
حقیقت حال واقع ایروب و قتال ایتیموب طرفیزه اعلام ایلیه سن بو اشته تفلیسه خبر  
وارد اولدی که قیرم خانی عسکر ناکم و دیله ممالک ایروبه مقومینده حد و دینی اولن سولاق نام  
بلدیله وارد اولدیله اما شوکتلو عظمتلو پادشاه اسکندر جاه سلطان محمود حضرتلری یقیناً ایلیله که  
ایران زمیندن اخذ ایلیله کلری ولایا خواه ناخواه دست قهر فلرندن نزع و استخلاص اولنده نصک  
نوبت بلاد رومه کلوب اعجام بر فرجامک ممالک محروسه عثمانیه یه دخی تسلط و استیلاری خوف  
اولنورکنجه و ایسی علی پاشا که ناچار کنجه یی بر غوب دولت عثمانیه جانبته روانه اولشلاری بود  
دولت علیه جانندن وکیل مطلق نصب اولنوب نادر جانبته اعاده و ارجاع اولدی که ارض رومه  
نشین اقامت اولایرین سر عسکری اید پاشا تک انضمام رایسه دستور قدیم اوزره بین له ولتین ایروبه جانی  
حد فاصله اولوب عقد صلح اولنه و قیرم خانک برادر زاده سی اسلام کرای خان آستانه دولت علیه  
عثمانیه ده اولمغه مشارالیه حضرتلرینه بر خط لهایون ویریلوب مضمونه بین له ولتین صلح و صلاح  
صورت پذیر اولوب صلح منعقد اولده مقرر کولو متکا عودت ایلیه سن اسلام کرای خان اسلامبول  
اولاق ایله ازل اولنوب ارض رومه کور عسکره ملاقی اولده کور عسکر پادخی بر معتمد رفیق رفیق و  
نادر جانبته فرستاده ایلیله اسلام کرای سلطان تغلبه عتبه نادره و اصل اولوب علی پاشا که امر  
صلح ایچون و رود و کند و سی قیرم خانی اعاده و ارجاع ایچون خط لهایون کتور دیکلی اعلام ایلیله که قیرم خان  
بو گونه جاسارت صود ایچون نادرک مزاجی بر مرتبه آتش افروز اولمشیدی که برو جهده تکیس و اطفا  
محال ایری اسلام کرای سلطان یسودیلر که هربار شمشیر ابر ایله آتش فتنه یی اطفا و خصماً شورانلر  
شریت قیایچو ملکه افتایره کلشم شوکتلو پادشاه عجم حضرتلر بک شفاعتله بودرجه یه راضی دکلر که  
قیرم خانی قتل و استیصالر نیتیه دیار بزمه عازم و بیخ و بنیاد بزمی قلع و قمع ایتکه جازم اولوب ممالک  
ایرانی پایمال و نهب و غارت سود ایسه حد و دین ایاق با صدق نصک یه سلامتله مقرر کولو متلرینه و ایروب  
عفو

عفو و اغاضتی عدم قدرتمند عمل ایروب بر از مفاخرت و مباحثه دخی ایلیه شوکتلو پادشاهک بو حکمتی  
تقویم سابق کبی ساقط در دیو اسلام کرای سلطانی کنجه یه که ندروب که زجه سنه قودکی و عبد الباقی  
خان زکنه یی تغلبه توقیف ایروب امر ایلیله که دولت علیه عثمانیه جانندن مصالحه خصوصاً  
بو جانبته توجه ایروب علی پاشای دخی کنجه یه ازل ایروب طرفین اعلام ایلیوب امرینه منتظر اولاس  
دیو تنیه ایروب جازی الاخرک اون طقوزنجی شنبه کونی تغلبه حرکت و جادوتله یولیه عازم  
مقصد اولدیله قانیق نام صوبی عبور ایتکه معلوم اولدی که جادوتله لزیکلری یه جادوتله اطاعتن حقوق  
راه عصیانله سلوک ایلشله مزبورده کوشمال بلوغ و تنیه یی درین ایچون صونکارنده اوردوی بر غوب  
صالت و سبکبار بر کرده شجاعت و فرساده ایله اول جانبته غریمت ایتدیله مزبور لر ایسه مقدمه ازل کلر  
کوروب خانه لریه کوچ ایروب مشهور عالم اولان صعب المسالك عین الممالک رفیع و منیع البرز  
نام کوه فلاح شکوهک صفنا قلنده تخصص ایلشله ایری نادر امرینه تفکیک و جزایر حیوان اول جیلده یوش  
و صعوده مشغول اولوب نواجز ایروب و تفکله قلعه زمر ایری کره نادر ایلیوب صفنا غن بر کستی ضبط  
ایلیله چونکه لزیکلر خلاف عادت بلای زمیندن آسمانه صعود ایرور کوروب و یقه لری دخی اول  
فوج بی امانک آتیرنه کوروب متحیر اولدیله زوایای جباله متفرق اولوب آوار جانبته چکلدیله قریباً  
اندردن صوم کیشری طوعه شمشیر و جم غفیری ایروب منازل و مرابعلین و خانمانلین احرق بالئار ایلیله  
اندرن نادرشکی و ارض یولیه طی مراحل ایرورک ایلفاد ایروب سا اوردوی یه اولشیلر شمانی یه وارد اولده  
خبر و اصل اولدی که قیرم خانی در بشک خارجه کلوب اطراف و کنافه اقیس صد دنده ایکن مجرد معسکر  
نادرک اول جانبته تو قهرلین اشمطله عطف عنان ایروب ایکی منزلی بر ایرورک قیرم جانبته شتاب اولدیله  
نادر بونی اشته که رقیم کوروب کنجه ده توقیف اوضان اسلام کرای سلطان لای اولدیله ان معاودت  
ایروب کتور دیکلی خط شریفی اول دولت و الانک امناسنه تسلیم ایلیه و خبر وارد اولدی که خان مشارالیه  
در بند صو ایسنه ایرشکه شخیال سابقک او غوللرندن ایلدار نام کسنه یی داغستانه شخیال نصب و  
تعیس و ایالت شروانی سرخای خانه توجیه و حکومت در بند ایسی همدخانه تقویض ایروبه  
ایکی بک بشیوز نومس اچه انعام و تیرکش و شمشیر احکام و سوره قابلو صلاح فاخره الباس ایلیله و خانی  
خان دخی او غلنی بشیوز نغم منتخب آذنار و لریله خان مشارالیه همراه ایروب اول طائفه اشرارندن بعض  
کرشدر دخی دره خلوت دلکه بک فخر ایچو میدانی خالی بولوب قیرم خانی ایله وفاق و اتفاقن دم اورد  
یلر اکرجه اول ایام هنگام شتاب اولوب داغستان کوهستانلرینی قار تمام احاطه ایروب اول جبال و تلالن

۱۴۷



برجانبه چاقوب کتک محال اولوب هر طرفن ممره مغر کر برقی شتایه حکم سوبنده او لشیدی  
بر وجهه که اول معابردن عبود مقدر بشر دکل ایدی اماناد نامدارک نظر نه بلند و بست درک  
و شکست جمله یک اولوب شتت شتا و صولت سرما و صعوبت راهه باقیوب اول طائفه کم  
فرحتک جز اینی بر دنی ترتیب و دارو دیار لیس تخریب ایچو دامن درمیا اولوب شتافی قریبه آلتی اغاج  
یولندن روانه اولیلر دده کنکی منزله و ادد اول قده داغنتا سردارینه امر اول ایلیکه در بندن کلوب  
طبر کران اعمالدن دده منزله ملک و اقامت ایروب زاد و ذریع تدارکنه مشغول اوله لاندن بارو  
بنکاهی و جمله مرمت سفریه بی و اغرنی و اوردو بی اوغلی رضا قلی مرزا ایله شایر ایولندن اول ایوب  
کنوسی اولاب کر و منتخب لشکر ایله به وق و خالیق و اشرا اینی کوشمال ایچو اول جانبه روانه اولدی  
التی بک نفر کزیده لشکر دنی دو قو زیاده و التي پاره کستلینه تعیین ایروب کر و هه دنی امر ایلیکه اول  
موضعک سمت غربی کنده کرده منتظر اولوب فرزند ار اول جانبه فرار ایره بک اول اولدر ایسه  
او کلین آلوب یول لیس حکم سوبنده ایره لچه نکه تمسیت مافی الضمیر لینه مطابق اول طائفه اوزر  
بلای ناکرانی کی نازل اولوب اموال و اثقال لیس نرب و غارت و انواع خسارت و بیچه لیس مقوله  
و مجروح و کج اول ایلیکه نضک عطف عنان ایروب قبه محالنه اوردو یه و اصل اولیلر اندن کچه بوب  
شهر رجبک بشنچی کونی در بند قلعه کنک سمت شمالینده اوردو لیس قوروب او تور دیلر اول اشته  
خبر و ادد اولیکه شمنیال جدید اولان ایلار او کچی خان و کرخای خان سلسله جمعیه انتظام و یروب  
خاص فولاد خان ایله جنکه قصد ایشلر بوب خبر نادرک کوش زدی اول قده لقا اول کچه در بندن  
قالقوب او کچی خانک اوغلی خان محمد کسکی اولان ماس نام قصبه یه و ادد اولیلر خان محمدی  
ماسک معبری اولان دده بو غارتی بر کر و لیکر ایله کسوب حرم احتیاط اوزره بو نیش ایری طرفین  
جنکه مباشر اولوب بالاخر قریب شیه غلبه ایروب بر کر و لیکری مجروح و مقتول و بر کر و هی ایسه و کج اول  
ایوب بقیه السیه جو ابته کیزان و بریشان اولیلر قریب شیه تماما اول محالده موجود اولان مال و اثر  
وغلات و زخایری قصه تصرف لینه اذخال ایلیلر ایرته کسکی کج اول موضعن حرکت ایروب بالجه  
داغستانه استیلایچو روانه اولیلر منزل بمنزل دو بره اولوب اشته راهه مرور ایله کی قصبات  
وقری اهالیسنی قتل و غارت و انواع خسارت ایله ذک خاص فولاد خان شمنیال متعلق اولان کج اول  
نام قریه یه و اصل اولیلر کرخای و او کچی و ایلار کوبه نادرک اول حده وده و صولندن آگاه اول قده  
هربری کنده و بشنچی آلوب برسته فرار ایلیلر خاص فولاد خان کنده و خواسیله کینه نادرک عسکرینه ملحق اولوب

شرق صحبته مشرف و معزز اولیلر بعده اول موضعن حرکت ایروب کرخای خان اله کتور ملک  
ایچو قوق جانبه دفع لوب ای غریمت ایلیلر ماه شعبانک اون بیخی کونی قوقه اوج فرسخ فساد  
واقع دوزاق نام محله و ادد اول قده کرخای لشکر مو فو رایله کلوب قتل جباله سکر لرتیب ایروب  
جیهوش دریا فروشن نادر بانک معبری اولان دده یولنی حکم سوبنده ایروب سیل بلا خا و خوش کیر  
ایله دفع اولنور ظن ایلیلر نادر پیاده تفنگچی لری دور طرفن یوریشه مامور ایروب اول اغوان شهر بازاری  
فرار کوهه صعوه ده اغاز ایروب نو اثر کارزار شعله دار اولوب قسته لرا حد ایش ایروب قیامت قور بارو  
هنوز لشکر قریب شک بقیه سی دامن جبله عروج صد دنده ایریلر که لیکر معاه و مته تاب آورد اول میوب  
فرار اختیار ایلیلر قریب شیه تعقیب ایروب لیکر حکم قلیچ قور دیلر چو زنده و کله اله کتور و بقطارنه  
آیلر تفصیل خبر خان قریم تارخان و بی کیفیت غریمت و عودتشن از جانب طاغتا مقدما کشیده سلیک  
تفصیل قلیزنی اوزره ممالک ایر از مینک تمادی اختلال و اختلافن ناشی بالجه اقطار شریعه ده و اقع  
بلاد و امصارده ساکن اولان عباد مسلین مشتت البال و مضطرب الحال اولوب خصوص طوایف جلیله  
اسلامیه دن طاغتا اهالیسنی و قیناق حاکی او کچی احمد خان و سائر قبائل و او یوماق رحالی سنین کینه دن و  
انجام ایره و وقوع بولای حاربتا سیسله نیشوش النظام اول قری جرتدن شوکتو پادشاه عالمیناه سلطان  
محمد حضرتلر دن امداد و اغاشه خواه اول قده بر مقتضای طینت شفقت اول اطراف و حوالینک  
تنظیم اموری و اهالی مرقومه نیک اتمام و حصول مأمولی ایچو استخوان و استصواب اولیغنی اوزره  
فرمان فرمای اقلیم قریم اول قیلا لرای خان حضرتلری عموا کر تارخان و شکار ایله جانب مزبورده مامور و  
طوایف مرقومه نیک تنظیم و ترفیه حال لری خصوص صی عمره ایلیخان لینه احواله و تقویم اولیغنی مشرف  
نامه لقایو شوکت مقرب و تشریف عینت مشحون موهبت نمون ایله خان مشار الیه توصیه و تغیرم قلیزنیغنی  
غیری کافه مرهاتم جبهه رانام ستم دست اقتدار و اهتمام لری اولیغنی اوزره رخصت کامله بی شتمل خطه  
لقایو ایله استقلال و یریلوب و مومی ایله او کچی قده خانه و زارت براتی و اوغلی محمد پشایه میر میر انلو امر  
شریفی اصداد و اول اولمشیدی بنا علیه خان مشار الیه فرمایو لینیغنی اوزره جانب طاغستانه غریمت  
ایچو ترتیب مهم سفریه یه قیام و ابتداء و ابتداء داخل حومه حکومتلری اول ممالک قریم و بو جاق و دست  
قبیله حوالی اوزی و از اقد و اقع بالجه سلاطین آل جنکینه یه و عموا شیرین بکری و میرزایانو غای  
عسکری و چرا که برهاد لری سائر تارخان صبار قنار دن جمع لشکر پنج شمار ایروب قلفای سلطانی مملکت مرقومه  
حاکم نصب و تعیین ایلیلر نضک بر روز فیروزه مملکت مرقومه دن تحریک اعلام نصر بیام ایروب طی



منازل و قطع مراحل آن در کمان شکوه و چشم بر له **قویا صوتی** کنانینه ایر شه کلزده قلو قبیله کی  
ضابطی اولاد و بنو قونونک اوغلی دکاب خاینلرینه یوز سوروب مظهر نو از شش و اکرام و امکانی  
مرتبہ عکریله ملازم بارگاه قاینلری او طوسی فرما یوریلوب بعدہ محل مرقومہ نهر مرقومہ در **عبود**  
ساعت و طقوز ساعت مسافه کوی صوتی و آنده دخی یکی ساعت مشایخ صوتی کنانینه  
وارد اولد قلز خلاصه بالجمله قبارطی بکلری عرض عبودیت ایر و بس یارای لیاقت و اقتدار لی مقداری  
مشایخ و مرتب عکرت اولکله معیت خاینلرینه بولنلری تنبیه اولوب ساحل مرقومہ دخی رفع الویله  
اقامت و بش ساعت مشایخ خان صوتی و اندن یکی **عس** مشایخ صوتی و اندن یکی **عس** مشایخ صوتی  
صوتی و اندن یکی **عس** مشایخ صوتی و اندن یکی **عس** مشایخ صوتی و اندن یکی **عس** مشایخ صوتی  
کوران ایرمانی و اندن بر ساعت مشایخ ایرمانی و اندن **عس** مشایخ ایرمانی و اندن **عس**  
کلمه ترن ایرمانی عبور اولوب قلعه تاتارتوب تعبیر اوضان محل که فی الاصل کرسی مملک جنکیر  
اولوب حال طائفه چرکهدن کوجک قبارطی تسمیه اولد قبیله به جای آرام و قرار در و صو للزده  
طائفه مرقومه نکل رجال و اعیان دکاب ایلخاینلرینه یوز سو دوش اند دخی مقدار وافی عاکرتاری  
ایله ملازم درگاه و الاری اولوب اوزده مأمور اولوب بعدہ محل مرقومہ دخی تحریک تازیانه ایلغار  
دور **عس** مشایخ ایرمانی و اندن طقوز **عس** مشایخ ایرمانی که از اولوب افلا و نام قریه  
حدودی مضرب دماغ اولدقه نهر مرقومہ سوا حلزده واقع طائفه چچن یکی آتیمور بکل بالجمله اعیان  
قبیله و سائر توابع و لوا حقیقه کلوب اظهار دکال عبودیت و اطاعت و یکی نکل نفرتنک اند از ترکن  
تعمیر ایله صدق اخلاص لیس ابرازه مبادت ایلکی اثناده کرای خان طرفدن دخی مخصوص آدم کلوب چچ  
و ترتیبی امکا پذیر اولدنی مرتبه سنج و جنک آرد عاکر ظفر هیر ایله معک خاینلرینه ملتوی و متواصل  
اوله جفن شمر پیام ایصالیله رجعت ایر و بس بعدہ نهر مرقومہ دخی عبودیت دورت **عس** مشایخ از کون  
ایرمانی و دورت ساعت **عس** مشایخ ایرمانی دورت چچ **عس** مشایخ کوشن ایرمانی و **عس** مشایخ  
قومون داخلید بخشا ایرمانه و صو و ساحل نهر مرقومہ دره ساکن قومون قبیله کی یکی آل بکل دخی مقام  
عبودیتہ قیام ایتکله علی قدر الاستطاعه چچ عکرایر و بس معتزله بولنمور اوزده مأمور اولدق نکل  
یکی چچ **عس** مسافه ده سائر ایرما قلدن زیادہ شدت جریانی اولدیم ایرمانی عبور اولوب اندن **عس** مشایخ  
چادرق صوتی اندن یکی **عس** کلمه آقا طاش ایرمانی سوا حلی که طو ایف اسلامیہ دن اندری قبیله  
چراکله در بکلری اولان دیگر آتیمور دخی ملازم دکاب خان اولوب برقرار سبوق بر مقدار عکرتاری  
تعمیر

تعمیر ایتکله اندن دخی حرکت و اوج **عس** مشایخ قوی ایرمانی فی عبور ایله حال مسکن شخیان اولدق نکل  
نام قریه سبایه اند از رافت اولد قلزده قیناق حاکی اولان اوسمی اولدق زاده محمد خان اجرای لوازم استقبال  
قیام ایتکله مظهر نو از شش و اکرام و طرف جریانیدن احکام و اوضان میر میر انلو خلعتیله درجه قدر  
اعتباری موازی مهر درخت اولوب و اثنای مرقومہ دره کرای خان زاده محمد بکل دخی بر مقدار عکرتاری  
ایله و صو و جناب ایلخاینلری تمام مصلحت ایله عود و انصراف ایرنجہ معتزله ن مفادقت ایتماک  
اوزده داشته عهد و پیمانہ مربوط اولوب و بو ایامده نادر طرفدن شخیان لوی ادعا کنده اولان **قصود**  
خان نام فتنه انگیز جانندن دخی بر مکتوب و اصل و تیمور قبور در بندگی عاکر شمشیر قریش ایله مضبوط  
اولمیس غفلتہ بولنسونلریو منافقانه دروغ بیفروغ فتنه آمیز ایله تعویق صدوزده اولدنی  
ظاهر اولمغه کیفیت مرقومه نکل صحت و قوع عندن استفسار ایچون سفور دعوت اولدقه در  
وادی فراد او طوسی ضبانت درونی اظهار ایلدکن ناشی در حال مرقومہ برینه ایلار نام بکل مستقلا  
شخیان نصب و عمو طو ایف قومون مومی الیهه متبوع و مطاع قلوب حین اقتضاده ترتیب  
جیوش موقور ایله معتزله موجود بولنمور اوزده تنبیه و ارجاع قلزده نکلرینه محل مرقومه  
چونکونی یکی احمد خان دخی لوازم استقبال ایلخاینلرینه کرجت و شتاب و بعد اله صو اکرام و احترام  
قاینلرین تحصیل نصاب عقیبندہ درگاه بلند ایول پادشاه و الاجاهدن احکام سبوق رتبه و الاری  
وزارت بر له کامیاب قلوب عزمده اقتدارینه احوال قلنا امور و خصوصک تمشیتہ اقدام و اهتمام  
ایلدک اوزده توصیه و سپار شکر نکل جناب ایلخانی ذکر اوضان کلدن تیمور قبور طرفه توصیه  
اعتنه غریمت و در بند مرقومه کرجت **عس** مشایخ **عس** مشایخ **عس** مشایخ **عس** مشایخ  
نوشه علمی و کون کوی بیح طائفه نکل امر اعظمای و کرای خان خانه تابع اولان قومون طائفه  
و قبائل سائر نکل و جوه و اعیان دخی اجرای مراسم استقبال شتابان و جناب پادشاه کشور کشا  
حضرتلر نکل رضاداده امر و فرمانی اولدقلین بیا ایتیمور ایله مظهر نو از شش و اکرام اولدیلرکن عاکر مرقومه  
اجتماعی موقور اولان و قنک حلوندن مقدم موسم شتاد خول و اثنای راهه زاده و زخیر نکل عدم  
وجوددن ناشی افراد عکریته مبتلای مضائقه کلیتہ اولمیس در بند مرقومہ عبودیت تأخیر و توقیف  
و محل مرقومہ قریب کوشن صوتی معبرینه سو ق کتیبہ جلالت ددیف ایلدکلری خلاصه فرما فرمای مالک  
ایر اولان نادر بهادر کون از قیام نیاز مند اولدنی ماده صلح و صلاح پذیرای حصول اولی مرتبه لینه پیوسته  
امینه ارض و مه سایه کسرت جلالت اولان کرجت پروردگار و الیسی احمد پادشاه حضرتلری خصوص  
تعمیر



مرقومی مکالمه یه مرقص اولوب غوا ایل ایران بر طرف اولمغه خان مشار ایله طرفنه نامه الهایو تحری  
اولوب محل مرقومدن سر عت کیر و حرکت ایله بر محله مکت و توقف ایتکسین طوغری اسلامو جان  
ایلفار و سارعت ایله در بره اولیدیلر نادر بهادر بو و قایعه واقف اولدقه طاغستانه توجه ایروب  
تفصیل سابق اوزره او غردیفی براری یا قوب یسفرق در بنده و اصل اولوب ایله ارشمنی ایلک و او سی خانک و خای  
خانک قصبو لاد حایله محاربه لرین اشته که در بندن قالقوب ماسن نام قریه یه و اروب او سی خانک  
جمعیته تفرقه و یروب سکس و ما و لرین جای بوم ایله که نصلک یینه مرور ایلیکی براری خراب و بیاب  
ایه دک قصبو لاد خانک کیدن نام قریه سنه و اصل اولد قلنده ایله در و کرای و او سی مقاومت مکن  
اولدیفنی یلوب لهر بری بر جانبه فراد ایلیدر انن نادر قومغه قریب وارد اولدقه کرای خانک لکری کران ایله  
کلوب عظیم جنگ ایتدی لر کیر منزه ام اولوب اکثری مقتول و کرای کوجیله فراد ایلی کی اطار اولوب لشکر  
عبوری است اولمغه جزایر جیلر قتل جبالی صیانت و محافظه یه مامور اولوب لهر اول محله شتر حمل  
نزول ایلیدر اول اشته ایله در نادر اوزرینه متوجه اولوب یا نجه آوار و طاغستان لکریدن مرتب و مکت  
لشکر ترتیب ایروب کرای خانک انز از انندن بی خبر بو تجلیس برام خطیره مشتتر اولوب جانب آخردن  
سرخایه امداد و اعانه اچو روانه اولوب اول جبله صعوده آغاز ایله کلر نه فر از جبله نمایان اولان  
جزایر جیلری لکری در دیه تصور ایروب کمال اطمینان ایله طوغریلیوب کتیلر یا ندرینه قریب اولد قلنده قزل  
باشلر اطرافدن آلوب قتل عام ایروب جله سنه شرب شهاده تی اچو در دیلر ایرته کی کون اول جبلدن  
حرکت و قوق جانبنه دفع لوای غیرت ایله کلر نه قومقک امر او عظماسی اوردوی نادره روان و طالب  
امان اولوب نیاز ایلیدر که کرای کوج و کلفتنی بو زن اقم آوار جانبنه کونر مشلر ایری کنه و سی دخی  
منزه ماد جمع ایله کلر ندر او غه لرین آلوب آوار و هر کس جانبنه فراد ایلی بر بولک عاجز قوم لار ایلیه  
عضو دکا کلشو ذقتل ایروب عفو ایروب لقب قادر سن باقی امر کیر کدر یسوب اتمام کلام ایلیدر  
چو سرخای خانک اول هو ایله ن فراری حد یقینه و اصل اولوب الهای قوم مو دخی سنه سابقه ده  
مورد اما مظهر احک او لشکر ایری بود دفعه یینه اعتد از لرین قبول ایروب اول محلدن حرکت و او سی اگدا  
کو شمال اچو قریش قلعه سی جانبنه عطف عنان ایلیدر مقدماتق قوشه قاضی سی و امر او عظماسی  
نادری استقبال و استیمان ایروب ربقه اطاعتنه کردن داده اولمغی تعهد ایلیدر ایری نادر اول محلدن کردن  
اولدق نصلک الهای مرقومه تکرار مقام مخالفه کلوب کرای خانه عصفه معا و نتری مرقومه  
نارغ غضب نادر اولوب آق قوشه قاضی سنی و الهای سنی مؤاخذه اچو اول جانبنه بر کوه لشکر  
ایلیدر

ایلیدر قاضی دخی مسیح و مرتب توابع و لو ا حقیقه قارشو چقوب طابور لرین قور در دیلر لیم اعجام  
نیروی بازوی غیرت و حیت بر له باله فعات طابور لرینه سپر کش سینه اولوب زنبور بلامثال اوزرینه  
هجه استیصال صلا قلند نصلک لهر مقابله لر نه خرمن لر کیانه آتش افکن قهر و مدار و لهر هجوم بر  
لهر ملرنه توده کیما لهرینه پنجه زن فری و خسار اولدق بالاخر نیچه لری قتل و کرقار و بقیه لری  
تادمار و مغلوب و مقهور اولوب و تماما آق قوشه الهای سنک اموال و انقالی لری تاراج و تالان  
اولدقه ایرته سی کون قاضی اعتد از ایام ماضی ایله شمشیر نامتی کردن عبودیتنه آصوب نادر حضور  
کلوب جرایم سابقه لرینی استعفا و انقادن صلک آق قوشه طوغری ساقلری بالجه اطلاق اولمغی  
فرما ایلیدر انن و اروب قریش قلعه سی هو ایسنه او طاق لرین قور ووب او تور دیلر او سی خان  
لطایف الحیل طریق لرینه سکون ایروب معتبر لرین بر قاج نفر کنه بی نادره ایتیم ایله کونر ووب نوردی  
قریشنی دخی ارسال ایروب مستدعی عفو و بخشایش و متعده اشتغال حکم و فرمایش اولیدیلر نادر دخی بر مقدار  
عتاب و نصیحت کونه خطاب ایتد که نصلک خلعت و اکرام ایله ممتاز و فرط التفات و عنایتله اقرانن  
سرخاز ایلی بو کونه عفو و عنایت شکرانه کچو طوقه زیاده ستمنده اولد لار کیما بنگ عدات شکر  
چکوب بر قاج نفر معتبر امر لرینی رهین و یریدیلر کک طبر سر که که خدای دخی امر او عظم لرین بر قاج نفر کنه  
کرو و سیمله نادر یانه تسلیم ایروب ملازم رکاب او ملارین و صدق و اخلاص بر له مقام خدمته بو لنه لرین  
متعده اولیدیلر امور طاغستان فی بلا نقصان نظام و انتظام بولوب قصبو لاد خان شمشال و باقی که خدایان  
و امر ای طاغستان بالجه مظهر نو از ش و احک اولوب رخصت انصر فاعام اولدقه هر کس کنه و مکانته  
متوجه اولیدیلر طاغستان و طبر سر که سر کرده لرینی در بنده مامور ایروب کنه و سی شیر و لهر یلیه دلگشا و فرخ  
افز اولان مغان صحرا سی جانبنه عطف عنان ایلیدر در بی و رود موکب نام سعود بمغان و طرح بنای سلطنت  
در آن موضع مینت نشا چو نکه نادر بهادر ایام بهارده نزهتگاه صحرا سی مغانه وارد اولوب اول صحرا سی  
بهر نادره او تاغ ن قور ووب و عساکر کی کرانی قوندر ووب بر قاج ایام مکت و آرام ایلیدر موزغ روایتی اوزره  
نادر کردن فر از ک تاج و سلطنت صوری یه میل دوونی سی او لیوب پیشنهاد هجت و الیسی لهر اول ایری که  
ولایت مفضوبه بی استرداد و ایادی اجانب نزع و استیصال ایله کلر ندر صلک باغ سلطنتی باغبان قینه  
ارزانی ایروب جمله ملک ایرانی و قلاع مفتوحه یی در بسته صاحب ملکه سپادش ایلیوب کنه و سی  
سقط رأسی و سکس مالوفی اولان کلات و ایسورده اولدک عزله نشین و عالم معینه بشقه بر سلطنت  
کین اولمغی ایری مترجم یرم که بوجله سه زل لهر و ولاغ دروغ بی فروغ اولوب نادر مومی الیرک



مره بعد اخیری اشارت و ایما اولدنی یعنی اوزده ابتدا اقدم نهاده عرصه شهرت اولدنی کونن بر و پاشیده  
فضای آردوسی اولان تخیم بطنی التهای سلطنتک نرویه و انما یحیی کاه سبب مترکه افکارندن اذرار  
امطار لطایف الحیل و گاه نیروی بازوی اقدام ایله اداره طولاب عاصمی امل و الحاصل کبری بزرگ  
مرانده صد که نه سعی و الباب هر ادره دن اجرای آب ایتمکله بود دفعه دخی صورت ظاهره مقدمات مخلوع  
و مخدوعی اولان شاه طهماسبی تخت مورد تنه اجلاس و حقیقت باطنه اهلایل عالم برای سلطنتی برده  
دست عیاری و اختلاس ایتمک ضمنه کین چنیدن بر و انقلاب ایرانک نهایتی نه کونه مصلحتی  
مؤدی و غیاتی نه در لو حکمته منتهی اولدنی تفصیل اولمشیدی و علی و تیرق الاجال بو و جمله تحریر اولد  
یکوز سنه دن متجا و زبیر فرمان فرمای ممالک ایران اولان سلسله صفویه تک کینه و رعیتلرین معود  
طائفه افغانک شعله تیز خیز خس خاشاک مثللو دفعه مشتعل و زمان سیرده زائل و مضمحل اولد  
بالذات جالس بر سلطنت بولنان شاه حسین صفوی دستگیر و گرفتار و سلسله مرقومه یه بالکلیه  
انقراض اماراتی برادر اولمشکس لهنوز اثنای محصوریت اصفهانده ولایت عمر پوری ایله ممتاز اولان شهرزاد  
طهماسب بر طریق ایله و رطه کرداب فسته دن زورق و جودین انداخته کنار اید و ب بر مدت خود بخود  
آواره صحراکی حیرت و بر زمان دخی تسخیر ملک مورد و ننه کربسته لغت اولوب لکن مقدمات سعی  
اهتمای نتیجه بخش مرام اولمیب لهنوز عزمته بر لهنوز ایله قفول و هر تصمیم و ترتیبده مشاهده عکس  
قضیه مأمول ایدرک بالاخره بو کیفیته کینه یارای استطاعت و مکتت اولدین فرهم ایله خوارزم  
و خراک جانلرنده واقع بعض و جوه عشایردن استمداد ایلدیکنه فتح علیی ترکان دخی کینه و عشایریه  
شهرزاده مشار ایله طرفه اماله و الحی و جمله سی امینه مطاوعت و خذ متنه بدل قدرت مرهم عمر  
میثاقی اجرا ایلدیر اول اثناده ملک محمود کیستانی که سلسله نسبی استمداد استانه انترهایله شهرت  
آرددر کسی ممالک خراک اولان شهر شهره استیلا و تبه استقلاله استعلا ایشیدی البته ابله مزبوره  
نزع و استصفاسی و ملک مرقومک اعدام و افغانه تشیر ساق لغت و شر نطق عزیمت ایدوب بعد حصول  
المرام نادر بهادر افشار اول هنگامه توابع و لکای خراسانه ایشورد سلطانی که ایرک اصطلاحده سنجاق  
مترقن عبارت و ایشیک اغالی که لک اولد علیه اوزده قیو جیلر کتی الفذن کنایت نادر مرقومک خذ  
مزبوره سلسله ممتاز و انبای قبیله کی بینده دشو و فطانت و نهایت شجاعت ایله کرافراز اولدیندن باشقه  
عشیرتی دجالی ایله شهرزاده تک بو خذ متنه مساعی جمله سی نمایا و کینه ویه فی الجمله باعث دفعه و شان  
و علم شهرتی نادر علی اکیس اخلاص و اختصاص ایشو طهماسب قلیلی تلقیبی ایله طرازنده قرار و

اولمغه اول وقتدن بر و سیر ضحیری اولان جوهر استمدادینی ابراز و تبه تفرده و استمدادینی اهراز  
داعیه سلسله کینه ویه تقدیم و تبتی اولان فتح علیی مزبوری حیلله ایله اعدام و بو تقریبه تحصیل  
استقلال تام ایدوب تو فیراعوان و اجناد ایله تسخیر دار السلطنه اصفهانده ابتدا و رسیده حد  
اشترک اولدنی اوزده بردفعه دامغان و برگره دره خار و او صنجی ده قرب اصفهانده اشرف شاه افغان  
ایله اشغال نایع کارداردن صلح سببه دولت افغانیان کسته تار و نظام و سامانلی بنام کین  
تار و مار اولوب بود دفعه داخل قطر عراق و دار السلطنه اصفهان ایله هفتاد سلسله اتساق اولد  
لورک و کرمان شاهانک تخنیه و ردینه امنای دولت علیه عثمانیه دن امر و اشارت صد و رنگ خبری  
ما قظرنه لهنوز و اصل اولوب جانب شهرزاده ایله مکاتبه و مراسله یه مباشرت اوزده لریکن  
نادرک بلا تامل و تانی فرهان و یزدجرد طرفینه طوغری رفتار دشمنی ایله قصد و عزیمتی مأمول  
و ملحوظه مغایر حالت اولدیندن ناشی عثمانلو طرفدن دخی اظهار مافی الضمیر و رغبت اولمیب  
محافظة لرنه بولنان و زرا و امرامو جود اولان عساکر و ادواتی استصیب و حدود ممالک محروسه  
تحریرک دکاب ایتدکلری اثناسنده نادر مومی الیرک کز لک اول جانب دخی بالبداهه اطالاه اقدام  
اقتحای باعث افساد رعایا و موجب تشیی آرد او لمغه تبریز محافظی و سایر رؤسا و امرالهمان  
و کرمان شاهانک محافظی اثرینه اقتفا ایشیر ایدی بو خلاله الکای خراک و اقطار قنده هار میانه واقع  
قلع مینعه و بلاد حصینه دن خرات و هر قلع لری لهنوز طائفه افغان تصرف لرنه اولمغه انلی نزع  
تسخیر اول هو الیدی و جود افغاندن تطهیر ایله مراج ملکتن بالکلیه قلع ماده فساد و قمع بیخ خلا  
و عناد مقتضیات وقت حالدن اولدیندن قطع نظر تبریزده بر قاج کون مکت و آرام و بعده جانب اصفهان  
اماله لجام ایدوب کویا شهرزاده طهماسبی تحت اصفهانده اجلاس و تقریر و اسباب لو از من ترتیب  
و تنظیم ایلدیکه نصلک نادر خراک عکریه جانب هراته شتابان و طهماسب دخی تدارک ایلدیک عساکر  
و ادوات ایله عازم صوب آردان اولوب دولت علیه عثمانیه ایله خصام و جداله اقدام داعیه  
اولدینغه بنا آردان سر عسکری علی پاشانک قوت بازوی جلاد تیریه مظهر اولدنی لهنوز و خسران  
صلح تکرار تدارک و احضار ایلدیک عساکر بسیار و ادوات تامه جنگ و یکار ایله لورک صحراینده بغداد  
والیسی پاشا ایله طرح انداز اولدنی کارداردنه بر سنه یه دست رس اولمیب فسه قیله سلسله پی کیر  
لر بوه بخات اولدینغه بیت لهنوز کوه کوه میوب میدان آردنه سوردک آت نطق سوسیده شاهی ایلدیک  
فرزانه مات نخریه سی پیرایه اهلایل نهرت اولمشیدی بعده تکرار خطه و کرمان شاهانک و تبریز و آذربایجان



طرفینک بالا اقتضا ضبط و تصرفینہ اعتنا اولمغله شہزادہ طرفہا سب مقتضای غرور جوانی  
ایہ جہارت ایلیکی حرکات نالہو ادرن کمال نہ امت و شیمانی ایہ نادیم اولیغنی مشعر وزیر مشار الیہ  
طرفہ ارسال رسل و رسائل و مصالحیہ داعب و مایل اولیغنیہ بناؤ میانہ دہ اراس ایرماغی حد  
فاصل اولمغله شہزادہ نک و کلاسیلہ مشتای کرمانشاہانہ صلح و صلاح قرار دادہ اولیغنی  
شہزادہ نک بومکاتہ جارتی و عقد و مصالحیہ یہ مبادرتی نادرک کو شزدی اولوقدہ ہر او فراہ  
طرفینک فی الجملہ تنظیم و تسبیق ازین صلح مصالحیہ مرقومہ نک عدم تسلیم و تصدیقی اخباریہ  
بغداد دارالآباد اوزرینہ تصدیق توجہ اوزرہ اولیغنی مکتوبیلہ دولت عثمانیہ یہ اشعار و ہراتن  
طوغری اصفرانہ کلوب شاہ طرفہا سبی خلغ و تنکیل و اوغلی عباس نامندہ بر طفل شیر خواہی  
تحت شاهیہ اجلاس و بیعت ایہ تجلیل ایوب شاہ مخلوعی مجوسا خراشا ارسال و کندوسی عسکر  
بی پایہ ایہ بغداد قلعه کی محاصرتہ استعمال ایوب بعد برہقہ من الايام دجلہ کنارندہ عظیم شکست  
ایہ منہزم اولوب محل معرکہ دہ بقیۃ السیو اولان فتنہ قلیلہ ایہ جانب ہمدانہ عنانتاب اولیغنی  
قامیانہ سو دای سلطنتن تخلیۃ دماغ آرزو و فراغ ایہ میوب بیت نہ سویلکہ سلامت نہ کتمہ نہ  
وارہ درون عاشق شیدادہ بویہ حیرت و ادرتہ مودت اسبجہ اسلوب حکیم لوازم اللزومہ و اعراض  
قائمہ دن بختہ ابتداء ایہ ابتداء عسکر مہوم عثمانیہ پاشایہ بعد الوقعہ الاولی کیفیت فرامین و رای  
سبعۃ الابوابین اراوت و اشراب انجور مہوم پاشانک طبعندہ او کونہ الفاز و ممانک کشف  
بیانہ یارای اقتدار نیاب اولمغله ترہوانہ حرکتن غوطہ خور و رطہ ہلاک اولدی نادرینہ  
درد و زون افادہ یہ آمادہ اولمغلیہ اوردو نابی اولوب ایکنی وقعہ دہ دست رسی اولارزن  
جانلی عبد الکریم افندی دعوت و کتم اسرار باندہ مرقومی پیونہ سو کتہ اسلامیہ ایہ ربط و بندہ  
تحصیل کمال امنیت ایلدرکن صلح مافی الضمیرین مومی ایہ افندی یہ اشکار و بوبرکی امنای دولت  
خلافتہ اردن بر فرودہ اظہار ایلیوب انجور پایہ سیر پاشاهیہ کشف و بیان و جو ابنی بعد الاخذ  
علی جناح النجیح بوضوبہ عاجلا عطف عنان ایلرایسک عظیم خدمت و جسمیت ایلش اولور  
دیو مومی ایہ افندی مکرما اطلاق و بیسین تخلیہ ایر و بچونکہ او مشابہ دہ اولنر سیر اعلاہ  
ایصال خبر متعذر اولغین بود دفعہ نادر صدر اعظم علی پاشایہ کند و غطی ایہ بر قائمہ تحریر ایوب  
تسلیم اولنہ سنی حامل و ذوقہ سنہ تینیہ ایلش مضروبندہ اجداد با استعدادم ملوک عثمانیہ دن اولوب  
جنکریہ وقعہ لندہ توران زمیننی ترک و ایر او رومہ ہجرت ایرن روسای عشایر ترکانیہ کجہ سب

منہ و تویسہ

برنسب

برنسب خبہ اسی دیرل اول وقت جدہ اعلاہی خانان دولت علیہ عثمانیہ روز افزون جانب رومہ  
شہت خرام عزیمت و بزم جدہ مزایران اولکارندہ اختیار اقامت ایتیمش ایرکی من حیث النشب  
مشک و ملتج بولندی کیفیت حال معلوم حضرت خسر و انہ اولوقدہ در میا اولامصالحیہ فرامند  
اسعاف ملوکانہ مینول بیورطوی مسؤلردیو مرانی دولت علیہ یہ افادہ ایلدرک نصلح نادرہ  
صدر اعظم طرفین مکتوب و قائمہ تحریر اولنوب سر عسکر مشار الیرک یا ننتہ و ارمیوب کاغذی  
لہا محلنہ ایصالہ اہتمام ایہ سن دیو قاصد مرقومہ تینیہ اولنوب اول و جہلہ ارسال اولنیش  
الامور مرہونہ باوقا ترا مقتضای قاصد مزبور سر عسکرہ ملاقی اولوب مکتوبی سر عسکر مشار  
یرمش لاراد لقصانہ مفہومی لوازم اجرا ایتیمکی سر عسکر فی مکاتیب مرقومہ بی دولت  
علیہ یہ کرویہ اعادہ ایلش و کان امر اللہ قدر اقدار القصدہ بطولہا سیر سلطنتہ نائل اولمغلی  
ضمنندہ اول امر خطیر کن تمشیتی ایچو بلاد ایران زمیندن یھیج بر بلدہ نک حوصلہ و سعیت اولیغنی  
طاغستاندن رجعتن صلح یھیج بر کلدہ توقف ایتیموب مغان صحرا کی کہ بر عرصہ دلپذیر آب و  
علف و خرتندہ و میداتک و سعیت و نرہقتندہ بر مکان بینظیر ایرکی اول صحرائی سرت فرادہ قشلاقی  
ایچو امر ایوب ممالک ایرانہ واقع جملہ حکام و رؤسا و امرا و عظام و قضات و علما و لہر و لایتک  
اشراف و اعیان و کلانترینہ امر ل ارسال ایلیکہ جدیدک اون بشنچی کونی جملہ کی مغان صحرا سنہ  
سیر فلک سیر برای مصلحت و سوزت جمع اولوب حاضر بولونہ لہر امر ایلی کہ مزبور صحراہ  
ادرس ایرماغی ایہ کرایر ماغنگک جمع اولوقلری بحر جو اد نام کلدہ اون ایکی بنک کہ شک و منظر برای  
نرہقت پرورد خواص عسکر و رؤسای لشکر ایچو اغاجدن و قاشدن بنا و انشا اولنوب مقامات  
دلکشا و مساجد روح بخشا و رباطات باصفا و میدان و بازار و وسیع القضا ترتیب ایلیلر و نادرک  
کنہ سنہ مخصوص عالی سیر ایلامدات اولنوب مرمیچون دفعی رفیع عادتلر و جو دہ کتور دیلر بوابنیہ  
و قصود تمام اولوب نادر دفعی طاغشا امورینک نظام و انتظامندہ اول کولہستانندہ متحصن  
اولان لزیلدرک تمام کادو کوشمان تامندن فارغ اولوقدہ مغان جانبہ عطف عنان ایروب حسن  
قلعہ سنہ وارد اولوقدہ خواص لشکردن بررؤہ ایہ صعب المسالک اولالتی منزلی برایوب آقو قلعہ سنہ  
واصل اولوقدہ اول یردن دفعی ایلفاد سبکبار ایہ فرخندہ فرجام ماہ صیامک طبقہ زنجی کیجہ صحرائی  
مغانہ واصل اولیلر چونکہ دولت علیہ عثمانیہ جانبندن عقد مصالحیہ ایچو مرقصن و ارسال اولنک  
کنج علی پاشا مہماندہ تعیین اولنن عبد الباقی خان ایہ کجہ یہ توجہ و اون بشن کولہ مقداری محل مزبور







مرد راهک پستی بسد سپر خون دشمن جانته صول سپر بالشن راحت بیزه اول شو حرام تک  
سیرد ولته ایله خرام تابعو زهر کلک کیم امریه سن کیدر زگر لهنه و سنده کیده سن هرنه ایش کیم  
شرع و قانونه او یار لطف اید و ب دولت چراغینی اوار بجرم و بد خواه اولانی دانه چک بی  
کناهنه چکره تیغ قهری تک جان و دلن بیز قولو ز سن شاه سن آسمانه سلطنته ماه سن مطیع  
کیم ایدر امری دد هرنه آن خسر و کند و شیرین بود نادر نامدار نتیجه اخبار لیس آله بر دفعه دخی ساز  
ناساز افکار و آدر لیس بر خوشی تریه و کوشمال و بر ایو جه تجربه و واقف احوال اولی ایچو بر قاج  
کون امرالنک دزدخی کونی ینه جمله بی احضار و قرارگاه آرا لرزن استخبار ایلد که جمع مرکوده موجود  
صغیر و کبیر و حقیر و خطیر و بر نا و پیر و کد و امیر و کافه ارباب رأی و تیریر بر سلطنت و شاهی به بالجه  
ناد نامداری اختیار و اختلالات سابقه سلسله صفویه تک کتقی و فتور دن ظهرو ایتمله بو  
بویله زکورا و انا سلسله مرقومه تک ترک متابعت و مطا و عتته قرار و بر دکلرین اشعار اتمریله  
نادر دخی چونکه بو مرتبه لرده اصرار و بو پرده ده قرار ایلد کز پس حضرت سید المرسلین و خاتم  
النبیین صلی الله تعالی علیه و سلم حضرت تک زمان سعادت لرزن بو آنه دل چهار یار کزین خلفا  
راشیدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین حضرت ابراهیم ابو بکر و عمر و عثمان و علی حضرت تدر رسول الله  
دن صلح امر خلافتی متکفل اولمشدر در خلیفه اول امیر المؤمنین ابو بکر در ایکنی خلیفه امیر المؤمنین  
عمر بن الخطاب در او چنی خلیفه عثمان بن عفان در در دخی خلیفه علی بن ابی طالب در بو دخت زان محترم  
دخی امیر المؤمنین و خلیفه رسول رب العالمین اول قلی بنی بالجه بلاد روم و هند و ترکستان علی  
مقر و معترف و معتقد در لر ایران زمینده دخی سابقه بو مذهب رایج و متداول ایستن صلح شاه  
اسمعیل صفوی علیه ماستی مبادی حالده کند و سکن صلاح دولت و بقا سلطنتی بو مذهب  
متروک و ماکوری و مستقیم و منفوری اشاعه و اعلان و فعل یهود اولان سب و دقت و  
العان ایله عصیان و طعنا اید و ب شیعه مذهبنی شایع و راه بر عتته سالک و عباد الله طری  
مستقیم مانع یچه فرونی مریک و کند و کی هالک اولمغه جهود در فعلی و مفسد لر مایه کی اولان  
سب و دقت و لمن السنه و افواه عوام و او با سنده دایر و جاری اولوب اول بر عت مجت  
شرارت سردری و فتنه قفلجاری ظهوره کلوب امت محمد مابینته تفرقه صالحوب ایر زمینده فادله  
اهد اث اید و ب فتنه قویاردی مادام که بو فعل شیعه اتشاری بو زمین منقطع اولماز بو کون  
مفاسد عظاما اهل اسلام از سن دفع اولمو تصور اولماز کدر که بعد ازین سردخی مسیلس

باعث تخالف و تباعض و بادی تباين و تعادلی اولان بیع مالوفه کزی یعنی سب و لمن اصی  
کزین و طعن و تعریض خلفا و داشینی ترک و الفا و بالجه اصحاب کرام و ائمه اعلام حضرت لری  
حقنه زکریه و ترضی مرا سنی ابقایه و ب بیع معرفه دخی و مخترع جهود دخی بی جامع مذهب  
شیعه دن عدول و مطلوب و مختاریکه اولان طریقه ایتقه جعفریه به دخول اولنمو حالتی  
و بر وجه محرر سلسله صفویه دن زکورا و انا تا بر فرده تبعیت ایله بو ضابطه نظامک افاد  
و اخلاصه مبادرت اولنمو شروطنی ایمان غلاظ و شهاد و عهد و موثیق ستمک الانققاد ایله  
تاکید و تأیید ایلد یگر کی حاوی جمله تک انضمام آرا و ختم و امضا سیله برمه بر سنده و بر سکر  
بن دخی شالوق کلفتی تحمل و عنو امعلا جاهی تقبل ایدرم دیکله منوال مشروعی حاوی و شروط  
مرقومه بی محتوی جمله وجود و ایمانک مروریله مهرور و محتوم و اسامی و امضایر یله مرسوم  
و بر دکلری قبالة عهد و میثاقی خیرینه به وضع ایلد لرزن نادر شاه لهنه تعهد اید و ب بو ائشاده  
و بیانی مصمم اولان کیفیت تسلط و استقلال بر وجه دلخواه صورت پذیر اولد قلند نضک دعضان  
شریفک یگر بی بیخی کونی عبد الباقی خانی طرفدن مکالمه و مذاکره به توکیل ایتمله علی پاشا حضرت تک  
یاشنه و ارباب اول طرف دولت علیه دن سز نه خصوصه مأمور کزونه مصلحت ایچو کلشن  
دیو سوال و علی پاشا دخی مقدمه حاجت مراتب سلطان مراد خان رایج و قتلنده مابین اولس  
بولدنی و جهله یعنی حد و دیمه اوزره تأسیس مصالحه به کلام دیو جوابه تصدی ایتکه  
عبد الباقی خان وزیر مشارایه بنده اولان خود نامه صورتی آلوب نادر شاه اراده و جواب  
شاد ایلدی افاده ایتمله نادر شاه بن دخی بو حد و سنور و بو اسلوب و دستور اوزره تمهید  
مصالحه به راغب و دولت علیه ایله تاکید مصافح و اتحاده کما یبغی خواهی و طایم لکن بو امرک  
غایت ثبات و قرار و نهایت دوام و استقراری ضمنه و بوندن باشقه ازاله بیع مالوفه ایر زمین  
و اراحه ارواح مطرغ اصی باکزیس خصوصه لرزه وقوع بولان خدمت جلیله م مقابله سنده  
طرف دولت علیه دن بر قاج ماده به مشارجه حسن تقبل و اسعاف لیس استعدایه دم اولکی ماده بر دخی  
سائر اهل اسلام دن اولد لرزه بیا بر سنده حجاج ایراتک ایاب و زها بلرنه عربانک تعید لرزن محافظه  
ایچو ایر خان لرزن او ز لرینه بر معتبر خان میر الحجاج نصب و تعیین و سهولت و احکام اولد طریقدن سیر  
ایکنی ماده اهالی ایراتک بوند نضک مذهب و تقلا ایلد کلری طریقه ایتقه جعفریه مذهب اربعه به  
بشخی اولمو اوزره قرار و بر یلوب کعبه معظه تک اراکله اربعه سندن برکنه تشریک اولنه لر اربعه

و اینها هم  
در اینها هم

۱۰۶



یکی دولت مابینده صورت پذیر اولان مصافحه و موالاتی جمله به اعلان و اشهرار و بعض امور  
و خصوص تمشیته ابتداء ایچو ایر طرفدن بر معتبر کسنه دار السلطنه علیه عثمانیه به  
ملازمت و طرف دولت علیه دن دفی بر کسنه اصغر هانده اقامت ایر و بر سر کسنه کتبی ایکی ایران  
میر الحاقی ایله معالیه و بکله در **دو بیجی ماده** بوندن بویله طرفینک بولنده بولتان اسارتک بیع و  
شراری منع و کیفیت حرکتی رای و اختیار لینه احواله اولوب و ظن لینه عزیمتہ رغبت ایر ندره  
مانعت اولنیه دولت علیه بوملتی قریب حسن اسحاق بیورد قری حاله کمال خواهش و  
رغبت و غایه ابترا ج و ممنونیت ایله عقد مصالحه و مصافحه مبادرت و دولت ایر مدت عثمانیه  
دولت اسلامیة دن جمله سنگ بیوکی اولم لینه لهر نه کونه قولتی دفی بیورد رایسه خدمت لینه  
جان و باش ایله بذل و جو د ایر دم دیونادر شاهک تقریرینی مومی ایله عبد الباقی خان و اروپ  
علی پاشا حضرت لینه انرا و تفهیم ایله یکنه مشار ایله بن بومو آدن رد و قبولنه مرخص و کلام انجوا  
یرنده اولان صورت مو جنبی حد و قدیمه اوزره عقد مصالحه به مأمورم دیو و یردیکی جواب  
نادر شاهه افاده و اشراب اولنقه چونکه پاشا حضرت لری بو خصوص صلح مأمور و مرخص و کلام پیش  
اولسی بودر که طرفدن دولت علیه به مخصوص بر ایلی کوندره لم کندی دفی معالکت بولنده  
بالات طرف دولت علیه ده تمشیت و یرک دیوب مومی ایله عبد الباقی خانی ایلی تعین و صدر  
ممالک تعیر اولنور کبار علی کندن میرزا ابو القاسم نام سیدی و خراساندر سندن رئیس العلماء  
و کندی امامی اولان علی اکبر نام ملای خا مومی ایله معارفی و تسیر و حین و داعده و زبرم  
شالیله کرن مو ادر قومه به بوجه محر تمشیت و یر ملک خصوص صلنزه و کرک ایلی جلدینک امن  
و اقلیت ایله عزیمت و عودت لری باینده توصیه و تود یعهه مبالغه و تاکیه ایر و ب ماه شوال المکر  
یگری او جنبی کونی مومی ایله عبد الباقی خان و سالف الکر علما و بکراد کانی و زیر مشار ایله معیتی ایله صحرکی  
معاندن تحریک و اد ضر و م جانبنه توجیه و تسیر اولنیلر در انجمن سازی و محفل آرای شرح جلدوس خدیو عالم  
و نشر رایج و وقایع آن او ان بنور فیتله عنبر قلم حجتہ شیم و مجله کردانی و **بها مشکین** رقم نظم ساقی بیاکه  
یاد زرف برده بر کرف کارد جرائغ خلوتیان بازر در کرف یار غمی که خاطر ما خسته کرده بود عیسی دخی  
بفر ستاده بر کرف ندر صد بنان دقیقه یاب و اختر شناسک بطلیوس انتساب هجرت کرد کائنات  
و مفر موجودت محمد مصطفی علیه اکمل التحیات و التسلیما حضرت لریک بکله یوزرق سکر سال فرخنده  
فالنگ شهر شوالک یگری دو **دو بیجی** بخشیه کونی نوروز او ان ایکی کون قالمشیدی بوج مرقومی جلدوس

میونلینه تعین ایر و ب اسباب سلطنت شاهی آماده و سکه و مهری دفی مهتاب و صورت داده  
اولوب عملداران قوای بناتی صحن چمنه مسند زمر دقام سبزه بی دو شیوب انواع دیاهینی رنگین  
قبایلله دوشن بردوشن بزم گلشنه صف آرایه و ب کردن فرازان اشجی رخنجه و از هاردن باش لینه  
تاج کوه در کینوب لباس مشجر و بوته دار ایله حاشیه مجلس گلزارده زانو بز انوا و تور و ب چنار  
کباری دست نیازی کمره او رو ب چمن پیشگاهنده مجتمع اولوب مهتابی کیر و تماشا اولیلر و کرو آزاد  
یسا و لری زمر دکنکی آرنه طوب قولغه ییل باغلیوب باش لری او جنده حاضر بولنیلر و کل  
کشکی لری و ارغوان بکی لری لب جو بیارده صف چکدیلر و بلند آواز عر و صنوبر چار چیلری توپ و  
ششپر لری بار خویشتن ایرینوب دو شلرنه طوتیلر اول روز بر ایلی فیروزده او رنگ کوه رنگار  
شهر یار جهاندار نادر نامد ایر ایچو صد چمنه قوریلوب سران سپاه و عظمای بارگاه خدمتده جان  
سپار لوی ایچو رخصت یاب اولوب انجمنکی خود شیده دائر اولوب اختیار مهر منجین اوزره  
سز ساعت یکه منجی دقیقه انقضاسنده که برنج اسکن التبیجی درجه سی ایری نادر کردون وقار خلعت  
شاهی و افسر کوه رنگار ایله آراسته اولوب لهر از ان شوک و شکوه ایله تحت جهان بنانی اوزره  
او توروب بو مقال ایله کویا اولیلر که بیت نوبت بمن افتاد بکویید که دودان آرایشی از تو بکنه  
مسند جم در انزه ماهیبه تاج حیرت نتاج لری طلوع ایتکله ایران اهلنک چشم آرزوسی روشن  
و کوه کللری شادمان و شش اولوب اول سوردن کورینک لب خندان دن دن انلر متبسمی کنی نمایا اولیلر  
ارکان دولت و ایمان مملکت اول شاه با اقبال خدمتده استعجاب ایر و ب توتیای چشم دجا یله دیده ایدرین  
تخلیه و کوه کللریس اندوه دودانن تخلیه ایلیوب غریب دعای و شنای خیام احتشام شاهی ستون لری کبی  
قبه مینایه رفو ایتیلر کیر سلطنته جلدوس ایتکله اولیای دولتی سرور و حساد به نزهادی کور ایتیلر  
غریب تر نیست نفاذه خانه دن ولوله مبارکباد کوس و کوه نای شاد یاننه دن قالقوب کردش اسما  
ایرک زمینده حادث اولان فتنه غباری او توروب حکم و حکومت اسکنه بنیاد او رو ب جهاندار  
اسوس رعایتہ آغاز و لطف و احسان ابوبتی دست جو دو سخی یله یاز ایلیله **بیت** افسر سلطان کل  
بیر اشد از طرف چمن مقدمش یارب مبارکباد بر کوسم خوش بجای خویشتن بودین نشست  
خسروی تان شینه هر کسی اکنون بجای خویشتن ندر و س منابر و جووه دنایر اول خسرو کون نام  
نایمی و القاب کرامیسی ایله زیب و فریب لوب انون جهاندار لیسنگ انوار اقبالی شستام معونه  
جهاننگ درو دیواری او زیننه ضیا پاش اولدی و جناب سعادت ماب هدایت الکتاب مرزا قوام



محمد قره‌بینی جلوس نادره بود و جمله تاریخ استخراج ایلدی الخیر فیما وقع یعنی بنک یوز قرق کلر نش  
واقع اولان جلوسه غیر کثیر وارد بعض نکته سنجی قزوین الاخیر فیما وقع لفظنی تاریخ دیدیلر  
یعنی بنک یوز قرق کلر کنه کنه واقع اولان جلوسه اصلا غیر یوز قدر تاریخ ثانی واقعه مطابق  
اولیغنه شبره اولیوب اما قلب نادره فوائده طالب و منافعه راغب اولمغله ایکنی تاریخ ایله  
عمل ایتمیوب تاریخ اولی ضرب خانه کنه نقش ایروب دراهم و دنانیر کن بر ریوزنده الخیر فیما  
وقع و اول بر جانبند السلطان النادر نقش ایلدیلر **تاریخ تادریس فیروزه منظر** بود باقی نشان  
تخت و افسر بزرگای تحت شاهنش باد **تاریخ تاج ظل الکریش باد** نادره اول جلوسه عزیز قلی بنک  
نام کنه شاهه عرضیال و ایروب ام البلاد بلخ اعمالدن ان خود نام بلده حد و دنده ساکن و متوطن  
اولا خانه کنی و ایل و اتباعنی محل مزبور دن قالیروب مناسب محله اسکا ایلیه نادره شاه مرقومک  
مسئولنی قبول ایروب ان خود حالکی علیردن خانه امر کو ندر دیدلر که مرقومک خانه کنی و جمله  
ایلی و توابع و لواحقنی شهره اول ایلیه علیردن خان امری طو تمیوب کیدن آدینسنی دخی قوغدی  
علیردن خانک بو کونه کوشکی نادره کر کلوب و ایروب کوشمال ایلیکه عزم ایلدی چونکه نادره هک  
آوازه جو دورافت و صیبت سلطنتلی آفاقه منتشر اولوب چشم خوب آلودفته و فساد  
غنوده و گوشه افتاده آسوده اولمشیکن مباد ابو تقرر استقلال هنگامه بیدار اولوب  
بعض کونه بینر کند جام عددن مراده ایر میچون ربقه اطاعت شاهیدن باش چکه لروخت نیشلک  
سودا کیله مزبوع قبلر ندره حبت حب جاه اکه لردیو امور اقلیم خراسان ایوبک اوغلی رضا قلی مرزبانک  
سرینجه اقتدرینه احاله و تفویض و بود دولت بی اساک معتمدن کنن جلایری طرهما کتیلین  
اکا خان خانان مشابه کنه نصب اولنوب خدمت مرقومه جلایری مرقومک زمت خلوص و همت  
استقامتنه تفویض اولنوب الباس خلعت برله امتیاز اولنوب اول صوبه اول اولنیلر  
و فرما ایلدی که شهره وارد اول قلر ندره جنود ظفر نمودن برکوه منتخب لشکر ایله حاضر و آماده اولوب  
بادغیس و ماد و چاق یولیه علیردن خان کوشمال ایچون ان خود و ترکستانا جانبند متوجه اوله  
و قره‌اشی ظهیر الدین ابراهیم خانی کسبه سالار نصب و تعیین ایروب ممالک آذربایجان مرقومه  
تفویض و توجیه ایلیوب قیلان کوه عددن ارپه چایی منتهی کنه دکن جمله امر او حکامی انوک  
ایرینه محکوم ایلدی و جمله طاغوت و کورجستانی دخی اول ممالک ضمیمه قلوب مزبور مظهر  
ایلی و پیر محمد خان نهران عزل اولنوب یری چاپوشلو بابا خانه یرلی و فارس ایالتی شیرازی

و شیر و ان ایالتی خراسانی زنبورکی یوز باشی مهربی بله و یریلوب مرقوم خانلق و امیر الامرا  
خطایله کرافراز اولدیله خبر جلوسه تبلیغ ایچون مسکو چارینه چابار کوندردی نصب ایتمیکی  
حاکم ای مرقومک متلینه کوندروب حسین جلوسه موجود اولان حکام و قضایا و اشراف و  
ایمانک جمله کنه خلعت کیدیروب و دیر لکلر و ایروب سرور ابله لرینه اول ایلدی و دولت علیه  
عثمانیه یه اول اولان ایلی عیبه الباقی خان ایله شوکت و عظمتلو پادشاه و الاجاه حضرتلرینه هدایای  
نقیسه و برزنجیر فیل ارسال ایروب مرقومک ارضوم جانبند متوجه اولدیله اول اثناده **میلیتمو**  
پاشا مظهر غضب پادشاهی اولوب قتل و اعدام اولدیله بو مقالک تفصیلی اولدر که غو اول  
ایرانک امتدادی مسیله کرده اسلامیته نیک خدمات ضروریه کنه استخامه شایسته  
اصحاب و قوف و شعورک استحقاقی لازمه حالن اولیغنه بنا کوزمان قریبه دکن بعض وزیر  
انتسابی و سیه شهرت و نامی اولان تیمور پاشانک حوصله استعدادن خارج نائل اولیغنی مراتب  
سامیه میر میرانی و بر تقرب ایله رتبه و الای وزارت احسانیه **تعلیم و تکریم اولمشیکن ع**  
عاقبت کرک زاده کرک شود مصداقی اوزره جلیتنده مرکوز اولان اخلاق رتبه مقتضا کنجه  
خلاف رضای ولی نعمت و محل نظام امور مملکت اوله جو حرکت ناشایسته دن غیرکی برانز  
رؤنما اولیغندن باشقه بقضای الله تعالی کویرلی اوغلی عبد الله پاشا و قعه کنه عسکر اسلامه  
عارض اولان پریشانغه باعث اولیغنی ثقات رجال شهادتلیه شیوع و طوایف عسکرته  
لسانندن دولت عثمانیه نیک مسموعی اولوب کنه وسی دخی ارتکاب ایتمکی ضیانتک ظهور محقق  
خوف و استیغاش اوزره اولوب تدارکی کورلیوب علی حاله قالورسه موجب تصدیق اوله جو  
حرکاته اجتهادی برید اوله جغی اول هوایله بولنا و زرای عظام دن کیردول علیه اعلام  
اولمغله جز کسی سر عسکر احمد پاشا زرای رزینیه اجرا اولنوم اراده بیور لمغله دوم ایلی پیاده لرینه  
باش و بوغ اولوب قادصده اولان محمود پاشا شاره شرائط تحریری و احتیاطه رعایت اولنه رقابری  
کودلر بیی ناسنه امر شریف تحریر و سلانیک متصرفی محمود پاشانک اوغلی حسین پاشایله خفیه اول اولوب  
حسن قلعه کسی نام محله واردیغنه پاشای مومی الیهما دخی کنه و اتباع مخصوصه لرینه ارضومه  
طوغری توجیه و محل مرقومه تصادف ایله کلر ندره در حال کیر و اعاده و در عقب رجعتلر ندره مشارک  
دخی ایرات و حشمتن خوف اولنوب بوندرک کویا ارضومه تو جهلری مناسب اولمغله ارجاع  
اولمغله تادیب و کوشمال و فیما بعد تحت القهر اعمال و استخام ایتمی مضمونیه نوازش و بوندره



دقی تعزیر و توبیخ مشتمل کتیب تحریر و بحال ایله و تیسیر اولوب پاشایان دخی بو اسلوب او زده  
قارصه و زود و کویا سادتلندن استعفا و التجا یوقالی طوغری مزبورک اولیغی کرایه دخول  
ویلمی او تو ز نفردم ایله اولیغی محله هجوم و ایکی یزدن قورشون ایله جرح و سرین بدندن جدا  
قرنانشی میر عبد العزیز دخی زعیمجه اخذ انتقام قصیده دخول و هجوم ایذکرک برینی قورشون ایله نکلون  
سار ایتمکین مزبور دخی مظهر جزای بالمثل اولوب سر مقطوع لرینی او زده و یه ازال ایتلریله عین  
غلطان عتبه علیه عثمانیه اولوب ایچک اول خاک دولت فرستاده ایلدیله و صلواتی ابر باسلام  
و دعوت افندی و وقوع مکالمه و مصالحه نادر برادر شاه قشلاغ مغانده ترتیب انجمن شود ایله تالیف  
قلوب اعلا و ادنی و بر عتسینه رخص و الحادی نیروی بازوی حسن اعتقادی ایله کلیتاً ازاله  
و ایجاب و بعموارکان و اهالی ایرانی ادخال دائر اهدا ایلیکی خلدله جانب دولت علیه عثمانیه  
دخی اظهار اتحاد دینی و یکجته و ابراز محبت دوستی و غیر خوالقی به آغاز و فیما بعد سینه ماده دفع شقا  
و محاصره ایله مصالحه و مساقاتی رجا و نیاز و ب اصلاح ذات البین و مکالمه بعض کیفیات  
طرفین ایچک مرقوم عبد الباقی خانی مرخص و ایل تعین و بعض امور شرعیته به متعلق اولان  
مسولاتنی بیا و تفهیم ضمنه علمای ایرانن مباحثه به قادر ایکی نفر اخوند لرینی دخی نعمت امر اقلتی  
طرف دولت عثمانیه به ازال ایتشیدی الحاله هذمه خاموشی ایله اول ماه رجب اولوله در سادات  
رضوده و صلوات اولوب لکن او ته دن بر و امور جانب ایرانه و قوف تا قی اولاد رجال سلطنتک انزی  
او زده وی قیایو ایله در سفر و آستانه سعادت اولتربو معنائک کنه و حقیقتن سنج اولوب ظهور  
وقعه ایرانن بر اول حوالیه بولنوب جانب مزبورک امور خفیه و جلیه سنه کمال و قوف  
و اطلاعک سلم صفار و کبار اولاد راغب محمد افندی و اسمعیل افندی و مصطفی افندی خط لهایون  
شو کتمقرونه اسلامو طرفنه دعوت اولنلریله ماه رجب الاخرک سکرنجی کونی رکاب لهایو پادشاهی  
جانبه عزیمت و مسارعت ایلیوب وارد و اصل اوله قزلبنک بر قاج کومر و دنه بر وجه محرر  
شاه طرفنن تمهیدینه اظهار خوالقش اولان مبانی موالاتک دوام و استمراری ضمنه طرف دولت  
علیه دن شرط کونه تقبل و اسفا لرین ایراد ایلیکی مواد امور ملکیه و شرعیه دن مرکب و منلی غیر  
سبب بر ترتیب غریب ایله مرتب حالاتن اولوب بر حال انضمام آرای علما و مساع شرعوت غریبه  
منوط و موقوف اولمغه خول علمای اعلام و صدور فضلی کرادن سابقا صدر اناطولی محمد  
صاحب افندی و حالا صدر اناطولی نیلی احمد افندی و سابقا استانبول قاضی عبد الله افندی و نه

سابقا استانبول قاضی علی احمد افندی و فتوی امینی عبد الله افندی طرف پادشاهن زکراولنا  
موادک مذاکره سنه مأمور و تعین و برکرای نزهت آرا کل مکالمه اولوب او زده تخصیص  
بیوی بلوب زکراولنا علمای اعلام و او زده وی لهایونن کلان افندی و وزیر مشارالیه کنج علی  
پاشا حضرتی بر قاج دفعه عقد انجمن جمعیت و نادر شاه جانبندن او زده ایدن نامه سنک ترجمه نئی بعد  
القرآت بو بابده هر بری اعمال فکر ایوب افکار و آدرینه نتیجه ویرد کلرند نصک ایلی خا و معیتده  
اولان ملای ایله سکر دفعه حلقه بند مکالمه و طرح افکن مجالس مباحثه اولوب بینلرند امور  
شرعیه و ملکیه به دائر انواع مناظره و معارضه کزادن ایتلمه آخر الامر شاه مشارالیهک بر وجه  
محرر تقبل و اسفا لرین اراده ایله کلری موآدن میرالحاج تقیبنی ماده شام شریف طریقندن  
ماعد الحاکم و کف طریقندن قنقی کنه و لره اش اولور ایله اول طریقندن کتمک و جهیه و اسرا  
ماده سی و بین الودین معتدل تعینی کیفیتی دخی مقصود و مراملری او زده قرین حسن اسفا و قبول  
و مذهب جمعیه نک مذاهب رابعه به خامس اولسی خصوصنه بر مقتضای شرع انور بیان  
مخبر اولوب بو و جهله امر مصالحه صورتیاب حسن ختام و پیوسته درجه اکمال و اتمام  
قلند نصک معتاد قدیم او زده موآد مذکورده بی حاوی اساس تمکلری اخذ و اعطا اولنم  
مراد اولننده ایلی خان جو ب و یرو ب شاهن کل طرف دولت علیه دن استه عا ایلیکی موآدک مجموع  
بیزای حصو اولدجه تمک و یرمک مرتبه و سمرن صدر جمله او زده دینو دامن عجز و اعتد او  
تثبت ایدوب و بو خصوص ایچک بر قاج مجلس نیجه دفعه مناظره و مناقشه و قوعند نصک  
نهایه الامر طرف دولت علیه دن نامه لهایو تحریر و بر معتبر ایلی و معیتده علمای اعلام افندی لرین ایکی  
فاضل بی نظیر تعین و تیسیر یوریلور ایسه ایشر جانب ایرانه تمشیت بیز اولور دیو قطع  
اشته تقریر ایلیکنه بنا بر وجه محرر میرانن محمد پاشا ایل تعین و تیسیر و لنمو تصیم اولنوب  
بعده قرارداد اولان اساس و موآدی جمله به تفهیم و اشاعت ایچک ماه مجازی اولوک یلمی  
در بنجی بازار کونی با فرما لهایو شیخ الاسلام افندی و صدرین افندی و نقیب الاشراف و سائر علمای  
اعلام و او جاق اغاری و بالجمله ارکان و رجال سلطنت قائم مقام پاشا کزاده عقد جمعیت و شاه  
قبلندن عرض اولنا نامه سی و ترجمه سی و صدر اعظم و شیخ الاسلام افندی حضرتیه اولاملکتو بلرینک  
ترجمه ای قرآکت و طرف دولت علیه دن مسولی اولان موآد بالجمله طرف و لو از میله بی اولنوب نو  
مکالمه و نه صورته افران اولیغی کرکی کی معلوملری اولد قد نصک و جوهر مذکورده نک محاسن و



کما زینن خاطر هلاک نه ایسه ایراد اولنک دیو حضار مجلس استنطاق اولنوب و اسرار ماده  
ملفوظ اولان و جوه منافع علما اذین طرفین بر وجه تفصیل جمله به تبیین و تفریح و فیما بعد  
شراسی منعی ایچون قلعه آلمان بیوردلی صورتی دخی قرآت اولنمین بو کیفیت دینوی و آفری  
مستلزم محاسن جمله بر امر خیر اولی یعنی جمله کی اعتراف ایروب مجلس مقومه فاتحه خوان  
ختم اولیلر بو ائشاده رئیس الکتاب اسمعیل اقدی مصطفی اقدی ایله مأمور ایلی خانک کراینه وار  
بعد الملاقای ایلی خان اذینله خطاب ایروب بونون مقدم ختام مصلحتیه فاتحه قرآت اولنا خاتمه  
جلسه ایشک ختامی بنم رتبه بر ایلی و علما مرتبه لر نه ایلی اقدی ار لانه مشروط ایرکی معلوم  
دلکیده تعیین اولنا جوی ایلی و علما اذینلر کیمدر رهتو زبندی و بر دخی کیفیت کزده بلده مدک  
و فی الحقیقه مراد و مقصود کز نه اولی یعنی افاده ایله مدک دیو تکرار باد شاه طرفین بر وزیر و  
مأمور علمای اعلامک ایکیسی ایرانه تعیین بیوردلوب مصالیه خیریه ایله او وجه اوزره نظام  
و ختام ویرلکه محتاج و شاهر دخی لسانا بویله تبیه ایلیلدیو ایراد کلام ایلی کلرینه بنا موی  
اذینلر دخی معقول و مناسب اهو به ایله لور نقد مقابله ایلیلدی ایسه مجاب اولیوب شاهر ک  
دولت علیه یه اولان کمال اخلاصندن ناشی ایلی اذالی خصوصه صند بعد المشاوره صدر ممالک و کز  
امای و فی الاصل جمله علمای ایرانک رئیس ازال ایلمشدر مقالنی تکرار و زکر اولنا اهو ندر لور  
آخری و صف معرضه بسط مقال ایروب ایرانه صدر اولنلر ایران شاهندن و وکیل مطلق اولنلردن  
ماعه اسنک فوقه جمله نک مختاری و مملکت اختیار و صحیح النسب اولموی حسیله تماما ائرا  
نقابتی و عموما و قافک نظارتی کز و لره مفوض اولمغه شاهر کیمه اینی تزویج مراد ایلی کلر نه ائج  
صدر اولنلره ویروب آخره ویرمز لور و ممالک رومده مدرسه کیفیتنی مقده ماعلی قوشی ترتیب ایروب  
ابتدایه ایلی خارجی دیه رک تنظیم ایلمشدر ایرامه رسی بویه دکلدرو طریقو اعتباری یوقدر  
آند علومک متد اولنله فایو و حقیقه جمله نک اعلی ملاباشی اولور بویکی رتبه بویه معلوم  
اولوبو متابه ده اولان کسنه لآخر محله کتمک قاعده دکل ایکن بز اول اولنق و بو صورتده معناد  
اوزره کوندر یلون ایلی کیمک اوزرینه جلوس ایلی اذینله مغایر و کتته قعود بزیم رتبه لریمزه مخالف  
اولموی حسیله بو خصوصه نظام ویریلوب خان حضرتلر کز رتبه اولی کسنه وزیر اعظمک رتبه  
دخی ضم و بوموال اوزره شاهندن صلح مدار امور ایراد اولموی و لور اوج رأس عتبه دولت عثمانیه یه ازال  
اولنق بنا علیه طرف دولت علیه دن دخی خائزه معادل بر وزیر و بزره مشابه ایکی عالم تیسیر اولنموی  
خصوصی

خصوصی رجا و نیاز ایله رزا اولدنی صورتده بر خطوه کیده مرز دیومیس ایروب و بو باده بر قلیح  
مجلس مقاوله و مباحثه اولنق نصلک انجام کار زکر اولنان نیاز و رجا رینه <sup>مکنه</sup> اولنموی  
صورتده نامه لهایونی اخذ ایچون دیوانه کتیه جکلرین اظهار ایله خصوص من قومه اصرار  
بو کیفیت ناچار پایه سیر سعادت تمخیر و انه یه عرض اولنقده صورت مساعده بیدار اولمغه  
در حال رکاب لهایونه میر اخور اول اولان قز محمد پاشا زاده مصطفی بک اقدی یه رتبه وزارت  
ویریلوب جانب ایرانه ایلی نصب و تعیین و مکالمه یه مأمور علمای اعلامدن سابقا امین  
فتوی عبده الله اقدی یه صدر استناطولی و سابقا فتوی امینی خلیل اقدی یه دخی ادر نه  
مولوتی پایه کی ویریلوب وزیر مشاور ایله لور کاب مرافقت و ایراد طرفه عزیمت ایلدی تبیه  
و تفریح بیوردلی چونکه عقدی در میا اولان مصالیه مسالمت انجام بیزاری حسن ختام اولوب  
و در بار عظمت مدار عثمانیه یه بو مقوله تجیه مصافح و تمهید مولایچون وارد اول ایلی کلر نه ختام  
المرام قاعده مرهمنوازی اوزره نوازش و اکرام اولنموی داب قیدیم دولت علیه اولمغه بنا ک  
علیه نادر شاه ایلی کلرینه دخی و کلای سلطنت عظمی طرفین مراسم معروده نک رعایتی باندن امر لایون  
صادر اولمغین ابتدایه ارسال الوقت اسمعیل اقدی طرفنی بالیسنده بعده بر قلیح کور و رتبه قایمقام  
کوپر ایلی زاده احمد پاشا حضرتلری سعادت اباد صحر اسنده بعده فتوی امینی دولت خانه لر نه بعده وزیر کیم  
علی پاشا و وزیر مکریم مصطفی پاشا ترتیب ضیافت ایله موی ایلمی کلرینه دعوت و لهربری مراسم تفریح  
احترامی اتمام و تکیدن صلح سماحتلو شیخ الاسلام اقدی حضرتلر دن اماعه ای بعضی کور  
و طونانشن آترو سمور کورک و ساعترا هدا سیله شان دولت علیه یی کاینی اظهار و اجریتور  
ایرتسی دیوان کونی که ماه مجازی الاخره نک اون برخی صالی کوندر ایلی خان و معینه اولمغلیان  
معتاد اوزره ترتیب اولنان دیوان لهایونه کتور دیلوب خول و سیح النوب خسرو انه دن ایلی  
خانه بعده الاطعام کرا سیریم تنه قیلو و صدر ممالک و ملاباشی یه دخی جوقه فرجه یه قیلو  
سمور کور دکلدرو سا اذینله فلاح فاخره الباس و اکا اولنق نصلک ایلی خان و متلایه عرضه  
کیروب دو مال پایه سیر خلاصتمخیر خسرو انه ایله حاضر خسرو باها و بوجه معتاد اخذ نامه یون  
ایله خائز اقصای مسرت اولمشدر ایرتسی کون خزینه مکارم دینه شریاریدن ایلی عبده الباقی خانه  
یکری بشن بک غروش و صدر ممالک و ملا علی اکبر اون بشرنک غروش و کتیه ایلی کلرینه قعه  
نویسی مرزا شفیعه و یکنی حسین بکه و بعضی خنبه اتباعنه دخی اون بشن بک غروش کتیه



بشم بنک غروش عنایت و احک اولند قد نصرک کتب خانه لهایونند ایلیخانه هدیه روناسی عالم بها  
بر مصحف شریف و کتب نفیة تفاسیر و احادیث و کلامیه دن اون جلد کتاب کیا ایله دخی مملایاموی  
کامیاب بیورد قلندون فضلہ جمله سنه مایه افتخار اولموی اوزره مرقوم کتابین عنوانین محض عنایت  
ملو کانه لری اولموی اشعارین متضمن و اسم و رسم ملایانی بیین خطوط لهایون مکرمت نمون ایله  
نوشیح و تزیین و تمغای مهر سپهر برین اولون مهر عنایت دهیس ایله مانند اقالیم روی زمین اقلیم حرکت  
دیهرم خلق عظیمی دخی زیر کنین بیور مشردرد **ول علیة عثمانیة طرفدن مبعوث وزیر مکرمت مصطفی شای**  
**ایله کوندریلون عهد نامه لهایونک اجمالیه** بعد از القاب حال چار باش کنسری و جم فرمانفرمای  
ملاک عم فلکیه نادر بهادر شاه اتم الله خانه حضرتینک قبلندن ایلیچیلک رسومی اجر اسنه نامزد اولون بکلر  
بکی کرمان شاه عبد الباقی خان زنگنه و معا بعد اولون صدر ممالک ایران میرزا ابوالقاسم و امام فضیلت  
مانتر ملا علی اکبر سفا دریلده دربار خلافتدار خاقانیره و ادد اولون نامه نایملرینک دروننده واقع معانی  
موهبت مبانینسی معرض مطالعه ده جلوه کر قلندره قبل ممالک و منانند تقویض و احکاب بیوریلون  
تمشیت مهام ملک ایران و تاج و کمر و دیهریم کسری و کینان زات مو اهب ایان عنایت مقرونلینه مبارک  
اولموی تریه سی نامه لهایون مملایام مرقوم نموی ایله طرف شاهیلرینه ادرال اولون وزیر مکرمت مصطفی شای و اعلم  
العلماء المتبحرین امین فتوای شریف و اناطولی صداتی ایله ممتاز اولون مولانا عبد الله افندی و سابقا  
امین فتوی اولوب ادرنه مولوتی ایله باهر الامتیا ز اولون مولانا خلیل افندی و ساطتیریه کتابه  
و شفاها ایفا و اجرا قلوب و جناب ساملری بوکار خیرت اشتراکه موقفا هو او امر ضیة نلک ازال  
مباشرت و استحصالنه دقت ایله کلری ایامه سیف خصام طرفیندن درنیام اولوب و اشارت اولونان  
موادک تنسیق و تنظیمی دخی مطلوب لهایون نموی اولموی و زرای عظام و علمای اعلام مردن ترتیب و تدریس  
مأمور اولنر و طرف قائلیندن و ادد ایلی و معاکو نریلون ملایان ایله بر قاج مجلس مصافقا و مواخات  
برله عقد انجن و فاق ایدوب طرفینک نظام و سامانته ایوب و امری اولموی و نزد حضرت پیغمبریه  
سوال توجه ایتمک و الی الابد نقض و نقصدن عاری و دور قلنموی و جهریلده میر الحاج و اسارا  
و معتمد اقامتی خصوصیلرینه فیصل و یریلوب ماده افرانک محازیر و معایز شرعیة و ملکیت کی ایلی  
اولنره ایراد و تلقین اولنریغندن باشقه صدر اعظم و شیخ الاسلام دن جانب شاهانه لرینه فرستاده قلنا  
اخلاص و دعانا مه لده ذکر و تبیین اولنوب و طرفیندن ادرال اولونان وزیر و صدر اناطولی و مولانای  
مشار الیه دخی یاد و تفریح اولنریغی وجه اوزره ماده مرقومه ملوک عظام سلف زمانلر نه جریا لری

و جبه قیاساترک اولنریغی است و کیا است شاهی لرینه محول اولون حالاتن اولموی رعایا وزیر دستار  
بریه نلک تأمین و ترفیهرلی ایچون اوج ماده و برتزیل اوزرینه تیریم و تنسیق اولونان عهد نامه  
لهایون نمرد **اولکله ماده** حجاج ایرت لحا و امام علی طریقندن کت کلری سنه لره امر آیرانن بر معتبر کسنه  
امیر الحجاج عنوانیلده عزیمت و طریقین مذکورینده محذور متحقق و متعین اولوب ضروری شام شریف  
طریقندن کلنک **اقصنا ایلیکی** صورته حجاج مرقومینک اوزرینه امر او خانانن اولموی شرطیلده  
بر کسنه تعیین و میر الحجاج لفظندن غیر مناسبت بر لفظ ایله تلقیب اولنه و اولموی حجاج  
بغداده بعد الوصول بغدادن شام شریفه کلنیه یول اوزرینه اولون ولایه و حکام مرقوملری آمین  
و سالیس بر بر لرینه ایصال ایلملری ایچون اول سنه لره مؤکده و متعدد اولموی علیه اصداد و ارسال اولنه  
**ایلیکی ماده** اشبویکی دولتک اتحاد و اتفاقنی جمله یه اشاعت و بونون باشقه مصلحت لازمه لرینی  
رویت ایچون اوج سنه ده بر تبدیل اولنموی اوزره درگاه معلامز قیو بی باشیلرندن میر علم رتبه کیله  
بر متعین قیو بی باشی تعیین اولنوب اصفهرا نه اقامت و ایران حجاجنک شام طریقندن عزیمت  
سنه لره مومی الیه کتی اسی و لحا و امام علی طریقندن کت کلری سنه لره دخی بر متعین آمین  
ایران امیر الحجاجی ایله عزیمت کت و ب کلله و کتکل ایران معتمد لرندن دخی بر کسنه کل سوب دار السلطنه  
اقامت ایله و لمر طرف مسافرینک کفایت مقداری محرف لرینی کوره **اوچینی ماده** عم اسارا سی فیما بعد  
شر او لنموی اوزره در علیه مزین تنبیه و سائر ممالک محروسه مزه او امر علیه مزایه تاکیده اولنوب  
بونون ماعد اسارا سی مرقومیندن قلمر و خلافتده اقامته رغبت ایتیموب کرک باشلوب باشلرینه کرک  
ایلمیعی ایله و کرک آستانه ده اقامت ایله جک معتمد معرفتیه و طنلرینه عزیمت مراد ایله نلک سیلاری  
تخلیه اولنوب سرحد محافظلری و ولایه حکام طرفیندن ممانعت اولنموی اوزره دخی باشقه او بر  
شریفه مز اصداد و رجال دولت علیه مزید لرنه اولنلرک دخی سیلاری تخلیه اولنموی اوزره فرمان  
لهایون نموی شرفصد و ربولوب و بونون ماعد دخی بعض نامناسب محکمه بولنموی احتمالی اولنلر محله  
اماملری و تعیین اولنلر مباشر معرفتیریه تقیتش و تفحص اولنوب اخذ و کتکل آلک بیغ و شرای  
معرضه اولنلر دخی بعد التفحص نه طریقله اولور ایسه اولنلر تخلیص و دفتر ایله ایلیخ طرفنه  
تسلیم اولنه ماعد او وسط ناس و آحاد رجال یلر نه قلانلر دخی طرفینک معتمد لری دار السلطنه ده  
اقامت لرندن صلح تدریج و تراخی ایله جسته جسته دفتر ایله ایران معتمد لرینه تسلیم اولنه ایلموی دیار ایرانه  
بولنا اسارا سی رومن آنده اقامته رغبت ایتیملر کانتانن کانتانن اطلاق و سیلاری تخلیه اولنه



تزیین قیام الایمان برو ملک عظام بیننده امر مصالیحه اسیده نظام اولدقه طرفینک سنوری  
تعیین اولنوج عادت حسنه دن اولوب بوماده سلطان مراد رابع حضرتلرینک زمانلرده صفویه  
ایله شروط انیقه بیانی ضمنده فیصل بنیر اولنقله حالامالکر حد و دیله اولکات شاهیه سنوری  
سلطان مراد خان زمانلرده تمیز و تحبیر اولنلیغی اوزره اولوب احد طرفینک کرمه محافظلری قیام اوله  
کلیدی اوزره مراسم شروط مصالیحی محافظت و مصالح سنوره دائر حالتلرده شروط مغایر کتدن  
له طرف مجانبیت و وضع قیامه رعایت ایله و بوندن باشقه بعنایة الله المتان اهالی ایراصفوی  
زمانلرده اهدات اولنا احوال ناشایانی کلیتاً ترکه موصول و اصول عقاید کالاول اهل سنت  
و جماعت مذہبته دخول ایدوب خلفاء راشدین و بقیة عشره مبشره و داخل بیعة الرضوی  
تحت الشجره و اهل بیت مطهره و عمو اصحاب کرام رضوان الله تعالی علیهم اجمعین حضرتتی  
خیر و رضی ایله یاد و بو وسیله جیله ایله جمله موصی بنی دلشاد ایلدندن ناشی اهالی مرقومین  
فیما بعد بیت الله الحرام و مدینه مفتحة خیر الانامه و ممالک محروسه متردن سائر بلاد اسلامه و  
ایرین حجاج و زوار و تجار و بالجه آمدن صفا در کبار مجوس عنه **انما المؤمنون اخوة** نظم  
الفت رسمی اوزره معامله اولنه ری سائر مسلمین مثل قوم ملرد فی له حاله مرغی الاطراف قلوب  
مقدما ایرایلره اولاه وضع بوندنک حقلرله کلیاترین اولنه و تجار خصوصی طرفینک اهالی و تجار  
باعث منفعت برحالت اولنقله جانبینک تجاری کالاول امین و سالم آمدن ایدوب امتعه تجارک  
اقتضای این محللرده قانون قیام اوزره کمر کلین ادا ایلدکلرندن صلح زیاده نسنه طلب اولنیه  
و کذلک مشرکین الشریفین و سائر مرق میتینه نکل زیادتیرینه بلاد اعجامدن عازم اولانلار دن  
مادام که یانلرله تجار عالی اولنیه ولایت و حکام طرفلرندن باج طلبی و آخر طریقله ریجیه اولنیه  
و فیما بعد طرفیندن فراد ایلرله قطعاً عایت اولنیموب طرفیندن طلب اولنقلری و قتلرله و کلای جا  
بلا تدره تسلیم اولنه لرا شوبه مصافاتک مو اشیو و عهودینه رعایت اولنوب جانبیندن خلافت  
وضع و حرکتدن تخاصی قلنه مر فی شهر الله المبارک مجازی الآخرة من شهره رسنه تسع و اربعین  
و مائة و الف من الراهق بو عهد نامه تجیر و ایلخانیه تسلیم اولنقله نکل ایر ایلا لری و طرف دولت عثمانیه  
بعث اولنان وزیر و افسدیان نادر شاهک شایه هد ایایی بی کران ایله و ایران جانبته روبراه اولن  
دربهار آدای قلم فحشته رقم و باظهار ازهار ریاحین و وقایع **باجت قرین نهنگ سیل مطابق سال**  
سعادت اشتغال هراد و صد و چهل و هشت هجری نظم در باره جرها از بخت فیروز طراوی یافت جو  
ایام

ایام نوردوز برهارد لکشا از کامرانی نشاط افزود چون دور جوانی نتر خسرو کردون سیر میر اعظم  
آفتاب قرق سکر تار کخنده ذی القعدة الحرامک بدیخی ثلثا کونی بدی عسکری دلیکی دقیقه انقضا  
نرہانخانه حوتدن تختگاه عمله فرمان اولوب اورنگ جرها ارا اوزرینه جلوس ایلدی و برهارد لکری  
قوت نامیه تأثیری برله نشاط ایله انبساط بولدی طنطنه کوس نوروز و غلغلہ فتح و فیروز  
عیوقه عروج ایتدی نادره حکیمه بر مجلس خسروانه ترتیب اولنوب قوایم سیر کر فلك مصیر قویلوب  
شاه مشار ایله لهراد نشان و شوکت ایله تحتہ چقوب عظام و زو سائر اعیانہ سر سپاه  
و مقربان درگاهه و طبقات خلیقه علی مراتبهم طلا و زخمتلر کیوروب انشاب رنگارنگ و خلایع  
زرتار و لوی دنک ایله سرو بر لینی اراسته ایدوب قیونلرین و قولتقلری کل غنچه کی کبی کرم و سفید  
اچی ایله پرایلیوب جمله حضار بقای عمر و دولت و فروغی فرو سوطلرینه دعای ایدوب لهر کس  
فروغ و فخر مقام و ما و الرینه روانه اولدیلر مجلس منقضی اولدق نصلک قلعه قندهار دارالقراردن  
فتح و تسخیری اچو درنده مکتوم و مضرتیت و عزیمت امرینی و تنفید و تمشیتی اظهار اوردودده  
موجود اغوانلری حضوره احضار و کیفیت منازلی و زاد و زخیر تدارکنی و صویک و علفک  
و فرقی اولایر لری و معبر لری استفاد و کرکی کبی استخبار ایلدکلر نصلک روسای لشکری دعوی ایدوب  
اول سفر حیرت انزک ترسیتی و تدارک و چند روز اچنده ترتیب مالزمه و مرما و سائر اسباب سفر جمع  
و کیلنه امر ایلدی برچه ایام اول صحرای جا فراده دولت کبری و سلطنت عظمی به نائل اولدم زعیسه  
خیمه و خرگاه و درنگار بارگاه اچنده صبح و شام شرب می کلفام ایله مست مدام اولوب لهر صباح  
اقداغ ریاحین راج بزم عشرته دوار اولور دی بیت در کرای مفارفته است آب زده نشسته  
پیر و صلاهی بشیخ و شب زده سبک شافه در بند کیش بسته کمر ولی ز طرف کله چتر کبی ب  
زده شمع جام و قح نور ماه پوشیده عذار مچکان راه آفتاب زده نتر مغان صحرای مغان  
سرای کبی صفا خیز و جو انلر طبیع پیر مغان نقسی کبی نشاط انکیز اولوب سته مرقومه ده ماه  
ذی الحجه نکل ایکنی کونی دفع لوای عزیمت ایدوب قندهار دارالقراردن فتح و تسخیری اچو مغان جلک  
حرکت ایدوب آب و علفی و فرخ و کثرت اوزره اولان کرم و دهشت و دیولیه روانه اولوب قزو  
و ادد اولدیلر و فرما ارسال ایلدیلر که ابراهیم خان آذربایکی لشکر یله کلوب کرم و محالندن قراچین نام منزله  
اوردوییه ملحق اوله مشار ایله بر موجب فرما اوردوییه و ادد اولدقه طائفه بلباس که اعداد  
حد قیاسدن فروغ خاک رومه متعلق ایلر اعجامه عدم اطاعتی نادرک سموعی اولنقله مر قوم

۱۶۰



ابراهیم خانی و سایر حکام و سپاهی او علی نصر الله مرزومر قومه باشن و بوغ او ملو او زره طائفه  
 مرقومه بی کوشماله اشارت ایلدیلر قومون دخی ساوق بلاغ یولیده روانه اولوب ایکی کون ایکی  
 کیجه ده قرق فرسخ فهای طی ایرو ب بلای ناکرهای کبی مزبور طائفه او زینه ایریشوب بنک عدد  
 خانه نک اموال و ارزاق لری شوخیلین تاخت و تاراج ایلدیلر که قوت لیلی به محتاج ایلدیلر بقیه  
 الخیر مکی اعمالدن تیرکشن نام موضع مشهورده که که هک قله کنده صفنا قلعه تحصین  
 مدافعه به مرهتا اولدیلر قربا باش او باشلری کو هک اطرافدن عروج و اول صعّب المسالك  
 صفنا قلعه و لوج ایرو ایکی بنک نفر کنه بی ایکی نفر معتبر کرده لیله عرضه کشمیر ایوب بقیه  
 قتل جباله چکلیدیلر بعد حصول المرام ابراهیم خان آذربایجان عساکرله تبریزه روانه اولوب او علی نصر  
 مرزاشاه جانبته عازم اولوب دارالسلطنه قزوینده او زده ویه و اصل اولدیلر **مسترت افرا اولان**  
**اخباردن درکه** بو احوال خلانده فتح بحرین مقدمه کی شاهه عرض اولندی بو نک تفصیلی اولد  
 فارس بکلر کیسی محمد تقی خان مغان صحرانده شاه طرفدن مخص اولوب اول صوبه عزیمت ایتکلری  
 وقتده جزیره بحرین سفرنی فرما ایتکلر ایکی غیره بندر عباسه تعداری حددن بیرو اولمغه جزیره  
 بحرینی نزع و استیلاص ایچو محمد تقی خانک او زنده موجود عساکر و تدارک ایله بحرین سفرینه عزیمتی  
 امر ایلدی و جزیره بحرین بصحن دن آشغده بحر فادک ساحل غریبنده ساحله قریب بر محرق اولوب  
 قره دخی بر قاج ناحیه توابع یرلری و ارایدی مرقوم خان شیرازه وارد اولدقه بحرین تسبیحی ایچو  
 نادریه قلعه سنه لشکر کوندر و بکنده وی دخی حرکت او زره ایکن اتفاقا مرقوم خانک شیرازه و زوددن  
 مقدم شیخ جبار کعبه معظمه به عازم اولوب قلعه بی کنه و نایبته تسلیم ایلدیلر ایش قلعه او زینه  
 توجه ایلدکه مزبور نایب و خامت عاقبتدن خوف ایرو ب قلعه دارلغه مقابله و محاربه به تاب  
 آورد اولمیا جغنی بیلوب اسلوب الاختیار قلعه دن فرار ایلدی خان مرقوم احواله واقف اولدقه  
 فرصتی غنیمت بیلوب عجااله قاقوب قلعه به وارد اولوب بلا مانع و لاحائل دلجو الهی او زره قلعه بی  
 ضبط و تصرف ایرو ب اختلالی شاهه اول ایلدی شاهه دخی بو خدمت مقابله کنده ضلع فخره اولد  
 بحرین حکومتی دخی فارس حکومتی او زینه ضمیمه ایرو ب ایکی ولایتی دخی مرقوم خانه تسلیم ایلدی بو  
 تائمنی خانی دلاور خانن بر عرضیال وارد اولوب ایتدی و کی حرکات نابرجا کنه نام اولوب عفو تقصیر  
 استعا و جرایم سابقه کنی استعفا ایلدیلر بو نک تفصیلی اولدکه خان مزبور عن اصل تائمنی ایلدک  
 رئیس اولوب زمین او در اعمالدن حقن محالنه بیایلاق و قشلا قلعه ساکن اولور لردی اغواندک لری

مرقومه بی بر قاج  
 دن برو شیخ  
 بوله عجم الذن  
 ضبط ایلدو

ایمانده زیاده سرکش و صاحب اقتدار اولدیلر من مرقومینه بیعت و اطاعت ایلدیلر ایکی کنده  
 ایلنی محافظه ایرو ب و کسنه به تعرض ایتیب راحتنده اولوردی وقتاکه نادر شاه لهرات  
 سفرینه عزیمت ایلدیلر ایکی خان مرقوم کنده ایلدک منتخب لشکرله کلوب ناکرهای نام منزله او زده  
 ملکو اولوب خدمته بولمغله نادر بعد آذال سفر اوبه و شافلان و غور و ساخر نام ولایتلر  
 کنده سنه قید حیات تفویض ایرو ب بو نوعله اقران و امثالن امتیاز بولوب خیل کرافراز  
 اولمشیدی لهراتک فتح و تسخیر ن صکر او یما قلرک و ایلدک اکثری روسا و عظامت لهراتک  
 خارجنه و داخلنه محافظ نصب و تعیین ایلدکلرنده مرقوم دلاور خانی دخی لهراتک بر ناحیه  
 محافظت نصب ایرو ب اول ناحیه امرینی کنه و یه اول ایتدکلرنده کتیوب بر آد میسنی کوندردی و کندی  
 مقر تغلیندن حرکت ایتدی و سارکین امر لره دخی قولاق طو تمازدی بو کره عصیان ایشکاره و معاینه  
 اولنوب وجودی اولدین زیاده اولدی و عسکین مضاعف ایرو ب جها نگیر لکن دم او زمه با شلری  
 کیجه لره شهرنامه او قودوب استماع ایرردی و کاهیجه تیمور لکن حکایه لری ا قودردی دماغی  
 خیال محال ایله طولوب لهر چند جلایر لری طرما سبقلی خان سرداردن و لهر بکلر کی پیر محمد خان مدارا  
 اولنوردی باشی دامه کلایوب عنانده مضر اولدی چو دلاور خانک تسلط و استیلاسی تمامدی او  
 کفران نعمت طرفیه دولت تملنی طرفلادی تدارکنه حسن تدبیر اولنوب اول اولنان ایالت امر لره مقید  
 اولردی بالاخره جلایر لری خان انواع مدارا و مدافعه و حسن تدبیر ایله دامه دو شوب لهرات قلعه  
 کتوروب سکر یوز نفر آدمی سیله طتوب مقید و مجوس ایلدیلر و دد عقب اوبه و شافلان او زینه  
 عسک کوندروب علی الغفله با صوب او غولرین دخی در زنجیر ایلدیلر نادره چا پاکیدوب بو خبری ایضا  
 ایتدکه امر لر کوندروب بالجه ایلنی و اتباعنی عرجستانه نقل ایرو ب مناسب محلده اسکان ایلدیلر  
 بعده بغداد محاصره کنه شغف اولدقه دلاور خانی او زده کو توردوب طقوز بنک خانه دن  
 زیاده ایلنی عرجستانن قالیروب خبوشانه نقل ایلدیلر خان مرقوم او زده عتبه نادره و اصل  
 اولدقه خدمت سابقه کنه بنا مظار عسک اولوب انواع نوازش ایرو ب طلا و زخلعت کیوردوب  
 مرصع و مزین طونمش آت و یرو ب خیل التفات ایلدی خان مرقوم اذن طلب ایرو ب و معتقد اولد  
 و ایرو ب ایلنی و اولو سنی قالیروب مقدا امر ایلدکلری او زره لهراتک معرود ناحیه کنه ساکن اولد  
 ارچه کلامی کذب اولدنی گفتارینک سیاق و سباقدن معلوم و آثار خلاف سیما کنن معروف و علیم  
 شقاق و نفاق جیسینده موسوم ایکی لیکن اول تیر درونن حالی لهر که ظاهر و باهر اولوب

۱۶۱



خیانتند که نک بشهره کسی قلمسونه قتل و اعدام ایلمکه نادرک عدم مروتنه عمل ایلیه ل  
دیومسولنه معشایه و ب هراته کوندر و ب هرات سردارینه و بکلرکی سینه امر کوندردی که مرقوم ملک مانده  
و ایلمدن و جمله اشیا کندن قبض و یغما اولتانی حسن تدبیر ایله الانلردن استرداد ایدوب صاحبزیننه تسلیم  
ایدوب تماما ایلمنی و جماعتنی هراته و خبوشانده ایطان و اسکان ایدوب دلاورخان بو تقریب ایله جانی  
دام هلاکدن قورتر و ب عرجستان جانینه روانه اولدی و مشارالیهما سردار و بکلرکی دخی بر موجب فرمان  
عمل ایدوب جمله مال منسوبه بی اخذ لردن آلوب صاحبزیننه رد ایدوب دلاورخانک جمله آلات و اثاث  
و تفاریج بی حجابا علی قدر الامکان دیوشریلوب تماما کده سینه تسلیم اولدقه امر نادرکی و کرداری و بکلرکی  
کوچ ایدوب مقر تغلبی اولان عرجستان جانینه روانه اولدیله محل مزبوره و اصل اولدقه عیصیا و طفیا  
اولیکدن زیاده ایدوب برکروه مکروه قریبانش ایله اوبه نام قلعه نک او زیننه کلوب علی الغفله باصوب  
اوبه نائینی و مستحفظ لردن یتیم کساددی قیلین کچرب آلوب صا توب مقر طفیانتنه روانه اولدی  
اول زمانه سردار شیراز سفینه مأمور اولمغه اول هو ایله بولنیوب هر آهکی برکروه اغوان ایله  
متعاقبا کتوکده دلاورخان عرجستانه توقف ایتیبوب بلخ کوهستانزیننه فرار ایلمدی هر آهکی دخی اول  
طائفه نک جمله احوال و انقالاتنی اخذ و ضبط ایدوب غارتگره عکر و ارد قری کبی او شوب با و روز  
یقوب خراب و بیاب ایتیلر باغ و باغچه لرین ضرب بخاق و تبر ایله قیروب اشیا لرین کسب بنابرین یا  
یقوب عرجستان شرفنی احراق بالنار ایدوب کولنی کوه صا و ردیلر تاب و آتش کارگیر اولمیشا حکم  
بنالره حص و آجر ایله مشید ایلی عوم لشکر هجوم ایدوب قازمه و کلنک ایله کراپا هدم ایدوب طاوق  
و رواقن خاقله یکن ایلیوب درون و بیرون قراونوا عسیله ما و ای بوم ایلیله ضیاع و عقاد لرین  
بالجمله تضییع ایلیوب کوردون کلر نه دلاورخان با یقوشن فرایه سینه عود ایدوب بغض و غضب ایله  
طولوب انتقام قیدنه اولدی بو اثناده سردار دخی شیرازی ضبط ایدوب انتظام امور مهامنه قانع  
اولمغه کرمایولیه هراته وارد اولوب برکروه لشکره ایکی نفر معتبر کسینه بی کرده ایدوب ساخر نام قلعه  
کوندردی که ساخر ها کینک معینه و غنمته اولوب اول حد و کن محافظه کنده قائم اولار دلاور  
دخی مجددا لشکر ترتیب ایدوب ساخر قریبه بر کینکا هده اختفایه و ب فرصته مترقب اولدیله مرقوم ایکی  
سر کرده ساخر ها کیمه قلعه دن حقوق کیر و شکار ایدون اول مختفی لردن محازاتنه کلا کلر نه دلاور  
کینکا هده حقوق و بردن پرتاب ایدوب قویله بیکاره (غیر مترقب بویله بر بویه دوشن اولد قریبه  
کیروب سر کرده دخی زیننه او غراد قلیس بیلوب متحیر طور در لکن دلاور دلاور لری بر اوزد لرینه او شوب  
قیردیله

قیردیله اقل قلیل قالبوب انلردنی کوجیله قاچوب آت بوننه دو شکله قلعه یه جا آتیلر ... ۱۶۴  
دلاورخان تمام اخذ انتقام ایدوب شاد و مسرور فرخ و فخر و عرجستان جانینه روانه اولدی سردار  
بو خبر مو حشی اشتیاقی بر له کنه و جمعیتله کندی دلاورخانک پای ثباتی مترزل اولوب بریده قرار  
ایده میوب بلوج و هزاره جانبرینه فرار ایلمدی کردارنی تعقیب مفید اولدیغنی بیلوب کوردوندی  
عرجستان اهالی که او تن برو شت شگیم و جلیتندنه مرکوز اولان کرشک مقضایه همیشه عیصیا  
و طفیا عادت لری ایکی سردار اول طائفه باغیه دن کسار لرده و بعض شقوق و مفار اتنه بول  
دقری مختفیلری اما ویر میوب قتل و و دات و اثواب و اسلحه و انقالاتین اخذ ایدوب کیری کبی قوی  
بوروب و بورونلین قروب انضک بلخ توابعندن اولامینه و چکتوس جانبرینه روانه  
واروب اول محالی دخی نرب و تاراج ایدوب نک نفر کسینه بی خانه لریده کوچ ایدوب هراته نقل  
ایلمدی چونکه دلاورخان بلوج و هزاره حد و دینه و اصل اولدی قندهار اغوان لری انلره اعانه ایدوب  
جمله ایلی ایله زمینده اوره سکر فرسخ محله واقع قریب چنگل نام موضعده اکا ایلمدی میر محمود ک برادری  
میر حسین غلجایی مراعا و ضیا قتل ایدوب مجتهد دم اوردی بر نیچه ایامدن صلح معتبر اغوانلردن  
بر قاع کسینه کوندر و ب دو ستلوی مستحکم اولک و ایچو اقربا لکی دخی میشنهاد ایدوب دلاورخانک قریبی  
استی دلاورخان بو معنادن سخت اولوب کلن آدمیلری مایو ساگیر و دوندردی میر حسین دخی غایت  
رنجیده اولوب برکروه اغوانی تعین ایدوب دلاورخان ایلم و اولو سنی تاراجه امر ایلمدی چونکه دلاور  
اول محله دخی بری پیر لندی انده دخی آرام ایدوب میوب سینه عرجستان جانینه فرار ایتیلر انلر نادرشاهک  
بیوک او علی رضا قلی مرزایی شفیق ایدوب شاهه عرضیال کوندر و ب جرایم سابقه کندن استعفا  
بقعه اطاعتنه کردن داده اولمغنی متعبر اولدی اول ایامده نادر شاه قندهار او زیننه عازم اولمغین  
جوب ویر میوب انوک جو ابینی وقت آخره تأخیر ایلمدی **در بیا توجه موکب جناب نادرکی بجانب**  
**کوهستان بختیاری حکم حضرت باری** مقدهما سر زده خامه دستنی بیا ضبط و املا قلندنی اوزر  
بختیاری طائفه سنگ او ضاع ناهوارکی بیسره نادر شاه دفعاتله او زلرینه سفر ایدوب لشکر کوندر  
نیچه لرینی عرضنه شمشیر و نیچه لرینی دستگیر ایلیوب بالاخره جام و لنگر محالنده ایطان اسکا ایلمیشدی  
زرایانکی جباله متوارکی او لشکر ایدی اظهار اطاعت ایدوب فرار نشا سکن اولانلردن بر بلوک وقت فر  
خانه لریده کوچ ایدوب اول طاغرده و صغنا قلده اختفایه ندره ملحق اولدیله نادر شاهه رکابنه ملازمت اید  
طوائف بختیاری دخی مترقب فرصت اولوب مرور ایام ایله کنه لرینه اطمینان تام کلا که علی مرادکی نام



قایم و سیاهه اقدایه و باندن دخی فرار ایلکله اول کر اهله اولاشیلر اندرن بوکونه عصا و طغیا  
شاهک سموعی اولدقه اولدقه مرقومه بردخی تنیه بلیغ و کوشمال بی دروغ اچو بر بلوک لشکره  
اندن دخی واروب زردا محالنه کوبک جنکی و کوشوش صواشی ایدر ایلکن مغلوب و اکثری مقرر اولوب  
بقیه فراریه و ب شاه او دد و سنه طارد و شیدلر ایلکنی بردخی چاپوشلو بابا خان سر کرده اولوب حکام و خان  
لردن برکوه ایله اول بر ایلکن مضر تلینی دفع و دفع اچو تعیین اولدیلر مزبور لر واروب ادرکن کی  
دور و شوب بختیاری مضرینه غالب و مضر تلینی سالب و احوال و ائقالاتین نهب و غارت برله جالب  
اولوب او دد و یه عازم اولدیلر علیرادی اول وقت بر معد و ایله فراریه و ب بابا خان او دد و یه عو  
ایتکه تکرار ترتیب لشکر ایدوب کوهلستا حواله ایسنده آتکه اول اهالی بی نهب و غارت و انواع خرد  
جارت ایدر اولدیلر او چینی بردخی اول مضر لرن ترتیب جزا اچو ایدر دلی سلطان علی بک و شرک  
بخفقلی بک نام کسنه لری کرده ایدوب شوشتر هاکی و کوهلکیلویه نایینه دخی امر اگونیرو ب کدی  
اتفاق ایدوب اول سر کشره تنیه و کوشمال ایلکه عازم اولدیلر سالم نام مشهور طانگک دانسته و  
اول قلنده معلوم اولدیکه علیرادی و حشراتی اول افلاک سر چکش کوهلک قلده کسه و صعب  
صفنا قلده تخصص ایدوب جنکه آماده اولمشر کوهلکیلویه و شوشتر لشکر دی دامن کوهده  
ایدوب سلطان علی بک و بخف قلی بک اظهار جلالت و ابراز شجاعت برله بی باکانه فراز جبهه صعوده  
ایدوب اول سگلاخ و سنگ تانه باش یوقد قرقم سخته چاقوب نیم کوهه ایش کلنده اول طا  
قله دن طلوع وادی قودشون یاغدیرو ب ایری قیابو عظیم طاشریو اریوب سلطان علی بک و بخف  
قلی بکی و عاکرنی او چور و ب دده دن یکا طوب پارلیوب ریزه ریزه ایلدیلر کوه سالم دانسته تو  
ایدن لشکر سالما عود ایدوب کند و ولایتینه روانه اولدیلر اول وقت نادر دوق قلعه کی سخرینه  
اولغنه بوندرن ترتیب جزا لری وقت آخیره تأخیر ایشیدکی چونکه نادر اول غائله لردن قورتلوب  
و تحت شاهی به جلوس ایدوب کوبه عظیمه ایله مغانن حرکت و قرینه و رود و قریندن دخی  
قالقوب چاپلاق و برد روز محالنه وارد اولدقه علیرادی کرام واری نامراد لو و ادرینه عزیمت  
ایدوب دورت بشن بک نفردیو افکن پیل تن غول بیاباتی حریفلریه بختیاری کوهستانلرنک اصعب  
املکه سی اولان بیرون نام صفنا قلده تخصص ایلدیلر اول بادیه ضلله سرری کشت و کور ایدن کشرک  
بچ و بنیاد لری قلع و قمع ایلکن نادر کن همت و الای اولوب کند و رکابنه ملازم اول عاکرنی و کوهلی  
واردن و کوهلکریه فیلی کوهستانه متصل اولدیلر ایلک جانندن و برکوه جزا رجهی شوشتر یو لده لک

صحرای طرفین و افواج قاهره دن بر بلوک زده پیروشن رعد خروشی مار دشت کستدن و برکوه  
انبوهی کوه کیلویه عاکریه کوه کیلویه جانندن و بر جمع کثیری اصغر یایولیه هزارم جانندن  
تعیین ایدوب هر فرج کوه کستدن جبالک جوانب اربعه سنی قوشادوب سعی و اقدام اقدایه  
جباله اولان زاویه لری و کوشه و مغاره لری ارایوب اول اشراری شرار نارکی طاش اچند حق  
درو شیدلر نادره دخی جمله او دد و واغرنی اوغنی نصر الله مرزا ایله چرباسن نام منزله برغوب کند و سی  
بنک یوز قرق طقوزده ریح الاخرن سکرخی کونی منزل مزبور دن حرکت ایدوب کوهلستا جانینه عازم  
اولدیلر و لک اول کوه اول طاغک حواله ایسنده مرقوم طائفه باغیه ترتیب ایلدیلر سکره وارد اولدیلر  
شاه امریه اکراد و افغانه دن بر طائفه سکره و زرینه هجوم ایش کلنده اول باغیلر مکانلرنک متانت  
و استقامنه مقرر اولوب تفنگله مدافعیه آهنگ ایدوب بالاخره مغلوب و مقرر اولوب  
کیه اول موضع دن کوه چوب اندرن صعب و کیر قلعه و صفنا قلری اول لایرون سکرینه شتاب  
اولدیلر ندره دخی توقف ایدوب میوب دیر خوله جریا ایدن روکن صویندن عبور ایدوب کوه پری قیر  
صویه و یردیلر اتفاقا هزارم یولیه طائفه مرقومه او زرینه تعیین اولدیلر اول دد خانه  
کنارنده مرقومه مصادفت ایدوب بلا توقف هجوم ایشیدلر طرفین جنک و جدال ایشیدیلر بویجی  
التیوز نفر لهرکن اولوب بقیه راه سلامتی بولدیلر ابرته سی کون کوبه شاه صو کنارینه کلون  
مکن اولاجو قدر بر کوه پری بنا ایدوب عاکر اول کوه پری کوب غاریناه نام جبلن فرازینه چقوب  
نزول ایلدیلر اندن عاکرنی گروه کوه بقیه السیو فرایدیلر احوالی تفحص و تجسس اچو قتل جبال  
آسمان تاله عروج و اول مار مثال و کزدم خصالتین سور اخلینه و لوجه تعیین ایلدیلر مزبور  
جوانندن اول جباله چاقوب بولدیلر قلیس خاک هلاک صالوب اوج بک نفر کسنه بی دخی اولدو  
عیالریه کف قار ایدوب عود ایلدیلر اندن شاه کوبه سیله کوه چوب داروره نام محله متوجه اولوب  
برکوه دخی انده بولوب کوشمال ایدوب اندن تلاب روی کزکاهنه متوجه ایدوب اول مکانه برکوه  
لشکرکی الوار عاکرنه قوشوب ذریه و میوند جاننده اولان طاغلی طولاشوب تالور کتاده  
واردوب سالما و غانما صرف عنان ایدوب کوه سالم جانینه عود ایلدیلر کپیشه نام اوج منزل محله  
کلید اول حد و دی دخی طولاشوب نوار نام و محله وارد اولوب اندن دخی دفع لو آ شوکتده لک  
نام موضعه وارد اولدیلر و نادر شاه توجه ایدن اقبال لبقا و استدر اچا مستوفیه دن بری بودر  
مرقوم علی مرادی لور ستا فیلی بک اولکاسی اتصاله کوزکشن نام جبل کستده بریقوله ده احتفا



ایر و برفقا و خدمتکن بر قاج نفر کسندی جوانه صو و آرزق طلب ایچو ازال ایلدیردی ...  
 بیچاره لرب و دانه طلیله عرق ریز شتاب اولارق هر جانبه جست و جو و تک و پو او زره کی  
 کیف ماتقو کز نام کوهک دامنده شاهک معتبر خاندنن قرجه طاغلی کاظم خان نام کسندی  
 مصادفت ایروب علیمرادی و جمله اولاد و عیال و کوچ و کلفتنی و معینه بولنا متواری دی  
 مقید و مغلول شاهک حضورینه کتور دیر علیمرادی زمین بوس ایروب تخت میموجت قار  
 شو سنده القا و شر و ب طور دقه شاه دل آگاه بر نظریه خونریزایه باقوب خطاب ایروب بر  
 نابکار تکرار تکرار سیزی کوشمال و تادیب و تنبیه ایروب زجر بلیغ ایلدن بچو س تنبه اولدن  
 سرکشایه ایروب فرمانه اطاعت ایتدک دیکه عذر لنگ ایروب سوزه کلوب شاه طایع و رانده  
 و بر و بیابانه باش چکش سوز قبول ایلزله کلام تاثیر ایلدی بن دخی خوفدن حضوره کلام  
 دیو جو ب ویریک شاه تکرار بر قلباً طایع قله کسندن قیال او چور و ب کرده ریمی و قشونلرنی  
 دره دن یکا طوبار لیوب رین رین ایتد مکه سوزکی قبول ایلر قو لنگه اطاعت ایتد مکه نه عجب  
 اولدک بر کک شو خانیک اللرنی و ایاقلرنی چقدان کوزلرنی دیو فرما ایتد که بیچاره علیمرادی  
 الامانی لنگه اسمایر کور و ب فریاد و فغان ایروب اغلیوب شاهم بکایمه او غور که دشمنله قتال ایر  
 جان و باشم ایله دروشه بم قابل تادیب اولیان طاغیلردن او تری بنی سیروده ضایع ایتد  
 یالواری مفید اولیوب شاه غضب ایله بر ملعون هم فتنه دریا سنی قینادوب طالع لیررس  
 هم زیت یاغی کبی او زرینه چقوب بر است زمت کو کتر رس تیز کافری سویلتمک دیو فرما قضا جریا  
 ایتد که جلاد مرخ نهاد اللرس و ایاقلرس کوب و کوزلرس او یوب اول حال ایله میدانه براغوب  
 جز اس ویردی ایکی کوی ایکی کیمه اول بر کشته بخت خون ز فنانک کبی دبه لنه دن جان ویردی  
 نادر شاه مرکز کاظم خانی بو خدمت جلیله مقابله سنده نظارت کردار عظم مدار ایله کرافرازیه و بخت  
 خاصنده استعمال ایتد مکه خیل ملتفت اولدی و مزبور فرایلدن بر مقدار عجب مقوله کی که زوایای  
 جباله محتفی و متواری اولد لرینه ندامت ال ویروب باشلرس طاشه و طاشلری باشه مغله مضط  
 و مضطرب او لشلری شاهک طوق اطاعته کردن داده اولد بختیاری روسا و عظم سکن شفا  
 مرقوم عفو اولنوب سائر طوایف اسلوبجه جام حد و دنده اسکان اولدیلر نادر شاه تمام بر ماه بختیار  
 طاغلرنی دور ایروب طاش بطاش فرایلدی اریوب انن زاینده دود چشمه سنده وارد اولوب  
 ملکی اولدی انن اصفر جانبه رفع لوار همت ایروب مجازی الاخرن طوقو زنجی کونی اصفر پانه دال

اولدیر درین توجیه افواج قاهر بصوب بلو جستا و نهضت موکب فیه و زی شعار بجانب ...  
 دارالقرقر قندهار چونکه نجه زمانن برو بلو جستا کشرینه تادیب و کوشمال درون شهی جاگیر  
 اولوب ترتیب جزالینه تصیم ایلدیر ایکی سابقا هر بکلر کیسی بر محم خانی و تقیسن بکلر کیسی  
 سردار نصب و تعیین ایروب هر برنی مستوفی مرها و طوبخانه و قورخانه ایله بلو جستا جانبه  
 روانه ایلدیر کند و سی دخی ماه رجب الحیرک او بیخی کونی اصفر پانه حرکت ایروب ابرقو و کرمان و بیابان  
 کرک یولیه قندهار جانبه رفع لوای کشورستانی ایلدیر کسنا هو الینه وارد قلعه شیر و بکلر  
 بکیسی مری خانی قتل ایرن باب الابوب در بند حاکی او ستاجلو مراد سلطانی مقید در زنجیر حضور شاهه  
 احضار ایلدیر بونک تفصیلی اولدیر که شول وقت که شاه بختیاری کوهستانن منصرف اولوب زاینده  
 رود چشمه سنده وارد اولدیر شاهه عرض ایلدیر که مری خانی که بعضی مصالح تمشیتی ایتد در بند  
 ازال اولمش ایری اول اشناده در بند حاکی اولد او ستاجلو مراد سلطانه او سابقه سنده نادر مری خانی  
 قتل ایلدیر و عرض ایلدیر که اهالی قلعه تحریک ایروب مراد سلطانی بو کونه جارتیه اغرا و اقدام  
 ایلدیر بو کونه او ضایع ناشایسته صدور دن آتش غضب شاهی متلرب اولوب قرقلو طوبچی  
 باشی سردار کی شیر و ایالتنه تعیین ایروب و جزایر جیب بر ارام استقامت بر کردی معینه قوشوب ازال  
 ایلدی و در بند حکومتی قراچور لو کخیف سلطانه احکام ایلدیر و سردار بکه امر ایلدیر که مری خانی قاتلین  
 اله کتور و ب عملینه کوره تادیب و کوشمال ایروب و خیف سلطانی کتور و ب در بند او توره کس اول  
 اشناده در بند امر او عظم کسندن بر قاج نفر کسندی اصفر پانه ساکن ایریلر شاهه کلوب عرض ایلدیر که  
 اهالی در بند مری خانی قتل ایلدیر کنه و لرینه کلوب غفلت کسندن ایلوب ندامت ال ویروب  
 بو جلیس قلیجی کسین و اتی بو کرک صاحبقر عالیشانک خلاف مرضیتمی ایلدیر کی قصور کاسه لری  
 کند و باشلر نه شکست و قدر و اعتبار لری بو کونه فضاحت سببه بخت اولد جلیس یقین ایلدیر که فر  
 ایروب اجد قه و سیمی قیطاقه توسل ایلدیر و بعضی سیمی دخی خوف و خشتلردن وارد و ب در بند ارک  
 قلعه سنده کوب تحصن ایلدیر نه بو شاعته رضاداده اولمیا سائر امر او عظم شاه جها اولد قهر ما آتش  
 فشانک سطوتن خوف ایروب عمو و ارب اول متحصن لری اینه ایلوب ارک قلعه دن نایس قلعه  
 عمده فرستاده ایلدیر و فتنه انبانی جنبان اولد مراد سلطانی دخی زندانه مجوس ایلوب فرمانکن مرتب  
 در نادر شاهک نار غضبی زبانه کش اولوب او کی خانه خطاب و فرمایو ایلوب چایا ریه عجاله  
 ازال ایلدیر که اول جانبه فرایردن مرتب اشقیالی اخذ و در زنجیر ایروب شیر و ایسی سردار بکه فرستاده







و جمل و نه هجری سال مزبور شب پنجشنبه نوزدهم سال مزبورده ذی القعدة الحرامک ۱۰۹۰  
طقوزنجی پنجشنبه کونی داورفا ورمقام تخت زمرد قام فلکه جلوس ایدوب جنود قوی بهار  
محصن دارالقرار چته و احاطه قلعه کلشنه مشغول اولوب برهن وشتانک ازمنه و ساعتی  
آخره ایرشوب افواج کسبک روح نسیم فاتح قلات غنجه و شکوفه اولوب عرصه جهانی لاله  
و دیار حسین همچون شهر صفایه دوزیر و ب خدیو زمیند اور حکیمه مجلس خلد آینه چش نوروز  
دسومینه مراعاتا کمال فرقیو زایه مزین اولوب اول بزیم ارم نشانی سرف و سفید ز طبلقرن لاله  
زار و کلزار ایله مشغول اولدی نادر شاه نوجاه دخی بو فصل فرمده جمله کربلشکر و سرکرده لره خلاص فافره  
الباس ایلیوب افشاری فتح علیخان چرخ باشی ایدوب برکوه چاپک سوار جنگلشکر ایله اطراف  
قندهارده اهالی قرا و قصبه تحصن ایله کلری قلعه لری تاخه و تاراج ایچو ارال ایلی اوجنی کیجه  
بر ایسر قلعه دن فرار ایدوب خبر و یردی که میر حسین فتح علیخانک قلعه لراوزرینه کندیلکن خبردار اولوب  
له اول کیجه سیدال خانی دودشک نفر دلاور اغوانلریله تعقیب ایچو روانه ایلی شاه بو خبری اشکره  
فی الحال بر بلوک دیران کینه خواه ایله سوار اولوب و ایلفار ایله عزیمت ایدوب شهر صفاقرین عبور  
ایلیله اتفاقا فتح علیخان مزبور قلعه لردن بر نیجه کنی ضبط و اهالیسنی اسیر و اشیا لینی تسیر ایدوب بر مقدار  
آرام ایچو بر کوهک دامنه نزول ایله کلرینه سیدال خان ایرشوب او زدرینه چوکوب کاشاکشده ایکن شاه  
ایرشوب چوش و پلنگ خروش ایله ایرادن یورش ایلیله اغوانلر شاه لشکرینی کوه کلرینه فراره آغاز ایلیله  
شاه و سپاه دخی آتله مهربز اوروب متعاقبا کیدوب نیجه لری عرضه تیغ ایدوب اغوانلردن برکوه دخی  
طاغ اطرافنه متفرق اولوب سیدال بعد اغوانلریله قلعه لره طایغیلوب تحصن ایلیله نادر نامدار  
کامکار عطف عنان ایدوب او زدرویه کلوب اسیر مزبورده عظیم رعایت ایدوب دامن آمالنی لب ریز نقود  
ایلیله ذی الحجة الحرامک کوننی مزبور مکانن تحریک لوب ای غزیمت ایدوب سرخ شیر نام شهر دخی  
اولوب قونیلر اول مکان نزهت نشان و صف و بیانن خارج بر شهر دلکش اولوب وسیع و لطیف  
قلعه اولمغه مجده ایشا طرط اولوب بنایا چاپک دستر اطراف ممالک محروسه دن بغلوب معسکر شاه  
موجود ایدر شاه امیرله او تو زکو اچنده اول قلعه وسیع ده عمارت دفعه چار سو با زار دکانلر و حماملر  
و مسیرو خانلر و قشروه خانه لرا نشا اولوب لطفه مثال زلال اولان تو زکونک نام صوی دخی شهر  
کتوروب اقدیر مربع الارکان قلعه شکلده بر ساعی مرفع دخی بنا اولوب او کنده عظیم باغچه و قواقلر  
و سایه دار غیر اغا جلریله آراسته اولوب بر معظ حوض دخی انشا ایلیله که صوب طرفدن دو کیلو  
آخر

آخر طرفن جریا ایدوب یکدم مزبور در ایکن یکی طرفی کشاده ایوب او ستنی التون صوی و لاجورد ایله منقش  
خرده حلکار ایلیله مزین ایدوب تحتانی سنگ اوردته کنده برشش خانه او طه و کوشه لرنه بر درنج  
کاشانه ایدوب فوقانی کنده دخی متعدد او طه لرا طرفه و باغچه یه ناظر و زنلر و بری برنگ فوقنده  
اوج طبقه فوقانی او طه لرو بوندرک جمله سنگ درو دیوار دی کافوری مرمر کرج و سمور طه ایله معالج  
بر جنس براق و لطیف طلا صومعنا سنه که آبادی کاغذ کبی شفاف مرآتیه بکزر و دیوار لرنه انواع  
الوب نقوش و تصویر ایدوب لرنوب لردیوارنی ارژنک چینه مانت و نکار خانه یه مشابه ایلیله لطافت  
و سلاسته آب کوشکی خوشگوار تو زکونک نام صوی یو کار لرنن و حوض لرنن اجرا ایدوب دست  
و بازوی اهتمام برله قلعه مزبورده یه کمال متانت و استحکام و یروب ابنیه و عماراتی برو ضعیف نشین  
او زره انجامة ایدوب اول شهر معموره خلد شمال غرق بیضا شهر شوال کبی عرصه ظهورده کلوب خج  
ولطافته ماه نوکی انگشت نما اولوب شهر مرقومه جدیدیه یه نادر آباد ایدوب ایلوب آلن السنه افاقه  
دخی نادر آباد دیویاد اولنور پادشاه سلف زماندن برو آباد اجدادی حاکم قندهار اولاشرف سلطان  
غلیجایی نام بر معتبر اغوا ماه مزبورکن او کسرنجی کیجه سی قلعه دن فرار ایدوب جبهه سای دربار  
نادر نامدار اولمغه شاه طرفدن عظیم رعایت اولوب اوج قاسم طلا درو ز خلعت بربری او زدرینه ایکن  
اولنی و له در عقب چاپار کلدی که غلیجایی اغوانلردن بر فوج او زدرویه خسارت ایصال ایتک  
ارغنه صوی کناریله کلدیله شاه دخی فی الحال قرنباش شیمی انلردن برکوه لری مرقوملری مدافیه یه  
ایلی مزبور در عیال و ایدوب اغوانلردن چوق که لرن طومار حیاتی لینی آب زلال سیف ایدوب  
یا قیوب چته لینی دخی صویه یردیله چونکه قندهار اهالیسنه بو قدر زما ارضای عنان و توسیع  
دایم میدا و طشیدی که اگر فی الحقیقه ذاتلر نه غیرت و عیت و شجاعت و جلا دندن شته اثر و ارایسه قدم آتی  
قلعه دن یرد ایدوب میدا کار زارده ایاق قویوب مقابله اوله بو لغزیمت و قوعندن صلک میر حسین  
و سائر اغوانلر کربا فولدن باش چقرمیوب قلعه یه متانت و استحکام و یرمه و کنه لرنی محافظه  
مشغول اولدیله نادر شاه قلعه قندهاری فتح و تسخیر عزم و جزم ایدوب قلعه اطرافنده دور فرسخ  
فاصله مقداری مسافه ده متین و حکم طایبه لربنا ایتیروب لوطاییه نک دائر کنی التي بی فرسخ و اسع  
قلوب لوطاییه یه بر بلوک کحفظ تعین ایلی لوی طایبه ماینده یوز ایاق یرده بر درنج ایدوب  
و هر بری حفظ و مرسته بر بلوک تفکی تعین ایلی بو حال او زره بر زمانه قالوب معلوم اولدی که اغوا  
کیجه حالده قلعه دن حقوق غرض زینته کیدوب پیاده بر جلرن ار لرنن کچوب کیدوب مصلحت لیس کور دینه



قلعه به عودت اید در نگرار هر یکی برج ادا سنده بر برج دخی بنا اولونوب آمد شیو آتینی اغوانلر اوزینه  
 کلیتاً منقطع و مسدود ایلدیلر بوندن صلح اغوانلردن هر بر کسه تحصیل دانه و غله ایچو دانه بکلی قلعه  
 دکه باش چقر دردی بر جلد اولون مستحفظلر شمشیر او را غلبه انلری سنبیل واری چوب جسم لرینی فرس  
 کبی پرخاش ایدر دردی تاریخ سنین نیک یوزاللی به رسیده اولدقه محرم الحرامک او چنچی کونی بستام  
 قلعه اوزینه تعیین اولنان کر کرده لردن بر عرضیال وارد اولدیکه طوب و فیرج قلعه اوزینه حواله  
 اولونوب آتش ویرلکه اغوانلر دوی جانده دو شوب ناچار الاما چاغروب قلعه بی تسلیم ایلدیلر جانبا  
 شاهن بر حالک کوندر بلوب قلعه ضبط اولونوب اغوانلردن امر اسی اخذ اولونوب رها شاه کتور دیر  
 مقدمات شاه سیدال خانی تعقیب ایچو روانه اولوب شهر صفانک قربندن عبور ایلدکه شهر مزبور ک  
 خلقی قلعه ایچنه چنانوب فتی تقیه عظیمه و طوب و فیرج به محتاج اولمغین التفات اولنمیشی  
 اول وقعه دن دونوب کلده نصلک برکوه قزلباشی طوبخانه و مرآتیه شهر صفایی فتح و تسخیر  
 تعیین ایلدیلر ایدی محرمک دو دخی کونی شاهه عرض اولندی که شهر صفای اوزینه آدل اولنک  
 عاکر متر سله کروب قلعه به صاری بلوب طوب فیرج ایله مردانه جنک ایتکه بدل مقدر ایتدیلر  
 اوچ متر سن دکشمکه تاخذق کنارینه واروب طوب کوه تو او فیرج آتش فشان دانه لرینی شهر  
 اوزینه قطر بار بار کبی هر طرفن یاغیدیلر برکوب بر کبی آیتلان طوب و فیرج ضربی ایله قلاچ برج و بار  
 حصار دن عظیم پارچه لرد و کلوب اگر چه اغوانلر ضرب طوب و فیرج ایله یقلا لر لری سه سوبی ایدو  
 که کله زنبیل و چوال ایله طوبر قلاچ لرد لر دردی لکن شاهک دینای عکری اول جانبه هجوم ایتدی کی  
 صورتده انلر پایدار اولیه جفنی بلوب ویرج تارکنده اولدیلر اول حالده قزلباش لشکری دخی هجوم ایدو  
 قلعه به داخل اولوب جمده اهل سنی اسیر و فرما بر ایتدیلر اولدق در فراو از خا بر بولدیلر که ایکنه  
 تحصن اولنه لشکر کفایت ایدر دیر شاه بو خبری اشته که فی الحال قلعه مذکوره بی ضبط و محظ  
 ایچو بر بلوک لشکر تعیین و آدل ایلدیلر شاهک مر می و خیمه و فرکانی که مقدما اوردودن کیر و ده  
 قالمشیدی بر قلاچ ماه کیستانه و فراهه توقیف اولونوب بعده شاهک امری ایله ماه محرم اخرده  
 اوردویه و اصل اولدیلر سابقا زکوبیا اولنغی اوزنه چونکه سیدال خان افغان قندهار قلعه سندن  
 چقوب قلات وقعه سنده منبرزم اولوب قلاته تحصن ایلدیلر ایدی میر حسینک او غلی میر محمد دخی  
 افغانن برکروه ایله مزبور محله بولنلر ایدی شاه بهادر ان عرصه دغانن برکروه دغله قرقلو امام  
 یکی سر کرده ایدوب قلاچ قلاتک فتح و تسخیر ایچو آدل ایلدی واروب قلاچی محاصره ایدوب بر قلاچ

کونده نصلک

کونده نصلک یورش ایله جانب شرقی ستمده واقع اولون بر جی ضبط ایلد کلر نه اغوانلر ارکه صفنا قلعه  
 کیروب ایکی ای مدافعه و محاربه به مشغول اولدیلر ایکی آیرن صلح شاه کوه البرز کبی پارچا اولوب اول  
 نوا صیده اول قلاچ و قصباتی بالجمله ضبط و تسخیر ایلدیکه رجعت ایلدیه جکی اغوانلردن معلوم لری  
 اولدقه ایتیمایله قلعه بی تسلیم ایدوب مال و جان لرینی خطر دن قورتا ر دیر شاهه خبر و اصل اولدقه  
 امام ویردی کبی برکروه تفنگچیلر ایله مزبور قلاچک محافظه سنده تعیین ایلدیلر امام ویردی بلک میر حسینک  
 او غلی میر محمدی و سیدال خان افغانی شاه اوردو سنده آدل ایلدیلر چو سابقا سیدال اولنغی اوزنه اصغر  
 و هر ه و قعه لر نه سیدال خانک نادره عکریه محاربه و مقاتله سی دفعاتده واقع اولوب خار  
 شاهه اول عقده قالمشیدی اخذ انتقام ایچو بر وقت کونده در لر ایدی کینه قدیمه به بنا حضور  
 کلده دیده لری صدقه سندن اخراج اولونوب شاه میر محمد بر مقدار عتاب و بر مقدار نصیب کونه خطاب  
 ایتکه نصلک خلعت و اکرام ایله ممتاز و فرط التفات و عنایتده اقراندن کرافراز ایلدی **دینا احوال**  
**بلو جستان و مال کاد سردار و سر کردگان** سابقا زکوبیا اوزنه چونکه هر ک بطور کبیتی میر محمد خان تغلبس  
 خانی اسلر خان سردار نصب و تعیین اولونوب موفور و مستوفی طوبخانه و مرآتیه بلو جستان  
 طرفنه آدل اولنمش ایلدیلر شاه قندهار قلعه سنده کلوب اوردو لرین قوروب او تور دقه ایشک افغانی  
 نابی اولان صاری و لیلو محمد علی کی زکی الحجه نیک طقوزخی کونی برکوشک ایله سینه مزبور بلو جلا اوزینه  
 و شورابک نام محله ساکن شورانیکر اولان بلو جیا اوزینه آدل اولدیلر مزبور طائفه دخی برکروه  
 اولوب شاه عکریته قار شوب حقوب شورابک بشن فرسخ محله کلده کلر نه طرفیندن عکریه سوب  
 صفر اداسته قلوب ایاق ایاق یور دیر تاکه تقابل صفین و ضحی و قنده قتال فریقین واقع  
 اولدی قزلباش اضعاف مضاعف ایدی پیاده تفنگ انداز لری بلو جله قریب بر دپه اوزینه چقوب  
 فذق یاغیدیلر سائر لری صحرا ده طور دوب محکم جنک ایلدیلر تفنگ انداز لر اول دپه قربندن بولولجری  
 آیروب صحرا به دو کده عموا قزلباش عکری غیر ته کلوب یکپاره حله ایتدیلر بلو جکرک بر جناحی یوز  
 چوروب فراد ایتمله سائر عکری پایدار اولوب یور دیر ایدی ساعده قدر عظیم جنک اولوب ایشا سیز  
 اوزنه کلر یوز نفر بلو جله عرضه شمشیر تیر اولوب بقیه راه بخانی اولوب متفرق اولدقده قزلباش  
 مقتول لردن ایشوب و اسلحه لرینی و نهایت کز اقطار مه و چودوه لراخذ و ضبط ایلوب رجعت ایلدیلر  
 اول کروهی پراکنده و پرخاش ایلد کلر نصلک شیرخان طائفه سی که خانی نام موضعک حواله سنده  
 متوطن ایلدیلر اطراف و کنافه نر ب و غارتدن و ایصال خسارتدن خالی اولماز لر ایدی قزلباش محاربه لری



اندره دخی تبنیه و کوشمال ایچون ایلفارایه وب هتکام بام که هنوز چرخ پلنگ خوگر کین نفسی کنار افتد  
اظهار ایتیموب شیر خاقل قول اغذیه طوشت او یقوسنه اییلر که ملاعین انلان اوزرینه دو کیلوب  
شیر خانی و توابعی خاقله یکتا ایدوب اماکن و ساکنلرینی کوشه بکوشه ارایوب جمله اموال و...  
ارزاقلرینی نرب و غارت ایدوب یورتلرینی بایقوشش یواسی ایلیلر انان رجعت ایدوب اوردویه و اصل  
اول قلزده شاه محمد علی بیگ مامور ایلیلر که برکوه لشکریله و اربوب خانق و خاران جانبده اول بلوچ کردار  
ملک اولوب اول جانبده اول امورک تمشیتدن صلح شورابک کستنه عازم اولوب اول نواجیده قلعه  
جانک تسخیرینه شغول اولوب بذل مقدر ایدیه لینه سنه مرقومه ده عبدالله خانک اوغوللری امیر کت  
و امیر اتیاز سابقا نگاشته کلک اجمال اولینی اوزره شاهه عرض اخلاص برله عتبه کیرج و اصل  
اولوب شاه جانبدن خلیع فخره الباس اولوب شمشیر وضع و طونمش آت و سائر نوازشات ایدیه  
قرین افتخار اول قلزده بلو جتایالتنی امیر کت خانه توجیه ایلیلر و محراب سلطان نام بر معتبر خانک  
سفرده و حضر کرده خدمت جلیله کی سبقت ایتکله مرقوم خانه شورابک حکومتی احکام اولوب  
برکوه لشکریله قلعه مرقومه بی محافظه و قوشنج نام قلعه بی فتح و تسخیر ایچو تعیین اولیلر کای فرقه  
و سائر طوایف بر بلوکن لشکر دخی مجتمع اولوب قوشنج قلعه کنی محاصره ایلیلر شاه اوزر و کندن محراب  
سلطان امداد و اعانه ایچو برکوه لشکر دخی اول قلزده مدافع مقابله یه عدم قدرت لیس بیلوب فرار  
بقیه قلعه بی تسلیم ایلیلر پیر محمد خان و اسلر خانک خانق و خاران قلعه لری اوزرینه اول اویشیدی خانقا  
قلعه کی قربته وارد قلزده پیر محمد خان اصل سردار اولوب اسلر خانک سردار لوق ادها کسده اولوب  
فضولی حرکتی و استقلال اوزره تقدیم و غیرت کندی و یه خوش کلیوب سردار بزرگین انوک...  
بوفضولتی و در ایزه تابع اولوق لازم ایکن بودیلر انه کوشکی ندر دیه طعن ایدردی اسلر خان  
اینه اشاغه قویوب سردار بنم مقصود اصلی اعدایله مقاتله در دشمنک ازاله کی باینده  
سوی ایدوب بر خدمت ظهوره کتوره لم ایش بتک هو کیمک یوزدن اولودسه اولک و ظاهر بنده  
بر سردارم و اربوب انک تحت حکمده اولوب زلتی قبول ایتک دو ادکلر انکر کنه و عکریله بزندی  
ایله خانق قربته کلشکن قلعه اوزرینه و اربوب خصم ایله بر جانیدن طوقشوب برایش کورد  
بو خصوصده یکل اولام بو وقته کردار لوق و تعیین دعوا سنک یری یوقدر دیوجوب و برکوه  
خانق قلعه کی متانت حصار ایدیه مشهور دیوریش و هجوم ایله الینی هم بر وقت سموع دکلدرد  
کندی لشکریله چکیلوب خاران جانبده دوه اولی خاران یولی غایت صعب و سنگتار مهالک...

و خطر نان اولی بغدن ماعه ازاد و زخیر لری دو کوب صو سزلقدن آت و سائر حیوانک دخی معرض  
تلفه اولوب برایش کوردلیوب اوردویه دخی خوفدن و ارمیوب کرکی اول هو الیه طولاسور  
اما اسلر خانق قلعه کنی یوریش ایدیه حوزه تصرفه اذخال ایلدی نادره بو احواله اگاه  
برخی باشی فتح علی خانی و ایشک اغاسی قرقلو محمد علی بیگ چابار ایدیه اول ایدوب پیر محمد خانی طتوب بویشی  
اوروب باشی شاهه کتوردیلر **دربنا تسخیر اتم البلاد بلخ و وصول عمر خوارها از غن سلخ** بقا  
بیله اولینی اوزره بلخ اعمالدن ان خود نام شهرک حاکمی علی مردخان داد خوا اهل عزیزی بلک خانی  
و کوچ و کلفتی توقیف ایتکله عزیز قلی بلک نادره عرض ایدوب شاه نامه کونیروب مرقوم عزیز قلی  
بلک جمله ایلمی و خانه کنی و متعلقاتی خراسان کوندر مک التماس ایلدکه علی مردخان امتناع ایدوب  
کیدن آدمی مایه اعاده و ارجاع ایلیشیدی شاهه قندهار جانبده سفرا تیکده اوغلی رضا قلی مرزا دخی خراسانه  
کلیتوت اراک کوردوب کتوفی مرها و طوبوخانه ایدیه بادغیس و مارو چاقی بولیله ان خود جانبده  
متوجه اولیلر ان خود بلخ و لایتنرینک معظمی اولوب کسکه کی دخی افتخار قبیله کی اولمغه رضا قلی  
مرزا کوبه عصمه ایدیه اول طرفه متوجه اولدده اهالی کنه و حاکم لری علی مردخان طتوب بغلیوب  
اوچ منزل قما استقبال ایدوب قلعه انخر لینی رضا قلی مرزایه تسلیم ایلیلر ان خوده قریب شیورخان  
نام بلده اهالیسی جلیلی اولوب افشارلو و جلایرلو بر اصلدن منشعب و یخه یخه عشایر و قبایله  
منقسم اولمغه ایل و اولوس غیرت و محنته بناء جمله کی رضا قلی مرزایه اطاعت و انقیاد ایدوب بقه  
اطاعتنه رقبه لرس اذخال ایلیلر رضا قلی مرزا اول ایکی ولایتک انتظام امور مرها مندن فارغ اولدقن  
صلح علی مردخان بر قاج نقر معتبر دوسایله عتبه شاهه اول ایدوب کندی و یخه نام قلعه جانیه  
متوجه اولیلر مرقوم قلعه اهالیسی دخی استقبال ایدوب بلا قتال و جدال قلعه بی شهرزاده تسلیم  
ایلیلر ربع الاولک غن کسده بلخ شهرینه الینی فرسخ محله اغر لینی بر بلوکن تفنگچیلر ایدیه بر غوب ایلفار  
ایروب شهره اوچ فرسخ محله نزول ایلیلر ماه مزبور ک اوچین کونی که خسرو خاور طارم جارم  
نصب لوای زین ایلدی کوبه و احتشام و استعداد تام ایدیه بلخ جانبده رفع لوای شوکت التوا  
بلخ و ایسیسیه ابو الحسن خانک دخی لشکری قلعه دن چاقوب شهره بر فرسخ فشاردن باغله اراکندن  
ظاهر اولیلر خان مشارالیه لشکری بسیار کندی و کسی صاحب اقتدار اولوب مابینه متعدد عمیق و درین  
ایر مقلد دخی عبوددن مانع اولمغه شهرزاده لشکری جمله پیاده و قول قول ایدوب باغچه لردن اغاجلر کوب  
اغاج کوبریلردن عبود ایلیوب اشجاری متلاصق و مترکم باغله که اغاجله چاقوب بلخ لشکرینه صلح

۱۶۸



قوروشون یاغده ووردیلر بلخ اهلایسی کور و چکلوب قلعه یه داخل اولوب برنج و بارو یه چاقوب  
مدافعه یه دروشیدلر قزلباش لشکری قلعه اوزینه یوریش ایدوب عصاره یی چند مستحکم  
اولمغه بد نلدن آشوب قلعه اچنده بازار جنک قوریلوب طرفیندن یخه بنک کسنه قلیجی  
کچی بالافره قزلباشلرد و ازه یی ضبط ایتیلر ابو الحسن و ساردر و سایی بلخ ادرکه تحصن ایدوب  
مخافه یه مشغول اولیلر قزلباشلر شهر اده ایدوب اطش بار فوج صاعقه کرداری تحصن ایدوب  
ارکه آتمغه باشلر ایدوب کور و کچی لایسقط طوب و فوج آیلوب کله خربینن عصاره  
دار اولوب عظیم پارچه ر قورده اهلای قلعه تک بالکلیه صبر و ثباتلری مسلوب اولوب ایدوب  
ایدوب عمو اهلای بلخ قضای و سار و اکابر و اعیان شهر اده تک عتبه سینه یوز سوروب مظهر  
احک اولیلر طوائف اوز بلیکته تک جمه امر و عظامی و سر کرده لری فوج فوج شهر اده تک  
کلوب نوازش و التفاته مظهر اولوب خلیع فایض الباس اولیلر اندن شهر اده عجم خانلر تک  
کیتلر لشکر قوشوب اطراف و اکنافده صفنا قلعه تحصن ایدوب اوز بکلر اوزینه ازل ایلدی بوندلر  
دخی کوس و کره نای و نفیر و نفاه صد اسیله ولوله افکن آفاق اوله دق اول صفنا قلعه  
کیتیلر وارد قلعه اکثری کچی قاری نرب و غار ایدوب متحصنلر دن یخه لری ایدیلر شادمان نام  
قلعه و مار مور نام قلعه اهلایلی مقاو مته قادر اوله میوب اما ایله قلعه یی تسلیم ایتیلر بلخ  
شهرینه یگیری بشن فرسخ مسافه ده واقع قنده و نام شهر تک اهلایسی اندن اوتنه تبار خشا و  
وارجه جمه قری و قصب اهلایلی کرک نادر شاهک و کرک شهر اده تک انتشار اوزده قهر و غلبه  
ذهن لری جان اوله یازوب امر و عظامی جمه کلوب دکاب شهر اده یه یوز سوروب اظهار  
انقیاد ایدوب اول ولایت دخی ضمیمه ممالک نادر اولدی شهر اده بوجله فتوحاتی تحریر ایدوب چابا و  
باباسنه ازل ایلدی مزبور سالی عجایب احواله رسع الاخر ک بیخی کونی فتوحات مر قومه عتبه شه  
عرض اولدی اگر چه معکر شهر اده ده موجود اولان امر و عظام و سار اشاء سفره خدماتی کسقت  
ایر کر کرده لره لایوه شهر اده خزینه کنده خلیع فایض موجود ایدی اما او غلنه و خدمتده بزل وجود  
ایر خانلر ترفیع جاه و تشییط قلوب اچوب اولی بنک تومن برهادینار نادر کی یوز سوروب  
ایر و او چیوز قاق خلیع طلا و زو یخه د اوس مزین آت ازل ایلدی شهر اده رضا قلی مر زاد دخی عاکر  
امر و عظام کسه علی مر ابرهم خلعتلر الباس ایدوب عطیه لراحت ایلدی اقلیم بلخ ایله کوشور بخار  
مابینده فاصله اولان امویه نام ابر معی عبور و بخار ا جاننه مرور ایلرک بابنده شاه جانندن بر اشارت  
اولمغه

اولمغه ر قح تحریر ایدوب استیلا ایلدی و دیار بلخ امور مرهاتنی تنظیم و تکمیلدن فارغ اولدوب  
زاد و زینت و ارفع تدارک ایدوب ازل ایلدی کی تحریرک جو ابنه دخی مستظر اولوب مستوفی مرهاتنه  
یوله دو شوب روانه اولیلر مزبور امویه ایر مضن کجوب قرشی نام بلده یو یله بخار تک فتح و  
تسخیرینه عزیمت ایلدی ازیس طرف بخار شاهلی ابو الفیض شاه افراسیاب جاه قضیه یه آگاه اولدوب  
ایبار سدن و خوارزم و ایسندن استمداد ایدوب اوز بک طائفه کندن و سار ترکستان ایلندن قرق  
اللی تک نفر متجب لشکر ایله برکوه عظیم اولیلر یخه یخه خانلر و بکلر و سردار و ضابطلر جمه سی معاشمت  
عظیمه ایله بخار ادن چاقوب بر هیئت دهشت نما اولیلر عظیم غرور ایله مغرور اولوب بو حال اوزو  
قرشی نام بلده یه وارد اولیلر اگر چه شهر اده تک باشنده مجتمع اولان لشکر او ایکی بنکدن زیاده دکل ایدی  
ارسلان یخه یینه ارسلان علی ایدوب شهر اده اعداد خصم کثرت و وفرتنه باقیوب شهر باز تیز جنگا  
بر ابرنده مزبورانی غربا کرو و هی منزله تنزیل ایدوب تفنگلرین و نیز لری و طبایع لری طوغر لوب  
اوز بکلر اوزینه جمه ایتیلر اوز بکلر دخی سینه کروب محکم طوقشیدلر و هله اولیه قزلباش لشکری  
کیر و سوروب یخه لری خاله غلط ایتیلر لشکر شهر اده یه طیانده بر کره غریب قوباروب طبایع لری  
اوز بلیکته یوزینه یخه تفنگ کیریدلر اوز بکلر کور و نیوب تفنگ ذخندن اکثری شهر اده اولیلر تکرار قتل  
باشلر تفنگی یاغور کچی یاغور ایدوب اوز بلیکانی زمینه کیریدلر یچاره لرن اچار کویه چکلیدلر شهر اده دخی  
اقدام و تعقیب ایدوب اوز بکلر دن عجم کثیر دخی مغلوب اولوب پادشاه بخار ابقیه لشکر ایله قرشی قلعه  
تحصن ایلدی لرو اوزم لشکری ایسه ایر اقدن تماشا ایدوب بلا حرب و قتال سمیت لغزیمته عزیمت ایلدی  
اندنصلک شهر اده قرشی بلده سی قربنده واقع شله و ک نام قلعه تک فتح و تسخیرینه عازم اولوب اول  
جانبه دفع لو آرشوکت ایتیلر مزبور قلعه تک جو انب اربعه کندن یوریش ایدوب قهر و غلبه و  
ایله قلعه یه داخل اولوب روسای لشکر دن رجالتی قتل عام ایلوب اول سرزمینی دخی حوزده حکوم  
ادخال ایلدی لکن هر بکلر یکسپی چاپوشلو باباخان غیرت و شجاعت جلیسته بنا اظهار جلال ایدوب ابناء  
یوزیشه جیره عکرده بولوب دانه تفنگ اصابتیه انداخته زمین تلف اولدی اتفاقا  
شهر اده اول اول اوز بک شجاعتلر دن بر مرد دیر شهر اده اظهار شوق ایله باغی فتنه اولدور خوه  
عزیز قلی بکه بر تقرب یناشوب سینه کسه بر کجوب اوروب قتل ایلدی حاضر قزلباشلر دخی فی الحال یچاره  
اوز بکه قلیج او شوب پاره پاره ایلدی بو غیر نادر شاه عکس اولدقه بخار پادشاهنه و ترکستان اولورینه  
نامه کونوروب تحریر ایلدی که هشتملو عظمتلو سلاله سلطنت چنگیز خانی و دوه خه خان ترکمانی شاه

۱۶۹



افراسیاب جاه بخارا حضرت تازی کافی الا اول تحت شاهانه لرزه مقرر اولوب طرفین زمین امین اوله لرزه  
او غلیم رضاقلی مرزا رضام اول مقبضین اول سرزمینه قدم نهاده ایله قلعوب کور و چکلو و نلر  
خصومت و معاد مابین دفع اولوب رضا لرزه طرفه عزیمت فرادیه لرزه رخصت ویریله و بال  
دست تفرق بنکان درگاهده اولان قلاع و بقاعه تعرض اولنیه سکنه کیلن سینور او زره  
کیلوب ایالت بلخه تابع اولان ممالکینه بلخه تابع اوله واندره محایه و معاونت اولنیه ایالت  
بلخه طرفین نصب اولان حاکمه و سایر لرزه ضرر و زیان ایرشیر لرزه و مخالفینک بو طرفه آمدن لرزه  
سید اچو بر قلعه بنا اولنورده لنگر خاقانین بر فرد مداضله ایلیه و کرم حد لر امن و اما او زره اوله  
بو شروط او زره اول طرفین فراغت قرار داده اولنورده اچو اول دیارک رؤسا و عظمکسن بر قلاع نفز  
معتبر کسنه لر طرف اول اوله او غلته دخی امر کوندریکه اول اوضاع نامه یی بخارا پادشاهنه ایصال ایروب  
کنورده قلعوب بلخه جانبه معاوندت ایلیه سن اول دیارک انتظام و اتساق امورینه مشغول اوله کس  
و تورده اهلین دخی فرمانرزه اطاعته دعوت ایلیه سن اگر اطاعت و انقیاد کور کور حکیمزده نام اولور  
ایه فبرها و الا قندهاری فتح و تسخیر ایلیکیزدن صلح اول جانبه توجه ایر حکیمز و مقومه تینه  
بلخه و کوشمالی دریغ اولنه جقلین بیله رسیده سن بو او امر شهرزاده یه رسیده اولورده فی الحال نادر  
نامه سنی شاه و الاجاه ابو الفیض خان حضرت لرزه اول ایروب و اول کور قوشنی نام قلعه محاصره کسن  
ال چکوب امویه نام صودن عبور ایلیوب بلخ شهرینه وارد و داخل اولیلر و قعه زمین داورد نادر  
قندهاره عزیمت ایله وکی او انده کورده اول کور کلب علیخانی سردار نصب ایروب طوبخانه و مرها و سایر  
تدارکات ایله زمیند او و هزاره جا نام قلعه لر فتح و تسخیر اچو اول جانبه تسخیر ایلی بو ندره فی زمین  
و هزاره لر قویلوب اندره متعلق قصبه و قراونو ایلی نرب و غار و اله کیر ندری طعمه شکر سیکست  
ایرک صحر او بادیه لرده اول کور چیرلی کسف و خادت ایلیه رک زمیند او و اصل اولیلر اول  
اهالیسی متیقظ بولنقله قلعه یه متانت و استحکام ویر مشلایری مقوم کلب علیخانی قلعه یی محاصره  
ایر و سارمت محاصره دخی طقوز آیه بالغ اولوب خار جردن طوب و تفنگ یاغده مغله برایش کور طری کرد  
زور ایله اول قلعه یی فتح مکن اولیلر یعنی سلوب اعقانه طریب حیدیه به سلوک ایلی اغوانلردن  
واخر کسنه اتفاقا او زره بولنور ضروری قزلباش لرزه معای صرح و مقاتله یه اقدام و مسامت  
کور کور ایری مزبور اغوانلرک ایسه اهالی قلعه یه میل و رغبتی قزلباشلردن زیاده ایری سردار مقوم  
اول اغوانلری حضوره دعوت ایروب هیچ نه ایره جکلی بلیب متحیر و عاجز اولیلر یعنی مزبور لر اعلام ایروب

سز واروب اچر و ده که اغواندره خبر ویرن هر نه سویلر کز سویلن انلری الیوب قلعه یی  
بزه تسلیم ایلیک اگر بو ایش حصو له کلورده هر لرینه احسانلر ایروب کللی مرغی و مو قر او ملارینی  
و عداکله و پیمانن ایمان ایله توکید ایلی مزبور لر دخی سرداری اناندر دیکله قلعه ده ییزم قیرمده و تسلیم  
واردر قلعه یه داخل اولورده او زره دن فرادیه و سایر لرزه ملحق اولورده دیوانلری الیوب شرک  
فلان طرفه فلان دروازه محافظه لکنی الوب قلعه یه یوریش و هجوم ایلیک لرده اول طرفین هجوم  
ایلیک سعی ایر و کن قبولی آچر و زوارک قلعه یی ضبط ایلیک دیوانلر دخی عهد و پیمان ایروب مزبور  
اغوانلر بو برانه ایله اول کجه واروب قلعه یه داخل اولوب اهالی قلعه یه کردارک عجزی  
و حیلله مقومه یی خبر ویریلر سردار اغوانلرک عهد و پیماننه مغرور اولوب ایله مو عوده ده  
دامن جلادتی درمیا ایروب قلعه کیرک زعیله یوریش عزم ایلیلر مزبور دروازه جانبه هجوم  
اهالی قلعه کله و کلورده یاغده یوب بجه لرینی خان هلاک صالیلر عجز بو حالی کور در کلرزه تر کسنه  
دوب عقبجه اغوانلر قلعه دن چقوب بی قزلباش قیروب سردار بقیه السیوف ایله فرار ایلیلر  
اغوانلر کور اهلی او زره قزلباشلرک او زره لرینه قویلوب بالجه طوبخانه و جینی نه و مرها  
و سایر خیمه و خرگاه و بارگاه لرینی اخذ و ضبط ایلیلر سردارک سو تیریلر بو هر یزمتک و قوعی نادر  
شاهه عرض اولنورده مقومی طلب ایلی حضوره کتور در کلرزه قلعه دکنک دیری میدانه کله که  
کوز او حیلله سرداره اشارت ایلی سرداری یاتر و ب مشور تسز کور و رایطه تیر ایروب خطا ایلیک بو  
بشیو زکنک او دریلر انصک جمله چاکر و نکر لرینی کتور و ب چون سرداری بولله یر امر ایش منع  
ایتمک دیو هر لرینه دخی بشریو زکنک او دریلر انصک شاه افشارلی عله ارباشی دیوانقلی بلی کردار نصب  
ایر و ب و طوبچی باشی یاری بک سلطانی معیته تعیین ایروب لغم یورتک و طوبر قسور ملک استبا  
و یوریش آلتنی مرها ایلیوب روانه ایلی مأمور و او ب زمیند او ری محاصره ایروب قرق الی ایردن لغم  
یورتک و طوبر ارق سور ملک مباشرت ایلیلر مرهسین طرفین حاکم نصب اوضاع زمیند او و حاکمی ندرخان  
سنه مقومه ده شهر شو الک او بنی کونی قلعه دن استیم ایروب ندر ای الامانی کنگر افلاک ایرشیر و ب  
شاهه لایو هر ایا ایله او غلنی عتبه شاهه فرستاده ایروب قلعه یی کر کرده لر تسلیم ایلی بو مصالح  
اتماند نصک کردار ظفر شهار قلعه محافظه کسنه قالوب ندرخان و سایر لرزه ساری بلده یی طوبچی باشی یاری  
بک سلطانیه آستانه شاهه اول ایلی حضور شاهه واروب شرف پای بو سن شهر یاری ایله شرف  
اول کلرزه ندرخانک و سایر افغانک صیایف جرمینه قلم عفو شاهی حکیموب نزول شاهانه ایله بکرم و



و تشریف اولیله بو خدمت مقابله سنده کرده جناب شاهین اگر اما گوندرین یکی طوبی مجبور جینی که  
تا جنک بری صاع جاننده و بری صول جاننده وضع اولوب الماسلینک برقی شعاع شسه  
قادر دیر لری ضیع ایردی و بر شمشیر وضع دخی اول اولوب التفات شاهی ایله معزز و مکرّم و خانان  
و ایلیا سینه جلالت شان ایله موقر و محترم اولوب قلعه محافظه سنده ابقا اولوب مبارک تنظیم  
امور انام ایلی چو نکه قندهار و ایسی میر حسین و سایر اغوانلر مقدمه بر خه سال زاده و ضیع ایله ...  
قلعه فی مالا مال ایلیوب قلعه لری بر حصن حصین و افلاک کرجلکش بر حصار متین اولوب طوب  
ایله یقینو محال بلکه بر طاش توپرمو متنع الاحتمال خصو صا دائر سنده اولان جنه ق عیقلک  
غورینه ایر طاز سمایه هسرا اولان قلعه لینه و بر جلینه بصیر شتر بچه سنده لکلک و دو کلمه ظفر  
بولنمو ملخوظ دکل و جنکی اغوانلرک و فرت و کثرتی حددن بیرون ایردی دیوار اطینانه اتکایر و پیا  
کلتر ایلی مت محاصره دخی کایل بریل اولوب برایش کورلدی خاندر ایله بچه مجلس مشاوده اولوب  
بالاخره هجوم و یورش تصیم اولدی قلعه خارجه بر بچه قلعه و طابیه لر اغوانلرک حوزة تصرف  
ایر کی که ایچلر نه اولان طوبی و تفکیک بر قاج سنده کفایت ایر مرما و ضیع و ایردی اول اول طابیه  
فتح و تسخیری مراد اولوب رفیع و متین نرد بانلر ترتیب اولوب کیمه نکه بر نه قلعه نکه بر نکه حوزة  
وضع ایلیله و فر از قلعه یه چقوب اغوانلری اخذ و در زنجیر ایروب قلعه فی ضبط ایلیله و سایر قلعه لری  
پنجین بعضی نرد بان و بعضی نسی استیم و بعضی نسی لغ و بعضی نسی یورش ایله جمله کنی حوزة  
ضبط و تصرف لینه اذ خال ایلیله اول جمله دن بر عظیم طابیه که بر رفیع ته نکه زروه سنده بنا و انشا اولوب  
بر کوه قدر انداز اغوانلر بچه عدو طوب کوه توپ آتش فشانی ایله اول طابیه محافظه سنده تعیین  
ایر کی آتی دخی حکمت ربانی اقدام تام و یورش عام ایله ضبط ایلیوب اغوانلری طوب زنده در زنجیر  
حضور شاهه کتور دیر و بوند نکل سکین طابیه تسخیریه شغول اولیلر مزبور طابیه قلعه نکل کست  
شمالی سنده جهل زینه جاننده قلعه قندهاره مشرف بر کوه فک شکوهک بو کونده انشا اولوب غایت  
رفع و متین و مستحکم واقع اولمشیدی بوندن ماعدا اول کوهک جو انبند اولدیت عدو قلعه لر دخی  
بنا اولمشیدی جمله کی طوب و تفنگ و مرما و جنکی اغوانلر ایله مشیو ایردی قزلباش دلاور لری شاه حکم  
ایله دامن جلادتی میانه اولدوب اول قلعه لری ضبط و تسخیر اچک جمله و هجوم ایلیله اغوانلر قلعه لر دن  
قور شونی طلوب کی باغدر دیر خسر لکنه و برینی آتسه اولدوب بر برینه دخی نرد بانلر ایله بروج اوزره عروج  
ایچک صمود لری مستیع ارتقا بقایای جنود اولری و طرفه العین قتل و بروج سپاه قزلباش  
ایله

ایله طولی ماهیچه شاهی اول نمود افک اولان دفع الملبانی طابیه اوزره عروج ایشکه اغوانلر  
اضطرب ایله مصعد شتاب ایروب سدر راه دخول اتمکین پیشگاه سپاهده قیام ایروب و اول  
دائج برو جده دور این دلاور لری کیر و دوندر مکه اهتمام ایتیلر هنگام عصر دن اصفر از شسه دک  
برو جره محاربه و مضاربه ایتیلر که داور خاور کشور حصار میسافام کردونی تسخیر ایلان بر بروج  
اوتیه هنگامه تماشا آتش دکل ایردی اگر چه حصار بند نه ایران و روس مفصله حصار حصر و  
احصادن بیرون اولدی لکن اول قلیلک جمله نسی تسخیر ایروب اغوانلری طوعه شمشیر ایلیله بر بروج  
عدو طوب کوه توپ و فیرغ ثعبان هانی که هر برسی بریش و سکر بطن باروت اتار ایلیله متین و حکم  
ایر و اور غانلر بند ایروب اول قلعه لری و طابیه نکل فر از نه اولان جبل عظیمک زروه سنده پیاده اولان  
کس نه عبور و مرور ایلیک صعب و کوچ اولان محلردن هر بر طوبی بر قاج یوز پیاده هر ارج و ثقیل  
ایله چکوب طاغک بالا سنده چقوب قندهار قلعه سک جانب غربی سنده واقع دوه بر بی تعبیر ایله  
مشهور اولان حصار اوزرینه طوب لری بغدیلر حقا که عقل محال اندیش بو امر غریبک و قوه عتد و اد  
حیرانی و تنگنای کر در اندیده و لرتا قالور هر کجه اول راه تکفضا و بیجا بر بروجی اول کوه فک  
استم تو ای رای العین مشاهده ایله نادر هک نه کونه صاحب اقتدار اولی یعنی تیقن ایر طاع  
پارچه کی کی اولان طوب لری چقوب و دیز دکلری زروه نکل رفعتی بر مرتبه ده ایردی که اگر عنقا بردن  
قالقوب انوک بالا سنده چقوب مراد ایرنه بر و از ایلیک ن عاجز اولوب قناتلری دو کلک امر متحقوق  
ایر کی القصه قزلباش مزبور جبدن دوه بر بی نام محلی شویله نشانلیر که بر جدن باش چقداران  
باشن قور تادمدی و من بعد بر احد بروج اوزرینه و ارمکی بیت اگر بر جدن باش اولی کی برون ...  
دو شردی لقا بر جدن سر نکون اگر قوش قونیدی حصار او سنده دو شیک دو شردی حصار  
اوسته نر طوب و فیرغ دانه لری قندهار ک اول جاننده قطر بر بار بگی یغاردی بچه لرنک خانما  
هراب و اجساد لری توده تراب اولوب و بچه انبیه عالیه افنیه خالیه اولوب طوب و فیرغ  
دهانلر دن و دور این دور و منهدم اولان انبیه دن صعود این غبار ناکه و د ابصار دیر که لرس سده  
و روی جبهانی سیاه و کبود ایلی بر هفته کیمه و کونوز آیتیلان طوب و فیرغ ضربی ایله دوه بر جدن  
بر قاج عظیم پارچه دو کلدی دوه بر بی خندق برابر ییقلوب قلعه سک نصفی قدری انجو قالمشیدی  
لکن آدم یور یوب کجه جک مرتبه اولوب اول دهنه یه اچک و دن سده ایتس و ندر دیو علی الاتصال طوب  
و فیرغ اولوب و طبر قسور ندر دخی تلال ترابی اغوانلر حواله ایروب کناد خندقه دو کوب بر مقدار

۱۷۱



خندق طول قد غیر مجال قالمغه شاه یورش امر ایلی بختیاری جماعتند و چشکر کج اکر اردن  
 و ابدالی افغانند او پر یوز منتخب شجاع دلاور شکر زکی القمه نک یلری ایکنی بخشیه کونی قده  
 سلا جنوب متره کلوب طول یلر بر از عکر دخی سوار اولوب حاضر و آماده اولدی چنگ  
 مری چال جنوب قزلباش لشکر حصاره طوغری یوردیلر اغوانلر دخی کج باشلر نه طودوب تیر تفتک  
 ایله چنگ ایچو مرتیا اولد قزله واره عکره چقفه مجال اولیوب قلعه یقینرسی اولان یوشاق  
 کج بایرکی کورینور کن عکر با صدقه نیوب دیوار یوقار و ده قالی اقدام ایوب چیقانلر دخی  
 دریای عدمه طالب طاعن آیلان طوب و فیم دانه لری ایکی فرقه دن نصیبی اولانی کورتور و ب  
 بر ساعت قدر عظیم چنگ اولدی بالاخره اغوان لشکر و ارانی دفع ایلیوب ایکیو ز نفر قزلباش دخی  
 اولوب و بر قاج یوز نفر دخی بروج اولوب شرفا قصر مقصوده غر و ج میسر اولماچو ایکنی یوش  
 سلطان نوروز ایامک انقضاسنه تأخیر اولوب جنوب متره کیر دیلر **دذکر وقایع یونس**  
**سبل موافق سال سعادت اشتغال میمنت احوال تاریخ هجرت کرد کائنات علیه افضل الصلوات**  
 و اکل التیجات بنک یوز الایه رسیده اولد قده لیالی و ایام شکر زکی القمه الحرام تمامه ایرد که نو  
 کامانی و ربعا زنگانی ایرتشی ماه مزبور کن آخر جمعه کجه سی التی ساعت انقضاسن صلک داور  
 زیتن افسر آفتاب شیمیون در سیمله عزم تسخیر دارالقرار جها ایوب کل برجه داخل اولدی و افواج  
 سبک دوج دیباغ صبا و شمال لوی کرو سهری و ریات افرای بهار و چیر دست چنار ایله دار  
 کلش جانبیه یوریتنه مرتیا اولدی شکوفه نیله فرصت و فرایله کنک شافع بلند فزانه قدم قودی  
 و زینق نام چک چهار برج حصار چمن او زرنه بیارق نقش برچی اعتلایلی اما که آه نقره قری و عید  
 نرسو غراب و طلاغه مبدل اولدی سفیر شادک و دراج ناله جغد و بومه معارض کلدی طوطیا  
 خاکه ایام شتانک شورانیکه لکن تلخ مذاق اولمشرای قندها شیرین حصار دن دور اولمغه حنا  
 رواقلی تلخ تراولیدر و افواج زاغ و زغن که غراب البیس کبی و طس دن جدا اولوب مزابل بو ایدیه قان  
 اشیا عرته کوز او لیکه کبی کوز نا حیرت ایدیلر عرصه یعنی سکن ایلیوب کلستانه طول یلر  
 چونکه خسر و کیتی کتا آفتاب جهانتاب هند ظلمتی کسر و دار الخلافه جهانی نورد و جو دی ایله  
 ایلی هندی ایچ و کوا کبک جنود نامی و دی مدار بر و جد راه اختفای اختیار ایدیلر ممالک نیل  
 نورد و قلعه ظفر روی جهانیا نه کساده اولدی حاصلی بهار اولوب عرصه چمن انواع و الو شکوفه  
 ایله طولی نادد شاه عجا شاهانه مجلس ترتیب ایلیوب دوسای شکر و کبرای عکره و بالجه امر و حکام  
 طار

بوم که ازک  
 بوم که ازک  
 بوم که ازک

طرباف و البسه زرتار الباس ایوب اول محفل مینو مشا کله جله هو اشعی علی مراتبهم قیاماً و قعوداً  
 مقام خدمته طو و دیلر شاه قبلدن یلدر اعدا بجه دنانیر اثرنی و نادری طباق لایله یور یوسوب بایر  
 نثار اولدی عید نورد و ز منقضی اولد قده نوبت قلعه کشایی اقبال ایوب هون اول کوی یورش  
 شروع اولوب مالزم بی مرتیا و آماده ایدیلر چونکه بختیاری طائفه سی اولکی یوریتنه ارچه  
 جلاوت ایوب عظیم قتال ایلشرای لکن یورشلی نتیجه پذیر اولمغه کورد و نلکه حضور شاه  
 دعوت اولوب کیر و سلطان نورد و زدن صلک هجوم ایچو استمال اولمشیدی و بالجه قلعه  
 قندهاری فتح و تسخیر اقصای مراد مدر اگر لازم کلودر سه قتمه برسنه دخی قالمو جائز در شویله  
 بلوب الماکوره تقید ایله سز دیمشرای و اینه کیدنلر و افر ولایت غار ایوب نورد و زاشکده  
 او ردویه کلوب مال فرا و ۹۰ کیر کتور دیلر بود فعه شاه ینه بختیاری طائفه سنی یوریتنه مامو  
 ایوب دیلر خو خوار و کربازان عرصه کیر و داردن اوچ دورت بنک نفر کزیده لشکر انتی ایلیوب ما  
 زکی الحجه نک ایکنی کجه سی مرقوملن او کینه دیشوب قلعه اطرافنه پیغواله و زویا نلره  
 و کینکا هلرده عاکری اختفایلی کند و سی دخی اول کجه چهل زینه نام قله مقابلنده اهل قلعه  
 نظر دن مخفی بر طاع بو کزنده مستور اولوب طلیعه سلطان روز آفتاب جها افر و زک ظهروینه  
 اولدی چونکه ایرته سی کون یورش مقرر اولدی اول کجه قزلباش آلات چنگ تریه کزنده  
 جرو د ایلیوب اول شب بوالعجب کوز لره خوب کلدی اغوانلری اغفال ایچو اویله یه دک  
 یورشلی تأخیر ایدیلر وقت زواله کزده نایل چال جنوب صوت جبار کبی آوازه اید کلر نه عاکر قزلباس  
 خون و کراز سوردیلر کبی یور یوب غفلت های و هووی ایله قبه آسمانی رصه ایدیلر اغوانلر  
 بو حالی کورد کلر نه فی الحال دخنه لره ایر کلیدر و دخی فیم لر و تفکک و سایر آلات نارینه ایله مدافعه  
 کوستروب عظیم چنگ ایدیلر قزلباشلر برسنه دن برو قندها قلعه سی جکریس داغدار ایوب اخذ  
 انتقام قصیده دلاوران عکر و بهادران لشکر شاه او غورینه جانیه باشه قالمز جو بخت یکتلر  
 برکه غریب قور و با اول کد کلره او شوب بر مرتبه چنگ پیوست اولیکه کین چنگل فراموش اولد  
**بیت آدی اغوانلر دخی تیغی اله ویر دیلر خیل قزلباشلیه دشمن او زره چشمه خیر ایدیلر چنگ**  
**چنگ اهنکنی تیر ایدیلر آدی تیغ اول نیامدن روان جانله قصد ایستی طوغر لکی سنان کزلباش**  
**قالردی و الکی کان تیردن او دتلی روی آسمان دل چقردی نیز لرا فخی مثال کیمه کینمیش**  
**ویرمزدی مجال تیر کرمندن زده آچدی کوزین ششیر آدی بوس کج تر کک یوزین معر که حیحو**

۱۷۴



دونی قانله: دونی کردونک سری افغانله نثر اتفاقا بختیاری طائفه سینه متعلق بر و اف کسینه  
قندهار شهرنده بولوب اغوانلریله بیله قیامت شیرایری مینور لکن ایسه قزلباشلره میل و رغبتی  
اغوانلردن زیاده اولمغه اوردوده اولان بختیاری طائفه سینه خفیه آدم کونوروب بختیاری  
طائفه سی شیر لکن دوه برقی نام حصار طرفه قله لرحافظه سینه ایزویش ایلد کلرزه طرفه  
کلکه سی ایزوکن بز کلله جنک ایتیبوب قله لری تسلیم ایزه دزیوریش امر اولنده بختیاری  
طائفه سی کینکاهدن حیقوق دوه برقی کسینه عینت ایتیلر مانع و مزاح اولمغه اول جاننده  
اولان قله لره حیقوق بیز اقلدی بختیاری لرن بختلری یار اولوب فراز کلم مقصوده قدم  
قودیلر قله لری ضبط ایزوب دلخو اهلری اوزره بکن ایلوب و اف عجم لشکری اول قله لره قوج  
اولیلر شاه جاننده اولان قول دخی بختیاری نریمانه ایزه چار برج نام قله لرحانینه یوریش ایزوب  
بر و جهله یوریدیلر که سائر لشکرانی کوروب دخی اولمک نه کویا کچو نردیوب سبل آتش کبی قلعه  
طوغری عوج ایتیلر بو هجومه طرفیندن اولقد کسینه خاک هلاکه دوشی که تعمیر  
اولنر اگر چه اغوانلر کمال مرتبه مدافعه یه دروشیدلر لکن قزلباش لشکری غالب کلوب چارجه  
اولان قله لری ضبط و تسخیر ایلوب قله لراوزرینه حیقوق بیز اقلدی دیکیلر ایزو اغوانلر  
یکی دفعه هجوم ایزوب قله لردن لشکری مدافعه یه سعی بلیغ ایلدی عجم لشکری دخی تیغیرین عریا  
ایزوب عظیم قتال ایتیلر عساکر قزلباش ایزه حصار اوستی مالامال اولدی اغوانلر اوچینجی بر دخی  
جانلردن قطع امید ایزوب سیل کبی یوریدوب هجوم ایلد کلرزه یکپاره فوج فوج جز ایزو تیغیرین  
وتبرداره و ضحک ایزه و شاه اوغزینه جا کسپاره کیم ایزو آقوب اغوانلر لشکری قله لری  
جنک عظیمه باشیلر اغوانلردن براز کسینه عجم لشکریک تیغیرین دست هجوم ایزو کلرزه نازین  
قلعه یه کیروب تحصن ایتیلر قزلباش لشکریک بقیه سی مقدمه ترتیب ایلد کلری نرد بانلری قلعه  
جوانب اربعه سندن قوروب هر طرفن حصاره عروج ایلدی اغوانلر بواحوالی مشاهده  
بر مقدار کادزار ایزوب کوریدیلر که اولمز ناچار فراره یوز طوب اول کویا کیم قزلباشلر شهرده  
بولد کلری اغوانلری بر قیروب ماللرین یغا و غارته آغاز ایلدی اول هنکامة قیامتده میر حسین کوی  
هر میله بر جانین فرار ایزوب تخلص جا ایلدی نادره کسندر جاه ایزه مجادله و محاربه ایتیمی کوه ایزه  
مصادمه سی کبی محال ایزوکن ادر لکن ایزوب کیزه خواصیله و اولاد و عیالیه جا آتوب قلعه تک  
جانب جنوبی سینه واقع قیتول نام طاغک فرازینده حیقوق تحصن ایلدی قزلباشلر شهره داخل بقیه

افغانه تک زکوردنی عرضه شیر و انانخی ایزو ایزوب جمله اموال و املاکلرین غارت ایتیلر ۱۷۴  
شاه امر ایزوب بالای کوهده اولان طوبلری قیتوله ایزو ایزوب و قلمه حصارنده اولان طوبلری  
دخی اول جاننده یونلر و آتش ویر لکه کالیله میر حسینک اساس دولت و قهر شوکتی منبرم  
اولوب اندامنه لرزه دوشوب بعد خراب البصر ایزو تسی کونی زینب نام بیوک همشیره کبی که  
میر و سکه کیزه جلیله سید بر عاقله و متکلم خاتون ایزو غلجانی سر کرده لرندن بر قاج نغمه کسینه  
ایله آستانه شاهه روانه ایلدی زینب خاتون شرف دستوس ایزه کرافراز اولیجی دعا و ثنا  
مراسم ادادنلر ایتیکه شام اولمازی که او تبر و میرزاده میر اولان حسینک قانخی دوکله  
ایتمیه سن بو قدر ماجرا دینلک حوزه هلو متکرزه اولان بی نریایه ممالک ایزه اکتفایوروب  
میر حسین عفو ایزوب قندهار اولمک کنی الحاد زانی بیوره سن بونون بویله اطاعتک بقیه سندن  
رقبه سن لمرکز اخرج ایتیه و من بعد راه خلافت کتیمه خصوصاً اول نریال نورس دخی اقبال  
میر ایزه پرورش بولوب حقیقه ایتیمه نیکنامی ده نامی او مشر منازعه ملیه ایزو انوک کبی و جو  
نابو ایتیمک لایق مروت و موافق فتوت دکلر پیغام رسول سموع سمع قبول ایلوب ادا ایزو  
بجور اولد کلری جهرتن نوازش و تشریفله مرسل لری جاننده اول مراد ایلد کلرزه شام میر حسین  
اغوانلر اصطلاحده یعنی دخیلر و هر و جهله حکما مطیع و منقاد در شان شاهانکالایق نه ایزه  
اولیجه معامله یوریدیلر کسینه میر حسین جمله توابع و لواحقیه داب صاحبقرانی اوزره مظهر  
عواطف خسر وانی اولوب ایزو تسی کون حضورده کلمه کنی فرما ایلدی اول کیم میر حسین خواب  
راحت ایلوب علی الصباغ میر مرقوم جمله اقوام و اتباعیله و رؤسای افغانه و میر کوردکن  
اولدیله حضور اعتماد اوله یه کلیدیلر بعد الملاقات شاهه عرض اولنده قلمه خار جنده بابا  
نام دروازه قضاسی اولامید و اسعد شاهک او تاغی قوریلوب اجتماع عکر و ترتیب دیوان  
تنبیه اولندی اعتماد اوله مقامنده ثابت قدم اولوب اعتماد اوله چادرندن شاه او تاغنه درکن  
سبح ایکی صف دیزیلوب اطراف و جوانب عکر دریا مثال ایزه مالامال اولوب شاه او تاغنده روز  
نشا بر عالی دیوه دوشوب شاه عجمه دخی جامه لعین ایزه تحت زین اوزره قرار ایزوب رزانه کلاه و  
استاد اوزرینه جواهر ایزه ایزه مزین و مجو لهر جیفار صوقنوب دیزلری اوزرینه بر مرصع شیر ایزه  
مربایه دستمانه ایزه مقام سپهر احتشامنده او تور دیزلرین و سازنده خان زادگان مرصع جوشن  
وزیرین کمر که لهر بر جوه تحت قهر ما بیکر دال قاوشوروب طور دیزلرین و صدر ممالک و خان



خانان و سایر اهل کمان دیوان ادب و وقار یله بر لوی برنده قرار ایدوب اول مجلس حاضر اولان خلایق  
چرا بویست مضمون یله مترجم و رطب اللک او مشغری بیست شاه لهما سایه که سیرغ فتح بیضه  
تغذین اولور آشکارا عرصه عالمه دخی چشم چرخ کورمدی بر بویه قلیچ شهر یار سبکی که  
صادق شمشیر بر کله میران خصوصت شعاد نثر بویس خسروانی اوزره ترتیب دیو نظام بولور  
اول عرصه وسیعه مزدحم آباد خاص و عام اولورده اعتماد اوله میر حسینک او کینه دوشوب  
شاه حضورینه کتوردی میر حسین شاه صاحب قرانی شیر ذبا کبی تحت عالی اوزره کوریکک عقیق  
پیشان اولوب حرکت مجالی قالمیوب لهرزه حال ایسه تحت ایاغن او بویست نزل و اقتقار ایلد لب  
کشای دعا اولوب بیت تا جورده لهر ایه بیک یکنی پادشاه عالم لهر زده لهر ایه اولور او شمشیر پس  
از در نیام کچدی قلیچ فتن روزگار نثر دیو تضرع و نیاز ایلدی بر مقدر در بارگاهده دست برینسته طو  
دقد نصک جناب شاهیدن معامله التفات صدور ایدوب ابتدا خطاب لرنه جمله متعلقاکی سکا  
بغشدم دخی اول کلش اولک بوقدر زحمت چکلر ایدی اما قلعه داریده بومرتبه سعی ایتد و کله  
معدود سن دیدیلر اول دخی تکرار پای تختی بوس ایدوب سبزم کوی بقله اظرا بربندی و استغفار و شرمندگی  
ایتد که بربری اوزرینه اوچ ما خلعت طلا و زکیر یلوب بر مرصع شمشیر و مجو لهر خنجر عنایت اولور  
میر محمودک اولادی و سایر اقرباسی و بنی اعمای و بالجمعه متعلقاکی مظهر نوازش اولیلر عیالگری قلعه  
اهالیسک دقایق و زخایر لرینی و انیشتة نعدادن خارج املاک و امور آلیرینی امتعه و اقشده لرینی  
و بالجمه اسلحه و آت و سایر هیوانا تیرینی اخذ و ضبط و اولاد و عیال لیس ایدوب و کرای بی  
داخل اولوب لهر و جریله کامیاب اولیلر شاه میر حسین جمله متعلقاکیله ویرنه قالمش مال موجودیله  
مازندرانه اول ایدوب اول ولایتده ایطان و اسکان اولنسنی امر ایلدی بر مقدمه مذکری سبقت ایتد و کی  
اوزره لهر و قعه سنده ایدوب طائفه سندن زوال فقارده لهر برادری ایدوب خایله فر ایدوب قندهاره  
و ایدوب میر حسین التی ایلد کلرنه میر مرقوم عزبور لرین فرایینی حیلده و خذعه یه عمل ایدوب حبس  
ایلمش ایدی قندهار ضبط اولنن دخی کور موی ایلر ایز ندران چیتقوب حضور شاه کلوب استغفار  
و اعتذار ایلدی شاه دخی صو چلیرینی عفو ایدوب اولدی دخی مازندرانه کورندوب مرقوم لهر طرف شاهیه مقدر  
کفاف و وظیفه تعیین اولدی دخی اولیه که طوایف اغوی اوچ قسم در قسمی خضاری تعیین اولور  
برجنس اغواندر که بو طائفه پنجه پنجه عشائر و قبائله منقسم قندهار اولکه کی شمالی و اتصاله  
اوزبک لر یله نواخی قندهار بینه متمکن اولور بو طائفه اوتد دن برو شیعه مذهب اولور

دفعه و اعتزاله قزلباشریله بر اولد کلرنن لهرج برو قنده عجم شاهری اطاعتدن رو کرد و اولمش در  
قندهار و لهند و بلج طرفینده کرهها و طو غامیل اطاعت ایتما مشغرد تا اول وقت کلنیه که  
قندهار تصرفی دست اغوانینده استقلال بولوب نوبت حکومت اغوانینان میر محمودک استقلال  
و دیمه قلنشن اولدی میر مرقوم تحت قندهارده قرار داده اولور و نخی برله سنی اول اغواندره اذن  
و ایدوب حضاری اغوانینی نهب و غارت و انواع خسارتیله مشغول اولدی لهر اندر دخی مقاومت  
قادر اولیوب حال لرینی شاهری اول شاه حسینه عرض و محضر لر ایدوب تشکی و تنظیم و استمداد ایلدی  
برخی زما شاهک امداد و اعانتته منتظر اولوب عاقبت الامر مایوس و نا امید اولیوب میر محمود  
تابع و الحاکم اولوب جنظره معایده بولنیلر چونکه نادر شاهک آوازه ظهوری آفاقه  
اولدی بو دفعه اغواندرن اعراض ایدوب شاهه میل و رغبت و اطاعتی کند و لرینه دولت غنیمت  
یلوب رکابینه کلوب خدمت ایتدیله و طوایف اغوانیک بر قسمی ایدوب طائفه سیدر که لهر و خرا  
اولوب ماجری لری تفصیلا ذکر اولمش در و بر قسمی غلجایی طائفه سیدر که جمله سنی مذهب اولور  
اندر دخی یکی قسمه منقسم اولوب بر قسمه کتوکی تعیین اولور که میر حسینک قبیله سیدر لر  
توخی تعیین اولور که ماد الزکر اشرف سلطان منسوب بر مرقوم اشرف سلطان مقدمه حضور شاهه  
کلوب اشرف دستبوس ایدوب مشرق اولوب امر اولدی التفات و بخاتمه سبقت ایلش ایدی بو  
شاه توخی قبیله سنک حکومتی موی ایلره توجیه ایدوب قلات حکومتی دخی الحاضریه ایلدی  
قندهار قلعه سنک جانب غربی که اول محله واقع جبل عظیمک فرزند بنا اولمشیدی عیالست  
تعیین ایتد کلری وقت عسرتده یوم بخش کمرده تأسیس و تئیلد اولمش در دیشاهه عرض ایلد کلرنه  
شاه امر ایدوب اول جانبی ویرا و خاکله یکن ایلوب کند و سنی بنا و انشا ایلد و کی نادر آباد نام شهر  
دار الملک قرار و مقر حکومت حکام قندهار اوله سنی فرما ایلدی چونکه عجم لشکری عظیم طوی بلفه  
اولیلر قندهارک دعایاسی و شراری عودت و اولغلاندریله صف صاف حضور شاهه چیتقوب  
فریاد لر ایلد زمین و زمان لر زک ایلوب مرقوم دجا سنده دادای شاه صاحب داد دیور دفعه اصوات  
ایتد کلرنه انلرک مال لری غارت اولور و لهر بری بولینن ایشیا سن آمو فرما اولدی و حکم لری  
اولیکه اطفال و ناقسمه تعرض اولنیه و بر جانبه آلوب کتود میه لهر کیمک چادر نه  
و یاننده زراری قسمدن بولنورده اولکه مظهر کیاست اوله اگر بویه اولمه ایدی قندهار  
ما و ای بوم اولمشی مقرر ایدی عبد الغنی خان ایدوب رکاب شاهه خدمت بر سنده کی سبقت ایلکین







صالیغنی تقریر ایلدکه درونده هنده سفر ایلدک دخی مضر اولوب خصوصاً ایچون برهانه ارادری ...  
خصوصاً مرقوم تجیه و در خاطر ایچون بردخی عمده امرای ایره اولان ارسلانخان زاده قوللاغا سی  
محمد علیخان هنده جانینه ایلدکی ایوب التماس مزبور دی اعاده ایلدکی تحریک نامه ایلدکه قندهار ...  
قلعه سنی فتح و تسخیر جرات و بوا امر خطیب جاد تمنج باعث و بادی مجرد پادشاهان اسلام ...  
اولان هجو ارادری اولان پادشاه علمه الشان پادشاه هنده حضرتلرینک عنایتلرینه اعتماد ادد و قوت  
حاجنده غیرت لجه اری مقتضاسی امداد و اعانت و حیایه و صیانت پادشاهانه لرنی دجا اید روز  
سابعه او زده اغوانلردن فراد ایدر اولور سه طرفین کوندر ملک مأمولر در دیوبو مخوف او زده نامه  
یا زوب مرقوم قوللاغا سی و ساطتیه هنده پادشاهی جانینه فرستاده ایلدیر و قنایه شاه قندهار  
او زینه و اروب محاصره و محاربه یه در کار اولدقه غلجایی اغوانلردن برکوه کابل کشته کیران  
اولدیر شاه فی الحال فرادیرک یوللرینی سده و بنا ایچون و تصادف ایلدک لرینه تنبیه و کوشمال ایچون  
برکریه حیثه قلات جانینه کوندر دیر اما مرقومه تنبیه اکیه ایلدیر که هنده ایران شاهلری مابینه  
واقع خلعت قدیمه یه بنا اده و دهنده تجا و ز ایلدیر قندهار هنده بولنا فرادیرلر ترتیب جزا لرینه  
اکتفا ایدوب اول جانندن و رود ضبح منتظر اوله لهر چونکه مزبور لشکر و سرکرده لر که چوب فرادیرلری تعقیب  
ایدوب مأمور اولدق لری جانینه کتیر ملک هنده حد و دینه قریب منتهای کوه هستانده اولدملکته دور  
فرسنگ محله واقع کمانک نام منزله وارد اولوب اول نوا حیثی تاخت و تاراج ایلدیر اول یردن  
اولنک مرغه نام محله متحصن غلجایی اغوانلرینی با صوب بنک نفر اغوانی طوعه شمشیر و نیجه لرینی  
اسیر ایدوب نریات کز انوب و انقال و اقطارمه و آت و سلاح و آلات اله کتور دیر اغوانلردن بقیه  
السیو غزنین و کابل کستلرینه فرادیرلر بو حال خلاصه آمدن لرین استخبار و استفسار ایه نادر با  
معلوم اولدکه دولت علییه کورکانه اولد هنده پادشاهن اغوانلر فرادیرلرینی مرور و عبور ددن منع و  
ایچون کز کاهلر فرد و احد دخی کوندر طیب قندهار اهلایسندن فرادیرلر استکلری محله و اروب کلیص  
جای ایلدیر اما لکر عجم هنده دینه تجا و ز ایلدکه مازون اولد قنندن اول یرده مکته و آرام ایدوب کیفیت  
حالی عتبه شاهه اعلام ایلدیر بو خبر شاهه و اصل اولدقه محمد خاثر کانی ایلدکی ایوب هنده پادشاه  
نامه تحریک ایلدی مضمونده بونون اقدم ایکی دفعه قندهار فرادیرلرینه حیایه و صیانت اولنمور دجانسه طرفین  
اول جنابه ایلر اول اولدی بینه مخالف بولنا ندر ایه نقد جنگ اولوب و یخه شاهلر و خانلر و پاشا  
دو شوب عرض سلطنتلرینه نه مرتبه شیش کلر کی معلوملر دد اول جانینه فرادیرلر غلجایی اغوانلر میر  
حسن

طرفن طتوب اصل خانلری اولان اشرف سلطانن زوالنه باعث اولدیر و اشرف سلطان ارادری حقوب  
کنه و ایاغیله کلوب عتبه مزه یوز سو رمله کوی دولتی امر از ایلدی کرچه پادشاه حضرتلری بینه  
فرادیرلری طتوب کوندر کی و عده ایلدیر اما ارباب فساد و اصیب اغراض سوز لرینه و عده یه خلف  
ایتدیر بو قدر سیل حکیلن الام و شد اید بر قاج کون امن و راحت ایچون در اول اجلدن مخالفینک فساد  
تخل اولنوب جلیتمزده مرکه ز اولان و قور و جلادتی اظهار و مخالفینک داد و دیار لرینی تار و عار  
ایلدوب عساکر لرینی ایاغ التمه بایمال ایتدیر و اولاد و عیال لرین اسیر ایتدیر که ولری دخی جزاس  
بولوب ایچلرندن برکوه تخلیص جای ایچون کابل و غزنین جاننلرینه و اروب اول جای پناه ایدوب کلری  
معلوملر در اهالی قندهار عن اصل بزم رعایا مزندن سعادتلو و متلو پادشاهن استرکه فرادیرلر  
بو جانینه ازال ایلدیه و قندهارک خصوصاً طائفه غلجایی بنک امر او عظماسنن یخه لری قوم و  
قبیله لرینه کلوب امان دیلدوب خدمت لرینی قبول ایتدیر در اکر پادشاه حضرتلری فرادیرلری بینه و برکوه  
حد و دی تجا و ز ایدوب اول کسوره کچوب کابل و غزنین قرینه و اروب اول بی ادیرلری استر و زاکرا اول  
طائفه ایاقلرینه کلوب بینه دخیل دو شمشیر دیر لر ایه بو سوز باعث قندهار شمشیر بزم یوز زده  
کلوب خواب خرگوش و اروب غزینیه و عساکر کوندر اروب یوللری محکم سده و بند ایتدیر و روز و کلور ایه  
طتوب کوندر روز دیمطه بزم دخی سزک دروغ بی فروغله ادا انوب قندهاری ضبط و تسخیر ایلدیر  
صلک و نوب کیده یوز عساکر کوه چکلده قندهار قلعه سی اصلده هنده ضمایم ندر دیوب بر قاج کون  
صلک غلجایی دن و یا هنده و لردن برینی خان ایدوب کوندره سز بو اولور معنی دکلر بر عسکری طاغتر ز  
و بر جانینه قاقوب کتر ز اول جانینه قاقوب کلنلری کوندر ملک کرسر و الا فراری لرین طلبی ایچون  
اول دیاره و ارمو قایتمزده امر کسر لدر صلک بلدر مدک دیمیه کرمعقول اولانی ایدر و السلام کون  
مومی اله محرقه ترکانه تسلیم ایدوب قرق کوندر زیاده اول و لایسته مکته و آرام ایلدیه دیو تنبیه ایلدوب  
بنک یوز الی سالنده محرم الحرامک اون برنجی کونی رسم چاباد و ایلغار برله سندن یولیه هنده جانینه روانه  
اولدیر خا مومی ایه هنده پادشاهه و اصل اولوب نامه یی تسلیم ایلدوب پادشاه و الاجاه مضمون نامه یه  
اولدقه جواب نامه یا ز میوب و ایلدی به دخی رخصت انفر اوزن اغراض عین ایدوب بیچاره محرقه کابل  
ایل و ایدی هیرانه کردک قالوب نه یارای اقامت و نه رجعته قدرتی اولوب اول حال ایه کسه تم  
اولدی چونکه سنده بنک یوز الی بره بالغ اولدی قندهارک فتح و تسخیر ندر صلک او ایل محرمه محرقه  
بر امر موهک تحریر ایدوب اوچ نفر جلود ادر صفار قنار ایه سندن روانه ایلدیر مضمونده امر و اصل



اولدقه بر حال دولت علیه کوردکانه دن بر جوب آلوب رجعت ایه سن اندنضلع کوهستان  
کابل و غزنین کستلینه عزیمت و حرکتی خاطر لرزه تصیم ایدوب ماه صفر کن غره کنده که دوم  
ایلچیلر نی مرضص و کند و ولایتلرینه ارجاع و اعاده ایلدیلر لوق اول کوه هند سفینه عزیمت و حرکت  
ایدوب لوق آشوک التوارینی غزنین جانبته جقاروب عظیم الیلر ایه اول جانبته کنه ایلدیلر  
ممالک ایراق و هند میانه واقعه محو چشمه سندن عبور ایدوب غزنینه التي فرسخ محله واقعه  
قره باغ منزلته نزول ایلدیلر شاه اوغلی نصرالله مرزایی برکروه منتجب لشکری ایه غوز بند و بامیان  
قصبه لرده ساکن اغوانلره تنبیه و کوشمال و الثواب و الثقال و مواشیلرینه غار و خاک  
ایصال ایچون اول جانبته مأمور ایلدی غزنی غزنین حاکی قره خان نام حاکیه طنطنه آمد  
شاه دن خوف و خشیت مستولی اولوب فرار اختیار ایلدی غزنینک قضاء و سادات  
و علماء و عظام اعیانی جمع اولوب اظهار عجز و نیاز ایدرکن دربار خسرو و عاجز نوازه کلوب  
عتبه شاهه یوز سوروب حضوره لایق پیشکش عرض ایلدیلر مشار الیه شام هک او کند  
غزنین جانبته کوه توروب شاه عالیجاه کوبه عظمه سیاه ماه صفر کن یلیری ایکن کونی قلعه  
داخل اولدیلر نادر شاه قندهار قلعه سندن حرکت ایلدیلر ایامه قریش طائفه سندن برکروه  
شاهه اطاعت ایتیب عصیان و طغیان اوزره اولان هر ادره ای کندی وادی زنگی و سایر  
ناخره اولان هزار جا جانبلرینه ازال ایلشیدی مزبور مأمور لر بلای ناگهانی کبی و ایدوب مأمور  
ساکن و اوطانلرین پایمال ستم ستودور جالدرین مقتول و نسالین ماسود ایدوب و آخر  
غنائیم اخذ ایلدیلر بو خبر شاهه عرض اولدقه فرما ایدر ازال ایلدیلر که اساری اطلاق ایلدوب  
بقیه السیوف دن باقی قلانلر حرب و ضربه قادر اولدیلرینی عسکری یازوب اوردوی شاهه  
ارال ایدر لوق بوجلیس طوایف اغوانلر و غزنین کوهستانده واقعه هر ادره جا اها  
هر بر قبیله که عدم اطاعت ایلد کرشلاک اظهار ایدوب تهره و عناد اوزره مصر اولدیلر شاهه  
عالیجاه نیروی بازوی شوکت قاهره ایلد انلری تازه دلکش و هنوز کوه طومش خدان کبی  
قلع و قلع ایلدوب برنج و بار و لرین قوده تراب و مسکن و مأ و لرین خراب و سیب ایلدی و هر طائفه  
جاده اطاعت و انقیاده سلوک ایدوب قو لوق آدابه مراعات ایدر دن کلوب آستانه شاهه  
یوز سوردی جانب شاه دن انواع التفات و نوازش ایلد سر افر از اولوب کوی دولتی قاپوب فرخ  
و فخر منزلتینه معاودت ایلدیلر دی شاه غزنینده بر قاج ایام مکت و آد آمدن صلح عز و اقبال  
اجلال

اجلال ایلد ان دن قالقوب دار الملک کابل جانبته روانه اولدیلر کابل اکی منزل طریقده اها لستقل  
ایدوب تقبیل عتبه شاهی ایه مشرق اولوب هر برینه خلع فاخره البس اولوب رجعت ایدوب  
دقی احک اولوب یینه کابل شهرینه رجعت ایلدیلر قلعه یه داخل اولدیلر ندره اغوانلر دن  
و کابل سپاهی لر دن برکروه احقانه رأی و تیر ایه قلعه نیک صغو بتنه اعتماد ایدوب جاده  
اطاعتن جقوب عصیانلرین اعلانه جرائع ایلدیلر قلعه مرقومه امره قلع هندون اولوب  
اول حصار سنگین بناد و مناعت و متانته لایق نظر و اطراف دن بر وجهه ظفر بوق امر عسیر  
اول قلعه قلعه کوه تو الی اولان شرزه خان و رم داد خان صفنا قلرینک بر کلکنه غره اولوب  
اول کوه تیس و دون لغت احمق قلعه نیک ظاهرینه باقوب نادر شاهه قار شوقوی سوردی  
خامیله قلعه دار لغه مشغول اولدیلر بس اولدیلر یکر منجی شنبه کونی پیشانی نه کشر اوردوی  
آغزنی قلعه حوالینه چکیلر اوتاغ شاهی و سایر خیمه و فرکاهی قلعه قار شوقوی  
اهالی قلعه دن برکروه جنک اورد قلعه دن طشرح جقوب صف صف متر اکی طوروب  
جنک طلب ایلدیلر پیشانی نه کشر شاه جانب دن جنک مأمور اولدیلر قلرین انلرک حالت  
اولیوب سر اد قات کردون شکوه و احوال اوردوی ایچ کوهی نصب و وضعه مشغول اولدیلر  
قلعه نیک سمت شرقی سنه نیم فرسخ محل اولدیلر قونیلر ایته کسی کون اوردوی شاهه فرج لوق  
ظفر التوای رحلت ایلد اولد قلی محل دن قالقوب جایجا نفیر رحلت و مکتش نفع صورت  
و اوزره طبل و سوردنای و کوه نای عزیمت چاشینه نقرنا قود اولوب افواج عساکر هیت  
آناد امواج بحر موج کبی جوش و انواع سپاه ایچ اشتباه سیل العرم کبی خروشن ایدوب اول  
مکانه وارد اولدیلر ماه مزبور کن یلیری ایکنی و شنبه کونی شاهه نوجاه سواد شهر ی کیر و تماشا  
ایچ کوه سیاه جانبته آهنگ ایدوب شهر ی وادی بر خروشن ملاحظه ایلدوب تماشا ی جنک  
حصار ایچون اول محله قصر سفری قور دیلر کابل اها لستقل شاهک جانب جبهه عزیمت لرین کوه  
اولی کونه قیاس ایدوب علملرین آچوب هیت تام و صلابت مالا کلام ایلد مقابله و مقاتله یه  
قیام کوه کسروب از دحام عام ایلد قلعه دن جقوب جنک مبارزت و حربیه مسارعت بر له طوب  
و تفنک کله و کله لرین یغور دانه کی کبی یاغور دیلر بو معنا میچ ماده غضب شاهه خرد اولوب کانه  
حاضر اولدله اول جماعته تنبیه و کوشماله اشارت ایلدوب فی الحال عساکر بشمارد و اخص مار شمارد  
ایله الیلرین ترتیب و صدای بی ادای کوه نای ایلد قلوب کابل یانی ترهیب ایلدوب قلیج لرین عزیمت ایدوب



اندره مرهیز اوروب طوور عجیب و اسلوب غریب ایله تقابل فستین واقع اولوب یقه به یقه جنگ و جدال و حرب و قتال ایله درک قلعه دینه ایشیدله اول کونادردور اور قلعه فتح و تسخیرتی اچون کر همتی میانه بنیاد و ب لشکر قزلباش شکرک اطرافنی محاصره ایلیوب طوب قلعه کوبلری قلعه یه حواله اولان کوه پر شکو هک بالا سنه چقرو ب بر لشیر یلیوب جو ایندن طوبله آتشن ویردیله افلاک سرچکش عقابین نام برج مشهوری دو کله میند یرو ب و شکر اچنه فیر لریا غیر و ب پنجه عالی بنالری خراب ایلیله طوب آتشن بارو فیر صاعقه کردار زمین و زمانی لرزان ایرو ب برج و بارونک بنیاننی جنبان ایلیوب کابلینک باشلرینه قیامتله قوبار دیلر بر قاج کون قلعه بو حال ایله دو کیلوب اهالیسی موی آتشن دیره بو کیلوب تاب و توانلری کلیتاً مسلوب اولوب ملاحظه انجام کار قیلوب عدیمز اعداد عدونک عشر عاشری و شاهک حضوری بر زان حیثیت و اعتبار اشرفی اولوب شاه پاد کرک پادشاه سر مقابله و مقابله طبع خام و صوغوق تیمورد و مگر دیو اظهار عجز ایرو ماه مزبور کون یکر می طوقوزنی دو شنبه کونی امر او عظامی اعتراف عجز و قصود ایله حضور شاه کلوب و مجلس شاهه لایو پیشکند کتوردوب قلعه یی تسلیم ایتدیله شاه و کلا کونده رو ب هندی پادشاهی تک ارکه اولان خزانه و جبه خانه و فیل خانه کنی جمله ضبط ایلیله شهرزاده نصر الله مرزاکه مقدامیاً اولینی اوزره قبح باغ منزلدن ایریلوب غور بند و بامیاً جانبینه روانه اولمشیدی اول سرزمینه وارد اولده غور بند و بامیاً و قلعه ضیاً کن اهالیلرینک انوب و ائقال و مال و مواشیلرینی زهب و غارت و ایرت انواع خسارت ایلیوب اول جماعتی حوزة اطاعتنه اذخالی ایرو ماه مزبور کون سلخنده چهار دیک یولدن وارد اولوب شرف اندوز <sup>بسیل</sup> بساط نادر کا مدار اولدی بو کامقارن هندی جانبدن بر قاصد کلوب محمد علی بنی زین عریضه کتوردی معروضه شوکتلو دولت کور کانیته حضرتلرین نه بر جواب و نه رخصت ایاب احک اولدی و نه ده نامه لایو نکر معروضه اصفاء و التفاس ایلیله نادر شاه بو ضبع واقف اولده دیو یسا اولرین بر چایار صبار فتاری سا اول تعیین ایرو ب پادشاه هنده تکرار بر نامه دخی یازیلوب کونیر لری معروضه پادشاه زکی جاه ادرشه الله نامه لایو نم و وصولنده معلوم اولکه بون اقدم شاملو مراد خانه و اندنصلک محمد علی بن طرفیر دن ایلی تعیین اولوب قندهار اشرا دین اول جانبه فرادید نکر یوللرینی سوبه ایلیوب اله کچنلری طوب بغلیوب طرفیر کوندر ملک رجانه

ایرل دربار سپهر اقتداره اولمشیدی اول حضرت دخی بو خصوصی تعهد ایلیوب مراد اوزره نامه کوندر دیلر و فرادیلری طلب اچون حرنینه و مرگ و عساکر کوندر زدیو و عد ایلیله اول پاد شاه زکی جاهک و عده سنه بنا کوبه عظم ایله قندهار اولکه سنه وارد اولوب کشتی اعلی کرد ب مر بلکه یه او غرتق لهر نه حال ایسه اول و رطه دن دخی قودرتلوب کعبه مقصوده و اصل اولدق خلف و عده آشکار اولده تجدید مذاکره اچون بر ایلی دخی اول جانبه فرستاده ایلدرک الحاقه هنده بر سنی می متجا و زاولدی که ایلیچیزی توقیف ایرو ب جواب نامه ایرل ایلیله دخی اصفاء و التفات ایلدر کون اول و عده و ثانیاً خلف ایلیک و بو کا علاوه خلاف قانون ایلیلی بر سنه اکلندر ملک و جواب نامه یی عقده تعویقه قومو مخالفت و بیگانگی دن ناشی و آثار دوستی و بیگانگی یه منافی اولمقد قندهار قلعه کنی فتح و تسخیر ایلیلر دصلک حقیق مزده و قصود لری صد و ریرو ب اول جانبه فراد و التجا ایرن اغوانلری حال اوزره ترک ایلیک شان شاهانر شین ویر مکه انره تنیه و کوشمالی الهم و الزم کوروب اول دولتی کونده هو خواه و دوست یلیوب اول جماعتک ترتیب جزایری اچون بلاد کونده قدم قودق مر قومله جزای عملین ویردک نصلک غرتین اهالیسینی با آداب دن دخول و ربقه اطاعت مزه کردن داده اولمغی قبول ایتد کلرین انواع نوازشات و اصناف التفات مزه شمول اولیلر اما کابل اهالی اول سرزمینه رایا نصرت آیتا تمرکز و رودنی مفتوح عد ایرو ب و ایکی دولت مابیننده اولدو و مو دته رعایت و لوازم خدمتکاری ادا و هر وجهه اعانت ایله حکم کله دوروب سعادت یوزلرینه بنیاد و باغنه ایله اتفاق و اظهار مر اسیم شقاق و نفاق ایلیله اندون بو کونده هر کتک صدودی منافی طریقت ادب و مخالف پاسداری موکب ظفر کوب اولمغله سین <sup>المخضرب</sup> تحقیق ایرک حق جواری یه بنا کینرزه و کالت ایرو ب مر قوملری تأدیب و تهنید سخی بی دروغ ایرو ب جزایری ویردک چونکه ایتد کلرینه پشیمان اولوب اظهار عجز و نیاز ایله دربار معذرت طرازیمه روی ایتد ایله متوجه اولیلر پادشاه زکی جاهک خاطرینه مراعاتاً جزایریلرین عفو ایرو ب مورد انعام و شمول احک اول طیرن فرما ایلیوب تنیه اید ایلدر که بر احد اندرک حال ماللرینه مشرف اولمیه لریم دخی مبارکی حالن الی الان اقصای مراکز اغوانلری تأدیب و کوشمال او کوب و نماینده کیم لردن منتهیهای متمنا مزه دستلو و مجتهد و السلام دار الملک کابلک اعیان و عظم کندن بر قاج نفر کسنه یی چایار صبار فتاره همراه ایرو ب ماه مزبور کون یکر می التی کونی جها آباد جانبه







شاهه وارد اولدیلر بو مصالح صو دتت بیز اولد قده اول مکاندن برکروه قزلباشی جلال آباد قلعه  
ضبط و تسخیر و دیو کس او لنی قتل این میر عباس افغانک او غلنی تأدیب و کوشماله  
مأمور ایلدی جلال آباد هاکی که نامه شاهی حامل اولان امرایی منع ایدوب توقیف ایلدیشی  
غوغاکنده باشنده فرد اولاجفن بیلوب قراره مجالی اولیوب فراری اختیار ایلدی سائر اهالی  
طریق اطاعته سالک اولوب بجای الاخره نیک او چینی بخشینه کونی شاهی استقبال  
قلعه بی بر مؤتیرینه تسلیم ایلدیله مقدمه امیر عباسک او غلی اول بلده نیک قریبه اولتان کوهستان  
قله و صفنا قلعه اداش ایلش ایش برکروه مرد کادزار و جنگ آور شجما نله اول صفنا قلعه  
تخصس ایدوب کنه ویرنه متانت و استحکام ویردیله عجم دلاورداری قول قول اول صفنا قلعه  
و هجوم ایدوب اول اسکی قوی قلعه لری دستیار لری کچی شوکت قاهره ایلده فرد و فاش  
و تصرفینده اولد خال و رجالین عرضه تیغ هلاک نسا و اطفالین اسیر فتر ایدوب میر عباسک  
او غلنیک همشیره سنی و عیالنی دخی طتوب حضور شاهه کتوردیلر اول نو ایدمه و اقوام  
مرباطی ضبط و ربط ایلد کلردن صلح جلال آباده بشن فرسخ مجله و اقوع برادر سفلی نام بلده ایه  
وارد اولوب پس آردای قده و میله اول سرزمینی رشک برادرستانه علیا ایلدیلر دریا رود و شاه  
**رضا قلی مرزاد منزل سفلی درگاه معالی و کرا فریزی یافتن با فسر سلطنت نیابت دار الملک اید**  
چونکه نادره کراه فرزند و ستانه عازم و اول مالک بی پایانی ایدوب کبی ویر ایلکه جازم اولدی  
او غلردن برینگی بلاد ایرانه شاه نصب و تعیین ایلکه پیشتر هدهت و الاکی اولوب بلاد  
هند دن کابل نام شهری ضبط و تسخیر ایلد کلری هینده اولان دینک اکبر و اردشیر اولد رضا  
مرزادک کنه و سینه ملاقاتین فرما ایلد شرایر مشاد ایلده مرزاد اول اوقات دیار بلخه بریر حکمرانی  
متمکن ایدیلر پدینک امری کنه و سنه و اصل اولد قده ولایت بلخی چینینی بیاته و هر بکلر کیشی  
افتاده تسلیم ایدوب برکروه قزلباش لشکری دخی اول دیاری محافظه یه تعیین ایلوب ضعیف  
و بامیا یوللریه اوردویه و اصل اولدی مقدمه مانا دد شاک نادر آباد نام شهرده اقامت لری ایش  
او غلی مرزای مرقومک بلاد بلخی غلبه و استیلا شی خبری سمع شاهه رسیده اولد قده امر و الا اول  
ایلدیلر که اول دیارک امور مہماندن فارغ اولد قده نصلک قندوز جانبته متوجه اولوب اول  
ناحیه اهالیسنه دخی غلبه و استیلا یله قرار و ترمیر ایدوب اول سرزمینی دخی ضبط و تسخیر  
ایلدی مالک ضمیمه ایلده شهرزاده دخی برو فو فرما اول ولایاته رایت افراز متوجه ایدوب

وارد اولد قده قندوز هاکی قاتاغا یوسف خان نام که اول زمانه دکن مرقومه مقام کی  
اولوب سر فرو ایلدیش ایدی احواله واقف اولد قده مقاومته تاب آورد اولیه جفنی  
بیلوب راه قراره سالک اولدیلر شهرزاده اول ولایتی اضداددن خالی و مخالفردن عاری کون  
موزده اقتدار و استعدادینه اذخالی ایلدی اول ایشاده ایدی که ایر شاهلغی کنه و سنه تفویض  
اولنه جفنی تبشیر اولنوب امراء و اصل اولدی شهرزاده فی الحال حرکت و عزیمت ایدوب طی بو  
قطع صیاری ایدوب کابلده وارد اولوب اغرغنی انده برغوب ماه رجیک یلکری دزدنجی کونی  
برادر سفلی ده خدمت پدیه و اصل اولوب شرف زمین بوس ایلده مشرف اولدیلر ایدوب  
شهرزاده ایلده کلن بلخ لشکری شاه امریله مسلح و مزین آلائی کونستروب او تاغ او کنه مرور  
ایلدیلر شاه اول سپاه ظفر پناهاک ایلدین پسند ایدوب جنبش و حرکتین دخی تجربه اچون  
شهرک فناسی اولان فضایی وسیعه فرما یوردیلر ایلدیلر قوریلوب صفرا بغلندی اولدیلر  
لشکری هند برادر ایلده صلح بلخ دلاورداری بربریه مقابل اولوب نبرد کاهده ایتد کلری صواش  
و حرب و قتال کبی انواع سلاح اعمال ایدوب لعب و هنر کونستردیلر بر قاج دفعه بویله  
کنه و سی دخی میدان کیر و بدستانه حله لرایوب هر طرفن آوازه تحسین و دعا چرخ برینه  
پیوسته اولدی اما شهرزاده لشکرن چوق نفر کنه نیک اتلری بلخ سفر نده معرض تلف  
و سقطه اولمغه جمله سنه تازی نژاد آت و اسلی و آلات احک اولنوب و آهادر لشکره  
مال و اخربخش ایلدیلر ایر شاهلغی و اول سرزمینده واقوع بکلر بکی و فرماندارانک عزل و نصیب  
شهرزاده کاهکار رضا قولی مرزایه تفویض اولنوب سنه مرقومه ده شجما رشک غنی  
جمعه کونی بعد الظهر او غلی رضا قولی مرزادک و نصر الله مرزادک باشلرینه مجوهر صور غوج  
وضع ایلوب فرما ایلدیلر که شاهک کنه و حیاتنده صور غوجی صول جانبته طاقنه لکنه و فائده  
صلح شاهلغی هر قانقیننه مقدر ایلده دستور ملوک پیشین او زره صور غوجی صماغ  
جانبته وضع ایلده ماه شعبانک او چینی یکشنبه کونی رضا قلی مرزاد شوکت و شان جانب ایر  
دول اولدی ایرتسی کون لوی جهاک جلال آباد جانبته نرضت ایلوب او نخی کون جلال آباددن  
بیور و روب نیم فرسخ فاصله قلعه نیک جانب شرفی سنه او تاغ کردون و ثاق قوریلوب شاه  
جلالت و شان و آلائی و عنون ایلده او تاغ نزل ایلدیلر اول منزلده شجما لشکردن او ایکی نیک  
تقریب افکن کزیده عکس چرخه بی و قراول نصب و تعیین اولنوب ایکی منزل ایلر و کتک فرمان



اولدی و التي نك نفر كنه دخی پیشانی نه كشن اولوب آغزلی و مرقاته قالمو ام اولدی  
دربینه توجه موک و الایعزم تنبیه ناصر خان و تسخیر پیشاد در ناد شاه. عجم غزنی و کابل نام  
شهر لری ضبط و تسخیر ایلیوب کنه و مالکنه ضمیمه و الحاق ایلیکنه نضک هفت ستاپاد شاهی  
اولان دولت علیه کورکائیته جانبین ناصر خان نام کسه سر عکر نصب و تعیین اولوب اول  
جانبه اول اولدی خان مشار الیه پیشاد در نام قلعه یه وارد اولوب کلتلو تران کور و مجاریه  
یچون لشکر اعداد ایوب قلعه دار لفه مشغول و مقابله یه مریتا و آماده اولدیله ناد شاه کابلک  
ایمان و امر اسنی نامه ایله جری آباد شاهنه فرستاده ایلیکلری حینده ناصر خان دخی ام اولدی  
ایوب مزبور لری محل مأموره ایصال ایلیک فرما ایلیکلری ناصر خان کنه و پاد شاهنه خدمت و حقوق  
سابقه کنه مراعات ملاحظه سیله ناد شاه فرمانته اطاعت ایلیوب آتش جنگلی تیز ایلیک مروه  
جنبه اولدی فی الحال پیشاد و خیر اغوا نلندن یکر می نك کسه بی جرم و ناحیه کنه ارسال  
ایوب خیمه در بنی محافظه یه مأمور ایلیکلر ناد شاه اوژدویله و یکاب نام منزله وارد اولوب  
اول جای دلگشاده او تاغ کردون و تاق قوریلوب بر مقدار خواب و راحت ایلیک نضک جمله  
بار و نگاه و خیمه و فرکاهی اول منزله بر غوب او غلی نصر الله مرزایی محافظه کنه تعیین  
ایلیکنی و قتی برخی دلاور شیمی نین گزاره و جاه سپار ایله سوار اولوب افلاک سرچکش  
بسیار طاغری و عیون دره لری و نهایت سز صعب و دشوار یوللری مشتمل اول سر چوبه  
نام شهر و دیول ایله ایلفاد ایوب اول کیجه صباحه دک او توز فرسخ فکیر کسب سلطانی  
قوشلی ایلی که جمله لشکر کورک دموره مستغرق باد صر صر کی کلوب ناصر خان اوژدویسنی با صوب  
اله کیره فی قیروپ اما زمان ویر میوب قلیون کچدیله ناصر خانک و عسکرک جا باشنه صحرایون اقل  
قلیل صفرا با غلیدر هندی و ترتیه جنگ ایله صفرا ار استه ایله لم دیر ایکن عجم لشکری غلبه و کچو  
ایوب طرفه العینده سیک جمعیتلرینی طاغیر و برخی سنی عرضه شمره ناصر خانی و چیه بلو  
باشلو هندیته امر او ایمانی اخذ ایوب بنده چکدیله بقایای لشکر فراد ایوب تخلص جان ایلیله تماماً  
هند و دک اوژدو و مرقاتلرینی اخذ و ضبط ایلیوب هوزده تصرفلرینه ادخال ایلیکلر اوچ کور اول  
مقر کوبه ظفر نشاه اول قد نضک نصر الله مرزا آغزلی ایله کلوب اوژدویله و اصل اولدیله شاه  
سرو در نام فور ایله دنیا یه صفر اولوب جمله اساری و ناصر خانی الوب پیشاد در نام قلعه  
فتح و تسخیر نه عزم ایوب اول جانبه متوجه اولدیله ذکر و قعه هائله ملال افزا بوسال

نخسین

نخسین سلطان سالی اولوب شاهک قرنداشی ظهیر الدین ابراهیم خانک طالع نامساعد لری دلیل دخی ۱۸۱  
بر قاطع ساطع کوبه مرور ایتمیشدی لریه جنگنده انداخته خاک هلاک اولوب بو خبر ملال اثر  
پیشاد در نام قلعه ده سر شاهه و اصل اول قدده لباس فاخر سن چقاروب یاسن و ماتم کیاس  
کیوب در و ننه عزن و ملال هیچ ایوب دیده لری مثال سخی آیدار اشکیار اولدی تفصیلی اولدر که کور  
البرزده ساکن اولوب چهار و تله لی لری ضلالت انکیز کوهستا و چنگلستا پر درخت و معبر لری غایت  
سختی اولان صفنا قلعه استظهار و اتکایدوب جاده اطاعتن خروج و قتل خیانت و عصیان  
عروج و گاه و بیگاه اطراف و اکنافن نرب و تاراج رعایا و برابا و دهر و لری سر هام بلویه آماج  
ایتمیله ظهیر الدین ابراهیم خان سپه سالار آذربایجان اندره تادیب و کوشمال ایچون بر کرده شیمی  
ایله اوژدویسنه واروب برایکی ساعت محاربه دن صکر بوزیلوب کور و چکلیدر ایلیکنی بر دخی لشکر ترتیب ایوب  
کندی بالذات سل سیف ایوب و بتوغ عریایله شیرز کبی او کنه کلن لری خاک هلاک دو که دک  
کیدکن ناکاه فراز کوهی کینگاه و قرارگاه ایوب لری طرفدن آتیلن بر تفنک دانه سی الله راست کلوب  
قفا سندن چقدی الله اول تیغ عریانی دو شوب مرغ و حی قفس بندن طیر ایلیدی بو قضیه پرورد  
و هنر و تصور بنیان عزم ملو کانه شاهه یول بولیوب ایالت آذربایجان فی قرقلو امیر ارسلان خانه  
ویروپ کرجستان سرداری اولان بغایر لوصفی خانی آذربایجان سردار نصب و تعیین ایلیکلر کوره  
سیرنی بقدر امکان اول طائفه باغیه نك تنبیه و تادیبینه و اطراف و توابعی مضرتلرین محافظه  
سیردن سعی و اقدام خدمت و جاه سپار لوق استرم بیزر بو سفردن منصرف اولنجیه دک اهتمام اوژدو  
اوله سردیو تنبیه ایله و غیر دعا تحریر ایلیدی ماه صیام فرزند فرجامک او بشن کونی لو ای شوکت  
التوای شاه جری آباد جانبه اعتلا ایلیکلر آنک نام نهر عظیمک اوژدویسنه جسر متین قریب افواج کاه  
برخیه ایام اول جسر کرجک شمشالدر کوره کوره کچوب بالا فره شاه دخی اوژدویله متعاقباً عبور  
ایلیکلر اند نضک متعدد نمونه بحر زقار و شنبه دریای خونخوار اولان ایر مقلدن معبر لری کیت لری  
پیر ایوب جمله عسکر و حیوانات و مرقات اول معبر لری کیچدیله تابو حینه دک یقین و اراق همی وقت  
اول ایر مقلدن کی ویا طلال و یازورق سیر کیچدیله سموع اولیوب ملحوظ اولمو دخی متصور دک  
ایکی کنجی ایر مقلری کچدن عبور اولدی یعنی هند و لراشته کلر نه تجب کنان حیره اولدیله قلندر خان نام کرده  
لاهور سپاهندن بشن التي نك نفر لشکر ایله وزیر آباد نام صویک اوته طرفه کاخه کر نام قلعه یه  
تحصن ایوب رفو لو ای مخالفت ایله جنگه آماده اولدیله شاه قراوللری اندری کوروب مدافعه یه مشغول



اولوب اول قراریدن بر آوج خادو غسی سیلوب سو پر وب ازاله ایتمیکین سیل بی اما کبی اول جانبه  
اقدیر شاهه خبر اولدقه فی الحال اوردو وایله قالقوب صوی کوب نرک اوتیه یقاسنده ضرب  
خیام ایلیدر بو ائشاده ممالک سندن زمین داو آدینه نام سر کرده جنود نامحدود وایله لاهور سرکاری  
ذکریا خان جانبه امداد و اعانه ایچون وارد اولیلر نادر شاه شوکتله غیرت ایدوب پورشش نام محله تقابل  
صفین واقع اولدی لاهور لشکری نادر یایله جنگه آهنگ ایلیدر طرفین بر برینه کوزاچدر میوب  
ینفور کبی قورشون یاغدر دیر فذق ضربدن یخه لر خاک هلاکه کیریلوب جنگ اتشکی کجه مشتمل اولدی  
لکن عجم لشکری اصلا در میوب مردانه حمله و شیرانه جنگه کیریشوب یوز چویر میریلر جنگه اقدام و...  
اهتمام ایلر نادر یایه هجومه نزل مقدر ایتدکلر ندر لاهور لشکریک قلوبونه رعب و هراس ستولی اولوب  
یوزلری دونوب لاهور جانبه فرار ایلدکلر ندر قزلباش لشکری تعقیب ایدوب قلیچ او شوردوب اقل قلیل  
دام کند لیران اعجابدن رهیب اولوب قلعه یه داخل اولیلر شاه اوردو وایله قالقوب لاهور حواله  
وارد اولدقه اوتاغ شاه بیغ شعله ماهده قوریلوب لشکر دخی چادر لیرین قوروب اول حواله قونیلر  
ذکریا خان اول افواج پر شر و شور ایله معارضه مودر صیفک دیور زور ایله مصادمه کی قبلندن اولرین  
یلوب کتی اسی اولانکفایت خانی طلب اما ایله عتبه شاهه فرستاده ایلیوب ایتسی کون کندوسی دخی کلوب  
استابوس ایله مشرف اولوب یکریمی لک التون و بر قاج زنجیر فیل و سارهد ایای نفیسه پیشکش کیمیلر  
حضور شاهه کتوروب لوازم خدمت و اطاعته قیام کوسر دیر شاه دخی بو خدمت مقابلنده خلع  
فاخره خسر وانی الباس ایدوب اسب تازی نژاد و زرین کسمه و ایر و مجوه خنجر و مضع شیر عنایت  
واحتا و انواع نوازشات ایله محسود اقره اولوب لاهور ایالتی دستور سابی اوزده کندوسنه محول  
و موکول قلندی شهر لاهور اصلده هند ستاپادشاهلر تک تختگاهی ایدی عظمتنه سواد اصفهاندن مباله  
ایله بیوک اولوب عالی سرایلر و مزین چادر شورلی وارد در اطرافنده شورلی و خصارلی اولدیغنه محاربه  
تصدی ایتدیلر مقدمه ماهنه پادشاهی طرفندن ناظم خان و علی فخر الدین نام کسمه کشمیر ولایته والی نصب  
و تعیین اولوب اول اولنمش ایش کشمیره وارد اولدقه قلعه اهالیسی انوک حکومته رضا  
و بر میوب شهر کدر و اوزه لرینی کس ایدوب مانع دخول اولیلر کشمیر اهالیسی انوک اطاعتدن کناره کیر  
اولدقنده فخر الدین خان چادر اول سرزمین قالقوب لاهور کلوب مایوس و مشکوب انده توقف  
ایلش ایدی شاه لاهورلی ضبط و تسخیر ایلدکه خان مشار ایله دخی عتبه شاهه یوز شوروب کندوسنه  
عظیم قوشون مقر حکومت کشمیر اجلاسنه اعانت رجا ایلدی شاه دخی مسؤلنه مساعده ایدوب شاه  
قبلندن

قبلندن اول ایالت کندوسنه احتا اولوب لشکر قوشون اول جانبه اول اولنیلر و گرفتار کروه  
اولون کابل و ایسی ناصر خانک جرایمی عفو اولوب مجده کابل ویشادر ایالتلری کندوسنه احسان  
اولوب اول جانبه فرستاده قلندیلر و برکروه لشکر دخی تعیین ایلدیلر که سنجب ایر مقلزده اولون  
کیدی ضبط و معتبری محافظه ایدوب واردین و معتدی دینی اوردو وایله کونیره لر دریا و قوع جنگ سلطان  
فیما بین اعلی حضرت خدیو کیتی ستا و حضرت محمد پادشاه هند و ستا و کیفیت تسخیر شاه جرها آباد و  
قالب آن آیام بر کج بنیاد نادر شاه عجا دار السلطنه لاهورلی حوزه ضبط شاهانه لینه اذخال  
ایلدکلر ندر صلح بعض متجسس اخبار و ساطیله معلوملری اولدی که هند ستاپادشاهی مجید  
والاجاه حضرتلری اطراف مالکن لشکر جمعنه مشغول اولوب نادر یایله مقاتله و محاربه یه غیرت  
ایلر بو خبر سر شاهه و اصل اولدقه سوال شریفک یکریمی التینی جمعه کونی لاهور ددر حرکت  
ایدوب طی صحرای و قطع بوادی و عیون صولردن عبور و صعیب و مهالک مسالکن مرور ایدر  
شهر زی القعدة الحرامک بدخی دوشنبه کونی سرحد هنده وارد اولیلر محل مزبورده صحت اوزر  
استخبار اولندی که محمشاه و الاجاه او جیوزنک نفر کزیده لشکر و ایلیک زنجیر جنگ ایدر فیل و اراج  
بنک عدد طوب کوه توپ اژدرده آهنگ و سائر اسباب و مرما و آلات جنگ ایله جرها آبادون  
قالقوب یکریمی بش فرسخ مسافه ده واقع کزمال نام محله وارد اولیلر محل مزبورده اوزبک علیردن  
خانک جرها آباده اجر ایلدی فیض ایرماغی نام صویک اوزرنده کزمال طرفنده اوردو لیرین قوروب  
اوتور دیر اول مکانه بر حصن حصین و قورغان متین ترتیب ایدوب طوب عربه لرینی دخی اور  
اطرافنه احاطه ایدوب و زنجیر ایله بغلیوب مقاتله و محاربه یه آماده اولوب نادر شاهک قونیه  
منتظر اولیلر ندر مزبور ک شاه جانبنده اولون طرفی چنگلستا و شیتا اولوب یهم بر وجهه عبور  
مکن دکله ردیو شاهه اعلام ایلدیلر شاه التي بنک نفر کزیده لشکر انتخاب و قراوله تعیین ایدوب روانه  
ایلدیلر که محمد پادشاهک اوردو سینک حوالینه واروب امعا نظر صالوب هر وجهه احواله  
واقف اولوب حقیقت حالی شاهه اعلام ایدر قراولر کتدک نصلک ماه مزبور ک سکرچی کزیده  
شاه دخی اوردو وایله سرحد هنددن حرکت ایدوب اون ایلی فرسخ مسافه ده واقع راجه رای نام منزله  
وارد اولوب ایتسی جهاد شنبه کونی دخی اولیردن قالقوب سکر فرسخ محله واقع انباله نام قصبه  
وارد اولیلر قصبه مزبوره محمد پادشاهک اوردو سنه اوتوز فرسخ مسافه ایدی شاه حرمی و اغرنی  
انباله ده بر غوب چرخه بی باشتی افشارلی فتح علیخانی حرم کتی اسی ایدوب و برکروه سر کرده لری دخی محله

۱۸۲



تعیین ایلیوب ماه مزبور در او بنی بختینه کوفی انباله در حرکت ایدوب اول کون او بشن فرسخ فسا  
قطع ایلیوب او دودویه شاه آباد نام محله نازل اولید بر قاج کون مقدم شاه طرفدن انتخاب مسک  
محمد پادشاه حضرت ایرشد ملک ایچو تعیین و ارسال اولندن در نبی پاک و عیار دست و چالاک حرام  
زاده قراولدر فیض ایرماغی نیک کنارینه قریب چنکلیتیا و اورد مانلو ایچنده اختفایه و بکیه اولده  
دلیرانه او دودویه اینوب طوب خانه محافظین خنجر و نجای اید کشته و مجروح ایدوب اندن چادره  
کیرو ب خوب و راحت ایدن غافلری طوب بنده چلوب خنجر چاق حواله و کند و اینی قتل ایدبه تحویف  
و اسکا ایلیوب چادر درده بولد قلی اسباب و انتقال آت و آلاقی بغالیوب عسکراگاه اولنجی چایک  
یرام لر طبا قاله روب اورمانلغه کیرو ب تابید اولیدر ظلام شب اندره پرده اختفایه اولوب پیاده هست  
و چایک قلا شرا و مغله قفالرندن هندن و لریو کرک اتر ایدیه یشمک ملکن اولدی مزبور سلامت  
بولیدر اترسی کون اول اورد مانلقدن رجعت ایدوب تانی سر نام محله سکر فرسخ فساد و اقع عظیم  
آباد سراینه کلیدر انده نزول ایدوب و اقع حالی شاهه اخبار ایچون قراولدرن بر قاج نفر کسنه بی  
او چور دیر ماه مزبور کون اون ایکنی همه کیه کی ساعت ایدیه چلوب کر قار هندن و لری دخی حضور شاهه  
کتور دیر شاه اسیر لری سولتده هندن لکنیک و خرتن و آلاک جنکلیر نیک کترتن مفضلایا اید کلر  
شاه بر معتدین عظیم آباده ارسال ایدوب امر ایدیلر که قراولدر اولیده توقف ایدوب حرم و احتیاط  
اوزره اولوب نوبت ایدیه بولک بولک قراوللغه چقار چولکه عظیم آباد سراینه هندن پادشاهنک  
اورد و کاهی اولان کرماله دکن التی فرسخ مسافه اولوب دور فرسخی تمام اورد و چنکلیتیا ویولی  
بر ایچه مضیوع بر یوله متحصرون اوتیه ایکی فرسخ مسافه فی الجمله و اسع مید و چنر ایدری شاه  
شر باشر اندری ایکی قول ایدوب بر قولی محمد پادشاهک اورد و سنک جانبی غیر به سنه و بر قولی جاب  
شرقیسنه ارسال ایدوب امر ایدیلر که هر قول حرم و احتیاط اوزره ایدوب و نزول ایدیه جملری  
کند و اینی حفظ و حرکت اوزره اولوب ویولدرن کیفیتنی و جنک احوالنی بی در پی عظیم آباد سراینه  
عبته شاهه اعلام ایدیه لرمه مزبور کون اون ایکنی شنبه کوفی اورد و شاه آباددن قالقوب اون فرسخ  
مسافه ده و اقع تانی سر نام منزله متوجه اولیدر اترسی بکشنه کوفی علی الصباغ منزل مر قومه  
وارد اولوب اورد و وی او علی نصر الله مرزایه تفویض ایلیوب مبرو متبصر خانلردن بر کرده فی ذی انون  
خدمته تعیین ایلیوب کند و سی بر کرده شیم دلاور قزلباشرایه روبراه اولوب برچی عسکرتانده عظیم  
آباد سراینه وارد اولیدر مزبور قلعه حصار ایچنده اولوب حصار لری متین و مستحکم سنگین بنا اولده  
اهالی

اهالیسی حصارک متانت و استقامت مغرور اولوب قلعه دن تیر باره ایدیلر شاه امر ایدوب سنی الی  
طوبلری قلعه یه باغدیله جمله طوبلر آتش ویرد کلر نه زمین لرزه یه کلدی اهالی قلعه برینه  
کیرو بینه او غرادر قلیس ایلیوب بیج جاننه طالب اما اولوب صدای الامانی کنکسک استما چقر  
دیدر جمله دوسا و عظامی قلعه دن دو کیلوب پابوس شاه عیاه ایدیه سربلند اولیدر بو حاله مقارن  
قراول سر کرده لری ایکی نفر شر باشر ایدیه واروب محمد پادشاهک اورد و سندن محمد اولدری زنده  
و کله لری حضور شاهه عرض ایدیلر دلری سولتده خبر ویردیلر که قراولدر عیار و قلا شلفند  
محمد پادشاه متالم اولوب کند و اوتاغنه دخی شایر قصد ایدیه لریو خوشدن حصاره کیرو ب مامن  
مخفی و جای سلامت داخل اولدی شاهک اورد و سی کجوب کیده جک یولدری و اورد و قونجور  
و جنکه آهنگ ایدیه جک محلدی تخین و ملاحظه ایچون فرستاده اولن شر باشر شاهه عرض  
ایدیلر که محمد پادشاهک اورد و سنه کیده جک یولدرن سمت شرقی و غربی کی ایکیسی دخی اورد  
و چنکلیتیا در مید جنکه قابل و اورد و نیک نزولنه شایر واسع و مستطیر یوقدر چونکه هندی  
اورد و سنک اطرافنی چنکلیتیا اولوب شایسته جنک مید بر مکان بولنمینی شاهک معلو  
اولده مراد ایدیلر که مزبور اورد و نیک سمت شرقی سنه متوجه اولوب شاه جرها آباد ایدیه  
کرمالک بیننده و اقع باننی بت نام اوچ کونک فسا مقداری و اسع و دوز صحراوه عسکری قونیروب  
اورد و سنی قوروب او توره اگر محمد پادشاهک اورد و سی اوزر لرینه چلوبه جنکه آهنگ ایدیه لری  
والله اول یولدن جرها آباد جانینه رایا تو جهری افراز و قلعه نیک فتح و تسخیرینه آغاز ایدیه لری شاه  
بورانی تصمیم ایدوب ماه مزبور کون اون در دخی دوشنبه کوفی هنگام طلوع فجر منزل مزبور دن حرکت  
ایدوب فیض ایرماغندن کجوب محمد پادشاهک اورد و سنه ایکی فرسخ مقداری مسافه ده بر و اسع صحرا  
کوروب اول مقامده اورد و لریس قوروب او توردیلر شاه بر کرده دلاور قزلباشرایه محمد پادشاهک اورد و  
قریب خیام و اعلام کورینور بر مرتفع مکانه چقوب درون خیام طابور هندیانه و لشکر گاهه و جوا  
نظر امعا صالوب اوتاغنه رجوع ایدیه اخشام وقتی شاهه خبر ویردیلر که امر ای هندنک معظمی  
قوی الاقتراد صاحب نام و شان برهان الملک سعادت خا قرق نیک نفر کزنده لشکر ایدیه و کلیتیا مرمها و طوب  
ایدیه محمد پادشاهه امداد و اعانت ایچون چلوب باننی بت نام محله وارد اولیدر محل مزبورده نزول و ضرب  
خیامه مشغول لریکن فی الفور قلاش قراولدرن بر کرده اورد مانلض بر کوشه سندن هجوم ایدوب بر قاج  
باش و دل الوب حضور شاهه کتور دیر شاهه اول کیه سعادت خانک اورد و سنی شنبه بر کرده لشکر کونزوب



کودیم سیزی غیرت و حیت دیدردیو منوردری تحریض ایله محمد پادشاهک اوردو سنک جوایب  
اربعه سندن اوردمانغه نیم فرسخ مقداری فاصله واسع صحرا اولوب اول کیجه عیار  
انوک اوردو سندن نیچه زنده و کله آلوب کتوردیلر اول کیجه جمه خاند شاه او تاغنه حج اولوب  
مشاوره ایلدیلر آخر بو کار قرار ویردیلر که بز محمد پادشاهک اوردو سنک اوزرینه وار میوب سعادته  
اوردو سنه باصفون ایلدیلر تقدیرجه هند و لایکی طرفن بیزی اریه آلوب مقرر ددر و ضعفای عسکری  
مرغ چینه و دکی دامه دوشر ملک اظردرد اوردو کاهرک دامننی برست محل اولغنه ضیو اوزره  
هند و لای وزیرمه کله در سه حرکته میدا شد اظرفرده اولان قتل جباله طوب چیتار در سه حال دوشو  
اولور طابوردری اولین صحرائک اطرافنی واسع فضایمیش مرهم و لایو بودر که اعدا بیزم اوزرینه  
مقدم بز انک هجوم ایتک اوزره عمو اول صحرایه و اریله دیو کلامه نتیجه ویرلر که شاه و لایجاه نراده  
جلادت نرادلر نه مکز اولان شجاعتی اظردرد اوزر برله ماه منوردرک اون بستی شنه کونی  
علی الصباح قولر و جناهلر دوزیلوب شاه عجا اول منزلن حرکت و شوکت و دارا ایله سوار  
اولوب یوریدیلر جها آباده جاری اولان فیض ایرمانی کنایله کیدیلوب دریای جولر بریچو فرسخ  
مقداری مسافه یرده نزول ایلدیلر اول یرده لشکری اوچ قول ایدوب بر قوله او علی نصر الله مرزانی  
تعیین ایلدیلر که دریای جولک سمت شمالی سندن یور یوب کرمال هو ایسنه وارد اولوب اول مو  
رایت قراری افرزیده دروشه کنه و کسی دریای جول ایله فیض ایرمانی بینن روانه اولیدلر برکوهی دخی  
قوجو یری تخمین و ملاحظه ایچو مأمور ایلدیلر اثنای راهده شاهه عرض ایلدیلر که برهه الملک سعادت  
خانک اوردو سنی شجونه روانه اولان قراوله المأمور اوردو یبه قریب اوله قلزده انزک بکیری  
قراولری کوروب شاه اوردو یی باصدی صداسی قولقارینه دک که اوردو اها ایسنک جانی باشنه  
صیحه یوب نیم شب یوللر یولسز یوله دوشوب کنه ولیننی محمد پادشاهک اوردو سنه ایتیلر قراوله بولری  
تعقیب ایدوب پس عانده لردن زنده و کله اسباب و ائقال نرهب و غارت ایدوب نرهایت سز اقطار  
ایلدلر شاه بو خبری اشته که سرعت ایدوب اوردو محازتک سمت شرقی کنه بر فرسخ مسافه مقداری فاصله  
لور و اسع فضا ده نزول ایلدیلر نصر الله مرزانی برو فو فرما مأمور اولیننی جانبدن کلوب اوردو یبه  
ملحو اولوب اول موضعده نصب لوای قرار ایلدیلر سعادت خان کنه و عسکرینه ایصال خست اولیننی  
دوغ درون اولوب عن اصل ایره زمیندن اولغنه هو صله کسی بو معنایه تحمل ایتیب غیظ و غضب  
زهریو طشه دونوب عظیم غرور ایله مغرور اولوب جنگه آماده اولری هند کتاسبه سالاری اولان

خان دوران و پادشاهک خاص لشکری و سائر خانلر قول قول اولوب آیلین قوروب طوبخانه کنیس  
و احتشام زکیس ایله دیزیلوب میدا جنگه آهنگ ایتیلر بو معنی محمد پادشاهک عرق حیتنی  
محرک اولوب اول دخی امرای دولتک عظماسندن اولان صاحب صوبه مالک نظام الملک  
ایله و قرالین خان و سائر صوبه داران خانلر هدن بیرون لشکر و کت فیلر و طوبخانه و اسباب  
آتش خانه ایله گروه گروه طابوردن چیتوب صحرایه یا یلوب آیلر دوزوب غلغله ایله عالمه  
ولوله براقیدلر اوردو کاهدن هند و لقره طاغیر کی چیتوب آهسته آهسته شاه طابور ارینه  
نیم فرسخ مقدار مسافه ایلر آیلین باغلیوب اول صحرای و اسعی قابلیوب اول لشکری پایا بحر عثمان  
کی چالقا نیدلر نادر شاه که بویه کونی خدادن طالب دینک جانله راغب ایدیلر فی الفور گروه زده  
پوش و تفنگ بردوش لشکری اوردو محافظه کنه تعیین ایدوب کنه ولری باله زده و اهنه  
مستغرق اولوب در تو غلغه اوزرینه منیل صادرنش و مجوهر بر سر غوج صو قننش زنی  
کیخسروی ایله اشرب کردون خرامه سوار اولیدلر نصر الله مرزانی طوب کوه توب و قبح آتش  
افتخار ایله بر جناحه مقابل و نامدار خانلری دخی اول بر جناحه مقابل ایدوب کنه و کسی دخی افواج  
قرین و مبارزه عرصه کین و طوبخانه برق آیین ایله میدا نبرده عازم و جا سپار لقه جازم اولیدلر  
بیت زبس تعداد لشکر سیکر بود سر انگشت کواکب خورشید بود بیرون رفت از هجوم صف  
کشیده مرز بر همزدن از جنگ دیده شد از آمد شد مرد سپاهی غبار خرمس مه کاو ماهی فلک  
چند که دامن دد کشیدی سرانچ بنوک نین دیدی نر ایکی بحر خوشخوار بر برینه در کار اولوب  
نچه سروردرک سر برین پایمال مراکب جلال و نیچه کشتی بندگانی ایله بیحال ایتیلر دلاور تر تیغ انتقا  
نیامندن اخراج و نیروی جلادته دمای اعدای انزهار و اعدای تاراج ایدوب سنا جانستانه  
سینه دوز و خندک تیر آهنگ ایله جگر سوز لقدن بر دم قدم چکیوب تیر و تفنگ ایله  
آتشین تند و تو اتر ضروب ایله حروب آلاتنی کنه ایدوب صدای طبل و نفیر و غلغله صغیر و  
کیر عالمه ولوله انداز اولیدلر کترقا سسوه فرناد و غریب ایله طولیدلر بیت اولوب شمشیر آتش  
وشن فروزه لباس زندگانی اولری سوزله چوغنی خاکه هلاکی بستر ایتدی چوغن تیغ  
آتشنی خاکستر ایتدی قضایه و یریدلر آخر رضایی در اغوش ایتیلر تیر قضایی اجل ساتی  
بیک اولوب اراده صونزدی خلقه طولو طولو باده نر سپهرک دامننی خوک قتل ایله کله اولری  
اول واسع فضالاشه لایخصی ایله طولری طرفینک جنگلری مانده فرخفته جو قیامتله قوروب



یکی جانبدن تحریک زینک و تیر و تفنگ و ترتیب مقدمات جنگ ایله صدای طوب جانستار صدیه  
گردن غلغله انداز هفت آسمان اولوب جانبا زلف آهین بدن و برهوانا ترستن برینه حله و شانه  
اجل تیز رو جان شکارینه القای پیجه ایتمکله مردی عکس غوطه خود بحر خطر اولیدلر پیجه دلاوری  
سرری طوب کبی فم چو کمان قوایم اسبانه غلطان و پیجه کشتن دوسه سیب کبی دریای خونه  
سر کردی قالدیلر هر ماشه که تفنگه سوار اولوردی بر چایک سوادری وار لوی مرکبند پیاده اوردی  
و هر طوب اژدرها کسی که آتش نشان اغرنی آچردی زبانه شریکه خشک و تر عالم وجودون  
القصة ابتدا ظهر دن التي ساعت انقضاسته و ارجه طرفین دن دلاوری سیروشن مانند مستان  
مد هوشی برین در اغوشن ایدوب لب تیغی در بیغ مخصوصه ایله میاوسه و شیت در شیت  
بازوی مشاخره ایله معانقه ایلیوب نایغ حرب و آتش طعن و ضرب اشتعال بولوب ناچار  
ساختن و صف حال ایلدی و روی زمین سواره پیاده نیک کردن از ازلت تفسیرینی سولدی  
سغیر تیر و تفنگ شرباق ناقب صداسنی جان قولاغنه اولاشدردی سنا جانستار تیغ پر تو فشا  
برق خاطف کبی کوز قاشدردی بیت علولندی چو آتش رزم و کس بویاندی قرن قانه روی  
زمین تو تنن طتولری جهرانک یوزی تیری کوزم اولدی کواکب کوزی قرادری قراطوب کبی  
مرز و ماه فضای جرها اولدی چون شب سیاه سکولر کایدردی بدنن کز بدن خالبر اولوردی  
سربسرت طولوب باشن و لاشیله جای مصاف اولوب پشته پشته چو کوه قان  
ایاق باصفه یری قالدی ملک یا کله یا کوده یا تیر و تیر نه چونکه اولدور لری لهاله کبی جوانب  
اربعه دن احاطه اولنوب نادریا هر طرف دن هند و لک متر سیرینه هجوم و هر کس دن ایصال رهنه  
هیت لرزم ایتلریه لشکر هندیان سعادست اعراض ایدوب همانم هند و لک ارقام قیاملری متر لزل  
و اخت بختری خوسته متحول یکپاره جانب انزنامه شتاب اولیدلر سعادست و برادرزاده سنی شاد محض  
یکسی معارفیل هو دهنده اولمغه برابر طتولیدلر سار هو ایسنده اولان اقربا و اتباعی زنده کرقار  
ایدوب شاه حضورینه کتوردیلر مدار سلطنتی اولان سپه سالارها دور ز فخر اولوب اوغلی ایله  
قرن انشی مظفر خان دختکش و ادی عدم اولیدلر بر آخر اوغلی میا عا شور خان حیاتد کتیک اولدی ایتسی کبی  
خان دور اول زخم علیله تسلیم روح ایلدی و سردار خاص اصل خان و شاه خان افغان و یاد بکار خان  
و میر حسن خان و اثری خان و اعتبار خان و عاقل بکنی و احمد خان ناما امر او عظمی یوز  
نفره قریب لشکر ایله فلاح وجود لیس عا عدمه صالیدلر و الی الابد اول دریا بیگانه قالدیلر اول حال

بهر احواله او تو زینک نفر مقداری خواص لشکر دخی زهر ب نوشن شمشیر خون آسمان و نهایت سز خدمت غریب  
بحر ازدحام اولوب و تعداد و قیاسن بیرون کسند دخی حیاتا گرفتار اولیدلر پادشاه وزیر اعظمی اولدور لری  
خان نظام الملک و سار خواص دولتیله اوتاغ اولکنه عکینه تقویه و ترغیب ایچون اعلام  
صوت ایدوب تسویه صفوف برله طور در ایکن پریشانلوی وقوعه بردخی نصر تیاب اولمقدن  
یاسن و مرما ایله اوتاغنه رجعت ایلیوب زینک تحصنه تشبث ایلدی کوه سیکر فیلد و نهایت سز فرینه  
و طوبخانه پادشاهی و غنایم نامتالی و بالجه اولدور و اها لیسنگ مرده و زنده سینک الحه و اسباب  
و احوال و انقالدینی نادریا حوزة تصرفینه اذخال ایلیدلر عصر تنگه عرصه معرکه سپاه هندیان دن بو شانوی  
اجساد کشتگانده مشحون قالدی نادریانده بو فتح و ظفر نیایا اولدقه محمد پادشاه اوتاغ اطرافنه عمیق  
قازیروب مورد چل و مترس و طوبخانه ایله استحکام و ایدوب کندی نفسنی محافظه یه مشغول اولدی نادریا  
محمد پادشاهک احواله خیر اولدقه کندی دخی دست کسی اوله جفنده اشتباهی قالیوب پادشاهه بر  
تقیسی دوا کوردی لشکری کوه چلوب سر کرده لری چاغروب اوتاغک چار اطرافنی ضیلی مسافه فاصله رده  
سد و بند اولنوب فرار یولدی حکم کیلیوب نهایت حاله مترقب اولنه اما اوزر زینه و اریله دیو حکمتینه  
ایلدی بو پیجه قهر و غلبه دن صلک عکسده انزمام وقوعه خفا ایدوب حزم و احتیاط ایلدو کندن  
ماعد او جو پادشاهه آهاد ناسدن برضارت و یا اوتاغ و فرینه کسند غارت اصابت ایتماک ایچون  
هند اوزره اولدی عا کرب المأمور واروب جوانب اربعه یی حکم قوشا دواب فراری اوزر زینه سید ایدوب  
او توریدیلر محمد پادشاه عاقبت کاردی اضطراره منجی اولدین بیلوب قضای مبرمه رضادن غیر یی بر طریقی سلیم  
ارباب دولتنی باشنه عو ایدوب تحت هندی نادریا هه تسلیمه رضاداره اولیدلر دام حیرتن خلاص و دور  
مختدن نجاته جای مناصتاه اوتاغنه قدومدن غیر یی چاره بولایوب نادریا عالیجی قی و مندن آگاه  
ایتک ایچون ایلر و آدم کونردیلر سلطنت خلعتنی بر اغوب و سرور لک تاجینی آچوب وقعه مزبوره نلک او  
کونی رجا ل دولتیله رهنه سوار اولوب و عاید هند اوزره اولیدلر قوروب نادریا هک اوتاغی جانینه  
اوبراه اولیدلر نادریا هه بو معاند آگاه اولدقه شمرزاده نصر الله مرزایی جمله امر او عظمای دولت ایله قان  
کونرو ب اولدور و کاهک خارجه دن اول شاه فرخنده خصالی استقبال ایلیدلر بیت خیر مقدم دن اوردی  
خاص و عام اولدور و اهلی قادش و عقیدلر تمام خاکباین او پیدلر اعزاز ایچون جانستار اولدی پای انداز  
ایچون نر شاه دخی اوتاغنه خدام خاصیه حاضر آماده پادشاهک قدومنه مترقب اولیدلر محمد پادشاه اوتاغ  
بیشکاهنه وارد اولدقه نادریا دخی اوتاغی خارجه مزیر احتیاط ایله خرام ایلیوب جمله هاند او کجه پیاده

۱۸۵



وسوار اقامت و ظایف خدمتہ دامن در میان اولوب زو ۱۶ اولیدر او تاغ او کزنه یکی جانبدن از دحام تمام ایله  
صفر بغلوب آیین پیشیناری اوزره سلامیوب شاه قولینه مراسم تو قیرلین تو قیر ایلیدر اول یوم  
سید کویا که روز عید ایری که قریب و بعد ایاق اوزره کلوب او تاغ شاهن منتزهای اوردوینه و ارجنه  
اول و اسع فضا خلیون ایله ملامال اولوب محمد پادشاهک دارا و ذاتنی مشاهده صغیر و کسین منتزهای اول  
اولدی اول بارگاه یکی پادشاه عجمی هک ملاقاتیله ضیا پزیر اولیجی بربرینه ادای مراسم آداب سلطنته رعایت  
دقیق اولوب سلامشوب ال طتوشوب قانون شاهی ده اولاره و دریم ده اعزاز و اگر امه مراعاته  
تلفیف یوزدن اول هیئتله او تاغه داخل اولوب سینه والاده او توردیلر و هله اولیده ممالک هکستانک  
کللی زمام اختیارینی سیرک دست تصرفله و دیعه اولوب بو کونون بویله پادشاه هند کزلر سزیدر کلر  
نادر شاه صحبتی بشقه راهه سو ق ایروب او کون یکی خاقان مرمان و میر بان بر مقدار مصاحبتن صلح عظیم  
ضیافت ترتیب اولوب خدام مجلس دلار پادشاه هندن تحریک شو ق و نشاط و استیجاب انشراح و اسباب  
قصیده آینه جام کل فامه نگاه انداز اولارینی نیاز ایروب مفرق قوای نفسانیه و محرک شایقه و دروغ  
غم و مانع السملو داعیه سیله کیت کیت سیر صربایی میدار غبته سو ق ایلیدر اول کون یکی شاه آند  
ملو گانه زوق و صحبت ایروب وقت ظهر منقضی اولدقه قالقوب کنی معکری جانبنه فرام اولیلر  
اوردویلی محاصره به مأمور اولان عساکر لرندن حرکت ایتیب لهن اول حال اوزره قالدیلر ایتسی کون  
اول محله آرام ایره میوب بارگاهنی حیمه و فرکاهنی قالدیلر و پادشاهک او تاغنه قریب موضعه حرب  
خیام ایتکلله عازم اولیلر نادر نامدار اول پادشاه و ال ایبارک عرض سلطنته پاسار اولو ملاحظه  
کنه او تاغنه انزال ایروب حرم والا و مهد علیا سنی دخی بشقه سر پرده ده اسکان ایلیدر اعظم امران  
اولان عبد الباقی خان زنگنه بی برکوه خدام ایله رکاب پادشاه و الاجاهده بولوب لوازم مرمانداری و شرانظ  
خدمتگذاری به رعایت برله مأمور ایلیوب سیر و صفاده دیلدو کی وجه اوزره رضای خاطرین تحصیل  
ایلیدر بر قاج ایام مکته و آرادن صلح زی الحجة المرامک غنای اولاب پنجشنبه کونی اول محندن قالقوب تاج  
جهانگیری شاه جهان آباد جانبنه توجیه ایلیدر بر هفته اول هو الیه کشته و گزار ایروب ماه مزبورک بدخی  
چهارشنبه کونی کوکبه عزوجه ایله باغ شعله نام محلی آرمکاه ایلیدر اول کون اول یرده توقف اولوب  
حضرت محمد شاه و الاجاه نادر شاهی کرای همایوننه دعوت و تدارک لوازم مرمانی ایچو شرح مسارعت  
ماه مزبورک طقوزنجی جمعه کونی باغ شعله دن حرکت ایلیدر جمعه کبر او عظمای هند استقبال ایروب او تاغ  
بیشگاهنه دن قارنوجوق شرایب ملاقات شاهین صلح جمعه کونی اول کون دو شوب شرح کو توردیلر شاه

ایله آیلر ترتیب اولوب ابتدا باغدن دولت سرای پادشاه هنده و ارجنه عساکر بی پایا یکی طرفه دیزیلوب  
زمین و زمان لشکر بی کر ایله چالاقنوب قلعه دروازه سنه و ارجنه سلامیه رق بحر علی کبی یوریدیلر ندر  
سرای پادشاهی ده اولان خدمت و نما اسواق و سرالی ترین ایروب شاهک مرمی اولان دروازه دن درون  
سرایه دک سر تا پازیر پای سینه شاهه زرباق کر بر اقسه نغسه زیبا دیبا پای اندازد و شوب شاه  
اوزندن کجوب دار الخلافه سلاطین آل کورکانه اولان سرایه صد هزار عمر و تکسین ایله وارد اولیلر محمد شاه  
درون قلعه ده بشقه بر کرایه آرام ایلیدر شاه دار الخلافه یه نزول ایلدکه محمد پادشاه کلوب ملو گانه و  
نغتر کلوب انقضای مجلس نضک قیام احترام برله شاه خطاب ایلیدر که بو آند دن ممالک هندن  
پادشاه بن ایدم آلان تحت و تاغ و سلطنت و ابترهای فراغت ایروب بر تصرفه قصر ایلیوب بن دخی تحت  
هکنده اولغی قبول ایلدیم بوند نضک پادشاهن کسین دید که محمد پادشاهک بو کوننه عاطفت و شفقت  
انگیز نیاز مندانه طامندن نادر شاه معرفت ال ایروب پادشاهن بنه کجا مبارک اولو سلطنته پایدار اوله  
سن بو ماجرا قضای آسمانی و حکم میزیم ایدی که یرینی بولدی دیوبیور دیلر محمد پادشاه بو کفتار دربار عقیده  
شاهانه سزاوار مراسم تعظیم و تکریمه ابتداء و بو عاطفت شکرانه سنه مسارعته جانثار ایروب سبچه  
مدت نبرو پیدار و آذکار اولنک بیحد و بی حد تحف و نوادر و جواهر و زواجر و خراش و زخایر و بالجه اثاث  
پادشاهی و سلاطین سلف جمع ایلدکلری مجوهرات نامتناهی معروض عرضه کتوروب رجای قبولی تقدیم و  
دارره تسلیمه نیاز مند اولوب اگر چه بو اشیا کنوز و خراش شاهه نسبت عشر عاشر دخی اولماز ایدی زره  
و شمه مقداری نظر نه دخی دلک ایدی اما محمد پادشاه و الاجاه مبالغه ابرام و الحاح ایلد و کندن خاطرینه  
مرعاتاً مسؤلینی قبول ایروب خزانچی ضبط ایچو بیوتات تعیین اولوب معتدله تسلیم اولندی **دور ذکر**  
**وقایع قوییل لعلل هوار و صد و پنجاه و یک هجری قمری قتل عام در جهر آباد چونکه نادره عجمه و چه محر**  
اوزره هنده و زود و سلطان هندن دار الخلافه سنه دخول و سیر بر کورکی سنه صعود و بر قاج ایام زوق  
وصفای تام ایله مکته و آرام ایلدکه اتفاقاً محمد پادشاهن و یا و زرا و و کلاسنن و سائر ارباب دولت  
اصلا بر کسنه دن اشارت و تحریک اولق سرین ماه مزبورک اون برنجی یکشنبه کجه کسین هندن لردن برکوه  
عجله سو قصده یک دل و یک جهت مترصد فرست اولوب درون قلعه ده عجم خواب راحت و بستر  
غفلتله بالین امن و امانه باشن قویوب او ز حال ندره ایکن فساد تمشینه متفق ال درون اولان هندن لردن هر  
مهماندار کون مسافرینی بلا ایتد قتل ایروب قول قول سو قاقدره کوجه باشین دخی کسیروب احوال نه یوز  
ایروکن بیلوب فرار قنده اولنره هر جانبدن هجوم ایروب عظیم قتال ایلیدر ایرانیانن نجه کسنه لری تیغ نافمانی



و خیر نادانی و بیخه قهرمانی ایله زبیه قربانی ایلیدیر بیرام قناسی برینه اندرک قاینه بیخه لرک خونین  
و طر تقریر دیکس ایستیلر نادریا مدت عمر زنده بوخلیس بر بلای ناکرمانی به دوش او مغلله کیجه حالده اسواق  
آراسنه حیرت قالدیلر هند و لر سو قافله کوزه کورین و اله کیرن مجملی قتل ایله رک کروه انبوه ایله و  
شاهک فیل خانه سنی باصوب فیل محافظین کسوب اول هو ایلی دخی متصرف اولیلر بو خیردهشت  
شاهه و اصل اولده فکر و اندیشه به واروب مجرب شاه و سایر کباری هند و اهالی محلات بو واقعه  
آگاه اولور لر سه فرصتی غنیمت سیلوب و بر برینه تقویت و بر و بر قهر و استیصاله نزل مجرود ایره جگر زنه  
اشتباه یوقدر یودار الخلافه نکه درون و بیرونه مجتمع و موجود اولان تفنگچی و جرایر جیاه خدما و نمایه  
امرایه و بی فی الحال سرای دار الخلافه بی هاله کبی قاتاق قوشادوب سائر محلاته احواله واقف اولان انعام  
دخی شاه جانبه جان آتوب کتجه لکر مستوفی مجتمع اولوب هند و لرک حیل و خدعه کنن کرکی کبی عزیم و  
ایروب کوجه باشلین محکم سوب بند ایلیوب مانند خیل بخوم هجوم مدن حفظ و مر است ایلیدیر شاه عسکره  
نوازش و استمان و یروب صباحه دک صبر و ثباته تحریص و ترغیب ایلیدیر ایره کون شاه علی الصباغ  
قرمز لباسر کیوب کمال شوکتله غضبناک چاقوب خشم ایله طولوب غیظ و غضب ایله بر شعله آتش  
اولوب رخنه سوار اولی قربان شیره تازه جان کلوب هر بری بردر نه شیر اولوب کیمی خیر الوبی کیمی نین  
الصالوب جمله عسکر غریب آهس باشلر نه دمور تو غلفه مانند فیل منگوس هیبت و صلابتله شاه  
صولتی اورتیه آلوب میا شمرده و اسع الفضا اولان چار شو سچینه واروب منشأ فساد قتی محله  
اهالیسی اولد یعنی تفتیش و تفحص ایچو معتدرا دل ایلی کنه و سی اول مکانه توقف ایروب مکاره و  
منشأ و صدوری قتی جماعتن ایه و کی معلوم اولده شاه کراه انعام بر فرجای اول محلات اهالی کیک  
قتل و استیصالینه کروه کروه تعیین ایلیوب فی الحال قربان شکر سیف پر حیف ایله اول جانبه هجوم  
ایروب اسواق و بازارده تصادف ایلیدیر هند و لرک شراب شربا دست و غنوده مهر راحت ایلیله  
مباشرت ایلیدیر دار و دیار جرها آبادک هر جانبدن لکر قربان غلوی ایلیوب آتش اندازنرب و غارت و قتل و آفت  
مبارک ایستیلر کشته شاهین کبی ضعیف کورجین سوریلرینه بیخه انداز و یا خود درنده قورس کبی اغتنام  
اغنامه دست دراز اولوب مطلق العنان خلیع العذار ک فرصت بی مر و تلمر مرع و منازل و اسواق و  
بازاره دخول و قتل و بسی عباد الله و وصول بولوب قتل افراط ایله خون کشتکانن ایر مقدر و  
و فر باد مرد و زن غلفه رسا آسما اولی شکرک میانه شود محشر و آشوب فرغ اکبر بیدار اولوب جها  
آباد ایچم جاری اولان عظیم ایر ماقدر حکم طهارتن دور اولوب اول روز قیامت نشانه حقیقت زلزله آسا  
نمای

نمای اولی اسواق هند کشته ایله شویله ملو ایلی که مرور و عبور غیر مقدر اولوب بیت کشته و  
طولدی هندک اسواقی قانن قانن ارضک اعماقی نر کلب عقور کبی اول طائفه بی اما الاما الاما  
نوا سیله عذر خواها اولدره ملتفت اولیوب مصادف اولد قارین علفا شیر شیر ایلیدیر نغو زباله  
فریاد و فغان کسین زلزله انداز کوه زمین و دود مدود آه و این رسیده فکله چارمیس اولوب  
نیجه یکا هارین خونیه اسواق سیلاب خون اولدی و صو چسز لاشه لریله اورتی لوی طولدی  
مال و منالین یغنا و غارت ایله بالجه انعام سرور و خنده اولوب سینه ای سرور و صبور ایله طولدی  
بیت فکله قانغدی اول یکنانه ملک ماتم طوتوب کیردی سیاهه کورن اوضاع کردونی بود منز  
کیمک قلیله شاه اولدی کیم نر بو نکه دخی شاهک غضبلی کسین اولیوب حصول تشفی ایچو  
مرابع و منازل یغنا و شرری خراب و بیاب ایلیله ایما ایلیکه فی الفور عسکر منزلت داخل اولوب خانه  
بخانه کوشه به کوشه تفحص ایروب ظاهرده اولدرک یغنا و غارت ایلیدیر نصلک مطایر نه و بیخه موا  
مخفی و مستوری لایحسی و لایعد زخایر و بطا و انی و اباری و مجوهرات فاضل و نقود متواخره و دنیا  
متکاثره و سائر امتعه بی غایه و اقسه غیر متناهی به بولوب یغنا و غارت ایلیوب نقل و تحمیل مکن اولوب  
غنیایم لانظیر هر زباید و مصنوع و منقش آغریجه ل و بطا فاضله مقوله سی تفاریق زی قیمت و امتعه  
نقیه شاه او کنه پشته پشته یغلوب آتش اوردوب کمان لیکن افنا و اضاعت ایلیدیر باغ و باغچه  
ضرب بخاق و خیر و بیجا ایله قیروب اشجار اریس کسوب بنارین یا قوب یقوب عمارت دفعه درنه  
عالیه اساقلرها صورتی نمایه اولوب نگار خانه چیس کبی منقش سکتری زینور خانه سنه دو ندریلر نیجه  
نکه دلکش و مزکش بناری خراب و بیبا ایلیدیر طعنه زن قصور جنت اولان سر ایله صد مات دیو ملج قربان  
ایله بر قصود اولدیلر لطافته چشمه سار کور اولان هو صند فواره جوش خون اولدیلر یقوله سی قابل اولوب  
عالی بناره آتش اوردوب اهراف بالنا دایدوب کولنی کوله صا و زیدرتاب و آتش کار کیر اولوب مستحکم  
حصن و آجر ایله مشید ایلی لکر قربان عمو هجوم ایروب بالطه و قازمه و کلنگ ایله سر ایدهم ایدوب  
طاق و درواقن خاطر ایلیک ایلیوب درون و بیرون ما و ای بوم ایلیدیر جوهر با بازارینی و صراف خانه لری  
و تجار دکانین و بازار دکان او طه رینی بالجه نرب و غارت ایلیدیر قسته به بادی اولان احو و نادله هند و  
سفاقت و وقاحت و افعال شناعته به جمله اهالی بلده بی قبا حترینه شریک منزله سنه تنزل ایدوب  
جمله نکه خطه او غرامدینه و نیجه نکه عباد الله کسبی و قتلنه و معظم بلاد هند و تختگاه دولت علیته کورانه  
اولان شاه جرها آبادک بو بخلیس خراب دیبانه باعث چنار آس آتش درون ندریله کنه و رینی یا قوب شرار ندریله



چند دود ماندن دود و خشک و تری جرم و بیکنا هدرک آه دلدی افلاکه صعود ایلدی القصة قتل و  
نارست نریاتینه اجیرالی نام قلعه دروازه سی ملاصقده اولایوتاته آتشی القا اولدقه سائر اطراف  
دخی آتشی یا پشتوب دار الخلافه یه قریب چار شو جامعنه منتهی اولنجی طشتوب مناره منالی زبانیه  
نار از در بر کبی هوایه چکیلوب چخه سیر آسما آس سیر ایلکه طبقات آسمانه باش چکیلوب سنازل  
سقوطی ذر لاجورد ایله پر زیور در فوج و عالی بنار محترق اولوب چخه محلاتک بیکناه اهالیسی دخی صغیر  
و کیم عرضه شمشیر اولیلر هنگام طلوع نیر اعظمن زمان غروب به دک بو شو دوشراک شعله زبانیه سی مت  
اولوب کند و کوب و زفت و رووب و قتل و غارت و نهب و خسارته اولدق تقصیر قلمدی هنگام شام که  
لکه کوب جنود قاهر دن اول بلده معموره تک نصفی مقداری جای زنبور کبی عمارتن دود و خورد و  
بزرگ شردن اولتوز تک نفر کشته علف شیر شمشیر اولمغه لباس زن کانی که مهبود قالدیلر چاره نادر  
حضورینه دخول انجی مجال بولوب نظام الملک و قرالین خان و ساطیله بقیه اهالی یه فریاد رس  
و شفاعت خواه خلاصیچو شاهه خاکبای اولوب جیسین نیاز و تضرعی خاک مذلته نهاده و سوره  
قلوب کوچ ایله تیر نیازی هدف مقصوده اصابت ایدوب دجا و نیازی قبوله قین اولدی آتشی هانسون  
غضبش فی زلال عفو و بخشش ایله منطقی اولوب غارتلر نهب و خسارتن ال چکوندر و بالجله  
ایادی لنگر ده اولانسون و اطفال اطلاق و صاحبدرینه تسلیم اولسون دیون ایتردی کویا زمانه اول  
شهر زیبا و بلده دعنادن بر امر کوزی دفع ایچون اول طائفه تک مسکن و منازل و سرای دلا درین بر مقدا  
سیند بخورد ایلدی ایقاظ فسته ایدوب فیل خانه لی با صوب فیلی در کسب منشاء اول اعظم هان  
وزیر اعظم قرالین خانک دامادی سینه یاد خان و شهرسوار خان اولوب فیلی آلوب بر گروه نکتی هندو  
ایله خارج هصارده بر محله تحصن ایلد کبری شاهک معلومی اولدقه اعین دولت کور کانیه دن عظیم الله  
نام کسته یه خطاب ایدوب وارم زبور لری حضوریه کتور دیر یلر خان مشار ایله ناچار اولوب انواع لطاف  
الحیل ایله مر قوملری صفنا قن مقار مقده بدل مقدر ایلوب عفو اولنلرینی تعهد ایلدی اول دور  
دو نوب یل زلی دشمن و اوزدرینه مورد نفرت او شمشیر بیچاره لرا که چه اظهار جلادت و بر مقدر مذنب  
حرکت ایلدیلر بالاخره یاشته دو شوب حضور شاهه کل کلر نه جلادی امانت امر ایدوب مر قوملری در تیر  
نفر اتباعیه عرضه تیغ تیر ایلید و قایم ایام سرت انجام سوزا در واج دختر سکه اختر محمد پادشاه  
والا جاه به شهرزاده نصر الله مرزا چونکه نادرین کسل سیال کبی شهر طولوب و اهالیسی وجهه  
اوزده مغلوب و مغلوب اولیلر دوزلری قیامت افزوز و یلدری پر و یل اولوب هر کس بر نه قرار و غیر خدا

ایله حیران و ادبی افکار و پادشاه و بر جالی عجز و اضطراب لری بیدار اولمغین ناچار پادشاه بکانه آغاز  
ایدوب اردکان دولتیه عقد مجلس شورت ایلوب بو واقعه مشکله تک چاره سی و بونا ناله هائنه تک  
تاریک و بودردک در مانی و بو خوفک اعافی ندر دیو چاره جو اولدقه وزیر بر تبریح فتح باب تقریر ایدوب عساکر  
انجی تک نریاتی یوقدر و شهریزک خلقی مقاومته عاجز و قوتلرک و سائر ارباب کادزارن حرکتی حرکت  
مذبح او لشدر بعد ایوم صافه یه مجال مجال اولوب اعد ایسه قهر و استیلا یه مفتوح و اهالی  
ولایتن بقیه السیوفک تثبت و صبر و سکون لری کتر و حال لری بدتر اولمشدر امدی صلاح جو انب  
وسلامت عواقب بودر که مقتضای حال ایله عمل و ترک جنگ و جدل ایدوب دشمن غالب ایله مدارا  
و تحصیل رضا و حرکت عاقلانه و تواضع حکیمانه و اغراض ماجر ایلوب یاریس ابترا چ و سرور ایله حضور  
واروب انشاء مضاجته مصاهره حکای دخی تحکیم اولمغه مباشرت اولنوب بازار امن و مال و آسایش  
عباد الرحمنه رواج ویر مظهره دوزده نادره صدق شاهانه کزی و دختر سکه اختر قانته کزی شاهک اولغی نصر  
مرزایه نامزد و همسرایوب قلمرو ملک و ملت شراکت و دولت سلطنت و عشرت خلافت یلکه اولمغه  
نیچه تک مسلمانک قاندری مصون و محفوظ و جاه سلطنت بویله بر پادشاهک استظهار ایله روز روز  
افزون اولمق اهم اولمشدر باقی سزا علم سزیدیلر پادشاه بودر ایلی استصواب ایدوب ایتدی کون علی الصبا  
حضورینه واروب انشاء مکالمه ده دمر و ایما ایله مافی الضمیرینی شاهه اعلام ایلوب دولت خانه سته  
عودت ایلکه شاه بر قاج نفیر معتبر خاندن محمد پادشاه حضورینه کوندروب مخدومه سپرده کور کانیه تک  
شهرزاده نصر الله مرزا ایچو خطبه سن الوب اسباب و ادایش بزم سرورده مشغول اولیلر جول نام ایدوب  
کنارندن ایولدیون خاص مجاز سته و ارنجه یوز تک قنیل دیزیلوب مشغله لرو قنیلر بر تویله کیمجه لرشک  
روز نوروز اولوردی کوند زلر کوه بیکر فیلر و فیل منظر جاموسلر و آردر مراتب ارسلاندر و صاحب صلاح  
ببر و قیلاندر بر لر یله کوش و جنگ ایدر لر ایدی تا بر هفته بو منوال اوزده کیدوب ماه مزبور ک یلری بختی  
یکشنبه کونی محمد پادشاه عواما کر شاهه دعوت و ضیافت و بالجله طوایفه نوازش و رعایت ایدوب  
انتضار مجلس نصلک اول سلسله علیه تک آداب و آیین لری اوزده شهرزاده نصر الله مرزا حضوره دعوت  
اولنوب مرو ایدوب و اصناف جو اهلر ایله مزین بر قفطان الباس اولنوب و نیچه قطعه کرا بر بالاس  
و جو اهلر ایله مرصع الحافلو اوچ زنجیر فیل و بشن دامن مزین ایر لو آت بخشش کسیمه پیشگاهنه کتور  
ماه زلی الحجه تک یلری التخی کیمیه قلم سعیدین واقع اولوب چند روز عرضنده خرایس صابطلری مخدومه مشا  
الیه انک اخذ جهازینه مأمور اولوب اول قدر بری و بحری معدنیات و ظروف زرین و کیمین و جو اهلر تین



و اسباب مرصع و اجناس نفیسه اخذ و ضبط ایلیدرکه محاسب او هام و دفتر نویش افهام <sup>اصفا</sup> حضور  
 عاجز اولدیله اول جمله دن بری تحت طاعت ایلی که کوز کیکاوس و خزاین دقیا نوس آند مکرور اولدی  
 جو اهر شاهو اریه یوز کورچه لک اولمغه شایسته اولماز ایلی هندستان پادشاهلر دن سلاطین سالفه  
 ایامنه تحت مزبوره صرف اولان اعداد جو اهر ایکی کور و هند اصطلاحه هر بر کرور یوز لک و هر لک یوز  
 عد دن عبارتدر که بقدر جو اهر ایله اول تحت مرصع و مرصع اولمیشدی کذلک تعداد و تبیان دن خارج لای  
 غلطان و مالکهای رخشان مخزن دولت ندریته به متقل اولدی که ملوک پیشین و سلاطین سابقین  
 خزینه لر نه نظیر لری نامسبوق ایلی اول انشاده زکری بقت ایلی سعادت خاندان دولت کور کانیته ارکانه  
 غایت ایله غیور بر مرد جسور اولمغه نادر شاه بکونه استیلا و غلبه سنی هضم ایله میوب غیر تمدن صبر و  
 دخی قراری قالیوب تاثیر نمودن حتف انقه و فاق ایلی شاه جانن دن خزانننی ضبطه محصله تعیین و اول  
 اولنوب سجد و بی نریای امتعه و اسلحه و اقشه و مجوهرات و آت و بٹا و فیلان کوه توپ و سایر اسباب  
 بیکر اهند و ضبط اولدیغدن ماعد ابر کور التون که ایرق اصطلاحه بشیوز نیک توپا اولور بالجله نادر  
 شاه خزانه سنه نقل اولدیله و اطراف و کنافه اولان دور و نزدیک امر ای هند دن هدایا و پیشکش  
 نامنه حضوره احضار و خزانه یه الحاق اولان دنایر اون بسش کورده بالغ اولدی و سایر خزاین و جوهر  
 و اسباب کادخانه و اساس سلطنت مقدار خطیر که حوصله تحیر دن فرزون و بیان و تقریر دن بیرون ایلی  
 بو بخش پادشاهی نظیر کردون سیر بر خزینه دار لرینه تسلیم اولدی و شاهک مقربلر دن مصدر خدمت شایسته  
 اولان رؤسا و عظمایه هر بر نیک شایسته شایسته انعاما عنایت اولنوب و عو مالک کور شاهه و ملازمه درگاهه فرزا  
 فردا محمد پادشاه خزینه سندن مواجبلر حقیقوب رعایت اولدیله اوروی سپهر احتشام خورد و بزرگ و خوا  
 و عوام اول انعاما علی مراتبهم بینلر نه تقسیم و توزیع ایلیوب ادنی مرتبه نفره یوز و بیست التون اصابت  
 ایلی شاه دخی عساکر ظفر یا وره خزینه جود و کجینه احسانن علوفه و بخشیش عنایت ایلیوب هر فرد  
 نصیبنی آلوب بالجله اهالی اوردو جیب و دامان آمانی التون و کشدن مالامال ایلیدر بو وقایع نضک  
 نادره بلاد هنده استیلا و غلبه سنی اشاعه و اعلان ایچو بلاد ایرانک کلک سنه فتح نامه و ارقام مرصع فرجا  
 ارسال ایلیدر که اهالی ایرانک جمله سندن اوچ سنه لک مالو جرات و سالیق و سایر تکلیفات رفع اولنوب  
 مدت مرقومه ده امن و آسایش ایله اوقاتلر گذر ایدوب دوام دولت شاهیه دعایه اوله لرامه  
 صفر الحیرک اوچین شنبه کورلی نادره خسروانی مجلس استه ایوب عامه کبر ای هندی دعوت و  
 ایلیوب امر او اعیاد دولت کور کانیته دن هر برینه خراج افسان و جو اهر ایله مرصع و مرصع قلیق و بجا  
 و تازی

۵۰۰۰۰  
 ۵۰۰۰۰  
 ۱۵  
 ۷۵۰۰۰۰

و تازی نژاد آتدر عنایت ایلیوب کند و ایله حضرت محمد پادشاهک باشنه بر سر غوج وضع ایوب مرصع  
 شمشیر و خنجر میانته قوشادوب عادایت سلاطین هند وستان اوزره کرور بر باجو اهر ایله مرصع بر قفطان  
 اکتبه ابباس ایوب مجده تخت و تاج هند وستانی محمد پادشاهه احک ایلیدر و بالجله امر و سلطنتی کما  
 الکاتقویض ایلیدر چونکه محمد پادشاهه مجده اهند پادشاهلنی و تاج و تخت احک اولنوب نادره نجات  
 عنایت اولن علم و سنجی غنی تسلیم ایلیدر محمد پادشاه دعا و ثنا ایوب چونکه شاه شاه الطاف بیکر ایله  
 ایکنی بردخی بیز لری صاحب تاج و تخت و سلاطین جرها میانته فیروز تخت ایلی حاله پادشاهه قول  
 اولدی اچیه ایله آلمان قول اکثر یا ضرب و تعینف خوفن کرها قولی ایدر اما بر عبید اطلاق و  
 اولدیغمر جرحتن ازل و جاکمال اطاعت و مسرت ایله قولی ایدر ز لکن نیازم اولدر که آنک  
 ایر ماغی نیک اوتیه طرفه اولان ممالک و دریای سندیبت و کشمیر حد و دندن تادریای محطک اتصا لته  
 و ارنجه تته و بنادر نام و لایانک و تابو نام قلعه نیک و سایر اول حد و دده و اقع قلاع و قصبانک  
 علاوه و انضمامیله پیشکش و هدایای ناچیزیر اولمور اوزره قبول و ضبط ایلیوب ممالک محروسه  
 ضم و الحاق بیوره سز آنک ایر ماغی نیک جانب شرقی و غربی سنده اولان بلادک اکثری غرنه و کابل کبی  
 فی الاصل خرائک ملکتری داخلن اولوب صلح هندی پادشاهلری دفتاته عسک کور ندر و پادشاه  
 دولتته نو عا ضعف طاری اولمغه مزبور و لایاتی خرائک پادشاهلری الذن اخذ و فتح و تسخیر ایوب  
 دولتتری ضمایمندن قلندر ایلی بنا علیه شاه دخی اول حضرتک التماسنی قبول ایوب ممالک مرقومی  
 کند و ملک لرینه ضم و الحاق ایلیدر و هرا اول مجلس جمله امر او اعیاد دولت کور کانیته بی حضوره  
 ایدوب پادشاه حضرت لرینه سعادت داریس اولان بند دلسنه القاسمی ایله الیتن النصیبی فخر کنی تحریر  
 کتور و بکوشن هو شریس لای نصایح صالحه ایله صدق و ارمو ایلی بیت مهر و شفقت برله اول  
 شاه جرها فتح دنیا و ثانی قهرمان تاج و تخت الکاتسلیم ایلی و فتح کورده تعظیم ایلی التقاتد  
 ایلیوب اول وقت الکاتد رفقله دیدی سوزم و اردد کما ای خلاف تحتک شاهنشهری وی سعادت  
 بر حکم دفتا مری پادشاه اول که عدلی بیسته ایت ظلم پدید ایدله اینته ایت مرصع ایت  
 عاجز و بیچاره یه شفقت ایله یکن و آواره یه استریک اوله عالم سکه رام اهل فضله ایله  
 دایم احترام ظلم و عدو عرقنی کشته ایدک عدله میل ایت بنده الله ایدک هو کجا چو ایتی  
 اهل هندی رام کند و که قل غفلت او یخوسن حرام کسه یه قهر ایله آزار ایدله ملک اهلینی  
 بزار ایدله مستقیم اوله که نعمت جلب ایدر قلبن رسمی محبت سلب ایدر ایله اخوان و اعوانه حفا



شکیم بودوران کیسه ایتمروفا... چکه بر فرده سن اول تیغ کس... یسه قان دو که ضرورت ایتمس...  
لطفه سن هر کسی شنود قیل... فته دسن دهر دن نابود قیل... نذر اند نصلک شاه محمد پادشاهک دجالنه  
عطف نظر ایوب ملک و دولته و در کیم سلطنته مناسب بعضی سفقانه نصیبی ایلیوب عامه ارکا  
دولت و ایمان مملکت و جواهر عقد و حل مجد رایعت و دستبوس اییلر تمام بیعتده منادیلر دولت...  
و مملکت ینه محمد پادشاه و الاجاهلر دیوندا ایوب هنده بر سر و دو نشاطیه اولوب و کسعت و اساط  
ایه جرها آباد بر کونه دخی اولدی نادر شاهک جرها آباده د خولندن اول کونه دکن سکه و خطبه...  
نامه اولمغه بود دفعه ینه محمد پادشاهک نامه اولمغ امر اولدی عامه امر و حکام هنده احکام  
مطالع و توزیع اولنوب نادره جانندن دخی اول حضرته جمله کسی اطاعت و انقیاد ایلیک ایچو اولر  
ازل اولنوب محمد پادشاه اولر تک دارایی اوزره کماکان متمکن و قرارداد اولدی بعده بر قاج مجلس شاه  
امور سلطنته متعلق بعضی احوال سویلشوب عهده و میثاقی حکم اییلر طوبلر ایلیوب بر قاج کون عظیم  
شکلر و ضیافتدن صلک و داع ایوب ماه صفرک ییخی شنبه کونی بادولت و شوکت شاه جرها  
آباددن رجعت ایوب باغ شعله ماه نام محله و اردو ایلیله اول بلده زیاده انام اقامتدی تمام الی  
کونه بالغ اولدی باغ شعله ماهدن دخی قالقوب سر حد هنده و اصل اولدقه اصل یولدن منحرف  
اولوب پنجاب ایر مقارنک و آنک ایر ماغی تک اوزدرینه جسیر ترتیب اولنوب عساکر اول جسیردن  
عبور ایوب سائر لره نسبت ییلاق و معتدل هوای اولان کولهاستاندر امنی ایله متوجه مقصد  
اولدیله ماه صفرک ییکری ییخی کونی جرناب ایر ماغی تک کناننده و زیر آباد نام محله ضرب خیام و ملک  
و آرام ایلیله بر قاج کون طرفنده عسکر نصفی سودن کیچکه بر بار موسی اولمغه صور دن شرت اولر  
طیفای ایوب بر وجهله و فرست اوزره اولدیکه حوصله جسیر اول کرعیو متوجه کله لطافته متحل  
اولیبوب اولدی پست شاه امر ایوب اطرافدن کیله و زور قلع و تدارک اولنوب افواج قاهره  
اول کیله ایله مرور عبوره آغاز ایلیله قرق کون تمامنده اوددو تک آردی التوب قرقی کون کونسی  
دخی بر قایوب ایله اول سودن عبور ایلیله اوته یقه ده طاغ اتکلری بولنیوب هو انک کریتی بر حده  
و اصل اولدی که شرت مرارتدن مرغ نفس طیرانن قالوب و دطوبت ده قور یوب برهلو اندن دمو  
توغلمه و زهری قرقون تنوره دونه لاهور و ایسی زکریا خا جرناب ایر ماغنه و ارنجه دکلر شاه  
ملازمت و خدمتده بولنوب اول یردن دخصت انصرافی و یریلوب ولایتنه ارجاع و اعاده اولدی حوکه  
شاهک پیشتر هاد خاطر ایوب اول ایوب که هنده ستانی فتح و تسبی ایلیکه نصلک بلاد خراشا هربار ایصال حضرت  
ایوب

ایوب منیع آشوب و فته اولان ترکستا و خوارزم اهالی سنک جزایری ترتیب ایلیوب اول سرزمینه ۱۹۰  
اولان قلاع و قصباتی دخی اللرنن نزع و تخلیص و مرآتیه تقیه ایوب کند و ممالکنه ضم و الحاق ایلیه  
بعد المشاوره اول جانبه و ادنی تصیم و ترکیب ایوب ماهردو لکر و اهل و قوف کیچیلر دیار بلخی کوننده  
امویه ایر ماغی کناننده کیر و کثیر کیلر بنا و انشا ایوب مرتب و مرتب ایلیس فرما ایلیله کند و سی دخی اوزدو ایله  
قالقوب اول جانبه توجه و عزیت اوزره اولدیله بو خبر بخارا پادشاهی ابو الفیض خانک کوشن زدی اولد  
غوطه خود بحر تحیر اولوب بر تقریب اوزدو تک کیف و کتی استیبار و کیفیت احواله اطلاع ایچون معتد  
خاندن  
حاج توقاشتی نام کسنه یی ایلی نصیب و تعیین ایوب نامه اخلاص نشایله کلوب اوزدو یه و اصل  
اولدیله جازای الاخره تک یکر منی کونی دفسوده پیشگاه شاه جم شمس اولوب ابو الفیض خا حضرتدی  
طرطنن افاده یه مأمور اولدیله کلای تقریر و بیان ایلیوب ایلی تک کلامندن و نامه سنک سیاق و سباق  
نادر شاهه خلوصی معلوم اولدق عرض اخلاصی مقبوله مقارن اولوب مکتوبه جواب نامه یازیلوب  
ملازمان درگاهدن بر ایلی دخی اکلر فریوه اولنوب بخارا جانبته فرستاده قلیندر مضرونده عالیجناب سلطنت  
مأب خانه زاده قاتی و نقاوه دودمان چنگیز خانی ارشده الله تعالی بالخیر و السداد مکر کون حاج توقاشتی  
نامه خلوص طویت ایله کوننده عرض اخلاص ایلیس سر اخلاصک مقبول اولمشر تحت شاهانه کزده  
خیریت مملکت و امن و رفاهیت ایله متمکن و بر دوام اوله سر بوندن بویله ترکستا جانبته توجه مقصود  
ضمیمه مقدمه اولور هر گاه که بوسه زواوزره ثابت قزم و اعاطر تودا زمین ایله حکرن مطیع و منقاد و فرما  
بر اوله سر فبرها و الاع کردیا مثال ایله اول ممالک و ارم مقرر در مشیت الهی تعلق ایلدوکی احوال کون  
فعله کلور و السلام شاه اول حوالیدن قالقوب اتک اعمالندن حسن آباد نام منزله و اردو اولدقه هنده ستا  
استیلا و غلبه ایوب عزو شان ایله عود تلینی ممالک رومه و روسه نامه و ایلی ارسال و بوفتو خاک خیر زینی  
اعلام و ایصال ایلیک شاهک مادلری اولوب پادشاه روم سلطان محمود خا حضرتدی تک مجلسهایوتته شایه  
بعضی هدایا ارسال صد دنده المن ناگاه بغداد و ایسی وزیر مکر محمد پادشاه جانندن عریضه و چابار و اردو کوب  
مقدار پادشاه زکی شان اسکنه توبه حضرتدی جانبته سفیر ارسال اوضان علی مردانخان فیلی بلو اس نام محله فوت  
اولوب اتباع و لواحق اولیده توقف ایوب امر مجرد ک صد و دو و دینه منتظر و مترقب در لر بو خبر شاهه  
و اصل اولدقه عسکر کللی جرنابی حاج خا روم جانبته و قرقلو طوبی بانسی سردار بلک سقو ممالکنه کفر نصیب  
و تعیین اولنوب و هر برینه اون یکی تک تومن برها جو اهر وضع آلات و اون دوت زنجیر فیل برسم ارمغان اول  
اولنوب مشار ایله ایلیله ماه دجیک یکر منی کونی جانب مقصده اعازم اولدیله و رود ایلیله باستانه کما

دست



شیرازه بند مجله ضبط و تدریس قلنان تواریخ عثمانیه ده کشیده سلاک تفصیل و تبیین قلنی اوزره  
حال فرما فرمای مالک ایراک و نادر پادشاه دولت علیه دام القرائیه تأکید مبانی مساله و مصافحای چون  
جناب تاجدار کسری داد و حضرت شهریار اسکند زهادت طرفین علی طریق الهیاد ایا او نذخیر اخیال که کسما  
و انواع مجوه هر که واقعه نسیه که برای به بعث و ارسال ایلدکی ایلچی حاج احمد خان معینده اولان اوچونک  
مقداری حشره انعام ایله بوندن اقدم دار النور زور ایه وارد و اصل اولوی اوزره اولینی بغداد و ایلی  
طرفین در سعادت اعلام اولنده شاه مشارالیرک آیین سلوکه اسلافه مغایر خلافی عاده ایلچی مومی الیرک  
معینته حد دن افزون کرده انبوه تعییندن مقصودی کند و زعینجه دولت علیه گردون توانه عرض دارات  
و احتتام داعیه سندن نشات ایلدکی صدر اعظم حضرت تکریم کو ظلمی اولیفته بنا شوکت و شکوه سلطنت  
سینه دن ایلچی مومی الیرک برشته ادوات ایچون سابقا دیو که همایونه چاوش باشی اولان درویشی کج اغالی  
مرهانه اربعین و سفیر مومی بغداد دن آلب مقدار کفایه دن زیاده اقتضای دن زاد و زواده اینی تارک  
و احضار ایدرک اوردته قولان آستانه سعادت ایصال ایلک اوزره ازال و تقسیم و انشای راهه اولان  
وزرای عظام حضرتاتی دخی اجرای مراسم استقبال صورتده قوت قاهره دولت علیه یی خان مومی الیرک  
کو ستر ملی ایچون با فرمان عالی توصیه و تصیم بیور علیه ابتدا بغداد کا فظی احد پاشا بعده موصل و ایسی  
عبد الجلیل زاده حسین پاشا و دیار بکر و ایسی حبه بی عبد الله پاشا و رقه و ایسی وزیر احد پاشا و حلب و ایسی  
وزیر یعقوب پاشا و آدانه و ایسی وزیر عثمان پاشا حضرتان هر بری و اناطولی و ایسی وزیر مکرم ولی پاشا تک  
کتی ایسی زک اولان خان مومی الیرک داخل حومه ایالتزده دورددر بستر تک نفر مسلح و مرتب اتباع و لونه آتلی  
و خصوصاً بغداد و ایسی مشارالیه حضرتدی او ن بکدن زیاده قیوسی خلقی و تمشکک نفر اتباع و هو اشکی  
صاحبی اغاری و سایر خواص متعلقانتری ایله فریح اندازعیون تماشا شایان اوله جو و جه و جیه اوزره  
کمال احتتام و دارات ایدرک اجرای مراسم استقباله قیام و هبری اغرای مسابقت ایدرک بسط خواص  
ضیافت و طرح انجن استیساس و صحبت ایله برقاچ کون سر ایلزده لوازم مرهانه نوازی به کما یبغی دعایت و انعام  
ایلدکلر نصلک انشای هر کتده اغر کسمه و سیم دخت و بساط ایله مرتین برداسب مرکز شلجام اهد ایسه اکرام  
و احترامه نزل جل همت او فی اولنه رقی یو طور مرغوب و بوا سلوب خوب اوزره اسکنداره قریب قنار  
قصبه سته ایصال اولنوب و ایتسی کون دخی اسکنداره وصول بوله جقاری مرهانه از مومی الیه طرفین اخبار  
اولنغین ایلچی خان مومی الیرک استقبال ایله قنار باغچه سنده ترتیب اولنوب بملکه ایصال و شیره کرمه و لیت  
علیه اوزره اجرای مراسم مرهانه نوازی به ابتداء اولنوب ایچون ماه ذی الحجه تک او ن برین بازار ایتسی کونی رجا

دولت علیه دن سابقا دفتر امینی شریف خلیل افندی دخی حسب الامر عالی دوت بشیورنقر اتباعیله ... ۱۹۱  
اسکنداره گذار و زک اوظان قنار باغچه سنده نصف عشا ایلزده اجرای رسم استقبال ایلدکلر نصلک طرف  
صد ارتدن کند و در توصیه و سپارش بیور لینی اوزره جانب میزده بیور یک مراد ایلدکلر نه ایلچی خان اظهار  
تبعس ایله عنانگش حرکت اولنغین اند دخی فیما بعد عدم التقای و اعتبار ایله بلا توقف طریق آخردن بملکه  
عزیمت ایدوب و ایلچی دخی بعد الوورد بسط سفر نعمت اولنده قده فی الاصل مجبول اولینی دخی خلقت  
مقتضا سنجی ترتیب و ترهیه قلنان اطعمه نسیه دن اتمک و یوغرتن ماعدا ایله وضع دست ایتدیکن  
غیری اوتنه دن برو مبتلای مرض جوع اولان اتباع و آدملینی دخی اول کونه نعمت لطیفه دن محروم ایلدن  
ناشی باعث لعن میزبان و خدام اولوب بعد الطعام محل مرقومدن دخی حرکت ایله ایلچی مومی الیرک اسکنداره  
حیدر پاشا قربنده بر سر ایه نزول و شریف افندی دخی آستانه سعادت جانبته عبور ایلدی **مورد ایلچی ایران**  
**بجانب ابویوب انصاری علیه رضوان الملائک الباری** ماه مرقوم ملک یلکرمی بشیور کونی زک اولنوب  
فیلدکلر دخی اختراع اولنان صالدر ایله ایکشر ایکشر بشکطاش طرفه امراد اولنوب بعده یلکرمی التبتی جمع  
ایتسی کونی ایلچی خان دخی معینده اولان خانده و سایر اتباع و خدامی برکون مقدم ازال اولنان چکیر یلرک  
ایتیریلوب انشای کزاده طوبخانه و ترسانه دن عظیم طوب شتکلری و زک اولنان چکیر یلردن دخی مرهانه  
ضرب اولنه رقی ابویوب انصاری اسطه سته طوغری عزیمت و حین و صوتزده قاعده قیمة عثمانی  
اوزره مقدما محل مرقومه دورد ایدر چاوش باشی اغا بالجه سرهنگان دیو که همایون و بلوکات اربعه اغا  
و کاتبیری ایله اولکنه دو شوب مقدما آماده اولنان کبرکی چفتکلر دیملکه معرونی محل دل کشایه ایصال ایله  
عودت ایلدکلر **آردن ایلچی خان بسرای صدر اعظمی** ماه محرم الحرامک او ن ایلچی سنجینه کونی قاعده قیمة دوت  
علیه اوزره ابتدا بالجه ارباب دیو که ارکان کورکی و مجوزه لیریه سرای صدر اعظمی به کلوب دیو که خانه دخی عرض  
اوطه سته و ارنجه یکی جانبته صف بسته قیام اولدقلری انشاده چاوش باشی اغا مومو سرهنگان دیو که ایله  
ایلچی خان زک اولنان کبرکی چفتکلر قالیرو بر قاعده آلائی ایله دیو که یولدن سرای مرقومه ایصال ایلدکلر نه  
ترکه بی ایتدی نر زک باشندن استقبال ایله اولکنه دو شوب عرض اوطه سته بعد الاخول جناب صدایت  
پناهی دخی قلاوی و کتخ ایلک و رئیس افندی مجوزه و ارکان کور کلیریه باب آخردن ظهور ایدوب مستصف  
اوطه مرقومه ده اجرای رسم عادی بیور دقلر دن صلک مسند سعادت لینه نزول بیور دقلر نه چاوش شکر القش  
المغه ایلچی صاغ طرفینه و معینده اولان خانده و وقعه نویسری دخی مقابله لینه اجلاس ایتیریلوب  
در حال رسم قیام اوزره قهره و طبلو بعده صدر اعظم حضرت لینه دخی مرقومه دخی نادر طله ری و یردی کی خلاصه



صدر اعظم شادایه حضرت علی وجه الانبساط استعلام خل و خاطر ایله بر مقدار الفت و استیناس در حال  
تخلیه مجلسی بر مقدار دینی صحیح خاص بود قدر زن صلح خاموشی الیه که بر مقتضای دعوت طبیعت  
حضور صدر اعظمیده اکتسابی خلعتن اظهار اعتذارینه بنا بر ابرو بان او غوز علی خانه چوقه یه قبله  
فرجه سمر کورک و وقعه نویسنه صوفه قابله فرجه قاقوم و اشیک اغاسنه قبور کللی قوم  
کورک و قرق مقداری یوز باشی و اتباع علیه خلعتن الیاس و اکا و کما فی الاول اجرای رسم عادی اولوب  
ساک اولدنی محله ارسال و اسرار اولدی **آمدن ایلچی خانبیون سلطان محمود خان اسکندر** عنوان ماهه قو  
اون بیخی صالحی کونی ایلچی خانک دگاب خسروانه یه یوز کورسی مخصوصه ازن هایو ملوکانه عنایت  
و احکام یور لغین بر معتاد قدیم دیو له هایو ترتیب و ترین اولوب اوردته قابله داخلدن دیو له خانه  
و ارنجه اصطلح عامه ملوکانه دن یکباره الماس و یاقوت ایله مرصع رخت و بساط و جوه قلقا و خطو  
و انجو اشله ییم دکه اغر کسمه لوی کرمیدن زیاده التون لجا ملو آتله و بر طاق دنی صوم صرمه کسمه و التون  
رختله بار کیز دگش فرامدن هر برینه مجوزه لوی یکیز عنایک آرام اولوب و اندرن فوقه یکلر و صولاق کیز  
مخصوص یال زلی ییم طاس و قنطوره و کرغوج و دیبا قفتاندر ایله صنف بسته قیام و آندردن ایلدوره کله  
مترقه کان و صایغ جاننده اون یکن زیاده درگاه عالی یگی لری و قرق الی مقداری قوقه و سپو کله چور  
بابی اغار و دار السعاده یه و ارنجه بلوکات اربعه و سپاه و سلمه ار اغاری و قابله خارجه درگاه معیلا یگی  
اغاسی حسن باشا و صایغ جاننده التمن نفر سراسر کله سمر کورک و کلو ییم عصا لوقا یو بی باشی اغار و قبه الله  
دنی صدر اعظم حضرتی و قیود پاشا و دفتر دار افندی و بابلیه ارباب دیو له علی الترتیب جالسین احترام اولوب  
و سایر اسباب دارات و احتیاج دنی کما یبغی آماده و تمام اولدنی ایشاده بر معتاد سابق کرهنگان دیو له یله  
ایلچی مومی الیهی دعوت و احضاره مأمور چاوش باشی اغار دنی حال اقامت اوزره اولدنی چفتلک فرجوره و ارباب  
طرف جربا پناهندن دیو له رختی و عبای ایله مین اسب خوش خرامه سوار و معیتده اولان خانلر و سایر  
اتباع و آدملی دنی داکب خیول مستعار اولوب آت میدانته ناظر متر خانه یه قریب کله کلرند ادا ی نماز  
صبح ایچون محل مرقومه نزول بعده اندن دنی وقت و زمانیه حرکت ایتیر یلوب طور استیم عثمانی اوزره یگی  
چو ربایه شتاب اوله جقلمی زمانی تخینا اوردته قابوده آتلدن بعد النزول درون کرای هایونه قدم زبارة  
دخول اولوب منتصف راهه کله کلرند علی الفقله اون یکن متجا و یگی لری دلا و زلی چو ربایه طوغری قابله  
جنبه شتاب و سرعت اولمغه صد مایه پای هو لنای یگی لری و مهابت ترتیب دیواندن ایلچی و آدملی متحیره هم اسان  
اولوب صورت توقف اظهار ایشیکلرینه چاوش باشی اغار دلا لیتله ره یاسم دیو له اولدی پخش مومی الیه

آرقه سنه یته طائفه سرخرانه مخصوص دیبایه قبله فقط زغی کسی سمر زانو سنه یتشور تشمر  
بجانه کورک و باشنه بر ذراع مقداری کلاه مولوی یه مشابه سر پوشاک او زینه بر صرمه لوی باشک دستاری  
پریشانی مثلوه و لایوب و بر طرفنه بر قاق فرخواره سنطه مصنوع سر غوج شطلو بر سنه طاقنش  
و اصابت عین بیخانه دن مولابه صغنی هیئت عجوبه انما یله اطراف راهده اولان تماشا سانه قهرقه  
فرما اوله دق دیو له خانه یه تقریب و دخول ایلدی کی ایشاده جناب وزارت پناهی دنی دو اتار او طه کسی تعمیر اولوب  
محلدن تشریف مقام صدارت ایتلمه ایلچی مومی الیه اجرای مراسم زمین بوسی یه دعایت ایدوب ادعای ایلدی  
وزارت پایه سنه بنا و شایخی موقوفه اجلاس اولدق نضک دیو له هایو قور یلوب ارباب مصالحتی کله  
تشیست مصلحتی رؤیت بعده رسم قدیم اوزره بسط خو له نعمت اولوب هر سفر یه مرطباتی طباق لایله  
نوع اطعمه نفیسه ترتیب اولنغین خان مزبور ایله او غوز علی خان صدر اعظم حضرتی سفر سنه و رفقا کی  
اولان خان و وقعه نویسی قیود پاشا سفر سنه و بر قاق معتبر آدملی دنی دفتر دار افندی سفر سنه او تور  
بعد الطعام آمین مستیم عثمانی و شوک و شکوه صاحب قرانی بی سیر و تماشا ایچون او ته دن برو جای آرام  
سفران اولان اسکی دیو له خانه یه نقل بالمکان و بو ایشاده جناب پادشاه کردون غلام و شهنشاه اسکندر قو  
حضرتی دنی عرض او طه سنه واقع تحت عالی بخت خسروانه لرینه شرفی شای شوک و احتیاج اولمغه ایتا  
صدر اعظم و قیود پاشا و حسن پاشا حضرتی دفتر دار افندی و رئیس افندی و سایر عرضه کیرمه کی معتاد اولد  
حضور هایو ملوکانه یه وضع ناصیه تحت بعده ایلچی خان او غوز علی خان و رفقا کی اولان خان و وقعه نویسی  
و اعیان و اتباعدن بر قاق نفر معتبر ایله رخصه خاکبای حضرت ج شمش اولوب شاهی طرفدن افاده یه ما  
اولدنی کلامی تقریر و بیان مساعده علیه ارزانی قلندنی مقدما کنه و یه تفریح اولنمشیکن مهابت شکوه و شوک  
سلطنت قوت ناطقه سنه باعث فتور و لگنت اولدنی رضن ناشی حرف و احد تکلمه عدم قدرتی نیایه و شاه شام  
کفتارندن غیر کلامه لب جنبه اقدار اوله میغنی شهود ارباب دیو له اولمغه نامه و هدایای شاه بی بعد التسلیم  
ایشاد حضرت صدر اعظم ایله عرضدن رجعت ایتیر یلوب یه اوردته قیویه کله که ذکر اولان یگی نفر اتکله  
زحمان ناشی فرجه امکان اولوب بر ساعت مقداری محل مرقومه توقیف بعده طرف ملوکانه دن عطیه  
و احکام اولان رختی خوش خرامه سوار ضربخانه مقابله سنه کله که کذلک زحام ارباب دیواندن حرکت قدر  
اوله میوب صدر اعظم حضرتی بر قاعده قیومه ملکن آلی و دارات ایله بیگانه دن گذرله اولنجه محل مرقومه تو  
و آرام ایلدن صلح خانه کی جاننده عناندرله اولوب یه دیو له یولیه چفتلک مرقومه عازم و راهی اولدی ایلچی  
مومی الیه کتور دیو له هدایای شاهینک دفتر دکه عینله بو محله کتب و تحریر اولدی شایخ و زنگه رسمی اوزره



التون و مینا کاری و جواهر ایله مرصع جیفه ده اولان جواهر ایکی طرف طلله ده ۱۰۰ قطعه الماس و اوزنه  
 کله ۱۰۰ قطعه الماس و مابین طلله ده ۶ قطعه الماس شکل هلالیه ۶ قطعه الماس که مجموعی ۱۰۸  
 قطعه الماس اولوب ۴۶ مثقال و ۶ نخود عیار اولمش و ذکر اولان طلله میاننده و اطراف جیفه ده  
 و بعضی مواضعه ۱۰ قطعه لعل و ۲۰ قطعه زمرد اولوب من هینت المجموع قیمتی بروجه تخمین یا لکه  
**آلی بنک غروشن نادیر** جند لهر یعنی خنجر تنی فولاد و جوه لهر دار و قبضه التون مد اخلی و قرمری قطفیه غلام  
 جند لهر و اشافی طرفی اوزنه سسی الماس و دوزده سسی الماس و زمرد و یاقوت کله ایله مرصع و اوج طرفی یاقوت  
 و دوزده سسی یون الماس و زمرد و یاقوت کله ایله مرصع و ایکی طرفینک زهری بالجه یاقوت ایله مرصع اولوب  
 دوزده سسی یون کله و اشافی طرفی قبضه سسی و ایکی طرش طرفی بر قطعه زمرد و بالجه حبه یاقوت ایله مرصع و ایکی طرف  
 یا بیه جوه محلی بر دوزده سسی الماس و ایکی دوزده سسی زمرد و ایکی طرفی بالجه یاقوت ایله مرصع و بر قطعه طله  
 اوزنه سسی الماس و دوزده سسی زمرد و یاقوت ایله مرصع و غلافنک اشافی سسی الماس و زمرد و یاقوت ایله و مینا  
 اولان محلی بری قطعه الماسی مشتمل و خورده یاقوت ایله و هر بریز سسی کله دانه اولوب اوزنه اولون دوزده  
 انجوی مشتمل اصتی ایله مرصع و بر پوشی دخی الماس و یاقوت و زمرد ایله مرصع قیمتی بروجه تخمین  
**قری اوج بنک در تیزوالتش کز غروشن نادیر** بر قبضه کشمیر که تیغینک آرقه سسی اوزنه التون ایله  
 لاهول و لا قوه الآب الله رسم اولمش و قبضه سسی آهنین و پوشی التون و قبضه و بالجه و غلافنک اشافی  
 الماس و یاقوت و زمرد ایله و کله لعلی که بر قطعه الماس دلیر ایله مرصع و مینا کاری التون طوقه و لعلی  
 قبه که بر دوزده سسی خورده یاقوت و بر زمرد و قبه نکه اشکی بالجه یاقوت و دوزده سسی لعلی که الماس و یاقوت  
 و آرقه لعلی که اوزنه پوته لری الماس و دوزده سسی یاقوت و یارغنی زمرد در قبضه نکه ایکی طرفه ایکی کل اوزنه  
 الماس دوزده سسی یاقوت یارغنی زمرد ایکی طرفی شاخدر که بالجه الماس و بالجه ایکی کل که اوزنه سسی یون امکان  
 و دوزده سسی دوزده یاقوت و ایکی قطعه زمرد و ایکی طرفنک دخی ساق و برکی تماما الماس و غلافنک باشنده  
 ایکی کل و ارد که بر سسک اوزنه سسی الماس و دوزده سسی زمرد و دوزده سسی یاقوت اوزنه سسی یاقوت و دوزده لری  
 و دوزده سسی دخی اوزنه سسی زمرد و دوزده سسی یاقوت و ایکی عدینک دخی اوزنه سسی و دوزده سسی یاقوت و غلافنک  
 اشافی سسک دخی بر یوزی الماس و یاقوت و زمرد پوته لری ایله مرصع و آخر یوزی دخی بند روی طرفی اوزنه الماس  
 و یاقوت ایله و مد اخلی دخی کله الماس و یاقوت و زمرد ایله مرصع بر دله تغییر ایکی لازمه کشمیر ایکی طرفی  
 طرفی اوزنه یاقوت و زمرد مینال ایله مرصع اولوب بری عد الماس و یاقوت زمردی مشتمل اوج کل ایله مرصع  
 و مد اخلی سسکده اوج عد طوقه که الماس و یاقوت و زمرد ایله مرصع بر دوزده سسی و قلابه اشافی سسک

پوشکله

پوشکله بند مرقومک شبکه سنده و اوج کله اطراف مد اخل و اوزنه سسی الماس و دوزده سسی یاقوت و دوزده سسی  
 مد اخلنک بری یاقوت و بری الماس و ۱۵۰ عدد کل و بند مرقومک پافته طلله سسی یون قطعه سسی اوج الماس  
 و سسی یاقوت و درت عدد زمردی مشتمل ۱۶ عدد کله وسط قطعه سسی اوج الماس درت یاقوت و ایکی زمردی  
 محتوی ۱۱ عدد کله کوچک قطعه سسی ایکی الماس و بر یاقوتی مشتمل در ۱۱ عدد کله و بند مرقومک چنگالی بر  
 مد و الماس تراش الماس ایله و باش طرفی دخی ایکی قطعه الماس و زمرد و یاقوت ایله و چنگال مرقومک  
 دیشی دخی الماس و یاقوت و زمرد ایله مرصع و **ساده التون زنجیر** و پردله نکه دخی هر کله اولون بش  
 عدد الماس و یاقوت ایله مرصع من هینت المجموع قیمت کشمیر بروجه تخمین یا لکه **التش بنک غروشن نادیر**  
**یوزنک قاشقی مربع** و طولانی یون قطعه الماس یوزنک اوج مثقال بر ربع و ایکی نخود بروجه تخمین یا لکه **بری**  
**بنک یکریمی التی غروشن نادیر** و مد و طولانی الماس تراش کتی الماس یوزنک درت مثقال درت یون  
**و التی بنک غروشن نادیر** یون قطعه منن شکل و سطح صاری یاقوت یوزنک اوج مثقال بر نخود یا لکه  
**ایکی بنک در تیزوالتش غروشن نادیر** یوزی منن شکل و آرقه سسی سطح صاری یاقوت ایکی یون مثقال  
 بروجه تخمین درت بنک اوزنه غروشن نادیر خوش رنگ و مد و مائی یاقوت یوزنک اوج مثقال ایکی  
 نصف نخود بروجه تخمین **یکه یوزنک** ایکی غروشن نادیر دفعه مد و خوش رنگ مائی یاقوت یوزنک  
 ایکی مثقال درت دانک نصف نخود تخمینا ایکی **یکه یکریمی التی غروشن نادیر** مربع و طولانی یازده لعل یون  
**درت مثقال التی نخود بروجه تخمین یا لکه** غروشن نادیر مربع طولانی سطح یا زلمش لعل یوزنک درت مثقال  
 ایکی دانک بر نخود تخمینا **اون درت بنک غروشن نادیر** مربع شکل و تعلیق خط ایله یا قادر یا زلمش زمرد  
 یوزنک **بشیوز آلی غروشن نادیر** در اولان یوز کله طرف اولوب ایچون منن شکل بیاض مینا کاری  
 التون قوطی **یوز آلی مثقال طقوز یوز التی غروشن نادیر** رتیل زلف عقار که تلرینک اراسنده دوزده  
 دانه در غلطان و ارد بر بروجه تخمین **التی یوز غروشن نادیر** من هینت المجموع مرصع جیفه و جند لهر  
 و کشمیر و بنیک و طقوز عدد یوزنک و قوطی و تیل عقارینک بروجه تخمین برهاری یا لکه **ایکوز سسی**  
**التی بنک اوج یوز اوتوز غروشن نادیر** بر نردن ماعد بر قطعه دفته دخی تفصیلا تحریر ایوب لهر طاقه  
 الته قیمت تخینی وضع ایکی آلی بری طاقه اقمشه متنوعه نکه مجموعی قیمت مقداره سسی یا لکه **درت بنک**  
**یتش بش غروشن نادیر** ره ایای مرقومه حال شاه ایراک اولوشها متلو آرتلو جلا دتلو شاه و الاجاه مشاز  
 الیهک جانب المناقب شاهانه لردن طرف دولت علیه ابری الاسترا جانینه مبعوث اولون کیف همت کیم لری  
 جناب معالی پناه اوزمت و ایانک دستگاه حاج خان حضرتینک و ساطنک ایله تمامها و اصل کلاب لهر یون مکه



و رسیده پای شوکت میر خسر و انه اولوب جمله سی قریب حسن قبول و اشعه انظار التفات پادشاهی ایزه  
مشمول اولمشه **رضیافت صدر اعظمی پاپی و ایراد رسد آباد** اوتنه دن برودولت علییه ابرقیام ایله صلح  
و مصافحات داعیه کنده اولان ملوک اطراف طرفین و رود ایدین سفر اولیجانه رسم مهمل نوازی اوزره  
التفات و اکرام اولنمو قاعده سلوکه خو اقیس کرام و دیدنه مرغوبه سلاطین عظام اولدیغنه بنا اوبه  
شاه ایراد طرفین تاکیه مبانی مسالمت و مولات صورتند بر وجه محرزه ایایی شاهی ایله وارد اولان ایلچی خانک  
اگرچه کتور دیدیکی نامه کنده شفای صدر حاصل اوله جو بر مال اولیوب و تقریرینه حواله اولنان کیفیت  
دخی شاه مشار الیهک اوتنه دن بروا صرار اوزره اولدیغی تصدیق مذهب خاص خصوص صنی تاکیه دن عبارت اولدیغی  
باشقه مقصود و مرانته مساعده اولنمو امکانده اولدیغی حلاله سینه ماده اولان دوستی و مصافحات تاکیه  
و تجدید اولنمو خصوص صنی بر قالب مستحکمه به افرانچ چون مکالمه به دخی مازون و مرخص اولیوب کن  
لهنو ز طرفین خلاف شرایط مصالحه بر حرکت ناله اولدیغی صورتیاب اولنمو مسیله سار ملوک ایلخانی  
اوله کلان نوازش و اکرام شاه مشار الیهک ادعا ایلدیکی جامعیت اسلامه بنا اولدیغی خاتومی ایله حقند دخی  
علی وجه الترقی اجرا و اتمام و دولت علییه دائم القیامک اراآت شوکت و شکوهی خصوصه کما یسبغی وقت  
اولنمو بانه فرمان لهایون جهاننداری ایله صدر اعظم حضرتینه تنبیه و افهام اولنمقدن ناشی بر موجب امر  
عالی فضایی نزلت فرمای سده آبادده طرف جناب صدرت پناهدین ایلچی خاتومی ایریه بر ضابطه عظمی ترتیب  
اولنمیس بر قرار ساقی کتخدای صدر اعظمی مصطفی اغا حضرتی بر کون مقدم محل مرقومه عزیمت و ترتیب مهمه ضیا  
صرفی لغت سیوروب ابتدا ها غلغان تعبیر اولنان جدول سیرک کنارینه بر اوتاغ عالی و مقابله کنده واقع  
لطیف و سیرتایه قریب محل دلکشایه جناب صدرت پناهدی و سار و زرای عظام و صدر اکرام اذینرو و جوهر  
و اعیانچون متعدد اوبه لر و سایاندر و زکرا اولنان اوتاغک و راسنده رفقا سیله مومی ایله ایلچی خانچون  
دخی باشقه اوبه لر تخنیم و تنصیب اولنوب و درون اوتاغ مرقوم نماز مصفوفه مطلق و زرابی مشو  
زراندر زر و طبله طبله شکوفه و انشاد و شکر له لرایه تشبیب و تزیین قلند یغدن ماعدا اینه ذکر اولنا اوتانا  
بر طرفه زر و سیم تقمه ششخاری مصنع تفنظر و صدره قریب اولان ستونته دخی یکپاره الماس مهر التباس  
کر انبره اذن ترصیع اولنمش تیرکش خوش منظر و بالجه در تمیس و یا قوت دلیکس ایله مطرز وزنه و بلصقه  
و بر الماس تنغ خود شیریک اوزره قیلنوب و جناب صدر اعظمی به متکا اولان یا صدق اوزرینه دخی بر قلع  
چفت یکپاره الماس ایله مضع التون قاقه پشتو تعبیر اولنور تفنک صغیر وینه الماس شعشع نمایه صفت  
اولنمش پاله تعبیر اولنور بی نظیر بر قبضه شیر و صنیه زینت و فریور لکن صلح ماه صفر الحیرک اولن ددی

بازار ابرستی کونی صحرای مرکز دخی انواع لوازم حشمت و اقسام مراسم سطوت ایله نمونه نمای لاله زار  
براحت قلوب و سکسویجی باشی اغایکری عدد درگاه عالی یکجری لری اوتنه سنگ نفرت و ضابطانی وجود  
باجیلر ایله و سپاه و سلی ارغاری دخی عموما چاوشان و بر مقدار نفرا تریله محل مرقومه کلوب نصب خیام  
اقامت و آرام و کبار خواجگان و درگاه متفرقه لری و سرهنگان دیو دخی میر اخور کوشکنه منتظر قدم صدر اعظم  
آصف مقام اولوب و بوخلاده چاوشن باشی اغا دخی علی السی ایلخاتومی ایرای اقامت اوزره اولدیغی  
قالیروب اوچ درت بیک نفرا تباع و آملری ایله محل مرقومه واقف کنده ویه تخصیص اولنان اوبه لطیفه به  
ایصال و در حال انلرد دخی زکرا اولنان میر اخور کوشکی طرفه عطف عنان استیصال ایلدیلس جناب صدرت پناهدی  
دخی بو ائنده سوارز و دجه دولت و اقبال و بالمر و الشرفی قصر مرقومه سایه بخش سعادت و اجلال اولوب  
و در عقب اذن دخی مقدمات و رود ایدین و زرای عظام و بالجه ارکان و اعیان و سار ارباب دیو ایله دخی کلکون  
اندامه سوار اولوب بالاده مرکز یکجری عدد چور بابی اغار و محضر اغا قوقه و سپور که لری و بالجه تفنک  
و مطر بی و محضر اغا نفاتی کجه و سر غوج و قیلان پوست و آئرنه تبر و حربه ایله پیاده و طقوز عدد سیم  
قالقاندو مجوهر رختلویین و عوما کله و دیو خلقی اولکلنده و بر قاق یوز نفر کمر رختلواندرون اغاری  
و مکتب مرزخانه و درانده مرتب و مرتب الای دهشت فرمایله مرقومه کوشکن حرکت و کمال دارا و احتشامی  
پیر و قوم مینت و طرفین راهده واقع صفت بسته مقام سلام اولان یکجری و جبه جی و طوبی نفرا تری و ایر  
کیر نگاه التفات و رغبت ایله دن سده آباد کاشانه سنه طوغری عزیمت سیوروب بو طور عجیب و اسلوب غریب  
اوزره ایلچی مرقومه بیسن نگاه تماشا انتباهندن گذران و دولت علییه ابری القرائ شوکت و احتشامندن  
برشته کوشتر مطله خاتومی ایله و اتباع و ادملرینی متعب و حیرت ایلدیلس بونون اول تحریر اولدیغی اوزره  
مقدمات عموما محل مرقومه کلان امام اول شهر ریاری سابقا روم ایلچی قاضی کری صاحب اذی و قسا اوزره  
قاضیسی اولوب روم ایلچی پایه سی اولان اسد اذی حضرتی و کتبی ایک و کبار خواجگان و تشریفاتی اذی  
صدر اعظم حضرتینه مخصوص اولان اوبه دن صحرای مرقومه طوغری صفت کشیده جای سنج و  
صدرت پناهدی پوریا و زرای عظام و درگاه عالی کله لری و ارباب دیوان و اغایا دخی مینا و شملا  
دکبار قرار و آرام ایلد لری ائنده کتبی ایک حضرتی صحرای مرقومه نیک نصفینه قریب محله دن استقبال  
و در حال رئیس اذی و چاوشن باشی اغا و ترک اول و ثانی و مکتوبی اذی حضرتی دخی انلردن نزول ایله  
زمین بوس اجلال اولدیله حضرت صدر اعظم جبه یه نگاه انداز سلام و التفات اوله رقی پیشگاهلردن  
گذارد کمال حشمت و وقار ایله اوبه مرقومه به رفعت بخش سعادت و اقبال اولکلنده سرهنگان دیو دخی



دولت سابقین و لوله انیکر چرخ مینا فام اولوب بعده تبریک قد و میرجو کونک و زرای عظام و علمای  
فخام و کون خواجگان دیوان بوس احترام و جناب صدر اعظم دخی جلوه علی مقدر در جاتیم  
نوازش بخش التفات و اکرام اولدیله جمله خفیفه اشکانه تظلی و قهر و ویریلوب و در حال تشریفاتی  
افندی ایلی خان مومی الیرهی اوبه سندن قالیروب او تاغ مرقومه ایصال اوزره اولدینی اخبار اولنمین صدر  
اعظم ایلی خان حضرتدی دخی زکرا و لنان اوبه دینه بالجه و زرا و علما و خواجگان ایله بالکمال تبحر و اهتر  
او تاغ مرقوم در وننه سایه انداز اولوب ایلی خان مومی الیرهی رفعت بخش سلام و سائرینه دخی ابرو جناب  
التفات و اکرام اوله رق مقام عالیین تشریف و زرای عظام و علمای فخام حضرتی دخی یا ندرینه اجلاس ایله  
تلطیف و در حال ایلی خان و رفقا سنی اولان او غوز عینی و سائر خانلر و وقعه نویسنی جای مخصوصه لینه  
ایله تألیف بیوروب استعمال حال و خاطر و رسم اوزره تظلی و قهر و تناول اولدقن صلح بر قاج نر جناب  
و اغوش و کوشورده خاصه و لوندت هیئت اعراب اوزره سنا با لغه آغاز ایدوب اظهار انواع صنایع  
فروست ایله ایلی خان و آد مدینی متحیر و ماظ ایلدیله بر طرفن دخی عرض شوکت و مهابت ایچون طوب و قبح  
و تفکک ایله ارا ریت دقایق و حرب و ستیز و بر جانندن دخی نغمه طراز کلبین عیش و طرب نغمات هوش  
فرسالی تیر اند تیر ایدوب تفریح قلوب میران و مرمان و تنشیط دماغ استیناس و الفت تام ایتکله  
**بیت آهن کیمی جمگده مجله چوموم دوست اولنه مبارک و دشمنده میوم نثر مالی ناطقه حال**  
ایله اشعار و ایرام قلندریغدن غیری خواص خدام اعظمن الی التمس نغمه غلمان خوش منظر دیباقت  
ویکپاره الطاس شعاع نهای مهر التباس م صبح کر و چنچر ایله مقام خدمته دست بسته آداب قیام  
و گاه و بیکاه بر طرفه میل و حرکت ایلدکجه شععه عالم تنویری ایلی خان و رفقا سینه اراش خیرکی چشم  
و باعث کزیده کی بنان اولور ایدی پس یوم مزبوره اختامه ذک ارباب طرب و نشاط و اصی بلر بود  
انبساطن هربری صنعتین اجرا و وقت ظهر و شامه اولانی کیم و ظرف و زرین و مهربانی و فغفور طبقه  
ایله بسط سفره خولوغا اولوب و بعد الطعام تبخیر و تعطیر دماغ و بر مقدار دخی صبح کرم ایله امر  
مهرمان نوازی به رعایت مرتبه نریاته ابلاغ اولدقن صلح صدر اعظم طرفدن ایلی خان و رفقا سینه علی مقدر  
حدوق مزکش رفت و بشایله مرتین برد اسب زرین لجام اهدا و اغوز علی خانه چوقه فرآجه به قبلو کوه  
و معیت ایلی ایله کلان خان و وقعه نویسنینه کزک قائم کور کله لباس و اکس اولوب کله طاری یولدن سینه  
بجفتلک مرقومه ارسال اولنمین کون ایلی خان و کون یا ندره اولان بالجه اتباع و آد ملری یوم مزبوره مشهوره  
و منظور لری اولان دارات و احتشام دولت علیه ابدی القیامی استغراب و استعجاب ایله درج های ارا ریت

عنان کرد و عود و ایاب اولدیله ضیافت قبوله پاشا بالچی ایدوب در ساحلی نه براریته دولت علیه دائم الاستر  
طرفه تجید صلح و مصافات و تمهید مساله و موالات ایچون وارد اولان سفر ایله اجرای مهرمان نوازی به  
مراعاتاً التفات و رعایت اولنموی داب قید دولت ابد قرین اولوب و مقدمات طرف ارا ریت ایله و رود  
ایند اغوز عینی ک بر سینه دن برو آستانه سعادت اقامت و طرف میری به بلا موجب سبب انواع اتلاف  
و اصناعت اولمشکن نادره طرفدن بالاده زکریان اولدینی اوزره تکرار ایلی بعث و ارسال و اسلافه مسبو ق  
اولین و جهده معیتته در سیک مقدری آدم تعیین ایله بو کونه تکلفات اختیار اولنموی سبب ملاحظه  
ضمنده اولموی احتمال و ایلی خان مومی الیرهی تأیید مصالیه به دایر رخصت کامله دخی مأمول و بلکه بلا شیره  
و اشکال اولمقدن ناشی بر وجه محرر قاعده قدیمه مقتضایه و کله سلطنت عظمی طرفدن ترتیب ضیافت و نادر  
شاهک اوتنه دن برو مقصود و مرای اولوب مساعده و اسعافه امر ارا ایلدی تصدیق مذهب خاص  
خصوصه طرف دولت علیه دن ایراد اولنان اعزاز شریعه ایلی خانک دخی قرین سامعه ازغانی اولوب  
و کله و نکه دخی کیفیت رخصته بنا و آخر الامر بسط و ایراد ایدوب کله کله ایله معلوم اولدقن صلح  
شرع انور اوزره جو ب و ویریلوب قطع ماجرای قیل و قال و اسکات و الزام قبول ایلدی صورتده  
وقت و حال اوزره عمل و حرکت ابتدا اولنموی ایچون زکرا و لنان ضیافت جمعیتنه علمای اعلام اذیندن  
بر قاج محل و عقد صاحبی فضائل نصاب بولنموی خصوصتی تنسیب و استصواب اولدیندن ماعدا ایلی خان  
طرفدن دخی مهرماندار و ساطیله صدر اعظم حضرتینه پیر پی خبر ازال و شاه طرفدن مأمور اولدینموی خصوصتی  
مکالمه ایچون بر مجلس ترتیب بیورلوق مستعد ایدوب التماس و اخبار اولدینموی بنا ماه صفر الحیرن او کطنه  
حالاً با فرما عالی قبوله دریا اولان مصطفی پاشا حضرتدی طرفدن ساحلی نه براریته ده بر ضیافت ترتیبه مبارک  
و علمای عظامدن سابقا صورتوم و حال امام اول شهر یاری صاحب افندی و رودم ایلی قاضی کمرکی استغ  
و نیلی افندی و مقدمات طرفه بعث اولنان عبد الله افندی و خلیل افندی و رئیس الکتاب راغب محی افندی  
حضراتی محل مرقومه دعوت اولنوب و ساحلی نه مرقومه ده واقع قصر دلکشان طرش قیویه و ارنجه بالجد  
ترسانه عامره دهالی و قالیون قابود اندلی و قبوله پاشای مشار الیرک اغاری و بر قاج بیکه قالیون نقراتی  
جایجا تصفیف و تنظیم اولدقن نکره ایلی خان دخی بر قرار سابق معیتنه اولان خانلر ایله اقامت اوزره اولدینی  
بجفتلک ک قالیریلوب ساحلی نه مزبوره به ایصال اولنموی ایکی جانبه هواله نگاه امعا و اعتبار و دولت علیه  
آداب و رسومه تحسین هر ایدوب ایدوب درون کوشک قدیم نهاده و صلوات و زیر مشار ایله و علمای  
اعلام اذیندر و سائر لری قیام و منتصف قصر مزبوره رسم استقبالی اجرا و تمام ایله دریا به ناظر صدر در طرینکی



قبول پاشا و جانب سراسر ایلی خانه علی وجه المساوات جای نشسته و آرام اولای پس ابتدا اجرائی  
مراسم عادی خلافت کاه مرتزخانه و کاه انواع ساز و سوزینه تفریح مزاج انش و الفت و طرح مجلس صحبت  
و کریمت اولنوب بعده ایلی خان علمای اعلام اذینده خطاب ایله دهنگشای گفتار اولوب لله الحمد و المنة جمله  
اهل اسلام و پرستگرن امتی اولیغمره بنا علمای عظام اذیندن رأی و امر ایله حرکت ایلمک لازمه حالین  
دیو بسط مقال حیلله آثار ایلمکده زکرا و لنان اذیندن امام اول شهر یاری صاحب محاذی و اسعد اذی  
حضراتی بالاتفاق ناطقه زیر گفتار صواب اولوب فی الحقیقه شریعت مطهره عالی و مقتضای شرع شریف  
اوزره عمل و حرکت ایلمک عامه سلینک فریضه زمت و حالی اولوب و اوتته دن بروم بوط میانه سلین  
اولان رشته تحاب و تواد بلطف الله تعالی کتجه پذیرای متانت و استحکام اولمده دردیو جواب ویردیله  
و بو خلاصه بر مقدار دخی افاقی صحیح اولنقدن صلح ایلی خان لکر تخلیه مجلس التماسنه اولیغمره استمارا تطلعه  
بعد التخلیه ینه کلامه آغاز و مباشرت و وزیر مشارالیهک یا نته هیبندن فارسی اولوب اوزره بر رقیمه اخراج  
و شایهرا مرام و مقصودی بو کاغده مسطور و دروننده مذکور اولان خصوص صلدن حصولی مطلوب  
و مامولیدر دینه زکرا و لنان رقیمه کی کندی قرائت ایله استجواب ایلدی رقیمه مرقومه نذک مفهومی  
اوتته دن برو شاکک اصرار ایلی کی تصدیق مذهب خاص خصوصی اولوب و بو امر ک اسما فنه مساف  
شرعی اولمغه مقدما بالاتفاق بیاید اعدا شرعیه ایله التماسنه مساعده امکان پذیر اولیه بعض طرفلینه  
انها و اعلام اولنیکن خصوص مرقومه قطعا حواله سم قبول و اصفا تیموب کالاول بار جای مرکز  
اصرار و آنچه ینه ماده مرقومه نذک اعتبار و اسما فنی استعاضنده مخصوص ایلی ایصال ایلمکدن مقصود  
و مرای معلوم و ایلی مومی الیه دن بو آتته دن مامول اولنان تمثیت مصالحه و مسامت کیفیتیه  
پذیر حصول اولیه جنی بود دفعه ایراد و ابراز ایلی کی کل سقیمه و رقیمه غیر مستقیمه دن مجزوم و مفهوم اولوب  
لکن بر مقتضای وقت و حال سفیر مرقومک جرحه آمال و استعاضنه حواله دست دوازده قلندری  
حزم و احتیاطدن دلا اولیغمره غیر ایلی نیک ادعا ایلی کی جامعیت اسلامه بنا کندن طرفلندن ممالک  
محرکه پادشاهی به اطلاع ایادی ظلم و اضرار اولنقدجه طرف دولت علیه دن قطع بیخ عناد و اصرار لیکن  
شمیر اقدار اولنوب مغایر شریعت غرآ اولمقدن ناشی ایلی خان مومی الیه بود دفعه دخی اسلوب حکیم اوزره ایراد  
کلام اولنوب دولت علیه اذینده هم مویدی شرع شریفه تطبیق ایله دن عمل و حرکت مجبول و بوسبسته اوتته  
برو دشمنلینه غالبیتله مفظور اولوب و لله الحمد و المنة لهر نه جانبه سوق اعلام غزا و جهاد ایلمک لازم  
کله مظفر و منصور اوله هلدی کی سین الانام متواتر و مشهور و بو کیفیت کتب تواریخ کج جمله کنده مسطور  
و مذکور

و مذکور و بوندن بویله دخی شرع قیوم و طریق مستقیم بر خطوه انحراف عیدیم الاحتمال اولوب و سزاردخی  
اهل اسلام اولوب حسیله بر مقتضای اتحاد دینی حقوق سلیننه رعایت و شریعت مطهره حضرت رسول امینه  
متابعک جای اشتباه و اشکال اولمغه ان شاء الله تعالی فیما بعد طرفین حصولی مامول اولان مامول کلینی  
بر مقتضای شرع انور اوزره صورتیاب مجالی حسن اختتام و طرف دولت علیه اید قیامدن هر حاله کرام و رعایتکده  
اهتمام اولنور دیو جواب ویردی پس ایلی بو کلام عبرت بیانی استماعله سزاردخی شرع شریفدن کرموا انحراف  
ایموب شریعت مطهره یه رضاداده یوز دیو تصدیق مقال ایلمک نضک جانب آخره سوق کلام اید و ب الحاله  
بزر بو طرفلده وصول بواله لی الی التمس کونی متجا و زوشا هر آن عود و و در برز منظر و مترقب اولوب و کیمیه  
بو جانبده شیوع بولان کازیب و مخترعاتک اول طرفلده دخی سموع و مذکور بلکه دخی زیاده متواتر و مشهور  
اوله جنی امر مقرر و میرهن اولمغین بوندن نضک سزاده موجب فحالت اوله جوج بر حالت صد و رندن اجتناباً  
بو خلاصه عود و انصر ایفمزه مساعده بیور مدنی صورتده باری شایه هر طرفه چهار رسالی لازمه حالندردیو  
بسط مقال ایلمکده سزاد هر و جمله مطیب الخاطر جمع و انصر افکر کیفیتی دولتو اولیای النعم اذیندر  
دخی مطلوب و مرای اولوب لکن بغداد و ارضوم طرفلندن بری طرفلندن اختیار اولنقد نضک ترتیب مالزمه سفر  
و مرکز ایچو البت قرق الی کون مقداری دخی تو تفکر اقتضایه کلی اشکاده اولمغه شریک ایراد ایلی کیمیه  
بنای شاه حضرتینک شنبه لینی دفع ضمنده بو انشاده طرفلینه چهار رسالی خصوص طرفلندن دولتو صدر اعظم  
افاده و التماس اولنه مساعده و اسما فنی یوره جقدری جای اشکال و اریاب اولیوب بلکه بو معنادن  
و مخطوط اولور دیو جواب ویریلوب اختتام دخی قریب اولمغه مجله ختام ویردی ضیافت اغایی کیمیه  
درگاه عالی در قرده کلاک یی اولیغمره اوزره ایلی خانه قبول پاشا حضرتینک ضیافتلندن صلح بر قاج کون و روزه  
بالفعل درگاه عالی کیمیه اغاسی وزیر مکرم حسن پاشا طرفلندن دخی کلاک اذن لایق حضرت جهان پناهی ایه ضیافت  
ترتیب افرا دیو پادشاه بر ضیافت عظمی ترتیب اولنوب زکرا و لنان جای فرخ متعدد سایه و اوتاق و خیام مرتز  
قام زیتن نطاق ایله رشک لاله زار ارم قلند نضک هر برینک درونی انواع مفروشات زراند زریله هر نذک  
ریاض منور و لوازم اختتام و مسطوح اولان مصنوع و مجوهر تیر کش و زویم تفنگلریه آراسته و پر زینور قلند  
غیری محل مرقومدن تا سوز استانبوله و اریخه طرفین داده درگاه عالی کیمیه لیک اوطه لو تعمیر اولوب لایق  
بر مقداری کجه لو و بر مقداری دخی کنده اوه مخصوص اولان شال و پوشو و قیروی نیتن و سیم نکه لو البسه لطیفه  
ایله ملبس نفرین و یکباره سیم چیراسلی اشجی و قره قو لقی و سقا صفت بسته جای سلام اولقلدی خلاصه وزیر  
ایله حضرتینک بالجمله دو دما بگنا شیه نذک اعیان و درجالی و عواما قیوی خلقی و یک نفره قریب تفنگی و کل خانه دخی

۱۹۶

و مذکور



و آنوقت و بطا و سیم قلقان ایله مزین طقوز عدیدین و سایر اسباب احتشام و مدارات ایله بر مطنطن آلی  
ترتیب ایروب خارج کردن صحای مزبوره و ارجه بر وجه محرصف بسته قیام اولون نفره و ضابطانه رفت  
بخش سلام اوله رفی اول جای فرحناکی تشریف و خاتمومی ایله دخی معیتده اولون خانله ایله وزیر حضرت تریزه  
اولوب دولت علیه نك قدرت و قوت و کمال سطوت و مهابتته احواله نگاه اعتبار و امعان و بو ترتیب عجیبه  
ضروری استی ایله دن محل مرقومه منصوب و اتاغ مزبوره و رود ایلدکه وزیر حضرت تری منتصف او تاغ  
مزبوره اجرای مراسم استقباله قیام و اظهار لازمه شیریه دلنوازی برله مستنشین اعزاز و احترام  
قلند قد نصلک طرح مجلس استیناس و الفت اولنوب بر طرفن او تو ذرقی نم مطربا خوش آواز سیر آهنگ  
زمره ساز و ترانه پرداز لفظه آغاز و ابتداء و بر طرفن دخی اظهار شوکت و مهابت ایچون تفنگ انداز لول ایله  
ادانت صنایع حرب و قتال اولنوب وقت عصر قریب اولنجه تحصیل سرور و صفای قبیل عصرده بسط خوان  
یغرا اولنوب بعد الطعام خاتمومی ایریه و در فقاسنه رفت و بطا ایله مزین آتلر و سایر هدایا و اتباع و ادب  
دخی هدیه لرا اعطا و لطفه امر اکرام و رعایت تماما ایفا قلند قد نصلک یه اقامت اوزره اول قبری جفتلا مرقوم  
جانبه ارسال و اسرا قلندی **مأموریت منیف افندی بجانب ایران** صحیفه زیب ییلا اولیغی اوزده ایری ایچو پستی  
حاج خانک عبته علیه خسر و انه یه کتوردیکی نامه شاهین شفای صدر حاصل اوله جو بر مال منفرم اولن  
ماعد اکنه و دخی میانه ده در کار اولان امر مصالحه نك صورتیاب اختتام اولسنه دابر بر شافی جواب ایرادینه قادر  
اوله میوب نر یایت کلای مقدمه مازک اولیغی اوزره شاه مشار الیهک فی الاصل مقصود و مرای اولان تصدیق منزه  
خصوصنه دولت علیه طرفن مساعده اولنجه مصالحه کیقتی ختام نیزه اولماق مفرومی ایله انجام بولینه  
بنا خصوص مرقوم تکرار شاه مشار الیهه تفریح و انزاه بود دفعه دخی اتفاق آراء اعلام علایله مسؤل و مرای اولان  
ماده لرن تمیث و اجر اسنده بر مقتضای شرع انور ایراد و بیاد اولان اعذار قویه بالمشافرهه تقریر و انبا اولنوب  
اگر بر وفق مأمول عذر مرقومی قبول ایله مقدمه عقد اولان مصالحه عنده معتبره مقبول اولور ایسه فبرها  
ینه عنانده اصرار و الحاله هذه لری اوزرینه سفر اتمک صورتده حج و ترتیب ایلیکی لنگر بشمار ایله مالک محروسه  
بغته اضرار قصده اولوق لازم کلور ایسه طرف دولت علیه دن دخی مدافعه کنه قیام و ابتداء اولنوق ایچو ایچو  
مقدم معتبره سلطنت سینه دن اول جانبه مخصوص نامه بر عنوانیه بر ایلی ارسال و بو تقریریه شاه مشار الیهک  
مافی الضمیری احساس و استشعار اولنوق اتفاق آراء ایله تصویب و تنسیب اولنوق ناشی خوا جگایه اوله ایوب  
انواع علی معارف و عرفایله محلی و کمال صداقت و استقامت ایله ممتاز اماثل و اکفای اولن منیف مصطفی افندی  
خصوص مرقومه مأمور قلوب بر وجه محرر اقتضای این نامه لایوب پادشاهی و مکاتیب حقیقت اسالیب جناب  
صد

صدارت پناهی و حضرت فتوا دستکاهی تسلیم دست کیاست و لیاقتی و لاجل الاحتیاطینه خوا جگان دیوب لهایون  
نظیف مصطفی افندی دخی مأمور و تعیین مدافعتی قلند قد نصلک ترتیب و تکلیف لازمه طریق لایوب جانب میرین  
مومی ایله منیف افندی یه اولن بک غروش و مصطفی افندی یه دخی بشن بک غروش و بریلوب او اخر ماهه  
جانب مزبوره تسیر و ارسال اولنیلر **تسلیم نامه لهایون با یلی ایری در دیوب لهایون** بر وجه محرر ایری ایچو  
وقت عودتی قریب اولمغله بر معتاد قدیم کتوردیکی نامه شاهی یه جواب اولوق اوزره طرف لهایون ملوکانه دن  
دخی شرف قصه و دیوب لای نامه عنایت مقرون ایچو خانه تسلیم اولنوق ایچو ماه ربیع الآخر التبی صلی کونی دیوب ان  
لهایون ترتیبی فرم اولنغین بر قرار سبوق چاوش باشی اغا دلایله ایچو معیتده اولان خانله علی السحر کرای  
لهایونه ایصال اولنوب جمله سی خوی غنای خسر و انه و عواطف دریا نوال پادشاهانه دن سیر و کنه و یه کرا  
نیم تنه قبلی و مقدمات و رود این اغوز علیینه چوقه فرجه یه قبلی کسور و در فقاسنی اولان خان و وقعه نویسنه  
قائم کلور کله و سایر اتباعنه دخی خلع فاخره الباس و اسکا اولنمغله تجیل اولند قد نصلک بشن اولن نفر اولیسل  
عرضه کیم وب پاییه خلافت مصیر خسر و انه یی تلیم و تقبیل ایله فایر مفاخرت کثیر اولوب بعده بحر خار عوار  
ملوکانه محقر نه موج انکیز عاظفت اولمغله ایچو خانه خزینه مدارم غروش تا جدر این اتی بک غروش و اغوز  
علی خانه و سایر در فقاسنه دخی یلکری بشن بک غروش عنایت و احسان سیریلوب و بر قاق کون مورنده سالف  
الذکر ایچو خان و در فقاسنی و داع ایچو صدر اعظم حضرت تری بک سرایته کلوب مظهر احصاف نوازش و التفات اولمغله  
سرور او ممنونا عودت و رجعت ایلیدر **ضیافت صدر اعظم با یلی ایری در برهاریه** در دولت مدار خسر و انه یه و رو  
این بیون ایچیلره اثنای عودت لرنه دخی ترتیب ضیافت اولنوق معتاد اولنمغدن باشقه بود دفعه ایچو خانه  
مرمانه در تعیین اولنان در ویس محمد اغایی جناب صد ارت پناهی یه ارسال و بو گونه تکلف و اعتبار ایله در دولت  
مداره و رود ایتیشیکن عدم تمیث مصلحتی ایله عودت و رجعت ایلیستی خصوصنه صورتا حجب و انفعال ایری  
صدر اعظم حضرت تری به بر کت دخی فایر شرف ملاقات اولوق دهگانی تکرار ایلیکن ناشی ماه مرقومک او بشن کونی  
ساحلی نه برهاریه ده بر ضیافت ترتیب و کما فی العاده سایر جمعیتله مثلوه اسباب طرب و احتشام احضار و نا  
ایتی لکن صلک و قی عصر دکن اجرای مراسم مرمانه نوازی یه قیام و ایچو خانک اظهار ملایمت ایله تمیث  
کاره آراء صورت دقتدن ناشی التفات و اگر امنه اهتمام طرف صد ارت پناهدن یکباره المایین مرقوم  
ایچو کرا نبرها اعطا و انعام اولنوب و اثنای صحبته مافی الضمیر حیلله تخیرندن استنبا و استعلام اولند قدینه  
طرح اولوق تکرار و بو طرفه تمام کاره عدم قدرت اظهار ایریوب تصیم و تنسیب اولنوق اوزره طرف دولت علیه دن  
بر معتبر کسنه ارسال اولیغی صورتده خصوص مرقومک بر وفق دلخواه اول جانبه تمام و تمیث بولوه صغی



بی اشتباه در دو عرض اعتدال استیکه بوجس فی سنه فی منبع اولیوب بعد العصر ایلی مومی الیه اوقات  
اوزده اولیغنی چقلک مرقومه رجعت و جنباً صدارت بنا فی دخی سراسی عالیینه عودت ایلیل عودت  
**ایلی ایلی** مومی الیهک لازمه طریقی تکلیف و بالجمه اتباع و هو انیشی اسکر اجانبه امرار و تیسیر اولیغنی  
معتاد اوزده تیسینه عاطف مصطفی اذنی تعیین اولنغین ماه ربیع الآخرک اون سکرخی بازار ایلی تسی کونی  
فنا ربانغی سنه مومی الیه اذنی طرفدن ترتیب اولنان مطلقه بعد الاطعام فامومی الیه جانب ایرانه راه  
بند عزیمت اولوب اذنی حضرتلری دخی آستانه سعادت طرفه انصراوی و رجعت یوریدیلر **توجیه ایالت**  
**اناطولی بوزیر مکرّم نعلی پاشا** بو ائشاده ایراشا فی ناؤده طرفدن تالیگه جانبی مصالحی صورتده بر وجه محرک  
در سعادت ایلیجیسی و دود و صلو بولوب لکن شاه مشارالیهک دولت علیه دن رجمانه اولیغنی تصدیق مذهب  
خصوصی اسماغه مساع و لمامقدن ناشی بوذن اقدم بالافعا اعتدال و بیله مخد و رایله طرفینه نامه و ایلی  
ارسال اولنمشیکن مقدما صحیفه زیب ییله اولیغنی اوزده سیزماده منعقد اولان مصالحی ذک تصدیق نامه کنی  
بو آینه دن ارساله امهال و مقدما و حاله و ارد اولان تحریر ائشه کما فی الاقل خصوص مرقومه اصرار اوزده  
اولیغنی اعلام و اشعار اولنموی جرتدن طرفی دولت علیه یه سو و قصدی ملط و مجزوم اولوب بناؤ علی ذلک  
ایر طرفلر نه واقع سرحدات اسلامیته نک تکیف ذخایر و ترتیب عساکر ایله علی وجه الاحتیاط تقویت  
و استحکامنه ابتداء و اقتضای ایلیکی حاله اول طرفلر سر عسکر نصب و تعیین اولنموی ایچو اناطولی جانبده  
بر وزیر قوی الاقتدارک بولنسی لازمه وقت و حالن اولوق حبسیله سابقاندر عسکرکی و حاله و ایلی  
اولان نعلی پاشا حضرتینه اناطولی ایالتی توجیه و احاط و معتزله موجود اولان قیولری خلقی ولون ائش  
طاغتیوب هیسات مجموعه لریله کلیبولی معبرنن بر آن اقدم اناطولی جانبته بعد امر و منصبینه عزیمت  
اقتضاده مأمورا اولقلری محله عجمه حرکت ایلیل اوزده حاضر و آماده بولنملری امر فرما اولوب اناطولی  
و ایلیسی وزیر مکرّم ولی پاشا حضرتینه دخی ارضروم ایالتی و هتته بی عبدالله پاشایه قارص ایالتی ایقا و توجیه  
اولنغیندن غیری بالجمه اناطولی جانبده واقع و ذرای عظام و میر میره کرام بوسنه مبارکه ده واقع امداد  
سفریه لری تحصیل و لاجل الاحتیاط قیولری خلقی و سائر لوندات و آدملری تو فیرو و تکیف ایرو ب بو محله مأمور  
و تعیین اولنقلری ساعت اولقلری مکلدن حرکت ایلیل اوزده حاضر و آماده بولنملری خصوصی با فرما عالی  
مخصوص مباشرت ایله توجیه و تبیه اولنوب بولنموی ماعدا اناطولی طرفلر نه بولکان درگاه معتدلیجی لری  
و جبهه بی و عیتور کونگری اغاری و بود فعه تجریری فرما اولنک سپاه و سکر اتر قیولری و سائر طویایف عسکریه  
ارضروم و قارص و اوله اول هو الیله و اقل قلاع محافظه سنه سو و تیسیر اولنموی ایچو و جاقلری طرفدن

بازمان عالی چاوشتر تعیین اولنوب حفظ و مراست سرحدات منصوره یه دقت و اهتمام و اول طرفلر مأمور  
اولان طویایف عسکریه نک تعییناتلریچون اقتضای دن زاد و ذخایر تدارک و احضار و دیار بکر و ارضروم و سیواس  
ایالتینه مجدداً مبایعه ترتیب و مباشرت تعیین اولنوب ترتیب و تنظیم امور جانب مرقومه بذل جل لعل یورلدی  
**وقوع مشا و ده در سراسی صدر اعظم** حاله ایراشا فی ناؤده هک و کیل سلطنتی و ولی عهدی اولان اوغلی رضاتولی  
فام بابا پاشا مشارالیهک رالی ایله ترتیب و تجریر مرام سفریه یه اشغال و کتبه و درو طرفلر نه مرها و ذخایر نقلی  
منتقله مکرّمه ابتداء ایلیکی رسیده سرحدات اشتر بار اولوب و الحاقه هده شاه مشارالیه دخی جانب لهندن بعد العودت  
داد السلطنه صفاهانه اوغرامیوب کویا بر قاچ سنه دن برود ارض اطاعتن خروج ایله ممالک ایرانه ایصال  
فسارت یکن طائفه لکیانک تأدیب و کوشماتلریچون اوزرینه سفر و حرکت ایلیل آوازه سینه حاله اقامت ایلیکی  
محله ترتیب و تدارک عده و عتاد و تو فیرو و تکیف ذخایر و اجناده اهتمام و دقت اوزده اولیغنی اول طرفه واقع هر  
و نفور محافظی و ذرای عظام حضرتی جانبندن در سعادت تجریر و اشعار و شاه مشارالیهک بو حرکتن مافی الضمیر  
دولت علیه یه سو و قصد دردیو سیردی اعلام و اخبار اولنوب و بو ائشاده دولت علیه یه بعثت و تیسیر ایلیکی غیر  
غریب الاطوار دن دخی بر مال حاصل اولمغله فی نفس الامر مزبور ایلی شاه مشارالیه و وصول بولنجیه دن اول بار  
دخی حلول ایروب بر وجه محرک سرحدات منصوره یه اعجاب بر فرجام طرفلر دن اطالعه دست تظاول اولیغنی صورتده  
بوزن اقدم اول طرفلر لاجل الاحتیاط ازال و تیسیر اولنان طویایف عسکریه بی خدمت های بونه اعمال و استی  
و حسن اقتضاده مدافعه لینه قیام ایلیل ایچو جانب مرقومه رای و تبریر اصی بوزن بر وزیر شتری ضمیرن عسکر  
بولنسی لازمه وقت و حالن اولوب و حاله سکر بولکان ولی پاشا بو خطب عظیم عمره سندن فرجه قدرتیاب  
اوله جفی محل اشتباه و اشکال اولنغنه بناؤ خصوص مرقوم جمله ایله مذاکره و مشا و ده اولنموی اوزده ماه جاری  
اوله نک ایکنی جمعه ایرته کسی کونی عمو مالک آرمایان دولت عظمی و امور شناسا سلطنت کبری مدعو ابتداء سراسی صدر  
عظمی یه بعده ایرتسی بازار کونی بشکطاش سر ایینه حضور لهایت ملوکانه یه عقد انجمن مشا و ده و ایر آؤ زناد مذاکره  
اولنقلر ضلع جمله نک نهایت آرا و غایت افکار لری اوزده سابقاندر عسکرکی اولوب مقدما یینه ملاحظه  
مرقومه یه بناؤ اناطولی ایالتی حرکت اولنان نعلی پاشا نک بو خطب حبسیله استی امری خصوصی قرار داده  
و استی اولنغین بر وجه محرک وزیر مشارالیه جانب مزبور سر عسکر نصب و تعیین و اناطولی مملکتده واقع و ذ  
عظام و میر میره کرام و سائر طویایف عسکریه دن مقدما اول طرفلر مأمور قلنان اجناد ظفر اعتیادن بر کون مقدم  
صوب مأمور دنه موجود بولنملری خصوصی با فرما عالی جمله سنه تالیگه و تفریر اولنقلر ضلع عسکر مزبور یه  
اقتضای دن ذخایر و مرها و سائر مالزمه لری هر نه ایسه ترتیب و اتمام و بر وجه محرک اول هو الیله تقویت

۱۹۸



استحکامه دقت و اهتتام اولنق امر و فرما یوردی **و رود عریضه بعینه نادره از جانب شهرزاده**  
**وکیل رضا قولی مرزا** نادره نامه عبرت مدار بوقصه بر حصه دن بو و چینه اخبار ایتنه که نادره جهان  
بخش روشن ضمیر شهرزاده با هم الشقا و سینه تسلیم تابع و سیر ایلده که مرقوم رضا قولی مرزا شاه مجاهد طرفین  
مجوهر تاج کیوب مصلح قلی قوشانوب شاهلی مشوری ایله مکرم اولوب مکتل و مظنن اولیلایه ایران جانبته  
عازم اولوب هر اته وارد اولدقه خبردار اولدیکه خوارزم و ایسی ایلبارس خان نادره هک هه شتا جانته عریضه  
و مکتدن صلح و ره خلوت دلکوبیک ماصد قجه میدانی خالی ظن ایروب خوارزم اولکله سنه واقع اولدیک  
و ترکمان طائفه لرندن لشکر موقور جمع ایروب خراسان سرحد آتته ایصال خسارت و انواع نریب و غارت ایچون  
طنز نام بلده یه وارد اولدیلر شاه وکیل بو خبری ایتنه که با شته تجع ایدن قزلباش لشکر یه هر اته ن قالقوب مقابله  
و محاربه یه عزم ایروب سرخس نام شهره وارد اولدیلر ایلبارس خان دخی طنز ن قالقوب سرخس بخش قزلباش  
مخته وارد اولدقه طرفیکه قزلباش بر برینه تصادف ایروب کیف ما اتفاقا شهرزاده قزلباش لرندن ایکی نفر کینه  
ایروده بولمغله آلوب کتیلر او زبک طوطی سا قزلباش سولید و شهرزاده او زبک ایله سرخس کله و کی معلوملری  
اولدقه مقابله یه تاب آور او لیجغنی بیلوب ایورد کشته زو کرد اولوب نسا قلعه سینه ایورد میانه  
واقع فضلان نام قلعه اوزینه کیدوب محاصره و یوردیته آغاز ایلدیلر اساس قلعه کتلی او لمغله خوله  
مجال اولوب ایراقن طوب قوروب دو کله باشلیدلر اهالی سی دخی قلعه دارلغه سعی و اقدام ایروب قزلباش  
طرفین کله و کله یه یه عظیم جنگ ایتیلر اول ایتنه قلعه ضابطی ایوردده اولوب بو خبری ایتنه که عظیم قیامت  
ایه امداده عریضه ایلدی بر قزلباشک تو انا و برادر آتته طونه قادر برادر و نامدار اولدی اختیار ایروب دشت و  
کرساردن بار و زبک کی کتیلر ایلوب قلعه قار شوشه ایتنی ایلبارس خان ایسه اهالی قلعه یه که زبک ایروب  
طلوب کی کله و کله یه یا غدر ایردی ایراقن غبار لشکر کورد که شهرزاده نیک شوکت و مهربانی صداسی عالیکله  
اول لشکر شهرزاده موبکی قیاس ایروب قرق دولته غبار اربار سچیلوب فی الحال کتله و لشکر نه علامت انحطاط  
ظاهر اولوب سراسیمه و حیران اولدنی حالده قلعه کیر لکن ال چکوب بختی کی دنوب خوارزم جانبته شتاب  
اولی مرقوم ضابطه بو حالتدن قوت قلب حاصل اولوب فرار ایلدی تعقیب ایروب پشانه او زبکلی عریضه  
شهرزاده بوزنه طویلا ندی دخی میدان کتوروب بیونلین او زبک اول خوالده بولد قزلی او زبکلی مراد کرد  
ایلبارس خان ملو اولو ایردی دیو قتل ایروب و هر طرفه بلو کله تعین ایروب قصبهات و قراده مور و عبور ایران  
قواخل و زبک کانی تفریش ایروب او زبک و یا او زبک توابعی اولندی خبر اقلزده اما ویر میوب قتل ایردردی بو  
ایله کنار کوشه ده بولنان او زبکدن قتی چوق کسه قتل اولدی او زبک او لیلندن چوق کسه دخی ایلد

اتباعدن اولو تر تریله عرضه کشمیر آیدر اولدیلر رضا قولی مرزا بو مضمون بر عرضی ال صودرتنه افراغ ایروب  
نادره که کوردی شاه بی انتباه او غلیتک بو ایشیرنه آگاه اولدقه مسرور و خنده اولدی بو عریضه نیک و درو  
صلح شاه دیانت جهمانکشی جانب مقصوده اعتلایه و ب اتک ایر ماغنتک اوزینه بر جسر ترتیب ایروب عساکر  
کرده کروه اول جسر دن مور و عبور ایلدیلر اول ناهیه ده واقع بر عظیم کوهستانه متکلن افاغنه دن بر طائفه  
اولوب رئیسری اولان یوسف زالی اشارتیه عصیان و طغیان ایروب مور و معبر لری کسوب اول یردن کچن کهار بانی  
اوروب غارت ایردر لری جیستری موقور و اعدای غیر محصور اولمغله او ته دن بر و مصدر انواع فتن و شرور  
اولدر لری پادشاه پیشک دفع شر لرنه عدم تقیة لر ن کتجه فساد لری مرزا اولوب سار حده دخی هجوم  
ایروب و سار لری دخی اطاعتن چیقوب متفقاً شرو شوره باشلیر ایردی شاه اول ممالک محروسه ده ساکن  
و متوطن اولان دیو کشت و حشی خصال جماعتک تأدیب و تنبیه لرن مراد ایلوب افواج قاهره یی کر کرده  
اندرک جبال آسمان شمال و صعب المسالك اولان مسکن لری نریب و غارت و ایصال خسارت ایچون ازال ایلدی  
اول طائفه نیک اکثری پادشاه عمیلین بولوب کشته تیغ اجل اولدیلر نادره بقیه افاغنه اما ایلدیلر اول کوهستان  
کوه چوب بلاد ناهیه سنه یورت طوتوب مطیع و منقاد اولو شرطیه بقایا سینه اما ویروب اطاعت  
ای ندره عریضه نامه ویردی و جنگیری قاچوب طاغدی و اول جماعتن بر فوج عظیم دخی رکاب نادره ملازمتی  
اختیار ایروب اگاکر اولوب جنگله معاکده بولمغنی قبول ایلدیلر شاه سالماً و مسروراً او زبک ایله اول  
قالقوب پیشدار و خیبر و جلال آباد بولیله روانه اولوب ماه رمضان المبارک غرق سنه دار الملک کابلده و  
اولدیلر اول ولایته اولان سرکردگان و سرخیلان جمله امرا و اعیان استقباله چیقوب خاکبینه بوز کوردیلر  
شاه دخی جمله سته مرتبه دینه کوره نوازش و اتفان ایروب رعایت ایلدکه بود فعه اهالی بلده شاهک انواع  
عیانت و احتیاج بیکر آتته مظرر اولدیلر شاهک هوزة حکومتده داخل اولان آنک صونیک جانب غریب سنه  
ولایه قری و قصبهاتن و سار پیشدار و کابلده ساکن طوائف افاغنه دن و هر اوره جماعتن و سار کوه  
نشین ایلاتن قرق بیک نفر لشکرک ملازمتنه منتظم و منفق اولوب شاهه لشکر اولدیلر شاه مرقوملده اول  
خلوص مطاوعتی مشاهده ایتدکه جمله سنک خانه لرینی کوچ ایروب هر اته نقل ایتدردی و جمله سنک تعیناتی  
و یا محتاج ایلر سیریلوب اکر ام اولنق ایچون هر هک هاکنه امر کوندردی الی کون کابلده مکت و آرام ایلوب  
اول مقام دلگشاده کور و باج کسب ایروب اول ممالک متعلق امور مهربانی کین ایلدکه جمله بلاد هندده جمع  
ایلدی جو اهر خانه و خزاین و زواید اسباب کهار خاصه و اهالی او زبک احوال و انتقالی و بالجه بالیز  
طوبیری و فیصلری هر اته ازال ایلدی مقدما کابل و پیشدار حاکمی اولان ناصر خان بر صدر و کهار آگاه حکومت اولو



اورده شرفی عالمگیر و هر حق و عقیدی و رد و قبولی مقبول طبع شاه کند از سر او لفظه ینه منصبند ابقا اول  
هو الیه اولان جمله اُم و حکام آنک امینه محکوم قلوب و بالجمه حکومتی انون رأینہ تفویض ایلیوب  
کنده کسی سفینه عزیمت ایلیله در **بیت حرکت موبک شاه مجاهد بجانب سنه و کر قاری خدایار خان عجبکی وقایع**  
**آن زمان عبرت نشان** نادره مجاهد قندهاری فتح ایروب و نادر آباد نام قلعه کی تجید و تعمیر و بعده بلاد هند توجیه  
ایلیله از زمانه اقلیم سنه ده شاهلوی ادعا سنه اولان خدایار خان عجبکی سن هدایای فخر ایله بر قاج و فخر  
ایلیلی کلوب و نامه سنه موالاتن دم او و روب عرض خلوص کوسه مشن ایری شاهک آفاق و اطرافه  
منتشر و عالمگیر اولان طنطنه جهانگیری و بدیهه کیتی ستانی سنن درونی مضطرب ایری اما شاه انوک کلا ادرینه  
رعایت و التفات ایروب کند و کنه نوازش نامه کوند ر ایری بود دفعه شاه هند ستانی فتح و تسخیر ایلیوب با ما و غنا  
عوض ایلیله کزنه مشارایه خانه لازم اولان حق عنایت رعایت ایروب کلوب عتبه شاهه یوز کور ملک ایری  
زیر ابله سنک اکثری شاهه منتقل اولان مالک هندک اتصاله ایلیله سنک کفرانی دامن باطنن دو کوب  
روی اخلاصی اول آستانه توجیه آتیره جک محده او همام فاسه سی غلبه ایروب اطاعتن رو کرد و اول لفظه  
شاه جانبته نامه و یا ایلیله و اصل اولدی شاه بو خصوص ایچو غیض و غضب ایله طوب کلب سنه اولکه کی  
کیرمه کیر نام ولایت و ارجه هند اتصالن اول لفظه ضمیمه ممالک شاهانه مدن اولمشه دیکنه جانبته کفر  
عزیمت ایلیوب مشارایه خانه دخی مقدر ایچی بیلر ملک مراد ایلی اول ائشاده قیس موی حلول ایروب عظیم قاره  
یعوب شریعت بر دیوز کوب کتردی شاه شریعت شتایه باقیوب اول سفر خطیر عزیمت پیششهاد خاطر ای کلوب اطرافه  
او امر سال ایلی که فارس بطوریکسی تحقیق خان فارس و کرمان و کوه کیلویه و بنادر لشکریه و اول مابینه او  
حکام جمله معینده اولوب طوبخانه و مرما و زو ایر لشکر قور و جانبندن و سائر عا کر و زو زو زو زو زو زو زو زو زو  
کیلیریه دیار سنده تترها نام بلده جانبته روانه اولار کنده سی دخی رمضان شریفک برنجی کونی طالبان حرکت ایروب  
طوبخانه و عظیم تارن ایله بنکشن و دیزه لریو لیله سنه جانبته روانه اولیلر بنکشن نام بلده ده و زرادن  
برنجی و کیل نصب ایلیله که ناصرها جانبندن حج اولان مال میری در کوما هر نه مبلغه بالغ اولور که اخذ و  
ضبط ایلیوب ملازم یازیلان قرق بنک نفقشون و ناصرها قایوقی خلقی ایله متفقاً بیتشار جانبته روانه اولور  
و اطرافن لشکر گروه گروه شاه او دوز سنه کلوب شاه دخی علی جناح الاستیعال طی منازل و قطع مراحل ایروب  
جانب مقصد شتابان اولدی اول سمت اکثری کوه هشتا و چنگلستا مجرول المسالک عبوری متعسر بود  
اولوب صرب قیام و صعب محتل رعایت چوق ایری مع هزاز و ربا زوی هفت شاهنشاهی ایله اول متعسر  
مو اضعدن کمان کسولت ایله طوب کلب کیر یلوب ماه شوق شریفک برنجی کونی کول اسمعیل خان دیزه سنه وارد اولیلر

ارچه اسمعیل خان اولونکر حج ایروب کند و کنه متانت و استحکام و ایروب قلعه دار لفظه مشغول اولدی اما  
کنونک ثبات و قراریخی نادر نامه از فریدون اقتدارن کطوتی برابر نه چور چوپک التراب نارایله معامله کی  
قیلندن کوروب و اول سرزمینده اولان اهالی مانند گیاه علف داسین تیغ آتشبار اولاجفن بیلوب دیزه ده  
اولان امر او و سالیله آستانه شاهه کلوب دائر اطاعتنه داخل اولدی مقدمات شاهه طالبان حرکت ایتدکه  
سین سفینه عزیمت ایری اتک دریا سی کناریله اولوب حرم و احتیاطه بنا و ایری باره ایری کیدی مفصلنندن  
سوک و روب فیصلح یو کله و ب او دوزیه همراه ایلیسن ایری که حین اقتضاده فی الحال تحت لری ر لوب رنج  
چاتوب و ز قلیوب کند و سی و عا کسوار اولوب جانب مقصوده عازم اوله لریو حال ایله دیزه ده وارد  
اول قلعه دیزه و ایلیسی اسمعیل خان اتک دریا سی قریبه اول لفظه چوق کیدر و زو د قلع و ترسیه ایلیله ایری  
شاه فی الحال طوبخانه و مرما تی و عمله و مستحفظانی کشتیلر سوار ایروب دریا یوزیه جانب مقصوده ایل  
ایلیله و منزل مزبور دن رفع لوی شوکت ایروب ماه مرقومک اون برنجی کونی غازی خان نام کسنه نک دیزه  
وارد اولیلر اول دیارده اولان ادنی و اعالی بالجمه کلوب عتبه شاهه یوز کور دیزه سنین متعده دن برو  
سرکشله معتاد اولان زور بار جمله تحت حکومتنده اولان قلاعک مفتیحی کتور و ب تسلیم ایروب رقبه لری  
زبنقه اطاعت شاهه اذخال ایلیله شاه جانبندن دخی جرایم سابقه لری عفو و لفظه مظر عفو و اما اولوب اسمعیل  
و غازیخان کماکان دستور سابق او زره منصبند ابقا اولنوب مشغول عطف و احک اولیلر نادر شاهک مبارکی  
حادن الی اولان عادت لری بو ایری که زور با و سرکشله معتاد اولندی مشغول اطاعته دلالت و ربنقه اطاعتنه  
کردن داده اول لفظه دعوت ایروب قبول ایلیله صوره مؤرد عفو و اما اولوب اطاعتن ابا و امتناع ایلیله  
بعد اتمام الحجه تنیه و کوشمال ایچون او زور دیزه لشکر چلوب شتایت سرکشلدن کنه و لری آگاه ایروب مجنا عا کلبی  
واقع اولور دی فعلی هند اخذ ایار خانه خطابا فرما کوند روب کوشه خفاده پوشیده اولان بی غیرتک جرایمی  
بودر دیو تلخ و شو بریامله ابلاغ ایلیله **صورت نامه اینست** خدایار خان برادر اصلی الله القادر دقم جهان نظام  
و امر واجب الانقیاد و الاتباع وارد و اصل اولیچو معلوم اوله که سین متعده دن بر و عتو و استکبار ایله  
معتاد اولوب درگاه سعادت دستکاهه زو مال انقیاد اولمشک ایچو ذاتر زده قونلان حالت و جملته و اول لجراتی  
عمله کتور و بر مسافه بعیده دن کلوب ممالک هندی بالجمه فتح و تسخیر و اهالیسنی ایر ایلیله در نصل سنک  
قصه که کلبیکر ظفر نشان و رایا فتح آیت نضر عتوان ایله مراحل و منازل قطع ایروب هومه هلو متکده  
دیزه جاته وصول و قصباته دخول اتک آیین سلاطین اولی الامر و مذهب خواقین زوی القدرده پادشاه  
لرن تحت تصرفنده اولان ملک منکوحه سی مشابه سنه در رجولیتن حصه کیتی و فتوتن بره کیتی بله



در و نده فی الجمله ذره سسی اولان کسسه کند و در غیر بر خرد اگاه تفرقی است و کنگه تحت اتمک احتمالی بود  
ایله اوله بویجه کوندر عا کر نعمت مائز مملکتو که داخل اولوب کلام انوار ایدر رهنوز کسین نه نام و نشانی  
بیدارونه وجود کن انزهوید ادر هیات و متاک علی السواد عارضی جرات کسب آنگه حاجت کیمه و ارایه و کنگه  
ظاهر حال تمام شاهد در واقع حال بود که شیده دکن کسین بر فعل و جوده کلش دکلدر که اندن جلاوت و مردانه  
لک فرام اولنه صورته کلش عمل دخی سر اسر مکر و حیلده در شک یوقدر که جرات عارضیه نیک انزی انجی بیس  
و تیس لور غیر اولماز مبتلا اولنگه در دکن و اسی هله معلومک ایمن غایت تجربک اولانی استعمال  
باشه مقابله یه و جرات قوی بینه باعنه اوله بوجانیدن دخی کما عنایت بیلو رسک فوق الحد و کسب ضعیف  
قبله ازاله سسی ایچون هندستان ملازم یازیلون قرق بیک نفر کنگه ناصر خان سردار لغی ایله بیس آورده توقف امر  
انمشه خصمه مروت انجی بود کلو اولور اکر من بعد دخی بر قرار سبوق کنج زوایه رعب و هراسه منروی اوله  
ار لک سکا مراد مغفرتینه معجزه و زده برینه چادر اختیار ایدوب سردار لغی و شاهلو سودا کسین فراغت ایله  
**مصراع** ز تو این کار بر نیاید تو باین کار بر نیایی نیز و یا خود و در طه شود و شودن خلاص ایچون حکم مبارکی تعویذ ناوی  
جای ایلیوب و فرمانی هیکل بخات ایدینوب در کاه معلوم جانینه شتاب اوله کسین و السلام بعده شاه اول منزلت  
قالقوب ماره ذی القعدة نیک اون در دخی کونی لار کانه نام منزله وارد اولوب ضرب خیام ایدوب او تور دیلر  
بر قاج کوندن صلک خبر کلدی که خدایار خان مقابله یه تاب آور اولایمی بیلیوب و اطاعتنه کردن داده اولقن  
دخی استماع قیلوب اغوی تسویلات نفاقی و و سانس شیطانیه اتباعا کجرات و بند سورت جانلرینه کیر  
اولی شاه بوجبه آگاه اولدقه مرقومه تنبیه و کوشمانی تصمیم و ترکیب ایلیوب اغرنی لار کانه بر غوب او غلی  
نصر الله فریادی محافظه سینه تعیین ایدوب کنگه و کسین کون چایک و چالاک بر کوه بی بان ایله ماره مزبور کنگه  
برخی شنبه کیمه کسین لار کانه سرعت و ایلفار ایله مرقوم فرار ایلدی تعقیبه و بر اهر اولدی در نیایی کنگه نایره و ادر  
اولد قلزده دو نیا کیلرینه و اسمعیل خانک تدارک و آماده ایلد کلر کیلر سوار اولوب اول مسافه بعدیه یی  
روز کار ایله یی کونده عبور ایلیوب کنگه قریب اولدیلر اوته یقه جزیر و میشه اولوب ضرب محله و حصو تلی  
یولر لیم نام معلوم هر نه حال ایسه شهر ایدر بور نام شهر کنگه قار شوسنه وارد اولد قلزده خدایار خانک ایلیوب  
نامه و هرایا دخی کتور و ب شاهه تسلیم ایلدی مضمون نامه فتنه انگیز و خدعه آیمز کلام ایله طول اولوب  
و هیله لری طویلوب ریش درونی اصلاح پذیر او لیا جفی ظاهر و هوید اولدی شاه و سپاه در یادن حصو کنگه  
پوره داخل اولدیلر خدایار خانک عرکوت نام قلعه ده متحصن اولدنی معلوم اولدی شهر ایدر بور دن قلعه مزبور اید  
یکی طریق اولوب بری معور و آباد و بری آب و علفدن خالی برته و چولستان ایدی مشار ایله خان معور اولان

یوله چوق لنگر قویوب و معور و عبور ایدر جک محله متانت و استقامت و بیروب شاهک چولستان یول ایله روان  
اوله جفته قطعا احتمال ویر میوب غفلت ایلد شرایبی و عرکوت نام بلده بلاد کنگه معظمن اولوب آب و  
ذخیری و اسب حصانت و متانتله مشهور بر شهر معور و شهر ایدر بوره او تو ز فرسخ مقداری مسافه آب و  
علفدن دور ایدی شاه سپاهه امر ایدوب کرک آت و کرک نفر کنگه کی صولنوب و مقدار کفایتن زاید بیکه  
آلوب ماره قومک یکر کنگه شنبه کونی علی الصباح سوار اولوب برک و بر کیمه الفار ایدوب ماره مزبور کنگه  
طبقه زنجی باز ایدر کونی اوچ عرکوت سپاه شاه عرکوت طرفه سیل سیال کی آقوب شاه بنگه خویشم عرک  
بنک جو ایله بر امین عرکوتی مخیم گاه ایدر کلزده الهالی قلعه چول طرفدن کله جکلیخی قطعا ملاحظه ایتیموب  
خلاف معور و جانیدن هجوم ایله تظییق اولد قلزده شایبینه او غراد قریب بیلیوب حیرت اولدیلر مع هذاکه  
خدایار بر مدت نبر و رخت هریمتی قلعه مزبور یه چکوب جله نقود و جواهر و خزائن و ذخایر بی عیب قیول حفر  
ایدوب حالامال طول رشتی اول قیول کنگه قمری بر مرتبه یه و اصل اولمشدی که طناب و لقم و خیال ایدر شجاع  
حال ایدی خان مرقوم اول فرامانی مرقوم ایدوب فرار ایلد تدارک ایدی که ناگاه سیل سیال بلا باشن آشوب  
کرد اب تحیرده دست و پا اورمغه باشلدی قلعه مذکورده خدایار تله حیرت و مجس غفلت اولدی شاهک طبیعه  
لنگری و رایا عقاب بیلر محلی دوردن نیای اولدنی بر له قنادی قوی بی یولوا قوش کبی قلعه قفسدن کوشه باع  
فراده صیو ایوب کینز آغاز ایلدش خواص لنگریه قلعه دروازه سنگ خار جته جقدقه شهر بازان لنگر جلاوت  
مانند کر قلعه یی قوشا تیلر مرقوم خان بود فعه یینه حیرت اولوب شکسته بال سر چه کبی تیرینی بسته کوروب  
قلعه یه عودت ایلدیلر اول کیمه شاه و ناسن سرایه جمع اولوب مشورت ایدوب نادر شاه وجه سر ولت  
ایله روی کردی اولوق محال و جنود موجود کنگه اول نامدار باهر الاقداره جوب ویر ملک عیدم الاحتمال بعد ایوم  
بویا به مصلی مصالحه در فتح ابوب قلعه و بی ترد شاهه التجا و اجناس لهد ایا اهد ایدوب بوجبه بنای  
صلی استقامت و یرینه شاید بوجرک باعنه انتظام مملک و ملت اوله دیو استیم ایله شهری شاهه تسلیم  
اتفاق ایتدیلر ایتیم کون خدایار خان کوبه عظم و علما و اولیا دولت و مقربان حضرت و غلام خاص و خدام  
خواص ایله سوار اولوب او زوویه وصول و جبه خانان و اشراف و اعیان درون بارگاهه دخول و شرفیه  
دامن بوس ایله جبه سسی کرافز اولد قلزده شاه خدایار خانه حسن معامله ایله پر کشن حال و خاطر نصلک  
و جبه سپاه قلعه یه داخل اولوب و کرای دار الامارده نازل اولوب خدایار خانی احضار ایدوب بزرگ کار  
ایزبله مسافر مهربان ایز پادشاهانه لایق و مزاج جمع موافق ایدر ایا احضارینه کوشش ایله دید که همانم خدایار  
انقال فرامانی شکست و انواع زو زبور و در و کور و انشاب و اسلحه مجو هر مید نظر پوره جلوه کرایدی شاه



یا انتباه اموال ظاهره یه نه منت زوایای خفاده اولاد د فایس افر اجنه نزل قدر استملک کر کن دی مطلقه خدیار خان  
امیر و ب مزبور قیوم حفر و کشف اولوب عصر و احصا دن خارج فر این و سیم و زرد و شته های دوز و گوهر  
بید اولوب بر کردی متبی و ز ساد و دینار تحویل کجور ایله کنوز شاهه انتقال ایلدی خان مومی الیرک فر این نا  
محصوره سن بالتام هو زه ضبط و تصرفینده ادخال ایله نائل مرام اولاد قنصلک زکی الحجه شریفه ندک شریف  
کونی عمر کون تن عطف عنایه و ب خدیار خان دخی رسیم حسین الله همراه اییدینوب عودت ایلدیلر ماه مرتبه ملک  
اؤن التخی کونی فتح و ظفر ایله لادکان نام بلده یه وارد اولیدلر **در زک و قایع بچین میل مطابق سال هزار و صد و**  
**بجناه دوی هجری** تاریخ هجرت نبوی بنک یوز الی ایلیه رسیده اولاد قده شهر ذی الحجه الحرامک یلکری برنجی  
جمعه کونی کونش عمل بر جسته داخل اولوب سلطان برهارت تحت زمره قای کلش عالمه قوروب دشت و صحر  
انواع و الوه شکوفه لریله طولوب خلق عالم سرور و صفایه مسترق اولیدلر بو اثناده نادره جانندن  
خدیار خانک جرایم سابقه سه قلم مضی ماضی کیلوب بشفقت و دریایی فتوی جویش و فروش ایر و ایرا  
سندی اوج قسمه تقسیم ایلدی ترتر با نام اولک بی بعض مصافاتیله خدیار خانه احکام و مجرایم کرده کی  
اولغه شاه قلی خان لقیسه تلقیب و کرافز ایلدیلر و بلو جسته دیارینه اتصالی اولان جانبی بلوچ حاکی کجست  
خانک مالکی ضایعیند ایر و ب و شکار بو نام و لایاتی سنک جانب علیا کنده واقع جمه مصافاتیله اکتاسیم  
و تفویض ایلیوب جمه سنه انواع نوازش و التفات و طلا و زخلفه الباس و اکس ایلدیلر چو مقدما شاه  
هنده سفینه عازم اولاد قده لاهور و ملتان سر عسکری اولان زکریا خانک او غی حیات الله خانکاب نادر  
ملترم و عسکر اولوب بعد انقضای المرام بابا کنده نیابت ایله ملتان ولایتی کنده و کنه عنایت اولوب اول صوبه  
روانه اولمشیر ایلی بعده شاه سفینه عازم اولاد قده خان مرقومه فرما کونوروب سفره استملک اول دخی ملتان  
لشکر یه کلوب لادکانه او زوویه ملحق اولوب اول سفره دخی بولوب خدمت پسندیره ظهوره کتوردی و قتاله  
شاه لادکاندن حرکت و عمر کونت جانبته عزیمت اوزره اولیدلر زکریا خانه دخی فرمان ارسال اولوب سفره دعوت اول  
کلوب مقام خدمته بولمشیری شاه دیار سندی قبضه حکومت کونوروب جمعیت ایلدلر ندره زکریا خان عتبه  
شاهی قبیل ایر و ب از شاهی ایله مالک هنده ارجاع اولمشیر نیازی ایلدیلر شاه دخی کنده و سنک او غلوه ناک عودت لرینه  
اجازت و یرو ب هنر باد شاهی محوشه خلوص اوزره خدمت و اطاعت باندن مومی الیرمایه تالیه مودکده و سفار  
بلیغه و اکمل وجه اوزره بند و نصیحت ایر و ب او غلنه التفات و نوازش ایلیوب اسر هیات الله خان ایکن نام تخیل  
ایرو ب شهر نوازه تسمیه ایلدیلر ان شاهه و داع ایر و ب بلاد هنده عودت ایلدیلر اول اثناده فارس بکار کجی  
موتقی خاندن بر عریضه وارد اولدی معنونه امکن اوزره فارس لشکر یه سفینه عازم و روانه اولوب ملک نام

مشهور

مشهور شهرک حد و دینه وارد اولاد قده شهر مزبور کح حاکی ملک دینار عیسان و طیفه و خروج و ظهور  
ایتلمه بر کرده لشکر مکران قلعه سنی اوزرینه ارسال و مستطایه و ب خواه نا خواه مرقومی حلقه اطاعت اذ  
ایلدک دریا مومی منقضی اولغه حرم و احتیاطه بنا و غرابلی دریا یوزدن بندر عتبا سیده کناره چکوب بزر  
دخی ملک هد و رنده توقف ایر و ب مجدداً امر شریفکر و ر و دینه مترقب و منتظر لری باقی امر و فرمان شاه و الاجا  
مضون عریضه معلوم اولاد قده شاه امر و الا ارسال ایلدیلر که سفری اتم و اکمل وجه اوزره بر طرف اولوب  
فیصل نیر اولدی امرم و ر و دنده لشکر کی طاغیده و ب علی جناح الاستیعال درگاه سپهر تمثاله وارد اوله سز بوزدن  
صلک شاه بر بجه ایام اول ولایتک نظام امور مرهاتنه مشغول اولوب تناول انواع فواکه ایله متلاذذ اولدیلر  
شاه بو قدر هر و ب و قتال و جنگ و جدال اثناسنده مدت عمر انده مستلذات جسمانی و مشتهر سیاق نقشا اولان  
رنکارنک میوه لرتنا و لذت فارغ اولوب هر بار فواکه و نعم طریقه و لطیفه ایله لذتیا ب اولور لری اتمایه  
مخظوظات اچنده ایکی سنه عنده زیاده مرغوب واقع اولمشیری میوه جنسندن قاتنه مرغوب اولوقا  
ایری که حتی بغداد سفر نه ایام محاصره جنگ متتامی و طقوز آبی متبی و ز اولدنی مکنده زکریا لشمیری بو  
مدت مدینه ده هر کده حد و دنده واقع کایر عباس آباد نام محلدن اعلی و اهلی و اشرفی قاونر حده و احصا دن  
بیرون یو کلر ایله کلوب علی الام کند و سنی و او زو و اها لیسینی مستقیم اولور لری بعده هنده کتبا مالکنه وارد  
اولوب اول دیارده توقف ایلدی و کی اثناده بلوچ و هر کده و مرو شاه جری قوا فلی هر کون سید و سعید یو کلر ایله قان  
کتوروب چاشنی بخش زایقه خواص و عوام اولور لری بری دخی کجیل و عربی نژاد آت قنده غایت  
مقبول و مطبوع ایلی جمه دوست و دشمن بیگانه و آشنا بو معنای سلیوب اطراف و انکافون جمه  
اصغر و اکبر تازی نژاد خوش فرام آتدیشکشن و هدایا کتوروب بو وسیله ایله شاه حضور ندره مقرب  
اولور لری بنا علیه شاه بلا رسنده متوقف اولدنی اثناده هنده استان پادشاهی محمد شاه و الاجاه حفر تری دخی  
سائر مرغوب و مقبول تحف و هدایا دن ماعدا باد پار حش دلکش عتبه شاهه ارسال ایلدیلر بو خلاصه شهر  
رضاقلی مرزادنی متا زاتر و نوباده خربز لرا هد ایلدیلر بر قای کون مر و رنده بلوچ و الیسینی طر فدن بیسکشن کجی  
اوزرینه بر بجه رأس سب کوه توپ و ایلکوزیوک دوه یو کی تر فزه خربز آستانه شاهه و اصل اولدی  
**دیبا انصاری مویکنا ندره بجانب تور و عزیمت بخارا و سایر ممالک ترکستان و تسمیر آن کشور بی پایا شاه**  
مشاد ایله وجه محر را و زره بلاد هنده و قلاع سندی فتح و تسمیر ایلیوب انتظام امور مرهاتندن فارغ اولدق  
صلک مالک تورانی دخی ضبط و تسمیر دامن هتقی در میا ایر و ب اطراف بلاد امر ارسال ایلدیلر که او زو و  
اهالی سنک مازم رینی تجدید ایچون تحت حکومت هنده اولان بلاد کج جمه کندن آت و سلاح و انو ب تحصیل و تدارک



و هراته ارسال و عساکر مینده توزیع اولوب ترکستانا جانبنه سفر ایچک هر اته سوار و پیاده حاضر و آماده اولار  
بو آینه وارجه ایره زمینده شاه و کیلی اولان رضاقلی مرزا شاه امیرله طهرانده مکنه واقامت ایروب عساکر ایران  
دخی اطراف مالکده قشایوب امر مجده منتظر اییلر بود فعه شاه جانبندن امر ارسال اولمغله مرقوم مرزا ایران  
قشونیه قلقوب هراته اوردوویه ملحق اولمق و شاه امیرله سار اولادو اصفادی دخی مشرهدن هراته وارد  
اولوب خاکبای شاهه یوز سورمک فرما اولدی ماه محرمک اون او چینی کونی شاه عجمه لار کاندن حرکت ایروب  
بلو جستانا اعمالدن سبوی و دار و شال و قوشیچ نام بلاد یولیه نادر آباد جانبنه عازم اولوب ماه صفر الحیرک  
یرنجی بخشبه کونی نادر آباد هو ایسنده واقع چین خوبی نام محله ضرب خیام نیلکون فام و مکنه و آرام ایلی  
مدت ایام سفر هندن نادر آبادون مدت غیبتی ایکی سنه کومه ویدی کونه بالغ اولوب جرمانا آبادون حرکت و نادر  
آباده دخولی کامل یریل اولمشه سابقا ذکر اولدیغی اوزده شاهک قرناشی ابراهیم خانی جازو تنه لری کیری قتل ایطری  
چو اندون اخذ انتقام خاطر شاهده جایکیم اولوب نادر آباده وارد اولد قلزده نادر آباد بطلر بکلیسی طائفه ایرالک  
عبد الغنی خانی ابدالی قشونیه ترکستانا سفر دن معاف ایروب ابتدا میرزانه نادر آبادون حرکت و مشر و جانبنه عزم  
ایلیوب قیش موکمنده البر و طاغنی قار اهاطه ایتمکله مزبور لری ایشیکک مرقوم معبر لریکه مسود اولور اول  
وقته طائفه مرقومه نیک اوزرینه واروب تنیه و کوشمالدین فرما ایلیله کنگ افشار طائفه سندن کومه  
احول چرفه بی باشی فتحعلی خاندخی برکوه خان و حکام و اون بش نیک مقدری برادر و نامدار کزیده و منتخب  
خراک لکریله مأمور اولیلر و کرجستانا و آذربایجان حکامی دخی تحت حکومتلرده اولان قلاعک یرار و جنگ آورده  
لکریله جانب مزبورده مأمور اولوب عبد الغنی خانک معیننه تعیین قلندیلر بوند نصک شاه ماه صفرک اون  
ایچینی کونی نادر آبادون حرکت و دفع لو ای شوک ایروب قطع ماحل و طی منازل ایره رک ماه رجب اولوک اوننجی  
بزار ایشی کونی هراته وارد اولوب مشر بر فرسخ محله کهرستان نام چمنزاده اوتانغی قوریلوب اولی رده ایشی  
ایلیله چوکه بعض مصالح و مشاغل ملکیه بسیله اوغلی رضاقلی مرزانک موعده مقرر اوزده هراته عتبه  
شاهه یوز سورمک مقرر اولوب و رودی تأخیر اولدی حکم و الا ارسال ایلیله که قرناشی ابراهیم خانک  
اوغلی مشر و الی علیقلین رضاقلینا نیک و رودینه منتظر اولیوب شاهک نیر لری شاه فرخ مرزا و امام قلم مرزا  
ایله معا عیالته حضور شاهه وارد اولار رضاقلی مرزادخی رود آباد یولیه روانه اولوب بادغیس نام قصبه  
قرتیه نام محله اوردوویه ملحق اولار بو امر علیقلینا نه و اصل اولدقه مشارالیه مرزا ایله معا حرکت و انفا  
یروب ماه مرقومک اون کونجی کونی خدمت شاهه و اصل اولوب شرف تقیقلی طاش خبانت الوده سیله کربنده  
اولیلر نادر شاه بی انتباه هندن سفر دن عود ایلیله کاندن نصک عظیم غر و پیداه ایروب کند و سنه ملک الملک

و شهر شاه

و شهر شاه لقبی طاقوب عظمت و رفعتی بر مرتبه یه و اصل اولدی که درجه فلک طقو زقا اولدی کنونک  
رتبه کی قنده بست و ایچ کور نخله سلاطین هندستانک مفتخر لری اولان تحت طاوسه دخی جلوسه  
اعتبار لری قالیوب تحت مزبودن اعلی و ارفع مرتب و مرقوم بر سر کردون مصیر جو ابرار و لای شهود  
ایله مطلق و مرتب اولمق اوزده ایجا و اهداث اولمشنی فرما ایلیله شاه جرمانا آبادون حرکت ایلیله کاندن صلح  
شاه امیرله ماهر و حازق جو اهر نظار هندی و ایرانی قیو مجید جمع اولوب برسنه کومه ده وجه مشر  
اوزده بر تحت زیبا و التون اشله التون صیایف اوزرینه جو اهر مرقوم و ذی قیمت الماس پاره لری نشا  
بر اوتانغ کردون نطق ظهوره کتور دیر که اندده دکر و تعلیق اولان جو اهر دخت و لعل بر خشان و لای  
غلطانک هر بر دانه سی بالکبر اقلیمک خراجنه معادل و کوه هر شیخراغه مائل اییلر مزبور تحتده و اوتانقه  
نشانه قلنان کرا نبرها الماس و سارم و اریه و شاهوار که هر لکنه زرده کوز لری خیر لذیر و ب لیالی مظهره  
شده برقی و لمعانی درو دیواری بر ضیا ایروب اول که هر لرح هر فردی شیخراغ عنوانیه معنون اییلر بو  
نعم جلیله زاد آخرت و ذخیر عاقبت اولمق ایلی و اهری ایکن زینت زائله دنیا یه ربط قلب او جندان بی  
مسامحوال نفیسه بدل فنا ایلیله تحت و اوتانغ اتمامه رسیده اولدقه اندک بارگاه نادری ادرتسمیه اولدی  
شاه امیرله اوتانغ قوریلوب بر جانبنه تحت نادری بر جانبنه تحت طاوسکی نصب اولوب برجه ایام اولادو  
اصفادیله اول تحت زیباده اوتروب کوه ایلیله صبح و مساعظم اطعمه نفیسه آتیب اولوب بعض  
حرمانه صحت دلدارغا علی الاعدا و تحریک شوق و نشاط و استیجاب الشراغ و انبساط قصیده آینه جام کل  
فامه نگاه انداز اولارینی رجا و نیاز ایتیلر اگر چه خلی مدت ایردی که ساغر ضربان نظراتفتان تبعید و مشیدی اما  
مفرح قوای نفسانیه و محراب شاهیه و حرارت غیرتیه و سرور بر سر و اولمق هواد هو سیله کیت سبل  
سیر صربایی میدان رخته سو ق ایلیله شاه اوده لریک یونلرینه کرا نبرها خایله و مرقوم باز و بندر آصوب کرا  
اسلمه و انو ابلرک هو صله قیاس و تخمین یر و ن جو اهر ثمن ایله آراسته ایروب قرناشی اوغلی علیقل  
خانه دخی عطیه برتیه شریته در انعام و احرک ایلیوب بر مدت بو منوال اوزده ملوکانه زوق و صحت  
ایلیله مقدا سکر یوز حد و دنده دفع لو آبر جهانگیری و ملک ایره و تورانده طبک زین دلیری عراق عرب و عجمه  
و ادرالسلام بغداده وضع قدم و ممالک هند و رومه ادرال حشم ایدن تیمور بر زور و شتت موفورک بیون  
اوغلی معین الدین شاه رخ مرزانک تحتکاهی دارالسلطنه هره اولمغله نادر شاهک قره العین نیر سنک اکی  
دخی شاه رخ مرزا اولوب مشارالیه ایله هتمام اولدق لری اجلدن سنه هراتک خلافتی شاه رخ مرزانه ادرانی  
کوهوب عنایت ایلیله بعد ایوم هراته سکه و خطبه انوک نامنه اولدی شاهک هراته مدت اقامت لری اوج

و شهر شاه



آیه بالغ اولاده هو زه هلو متنه اولان بلاد کج جله سندن اعفظ مشرهدن غیر بر ماسن اولغه شام رخ  
مرزا و امام قلی مرزا لری نصر الله مرزا معیتله ابتداء میرآنه هوانک اعتدالی وقتنه مشرهدن ارسال ایلی کونکی  
دخی ماه ربیع الاول کج یلکری سنجی کونی باصول برهنی و مطوع ترستی کج و سناک جملک سندن حرکت ایروب اول  
ولایتک نزله تکا هلرندن معدود اولان کادزگاه نام محله نزول ایلیوب اول جای خرقه بر مقدار اراغ ایلیله  
اندن دخی کج چیلوب ربیع الآخر کج غرق سی یکنه کونی باد غیس جودنده واقع قریه نام محله وارد اولیلر  
هک اول کون رضا قلی مرزا دخی مسیح و مین ایر ۴ کتیرله کلوب اولدوویه قریب اولد قده طرفندن عظیم ایلیله قویلو  
و کلاهی دون و خدمه رکاب جله استقباله یقوب تو قیر و تعظیم ایله کتوریدر رکاب بوسن شاه عجم ایله  
مفتخر و مبا هی اولوب اول کتیر قیامت اثر کمال دیکس و استعداد شایان ایله صفه آراسته ایروب کروه کروه  
شاهک نظرندن کوزله اولیلر خدمت شریزه کامکار موقع قبول و استیازه اولوب طرف شاهین کوزیه  
مرصع و مین خیمه و خرگاه و اوتاغ و بارگاه و التون تاج و بازو بند کولر تاج و سار جو اهر نفیسه و لکی  
شاهوار عنایت و احسان اولدی اوچ کون تدارک مرهام ایچو اولد کتاش مقامده مکن و آرام ایلیوب دوزخی کون  
حرکت ایروب مار و چاق و چمکتو و اند خود دیو یله بلج جاننه عازم اولیلر قطع دشت و هامون ایره دن  
افواج عساکر هیبت آثار امواج بجای جوش و انواع سپاه انج اشتباه سیل العرم کجی غروشن ایروب یوردرک  
جغزی اولوی تکج بخی کونی بلخی بر ذسیح مسافه ده واقع قوشنی نه نام محله ایریلوب اول منزل مغرب  
خیام کردون قیام اولدی دادخواه عزیز قلی بکک مقدمه فعاته خصمه صاحب کج قلعه سنده خدمت  
پسندیره کج بقت ایتله کنه و سینه تکیما قرنه اشقی قوشن کج نیاز محمد خانلوق خطابیله برهر مندی بلج و ایلیکی ایله  
سربلله اولوب موئی الیرک او غلی کرای سستانه دخی اند خود ایالتی ایریلوب اول ولایت حکامی دخی انوک کج  
حکوم قلعه یلر ماه مزبور کج اون ایلیکی کونی شاه و اروب بلج قلعه سخی و او غلی رضا قلی مرزا کج بنا و انشا ایله  
عمداتی سیراید و بی نه اوتاغ کلاهی و مقدمات شاه جانندن او امر ارسال اولنغیس بلج سرداری ایلی تکج و او  
تکج بظلم بوک تحیل اولور تکج یوزعد کج مرهتا و آماده ایلدن ایریدی شاه ایرایدوب ججه کیدر غلته و ذ  
طوبخانه و مرهتا تحیل و اموییه صویله نقل اولیلر شاه دخی ماه مرقومک اون بخی کونی بلخی حرکت و کلیف  
آباد نام بله جاننه عزیمت ایلیله کیدر دخی روی آب ایله کلیف معبرنه وارد اولوب ذخایر و مرهتا کج قلعه  
تعیین لکان لشکر دخی مأمور اولد قلی وجه وزره کیدر ایله برابر صو کنایله روانه اولوب ده نورد واری  
مقصود اولیلر ماه مزبور کج یلکری بخی کونی شاه دخی اوژدوویه و اروب بخار معمری اولان کونکی نام منزله نازل  
اولیلر اتفاقا اول منزله او تبر و عده امرای توراندن اولان حکیم بی اتالیق او غلی و حصار و قوشنی نام بله دن

حاکمیری و سائر اول طرفه اولان رؤسا و عظام اموییه صویله اوژدوویه وارد اولوب شرف با طوبوش شاه عجم  
ایله مشرف و مقبل خدمت اولیلر شاه دخی ججه سته خلایق فاضل الباس و نو از شکر ایلیله و منزل مزبورده رضا  
قلی مرزا کج سکرینک نف مستحب و کینه لکری ایله ایر و کیدوب چارچه نام محله مکن ایلیک فرما اولدی و علیقلی خانی  
دخی اموییه صویله کسرت شرقی سته مأمور ایروب امر ایلیله کج صویله ایلی جانیده ایلی لکری برابر مرجه سیم او کج  
اول طرفه اولان ایل و اهالیدن مطوع و مقدار اولدی حیانت و کرش و متردله تنبیه و سیکس ایلیله  
علیقلی ک معبردن مأمور اولیلر جانیه عبور ایلدکه اول سمتده اولان ایل و اهالیدن برکوه بقعه اطاعتنه کردن  
نیزاده اولوب عظیم پیشکش رکوب اصابت خسرا ندن مصون اولیلر بقعه جاده اطاعتن مخرف اولوب خرابی  
اختیار ایتیلر علیقلی خانی دخی خرابی تعقیبه شتاب ایروب بیست کله رس اخذ و قتل و اموال و اشیا رس زهبا و غنای  
ایروب و سر بریده رس حضور شاهه کتوردی رضا قلی مرزا کج چارچه سته مأمور ایریلر اول ناحیه الهامی  
مشاد ایرک و ژودندن مقدم خوارزم ستمه کج چوب سلامت یقاسنی بوشلر ایری اول طائفه شکار ندن  
شهر اده تکج دامنه بر آورد و شیوب صفرا لیه قادری شاه دخی اوژدوویه روانه اولوب جغزی الاخره تکج سکرینکی  
چهارشنبه کونی چارچه قلعه سکن خارجنه قونیلر شاه امر ایروب آب اموییه کج جیمو تعبیر و انصود و اوج  
کونک طرفه اوژدوویه بر سر مین ترتیب ایلیله دوزخی کون افواج قاهره عبوره آغاز ایروب چارچه قلعه سته  
داخل اولیلر شاه بر بلوک لکری قلعه مزبوره محفظه سته و برکوهی دخی جسر محفظه سته و برکوهی دخی اول  
ولایتک محمولاتی و مزروعاتنی جمع و ضبط و حفظ ایلدکه تعین ایلی ماه مزبور کج اون دوزخی کونی غلنک  
خاص ایله زور قلعه سوار اولوب هندیایه و ایرایتانک لغزنده بخار کمال صنعت و مهارتله یار قلی خصوصاً رکوب  
شاه ایچو بنا و انشا ایلد کله کیدر سیر و تماشا ایروب بعده اوتاغ کلاهی سلطنت تورانکار خانه سکن مدار ایله  
وزیر اعظمی اولان حکیم بی اتالیق بخار تکج نقبا و اشراق و اعیانندن برکوه ایله هک اول کون اوژدوویه وارد اولوب  
عتبه شاه ی تلیم ایله سرافاز و خلایق فاضل و نو از نشات خدیوانه ایله برهنه و ممتاز اولیلر اول کون مکن ایروب  
یرتسی کون حکیم بی اتالیق حضوره دعوت اولنوب و افراتقا و نو از نشاتن صکر بخار پادشاهی ابو الفیض  
دعوت و حضوره احضار و ملاقاتین التماس ایروب و اشتیاق نامه تسلیم ایلیوب زفقاسیه اول کون  
ارجاع و اعاده اولیلر شاه دخی در عقب حرکت ایروب قرا کول یولیه کوچ بر کوچ عازم بخار اولیلر ماه مزبور  
اون طقوز بخی یکنه کونی بخارانه دشت فر کج محله ضرب خیام ایروب او توریدیلر چون ابو الفیض خاق قوت مقابله  
و محاربه یی کنه و سندن مسلوب کوب پای اقامتی و یارای مقاومتی اولیلر یعنی سلوب اول انشاده بکشته تحیح یرن ترکان  
اوژدوویه لکری دخی نازدهک عساکر کج زقاری جنبنده جد اول انزبار کجی اقل قلیل و مغلوب اولد دخی ظاهر و هویرا



اولغه اطاعت و انقياد در غيري چاره كمي قاييوس ابو الفيض خان وزير اعظمي اولان حكيم في اتاليق و وجهه فخره  
زادگان و كوكبه عظيمه علويك و دانشمند و اوليا دولت و مقربان حضرت و غلبه خاص و خدمت خاص خود  
و بالجه نقبا و اشراف و امرا و اعيان بلدينه كلوب شاه او در سينه بر فرسخ مسافه ده نزول ايلدیرماه مزبور  
يكر منجي و شبیه كوفي طرف شاهین رخصت احسا و بنفین حضور شاهه وارد اولده خانه آن چنگیزیه و در  
ترکانه دن اولر غیچون شاه استقبال اید و ببری برینه سلام و بروب استفسار حال و شاندر صلح او تافه  
داخل اولوب او تو دیر بر مغزین شاهلی مرفی جترب و باشندن باد شاهلی تاجنی آچوب نادر شاهک  
زانوسی او زینه وضع اید و بتو ده شاهلغنی بولکون بویه سکا تسلیم ایلدیم الله تعالی مبارک ایلسون  
دیدر شاه تکرار بر دخی تفقه حال و خاطر ایلدیر مرفی تو قفدن صلح جمع رؤسا و نقبايه اجازت و یریلوب  
حضوره کله کلر نه شرفی با طبوس اینه شرف اولوب در عقب ارجاع اولدیر طرف شاهین ابو الفيض خان  
وجه رؤسا و نقبايه و سائر اتباعنه خیمه و خرگاه و اوتاغ و بارگاه احسا اولدی ماه مزبور کله یکرلی یکنی  
چهار شبیه کوفی اول منزلن حرکت اید و ب بخاریه نیم فرسخ مقداری بر صحراي و اسعه خبر خیمام کرد و قیام  
ایلدیر اول منزله ابو الفيض خانی و رفقا سنی دعوت اید و ب بعد الاطعام خان مشار الیه خلیع فخره خاص  
و بالا بوشن طلبانی و کرم صنع و خیر مجوه و اسب تازی نژاد مجوه هر کس ره رخت اینه عنایت ایلدیر  
وجه نقبا و امرا و اعیاننه علی مرتبه خلعت و مجوه شمشیر و خنجر و انعام شایسته احسا ایلدیر خانومی اله  
دخی شاهه و هو ایشی سینه عظیم ضیافت و رعایت اید و بلازمه خدمتی تقدیم و شان شاهانه لایق هدیه برته اید  
و تسلیم ایلدیر شاه بخارا لکیرنگ احوال و اطوارینه تحصیل و قوف ایچو اهالی بخاریه آیینلری اوزره آیلر تنبیه  
اولوب بالجه حد و بخارا داده ساکن طوایف ترکان و اوزبک و سائر ممالک تورانک شجما و دلاوری بر قلاع  
ایام بخاریه جمع اولوب و هر طائفه کندی کرده کی اینه معافه تا توران شجاعانلری کلوب کر و کر و شاهک او تانی  
او کندن کچوب آلی کوسر دیر آیلدی غایت مزین اکثرنگ آتی مذقوب خلی مختشم و معنون لشکری ایلدیر شاک و شاک  
سائر اقلیم های سینه غالب کورته ابو الفيض خانک بو قدر ذی قوت لشکریه محاربه به عدم اقدامی ممالک تورانه  
صیانت محض و عبخیره اتلاف نفوس و اموالن مزیم و احتیاط ایلدی کی معلوم اولدی شاه اول کرده لرن  
برادر و نامدار لینی کنده و سینه لشکریه و ب عا کرم قومه خراکا جاننه توجه ایلدیر شاهک حرکتن اول محل مزبوره  
وارد و اصل اولار لینی فرما ایلدیر و معتبر بکلر بکلر و خاندن بر قاق نم گسته بر کر و لشکریه کمر قه جاننه ارسال  
اولدیر که اول نه اید ساکن و متوطن ترکانلرن دلاور و شجاعانلرن بر جمع عظیم انتخاب اولوب شاهک لشکری  
جمه کسی چارچو یولیه خراکا جاننه روانه اولار و بالجه بخارا و کمر قه ترکان و اوز بکلر ن یکرلی بکلر تقریریه

لک کلاب شاهه ملازمی متقبل اولوب خراکا کسته مأمور روانه اولدیر دجب شریفک او بن بشی کوفی د  
ابو الفيض خانک دوشی خلعت آفتاب طلعت اینه امتیاز و اعتبار و فری دولتی افسر کوه نظار اینه زین و اختی  
بولوب هیچون ایر ماغنگک سمیت شرفی و ما و آرا و انز که کسته احسا اولوب چارچو نام و هیچون ایر ماغنگک  
سمیت جنوبی و شمالیسمی ضمیمه ممالک مزبوره دن اولما سنی فرما ایلدیر دیار بلخ و بالجه ولایت مرقومه دلاور  
منتقل اولدی چون ابو الفيض خان باغن جدر و درمادولت آل چنگیز یاندر اولغه نادره دل آگاه اول اولوب خانه  
اساس دولتی منهدم و نام و نشانلری جرباندر منهدم و شمع و دلتدی آستین قهر اینه کشته و زور بختری بر کشته  
اولار لینی رو کور میوب سینه کماکان شاهلغنه ابقا و شاه ابو الفيض خان خطبایله مخاطب اید و ب تمام ولایات  
ترکستان و حکام آنک حکینه رام اولار لینی فرما ایلدیر و ممالک حکامی بالجه طوعاً و رغبتاً حضور شاهه کلوب  
متبر خدمت اولوب سینه مقر حکومتینه اعاده و ارجاع اولدیر چون شاهک قزاقانی او غنی علی قلینی ناک اول  
سفره خدمت شایسته کی سبقت ایتکلره مرقومه میل و محبت شاهلی افزون اولوب ابو الفيض شاهک دفتر  
سعد اخترینی نامز ایلدیر بقه اوز و اجنه کج اید و با قاعده چنگیزانی و راه و رسم ترکمانی اوزره سوز و سرورده  
قتام و یریلوب دوشین مقصد شستان حصو پیوست اولدیر بقه بر دله نادره صدق چنگیز خانی دخی  
کنویه هر اولوب حرم حرم حرمته خدمت ایچون سر پرده عصمت مقرر اولغه قلمرو مملک و ملت شرکات و د  
سلطنت و هشتم سلطنت یلک اولغه نیجه بکلر مسلمانک قاندری مصون و محفوظ و جاه دولت و شکرک بویه  
بر پادشاهک استظهار ایلدیر دوز بر و ذخره اولدی و اول محذره خانه چنگیز خانی صلح بر کبان حرم شاهی ده انتظام بول  
خوادیزم سفر نه دخی برابر بولدی بو خلاصه کابل حد و دنده ساکن بعضی اغوانلرن جاده اطاعتن فروجی شاهه  
عرض اولغه خدمت اولدیرن جلایرلی طرما سبقلینی فی سردار نصب و تعیین اید و ب اتک صونک سمیت شمایینه  
واقع ممالکن زمام اختیار دی بلاد هندستان شاهه انتقال ایدن ترترها و سند و پیشاد و تبیت نام حد و دنده و ادر  
سردار مرقومه تفویض اولوب و بر کر و بکلر بکلر و حکام و افواج قاهره بر ارام انتقام آنک خدمته تعیین  
اولدیر و امرا ایلدیر که حصار یولیه روانه اولوب بخارا تر کما و اوز بکلر ن متبر خدمت اولان یکرلی بکلر لشکری  
دخی الوب خراکا و دوز و اذن جانب مقصوده روانه متمرده و سرکش تنبیه و کوه شمال ایلدیر کابل و هند  
دارینه و اول ولایته اولان حکامه او امر مطاعه ارسال ایلدیر بوردیر که دستور سابق اوزره اطاعتده  
اولوب طرف شاهین ارسال اولان سردارن امر و نرسینه مطوع و منقاد اولوب کرم مخالفت ایتیه لر لاهور و ملتان  
صوبه داری اولان ذکریا خانه دخی او امر ارسال اولدی که مشار اینه آنک صونک او ته طرفدن و سردار مزبور  
بو طرفن اشقیما و زور ببارین ازاله لینه سعی و کوشش ایلدیر بر برینه رسم اعانتده طریق موافقه سلوک



ایوب دولتین عظیته متعین خیریت اولان افعال پسندیده او زره عمل و حرکت ایوب مسامحه ایلیه  
دینیه توجه موکب اخبت کسرت هو اوزم و تسبیح آن دیار بزور بازوی عزیزم بودن اقدم کرده ناکه  
قلم اولیغی او زره نادره کله ظهروندن بجه کسین سابقه مقدم کرده است خراش دست فرسوده تطاول و پامال  
تصاول جنود او زبکیه و ترکانه هو اوزم اولمغه اول ولایاتک اکثری قری و قصباتی خراب و بیابان اولوب  
خانه ای جای بساج و هوام و کاشانه لری مؤر و زنبوره و بوم موفوره مقام اولمشیدی بود فعه فرصت  
ان ویرکله مرقوم هو اوزم اهالیسندن اخذ انتقام خاطر شاهیده جایگه اولوب لکن کثرت موانع و عواین ایله  
تاخیر اولنه قالمشیدی کلتیترن اولمشیدی دخی ملخو ایری چونکه شاه خراش جاننه عطف عنان ایلیله هو اوزم  
و ایلیسین فک سبک کسرت ایوب حد و خراسانه گاه و وضع قدم و گاه ارسال هشتم ایله دعایا و بر ایلیه  
انواع خسارت و مفرت ایصال ایلیله شاه ترکستانک انتظام مرماندن فارغ اولدقه ماهه دهجک اون التیجی کونی  
خارج بخارادن حرکت ایوب منزل بمنزل هو اوزم جاننه عازم اولیلریمون ایرماغی او زره بنا اولندان مسره  
اون ایکی فرسخ مسافه ده واقع خواجه قلعه سی نام محله وارد اولدقه جسرم قو ملک مستظاری انزلیسیله کسرت  
شاهه خبر و اصل اولیکه محمد علی او شاق نام سر کرده عمو هو اوزم و ترکمانزیه مبالغه عسکر ایوب  
جمیعت تام و استعداد مالا کلام ایله چارچو قلعه سی التی فرسخ قریب محله وارد اولیلر عسکر ایوبه مقابله یه  
علی الاطلاق اتفاق ایوب یا ایرانیانی اوتته دن ازاله ایدرز ویا جمله مزبوه او غورده قیریلوب کیدرز دیو غریب  
لغزمت اثر خبر لری تحقیق اولندی بو خبر شاهک مسوعی اولدقه خان خانانی اغرلی و طوبلر او زرنه قویوب سر  
عجالت ایرشکله اهتمام ایلا دیوتبیه ایدوب کند و سی صالت و سبکبار بر قاچ بنک برادر مرد کار ایدیه هنگام  
شام سواری اولوب ایلفار ایدوب طلوع آفتاب دن بر ساعت مرورنده جسردن عبور ایدوب افواج قاهره سبک  
چارچو ناحیه سنه و صولیچون اول کون محل مزبورده توقف ایدوب عسکر و زورینه منتظر اولدی ایرتدی کون  
ماه مزبورک یلکری برخی کونی ایری جماعت مرقومه یه تنبیه و کوه شمال ایچون دفع لوه ای شوکت ایدوب یول عازم  
و روانه اولدی وقت ظهر اولدقه قار شودن قرع طاغیر کی هو اوزم لشکری نیای اولدی شاه بر پشتیه به مقیوب  
هو اوزم او زورینه نظر ایلی کوردی که برخی بیایاندر صحرا ای طوب چالقیابو دام ایلی که مقدمه الجیش  
اولان شربا شریکتری اندرک چرغی ایدیه بر مقدار الشوب عسکر هو اوزم ملک که زرنی اول جاننه سفون ایدوب تاکه  
شاه عمو او زورینه جانب آخردن او زورینه هجوم ایلیه شاه امری موجب شربا شریک دله واری میدانه آت صحرا ایدوب  
ونوع لرا و زوب تیرو نینج و کثیر ایله صوا شوب هو اوزم چرغی ایدیه اللشکله مباشرت ایلیله کیده رکن جنگ قریب  
مقابله شاهیده اولان خانلو و ایدوب صفیری ترتیب و عسکر استمال و غیرت ویر مطلقه جنگه تحریص و ترغیب ایدوب

مجموع

مجموع اوزبک و ترکمان اولد قری محلدن برو طرفه کجکه آغاز ایدوب شاه لشکری او زورینه تفنگ یاغیر و بر آتش  
فشان اولد قلندره شاه بر گروه انبوه یکه تازله و جاه بازلر شجها ندر ایله بر پشتیه اردندن یوریش ایدوب تشوب  
دندار ایله اولان لشکری ایدیه الوب طرفه العین اچنده قبلن کجور و کوسلین و قطع اولمش و کوسلین  
بشکله شاهیده یو اولیلر هو اوزم لشکریک قلب کالی فوج فوج بحر آهنین موج کی سواری اولیلرین دیوار استوار کی برین  
قفادار ایلیوب یلکدمه تفنگله آتش ایدوب دستم زال و سیل سیال کی یوریش ایلیله شاهک لشکری کوه آهن کی  
طوب روب تفنگ و زنبور کله آتش ایدوب قوروشون منزلی فاصله تقابل اولوب لایسقطه تفنگ و زنبور یاغیر  
شاه لشکری ایکی قول ایدوب شربا شریک دخی او زبکلر آرد زرن عله ایتد کلنده او زبکلر بر گروه شاه قبلکله ایدوب  
آلتی زعیله اول جاننه یوریش قصد ایلیله کلنده هو اوزم زلی بوزلی دیو آوازه لرا قاتی طوتدی بو آوازه یلی ایشون  
اوزبک و ترکمان پریش و بیه باقیوب حصار قرار و نباتدی شکسته دیوار کی بردن کوریلوب جانب شتابه  
عنانتاب اولیلر عسکر اندری تعقیب ایدوب اندر بر گروهی شعله کثیر تابنا طریقه چو دیوب کی لشکره یا قویوب  
بر گروهی ایدوب کفر قار قید زنجیر ایدوب بشکله شاهه کتور دکلنده اکثریک طله سی تیغ انتقام ایله غلظا ایدوب  
دیوار عده شتابا اولیلر شاه ایرتدی کون اول منزله ملک ایدوب قزلبش لشکری چارچو یه التی فرسخ مقداری  
فرز ایلدی تعقیب ایدوب اشیا و مرآت و اسباب و آلات و اسلحه و آت و چوقی اقطارمه اخذ و ضبط ایلیله ایدوب  
کون اول منزله حرکت ایدوب شاد و خنده او زورینه جاننه عطف عنان ایلیله رضا قلی مرزا قزلبش رضی الله عنانی ایله  
لغت شمسفر دن رجعت و ایدوب زرن صلح کور شطله شوق و محبت غالب و ملاقاته طالب اولوب برادرین  
زیارته شاهدن استیذان ایلیله کلنده شاه جانندن مخص اولوب علی قلی ایله مشرف جاننه روانه اولیلر شاه  
دخی بقیه لشکرک و اغرلن او زورینه و صولیچون بش کون اول مکانه توقف ایلیله مقدمه هو اوزم سفیریون  
جمع و ترتیب اولندان بنک یوز عدد کیدر شاه حکیمه طوب بخانه و مرآت و غلظه و زخیر ایله مشحون اولوب صیون  
صویله هو اوزم جاننه فرستاده قلندیلر او زورینه دخی ماه مرقومه یلکری کونی خسروانه بدیده و طنطنه  
ایله جمیع کناریله کوچ بر کوچ عازم مقصد اولیلر ماه شعبانک اون او چنی کونی سرحد و هو اوزمده واقع  
دوه بویخی نام محله و ایدوب او زورینه قوروب او تودیلر چون ایلبارستان و سار اهلای هو اوزم تمام  
طوب ایف اوزبک و ترکمان دوه بویخی نام محله اوچ فرسخ مقداری مسافه ده واقع اسب لهر ادر نام قلعه ده عله  
سواری و پیاده جنگه مرآت و آماده اولمش ایدوب ایلبارستان خان مدافعه و محاربه ایچون قار شوب حقیقه دیو شاه  
ایکی کون دوه بویخنده ملک ایلیوب منتظر اولدی زاننه زخیر یی و اغرلنی محافظه ایچون اول برده بر حصار متین بنا  
و انشا ایلیوب مرآت و زخیر دن فضله یی اول حصارده بر غوب ماه مرقومه ملک اون التیجی کونی لهر اسب جاننه

۹۰۶



مرکت ایروب قلعه به پنج فرسخ محله نزول ایلیه ایلبارس خان پای جلادتی قلعه به چکوب مختص اولی  
قلعه هر اسب امرات قلاع خود از زمین اولوب اول حصار سنگین بنیاد متانت و مناعته و نظیر و اطراف  
خاکیر اولوب حیوانی ایروانی حیوانی احاطه ایتمکله اطرافدن یورش ایله ظفر بولوق ام عسیری صوبتی  
تعریفدن خارج اولوب قهر او غنوه فتح اولندوغی سموع دکل الدی اول اجلدن ایلبارس خان اول قلعه نیک  
صعوبتنه اعتماد ایروب عصیان و طغیان اعلانه جرائت ایتمیشدی شاه زور ایله اول قلعه یی فتح مکن ...  
اولی یعنی سیلوب و عبثه استغال ایله اتلاف عسکری دخی روکو رمیوب ایترتی کون تخفاه و لایت خود از زمین اولوب  
خیوه نام قلعه جانته عزیزت ایلیله که شایر بو معنا ایلبارس خانک سلسله جنبان حرکتی اولوب قلعه دن  
چیقوب شکار عارون عادی و رعایت ناموس سلکته جاری اولوب کنج خفاده متواری اولوب پای جلادتی  
میدان کار زاره کتوره او زور بر منزل مسافه حرکت ایلیله کلر نه ایلبارس خان بر جرائت جدید حاصل اولوب قلعه دن  
چیقوب حیوانی کناریه او زور آردیجه روانه اولیلر اگر چه رعیت و فراس کند و سینه استیلا ایتمکله کنارون ایروب  
مقابله و محاربه به جرائت ایله مزایای اما اول ولایاته اولان ترکان بر کما میروت و مکه قیالی کر خرد و کسب نظر  
او زور دوی شاه ایله مقابله و محاربه زعیله اظهار جلادتی ایروب جنگ ایچون صفرا راسته ایلیله شاه دخی  
میرنه و میره لشکر ترتیب ایروب کند و سی قلیکاهده طوروب جان سپارک جلادتی بیسه و شیر شکار ادرست انیزه دن  
برکوه ایله اول جماعت او زور زینه یورش و هجوم ایروب سبب تنگی دروغ ایله میدان کار زاره نازل اولیلر عجم اولور  
خوارزم سبب ایچونک بیگانه لاله زاره دوروب چوق باش و دل ایلیله بقیه رقرن لشکر ضرب دستن ام  
بسته دونوب ایلبارس خان او زور سینه جان آتیلر ایلبارس مزبور دی سولتتکه بونه طوروب کلور درسه  
محاربه ایله لم دیری هوایشی برهی خابونه طوروز قزلباش لشکری بو فضا حتی ایتدک نصلک تک طوروز ادرست  
کلور دیکوب خانقاهده تحصن ایله دی کلر نه ایلبارس او زور وسیله هوق اول ساعت کوب چوب کتیلر برده مکن  
و توقف ایتمکدن هر اسب ایله خیوم مابینده واقع قلاع فسه خود از زمین اولان خانقاه نام قلعه به  
واصل و داخل اولوب لشکری خارج قلعه به قونوب نصب خیام اقامت ایلیله شاه اول کون معرکه کاهده  
راحت ایروب ایترتی کون علی الصبح اول یوردن حرکت ایروب اوچ عسکر مورنده هوالی قلعه به واصل اولوب قلعه  
قوشا تیلر اچوردن حد دن بیرون ترکان و او زبک لشکری طوله کوی قلعه و قوشون یاغیروب مدافعه قیدنه اولیلر  
قزلباش او زور سی بر مقدار کوه چکلر که خود از زمین پای جلادتی میدان شجاعته قویوب قلعه دن چیقوب خارج  
اولان عسکر ایله متفقاً شاه او زور سی او زینه هجوم ایلیله شاه انشادتیه عجم لشکری کرد و نوب بر یایلر آتش و در عقب  
حمله ایلیله کلر نه اول طائفه تک یوزاری دونوب برکوهی کشمیر تیر ایله روانه باد اولوب برکوهی دخی قلعه به

داخل اولوب جانب کریم شتاب اولیلر کرجه و باغنی خلاص ایتمک قیدنه اولدی جمله احوال و ائقال و کیلوب  
عجم بقا ایلیله برکوه قزلباش فرایدی تعقیب ایروب بشت کلرینی غصه تیغ هلاک و نیجه ایلی الدی باغلو دلری داغلو  
ایروب ختم اولوب شاه حضورینه کتور دیلر ایلبارس خان او زبک ایله قلعه به کیروب مختص اولدی جوانب  
اربعة دن قلعه به یورش ام اولندوغی لشکر هجوم ایروب طوبخانه و خیام و اموال و اغناملرین ضبط ایلیوب  
او زبکلرین خارج قلعه ده خیمه نشین اولان سپاه و رعیتلرین بنده چکوب و اردو شاری ضبط ایلیله و در عقب  
اژدردها اولان طوب قلعه کوبدی و اختر دیر آتش فشان اول قیوم دی قلعه او زینه هواله اولان بشته  
بیقراروب هر طرفن قلعه یی دو کله باشیلر شاه محاصره خانقاهده بذل اقدار و سبب شمار ایروب جمله متر کوردن  
هر کون سبب دانه آیتلور ایلی اچوردن او زبک و ترکان بر آن مدافعه دن و تیقظن خالی اولوب کمال مرتبه  
مدافعه به چالشوب ضرب طوبدن رخنه یی اولدوغی طوبه لایله طوبرای طوبرای دیوب اولور کلر ایروب  
اوچ کون اوچ کجه لاینقطع طرفین آتیلان طوب و تفنگ ایچو فرقه دن نصیبی اولانی کتور ایروب جابک دست  
نقابدر نقبلر حفرا یروب نیجه یوردن لغز یور تیلر بالا فرقه حصارده کلر و یقینیلر چوق اولوب تعمیر دخی قول ایتری  
لغز دخی حصار التذن کوب درون قلعه به واصل اولدی قزلباشره جوانب اربعة دن یورش تینه اولدی  
اهالی قلعه کند و اینی جهت رستن بلاه کوروب او زبک و ترکان زوسا و عظامدن چوق کسینه ایتمک ایروب  
ماه مرقومک یلر دی دوزخی کونی حضور شاهه و اردو ایلیله ایلبارس خان کند و حالی تباه و روزدولتی سیاه کوروب  
ورطه هلاک و شوب غوطه فانی یوشن ایکنینه ترمه و عنادنه مصر اولوب عبته شاهه یوز سومرکه  
تعلل ایلیله ایترتی کون شاه برکوه لشکر کونر و بجمه اعوان و انصار ایله خواه نا خواه آلوب حضوره کتور دیلر  
اگر چه مقتضای مروت شاه جرایملرین عفو و اغماض ایلیوب اجرائی تیغ سیاستی دشمن زبون او زینه روای  
کوردن ایرو اما قلعه مرقومه یی محاصره انباشنده تورک شاهی ابو الفیض خان ناآزده انشادتیه ایلبارس خان  
و هجوم ایتدک حبسینه شاه مشار الیه اطاعت و انقیاده دعوت و مخالفت و مفارقتن تبعید و مجانبت ایچون  
او زبک جماعتدن بر قاج نغمه علما و اشرافدن برینه نصیبی نامه و یروب شاه دخی چارچوردن ایکن  
نظر خواجگان مرقومه همراه و خان مزبور جانبنده فرستاده ایلیله بیچاره خان حضورینه و اردو اولوب ایکن  
جانبنده ازال اولان دعوت نامه دی تسلیم ایلیله و ابلاغ پیام صدورنده اولام دیرکن ایلبارس خان غلری باره لیب  
و اریله جلاد بر نژاد مزبور دی چو کردوب سیونلرین او زور دیر شاه بو خصوص ایچون غیض و غضب ایله طوبکوب  
اغدا استقام دروننده جایکله اولوب قلعه تقسیم ایلیله ایرو اندر دخی حضوره کلر کلر نه شاه امر ایروب ایلبارس خان  
و تقاضای اولان یلر بر نغمه انی چو کردوب سیونلرین او زور دیر خود از زمین ولایاتی سلاطین تورک زمین عجم زاده



اولاد ولی محمد بن حکیم بنک او غلی طاهم خانه عنایت ایلدیلر بو ائشاده نریب و غارتنه معتاد اولان اجلاف و اراجه  
برگروه اشراق خانقاه شهر بخینی و تاراج ایلدیک ایچون اتفاق ایلدیلر اولدو دؤن قاقوب قلعه جانینه شتابان  
اولدیلر بو احوال ناشایسته شاهک معلومی اولدو مرقوملری کورچو و بوب منشا فاد اولان اشقیان کورخان  
دؤن بده امریه او تو ز بر نف شقیقک بیونری او زلی چون مقدماتا ایبارس قرائی و ارال جاعتینه عظیم رجا  
ایله دعوت نامه یازوب هدیه برته لکونور بوب استمدار و خانقاه قلعه کسه کلمه لری مراد ایلدیلر ایری قراق و ایمی  
ابوالخیر خانی مرقومه معاونت ایچون ارال نام محله ساکن اوزبک و قراق طائفه لرین برکوه ایله حرکت ایلدیلر و ایلدیلر  
ولایت خوارزم اولان خیره قلعه کسه و اردو اولدو قلعه شاهک خانقاه قلعه کسه ایتلا و ایبارس خانی اضا  
و افنا کسه واقف اولوب جراینه اعتذار و استغفا ایچون قراق نف معتبر کسه لریه عتبه شاهه بر عریضه  
ارسال ایلدی بعده یله ملاقات و کسه ال و یرمیوب الفراق ایطاف مسکن المرسلین فوج ایچنه توس  
کیزی مهر لیبوب قراق جانینه فرار ایلدی بو غیر کس شاهه و اصل اولدو خیره جانینه حرکت ایلدیلر و اینه اولدیلر  
قلعه مزبوره آردو و هوادر و صاحبته الاشجار بر بلده معموره اولوب ذخیره لری او فر و جعتدی حدون اکثر ایدی حتی  
اطراف و انکافون بالجه بلاد و قری اوز بلکری اول قلعه ده حج اولوب و اطرافنی خند قلدیله احاطه ایلدیلر و  
بغلیوب کسه لرینه لکی استیقام و یرمشد ایدی کسه و زعلی شرت جیرانه باد حر مردن تند اولان سیل سیلاب او کئی  
خار و خس ایله مس و د ایشد ایدی شاه او زو ایله و اربوب خارج قلعه ده قونوب اطراف قلعه لی قوشا تیر  
شاه اشارتیه لکبر عیادین هفتی میانه او زو ب خند قلدک اطرافدن یر مقلر اچوب اطراف قلعه ده مس و اولان صوی  
صحاره آیدوب اوچ کونک ظرفه تمام خند قلدک صورون ازاله ایلدیلر و اطراف قلعه لی بر و یازی کئی خشک لبتیلر  
دور بخی کون قلعه تک جوانب اربعه کسه طوب و فیر لری قوروب قری اتی قرد طوب و فیر لری بردن آتیش  
یر دکلر نه قلعه کشتی کئی لرزان اولدی فاصله یر میوب و قس عصر کس شهر ایچنه دور کس جانین طوب لوب کله و کله  
یا غیر بوب درون قلعه لی بحر آتیش ایلدیلر اهالی قلعه کسه لرینی کور بوب هتکام عصر برچ و بار و زو  
ندای الامانی عیوقه چیتقیدیلر و در عقب قبولی اچوب مفاتیح قلعه لی کتور بوب عتبه شاهه یوز سوز بوب  
استغفا ایلدیلر شاه جانین دخی مأمور لرینه مساعد اولوب بجه کسی عفو و احش مظهر اولدیلر انصک شاه قلاع  
خسه خوارزمین دور کس بنک نفر جنک آردو و ز بلکرون انتخاب و ملازم دکاب نجوست انتساب ایلدیلر و ایلدیلر  
مأمور ایلدیلر و شاهک پیشین زمانلر نه بلاد خراسان کتور دکلری اساری لرین اخذ و استمداد ایچون اوز لرینه نریب  
محصلت تعیین اولدی زکورا و انا تابالجه اخذ اولوب اقربا و قیابیلدن حاضر اولدو تسلیم ایلدیلر کلاک مسقوله طائفه  
اوزبک لرنه ایلر اولان ملاعین دخی معافی و مخص اولوب زاده راحله سوی بلاد منجوس لرینه فرستاده قلدیلر

ای ادراساری خراسان اوون یکی بنک باغ اولوب اول جمله دن دور کس بنک نفر یا لک خیره شهر زنده موجود ایلدیلر شاه  
مذکور اساری و احوال و ائشاکلری و ماگو لایرینی تحیل ایچون خیره اهالی سندن بار کله و قاطر و حیوان جمع و تحصیل  
ایتیرو ب مرقوم اساری زکورا و انا ایشا ایله دو ایت مزبوره به تحیل ایلدیلر و ایلدیلر خراسان جانینه ارسال ایلدی ایلدیلر  
دور کس فرسخ مسافه ده واقع چشمه خلیج نام محله شاه امریه مجد و انا و انشا اولان قلعه ده مزبوره  
ایطان و اسکان اولوب قلعه مرقومه تک آینه خیره آباد دیو تسمیه و یاد ایلدیلر بونو نصلک شاه بر قاق ایام  
خوارزم ولایاتک انتظام امور مهاتمه مشغول اولدیلر چون قلعه قلاع خسه دن عبارت اولان خوارزم ملکتن  
دور کس بنک جک آردو جوانی و اوون یکی بنک ایلر افراج و ایلدیلر حال لرینه کمال مرتبه عجز و ضعف طاری اولوب  
عاشق شاهک مؤتذینی تقدیرمه دخی طاقتلی قالیوب روسای خوارزم بالجه حج اولوب حضور شاهه کلید  
عربو و ثوق و ایما غلاظ ایله متعرب خدمت و تقبل اطاعت اولدیلر شاه دخی اعتذار لری قبول ایلدیلر و خوارزم  
والیسسی ابو الخیر خانه خلع فاضل اباس و خانقاه ابقایوب رمضان شریفک اوون بخی کون خیره دن  
صرف زمام خیب فرجام ایلدیلر شو الک دؤن بخی کون چارچو قلعه کسه و اردو اولدیلر بر قاق کون مور زنده تور  
شاهی ابو الفیض خانک وزیر اعظم حکیم بی انالیق ابو الفیض خاندن نامه و هدیه ایله کلوب دکاب شاهه  
یوز سوز بوب نامه و هدایا کس تسلیم ایلدی بر قاق ایام مکن و اقامت اولدو حکیم بی انالیق ولایتنه ارجاع  
اولوب شاه دخی مزبوره جانینه عزیمت ایلدیلر مروه و اردو اولدو قلعه بلج و ایلسی نیا ز محمد خان و اند خود هاکی و اول ملکتن  
الکابر و اعیانی بالجه کلوب آستانه شاهه جیسین ساری نیاز اولدو قلعه شاه لهرینه فردا خردا خلعت اباس  
ایلدیلر و حکومتلر نه ابقا ایلدیلر کس مطیب الخاطر کسه و بلده کسه ارجاع و اعاده اولدیلر شاه مسقط رأسی  
طلات و میاب و کوبکان یولیه جانب مقصوده متوجه اولدیلر ارجه مقدماتا شاه امریه طلته عیادت عالیله  
و اینیه رفعه و تصور زیبا و ساری دلکش اربنا و انشا اولدیلر بوب دفعه طلته و اردو اولدو قلعه مجد و انا چار شو  
بازار و حمام و مساجد و مدارس و دبا طاس بنا و احداث اولدیلر و ایلدیلر برو قی فرما معارف عیادت طلته سنی و  
ایلدیلر جمیع خوش اندام و دکاکین و کثرت بنیاد و عظم سواد و جیش و جوامع معتاد اسواق نزهت فرا و کور  
قلعه لی معتد ایلدیلر ایلدیلر آراسته و پرچ و باروی قلع خرابه لیر ایلدیلر و ایلدیلر درون شهر لری چشمه سار و انواع  
اشجار ایله زینت لری بوب بر شهر زیبا ایلدیلر اول هو ایله اولان قصباتک جمله کسه و خیره آباده بلکلید و احوال نصب  
ایلدیلر لهرینه جریعت معاش تعیین ایلدیلر اول ولایاته اولان امور تمشیت و رؤیتدن صلک حرکت ایلدیلر و ایلدیلر  
آباد خیره شان یولیه رادکان نام بلده یله و اردو اولدیلر بر قاق کون اول مطانه اولان سیرانکاه لری تماشا بون  
دخی حرکت ایلدیلر شو ال شریفک آفرنه مشهوره و اردو اولدیلر امام علی بن موسی الرضا رضی الله تعالی عنهما حضرت بنک



مرد با کلر زيارت ايد و ب بلاد هندستانه استلاسي و قنده استلاب ايلد و کي قزيل مرصع مينالي آنک مرقى قبه  
 سندن آويزه ايلد کذاک بلاد ترکستانى ضبط و تسيير ايلد کلر نه جو اهرابه مرصع ذى قيمت برالتون قفل خزينه به  
 انتقال ايلد قفل مرزورى دفي اول مرقه منورک بکاسهادت انتسابه وقف ايلد و اول ايامه واقع اولان  
 هو ادنانند که شاهک مشرهد و رودن اول ممالک هند پادشاهى محمد شاهک محبت نامه و هدايا و تحف و برقاچ  
 زخير قيل ايله بر معتبر ادميس کلوب مشرهد تو قيف اوشيدى شاهک و رودن بر قاچ کون صلک موى ايله باجا  
 و يريلوب کلوب رکاب شاهه يو زسه روپ هدايا و نامه سنى تسليم ايلدى تحف و هدايا شاهک منظور و مقبولى  
 اولوب برکه لرى و ترهاته متعلق سنى قدرى و آنک دريا سنک سمى شرقى و جنوب سينده واقع کابل ولايتک  
 قره و قصبه سنى نادده شاهک ضيمه مالکدن قلوب شاه دفي دولتین عظيتمين سينده اولان مواسات و مضافاته  
 مراعات ايلوب پادشاه و اجاه حضرتک ادميسنى مملکتى جانينه ارجاع و اعاده ايلدى بونک تفصيلى اولد که آنک  
 دريا سنک سمى شرق سينده واقع برکه لرى و هو ضرر صوييه حصو له کلى محصو لک مقاطعه ماله ايتى  
 برکته هند پادشاهى طرفدن نصب اولان کابل و ايلدى اخذ اير و بينه اول ولاياته واقع اولان مصالى صحن  
 اير در ايرى و قناله آنک اير ماغى ايجى دولتک مالکى مابنده حد فاصل اولوب مرزور هياض و مياه نکه صويک  
 سمى شرق سينده لاهور حد و دينه و شرقى بونک او زرينه قرار و ير ليک اول صول ايله حصو له کلى اخراج  
 اوچ کسه تامنه دک نادده طرفدن اخذ اولوب مدت مرقومه دن صلک ينه دولت عليه کورخانه عتانه تسليم  
 اولنه کذاک ماز مرزورک اوتته جاننده واقع برکه لره بالجه ترها و سندن سيندره واقع بساين و مزارع و اشجار  
 و ازهار اول برکه لردن صو و ايريلوب و در ماندر دفي اول صول ايله دو نوب و سائر محصولات و تعيينات دفي اول  
 هو صلک منحصر ايرى شاه هندستاندن عود ايد و کابل و ايرد اولد که اول برکه لردن متصرف ناصر شاهه برعالى  
 ضياقت اير و ب اول برکه لرى پيشکش کلوب على وجه الاستمراد دولت عليه نادريه نك اولمى اوزره اهدا ماز  
 اير و ب محصو ر شاهی ده عرض و جود ايلوب نظر التفات ايله منظور اولدى اما مستولى موقع قبوله اولوب هديه  
 رد ايلدى ناصر شاهه بو ماجرايى هند پادشاهى محمد شاهک حضرتينه خيرات و اعلام ايلد کلر نه شاه مشار ايله نادده شاهک حقوقى  
 عناياته مراعات اول برکه لردن شاهک ضبطنده اولقنى مفتخ بيلوب صوبه دارلره و صو ناظرينه او امر خيرات  
 و اول ايلد که مد اخل مالىاتى بوزيکرى نك تو مندن متجى و ز اولان هياض و مياهدن کف يره و فراغت اير و ب  
 دفتريس نادده شاهک و کلا و عتانه تقويض و تسليم ايله برتاکه اول برکات و هياض دفي شاه مشار ايلد کلر  
 منصوبه سنک ضيامدن اوله بوسياقه و زير اعظمى اولان قمرالدين خانن دفي صوبه دارلره او امر ارسال  
 اولدى خصوص مرزور ايجى هند پادشاهک ادميس تحف و هدايا ايله کلوب مشرهد ده رکاب شاهه يو زسه روپ

متناكى هيز قبوله اولوب ينه پادشاه افراسيا جاه جانينه اعاده و ارجاع اولدى و سائر ممالک هندستانه لاهور  
 و ملتان اير و صوبه دارانى جانلردن عظيم هديه برته رکاب شاهک منظورى و مقبولى اولدى حاصل هدايا اولد  
 شاه جانندن التفات و نوازشات و مراعات اولوب مرخص و بلده لرينه منحرف اولد و يته شاه مشرهد ايلک  
 ترکستانکى بقيه سنى تنبيه و کور شماله مأمور اولان کابل سردارى جلایرى طرفه اسبقلى خانن بر عريشه واردى  
 منو نده امرک اوزره ترکستانکى بقيه سنى تعقيب و اطاعت شاهه تحريص و ترغيب ايلد که اولو کلوب نام حالک  
 کتبه سى اولان او زبکلر انقياد اظهار ايد و ب رقبه لرین ربقه اطاعت شاهه ادخال ايلد صلک احوال و اطوار  
 حيله لرى معلوم اولد که انلره برتنيه بليغ و برک و هي عرضته تنج بديريغ ايد و ب بقايايى لکرى ملازم رکاب يازوب و شاه  
 درگاهنه کوندردى سردار مرقوم با ميا يوليه کابل جانينه روانه اولدى **دريا حرک دايه شاه کيتى ستا از مشرهد**  
**طاغتا** چون زکرو بيا اولدنى اوزره ابراهيم خانى قتل ايدن جازوتله لکردن اخذ انتقام شاهک مرادى اولوب  
 مقدماندر آباد بکلر کيسى عى الغنى خان اير الى يى نه اير الى اغواندى ايله مرزور لکدره تنبيه و کور شمال ايجى اول ايلد لکرى  
 خوارزم غائله سندن فارغ اولد که متعدد سردار و خانلر ايله برکوه لشکر اول ايلوب شاهک در بند و شير و جانلرينه  
 و رودن اول عاکر مرقومه جاروتله اهايسنى و زرينه سفر و هجوم و نقطه و جو درين صحيفه روزگار دن معدوم  
 ايلدک با شرتلرين تنبيه ايلدى او زبک و خوارزم لکرى شاه کيتى کشتاک اول ستمه تو جهندن اول داهيه دهيا و سيل  
 کوه زبا کي جوش دريا فروش ايله طاغتا جانينه روانه اولد ببعده شاه ايجى ماه بزم عيش و نظم جشن ايله روزگار  
 بکروب امور ممالک فرانسى اوغلى نصرالله مرزويه تقويض ايلوب نك يه زالتى دور تا ريخته حرم الحرامکى لکرى التنى  
 چهارشنبه کونى هنگام غروب ماهيه ايتلى افضى مشرهدن طلوع ايلدى چون شاهک لکرى رقاچ سندن برو  
 تو دى و خوارزم جانلرينه عجز و فرورى سبيله نيشابور و سبز و ايريو لدره زخير يه قلت کلندي خبوشان و اکتر  
 آباد و مازندران بونلر نه غلامک و جمله مالک لکرتى و و فرقى او غلغه مرزور بونلردن جانب مقصوده عازم اولوب  
 خبوشان منزلته وارد اولد لراندن دفي کور چوب او دوى غرور شعاد مانت کور کوبه سلطان برهارد امن دشت و کور هسارده  
 خبوشان اوله دى روانه اولد بسلطانانه وارد اولدندن صلک هو آنک مرابى منقلب اولوب عظيم بغور  
 بوشانى که جمله و اير صوبه ايله طولوب جهادر صوبه مستقرى اولوب عاکر خيه ايام چامور ايجنه قادى عاکر  
 آت و سائر حيو انام حرکت قادر اولد بکلر کتبه باره سبيله او دوى ايجنه مالک لاسه و کتوب علفدن دفي نام نشان  
 بولدى جمله بره يازى و دره تپه چامور دن و صودن عبارت اولدى منزل مرزور دن التى منزل مسافه ده واقع کور ايجى  
 خبوشان و بساين و مزارع کور کلر يه چيقوب محو و تابود او مشرايى اون ايجى کور عاکر به حال ايله اول برده رکور  
 اولوب و حيو انام شت جوع سبيله يو رکدن قالب بالقر و آت و سائر حيو انامک اکثرى سنکلر ايلد اوزره اها



اکثرینک دخی چادرلی و احوال و انقلابی اسلمه و اسبابی سیده کیه و بقلاندر دخی چوریه ب صناع او لغه عدل  
قلمشیری اون ایکی کون صکله او دزدو کرایلی منزله و اردو اول قلزده سلامتیه جقدیلر هو انک یوزی کولوب بازا  
سیره و اریا هین ایله مالامال او لشیدی ایام تعجب و عسرت زایل او لغه او دزدویه افاقت حاصل اولدی عسکره  
ظهور قوت حاصل او لمغون کون بچی خیمه یول یوردیک ام اولدی بر قاج کون دخی کرکان ایر ماغناک کون شمشیر  
ضرب و خیام و مکنه و آراغ ایلیلر تاکه حیوانات اعلاف و ارتاع اولوب بر مقدار قوت یاب اولار اول منزله  
چاره تله جانته مأمور و ارسال اولندن کردار و خانلردن چایبار و ساطیتله عرض و اعلام و اردو اولدی که برنج  
اقبال و زور بازوی بخت سیرمال ایله اول طائفه به که شمال بلوغ و یروب قهر و تدمیر ایله و طهرین اسناد ایلیلر ایری  
بومقالک تفصیلی اولر که طائفه مرقومه تغلب و تره و ریه معرفت و فساد انکیر لاج ایله موصوف اولوب  
که البرزک کون جنوبیسنده قوطن ایر و ب جای مزبوره قلع و بقاع اتخا ایلیلر ایری و جبل مزبور بلند و درخت  
پر مخ کرده و نه ماست او دخی معلوم عالیاندر شاه جانندن جنکه مخص و ارسال اولندن کرده و خانلر اول جانبه  
روانه اولوب زی الحجه نلک اون بشی کون نیر قانیق کنارینه و اردو اولدیله مرقومه اوچ برده سنلر  
و مترسرتیب ایر و ب کون و رینه متانت و استحکام و یروب و قزلبش لکینک دوز و عبور ایله جاک یولین حکم کون بند  
ایلیلر ایمن اولدی سنلر دخی چار نام محله اولوب عجم لشکری و اردو اولدیله مقابله به مباشرت ایلیلر عجم دخی  
و هجومه مزارعت و جنگ و جداله دلیرانه غیرت ایر و ب عاقبت لیکلر منزه و پریشانه اولوب و بر که و چایک فر  
سلامت بولوب با قیلر جمله طوعه کشتیر تیر او لغه هجوم شاه فنا اولدیله که البرزک کون کون قیسی لیکلر حسیط و  
تصرفزده او لغه چونکه مقاومت تاب آورد اولدیله جاری خانی رغوب خانغ نام محله ترتیب ایلیلر ایلیجی سنلر  
بنای جنکه تل او ددیله عجم لشکری مزبور سنلر دخی و اردو اولدیله لیکله هجوم ایر و ب جنکه اقدام ایلیلر بر قاج کون کونینده  
جنکه عظیم پوست اولوب بازار کارزار قتال کتکجه رواج بولدی بالاخره لیکلر دگر بر که و مقتول اولوب بقیه  
اوچینگی سنلر جان آتیلر سنلر مرقوم اغزی بر نام محله ترتیب او لشیدی خراز جمله غایت صعب ملکانه ایلی  
و میشین ستا او چور علی بر ام و ریه جاک یولی غایت اینجه بر یوله محض اولوب اول یوله دهنه اغزی  
اولنوراه مزبور کون صعوبتی و اول یوللردن مرور و عبور کون حیرت استماعه اولکسی وصف و تعمیر دخی چار ایری  
ایرالی اغوانلردن بر که و سوی مطیته مبارزت ایر و ب منزله نخبین معرکه طاه قیامت قیر اولدیله دلاوران  
ترهش و مردان شمشیر کون دشمن غوطه خود بر آتش اولوب هر طرفن تحریک نیزه جنک و بیچار مردان  
دزی سقرا ایستی نیزه کون دلاور طاعون کون کون سیغوله ده و بغلن نشان یوب مطهر نری اولان اما بولوب  
دایه کندی نیزه اجهاز قصد ایر ایری بغل و رانه قصد ایر ایری نیجه از فرخ دار نیزه ایری طغنه

طغنه

طغنه نیزه ریزه ریزه ایری نثر ابتدا دزدون هنگام شامه دن طرفین بر ریزه عده و هجوم ایر و ب تیر و تفنگ  
نیزه و خندک ایله که زاهد و یوب طرفین عجم کینه عرصه تیر و شمشیر اولوب بالاخره عجم دگر لیکانک بای اقتدار  
نک و مید و غیالی کون زیننه نلک ایلیلر بیت سویه جقدی سپهر دوز و غبار ایلی حشینی بر خاک ایلی تار  
دوشی خاک هلاک نیجه دلیر دم بخاری سپهر و اردی نغیر نثر نیزه شب دعای مستجاب کون که عام بالایله  
ایر عجم لشکری بای مرد جلدت ایله مانند چرخ برین اولان جمله که قله به صعوده آغاز ایلیلر اکرچه لیکلر عقبات  
و لیکلر اهلزده طاش و تفنگ ایله مدافعه دوز و شوب عظیم قیام و طاش او چور مغنه بجه قزلبش کون سقط  
و هلاک ایلیلر و یوز نفر ایرالی اغوانلردن مقتول و زخمی اولدیله اما دلاور عجم تیر و تیر و سنک و دزدون یوز چور  
طایغ کیلر کون اول ضرب قیامه طما شوب سنلر ایری ضبط ایلیلر جیلک کون شمالی عجم کون حسیطه اولوب راه فرار  
لکیر او زینته حکم بسته او لغه کیزه مجالری قالمیوب غلبه خوف و ترس بر طائفه کون و ایری سرسام و ایری  
طاغدن او چور و ب معارک هلاک دوشیدلر بقیه لیکلر و کشتیر اولوب انلردن اقل قلیل اجل موعودی حلال  
ایتیندر راه سلامت بولدیله انلردن عجم دگر لیکانک امکان و مسکنرینه داخل اولوب احوال و اشیای ایری نیر و غدار  
ایلیلر انلردن صکله قلعی مکن اولان دوز و دیوار و نیوت و حصار ایرین قویا روب با جمله خراب و بیابان یوب اول  
سختی قوه عمارتین اثر قوه مایدلر شاه بو خیر مستر اثره آگاه اولدیله مزبور کرده لیکلر بینلر نه تقسیم و توزیع کون  
خلعت بر او نلک تو مننه مسوی اولان یلر کون نلک رو بیه ارسال و عنایت ایر و ب دخی زیاده انعام و احسان  
اولنه جقدی مشر بر فرما کون ددیله اوچ کون صکله مرقوم کرده لردن بر عرضیه یه و اردو اولدی مضمونه چار  
لکیر دخی منزه و پریشان و بی نام و نشان ایلیلر انلردن صکله تله لیکلرینه دخی تنبیه و کوشمال ایچون او زیننه بلای  
ناکلهائی کون و اردو و نازل اولدیله مزبور طائفه جان و باشلیرین اوب فرار ایلیلر عجم دخی ملود صوی کون کونینده تعقب  
ایروب قصور نام محله تشوب انلردن بر که و هلاک تیغ بر آن ایله کزردن بر آن ایر و ب اطفال و عیال ایرین ایر و نالان  
ایلیلر چار و تله نوا هیسنده فرد و احد قوم یوب احوال و اشیای ایرین نیر و تاراج و اهایسنی طلیا اغراج و از علایق  
عوم و استر طارنه طاغتن قیسی بری او لغه حکم قصا عظیم قاریا غوب شرت بر دوی صاعقه لظهور ایر و ایلی  
یوز نفر مقداری قزلبش تلف اولدیله شاه بو احواله آگاه اولدیله که کاره کنارندن حرکت ایر و ب استر آباد خار جندن روانه  
اولوب مازندانه و اردو اولدیله اوچ کون اول مکان دلیزده مکنه و آراغ ایر و ب دزدی کون حرکت ایر و ب سود کوه  
یولیه عازم مقصد اولدیله حیرت افزا اولان و قایمدر که چون مازندران ولایتده اولان جبال و تلال و بر و یازی  
و به ای جمله جنگل ستا و میشین ستا اولوب آینه و دونه لره و قوافل و کاربانه بر بده دن بر آفریده یه و یا خود  
قریه دن قریه به مرور و عبور ایچون یول نایاب او لغه باد شاه میشین مزبور جنگل فتا قریر و ب طوب عربه کون



مؤذیه جگه قدر شرع و خیابان و اسب احدان ایلدیر ای مقدماته هر بار اولی بولون بر جانیه روانه اولدقه  
اجانیدن بر فرد اول چنگلک است ایچنه کلرک و کیر طریقیه دخی اول آغز زده بولسون دیو حکم تنبیه ایدوب کیشیک خاص  
غلام و خواجه کرایان طرف طرف ایکی جانبه بکچیر و تور قیلر قویوب حرم و احتیاط اوزره اول میسینک است ایچین  
مؤذیه ردی بود فعهینه مازدراندن حرکت ایلدکلر نه طریق معهود اوزره یمنه نکل داغندن خارجهنه دن ایکی  
طرفه بکچیر قونلوب مستوفی تو فکچیر حاضر و آماده قلوب قزباش و اوباشلرین و سائر عیار نابکاران سو و قصد  
اجتناب ایدر کل روانه اولدیر سواد کوه محالده سفید کوبیرین کچوب اولاد نام محله قریب کرایا ایدر زیر آب مینا  
وارد اولدقه صفر الحیر ک یلری کسرتی یکشنبه کونی بر و سیاه کشته بخت قلیتبا تفنگ انده نشانه ایدر آب  
بر آغاج دینه او تو دوب طور دش شاه مقابله سنه طلدله تخینا یلری ایاق فاصله یردن آتش ایدر تفنگ  
آچیلوب قور شون شاهک صاغ بازوی التده یوشق آندن کچوب حصول ایلک ارقه کس صیروب آتک ایدر  
او غز ایدر آت دپه کی اوزرینه دو شوب شاه تکرلی او غلی رضا قوی مرزاد دخی اول کون شاه ایدر همراه ایدی جمله  
خدمان و تور قیلر و بکچیر بوجالین و قوعدن کرایمه و بیتاب اولوب کیم ایدر و کس جس و جو ایچون جمله  
سوار و پیاده مینا ایچنه بر اکنه اولدیر عکرم حرکت ایدر بجه دن مزبور در سیاه بی بان و عیار جس و چار  
طباقا قالدیروب مینا چنگل و مینا ده تابیر اولدی میسینک نه بایقی اولامغه اول دغلی مینا دن بر اثر ظفر  
اولدی حرکت لری زلی ایدر اول قضا دفع اولوب شاه اوله مدن نجاست بولدی طی منازل ایدر کل طهرانه وارد اولدیر  
به حاله و قوعدن او غلی رضا قوی مرزیه خاطر شاهیده و سوسه و عقده جایلیم اولوب او غلی نکل طهرانه مکنه و  
توقفلر فرما ایدوب جهت معاش تعیین ایلدیر شاه اول منزلدن دخی کویوب بوج الا اولک او اسطنه قزوینه  
وارد اولدیر اون بش کون صکر اول منزلدن دخی حرکت ایدر قه جه طایغ و بر دغ یولیه قبله یه وارد اولدیر  
اندر دخی کویوب شاه اخی یولیه متوجه مقصد اولدیر اول انشاده ایزر زده و دنده متوطن اولان طوائف در کس  
سر کرده و دیسری دگاب شاهه کلوب بابوس شرفیه مشرف اولدیر جمله کی اطاعت و فرمان بردار اول صوره  
اولوب خزینه شاهه تسلیم ایچون اول سرزمینه اولان مال میری بی جمع و تحصیل تارکنه اولدیر شاه دخی منزل  
منزل روانه اولوب مجازی الا اولک غر کسه منتهای طاغستانه و اقع قی نام محله وارد اولدیر اول منزل  
خوارزم اهالیسنگ انقلابی و ایلدی اولان ظاهر خانی قتل ایدر کلری خبر جاپار و ساطیله کیشک شاهه لاهق  
بولک تفصیلی اولدیر که شاه خوارزم دیارینه وارد اولدقه اوزبک و اراک طائفه لری خوارزمک کسرت شایسته  
قزاق زمینته متصل اولان اهالی صدمک جیوش قاهره دن فرار اختیار ایتدیر ای شاه خوارزم دن قالدیر طاغستان  
جانبه و دوزدن نصلک قزاق و ایلرینی الخیر خانک او غلی نور علی اول طائفه ایدر فته ایلر کله اتفاق ایدر

خیوه قلعه کسکی صح و بر قاق ایام مقاتله ایدوب بالآخره شهره استیلا و ظاهر خانی هو اخو اهلرین بعضی امر  
و دوسا ایدر مقتول ایلدیر بلاد خوارزمی ضبط و تصرف ایلدیر شاه بو خبری اشته که او غلی نصر الله مرزایی بر اکره  
و خراسان کیریه خوارزم اشرارینه تنبیه و کوشمال و روب و اول مملکتی استرداد و یردن نزع و تخلص ایچون تعیین و  
ارسال ایلدیر و بیاتی حاج کسیف الین خانی و قرقلو محمد علی فی شتر زاده یه سرکار و دستور العمل ایدوب خدمت زده بولمقی  
شرطیه کلیمه کرایه خراسان جانبه مأمور و ارسال ایلدیر که مازم فی سفری مترتبا و تارک ایدر وب سال مزبور دن نود  
زده دگاب شتر زاده ده بولوب مازم سفر خوارزم اولار بعد شاه قوقده بر ماه مکنه و آرام ایلدیر خاص فولاد خان  
شمال و کرخای خله و او کس قزاق طاق اهل خان بر اکره عظم و امرای طاغستان ایدر اوزدویه وارد اولوب شرف اندوز  
تعیین عتبه شاه ایدر مشرف اولدق زده جمله کی عنایا شاهه مظهر اولوب خلاج فخر و اسب مزین و سائر عطیات  
احک اولدیر هر کس اتصاله طاغستانه هودی مترتبا سنده آوار نام محله متوطن در کس عتبه و طفیان لری کسوع  
شاه اولدقه ماه دجک ایدر اسنده مزبورانه تنبیه و کوشمال ایچون قوقدن حرکت و اول جانبه عزیمت ایلدیر اول بولدیه  
اولان صعوبت و اول اماکنه چنگل شتر شقت بر حده و اصل اولدی که اشرف قلم و توسن رقم اول و ایدی کسختی  
طی و تجریده و تعریف و توصیفه عاجز و در مانده اولوردی اول مرز و بومک ایدر اسندن انتر کسنه و ایدر تمام اولدی  
کوتلک مسافه مقداری یرده بر مکان مسط بولمیب بالجمه صعوبتلی موضع عبوری محال مضایق و شماره عقبا  
اوزره شو اهو قلی حواله صعوبت و هبوطی متعسر مجرول المساک محل ایدر یاز قیش برابر طاغلرین ایدی قارقا  
اول اهالی بالاتفاق مشتر جنک اولدیر انرا ایدر بر کوهی طائفه در قتل و غارت غیر بر شری سیز در و ک سلطنت  
نه ایدر و کس فرم ایتدیر جها ایچون اول جبال و تلال و معیش ایچون اول معیشة رظن ایدر اهربری حرب و صبا و حج و قلیق  
استمانده ماهر طاغدن طاغ کچی طر ماشوب او چوریم یردن کنه و لری اینوب بیقار غیر کیسه اینوب حقیقی  
اوله دو شوب بیگ پاره اولوردی اما انرا اول یردن اینوب بیقوب سالم قالور ایدر دخی کلال صرب قیامه  
طر ماشوب بیقغه معاد اولش اول طائفه شاهک اول ارایه و دوزدن آگاه اولدق زده جمله مان و مو ایشلرینی  
اول طاغلی مغاره لر نه و ماملر نه پزها ایدر و عقبات و کینکا هلر نه طاش و تفنگه بصورت قوروب قتاله آغاز ایلدیر  
القصه شاه اون بش کون اول یرده مکنه و در نکل و علی الاوامر دوزر حکم جنک ایلدیر اتفاقا بر اکره جنک او و جریار  
بشخص نابله بر دقه اولوب در کیه متواری اولدق قری محله و ایدر علی الفقه بصح ملاحظه سیه روانه اولدق زده  
بر مقام نامناسبه او غرایوب بالجمه قاره قویلوب قالدیر بر و جمله که حرکت مجالدری قالدی در کیه فی الحال قار و زده  
صنعتله ایاق زده کتته لری یوریه دن کلوب جمله کس با شرفی کسیدر بو حال ملال استمدان اگر چه شاه غایت دخیده  
اولدی اما موسم عقب و فصل فریف اولمغه عظیم قار دیاغوب شتر بر دوزن دخی اعضایی تحریک مکن اولوب



آوار اهل اسلام ترتیب جزایری وقت آخره قالو بشاه اوژد و ایله اول منزلان حرکت و عطف عنایه ایلدیر سرخای خان  
دخی کوچ و کلفتیه قه قون حرکت ایدوب اوژد و ایله در بند و اورد اولدیر چون شاه آوار جانبته حرکت و غیرت ایلد کلرند  
اوکی اقد خانه امر ایلدیر ایدی که زیر حکومت اولان لرکیانی و قراقیطای لرکیانی خانه لرینه قالدیروب کوچ و سیر ایزینه  
مأمور اولد قری محله خیمه زن اقامت اولار برکوه قزلباش دخی مزبور لرکیانی محل مأموره سوی و تیسیم ایلد اوژد  
تسلط و تعین اولدیر لکه مزبورانی محل مأموره ایصال لرندن صلح د بندهینه اوژد و ایله ملحق اولار شاه سیر ایزینه  
رجعت ایدوب طاغتا اعلانن چرغ نام محللن حد و دینه وارد اولد قزنده خبر وارد اولدیر لکه مزبور لرکیانی سوی و تیسیم  
تعین اولان قزلباش قراقیطا قون حرکت ایدوب یسته و جنگل تاپیجه غیرتدی و قنده اوکی خان لرکیانی قراقیطای  
لرکیانی یسته و جنگل اچندن خروج و هجوم ایدوب قزلباشی تغلکه طو توب بالجه مقبول ایدوب اسلی و اسباب و  
انقالتین و آت و حیواناتین اخذ و ضبط ایلدیر بو واقعه د ایهه سیم شاه رسیده اولد قده شاهک مروه جنبان  
غضب قیامت لرهبی اولوب عزیم و تصیم ایلدیر لکه در بند حد و دینه مکن و اقامت ایلدیر اول انشرا و شقیانک اکل وجه  
اوژده جزایری ترتیب و جای مختصر ندرن طرد و تحسب اولد قده بر آخر جانبته حرکت لوی عزیمت ایلدیر در عقب اطراف  
حکامته او امر ارسال ایلدیر تغلیس حد ندرن خلخال و اژده بیل و تبریز و ارجه عرب و دوات ایله زخیر و تیسیم  
اولوب اوژد و ایله ایصال ایدیر لشعرا المعظم بسنجی کونی شاه در بند و اورد اولدیر اوژد دخی کونی اغلغی اوژد  
بر غوب برکوه قزلباش ایدیر قراقیطای جانبته روانه اولدیر در بند خلخال و لایق حد دینه و ارجه هر موه صند ایدی  
خرکچ اوچ خرکچ فاصله لی محکم قله لر ترتیب ایدوب هر یک محفظه سته کفایت مقداری لشکر تعین ایلدیر لکه اول  
حوالی تمام بخارج تصر قزنده اولوب هر طرفن لرکیانک قتل و استیصال لرینه سعی و کوشش ایلدیر در مضام  
المبارک او بنی کونی در بندن حرکت ایدوب در بند اوچ خرکچ مقداری مسافه ایدیر دشت کافر ستمه آب و علفی  
کثیر بر موضعی قشلاق اتخا ایدوب هر منی و بالجه مرگ و اغلغی در بندن نقل ایدیروب جمله اوژد و ایله اول اهل  
ادانی و اعالی اول ایدیر قشلاق اچون اغاجدن و قامستن خانه لر بنا و انشا ایلدیر اسبک زستانی تریا و تارک  
مشغول اولدیر و ناوژده توجیه ایدوب مویرک اقبال لایقاند لکه مزبور قشلاقه ایلن سابقا مازندران کنگلده شاه  
نشانه تغلک ایدون شخص نابکار طویلوب عقدن کلندی مکر قائمی جاعتدن بر قاق نقره کردار اهدا ایشاه اول فضا  
ارتکاب اید کلرندن صلح فرار ایلدیر شاه دخی اول فرار ایلدی طلب اچون مظنه اولان مواضعه معتره تعین ایلدی اندرن  
برکوه استخبار ایدیر و اروب هر ایدیر لکه سنده اوبه و شافلن حد و دینه مرقوم لر تشوب طتوب حضور شاه کتور  
مزبور لرکیانی دفعاتله سولت لکه معلوم اولدی که قائمی طائفه سندن دلاور خانک خدمتکاری نیک قدم نام غلام  
فرکور غلام دلاور خانک اوغلی اغام زمانم شقی کون اغوا سیده بو متلبه کار نا هو ایدینه بکارت ایلدیر بو خیانت

بجارت اچون اغام زمانم شقی کون اغوا سیده بو متلبه کار نا هو ایدینه بکارت ایلدیر بو خیانت  
کفیه اولوب دیر لکه حد قه سندن اخراج اولدی وینه شاه مزبور قشلاقه ایلن هشتا پادشاهی تخت شاه و ایاجه طرف  
بریک ایلدی کلوب ناوژده شاه تورک و خوارزم اقلیدینه غلبه و استیلاسی ترینه و تبریک اچون کتور دوی کتور بانی موالاتی  
مشتمل نامه و تحف و هدایا سندی کتور و پادشاه تسلیم ایلدی بر قاق کون مکن و اقامت ایدوب غنایت و رعایت اولد قون  
صلح جوک نامه یا زیلوب ابو الفتح ناصر الدین محمد شاه جانبته ارجاع و اعاده اولدی وینه اول ایاجه مقدمه مالد علیته  
عثمانیه جانبته ارسال اولان و لشکر کللی حاج خانیه همنان نظیف اقدی و منیف اقدی نام سیر نامه ازی القعه الخرد  
اوژد و ایله شاهه وارد اولوب شوکت و عظمت پادشاه سکنه رجاه اسلام پناه حضرت نیک نامه لایق ندرن شاهه تسلیم  
ایدیر معنون نامه قبول مذهب جعفریه و تقوی یعنی کندن انشرا متاعی مشتمل ایدی بو کاتبه که بو قول باطل و مذهب  
عاطلک موجدی شاه اسمعیل صفویه مسفور کج حد اعلامی اولان الشیخ صفی ادرسی بر مرد زاویه نشین اولوب  
بالوسایط امام غزالی ن تلقن آداب طریقت ایدوب بعد فوته اوغلی صد الدین بعده اوغلی الشیخ علی بعده اوغلی  
الشیخ ابراهیم بعده اوغلی الشیخ جید جالس محراب مشیخ اولد قده کون بکون میرزی و فرح بولوب صیست و حد  
و کوفتی آفاقه شهرت حاصلد اول تاریخه عجم شاه اولان امیر جهان شاه موی ایه شیخ میر ایدیر ایدیرن اخراج  
ایدی شیخ دیار بکره وارد قده حاکی اولان آق قیونلی اوزون حسن امیر جهان شاه رخا مقدمین غنیمت بیلوب اکران  
و اعزاز فرقتی خدیجه بیک جیده و قیزی حلیه بیک اوغلی حیدره تزویج ایلدی حلیه بیک اسمعیل میر اولدی  
جید وفات اید لکه اوغلی حیدر جهان نشین بر او ایلدی سائر ناسدن رفیع التباس اچون میر دینه قمری چوقه دن اون  
ایکی امام مجتهد اون ایکی تود کللی تاج الباس ایدیروب اول طائفه بین الناس قزلباش عنوانیه مشتمل اولدی بعد زمان  
الشیخ حیدر میر ایدیر در بند شیر وانه وارد اولد قزنده شیر وانه حاکی شیخ مزبور قتل ایتلمه اوغلی اسمعیل زب و زلیل  
کیلان و لاهیجان فرار ایلدی لاهیجانده صغر ستمه شیعه مذهبی تعزیر ایدوب شیخ الفن اولد قده نصلک ادر سیده واروب  
الخواجه اوژده جمع سپاه ایتلمه شیر وانه سفر ایدوب قاتل پرددن اخذ انتقام ایلدی اندن عزیم تبریر ایدوب سببی صنایع  
تخت شاهیه جلوس ایدیر قوت و قدرت تکمیل و فرقه و تاجی دیباچ و افسره تبدیل ایدوب شیعه مذهبن نظر پاروت  
والعنی اعلان ایدیر مذهب باطله رواج ویر مشر جلوسی طبقه زبور اتی حد و دینه اولمغین مذهب ناحق کلام کتور ایدیر  
تاریخ و تشوب الی آن اول نندن اولان شاه کراهه اول مذهب ناحق اعلان ایدیر کلشدر مذهب ناحق قبول  
ایلدی محال و تقوی یعنی کون عید الاحتمال و السلام شاه جانبندن جوک نامه پادشاه رومده بو کونه مرقوم اولدی که  
بوزن اقدم شاهه انجام اولان آق قیونلو و قه قیونلو (ک ایام در بند ممالک روم و هندستان و ترکستان اندرن  
هوژه ضبط و تصر قزنده اولان بعض بلاد انقلاب زمانه و انقراض نسل و تبار اکی قیونلیانده سلطنت ایدیر سلسله



مقتل اولاده ملوک اطراف ایله مقابله و مقابله و مقابله بیجا که قالی دیو به ایتیه  
دیه دک او ز حالته اولغه متقلرب هوزه تصرفینه داخل اولدی دیار بلج توابعیه او ز بطر تصرفه و کلب  
توابعیه سلاطین هند تصرفینه و اعزای عرب و دیار بلج بعضی ممالک آذربایجانیه دوله علیه عثمانیه تصرفینه  
اولدی تکلم بطون کیر و توابع بوند ایله مشهور و ذوق مرکه نه تک مالکی میننده تعیین اولان حد و سنو امیر تیمور  
ایتمده نه که نه تجید اولدینغی عهد نامه و تسلطنده مسطور در و اولدیک سلطان ایرانیه ابتدا جلوسه و ضمیرده منوی و  
اولان دخی سلاطین النافک بر تغلب و تصرفنده اولان ممالک مؤذوقی بیرون انتزاع و استرداد ایله دوله علیه عثمانیه  
ضبط و تصرفنده اولان ممالک ماعدا سنی نزع و تخلص ایلمک ضمیرده مصمم اولوب بولما مقابله تطایف فسه تک قبه  
ایله اول حضرتی تصدیق ایلمک امر مؤملر حصول بیز اولور سه فرجه المطلوب اصلاح حال کلب و صیانت کفاح دبا  
مؤمنین ایچک خلیفه اسلام ظل الله فی الارض حضرتی مواد فسیله اوجه اتم و اکل قبول ایلیوب تمامه عشا  
کوستر مسی مؤملر در و ذوق نزدیک و دوست و دشمن میانده سولدی بکر حرف طلبنده عزیزتر مع اولمشد ار متمنا عقده  
امتناعه قالو سه بو خصوص ایچک دیار رومه عازم و اول مرزوبومه متوجه و ملازم اولور ذان شاد الله تالی  
اول سرزینه و روزه مرده اول دوله علیه تک طرف قرین اشرفدن امور معروده مرمان نوازلی در و ایلیوب  
سافرینه اکر ام تام و اهترام مالا حلام ایدر و السلام بو کونه جو ب نامه تحریر و اخذ بانه تسلیم اولدنده منیف اذی  
حضرتی ارسال خبر ایله بو مضمونی شوکتلو پادشاه جهان سلطان محمود حضرتینه اعلام ایلیلر **و روزه مکتوب باستانه**  
**علیه عثمانیه از جانب سفیر ایرک منیف اذی** بوزن اقدم ایرک شاهی نادره طرفه بعثت و تسیر اولدینغی منیف اذی  
شاه شارایه ایله سر و پ و شمافی طرفنده کور و ثوب نامه لهایون جهان داری بی بعد تسلیم جو ایلیوب الحاقه  
قارص و ارض و طرفینه خروج و روزه و ایلیکنی مکتوبیه صدر اعظم حضرتینه اعلام و اخبار و مال تحریر اتدن شاد  
شارایرک کما فی الاول طرف دوله علیه دن جهان اولوب مساعده سنن اعتدال اولان خصوص صبرن باتی وجه  
بیز ای حصو و اسما فی اولسنه اصرار اوزره اولدینغی فرجه و استعمار اولوب و موئی الیه تسلیم ایلیکنی نامه  
دخی بو کیفیت مسطور و خلا فی ظهور ایلیکنی حاله ممالک محروسه اسلامیته یه اطلاع دست تجا و زیاده کلی محرز و مذک  
اولی ملحوظ و مجر و اولدینغه بنا بو صورتیه فیما بعد ترتیب و تدارک لوازم سفرینه و تجریر و تکلیل مرهه عکریته  
مبارک و مباشرت اولونم ایچک سفیر موئی الیرک حامل اولدینغی نامه مزبور ایله بر عت مقدم در سعادت و روزه  
مساعت و استیصال ایلمسی مقتضای وقت و حال اولغین بولدینغی یردن بوجه محرر تحریک تا زیانده استیصال  
و بر حمله ملک و توقفا ایتمک سزین استانه سعادت و صل و روزه اهتمام و ابتدا ایلمک بانه فرما عالی و مکتوب  
صدای پناهی ایله مخصوص جوقه دار اول اولدنده ایرک طرفنده واقع کرده اسلامیته تک تقویت و استیصال  
خصه صد

خصوصه اهتمام بوزن اقدم اناطولی و روم ایلی طرفندن اول جانبه مأثور و زرا و میر میره و سائر اجناس  
طه انف عکریته دن ماعدا به دفعه دخی مجر و املک روم ایلمدن اولان اولاد فاتحان و اناطولی طرفندن دخی میری لونا  
و سپاه و سکی و تر قیلوری و درگاه معیار کچر یاری و سردنکی ای اغاری و سارون یلری او تو ذیک نف عکریته تعیین  
بر عت مقدم صوب مؤذوقینه و صوله مساعت ایلمدی با فرما عالی جمله سته تنیه و تقریم اولوب طرف طرف  
بنک باشیلر و تر قیلو اغاری و مباشرت ارسال و تقدیم اولدی **آمدن منیف مصطفی اذی و وقوع مشوره در**  
**حضور صدر اعظم** بوزن مقدم ذکر اولدینغی نامه شاهی بر آن اقدم در سعادت ایصاله مساعت ایلمک ایچک حکایت  
صدایت پناهی ایله استیصال اولونمندن ناشی موئی ایله دخی بر حمله ملک و توقفا ایلیوب کمال سرعت و حرکت بر له ماه  
صفر اول اسطنه السکاره وصول و اندن دخی استانه سعادت طرفه عبور ایدر ب صدر اعظم حضرتینه بعد الملاقه  
نامه شاهی و سائر تحریر تک جمله سنی تسلیم ایتمکله در حال ترجمه اولوب عینی و ترجمه لری دلاب مستطاب ملو کمانه یه  
عرض و تقدیم اولدنده شاه مشاور ایله او ته دن برو تقییل و اسما فزه اصرار ایلیکنی ماده لریچک بر مقتضای شرع انوی  
مخبر ایله طرفی دوله علیه دن با نامه لهایون جهان داری ایراد اولدینغی قطعاً حواله کسب اصفا و اعتبار تیموب  
کما فی الاول مو اذ قامه مذکوره تک تمام با صور تیاب حصول اولسنی نیاز و استعا بود دفعه دخی مساعده اولدینغی  
صورتیه ممالک محروسه پادشاهی اطلاله اقام تجا و ز و تعدی ایله جکی تصریح و املا ایلیکنی ماعدا نامه مرقومیه  
موضوعاً قائمه صورتیه ارسال ایلیکنی کاغذ رنده دخی استعا مای مرقومیه بعضی مطالبات بی معنا علاوه سینه نیت  
فاسد درونی مطلقاً دوله علیه دائم القرار ایله قطع رشته مصافحه و موالات و اثاره غبار فته و فساد اولدینغی  
اشعار و ایما ایدر ب بو صورتیه طرفی سلطنت سینه دن دخی ترتیب و تدارک عده و عتاد و تجریر و تسیر عساکر و اجناد  
ایله مدافعه سته قیام و ابتداء اولونم بانه بالجه علمای عظام و و کلای فحام و عو کادار انا دویک ابر قیام ایله  
عقد ایچک مشورت و اتفاق و استیصال آرایه تدارک کاره مباشرت اولونم خصوصاً با حفظ لهایون شوک مقرون  
صدر اعظم حضرتینه طرف لهایون ملو کمانه دن تنیه و تقریم اولدینغه بنا سینه ماه مرقومک او اخر نه جمله ارباب  
دیولک مدعو اسرای صدر اعظمی به کلوب خلقه بنده مشورت اولدق ای شاده حال لرئیس الکتاب اولان داعیه مجر اذی  
حضرتی با فرما عالی ابتدا شاه شارایرک نامه سنی و ذکر اولان قائمه دن و عی دال اوله سنی طرفندن صدر اعظم حضرتینه  
طلان مکتوب بلر عینی و ترجمه لری بر اوجه مو اجه سته جهر ایله قرارت و هر برینک مفروم و مالتی حصار مجله  
تقریم و اشاعت ایدر ب بعد صدر اعظم حضرتی علمای اعلام اخذنده خطاب و شاه بی اتبا هک تکلیف عینفه سنی  
کسوع و معلومک اولغین طرفی دوله علیه دن دخی مدافعه سته قیام اولونم خصوصاً ساغ شرفی و ایدر  
دیولک تیموب ایلمکله هک صدر اکر ام اخذنده حضرتی علی الاتفاق اعجاز طلای ایدر ب شاه مرقوم طرف علیه دن ایراد  
اولد



عذر شرعی به هو الله سبحانه قبول ایتوب ممالک محروسه پادشاهی سو قصد ایلیکی صورت گرفته ماضی علیه وجه و جب  
و تختم و قتالی عامه سلیمه فرض عیند دیو جوک و بر ملایه صدر اعظم حضرت تری دخی چونکه کیفیت بویله در قیام  
بزدنی تدارک کاره شروع و مباشرت و شمشیر کی حاله اول طرفه و زرای عظام حضرت شک صاحبی اکت و اقتدار ازین  
بروزر ستوده تبریری کر عکس غضب و تعیین ایراب معیتته مقدار کفایه عسکر تجرید و ترتیبه مبارک ایدر لم دیو  
حضار مجلیه بویله دخی بر مدت مذاکره و می و ده یه قیام ایله کلندن صلح اتفاق و اسکی آرایه حاله اناطولی  
والیسکی وزیر صافی ضمیر علی پاشا حضرت تریک جانب بزوره کر عکس لظری امری جمله عند نه قرار داده اولوب و معتدینه  
اقتضایین مهتم و عسکر بون بویله ترتیب و تسلیم اولنمی او زده لقا مشار ایله حضرت تری بر آن اول محل مرتومه تریک  
تازمانه استیصال و کر عت و کر حد آت ارازه اولان غریب سلیمه تقویت بخش جلالت اولمیر چون بر عت مقدم صوب  
مامور دینه عزیمت و ایلقار ایلیکی بایزه فرمای عالی اصدا اولنمی او زده مجلس مشاوره یه ختام و بریلوب و کیفیت  
علی و قومه صدر اعظم حضرت تری طرفدن کلاب لقای حضرت شریاریه عرض و تلخیص اولنمین در حال اناطولی و آن  
مشار الیرهی منصبندن قالیر و ب محل مأمورینه ارسال ایلیک ایچون جانب پادشاه دل آگاه حضرت کلندن مباشرت مأمور  
و علی جناح الاستیصال اول اولنکی ازین جانب شاه افندیان مومی الیرهای آستانه علیه جانبته ارجاع و اعاده ایله  
خلاندنه او کسی احدی اول غلنی و یکی نفر قیز جعفر زینی زیر ضبطنده اولان قری و قصبه کتدی اریله بر کم ذوال حضور شاهه سال  
ایلیوب بو تقریب ایله کار طاغی دخی اتمامه قریب اولی نادر شاهک زیر ضبطنده اولان ممالک حکام و نوابه  
**اصی بکین حضرتنه سب و دخی تریک ایلیک بایزه ارسال ایله و کی فرمای مطاعن قصه و توجه کیر شاه بی**  
باشنه تجم این اهالی او زده و یله مزبور جمله قتل یوب برف و باره بر آن کر رشته زوئی الون بر قیوب فصل برهاده  
و ارجه متادای لاینقطع باراد و شوب بودای قالدادی مع هذا جبل هیت شرنشاهی ایله اطراف ممالکن مجال و بغال  
و سائر دو اب ارقه سیره کفایت مقدانن زیاده ذفیر و مالکولات طاشنور ایدی او زده ده موجود اولان اصی  
نقوس سمانه اعداد نجوم و کواکبن زیاده اولدینغی اشتباه ایکن اول قشلاقده هر کس مرغه الحال معیتته ایلیک  
ذکر و یله اولدینغی او زده شمار کفر و ضلال اولان سب و دخی باجلیه ایرای زمین منوع و دفع ایلیکن بود دفعه مزینایک  
و تنیه ایچون فرمای شید و خطاب ایله جمله حکام کرام و بطلر کیلیک عظام و سادک عالی مقام و علماء و فضلالی صاحب  
اهالی شرع مبین و ارفقان مسالک حق الیقین و طلانتیرک و کتی ایا و زو سا و کرادگان و قاطبه خواصن عوام  
و ممالکنه متوطن و ساکن اولان جهو رانامه خطابا در بند هد و ذن کلابی و پیشدر منتر سکنه و ارجه او امر بر کنده  
و ارسال ایلیکی مضومنده منظومه سلسله سنین بجزیه منسلک تاریخ طوق زبده التخی سینه یه بالغ اولوب ممالک شرعی  
خطه آرزو بایمانه باغی بنای دول شاه و مؤسسین جهو رخانه دان عیله اولان شاه اسمعیل اردبیلی ظهور  
دول

دول سابقه دن دولت فارسیه تعبیریه شریک زده آفاق عالم اولان دولت قریه لی زعمیجه اسیا سوادسیله  
اول دولت جهانن تعداد اولنمی هو اسیله مستنشین دارا و قی ادعا کنی کنده یه حلال قلوب باعنه حد  
دولت صفویته اولغله مجرد کنده اعراض نفی سینه بنای اهل اسلامه باعنه و بان و کفر و ضلال اولان سب  
و دخی ظنی اظهار و اعلان و بالجمه ممالک اشاعه ایراب بویله سینه بین المسلمین اهداش بغض عظیم و غیظ  
عیم ایلیکله دفع لوای نفاق و نزاع ایلی اختراع ایلیکی بر عکس سینه کی بر حده و اصل اولی که کفر خاسرین  
مهر آسایشه استراحت کزین اولوب خروج و دعای مسلمین معروض تلفه اولدیلر شوری کبرای صحابی مغانه اتفاق  
آرای جهو رانام و کافیه خواصن و عوام ایله تحت شاهی یه جلوسر حیننده بو خصوصیه علیه به تکلیف یوزر  
جمله سبک عند نه مسئولیر طوعاً و رغبتاً مقرون قبول ایراب اهالی ایرای میانه شیوع بولان سب و دخی  
جمله کی تبری و نکول ایلیله فروغ عاتده امام جعفر صادق رضی الله تعالی عنه حضرت تریخی امام ایدینوب مذهبه متا  
ایله فعل یهود اولان سب و دخی تری ایلیک بنا بر این یز دخی سب سبک سلطنته جلوس ایراب متعده بار اولدق  
که عروه دفعه معروضه لی اعلی حضرت فلاح دفعه خاقان البرتن خادم الحرمین الشریفین ثانی الاثنین اسکند  
ذوالقرنین پادشاه اسلام دارا احتشام سلطان ممالک دخی شروع رسوم حضرت کلندن رجاء نیاز ایلیک زده اول مطالب  
سینه بروفق مأمول ختام بزیر اوله مقدمات مزبوره دخی قریب الحصول و شرف انجاء و وصوله در حال ادر بند  
قتل غنده ساکن اولدینغی مزبور لالتاکیه امر مزبور تدبیر ایراب اطمینان خاطر حقایقته مدار ایچون کلاب نظر انتساب برده  
حاضر و مقیتسین انوار خدمت فیض مظاهر بر اولان علامه العلماء مجتهد الزمان متلباشی متعالی کبر و باقی علماء و کرام  
متعده خلوت مجلسده استفتاء و استعلام ایلیک زده لقا مراتب سابقی معروض ایلیک بنا علی هذا المقال حکم  
اشرفی و اعلی مو قف عز و علا دن صادر اولی که بون اول صدر دیرین حکم تحت مقرر اولوب سب و دخی بقی  
حذر و مجانیت ایراب دیو صدر ممالک محروسه مز اولان علام و قرتام خلاصه الفضلاء الکرام میرزا محمدی اقطار ممالک  
خاقانی یه روانه ایلیکن که مضامین حکم هی یونمه جمله دوز و نزدیک سمع از عان و قبول ایله اصفایر و ب  
مر لونه تحلف ایله مورد کسخت و غضب شرنشاهانه م اولقون بغایت حذر او زده اولار شویله سینه ارا و ایریه  
انقیاد و اعتماد قیلا در ذکر وقایع ایل مطابق سال هر از و صد و پنجاه و پنجاه هجری و نوروز فیه و زاین سال  
تاریخ هجرت نبوی علیه الصلوات و السلام بک یه زالی بشه بالغ اولدقه شریک محمد المملک اون دوزخی جهار شنبه  
کیجه کی آفتاب عالمتاب محل برجهت تحول ایراب عالم ریاحین دن لادنگ و اشجار لباس بار و برک ایله آراسته او کپ  
ظهور اطلیعه سلطان برهاریله عالمیا زوق و شایده اولدیلر مقدمان نادر شاهک نفسنده خشر و معروض اولان بویلیکی  
امور مملکت روم و اتساق او ضاع مرقومه مرز و بومدن فارغ اولدقون صلح سلطنت ایرانی او غلزلندن برینه



تفویض و تسلیم اید و بسقط رأس و مسکن قریح اولان طلاح قلعه سنده کج عبادتہ رخت اقامت جلوس  
مرغ دلدی و حشت اباد کثرتن تو قش و مخالطه ناسن اظهار تشویش اید و بس السلامه فی الودعه فہم کج  
قرب رحمان هر ما اجاب ایدن دلکزدن اجتناب ایلید / و ادا میت عبادتہ بارگاه قدسه انتساب اید اید  
ما فی الضمیر بنی اعلان اید و بس خواص دولتہ دیدلر که باد آذارد روزگار ایلید قائم فیدہ و بودام حمت و ندم  
مرغ دل میدہ او مشر و اختلاط دن دامن چیس اولدی لازم کلرید **بیت** زمین شریاری نیاید / ایزین برس  
و خدمت داد / دودوی که باقیست از زندگی / نهم بر زمینش کربندی / نشین بلندی و طاعت کیم / بر روی شمشیر خود  
قناعت کیم **بیت** دیگر او غم او کس داور روی زمین / ملاح اهنده شاه بر اولور رهین / کیدیم ببن شمشیر عورت /  
کجنته / ایدیم و هدته عرت کجنته / قالدی دنیا به میل زوجه / کوزیمه عالم کورنر / ترجمه / مرغ ایشی چون  
عاقبت آذارد ایش / شاهلقدن پس نه ایتی / ادا ایش / بریره / اورد چه سلطان و کد / پس ندربو قور و کلبانک  
و صد / شریکله نیچون ایدر کیشی حوس / آد مه برلقه و بر فرقه بس / معدہ هر صیله کلدی چون شمشیر / قالدی  
کو کله دنیا به طبع / رهون ترک المادین کر مایه / کج طاعتہ آله / و ایه می / عجب شایع جامه سن چال /  
ایهین / آب چشمیله یول پاک ایدهین / نر شاه جرهانه اظواهر بورایی اختیار اید و بس معاران عمارت بیسته  
و مرندک دست اندیشه مدبر و کار کز اربنا و عمله تعیین و ارسال ایلیدر که طلاح شهرانه علو و رفعتہ  
هدوش ایوان بسره برس و طاق مقربس رواج چرخ هشتین اولان عمارات عالیہ و ابنیہ رفیعہ و سایر  
فرا و سرت افزایوتات و حمام و دلالکین و خانقاه بنا و اهدان اید و بس صویک و فرخ و کزنی ایچون کوه کرش  
صفا پرورد انبازد زخم مزاج کسب ایش / بزرگه ایش ایلید / شهر مزبور کز دزون و بیروننی ترسین ایچون اطراف مالک  
نقایس سباب و لطایف انواب و فواخر اقمه و ذخایر امتعه و محتاج ایلید اولان ایسانک اجناس و انوا عندن  
کونا کون خوب و مرغوب نسنه / بوجه استیجالی مرہا و تدارک اولونوب اول نر همت کرای جنت قرین و بر ایت  
خدی برینه نقل و تیسر اولنیز چونکه سنه مرقومه او اسط جوز اسی حلول ایلدی هو انک ایاغ اعتدالده  
بچ اولک بکری بشی بچمنبه کونی طبر سره اهایسنه دخی ایصال خسارت ایچون شاه او دودوی ایلده دست کز  
سمتی اولان قشلاق برندن حرکت اید و بس اول محته وارد اولیدر اهایسنی مقدمات نقلی قابل اولان امور الدین الوب  
کو چوب احوال ثقیلہ اولان ایشایس بر خوب طبر کرک محالنی تخلیه اید و بس فراد ایش شرای قزلباش لشکری کلوب سنجی  
کیر و بس مزاج و بسایتلرینی جمده کولک ایلن بر و بس امالک و مسکنلرینی احراف بالنار اید و بس کونی کوه صاوردیلر  
اول دیارده عمارتن انز قوما چوب جمده بنا اید و بس طاق و دروا قن خالکله یک ایلوب دزون و  
بیرون قرانوا هیسنه ما ایدی بوم ایلیدر اول یزدن طاغستانک شاه یسجا قلدی جانبته عطف عتبات و بس

اوغ دلدی قری و سفناق و قلع و بقاع اهایسنه درنده قور کج کرینور خانه درنه آتشی او دودوب بنا اید سینه  
ویر و بس اول جانبلده دیار دار و دیار دن انز قوما دلدی شخیل و کراهی اکثر اوقات دلباش شاه ملازم اولوب مازنمتی  
اداره تقصیر ایشرای ایا اوسکی اجد خاک شاهه مخالفتن بر آن منقلک اولوب هر بار مقام و حشمتہ اولوب امرتک  
قلع طاغستان اولان بالای کوه قلع شکوهده واقع اطراف میسنه او دودوب مورو و عبور ایدر جک یولی باریک برده  
منحصر متین و کتی قش نام قلعه به کیم و بس تحصن ایلیدر ایدی طاغستانک کرکش و ناخر ماندرنه تنبیه و کوشمان  
و تمشیت امور آوار و اول نوا حیدر اولان انتظام مرادم فارغ اولقدن صلک قلعه مزبور اید متوجه اولیدر  
دیر بیل زور خیم افکن و دلا و درک شیر صولک صف لشکر دامن جلادتی میانہ او دودوب اوچ کون عمارت شیره و  
میسنه ایلده اول قلعه او زیننه یو ایش اید و بس بالاخره اول قلعه بلند و قلعه بسره سوزنه کتولی اولیدر اوسکی خان  
ناچار ایلد دیاری قلعه و حصارک ترک اید و بس فراری اختیار ایلوب کیم آواره آواره اولوب قدم فرسای صحرا  
ادبار اولدی بقیه اهایلی قلعه بی تاب و توبه عجزه و ضعف مقوله سکی اولند ایشمانه عتبه شاهه کلوب روی  
نیازی حایده قلد قلعه تقصیر ایش عفوہ مقرون اولوب اندر تعرضدن کفی ایلدی اما اول قلعه بی یقوب کنگ  
و آبر ایلده استوار اولان قلعه بی کربا اهدم اید و بس طاغنه و طانی دخی طبر اغله یک ایلیدر سابقا ایلد ایشی که شاه  
خوارزم اقلیننی ضبط و تسخیر ایلبارس خانی طعمه شیر اید و بس برینه دودما چنگیز یازن طاهر محمد خانی والی نصب  
اید و بس فراتک جانبته عودت ایلد کلرندن صلک خوارزم و آرا اهایسنن برکوه قراق و ایشی ابو الخیر خانک  
اوغلتک و آرتوق ایشای تعمیر اولنور ملک کتخ اسکک اغوا و مضاهر تدریہ مخالفتہ آغاز ایلوب شاهک و لی  
نصب ایشی طاهر خانی مقتول و ابو الخیر خانک اوغلتی و ایلکله قبول ایلیدر خوارزم اهایسنن بوم حرکت ناشیسته  
صد و روش هک اندر اولان ایش و عنایانک مطافاتنه طغیان و اساترلی ظهور ایلد که طائفه مرقومه ناسپاس  
و حق ناشناس بر قوم اول قلدی ظاهر و نمایان او لغه فرما فرمای اقلیم فرات اولان اوغلی نمر الله مزای فراتک  
لشکری و طوبخانه و مرآتہ اول کسمه مامور ایلوب فرما ایلد که سنه مرقومه ده سلطان نور دوزدن صلک جانب  
مزبورہ عازم اولد آرتوق ایشای بو خبری ایشکده جانی باشنه صوبه یوب ایتد و کلری مخالفتہ نادم و هراتک او کج  
جمله خوارزم و آرا اولایاتک عظم و دود ساسیله اتفاق و اتحاد اید و بس فراتک جانبته عازم اولیدر مورو و دود  
شهر اده به تصادف اید و بس جرایمندن استعفا ایلوب متفرق خدمت اولوب بقیه اسار ایشی تسلیم اید و بس جنگی  
دخی شهر اده به عکرا اولیدر شهر اده مرقوملی موده توقیف و نیکت ایلوب قضیه بی عینیه شاهه عرض و اعلام  
ایلی شاه قضیه دن آگاه اولد که بشن یک نم کزیند لشکر خوارزم او ز بطرندن کند و سنه عکرا اولدی شرطیه  
قبول اید و بس و جرایمندن اغراض عین ایلوب و ایشی سابق ایلبارس خانک اوغلی ابو الخیر خانی اول جماعتہ والی



نصب اید و با اصطلاحی در تعریف اول نور دیکسی آرتوی ایناغه عنایت ایلدیر اهالی خوارزم دخی  
بوجه شروط اینه شاه اطاعت اید و ب مذکور اثنالیق برادر دخی بر گوه دوسا اینه دهاب شاه کوندی شاه  
شهرزاده اید ام ارسال ایلدیر که مجدداً والی مزبوره خلعت فاخره الباس اید و ب ابدال و خوارزم جو انزلن شاهه  
عکس اولی ایچون او زده اید ارسال اید سز بقیه ایلدی دخی استخلاص اید ب مقدمه دفع الوقت ایچون اول جا  
ترن اولان یوس و تکة قبایلدن اولان خانه لری دخی تماماً خراشا کوجره سز بو او ام اول طائفه اید و اصل  
بروق زمانه عمل ایلدیر مقصود لری بویو زدن حصول پذیر اولدقه ازن شاه اینه خوارزم جانبته روانه اولدیر  
شهرزاده دخی خراشا جانبته عودت اید و ب بجای الاخری تک یلری ایچون کونی شهره وارد اولدیر **دین سوخ**  
**بلج و ظهور درویش فساد نیش در آن مملکت بادعای سلطنت و مال کار اول او انده واقع اولان**  
خوارزمده شاهه عرض و اعلام اولدی مقدمات بلج جانبته بر شج حاصل جو ادر حتمه انتقال اید که خلیفه کی اول  
شج انوک یرینه کجوب سجاده نشین اولدقه مریدان او به و شافان او یما قرین او لوی او زره بر شخص  
مجمول الحال برای درویشی کنه و اید و ب بعض مقدمات و ایه اینه کنه تک امام زمان اول جفته اعتقاد  
ایتیرو ب کیده دیک جمله درویشی و جوی کشته سنج اید و ب آخر زمانه ظهور اید جک امام زمان مهدی  
دور اید ب ظهور سوز اسیله دعوی اید و شوب خروج اسبانه مباشرت اید و بینه درویشی لباسنه اوبه  
و شافانه وارد و انان ان خوده و اصل و انان بلج جانبته عازم اولوب بلج قریب شاه مراد تک سنده سجاده  
نشین اولوب دعوی امامت و اظہار کرامت ایلدی اول نو اید او ان ترن و تا جیکدن عوج کثیر و او ز بلج  
بی درن دیش سفید لرنن عجم غفره دوسای قبیله قدن عصمت و سعید نام کسنه لریه او ان یکی تک نفر دن مجاوز  
ساده درون عقل اول مزور فتنه اتباع اید و ب کمال اعتقاد اید صدقات و نذر لرن کنه و اید اولولنده جان  
و باشلرن فدایتکی کنی جانلرینه منت بیلوب کتجه اول سفر با جو غالیله حتی بلج متصرفی اولان نیازها والی  
عقل و شعور دن خالی ایدی دخی درویش مرقومی زیارته و اوب دوی نیازی آستانه سنده سوز و خاک  
قمنی جادوب مزمانیله سپور و ب دولته زوال کلیم ایچون درویشن همت طلب ایلدی **شهر ک** علماء  
و فضلا سیله دیارته متعلق بعض مباحثه مناظر اید دیک منازعه و مجادله اید باشلوب مجلسه و ادر  
انواع خلطیاته تفوه اید و ب خروج و دعوته متعلق سوز لرن دم اور دیلر و اره رقی احوال و اطوار لرن دن  
بوی فساد استشام اولوب بعض عقلا بولری دفعه قائم اولدقه مکالمه مقابله اید مؤدی اولدی اید برده  
طرفین بر قاچ ادم جمع و قتل اولوب آتش غوغا علولدی بو غوغا و ملی لری منع و دفع ایلدک لازم اولدیر  
شهر خلقی کرای والی اید هجوم ایلدیر ازاله لری خصوص سنده احوال اولنور سه بر فتنه عظیمه هده و ثنه باعث اوله  
جقیری

بی ایشاه

بی ایشاه دریلر والی مزبوره دخی خوفه دو شوب وکیل بلج اول فتنه تک دفعنه مأمور اید و ب سز عکس اید  
که ندردی امامت دعوا سز اید درویش فساد نیش او زینه لشکر لیدی خبرین الوده باشنه بلج ایچون اولی  
بنگدن متجی و زدر ویشانی و اخوانی اولان بی ادران اتران او ز بلجی آلوب شهر دن طشم جیقوب جنگ و  
مقابله ایچون ترتیب صفوف ایلدیر دفعه مأمور اولان وکیل بلج دخی کلینتو عکس اینه قلعه دن جیقوب خارج قلعه  
تقابل فریقین واقع اولدقه جنگ عظیم ظهوره کلوب وکیل بلج بر گوه دوسا اینه مقتول و اکثری جروج اولوب  
منزله قلعه اید داخل اولدیر او ز بلج بو واسطه اینه بالجه فساد اغا ز اید و ب خارج شهر ده خراشا و ایرایش  
تصادف اید کلرین قتل مباشرت اید و اولدیر والی مزبوره دخی اولدک تحصن اید و ب کند و سنی محافظه اید مشغول  
اولدی بو خبر سر حد آته و اصل اولدقه خبروشان بلج بیکسی حسین بن جکر کی و قاسم خان او علی الله و ادری  
قرقلو و بر گوه خان دخی عاکریشمار اینه اول فتنه ی تسکین و دفع و درویش فساد نیشک وجود فتنه  
الودنی میانه دن دفع ایچون طوبخانه و مرها اینه بلج جانبته روانه اولدیر او ز لرینه وارد و تقابل صفین واقع  
اولوب محاربه اید آغاز ایلدیر او ایل جنگه مزبور عصمته تفنگ دانه کسی اصابت اید و ب زخم اولدی مکرر  
مرقوم اظہار کرامت اید و ب عصمتی تبشیر ایلش ایشک سز ترک تاپا شاه اولوب چخه مدت جالس ظل اللہی  
اوله جوق سز بود دفعه پادشاه اوله جوق حریف جروج و موته شرفی اولدقه درویشک اتباعی اولان اجلا  
اعتقاد لرینه فتور کلوب باشدن طاعیلوب پر کنه اولدیر درویش مزبور شاه مراد آستانه سنده اولی حاله تک و  
تنها قادری ایلی کوند فضلک عصمت آخرته رحلت اید و ب آستانه متولیس دوشمنی طوب توب بنده کلوب والی  
مضورینه کتور دیلر کنه کسی و بر گوه هو ادر لری بالجه سیاستا قتل اولدی بو خبر شاهه رسیده اولدقه  
مرقومک اتباعی اولان اجلا فن خرد و احد امامت ویر لیب هر قده بولنور اید قتل و اعدام ایلدیر ایچون  
سر حد آت حکامنه او ام ارسال اولدی مقدمه ذکر اولدیرنی او زره چونکه او کسی خان او ار جانبته فرار ایلدی  
اول دیار اهلایستک مسکن و ما والری و دار و دیار و برج و بارو لری خاطر لیک اولوب تماماً طاغیان  
سجاقری قریه به قریه محل محل پایمال ستم ستوران قریب ایشته و دست فرسوده تطاول به معاصیه اولدی  
عظای طاغیان اولان شمشیر و کرخای و سز سر کش غاشیه کشان دهاب و ملتزم خدمت انتساب لری  
اولوب او ته دن برو ملک اطراف دن هیچ بر پادشاهک قلاده انقیاد لرینه کردن داده اولمیا قربان و نفای و  
امر لری دخی کلوب مطوع زمان اولدیر وینه بو خلاصه عظمت سلطان محمود دها پادشاه کند رجاه دوم حضرت  
جانبدن ایلی یریه نامه لری بولری رسیده اولدی مضمونه طرف شاهانه مردن التماس و استعا اولان دن  
منه ب جعفری تصدیق و رکن طلبی تکلیفی ترن اولوب اندر بدل باشقه ایلی ماده اخری استعا اولنور سه

۱۱۶







مساعده وقت ايله اخذ قلاع و بلاد موجب سرود و طام ايندرديو عثمانيه ايله محاربه به تمام عقدت ايله  
غلبه ظفر به قلعه لركوك تسخيرينه ساق اجتهادني تشير و ضرب طوب قلعه كوك ايله اهاليه تسخيرينه  
وقت ضحوة دن غروب به قريه دن طوب و فوج ايله بچه خاناندر خرابه بادي اولوب قلعه يي هاله وادعكار  
ستگري ايله ادره و وسعه اولان جنگ و پيكاري اهل قلعه به اشاره ايلوب امراي اطرافدن مذهب باطلن  
قبول ايلين هيو انا مسلوبه العقول يي باشه كوردوب مقدمه تسخير ده تقصير اتمامك اوزده اندري اوزده  
و تسخير قلوب كو ندر كه اندر دني حصار كندرينه و ادره شاه كراهك جلادت شانده مبالغه و عكرينك  
كترتني توصيفده اطراف كند و رينك اعدادي قليل و مدت مديد مصادمه محال و عنقریب جانب سلطانن  
ويابغ ادرن امداد غير الاحتمال اولوب زمانه قيله فتح ميستر و جمله كرتي قتل مقرردرديو اولو تحريف و تهر  
قلوب بعده اطهار خير خواهي ايلوب سلامت مال و جاندينه متعده اولان قلعه اهل قلعه دني بالظهور وقت  
غروب به اهل و عيالدينه طلب امان و مالدينه تعدي اتمامك اوزده استير اير و ب صد ما طوب قلعه شكن  
و فوج بنياد افكندن دني بيتاب و توب اولو طغيان ماه مزبور كوك يكرمي برنجي دوشنبه كوني ايري كه جمله دوساي قلعه  
كلوب مفتاح قلعه يي دفع و تسليم اچون انواع ضراعت و استهال برله خاكباي و قاحت مانته ديومال ايلدك  
جمله سني پيرايه پوشش خلعت عفو و بخشش ايلدك بر كروه دو دما بغي و ضلالتن فروغ افروز اولان كرتيه  
خيشنه يي دني كوندروب اول ولايته واقع معتبر قلعه جاتن اولان اربيل قلعه سني بر كوك بر كيه طوب اچون  
ايله دو كورب بالاخره اهالي قلعه نك استيماني ايله استيلاي حصار و ضبط دارو ديار قيلمه **دكشون برج**  
**اعلام آفتاب مانن بعزم تسخير موصول و قايح آن زمانه شاه ضلالت پناه لركوك كه ايلن بغداد و ايرلسي شكن**  
كترتني محاذ و االي مشار ايله جانندن مطالب معروفه يي مذاكر و دويت و بر قابله افراغ و تسخير اچون استانبول  
جاننه روانه اولمش اير شاه دني خبرك و رودينه مترقب اولوب لركوك حد و ديني تجاوز ايلدك عزم و جرم  
ايلدك ايري بو ائشاده بر طبق فتواي شيخ الاسلام و اذنيان عظيم صادر اولان فرمان عالي صورتی موصول جا  
كلوب رهاب شاهه عرض اولندي مضمون اهالي ايرانك مذهبدي باطل و مذهب اهل اسلامه مخالف و  
مرتد ملاحده و درازي دار الضلال اولغنه انزايه محاربه جمله به واجب و متحيم و قتالدي عامه مسليه فرض  
عند و ساير بولكاد اثر ايرانياننه مقاتله به ترغيب مشر ايري و موصول واليسی حسين پاشا دني طرف دولت عييه  
عثمانيه دن مأمور اولمش كه كرتي الواقع شاه مرقوم ايراد و ارسال اولان عذر شرعي به حواله سمع قبول و  
ايتيوب ممالك محروسه اسلاميه به سو قصد اير اولورسه او غوردين مينده بدل مجرود اير و ب عمو قتل  
ايرانيانده سعي و كوشش ايله اير شاهه عرض اولندي بو معنا شاهك اول جاننه عزمين خرك اير و ب

جب شريفك اون دروني جهار شنبه كوني موصول اوزرينه دفع لواي عزمي ايلدك قطع مر اهل ايره دك موصله  
دورت فرسخ مقدار مسافه به وارد اولوب ماه مزبور كوك يكرمي برنجي شنبه كوني اول ايره نزول ايلدك كوك  
هاكي فوج پاشا بر كروه عثمانلو عكار به ميدان ترسوده مركب اير اولوب مقاتله به آغاز ايتدك لركوك ايلدك  
عرضه شير اولوب بقيه مامن عا فسترينه فرار اير و ب تحسن ايلدك ماه مزبور كوك يكرمي برنجي شنبه كوني اول  
يرون دني كو چيلوب شهره نيم فرسخ محله حضرت يونس عليه الصلوة والسلام حضرت نيك مرقدي جو ادرن  
ضرب خيام ايلدك شرح ايلك كوندروب مطلب و مراملين تفسير اچون علمي موصولن ايلك فاضل كنده طلبت  
پاشا ارسالن تحاشي اير و ب قلعه دار لغه و دوشوب جنگه مرهتا اولدك شاه دني قلعه يي محاصر و مشايره اچون  
موصول ايرماني اوزرينه ايلك يرون محكم جسر اير و ب دوزخ لهر اير ادره هيت طوبدي كوك و قرباندر دني كروه  
كروه جسر ادرن عبور اير و ب قلعه كير لك اسبابنه تشين ايلوب طوبراي سورمك و لغو بودمك شغول اولدك  
برنجي ايام قلعه يي طوب ايله دو كوك تاسيه بنا سنه و طوبراق سورمك و لغه چالشوب كيه و كوندوز طبراي  
اچنده ياتوب قاقوب سعي و كوشش ايلدك شهاب شريفك اون شنبه كوني نصف ايله لغه ايتدك لركوك  
بعصا تقصير اتي كسيه لغك قايونني بوزيلوب كير و پدي لغك بر عظيم آتش قلعه ديواري بوزينه بر اير  
لهوايه صعود اير و ب دو كوك و اوتالي قيلموب قلعه به ضرر اولادي بر قاق كوك بو اسلوب اوزده  
و تفنك و فخر و عدا هتك ايله اهل قلعه نك باشرينه قيامتد قوبار و ب باره كوي و وطن طه و كوله ايله  
بچه جاندر ك دودنهاد اير بر و بچه خاناندين بنياد و تبادلي زيرو زيرو اولدك چونكه پاشا ارشاهك قلعه كير  
عزم مصممني مشاهده ايلدك علمي اعلام و اذنيان كرام و دوساي او جاقدن بر كوهي انتخاب اير و ب تازي نژاد اير  
و حضور شاهه شايه پيشكش ايله رهاب شاهه كوندروب متعده اولدك ايره در دولت عييه عثمانيه به جوه  
بلده دن بر قاق معتبر كنده ارسال اير و ب امر معروفدي بر قابله افراغ ايره لركوك بين الدولتين واقع ماده ناز  
قطع اولنوب عباد الله امن و راحتده اولان آتش فتنه سوزاتي اطفا و تسكين شاهك دني مراملدي اولغنه  
مسؤلرين قبول اير و ب پيرايه پوشش كسوت امان و شرف اندوز تشريف عفو و اطمينان ايلدك پاشايان  
شاه ايرهم حضرتي دني دوساي موصولن بر قاق نغم معتبر كيشنه و قاضي و مفتي اذنيدي عرضي و محضر ايله  
واقع حالي اعلام و افاده اچون در دولت عثمانيه به فرستاده ايلدك بو حاله مقارن اير پاشا طرفدن اير  
كتر اير اغا در دولت عييه عثمانيه دن ارجاع اولغنه رهاب شاهه يوز سور و ب اعلام ايلدك بو بنده لري  
اسلاموله وارد اولدك شوكتو عظمتو پاشاه اسلام پناه حضرتي حضورينه دعوت اير و ب استخبار احوال  
صلح بالمشافره يورديركه دوستق عالنده جنب نادر دن توقع طوتم كه حد و دي تجاوز اير و ب ممالك محروسه



اطاله دست اید از نهایت رأس الحمله مملکت مکة ایلیوب امور مصر و ده فی سفر او ساطیله گفتگو اید انا  
تخمس من ذهب موهوم حد و ثقتی عام و موجب اختلال دولت اید فرجام در مجرد لفظ خامس کجوب طرفین  
خصوص مرقوم ایچون ما زون و مرقص اولان اید پاشا و ساطیله امر مصالیه به ختام و یرع لرشاه بوطی  
اشته که شوکتو هنکار حضرتینک گفتار در بارینه تعظیم رمضان المبارک ایچون کوی موصدن حرکت اید و  
الکوک جانبته عطف عنان ایلدیر قریه به یه وارد اولد قلزده جلکای خانقاهده اغرنی بر غوب خواص خداید  
و اوب اول نوا حیدره اولان مراد اولیانی زیارت ایلدیر شهر و قلزده وارد اولد قلزده بغداد و ایسکک  
کتی اسی محمد آغا و سلیمان بک رگاب شاهه یوز سورد و پشاهه لایق هدایا کتورد و عرصی ایدیلر شاهه فی کجوب  
کر و مرقع خنجر و خلع فاخره و انعاما و اخر اهدا و ارسال اید مشارالیهی رهین احکام ایلدیر موی اید  
محمد آغاشاهک موصدن انصرافنی و امر مصالیه خبرینی ابلاغ ایچون رد فی اسلامبول جانبته روانه اولدیر  
شاه امام موسی و امام کاظم رضی الله تعالی عنهما حضرتینک مرقدرین زیارت و ادراج طیبه لندن استعانت  
ایلد قلزده صلک وجهه کنارنده مرهبا و آماده اولنا اید پاشانک کمال زیب و زینت اید ترین و ترتیب ایلدیر  
زود قل سوار اولوب صودن عبود ایلوب امام ابو حنیفه رحمة الله تعالی علیه حضرتینک مرقدرین زیارت  
اید و با طافه عودت ایلدیر ایدته کسی کتوله یولیه حضرت علی بن ابی طالب رضی الله تعالی عنه حضرتینک  
مدفنی اولان بخف اشرف جانبته عازم اولدیر اول وقت جمله علمای ایرله و تورله و بلج و بخارا و افغانا و اردوی  
شاهیه حاضر و مجموع اولوب مشهیدین و حله و توابع بغدادده اولان بلدانک علمانی دخی جمع اید و حضرت  
عینک مرقدره عقد اجن مذاکر ایلدیر شاه فرما ایلدیر که امت محکمه صلاحی و غیرتیری مقصود یز اولوب  
حق نه اید ظاهر او لفظه ماده نزاع اید ایدون منافع اولک طرفین اظهار صوب ایچون گفتگو اید و اید  
منازرت و جبل مفایرت و مشاجرت انقطاع بولک طرفینک علمانی بر قاج ساعت مطالعه و محاوره اید و وقت  
قبل و قال و کثرت مقادیر صلک اتفاق اید کلری رای صحیح اوزده حضور فضلاده بروثیقه کتب و جمله نیک  
مرایله تمهیر اولوب کندی خزینه ده محفوظ و صورتی بلاد ایرانن لهر بر بلده یه ارسال اولندی **شرع و ثبته**  
به وثیقه فی تحریر و بوثیقه فی تسطیردن غرض اولد که حضرت خاتم النبیین و سید المرسلین صلوات الله تعالی  
علیه و علیهم اجمعین حضرتینک بو شکر دن صلک بر لول اید کریمه و السابقون الاله لون من المرابحین و الا  
اصحاب کزین و خلفاء راشدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین حضرتینن هر برسی ترویج دین مبینده بنی نفوس  
و اموال اید مساعی مشکوره و مجاهدت مبروره ظهوره کتور مشرد سید الساده علیه الصلو و حضرتینک دار بقایه  
دعوتنر فضله اجماع اصحاب رسول الله اید خلافت خلیفه اول حضرت ابی بکره تفویض و بعده نض خلیفه

اول اید حضرت عمر بن الخطاب تفویض و بعده اختلاف کثیر دن صلک حضرت ذی النورین عثمان بن عفان  
تفویض و بعده اسد الله الغالب علی بن ابی طالبه تفویض اولوب خلافت انکله ختام بو طشر رضی الله  
تعالی عنهم و خلفاء اربعه دن هر برسی ایام خلافتنر منبر استقامت اوزده اولوب ملت محریه بی طرفتا  
شون و بریدن محفوظ طوتمشدر ایام خلافتنر منقضی اولوب انلردن صلک بنی امیه و بنی عباس تحت نشین  
خلافت و فرمان اید حکومت مملکت اولد قلزده هین بو ملت و عقیده اوزده اولوب خلفای اربعه دن هر برسی  
خلافتنی منکر اولدیر طقوزیه زالتیه سلطنت و مملکت شاه اسمعیل صفوی یه رسیده اولدده علمای خصال  
آذربایجان و کیلان و اردبیلک اثرت و تعلیم اید مذهبی حقی ترسیف و مذهب ناهقی ترویج ایلوب و اماله کتوب  
عوام کالهر و ام اید مذهب شیعه بی و مساجد و منابر کتوب و رخصتی اشاعه و اعلان ایلدیر بو معنا سیله اهل  
سنت و جماعته آغاز عداوت و ترک مصافح اید و بین المسلمین کفاح دعا و غارت اموال شیوع اولوب  
فتنه آشوب او شونتی ایشدر و بو اقوال و احوال ناشایسته اسمعیلن شاه حسین و ایدجه تقریباً ایچون  
یلدی کز سنه مقداری ممالک ایرانه استیلرله حکومت ایدن طقوزن فرشتاها کراهانک ایام تسلطنر من  
اول و معمول اولوب بین الانام رخص و الحاد اید بنام اولدیر تا که ترکمانیه دشت و افغانه قندهار و رود میه  
اورسته هر طرفن هجوم اید و ببنی ممالک ایرانه رخصه ایصال و اساس سلطنت و مملکتی قلع و استیصال و زین  
ایرانی و یرک ایلدی کندی و یرنه لازم و واجب ایلدیر اما عون خدای تعالی اید اعلی حضرت قدر قدرت کیوب مرهابت  
ترویج صلابت علی السلاطین مرجع الخواصن قدر ما دورده و دوما رخص الشک تاج بخش ملوک ممالک هند و تور  
ظل حضرت سبحی نادر دورده ایدته ای تاییدن بر او احوالی تفصیل و اطواری تطویل اولدیر بغی اوزده مطلع ملک ایدون  
طلوع و بنیاد سطوع اید و ب غرضه ایرانن ظلمت ظلی کیدروب انقلاب احوال عالم اید تعریف غیره داخل اولان  
مالکی اللردن انتزاع و کسر بنی شولک ارباب عناد و نزاع ایلدیر تا که بنک یوز قری کز سانه شواری کبرای حیا  
مغانه عموماً اهلای ایرانک صفاد و لبار و وضع و شریفنی افضار اید و ب اید و کز کینه سلطنته اختیار ایلن  
اید ابرام و الحاج ایلد قلزده جمله کسی کتوب و رخصتی ترک ایلدیر لطمه سلطنته طالب و رغب اولد قلزده صورت  
ازبوره ده سولدری تلقی قبول و مقرون حصول اولوب مخالف رویه ی اسلام کرام و ابای عظام اولان کتوب رخصتی  
تارک و امام حق جعفر صادق رضی الله تعالی عنه حضرتینک منبرجه ممالک و سالک اولوب بو حکم شریفی  
سمع از عان و اصفا اید قبول و وجه نیک مرایه لهر بروثیقه کتب و خزانة عامره یه تسلیم ایلد قلزده شاه  
دخی بو معنا مقابله کنده در دول علیه عثمانیه یه ایلدیر ارسال اید و اعلی حضرت کتوب شمس بسطط امن  
واما ناشر ایان الله یا مرمالعدل و الا حکم سلطنت الیرتین و خاقان الحرمین خادم الحرمین الشریفین ثانی الکندر

تقیه من الدین



ذو القرنين داورد ادر ايت گيخسر و غلام خديو كردون شكوه انج اهتم بادشاه اسلام پناه دووم ابراهيم الله  
بقائه حضرت نون بشن مطلبه طالب اوليدر **مطلب اول** چونكه ايرانيه عقاير سالفه سبت و رخصت نكول  
و مذهب هقون اولان مذهب جعفري قبول ايلدير قضات و علماء و اذنيه كرام دووم حضرت اترينه ايلي كونه  
اعلام ايلدم كه اول مذهبي مذهب فاس عايره **مطلب ثاني** چون كعبه معظمه نك ادكان اربعه شنگ  
هر بر كني بر امامه متعلق اولوب كنه و آيتدي اوزده نماز قيلا در مذهب جعفري دني دكن شافعي ده انزه شريك  
اولوب بعد اليوم علي كنه و اماملي علي حده ايله آيس جعفري اوزده نماز ايس قيلا **مطلب ثالث** هر سته  
ايرك طرفدن ايرك حجابي اوزرينه بر امير الحاج نصب و تعيين اولوب مهر و شام مير الحاجلي آيسني اوزده حجاج ايراني  
اعزاز و اكرام ايله كعبه مقصوده دك اولوب در دولت عتيه عثمانی ده مير الحاج ايرك مير الحاج مهر و شام  
تالي اوله **مطلب رابع** طرفيك يارنده اولان اساري بعد اليوم مطلق العنان و آزاد اولوب سب و شراي  
دو اوله **مطلب خامس** ايلي دولت طرفدن بر معتبر و كيل هر پادشاهك دار السلطنه سته ملازم ايرك  
بر وفق مصلحت امور ملكينه فيصل داد اوله لرب و سيله ايله اختلاف صوري و معنوي ميانه امت حضرت  
سيد الثقلين دن دفع اولوب من بعد بمقتضاي آيه كريمة انما المؤمنون اخوة ما بين اهل ايرك و رومه  
دسم الفت و برادري مسلك اولوب ممنونيت ايله عقد مصالحي و مصافحاته دغيت ايره لرامناي دو ايره  
عثمانی اوج مطلبی قبول ايرك مجاز شرعيه و معاذير ملكيه سيله ايگيني قبولن كاشي ايلدير بو مطلب خصوصي  
چون طرفين معتبر ايلير كيردوب كلوب اول طرفن اقامه اعزاز و بو طرفن رد اعتد ايرك بر اهي ساطعه  
و حج قاطعه القا و اظهار ايلدير كيردوب كلونه طرفنه بو مقدمات آيد شرف ايره صورت انجام بوليوب ايشويك  
يوز آلي التي سال مبارك فالنه كو كعبه هيايه قاتني و در بيه ميرك خاقاني روم جانبته عزيمت ايرك آب گفتونه  
آتش فتنه منطفي و مايه فساد و نزاع ميانه اهل اسلام دن متقي اولون ايرك جمله ممالك ايرك و ممالك ايرك  
و بخارادن شيوخ الاسلام و قضات كرام و علمای اعلامي بو خصوصك مزكوره و مقاوله ايرك اوردونه  
احضار ايرك و مسافرانه كرمين رومه وارد اوليركه مطالب معروفه دي مقدمه ملك ايره طي سوره  
چون كحف اشرفه و اصل اولوب عتب عليه مرقد علي بن ابی طالبی تقبيل ايلدير كحف و كربلا و حته و سائر تواج  
بغداد علماني حج ايره و ب جمله سته اذن عام و رخصت تام و ايريلوب طرفين مناظره يه آغاز اولندي غيايت الامر  
معلوم اولدي كه مذهب جعفريه سبت و رخصت كيشو عنده غيري تصور و فتور اولوب اول دني صفويه <sup>تندن</sup> حثا  
اولوب سبت و رخصت ترك ايره آتش فتنه منطفي و با ب فساد و اولود ما مورس قول مر كود اوزده متفق  
اوله قلنده هر پانجه امير المؤمنين علي بن ابی طالب رضی الله تعالى عنه حضرت تريك مرقد نه كنه و عقیده ايرني

كتب

كتب ايلديلكه عقیده ديك ترجه ايرك بوندركه ذكر اولور **عقیده علمای اهل ايرك** دولت قاهره نادرته ده علمای  
مالك ايرك عقیده ايرك اوله كه شفع الام سيد العالم صلی الله تعالى عليه و سلم حضرت تريك دار آخرته رحلتدن  
صكع اجماع امت ايره خلافت حضرت ابی بكره و انون نص تصريح ابی بكر ايره حضرت عمره و انون اختلاف كيش ايره  
حضرت ذی النورينه و انون صكع علي بن ابی طالب حضرت تريكه تقويض اولوب بودردی دني خليفه حق اولور  
آيه كريمة و السابقون الا لكون من المهاجرين و الانصار الذين اتبعوا هم باهك رضی الله عنهم و رضوا عنه  
مؤذنبه و آيه شريفه لقد رضی الله عن المؤمنين اذ بايعونك تحت الشجرة فعلم ما فی قلوبهم فو اسخه  
و حديث شريف اصحابي كالجوم بايرهم اقدتيم اهتديتم مضمونه خلفای اربعه حق خليفه اولور سيندره ربطه  
مواصلت و رسم مواضقت اولوب هيچ بروق ادر انزه مغايرت و مخالفت بوليموب سيندره اتحاد معي اولور  
حتي حضرت ابی بكر و عمر ادر آخرته انتقال ايلد كلنده صكع انون حالي حضرت علي دن سوال اولورده امامان قاسم  
عادلان كانا على الحق و ماتا على الحق ديويو مشهور و حضرت ابو بكر دني علي بن ابی طالب شانیه جزك و علي فكم بود  
مشهور و حضرت عمر دني حضرت علي ارضي الله في شانیه مكره لولا العلي لربك عمر يه مشهور بر ايرك كمال  
رضانده لكرينه دلالت ايرك نظاير و امثال بي شمار در طقوزيه و التي سالنه شاه اسمعيل صفوي خروج ايره  
هائنا خلفاء ثلاثه يه سبت و رخصت اشاعه و اعلان ايلدير بو معنا باعث ظهور فساد و منشا زيب اموال  
عباد اولوب اهل اسلام مابينه بعضي و معاداة ايرك ايلدكه بمقتضاي آيه قل اللهم مالك الملك  
توتلي الملك من تشاء شاهنشاه عالم پناه فادده عجمه سر ايرك تحت سلطنت اولوب معلوم عالميا اوليرني  
اوزده شوداي كيراي صحراي مغانه بود ايلدن استكشاف حال بود و قلنده بيز دني كنه و عقاير ايرك  
اظهار و بيان ايلدك حالينه علي بن ابی طالب رضی الله تعالى عنه حضرت تريك مرقدی جو ادرنه داعيانان استفسا  
ايلد كلنده اهل اسلام عقاير ايرك اوزده اوليرني اعلام و رخصت و بت ادرن تبر ايره و دولت عتيه عثمانيه  
بلانده حال موجود اولون قدوق العلماء الاعلام شيخ الاسلام و اذنيه عظام حضرت امام جعفر صادق  
رضی الله تعالى عنه حضرت تريك مذهبنی تصديق ايلد كلرينه بناء اول حضرت انك مذهبنی مقلد اولوب انوك  
اعتقادي اوزده راسخ الدم و ثابت قدم اولدي و شاهك يه مؤيد ترينه تجير و تسليم ايلد كير تسلي محض اذ  
فواد عن صميم القلب ريب و ريادن مبرأ و شائبه غل و غشون مصفي و مراد من بعد اكرين ايرك بو عقیده  
خلافي ظهور ايره دين اسلامن بيكانه و مورد غضب خداي يكانه و مظهر كسخت شهنشاه زمانه اوله  
له **ترجه عقیده علمای عراق** عقیده اقل داعيان و ليس علي بن ابی طالب رضی الله تعالى عنه و اوله كنه و عقیده ايرني  
اوله كه امام جعفر صادق رضی الله تعالى عنه رسول انام عليه الصلاة والسلام اوله كرامدن اولغنه جمله



اثره سلا عنده مقبول و مسلم و مدوح کل ام و لش و علمای اهل ایرانک عرض و تحریر ایله طبری نطقه نیک  
مضوی اولان عقیده هوج و صدق و عقاید اسلامیة اهل ایران صحیح و در فرقه مزبوره خلفای اربعه نیک حقا  
نیتنه قایلدر و اهل اسلام و امت حضرت سید الانام علیه الصلو و السلام دن در فرقه مرقومه یه دین ملت  
دیگون اظهار عداوت ایرنلر کسوه دینن عاری و خدا و رسول و اطهار دین انلردن بریدر در دینارده انلره خشم قوی  
سلطه عصر و کرای عقیده جهاد و شیه البطش و القرا اوله لکه در **ترجمه عقیده علمای بلخ و بخارا عقیده**  
اقل الاعا علمای قبه الاسلام بخارا و بلخ اولدر که عقیده صحیحیه اسلامیة اهالی ایران علمای فوی یا طبری  
اسلوب اوزره در بو فرقه ذمه اهل اسلام و امت سید الانامه داخل اولنلر در بو جماعته اظهار عداوت  
ایرکنسینه دین اسلامن خارج و حضرت خاتم النبیین صلی الله تعالی علیه و سلم حضرتینک شفاعتدن محروم  
دینارده انون قیامتی پادشاه آفاق عقیده شاهنشاه علی الاطلاق اوله لکه در فرقه مزبوره بو اعتقاد اولر  
اولوب فروغاته مذاهب اربعه اما ملندن برینی امام ایرانه صحیحیه اسلامه منافی و مغایر اولدر بو اعتقاد  
اصحابی اهل اسلامن و دین قرنه انلر دین برادر لری بر لریکنک امه النبی غارت و نفسی قتل و یا ایرانینک حرور  
**دین انصاری موکب نادر از خف بجانب آذربایجان** مقدما حضرت لینه الله الغالب علی بن ابی طالب کرم الله  
وجه و رضی الله تعالی عنه حضرتینک مرقومه دینک اوزر نده بنا و انشا اولنلان قبه معلانک درونی تربیت  
اولنوی فرم اولنن دینی و جدرانی کمال زیب و زینت ایله ترینس و تزیین اولنوب انده صرف اولنلان ذر  
طلاشمس خاوره شععه انداز اولور دی سقمه فی وجه رانی التون صویلی ایله زیب افزا اولوب طاق معلانکی کرم  
نادیده و نقوش بسنیده ایله ابراج و انشا اولنوب تزیین کینینه الی نیک تو من صرف اولدی شهرزاده نصر الله  
مرزا و امام تولی مرزانک و الیه لری کوه شاد بیلک دینی اول مرقوم پاک صحن مقدسینک ترینس و بسایه زیبک دوی  
فرج ایلیوب شاه حسینک قیزی رضیه سلطان دینی اول مرقوم جو انده اولان جامع شریفک تعمیر و ترمیمه  
یکری نیک دینار نادرکی بنال ایلیله بعده بغداد جانبته عطف عنان ایلیوب اماکن ثلاثه نیک سلطان و خدا مته  
و امام ابو حنیفه رحمه الله تعالی حضرتینک آربه دارینه و سائر ارباب استحقاقه نیک دینار نادرکی و سائر جوی  
هنه احک ایلیله بو دفعه یینه احمد پاشا حضرت لری اسبا کوه بیلک درون خرام و سائر شایسته دربار پسر اهتمام  
هدایا ارسال ایر و بشاهه عرض اولنلر که طرفین الشری نادر دین دینی حامل هدایا اولان مرسله هوج احک  
و بنده بر روی و لایحه عنایت و مرفق کسری اولان انعاما نظر اوله کلوب مرغی الخاطر ارجاع و اعاده اولنلر بصر  
جانبته ارسال اولنلان کردار اوله امر ارسال اولنلر که مأمور اولدر لقری قلاع و بقای محاصره و تزیین کفای  
و فراغت ایر و ب امصالحه متم اولغه قریب اولنن کسینه نیک نفسنه و یا مالنه تعرض ایتمکسین اولنلر

جانبته روانه اوله لکه کوه و آردین و قرنه و سائر ضرب شمشیر آید ایله ایرانیا نیک حوزه تصرفینه داخل  
اولان ولایاتی دینی ترن ایر و ب احمد پاشا حضرتینک و کلاسنه تسلیم ایلیله بعده اولر و نظر بفرادون دینی  
حرکت ایر و ب نیکه هو ایسنه بنا اولنلر جسدن عبور ایلیوب شهر و نام محله ضرب خیام ایلیله **دینا انقلاب**  
**اوضاع در بند و شیر و ب و توجه موکب شهرزاده با عزتشان نصر الله مرزا بعزم تسکین فتنه آذربایجان** اولر  
شاهی در بندن حرکت و رؤم جانبته عزت و توجه ایله کلر نه ایالت در بندنی قرقلو محمد علی خانته توجه ایر و ب  
برکوه لکه قرنیشی دینی معیتنه مأمور ایلیله مغانه حیس و رؤم درنده جزایر جیلر سر کرده سی افشار لو جیلر بلکی خان  
خطابیله مخ طرب و ایالت شیر وانی احک ایله سرافراز ایلیله انون دینی حرکت ایر و ب قریب موصله و اصل  
اولدر نه شهر شعبانک یکری ایلیکی کونی شیر و انک انقلابی خبری وارد اولدی بونک تفصیلی اولدر که شاهک  
قرنیشی ابراهیم خان کسب تعدی لکیا ایله مقتول اولدره صغیر اوغلنه محمد علی بیک تسمیه اولنور ایکن اسمی  
تغییر ایر و ب بابا سنک اسمی اولان ابراهیم خان اسمیه موسوم اولوب آذربایجان ایالتی کده کینه توجه اولدر  
اول انشاده سام نام مجروحول النسب برسام سرور لک مرصنه مبتلا اولوب هد و آذربایجان شاه حسینک  
اوغلی محمد دیو شهرزاده لک ادعا ایر و ب ادنا و استحقاق سلطنت ایرن سودا کسینه دوشی مرقوم ابراهیم خان  
اوزینه لکه چکله که طاغتا جانبته فرار ایلیوب بی سر و سامان لکیا نه کشت و کذا ایلی شاه طاغستانه  
ایکن سرخای خانک اوغلی اطاعت شاهن اعراض ایر و ب آوار و لایسنه کوه و جنتله متوادی اولیشی  
شاه رؤم جانبته عازم اولدره مرقوم سرخای خانک اوغلی محمد خان شهرزاده ساخته نیک امدارینه برکوه لک  
کوندوب طبرک و در بند اهالیله دینی تحریک ایر و ب غیر و نثری و نفع و ضری فوی و تمیز ایلیس اغوام لانعام  
دینی مرقومک اغوا سیله نرسب و غارته معاد و هنگامه طالب اولغه اغوا یه فریفته اولوب اطرا و خیر  
ارسال ایلیوب لکه جمعنه مشغول اولیلر در بند سرداری محمد علی ک قیضه بی شاهه عرض و اعلام ایلاکه شاه  
کلیتو لکه ایله حیدر خانی سردار مزبور ک امداد و معا و نترینه مأمور ایلیله طاغتا و در بند فتنه لری قریب  
جوار حبسیله اهالی شیر وانه دینی سرایت ایتمکله مرقوم حیدر خان اول حدوده وارد اولدره شمانی  
ایله شایرک اراسنه علی الغفله حیدر خانی باصوب طو توب زنجیره چکوب حبسن ایلیله بر قاج کوندن  
صلک قتل ایر و ب اموال و انقالنی دینی غارت ایلیله سرخای خانک اوغلی محمد خانی ساخته شهرزاده اولان  
سام ایله شیر وانه کتودوب مقر حکومت شیر و ب اولر آس سو قعه سنده او تودوب دفع لو ای مخالفه تیز  
طبرک و شایرک اهالیله لک طوغا و لک لکرها انوک قلاده اطاعتنه کردن داده اولیلر بو غیر در بند و اصل  
اولدره شاهه کینه دار اولان انلر دینی انلره موافقت ایله در بند اعمالدن اولان قبری قلعه سنه هجوم ایر و ب

کسب



شاه طرفین اول قلعه نکه می فظه سته مأمور اولان افشار له طائفه کنی عمو قتل ایروب قبری قلعه کنی  
از کیده تسلیم ایلیوب کند ولی آق صو قلعه سته واروب شکرزاده ساخته به ملحق اولیدل محمد علی بن بو قهر  
نکه وقوع عند صلح برکوه لکه ایله مزبور ولی علی الفظه باصوب اکثری مرحله هیاتن دور و بقیه الیه  
حقوق انعام شاهین پوشیده چشم اولد قریب کوه زین کور ایروب مغان جانبته کوندروب کند و سنی در بند  
قلعه سینک برج و بارو سینک استکلامنه مشغول اولوب حقیقت حالی دلکاب شاهه عرض و اعلام ایلی  
بو ائشاده آذربایجان سرداری پاپالو عا شور خان افشار ایرانه اولوب بو خبری ائشاده بر بولون لکه ایلیس  
فته ایچون شیر و جانبته ایلفار ایروب کجه بطر بکینتی عسکر علی حاج خانکه اول ایامده کوصوی او زنده  
مأمور اییدل انطه مشغول اولوب اول جانبته روانه اولیدل بو خبر دلکاب شاهه عرض اولد قده او زنده  
بطر بکینتی افشار ولی عبد الیم خانی راه فادی سنی ایچون مغانت جانبته مأمور ایروب برکوه قزلباشی دخی عا شور خان  
امداد و معاونتته مأمور اییدل اول ائشاده نصر الله مرزا لهری سیلا غنده او طایغین او زنده دعوت اولوب  
المبارک کن او ن سکرینتی کوهی شاه کوه کون عبور ایروب بغداد جانبته عازم اولد قری هینده لیلان منزلده او زنده  
وارد اولیدل خبر فوجی باشی افشاری فتح علی بنی و سائر خاندن برکوهی او ن بسنی نکه نظر کزنده لکه ایله نصر الله مرزا  
معینته تعیین ایروب شکرزاده برکوه دهشت نمایه شیر و جانبته روانه اولیدل تبریز وارد اولد قده فتح  
علینی سر کرده ایروب عا شور خان ملحق اولون ایله کوندروب کند و سنی دخی متعاقباً متوجه مقصد اولیدل  
فتح علی بنی اول سته روانه اولد قده ذی القعدة الحرامک دو زدنچی جهر کشته کوهی ساخته شکرزاده اولاسام  
دیکه و اهالی شیر و اندن رفوع عظیم ایله نغاره و کوه نالین چالاردی شاه باغی اتصالده اولان بالای طایغین  
اشغالی ایوب جنگه آماده اولیدل فتح علی بنی و عا شور خان دخی ترتیب صفوی و سل سنی ایروب قتاله آغاز اییدل  
بالاخره ساه لکری بوزیلوب شکرزاده عاکری اندون نکه نفون متی و زنده و کله آکوب علمین و نغاره نین  
دخی هوزده تفرقینه اذغال اییدل سرخای خانک او غلی زنده بقیه الیه دخی فرار ایروب سام اقل قیل ایله کشته  
جانبته کیری اولیدل بعده دله بیچ آق سو قلعه کنی محصور ایروب بر قاج کون طرفه قلعه لی ضبط ایلیوب قلعه  
محافظه سته مشغول اولد لکیردن جوج کتیری زنده دستگیر اییدل ساخته شکرزاده اولان سامک احوال بقایای سال  
آینه و قایع ائشاده زک اولد در **دربیا طفیا تقی خان شیرازی بطر بک فاس و مال کار او شاه در بند هو ایسنه ساکن**  
ایکن فاس ایالتی تقی خانته ته جیه و کوه اولوب علی بنی سردار منصب و تعیین و فاس جانبته ارسال  
اییدل موی الیه مأمور اولد قری محله واروب بر حدت حکومت اییدل اما ایام حکومتیه ناهوار حرکتندن اهالی  
مقتل احوال اولغه سابقا مقوق کیری اولان میرا خوه قرقله محمد حسین فی مجد و سردار منصب ایروب علی جناح استول

ارسال اولوب کلب علی بن و تقی خان دلکاب شاه طلب و دعوت اولد لکه محمد حسین خان عان نام محله وارد  
اولد قده تقی خان و سائر شیطان ایله برکوه قزلباشی ارسال ایروب کلب علی بنی علی الفظه بصوب قتل  
ایر و ب اندن محمد حسین ک جانبته کتایب اولیدل محمد حسین بن بو معنادن واقف و خایف اولوب کوهی به سوب  
سامل عافیتته ایر شوب و رطه دن نجاس بولدی اندن شیرازه کلوب تحصن اییدی تقی خان دخی کند لکریه  
شیراز جانبته عزیمت اییدل محمد حسین کن کند و سنی بر طرفه کلوب حقیقت حالی دلکاب شاهه عرض و اعلام  
اییدی تقی خان بلا مزاج شیرازه و اصل و داخل اولوب اعلان عصیان ایلیوب عتوه و طغیان کون بکوار تورد  
شاه برکوه عاکر شکرزاده انتحاب ایروب محمد حسین کن ایله موافقت برله تقی خانک جهر سنی ترتیب و درجه ائما  
طرد و تحنیب ایچون مأمور اییدل مزبور حساباً مؤد شیرازه و اصل اولد قده تقی خان قبولی بغلیوب  
بر قاج کوه قلعه داد لغه مشغول اولدی بالاخره اهالی دن بعضی کشته نکه اعانتیه بر طرفن قلعه  
داخل اولوب تقی خانی هتیا طو تیرد مرقومک شامت اعمالی سببه عاکر قلعه یه کوه بالجه شکرزاده  
اییدل مزبور تقی خانک آلت رجولیتنی قطع و بر دیه سنی قلع ایروب او حال ایله حضور شاهه کتورد اییدل  
مرقومک طفیانی سببه اصفهرا نه برسم دهین جس و تمکین او نان اولادنی و برادرینی قتل اییدل  
**دربیا شورش استرآباد و نر حضرت موبک نصرت نشا بجانب آذربایجان ذی الحجة الحرامک او ن سنی**  
کوهی شاه شهر و اندن حرکت و آذربایجان جانبته عزیمت اییدل کوه شاهه هد و دنده ماهی دشت هو ایسنه  
وارد اولد قده دلکاب شاهه عرض اولد لکه محمد حسین نکه سو حرکتی سببه قاجار جهر اندن بر طائفه  
یوس طائفه سببه متفقاً علم اخراز طفیانی اولوب استرآباد شورشینه داخل اولیدل استرآباد نایبی اول محمد حسین  
او غلی بر تقرب قوتلوب ترک استرآبادی چا پوشلو بر سوب خانک قاتنه فرار اییدی شاه بو واقعه یه کاه  
اولد قده بر سوب خانه فرما کوندروب امر اییدل که مزبور اشراره تأدیب و جزا نین ترتیب ایلیه محمد حسین  
دخی معینته تعیین ایروب مأمور جمعیت شایک و لک فراده ایله استرآباد وارد و مستولی اولوب صوب  
و صوب جوزقی اولنوب قتل و یغای ایله شکرزاده و سبب اییدل چونکه دو م جانبته سفر و دولت علیه  
ترکایتیه دن صلح دو میانک هوزده حکومتینه داخل اولان ولایاتی استرآباد شاهک عزم مصحی اولوب  
اول غایله یه در گذار اییدل استرآباد جانبته بو حادثه نظر بود ائشاده اولد لکه ایردنی بر دین حرکت ایروب ایلفار ایله  
کوه شاهانه وارد اولیدل اول منزلده برادر زاده سی ابراهیم خانی سپه سالار ایروب هد و کرد کتایب و فیلی  
جانبینه تعیین و برکوه لکه معینته مأمور ایروب امر اییدل که کوه شاهه هد و دنده مکت ایلیوب کتوده  
منتهای ولایته دکن بریر می فظ قیوب جمله سیلا و قتل قری حفظ و حرکت ایروب بعد از جانبته اولان



پاشا از اینه دخی مراسم تجواری به رعایت ایلده سابقا زکرا و لینی اوزره چونکه نصرالله مرزاسنه سابقه ده  
خوارزم جانبته متوجه اولیدم و نام شروع وارد اولد قلمه رؤسای خوارزم کردگان ارال آرتوق ایشاق  
تعبیر اولور و الی اینه حضور شهرزاده به کلوب عسکری طائفه کنی و یرو ب یوم طائفه کنی کو چر و بعد الیوم  
شاه خدمت ایلکی مقربده و لشکر ایدی شهرزاده دخی ایلباس خانک اوغلی ابو الخ خانی و الی نصب ایدوب آرتوق  
ایشاقی دخی کتبی امقامده کلوب مقر حکومته اعاده و ارجاع ایلدی بر قلع آیدن عسکر خوارزم الهامیسی  
یوم طائفه کلبه اتفاق ایدوب آرتوق ایشاقی مقتول ایدیلر و واقیع و کلبه شاهه عرض اولدقه برادر  
زاده سی علی قلینی سپه سالار خوارزم ایدوب خراسان جانبته فرستاده ایدیلر که تارکنی کوروب کلبه جلگ  
یوم طائفه کلبه تنبیه و کوشمال اچون خوارزمه عازم اوله لیسماهی دشتدن دفع لوای توجیه ایدوب جانب  
مقصوده متوجه اولیدر و قایق کلبه نهر اورد و بخانه و هفت توجیه کربکری جانب قارص  
سابقی وزیر مکرّم الحجاج ایدوب نون اقدم دولت علیه عثمانیه طرفدن جانب قارص کربکری اولان حال  
اوغلی وزیر ایدوباشانک بر ازمه تن برو مزاجنه طاری و وجودنه مستولی و ساری اولان علل و اقسام  
سببی اینه اراده امور کربکریه عدم قدرت و لیاقتی بریدار اولوب جانب مرقومه تحرت و جمع آیدن اصناف  
عسکریه ناک درشته اموری و تمشیتی مطلوب اولان مرام غیر انجاملک بمنه تعالی احسن و جریه پذیرای  
فتاح اولسغی احوال کربکریه واقف و رسوم جلادت اینه کلی امور عارف بر وزیر دیرک کربکریه نصب  
اولسنی ایجاب ایلد و کلبه بنا سنه مرقومه محترک اون بیخی کوفی کرای صدراعظمیه منقده اولان مجلس  
مشاوره ده رجال دولت علیه اتفاقله صدر اسبوی وزیر شجاعت سیر الحجاج ایدوباشانک کربکریه  
مستصوب و حالی زاده بطریق الحیا فظه و ادوب ارض و مده اقامت و تیسیر عسکر و ایصال مرامک و ذخیره  
مثلوه خدمته قیام و مبادرت ایلسنی اصوب اولدنی کربکریه اعلیایه تلخیص اولدقه او اسط ماه مرقومه شرف  
افزای صدر اولان خط هایون موجبینه اناطولی ایالتی اینه قارص جانبی کربکریه مشارایه حضرتینه توجیه  
وزمام امور قبضه همتته تسلیم اولدنیغدن غیر شریفای هایون اولان شوب سمور فائض السرور شمشیر  
حد و تیسیر و خرجی اولدی اوزره اون بشنک غرض انعام اولنوب سائر لازمه عهد سپه سالاری اولد  
امور مرامک تمشیتی و علی الخصوص مقدمه اول طرفه معزز اسوق و تیسیر اولان شاه حسین صفوی نیک  
اوغلی میرزا صفی نیک حصول مرامنه کمان کریت اینه مبادرت ایدر جلگنی لکی طائفه نیک کرده رینه و طرف  
دولت علیه دن منصوب خانلری اولان اوکی ایدو خان و کرفای خان زاده محمد خان و طائفه مرقومه نیک سائر  
وجوه و ایمانته اعلان و اشعار و کسب تقویت و مناسبت حال رینه مدار اوله جو کیفیاتی اخبار و نظارت  
و کلاک

۲۲۲

و کلاک کردستان امر استه دخی تسلیت بخش اولان حالته و خصوصاً طوایف عسکریه اینه حسن معاشرت  
دال اوله جوق تبسیرات ایدر لی متضمر حفظ هایون اینه معنون مفصل و مشروع امر عالی شان شرفصد و  
وب و جریه مأمور بیوردی مأموریت کسریه لو احمد افندی بجانب قارص رجال دولت علیه عثمانیه دن  
حالا روزنامه اول اولان کسریه لی احمد افندی ماه مرقومک سنخه بغتة حضور صدر اعظمه اعضاء اولنوب  
قارص جانبته اوردوی هایون دفتر دار لنی خدمته اولدی اوزره خلعت الباس و مقتضای وقت اوزره معیت  
سر عسکریه دولت علیه به لایق خدمته بولسنی لازمه حالن اولدنی کنده افرام و صورت تسلی و استیضاح  
ایله اداری مرام بیوردی نیک مأمور تعیین و علی العجله جانب مقصوده عنانیز عزیمت اولسنی تبسیر و تنبیه  
بیوردی بر ایکی کون طرفه حازمه سفریه سن تاران و رؤیت و منزل اینه صوب مأموره عزیمت ایلدی مأموریت  
اوردی ایلیکچری و جبهه بی و طوبی بجانب قارص چونکه جناب کیر آرای ملک و دین پادشاه روی  
زمین حضرت نیک سرحدات اسلامیته به و نور نظام اینه استیلامه اقدام تام بیوردی تبسیر عسکر و ایصال  
مرامک و فرو اسباب عادی ظاهری اولان کیفیات کما یبغی مرامت بیوردی نون ناشی بود فقه قارص جانبی  
سر عسکر اولان صدر اسبوی ایدوباشانک حضرت نیک امرینه تقویت و تمشیت امور مرامه کسب تعدادی نیتی اینه  
آستانه سعادت اولان درگاه عالی لیکچری اوردته لرزن مکمل نفرت و مستوفی مرام تالیله اون بشن لیکچری  
اوردته لری و ایکی عدد جبهه بی و بر طوبی اوردته لری تجرید و مرام سفریه لری ترتیب و تکمیل و سفر الخیرک التخی  
کوفی آلائی و آلائی مرامت افزای اینه امر او صوب مأمور رینه تیسیر و ارسال بیوردی و ماه بیج الاخرک  
اواخرته خالاد درگاه عالی لیکچری ایدوباشانک قول کتبی اسی اولان اغا اناطولیدن ارض روم جانبته  
طوایف عسکریه نیک سوی و تیسیرینه مأمور و در عقب اسکدره مرور ایدوب بتوفیق تعالی جانب مرقومه  
مدت قیله ده عسکر و فوج سوی و تیسیر و کندی دخی تعقیب اینه ارض روم و اصل اولدی ازان جانب  
ابتدای کتابه کیفیت حالی ذکر اولان شهرزاده ساخته اولان محمد علی نام کرمانی که شهرزاده لک ادعا و کلبه  
صفی مرزایدر مکرّم اشتیهاد و دولت عثمانیه قاتله ضلی اعتبار بو لشکر ایدی حالی زاده ایدوباشانک حضرت نیک  
قارص جانبته کربکریه مرقوم صفی مرزادنی اول جانبته اولوب کنده جانبته جذب و بیعت ایدر ملک  
ملاحظه سیله آذربایجان و لایانته اولان حکامه تجرید ارسال ایدوب حوصله کنن زیاده آهنگ و برز  
نقد جلادنی خراج ایلشد ایدی اول تجرید شاهک منظوری اولدقه موجه جنبان غضبی اولوب فی الحال اولدنی  
بردن حرکت ایدوب ابرر هو ایسنه وارد اولد اول منزلده حالی زاده نیک عزلی و صدر اعظم سابق کربکری  
خبری کسب شاه و اصل اولدی چونکه بغداد والی سنک کتبی اسی اغا امصالی نیک تکمیلی اچون در دولت علیه



عثمانیه به ارسال اولنشیندی و حصول خبره منتظر اولوب ایران سردار لرینه اوامر کونده دروب جله به تنبیه ایدر  
ایلدیلر که حدودی تجاوز ایدوب رعایای عثمانیه به تعرض ایلیه لر ویرلنده اولان اسادی روی دخی مرقص  
ایده لر و قارصن کر عکینه دخی حکایت مودت اسالیب ارسال ایدوب مشارالیه اینه حسن معامله برله ایدر  
ایده لر سردار دخی بر موجب فرجه علی ایدوب نامه خیر و ارسال ایلدیلر نه و زیر مشارالیه حضرتلی جو ب نامه ارسال  
ایلدیلر که بن صلیه مأمور دکلیم و مقدمات مصالحه دخی نه یوزدن اولوغن بیلیم ایدی صفی مرزایی ایران زمینده  
بابکسی مکرانه اجلاس مأمورم بو جو ب نامه شاهه عرض اولدوقده قارصن جانبته دفع لوله ای عزیزت ایلدیلر  
اشاء داده شیر و ک می ربه کنده فرادین سام نام شکر زاده ساخته نیک گرفتار اولدوغی خبر سرچ شاهه و اصل اولدی  
**بو مقاله توضیحی اولدو که** سال سابق وقایع خلاصه ذکر اولدوغی اوزده سام مرقوم شیر و ک و قعه کنده منبر  
اولدوقده کرجستان جانبته فرادنده ایکن طرمه رت خانه واقف اولوب اخلطاک جانبته اولان طرفی و مواری  
مکمل سه و بند ایدوب زنی القعه الحاکم یکر می در دخی کونی اخلطاک قریبده برده ده طتوب برجه اتباعیه دخی جلوب  
قراقلین قلعه سنه فرستاده ایلدی بو خبر شاهه عرض اولدوقده ام ایلدیلر که سامک بریده نخی حدقه سنه  
قلع ایدوب عثمانلو طوقا قریبه قارصن و اخصیه سر عکری اولان ای پاشا حضرتلی نیک جانبته ارسال ایلیه لر  
ایکی برادر مجبول شایه بر لرینه معاونت ایله ایران شاهلغنه مالک اوله لر شاه کوری حد وینه وارد اولدوقده  
کرجستان جانبته عثمانلو نیک منبر اولدوقده خبر شاهه عرض اولدوغی بو نیک تفصیلی اولدو که رجال دوله عثمانی  
مرزا صفی ایران زمینده تخت شاهی به اجلاس ماملری اولوب بو کاتر اولدوقده طاعت نام اسندن او کوی او خان  
و کرای خانک او غلی محمد خانه و آوار حکامنه طبر انک کتیر لرینه و جنگ تابه و در بند ام راسته خزانده و هدایا  
ارسال ایدوب هر لرینه صفی مرزایه امداد و انقیادی مرغبت فرما مطاعلر کونده دروب اخصیه و ایریوسف پاشا فرزند  
خزانده و هدایا و اوامری اصیانه ایصاله مأمور اولدیلر یوسف پاشا حضرتلی دخی حاکم مود علی ایدوب کوری  
حوالیسنه وارد اولدوقده کاهنت و ایسی طرمه رت خان تقیسی بطر بیکسی علی خان ایله اتفاق و اتحاد برله عبور  
ایده جک محله قریب کینکا هدره مترقب اولدیلر یوسف پاشا حرم و احتیاط برله چنگل تارا سنه ملک ایدوب  
حامل عطا یا و هدایا و اوام اولان مرسلاخی خلاف راه معروف طاعت جانبته فرستاده ایلدی کرجستان بر طائفه  
آنره تصادق و بی محابا مقاتنه به آغاز ایلدیلر عثمان نیاندن بر کوهی عرض شکر و بر کوهی اسیر و باطنه هدایا  
و تحریراتی لرندن اخذ ایلدیلر یوسف پاشا بو خبر قریب و حشمت و اینسین شکر اشته که فراد ایدوب کمال خودن زهر کوی  
جان اولغنه اشاء داده و فات ایلدی بو خبر شاهه عرض اولدوقده خدمتی مقابله کنده طرمه رت خانه کار تیل  
ایالتی و او غلی ادیکل خانه کاهنت و ایلیکی ویر لری شیر و ک سمته اولان امور ماملک اتما مدن صلک شکر زاده

نصر الله مرزا او زوویه دعوت اولغنه طلوب و اصل اولدوقده شاه نجو ک حد وندن عازم مقصد اولوب  
لو که دیکیز سیلا غندن عبور و اربه چاینه اتی فرسخ مسافه ده واقع خانگی نام موصعه اغرنلی برانجوب  
جاری الاخره کون ایلیخی بنجمنه کونی حد و قارصه داخل اولدیلر **ازین جانب** مقدما قالی زاده سر عکری  
حضرتلی شکر شوالک یکر می بنجمنه کونی جنود مو حین ایله قارص قلعه سنه داخل اولدوقده دشمنک عبور  
ایده جک محلی اولان اربه چایی ستنی محفظه ایچون چستی عبد الله پاشایی و جوهر پاشایی و کما اهل مصطفی  
پاشایی و سائر لوندات و کوه طیبانی عسکر نیک شجما ندرن برجه طائفه لی ارسال و شور کل سنجی قارنده  
تیکت و توقیف ایدوب حد و قارصی ایصال مضرت اعدا دن حفظ ایلدیلر چستی پاشا حضرتلی شکر شکر  
بر قلع دفعه حد و اعدایه تجاوز و قرالین پامال و اموال و انقالتین نرسب و غارت ایدوب اعجاب بر خجانی  
نچه لرین اسیر و نچه لرین عرض شکر ایدوب غنایم موفوره ایله عودت ایلدیلر ایام برادر اولدوقده قالی زاده  
معزول اولوب سر عکری حیدر حضرتلی ربع الاولک اون بنجمنه کونی قارصه وارد اولوب عسکر انج شکر  
خانج قارصه ضرب خیام ایلدیلر شکر ک اطرافنده شرا بنو ترتیب ایدوب عیتی خند قله حفر ایلدیلر در کاه عالی  
ینکیر لری او جا غنده جاموش اغا دینلکله معروف صا مصوبخی پاشایی الحاج حسن اغا قارصک خار جنده  
طاش کیر نیک علیا سنه نهر عظیمک و سطنه صوی خند قله اجرا ایچون بر حکم ترتیب ایدوب اوزرنه نماز  
گاه و قدم کاهر بنا ایلیوب شکر ک قبله جانبته اولان صحرای و اسح صویبه طولدوقده دریا کوی توج ایدر  
قارص قلعه سی محافظه سنه مأمور اولان عسکر جمعیتمش نیک نفره بالغ اولوب هاله کبی جو انب قلعه  
احاطه ایلدیلر **و زو در دشمن بجانب قارص و وقوع محاربه عیدیه و انجام محاربه شکر ایدوب** قارودن بر  
تحریر اولدوغی اوزره ایران شاهلغنی ادعا سیله علم افراز عتو و طغیا و ذاهب اولدوغی مذ هب باطله سن صورت  
حقده اراآت و اعلان ایله اجرای اعراض فاسده سنه صرفی تاب و توق اوزره اولان نا اذده نیک نشان  
ماه جاری الاخره نیک اون دزدنجی جمعه کونی سنو اسلامیه دن اولان اربه چایینی مور و او لحو الیه اولان  
حصاره حواله داس خاسرت و اظهار غرور ایدره دن مده مرقومک اون سکرنجی کونی کلیتلو عسکر ایله  
قارصک مقابله کنده ایکی ساعت بعدی اولوب قبله جانبته واقع اولان جسدک زروه سنه نصب خیام قیام  
ایتله سر عکری مشارالیه حضرتلی دخی معیتده موجود اولان شجما ندرن بر مقدار سواری تعیین اول کون  
دشمن دینی جبل مرقومک دامنده قارص لوب بش ساعت مقداری تزویج بازار حرب و کارزار و و اخر طقه  
دیل اخذ یله جلادت اسلامیه لی اظهار ایدوب جنود مو حین دخی بر قلع آدم شکر شکر هادی نوش ایلدیلر  
بر قلع کسته دخی ایادی اعدایه گرفتار اولدیلر ایتسی کون محل مرقومه اقامت و دخی ادته بنجمنه کونی



قارصه بر پنج ساعت مسافه سی و لوب جانب غربیه واقع نزدیک و ارض دومی که در طریق جاده نیک او زنده کند  
قویه سی تعبیر او نان مجله و اقع جبلک پیشگاهند قرار و نقل انتقال نکت بار ایله در عقب محل منگورده طبر اوق  
بر قلعه بناکنه ایشار و کویا عا که موحدیتی اقرار صویه هر تلکش ایتک افکار فکریه سیه نهر مرقومک دخی قری  
جراستی تسدیه و آخر محله اجرا و اساله یه صرفی اقدار ایله که اهالی قارص نهر منبورک مجرای اولان مجله قویه  
حفر ایوب بار دو خوشگوار صولر ایله معیشت ایندیلر صومقطع اولدقه در ماندر و در ان قالموب طائفه  
نسول ال در مندری ایله او ایوب یومیته عا که و اهالی یه کفایت مقداری او نیتش در ایری شاه او دوی  
منگوسدن طوب منزلی مسافه ده جابجا طابور اراست و سکر در اختراعنه صادر استمله مشارالیه عا که با  
حضرتی دخی عزات ظفر سم ایله بر قاق محلدن سو ق مطایای جلادت ایله که اصلا تاب او در مقابله او لوب  
طابور مقربو ری کیر و یه چکدی بر کون علی السیر شمرین قصدیه بغته هجوم ایوب کروه موحدین نیجه این  
و نیجه این طوعه شمر ایله بو ائاده خنسن بلی لکی عبد الله بلک نام دلیر عیاله او دوی همایونه وارد اولوب  
لشکر ظفر یا وریه دلیرانه جنگ و مید و غالی اعدایه زینه تنک ایوب اول شقاد هبر دغا بکیری خنجر قهر ایله بخر  
کلی طوغریوب کله محتله این کوی و ش کوی فنیاه غلطان ایله شاه قهر بار مغلوب اولدقه در لودر لوبه  
بازی ضیعت اظهار ایدده در خنیر خیانت خیزنده مرکوز اولان مکر و نیکه ابر کنه مترقب زمان فرصت اولوب  
خنده فرمای زنان اوله جوق اعجوبه حالت بر له امر اوق ایتکین عا که مشارالیه حضرتی دخی مقارنت تو فیو  
رب العززه ایله بی بان و پرو ایشیخا و متبصرانه حرکت ایدده در او دوی همایونه جو انبئی طوب و فوج و سکر  
ایله استحکام و تسدیه و تعیین موقوف عزات شیر نهد و تبیین مقام اجناد و غا اعتیاد ایله دائر معکری حکیم  
و تشید ایوب عا که اسلامه قول و فعلا باعث غیرت و مالا و بدفا مو جب عیاله اوله جوق حرکات عاقلانه اصف  
پسند مو فوق اولیغدن جمله سکر عروق جیشتری تبصا و اراقة خون اعدایه بر برینه سابقه و شتابان  
و بو حال ظفر مال او زده دشمن بر آیینک مدافعه سنه پاره جای مرکز نشات و متابعت او زده ایکن شاه نکت پناه  
مجبور اولیغنی احتیالی مقتضایه کویا قلوب عا که نضر تا نزه ایرایش دهعت صمننده هر کون بر طابور اراست  
و زعینیه جنود منصوره یه اظهار حبه و عظمت ایله که عا که موحدین مقابله و مدافعه برینه مردانه و غورانه  
حرکت و کمال خواهش و رغبت ایله سینه پر کینه برینه هواله استه قهر و مذک ایتده بذل مقدر و سعی بقصور  
و بو منوال او زده جنگ و جدال ایله او ن کون مرور ایوب هر کون لاشه کروه ملحدین و موحدین ایله میدان  
معرکه مالا مال اولوردی بو خلاصه شاه بر کشته طار و ارقوتین بازوی اقداره کتور و عا که عا که هر کون  
بیکین و زینور و ادوات حربیه سن استصیب و مقر نکت اثرین قولیه رقی و بالتفس کنی قافله ضیعت

مابی اوله دخی کصود نام قریه دن دره ایله اشغنی طوغری طوب مکر و سیه کنی اجرایه فرصت بین کمین کین  
اولیغنی سر عا که ظفر قرین و عا که مسلینک مشهور با صر یقیندی اولدقه مقابله برینه دخیش دان جلادت  
اهین اولوب متو کلا علی الله المعین طرفی طرفی طابور مقربو برینه مانند سبیل العرم آقن ایتلمیه مشارالیه  
سپر سالردن آگاه قلباً و قالباً متوجه درگاه هدیت و جمله کنی جناب خیر الناصرینه یداع و امانت و مایه  
قوة النظر جلادت اولان عظمت تکبیر و کلبانک ترلیل ایله ترسیم اعصاب صلابت برینه دقت و انگه هانلیغی  
سار شجما چابک سوار ایله استوار ایتلمه اسکندرانه ابر از قوت قاهره ایله که شاه تبرکاد مفسد  
شمارن جنود یا جویج نمودی مادانه کرده دن یو قارو و عا که ماد با ش کویسته مظهر عدم اقدار لری  
اشکار و اهلند طری محل کند لری کبی اسفل و باشترینه تنک و ایا قلدی نکت دخیست اقدار لری اشلی اولمغه  
غازیا عالی همت علو مقام و منزلت ایله یو قارو دن اشغنه معامله ایدده در او زدرینه مستط و قهر و ایتصاص  
قوت بازو کویسته دکلنده الله الله بر آشوب بر خاش و دارو کیر و شش فراش و اقع اولمشد که مرخ فلتک تنج  
تحسین و سبابش ایله آسمان دن نکر و التي عا که مقداری حال بو منوال او زده کزله ایتکه امداد خیر الناصرین  
و تو جریا پادشاه روی زمین ایله قاتی و اخری جبر شمرینه ایدار غزاتن دهمیده بسن القرار و یخ و شماری دخی  
جریا قتاده هفص بو ادا اولمیه لله الحمد و المنة شاه کراه ضلالت پناه بو و جبرله خائب و خاسر بنا ایلیکی  
سکر ضیعت اثرینه دهلکرای انقلاب و ادبار اولدی بو وقعه ده مادانه خنسن بلی عبد الله بلک فانی قزلباشی  
تقیب و شیرانه حرکت ایله جمع بیدینی و فزونی ملحنی شمرینه استبار و سنان شهاب شراد ایله خاک هلاکه  
دو شوره دن قلیله ملاعینه و اردقه اطرافن کسوب رتبه شهادته ایرشردیلر بو حال عبرت مال او زده  
او اسطر شدردجب المرجبه کلنیه هر کون محاربه و مقاتله و هر لجه منه دلیرانه مقابله ایله در اجناد  
نهاد اذمان ایله جنگه اعتیاد و خواهش و رغبت لری مرداد اولمغه سینه اعداده آزمایش تیغ و تبر و مشق  
بازی مطرقه ده سرد شمرینه سپر ایدوب قلاشان اعجام فرطبعانه لک کوب ملام اوله در عون و عنایت جنبا  
باری ایله سر عا که حیت کستر حضرتی محافظه بیضه اسلام و محاسنه ناموس سلطنت ابد قیام خصوصه  
مانند اسر عا که شجما ایله شمرینه خصمی کسرو در ایتلمه لله الحمد هر بر و اقع اولان معارکه و محاربه ده با دظفر  
اسلام جانبته و زک و اعوا و بد لقا جانب ابداده کیر لک اوله دخی سوز کوشش لری هبا اولمشکن بو ائاده ش  
نکت مانوس او دوی مخوس مقدما وضع ایلیکی کیند نام قریه نکت بری کسمنده و اقع قانی کوی تعبیر اولدک  
حله نقل و تخیم و آند کندی و بر دلی استحکام و اعداد ایلیکی تارن عظیمون ماعد اکصور قریه سنه او دوی  
همایون قاروشونه و اقع ازاد کوی نام محله دخی در دوشتر بند عا که تحصن ایله جک بر سکر ایجاد و ثورای



کوی نام محله واقع در به به بر مقدار چادر نصب و و افرا عمارت و بود و جریه در لود در لود صورت و تصویب  
خارج لیه تریه زعم فاسد بجه کند و تک متانت به بل اجتهاد اید و ب ماه مرقومک اون در دخی بازار کوی لعین  
صلوات دهن آیین دیرین ابدار قریب او زده بالنفس کنی عسکر هریمت پیکرین سر فلاکت اینه و و بر طابور  
ترتیب و صاغلی صوتی معرکه مرهله زایه سوخت و تریب ایتکین بر و جانبدن دخی عسکر اسلام اظهار جلا  
و ابر از ثبات فتوت و مشارکت ایله کلر زده مخدول هریمت شمول اول کون محاربه دن نکول و استکفانی بوزن  
مذهب باطلی کوی زاهیب و ادی خلافت و طابور معرکه درین کیره و به چله دن ماوی دوزخ احتواسنه  
عود و انصراف ایله کن ناشی دلاور اسلام دخی او زدی لیه یونه اماله عنان مراجعت ایله دیر شاهک  
روان عهد و نده بر اقدیغی اغزلوی و هر دخی اول ایامه کلوب او زدی و سینه وارد اولی اول وقت قاص  
قلعه سنده سنا آرای فتوی اولان فرید عصر و و حید هر فضیلتو المراجیح محمد افندی قاضی افندی و سایر علما  
و طلبا و صبیح تضرع کنان دعا خوان معرکه درین کلبه حاضر و آماده جنگی یا اولو در ایدی او حاجتگنا  
او چنگ قدر زکیه ایله کلوب خارج قاصده اردو درین قوروب هر و جریه دو میانه اعداد و اعانه  
ایدر ایدی بو خلاصه مرقوم زکیه دن ایکوز مقداری شجاعت جانفشان مخازیل خاکینده آردن بقتله بود  
اقتحام ایتیمیه شاه به نام شجاعت مزکوری قلیل الاجرام و خفیف الانام کور مطله صید شیر صمصام ایتیم  
خیالی و کند و لره اولان غیظ و کینه سینه بنا و اخذ تار و انتقام قصیده مالی ایله بی عهده طابور درین بردن  
او زدرینه هواله ایله کوی عسکر اسلام مشهور و باصغر یقیندی اولاده بر طردن عبد الله پاشا و بر طردن  
جوهر پاشا و بر طردن قارصلی صوصان زاده پاشا و بر طردن جنگتای احمد خان و بر طردن قارص و ایسکی پاشا  
زاده یوسف پاشا و مرتضا پاشا و پیش و ابراهیم پاشا و اهالی قارص و یکچریک و بر طردن ایچ ایل و ایسی  
پاشا و لوندات و کولتلیک و جاموشی اغا و بر طردن اضروم و ایسی و لی پاشانک کتی بی و اضروم سپاهیک  
کلبانک تکبیری دیکه قلعه انیر ایدن در حال اعداد درینه و ارب ایچ بیجی ساعتن متجاوز ناره جنگ  
و جدال اشتعال و بعون الله الملاح المتعال نسیم فوز و نهرت جانب اسلامان و زله اولوب شقه  
دایک ظفر آیات موحیت ساهه طراز اهتر از و پلنگان کوهسار و غاچ چلنگ غالیته ایله سر افرا اولد  
لهربیب دشمن سوز طار دزدن چرما اولو شراره صاعقه کردار و زنی ملیحیک خرمین آما لیرین سوز و شمع  
بعیتلیر بریش ایتیمیه بر برینه لوم کنان مایوس و منفعل دهکرای خزی و خیسب و عسکر اسلام فرخ و خج  
غنائیم نهرتله سرور و عسکر لیه یونه عود ایله بد بعونه سبحانه و تعالی جنود ظفر موعود اسلامانک  
بو گونه اظهار طولای شجاعت و اثبات اقدام و مشارکت ایله شیرانه هجوم و صولت و هر حاله غالبانه

هر کتدی شاه سر بر هوای نرود نمونک اندازه فکر و خیالندن صد چند افزون اولدیغدن غریقی تجیه استغریب  
و افکار و عجب و استکباری مقتضای سنج غلبه اسلامیانی قلندن باشی استعجاب و استکثار اید و بگو یا  
کند و تک عدم اهتمامه عمل ایله عسکر هریمت شعارینک تجله انه هر کتدینه اصرار ایتیمیه ایتیمیه انشین  
کوی علی السحر بو کون هر نه اولمو ایسه اولو کوی یولندن کلا اول بلکه قاچ قان زاده و اکمل طابور درین  
افراج و ترتیب و عسکر موهینه ایراش خنیش و دهشت قصیده هر نه قدر القیسی ارایسه آود ارنه  
برسون طابور دخی تجریر و تعقیب ایدن او زدی نکت بو سندن حرکت و سالف الذکر کصو ر قریه سی  
سمتدن بشی التی بیک مقداری عسکر ایله بر طابور زده فتح علی و آلت یا شنده قرغول دبه سی جانبدنه  
تختینا بیلدی ایچ بیجی ساعت مسافه چکر محله او ملقدار اعجاب ایله شاه بر فرجامک ماد بخظا او غلی  
نصر الله مرزا بو ایکسینک بینه ایکسینه دنک و سا و اولو طابور ایله بالنفس کنی و سی طور و سینه  
بیک بشریو زایک شریک مقداری عسکر ایله اون ایچ طابور کور مطله طرفیند غبار خار زار بالاکیر و سکر  
ساعت مقداری داد و ستاد بازار کور دار مستر اولوب اختام قریب اولاده عود و انصراف ایچون  
عسکر اسلامه اشارت و اندر دخی آسایشه میل و رغبت ایله کجه مخازیل خاسرین خار دامنگیر آسا  
مانعت و غزوات ظفر سینه دخی تکرار او زدرینه اماله دوی صولت ایله کلر زده او کلر زدن کیره و فرار و جنود  
موحدینی رصد نشین کین اول قلمی محله چکر ک قیدینه دو شوب بو منوال او زده کشتن مصلحت  
ایله اختتام و قتی حلول و قرکولوق ظر بود و دست و دشمن تمیز اولنوی مسلوب اولوب ضربات  
نا برنکامه ده هر کس معذور و مجبور اولاده عسکر طرفین بر بر لیک یقارندن ال چکیده بود دفعه و اقع  
اولان محاربه ده مخازیل ملحدین ایچ معتبره ایله باد فترایشان بیک بیسوز مرده و بر قاچ بیک لک خوزه  
جر و حرلی اولدیغی معین اولدی و عسکر اسلام قوجه حسن پاشا ایله قوجه ابراهیم پاشانک حیا  
ماتلری نامعلوم و شریک و جریج ایچ ک نافع بالغ اولدیغی و بو ندرک دخی اکثری حسین عود تدرنده کچی  
حالده دشمن سمتده ایکن هدی تیر نا کرس قضا اول قلمی مثبت و مبرهن اولوب بو حال عبرت  
ایله او ایمل شمر شعبانه کلنجه وقت و وقت وقوع محاربه دشمن شکن و معاملات کیر و دار ارباب فتن متما  
اولوب بحمد الله الملاح العلام بو آنه دن عسکر اسلام مخازیل اعجابک مقابله و مدافعه لنده و جوده  
بزل اجتهاد و کون بلکن جنگ و حربه اعتیاد ایله بو گونه شید الشکره دشمنی مانند تیغ کوز درینه کیره  
عسکر کربو مسلول شجاعتی کتیر و خواهنش غیرت شمول متانتدی سینه انکیر اولدیغی جنبش لیران  
لندن استلال و بو وقت کلنجه اتحاد قلوبدن ناشی ترکیب بنیکر اولوب بو گونه بسط مقدمه غالبیت



نتیجه حال ظفر اشتمالرینه دال اولور بر اعیت استرلال اولدیغندن ماعدا عساکر اعدا واقع اولان جنگل  
و وغانک جمله سنده مغلوبا در بقعا اولوب کندی و لغ عارض اولان فتور و کلالان ناشی بخبار عارض  
و کرد الیه روی حالدری مسیح و فیما بعد جنگ و بیچاره تندی فسخ او طوی ظاهر و نمایان او  
طرفینک حال و شانی بومنوال او زره کندی یعنی اعجاب پریشان اولوب سنیان ممنون و شادان اولور  
لردی و بردغه جنگلای احمد خانی کندی و عساکری اولان لژیة ایله اقیس ایوب یکی طابو او برنجی کندی  
برینه قاتوب الی کله و سکر زنده و بر علی بن اخذ و غنایم بی حساب آلوب سالما عودت ایلدیلر درون قار  
قارص و ایستی یوسف پاشا حضرتلی عساکر اسلامه زفایر کندی و و تدر کچون وقت او زره سعی و اهتمام  
و بولان محلدرن اخذ ایلدیلر ماعدا اهالیکنک زی قوت او لندنن یتیمی یکم غر و سز استانه و طرف  
میرین تمک و یرک او زره سالیانه کونه اخذ و تحصیل اولوب طوائف عسکریه یه زخا برها و علوفه  
و بخشیر و یروب لیل و زهار عساکری خوش حال او زره طومتی ایچون بنال وجود و صرف اقتدار ایلدیلر  
کولیک طائفه کنک اغراض نفیانه لرندن ناشی سر عساکر حضرتلی طرفدن صادره اولوب خیلی متضرر  
اولدی بعد صد اقس و اخلاصی ظاهر اولدقه خلعت فاخر البس و تطیب خاطر ایوب یه خدمتده اقم  
ایلدی بو خلاله طرف شاهدن اولور او زره معتبر ایکی نفر آدمی ظرور و طلب رای و استیما ایلدن اردوی  
هایونه و روده شتاب و سر عساکر مشارایه حضورینه احضار اولد قلر زده تقریر کنک نتیجه مفروضی شاه ایر  
فیما بعد تری معارکه یه عازم و عقد صلح و صلاحه جازم اولغله هالا اردو دفتر داری کسریه لی اولدی  
ایله رجال اردوی هایونن مناسک اولندی مصالحه مطالعه کیچون طرفه کلیدی مراد ایدر دیو ادای عرض  
مراغ ایلدیلر نه بو کونه انشای جنگ و جداله دشمن خبیث اتساکم تحریر و طلام دروغ ارتسامنه قطعاً  
حواله سامعه اعتبار اولنماق مضوننی حاوی بونن اقدم طرف حضرت شریاریدن وارد اولان خط  
هایونک اامت مقرون موجب سر عساکر حضرتلی وارد اولان خبر لره ردایه جواب و اردو لرینه طرد و ابعاد  
ایلدکه شاه خدیعه کار بالکلیه محاربه دن فراغ و مصالحه امرینه مکتب و احرار ایله تکرار بشکرت ادملر ارسال  
و دوستانه او ضاع و اطوار اظہارینه ابتداء استیجیه سر عساکر پاشا بر و جریه رضاداده اولیوب طرد و رد  
و زبانتیغ ایله قطع جوابه مبادرت ایتمشکن شاه شیطن کار البته هر نه طریقه اولور ایله اولسون  
صلح اولور دم دیو اکباب و اصراری سین العساکر دخی تو اتر بولوب بعضی اراجیف حوادث ظهور دن فل  
و قال بیمال ایله میانده حالت دیگر اشکار و مرآت حالن صورت آخر بیدار اولدیغندن غیر ظاهری  
اولان بعضی رجال دخی کندی و ملاحظه لری اقتضای سله اداره و سر عساکر مشارایه حضرتلی طرفدن  
بو خصوص

بو خصوصه مساعد اولدیغ امرینی التزام ایلدیلر نه بالضروره اردوی دشمنه آمد و شد و قوعنه با  
و دفتر دارموی ایله افندی ایله میر میراندن مرتضی پاشا و عبد الرحمن پاشا و یکپچی او جاغندن جاموس س  
و سر عساکر سابق کتی امسی علی افندی بالاقتضای شاهه ملاقات و ماده مصالحه یی بعضا مکالمه و بو و جریه  
ایاب و زهاک ایقاعی انجمنده شاه مرقوم موی ایله افندی ایله بر دفعه دخی اداره فیل و قال عقیده  
اردوی هایونه عودته رخصت کو کتر میوب کند و اردو کندن طوغری آستانه سعادت کتمک او زره  
طریق ارضومه سو ق و ارسال ایتمله موی ایله افندی دخی قضا خالیة الی اهن بولوب مزبور  
کلامنه اعتماد آستانه سعادت توجیه و منوال محرر او زره عودتنی مشر انشای راهدن ارسال ایلدی کی  
تحریرت در دولت و اصل و مفروض کدر رسومنه اطلاع حاصل اولدقه جناب پادشاه بانته حضرتلی  
بو کیفیت محرر شاه دیسه کار کند و خدعه سینه بنات نشأت ایش بر حالت ردیو ضمیر الیهام پذیر خدیو  
لرینه لایح و ساغ اولان معنای تفوه و تحریرت مذکورده کنک خلاصه عزیمت و توجیه ایله در عقب موی ایله  
افندی کنک انشای راهده بولندی محلدن ارضومه عودت و آنده مکتب و اقامت ایلسیچون امر عالی اصدا  
و ارسال و سر عساکر مشارایه حضرتلی دخی هیئت مجموع عساکر اسلامی تفرقه و تشتت صیانت و غ  
بفروغ ایله او ضاع و مکید ات اتباع دشمنن بجانب طریقنی ارادت ایدرن تنبیه و انذار و توصیه  
و تکارکی مشتمل خط هایون جلا و تقریر ایله معنون شرف صد و ایدن امر عالی پاشا علی جناب الاستیجال جانب  
قارصه ارسال اولدندن صلح بو بابده دل آگاهی پادشاه عالیشان بر کاتیله حیلله بد مال شاه رو باه  
احتیالان آگاه اولغله رغماً علی انقه دل بسته رشته خدیعه سی اولان موی ایله افندی کنک تکرار  
صامت و قلعه سنده قلعه بنیچک صادر اولان امر شریف مبارزیه اول بوردی **ازین جانب** قارصه  
موجود اردوی هایون اولان طوائف عسکر میانده موی ایله افندی کنک آستانه سعادت طرفنه  
عزیمت ایلدی کی شایع اولدقه انفقار صلح و صلاح اعتقاد ایله بی غیرت و حیث بعضی او غاد و لونده  
مقوله لری اردو دن فراد عارضی ارتکاب ایله حرکت و جمعیت ایله ارضوم و اردو ها جانب لرینه عزیمت  
ایتملر عساکر اسلامه بو یوزدن عارض اولان تفرقه و تشتت مطار حیلله کار شاه تلون اطوارن  
معلوم لری اولدقه زعم باطنی فسون و مکینک کار و تأثیری احتمالیله محاربه اسلامیانن کله خود  
و زو کردن و تمام فتور و کلال ایله پی بر وادی خذلان اولان عساکر منجوسه مفروضه سینه بو تقریب ایله  
قریب ایله تسلیت و ضعف باللرینه تقویت و کمال اول محاربه یه تحریص و اغرایه مبادرت ایوب در حال  
ترسینه اسباب قتال ایله جنگ و جداله مباشرت ایتمله اردو سن قالدیروب قارص قلعه سینه نیم عس

۲۲۷  
XXXX



مقداری محله اقامت آید و بقلعه یه هواله اولان مرتفع مکانند برنج و باد و قرق آلی قدر قلعه لرو سکر لرو  
و مترسرتیب آید و بقلعه یه طوب و تفنگ و فیر لریاغیر و ب درون قارصه و لوله انداز و طغه سار  
ایلدیلر مقدماشارایه سر عکر حضرتی عقل و سداد و رشه ماد زاده و شیعیست خداداد مقتضایه اصلا نظامنه  
خلل و تمکین قلب و قالبنه ملل و بر میوب اسلوب حکیم اوزده حرکت و بقیه قالان جنود موحدینه تسلیم آید  
صرف قوت و دشمنک او ضاع غرور زبردستانه کنه عدم رغبت و کمال اول اظهار جلاوت آید در اردوی همایون  
سکون مینای اصلنه حرکت و بر و ب معیتلرند اولان و زرای عظام و میر میر کرام و قول کتی اسبی سار ضابطان  
و عموما اجناد شیعیست نشان آید معموره و ادوش قلعه یی بر قات دخی شن و آباد آید و ب محاربه کسی اهرم و اقدم آید  
مقابله دشمن اولان مواضعه طوائف عکریه دن هم جنس اولوب بر برینک باشیرنه دوز و یلکیرن حرکتی  
غیرت و شیعیست ایراث ایدر اجناس عکری بر آینه نسبتی مناسبتله جمع و اقتضای این محله کسوف و قیام  
و غزایه تشویق و اوزدیرنه و زرا و میر میر و سار ضابطان نقرات اعمالنه قادر اولدری مأمور و ادوش قلعه  
صاغلو صولو طوب و فیر و ادوات و ابطل دجان و کلمات شیعیست کرم و وضع و بو و جریله هیئت مجموعی عک  
حس صورت و بر دکلضک محل جهاد و قلب عکراه قوی الفو آد مقامنده اولان بیستگاه قلعه ده و اقع افواج  
کو پری ساحه کنده بالنفس قلب قوی و صلابت صوری و معنوی آید آرام و بو کونه ترتیب نظام اوزده قیام  
ایتمش آید دشمن بد طام دخی مقدما مطناب ثقلت آید و کی گنبد نام محلدن رفع خیام خیب و قلعه و ادوشنه  
کسب بر نیستی آید بوندن اقدم قطع آید و کی نزر کج کنارینه نصب اردوی همیست آید و ب جوانب اربعه یه مجرأ  
متعد سکر و قلعه لرایجاد و طوبلر وضع ایتمکله جنود موحدینی تفسیق و نزهاد حیانت اعتیادنده اولان  
فسادی اجرایه بذل اجتراد آید و ب لیل و نهار جنگ و پیکار و کونا کون هیله شیطنت نمون اظهار و طاه طاه  
متارکه معارکه و صورت آخر اکتنه ابتداء آید در عاکر اسلامی اشغال و تکرار فریفته مکر و آل ایتمک قینه  
دو شملکله کما غزاة بر و جریله التفات ایتمیوب هر نه جانبدن سوق فیه ضلالت آیدی آید عاکر موحدین  
مکر صدق و ثباته طور و ب اعمال طوب و تفنگ و سار آلات جنگ آید به طولای جلاوت اظهار و قفای  
دشمنه سکی زین ادبار اولد قلندن لعین بد آیین بر و جریله مکر و هیله سن اجرایه فرحشیاب اوله مغلطه ماه  
مقومک او ن برنجی پنجه کبجه کسی قلعه ندک تیمور پاشا طایبه کسی دیتمکله معروف اولان طایبه ندک جانب غریبه  
واقم کوه کرافرازک بالاکنه مقدما یاب و غی بر قاج عکسکر دینک یانته بشکر دخی پید او در و نیرنه زنبور طلال  
وقاتی و اخر عکرایو آید و ب زخم فاسد و خیال طاس کبجه ایتسی کبجه دوز در طرفن بفتنه مترسرتیب شیخون طریقله هم  
ایتمک قصدنه اولغین علی الصباغ مزب و سکر عاکر اسلامک منظور دزی اولد قده لوق کولندن کچن فتیان غزاة

ظفر نشان سکی قیو جلاوت و آچقون سکر دینه یوریشه مبادرت آید و ب عون حق آید متحصن لار فضه بی عاریک  
لحظه مقابله غزاة یه پایدار اوله میوب بر بریندن استمداد آید سکر دین سکر فراد و عاکر اسلام دخی آردندن  
قرتالی کبی عقبکیر شکار ایرشد طلیس ایصال بسس القرار ایتملرله بر محله طوره میوب بر برین چغنیه دخی فریادکنان  
اردوی منجوسیرنه ادبار آید دوز اولید سکر کرده صف شکن تغییر اولان طوقو زعد و زنبور طلیس و سار بولنک  
اشیالین اخذ و اغتنام آید و ب مسرور و مظفر آید سیرنه عودت ایلدیلر غزاة اسلامک بو و جریله دخی  
عنایت پروردگاری یه مظفر تیتی شاه منفور الطباعه غایت کران کلوب علی الفور عموما پیاده و سوار دخی عکراه  
انزین جمع و هر بر نقره التیوز غرورش و عدایه ترغیب و کبیر و صغیر طوب و زنبور و سار آلات حربیه سن ترتیب  
و منقطع اولان نزر کج مجرای قدیمی بی آبی در و نندن یورید و ب مترسرتیب و قلعه مقابله کنه وضع و زنجبجه عاکر  
اسلامی ایخش و ایراث دهشت و تلاش ایچون اردوی منجوسکر هر نه قدرده و او کوز و سار قرالتی هر نه و آریه  
قلعه بیستگاهنده طوب منزلدن بعید طولاسرتا سکر ایکی عک مقداری مسافه یه دن قات اندر قات بلافاصله  
صف کشیده اولغنه کویا بر سواد اعظم حرکت یا خود هشرات اراضی با سرحم بریر جمعیت برله ثقلت بارکن  
فتدی کره ارضک بر طرفه اطلکنه علت اولوی حالتی دونا و بو هیئت موحدینه و صورت مدینه  
خرد فرسایه مرتب الای کوی ستر دن عرض لشکر فلاکت اثر ایلمک نصلک پیاده و سوار ایسی عن قصد طلاب در زده ناب  
کبی های هووی عو عو سکا نه آید بر مترسرتیب اوزدیرنه مانند کلب عقور هجومه ابتداء و درت جانبدن نوار طوب  
و تفنگه در کار اولر یه اسلامی جانبدن دخی سی یا جوج و افض اولان آهنین حصار حیاة اسلام جناب  
اب المستعانن استفسار آید در جای مرکز ثبات و قرار و قوا بر جمعیت اعدای سکر ادبار آید بر هر نه  
وانگارده شیعیست خرده کادی اظهارینه ابتداء ایلدیلر طرف طرف پیاده و سوار دخی هجوم آید و ب خمر لرین بنا  
ایلد طاری طوب جانده لرین او چینی ضبط و قادر صلی عبد الله علیه ار علمنی طوب خانه یه نصب ایلمک یه لیجری  
دلاوری یتشوب پنجه لرینی افتاده خاک هلاک مغان و پنجه لرینی اسیر بندن فتران و پنجه لرینی زخماک ایلمک  
اول سکر کرده اولان طوب و مرما تکرینی اخذ و ضبط ایلدیلر چونکه شاه مخدول نکبت شمولک بو کونه بالار اولان  
آتش کبیر و غرورینه کما زمانه دن **مصرع** های کرکش خاک بر باد او ضاع ترانته تو یخینه کرفلا کتادی  
غبار ادباره جاننی قرار اولد قجه کمال انفعال وانگار آید یوریشه ابرام و اقدم و ناسر حرب و قتال زات  
الضرام اولوب و الحاصل طلوع فجر دن عزوب شمشه دن لرهب افروز اولان آتش کادزار الله الحمد والمنة یه  
کنده نوده خرمن آمانیلرین سوزان آید و ب مایوسا و مقهورا اوزدوی منجوسیرنه دوز کرده اولیدلر تیتی جمع  
کونی و دخی ایتسی طال اولد تارکات اکمل آید کلوب هر برنده وقت عصص در بازار کار زار دواج و بر دکلجه

۲۲۸



محض زیان او مغله شاه تعصب کارک بود که نه انزهار و اصرار ندن منفرم و استعداده اولان کیفیتا کویا  
قصه اطائفه انجمنی اهلک و دوی ارضی لوٹ و جود لرندن بان ایلمک هالتی بیدار و فی نفس الامر  
قریلان نفوس دو افضلک حد و عصری اولیوب مقتول و مجروح اولان اعدای لئامه کوره و قیاس صمدینه  
مخفوظ اهل اسلامن مقام شهادتیه قدم نهاده اولان زوات کرام یگر می نفر شریک و قرق الی قدر مجروح مغله  
اقل قیل بلکه صمدیه اشراره یلک مردنیکو کار مو اذنه معیار او لغین محمد الله تعالی واقع اولان هجو ملزده  
دکل متر سربله اراکت اولنیوب غزای اسلام اقبال ظفر برله طوب منزله دن ایلروده آچقدن دشمنی استقبال  
ایتدیره هر دفعه کنده عون باری ایله خائب و خاسری کیمت گیر اولیلر شاه مرقومک بو و جریله اجرایی اغراض  
درونه الی ایشیدکنن آتش غیظ و کیننی کویوب کتجه خانیه شکیب و اصطبارین سوز و خراب و تکرار هر طرف  
هجوم ایلمه یقینه اسلامانک قهری الذن نوش ایلیکی شربت ناکو اولد در دیرینی همنوز دفع ایتدین اشدن  
اجتناب ایدوب انجمن او زادن انداخته دانه طوب قلعه کوب ایله اخذ انتقامه ایتدوب و جریله دارغ اسلام  
تقریب استغفار و ابراقون م جبا سطلنده اختیار کند ایدوب تسکین هر ارض قلب خبانت شعاری ایچون متوالیا  
برهفته دخی بو منوال او زده شراکت پایش جدال اولمشیکن حفظ و قیاس جناب باری تعالی ایله انسانه دکل  
قلعه دیوارینک بر طاشنه دخی ضرار اصاب ایتیوب بو حرکت بر مال عبثه اشتغال اولیغی کند و نکل دخی مشهور  
اول غندن ماعد ایتدین کونن بر و کون واقع اولان محارباته و کون تر بالک و اصرار ندن ناشی اعمال اودک  
کارزار قیدیله هفرا اضنی و نقل تراب و بنای سنگر و کتجه مجرای آب مثلوه کار دشواری کمال اقدام و اتعابیه ایتدیم  
ایده دن اتلاف و اهلان و ترک زیر خاک مغان ایلیکی عکرنیک تعادلی قابل اولیوب قیاس و تخمین دخی حد  
مطابنه اولما مغله نفوس ذائده دو افضلک مدت مرقومه طرفنه کون جنک و کون سار و جریله مستقر قهر قهر  
اولوب نه نهایت اعداد الو فیه بالغ اولان اعدای لئامه قیاس اولیغی صورتده منزله کیر دارغیم اولان شهادت  
اسلام مرتبه عدده سرحد آهاری تجا و زایتدی کین عساکر الطرفین متواتر اشایع و اشکار اولوب شاه شناس  
استناسک دخی قرین علم ضلالت انتماسی اولمغه بو کونه اغوای و سواس و اضلال خناسینه ارتکاب ایلیکی  
افعال خبیه نشانه نادم و پشیم و عارضه کمال یأس و مرما پنجه زن کربیه جانی اولوب اعتماد اولدیکی  
اولان مصطفی فیه صدر اعظم حضرتینه مکتوب خدیعت اسلوب تحیر و عید سابقه بناء بعض مصالحه کونه مکالمه  
ایچون عبد الرحمن پاشا طرفینه ارسال و تسیر اولغین استعا ایلد طرند مشاد ایله حضرتلی طن آدمیلرینه عنیف  
خطاب و رد جواب ایله طرد و ابعاد ایدوب شاه برگشته جاه ایدار خذلان ایله هیر و نقض عهدن شامیله  
پریشان و بی کوسا ایکن ظهور غریبه بو خلاصه من طرف الله ظهور ایدن امور غریبه و لطایف غیبیه

عجیبه دندله ماه مرقومک کتجه جانب اسلامانده نور ایلدی کیم شمس هدیای طالع و ضو و لطافت ساطع  
اولوب هر کس کرام قاب شمسه آفتابن سایه جوی استراحت ایکن انجمنی دائره اردوی مخوسن شمس  
اوزینه کیمی با عذاب دینکله شایان غم ظلمت نشان مستولی اولوب کثرت امطار او زردینه بر مرتبه قطره  
بلاباز نازل و پرده ابر تاریکی مهر منیر بر حالتیه هائل اولدیکه کون زلزلی قرا کویجه دن رونما و غرق سیلاب  
بلای اولغی هالتی هویدا اولدیغندن ماعد ابلا ده ذکر اولدیغنی او زده قیدین برو جانب شهره جریله و زلال  
لطافت بارندن سلطان قلعه ترتیب ایدر ایده کله طری قارص چایینی الی بش کونن برو قطع و حبس و افر حقه  
اجر او مذهب ضلالت انتماسی کیمی اول جوی دلجویی دخی وادی خلافه ضلالت پیمایتمشیدی بو اشدنه جناب  
مفیض الخیر و البرکات جل شانیه حضرتی متمادی اولان کثرت بارانی ظاهر اسب عادی ایتدیم شاه شهاد  
نهادن هر ارضی و الکباب ایله صرف اقتدار و اتعاب و اهلان نفوس شمشاد ایدرک بر قیاس محله اساس فلک  
اولدیغنی سده و بنه لرین برکنده دست سیلاب قضا و نهر مزبوری مجرای سابقه اساله و اجر ایتدین بیت چند  
روز ایله ده سوی خلافه جریله یینه مجرای قدیم بولور آب احکام نر مصداقته جناب رب الارباب  
مزایع اعمال مسلیخی آب لطافت آب ایله شاداب و دیان بیور و بملحین اید خاسرینی بو کونه اسب ایدرک  
بلاده سر کرد و اساس رهین الاند اس بنای بناتلین خراب و پریشان و عامه اهل اسلام حقه بو آنه دکل  
ظهور ایدن کون ناکون نعم خود و نصرت و هر ادر دلو لطف و عنایتندن ماعد ابو یوزدن دخی مسرور و شادان ایلدی  
فیبی الله الملک القدر و له الحمد و الیه المصیر چونکه شاه نکبت پناحک بو وقته کلینی تشبث ایلیکی رشته  
ایلی شگسته بسته اوله دخی برکزه و انقلاب و هر حاله مأمولیک ضد طامعی صورتیاب بلکه انزهار و کلبی  
موجب اضطراری اولوب بوندن صلح هر نه قدر بسط بودیای ثقله ایله ضعف و ادباری مضاعف و  
دیرتر اوله جفن تیقن ایلد و کونن غیر بو نون اقدم دیار بلر جانبی سر عسکری وزیر همیس پاشا معیته  
مأمور اولان طوائف عسکریه دن ماعد اجداد تعیین اولان اجناد و غا اعتیاد ایله اولار ضرر و کلب  
تکلیف و تنجیم ادوات جهاد و عساکر مأموره ایله احتشاد ایدرک حرکت کسب استعدادن صلح جانب قارصه  
خریکه دکل بشتاب ایلد او زده مأمور اولدیغی شاه خایک معلومی و قرینه حال ایله قریبا ظهوری مجزوی  
اولمغه بو جرتدن دخی پنجه کتجه خوف و اضطراب کربان آرام و اصطبارینی چاک خورده انقلاب ایتدین  
خواه و ناخواه ماه رمضان شریفک ایکنی جمعه کونی یأس و مرما و ادبار و خسرانه لهعنان اوله دخی  
و عساکر و مرما تته و جوه ایله کسر و نقصان ایشیه سودی محض زیان اولدیغنه انگشت کزایی ندامت و کینه  
کوب شبت هر سرت و خبیه اولوب کمال انفعال ایله کند و یه لوم لایعقلانه ایدرک دیار نکبت مدارنه قلب



ویرانی کمی یقین کندی بود دفعه قلعه التمه تمام یگر می بی کون طرفه و آق اولان مترس محاربه لنده  
جماعت غزوات مجامع اسلام بر فرقه ناهیه که پوشش جامه طرنگ شهادت و کبی بر درگاه احدیت  
اولان ذوات معالی در جاسبی مر جا آسایوز عده نارسا و ریاض سینه لندن نو شکفته کل بر ایما  
و در نما اولان جرحاد فی یاره دهند لندن انجی ایکیوز عدا اینی کویا اولوب اما گروه مکروه دشمن غزوات  
بان ستمتک اوله و غنی دیل و طله دن باشقه مجر و حارم ذ اولندی دوت بیلدن متجی و زاو لطفه ساحه اردو  
توده توده لاشه مردار لیده کویا سکنک تا وادی خاموشان دن نشانه اولدیغی دوست و دشمنک مشهور  
با صر اعتبار لری اولمشدی بحی الله تعالی و آق الحال علی وقوعه معروض پایه سیر اعلا بی خسروانه و محاط  
علم عالم ادای ملوکانه بیوردقه سر عک مشارالیه سعادتله الحلیج احد پاشا حضرتیک بو باده ظهور ایدن  
خدمت جلیله الانار و حرکات مستوجب الاعتبار لری مقبول طبع صفا مشرک خدیوانه بیور دلفین هقلنده  
نیر جهان تاب الطاف شهنشاهی لعه دیر و بختیاد اعطاف پادشاهی موج خیر اولوب سر عک حضرتینه کرا  
و ابر کسرها لری اولان تشریفاتی هایون و عطایای کونا کون عنایت و احسان و ارسال و ایصال بیور لطفه  
اندوخی معیت لنده اولان و زرای عظام و میر میر کرام و سائر ضابطان عسکریه یه علی مراتب کرام و عطا  
بیوروب بو و جریله مظهر الطاف پادشاهی اولد قرینه مبتدی و مباهی اوله رف میانه اقران و امثاله دوش  
خبر و اعتبار لری لباجه حیت طراز نامداری و کرافتی لری دستارجه غیرت شعاری ایه پدایه دار و زیب اثری  
عنوا بر جوی آثار لری اولوب حیات بیضه اسلام و حیانت ناموس سلطنت ابد قیامده بو کونه صادقانه  
و وجوده کلان خدمت جلیله و آثار جلیله لری علی ما هو الو واقع ثبت جریده و قانع دور و اولغه شایان اولدی  
بوی ربه عظیمه ده چته بی عبد الله پاشانک دشمن دین بر آیین اوزرینه حلاصت دلیرانه و حصول شیرانه  
ایله دین مبین و دولت ابد قرینه لایق خدمت صادقانه جه سپارانه کسی سبقت ایتلمه هر و جریله  
عنایت اوله و غنی مشارالیه سر عک حضرت لری علی وقوعه تحریر و انزیا ایتلمه پاشای مومی الیه عواطف  
علیه حضرت ملوکانه دن دیار بکریا لیتیه رتبه و الای وزارت عنایت و احسان و طامره و ممتاز اقرابور لری  
و مشارالیه الحلیج احد پاشا حضرتیک بعض عارضه عدت سینی ایه امر خطیر سر عکیرین استعفا ایتلمه  
بو اشتهاد آیین محصلی اوله صدرا بسوس سعادتلو یکن محمد پاشا حضرتیک بو نون اقدم مأمور اولدیغی امور مباد  
تدبیر جلیله و خدمت جلیله کسی بیدار اولمغه انا طولی ایالتی انضامیله قارص جانبی سر عک لری و زیر مشارالیه  
ماه ذی القعدة نک اولمغه توجیه و عنایت بیور یلوب معتاد اوزده تشریفات لهایون ایه اون بشش نک  
غروش احسان و بر آن اقدم صوب مأموره تحریرک دهاب غزیت ایلدک اوزده امر عالی شارسال اولندی

اذن جانب ناوژده بر کشته جاه حسرت و خیب اینه قارصدن حرکت ایلد لکنه آریه چایی نه نرضت  
واندن اهنه و اخلاص جانبدارینه عزیمت و اول یر لنده اقامت و مزایع مسیبتی ارتاع و اتلاف ایلدی  
و بر دغ نام مکانک آب و علفی کثیر اولمغه سینه مرقومه شتاسنه اول یرده قشلاقی ایچون ایلر و معار  
و استاد و عده کوندروب اغاجدن و قامشدن نیجه بنک خانه ترتیب و ترکیب ایلد لکنه و سنی آجه قلعه  
و قرائت یولیه روانه اولوب کنجی و بر عده برنجی ایام اقامت ایدوب ذی القعدة الحرامک ایتاسنه  
بر دغ هو ایلنده قشلاق تعیین اولنان مقامه وارد اولد لکن بر قاق کون اعلای اولمغه حیواناته  
تاب و توبه کله که طاغوت لکیرینه تنبیه و کوشمال ایچون شت شتاده ماه مرقومک یگر می کون  
بر کوه قزلباش ایه جانب مزبوره متوجه اولوب جسرها اددن عبور و ایکی منزلی بر ایدرک ایلغار ایه  
مور ایدوب ذی الحجته نک التبعی کونی در بندن کجوب عساکرینی دوت قول ایدوب بلا ناکرهای کبی دوت جانب  
طاقفه مرقومه اوزرینه نازل اولد لکن لکیر لکن خاطر طلیس بو مجلس بی وقت برهنظامه عظیمه یه سلط  
اولوب تدار کسر بو لطفه حرکت مجالری اولوب قزلباش حساب و شماردن بیرون دو آب و اغنام  
تاخذ و تاراج ایلدوب و اولاد و عیال دین مسکن و مأوا لندن اخراج و از عالج ایلد بو حال ایه اوج  
دوت کون مرور و نضک طاغوتانک دوسا و کر کرده لری آستانه سینه یوز سود لکنه صوچ لندن  
کجوب خلع فخره الباس و اکا ایلد **القصة** عید اضحی دن صلح اول یردن حرکت ایدوب درنده وار  
اولوب اول یرک دخی انتظام امور مهاتمدن فارغ اولد لکن طبرک ایه یولیه بر دغ جانب عازم  
اولد لکن محکم بشی کونی قشلاق محنته وارد اولوب یگر می کون ملک ایلدوب لک صوبیک جانب غزیه  
آب و علفک کثرت و وفرتی اولمغه ماه مزبورک یگر می بشی کونی اردو و اغزلی ایه قاقوب کوه صوبین عبور  
ایدوب ارش سنجی غنه وارد اولد لکن ایام نوروزده خسروانه بر مجلس ترتیب و تنظیم ایدوب جمله سردار لره در  
خدا عکیروب اوج آشی شکی سیلا غنده ضرب ضیام سپهر احتشام ایلد لکن آخر جو زاده شکی حد و دندن قاقوب  
خاچین ستمدن طاغ یولیه دوه حد و دنده واقع کویکجه سیلا غه غزیت ایدوب اشتهاد راهده بر مقدار بشمار اولمغه  
تحت روانه دکوب ایدوب قطع منازل ایدرک مجازی الاخر کون ایچون کویکجه اولک سینه نازل اولد لکن  
**مأموریت چته بی عبد الله پاشا و الی دیار بکر و خاک اردلان ایضا جمعیت او برای تاخذ و تاراج دیار عجم حالا**  
ایرانشا لکنی ادعا سیده علم اخراج عتو و طفیا اولان ناوژده عاقبت تباه مذاهب شیعه امامیه دن اولوب کتب  
فقریه ده قوم من الروافض لقبو اباجعفریه تعبیری ایه مصرع و مذکور اولان جعفریه نام بر مذاهب  
باطل کویا زعم عاطلجه ترویج ایدرک دیو محض اغراض نفسانیه کس اجر ایچون نیجه سینه دن بر دولت علیه غنی



ایده مخصوصه به قیام و بویابده اهل اسلام بینة القاء قننه قصیده نچه تکالیف خام ایرادینه اقیام  
و خبانتے دوشن ایرام ایتلمه طرف دولت عتیه دن تارکات قویه ایله اعدام و ازاله کنه صرف نیروی  
اقتدار اولنه جفته واقف اولدجه در حال سلاطین طریق مکر و احتیال و صورت دوستیده انواع اعتدال  
ایده دن کناره کیر سلامت و بو تقرب ایله تکرار اظهار خبانت و اجرای ملعنه جسات ایله و کنن بائقده باشنه  
جمع ایلیکی رو افضی قلباش و اثر اوردو او باشک اعلان فرس و فوج لرینه رضا کوسه و ب هتک برده عصمت  
و شرع شریفه مغایرت ایله انواع ملاحی و منافی به رخصت و کنه و دخی ارتکاب اصناف شناعت و فضاحت  
ایله شهرت شمار اولوب مضر الناس و ساعی بالفاد اوله و غنن غیره دما و مسکینی استیلال و اموال و عیال  
اهل اسلامی بسی و غارتنه انهمان و اجتنار ایله بنی و طفیانی آشکارا و لغفه مرقومک و هو اسنه تابع اولو  
رضنه بر مذنب اعجابک جمله کسی طانغی و باغی و قتالری عامه مسینه و اوجب اولوب و اهل اسلام دن  
انری قتل یدند غازی و مسیندن مقتول اولند شریک اولد قزینه باله فعا و یریلان قتا و ای شریفه اتمه چینه  
توفیق جنگ و اهب الامال جل شانیه اتکالا تجریز عسکر و غا کردار و ترتیب لوازم کارزار ایله دیدار اعجاب  
نکت مدد تاخت و تاراج اولنغه ابتداء و پامال قبول غزاة شریک سما اولنغی اچون ادا ده عتیه حضرت شریک بار  
کردون اقتدار تعلق ایتلمه حال دیدار بکر و ایسی چته بی عبد الله پاشا حضرت لری باش بوغ نصب یورلوب  
معینته میر میره کرام و سپاه و سحر ادر کجی و ترتیلو نقراتی و دیدار بکر و موصل و شهر زور ایالت لریک عوما  
زعی و اربا تیماری و اول هو ایلدره واقع حکومت و الویه متصرفی و غلنا آمد نقراتی و ذکر اولندان ایالتده  
واقع و کشت و کزاریدن عشایر و قبائلک جنگ و مره قادر دجالی مأمور اولد لغندن باشقه اولمو ایله  
مناسب اولان محللردن اون ایلی بک سواری لوندات تجر و وزیر مشار الیهک معینته تعیین اولنغی اچون  
خزینة عامه دن بک یدییوز کسه اچه عنایت و احکام یوریلوب مقدمادولت علیه به التی و حال استنبو  
سافق مقیم اولان اردلان خانی ای خاندنی ملکت اعجمه مناسب محللردن و خوله دلالت ایتلمک اچون وزیر مشار  
الیهک معینته ارسال یوریلوب و حال بغداد و ایسی ای پاشا حضرت لرینه دخی مصارفنه مدار اچون خزینة لرینه  
ایلیک غروش عنایت و ارسال اولنغه انردخی هو زه ایالتلرله اولان حکومت و الویه متصرفی و قبائل  
اعراب و کرددن عسکر ترتیب و تجریر و کزدک موصل و ایسی حسین پاشا دخی تحت ایالتلرله کرد بطاری و عشایر  
دجالدن عسکر و فرج اخراج و او غول لرینه ارسال اولنغی اچه ایله میری لوندات تجریر و قبوس خلعنی دخی تجریر  
و حاضر و آماده ایده و ب باش بوغ اولان وزیر عبد الله پاشا ایله مخایر و مراسم اتفای و اتحاد امر اعجاز  
ایده دیدار نکتتد اردو افضی اعجمه آقین صالوب ایل و ملکدیس تاخت و تاراج و کنه و دین تیر ترمیم اتمک

ایتلمک بزل اقتدار ایده لردی و امر عالی شاه ارسال یوردی و حالا قارص جانبی سر عسکر صدر اسبی یکن  
نمی پاشانک امینه تقویت و اول هو ایله احتشاد ایدن عسکر اسلامه سب جمعیت و باعث جلادت  
و متانت اچون خزینة عامه دن مبالغ کثیر اخراج و دووم ایلی طرفنده واقع الویه متصرفدن اسکندریه  
سبخی متصرفی عبد الله پاشا و یانیه سبخی متصرفی محمود پاشا و او خری سبخی متصرفی قبلان بک زاده  
محمود پاشا و اسکوب سبخی متصرفی بوسنوی محمود پاشا و برزین سبخی متصرفی درویش ای پاشا و دو قه کین  
سبخی متصرفی کلو زاده علی پاشا و دلوینه سبخی متصرفی ارسلان پاشا زاده محمد پاشا و قرق کلیک سبخی متصرفی  
عربا چله کسی مرتب و ملکی قبوس خلعنی و میری لوندات ایله او ز لرینه باش بوغ اولان ترخاله سبخی متصرفی مس  
پاشانک معینته مأمور اولد لرینه نور و زفر و زدن مقدم کلیبولی معبردن مرود و مسارعة قارص جانبیه  
وارد و ب سر عسکر مشار الیهک دای رزینی و ترتیب کزینی او زره عمل و حرکت و دین و دولت علیه به سزا  
خدمت جلیله به مبادرت ایلد اچون واسط زلی القعه ده و امر عالی شاه ارسال یوردی دریا و قایق  
او دینل مطابق سال هزار و صد و پنجاه و هشت هجری مأموریت عسکر تاتار در معیت سر عسکر جانب  
قارص و مرود ایشان از هو ای استانبول باسکدر ذکر او صافی نکت اتصافی کراته کزده ایدن تاراج  
حضرت اکتک هد ناسناش او ضاع و اطوارینه عنایت باری تعالی ایله بی زات اولنغی مصرم و بو  
ممالک اعجابک تاخت و تاراج و مر بودک زحاجه غرور استدرابی سکرتیخ ابداره آماج قلعنی لازم کلمله  
اوته دن بری غارت اعدای تبه کارده طائفه تاتار و غا کردار شیره جالاک میدک اشتربار اولد لرینه طائفه  
مرقومه دن بر مقدم عسکرک جانب ایرانه سوق و تسیری ضمیر جنب پادشاهه لاج اولغین بوندن اتم  
اون بک تاتار عده و شکار ترتیب و تجریر و اخراج ایلدک بابنده حال فرما فرمای اقلیم قریم جلادتلو سلیم کرای خا  
حضرت لرینه نامه لری صد و دوقرق بک غروش سکبا اچه کسی و کز کرده لرینه الباس اچون قرق توش خلعت  
ارسال و برآ عزیمت لری مناسب کور لملطه سلاطین جنکریه دن او ز لرینه باش بوغ نصب اولندان نورالدین  
سلیم کرای سلطان و معینته ترتیب قلنا قاسم کرای سلطان اون بک نفر تاتار جلادت اتمه ایله جانب قریم حرکت  
و ایساقی معبردن عبود لری هنگامنده اثنای راهده اولان بلاد و عبادی مر اچه لرندن حیانت اچون اچکی فرقه  
اولد لرینه بر فرقه کسی قاسم کرای سلطان ایله ماه رسو اولدک بشنخ کوفی هو ای استانبوله و صول و اندن اسکدره  
نقل اولنوب و طرف پادشاهیدن ترتیب اولنغی ضیافته دعوت و بعد الاطعام فرجه صوف قاقم کور دن اسکا  
و ایلی بک غروش عطیه و بر داس دونانن دغش اتمک خسر و انه و یلیکی کز نفر اتباعنه خلعت الباس اولنوب  
اسکدره ارسال و بر قایق کوزدن صلح نورالدین سلیم کرای سلطان دخی بقیه عسکر تاتار ایله ورود و ترتیب افضان



ضیافته دعوت و بعد انعام فرجه هوقه به قبله سوره که درک الباس و بشن تک غروش عطیه و برین کیش  
و بر هفت مصنوع پیشو و بر تفنگ و بر راس دو نانش آت انعام خسروانه اولوب کر کرده قبائل اولان دهانه  
او تو زبش عدو که لرو اتباعنه یکیه زرقی ثوب خلعتد اکسا و اسکدر صحرانه که ندریلوب بر قاقو کونون  
قارص جابئی سرعکری معیته ارسال اولیند بو اثناده جمله ایره اهلایندی رغاد و حیب مازدن کر پاد او کورده  
و دامن استیمانه آویر ۱۰۹ و له رق خانان ایراندن ملکی حاکی محمد قلی بی و برادری امام قلی بی که یکی بکنن متجاوز  
خانه لریه کوی سنجی غنه و بلباس درونته کلوب اقامت و تبریز حاکی محمد قاسم خان افشار و هوی خانی مفضل  
قولی بی و دنیلی بی محمد ظاهر بی که بالجه دنیلی عشرتیه و محمد علی بی که کوه سونی عشرتیه و ملاک اغا قچه قیونلی عشرتیه  
و نوح بی که حضرتلو عشرتیه و حاج اغا طو لولو عشرتیه و اسمعیل اغا تابکلو عشرتیه و علی رضا بی که  
ر مه طو طکلو عشرتیه و ۹ طرفینه خروج و استیمانه ایله دائر امن و امانه و لوج ایتدیله و ۹ محافل لری  
محل مناسبه اسکان و کر کرده لری مومی الیرمه الباس خلعت ایله تلطیف و نو از شیرینه دقت و اهتمام ایلیله  
و طرف طرف بالجه رؤسای انعام و ریش سفیدن عشایر بنام و هو اش و خدام کوچ و خانه لریه قاقوب و  
قارص و موصل و اول هو ایله بسته بسته و سید بی و رود و نزول ایلیله و تحریک مملکت دشمن بر بیجا  
وقت شتا طرفدن بو اثناده کلبنه و ۹ و قارص طرفندن چته طریقله سید بی اولکای ایرانه و اروب غنایم  
بیشمار ایله عودت ایردن عاکر جراد دشمن شکاردن فضلده بوندن اقدام اقیم قیدن اخراج و اردوی قهایونه  
تسیر اولاندن اون بنک نفراتاد از ضر و مه اردودن ایله وجه حرکت و بایرینه سنجی طرفدن مملکت اعدایه  
و رو ۹ طبر اغنده اغری طاغی نام محمدن عبوره مبارزت ایله دو چار اول قاری دشمن خباثت سمیری قهر و ترمیر  
ایره ذک اول هو ایله واقع مالکه قلعه کنی دخی فتح و تسخیر ایروب غنایم کثیره ایله عودت ایلیله و عاکر جرایم  
محمد پاشا حضرت لری دخی قطع منازل ایله درک از ضر و مه دخول و معیترنده اولان عاکر انج شماره و غایب نمر و نثار  
ایله ماه مجازی الاغرانک یکر ایلمنی کونی از ضر و مه حرکت و قارصده بعض لو ازم جرئیه تکیلی ایچون بر قاقو  
مکت و استراحتدن صلک متوطلا علی الله تعالی دشمن بد طینتک بولیندنی محله عزیمت و قهر و استیصالنه  
تحریک استه و سیوف جلا دت و همت او زده اولیدر و جلا دتو چته بی عبد الله پاشا حضرت لری دخی موصل  
طرفدن مملک اعدایه دخول و دارو دیار لرین تاخت و تاراج و دو چار اول قاری دشمنی سر هام قهر و استیصال  
آملج ایردن اخذ استقامه سکی و اقدام ایلمک او زده مأمور معیته قلنا مرتب جیوش دریا خرویش ایله صحرای  
موصلدن دفع خیام آرام و صوب مقصودی اولان دیار انجایه تحریک اعلام ظفر ارتسام ایتدیله شاه غایت  
تباهاک اهو الی پریشان و دیلر کون و لو آ استرابی بست و کرنگون او مسی الف الکر حالاتدن بر مو جب سبب

عادی مستفاد و امداد جناب دین العالمین ایله مأمول و مستدعا و خصوصاً کین سینه قارصدن یاسن و حرمان  
و خبیث و خذلان ایله عودتدن بری طاغی است و زیننه بر قاقو دفعه سو ق لکر خباثت و کندی دخی بالتفس  
عزیمت ایروب استیصال اهلای طاغی دیانت اشتماله صرف ما حصل تاب و طاقته ایتیشکی بخت و ارون  
کبی لو آ غرو دی کرنگون و قطعاً ظفر یاب اوله میوب هر عزیمتده و ایله سکی کسر و هر نیت و چاشنی کین دور باش  
قدر و مذلت اولوب حتی بر دفعه سنده کسر فاش ایله منکر و پریشا و کندی و سکی مجر و ها خذره شتاب اولوب  
باشده اولان سر غوج و رخت و بٹا و نیکلری و بالجه طناب و خیام و اسباب احتشای نصیب دست انتر باب  
و اغتنام غرات لریکه اولوب الله الحی و المنة اهل اسلام هر حاله منصور و مظفر و اعدای لئام کبر و غرو دی  
سیبی ایله مقربور و مدمر اولمشور و چته بی عبد الله پاشا حضرت لری ماه مجازی الاغره نیک سکر نخی کونی صحرای  
موصلدن حرکت و غزاة جلا دت پیر ایله مملک ایرانه دخول و حرکات سطوت شمول ایله هر جانبه ترکندزه  
آغاز و قوت قاهره اسلامیته بی اعلان و ابراز ایردن دیار نکبتدار دشمن مذ هیدن صوت بولاق هو ایسنده  
واقع سردش نام محله درک ایصال کتبه تحریک و احراف ایله تاخت و تاراج ایل و اولکای انجایم خبیث انجی  
بیطولای جلا دت اظهار و راست کله طبری دفعه بکر داری ایصال بسن القرار و استیجاب غنایم شیمار ایله کلر  
غیری مقدما سایه دولت علییه التجا ایردن ملکی عشرتدن سالف الباس صوت بولاق خانی محمد قولی خانی ایله عودت  
کندویه تابع عشایر و قبائل خلقنی بالجه خانه لریه قالیه ایروب کوی سنجی طرفنه سو ق و ایصال ایله کله نصلک خان  
مومی الیرک اطاعتدن خروج و دائر بغی و عصیان لوج ایله جانب اعدایه لری ۹ اولی قیدنه اولندری اجرای  
مراسم نصح و بند ایله دفع و هشترینه و اراکت طریق هدایت و طرف اسلامه میل و مجتهدینه مبارزت اولند قچه عدم  
دغبت و خباثت دروندلری نیایه و جانب خسرت معاد دفع و الحاد شتاب اولندری علی العموم یغنا و غارت ایروب و چوله  
نیجه مدت مملکت اعداده کشت و کزار و مزایع و کشت زار لرینه هو الله داس اضراء و پامال خیول جنود و غاکر دار  
آرام و قرار ایتیموب بیس و یسار و اغور و ظفر مد اولنده دو چار اول قاریس خانه خراب و منادیل نخوت شعار لریس غلطیه  
تراب ایروب مأمور معیته بیو یرلان عاکر ظفر مازن صبط سر رشته امو لریه مغنم و مباحی اوله دخی دفاقت  
دقیات جناب آلر لری ایله معصوم با با سلامه کر کورک هو ایسنه عودت ایلیله درین محاربه یکن محمد پاشا علی عاکر  
روم و مال کادری عاکر قوم چون نادر شاهه خیر و اصل اولدی که دولت علییه عثمانیه طرفدن صد سابق یکن  
محمد پاشا عاکر نصیب و معیته اون بش نفر میر میره مأمور و طلیتتو عاکر ایله از ضر و مه و قارص جانبندن اولکای  
ایرانی نرب و غارته تعیین و ارسال و چته بی عبد الله پاشا اولان بلکی سنجی و یردی خانک اوغلی اچ خان و سار پاشا  
یانک و لشکر یکر انک مأمور ستریه دیار لری و موصل بولندن مقابله و مقاتله ایچون تعیین اولوب طرف طرف ایرن زیننه



داخل اولوب انواع خسارت ایصال ایلیله بوجو جتدن نصر الله مرزای عراقن کتور دوی دیار بکر و موصل جانب  
دندن ایرانه هجوم ایدن دو میانه تنبیه و کوشمانه تعین و عجمه ارسال و کرمانشاها و لو رشتا فیلی و کردستان  
سمتندزه سیلا قدره کشت و کزار ایلیس عساکر اجناس مختلفه یی مرقوم او غلیتک معینه مأمور و ارسال ایلیله اول  
ایامده شاه صغیر او غلی امامقلی مرزایی و برادرزاده سی ابراهیم خانی او دملک تدارکنده اولوب هر برینه خانان انجمن  
برینک قیزلی نامزاد ایتمکله بجه ایام کوجیه سیلا عنده دو نیا و سئلار ایدوب سرور و شادمانی اظهار ایلیوب طوی  
و دو کون آتای مقضی اولدقه زمام اختیار فرماشا امام قلی مرزایه و انتظام مرهم عراقی برادرزاده سنه تقوی  
و هر بیستی ایدن شایسته ایله ماه و جبک بستی کونی جانب مقصوده روانه اولدیکه کوی دخی بار و بنکاهی تیز  
یا سیلا عنده برغوب لقا اول کون کر عسکر مشار ایله ایله مقابله یه عزم و قارص و ادر و م نوا هیسته و ارب  
سر عسکر مشار ایله مورو ایله جک یولنی سایلکی جزم ایلش ایدی بو حاله مقارن خیر و ادر اولدیکه دست  
اهل سر عسکر مشار ایله حضرتلک قفاسنه برسته اولدوب خواه نا خواه جانب ایرانه سوی و تیسیر ایلی بوجو  
او زده ی شاه مرقومک طقوز بچی کونی رو قریب از عبور و سابقه کوی پیرلی او غلی عبد الله پشایه واقع اولان  
مرا تبه نام مع کاهده نزول ایلیله **ازین جانب** مشار ایله کر عسکر لکن محرابا حضرتلی دخی یوز آلایک سوی  
و قریبک پیاده ایله عنایت باری تعالی یه اتکالا اعد او زینه هجوم و اقتحام ایچون حد و دیرانه دخول و شهر  
رجیکه اون ایکنی کونی دو انه قریب قفا و زدنم صحویه نزول اولدنی خلاصه دشمن بر مذهب دخی محل مزبور  
ایکی فرسخ مقداری مسافه قریب بولنغه اطراف و جو انبی سکر و مترسل و سائر اذ و ایتله استحکام و ترصین بوجو  
تخص ایلیکی او زده سنک او زینه ماه مرقومک اون بستی چهارشنبه کونی غزاة اسلام بلا مترس اچقون هجوم  
و اقتحام و محل مرقومه صحوه کبری دن اخشامه دکیس محاربه و مقاتله ایله نفوس اشرا را عجمدن قتی و افر  
ملعون طوعه شیر کشیده آتش نمون پرده بیرون اولان سوار سنی ظابور دینه اذخال و باز کون و ایرتکی کون  
متر سیر یوریدیلوب در عقب او زده ی لهایوت دخی و راسنه نقل و جنگ و بیچاره ابتداء و فراموشی برادر ایتسی  
کوندلی کذلک دفته دفته طریضدن اعمال ادر و حرب و قتال ایله نفوس اعدای مطاره قنطری تیغ ابدردن  
در طایر نیرانه ایصال اولنه دخی بر ایکی کون طرفه دشمنک طوی التنه دیک تکرار متر سیر امداد و پیاده عسکر  
درونه اذخال و دذخال او زده ی لهایوت دخی نقل باطلایله و رالینی مضرب ضیاع ادرام و قرار و پنجشنبه کونی  
ایلیوبه یوریدیلوب بر قرار سابی ادر و ی لهایوت دخی ادر و کره نقل طار بار انتقال ایله دشمن کمال مرتبه هم و تضییق  
اولدقه ماه مزبور دیک بکری بچی جمعه کونی او غلی نصر الله مرزایک عرصی و چا پاری وارد اولوب موصل و دیار  
بکر جانندن ایرانه زمینه هجوم و بلاده مذکور اولان عثمانیا نیک ایرانیانه ایصال خسارتلری شاهه معلوم اولد  
شاه

شاه و سپاه فی الحال قود در مش کلبه دو نوب نهایت ضیوع و اضطرابدن ناشی مجموعی جانبداری دیشینه آلب  
جنود موحدیکه او زینه لجه کلبی ایله هجوم و اقتصی ما ابتداء ایتدیله دلاوردن اسلام دخی کمال کریمت ایله  
استقبال و نایع حرب و قتال طرف طرف فیتله کیر اشتعال و انجام حلاله دشمن هر نیت اشتغال ضیعت و خسرت  
و اذبار و خذلان ایله نعمتان اوله دخی مقرر سقر اترینه دخوله شتابان اولوب یوم مزبورده دشمنک کمال  
ضعفی جبه عنده ظاهر و هویدا اولدقن ناشی قبل العم ادر و ی لهایوت اولان و زرا و ضابطا بالجه عقد  
اولتا انجمن مشورته دعوت و فر داسنی جمعه ایتسی کونی علی السحر دشمن بدیسان مترس و سکر اینه یوریش  
اولوب عون حق تعالی ایله جرای سزایی و رملک او زده معاهده و قرار و بر طیشک ایام مذکورده دن بر قاق  
کون مقدم بشیة الله تعالی سر عسکر مشار ایله مراهجه انحراف عارض و کتکجه مشت اولوب مشاوره ادره  
اظهار وجود ایدمه و کندن ناشی سواری لونه و دیو انکان و کوه طلوی طائفه سنک ایچکنده بولنان بعض  
مفسد لرو اصلی دافضی اولوب اهل اسلام زینه اولان همیشه سر عسکر مشار ایله خسته لکنی و جزئی مقوم  
بعضی سنه لری برانه اتخار ایله قیل و قاله تصدی ایله طبری اشته سر عسکر مشار ایله دخی اهل مستی ایله  
عازم دار بقا و یاخو بعضی ثقاتن نقل اولدنی او زده سم اسقا و نغله مرصوم اولوب بو خبر مفسد و ن  
مرقومونک معلوملری اولدقه کلیتاً اطاعتدن روگردان و کیر و عودت عارینی ادر تکاب و طغیان ایتدیله بو کیفیت  
سار عسکره دخی سرایت ایدوب بلاده تحریر اولدنی او زده اون درت کوندن متجا و زجر خه و مقایله ضمنده  
اعدای بدتبار ایله ایقاد نایع جنگ و بیچاره و اوله آلاط کارزار و لکون امداد جنب پروردگار ایله اغتنام  
و غلبه و فوز و نصرت باری تعالیدن و ایله دار اولان اجناد شجاعت آثار دخی تقرب جنگ و جهاد عود و انصرافه  
ابتداء ایتدیله مجرد سالف انکر مفسد لرو ادر تکاب ایتدیله کبری جباستن نشأت و بوسب ایله درون ادر و ی  
اسلامیانه مشرود و نیایه اوله اعلام اقتلال و اختلاف ضروری ایله کیر و چکلک مستحب و مستصوب  
کونمکن ناشی عیب الاقتضایست مجموعه لریه کیر و چکلوب عوماً عسکر اسلام ایله قارص هو ایسته  
و اصل اولدیلر ذلک تقدیر العزیز العلیم و العاقبة للتقین تا دور آمدن الی الآن منظور و مشرود عیون  
قرون اولدنی او زده بو مرات عبرتتمای عالمدن گاه جمال احسن و گاه اشکال غیر مستحسن بیدار اولدی قریب  
شیوه رفتار روزگار تلون طار و آیسین دیرین چرخ دور اولدغه مجموعه کونک تقب ادرای ایام و بیالنده  
نور حالک بر کونه مالی و هم هنگامک بر نوعه انجام عبرت اشتغالی اولدن خالی اولمش **ازین جانب** سر عسکر جو  
حیاته و داع و درودون ایله ترک نزاع ایلیوب عسکر اسلام مایسته تفرقه و اقتلال واقع اولدقه کم فرصت  
قریباً طرف طرف فرار ایدوب راس کله طبرین عرضنه شمشیر و نچه دینی اسیر ایلیله کندن مایه



اردو کا ہندوستان طوبخانیہ و مرہات و تمام اسباب و فیما میں ہوزہ ضبط و تقریرینہ ادخال ایلوب برک و  
دنی عساکر اسلامی اربہ چاہنے دیکس تعاقب اید و بچیہ بریں انداختہ خاک ہدراک ایلیدر شاہ مرحمت بناہ مجروح  
و ناتوانی جاموشی من اغایبہ قارصہ کونہ روبر و درت بنکہ نفر کتارین دنی اکثرینی طہرانہ و بقایابی تیر  
جانبہ فستادہ ایلیدر عساکر مرحوم مقدم قارص جانبہ توجہ ایلد کلر نہ سر عساکر سابق الحاج اید پاشا  
حضرتینہ غزوانہ تحریر و ارسال ایلد کلری مکتوب مشاد ایہ حضرتینک منظور ی اولادہ کوی اغامی کوی کتی گتہ  
تحریر کرالو دین تلکبرانہ و تعظمانہ تعبیرت ایہ ادوان شامی منصور و مظفر ایلوب عاقبت یأس و ممانتہ  
دلالت ایدر دیو حضرت مجلسہ بیورد قری واقع حالہ موافق و مطابق اولوب نتیجہ کاروری بو کونہ برین نئی  
ایہ ختم اولی **در بیہ کیفیت دشمن مطار یعنی نادرد حیلہ کار** دولت علیہ عثمانیہ خلافت قرین ایدہ اللہ  
تعالی الی یوم الدین فی الاصل دین بیسک ہا رس و نگرہانی و سنت کتہ سیر المرسلینک ترویج سازنی استانی  
اولمقدن ناشی بو دن اقدم مالک ایرانن کر ذہ ظہور و بازادہ عصہ استکبار و غرور اولان نادرہ خدیعت  
دستگاہ مجر و کسیر ضمیر جنبانہ تخیری اولان اغراض نفسانہ کنی اجرایہ و سبیلہ اتخاذ کویا دیاد ایرانن بسوع  
رضن و الحادی دفع و رسوم مخدثہ و مفسدہ بی طرف و دفع ایہ دین مبینہ خدمت ایلدیم دیو ابتدای ظہور دن  
صورت عقدہ کورینہ دن مادہ الی مادہ نک تصدیق و قبولی تکلیفی ایہ بو آنہ دیکس نہ کونہ نظر ہا مشونت  
نہ و جہلہ ابراز دعوت و خصومت ایتدی کوی عہدہ نک معلوم و مشہوری ایلکن شمری مقتضای جنب طینتی اوز  
صورت اخیرہ بر کونہ دنی مقدمات نک و حیلہ ترتیب و مرحوم یکن مح پاشا قضیہ کی عقینہ و حال قارص جانبی  
سر عسکری اولان صدر اسبق الحاج اید پاشا حضرتینہ کند و معتبرہ خاندانن واقف حضور مصطفی خان طرفدن  
اولوق اوزرہ امیرہ ترتیب و متعاقباً تسیر ایتدی کی الکی قطعہ کاغذ برینی سر عساکر مشاد ایہ حضرتین در دولت  
مدارہ کونہ مطلعہ در ندر نہ اولان مقدمہ التماس و استعا اولنا مذہب جعفری تصدیقی و رکن طلبی تکلیفی  
خصوصی متروک و طامسوخ قلوب من بعد خلاف شرع و قانون دولت علیہ یہ بر سنہ تکلیف اولوب  
ہر شین فراغت اولمشد دیو تحریر اولمشکی صلک کند و مرہی ایہ مرہوراً مخصوص سفیری ایہ بغداد جانبہ  
دکاب کا میاب حضرت خسروانہ یہ بعثت و تسیر ایلد کی اود اقل ترجمہ صحیحہ دی در سعادتہ جلب و جزبہ لیب  
قرآنت اولن ذہ فیما بعد اهل اسلام میانن شمری خصام دفع و بیخ عداوت و بغض قلع و قمع اولمشکی ایچو کویا  
سالف الذکر الکی مادہ نک قبول و اسعافی دعواندن فراغت و سمت مصالحتیہ میل و رغبت ایلد کونی اشہو  
کاغذ لندہ دنی اگر چہ درج و تسطیر و لکن درون او ای مذکورہ ذہ مجدداً خلاف شرع و قانون بر نوع تکلیف  
باردی دنی سر و تقریر ایدر نک جنب ضمیرینی اثر باب و تشویر ایلش تکلیف مرتومک مال و مفروضی ضمیمہ نک  
مربوہ

مخبرہ اسلامیہ دن اولوب سنین قریہ دن برود و ندر نہ آثار دست و جماعت و دعایم و ارکان شریعت اجرا  
اولنہ طمان آرزو بایں حد و در لیکہ یعنی و اولو الیہ اولان کرد کشاد در اندری کندک بغداد و بصرہ و مشہرین  
و هو ایلیدر اندری کند و یہ ویر ملک اوزرہ طلب ایلر حالات غریبہ کی او لغتہ بو کونہ مالکری بری برینہ مخالف و  
تحریرت کلیدت سمرقند ارسال و تسیر دن مرتومک مراد و مقصودی جانب دولت علیہ و سلطنت سیتہ لی اغفال  
ایہ کند و امورینہ تقویت و زعجیہ بو جانبہ ایران فتور و زحوا و اید کی ظاهر و اهل سنت و جماعتہ بر کونہ  
دنی اہانت و خیانتی اولد و غی آشکار و باہر اولمغلہ محیل مرتومک کید و خدعہ سنن فیما بعد غفلت و طرفدن  
بر دولت تحصیل امتیہت ہا رس اولم یفدن غیر ی مالک اسلامیہ دن بر قارصیہ و بر قطعہ ارض و بر ملک معای  
شرعیہ و ملکیتہ کی واضح و بیدار اولم یفدن بعون اللہ الملک المتعال سنہ ماضیہ دن زیادہ تحریر عدہ و عتاد  
و ترتیب لوازم امر جہادہ بذل اجترہاد اولوب سنہ آتیہ رہ قارص و دیار بلکہ قولدن سفر ہا یو مقرر اولمغلہ  
صدر سابق سعادتلو الحاج اید پاشا حضرتینہ امر جلیل الشایہ تفریح و افادہ و سار و ذرای عظام و میر میر  
کرام و رؤسا و ضابطان و قریم خانی سلیم کرای خان عساکر ایہ معتبرینہ تعین و منوال سابق اوزرہ و قتیہ  
مرحوم جانبہ ارسالہ اہتمام اولم یفدن علی ذلک قارص قولنہ جمع تحت شایہ جک صنوف عسکریہ نک ضبط  
تمام امور لیبہ قن سپہ سالاری یہ واقف اول ہو الیہ واقع کرد ات ایرانیہ نک کیفیتا عارف بر وزیر  
غیرت سمیر کونہ بو خلاصہ جانب مرتومک عسکری ایہ اول طرفہ بولمناسی و اجباعت امور دن اولمغلہ صدر سابق  
سعادتلو علی پاشا حضرتینک حد و داعی ملک کیفیتا و قوت تامی اولمغلہ قارص جانبی سر عسکری کی مدد و وزیر مشاد  
ایہ حضرتینہ توجیہ و بر آن اول ارض دومہ و وصول ایچو او امر علیہ ارسال و تسیر اولندی و سنہ آتیہ  
قارص و دیار بلکہ قولنہ ادودہ بولمنہ اوزرہ مجر و مہر دن دنی اوچ بنکہ نفر عساکر اخراج و علی التعلیل دیار بلکہ  
طرفہ سوتی اولمندی ایچو امر عالی شاد ارسال بیوردی **دفتن سفیر ایہ باستانہ سعادت عنوہ** مادہ الی مادہ  
قبولن دجال دولت علیہ عثمانیہ مقام کتشی و انکار دہ اول قری جہت دن نادرہ معتبرہ خاندانن فتح علی بلکہ نام  
خان سفیر و نامہ دوستانہ ایہ بغداد جانبہ تسیر ایلد کلر نہ دولت علیہ عثمانیہ طرفدن دورت بش ای مقدار  
بغداد دہ اول طرفہ اولان اثناء راہدہ مقتضای وقت و حال اوزرہ بعض محللہہ ٹیکٹ و توقیف اولنہ دق استا  
سعادتہ وارد اولمشکی ہا یو بیوردی فتنہ بنا ماہ زی الحجہ نک اون طبقہ زنجی کونہ سکادہ و اصل اولہ جہتی  
خبری و دہ د ایتکلہ بر کون مقدم اسکادہ واقع یشتی باشی باغیہ سی پیشکامندہ قضای فرج فرادہ ترتیب اولنا یملکہ  
کتوریلوب بعد الاکرام اول کیچہ اندہ بیتوتس و ایرتسی کون صحتی ایہ استانبولہ امر او حالنہ مناسب اکرام و الای ایہ  
مرہا قلنا و اغب پان سرینہ ایصال و مرہانہ تعین بیوردی ہا جگہ اولن نطف مصطفی اقدی مع فیتہ مالانہ انوری



دویت اولونوب بر قاجار کون مورذن صلح داب قیام او زده صدر اعظم حضرت تری طرفدن دعوت اولمغه حسن ملاقاته  
درم عادی اولان اگر ای امر عقیده کنه و به فرجه کسود کورد و مرمانه اور و اتباعنه خلع فاخره الباس و بر راس  
دو نانش آت احسانه مطیب قوناغنه اعاده اولندی **دعوت سید سید ابیایه سیر اعلا و تسلیم نامه خود**  
هالا حکم ایره ناو زده طرفدن دبداد خلافت مدار جناب شهریار کوردن اقتداره بعث و ارسال اولنان فتح علی بیگ ترکمن  
نام سفیری صاحب دولت حضرت تریینه ملاقاتن بر قاجار کون مورذن شهر محرم الحرام طوقوزنی ثلثا کونی ترتیب اولنا  
دیو له هایون تریانومه کتور دیلوب داب دیرین و مر اسیر پیشین دولت علیه ابر قریب او زده دویت امور نام و تمشیت  
مصالح خاص و عام و تناول طعامن صلح مسند آرای و طاعت عظمی السید حسن پاشا و صدرین محترمین حضرتی معناد  
او زده اول اعرضه کیر و ب بعده فتح علی بیگ طرش ده فرجه قاقوم کوردن و موجود اولان اتباعنه خلع فاخره الباس  
و ایکی نفر معتبر آدمیریه حضور دفاصل النور جناب خسرو انه به دخول رخصتیاب اولوب پایه سیر اعلا و بساط  
اوردنک معنایه جبره سایه مر اسیر عبودیتی امر و تقییم و حامل اولدنی نامه سنی عرض و تسلیم ایوب مظهر نظر القاجار  
جناب پادشاه هفت اقلیم اولمغه کسب استیلا و و بناها ایلدی **توقوع مشا و ده عموم در برای حضرت آصفی برای**  
**احوال ایره و مقدمه صلح و صلح شوکتو عظمتو هنکار حضرت تریک صدر اعظم و وکیل مطلق افخم حضرت تریینه**  
خطاباً شرف بخش صدور اولان **صورت خط هایون کرمت مقرونه سکه** وزیر اعظم سن رطاب استطاب ایره طرفدن  
ارسال اولنان تحریر اتک صورتی مقدمه عقد اوفان انجمنه قرآنک و اعلان اولنوب مقتضایینه که ده حرکت اولندی  
خصوصی اصل تریک طلسمه توقیف اولمشیدی بعث افخم سفیر طلوب تحریر مذکورده نیک اصل تری دنی منظوروم معلوم  
هایونم اولوب لله الحمد والله قول قول جنود موحدین دنی ترتیب اولمغه بوزن بویه اتفاق آرایه ایشرون  
اقتضای امر اولمشی ایچون بمنه تعالی فیس کونی افندی دعاچی و وزرا و اعلام علیایی و او جاقدم اغاریخی و انلندن  
باشقه حاضر اولدی داب اولان رجال دولت علیه می یانکه دعوت و سنت کینه مشورتی ابر ایوب مذکور  
و مشا و ده ایله کیفیت جمله نیک معلوم می اولد قرضک دین مبین و سلطنت خلافت قرینه لایق اولان لهر نه  
ایسه بالاتفاق قرارداد سنی اعترضه حضور ملوکانه عرض و تلمیض الیه سن جناب دت العز دین و دولت علیه می  
هر حاله فوز و بر بجهته موفق ایوب غیره خواه سلطنت کینه می بر خود دار ایله آمین **صورت تریه نامه**  
**شاه ایره** بسم الله الرحمن الرحیم علی حضرت خورشید طلعت مشرتی سعادت بر ارم صلابت کیوب مر بابت خلیفه فاقین  
ثانی اسکندر زو القرنین برادر سلیمان جاه پادشاه اسلام بنام ظل الله فخر الله ملکه حضرت تریک بزم ارم نظر هایون تریینه  
صوفی دعوت و اقیات اجابت نون و اله فی تحیات طیباً دوستی مشیون فرط اخلاص و کمال اختصاصدن ناشی اها  
قلیدنی سیاقه مشهور رای جبره آرای آفتاب ضیالی قلندر که مقدمه مارکن ایچون و امام جعفر صادق رضی الله  
تعالی

تعالی عنه حضرت تریک سز هبلغی ایچون دولت علیه قانیه به تکلیف اولمشیدی انظره سیه که عقل عنده انوک  
مانع و محظوری کوردنم ایکن علمای اعلام و اعیان دولت علیه ابر فرجام ایر ادعا ایره قبولدن تحاشی ایشدی  
سر عسکر لکن محمد پاشا قضیه سندن صلح بو قدر تصور و خیال ایلدک که اهل اسلام بینده دوستلو و تحصیل  
غیری عرضی و مقصود مر یونگیکن بو قدر سفک دمآ واقع اولدی اندن صلح بو بایده اصرار ایره ایسک احتمال که  
سفک دمادنی زیاده اوله بنا علیه حسن نیت اقتضایسه دینه اولدی بولندن زیاده به جرات اولنوب ذکر اولد  
تکالیفدن نکل و ترک و فراغت ایلدک ایر اندک بیت شریفه کید نری مذاهب اربعه نیک جماعته اتفاق نظرده  
بولور ایسه نمازین ادا ایره لله الحمد اتحاد مذهب و ملت حاصل و مراتب خلت و محبت ظاهر او باطناً کاملد  
هر خصوصه شرایع غائله کسی مرفوع و رشته کلفت و طلال مقطوع اولمشد بر دنی دعوی و گفتلو باقی قالمش  
عنایت بی غایت یزدانی ایله بین الحفرتین دوستی و برادرک قیامته دل برقرار و اساس موافقت و موافقت باید  
اوله کوردن بشقه قائمه مخصوصه مرزه ذکر اولدنی او زده خدمت هایون نلندن رجا و نیاز اولمشنه نیک دوست  
و قبولی لطف جبره بخشنا و رای عالمک لرینه هو الله اولمشد و باقی ایام خلافت و عظمت ستم بادشاه مشا و ده  
**درون نامه یه وضع ایشدی و کی قائمه نیک تریه صورتیدر مطرح اشعه انوار جناب بیچون اولمشد** منیر هایون تریینه  
معلوم و هویره اوله که تأیید الهی ایله مقدمه سب و رفض و بدعت انزلین ایر اندن نحو و نسخ ایلیوب و محبت  
و اتحاد و دوستلغه بنا تعیین دکن و امام جعفر صادق رضی الله تعالی عنه حضرت تریک سز هبلغی ایچون اول  
دولت ابر پیوند طرفنه تکلیف اولمشیدی بو تکلیفدن عذر مجرد الیتام بین الاسلام و امت حضرت سید الانامک  
القدر ایچون اولوب چونکه اندن غیر مراد تریه بخدی درجه قبول و ارتضاده بولنه جعفری ظنی اولور ایله ایسک  
یکن پاشا قضیه سنی و قوعه نضک تفکر ایوب انسانی شریع اطهرک و ادبک دولت علیه نیک انظار و تحاشی ایلدنی برتبه  
شاهه ایلدک که بو قدر سفک دمایه راضی اولوب تکالیف مرقومه بی قبوله راضی اولدیلد خلفای راشدین  
رضو الله تعالی علیهم اجمعین حضرتک حقیقتی قبولدن عبارت اولوب و مبتدعاتی ترک معناسنه اولان اهل  
سنت و جماعت مذهبی الحاقه لهنه عنایت باری ایله ایر انیشده کمال رسوخ و شیوع و استقرار بولمشد و اکثر  
اهالی ایره عن صمیم القلب طوعاً قانی و معتقد اولوب اگر چه بعضی جری تری سینه راضی اولمشد ایله ایسک  
دنی خواه ناخواه اشبو مذهب سنت و جماعته تابع و راضی معتقد و مقلد ایلدک بزم مراد و مقصود مر طرفندک  
غیرت و صلاحی اولمقدن ناشی چونکه ایکی طرف تکالیف مزبوره یه راضی اولدیلد بزم دنی بو امره اصرار مر ازوی  
بو قدر اهالی عجم و ایره خلقند عقلی اوله ایله ایسک ای حاله بولکونه به عسکری شاه اسمعیلدن قبول ایشدی  
بزم ایسک ای حالن امت محمد صلابی و غیر تری مقصود مر اولمغه جناب خدا و ت عالم حضرت تری دنی نیتزه کوره نظر



مرحومین در بیخ سید مدبر علی آقا حال اصل نزاع و ماده دعوی یکی طرفین تکالیف معروضه ایچون اولیغندن بزنی  
تکالیف مزبور در فراغت ایلام مدعا موقوف اولیغنی حاله دعوی دنی موقوف اولیغنی اقتضا ایچون که ششم  
مطلب تمام شد مطلب لله الحمد جمله نیک مقصودی اولان اهل سنت و جماعت منزهی شایع و استمرار او زده او کوی  
شایبه ریب و خللدن عاید و الله تعالی کوی کوی مادامکه حیاتی باقیه در ملک و مال ایچون بوندن صلح برزنی  
بادی نزاع و مخالفت اولو بستغ خلاف و نیامدن بیحقه و لکن قرند اسنغه بناء اعلام اولنور که عراق  
و آذربایجان مملکتی قیام ایلامدن برو ترکله پادشاهیندن اولغنه محبت غیره هو اهدینک فی الحقیقه ارشد شاه اسماعیل  
دولتی زمانده مالک مزبورده نیک نصفندی دولت علیه نیک تصرفینه داخل اولمشیدی مزبور ایکی مملکت که آذربایجان  
و عراق دن عبارتده اتحاد بناء برسی اشوب محبت صادق الوالینه اعطا و احکام سیریلور دایه او برینک نصفی که  
کحت تصرفلر در دولت علیه باهره یه حلال اوله کرک و اول حضرتک بو برادر اخلاص پرورداری عقده کسوخ  
یردن حسن التفاتری عالمیا نه ظاهر و میرهن اولور و بو تکلیف دنی محبت و اتحاد طریق ایله اولوب امر ایچون  
و ابرام و جریسه دکلر در و قبولنده مختار زهره کونه طبع لوی بونلینه کور اوله بو مختصرینه دنی کور اولور  
نوع دیگره حل سید علیه باقی آفتاب خلافت و جریه ناری لایزال باد **صدر اعظم حضرت تریزنده حضور دنده ایرا ایلیکی**  
**فتح علی خان ترکانک تقریری صورتیدر** اذقتو صدر اعظم حضرت تریزنده نادر شاهک فرزند زاده سی و کویا اعتماد اوله سی  
مقامنده اولان شاهرف میرزا طرفندن اولیغ او زده سفیر مومی ایله حامل اولیغنی مکتوبی تسلیم ایچون صدر اعظم  
سراینه کلده بروجه معتاد رسم رعایت اجرا و کندیه کورک و اتباعنه خلق فاضل اک اولنند نضاح خلوص  
طلب ایتمکله مجلس تجلیه اولنند که صاحب دولت حضرت تریزنده خطاب ایروب شاه حضرت تریزنده خاصه جناب و ملک  
مابکره سلامی و اردو خاطر ایکی سوال سیریدر و بزه شویله امر ایلام در کس صدر اعظم حضرت تریزنده و اردو  
هونه که و اردو انره افاده ایره شوکتوق در تلو پادشاه روی زمین حضرت تریزنده و اردو غلکه ایچون نامه می عرض و تبلیغ  
و زمینوس ایروب کیر و چلیکوس آنده جواب اولماز بقیه مراکی مشار ایله حضرت تریزنده افاده ایره دیو سیریدر  
وبن او زده بر غیر خواه و خوشقدم آدم ایرک شهنش یاننده هر کس بیفای کونه طلام ایره کلده طریقه بناء ایچون  
اعدام ایروب بنم صد اقم یعنی دولت علیه نیک و سائر دوله علیه لریزنده دایر باشقه نظر ایلیک ایچون بنی بقایه و ب  
بودغه در علیه یه ارسال ایلام و اطرافه کوندر ایکی آدم لری معیتینه بر ایلیک شکر کنه رفیق ایره کلشیلکن بطا  
اعتماد ابنی بالک کوندر کی سین یسین ایریم اسلام آیینی قسمه ایسانمقد و الله و بالله و تالله صدقن غیره  
و غیره و اهلقدن باشقه نسنه بیلم دیوب بعده کچی کنه شاه جنابی کنه و خانلر دن مصطفی خانه امر ایروب بر اعلا  
پاشایه یازکه اگر کلور ایره اربه چایند کنارینه دن کلوب آنده توقف ایلام برزنی و اده ایچون اقتضا ایره

جنگ و اگر صلح اولیغ مقدر ایسه صلح اوله ایچون ایسی قضایا سر عکرم حوم ایچونیه کرسنی و ابارده الیرینه  
کلش کنلک شاه دنی استقبال ایلیک بر اعکرم عودتی استماع اولغنه تعجب اولنوب آنده کلک اولندی و بنی  
بغداد او زدن بو جانبه ارسال و کندی و کچی اصفهانه کید و ب کلک آنده منتظم دیری و دولت علیه نیک عظیم شانی و عتو  
مطابق معلومدر و ایراندن رخصت قالد رمق و مذاهب اربعه دن تحقیقنی دیر ایسه اکلایک سوندر دیو جمله بی یوله  
قومنی طریق ایله کنه و نیک خدمت عظیمه سی و اردو و الحاله هزه صلیه طالب اولغنه بویاش بود ایچون و سا  
غیر ایله ختام بو لوی امید اولنور دیر که صدر اعظم طرفندن دنی اقتضا ایلیس جو ابلری و یریلوب و الحاصل دولت  
علیه یه برسنه خفی دکلر و ایراد ایچون خدمت معلومدر دولت علیه روز افزونده دنی برسنه یه مضایقه اولیغنی  
بیانن مستغنیدر فرضا بوندن صلح نیجه مدت دنی جنگ و حرب اولننه الله الحمد بر باس کور دنی ایچون اهل اسلام  
بیننده اختلاف و اتفاق بولنوب دشمن دین اولان کفر و مشرکینک کولنجی اولماق بلکه اتحاد حرکت برله هر بابده  
اسلامه قوت و یرلک فرض و واجب اولغنه بوندن بویله مضی ماضی دینلوب بر در لود و لیتنک شان و عنونته  
خلل کلما ملک و شرع و قانونه مخالف اولماق و جریله صلح و صلاحه شوکتوق پادشاه عالم پناه حضرت تریزنده عشا علیه  
و رخصت لوی کور ایچون برعلی سیریدر دیر جو اب و یرلکه چونکه بویله درک شایه الله تعالی بو خصوص  
غیر ایله ختامی جناب رب العزت دن بندنی مأمور لر دیدی بر مقدار دنی دولت علیه نیک ناخوردگی اولیغنی ایراد ایچون  
طرف صدر اعظمیدن دنی بیک کوزل نیت غیر عاقبت غیر بنه تعالی کاغذ لیکه باقیلوب و نامه شاهی دنی مبارک  
دکاب کا میاب حضرت خاقانی یه عرض و تبلیغ اولنند قد نضاح ینه کور دیشیلوب مذکر اولنور دیو جمله ختام  
و یرلدی **تتمه مقاله مشا و ره** فعلی هذا جناب پادشاه اعظم و شهنشاه معظم حضرت تریزنده اراده علیه خسرو آنده  
و اشاره سینه خدیوانه لریه صدر اعظم سیرینه ماه مرقومک اون ایچون مبارک فیس کونی عقد ایچون ایچون  
دأب قیام او زده شیخ الاسلام افندی و قبود مصطفی پاشا و عبد الله پاشا و منصوب و معزول صدر و در کرام و سائر علیا  
اعلام و رجال فحام و اغوا و مضابطان دعوت و بسط قالیچه مشورک اولنند که اولو ارسال سیریلون خط لویون  
قرائت اولنوب بعده سفارت ایره ایر طرفندن بعث ایچون مومی ایله فتح علی بک ترکانک بالاده مطور و حامل  
اولیغنی نامه و قائمه شاهی و صدر اعظم و شیخ الاسلام حضرت تریزنده اولان مطایب و بیلجی نیک قلبه ادر دنی تقریری  
بالتیاب قرائت و اعلان و معروضه نریزنده زیر و بالا ای کوی کوی عیبه و بیگ اولنوب صدر اعظم حضرت تریزنده بویله ایضای کوم  
دین و دولت او زده حرکت اولنوم خصوصه نرنه کونه وادی به مسون الهون و ققی طریق مسون اولیغنی کحتدر  
دیو جمله یه خطاب و غیره خواهلی و جریله لبرندن استجواب سیریدر قرنده خلاصه افکار حضار بو وجه او زده  
بیرای قرار اولیغنی که فی الاصل ماده نزاع تعیین رکن و تصدیق کرده نوب تکلیفی اولوب چونکه الان او کیفیت



سبح و تکلیف مزبور در فی فسخ اولی و سبیله خصوصاً بر طرف اولی کورینور و اگر چه حد و ده دایر بعض  
نسته لری قله آلتی معاز الله تعالی ممالک علیه محروسه دن بر قارش محته اجنبیتک وضع قدم ایلمغایر  
رضای لهایون ایر و کی ظاهر و نیای و شرعاً و قانوناً عدم الامکان اولی یعنی شاه مشاد الیه و جمله نک معلومی ایسه  
دخی انجیینه تکلیفک دد و قبولی رأی عالم ادای شرنش لویه هواله ایله و کنه و عدم قبولی علم الیقین بیه  
بیه یا زمنه بتا و حد و قدیمه او زده صلح و صلاحه و نجستی فرم اولنور دیو ظاهر حاله قیاس ایله اظهار  
ما فی البال ایله در دد و بار خلافت مد ارباد شاهین مطلوب ایر انیا اولی یعنی او زده بشقه بر سفیرن بعث و تسیری  
خصوصه دخی اتفاق آرایه نتیجه مال بو اولیکه مقتضای حال او زده عقبه علیه دن مستقیل ایلمی بلکه  
تأخیر اولی یعنی صورتی کلان ایر ایلمی ایله کیده جله نامه لهایونک جو ابی ارساله احتمالاً تاهل و تافل  
ایلمی تقدیر جه که عکرباش حضرتی نه امره تثبت ایره جلی فرم و ملاحظه ایره مد و کندن ناشی نوعاً مضطرب  
اولی اقتضای مقدمه افضا هواله قیاساً شدی دخی طرف سلطنت سینه دن ایر ایلمی نه معادل بر ادیم تخصیص  
و بیته باشقه نامه لهایون اعطا و تسلیم و بعون الله تعالی محنته و ادوب و بعده عودته مدت تعیین و بو و  
سوی و تسیر اولسه عنایت رب العزة ایله صوب مقصوده عجاظه و صوله سارعت و مطلوب اولان  
انور و خصوصاً نه صورتی و ممالک و سکنات نه کیفیتیه اولی یعنی رؤیت و واقع حالی علی وجه الصیحه ایسا  
کرن که عکرباشیه و کرن در دولته اعلام و افرامه بدل مکتب ایلمی و الحاصل در دولتن مناسب کرنه  
سفارت ایله بعث و ارساله رخصت و یر ملک خصوصاً صلی اتفاق آرایه تصویب و ترجم اولنور مجله  
حسن فقام و یرد و کن صدر اعظم حضرتی مبارک رکاب مستطابه عرض و تلخیص ایر و ب منظور لهایون بو زده  
امر پادشاهی ایله سفیر ایر ایلمی موی ایله فتحعلی بیگ ترکمانه تخصیص قلنا جو اب نامه لهایون تسلیمی ایچو ماه صفرن اولان  
بشیر کونی ترتیب افضا دیو لهایون کتوریلوب مر اسلم عادی امر اسندن صلح سفیر موی ایله فرجه کتور  
کوزن و اوچ نفر معتبره ادمیلرینه قاقوم کور کلر و مرماندار و اتباع سارسته او تونز ثوب خلعت الباس اولنور  
و ذرای عظام و سائر عزمه کیج جده رجال تمام اولی یعنی هیئده سفیر موی ایله اوچ نفر ادمیلرینه خصوصاً کتور  
دخوله رخصتیا و پایه سیر معاریه چرخ سای اولمغه شرف اکتساب ایلمکه نضک بر وجه معتاد نامه  
لهایون عنایت مقرون تسلیم اولنور طشره یه جقد قد بر رأس دونانست آت اعطا و مقدماتی و یریلن  
کیسه ایچه دن ماعد بود دفعه کنه و یه او توزیکه و اتباعنه التکیه دیوانی عنایت و احک و مبتهم و شاد  
یورلد قد نضک دولت علیه طرفدن فاصه تعیین اولنه جوق سفیر دخی خواجگان دیواندن اولوب بوندن اقدم  
جانب ایرانه بعث ایله خدمت کفادته کتور اولان نظیف مصطفی افندینک رشه و سادی فی الاصل معلوم و جرت

و به دفعه دخی امر مذکور مأموریتی و جوهر ایله انسب اولمغین ماه مرقومک یکر میجی کونده حضور صدر اعظمه دعوت ۲۴۷  
ایر ایلمی کله خدمتی عهد اهما منه احواله و الباس خلعت فافرح یورلد قد نضک صدر اعظم حضرتی معیتی ایله سری  
لهایون نه عزیمت و پایه سیر اعلا یه جسر سه سای خدمت و بعده با شاقو سنه کلوب نامه لهایون ملاحظت مقرون و اقتضا  
ایر دن رخصتنامه لهایون و مطایب علیه یه امانتیه تسلیم و لانا تو صیه و تسیری لازم کلان امور و خصوصاً دخی تقیرم  
یورلد قد نضک یوم مرقومک ایرتسی کونی ایلمی ایلمی دخی اسکدره امر اولنور موی ایله مصطفی افندی و فتحعلی بیگ صوب  
مقصوده عزیمت ایلمی فتح علی بیگ ترکمانه تسلیم افضا نامه لهایونک منتخب صورتی و بسم الله الرحمن الرحیم سلام  
قولاسن رب رحیم عالی حضرت لالی حضرت کیا قرتنور خدیو خود رشید نظیر غرق غرای جیسین بختاری دده یکتای اهل طهارت  
متر بنیان جاه و جلال مشید ارکان عزت و اقبال حالاجالسی جار بالش تحت کسری و جم فرمای ممالک عجم فلاح بارگاه القا  
آن نادره اتم الله شانه جنابینک انریه دار انظام و افسیه فریدون مقاملرینه بدایع تقییم و اکرام و جو ابع تعظیم و احترامی  
حادی لطایف تسلیم محبت سماع ملو کانه و شرایف تحیح بر هیچ آیات خسر و انه مرمحتف و مهدی قلند قد نضک اوچ ضمیر  
مقیای اولتاملرینه زبور طلیح مقصد و مرام بو و جریله تصویر و افرام اولنور که بوندن اقدم کرة بعد مرة هیکله راعه  
کشف و عیان اولی یعنی او زده بین الدولتین حادثین معروف دیتدن غیری موجب وحشت و کدر اوله جوق بر نسته اولنور  
و ذات موهبت آیات کیا نلری دخی حادثین مزبور بتنک ایراد افضا معاذیر شرعیته لری انا قانا انتظار درون محبت نشانز  
ارکار و مقرر و هو الهی التام اسلام مقضاسیجی انکد فی ترک و فراغتی ایله پیرامن ممالک و مسالکدن اذاله  
عباد شود و شر و اراحه امت خیر البشر منقبه سنه لایب مظهر اوله جق لری مأمول و منتظر ایکن جناب امانت افاضت  
ترکمان و ساططیه بود دفعه فرستاده قلنا نامه نامی سای و ددونه موصوع الوکله ابرت مسلوکه کرامیلری بعد الوصول  
عند الله و عند الرسول تمام مرغوب و مقبول اولان بویله مرام خیریت انجام قبل حضرت رب تعامدن خاطر فیض  
ارتسام قائلرینه الیهام و القا اولمغی سبیله نیقات قالی سما تیرنک نقوش عبادت بر هیچ نشانده بیجا  
اولنوی او زده حالتین معروف دتین مفسوخ و مترون و طریقه سیده سنت و جماعت الکات ایرانه مرغی و کلون  
قلنوب فیما بعد بو خصوصاً دیانت منصوص در و یرلری درون خلافت مقرون زده مکنون اولان مأمولات پادشاهی  
دخی تحقیق ایردن ثبت صی یف دوز کار اوله جوق اطوار پسندیده اناده موفق و مصدر اولد لری کال شمس  
الزهار ظاهر و آشکار اولی یعنی باشقه حقاله بو و زرش دیانت اسلوب و روش کور و مسلوب لری باعث دور  
آب روی مسلین اولی یعنی اهاب و اعدایه بیدار اولنور حادثین معروف دتین برسیاق سابق ترک و فسخ اولنمغه  
بعد زین سبب صعوبت و هزرو وسیله وحشت و کدر اوله جوق بر نسته اولمغیغه بتا مرام جانین اولان محبت  
والفت و مسالمت تمام مستحکم و مشیه اولمغی زمانلری نمایان اولمه در انجی حالتین معروف دیتدن باشقه حد و رسنور







یلاق حد و دنده بری سنجی غنه و ارد و نازل اولیدر مقدمه ما ختن ایلی پلینه ممالک خطا و ختن و تور ایستندند تجدید حد و  
سنور ایچون کند و طرفین مرخص و وکیل ارساله و عدایه و کتبه بناؤ افواج قاهره دن برک و هه چابوشو بره  
خانن سر کرده ایروب و سار خاندر و کرده لردن برینجه برینی معینته تعیین و تدارکات شایه ایله ترک شایه جانته رونه  
ایروب اولی بخارایه و انون صوب مقصوده شتابا اولی مسنی فرمایا ایلدیر **دربینا کیفیت صلح و صلاح خیر انجام بشا**  
**ایر** بالاده ذکر اولدنی اوزره موی ایله نظیف افندی فتح علی کرمانه ترفیقا بغداد اوزردن جانب مقصوده کون  
و تسیر اولوب بغداد و اصل اولد قنده حال بغداد و بصره و ایسی و اول هوالی سر عکری اولان سعادتله  
ایر پاشا حضرتنیکه فی الاصل بوا ام خطیره رای دلپذیری مضح او لطفه اساس و شروط و مواد و تزییل و خاتمه  
عبارت اولوب طرف دولت علیه دن اعطا اولنه حق تسکی وزیر مشاور ایله دخی مرخص موی ایله بالعیه  
امضا و تمهیر ایلد اوزره با حفظ لایحه مرخص و ما زون اولد قنده بناؤ طرفلردن دیو کاتبری ولی افندی فی مرخص  
موی ایله نظیف افندی به ترفیق و معاً اوردوی شاهی به تسیر و ارسال ایلد لدرنده موی ایله قطع مراحل ایله دن  
شهر شعبان المعظم التبی چهارشنبه کونی قرین ایله طرفه بیستزه اوردوی شاهی به و اصل و حاصل اولدنی نامه  
لایحه مراتب مقرون کمال تعظیم و تعظیم ایله طرف شاهی به تسلیح و تسلیم و صوب دولت علیه دن لثا کنده و به توصیه  
و تعظیم بیوریلان کلک حکم سماقی دخی یطایکاک عرض و تقدیم ایلد لدرنده شاه ایسه کین چندیند برو ماتین معروض  
طلبیه هر بار روم جانبته عازم اولد قنده ایره زمینده بر فتور حادث اولد لطفه جانته کلوب کمال مرتبه طلال و ملال  
حاصل اولدین لایحه اول مجلسه عقد سر رشته لایحه مصالیه به طرف شاهین کمال خواهش و رغبت آشکار  
و طوع عارضه جوی جناب شریار کرامت اوردی یعنی اظهار ایدیه دن مرهاده قیسه اوزره بر آن اقدم امر ساله دنک  
پذیرای حسن نظام و ختام اولسنه سارعت و استیصال ایله اقدام و اهتمامی رتبه تحقیقه هویدا و بیدار اولد  
در عقب دهالندن خیر خواه و صاحب بصیرت و انتباه اولد لری امر مکالمه به مأمور و خانان ایرانن معیر ممالک  
سنملی خانن خاصه قاعده قیسه اوزره مرخص و تعیین استمطله موی ایله نظیف افندی دخی بیستزه مرز ایلد  
رخصتنامه لایحه جلیل الشانی ابراز و موجبنی ایفای لوازم رخصت کامله و اجرای مراسم مأموریت شامله به  
آغاز اید و ب عقد افواج مجلس مکالمه ده ادره ایس افاده دولت علیه بی کرد و ایراد ایدیه دن اون کون طرفنده  
التی بی دفعه و اقع اولان انجن مذاکره بتوفیق الله الملک المتان شایه دولت علیه اوزره امر مصالیه ختام  
پذیر و در حال طرفین تسکین و تسلیح و تحیر اولوب بوم ام خیر انجام دلخواه طرفین اوزره بو و جریله ادنی متده زیب  
افزای صورت نظام او لطفه تکرار استانه سعادت عرصه و اعلام و استعلام ایله اول طرفه توقفا مکنت و آرام  
اقتضایتمه و کندن لایحه ختام مکالمه ده مرور اید منظومه مساله دنک کردن بند رضا و قبول اولدنی معین و بوا کون

اوزره جلوس نما اولان دوستی و الفتی مشر و میتن تزییر و تنظم افواج نامه شاهی موی ایله اخذی به تسلیم و طرفین  
تحیر و ترقیم افواج تسکله و زیر مشاور ایلد هر لریله دخی تمهیر و تحنیم اولوب بغداد دارالسلامه اخذ و اعطا اولدنی  
اوزره تسک قبضنه واقف محمد عیس بک تعیین اولوب ماه شعبانک اون سکرینی کونی اوردوی شاهین مقضتی  
المرام عودت و شرف رمضانک یکر منی بخشنه کونی بغداده وصول میتر او لطفه طرفین مرخصی جانندن بر منوال  
مشروع تنسیق و تحیر افواج تسکله بالاده تسکیر اولدنی اوزره امر مصالیه به رخصت کامله کوی اولان وزیر مشاور  
دخی منظور ای اولوب سند امر قومه دنک تعبیر و ادای دلپذیری تمام رضای من اقتضای دولت علیه به اوق  
اولدنی عندنده محقق اولد قن صلح بیستزه اولان رخصت نامه موجبنی دستور مشاور ایله و موی ایله حضرتی  
دولت علیه طرفین اعطا اولنه حق تسکی بعد التمهیر محمد عیس بک ده تسلیم و مرخص ایره معیر خانک ختمیه  
مختوم اولان تسکی دخی تلقی بالقبول و تسلیم ایله بروجه رسوم و عادات استبدال سند و خذ و اعطای تمکات  
خصوصی بو وجه و جیه اوزره عون و عنایت حضرت پروردگاری ایله عقد و تمهیدی باعث آرامش عامه  
انام اولان صلح و صلاح خیر انجام بو و جریله دفعه بلاطفه پذیرای حسن ختام اولدنی پیام ساده بی عجله عرض  
و اعلامه اقدام و اخذ افواج تسکی نظیف افندی دن مقدمه تا تاریخ استیصال ایله علی جناح الاستیصال در دولت اولد ایلد اول  
وقت بعضی سخن برداردن زمان بو ایکی مصرع غزالیله ایکی تاریخ ابراز ایلد **مصرع** از میا خسرو بن شهسوار آمد  
یعنی بیک یوز التی طقوز سنه مبارکه سنه ایکی پادشاه عالی هدرک میانده حرب و خصومت منقطع اولوب بد لنه  
حسن استخراج کدی کیفیت استخراج تاریخ خسرو لفظنک اعدا اذن حرب لفظنک اعدای طرف اولوب باقی اعدا  
استخراج لفظنک اعدای منظم اولد قده مقصود حاصل اولور **دیگر تاریخ** که در باجنگ رفت از روم و ایره صلح خیر آمد  
یعنی بیک یوز التی روم و ایرانن که دایره جنگ کیده و صلح خیر طریح استخراج لفظ از روم و ایرانن که در  
باجنگ مستثنا اولوب بقیه ایله صلح خیر من و اولدنی ایله اولور یعنی بیک یوز التی روم و ایره میاننده  
اولان جنگ ایله که دیکه و ب ابا بدل صلح و صلاح کلش در منوال مشروع اوزره نظیف افندی روم جانبته ارجاع  
اولد قن صلح خانان ایرانن مصطفی خانیله خلیفه الخلفانم شخصک نوروز سلطانیه صلح طرف دولت  
علیه به سوی و ارسال اولدنی اوزره مصادف داهری و یریلوب بیوک ایلی تعیین و تخصیص قلوب و عتبه  
علیه حضرت جهانمادی به هدیه نامیده طرف شاهین یا قوت و انجو ایله ترصیح و تزیین اولدنی هندی کارای بر التون  
تحت تخت طاوس تعبیریه شریر و وافر نو ظرور زرد و زنی اقله و اون درخت زنجیر فیل تدارک و ترتیب ایلیوب بو و  
ضمنا مقابله بالمثل اولدنی حالاتی اشراب و ایما استمطله طرف دولت علیه دن دخی بیوک ایلی تعیین و شایه شایه  
نظام سلطنت کینه اولد حالاتک اقتضای کوره شروع و مبارزت و ترتیب مقدمه ایسک موالات و مصافحه علی مابرت



به العاده مبادرت اولندی احکام و زارت روزنامه اول کسریه وی الحاج ای افندی برای کفایت جانب  
ایرانی بالاده بسط و تمهید اولین فی اوزره کیفیت صلح و مصافقا طرفینک دلخواه و رضای اوزره تنظیم و تشیید و حالت  
موالات تالیه و تأیید اولین فی متن سالف الییا و اولان اسکی تمسکینک عینی و صورتی منظور لهایون و حاجی  
اولین فی عبادت و مقبولی معلوم درایت مرسوم جناب شهریار درج مسکون اولوب خواتم مسکاتده طرفیندن  
بیون ایلیچین تخصیص و تعیینی و انعقاد صلح و صلاحک تصدیقنامه لریله اشعار و تعیینی کیفیاتی مندرج  
و مشروط قنغله کارگاهها در حال دولت علیه و صواب آشنایک سلطنت سینه دن برزات فطانت کسک  
بیون ایلیچیک عنوانیه انتخاب و تخصیصی و اقتضایدن تصدیق نامه نک تنسیق و تنسیق و سایر لوازم رسالدر  
اولان امور و شواغلاک رؤیت و تکیلی باینده جناب صدر اعظم حضرتینه امر لهایون صدر اولوب بالاده تحریر اولینی  
اوزره مرتبه ده مساوی طرفیندن ایلیچید تعیین و سال فرخنده فالستین نوروزده انعقاد شروطنی تعیین  
نامه لریله رأس هر دوه مبادله سفر اولونی در کار اولوب ایرک طرفیندن بعث و تسیر اولنه جوق بیون  
ایلیچیک رتبه سکی خانلق درجه علیک سیه باهر الاعتبار اولیفندن بر وجه مشروع عتبه علیه دن دفی تعیین  
و تسبیلی مرم اولان بیون ایلیچیک سلطنت سینه دن منتخب و ممتاز و مکانت و عنوانی رتبه سایه و زارت  
ایله معتد و سرخرز اولوب بحسب الاقتضای لازم کلمه مدت مدیده دن بروخو اجکان دیوک جلیل العنواندن اولوب  
حال روزنامه اول اولان کسریه وی الحاج ای افندی اوتته دن برورشد و کیست ایله موصوف و مشهور  
و سداد و فطانت ایله معروف و مفظور و بوانه دن مأمور اولینی خدمتک طیننده احسن حالات ایله اوست  
و تمشیده بذل مقدور و آثار صدیقی مبرور و شکور اولیفندن باشقه سال گذشته و قایعنده ذکری موراد سکی  
اوزره بوندن اقدم اددوی لهایون دفتر دارلنی ایله قارص جانینه هین مأموریتنده نادر شاه جنابیه بالمشافیره  
گونه مجاوبه و مکالمه سکی بقیت ایتمک حسبیه اول طرفک دفی کیفیت و احف و رتبه آشنایک سفارت امور  
اراده سکنه مکنه و اقتداری ظاهر و هوید اولوب هر وجهه شایسته اعتماد اولیفندن جانب ایران سفارت  
مأمور بیوریلوب ترفیع قدر و شایسته و تلبیح اختر عنوانی ایچو رتبه آشنایک و زارت احکام بیوریلوب ماه مرم  
یکر منجی کونده صدر اعظم حضورنده الباس ثوب ستمور دستوری ایله مبتدع و مسرور و مشهور مرتب نشودی جانب  
ایران رسالت ایله مسطور جریه ظهور اولوب قاعده قدیمه اوزره خدمه صدر اعظم ایله خانه سعادت لریله ارسال  
بیوردی چوکه وزیر مشاد ایله حضرتینک اسباب دارات و احتشای و کثرت اتباع و خدمت و الایرش نظای سلفه  
بعث و تسیر افض سفاردن افزونتر بلکه ازید و و اخر اولوب ادا کسکه بنا بر جمعیت لری بقاعده اردو منقلو مجمع  
عسکر و احتشاد اجناس لشکر ایله معنون و مطنطن اولغنه داکره ری خلقی و سایر معیت لری مأمور اولان طواغیت

اقتضایدن

اقتضایدن تعیینی تالیسی و یرمک و علامه سفریه اینی رؤیت ایتمک ایچون خواجهکان دیواندن مصطفی بک  
افندی اردو دفتر دارلنی ایله مأمور بیوریلوب و میر میر کرامدن رجب پاشا دفی ایلیچیک ثانی عنوانیه و مدرسین  
کرامدن نوله افندی اردو قاضی و شمر ای معاری اردن قریبی دفی افندی وقعه نویسلک خدمتیه و درگاه  
عالی که کلو لردن مو قرو محتشم صاحب خدم و هشتم اون نفر اغار بعض خدمتده استخدام ادا کسیه معیت لریله  
مأمور و درگاه عالی قیوچی باشیلردن کیست ذاتی معلوم عبدالرحمن بک دفی وزیر مشاد الیرمک کتخه القاری خدمت  
اولوق اوزره تعیین و در ایشکی خلقی خدمت ضابطه ده بولونی و خلایق رضا مکتدن تحذیر و ترهیب اولونی ایچون  
اناطولی جانیندن تعیین افندی در تیز نفر زعمای و ارباب تیماردن ماعدا آستانه سعادت دن دفی یوز نفر کزیده  
و تام الاسلحه و آت و بساط لری مکمل لینی و خبره بی نفراتی تجریر و ضابطه لریله مأمور بیوریلوب بو وجهه ایچو  
نظام و تنظیم دارات و احتشامنده اهتمام تام و سعی مالا کلام بیوردی و مشارایه ایلیچیک پاشا حضرت لری جانب ایران  
طرف لهایون خسروانه دن ترتیب بیوریلان لهد ایلی نفیه ایله صوب مأموره آماده توجه اولوب و دیدار  
ایرانده اسب رو مینک ندرتی جرئتندن اعتبار و مقبولیتی سموع اولیفندن اصطبل عامر شهر یاریدن بولنا  
متا زور عنانده آتیر آستانه دن چیقوب ایام شتاده ایرانده و ارنجیه دن بوزینه جقاری بدیرسی اولیفنن هم  
و قتیله هر دوه قریب محتلده تاولی و کثرتی بولن لریله مدار اولوق ملاحظه سیه ممالک اناطولیه اولان و لاند  
و آت چیقان محتلدن برار مقداد آت و قمرای ترتیب و تنظیم و تدارک اولمقدن ناشی و یریه جک آتیر سکی  
و طونلری نامطبوع و سقط اولماق و هربری ملوکه اهد ایله شایسته تمام الاعضا طونلری مرغوب صحیح المظف  
الاسم کبیر و خطیر دیوک آتیری هر کس در سعادت تعیین و افض مبادرتن باشقه قدر کفایه سایر معتد علیه  
ادمل تعیین ایله شمیدین رقه یه ارسال ایدوب بجهه سکی رقه ده جمع اولوق و ایلیچیک پاشایه آنده عرض و ارادت  
اولونی ایچون بو ترتیب و نظام ایله اخراج و احضارینه ابتداء اولغنه حال اناطولی و ایسندن و حلب و آ  
و شام و ایسندن و رقه و ایسندن و قرمان و آدنه و صیدا و دیار بکر و ارض روم و آیدین و سیواس و مرعش  
و انقر و خداوند کار و ماردین و ایلردن مجموعی طفق رأس آت و قمرای ترتیب و وقت و زمانیه محل  
مرقومه سوق و ایصال و تدارک و احضار اولندی و بغداد و ایسی و زیر اصف نظیر سعادت قتلوا حد پاشا حضرتینه  
خاصه خلغ فاخر ملوکانه دن بر ثوب ستمور بجهه نما و بر قبضه شمشیر جوهر دار کراشیرا غنایت و اعطا اولوب  
کرک دولت علیه ابد عنوان جانیندن بعث و ارسال بیوریلان وزیر ملک ایلیچیک پاشا نک و کرک طرف ایراندن تعیین  
و ابعاث اولنه جوق بیون ایلیچیک اول هو الییه و رود لرنده قانون دیرین شریعت آیین مقتضاسی اوزره  
رأس هر دوه مرسوم مبادله تأدییه اولنه رقی نوازش و اگر ام ایله صوب مأمور لریله سوق و تسیر لرنده

۲۴۰



شان شوکت نشان سلطنت علیایی اجرا و لوازم امر مصافات و موالاتی تکمیل و ایضا ایملری اوزره بولکاد ابرجده  
امور عریده مشیرانه لینه احواله و تفویض اولدنیغنی متصرفی عالیشان ارسال اولندی **وصول سفیر ایران نظیف**  
**مصطفی افندی باستانه سعادت با تمام خدمت سعادت و تکمیل مصلحت ممالک** بوندن اقدم ایراقینه  
بعث و تسیر و ام سفارته تخصیص و معامله صلح و صلاحه مأموره و ترخیص قلنان نظیف افندی بروفق دلخواه  
دولت علیه مدت قلیله ده منلی نامسبوقی خدمات جلیله به موفقی و مقرون و اشاع خدمت سعادت برله مظفر  
منون بغداده عودت و اندن دنی جانب آستانه سعادت غرمت ایلیوب ماه ذی القعدة نك سلطنة آستانه  
سعادت و اصل و حامل اولدنیغنی نامه شاهی ایله طوغری صدر اعظم حضرتینه و اروپا امن بوسلریه شرفیاب  
اولغله در عقب طرف آصفی دن وصولی خبری دحاب شهر یاری به عرض اولدند هضوره لهایونه احضاری  
ام اولنوب در حال جناب صدر عالی موی الیه افندی ایله تحریک دحاب غرمت و پیشگاه خلافت دستکاهی به دفعه  
شرفیاب نائل دخصت اولوب نامه شاهی بی پایه سیر سعادت نیره عرض و تسلیم ایله کلرند کرک نامه مرقوم  
مفروضی و کرک بوندن اقدم و ارد اولان اساس تکلیف مضمون و منظوقی معلوم تاجداردی اولغله موی الیه  
افندی به علی وجه انکرم کر انقیمت خواجه سمور که درک الباس بیور لیدن غیری رتبه سنون بالا تر مغوب و معتبر  
بر منصب باهر الثریه میانه اتراب و امثالده مباحی و مفتخر بیوریلوب تمام مرتبه شایک اکر ام ایله سرور الفواد و  
دلشاد بیورلدی و انصک اعلان صلح و صلاح ایرانی ایچون صدر اعظم حضرتینه بر خط لهایونک ارسال اولندی **خط**  
**خط کرامت نقطه سنگه** وزیر اعظم وکیل مطلق سن دولت علیه م ایله ایران دولتی بینده عقد اولنسنه اراده  
لهایونم تعلق این مصالحی بحکم الله تعالی شرع و قانونه مطابق و دلخواه ملوکانه مه موفقی و جریله عقد  
اولنوب خصوص مرقوم ایچون که ندریلان نظیف افندی تمام خدمت ایله در علیه مه و اصل و دحاب لهایونه  
اولان نامه و سائر تحریک شاهینک مفروضه ملینه اطلاع پادشاهانم حاصل اولدند عباد و بلادک امن و استرا  
حتیرینی موجب بویه ام خیرین جلیله به اعلانی ایله ذات لهایونم ایچون دعوت خیریه استجابی مقتضی که دطلعه  
بوکون افندی دعای و و ذرا و و جاقلم اغارینی و سائر معتاد اولان رجال دولتی بانک دعوت و طلان تحریک  
مواجره لنده قرآنت ایتیروب جمله سنون بنم ایچون دعای خیر الیغه اهتمام ایلیه سن بوکونه شرف افندی  
صدر اولان خط لهایونم موصلی کرای صدر اعظمیه عقد ایچون مشورت اراده سیله ماه ذی الحجه نك اوچون روز  
فیر زجعه ده سماحتی شیخ الاسلام افندی و ایلی الحاج ای پاشا و قیود مصطفی پاشا و کبیری انکسیر ابراهیم پاشا منصب  
و معزول صدر اکر ام و سائر علمای اعلام و بالجه رجال دولت علیه حضور صدر اعظمی به دعوت و حاضر بالجلس  
اولدند اول سال الف ایضا خط لهایونم عنایت نشان ثانیاً مبارک دحاب کایما شهر نشاهی به نادره جانبدن

وارد اولان نامه دقت علامه نك و نبیره شیخ شاهرخ میرزا ایله منلاباشی علی اکبر دن مقام صد ادرته و مسند  
مشیح اسلامیه به کلان تحریکاتک و مساله تمکاتک اصلاقی و ترجمه لری بر برورد هضاد ایچنه قرآنت  
و اذنیام اولدند که بگونه شرع و قانونه موافق و جریله حسن ختام و انجام بولان مالمه فیض ارتقام  
مطلب و مرام اولوب ظهورینه ترتب اولنور ایکن بحمد الله الملك المتعال بودقت میمنت اشتغالده عرایس مال  
جنوه کر منصفه مشول و بومثلوه حصول مأمول ایچون کرامت پادشاه دبع مسکونه موکول و محول بر امر خرد قبول  
اولدنیغنی هضاد مجلس شایبه ریب و دیار دن توافقی زبان و جنان ایله ایراد و بیباک شناسنده موی الیه نظیف  
افندی دنی استنطاق اولدند نادر شاه مجلسه نام نامی پادشاهی یاد و نگاد اولدند که ظهور دین تعظیم  
و اکر ام و بالجه و جلالک دولت علیه به اولان توقیر و اختیاری کماله اولدنیغنی کوریدی و ایشتیکی کبیری  
ایتکله جمله دن کریمه سرور ظهور ایدوب ذات کرامت آیات پادشاهی به دعوت خیریه ایله دطب آلت اولدن  
مجلسه ختام ویرلدی **طرف ذاهر الشرف دولت علیه دن دولت نادریه به اعطای تمکین صورت**  
**بسم الله الرحمن الرحیم** له الحمد الایتم و الصلوة علی نبیه الاکرم و علی آله الابرار و اوصیایه الایخیار  
**اما بعد** باعت کتاب صحیح نصاب اولدند که دولت علیه دائم القاره و رود ایدن نواح بریتیه شاهیده درج و شفا  
بیورلدنیغنی اوزره بوندن اقدم توفیق جناب ملک متان و اجتماع و جوه و اعیان ایراق صحرای مغانه و اقع شوری  
کبراده اتفاق کلم بیور بر نایله اعلی حضرت لالی نقرت خدیو قرتنور کیک خورشید نظیر برآ دنیا والدین جلال الاسلام  
و السلس شهر یاری ایچون هشتم حاله جالس چار بالمش کسری و جم فلك بارگاه القائن نادر شاه ذان الله شان و صانه  
عاشانه حضرتینه ذات شهره استیما کیانیرین مسند آرای تختگاه ایران هصره و قصر ایلی و احری کور دکلرند  
مذهب خنیف اهل سنت اول حضرتک مختار ابا و کراملدی اولمقدن ناشی بوندن اطوار نامرضیه لندن ابارله  
سلطنتیرینی قبولن تیشی بیورلدنیه طائفه مرقومه مألوی اولدقلری افعال ناشایسته لندن رجوعه  
سارعت برله امر و فرمانیرینه متابعت ایتیرایدن شاه و الاجاه حضرتلری دنی طینت نصف تحیردا ویرلنده کوز  
اولان مایه دیانت و مروت مقتضایجه مدت میدیه و عید بعید دن برو میانه دوم و ایرانده فروزیننه نوار  
خضام و مصقله مآیای استقام اولان حرکات و کیفیاتک بو و جریله دفع و ازاله سن و بین الاسلام الف  
و الیتام قیمنتک حالت اولی سنه ارجاع و احواله سن امر عظیم سلطنته تقیم ایله دولت علیه حضرت ظل  
اللدنی هانینه و کافه موهینه تحیل منت عظیم بیور دقلرینه بنای ایشو مظهر اولدقلری از جلیله جانب سنی المنا  
خداوندگاریدن حسن تلافی اولوق اوزره توثیقات سامیه لنده مسطور اولان و جریله بشن ماده نك بنیر ای  
امضای تصدیق و قبول اولدنیغنی ایراد و انزابیور دقلرند مواد فیه مذکوره نك امور ملکیه دن اولوق اوزره



داخل خیطه اعلان اولان اوج ماده کسی بعد التسویه درجه حسن قبوله موصول اولوب بقیه یکی باقی  
درکار اولان معایر شرعیه قویه کمره بعد مره جانب شریکات جالب شاهی به تحریر و افاده بره قرین سمع قبول اوست  
حالتی شیره انصاف و حقانیت برینه مفوض و موکول قلمشیدی لکن بتقدیر الله تعالی اول وقت دردن بر و مطلوب  
اولان مصالحه خیر انجام پذیرای حسن نظام و ختام اولوب بینه تکالیف معروضه سببی ایله مابینده خصومت  
حالتی درکار ایکن بودغه مبعوض بارگاه خداوند کاردی قلنان تنسیقاً شاهده درج و تطبیق سوری یعنی اوز  
اصل مقصود دو مرادلی ملک و مال و خصومت و جدال اولوب امت مرهومه بنویه بیندینی اصلاح  
بره طرفینک آدامش و آسایشی اولمقدن ناشی من لغت کیانلریله عموماً اهالی ایران بیندنده طریقه انقه  
سنت و جماعت مرغوب و مسلوک و مادیتین معروضه دین باطنیه مفوض و متروک قلمغه فیما بعد  
بین الدولتین انعقاد سلم و صلاح ایله انقطاع نزاع و جداله اراده خیریه لری تعلقی اشعار و افاده سوری  
اگرچه بو تحریر خلاصه اراضیه دایر بعض تکلیف جدیدی ایراد و تنسیق اولمشیدی قاقا انک دخی اسفان  
و قبوله ابرام و اصرار و ایدلرینه که لیوب ابراز حقانیته رعایت ایله در و قبوله زمام اختیار قبضه تصرف  
حضرت خلافت پناهی به تفویض و تسلیم اولدینی تصریح و ترقیم اولمغین بو کونه معامله دوستانه بنا طرف  
له یونظن اللربیدن دخی مصالحه و مسالمة اختیاری ضمنده عقد انجمن شوری کبری ده قرار کیر اولدینی  
اوزره بعد ازیں هر خصوصه معنی ماضی مثالی مابین الدولتین ابرام و پذیرای تکلیف جدید مرقوم دخی مابقرای  
کبی مزید الف و التام طرفین ایچون خاطر معلا مظاهر کیانیدن انداخته و ادی فراموشی و انساقلنوبشان و عنون  
طرفینه بر درلو نقیمه و شین اوله حق حالتدن عادی و جریه خاقا جنت مرابع سلطان مراد خاقا جنت طرفینک  
زماننده قرار داده اولان هر دو سنور قدیمه ایله عقد مصالحه و لانتایه عشا لهایون تاجهاری بیدرنگ و جاری  
بیریلوب منوال محرر اوزره عقد صلح و صلاح قرین رضای من اقتضای شاهیله اولدینی حاله فیما بعد دست  
قد مالک عنان کامکاری و پایاوت زیور دکاب بختیاری اولدجه کون زمان بلند عنواننده و کون اخلاف و  
اعقابلی اولاننده قهر مشید الارکان تحاب و تواد بر درلو قابل اندراس اولیه جفی تعبیرینی هاوی نامه لهایون  
تاجهاری تطبیق و تصدیق و بونده کینه علی طریق السفار تعیین و تسیر بیوریلوب بوسیاق اوزره عقد  
مصالحه به طرف تمام الشرف ظل اللربیدن اذن و رضعت لهایون فی مشر و میشر حاله بغداد و بعض و ایستی اول  
جانبینک کعلری دولتو راقنو آصف جلیل العنون ای پاشا حضرتلی طرفینه دست رقیب پوست جاگانه  
دخی دختنامه علیه خلافت پناهی احکام تسلیم بیورلمغین مشیر مشاد ایله حضرتلی طرفینک تعیین و تطبیق  
کاتبلی درایتلو ولی اذنی ایله بالمعیه صوب مأموره توجه اولمغده بته تعالی قرین ایله طهر بیننده

اوردی میمنت پوی حضرت شاهی به و صورت میسر اولوب نامه لهایون موهبتقر و حضرت خلافت پناهی عضو  
معالی موفور اینه لوازم تعظیم عظیم برله تبلیغ و تسلیم و هر نه کونه توصیه و فرمایوش ایسه عرض و تقیم  
اولنده اراده الهام افاده خداوند کاردی اوزره عقد صلح و صلاحه میل و رغبت کیانلریں اظهار و افاده  
بیورملریه مطالعه به مأمور نواب کامیاب لریه بوکیفیاتق بعد المذاکر اشبو مسالمة مبارکه نک عقد و تمهیدینه  
ابتداء و اساس و شرط قلنا ماده لریه بوند متفرع اوج ماده و برتزیل ایله امر مصالحه دفعه پذیرای قرار اولد  
صلح شاه فلاح جاه طرفینه بعد العرض اول و جریه طرفینک تمسک تحریرینه اذن عالیله اوزانی بیورلمغین  
حال پادشاه اسلام پناه و شریک عداالت نگاه داوردورک ظل الله الملك المنان خاقا انجمن سپاه خسرو خلافت  
دستگاه خادم الحرمین الشریفین مالک البرین و البحرین السلطان ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان  
شوکتلو کرامتلو مرها بتلو قدرتلو عظمتلو السلطان الغازی محمدرضا ابن السلطان الغازی مصطفی خا اعز الله  
انصافه و اطال بالتأیید اعوامه و اعصاره حضرتلرینک طرف لهایون ملوکانه لرندن بر وجه محرر بیدرزه اعطا  
و تسلیم بیوریلان دختنامه علیه پادشاهانه لرینه بنابر اشبو قرار داده اولان اساس و شرط اول ماده لری  
بوند متفرع اوج ماده ایله برتزیلر که الف و التام امت سید الانام ایچون طرفینک مأمول و مطلوب اولدینی  
وجه اوزره مقبول و مرغوب اولوب بر وجه اتی ذکر اولمشه **اساس مواد خاقا جنت مرابع سلطان مراد خاقا**  
دایم حضرتلرینک زمان سعادت اقره اولنده واقع صلح طرفینک عبارت اولان مصالحه ده عقد و تمهید اولوب الی  
الآن طرفینک مرعی و معتبر طویلتان هر دو سنور فیما بعد دخی بلا خلیل و بلا تغییر و زلل مرعی و معتبر طویلتان  
**شرط اول شان** و عنون طرفینک تمام وجه لایقی اوزره ابرام و ایقا اولمغ ضمنده جانبته غبار رین و شین طرفینک  
اتقا اولنه **ماده اولی** حجاج ایران بغداد و شام طریق لرندن عازم بیت الله الحرام اولد قلنده اثنای راهده واقع  
دولت علیه نک ولایه و حکام و امیر الهاجری بونلری سائر حجاج روم مثلوه هر حاله حمایت و صیانت و آمین  
و سالمین بر لرینه ایصاله صرف دقت ایلیه **ماده ثانیه** اشبو ایکی دولتک اتفای و اتحادینی جمله به عشا  
ایچونک اوج سنه ده برتزیل اولمغی اوزره درگاه معلاننده لرندن برکنه تعیین اولنوب دار السلطنه ایرانده  
اقامت و کذلک ایران معتد لرندن برکنه دخی استانه علیه ده اقامت ایلیه و طرفینک مسافرینک کفایت  
مقداری معفر لرینی کوره **ماده ثالثه** ایکی طرفک اسیر لری مرقص اولوب النوب صالتیه و بولند قلدی  
محلده اقامتی مراد ایتیبوب و وطنلرینه کتمکه طالب اولنده طرفینک ممانعت اولنیه **تذیل** طرفینک هر دو سنور  
بالاده کرد و بیاید اولدینی اوزره سلطان مراد خاقا دایم حضرتلرینک زماننده اولدینی و جریه تمیز و تحدید اولنوب ایکی  
طرفک هر دو محظری اسلوب قدیمه رعایت و مصالحه سنوره دایر حالتدره شروط مسالمة به مغایر هر کتدرن توتقی



و مجانبیت ایلیه لرو بوندن بشقه لطف حقّه اهالی ایرانه صفویه زمانندزه اهدا داشت احوال ناشایانی  
کلیتاً تر و اصول عقایدده کلا قول اهل سنت مذهبنه دخول ایتملیله خلفاء دانشین و سایر اصحاب کربین  
رضوان الله تعالی علیهم اجمعین حضرت خیر و ترضتی ایله یاد ایتملندن ناشی اهالی مرقومیندن فیما بعد کعبه  
مکرتّه و مدینه منوره و سایر بلاد اسلامیّه به طلب کید و مجامع و زوآردن مجموعنه معامله بالمجامله اولندن  
سائر مسلیس منکلو مرقومردنی لغه هاله معنی الاطراف قلوب خلاف شرع دخل و تعرضدن و کند و اردن دوز  
نایله برشته مطالبه سندن هذرو مجانبیت اولنه و طرفینک تجاری کلا قول امین و سالم آمدن ایدوب  
کتور دگرلی امتعه نیک اقتضاییدن محذره کمرطین قانون قدیم او زره اذا ایله که نصلک زیاده نسته مطاب  
سیله ریخیده اولنیه لرو کند که مشرکین الشریفین اعتبار متبرکه سنده و بغدادده واقع ضرایح مینه نیک  
زیادترین بلای ایراندن کلان زوآردن مادامکه به لنده تجارت مالی اولیه هلام و سائر اهل عرف طرفلندن  
باغ طلبی و آخر طریقله مرقومون بیوجه شرعی ریخیده و رسیده اولنیه لرو و اشبویکی دولتک اهالی درعایا  
اولوب بو عقد افغان مصالحه تاریخندن صلح ایراندن مالک محروسه یه و بو طرفندن دنی ایراننه فرار ایدون  
اولو دایسه عیایت اولنوب طلب اولند قری هاله و طلای جانبینه تسلیم اولنه لرو مادامکه شرط منکوره  
طرفیندن مرعات اولند قبه بو مصالحه خیر انجام الی ماشاء الله تعالی ثابت و بردوام و اخلاف و اعتقاد طرفین  
زمانندزه دنی تمثیت و استقرارینه اهتمام اولنه **خاتمه** عنایت باری تعالی ایله بروجه بالا صلح و صلح  
پذیرای حسن ختام اولغین ان شاء الله تعالی بیلک یوزالتمش سنه سی او ایلنده واقع نودوز سلطانیده طرفین  
تصدیق نامه لری ایله دینه لری برینه مسوی بیوک ایلیچید بعثت و تسیر اولنمی او زره دنی قرار ویر لطله  
سالف البیاساس و شرطک و اوچ ماده و برتزیلک طرف حضرت شاهین قبولیتنی مین مکالمه یه مأمور  
خانان ذیشانک معتبرلندن معیر مالک ایرانه و کتاب حسعلینک جنابلیتک دحضتینه  
بنای ویر دگرلی مهور تمسک مأموریتنه مطابق اولمقدن ناشی اخذ و قبول اولند که نصلک اشبوت مسک دنی  
تحریر و املا و دحضت محققه مره بنای آصف مشارالیه دوللو راقتلوا و پاشا حضرتزلیه و بو بنده کینه نیک  
مرور مضاریریه محتوم و معنی قلوب صوب بلند اوب شاهی به دفع و ایداع اولندی تحریر آئی الیوم السابع  
عشر فی شهر شعبان المعظم سنه تسع و فیس و مائة و الف المرخص بتمیر تمسک الوداد و پاشای قنق  
بغداد بنع مصطفی تقیظ **صورت عقد مصالحه و شروط صلح که در زمان سلطان مراد خان دایچ بنده است** بیلک  
قری طقوز محرمک او اسطنه فتح دار السلام بغداد عقینده سلطان مراد خان دایچ حضرتزلیک طرفلندن وکیل ویم  
اولان کردار زیشان صدر اعظم قرع مصطفی پاشا حضرتزلی اول عصرده ایرانه شاهی اولان شاه صفی طرفلندن وکیل ویم

اولان صادر و خان ایله بو و جمله عقد مصالحه ایلیدر که بغداد ایالتندن هک و برده و مندلیس و درنه ...  
و درتک تا سر مثل نام محته دک مابینده اولان صحرار و جاف عشرتک ضیاء الدین و هارونی قبیله لری  
و زنجیر قلعه سنک طرف غربینده اولان کویله و شهر زول قریبه ظالم قلعه سنک بالا سنده اولان طاغریک  
قلعه مزبورده یه ناظر اولان اطراف شهر زوله چیقا که و که دک و قریبه قلعه و توابعی طرف شهر یاریدن  
اولنوب بوندون ماعه آخسینی و قارص و وک و شهر زول و بغداد و بصر نیک سائر لری داخلنده اولان  
قلع و بقاع و نواحی و اراضی و جبال و تلاله شاه جانبندن قطعا دخل و تعرض اولنیه و مندلیسندن درتک و آرخه  
اولان قلاع و بیره و زرد و یکه زمره ما و ادنی دیر و زنجیر قلعه سنک جانب شرقینده اولان قریه لرو قلعه لرو  
و آردن و توابعی اولان قریه لرو مرربک و توابعی شاه جانبندن مضبوط اولوب اندرکن سورا لری داخلنده اولان  
یرده طرف سلطنتندن مدخله اولنیه و زنجیر قلعه سیکه طاغریک قلعه سنده واقع اولمشد و و به سرحد  
اولان قوتور و ماگورد و قارصی جانبندن مغایر دنام قلعه لرو طرفیندن هدم اولنه و السلام ایرانه جانبندن **فصل**  
**معیر خان مرینه مهور اولوب طرف دولت علیه به تسلیم افغان اساس صلح و صلح صورتینک**  
**ترجمه سید بسید الله الرحمن الرحیم** الحمد لله الذی انام عیون الفتن بابقا ظلوب السلاطین و اسال عیون  
الامن بین الانام بتطیس مجاری المناوات من بین الخواقین و الاساطین و دخل عقود جبال النزع بعقد  
المجائل و العهود فی العبد المهور و لوج آثار المصافات فی لوج ذلك الملك النادر السعود و صلی الله  
علی رسوله الذی افراغ الفراغ فی قوالب قلوب المسلیس بتخلیه مواد الفساد و فتح باب الاسلام و  
طریق الکفر بفتح السیوف و مصالح الجهاد و علی آله و اصحابه اولی الذمى و ارشاد امام شورا لری کبرای  
مغانه نواب کامیاب سپهر جناب قدر ما و دود مار فوج الشاکر کمانیه برقی خرمن سوز و جود کرکشا بتأیید اس  
سبحانیته تاج بخش ملوک ممالک هند و توران و اورادای عرصه ایرانه الحاقاً الاعظم و القائن الاکرم ظل  
سبحانیته شاه شاهان جرنی السطان نادر پادشاه خلد الله سلطنته و شوکتیه دن اهالی ایرانه قبول سلطنتی استعا  
ایلیدر چونکه شاه اسمعیل صفوی نیک ابتدای فرو جندن ایرانده سب و درضن شایع و بو سبب ایله روم و ایرانه  
بینده بغض و معادیه ظاهر و واقع اولدی اول حضرتک ابا که انک مختاری اولان مذهب حنیف اهل سنت  
و جماعته نظراً اندرکن سلطنتندن تحاشی ایلیوب اول کر و هندن الحاج مکرر واقع اولد که نصلک یور دیکر که  
اکر اول طائفه ک و جنان ایله بو عقاید و اقوال لاطالی تارن و خلافت خلفاء دانشین رضی الله عنهم  
حضرتک حقیقتیه قائل اولور لری ایسه حصول مسؤلرینه نائل اولور لری اندر دنی حکم اقدس قبول و هاله  
سالفه دن نکول ایلیدر چونکه اعلی حضرت فلك دحضت فور شد طلعت اعظم سلاطین جرنی و افخم خواقین

فصل

فصل



دوره خسرو و جرجان و او د خدیو فریدون و خاقان البحرین و سلطان البرین قالی اسکندر ذی القرنین خلیفه ظل  
آله و پادشاه اسلام پناه خلیفه اهل ایمن و نود جرجان و زخانان ترکمان السلطان الفازی محمد خانی الله  
خلافت و دولته و نواب هوی که شاهنشاهی دخی سلسله ترکمانیه دن اولوب مابین حضرتینده مزید  
الفت و میانه فریقین غوازل شور و شینی دفع ایچون تصدیق ملت جمعری و حجاج ایرانیه ادرکایت الله  
برکن اختصاص و مصر و شام قاعده سعی اوزره دولت عیته نادریه دن امیر الحجاج تعیین و اسرای جانبین  
اطلاق و پای تخت دولتی وکیل بولنمقدن عبارت اولان مطالب فیه هو الهیته اولیدل سفر او ایلیجا  
تکرار آمدن دندن صلح که پادشاه اسلامپناه روم اوچ ماده اغیر لی قبول و مقدمه تخمین اولان مذهب  
و تفویض دکنی معایز شرعیته یه موکول یوردوب نواج نواج ختام موهبی اوزره اعتدال ابو مرادک فسخنه  
اولشایدی ارچه اعلی حضرت شاهنشاهی که بوتکالیفک منشی اولیدل دفع تباعض و دفع تناقض و التام اهل  
اسلامن ماعد ابرمنظور طوتمیدلکن چونکه تقدیر الهی ایه حصول مقصود عقده امتناعه قلوب بروقته که  
قرع باب استیصال بیغرضی و خلوص و مجتهدن غیر بر محل طوتمدی محضاً پادشاه ظل الله اسکندر مقادک  
رضاهویلی خاطر هوی نوری و ناموس اسلامک حفظی جرتندن حلقه باب دوستی یی تحریک ایدوب مطالب  
معروضه یی مترون و طریق مسالمتی سلوک طوتموب بونویه آرام بخشی چاباد صحبتیله پادشاه فلاح دغشه  
اعلام ایلدل اما چونکه ممالک عراق و آذربایجانن بعضی ازمته سالفه ده سلاطین ترکمانیه یه متعلق ایدیکه  
شاه اسمعیل اختلاف انگیزگی بسبی ایه دولت عیته عثمانیه یه انتقال ایلدی ضمناً اظهار اولنیکه اگر طبع  
اقدس پادشاه اسلام پناهه شای و مخالفت رسم وفاق اولی ایه اول ایلی مملکتن بری عطیه طریقیه حوزده  
ممالک شاهنشاهی یه منضم اوله و پادشاه اسلامپناهی اول امرن رد و قبولنده مختار ایلدیلر و بوشادده دولت عیته دن  
دولت نادریه نک التمسکه مساعده برله ارسال یوریلن ذبده الافاق و الاقرن نظیف افندی جنابیلده عزوجل  
بولان نامه شریف هوی بونده مندرج اولشکه ارچه آثار بدعک ازاله و ازاهه سنه بو طرفن ظهوره کلان ماز  
مجبوره و مساعی مشکوره یه نظر اولتین علیتینی متجدیلور لکن قانون دولت عثمانیه یه نظر ابو خصومک  
و ذرای عظام و علمای اعلام ایه مشورتی امر ایلدک انون قولنی منافی شرع و معیار نظام دولت بیلدیلر مواد  
سابقه مفسوخ اولینی و جریله بو مطلبدن دخی مزید الفت و التام ایچونک کجوب خدیو خلد مرادک سلطان مرادخان  
دایع زماننده اولان مصالحه اوزره بنا وضع اولنه که دوستی و محبت ایکی دولت عظمی و اخلاف کرام میاننده عرض  
روزگارده باقی قاله و بو امرن استقراری ایچونک اول دولت و الاجانبندن عالیجاه وزیر معظم و دستور مکرّم مشیر  
مفخر بغداد و بصره و ایسی پاشا و افتخار الاماجد مشارالیه افندی مأمور و مأزون اولوب و عالیجاه مشارالیه

دخی کند و طرفندن عرت نصاب محبت ماب دیو که کاتبی ولی افندی یی افندی سالف الکر معیتی ایلده دژبار عظمت مدار کبر  
نونه روانه یور یوب مومی الیهما طر اوقوزین مابیننده اردوی معلایه ورود و تلیتم سینه علیا ایلده شرف  
اندور اولیدر و بودولت عیته جانبندن دخی کترین بنده آستان خلافت نشان شاهنشاهی معیر الممالک مسنعلی نامو  
اولوب اول محله که اعلی حضرت پادشاه اسلامپناه محبت دائمی و دوستی متمد و عدیو مشر نواب هوی شاهنشاهی  
دخی اول حضرت بیوک برادر بیلوب حفظ رضای خاطر هوی نوری و آرامش اهل اسلامی اتم مطالب و اعظم مآرب  
عد ایلدلر بنا علیه نامه هوی نونک وصولن صلح مأمول پادشاه اسلامپناهی قبوله موصول یوردیلر و هویب  
امر اقدس ایلده بنای مصالحه بر اساس و شرط و اوچ ماده و برتزیل و خاتمه اوزره بو اسلوب ایلده قرار بولدی  
**اساس** خاقان جنت مرابع سلطان مرادخان دایع زماننده واقع اولان صلح مابین دولتینده مرعی و میانده ده مقرر  
اولان حد و دوسنور اول قاعده اوزره معتبر اولوب آنک ادرکایت خلی و تغیریول بولیه **شرط** من بعد قته  
نائم و تیغ نیامده اولوب طرفینک شانته لایق و دولتینک صلح و خیریتنه مقرون اولان امر جمع موادده  
معمول و مرسیه عبادت و کورس و منافی مصالحه و مسالمة اولان امور دن اجتناب اولنه **ماده اولی** بغداد و یتام  
یولندن بیت الله الحرامه عازم اولان حجاج ایرانلی یول اوزرنده اولان ولایه و حکام محل محل سالمین آستین بربرلرینه  
ایصال ایدوب اندرک صیانت حال و مراعات احوال لایق منظور طوته **ماده ثانیه** تأیید دوستی و اتحاد دولتین  
ایچون هر اوچ سنه ده بر شخص اول دولتدن ایرانده و بر شخص دخی ایرانن اول دولتده اولوب اندرک مصارفی  
طرفیندن و بریه **ماده ثالثه** طرفینک اسرایی مرقص اولوب و اندرک دخی بیعلری و اولوب هوی برکی و وطنه  
کتمک استه یه ممانعت اولنیه **تزییل** سلطان مرادخان زماننده اولان حد و دوسنور تحقیق اولنوب حکام هر حد  
منافی دوستی اولان حرکاتن اعتدال ایلدیلر و انون ماعد الهالی ایراننک صفویه ده احداث احوال ناشای  
یسته یی کلیتاتدن و اصول عقایدن مذهب اهل سنه سالک اولوب خلفای راشدینی خیر و رضی ایلدیلر  
ایلیه اول جاعتکه بوندن صلح کعبه معظمه یه و مدینه مشرفه یه رسائر ممالک اسلامه آمدن ایلدیلر حجاج  
و ذوار روم و اهالی سائر بلاد اسلوبی اوزره اول طرفن جماعت مزبوره ایه سلوک اولنوب اندرک دورمه رسائر  
خلاف شرع و قانون سنه مطالبه اولنیه و بو وجهه عتبات عالیاته دخی مادامکه اول جاعتک بد لرند  
مال تجارت اولیه حکام و مباشرین بغداد باج طلب ایتیمه لر و هر بریکه حال تجارت طوته اندرک مال حجاج استنوب  
زیاده طلب اولنیه و بو طرفن دخی تجار و اهالی رومیه یه بوموال اوزره عمل اولنه و دخی تاریخ انعقاد صلحن  
صلح اهل ایرانن دورمه و دوسنور ایرانن کلنر حایات اولنوب بربرلرینک و کلنرینک تسلیم ایلدیلر و ان شاء الله تعالی  
بودوستی و محبت ایکی دولت عظمی و بو ایکی خانوده کبر اندک اعقابی میاننده سنه دخی متمد و برقرار اوله **خاتمه** چون نظیف



افندی جناب که دولت علیه عثمانیه دن کلشن ایری حال که پارس سیه مطابق بیک یوز آلای طقوز سنه هجرت  
شهر شعبان المعظمه در شروط و قیود مذکوره بی قبول ایله بنده اولان رخصتنامه الهایه موجب عیالیه عالیجاه  
ایله تمتع مهر لیوب سرکار خلافت مدار شاهنشاهی به ویدی بنای علیه طرف قرین الشرفی اقدس ام مزبور  
انجام و ختامه مأمور اولان کتیر بنده استان خلافت نشان بو تمسکی مهر لیوب تسلیم ایلدی بو نطه مشروط که  
بوندن صلح طرفین مرتبه ده مساوی اولان بیون ایلی تعیین و نوروزه مقارن یا اندن صلح خصوصاً  
مسطوره و عرود مذکوره ذک قبوله دال تصدیق نامه لایله ارسال اولنه و کان ذلک فی الشهر المذكور مطابقاً  
للعام المیتتم المسطور: امضاء: کتیر بنده استان خلافت نشان حسنعلی میر ممالک ایران **صورت تقریر موی لایله**  
**تظیف افندی که در کیفیت سفارت و خصوصیت و مأموریت او چه گونه صورت پذیر و نتیجه گیر شد برای**  
**ایضاح حال باشا شت مال دین جریده و قانع نوشت است** دهری تو فیقات خیریت غایب جناب پرورد  
گاری و مددگاری تو جریا مینت سما حضرت خداوند گاری ایله آلای طقوز سنه سی ماه مجازی الاولی سنه یکریمی کنی  
کونی بغداد دارالسلامن مأموریت جا کرانه م اوزره جانب ایرانه عطف زمام اعتزام و سنه مرقومه مجازی الا  
سنه در بنی بختبه کونی رأس هد و ایران اولای طاق ایباغی نام محله وضع او تاد خیام آرام اولنده جانب  
جناب شاهین مرمانه ارتعین افضا واقف حضور محرم حسین بلک طرفین و رودی عزیزی استخبار ایچو بیعت اولان  
علی تقی نام بر معتبر بیلک باشی بش اون نقرن باقی تعبیر اولنور آدملریله بزلی اول محله استقبال و در عقب راه  
و صورت خبری مرمانه موی الیه ارسال ایلدیلر در فی یوم مزبور ایرته کسی جمعه کونی بغداد و بصبح الیستی تورا  
سطو شعور سعادتلو ای پاشا حضرتی طرفین رفاقتیله تخصیص قلنا دیو کاتبری ولی افندی ایله معاً مستعیناً  
بالله تعالی جای مرقومدن تحریک اعنة اشتر و ستور و دوم و ایران مملکتی مابینده حد فاصل مشابه سنه اولان جبل  
طاقی گذر و موراید و ب داخل مملکت ایرانه پانزده اولینفرده ابتدا موی ایله مرمانه اربک بر قاع منتخب و معتبر یوز  
باشیلر و یوز نفر مقداری شاه قولری ایله و بعده استانه علیه دن عودت ایران ایلی فتحی بلک دنی کند و آدملریله  
استقبال مسمی اجرا و حال و خاطر سئوالی لوازمی اکران او فی ایله ایفا و ادای اوردن او کومره دو شوب کرد نام خراب  
قریه جو ارنه واقف چایر لقه قوریلان چادر مزبوز ایصال و بوبنده نیک او به سنه کندی طرفین دستوری  
اوزره مطلق ترتیبه صرف و کس و مجال ایلیوب و هلال اول کوندن کفایت مقداری تعیین تری دنی ترتیب و تعیین  
خدمتده اولای اوزره اون نقرن باقی و کجه دره موی فظه کچون دنی الیشتر فو کسکی تخصیص و تعیین ایلدک نصلح  
ایرته کسی بیست کونی محل مزبور دن قالقلوب بسیار مجرد اوزره قصص و قوی جو ارنه تو نیله دنی کرمانشاه نام محله  
تقریرده کرمانشاه خانی بولان عبد الکریم خان که بوندن اقدم عبد الباقی خان کتیری و بطلک نامیله برای دفعه

استانه علیه کندی هسته چه بولنمقدن ناشی او غلی و کتیری و شریک مفتی و قاضی بی سکر: ۴۰  
یوز زیاده و سواری نقرت و کوه نای و سار بخت ایله استقبال ایچون سوخ و تسیر و شهر بر عتفا قاله  
مخده مطلق ترتیب اینه مطلقه نزول و بعد الطعام خان موی ایله طرفین بوبنده دنیله رفیق افندی موی الیه شاه  
سیم رفت و بطا ایرانی ایله بر آت چکیلوب شهر طوغری عطف زمام و ایلی کون آنده استراحت و آرام  
اولندی پس این محل مرقومدن دنی نرضت و هلال و قزوین اوزر لر دن اردوی شاهیه عزیمت اولنمغه قوی  
خان و قزوین یکی دنی بوزسم و روش اوزره استقبال و اکران امر اسنه سعی و کوششین بر کمال اید و الله  
و المنته جمع اکنه و ازمنه ده اثار قوت بخت الهایه حضرت ظل الله علی شاهده اولنه روح طی منازل و مراحل ایله  
ماه میامن اکتاه شعبان المعظمه التخی جریا شنبه کونی که طاق ایباغدن هر کتیرن التخی کونی نقرن و قزوین  
ایله طر امانینه واقف کردن نام صحرا ده اردوی شاهیه قریب محله و اصل اولینفرده مقدمه حاج خانیه دولت  
علیه ابرت عنوانه کلان واقف حضور رضینان جانب شاهین مرمانه نوز نامیله استقبال مأمور و تعیین  
اولنمقدن ناشی یکریمی او تو ز نقریک باشی و یوز باشیلر و او جیوز مقدمه ای منتخب سواری عسکر ایله بزلی استقبال  
و طرف شاهین استفسار خاطر مزی مشرق قال و مقال ایله اردو لینه بر عتفا محله وضع افضا مطلق چادر  
ایصال اید و بر ساعت مقداری آرام و تناول طعامدن صلح خان موی ایله طرفین اولای اوزره قولریله رفیق  
افندی به مختصری بطا ایرانی ایله بر آت کشیده قلنمغه سو ارا اولوب آلی ایله اردوی دائره سنه دخول و ایلی  
جانبه هسته صف بسته اولان پیاده عسکر ادرن گذر ایدون معیر خان ایله منلا باشینک دائره  
و سنده بزم ایچو ترتیه و اعداد اید کلری چادره نزول اولندی در عقب معیر خانک ایشک اغاسی بر قاع خواجه  
سیوه و شکر له ایله کلوب خانلری جانبندن مراسم خوش آمدی اجر اسنه سادعت و بوندک عقبه مرمانه امر  
موی ایله دنی کلوب طرفه سبقت ایدن خدمتی جانب شاهین استیاق اولنمغه و فتحی بلک یریه و رود ایدن  
نامه الهایه موهبت مرقومدن هاوی اولینفری تعبیر معالی عنواندن شاهینک محظوظیتنی اعلان و اشاعت  
ایلدیلر روز مزبورن اختتامی ینه مرمانه اربک کلوب جمعه کونی حضور شاهیه دعوت مسمی اولینفری اشعاردن  
صلح معیر خانک بزم ایله کوشمکه کمال خوش و شتابلین و اول امرده دعوت مخصوصه شرم و مجابیلین افا  
و اثر ایتمطله قولری دنی خان معری ایله شاه حضرتینک اعتماد اوله لری مشابه سنه اولینفری مجزوم و از جمله  
اطوار مستحسنی ای شرمه و معلوم اولمغه نه مانع دعوت لینه اجابت اولنور دیو جوک ویر میشدم لذلک ایرته  
کونی بختبه کونی معیر خانک ناظر و ایشک اغاسی ایله مرمانه اربک کلوب خانینک دعوت و انتظارینی افاده اختیار  
ایتمریله طاقت ایله سو ارا اولوب خیمه لینه و اردو لینه کوشی و منلا باشی و مریدان و نظر علی خان و رضینان قیام



و حرکت و مصافحه به اظهار شوق و رغبت ایروب او تو در لذت نفسک طرف اولیای نیکین بود چاکرینده امر و توبه  
بیورینگی او زره دولت علیه نک شمیه دن کنوره مساعده کونه معامله لری و بود دفعه دنی ام مصالیه قرار  
گیرد و مدینگی هاله فیما بعد ابر از لیاقت و اقتداره صرف وقت بیوریده جنی اطرافیه تقریر و انزیا و منفله خامعزی الیه  
اظهار بشاشت و انبساط ایروب شاهین دآئنا مصالیه خیریت احتوایه ترغیبین خالی اولدینگی اشعار و ایما  
ایتمکین بوبنده لری دنی او ته دن برووم و ایرا بینلنده منازع فیه اولان اطوار نار و الحاله هذه لری مخصوصه  
حضرت شاهی ایله ازاله و الحاق منفله من بعد ایکی دولت اسلامیته بینلنده عقد و ابط موالات و قوعی طرفینه لری  
و جریله انفع و احری و بو حالتک ادنی وسیله ایله صورتنا اولمسی ملحوظ بنیغ برادر دیوب خامعزی الیه دنی  
ادنی دخل اعلا وسیله یه موقوفه و بمنه تعالی او وسیله جلیله جناب در ایستابکر اولمچ ایچون دایم سنی و اوقام  
مصرف و دیوب جواب ایلدی بو اثناده معتاد لری او زره طعام چلیکوب تناولدن صلح قولدرینه رفیق مومی الیه برآ  
کشیده قلمنقله چادر لر مزه عودت اولندی ماه مرقومک سکر بنی جمعه کونین یکر می او تو ز نفر چادری و شاه قولدری ایله  
مرمانداز مرقومک بطلو عدن ایکی ساعت مورنده حضور شاهی یه مدعو در میطله نامه لری بو مراتب مرقوم حضرت  
ظل اللری تو قیرات نامتناهی ایله حاضر و آماده قلند قد نضک و قتم مرقوم حلوننده ارکان کوردلی و کاتبی دستار و  
نفر سواری اتباع و یکر می بش چوقدر ایله بو چاکریمقدار لری سواری اولوب رفیق مومی ایله معاً چادر لر مرآرا سن  
چقله قد ایکی نفر متعین قر اول بیک باشری بو زالی مقداری متعین سواری ایله و بونلرن و راسنده روجه نظام  
نسابق باشی دنی الی التثنی نفر نسابق ایله بزرگی استقبال و اولومرجه یوریه دن اردولری و سطن کذبرله کتله  
او کونه ایصال ایوب کادربندان مراسم دیوانلری دلالتیه اول محله اتلردن اینلکله مرماند مومی ایله بزرگی کتله  
ایله سر پرده شاهی بابینده مخصوص اکر اما وضع اولندان خیمه یه کوه تو ردی یالکر معیرتک جناب لری ذکر افضا چادر  
اولغله قهره و چای مر اسنی تمام و نصف ساعت مقداری صحبت و آرام او زره ایکن خامعزی الیه طرف شاهی  
دعوت اولوب کتیکلک عقبنده فراش باشی بر بو نچی ده ساده زریفت طلا بافت و نقره بافت ایکی خلعت کوه روت  
حضرت لری سزاه بالا پوش اکتا ایلدی دیوب برینی قولدرینه و برینی رفیق مومی الیه بس ایلکدن صلح شاه حضرتینک  
قائدرینه بیورک دیدیلر عبده صفی البال دنی نامه لری بو مراتبالی برداشته دست تعظیم و اجلال ایروب نظر علیان  
و فراش باشی دلالتیه سر پرده یه طوغری عازم اولدی سر پرده دن ایچر و طولی تخینا یکر می و عرضی اون ذراع الی سینه  
طرز عجم او زره بر دیا و تاق نصف و او چینی ستونک او کونه مستیر الشکل کرسی هیئتده بر تخت اولوب شاه قشاد  
باشنده کی قابلغاغ او زره بر الحاسلی استفا و بر او تاغ و قولدرنده اینجو و زمرد ایله ربط و تنظیم اولغش بازو بند او  
کردنده بر الحاسل تسیم و میسنا و سار آرد و شرجه سکی کبی و شاهه لر و بللنده اینجو و زمرد ایله تزیین اولغش کوه  
اولوب

اولوب بو هیئت او زره بر الحاسلی دیوبه اتکار او زره قوشاق تختک او زره او تو در مشر و تخت مذکور دن او کونده  
بر کبر مجو هر مجو ردی و صایغ طرفنده باشنده مرقوم او تاغ و کردنده طوق مر و اید و میا بنده مجو هر سیف ایله تخینا بازو  
و شانزده باشنده حفیدی شاهرخ میرزا و صول جاننده خیل اشغی جه معیرتک و منلاباشی دور مشر و و راسنده الی  
یری نقر زریفت کسوه لی لندی فادملر دنی دور لر ایوب بوبنده دولت علیه دنی ذکر افضا خیمه یه داخل و تخت  
مذکورده یری سکر خطوه قریب محله و اصل اولدینره نظر علیان دولت علیه عثمانیه دن کلان ایلی مصطفی افندی حضرت تبریر  
در نیکر ایچون دنی بغداد و ایسی عادتلو ای پاشا حضرت تبرینک کاتب دیوب انلدر دیوب شاه مشار الیه بخشی و ادیب مصطفی  
افندی صفی کلندر دیدیکلک عقبنده خامعزی الیه نامه لری بو کتور دیوب اشارت و ایما اینلکله بوبنده برادر دنی  
خلفه دور و شهر یار قدر تو کوشو کتله عظمتلو مراتلو قدر تلو و لی النعم سلطان زمانه لری و حضرت تبرینک نامه لری بو  
مولهبت عنوا انلدر مقدمه سیله ادایش دست افتخاری چاکرانه م اولان نامه لری بو مراتب مرقوم و آداب  
ایله بعد التلیخ خامعزی الیه یلک بینه تسلیم ایروب مومی الیه دنی شاهه قریب محله و اردقه شاه مشار الیه ایکی التری  
او زاده کمال خوالهش و اقبال ایله نامه لری بو هدایت مآلی الوب زانو سنه برابر وضع و هیئت صایغ او کتله  
دیه دن دست راستی ایله بر قاق دفعه من ایلدی بعده مصطفی افندی کتله مراتلو بیون قرند انیم خلیفه  
اسلام و پادشاه انام حضرت تبرینک دماغ ملوکانه لری بخشی و چاغیدر دیوب سو ال ایتمکین عون عنایت رب العززه  
ایله وجود لری بو مولهبت نمون ظل اللری لری کمال تندرستی و عافیتده اولوب عادت ستره سلاطین عدل  
آیین او زره اوقای متبرکه باهر البرکه لری کاه تنظیم امور مملکت و کاه ترفیه احوال رعیتده مصرف و دیوب دفعه  
خاصه استفسار طبع مآلی اشتمال شاهیلریه عقد و ابط مصافح ایچون بوبنده بی تعیین و ارسال یوردریلدر کتله  
ایا او پادشاه کردون جاه حضرت تبرینک بوبنده درگاه اله طرفنه نوحا محبت و رغبت لری بو نلری و ارمیدر دیوب سو  
صدورده اولمیریه بو چاکریمکینه جانندن دنی کتله عظمتلو قدر تلو پادشاه کردون مکن و شهر یار فلاطون  
درایت حضرت تبرینک مبارک طبع لری بو جهاندار لری دایم عدل و رأفته مائل و محبت عدالتک جزو اعظمی او کوب  
و عند العقلا محبت خصوصتدن انهن و احسن اولدینغه علم عالمیند ملوکانه لری محیط و شامل اولمچ  
هر بابره شرع و قانونه موافقتی اولان محبتی عداوت و بغضا او زرنه ترجیح عادت مستحبه پادشاهان لری  
اولدیندن باشقه بوبنده بی طرف شاهیلریه تعیین یوردر قاری اثناده اعطای علیه بی پایا نلردن خطاب  
خداوند کادیرینه شایب یوروب سنله قولم نظیف سن معلومک او کتله بنم شاه و اجاه حضرت تبرینه در و نمده  
اصلا بغض و عداوت و املا طرند بر خطوه محله و رغبت اولدینغه بنا شمیه دن طلیح او زره ابراز خصوصتدن اتقا  
و ایچون هد و دوسوردن محافظه سیله اکتفا اولنود ایوب بود دفعه تقریر لری او زره فی نفس الامر عقد و ابط



موالاته میل و رغبتی صورت نما اولور ایسه انک دخی مقتضای اجرا اولور دیونطق بان لهایون مو لهبت  
مقر و نری شرف بخنای صد و او لشکر جو ابی ویر لکده هلی مصطفی اذنی بر و کل بر و کل دیوب چند خطوه ایله  
وارد قده بزیم سطله بر دلو تکلیف یو قدر دخی بر و کل دیمله جای تحتک او کته واردی مصطفی اذنی خدای  
سورس شوکتو مرابطو پادشاه خورشید تاج حضرتلی بو بنده آله عقده شمدی لثا بویله می سور دیلدی  
لی لطف و عطف عینی ایله بویله میور دیلدی بیکره خدا کواه عا دلر که بو نو ازش مساطفت آمیزش پادشاه  
ایره بو خلوصکاری منون و خندار سور مشردر ایمدی او پادشاه عالیجه حضرتلی اولو پادشاه درو خلیفه الله  
و ملکه و مینه پادشاهید بر اندری یون بیلور زاکریون بیلر ایسک شری و غیره بلامش اولور بزیم دکن  
و ملک و مال منظورم دکلر و اول اولو و عزیز قرنه اشتم حضرتینه بر دلو خصوصتم یو قدر دخی الاصل مقصد و  
مراحم ایکی اسلام دولتی مابینی توفیق اولدیغنه بنا بود و لدن رفض و الحادی دفع ایوب و اول القدر کسفی  
دخی قادر مغنه فیما بعد بیگانه لکی یگانه لک صورتنه افران ایتمک او زره ایکن اولغه پیش آمدلرک و بعض  
مراحم ناشایسته ظهور ایلدی بدخی یکن محمد پاشا و قعه سندن صلح او پادشاه عالی جاه حضرتینه مخصوص  
نامه یا زوب کوندرم و بر معتد و صادقی قولرینک ارسالنی درخو است ایلام دو تتری دائم و قرار گیر اولور  
حقه راضی اولوب کسفی انتخاب و تسیر یو مشر غایت حظ ایلام و از جمله فتح علی ایله طان نامه لهایون  
حقانیت تحریری بلغا غایت تأثیر ایلدی ان شاء الله تعالی مابینه بنای خلوص و محبت او کونه حکم و استوار  
اوله که او پادشاه فلاح جاهک و اخلاق و اعقابک بود دخی مظهر حیات و صیانتی اوله دیو شاهرخ میرزانی  
اشارت ایلدی جانب بندگی دخی محمد الله الملائک المتعال شاه بلند جاه حضرتینک هم کسینه ایله ایره اهل ایسک  
اطوار ناشایسته ری بر وجه دفع و ازاله و صیت و صدای قوت و اجلال شاهیدری اطراف و اکنافه رسیده  
اولغده شمد نضک ابراز قوت و جلالت قدرینه بر دلو احتیاج کیانیدری اولیوب کتک دولت علیه باهر الیا  
عثمانیه دخی قیدی بر دولت عظیمه اولوی حبیله توسیع دائر شان و شکوه احتیاجدن له حاله مستغنی  
اولا قدرینه بنا بودو مثلوا یکی دولت جسمیه اسلامیته نک بیندنه عقد اولنه جو مصالحه خیریت آثار الی  
ما شاء الله تعالی باقی و پایدار اوله جفدن غیر بو امر خیر و قوعیله ایکی طرف دشمنینک سینه پر کینه ری  
دخی داغدار اوله جفی روش و آشکارا در دیو جو اب اولغده بللی جو سولر سوزیلر کچلر و لطف باری تعالی  
ایله بویله اولور دیوب بعده منلاباشی ایله معیر خانه خطاب و بوسمه جو اب ایلیکه بنم شوکتو مرابطو خلیفه  
الله حضرتینه درونی محبتنه رتبه لده اولدیغنی و بنون ملک ایرانی درخو است ایله دروغ ایتمک اولدیغنی  
بیلور سزایم ری بته تعالی بو مصطفی اذنینک رأی و معرفتیه ایکی دولت ارا سنده دوستلوی برخوا ایله عقد اولور

هم یون قرنه اشتم شوکتو مرابطو خلیفه اسلامیته حضرتینک مختاری او زره و هم ایره و کتک عرض و شانی  
صیانتنه دخی اهتمام بیشمار اولنه دیو موی الیرهای ضماً مطالعه یه مأمور و تعیین ایلدی بس ایز رفیق  
اذنی بنده رینه خطاب ایوب بغداد و ایسی پاشا حضرتینک کفتری خوشتر دیدر طرزه اذنی موی ایله دخی دولت  
پادشاهیده غایت صفاری اولوب خاصه طرف شاهیدرینه عرض اخلاص ایتمشدر دیدی شاه شار ایله یینه  
بو بنده یه توجه ایوب پاشا حضرتی بخش و صادقی وزیر دیدر طرزه تعظیم لایقه بر له تصدیق اولندی بعده یینه  
طرف تمام الشرف خداوند کاری یه اولان علاقه و اخلاصنی بیان شروع ایوب دکلره مصطفی اذنی بنم اول علیجه  
قرنه اشتمه میل و محبت بر نحو او زره در که فی الاصل مملکت اولان فراسانی بر چه قدره و بر دیو بطایازسه دروغ ایترنم  
لهای بو امر خیره صرف اهتمام بیشمار ایله بر خود دار اولور اطوار کن صد اقلک آشکار اولغده بمنه تعالی بوشه  
دخی مراحم معتدله و مرضیه ظاهر و بیدار اولور دیوب بعده رفیق موی الیره دخی اذنی س او زکی فراغه  
چکه نظیف اذنینک مجابی و آدابی هر شیئی افاده یه شاید مانع اوله بعض خصوص صلی کما سولک و سندی منلا  
باشی و معیر خانه افاده ایله دیدر کن صلح تکرار بو بنده یه توجه ایوب عون و عنایت قادر مطلق ایله بوشه  
ایشتر مخصوص و ساطتکرایه انجام بیز اوله جفی محققدر دیوب بزری مجلسن عودته مخص ایلدیلر کما فی الایق  
نظر علینی و خراش باشی او کومرند و شوب قولرینی شاهرخ میرزا انک خیمه سینه که تور دیدر عقب معیر خانه و منلا  
باشی دخی طلوب دستودری او زره طعام و اکرام نضک میرزانی مشار ایله طرفدن اولوی او زره قولرینه رفیق  
بنده رینه تفاهت و تلجه دو نانش بر آت چکیلوب چادر لرین عودت اولندی ادره کس کون منلاباشی چادر نه عقد  
مجلس مطالعه یه مباشرت ایچو بو بنده یی دعوت لرینه بنا اجابت اولغده مطالعه یه مأمور معیر خانه و منلاباشی  
و مریدنی و نظر علینی و رضیعی مراسم قیام و اکرام ادا سنده مسارعت و لوازم خوش آمدی و نوازش ابر سنده  
مسارعت ایله طرزه صلح اول امرده جانب کسفی المناقب حضرت خلافت پناهیدن دست رقت پیوسته اعطا  
و تسلیم بویرون دختنامه مرابط علامه نک رؤیتنه طلب و خوا هشتین عرض و اشاعت ایتملرینه جانب  
چاگیرین دخی دختنامه لهایونک اعضا یچو خدمه قولرینه اشارت اولنغین بر معتد علیه قولری اولو  
مارنا شرا لواناری بر بو عجمه زرتار ایچنده باشی بر ایرینه آلوب پیشگاهنده ایکی مجره و اطرافنده یی کز خدمه ایله  
چادر قابو سنده قریب محله کلدکه بو عجمه مستر باملری لوازم تعظیم بی غایت ایله استقبالنه بنال اهتمام  
و مجلسه بولان دجال ایره دخی بالجمعه قیام ایوب توقیر بی نریایه ایله بعد الاخذنیجه کوه روی قیسمه  
مالیده قلنه دخی ال و نسینی نمایش تحریک انامل افتخار ایله صبح بر باروشش کیشش بو لوب کرباب مطلقین  
مبارک خط لهایونک داور دورک مانند خورشید عالم افروز نشر انوار مرابط و شان ایدرک لامع و درخش اولغده



قیام اوزره بولتان نواب مومی الیرم تقییل و زیارت ایچون بربرینه سابق و بارک الله شمیه دک پادشاه  
اسلاف و شاهامعادت انصافن برینک بوکونه حسن خط مرهات نقطه املاسه موقتی اولدقاری سموع و منظور  
اولما مشددیو لهربری انصاف و استیانه موافقت ایدوب بعد القعو اول مثال لازم الامتثال مرهات اشتعالی مشتی  
مالکری اولان مومی الیه مسود کتاب مرهاتی صورت بلند ایله قرآت و مزینا مو هبت پیراسنی هفتاد مجله تفریح  
و اشاعت و بعد معیر فادنی طرف شاهین کنویه و یریلان دختنامه سنی عرص و اراکت ایلدک فضلک مندباشنی  
تقدیم مراسم دعا و ثنا ایله مطالعه ایدوب اوزره بو امر خیران او جینی اورطه سنی بولالم مقدمه سیله بر قاج مرضی نامرضی  
مواد مختلفه ایراد و انزایلیوب بو جاگیر ادرافی المنة الله تعالی ایکی دولت اسلامیته نیک عقد صلح و صلاحه رضا  
و رغبتاری صورت نما اولغله من بعد طرفین تعصیبی هاوی مو ادنا شایسته انداخته و ادعی فراموشی و نسیان  
و اعذار شرعیه و قانونیه دن معر مواد لازمه مستحقه انصافانه در میا قلتمی مطلوب و مرغوب کوریلور  
دخستنامه لهایونده مطورا اولوب ههوز کسمو عکرا اولان اساس و شرط اول و ماده لری قسطاس عدالت  
عیار دولت علیته دائم القراده سنجیده اولمش ایکی ماده خیریت آثار در لکه لهربری دائر مصالحه نیک حاکم  
بولمش مرکز لیر مرکزده و حدت مقرر و اطرافده واقع افراط و تفریط و ادیلینه نهایت اولدینی دنی شمس  
قردن اجلی و اظهار اولغله سزگله هر حاله افراط و تفریط و ادیلینه تمایلدن تحریمی و اتفاق و مصلحتک جهت و حد  
شروع و ابتدا ایدوب دیو جو اب ایلدیکده مومی الیه منلاباشنی ایبازم طرفدن نوعی جانب افراطه تمایل اولمش  
دو کور طرزی دیوب بونده دنی دولتی کون شاه و الاجاه حضرت لری سزگ مو اجره کرده شوکتو قدر تلو مرهاتلو کراستو  
پادشاه دوی زمین و خلیفه دت العالمین افریز حضرت لری ایچون اندر خلیفه الله در دیو سور در قرینه بنا ایله جانب  
افراطه تمایلی بر طلب و ادعا ایتدک دنی انصب و اولی اولمازی دیریکده مومی الیه تنزیه جو اب بوله میوب تلغ  
اوزره ایکن لهن معیر فادنا غلام ایدوب اقدی سزگ سوز لیکه حق و ایکی طرفک شان و عنوان لری برابرجه صیانت  
ایتدک جمله مزه الزم و ایقدر لکن بو صورت اوزره دنی مباحته و مطالعه به غایت و انجام اولیه هفتی نمایا اولغله  
بر مصالحه خیریه به نوجه من فتام و یر ملک اسرمل و آت ایه سززه ایضاح و بیای ایلدک دیو جو اب ایتدک  
بونده دنی ولله الحمد و المنة ایکی دولت اسلامیته ادا سنه امتداد قیل و قاله باعث اوله حق حالت قالمغله  
بنم بلیک طرفین انصاف و اعتدال اوزره حرکت و بود دفعه ده لهن بالطنیه بو امر خیران پیرای من فتام اولسته  
صرف لیاقت و لهن اولنوب بالجبه ایشلمبر اذن مقطنه دن کرن مرهاتی جناب لری دن کرن بو مخلص لری دن  
معلوم لری اولغله قنقر اختیار اولنور ایه امر مذکور دن علی وجه التسهوله حصولی ایچون اولامو اولدقاری  
هاوی برمتد صورتی تنسیق و ترقیم و بعدینه جمله مزیره کلوب مساب کور لری محلی دینی رضای طرفین

اوزره تصفییه و تنقیح ایدوب بو امر خیری لهن تکمیل و تنمیر ایدوب دیو جو اب و یر دیکده خاتم معزی الیه تمسک مزبور  
صورتی ابتدا بو جاگیر کم بضاعه تسویه ایتدک سزطیله بو رأی استصواب و منلاباشنی دنی خاتم مومی الیه  
موافقت ایدوب انجی شاه لری دن ابتدا ای جلوسدن بو آنه کلنجی و اقع اولان حالات و کیفیاتک و بعضی  
نامناسب موادک تسویه مذکوره درج اولمشی مراد شاهی اولدینغنی افاده و اشراب ایلوب بونده بیر طرفه دنی  
ان شاء الله تعالی ایشک هیولی سیرکة قلله النبو البته اتفاق جانین ایلره بر صورت بوله هفتی هیو ادر  
دینلوب بعد الفاتحه دفع مجلس اولندی و لهن اول کیجه تابصباح دلخواه دولت علیته دوام اکتناه اوزره تمسک  
مزبور تسویه و احلا و حاضر و مرهات قلتمش در ایتدک سنی کون علی الستم مرهاتندار و معیر خانک ادملریه طرف شاهین  
بونده دولت علیته به ایکی بیک اشرافی تعبیر ایلدک لری التون ایله ایکی بیک نادری عطیه طرشد که کنی حساب لری  
اوزره من حیث المجموع یا لکن التمش در کیکه دوی اچه ایدر جانب خاکریدن دنی مبلغ مزبور دن بلا توقف  
بش کیکه سنی عطیه کتورنده و یلری اوچ کیکه سنی دنی اتباع بنده کی به توزیع و تقسیم اولمشد ر بعده یینه  
اول کون و ایرته سنی کون معیر فادنی سنه و قول لری دن او به سنه منفقد اولان مجلسده انواع مطالعه  
و مباحته ایله تسویه مزبور دن اقتضای دن محلی محو و اثبات اولنه دنی امر و فرما اولیای دنی به مطابق و جمله  
صورتی نظام و پیرای فتام اولد قنصلک مرهاتی جناب لری دنی معیر فادنا جانین و یر یله جک تمسک صورت مقوم  
مطابق اولمش و جری اوزره تسویه ایدوب ایکی مجله دنی مومی الیه تسویه بسط مقدمه لینه ایله تنقیح  
و تصفییه اولغله عون و عنایت زی المن ایله مجموعی بش مجلس مطالعه ایله امور مصالحه انجام و بیایا بو کور  
ماه شعبان خیر اقدنک اون ییخی کونی تایدینجه طرفینک تمسک لری تبیض و تحریر اولمشد **نظم** شکر خدا را که ز لطف  
ازل صلح و صفات ز خصومت بدل نادری اقبال درین کهرنه دیر و لوله افکنده الصلح خیر **نثر** روز مرقومه طرف  
شاهین نامه لهایوت هدایت مقرونک جو ابی تسلیم اولمش ایچون یینه بو قول لری حضور شاهی به دعوت اولغنیس  
درم سابق اوزره سالف الذکر جاده و ادر دینغره معیر فادنا جناب لری بعضی مقدمات تراکت امیر ایله شاه لری دن  
اول کون جالس اولدینغنی تخنی طرف واضح الشرف تاجه اری به علی طریق الهدیه ارسال ایتدک اوزره اولدینغنی  
افاده و بیای ایلدک فضلک قول لریه رفیق اقدی بنده لرینه بر دخلت و هفتان الباس اولنوب معتاد اوزره حضور  
شاهی به و اولدقده بونده به خطاب ایدوب اقدی سکا الله در سولی امانتی اولتو بنم خلوص مجتبی شوکتو  
کراستو عزیز بیواج قرنداشم طرف لری نه طریقله اولور ایه عرض و افاده ایله بنم مراد ایکی دولت اسلامیته دن  
اتفاق لریه دین اسلام تقویتی و اود دولت علیه ایله بودتک هر خصوصه محبت و اتحاد لری دغیری دکله دنی  
کونی کوی حضور لهایوت خسر و انی به تبلیغ و افاده ایتور لری کچه مابینه بحسب الاقتضا بعضی حالات نادر اولرنا



اولش ايسه دفي مضى ما مضى ايله عل اولنوب لله الحمد والمنه بود دفعه ده عقد و ترميد الله ولكل امر مصلحي او  
پادشاه فلك جاه حضرتينك نزلهايون نزنه دفي مقبول و مرضي اوله جفي روش و آشكاره الى آخر الايام باقي و پادشاه  
اولمسي ظاهر و بيدار در الحاقه هذه شوكتو مهابتو پادشاه انام حضرتينك نامه لهايون نزنه جواب يازدم و سزي  
عودته مرضي ايلدم خدمتكم و هر كلك مقبوله از او مشرر ديوب نامه ايسن تسليم ايتباريه عادت او زره بر پرده دن  
طرح چقوب اولن بشن خطوه مقداري كيد لركه نظر عيني كطوب نامه شاهي بر آدمكه تسليم ايلك سزي بالكره  
شاه حضرتي استرديكله نامه شاهي كتي انامنه اولان قولتريته و يريلوب رجوع اولنقه شاهن غيري چادده  
اصلا كنه يوق هتوت ايتشد بونده به خطاب ايروب مصطفى افندي چاق يانه طلكوس ديد و كنه بنا  
واقعا چاق تحتك كنارينه و اولنقه يسه بسط مقدمه طويله ايله طرف لهايون حضرت خلافتناحي به اولان  
صدقت و اخلاصني هاوي كلماتك بعينها عضو رايح النور حضرت تاجداري به عرض و انرا اولنمسي يارم  
ساعت مقداري تقرير و توصيه دن صلح بونده يني عودته ما زون و مرضي ايلدي ياشدن هقدقه كمان في الاول  
نظر علي ها و خراش باشي او كومه دو شوب شاه حضرتي كه ايله بولونه هتوت بيورد قاري سموع و شهور اولمش  
ديه دن قولتريني شاهي ميرزا چادريته كوتورديلر سابق او زره طعام و اكرام دن صلح بوجاكر ايله ريفق افندي بوند  
رينه اينجه دن التون دختلي و قلبه انعبا سيني تفاه و تليجه بر آست چكيلوب چادريزه و اولدي و لهايون ايرته سزي كون  
و و شاي هالي بچوك ايدون ادر و زون مرگ و عودت و آستانه علية عنيته آشيانه جاننه طوغري توبه  
و عيزت اولنوب و افخم بسط و املا و خط و جه او زره بيك يوز آللي طقوز سنه سزي صفر الحزينك يكرمي در دني كوني  
در دولت علية ابر مدت دن نرضت و مرگ برله اون آي التي كون ظرفه تكييل هتوت ايله سنه مذكوره ذي الحجة الشريف  
سنك غره غراسنه خاكپاي ميامن بيماي اولياي نعييه دغسوده دقيت مير و مقداد مشرر ديو مومي ايله  
نظيف افنديك دكاب مستطابه عرض ايلديكي تقرير بعينها اشبه مجله و قايعه ثبت و تطهير اولندي **دردگر هداياتي لهايون**  
**حضرت شورياري كه بر اي جانب ايرك مرتب فرموده اند و در سري حضرت اصفي نقل و منظور و تخين و مهر و دشت**  
دولت علية روز افزون و سلطنت كسنة ابر مقرون جانبلندن هالا هر كرك ايرك نادره بلند عنونه جاننه بعض  
هداياتي ملوكخانه جهاننها ترتيب و اعدا ايسنه امر لهايون نري شرفر زهد و اولمغه خزينة گرم دفينه خسروانه لرزه  
موجود و مالا مال اولان تحف نايده بيشال و طرف ناشينده عبرتالان زيرده تحير و انبا اولن دني او زره مجوه هر كرك  
كر انبها و بعض زي قيمت اشيا مرتب و مرتبا اولنوب نيم نگاه پادشاهانه رينه شايه اولنقه صلح دآپ درين ايله  
بوكونه ملون اطرافه تخصيص و ارسال معمر اولان هداياتي هدايتونه اوله اوله و طلای دولت علية به منظور و  
هر زالام هتوت اصفي اولان مرر لهايون ايله مهر و اولمغ مر اسنه مراعات اولنوب ماه مر قومك اون طقوز نوني كونه  
خزينة

خزينة لهايون كتي اسكي اغا معرفتيله ترتيب اوضه هداياتي زاهره سري صدر عالي به نقل و ايصال و سماحتي شيخ الاسلام  
افندي حضرتي و و زراي عظام دن قبوله دريا شرسوار زاده السيد مصطفى پاشا و سفير ايرك الحاج اير پاشا و اغا  
يكيرو پاشا ابراهيم پاشا و صدرين محترمين و غير لهم دعوت اولنوب عرض او طه كنده اجتماع و هداياتي لهايون  
علي حده هضاره عرض و اراست اولنوب قيوحي باشي اغا و براز استا كتي اسكي و سائر اهل هبزه معرفتيله  
براي وقتلدي تخين و محاسبه اول كاتبلندن ايكي نفر افندي لر بر وجه مفروض لهايون نري تو صيفي ايله ثبت دفتر ايلك  
صلح صدر اعظم الحاج محمد پاشا حضرتي لهايون مرر اصفا نه لر به تمير بيوردوب مرتبا قلنا ظروف و غلاف لر وضع  
اولنم ايجونينه خزينة كتي اسكي معرفتيله اندرون لهايون نه ارسال بيوردي **صورت دفتر هداياتي لهايون** اورتكهي  
كبر چاد كوشه زمره و اوستي بر لعل و اطرافي و بچه سزي يوز او تون سكر الماس ايله مرصع زميني قاقه طاشني نري  
مشبك ظهري قلماري التون زنجيري جوهر دار التون سرخونج قطعه ابر وجه تخين غروش **او تون زيبك** مع  
تون شيرلي قطيفه ظرفي ديبا كيه دروننده قبضه سزي ايكي لعل و سائر قبضه و بالجنفي و اغرلني و ايكي بندي و بكي  
در تون قرقي التي الماس ايله مرصع ظهري قلماري و ايكي كرنه طلدي و التمن عدد كبر پافته ري ايكوز الماس ايله  
مزين التون صويه و طوقه لي التون قيق قبضه ابر وجه تخين غروش **التمن بيك** شيرلي قطيفه ظرفي ديبا  
كيه دروننده در التي عدد و كيه سيله او تون التي كبر جه الماس و سكر يوزون وسط و صغير الماس ايله مرصع  
التي هفت التون چهر استلي انجو ايلك و پوسطلو بياض استانبول ديبا كيه قبله صرت سمور ايلك كوركي ابر وجه  
تخين غروش **او تون زيبك** مجوه خنجره سزي زمره قباقي مجوه عت قبضه ابر وجه تخين غروش **يكرمي بيك** شيرلي  
بش زمره و تخين قرمزي ياقوت و لعل و تخين عدد التون كنداصولي پافته ري يوز قرقي الماس او تون بش  
زمره و او تون بش قيرمزي ياقوت ايله مرصع ياقوت و بش يوز او تون درت الماس و قرقي بش زمره و تخين  
اوچ قرمزي ياقوت و لعل ايله مزين التون صويه و طوقه و چنگالي تيركش قطعه ابر وجه تخين غروش **او تون**  
**بيك** بست لعل يوز يكرمي زمره و سائر انجو و صرمه ايله بسنه اشله دورت انجو پوسطلو توفتي قطعه اغروش ايكي  
**بيك** ايكي باشي درت الماس منقش و مذهب عمل پروانه كمان قطعه اغروش **يوز** مذهب تير كشته اغروش **الاشله**  
بياض اطلس قبور اغروش **يوز بيك** ايكوز درت الماس مرصع اوچ پافته لي التون قوشاي قطعه اغروش **يكرمي**  
**بش بيك** صادي ياقوت قباقي عت دروني يكرمي درت الماس و بيدوني طققا التي الماس و بش قرمزي ياقوت  
ايله مرصع قطعه اغروش **التي بيك** تخين التي الماس سكر طله كوك ياقوت اون لعل ايله مرصع صوم طراي  
مع اطلس او تون بسنه اشله برياقوت زنجيرلي كبر جهنبرلي ظرف قطعه ابر وجه تخين غروش **اوچ بيك** سكر  
الماس ايله مرصع بصمه و كنده درن چالارقون ساعتی التون جهنبرلي قطعه اغروش **التي بيك** ايكوز او تون الماس



و اون لعل و زمره اینه مرصع اینجو که مستطیل بصره التون قیون ساعتی قطعه **اغروش درت بیک** التمش ایکی  
الماس اوچ یا قوت برخته زمره دی التون کو مستطیل بصره قیون ساعتی قطعه **اغروش اوچ بیک** او تو زالماس  
القی صغیر لعل اینه مرصع کو زک قطعه **اغروش بیک** التمش الماس اینه مرصع التون جنبه کی کو زک قطعه  
**اغروش بیک** سیم جنبه کی کو زک **اغروش الی التمش** الماس اینه مرصع قبضه دو درین قطعه **اغروش بیک** بشیوز  
کنا اوچ الماس اون ایکی لعل بریا قوت اینه مرصع صوم شیر مافی او زره التون قاقه قبضه دو درین قطعه  
**اغروش بیک** قری کز الماس یتمش درت یا قوت التی زمره اینه مرصع اغزلقری التون دو درین قطعه **اغروش**  
**بیک** بشیوز زبش بو غم کبیر دو درین قطعه **اغروش اوچ بیک** زبش بو غم مصنع کبیر دو درین قطعه **اغروش**  
**ایکیوز** الی درت بو غم دو درین قطعه **اغروش یوز الی** کذاک دو درین قطعه **اغروش یوز الی** باغه او زره  
سراپا مشبک التون قاقه التون قوللی کبیر چکی قطعه **اغروش بیک** اوچ بیک زطقن الماس اینه  
مرصع بر زمره آو زره لی التون قاقه استانبول کاردی ششینی نه تفنک قطعه **اغروش اوون بیک** استانبول  
کاردی ششینی نه بویلو تفنک قطعه **اغروش اوچ بیک** زبیاض صوم قونہ اقلی ششینی نه تفنک قطعه **اغروش**  
**الیتوز** زبش صوم قونہ اقلی ششینی نه تفنک قطعه **اغروش الیتوز** زدنشان باغه قونہ اقلی عمل حاجی  
ششینی نه تفنک بویلو قطعه **اغروش الیتوز** جزایر کاردی بویلو تفنک قطعه **اغروش الیتوز** یوز اون  
ایکی زمره الیتوز طققن کز الماس ایکیوز او تو زک قرمز یا قوت اینه مرصع استانبول کاردی سیاه قونہ اقلی  
بیشو کو زقطیفه یه قابلو قبور اینه جفت **اغروش اوون ایکی بیک** بشیوز قرمز قرمز یا قوت و زمره الماس  
ایله مرصع التون آت سرغوبی قطعه **اغروش ایکی بیک** بیک درت یوز الی کز زمره و لعل و الماس اینه مرصع زبش  
قوم قاقه طاشینی نه لی و مشبک لی قرمز ویشل و لاجورد و ییاض مینا کاردی التون کز خست قطعه اینه  
تجین **اغروش یتمش بیک** مرصع مینا کاردی التون بورضات دشمره قطعه **اغروش اوچ بیک** بشیوز مرصع  
مور قطیفه قینلی التون غداره قطعه **اغروش الی بیک** مرصع یاله وزلی سیم دکاب جفت **اغروش بیک** بشیوز  
اوچ بیک یتمش درت زمره یا قوت و الماس اینه مرصع طاشینی نه لی مشبک مینا کاردی آل قطیفه اینه  
قطعه **اغروش درت بیک** مور قطیفه او زره یتمش لعل و الیتوز درت زمره و سائر اینجو و مرمره اینه بسته شده  
تو بخی اطلس استادی بیاض صوم صیقلی زین پوش قطعه **اغروش اوون بیک** زردوزی بسته شده یا قوت  
قطعه **اغروش بیک** کو زقطیفه او زره مرمره اشله تکلی قطعه **اغروش الی** مرمره اشله چوقه ترلاع قطعه  
**اغروش الی** اگر خسته کسی قطعه **اغروش الی** سیم یولار قطعه **اغروش یوز** کیم لحام قطعه **اغروش الی** صوم  
طبقه و قوللی مع دیزکس و تقون قطعه **اغروش الی** چکاردی الوه اغردیاد و نلق **اغروش ایکی بیک** بشیوز

چکاردی الوان او ستوفه دو نلق **اغروش بیک** بشیوز و نیک کاردی اغردیاد و نلق **اغروش سکر یوز** الوه  
استانبول کاردی پونداری دو نلق **اغروش بیک** ایکیوز الوه استانبول کاردی اغردیاد و نلق **اغروش**  
**بیک** ایکیوز استانبول کاردی نو ظرو و هیچکلی طراقلی دیاد و نلق **اغروش بیک** ایکیوز استانبول کاردی کوفه  
نو ظرو و دیاد و نلق **اغروش بیک** استانبول کاردی تل چکه برنجک دو نلق **اغروش بیک** ایکیوز الوه  
خالی و جو قلی صوف دو نلق **اغروش الیتوز** الوه موجهلی صوف دو نلق **اغروش بیک** یوز قطیفه  
استانبول کاردی جفت **اغروش اوچ بیک** زبسه کاردی قطیفه یصدق جفت **اغروش اوچ بیک** زرنکی  
بسته متلا قطیفه یصدق جفت **اغروش بیک** سکر یوز شام کاردی صوم اگر کسه قطعه **اغروش**  
**اوچ بیک** الوه ساق کاردی متلا سبی ده قطعه **اغروش درت بیک** یوز منقش عشاقی سباده قطعه **اغروش**  
**بشیوز** اعلادانه ستمور جفت **اغروش درت بیک** ایکیوز الی الوه چوقه بسته **اغروش**  
**اوچ بیک** زطقن درت بیک آل سایه چوقه بسته **اغروش سکر یوز** دفعه الوه چوقه  
بسته **اغروش** زداغ غروش **ایکیوز الی درت بیک** زیب افزای صمی یف اولدینی او زره جانب ایرانه ترتیب  
و تنظیم بیوریلان هدایای لوی سراسر اعظمیده مرمره آرای جنبه آصفی اینه مرمره دیورلد قدضک  
مریبا اولان غلافینه وضع اولوب سفیر ایره مشار الیهک صوب مقصوده توجه و عزیمتلی قریب  
اولفله ماه محرمک التخی کونی سراسر لوی یونه دعوت و حاضر و آماده قلنک هدایای لوی تسلیم  
تجربیز و آماده افضا قطار لره تحیل و قوناقلرینه نقل اولندی ایرته کسی کون ایلی پاشا و کند و لره ثانی اولدی  
مأمور بیوریلان میر میرا کرامدن رجب پاشا و اردو قاضی نعلی افندی و کتی اسی عبد الرحمن بیک صدر اعظم  
میتارینه سراسر لوی یونه عزیمت و حضور خسر و انه یه رخصتیب دخول اولدقه بعضن توصیه و تنبیه  
صلح ایلی پاشایه سراسر دوخته ثوب سمور و رجب پاشایه خلعت خاص الخاص و نعل افندی به صوف  
ذاجه سمور و کتخ ایه خلعت فاخر الباس بیورلد قدضک نادره جانبته اولان نامه لوی و تصدیق نامه  
عنایت مقرون ایلی پاشا کدی دینه تسلیم بیورلغه عودت ایلی پاشا سفیر مشار الیه کسریه لی الحاج احمد پاشا  
حرف لرنده بدیده ایره جانبته فرستاده قلنان بر قطعه نامه لوی و جهت مقرون و بر قطعه عهد نامه لوی  
عنایت مقرون جناب شهر یاریدن نادره جانبته و بر قطعه مکتوب عالی صدر اعظم جانبندن شاه مشار الیه طرفه  
دینه بر قطعه مکتوب عالی صدر اعظم جانبندن شاه رخ میرزا طرفه و بر قطعه مکتوب عربی العباده شهب  
الاسلام افندی حضرت لری جانبندن صدر ممالک ایره منلا علی اکبره ارسال اولندی و ماه مرقومک طقوز بخی بسته  
کونی ایلی مشار الیه صوب مقصوده عزیمت ایتکله جنبه شهر یار کرون اقتدار حضرت لری الی کوشکنه



شرفی خدای قدوم میمنت لزوم و صدر اعظم و شیخ الاسلام افندی حضرت عالی دخی تماشا به دغبت بیور ملیر به اپلی  
باشانک مأمور معیتی قلندریو پها و خیری و خیره جی و لونی نفاتی ضابطه لیر به و سار تعیین اولنان اغار و اردو  
دفتر داری و قاضی افندی و اپلی ثانی دهب باشا علی الترتیب مرور و الی کوشکی مقابله سینه کلد کلر نه اتلر نه  
نزول و هر برینه طرف لویون خلع فاخر الباس و فوق المأمول حقار نه الفاع علیه شمول بیوریلوب بعد  
اپلی باشا در پیش اولان قلقانی پهلوی و هدایای لویون قطار لری و داسنه کزیده و منتظم اتباع و خدم و پان  
و منتخب قبولی خلقی و ادارات دستوران باهر الحشم ایله کز و بعد کتی اری مره خانه چالدره دق بر قاج  
اندرون اغاری و سار اتباع و اشیاء علیه مکت و مظنن ساهه اعتبارده عرض طرای عنون ایدون و مرتن  
و معنون الی دبه افران کستره دن اسکدره مرور ایدوب بر قاج کون آرام و کسور و قصور مالزانه لری  
احضار و اتمام ایله کلر نه صلح اناطولینک اودته قولیه حلب اوزر نه دقه به و اندن بغداد کتمک  
اوزده اسکدرن دخی نرضت و تحریک دکاب عزیزت ایلیله احوال غریبه شاهزاده میرزا صفی و میرزا سام  
از خانان ایچم دولت عیبه ابد قیامک قاعده قیبه سی اوزره مادرانک میرزا صفی به اغزاز و اکرام و بر موجب  
قواعد مرمان نوازی یومیته تعیینات و وظایف و سار مصارف ایله توقیر و احترام اولنه دق گاه استا  
و گاه طشره ملکتره نیچه دهور و ایام امن و امان اوزره قیام و متکاپیرای آسایش و آرام ایکن سیک یوز  
اللی بنده برای اقتضا آستانه سعادت کتور دیلوب مجدداً تر فرج قدر و شان و انعام و احسان بیابان  
ایله محسود امثال و اقراب بیور رلاقه نضک اول و قتلک مقتضاسی اوزره موی الیرک از ضرور جاننده بو  
اول هوالی سر هدا تنه مکت و آرام ایلیسی سبب حال ایام عده اولنذیفندن مالزانه سفریه سی وجه اهمیت  
دویت و اتمام و تکمیل استقامت ایله صوب مذکوره سو و تسیر و لشمیدی قرینه حال اوزره مظاهر  
اهواله مقتضای آدیت و مبتغای صداقت و خلوص نیت اول هوالیده بولنان و زرای عظام و حکام  
ذوی الاحترام ایله حسن معاشرت و دائره طرف دایره بولنوب جمله ایله الف و ابیت ایلیک و علی  
الخصوص بوجه ایام پرورده نان و نعم و مستوفی لجه عنایتی اولینی دولت علیه نذ رضای میمنت  
اقتضاسنه بولنی لازمه ذمتی ایکن **مصراع** ماسر مادیده یه تکراری کوشن کوشته مکت **نثر** مقاد بجه سایه  
بادشاهیده انواع الایله دفع آلام و اضطراب استکجه خلقت اصلی و فطرت جلیستی ابرایه مبارک و شرف  
صدور اولان او امره امتثالن مباحث و کرکب باشارن داینه عدم متابعت ایله هر هاله نامایم حرکت  
اجتهاد و خصوصاً از ضرور دفته داریتی تکیر و اضرار و نایجا تکالیفه اجتهاد ایلیکی در دولته عرض و اخبار  
اولنذقه موی الیرک استانبوله طرکی امر و لشمک بو کونه وضع نالهور و اطوار بکرداری غیر مایم  
هرکت

هرکت مؤدی بلکه زعم فاسد بجه بعض کونه هرکات فتنه سماته متصدی او لمستی احتمالن بعید اولما مقدر ناشی  
بر مقتضای وقت و حال تأدیب و کوشمالی لازم بلکه واجب و مستحکم و لغله کند و یا تنده اولان خانان و اعیان  
ایرانک بر قلعه ده مکت و توقیفی و اموال و اشیاء لیرک دخی کند و هر لیره مرور اذ دفتر به برأس من محله حفظ  
مرستی باینده ام شریف صادر و اول سمته مناسب قح حصار شرقی قلعه سینه وضع اولنشمیدی بعد زمانق  
حصار قلعه سندن حقاریلوب صامسون قلعه سینه ایصالی باینده فرمان عالی صادر و لکن شاهزاده موی الیه  
دعوت و خشونت اوزره مفظور بلکه مجبور اولینی اوضاع و حرکتی مجنون صرف اولنی اقتضای ایدر متلون  
الاهوال بر شخص لایعقل اولغله خوف و وحشت و وسوس شیطانیه به تبعیت ایله بعض کونه خلاف  
مرضی حالته جاسارت ایتسی ملاحظه سیله احتیاطاً ایشاد داده قضا بقضا بر قاج یوز تفنگ اناز ایله قظه  
اولنه دق صامسون قلعه سینه ایصال و قلعه مر قومه ده جسی و لنوب کذلک خانان ایچمدن وقت اختلال  
ایرانده ظهور ایدن میرزا سام نام شخص دخی مدت مر قومه دن بروردولک علیه نذ نان و نعمتی و انعام و احسان  
بیستی ایله کزارنده ایام و لیال ایکن **مصراع** کار بد بر هیتمه اربار است **نثر** مفرو منجه انک دخی و سوس دغغه  
فرمایله ناسزا هرکت اجتهاد ایلیکی اخبار و انزیا اولغله یا تنده اولان ایچم ایچم ایله تو قاده قلعه سنده جسی و لکن  
و بعد زماندن دخی قالدیریلوب سینوب قلعه سینه ایصال و انده اقامت ایتیریلوب کرک مرزا صفی نذ و کرک  
مذکورن اقتضای این تعیینات و اقوام یومیته لری طرف میردن ویریلوب ضرور تکرینه جو از کوشته لری ایلی صام  
قلعه سنده مجبوس اولان مرزا صفی **مصراع** چوب کردی مشو ایمن ذافات **نثر** مدلوله نذ و سوس صینی سببی ایله  
بر قاج دفعه ارتکاب ایلیکی کار بد کردارینه مطافات اولنشمیکن سینه کند و حالده طور میوب اولینی محله اهالیسی  
تعبیر و رنجیده و عباد الیرکی بلا موجب کند و دن تنفیر و مدیده ایلیکی در سعادت اعلام و انزیا اولنذقه یا تنده اولان  
رجال ایرک مطلق العنان و شمل جمعیتی مشتت و پریشان قلوب کند و سی اتباع مخصوصه سندن سکر طقوز  
نفراد ملیرله دروس جزیره سینه سو و ارسال و بعد الایصال جزیره بند اولنذی و **توقوع مبارکه سقرای ایرک در**  
**حدود و کیفیت عزیمت ایشان** ایرک طرفه سفارت ایله بعث و ارسال بیوریلان سعادتلو کسریه لی الخراج اوجرت  
حضرت لری قطع منازل ایدون بو سنه مبارکه ماه مجازی اولوی سنک اون طقوز بچی کونی بغداده وصول و قوشند  
قلعه سی طرفه واقع قضایه ضرب ضیام نزول ایله ایرک جانندن کله جنک ایلیچیلرک دأس حدوده و درو درو فی  
النجیه دن محل مر قومه اون درت کون مکت و آرام ایدوب چونکه سفیر دولت علیه و کرک ایرک طرفدن بعث افغان  
ایلیچیلرک بالجله نظام امور لری و کیفیت مبادله و توقیر و احترام لری خصوصاً حاله الی بغداد و زیر مکت اچیشا حضرت  
عمره مشیرانه لیرنه تفویض و احواله بیور لغله بو خلاصه ایرک ایلیچیلرک دأس حدوده تقریر لری خبری و اردو کوش



سفير دولت عليه نك دني سوي و تسيري لازم كلكله والي بغداد مشاراليه جمعيت خدا ادري مقتضاي سنجي نشانه  
شوك نشان دولت عليه ي دوست و دشمنه اظهار و اعلان قصديله ماه مجازي الاخره نك او چي كوني بغداد  
اوزره مكل آلي ترتيب ايدوب بيگان خوش اندام و سارخدم و هشتم نري نظام ايله سفير دولت عليه وزير مشاور البري  
محل مرقومدن قاليروب جسر بغداد دن عبور و درون قلعه دن مرور امام اعظم قپوسندن خروج ايله طرف ايرازك  
و تسير ايدوب روم ايله ايرازك بيننده حد فاصل مشابه كنده اولوب بغداده اون مرحله مقداري بعدي اولان طاق  
يانغي نام جسدن اوچ چي عشا ايلوره سميل تغيير اولنان محله كه داسم و درون عبادت در ماه مرقومك اون التتكي  
ايرازك ايلچيري اولان شاملو مصطفي خان و مسود كتاب محمد مهدي خان ايله محل مذكوره ملاقات و على وجه التقابل ضرب خيام  
مصافات اولندي مومي ايرما ايله دولت عليه به ارسال افضا شاهك هداياكي مازا انكر التي ستونى ذريفت و زدنكار  
او طاق و جالس ايراني تخت طاوس و وافر زردوزي اقمشه و تحف غريب هفت و شتا و اون درت ذخير خيل ايديرلوم  
مربوده بر موجب قواعد دولتين مبادله ماسي اير ايسله سفير دولت عليه طرف ايرانه ارضاي عنان عزيمت و سفير  
ايرازك جانب بغداده وصول مبادرت ايدوب والي مشاراليه حضرتي طرفندن مرماند ناميله تعيين افضا انقاري مازنه  
داهليله ادوات اكرام مرمي نو ازي تداركنده اهتمام ايدون و سنجي عكسيله درنه بكي دني استقبال و اكرام نده سمي  
مالا هلام كوستر دن بغداده قريب محله كلكلر نه وزير مشاور ايله حضرتي عمو قپولري خلقني براق ساعت مشابه دن  
استقبال نينه ارسال و خارج شهر ده ترتيب افضا مطلقه ايصال ايدوب سطوت دولت عليه ي اظهار ايدون فر  
در لو تو قير و احترام نده و لوازم دوستي ايفاسنده مزيد اهتمام كوستر ديلر ماه مرقومك يكرمي بيجي كوني ميشكاه قلعه  
بغداده نزول ايدوب سركون اقامت و استه امتدانه فصلك سفير مومي ايرما شهرين شريفين زيادته عزيمت  
ايتيريله عودت نده مكنه و تاخير ايتيريلوب استانه سعادت سوي و تسير اوزره اولديلر **دربيه تغيير وضع**  
**نادر شاه و اختلاف و محي صفا و جدال در ممالك ايرازك** نادر شاه چي سفير روم مصطفي خان و مهرباني  
بغداد جانبته بعث و تسير ايلدكلر نه فصلك بنك يوز التمشه محرم الحرامك او بنجي كوني اصفه باندن حرکت ايدوب  
يزد و كرمانه ليله خراك جانبته عطف عنان ايلديلر شهر كركم خار جنده چشم نوروزي منقضي اولوب  
او غلي نصرالله مرزايي و شاه فرغ مرزايي و سار اولاد و احقاريله جمله مجولم و نفايس اسباب سلطنت ايله هلاست  
قلعه سته كونه روب كنده و سمي شمرده وارد اولوب تنگ زهر آبكون بي رحمي به جلا و يروب عمو اهاالي ايراندك قتل و  
استيصال نيني عزم و حزم ايلديلر شاهك بو كونه وضعي كنجي و تفليس و روم اهااليرينه سامعه خراش اولده  
اول طرفلاره واقع اعيان و اهاالي اعجام بينلر نه دني خان ايراندك خاصه لازمه كندن اولان منافسه و اختلاف  
و منافسه و جدال ظهور ايدوب كونه ناره فساد علودار و دمدم تنور فتنه لهيب افروز و آشبار

اولو حسيبه ازان جمله حالاروان اهااليرنه شاه طرفندن قتل و استيصال نري برهانه سيله كنده و اولو  
تكليف بارده كونا كونه عدم اقتدار اين اظهار و استرحام و استغفايه ابتداء ايتد طرخي شدت تهيب ايله  
مطالبه دركاد اولمغه عارضه ياس و ياس جرتدن كليا دائر اطاعتدن خروج و قله عصيانه و لوج  
ايلدكلري و بينلر نه سر كرده نصب و روان قلعه سته تخت ايله آماده بيكار اولدكلري شاه طرفنه اخبار اولمغه  
قلعه مرقومه نك مجددا فتح و تسخيري و اهااليرنه سر جمله قهر و تيريري اسبابنه شست ايله امير اسلا  
خان نام معتبر خاني ايله و افر عكر تعيس و تسير ايتمغه خان مرقوم دني كلوب رواني محاصر و تضييقه ميا  
و اهااليرنه دني اولوم اري اولوب روم ايلولنه فد اي روم ايتدك حالاتي اراست و بي تحاشي جنگ و حربه مبارز  
ايتيريله الان كيفتري منوال محرر اوزره اولد يفتدن ماعه كنجي و تفليس و تيرير و عمو اول هو الي اهااليرنه دني ميا  
ر نه قتل و قال بيان ايله شرتور انكيز و قسته خيز اوله دني بنجي و طغيان و اطاعتدن روكردن و وادي عصيانه روم  
اولد يلدن در شاه ايله ابتداي ظهور دن تا خوار زم سفر دن عودت ايدوب طاغتا جانبته عزيمت ايرنجيه دن  
امر سلطنت و جربان ايدوب يگانه و راه و رسم حكومتده فرزانه ايدوب اهاالي ايرازك دني صغير و كبير برنا و پير او غور نه  
نقد جان نيني فد ايدوب ايدوب طاغتا دن عودت ايلدكلر دن صلح محكمه ذكر اولد يني اوزره كنده و سته دانده  
تفنگ اصابت ايتدكه انواع و ساوس و تو قهه كنده و سته مستولي اولوب قرة العيس و جركوشه سمي اولان  
بيون او غلي و ولي عهدي رضا قلي مير زانك ديدو جرب بينلرين كور ايدوب درجه اعتبار دن بر اقدري بو وضعي  
كند و سته دني ميستلي اولوب يقين و قنده شامتي ظاهر اولدي بعد ازان غم و غصه فرزند كنده و سته تاثير ايدوب  
اشفته مزاج اولدي بو حال خلاصه نان و نمكيه پرورده اولان اهاالي ايراندك بي نكلر دن بعضي مخالف  
ظهور بولده بالكلية انلردن نفرت ايدوب و دني حسين سلوكي دني طي ايلدي خصو صاكه مقدمه اتفقد انا  
نيكدم نام غلامك بو كونه امر خطيره جاراتي تحريك سزاو د يني ظاهر و نمايه ايدوب و دني در بندن حرکت و دني  
جانبته دفع لواي عزيمت ايلدكلر نه زعيمي عنان اشرف همتي اسكدر قابو سنده كشيده قيليق اوزره ايكن  
شاهك معتقدن اولان شيراز و ايسمي تقى خان عمو اهاالي فارس و بنادر ايله اتفاق ايدوب شيرازده لرون  
طايسني اولوب اول جانبته سردار لوق ايله بعث و تسير افضا كوسه ايدوب لوب عيني قتل ايدوب دفع لوق  
مخالف ايلدكلر نه اهاالي شيراز دني كنده و هاكيري اولان افتاد لوهيدر خاني قتل ايلدوب سر خاي خانك  
او غلي مجد خاني ذكر مور ايدوب سينوبره محبوب اولان مير زاسام نام شخص اول جانبدين مطلق العنان اولمغه  
شيرازنه و اصل اولده مرقوميني حكومتده و سلطنته مناسب كورديلر و استر ابادده اولان قاهره طائفه  
تركمانيه ايله متفق اولوب ربقه اطاعتدن هقيديلر بو احوال ظهور ايله طرفندن اسباب و حش و نفرت



آماده اولدقه نادر شاه نظر طبیعی دوشوب راه فرودت و انصافی بناید و ب مراد ایلیه بلکه جمله ممالک ایرانک  
عقال و حکامنی امر و عظمتی بر برانه ایله جمع ایدوب نقطه وجودین صیغه عادلان کذلک شمشیر ایله حاکم  
و ازاله ایلیه کجندی حضوره احضار ایدوب بلا امر مال هر برندن طاقتلندن زیاده نقود مطالبه ایتکه بجا  
تقریر حکایت و یاد عای شکایت صد دنده اولدیرکن آلین و یا قلمین فلقه یه طقوب اول قدر او زرد لری  
طر نقری و بر مقری دو کیلوب قارو اولوردی مثلا اون بنک تو ما مطالبه ایلیه کی کسینه فی الحال تسلیم ایتکه  
یکری بنک تو مننه بیقوب هتبه واحده نقصا آلمی مکن اولما زدی بیچاره ناهار دکنک التذبه یگانه و آشنای  
دوست و دشمندن و یا عری اچنده بر کره کوردیکی و یا خود غایبانه آدینی اشته و کی کسینه لردن نقی خاطرینه ورنه  
کلندن فلانده شو قدر مبلغ و ارفلان دخی شریک ایدی دیه دن دکنک التذبه مبلغ مطلوبی اخذ ایله کلندن نضک  
بیچاره مضروبک صاحبی طلوب لاشه سنی قالدیروب منزله برقرردی نیچه بنک خانه انلر بکونه ضرب  
و تعذیب ایله صینوب منزلی ما و ای بوم اولدی و نیچه بیک صاحب دنایند و دراهم متمول مالدار کسینه  
بردرهم ایچون ماد بر بریه کی بیچ و تاب اولوردی و بر قرض نان ایچون کرین اولمقدن کوزدی قرض مرتاب کی  
اغردی و اگر کسینه مقام انکاره طله جک اوله انکاری مقبول اولیوب ایب بو غایبانه کوردی و اگر کسینه  
مدعا کسینه شاهد کتوره جک اولورسه ادای شهادتدن اول شاهد مزبور دیار عدمه تشووری پس هر کس  
جاننه صد تسلیم و رضاده اولدیر و اگر در الضرب تعذیبه جزوی تقصیر و یا تأخیر واقع اولسه فی الحال بور  
و قولقرین کسوب کوزین جیقاروب مبلغ مطلوبی تحصیل ایچون منزله شدید محصله کوندر ایدی اندر فی کوزه  
و سواقدره بیون کوجک ارو عورتدن دو چاد او لقلینه اسیلوب نیچه تناور کسینه لقره خام عتیه  
پوستلندن پیقیدیر و نیچه خود رشید طلعتلور مطالبه زدا و جندن ذره کی کوزولیدیر نیچه کل بدن غنچه ده  
سرو فرامان نازینر بولا و جندن آج و محتاج قالدیر و نیچه لری جا تقیدینی تسلیم ماله علاوه قیلیدیر بر تقرب  
مزبور مال مطالبه انصاف کسینه له بخت میتر اولیوب هواله دخی مُسَلَّل و متصل اولوب کتور دن  
و دته یه و دته دن ههایه یه ههایه دن محته یه محته دن شهره شهر دن ملکته ملکتدن ولایته سرب  
ایلی عرری ایچنده زنجیر و زنجیر خانه نه اید و کن بیلوب اشمیندر رأی العین مشاهده ایلیدیر **مصراع** زعنا  
تابصودی هوادر سنک است **نثر** برهه و اصل اولدیکه شاهک مطلوبین بردانق نقصا اولسه بنک دکنک  
او ذوب ضرب چوب ایله اعضاسی جروج اولدقد نضک کوزین چقادوب انواع زجر و عقوبت ایله راه عدم  
کوندر ایدی بود فعه نوبت محصله طلوب اخذ مریلت و یا سائر ترمیم کسینه مصادره ایدوب و یا قلدن  
کوز آه صوب بی محابا او زردی اندر دخی سلفری کی دکنک التذبه دالان داله یا شوب بیون کوجک دیکو  
افک و

افک و افک ایله نسبت انصاف ترمیمه کند و رینه شریک ایدر لری و اشرا و اشقیادن اوچ نفر خدایه بیخبر شاه حضور  
طور و ب شاه لهرنه خیر و برده و یا حکم ایدر سه اندر تصدیق و تحسین و مدح و آفرین ایدوب تهریدینی و حکمی  
ایقاعه حش و ترغیب ایله کلندن ماعد اگر مأموریندن بر کسینه دن بر قصود واقع اولسه شاه اعلام  
و خاطرینه کله و کی ظلم و عدوانی القایله عباد اللری انواع تضییق و تعذیبه بر اغوب کند و لری اراقن سیر پی  
اولور لری شاهک بو قدر تعذیبه ایله هر ارس دوزی منطقی اولیوب نایع جود و بیداری بر درجه یه تشووری  
اصفهانده نقش جری نام میدانده هندی و ارمنی و مسلمانن بر کوهی امرای بالتار ایلیه سنه مرقومه ده محرم  
الممالک او بنی کونی اصفهانن حرکت و خراک جانینه عزیمت ایدوب وارد اولدینغی ممالک ایرانن لهرنده رؤس  
دوسا و ضعفادن مناره لربنا و انتا ایدردی اول اشناده سیتا اهلایسی دخی اطاعتدن دوزگردان اولمغله برادر  
زاده سی علی قلیخانن کابل سرداری جلایر لی طرهما کسینه معیتله جماعت مرقومه نک قتل و استیصال لینه مأمور ایدوب  
عسکر فرود ایله اول جانینه ارسال ایلی اول و لایاتک عالی نادرک شست ضرب و ستمدن جاننه کلمطه بر بر  
دروغ بی فروغین تخمیر ایدوب یوزیک تو من علی قلیخاننه و آلی بنک تو من طرهما کسینه تسیم اولندی دیو  
شاهه چوب و بر کلرنده محصله وجه مأموری تحصیل و مجالته اخذ و ضبط ایچون ارسال ایلی بو خبر علی قلیخان  
و اصل اولدقه عذر و انکار حضور شاهیده مفیده اولدینغی بیلوب سیتا اهلایسیله اتفاق ایدوب  
مخالفته آغاز ایلیدیر طرهما کسینه قلیخان ایله ابتدا ای حالندن بو آتته دن اصلاحیال خیانت پیرامن خاطرینه  
و شایبه نفاق هوالی باطن و ظاهرینه یول بولیوب صدق و اخلاص ایله عریضی خدمت شاهیده کوزان  
ایلی ایدی آلی بنک تو منی کند و زمتنه خیر اولدینغی اشته که اولامتو حش اولوب مخالفته علی قلیخان  
موافقت ایدوب نادرک اولادندن بریسی جانشینی اولموشر طبله شاهک اضاعه و اعدامنه عزیمت  
ایلیدیر علی قلیخانن ضمیرنده شاهلوق سورا سی اولدینغنه مطلع اولدقه منع و نصیحت صد دنده اولوب خیر  
خو اهاننه بندر ایلی علی قلیخانن طرهما کسینه قلیخانن کند و سنه یار اولیا جغنی بیلوب ستم اسقا ایلمه  
عریضی هلال ایدوب دغدغه سندن قورقلدی **دیه و قات حکمران ایران نادر شاه و احوال خسرو انال او**  
**نظم** چوی کوزمشو زذوالنی غدار اولدکن کوتاه اولور حیاتی ستمکار اولدکن نثر مفادی او زره شهبود  
تجربه کلادن ارباب بصائر و معلوم کاد آموزان اصیب ضمیر درده اوتته دن برو مؤتد من عند الله اولان  
علیه ایدر اکتاه ایله دائره مخصوصه و معاداته قدم نهاده اولان مطاران خسرو ممالک اول امرده نایع مکر و  
چندر روز اشتعال و سراره پاشی ساهه کفاح و جدال اولور ایشه یه چوق سور میوب در حال زلال عنایت  
جنگ قدر دزی الجلال ایله انجاد نارفاد و انظفای آتش اضرار و عناد لری بیدار اولوب ایقاد نو ارقته یه

۲۵۴



سب اولئك اكثرى دُعْبُ دُعْبُ دست روزگار هرگاه کردن چشیده زهر ایه مرگ و هلاک و بدنام و رسوا می اید  
افتاده خان مُفَاک اوله کله کله معلوم عالمیان و علی الخصوص یو قادر دُن بری تفصیل و بیانی اولدنی اوز  
حالاً فرمای ایز اولان نادر شاهک احوال و خامت اشتمالدن بجه بویو زدنر که فی الاصل فطرت جیبی  
ناباکی قَتَان و قَتَان و مشرب ملعت ناک علی الام اتلاف و الهلاک نفوس ایه مجبور و قتال و سفاک اولدنی  
بشقه اصلنه شاه و عربی شاهن اولد یغندن اهالی ایراک کنه و سینه محبه کرم الفتح اولدی و طوعاً و طوعاً  
اطاعتنه بولنمی مقوله محال اولوب کنه و دن صلح اولد و اعقابیه دخی عقید پیوند امتزاج و موافقت  
اولیه جفوری محل اشکال اولما مقله بومعنا دغغه فرما شاهک جرم کرده حرم و احتیاطی اولدی حبسینه  
مالک ایرانه کنه و به بعد زمان اولد و اخلافه مخالفته قادر و خروج و صوتله جسور و متبادر اولور بربری  
قیه حیاته بقا ایتیموب صفویه رجالیله کلتیاً بیج زنه کانیلین برکنه قلمی سودای خام و خامت انجامنه کفکار  
و اکثر عکری دخی اوز بک و افغان و قجار طائفه سندن اولمیس ایراک عکریه طلیاً عدم دغبتدن ناشی تن لیل  
و پامال بلکه قهر و دما دردی داعیه کی خنجه افکاری اولوب الملاج بقی مع الکفر و لا یسقی الظلم نکته سندن غفت  
و اغنیاء و رغبتنه علی العموم تکالیف مالایطاق طرفه مبادرت ایتطبه نیجه خانه خدا خانه جد او مصائب  
سامانز بیا به مبتلا اولد قلندن ماعدا مدت میدره دن برو اعیان و اشرف ممالک ایرانک اکثرینی بربرانه نایاب  
ایه قتل و اعدام و ترکه و مالین غصب و اغتنام و بقیه رینک دخی بعضا کوزرینه میل چکک و بعضاً اعضا  
قطع ایتیمک متللو عقوبتاً خیب انجامه اجهت اوقام ایلد و کنن غیری اردو سنه استصحب ایلدی طوی ایف  
عکریه کرده رینک دخی بلا موجب انواع سیاست و جور و اذیتلرینه مکتب و ساعی اولوب بو گونه غدر  
اعتسافه مانوس و اکثر یازیرکننده و خدمتده اولان طوی ایف عاکرک باشی بو غلندن امنیت مرتفع و طلیت  
ایه حیاتلندن مایوس اولد قلندن ناشی **مصراع** کستور مغلوب یصول علی الطلب **نزه** مفروجه اکثری داه  
اطاعتندن خروج و درو کردن و وادی طغیان و عصیان شتاب و هر هره ناتوق غایبه صلابتده بر هر بر صوب  
نشان اولد یغندن غیری بر مقتضای روزگار نابری دربار ناباید ار استدر اچ لکه خود از خرد و هر جرتدن  
ایر بلا باراد بار ظاهر و آشکار اولوب سپهر اقبالنی دار افتاد محیط و شامل و مثال شاهقه جبال شاهک بارگاه  
بالاندام سلطنتنه صاعقه ذوال نازل بلکه طناب عری بکسته و نظام کارگاه حیاتی معجل و زایل اولدنی  
خبری مقتضای صحت اوزره اول امده خانان اعجازی مدن کرمان شاهان خانی عبد الجلیل خانک قره انشی اوغلی اولوب  
شاهک طویخانه ناظری اولان امیرخان کورد همیس خان و ادی عصیانده قدم نهاده و هر بری عاکر و افر ایه  
بر محله تحسن و قتاله آماده اولد قلندن ماعدا شاهک قره انشی ابراهیم خانک اوغلی علی قلی دخی او تو زدن

مقداری اجناس مختلفه عاکریه خروج و طفیله و شاهک ازاله سنه دامن در میان ایدوب بوانشاده شاهک  
اردو سنه اولان کشتی بشتی توجه بک و جزایری بشتی صالح بک ایه مرقوم علی قولنی مکاتبه و شاهک  
بر طریقله قتل و اعدای خصوصیه سنلر نه مقاوله و معاهده اولوب وقت فرصت مشاهده سنه مترقب  
و مترقی و آماده اولمشربو ایام اختلال ارتسامده بروجه مشرووع بابیرون دایره اطاعت و واصل هرته  
غوایت اولان سالف البیخانانک تأدیب و کوشمال و قدر و استیصال لایق شاه مشار ایه اردو سیله  
اقامت اوزره اولدنی مشرب طرفدن حرکت و قوه چنانم محله بسط بوریای ثقلت ایلد که اهالی ایرانک کنه و به  
سوء قصد و ضمیمه خباثت سیر لری خیانت و اهانته اوزره اولد یغندن خیر و آگاه و عارضه و هشمت  
کریم گاه احتیاطه روبراه اولوب اوغوللری نصر الله میرزا و رضا قولی میرزا و صفوی عرقنه متواصل  
طرحا سب شاه دخترندن حاصل اولان اوغلی و ولی عهدی اولدی اوزره لسانه کتور دیک صید  
شاه رخ میرزایی دخی حرمی خلقی و اکثر اموال و اشیا سیله کلات قلعه سنه ارسال و تسیر و معینه اولان  
افغان و اوز بک عکریه کنه و به معین و ظمیر عدا ایلدو بطائفه قزلباش و طفیا ایدن او باشلر اوزرینه  
تسلیط و قتل عام و جمله سنی قهر و اعدام ایلدی چون سر کرده رینه تنیه و تاکید و بولکار موجب الادباده عزم  
و جزمینی اظهار و تأیید ایلدی کی خبری دخی متواتر و شایع اولوب بو جرتدن اکثر رجال ایراک و خانان انجام  
حیاتلندن یا سقیم ایه ازاله و اعدامه کمر بند اتفای و اقدام و تشمیر ساقی اهتمام ایتلرینه دیار خراسان  
خوشامه و درنده فتح آباد نام منزله سنه مرقومه ده ماه مجازی الاخره دنک اون برنجی کیمجه سی بلاده ذکر  
سبقت ایدن کشتی بشتی و جزایری بشتی صالح بک معقاری و قانون و قاعده لری اوزره کویا محافظه  
صورتنده شاهک دائر سنی عکریه محاصر و مقدمات علی قلی ایه اولان اتفای و معاهده رینه نایاب  
سوء قصد رین رتبه قوتدن هیر فعله کتور و بشاره فرشته غنوده و خواب آلوده ایکن روانی محمد بک  
قباهار و موسی بک افشار و محمد قولنی و سار کشتی بشتی ایشی اون نفر جالان و قتان ایه علی الغفله بی بانک  
سرا پرده شاهه دخوله ایتیم و انزمام و تسلیم حیف ایه قتل و هلاک ایلد قلندن صلح  
مقطوعنی و اوزرنده بولنان بعض مجوهرات اردو و سر غوغ و آلاتنی اخذ و مذکور علی قلی طرفه ارسال  
ایلدیلر **اتفای غریبه دندرکه** بعض ارباب بجومک اخبادی اوزره شاهک کوبکی مسخر اولوب وقت  
مرقومه میرخانک احتراتی محقق اولمقدن ناشی اقتضای تأثیر ایه بویو زدن قتل و هلاکی ظهور ایلدی  
و الحاصل لیله مرقومه دنک فراسنده شاهک هلاکی خبری میا عکرمه شایع اولوب میتی دخی علناً مشاه  
اولدنده طوی ایف افغان و اوز بک ابراز عیت و قزلباش کوهلندن مفارقت ایدوب و بر رینه قیدی خصوصاً



بنای بنیاده مقارنه و محاربه و قوی عینه چندان قدر و غلبه کوسر ملیه قدر تری مرتبه دسترس اول تری  
دو آب و مویشی انتر بایله مشرف طرفه راهی و سائر عا کر انجام دخی هیئت مجموعه دیده موجود اولان خزینه  
شاهی و خیام و بار کاهنی قالدروب سالف البیاعی قویلی اولدیغی محله شتاب اولیدر و یوم مرقومه شاهان  
معتبر و کبار دجالدن نظر علی هانی عکراخذ و قتل و معیر خانک و ملا با سنک اموال و اشیایس زب و  
غارت و کندی فرار و غیبت ایله تخلیص کریبک هیات اولیدر بو ائشاده شاهک سر بریده جسدی و موجود اولان  
هرمی خلقی میدانده قاطغه شاهک مرهرداری هرمنی اتله سوار و جسدی دخی بر دوه یه تحیل و مشرف طرفه  
تحویل ایتدکه اثنای راهده اگر اذ طائفه سندن بر کرده او زدرینه هجوم ایتدیه محاربه ائشاده لاشه بی  
برده ایچنه القا و اوزینه طبراق و ضعیفه تقیر و اهفا اولیدر و کیفیت مرقومه و قوعندن صلک ایرانک  
لهر جاننده فتنه و اختلال دونا اولوب و غصب و غارات و مقارنه و محاربه و انواع فساد و شناعا  
و قوعندن ماعداد عوای شاهی و بو هنگام اختلاسده کلاه ربالو و اذینده اولن طرف طرف هیئت  
و علم افزانیت و تحصیل دستمایه قدرت و مکنت قنده اولوب ازان جمله شاه حسین صفوی اولان  
اولوق اوزده سام میرزا نام شخص مجرول ماده مرقومه و قوعندن صلک آذربایجان هو الینده ظهور و منول  
ایتدکه دعوی شاهی ایله بنام و بعض خانان اعجامه ایصال ارقام و باسنه او تو زیلک مقداری قربانی  
اجتماع و اتمام ایدوب قاعده اعجام اوزده اذینده شاهغه بقدر سیف ایله صاحب اعتبار و شهرت  
اولدی القصد شاه مقول اولدیغی کونک فردسی افغان طائفه سنک ریسلی اولان ایدو خان ابدالی شاه  
مقتول او غورنده ابراز غیرت و هیئت ایله سکی و کوششی بی فائده کوروب افغانه کوهیله قندهار جاننده  
روانه اولیدر و علی قولی دخی سیستان قالقوب هراته و ادد اولدقه خزینه شاهی و خیام و بار کاهنی  
کو تودن عا کر انجام و افشاریه دخی و اصل اولوب هققیت حالی عینده بیایدیلر علی قلینی فلک زمان  
مادی اوزده دودان ایتدکنی کوروب عجماله هراتن قالقوب ایلفار ایله مشرفه و ادد اولدقه سر براب  
نام غلامنی سر کرده ایدوب بختیاری طائفه سندن و سائر اعجامدن بر کرده معیشله طلات قلعه سکی اوزدینه  
کو ندردی اتفاقا غریبه دند که طلات قلعه سنک مستظرفی قلعه یه صوجقار می ایچون خارج حصاره  
زربا و ضعیف ایدوب صوجقار دقله نضک قضیه دن غافل اولمغه زربا هالی اوزده حصاره طایالی دور کین  
مأمور دیشوب فراز برجه عروج و درون قلعه یه ولوج ایلد کورنده نصر الله و امام قلی و شاهرخ میرزا راه  
واقف اولمغه بر اسیبه سوار اولوب جانب موه فراد ایلدیلر علی قلینی تک بر ادی کاظم خان اول وقت طلات  
قلعه سنده اولمغه خارج شهر دن تک تعاقب ایدوب میرزا منزل المغه مایو سا رجعت ایلدی نصر الله

میرزا نیک تو شیحی حقوق نان و نیکه ماعا ایتیب میرزا زان اردو سره سوروب طقوز فرسخ مقداری  
محلده یتشوب امام قلی میرزا و شاهرخ میرزایی گرفتار ایدوب نصر الله میرزایی دخی طومنی ایچون قربانقلی  
نام غلامنی ایلفار ایله متعاقباً ارسال ایلدی هوض سنک نام موضعه یتشده نصر الله میرزا قربانقلی  
ضرب شمشیر ایله هلاک ایدوب کند و سکی بجات بولدی مرقوم شاهرخ قربنه و اصل اولدقه اهالی مرقون  
قراولدی طومنی طلاته کتور دیلر طلات قلعه سنده رضا قولی میرزایی اوان التی تقربون و کوجک  
اولاد و اهفادیه زاویه عدمه کوندردیلر علی قلینی نصر الله میرزا و شاهرخ میرزایی مشرفه مجوس و در  
زندان ایدوب قتل اولیدر دیو خلق ایچنده اشاعه ایلدی بو نون مقصودی اگر بارک اهلقله مستقل اولد  
ایه انتری دخی اعدام و ازاله ایتدکه سائر مقتولده ملحق ایدوب دغدغه لرندن امین اوله و اگر اهل  
ایرانک شاهی قیول ایتدکه ایسه شاهرخ میرزایی شاه نصب ایله لر بو خلاصه حال سفیر ایران وزیر مکر سرتیه  
الحاج احمد پاشا حضرتلی امر سفارتله همدانده بولمغه **مصراع** یک روز بحر ایچنه خوشی قوه سال نتر مفری بجه  
بالاده تمسید افغان نادره کراهک مجازات علی واقع اولوب بو اخبار دقتت انا دشار ایله ایچی شاهرخ  
همانده اقامتلی ایامنده ککی کبی معلوملی اولوب و بو ائشاده اهل ایسی دخی دائره اطاعتن خروج و  
شقاوته و لوج ایدوب بعضی افغان و اوردنک طائفه سینه آهنگ جنک ایدوب بو و جریله سو سو کوز  
ظهور اولان فتنه و شقاوت سده راه سفاوت اولدیندن ماعد ابو ائشاده وزیر مشار ایله و معینه اولان  
هدایایه سور قصد نیستی ایله ابراهیم خان نام شقی التی بیک مقداری مشرف ایله همانده دوت عتس محلده ادرام کین  
فرصت و درت بیک مقداری اوز بیک طائفه سکی دخی هوالی همانده مد طناب نقلت ایتدیه وزیر مشار ایله  
ایچون برو و جریله پیش و پسه حرکت ناقابل و همانده خود اقامت بی طائل بلکه محذوری مشتمل اولوب بو کونه  
انقلاب عظیمه و داهیه و بیات جسیره ظهور ایله جده یه ضحوت و اضطراب و هیرت افزایی سبب و تاب  
عارضی اولسکن امداد و عنایت بادی تعالی ایله وزیر مشار ایله حضرتلی ذاتلنده اولان دشت و سداد  
بو بابه تدابیر صائبه بی پیش نرید و معیتنده اولان دجال ایله بعد المشاوره اتفاق و اتحاد ایدوب اذینده  
موجود عا کر اسلامه قوت قلب اولد تسلیت و هیئت مجموعه رینی تشندن صیانت و لهر حاله تقویت  
و متانتینه صرف نقیینه لغت ایدره دن متوطلا علی الله تعالی و مستعیناً بالله تعالی ینشگاه هماندن فلک  
طناب نرضت و مطح انظار غارت کین اولد هدا یایی همایونی قلب عک مشابیه سنده حفظ و حرکت و جلالت  
کو ستر دن بغداده سمت اولان سینه قصبه سکی جاننده عنان بر عزیز اولیدر و اثنای راهده دخی هو اور و طه  
هو لنان و تجر و تجر ایدن مشرف قنار بی اددان نرسچ غریترینه القای حس و خاشاک شرو شور و زهره



ایتد کلر بنجه معتبرند اولان دلاوران عاكر اسلام ايله بردلانه وادی جا سپاری به اسب دان اهتمام اولوب  
اطاله دست تعوی به جارت این ظلت نشینان غوایتہ الماع تیغ آفتاب ایلہ اظهار نو اتر قدرت و هم  
بری ضرغام بیسه زار جلادت و روی اعدایه پیجه زن صولت اوله رفی بوقایه الله تعالی آدای صاحبه شیر  
ری انضامیله هادد انکیه اثر اردن دکهایاب و سمیت بخاچه شتاب و ایادی اضراد و انتداب من مصون الجناب  
اول قری حاله شهر در جبک اون کزنجی کوی قصبه سینه یه و صولتی میسر و محل مرقوم دن دخی سیر و سفر  
حدود اسلامیته یه داخل و اواسط شعبانده بالامن و السلامه بغداد دارالسلامه و اصل اولدیلر شاه مرقومک  
زوال دولتی مسموع و معلوم و النادر کا طعمه مفریوی بغداد و ایسی پنا حضرتینک مکتوب و قائمه لیده در  
مداره عرض و اعلام ایتدیله اشکاد اولدقه بویا بده شرفیافته صدود اولان خط لهایو مو جینجه کرای عالی جناب  
اصفیه عقد افغان شوریه بغداد دن و رود این تحریرت جمله مواجره سنده خرائت اولدقه اگر چه اخبار  
مذکوره اوزره نادره تران کاد و باردار فنا و ممالک ایرت دستبر دزب و یغی او طش و لکن بوندن مقدم شاه مومی الیه  
ایله عقد افغان مصالی همد و سنور قریه یه رعایت اولنمی و جهره ربط و بند اولنمش بولدیغنه بنا دولت  
علیه ابر قیام مصالی مرقومه ده اظهار ثبات اقام ایلدک و خلافتنه عشا کومر ملک لازمه حالن اولدغه  
کیفیت مذکوره ایرت همد و دینه ملاصق اولان سر هادد ای دولت علیه نکه و لایه و حکام و سایر ضابطانته اعلا  
و اشاعت و هر کس محافظه سنه مأمور اولد قری قلاع و ملکتری ککی کبی حفظ و حرکست و ایرت طرفدن رعایا  
و عجزه مقوله سندن برو طرفه طوعاً کلور اولور ایله انجی او مقوله لرن مسافره مناسب محله شریک  
وضع اولدیغینه اهتمام و دقت اولنوب جانب سلطنت سینه دن ایرت همد و دینه اختلاست وقت فرستد  
دیونربا و غارت و ایصال خسارت داعیه سیله بر فردن بر خطوه تج و زو تجا سینه رخصت و هو اذدن  
مباعدت اولنه رفی الحاله هذه انجام کاره هو الة کوشش بصیرت ایله بوندن بویله ظهور دیده جل خیره  
ترقب و انتظار اولنوب امر لهایو مو جینجه سرحدات اسلامیته ده بولفا و لایه و حکامه وجه وجهیه  
مذکور اوزره عمل و حرکت و خلافتن مجانبیت ایلدی باینده مفصل و مشروع او امر علیه اصدار و ارسال  
یورلدی **دربیت سلطنت علی قلی بی و ابراهیم خان و خاتمه کار اینت** علی قلی بی انجام کار شهر ادا کاندن فارغ  
البال اولدقه سنه مرقومه ده ماه مجازی الآخرة نکه یلرمی بیخی کوی تحت شاهی به جلوس و کند و سنه  
علی شاه و عادل شاه تسمیه و سکه و خطبه بی کند و نامنه ایلوب اول تاریخده هر کور دیویشوز بیک  
تومن اولوی اوزره اون بش کور نقد سکون سا جو اهر فانه دن و حساب و قیاسدن بیرون و و قلم  
واندیشه دن افزون تحایف و نغایس دن ماعد اطلاح خزاننده موجود اولدغه جمله سنی دوه دره تحیل

ایر وب مشهوره نقل ایتدیدی دست سخی کی شاداید وب اسراف و تبذیرن دایینی و یروب رد و کوهی بی ۲۰۶  
وزری سنک و سفال کبی مبذول ایلدی قزناشی ابراهیم خانی اعتماد الدوله سنی مقاضده ایروب و بالجمه امو  
سلطنتی اینک برینه تقویض ایلوب کند و سنی می و محبوب ایله عیش و عشرته مشغول اولدی چونکه  
مشاد ایله نادر شاهک و فاختن صلح برادر زاده سنی علی قولنجی بالارن و الاستحقاق اجماع آرا و اتفاق  
ایله ایرت شاهلغنه انتخاب و اختیار و تختگاه سلاطین کی اولان اورنک سلطنت ایرت اوزره جلوس  
و استقرارینه اعتبار اولدغه علی شاه عنوانیله اهالی ایرت میانده تحصیل نام و نشان و تکمیل کرد و خراج  
نشان ایروب مقدمه استمدیده و الم کشیده اولان رعایا و بر ایایه مد ایادی نصف و خاطر منکر لرینه جیند  
تسلیم اولدیغدن غیر بر مقتضای خالک ایران طرف طرف علم افزان طغیان اولان بعض مدعی دقتا  
دخی طرفه ابعادنه صرف جل اهتمام و مسند شاهیده استقلال و استبداد اوزره قیام ایلدی کند و سنک  
لایق دیریم شاهی و فایق سیر آرای می هی اولدیغنی داب دیرین و قاعده پیشین اوزره عرض و تبیین ایلدک  
تصدیه مظهر خلافة الله اولان دولت علیه ابرکتناه و سلطنت سینه جره پناه طرفدن قبول و سلم  
اولوی و هادس محروسه حرمین معظمین اولان جناب شهرنماه مشرقین حضرتلندن و سیده خطاب  
مستطاب اولور نامه لهایو عنایت مرقوم صد و دینه بین الاهالی افتخار و اعتناسی درجه ترقبه  
بولنمی حالتین ملاحظه و تفکر و بو طریقته ایتقه اوزره شاهلغند دخی استقرار و استقبالی میسر و مقرر  
اوله جغنی تیقن و تبر ایدن بر وجه محرد تختگاه کیانه جلوسنی هاوی و نادره و قنده بین الد و لیتن  
منعقد اولان رو ابط صلح و صلاح مستوجب الفلاک تاید و تاید لی محتوی طرفدن عتبه علیه جره پناه  
نامه و کبار رجال ایراندن اعتماد الدوله مقاضده اولان برادر کتر می ابراهیم خاندن صد اعظم حضرتینه  
و منلاب شیشی منلا علی کبر طرفدن شیخ الاسلام اقدی به مطایب ایله کرمان شاه خانی اولان محمد عبد الکریم  
نام خانی ایلد تعین و بعثت و تسیر ایتطله ایلدی مومی ایله قطع منازل ایردک بغداد دارالسلامه و اصل  
اولدقه برای اقتضا اولدغه بر مدت ملک و اقامت ایتدلدک نضک درگاه عالی متفرقه لرنن سید محمد  
اغامر هاند تعین و آستانه سعادت کتور مسی فرما عالی یورلدغه ماه بسج الاخرک شیشی بجشبه کوی  
اسکانه وارد اوله جفی اخبار اولدقه قاضی کوی قریبه شیشی بیخی باغچه سنی مقابله و اتع فضائی زعفر  
معتاد قدیم اوزره مطلق هادد رای قوریلوب مطبخ عامر امینی علی اغا طعام تدارکنه و ترسانه عامر امینی  
محمد بک اقدی مطلق ناظری نامیله مأمور و استقبالنه بر قیوچی باشی تعین یوریلوب یوم مزبورده مطلقه  
نزل و ایکی کجه محل مرقومه بیتوت ایلدک نضک اسکندر اسطه سنه آماده قلنا ایکی قطعه چکرمه و قاق



ایه استانبوله نقل و تسیر و بر موجب قاعده تشریفات جاوش اغا و کیلی اولی اوزره تعیین نظر رجال دولت  
بر وجه اکر ام ترتیب آلی ایله شهر امینی مستند و اقع ایلی به تخصیص قلناک باد و تخانه سرینه ایصال اولندی و چند  
روز مرودند نضک سرای جناب اصفی به دعوت اولمغله بر وجه معتاد اصطبل عامر دن کندوسی و اتباع ایچون  
اللی الی داس دو نامش آتکر کونریلوب قاعده قیده اوزره چاش باشی و بر قاپوچی باشی و چاش و شکر کاتبی و سنی  
و او تو نفر چاش و شان دیوان و نفر ایله عیاشی و صوب باشی مأمور و تعیین و علی السحر مومی الیرتی قونا غندن  
آلی ایله سرای اصفی به کتور ملریه مراسم عادی مرمان نوازی اجرا سندن صلح جانب ایران کنکور دیکلی  
مکتوب برینی تسلیم ایتمله اکر اما کندویه فرجه سمودار طان و معینه اولان میرزا و اوچ نفر اوغولینه قائم  
کودکلو و اتباعنه خلعت الباس وینه کندویه بر داس دو نامش آت اهکاب یوریلوب طلیکی منوال اوزره  
مطیبا قونا غنه اعاده اولندی بو اثناده بر قاج کون فاصله ایله سفیر مومی ایله ماه جازای اولینک اوچی  
صالی کوننده و اقع اولان دیوان لایقونه بر منوال سابق تعیین افضال ایله کتوریلوب تناول طعام  
و قاعده دولت ابرقیام اجرا سندن نضک مراسم الف ایسانه قیاس ایله کورکلو و خلعت الباس و بعده پایه  
سیر شوکت سیر جناب پادشاه کتور کیره دغوده اولمغله مظهر اعتبار و توقیر اولوب حامل اولدنی  
نامه شاهی عرض و تقدیم و لازمه عهده عبودیتی اولان خدمتی ادا و ترمیم ایتمله طرف لایقوندن دغی کندویه  
مرین بر اسب خوش اندام عنایت و انعام یوردلی **هالا شاه ایر علی شاهک نامه سیر ترجمه کی صورتید**  
هو الله المحود فی کل فضاله **بسم الله الرحمن الرحیم** تبارک الذی بیده الملک و هو علی کل شیء قیر یوتی  
الملک من یشاء و یرحم من یشاء **وله العظمة و الکبریاء انه بذلک جدر عده و حسابدن اخرون نیایش**  
و هو صله دفتر و کتابدن بیرون ستایش بر خداوند کار مجوده سزادر که بدلول کیرمه **عسی ای بعثک**  
دبک مقام محمودان تحت فیروز بخت سلاطین یاداد و دینی زیور لالی بزرگی و بزرگوارگی و دراری سلطنت  
شهر یاری ایله رشح فرمای اریکه نریا ایدی **و جیح و شکر بعد بر پادشاه علی و عظیم و دوده بر اشد که**  
بنطق آیه وافی هدایه **و دفعناه مکانا علیا مرتبه فرما فرمایا معدک آیینی زروه برتری به اعلا**  
و درجه مسروری به اصعاد ایله قین قه قبه سما یوردی **و قطرات امطار دن بر ترصلو و تحیات**  
او خضعت خطاب **لولاک ایله معزز و تشریف و ما ارسلناک ایله مشرف اولان سینه ابراد او خندان**  
دو چا پرورد و دوح پر فتوح فیض کسرتینه اولنگه و جودزی جودی علت غایبه آفرینش جرب و منشأ  
نظام و التمام عالم امکان در دنی اولاد اختیار و اصحاب کباری اوزرینه اولنگه عالم صورت و معنی قاش  
تار و بودی نسیم و تالیف اولدنی و قدن بر و بختهم و بختونه **مفادی ایله تجیب و تو در اتم غیر الانا**

باعث و بین الخاص و العام دفع غبار تبغیض و تعانده موجب در بسط بطا صفت سیم دعوی خالصت **۲۵۷**  
علامت صافیة و افیه دن صلح **اعلی حضرت** فلك رفعت **کردون بسط** **استی شوکت** **آفتاب**  
تاب **قر رهاب** **بر ارام انتقام** **مشرتی غلام** **نریا سیر** **عظاود دیر** **زهل چاکر** **ذکره رامکر** **فلك**  
سلطنت و کامکارینک نیر عالم افروزی و اوج عظم و بختیارینک کوبک فیروزی فص خاتم شهر یاری نص  
کتاب خداوند کاری ملک تاج اجدان نریال برنگوفه رحمت و هداسی بوست عالم امکانک شاخسار بارون و  
بارد آفت و سنی سنی سلطان البرین و خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین ثانی اسکندر ذی القرنین **...**  
عیس الانس و انس العین **نظم** پادشاه دین و دولت سرور روی زمین **شهر یار ملک** **ومتی ظل حق** **سلطان**  
دین **نشد سلطان سلطان** خداوند کار آستی **نشد خلیفه** اسلام لازال کوبک دولته فی و تدر سما البر  
والارتقاء طاعة و بجم سعادت **فی بیت شرف السلطنة ساطعة** **حضرتینک جام کیتی نمای صورت**  
هر کونه مدعا اولان دای دیزین کزین و ضمیر منیر عطف و قزین بندگان دارادربان سپهر شادرو اندرینه فرو  
و مکشوف اولان اولدر که بمقتضای حکمت جناب رب العباد پیرایشن به اجداد عالم کون و فساد اولوب  
در که هر کوشش که قابل نشود و نما اوله کل رعناى محنت و راحت ایله بربرک و بار در و طی فرورد هو عالم  
غیب و شهودده هر سال که بچکده در فصل خزان بر بار نعمت و نعمت ایله شمار اولمغله در هر ذی حجه رحمت  
وترحه فرج قریند قضیه هائنه پادشاه قوی دستک سلطنت نادر شاهکه مقروع مسامح امنای دولت  
علیه سلطانیه اولمشد و تو عند نضک عنایت و مشیت کامله خالق ارض و سما و قادر بقوم توانا  
ایله بو نیاز مند درگاه اله و مخلص بلا اشتباه ادنا و استحقاقا و اجماعا تحتکاه سلاطین کیسه اولوب  
سلطنت ایره اوزره جلوس و تمکن بولوب آسایش و آرام خواص و عوام و نظام مرام کافه انا  
که و در اوج بدایع ملک علامه مرصی همت اولمشد چونکه بو واقعه نیک اول دولت علیه نیک صوب  
سعادت او بنه و اول سده سنیه بریه نیک جانب خیریت مناقبته اعلامی لوازمک ایدی بو  
آوان میمنت اقترا نده ارادت باطنی و عقیدت صافی و مزید استحکام بنیان اتحاد و التیامه نظر ابو زریعه  
خلصانه و نطقه یکجرتانه خیر و ترسیلنه مبادرت و قدیمی معتقد و آشنای داه و رسم آداب سفارت و دست  
اولان عالیجاه شهرامت دستگاه محکم خایله مصحوب **استی** ارسال اولمشد اول مره فروردین سپهر سلطنت  
درودی و بدرکامل النور آستیا ابرت و بلند اختی خلیفه اسلام و مظهر آثار رحمت و مکرمت حضرت ملک  
عظام و منج مقاصد و مرام قاطبه انا م خواص و عوام اولوب و قدیم الایامدن الی الان شارع دوستی و محبت  
بویاکی دولت ابد مدت عظمی و سلطنت دور به عدت کبری میباندند مفتوح و طریق آمدند سفر او ایلچیا نکتده ذکره



وقت مابینه مسجون و در رسم مغایرت و مباحثه متروک اول یعنی اهلدن بو مخلص بلا اشتباهک دخی  
مکارم اخلاق ملوکانه و محامد اوصاف پادشاهانه دن ترقب و استعدادی اویله در که موافق شایر کوا  
و بزرگ منبئی اول یعنی او زده دستور سابق شیره کرمه و قاعده مستحسنة اتحاد و اتلاف بین الدولتین  
العلیتین که البته موجب رضا و خوشنودی جناب رب العالمین و رفاه حال امت حضرت سید المرسلین  
صلوات الله و سلامه علیه و علی آله و اوصی به الطاهرین الافیاد الابحیسی در معنی و ملحوظ و پیوسته  
آمدنی مفاد و ضامات مشفقانه و ارسال و ابلاغ مکاتبات و رقیبیه و دوستانه ایله شارع شفقت و رافت  
و عطف و یگانگی بی مغایرت و یگانگی نظر قندن مصوب و مأمون و محفوظ یوره ان شاء العزیز تاخیره  
ذندار کون سپهر طناب و ستون ارادت و مشیت قادر بیچون ایله بر پا و چهار عناصر غرضه اخشیجان  
لهستی و روحه متکا اولدجه بر وفق تمنای قلوب مخلصا عقیده نشاء و محبت یکجرتان صداقت بنیان  
اطنبه شاد و آسما ساینه خلافت و جربانی و عالم مداری و سر ادق سپهر مصادق سلطنت و کامکار  
و شهر یاری او تاد خلود و ابود ایله مشیت و آفتاب عالماتاب دولت و عظمت و آقدار و کامرانی و ساطع  
سعادت و فرزندکی و فیروزی و اقبال بیرون تاب و رخسار و سایه بلند بایه چتر حیات و عنایت هنکاری  
مفاد اسلام و اسلامیات او زده مخلصه و مؤید باد بخت کعبه و آنکو بنای کعبه نهاده نقش مهری بنده  
شاه ولایت علی مقام صد ارت عظمی به علی شاهک برادری و اعتماد الدوله سی مقامنده اولان ابراهیم میرزا  
سفر مومی ایله و ساطتیه طمان مکتوبک ترجمه سی صورتید ان شاء الله تعالی دما کوب در خشنده  
وزارت و ابرت فیروزی و اقبال و اختر فروزنده شمش و بنالت و بروردی و اجلال مطلع سعادت نیکنی  
و کامراندن طالع و لامع اولوب میامن تأییدات ایزد متعال و امداد بخت فرخنده فال ایله مسند آدای صد  
و دولت نیکو محضی و وساده پیرای عزت و مکرمت و هدایت کسری اوله را ضو آد دعوت طیب سادستی  
ایک نشردن و دروای حیات غالیه مسکینه الفوها تنسمن صلح مشهور دای مرآت سیم و مکلف  
ضمیر میر مرانجلاقنور که رحمت و مغفرت مال پادشاه قوی دستگاه سلطان ناد شاهک ابد ای ظنون دن  
احوالی و اختر اقبالک عربی و غلبه و کشور کشانی جناب عالی لینه و جمهور عالیانه ظاهر اولوب او  
اخر حاله غلبه سودانک هیبندن مال خولیا مثلور بر منه مبتلا اولوب طبعی عدل و داد کسری حد  
و رافت و رعیت پروری ضابطه سندن اخراج و طریقه ظلم و تعدی به میل اید و ب عوم اعالی و ادالی  
ایر و وزینه کار صعب و دشوار اولوب بوساله دن که کسرت و لایت عراق دن معاودت و خرافت و در  
ایلدی خلق او زینه تعدی سی سابق دن زیاده اولوب بر مرتبه یه و اصل اولیکه نادر شاهک اردو سنه

شب و

شب و روز اطراف خیامنده کند و بی حفظ و هر است ایدن افشار قبیله سی اعیاشدن جمع کثیر سار عسکر  
سر کرده مریده نادر شاهکی اتلاف و ترضیع امر نه یکدل اولوب و نادر شاهدن و اولاد و اهلان دن کمال  
مرتبه اگراه و انزهار طوطی درونی الحقیقه انزده دخی تمشیت امور عظیمه یه قابلیت و استحقاق یو  
ایدی و نادر شاهکی ترضیعده اولان اتفاق و اجماع دن صلح نریا ملکان فریدون رأی داد ادرین پادشاه  
جشنید جاه سلیمان شمس خد او نه کار کردن دستگاه قان شوکت آفتاب عالمگیر برج عظمت و کما  
مکاری نیر فزونی آسمان سلطنت شهر یاری آیت رحمت کتاب الهی سایه رافت خود نشید عطف ناستان  
طلستان امطانه سبب لطف و احسان بوکشتا عالم وجوده نسیم رحمت و امتنان پادشاه سلیمان شان  
السلطان علی شاه ایده الله تعالی بعونه و نصرته جنابک حضور سعادت و فوینه کیفیت مزبوره یی  
عرض و تظلم اتیدیلر اول انشاده شاه مشار ایله سیک تا مکتوبه اول طرف دن انتظام امور دینه متوجه  
ایدیلر شاه مشار ایله بو ظلم و عدو الی رفوع ایچو یاری حضرت باری و عون جناب کتعالی ایله ولایت مشهر  
طرفه عطف عنایلدی و اول وقت نادر شاه ولایت مزبوره ده توقف و خلقی زجره اصرار اتیدیلر شاه  
مشار ایله لهت و الانزمتی بو خصوصه صرف ایلیدر اهل اردو لهر بایده بی طاق و عاجز قالیدغه بنا  
شاه مشار ایله و زودی و قتنه دل تحمل اتیبوب افشار قبیله سنک غازیلی شهر مجازی الاخره دن  
اون برنجی کیمه سی نادر شاهکی قتل ایدوب و بو انشاده شاه مشار ایله قرب و جو اوده اولدیه او و دوت کون  
ایچنده دولت و سعادت ایله بنده مشهرده داخل اولیدر بو کیفیت واقع اولدق نصلک بالجمعه ایرانک  
سر کردگان و امراسی و اعیان و قبایلی بنده مذکورده ده حاضر اولدیه شاه حضرتینک پابو سلفی عزتیه افز  
اولوب کند ولایتک انتظام امور و التام شکسته کی و اجتماع پراکنده کیدین عجز او تظلم حضور شاهین  
رها و استعدایدوب و بو امر جمیم و کار عظیم تأییدات و تفضلات و هاب علی و عظیمه منوط لغله  
شاه مشار ایله هدایت ازلی و اولویت و استحقاق ذاتی و استعداد و اکبریت اولاد مرتلری بولیدغه  
بنار بوزمان فیض نشانده فیروزی و مبارکی ایله تحت سلطنت و سروری او زده تکی و جلوس و برقع  
سنه دن بر و نادر شاهک هر راکتیب نشد ظلم و بدعتنده عاجز قلان جمهور اهل ایرانک مفادتی او زده  
سط جناح روح و رافت بیوروب ظلم و تعدی بی رفع و بیجا و جوه باطله اغزینی منع ایلد کلرنن عدا  
اوچ سنه لک اصل حقوق دیوانی بی دخی تخفیف ایدوب بحمد الله تعالی شمردی جمله اهالی ایران قریب رفاه  
و آسایش و نیل و بدن غنوده بسته آرمش اولوب هیچ بر وجهه الم و کدر طوتمز چونکه بویکی دولت  
علیا مابیننده دائمی اساس اتحاد و التام قائم و دائم بر بوبایده جمله معتقدین دولتی اهلان اولان عالی

کوه



شهرت دستگاه محمد کریم خانی استیصال او زده دولت عتیة عثمانیه به روانه و نامه دوستی ختامه  
ارسال بیوردقزین بنای نامه خلوص علامه عقبنده تحریر وسیلة المودته مبادرت اولندی بیوردقزین  
سزعالیبه دفع دستگاه دخی حسن اخلاق کریمه بنای رضای حضرت کرد گاهه و رفاه و آسودگی است  
سید ابراهیم مقرون اولان دولتین علیتینک الف و التاملی و مابینه اولان بنیة محبت و دوستیک  
استحکامی امرنه هر وجهه اسلوب سابق او زده ماسعی عیبه اظهار بیوردقزین لکوره ریاض مودت  
و ولای منشیة عطارد شانک سبب کلاک دزد باربری بار اینله قرین خرقی و حضرت بیوره لرباقی کلزار  
هیئت بهار وزارت و صدارت ابرت و هشتم و طامکاری آتیری ابردوست باریدن ریاضین ازها  
و هر کونه مرام و انظار ایله مشحون اوله نقش مری از عنایات کرد گاهه کریم دارد امیدوست  
ابراهیم بو مضمونه ملا باشی ملا علی اکبر دن بر مکتوب دخی سفیر مومی ایله و ساطیله مقام شیخ الاسلامیه  
ارسال اولنیشدی **عودت سفیر ایران محمد عبدالکریم خان بجانب ایران** بالاده زکری بسقت استیک او زده سفیر  
مومی ایله بر ازمده آستانه سعادت مکة و اقامت و قاعده مره نوازی او زده باخر ما عالی کبار  
دجال دولت علیه طرفلندن وقت و وقت کنه و به ترتیب ضیافت و حالته مناسبه هدایا کر میله کلای دخی  
اولند قد نصلک عود و انصرافنه اراده علیه تعلق ایتمکله ماه مجازی الآخرة نیک یکر می سکر بخ کونده رتب  
افضایون هی یونه قاعده قدیمه او زده احضار اولنوب یوم مزبوره بر قسط لانه مواجبه افر اجنه  
تصادق اتیکس سفیر مومی ایله و معیتنده اولان میرزا و سائر لری توزیع مواجبه و مانند تلال فیاضی تو  
توده قلنا مبالغه سیر و تماشا و بوبابده مکرده تقدینه شعور ایله کنه و دره هیرت استیلا و خصوصاً  
ترتیب نظام نریا انتظام دیون عالی شانی عین عبرت ایله رؤیت استیک لال و هیرت انگشت برده ان  
اوله دخی بالضرورة دعا و ثنایه دهن کتا اولنیشدی بعد اتمام مصالح عباد و اجرای مراسم عادی سفیر مومی  
ایر به بوجه معناد فرجه سمور و میرزا و اوچ نفر او غولینه قاقوم کور کلر و اتباع مخصوصه <sup>خلعت</sup> <sup>رینه</sup>  
البس و هیئات سنیانه به التباس ایله التفاته مقرون اولد قلند نصلک حضور لایع النوا <sup>هوانه</sup>  
دخوله مخص و مأزون اولغنه شری دخیایی پایه سیر اعلا برله مشرف و معتنا اولوب <sup>رقیه</sup> <sup>جو</sup>  
سالت و تادیة خدمت سفارنی مشرف اقتضای دن نامه لایه جلاست مقرون تسلیم و مبارک الش عذوب  
بیاض روانه دن بعضی خصوصک تو صیه و تنبیهی و ساطت جناب اصفی ایله تغیریم و تقدیم اولنوب  
اول تیمه کردن اسانی کسان کریم ایله زیور دست تعظیم ایدرن طشره چقد قد بر آس دونان من سب باد  
بما اعطا و مقدما عنایت بیوریلدن اون کیسه اچه دن ماعدا بود دفعه دخی التمس کیسه اچه عطیة  
لایون

۲۵۹

لایون ایله مسرور و کاهر و ایوردیلوب بر قاق کون مرورنده حضور صدر عالی به دخی دعوت و اجرای مراسم  
عادی دن صلک نامه لایون موجبنه تحریری معناد اولان ملایب و کلای سلطنت ویرله وکی اثناده کنه ویر  
و او غولینه و میرزایه سمور و قاقوم کور کلر اکا و بشقه بشقه مزین آتلعنایت و اعطای بیوردیلوب  
بذول عالم و عالیان اولان عطایای دولت عتیة شامه الاحسان و جوه ایله ممنون و کاهمکار و شهر  
رهب المرجبک اون بشخی کونده کله وکی سیاق او زده چکر مه ایله اسکدره امرار اولنغنه سیدتی  
اغایول مرهانداری تعین اولنوب جانب بغداد دارالسلطه تسیر و ارسال بیوردلی و سفیر مومی ایله  
و ساطیله مشار ایله علی شاهه جو ب نامه لایون ملاحظه مقرون عنایت و احسان ملوکانه بیوردلی  
و نامه لایون موجبنه طرف حضرت آصفیدن ایرانش هی علی شاهه بر مکتوب دخی ارسال بیوردلی و  
حکرت ایران علی شاهک برادری ابراهیم میرزادن مقام صدارت عظمایه وارد اولان تحریراته جو اب  
او زده جناب آصفیدن دخی بر مکتوب عالی کوندردی و مقام شیخ الاسلامیه به سفیر ایران مومی ایله  
و ساطیله حاله مسند نشین ایران اولان ملا علی جانبندن وارد اولان مکتوبه عربی العبارة جو اب نامه  
تحریر و ارسال بیوردلی **درباره بعضی حوادث و اخبار و احوال و آثار مالک ایران** چونکه مشار ایله علی شاه  
تخت شاهی به جلوس ایدوب کور چک قزاشی ابراهیم خانی اعتماد الدوله سی ایلدی بعد ایام کارخانه  
سلطنت ایرانی معیر الملک حسنعلی بک ایله سدراب نام کبری غلامه تفویض و کنه و سوسی و محبوب ایله  
عیش و عشرته مشغول اولوب برادر کبری مقوم ابراهیم خانی سردار و صاحب اختیار عراق و آذربایجان  
ایروب اصفهانه کوندردی نا زده آذربایجان و عراق و فارس و جماعت بختیاری و افشاریه و ساخران  
جانبه نقل ایلدی و کی ایلام ابراهیم خان سعیده جمله سوسی مخص و مطلق العنان اولوب وطنینه  
عودت ایلدی لایون نشان اگرادی شاهه مخالف و اظهار عدم اطاعت ایتمکله شاه اردو و مره ایله  
او زدرینه عازم اولد قد جمله سوسی مطیع و منقاد اولدیلر فراسانه قحط و غلاندک ظهردی بسیده شا  
اول ولایات دن حرکت و مازند را جانبنه عزیمت ایدوب مازند دانه بی ای مکت و آدام ایلدی اول اثناده  
آذربایجان و شهر زور جانبندن اولان افغانه سر کرده سی الله یاد خان و ازبکیه سر کرده سی عطا خان جمعیتد  
اصفهان و ارد اولوب لشکر اینی ابراهیم خان عنده بر غوب کنه و لری چابار ایله علی شاه خذ متنه روانه اولد  
چونکه سدراب نام غلام علی شاهک دولتک مدار ایله و معتد علیری اولدی حسنعلی بک آنک کارخانه  
سلطنته بونمستی کنه و امورینه محل کوروب ابراهیم خانک عصیا و طفندان دخی و سوسه لری اولغنه  
تجسس اخبار برهانه سینه اصفهانه ابراهیم خان خذ متنه مأمور ایلدیلر اصفهان وارد اولد قد ابراهیم خان



سهرابك ضمير خباثت سميرنده اولان حيله سنه واقف اولوب بلا امان قتل ايلدي قرناشدن قبلته  
شيره عارض اولدقه مرقوم افغان واوزبك طائفه رينه اهنگ بيلگه ايدوب جله سنگ قلوبني كند و  
طرفه جذب ايلدي و اموري سي بالجه افتار لويك چشم سليم خانه تفويض ايدوب عم زاده تليقب <sup>سيله</sup> و قضا  
اعتبار ايلدي اول ايامده اصغر پانده شيفعا نام برد لوي اظهار كرامت يوزندن قرق سنه سلطنت اير اير  
كاره اوله جوق سن ديو ابراهيم خاني تبشير ايتكله بچاره خا حريف محلك كلامني معتقد اولمغه اول  
خفيف العقلك ناهو اسوز اير سي قبول ايدوب جان و دلدن ميري اولدي چونكه حاله حكوم اير اولان  
علي شاهك برادر كرتي مرقوم ابراهيم مير زاييه بوزندن اقدم مقتضاي اخوت اوزره بربر رينه حسن معامله  
ومرد مجتري اشكار و سنده شايه جلوده و سار كلني امورنده اعانت و مظاهرتي دركار ايكن بعض اربا  
نفاق القاسيله بينلنده صورت خلاص و شقاق لوي اولوب ايدوب كدرن جنك و جداله مؤدي اولمغه  
شاه مشاد ايله عكرايه كرمات شاهانده مير زاي موي ايلدي لكري اوزرينه برد فعه هجوم و تغلب اظهار  
وموي ايله مقاومت عه اختار ايله اختيار قرار ايدوب علي شاهك عكاري كرمات شاه شرفي نرب  
وغارت ايتكله شيره استيلا ايلدي بعه ابراهيم خاني افغان و اوزبك و سار طوائف مختلفه دن  
باشنه جمع و امتداد ايلدي ايجانده و غا اعتياد ايله تحصيل قوت و بو ائشاده آذربايي طرفلنده دعوي  
استقلال و جلادت و بيته زار صلابته علم افزا جدال و خصومت اولان امير ارسلان خاني دني  
عكار و افره سيله ترتيب مقدار ايله قريب ايردن معيتمه جلب و بو تقريب ايله برقادني ككتنه و قدر  
ايتيكنه نضك عظيم جمعيت و عده و عتاد و هشم ايله شاه مشاد ايلدي اقامت اوزره اولديغي اردو كا  
عزمت و سلطانيه ايله زنج قصبه ري بينده واقع صحراي شامت اقتضاده مقابله و مقاتله ايله سار  
ايلد كلنده نارف جنك و بيكار شعله دار و هنوز طرفين غلبت و مغلوبت بيدار اولديش شاهك  
معتمده نك بجرام اولان عكار به فرجامه كرتي ابراهيم خا طرفنه ميل و دغبت ايتلندن ناشي شاهه  
انزرام واقع اولوب بر مقدار آد مله تخليص و سمر بخاته عطف عنان و كير اير اولدقه ابراهيم  
بار و نگاه و طوب و جبه خانه و فرطاهني ضبط و خراي مزبورك و راسندن آد مله تعيس و ارسال  
و عقبك به شايه حيا اخذ و ايصال ايلد كلنده قتله بدل بلا امان كوزلرينه ميل چكله غائنه هائنه  
بر طرف ايلد كل نضك ابراهيم خا بو كونه غدارانه اطوار ايله فريخته مساعد روزگار نابرخاد  
اوله دني بلا مراع اغيار شاهلوي مستنده ريشه كير استقرار و بوجه استقلال حكومت كير و اداره ايتار  
ايدوب سوداي فرسره مال موي ايله امير ارسلان خانك دني جايكه ضميري اولان اقصاي مالدي

اولمغه نظام بنه و خاق اولوب انكله دني ميانه لنده منافسه و شقاق ظهورندن ناشي خا مذكور آذربايي  
طرفنه عودت و ابراهيم خا دني قروين جانلندن تبريزه عزمت و بينلنده بعض وعداوت دركار اولديغندن  
نواحي تبريزه مراغه هو ايلنده تگ ادمر بور امير ارسلان خا ايله ترتيب صفوي جنك و بيكار و طرف  
آماده كارزار اولد كلنده مفا مرقومك معتمده اولان عكاري هيت مجموع سيله ابراهيم خانه تبعيت ايتلرله  
خا مذكور قراجه طابع كو هستانلرينه خرا ايلدي اول ائشاده مرقومه دوستلق و محبت اظهار ايدن قه جه  
طاغلي كاظم خا برهانه و حيله ايله امير ارسلان خاني و قرناشي صاري خاني و حسن ميرزا و سار هو آذرب  
اخذ و جله سني تبريزه ابراهيم خا حضورينه كتور كده بالجه قتل و اعدام ايدوب بو و جره اغيار مانع  
و افراد عكاري جامع اولق طريقه سندن كندويه دونا اولان اقبال كه مغلوب لابقادرد و اامي امينه سيله  
دهكاري جبال محال و صعب المنال اولان حصول آماله بونجه اوزره اشتغال ايدوب شاهلوي و سندن  
آرالوي و اديسنه اجهاله سندن استقلال ايدون اسباب نظام و ادوات احتشامه اير از هل اهتمام و اطرا  
ارسال ارقام ايله بر ايم نشان ايرانياني طرفنه جلبه اقدام تام اوزره يوز او تو زييك مقداري لشكرو ايليش  
ايكن بو ائشاده شاه حسين صفوي قرندن متوق نادر شاهك هفيري اولان شاه خا ميرزا كه نادر شاهك ولي  
عبري اولديغي و جوه اعيا اير انك معلومي اولديغندن بشقه شاهك فرينده دفينه سنه و سار آلات  
و مرما كنيه سنه دسترس و مالك اولوب فوجان اكرادي و فراك و سار مخلصدن الترشج سلك مقداري طوايف  
مختلفه لي باشنه جمع و مشيره كلوب تقليد سيف شاهي ايله تحت اير ائشاده استحقاقا بندر ديو اولدي شاهلوي  
عنوانني اظهار ايلدي و موي ايله ابراهيم خا ايله آزمائش كارزاده ايتار اوزره اولدي ابراهيم خانك كو كنجي  
لمعا اولدقه برادري حسين بكي كردار و صاحب اقتدار ايدوب فراك جانبته كوندوب اهالي فراسانك قنوي  
جلب و شاه خا مير زايي كند و جانبته جذب و مشيره ايدوب فراساني عراقه نقل و اخذ و ضبط ايلدي ملاحظ  
اهالي فراسانه تحرير ايلدي كه اير شاهلوي ائشاده استحقاقا شاه خا مير زاييه متعلق اولوب آخر كنه به بيعت  
و انقياد هير امكانده اولمغه مشاد ايله ميرزانك عراق جانبته توجريلي و اورنك سلطنته جلوس  
منظور و ماموزدرد بو خير ايله حسين بك فرانسوا و ارد اولدقه عموماً امر اير اكراد و روساي فرانسوا  
واقف اولوب شاه خا ميرزانك عراق جانبته عزمت و ابراهيم خانه ملاقاتك لزومي يوقدر و تحت شاهي به  
جلوس فراسانده واقع اولد كه ابراهيم خا اكر سوزنده صادق ايله بيعت و موافقت ايدوب خدمتنده  
بولش ديو جو ايلدي بعه سرزاده به توجه ايدوب تحت شاهي به جلوسني استعا ايلد كلنده مشاد ايله قبول  
سلطنتدن تخاشي ايدوب امتناع كلني ايله متنع اولدي بالاخره اهالي مشردك الحاج و اقدام ايله امام رضا رضني

۲۶۰



تعالی عنه حضرتینک مرقد نه قلع قوشانوب بنک یوزالتش برتاریکنده شرفه شوالک طوق زنجی کونی سیر کوری جلوسکی  
ایدوب بعض شمر اسلطان اعظم لفظنی تاریخ جلوس دو شو دریلر بو خبر ابراهیم خانه واصل اولده سنه مرتوم  
زنی الحقه نک اون بیخی کونی اولدی تیر برده و ساد سلطنته اتکایدوب کند و نامنه سکه اورد و زدی اولدی علی شاه  
کبی تیز و اسرافه آغاز ایدوب سیل رو کبی سیم و زدی خرچ و روان ایلدی تالیف قلوب عوام هوام ایچو بسط  
بش انعام انعام ایلوب بیت چون علم هر بی اصولی مالک پدایه شد. چی منبر لوجادی بود صاحب پایه شرف  
مضوی اوزره هر بر دی پایه و رفعت صامبی اولدی بوند نک مرقوم ابراهیم خانک فر او بی جمع ایدوب بار و بنکا  
و آغری و کور علی شاه قی شرفینه کوندوب کند و سی فراتک جاننه عازم اولدی سرخ سیمان نام منزله وارد اولد قله  
لشکری یکی فرقه اولوب بر فرقه سی شاه فر میرزا جاننه دوک و بر فرقه سی کند و وطنینه شتاب اولدی ابراهیم خانک  
ناچار رجعت ایدوب کند و سینه موافقت ایدون افغان طائفه سیله تم شهری جاننه روانه اولدی یلر قرب شهره وارد  
اولده الهالی تم قبولی بغلوب مخالفته آغاز ایلدی بلایه اغوانر غلبه ایدوب شهره داخل اولوب کند و کوب و رفت  
و رو به تقصیر ایتیموب نرب و غار ایلد شهری و بر ایلدی بلایه ابراهیم خانک ایلوب کند هار جاننه عازم  
اولدی اثنای راهده او غراد قلی شهری و قلاع و بقای نرب و غارت و قتل و خسارت ایدون بالجه ایدون زمین  
فراب و بیاب ایلدی بلایه ابراهیم خانک متحیر و خیر اولوب عم زاده سی دالتیله قلابو ر قلعه سی جاننه عطف عتقا  
ایلیوب شهره وارد اولده الهالی قلعه مرقومی بنده چکوب مقیمه و مغول شاه فر جاننه کوندوب دیلر مشار ایلدی  
مضورینه وارد اولده فی الحال کوزارینه میل چکوب جزای عتقی بولدی بونظره دخی الکفانو نیموب شاه فر ایدوب  
دیارد مه کوندوب دیلر بعد علی شاه شاه فر مرزایه اعتداریله جمله بار و بنکافی آلوب مشرف جاننه شاه فر میرزا  
خزمتنه روانه اولدی حضورینه هیس و دودده شرفه ایدون خونته قصاص ایدوب بادیده کور مجاز علی واقع اولد  
عم زاده رینه قطع و ح ایتیموب بیت دیدی که خون ناحق بر وانه شرفه چند امانت ایدوب کتب داسم کند نرب مغربی  
ایله ماصدق حال واقع اولدی شاه فر میرزا دولت عتیة عثمانیه جاننه شاه فرنی اعلام ایچو مقدمه نادور شاه  
جانندن مساله و مصالحه خصوص سیر چون بعث و تسیر و بغداده توقیف و تمکین افغان مصطفی خانی و کالت  
ایله ام سفارته مأمور ایلدی ایلچی مومی ایله بو و جریله مأموریتینی دولت عتیة یه تجر ایله اشعار و آستانه سلا  
دو ماله فوا هشی و رغبت اظهار ایلد که ایلچی مومی ایلدی التاسنه عتقا و آستانه سعادت و دودینه اذن  
و درخصت و ریوب و بو اثنای فتنه احتواده جانب ایرانه عودت و رجعتی دخی خردن خالی اولما مغلله طرف ایدون  
آسایش و سامان و آرامش امن و امان و نما اولدی شریف کماطان بغداد دارالسلامه مکت و آرام ایلدی ایلچی  
مومی ایله مصطفی خان و مهدی خانک هقمرنه ملاحظه سلامت انجام ایدوب کند و بره افرام صمننده صدر

اعظم حضرتی طرفدن مطایب و قوایم علیه ایله تبیس و اعلام و دفتنه خسروانه دن مصطفی خانه ایلیک  
و مهدی خانه بیک عدد زر مگون عطیه لهی یون انعام و جانب جناب آصفین دخی لهر برینه بر مجو لهر  
ساعت عنایت و اکرام بیوردی بو اثنایه متوقی نادر شاه چار بی باشیسی اولوب هوای شیر شیرتی آغ  
صقالو لرندن بر کشاده ساکن صاریجه لی بناه نام شخصیل و عشیرتی و اطراف و هوالندن اوبیک مقدار  
عسکری جمع و زعینیه حالاتفیل خانی اولان ظمورث خانی قلع و قمع و قلعه تفلیس ضعیف و کرده لاک ادعا کنده بیخی  
خبری ظمورث خانه دسیده اولده بی در حال کند و تقویتنه مبارزت و کماخت خانی اولان اوغلی ارکلی خانی  
چار و تاله طرفنه کوندوب آند اولان لکی بکلرینه بعض هدایا ارسالله اکرام و برینه دخی قزند اننی قیرینی نام ایتیموب  
بنام و بو تقریب ایله جلب قلوب ایدون لکی بکلرینی کند و بد تبعیتنه اقدام ایلد و کندن غیره تیمورچو طریقندن  
مسقو طرفنه دخی بعضا ارسال چا پار ایله استمداده اهتمام و بو و جریله امورینه لکی کبی نظام و یردی بو اثنایه  
متوقی نادر شاه فی الاصل قاتلی اولدی اوزره مشهور اولان قاجار افشار عشیرتدن بخیلی محمد خانی شاه فر  
شاهدن امین اولوب بدینک انتقامی بندن آلودیو خوقه دو شملله محل اقامتی اولان کونی طرفدن  
اجناس هشرات ایله جمع و حرکت و روان قلعه سخی تسیر قصدیله اتر باسندن اولوب سابقا رو کالی اولان  
جعفر خانی ایلویه سوق و تسیر و کند و دخی عقبگیر اولده روانه شاه و کیلی اولان حسن علی بیک دخی روانه  
عسکریه چیقوب مقابله و اولو خانلو نام محله جنگ و مقاتله اثنایه مزبور محمد خانی اردلرندن ایدوب  
رو ک عسکری منرزم و حسن علی کبی حیثاً ایدوب و حسن و روانی محاصر و ترضیق ایتیموب اصل رو ک خانی حسین  
خان ایله محافظی عبد الله خان خفیه مومی ایله تفلیس خانی ظمورث خانه ایدوب کوندوب یوزبیک غروش و عتقا  
ایله کند و دن استمداد ایتیموبه خان مسفور دخی در حال اوغلی ارکلی خانی ایله معاً اون ایکی سکن متج و زکو رچی  
عسکریه تفلیس حرکت و عیاله روانه کلوب مزبور محمد خانی ایله رسته مقاتله ایلد طرفنه مزبور محمد خان  
مقاومت ایدوب صالت و سبکبار برایکی نفر آدمیرینه فرار و عسکریه اکثری عرضه تیغ بو ایدوب اموال و اشیای  
یعنی کرپ دست استیلارینه گرفتار اولد بضره مسفور ارکلی خان فراری مذکور دی تعقیب و ساکن اولدی بیخی  
کونی نام محله خانه سنه و ایدوب تحریب ایله بالجه نقود و اشیای سخی نرب و غارت و غاناعودت ایلدی بو  
اخذ و حسن اوقشا شاه و کیلی مزبور حسن علی بیک سلامت بولوب ارچه رو ک اوزرندن بو غانعه بو و جریله  
بر طرف اولدی لکن مسفور ظمورث خان رو ک قلعه سنه دغوله ایتیموب و ابرام تام ایتیموب زکرافه رو ک خانی  
هیس خان و محافظه کنده بولان عبد الله خان سبب بایه شتاب و شاه ایدوب شاه فر طرفدن امر اولد قجه  
روانه دغول قابل دکلر دیو قطعی جواب و یروب منع ایتیموبه ظمورث خان دخی اوچ کلیسایه رو ک بینه



بارداتی نام محله اقامت برله بزوار و اربیه های قریه کلنجی اولحو الیلده واقع قریه لری و عجم شوره کلنده ممکن  
اولان ایرملو و طاشکدر نام عشیره تلبه معتبرینی اوروب نرب و غارت و عشیره سر کرده لری اولان حق و یردی  
خانی و خف علی خان عدم مقاومت اینه فرار و غیبت ایتلیله سفورط مورخه خانی و جوه ایلله اولحو الیه اظهار  
غلبه و مقدمات کنه و بعد افضای بوزیک غروشی نفس روپ اها لینه سالیانه و بر طرفن تحصیلنه مبارک  
ایلدی بو ائنده تبریز خانی سفورط مورخه مکتوب کوندر ووب بو کونه وضع و حرکت نه و جریله هسارت ایر  
یوسفه شاه طرفن مأمور مین دیو استراچ و استجاب ایلدکه دولتین علیتین مینده اولان سنور لده شکیا  
بید اولغله باعث فتنه و اختلال اولماق ایچون شراری مدافعه سی و شاه ایرانک تحصیل رضایچون ایرم دیو  
رقعه جوب تجر و کلان آرمینی ارجاع و تسیر ایدوب کالاول تحصیل مال و اظهار سطوت و جلال قیدیله  
تجیم رعایا و بر ایایه اشتغال ایلدی بو خلاله مقدمه سر زده ظهور و عکس جمیله تغلیبه قصد شورش  
ایرن سالف الذکر صاریجه لی پناه نام شخص دخی سفورط مورخه خانک بو مرتبه غلبه و ابراز قوت ایله  
مخاربه سن استماع و کنه و خوف و خشیت استیلا ایتلیله اول سودان فراغت و مریورط مورخه خانک تبعت  
قصیده کبخی متلاباشینی مبانده متوسط و بوجه عبودیت آت و تفنک و بعضی هدایای ساره ایلد مورخه  
خانه ارسال و کنه و یه التجا و متابعت استیصال ایدوب آلان روپ و تفلیس و کبخی و شمائی اها لیلدی و سر کرده لری  
سفورط مورخه خانک رضا و کرها بالجه تبعت و هر حاله امرینه مطاوعت ایتیلر و بوندن اقدم تبریزده  
قتل افضا مهدی خانک قرنداشی رومیه خانی عا کر و افره اینه کلوب تبریزی محاصر یه اقدام و قرنداشی قانی  
دعوی برانه سیله اخذ انتقام قیدینه دو شوب حالا اها لری تبریز یله مقاتله و مخاربه اوزده اولد قلی شاه  
ایران اولان شاهرخ میرزادخی اختلال الکا و کثرت رقبان ناشی معینده اولان هسارتدن عدم امنیت و  
بر طرفه حرکت باعث سلامت اولمق ملاحظه سیله قریندن اصفهان طرفنه عودت و اندن دخی فراسات  
جانبه عینت ایدوب فراسانده آمان نام خانی قدر و استیصاله مباشرت ایلدکه خانم قومه میر و لری اولان  
قوی الاقتدار شخص نامدار اولون بشی بیک مقداری عکریله کلوب امداد و بربر لیه اتفاق و اتحاد ایتیلر  
بعد المخاربه شاهرخ منیرم و شکست و غرور و استکباردن ناشی قدر و اعتباری بو و جریله پست اولدی  
و مازا ذکر رومیه خانی تبریزی محاصر و تمادیا تفسیق مبادرت ایله افرهاد طشره محلاتی ضبط و ایلدنه اولان  
اموال و اها لری افرام و اطراف قریه لری دخی تاخت و تاراج ایدوب یه رومیه طرفنه عود و انصراف ایلدی  
اها لری تبریز بو و قته کلنجی مبتلا اولد قلی بیلادن ناشی بزم بونه فیما بعد مکتوب و اقامته امکانز قالدی همان  
ملکت اسلامییه رهدت و طرف دولت علیه یه التجا و بر سردار استغایه رزماعده بیوریلور ایدوب فیهما

و الاملاک اسلامییه پریشان و توطن ایدر دزدیو بیننده مشورت و هنوز اختلاس وقت فرصت ایدر  
مد کلرچو قاضی اوزده لرایکی **مصراع** بلای درد مند اذدر و دیوار می آید **نیز** مفروضه افعا خانلندن اذادنا  
نام بد فرجام دخی اوزبک و افغان عکریله ظهور و تبریز و هو الیسنی کلیتاً ضبط و اها لینی مقربور ایدوب  
بعده هوی قلعه سنی فتح و رومیه قلعه سنی بر آئی مقداری محاصر ایله فتح و تسخیر و محافظه کنده اولان  
سفیاد نام خانی اخذ و کوز لینه میل چکوب و الحاصل فر بور اذادنا اولحو الیه دعوی استقلال وارد لری  
و مری و اولحو الیه اولان امرای انجی کم کنه و یه تبعیتده سرعت و استیصال ایتلیله خانی فر بور دخی اولطر فلده  
بشقه بر جمعیت و الذن کلیدی مرتبه اظهار شقاوت و مفسدت اوزده اولدنی جو اینه شهرت بولوب  
ایوم الکات ایرانک اکرنده فتنه و آشوب و طرف طرف شاهلی ادعا کنده اولد بر بر لیه جنگ و هروب  
و قوعدن ناشی تاراجکاد زمانک اطاله دست تعدیلندن اموال اها لری منسوب و مقصوب و اقویا و  
ضعفابونک امثالی الام و کروب اینه مغلوب و مکروب اولوب کویا بو کونه اسباب اختلال ایله نظام  
رینک صورت احضی لالی فی الاصل ایرانک اکثری ارتکاب ایلد طبری رفض و شناعاته الحاله هذه مجازت  
ظهور و من عند الله مفضوب و مقربور اولد قلی نمایا اولمشدر بو ائنده حاله بغا ادره مکت اوزده اولدنی  
ایرک مصطفی خانی بعضی خصوص استه عا کنه در طرف دولت علیه یه مکتوب و قائمه ارسال ایلد بو استعا  
ایلیکی مواد دولت علیه نک شان مروتنه منافی در حالت اولمقدن ناشی قرین استیصال اولیوب عدم معاش  
متضرر خانی مومی ایلره صدر اعظم طرفن مکتوب عالی ارسال اولدنی **صورت قائمه ایلدنی بجانب دولت علیه**  
**فرستاده بود** بوندن اقدم بونده لری نادر شاه سفارت ایله تعیین ایلدکه جمله ممالک ایرانک کبار و صفارینه  
و کالاه کلنیم از تقیر خدا هنوز دو مال خاکبای علیه لری برله لهر احوالی عرض و افاده میسر اولدی بوندن  
اسبق نادر شاه مسقو کفره سیله اولان عقد مصالی کسی کنه و نک ذریتی انقطاعه شرط و تعلیق  
اولنوب بود فعه شاهرخ میرزا قتل اولنغله ذریتی منقطع و بوندن نصک مسقو کفره سی کیلان طرفینده  
کلک ظن غالب و هالا مسقوده ایرک خانلندن یکی نفر خانی اولغله ایرانک احوال و اختلالدن آگاه و دا  
تدارک اوزده لدر ظهور ایتد کلری حاله ایرک رعایا کسی کثرت اختلال و ظلم و جور دن بی تاب و بی مجال اولدیله  
هر ارمشاق ایله مسقو کفره سی استقبال ایدوب کلری بیدرید و هالا بود فعه شاه ایلد طبری کسنه اوتد دن  
درون ایرانده صاحب شهرت اولیوب ممالک ایرانکی ضبط و تصرفه عدم اقتداری اولغله مملکتی **الحاکم**  
**غلب** متللو در بونده لری دولت علیه یه صداقت ایله خدمت ایدرم و سر بولنده ممالک ایرانک اکثریتی **قصد**  
تصرفه اولوب مسقو کفره کسنه رسید اولورم ایوم اون بیلدن متجا و زکنه و عشیره عکری موجود اولغله

۶۶



دولت علیه نك سایه سیله ابتدای امرده کرم شاه و لهری و اصفهان و قزوین و سار بیلادی بلامرام ضبط  
ایدرم بوبنده لرینه تاتار خان پایه سیله خلعت اکت و دولت علیه رجاندن یوز نفر خدمه لور معین اغا  
قولدی تعیین و بغداد و ایسی حضرتینک رأی صوابیدر یله کرد شتاعکری معیتده مأمور قلوب  
آسارا المیوب و بیخ اولنماق اوزده انجی از قیام ایر شاهزاده یره کله کلری مدخلاندن زیاده برنی طلب  
اولنماق شرطیه ملکتی تسخیر و سکه و خطبه اجرا و لغوی وجه سرمد را و ته دن بوبنده لری دولت  
عیه نك صادق قولی اولغله بو خصوصه اظهار صداقت و بعد زمان اولاد لرم دخی بورتبه یه نائل اولوق  
مأمول و امید ایدرم باقی فرما من له الامر که در وجه محرقاته مذکورده دن ماعد اهاصل مکتوب عبد الرهی  
بلکه ویردی تقریر اوزده مقدمانا دوشه مسقولو طائفه سنی ممالک کیلانن افراج و تبعید و طائفه مرقومه  
ایله مقتدات صلح و مصافاتی عقد و تمسید ایله و کنده طائفه مرقومه نك مغایر شرایط مصافح حرکت ایله  
حالاتی نادر شاهک و اولاد و اولاد نك حیاته اولمیلله مشروط قلوب الحاله هذه شرط مزبور منتفی یعنی نادر  
شاهک و ذریتنک شمه هیاتری منطقی اولمقدن ناشی مسقولو طائفه نك کیلانن اوزرینه حرکت ایله  
جکلری مجزوم و ممالک مزبورده و عموگ ایر شاهزاده هوادک ایام اولمیلر سیله مدافعه یه عدم  
اقتدار لری آشکار و لعل طائفه مرقومه بازباده اقلیم ایر اولمقدن نه حله اهایسی داخل دائره اطاعتی  
اوله جکلری بیدار اولغله مسقولونک مدت سیده ده ایرانه ممالک اولمیلر امر محسوم اولمقدن بقعه  
دار الحکومت کیلانن اولان دشت قلعه سندن مغایر کسبه و اندن قاعده ممالک کورجستان ایر اولان  
تفلیس و همد و ممالک خسروانه یه سرولت ایله حرکت ممکن اولمقدن بو واقعه علاجی وقوعدن  
اول رؤیت و طائفه مرقومه نك مدافعه لرینه مباشرت ضمننده ایلی خانموی الیرک معیتده بلاخرینه فقط  
کرد شتاعکری تعیین و جانب اصفهانه تسخیر اولمقدن صورته کند و جانبنده اولان عشایر و قبایل  
ایرانیته نك دخی انضمام اعانتیلله اولاکر شاه و لهری و اصفهان جانبیرینی بلامرام ضبط و تسخیر سی  
واقدم و ثانیاً طائفه مرقومه نك مدافعه لرحون جانب کیلانن عطف لجام ایله جکلری اشعار ایله  
بویابه جنب صدر اعظم عقلمی رجال دولت علیه استصیایله خانموی الیرک تحریر و تقریر نك اطراف و  
انحاسنی فکر و تأمل ایله کلر نه نتیجه مالدن حقیقت حال بو و جرحله منکشف اولمیکه بو مقوله دول بیننده  
وسيله جدال و خصام اولان امر کلریه مباشرت و اقدام اوتته دن برویا جلب منفعت و یا خود دفع حضرت  
فائده لرندن برینه مبنی اوله کلیرکی معلوم اصیب عقول و نهنی اولوب دولت علیه دائم القرائیه شاه  
ایرانیته ایله تمسید اسس صلح مویبایدن برو ممالک ایرانیته دن اختلاس فرصت تقریبیه فائده و منفعت

داعیه لرینی کلتیاً صحیفه خاطر دن سلب و افراج ایتلمه بو صورتده اکتاب منقعت شتی جاری اولمیوب  
فقط دفع حضرت جانبی منظور اولغله شتی مزبور دخی ملاحظه اولمقدن اولامسقولونک کیلانن جانبنده  
حرکتده دائر همنوزر کونه وضع و حالتی ظاهر اولمیوب طائفه مرقومه نك کیلانن استیلا ایله جکلری امر  
موهوم و ثانیاً مسقولونک ممالک مزبورده یه دخوله اقدامی واقع اولمقدن صورته دخی حالاممالک  
ایرانه نامزد امر شاهی اولان شخص طرفندن قزوینده عاکر و سردار و اراکین قطعاً مدافعه لرینه مقید اولمیوب  
خانموی الیرک تقریر اوزده لعل بلامرام ممالک ایرانه ممالک اوله جکلری دخی امر مجزوم اولمقدن ماعد اطاف  
مرقومه ایله دولت علیه برو جانبندن محمد و اراکین شعور ممالک خسروانه یه کند و ملکتیینه ابعید اولان  
کیلانن طرفندن ممالک مجرومه یه تعرض ایلمدی دخی احتمال ضعیف اولغله بو منقله حضرت موهومیه  
خانموی الیرک مسؤلنه مساعد اولمقدن حاله مرتبه اولیده ایرانیان ایله نقض عهد و تجدید خصوصت  
و مرتبه ثانیاً مسقولو ایله تحصیل کورته بادی بر حال اولمقدن بقعه خانموی ایله برو وجه محر  
کردستان عکریه اصفهانه توجه ایلمیکنده امر نه موقت اولور ایسه دخی دولت علیه یه نقض  
عهدی ارتکاب ایتیش اولمقدن فضل خانموی ایله مسقولونک مدافعه کنده حالانامزد شاهی  
اولان کنده دن اتوی اوله جفی دخی امر مجزوم و اگر امر نه موقت اولمیوب تو جرحنه خاب اولور  
ایسه کردی دولت علیه یه راجع وینه نقض عهد و تجدید خصوصت مجزوم مستلزم اوله جفی دخی  
معلوم اولغله خانموی الیرک التماسی نه جلب منفعت و نه دفع حضرت فائده لرندن برینه متعلق اولور  
بلکه دولت علیه یه نیجه مجزوم و ضرری مستلزم اولمقدن بو منقله فائده سی معدوم و ضرری غیر مجزوم اولور  
امر شروع مغایر مراسم ملاحظه و احتیاط اولغله دولت علیه حفظ شرایط عهد و میثاقه ثابت قدم  
و راستخ دم اولوب بو مقوله مغایر مراسم صلح و صلاح امره مباشرت ایتیه جکلر مشرف خانموی الیرک  
مدافعه کونه جو بنامه یا زیلوب ارسال اولمقدن **ساخته** اشوبسط اوقا کیفیاتک مقتضای اوزر  
خانموی الیرک بویابه برمنوال محرر تحریر و التماسی عند الملاحظه ایکی صورتن خالی دکله صورت اولی  
بودر که ممالک ایرانک بو خلاصه کمال اختلالی جلله یه معلوم و کتکجه مزداد اولمقدن دخی مجزوم اولمقدن  
ناشی آیا طرف دولت علیه دن اختلاس وقت ایله مغایر صلح و صلاح بر در له حرکت و ایرانیان اطاله  
دست خارته نیت و ایدر دیو تجربه قیدینه دو شوب کند و سقامت در و نندن ناشی استشفای صد  
قصیده بنضیکر انه انامل تبیری بو و جرحله اطاله و اظهار و احوال دولت علیه یی امتی و اختیارات  
اوله یا خود صورت ثانی اوزرده حالاممالک ایرانک مانند کوره آهنک ناره فساد و طغیان کتکجه شراره

۶۷۲



بارو هر طرفه بر در شاه خیب پناه سرزده و آنکار بلکه هر بر ادنی افرشاهی اینه صاحب طلاه اولوی داعیه  
در کار اولیغدن بو حالت خسر عاقبت ایچی مومی اینه مصطفی خانه دخی سرایت و بو مقوله غلبه  
سودی سلطنت اولیغ ملاحظه شعوری غارت ایتلمه بو باده اولان التماس و تحریری تصنیع و ترویج  
اولیوب حقیقه شاهلی رتبه کنی تحصیل ایچو دول علییه دن استمداد و استعانت ایتیش اوله **مصرع**  
زهی تصور باطل زهی خیال محال **نثر در ذکر هوادش غریبه ایرانیان و احوال عجیبه ماجرای شاهان ایشان**  
بیک یوز التمش سنی خلاصه نادر شاهک و فاتندن اشبو التمش اوچ سنه سنی او افرنه کلنج اوچ  
سنه مقداری مدت طرفه بر بر اینی اهلاک و اتلاف و اظراید تغلب اینه استخلاف ایدرن تختگاه ایران  
معلوم الاسامی التي بی نقر شاه هالی قضیه لری عبرتنامی مجالی اولیغدن بشقه معلوم و مشهور اولیوب  
هر طرفه اعیان نامه اولان قلاتی عجم بلکه ادنی دهقانلردن نیچه خرا ایفرم کاوه فریدون نسلدن دم او  
هر ارمغلی معلون ملون کینه سلکنه سلوک برله مدت العر از و من دینار و دردم ایکن ذی ارباب بنفده  
فقیر محتشم اولیغ ساخته عنوا اینه مانند شقه سائلان طرف علم افران طغیان اوله ری هر کراه وادی  
خسر بولنیغنی محله رأ ساد عوای شاهلی و هر و باه منشان دغلبازک بر طریقیه کلاه دبالی ستمه زده  
اولوب اطوار ردیه مرص و آزیله کند و ابنای جنسینه غدر و بد خواه و آتش زین فرمضاه امثال  
و اشباه و بو و جهرله زبردست استیلارنده اولان بلد او قرایی خراب و تباہ ایتلمه حکم تقیر حضرت جبرئیل  
آفرین عوما اهالی ایران زمیں بر برینه کبر و کین اظرایدنده مسلوب الاختیار و پیوسته مصا و له اوزده  
دکار اولوب مانند سباع سینه کلاه هرزه تا ز صحرای قفاد آزار اوله قلندن حکم لمن غلب مفرو میله  
طرف طرف آهنگ جنگ و حرب و سلب و نهب اموال و اخذ و ضرب رجال مثلوا احوال بو العیظ هر روز  
ناشی الامن لمن هرب دینه رک نیچه خانه خد او نیچه اغنیای ثروت و خاقر و فاقه یه مبتلا اولیغدن  
ماعد ابام خدا او مقوله ظله اباب ایدن خانه خراب خد ادرن دخی وقت قلیله منیل استدر اجلی  
غلطیه تراب اوبار اوله دخی استکار اوله و الحاصل بوندن اقدم نادر شاهک اهلاک و اعد امیله مرد  
طغیان اولیوب ادر زده سنی علی قینلی شدت شکیمه اینه کترت عونه و ادوات عظیمه یه مالک اولیوب حسینه  
جانشین هالاک سالف البیا اوله جفی نیای اولیغدن **ع** که و افتاد باد بجا بر آمد **نثر** مثلنی بیا ایدرن  
یر **ع** بالفروه مزبور ای تختگاه کیانه اجلاس و اولیغنی اولدجه هر کس اینه استیناس ایتلمه ضدی مراد  
عادل شاه عنوا اینله نام و شان تحصیل و حتی شاهلی امری تأیید مواد صلح و صلحی تأیید ادر و وسیله قائ  
قیمه اوزره عتبه علییه دولت سردیه یه مخصوص سفیری عبد الکریم خان و ساطیله نامه ضراعت علامه  
و اصل

و اصل و جو ایشامه لهایوت خروانه اعطاسیله مراننه نائل اولوب اول وقتده سفیر مومی اینه آستانه  
سعادتن ما زونا عودت و مملکتنه دوبراه عزیمت اولوب هنوز بغداده وصولی هنگامنده شاه مشار الیرک  
غدر احوال قتاک اینه افتاده چاه اهلاک اولیغنی خبری اطرافه شیوع و بو مجملک مفصلی بو و جهرله مشهور  
مشار اینه شاهک کوچک بر ادنی میرزا ابراهیم عتق زینم شاهک اعتماد اوله سنی مقابله بنام و زمام امو  
مهام دست اهتمانه الزام و وجوه اکر ام اینه اعتبار تام حاصل ایتیشکن مزبورن جایگیر کانون ضمیر  
ضیانت سیری اولان دیک حسنی غلبه و طبل زن فاد پنهان اوله ری پس برده خفادن اظراید طغیان  
ایتلمه ذکر سبقت ایتدی اوزره سلطانیه اینه زبجان قصبه لری بیننده واقع صو ادره آغاز جنگ و یکار  
ایلد کلرند بقضای الله تعالی عا کرشاهی بیننده سبب حصول نفاق و عدم اتفاقن ناشی کسرافاش و قویله  
شاه مشار اینه و ادی گیر زده متلاشی و متو حش ایکن پابنده ادر اقتصاسیله کند خصم خد آره گرفتار اولوب او  
به کو هر برادر مرتینک قتل و اعد امنی مقرر ایتدی **ع** ای درینا عقرب ایترا اقر بادن کوردکم **نثر** مأل دقت انکیر  
لک شاهدن و لوله رزلوم آمیز اولمغله کویا حقه اولان خصومتی مرجمته مبتد و اظراید شفقت اینه  
بدل مردک دینه پس میل حیف اینه تلف و عین اعتبار سلطنتن بر طرف ایلد که نسلک مخطوبه سلطنت مده  
برادر مستبرساندن عبادتد رنو خرام عروس مرام اولیغ ظنی و زور بازو اینه دام ایلدک زعیله سرور و شاد کلام او  
**نثر** هیر آیین انزیا و انزی اما غرابت بونده که زخم خوردده دست بر ادنی اولان مذکور علی شاه بوندن اقدم سنی  
نعمتی اولان نادر شاه حقه از کتاب ایلدی سو هر کاتنه در عقب بو و جهرله مجازات و بعده قتل اینه دخی مطافات  
ظهوری محل عبرت بر کفیتد **بیت** جو بد کردی مشوایس زافات بیدر ابر بود آفر مطافات **نثر** انشای مذکورده  
ایه ابراهیم میرزا بو کونه غدارانه اطوار اینه فریفته معش دوزکار اوله ری بلا مزاج اغیا شاهلی ستمه استقرار  
قرار و ریشک معینده عونه سندن اولان خانان انجی مان امیر ارسلان خانک دخی هجمه و سوء خنای اینه  
دماغنده شاهلی سوداسی اهاکس اولمغله میانه لنده صورت پذیر اولان حسن و خاق دد حال منافسه  
و شقاقه مبتد اولوب خان مذکور مفارقت اینه آذر بیای طرفه معاودت و ابراهیم میرزا دخی قزوین جانلردن  
تبریزه عزیمت و انده اقامت ایشکنه خان مذکور اینه ترتیب صفوف کاردار و عاقبت کند و لی و اکثر عونه کنی اخذ  
و گرفتار و اعد امیله دفع اکر ایلد که نسلک صعب المنال اولان حصول امال سلطنت داعیه سنه تمام اشتغال  
کو ستر و ب شاهلی و ستم آدرالی و ادیسنه اجاله ستمه استقلال ایتلمه ابراهیم شاه عنوا اینله تدارک اسباب  
نظام اهتمانه ابراز جل اهتمام و طرف طرف ارسال ارقام اینه بریام منشان ایرانی طرفه جلبه اقدام ایدوب  
بوندن اقدم نادر شاه طرفدن نامه و هدایا اینه بعثت و هالا بغداده مکن اوزره اولان ایچی مصطفی خانه دخی دولت



علیه در میان اولاد صلحی مؤکد و آستانه سعادت در بر او و طبعی مؤید او و در وقت ورود ایتام  
بر سنه کی شوالی خلافت در قم بزور ک صورتی و بالاده مسطور واقع اولاد حال آنکه صحتی بعد از و ایستی هانین  
در دولت در عصر و اعلام اولاد که دور ایشان رجال دولت علیه نیک اتفاق آرا بر علیه عواقب حال که نیوز  
ظهور یمنه و بوند نصک مشیره روزگار در اینک تودینه نظر ابلجی بر قوم که کماکان بغداد در آری و هفتده  
اوله کلان معامله و اگر ای کما جری ابر اولاد و زره فرما و انجام کاره نگر اولوب بو هادنه وقوع نصک  
بر منوال مشروع مشار الیه شاه ابراهیم تبریر او و الحو الیه دعوی استقلال و تمام غرور اقبالی آنکسند شاه فرخ میرزا  
نادر شاه و صیتی اوزره ولی عهدی اولادنی و جوه اعیان ایران که معلوم می اولادین بنشقه شاه فرزند و غیره  
و ادوات کثیره سینه میرزای مذکور دست رس و مالک اولاد و قوچا اگر ای و فرات اجنادین الی التمس بیلک  
مقداری طویف مختلفه بی باشنه مع و مشریده کلوب قاعده می اوزره متقلد سیف شاه اولاد نصک تحت  
ایر ارنان و استحقاقا بنمردیو اولادنی شاهلق عنوانن اظهار و موی الیه شاه ابراهیم الیه آزمایش کار زاره ابر  
اوزره اولادنی آشکار اولاد که موی الیه طرفه اشتاد این ملل مختلفه دفع و الحاد صفوی نسلن شاه  
ظهوری مسوعلری اولاد که اولاد ایله اتفاق و اتحاد و موی الیه شاه ابراهیم بازار اشتراکینه بود و جریه  
کساد عارض اولوب ستاده اقبالی در عقب انوع ادبانه متحول و کمالی رایج است و اجدن مأمولی اولاد سودی  
زیانته متبدل اولاد بوند نصک سر انجام کاری گرفتار عقال دمار و بند بلای و رطه جان فکار اولغین مفقود الو  
اولی نه طلب بیرونده سنده بنزل مجرود و عاقبت ترکیب اولادنی کار بود یعنی بیوک برادری علی شاهه آتیکو  
غدر معروفون جرای سراسر شهردی اولوب صحیفه عالمن نام و نشانی حک کرده کز لک نابودی اولدی  
ع بیرونده بی صاودکی هله نوبت کما قالدی نثر مال اوزره بو کوره مید اشتراکیده نیروی بازوی اقدار اینه ضا  
صندلی شاه اولاد شاه فرخ میرزادنی بی مزاج اغیار شاه طرخ آملی زیب آغوش و خلعت ذریف سلطنتی دست  
اقبال اکسبا قویه دن بردوش ایلد دیو وادی خاموشانده و اکشته مد هوشی اولاد اسلاف ک سر کشتنی  
فراموش اید و بسع کار دولت در بو کار او طریقه هر که نثر مفادین بیخبر نطق شطرنج بازی روزگار دروغ مقام  
شاه قائم اولی قاعده ملعبه بازی زمانه مغیار اولد و غندن قطع نظر اوزر اتنده سن صغر و کنت لسان  
حسیله بسط طلام وادی مراد عجز و تصویری مقرر و الحاصل اداره امور سلطنته عدم قدرتی اظهار ایکن  
یا ننده و کلانانمه مربوط طویله امور اولاد فریب خوش علفان مجرب جلب منفعت و کالت و واکشته نادری  
اولاد فرزند و نوادری اهل و اضاعت قیده اول در دمنه و اله و هیرونی بر زمانه اطراف و کافه کسری خط و  
رجال و جنک و جدال بیال الیه سر کرد ایلیدر و بر مقتضای فتنه زاد خاک ایران بو الهو شان زمانه دن اول  
ایام

ایام فترت ارتسامه نسل صفوی به منتهی اولی اوزره سلیمان شاه نام بر شخص ساخته احتشام دبده سلطنت  
و کوبه سطوت و جلالت بی سینه اولادنی بر طرفین بر افراشته اعلام شاهی و زخه زن کوس ممالک پناهی  
ایله بنام اولاد حلقه سلسله صفویین موی الیه سلیمان شاه ظهروای گروه مکروه اهر من سیرتان  
در افضله منکوش کوش اولاد که اول مغلوب هو اولاد هنر با دیب سماع او سلیمان زمانست که خاتم با  
اوست نثر مصرعیه مترنانه نغمه ساز فروشی اوله رف مانند سباع و هوش سوا حل دایره سنده در یار  
کی جوش ایلیدر مع هذا بو شاه بی انتباه دخی بر طرفین حل و عقد امور و فوج و در تی خطوب جرموده اغنا  
و آشیانه بوم اولاد جوانب ویران کرده ایرانیه حمامه ارقامی پرواز و آوازده نغیر کونه ای استقلال سامعه  
مخالفانه و لوله انداز اولیکن اولادنی ذهن قیمن ناشی آبکار افکار عاقلانه ایله معامله دن عقیم  
اولوب زمام اموری دست سوز قرنایه تسلیم ایلیکی جرمیدن در ذیل پاد کل کور سلیم خان نام شخص کوردل  
تشیع امورینه متکفل اولاد که جانب عراقه نامزد سپهر لاری ایله تحصیل کام و کردار اعو درنا میله  
بنام اولوب بوند امثالی اسافل و اراذل انجمنی تسلیط خاص و عام ایدرک استخام ایلید و کندن بر ایام  
انواع دخی در اعضا اختلالدن جسم تیزده ایران بر قادی گرفتار حمای خلی ایله مضطرب و لرزان اولاد دن  
صلح بیک حکمت تقدیر اول مرض عرضک دخی بر یوزدن ترکیب بنظهور اولاد ابسا کلنجین تبیر غلبه صغرا  
فادینی ازاله ده تأثیر ایدوب بر موجب اسلوب حکیم تیم ادویه حال سقیم ایله نظام شگسته مزاج بر مقادیر  
بیزاری علاج اولغین پیرامن هوا طر ماکدن بود و جریه ازله داهیة هائل و افنای وجود سلیمان شاه ایدر دخی  
دفع غائله اولاد که ع بیلور سک قالدی باقی جرمه ملی سلیمان نثر مالی ک زمانه دن اخلاقک مو عظه  
حسبالی اولاد بعد از بالاده خیر و انبا اولادنی اوزره بو کونه بسکاه غدر و افناده تنج جفای استریه  
کردن داده رضا اولاد موی الیه شاه فرخ میرزادنی ع بندر نوبت فریاد بیللا فوش اولک نثر آغازه سیله  
طلکست ریاض اقبال اوله رف برین منوال تد اول ابساتقویت مال اینه نشینگاه اجلال شاهده تمام دست  
غور و صدهای استقلال اولوب خادد اشکیه کلشن آمال اولاد بعضی رجالی قمع و استیصاله متصدی و اطرافه  
اطاله دست تعدی ایله اوضاع شکر به یه اشتغال کوسته مطه خیر ضواه دولت نامنه اولاد کراه بی انبیا  
بر مقتضای صداقت بقای وجودیله ایفای مراسم حسن ترتیب ایلک لازمه هالری ایکن ادنا برانه ایله خلغ  
شاهی به جاری عادت و بو کونه ارتکاب مفسد وسیله جلب منفعتی اولادین شاه موی الیه  
هدایت سن و کنت لک نقلتی علت و فی الاصل نقد لیاقت ایله دایره سلطنته قرار داده مرکز استمداد  
اولسنه عدم قابلیتین پیش نهاد ایدرک انجن ساز اتفاق و اتحاد موی الیه شاه فرخ میرزایی دخی مستند شاهین



طرد و ابعاد ایلد کلرندن غیر حلیه انصاف و مؤتدین بی بره اولان اول اشترای ماد و ذاد عادت مذموم شستند  
معتادری اوزره دیده لرینه میل چکوب اول نامردی بو و جرمه معیوب و مسلوب کچ کسوا دیده مغلوب ایادی  
آلم و کروب ایلد کلرند نضک سالف ایستمتو فی شاه سلیمانک قیزینک اوغلی سابقا مشرهد رضامتو لیدی میزنا  
نک شمره قوادی اولان سیده محمدی بالطوع و الرضا اتفاق آرایله خراشا مسند شاهی اصعاد ایدوب جده سی اناس  
و مد ارسلنت اولان مقام و کالته اربا تغلب کال اول اقامت ایلد کلرین کشته ارسلنه دار اتفاقری تکرار تاراج  
کرده سیلاب نفاق و شقاق اولوب بو ماجرای هیر تفرظا ظهورندن تخمینا یکی آئی مرونده مزبور سیده محمد  
شاهک دخی صعب العبور اولان فرزند و نسیب وادی سلطنته روش لببانه سی فرطیفا رجال خراسانک <sup>دختر</sup> پسنید  
اولامو تقریبی ایله انگلی فی اطوار اینی تعمیر و تعیب ایدون خلوی اسبابنی ترتیب ایدوب بر قاج نفریکانه اولاد لر  
چشم جربینلرین کور ایلد کلرندن ماعد احرمت سیادته عدم دغبتلری هویدا و آخر الام کمال اهانت ایله قتل و اقتا  
دخی اجته ایتمله حقه مر اسم غدار لغی ابر ایلد بعهده تحت خالیه ایرانه سزاوار شاد فطانت شمار بو طوی اول  
دخی کند و مشربلرجه اولوی مقوله محال اولدغی عندرنه روشن و آشکار اولمغه اول اشترار بد کردار شرم و حیاد عاری  
خلیج العذار بر طائفه غدار اولد کلرندن بو باده عارض اولان عادت و شنادی کویا بر طوی و اظرا تلاف و تاسف  
ایدون کند و دست صغیریه دیده غمخیده سن تلف ایلد کلری موی ایله شاه فرخ میر زانی تکرار دجه اعتباره موصول  
و عیبی ایله تلقی بالقبول و قائلان کوران کبی کوجه بند سیر شاهی ایصال ایلد نائل مؤل خسران شمول ایلد بیلد اولمقوله  
مغفور و مغذور و حلیه حکومتون دور و موجود اولان شخصی مذکور دی تحت شاهی به اجلاسی استیناس ایدن کبر  
فتاس و سوکس و کالت مطلقه ایله اختلاس وقت ایدوب خوب نغایه عرض اشترای ایدون دلخواه لرین ابر  
اولنجی خرا اینی بخش قلندری ایله اصناعت و افنا ایتلریله شیرازه حالی قرین تفرقه خلج اولان مجموعه نظام ارب  
تکرار بو گونه فرج و مروج و قوعیلده دخی بالکلیه بکسته تار و پریش اولوی هالتی نیایا اولمشیکن دجال خرا  
یکی فرقه اولوب هر فرقه کند و جلب نفعلرینه دائر ابقاد ناره فتنه به سائر اولرندن ناشی او مقوله اجلاسی  
بی انصاف کندی کند و سوز صیغیریه زخم خورده دسته چوب کروب و تلف کرده لک کوب آشوب اولوب  
بقیه قلان فتان بی ادراکلر دخی پای آلوده چرکاب غرور و نخوت ایکن الحاله هزه گوشه نامته انکس کدی  
هیرت اولرینه بو انشاده میانه لرنه ارباب بصیارون تیریه سنه به قادر بعض بجالک اتفاق آدری متبادر  
اولمقون ناشی اولدجه بینلرین توفیق و کسمت صلاحه اغرا و تشویق و بو گونه تفرقه سوز تیریه متندن نتیجه  
بیر اوله جوی و خامت انجام کاری جمله به تفریم و تحقیق ایدون ذنک اگر اختلافون مراتع هوا طر بر مقدار صفا  
اولوی صود تری نیایا اولمغه جانب اصفهانه بولناک و جوهر ایرا و خانان و اعیان متفق کلر فیم بعد تارون

ماقات لو ازمنه ملازم و مقام نظام هالدرنه ثابت و قائم اولوی اوزره قول و قرار و اتفاق صفاد و کبار ایلده اول  
مذکور شاه فرخ میر زانک ذاتی و عارضی اولان عیوب مزبوره سی منافی قواعده شاهد ردیو مسند شاهدین تکرار  
خلع و تنزیل و حقنه اولان عزت و حرمتلرین هقارت و ذلته تبدیل ایدوب موی الیردی دایره سلطنتن طرد  
ابعاد و زعلرجه اعاطه فتنه و فساد ایلد کلرندن صکره جمله اتفاقیه به شاه حسین صفوی قیزلرندن صل  
سله صفویه به رابطه بند انتسابی شریک ایدوب اولان اسمعیل میر زانی انتساب و استصواب و مرکز شاهی به  
اختیار و استصواب ایلد لاما موی ایله اسمعیل میرزا اسلافک سرگذشت فلاح قرین و ماجرای هشت  
دهیلری عین الیقین مشهور دیده عبرت بلنی اولمقون ناشی اول امرده قبولدن متلاشی و بو گونه ورطه  
هولناکه القای نفس ایتدن متجانب و متی ششی اولمغه تکرار دجال کبار جمله سی متی احسن و فاق و عرو  
میثاق ایله موی الیردی ارضاد و اعتماد کللی ایله تشویق و اغرا ایدون موالفه و استیناس ایله کوسنی ملک  
اولان اصفهانه تحت شاهی به اجلاس ایلد بیلد هالا فرما نغمای مالک ایرا و چهاربالش نشین تختگاه کیمتار ایله  
شاه اسمعیل باهر العنول اولوی اوزره اطرافه اشاعت و اعلان صنمنده اعتمی دالوله سی اولان علیرد خانن  
وسائر سرکردگان ایراندن بغداد و ایسنه مکتوبلری و بغدادده اولان ابلی مصطفی خانه شاه مشار ایلد بر قطعه  
دخی ارسال اولندی بوندن اقدم شاهلقدن یکی دفعه مخلوعا طرد و ابعاد ارض سالف البی شاه فرخ میر زانک  
بر کوزنده بر مقدار کور ملک انزی اولمغه بعضی ارباب مفدتک تحریک و اعانتیه مشرهد و ارباب جمعیت و تکرار  
شاهلی دعوا سنه مبادرت ایدوب امرینه تقویت ایچون فرک جانبته عطف عنایه عیرت ایلدی و بو انشاده شیراز  
و اول هو الیده بر مقدار شعبه بازا ایله کستیاز ایدون صالح خان نام شخص طالع دخی کنوده مشاهد صلاحیت و دعوی  
استقلال سلطنت ایله مشار ایله شاه اسمعیله عدم اطاعت اوزره اولمغه تأدیب و کوشمال و دفع اختلالی تصید  
شاه مشار ایله اون یکی بیله مقدار کزنده عکرت ایدون و ابرها زو سطوت و جلادتنی اعلان و ابر از اچون اصفهان  
حرکت و جانب شیرازه تحریک اعلام عیرت ایلدی **و سنه** بو انشاده افعال خانلرندن آزاد خان نام به پیمان بوندن اقدم آذر  
بایب طرفی حکومتی ایله مقید هباله اطمینا ایکن اولدغی قید محکومیتدن کنولی آزاد و قدم زباده فیافی بنی و عنای  
اولمغه ایلات و اهتاس مقوله سی اوغاد ایله اهتساد ایدون دایره سی زهام پذیر و افشار طائفه سی بر زنده اول  
رومیه قلعه سنی جبر الضبط و تسخیر و خانان و سر کرده اینی کلنآ قدر و تدمیر ایلد ک نضک بو و جرمه کند و به رونما اول  
اقبال لابقایه اغترایله مر اغه و اردلان طرفلر نه سر کرد و وضعقایی زیر دستانی نو ارا ظلم و عد و ایله سوز ایدون  
لهیب افر و ز آتش طغیان اولوب **مصراع** یانسه جربا اچنده انک بر حصیری یوق **نثر** مالی ماصدق حالی اولمغه  
هرچه باد اباد دیده دن بخت و ارون ماد زادی تحت بر مردی ایله بر کزه جرمه به بدل ابرهاد ایدون دیو اولدغی



دبانه تاج شاهي ايله مبايعي اولمق داعيه سنه كره جنبه كچه بنه خندان اولدي **وذلك** ارباب طغيان دن  
كريم خان نام بر ليك دغني د آتت حال ايله متلاي سوادى استقلال و دفع اختلال ارباب ضلال ناميله مزبور ازاذا  
اوزينه واروب مباشر جنك و جدال اولمق داعيه سنه اولمغه رعايا و اربابيه لك كوب خسار اوله دق  
قروين ايله هدايت بنده درنگ و جمعته آهنگ ايدوب تنق بنده احتياج اولان عروس گامى بر آورده دست برام  
ايلاک طبع خايله اولمق سحره ايام اولدي و حالات تفليس خانى اولان ظاهر و ث خادغى اختلاس وقت فرصت  
و كوربى عكربه جمعيت و طوايف اعجمه اظهار صولك و جلادت ايدرك دون و كنج و تفليس اول هوالى  
بي على العموم قبضه تسخير اكب و بو ائنده زكى طائفه سيله دغني قرايت صريرت جهميله الفت و انيست  
واندر اعانتيره كويا تحصيل دستمايه قوت و مكنت ايلك دن ناشى اولمق شاه منم ديكر نيست زمينه سيله  
لاف و كراوى و صد اى كره ناي استى لاسى و لوله انداز صماغ اطراف اولدي **و الحاصل** هرجاننده اوچ بيشوز  
آدم جمعته قادر اولان و جو و عيار مقده اطوار نادردى اولوب طرف طرف عجايب نوادر ايراني زير پرده اكون  
ظاهر و مبتادر اولمغه عوگاملك اير ايموسن آشوب و محسن ايله محصور و بو ايامه سر زده ظهور اولان قسته  
شتر و شور بر زمانه مسوع و منظور اولما مشرد و بو پيران سفردن منقولده **حوادث ايرانية كه در سنه اربع**  
**دسين و مائة و الف ظهور يافته شد** بون دن اقدم ذكرى سبقت ايتيكى اوزره تيرز و درميه قلعه سنه  
اول هوالى به مستط اولان افغان خانلر دن ازاذا خان در وان قلعه سنى فتح و تسخير قصيده محاصره موشى  
نام بر شخص بر مقدار عكربه تسير و ارسال و هدايت مرقوم دغني نخوب طرفنه و وصوله حالى تفليس حاكى اولمق  
خان جمعيت و اخره ايله نخوانه قيرب محله كليكى مزبور خبر آله و غنه بنا كر ايلر و كيه ميوه مومى ايله ازاذا  
امداد طلب ايتمكه اولمق احوال نام شخصى اكر و فريح ايله مزبور موشى خانك معيسته تسير ايدوب ملاقات ايله  
اكرچه فى الجمله كسب قوت و مكنت ايلد لکن مزبور ظهورك خانك جمعيت و طيبتى صد چند اولمق دن جهميله  
مقابله و مقاتله به عدم قدرت ايله اظهار جبارت ايله مد ظرين تكرار ازاذا خانه تحرير و انزوا و بالنفس ايدوب  
بنامى استعدا ايتمليه مزبور ازاذا خان دغني دوپ تسخيرى قيديله برندن حركت و عوگ خانلى و عكربه كلوب رو  
قرينه مزبور دره ملاقى و ظهورك هدايتى عكربه اول هوالى به قيرب محله بولمغه بفتة بر طرفن ظهور و نظر  
طبيعة عكبر مقدار محاربه به بنل مقدر ائشانده ظهورك هدايتى عكربه به بنا انزوا صورتن اظهار كور  
فراد ايتمليه ازاذا خان طرفن بو كونه غيبه ظهورينه مغرور اوله دغني اسم مزوم و ايتياطه مراعاته اظهار  
قصور ايلد و كندن ماعد دشمن مقابله سنه مقام كنده نظام بولان خيام اوردو لى بو زوب آخر محله نقل  
ايلاک باعنا انزوا اوله جو حال اولمق فكر و ملاحظه دن غفلت تام ايله هدايت اولمق محمدن فلك

طباب آرام و روانه قيرب متريس كويى نام منزله نزوله اقدام اوردوسنه نظام و بر ملك قيدنه ايكن مرقوم ظهور  
عموما عكبرى التى فرقه ايدوب اختلاس وقت ايله ازاذا خانك هنوز نزول ايتيكى محله جو انبندن هجمه  
اقتحام و مزبور دغني يرشائلى ايله خيام ارا سنه فروجه اقدام و مكن مرتبه عكربه نظام و مقابله به هجمه  
كوسترو ب طرفيندن و لوله كير و در صماغ آفاقى بر اضطراب ايدرك ايكن اوچ عسقا مقدار جنك و بيكار  
و قوعنه نسكره آخر كار مزبور ازاذا خان طرفه عدم اقتدار آشكار اولوب خوار عاريني اوتكاب و سست كيرزه  
شتاب ايتمكه التى قوتونان مقدارى محله دن تعقيب و ترهيب اولنه دغني عكربى اكره طمعه  
شتر شير و نچه لى دغني كرفتار بنه زنجير اولدي بو ائنده مزبور ازاذا خان قده تعلق دن ازاذا و لولك و لولك  
مسلك خلاصه سلوك ايله جاي مامنى اولان درميه قلعه سنه بر قاچ نفر آدمي سيله و اصل اوچ  
ابتداى فروجه بنده بر موجب دفتر اون ايكني عكربى اكره بقية السيوف انجى درسيك مقدارى اهل اديبا  
ايله قلعه مرقومه به ثقلت نماى و لوچ اولدي بو ائنده خراسان و اصفهان و ساير ممالك ايران دن بغداد  
ورد ايدن هجاج و زوار ايله اصفهان متعبدان عبدالمؤمن نام كسبه ييله اصفهانك اشرف و علما  
و اعيان دن بغداده متمكن ايلمى مصطفى خانه اولمق اوزره بر قطعه محضرى وارد اولوب مضموننده ممالك  
ايران الان بازده حوادث تشويش و كمانى جارحه الامدن دريش اولوب اكره كرفتار عقاال اضطراب  
و سراپا ملكلى اختلاله دوچار اولمق حبيبه اهالى و رعايا سنك هجوم لشكر شورش و قتنه دن رهين  
يقرارى و آزار اولمق بسوطا تحرير و انبا و درعا للعباد سلسله صفويه دن برينك اوزررينه امير و صاحب  
اختيار نصب اولمق امده امداد و اعانت دجا و استعدا ايتمليه ايلمى همامى ايلك التماسيله محض مزبور  
عيني و ترجمه سى بغداد و ايلمى طرفن آستانه سعادت ايصال اولمق صدر اعظم طرفن تلخيص مواد  
بر له محض مرقوم مبارك دكاب قرتاب شير يادى به عرض و مضمونى معلوم هدايت اولمق قد نسكره مضمون حكمت  
مشيرون اوزره طرف جنتا اصفين همامى ايلره مکتوب نصيحت اسلوب تحرير و عبره و يشاقه مغاير حقا  
تسخير دن تحرير و ارسال يورلدي **دینه بو ائشانده** شاه حسين صفوى اولاد دن نادشاه دن مقدم جاي  
تختگاه ايران اولمق ماس شاهك اوغلى اولمق ادعا سيله حسين ميرزا نامنده بر شخص ايكن اوچ اى مقدم  
ايكن نفر آدمي سيله اذربايجان طرفن بانه نام محله و رود و بانه دن دولت عليه ايدوب الاستمراره التى داعيه  
بغداده كلوب مرقومك مجرد كند و قوليله شيرازده لك دعوا سنه اعتماد و اعتبار ايتمكه كيفيت احوالى نوعا  
و صنوع و انگشاي دتبه ايرنه رسیده اولمق بچون نو ازش و اكرامنده بر اى اقتضا تاخير اولوب بو خلاصه  
مومى ايله بر قاچ كون بغداده تو تفردن صكره كند و اراده سيله مشردين مشريفين زياد تيرنه كيدوب امام

۲۶۷



علی قصبه سنه و اردیفنده محل مزبورده ایرانک خانان قدیمه و اعیان مشایخ لرندن از و او توطن و سکنی اختیار  
ایران و جوه کبار ایرانیا نندن سابقا قوی و بی کشتی محمد رضا خان و نادر شاهک و قنده امام علی قصبه شریفه سنی تعمیر  
مأمور مریخی و میرزا ابراهیم و سائر او مقوله کبار اهل ایران قومی کور در طرند شاه طهماسب او غلی اول و غلی  
از غلی و تصدیق و مقدماتا شاه طهماسب باقی خلع و حبس ایله که بر تقرب ایله مقو طرفه قاجور قلی  
شاهزاده بو اولد و غلی بعضی امارات و قراین ایله تحقیق ایتلریله حالابغدادده اقامت اوزره اولد ایلی  
مصطفی خان دخی خصوص مزبور دی امضا و تصدیق ایلی مع ذلك بغداد و ایسنه چند یقین و اعتماد  
حاصل اولوب هر نه ایله مقتضای شان دولت علیه اوزره مرقومه امام علی قصبه سنه یومیه  
بر مقدار مدار معاش اوله جوی تعیین اعطا و حال قصبه مزبورده کوشه نشین از و اولد و غلی در  
دولت عثمانیه به تحریر و انزال ایلی کیفیت مذکوره صدر اعظم طرفندن دکاب های یونه عرض و تلخیص اولد  
مبارک قلب صفا مشهوری شیر یاری به لاج و ساج اولان رأی دیزین اوزره بر وجه مشروع ظهور ایدین  
شخصی مجهولک صحت نبوت نسبی فرض اولد و غنه کوره دولت علیه تحت موروثه اجلاس مراد ایله  
حصوله اراده الریبه منضم اولد یعنی تقریر چه چندین هر ارا تلاف نفوس و انقباج حال و افنای اموال  
صکح صورت پذیر اوله جوی بر کیفیت ربه معنا ایله اولد مقصود اولان شروط مصالی به منافی و نانی  
نیچه مفاسد و مکاره حد و ننه مؤدی اوله جوی بر بیدر بود و راتی ملاحظه ضمننده حین انعقاد  
سالمه ده بو گونه داعیه انندن دولت علیه کلیتاً دامن کش فراغ اولد و بنا علیه شخصی مرقومک  
مطلوبه ساعده اولد و امر مشگلده قاله که الکای ایران ایوم عرضة اختلال و شور و امن و راحت آها  
اوز لرندن دو زور و مهموز اولدی حبسه بای حال یر دولت عظیم الشانه استناد و اعتضاد ایتد که نظامی  
بولیمه جفنی عقلاستی تحقیق و امضا ایتد کلری جهتن بو مسؤلرینه ساعده صورتنده اعمال حیوش  
ایله هیته زمین التماس و استعاده نیچه نیچه وقت انکیر و در آفت آمیز صورت مقدمات عجب و اظلال  
مختار غریبه اظهار و ادانت اید جلوری و حتی اشبه نقش دلفریب دخی جمله تصنعیات و آنفا تحریر  
مخبر قضیه سی دخی بو گونه مختار عادت او مسی احتمالن بعید دکله علی کل حال دولت علیه دائم القراوه دخی دائی  
نفع و ضریره دائر حالاتن بحث و تفتیش ایلیک پدایه عنوان و شمار او طفله بو ماده به ترتیب اید جمله  
و جوه مخدور و صنون محظور و مقصود بر وجه ساعده اقتضایله قاله که شخصی معروف و اچو کبار رجال ایران  
شاهزاده لکنی اقرار و صحت نسبی اعتراف و اشهاد ایدر لکن صورت استنقاله مدافعه سی لایق شان  
سلطنت و موافق عنوان دولت اید مکنه اولوب بغدادده و سائر ممالک محروسه ده اقامتی دخی طویف

مرقومه نك نوبنومانی الضمیر لی ایقاعنه و سینه و علت و سیر بوده عقد جمعیت و خدمت هو اطری موجب  
حالت اولفله حفظ ناموس سلطنت سینه ضمننده شخص مزبور دن نوازش و اکرامی در کار و خاصه عطیه  
برهتة شیر یاریدن بیک عدد در محبوب سرت محبوب دخی انداخته جیب افتخاری قلند دخی کله کلیدی محتمه  
عود و قفولنه حکیماننه جه ابتداء اولدی اوزره امر های یوم جیبجه صدر اعظم حضرتی طرفندن بغداد و ایسنه  
افاده حال اولد و ده وجه مأمور اوزره عمل اولدی **بوشنا ده** الکای آذربایجانن اعتبار افضا تبریز و رود میه  
و قره جه طاغ و اردبیل و دینلی و مراغه و سائر اولو الینک خانان و اعیان ذری مورد محض و عرضیال و سائر تحریر  
ایله تبریز دیوبکی اولوب فتح علی نك او غلی علی رضا خان نام شخصی استانبول جانبته ارسال ایلیله مزبور علی  
رضا خان ارضومه وارد اولد و ارضوم و ایسی هتته بی عبد الله پاشا خان مرقومی ارضن رومده توقیف و سیر  
مرام نوازی اجر ایسه تلطیف ایدوب حامل اولد یعنی محض و عرضیال و سائر تحریر و خلاصه مفروم مطالباتین  
در دولت ارسال و اعلام ایلی تحریر مذکوره نك خلاصه مفرومی نادر شاهک و فائده نصلک علی قولی و سام  
میرزا و شاه فرغ میرزا و بو نکر امثالی شمردی به دن بر قاج سینه نك طرفنده ظهور و بر وزیرین بدی کز نفوس  
هری بقه بشقه دعوی سلطنت و بریسی نائل مراد تاج و تخت اوله میوب نتیجه کار لری خسرو و خیب او  
بو گونه اسباب ظاهرین قطع نظر مبتغای تقیر متنوع التغییر ایله ممالک ایرانک روز بروز ظهور و بر وزیرین اختلا  
و اختلالی و مسند شاهیده بر ذاتک عدم استقرار و استقلال جرتندن ملک آذربایجانک پانده لشکر فارست  
اولد و غنی بی و موجب شفقت و رقت آمیز حالاتی عیان ایدر دن رحا للعباد طرف دولت علیه دن بر سر عکرتیس  
و مملکت مرقومه نك مستقلاً ضبط و ربطیله اهایلی اطالیه دست ظله دن تأیس یورطق استعاضه  
اولد بر تحریر مرقومه جناب صدر اعظم طرفندن دکاب حضرت جهانزادی به عرض و تلخیص اولد و کافه  
عباد الایک و خصوصاً داخل سلم و موالات اولان ایران اهایلیک مظالم و تعدیباتن مصون و اسباب آرامش  
و راحت مرقوم اولدی اعتراف مطالب هی تو ملو کانه لری اولوب لکن بو خلاصه رجال آذربایجانک استعاضه  
اولان سر عکرتیس شریط صلح و صلاحه معیار اولد یعنی ظاهر و مع هذا الدنی مرتبه شروط مصافحانه منافذ  
مقدار ذره وضع و حالاته اصلا و قطعاً رضای هی تو اولد یعنی و جوه ایله باهر اولفله حال ارضوم و ایسی  
مشاد الیه حضرتی بالاده تفصیل اولد یعنی اوزره ضلای شروط و قیود و منافی میثاق و عیود اولان حالاتی  
ملک آذربایجانک خانان و اعیاننه حسن تعبیر و پذیر و مدافعه عبرت سیر طریقیه تحریرینه دولت علیه  
طرفندن کما کان راحت و رفاهیتلری مطلوب اید و کئی دخی افاده و تسطیر و ارضومه و رود ایدر ناموسی  
جواب ملایم ایله اعاده و تسیر ایلد کجی با امر های یوم صدر اعظم طرفندن وزیر مشاد الیه تقریر و انذار اولد



منوال محرز او زره عمل ایدوب خاک مرقومی کله وکی سسته اعاده و ارجاع ایلدی **استرداد هدایای هایتوا بعداً**  
**باستانه سعادت** بالاده مفصلاً تحریر اولدنیغی اوزره بونون اقدم در سعادتین سفارت ایلده نادرده طرفنه  
بعثت و تسیر اولوب قبل الملاقا شاه مشارالیه وفات آیمک حسبیه بغداده عودت ایدن ایلایا پناهیه هین  
عزیمتده دولت علیه دن ویریلان ایلچیلک طاقی و ادوات و هدایای هایتو و سائر اورای و تحریر ایلایا پناهیه اول  
طرفه و خانی آتکسندزه معرفت شرعه تحریر و محفوظ مخته مهوراً وضع و تقریر اولوب مالک ایرانک بر شاه نادر  
السلام ایلده پذیرای نظام اولمنه ترقباً بغداده ایتقاسی اقتضای تیسیدی اول وقتن بویامه کلنجی و قسب  
تسطیر صیغه بیگ اولدنیغی اوزره آلان نایب سامان سوز اختلال ایراد مبدم ترقی پذیر و مزداد و زمان تجدید  
شاه و طرفی طرف خروج ارباب طغیان ایلده اجرای نظام هاللی بکسته تار و پریشانی فی الاصل آبادان اولان  
ملکتی و مادم خراب و بر باد اولدی حسبیه الحاقه هذه اقتضای و قته نظر ایشیای مذکوره ندر بغداده  
تأخیرینک لزومی اولیوب در دولته اعاده سی مقتضی اولغله اشوبیک یوز التمش بشده شهر بسج الاولک  
اواسطی تاریخیه صادر اولان امر عالینک موجبیه بر منوال مشروع مهوراً محفوظ اولان ایشیای مذکوره هالا  
بغداد و ایسی وزیر مکریم سلیمان پناهیک نظارتی و معرفت شرعه بطایکامعاینه و هیئت موجوده سیده تحریر  
د دفتر و مضی و محتوم دفتریه مبشر تعیین افطاحی اغا نام معرفتیه در دولته ایصال اولوب تسلیم فرینده هایتو  
اولدی هوادش ایرانست که بعد از وقایع مذکوره ظهور یافته است نادر شاهک صحیح یساولی  
اولان افغان اوج خا نادر شاهدن صرک قندهاری ضبط و شاهلیک ادعای سیده هند و سندستینه و اوردن بعضی  
محللی تاخت و تاراج و غارتیه بذل قدرت و قندهاره عودت و بعده ایران زمیندن نیشابور و هریت طرفین غیرت  
وظفردن مایو ساگیر و رجعت ایدوب اندن قندهار ایلده هندستان بیننده متمکن بلوچ طائفه سی اوزرینه کیدوب  
لکن مسافه بعیده اولغله انجام کاردیینه منجر اولدی و غی معلوم اولدی اما بعضی اول هو الیدن ایران زمیننه کلندر  
مرقوم اوج خانک عم زاده سی کندوی غیله قتل ایتدوکن خبر ویریدلو نادر شاهک نیر سی اولان شاه فرخ میرزا ایکی  
کوزندن اعی و مشرهدده بر اسم بی سسی اولوب خراک اکرادی و بعضی خانلر اوزرینه مسلط و هو ادرلق صورتده  
نادر شاهک حاصل عمری اولان خرایین و دفاین و هو اهر و تخت و اینچولی چادر و سائر تحف و نوادیننی بالیجه طوعاً  
و کرها بر تقرب ایلده اندن آلوب نهری بر طرفه کتیریه مرقوم شاه فرخ میرزا در مانده و متحیر و ناچار و ایوم مشرهدده  
کمال بحر و اوقار ایلده اوقاکنلر و قوت یومیته تارکنده دخی بی اقتدار و کویا عدم کلنده مجرد بلفظی معنا اولدنیغی  
اشکار اولوب شاهلغه دائر اسباده و لو اوزم سلطنت بالکلیه مضی اولغله انجی نفس مشرهدده و نوا حسبیه  
اولان بشن التی ساعته کلندر کنده ویه شاه اطلاق و بوجرتدن احوال خسرو انالی نتیجه پذیر اولیه جعی

آفاق اولدی و بونون ماعدا هالا اصفهانه دخی شاه عنوانیه معنون اسمعیل میرزا شاه حسینک دفتر زاده **۲۶۹**  
نزدن اون بشن بکری یکشنده بر شخص اولوب نادر شاهدن صرک ایرانده ظهور ایدن لغو و مرجع و اختلاله بختیارک  
علیرده نام خا بر قاج نرفخا نام اعی ایلده اتفاق و اتحاد و ملکتی تصرفه بروسیله اولدی و طوائف مختلفه هنر  
ایچیم تحت ضابطه یه کیرمک تصدیقه میرزای مرقومی خواه و ناخواه سندن شاهیه اصعاد و مرقوم علیرده خا  
کندوی اعتماد اوله مقابله دلشاد و بر مراد ایدوب زمام تصرفی قبضه تغلب و استبدادنه و امر و نهی و در و جوب  
کند و ارادنه حصر ایلده میرزای مرقومک شاهلغنی ایرانیستینزده اعلان و اشاعت ایدرک بر مقدر تحصیل کسب  
مکنت و جمعیت و شاه مرقوم ایلده شیراز طرفینه مدطاب حرکت ایدوب اولحو ایلده بر مدت سرری کشت و کلندر  
صرک عودت آتکسندزه اصفهانه قریب محللر ساکن اکر ادرن زند نام عشیرتک اختیار ایلان کیرمک خا نام شخص  
لیتم بو وقتدره کسب تعیین و تحصیل نام و شاه متمکن ایلده جک ایام فرستدر دیو علم افزا شقا و ذروه سرافرازی  
و امتیازه اعتلا و بوناننده اصفهانی خالی و بر آورده دست استیلا اوله جعی هشتم اعتکاسنه هوی اولغله  
ایقادر نادر قنده یه ایدر ایدوب بر مقتضای اطوار روزگار دهو اسنه تابع بر قاج خا نکت مداری دخی کندویه  
دیرف و پیشت اندیشه هریر ایتکله میل سره آسا اصفهانه دخول و نائل مأمول ایلده تغلباً ضبط  
و بعضی سرکشانی دبقه اطاعتیه و بغارتیه مبادرت ایدرک سر رشته حکومتی عمو دستلعه بطل ایلدر صرک  
مرقوم علیرد انک اصفهانه اولان مال و عیالنی اغاره و اظهار وصولت و اجرای آبیاری مکنت ایلده آسیای  
امورینی اداره ایدوب بو وضع نا هو ادر و نایجا اوزره بر مقدر هنر و اجاره بی دخی باشنه جلب و جمع و مرقوم  
شاه اسمعیل و علیردانی اصفهانه دخولدن منع ایلدوکندن غیری اوزرینه هجوم و محاربه ایلده مزبورانه غالب  
و ساز و سلب و اشیا برین سالب اولغله مرقوم علیرده خا اعتماد اوله سسی اولدنیغی شاه مزبور دی بلی اختیار  
تسلیم اغیار و کندوسی دخی ترن کادو بار ایلده ولایتی اولان بختیار طرفنه اماله لجام خرا ایلدی مزبور کیرمک خا دخی  
بر وجه مجرد تصور و مظهر و بر پیاده بی نام ایکن شاهه تقرب برله معتبر و نام آورا اولوب **ع** که واقف و بار بک  
در آمد **ن** مرقومی اوزره مرقوم علیرده خا اعتماد اوله مقامنده قیام و بر حصول مرام اصفهانه  
آرام ایلدی بو منوال اوزره بازجه دست روزگار عبرتعال اولان شاه مومی ایلده کالاول بونک یکنده دخی مغلوب  
و استیلا ایام و کرب ایلده رؤیت بحال تفرقون محبوب اولقدن ناشی هل و عقد امور و اخذ و اعطا وقتی و درتی و جوب  
خا مزبورک دست استیلاکنده دیر و میرزای مرقوم مجرد نام شاهیه ایلده قانع تعرض امور دن قاصر اولوب **ع** نایب  
که من بامن و باقی همه اوست **ن** مرقومی شاه هیر پنهانک مؤدای لیک حالی اولوب الحاقه هذه مرقوم کیرمک  
دعوی استقلال ایلده بار جای مرکز اعتلا و ذاتنده غایت ظالم و غدار خود در اوله و غنم ماعدا انواع ضربت



ترکب و قتل نفوس و هتک اعراضه مکتب اولمقدن ناشی کند و به هجا و کلی امور زنده اعانتی هویید اولان  
کو کسیم خانی قتل و افنا ایدوب و اهالی اصفهانی دخی افرط ظلم ایه متضجر و زیر دستنده اولنک اکثرینی متفر ایدی  
الحاقه هده بونلرن دخی احکام تصرفی ابخی نفس اصفهانه و قرب و جوارنده و اقع نویی به منحصر اولمغه عموم  
ملکته اظهار لو ازم سلطنت و ابراز اسب قدرت و مکتب و دفع اغیار مثللو حال کند و لردن مفقود و صبی ایف حال زنده  
دنگ بقا و استمرار و مخال اطوار زنده آثار ثبات و استقرار نابود اولوب طعمه سبب و نقش بر آب قیلسن بر معنی  
اولد قری بی ادیتابرد و کذلک شیراز و کرمان و بزد آباد و بنادرین هری بی اهالیسندن بر دستغلبه ضبط ایه اظهار طغیان  
و یکدیگره انقیاد و مطاوعدن رو کرد و هویزه و لورستان و ششتر و زرقول و دورق نام و لایتلری الاصل او جاقاق  
اولد یغندن ها کملری کند و ملکترینی بازده اجنبی اولدن هفظ هر استه بل تاب و تو ایدوب اطرا و جوارنده  
سند شاهیه جالس و قضیه لری قمریه فرمای اصیب مجالی اولان شاه کراهه اطاعت دکل زکراهه لایخی  
کند و به شامت بیورد و ملک قزوینه عکری خان نام بر شخص لایمقل سر کرده لای ادعای سیه درجه اعتلایه و اصل  
اولشکن اهالیسی مزبورن اوضاع شتر کربه سینه محفل اولوب جمع ایه مزبورن قتل ایتلریه حالا قزوین کمی  
بر ملک زینالی سرو سامان لوی دید طبری طائفه الله قالدی و الکای طرف اید دخی میرزا نظام دانش آداب ابراد ملک زیر  
دست استقلال و اهتقار منده اولمغه ساره نظر ابر مقدمه پذیرای نظام و شتر قور ایه کلیتاً فرایه زار و ابخی بر کوشه  
سند یکی بوزخانه مقداری فقر آدام و قراد ایدوب اچلرند هاکم و هار ساری اولد یغندن انبرد دخی اولحو اید ساکن  
قره کوز لوناغ عشیرتک بازیچه دست تغلبی اولدیلر و سالف الذکر بختیاری علیه دخی اطاقی بختیاری ضبط  
و تصرف و درت بسن بیک مقداری سواری عکره قادر اولمغه آفره متابعتده طرح تطفای ایدیلر و ملک کرمان  
شاهاناناننده و قتلدن برو فراسانی عبد علی خان نام شخصک زیر هکنده و نادر شاهک طوب و جبهه خانه و مرمت  
ساره سی بونک ضبط و تصرفده اولمغه بود دخی اولحو ایدوستقل بنفسه هاکم و واری ترن اطاعتده دایم ایدوب  
کن اصفهانه اولان سالف الیسا کیم خانه نوعاً مد ایدوب زدن معامله و اهتیا طام اسله بره مجامله ایتلمله  
دفع غائله ایلدی و آذربایجان طرفلرند چند مدتت برو استقلال و استبداد دعوا سنده اولان افغان آزاد هادی زکری  
سبقت ایتلی اوزره بوندن اقدم کورجک شاهانی ایه محاربه و کرفا حش ایه شکست اولوب و طوب و جبهه خانه  
و تمام او ردوسی دست اید ایه گرفتار و عکریسک اکثری تلف و تار مارا اولوب بو تقرب ایه عجم و سارطو انقلا  
رو کرد و ابخی اوزبک و افغان طائفه سندن بر قاع بیک آدم ایه افتاد و غیر ایه های اما و آسایش آنجا ایلد  
دومیه قلعه سینه شتاب اولوب بعده مجد اکنده و به تحصیل اسب نظام اچون یاننده معتدی اولان موسی خانی  
بر مقدمه سواری ایه زنجان و سلطانیه ستمترینه غارت اچون ارسال ایتلمله اولحو ایه قریب ایلور نام محله  
ساکن

سار کور بیستو خانک اوغلی صغی یا ر نام خان زیر هکنده اولان عکرایه مقابله وقوع مقاتله ایتاسنده مزبور  
موسی خان عکری بالجه طعمه شیر شیریه اولد قری خبری آزاد خانه و اصل اولدقه عکسرت اتصال علی اتصال  
شتر مد لوبی بو گونه باعث پریشانی اولان حادثه متعاقبه اظهار کردن مر اقبالی قریس زوال و کوب بختی  
و بالده اولد یغنه استدلال ایدرن و ایه دار هرن و انفعال و یوما فیوما کس ایدار ایه هجال اولوب اکی اوج  
بیک مقداری بی سرو پا آدم ایه آلان قلعه دومیه ده فر و مانده کوشه انزوا و کیفیات مذکوره و وقوع عندن برو  
فر اهو اللهه انحطاط تطرقی هویید اولمغه حال اقبالنده کمال اطاعت و سر کرد و اولنر ایوم وقت ایداننده کند و  
عصیان بلکه اورزینه خروج و طغیان ایدلر در بونک دخی مر اقبالی سر بر الزوال و کس ستر ایدار اید فر اید استعمال  
هجال اولد یغندن بود و نابودنده مال و محصل اولد یغنی ظاهر و صبی ایف اهو اللهن تلاشی و اضحلال امارتی مبتدا  
اولوب و الحاق صل ملک ایرانیه آلان بلا صاحب و اهالیسی دخی مختلفه المذاهب اولوب شرب نفاق و عدم  
اتفاقلرندن ناشی بر لرندن متوحش و هاراب اولد یغنه هر طرفن مخالف آدا و تنازع اهو اچلار و نما اولد  
هر مفسد بی مایه متاع کالای دیاست و تصدیه فریدار و اکثر مختلده نیجه ادا لای بی سرو پا جمعیت ایه صاحب  
طلاه اشتیهار اولوب ملک مذکوره فروش سیل شورش و اختلال و آتش جری سوز جنگ و جدال ایدلر شجون  
و اهالی و رعیت بازده لشکر کس و ضجرت و هرج و مرج حالتی دونون اولوب اقویا ضعفادن جالب  
و ضعفادن دخی اقویانک زوالنه طالب اوله دخی علی الاتصال بر بر لیه خاصه و جدال و کفاح و قتاله ایتلر  
ایدوب شیخ و شاب گرفتار کند یچ و تاب اضطراب و بو گونه اسب یافته آشوبه اصرار و کبابن ناشی ملک حرب  
و یبا اولمغه عاری الف بایقوم بر هادم کیف بیا خلفه الف هادم شتر مفروضه بیک تقدیر خالی اچون  
تعبیر بنی نظامینه ساعیلرندن تحریب اساس هالترینه داعیلری افزون اولد و غنی و ظلمیده و دل ریدیه اولنر  
ولوله آه و اینلری افلاکله چکلدی و کبر و جریله تحیر و تقریر قابل دلگدره و سینه مر تومه ده هالاتقلیس خالی اولان  
ظهورت و کاخ خانی اولان اوغلی الکره نام خانلر بر مدتت برو ممالک ایرانک اختلالی و شاهلرینک عدم استقرار  
استقلالیه سببیه فرجه یا بخصت و هر طرفه اظهار اصولک و شدت ایدرن کند و ده عارض اولان غرور و  
خوتن ناشی بود دفعه خانان مسفور کورچی و سارطو ایدرن عاکر و آفره ایه جمعیت و یتیمی سک مقتداری  
زینورن و طوبلر و سارته رکات قویه ایه تغلیت حرکت و لکی خانلرندن شکی سنجانی متفرقی حاجی جلیبی نام خان ایه  
بینلرند عداوت اولمغه اول امرده کچی طرفلرینه عزمت و اولحو ایه باراد و نقلت اولدقه قره جبهه طایغ خانی کور  
و کچی خانی شاه و ردی و هو انشیر جماعتی ضابطی صاریجه بی پناه نام شخصک مسفور ظهورنه برای ضرورت صورت  
مطاوعتده بیعت و مزبور هاجی جلیبدن اخذ انتقامه علی الاتفاق مبادرت ایدوب لکن صویک کند تنن کور ایدار ما  
غنی



مردمانه مد کلرند بر دغ نام محله بر زمانه اقامت و امرار وقت و حاجی جلیبی به ظفر یا اولمقدن مایوس او خایر  
اول سودادن فراغت و عودت ایله کلرند سفود ظهورت بر وجه محرکند و به تبعیت این خانان مزبور در  
برانه ایله متمم و جمله سنی اخذ و قید و بند ایله کجی قلعہ سی التہ کتور و ب حسن تقویت ایله قلعہ دخول  
مراد ایله که اهالیستی اتفاق و اتحاد و ایقاد نازده جنک ایله سفوری طرد و ابعاد و مزبور حاجی جلیبی طرفه کیفیت  
افشار ایله استمداد ایتلریه مزبور حاجی جلیبی دغی لکی عکری و سار برادر پ طاعتان ایله احتشاد و کور صوبی  
اوزینه جسر انشاد ایدوب عیالہ مرور و کجی قریبہ اوچ دپه لرید طری محله کور بی عکری تک مقابلند علی  
علم افزا ساعه ظهور اولوب بلا توقف اوزرینه سل سیف جلادت و قوت باذوی شجاعت اظهار ایدوب  
جنکه ابتداء و یاری میدباری تعالی ایله لکی عکری تک دستبرد شیرانه ایله غلبه لری آشکار اولدقه سفور  
ظهورت و توابعی اولان مختلر ایتلای خوف و خشیست ایله ترن کار و بار و منبر زمانه ایتلریه ابطال بحال  
لکی کور بی عکری تک اکثرینی طعمه شیر شیر انتقام و طوب و زینب و سار ادوات حریت و خیام و اموا  
بر اوزده دست تصرف و اغتنام ایله که نکره گرفتار بند بلا اولان خانان مزبور و فی خلاص و درها و کجی خانلغنی  
کالاول مزبور شاه و یردی خانه ابقایه و ب کندوسی منصور او مظفر مقرکلو اولان سنی غنه عطف عنانها  
معاودت و هارته مذکورہ ظهورندن صلح ایالت تفلیسه و اقع ایلات و احشام مقوله سی تراکه و تموی  
منلو جماعتی عموماً مزبور حاجی جلیبی به بالظوع و ارضنا تابع اولدقین و سفور ظهورت و اوغنی مرقوم  
بخت شوملینه لوم ایدوب بر قاع نفر مجروح و مغموم آدملریه لوار محنت و مشقتہ دوچار اولدق تمام اربار  
ایله تفلیه و اصل و چند روز هقلرند ظهورت و بر وزایدن عتد روز کاره اعتنادن ناشی غرور و استکبارینک  
مجازانی کند و دره شامل اولوب انگشت کرای ندامت و مزبور حاجی جلیبی بو نکره اوزرینه کلک خوف و خشیستله  
تدارک مافاتہ بذل قدرت اوزده اولوب اهل اسلام لکی طائفه سی بو کونه قرین فوز و ظفر اولدیرتمه  
دردگر هو ادش ایرانیته و عودت سفیر ایران مصطفی خان و شاهزاده حسین میرزا و سار خانان از بغداد  
بجانب ایران و کیفیت هدایای شاه فی الاصل بختیاری اولکه سنگ خانی اولوب نادر شاه نکره اصفهان  
شاه حسینک دخت زاده لرندن اسمعیل میرزای شاه نصب و کندوی و کیل الدوله سی ایلیوب کافه امویین  
قبضه تصرف و استبداده آلان علیر و آها بوندن اقدم شاه مشارالیه ایله بعض نظام ملکت ضمنند شیراز طرفه  
عزمت و بعده عودت لری اثناسنده نه شاه مشارالیه تک نصب کرده سی و هر طرفه محافظ تعیین ایله لکی کور خان  
زند نام شخص بو خلاصه اصفهانی خالی بولوب و مومی ایله علیر خان ایله دغی قیدی عدالتی اولد و غنه بنا  
اختلاس وقت فرصت و بر مقدار مشرتای باشنه جمع و مسارعت بره شاه سبقت و و ارب اصفهانی

صنط ایله که نکره عکریه شاه سبقت استقبال و مقام مقاتله ده عرض خصام جدال ایله که علیر خانک کند و عشرتند  
بعض نکره بجرام مرکز خیانتد قیام و کرم خان جانینه میل و اعتراف کورسته ملریه مرقوم کرم خان طرفه غلبه آشکار  
و علیر خانک کیفیت مذکورہ مشهوری اولدقه بالاقتضای شاه بر اغوب بر مقدار خواص اتباعیله کند و ملکی  
اولان بختیاری سمتنه فرار و بو وجه کرم خان فوز و ظفره کامکار اولمغه بر وجه مأمول جایگیر ضمیری اولان مری  
بذیرای حصول و شاه مشارالیه ایوب اصفهانیه دخول ایله که نکره کند و سی علیر خانک مقامنده قیام ایدوب  
شاهک اعتماد الدوله سی اعتبار ایله کلکی امورنده مختاری اولدیفنک ذکر سبقت ایتش ایدی بو اشاره نر  
علیر خانک ملکتند کند و ایل و عشرتند پیاده و سواری و افر عکری و اقر باشند لور رشتا حاکی اسمعیل خان  
ایله اتفاق و اتحاد و لور رشتا ایلاتدن دغی استنصار و استمداد و هویزه و ششتره ها کلرینی دغی طرفینه طلب  
و اول هو الی عز باشند و افر اماند ایله احتشاد و کلوب کرمان شاه هو الیسنده واقع زنگنه و کلر و سار  
عشار درجانی طرفه استیلاب و کرمان شاه خانی عبد العلی خانی دغی عکرم و مرها و جبه خانه سیله استصیب  
ایدوب بو طریقله امرینه تقویت و کرم خانن اخذ نازد فکریه اصفهانیه عزمت داعیه سنده ایکن مرقوم کرم خان  
بو حالتدن خبردار و قرند اشقی محمد خانی سردار ایدوب یا تنده اولان جمله خانلری اون یکی بیک مقداری عکرم  
ایله کرمان شاه طرفه سوخ و تسیر ایتمله مزبور کرمان شاهانه قریب حاجی آباد نام قریه یه و رود و اقی  
و انقالدین بر اغوب ایچکلرندن التی بیک مقداری ایشه یراز سواری انتحیاب و علیر خانک اردو کنی  
بغته باصمق قصیده سرعت و شتاب ایدوب لکن خان مزبور هجوم دشمندن خیر و تدارک اسبابده عاقلانه  
تبییه ایله قول قول طابورلری ترتیب و محل محاربه یه سوخ و تشریب ایتمله مزبور لری ظهورنده کوز  
آجدر میوب شیرانه هجومه اقیحام و در عقب واقع انزاع ایله سردار لری اولان مرقوم محمد خان و یکی نفر  
قرند اشقی قدر و تهمید و عکرمندن اوچ بیک مقداری طعمه شیر شیر اولوب بقیه السیوفلین اوزده  
و اریجه تعقیبه مباردت و ساز و سلبرین یغنا و غارت و مرقوم علیر خانک خانه بو کونه غلبه و نصر و نما  
اولمغه تحصیل مکنه ایتدم خیالیله بودغه کند و یه اولان مساعد روز کاره اعتنا و مبتلای بلای  
غرور و نخوت اولوب هنوز کند و یه بکماله قوت و قدرت یرمدن احوال دشمندن کرکی کبی خبردار اولدن  
بی هنگام مرقوم کرم خانن اخذ انتقام قیدینه دوشمطله اصفهان طرفه عزمته جبارت ایدوب بوندن اقدم  
مرقوم کرم خان اصفهان ایله هد بینه بر محل منبده بری اسمیله سنی قلعہ حصینه بنا و انشا و مجموع امول  
و ایشا و خزیننه سن قلعہ مرقومه یه وضع و تحصین و کند و عشرتی ذند طائفه سنی اولحو الی یه اکلک و ترصین  
ایتمله مومی ایله علیر خان اول امرده ذکر افضلی قلعہ سن و ارب تسخیر و استیلا و دروننده موجود

271



اموال مآثره بی اخذ و بیغایله که خنک اصفهان جانبته عطف عنان دهور اعزمت ایله یلر اما کمال استنباط  
 غرور و زدن ناشی لوازم هالده اولان مراسم حرم و احتیاطه مراعاته قصور و عدم مبالات ایله عکریه نظام  
 و داره سنه استحکام و برنده اظهار دخواست و فتور ایله و کندن ماعد امقدما جاسنی سنج لذت فو و نور  
 اولدغه بنای عارضه عقلت ایله کید و شمندن کذویه امنیت کلر کله مزبور ک بو کونه ابلرانه حرکت  
 عاقبتی مرقوم کریم خانک بالتحریر و الاستیجار کرکی کبی معلومی و ظفر یاب اوله جغی عنده آشکارا اولمیس ایم  
 فرصتی غنیمت و تدارک اسبابا مافات ایرون مجدرا اضرار عده و عتاد و اجناد و غا اعتیاد ایله جمعیت و علی  
 اصفهان حرکت ایوب زها و نده قریب محله مرقوم علیر دخت اردوسی مقابلنده بغته علم افزا کارزار و تقابل  
 فریقین و قوعیله ایکی کون جنگ و یکار متمادی اولدیغی ائشاده علیر دخت طرفنده بولور شتا خان اسمیل  
 خانک عکرندن نفاق مشرب بعضی اهل شقاق بلاموجب کریم خان طرفنده التی ایله سائر عکره نزل  
 و اضطراب حاصل و مرقوم علی مردانک قراری فراره متحول اولوب شجره غرور و غفلتک ثمره کنی بوجه  
 و فاسد اوزره برچیده دست خسر ایرون مرقوم اسمیل خان ایله بغداده عطف عنان ایوب بغداد مقاطعا  
 برده نام محله و صوت لیزدن بر قاق کون مرورندن صکر قلعه بغداده باد آور نقلت اولمیرله بغداد و ایستی  
 پاشا حضرتی بالقزوره بغداده مقیم ایلی مصطفی خان یاننده قوناق تعیین و یومیه ماکولاتین تخصیص  
 و تبیین ایوب دولت علیه ناک مقتضای شان و شوکتی اوزره مزبور دری حضورینه دخی دعوت و نوازش  
 و اگر امرنده اظهار مروح ایله یلر بول ائشاده مذکور کریم خان کذویه توجه ایرون غلبه و ظفر مقتضای سالف الذکر  
 بری قلعه کنی تکرار قبضه تسخیر آله و غندن ماعد افرازی مزبور درن بوجه محرر ایلی مصطفی خان طرفنده التجا  
 ایله کلرین استماع ایتکله ایلی خانموی الیرک و لایتی اولان سوده نام محله ایلغار و اهل و عیال و بیگ قدر  
 اتباع و هوایشینی حضور و ترضیه ابتداء و ایکی نفر اوغول لیزینی اخذ و اصفهان کوندر و ب جسیل ایل غدر و  
 اهانتی بیدار اولغن و بو کادار ظلم و تعدی و انواع فتنه و فساد تصدی ایله و کن ایلی مصطفی خانک  
 طرفنده بولنان بعضی خانلر مکتوبلرله انبیا و قبیله کی کتخی ارنندن یکر می بشن نفراد ملیرله لور شتا قاضینی  
 و خانلرندن ایکی نفر کسنه بی ایلی خان طرفنده سوتی و اسرا ایوب کرمانشا هانده کذویه منتظر اولد قلیس ایما  
 و مجتمع اولان کلر تلو عساکره بر کون مقدم بغداده مقیم اولان شهزاده میرزا حسین ایله ورودری ضمیمه شخص  
 مرقوم کریم خانک اذاله و اعدا منه اعتنا ایلسنی استدعا ایتلیرله بواقعه قاجعه ایلی خانموی الیرک  
 اولدقه بعد ازیں بغداده مکت و آدومه صبر و قراری قالیوب بالقزوره عودت ایچون دولت علیه دن استیذان  
 و استرغام و بغداد و ایستی وزیر مشار ایله دخی هادنه مرقومه بی بوجه شروع عرض و اعلام ایتکله کیفیت  
 مزبوره

مزبوره زیر و بالا و اطراف و انجاسیه ملاحظه و استقصا اولنه دی کرکی کبی محاط علم کتبی شمول حضرت  
 جبرانه اری اولدقه بو نون بویه سفیر مرقومک بغداده مکت و اقامنده بر در لول لطف ملحوظ اولد و غندن  
 قطع نظر اول طرفک اختلالندن ناشی و سفیر مرقومک بغداده آرامنده بوجه محرر سید رپی بعضی اشخاص  
 مختلفه ممالک محروسه یه قدم زن و وارد اولمیرینه باعث و بوهال کتخیش سامعه یه بادی و نیچمذوری  
 مستتج و حادث اولدغه بنای سفیر مرقومک و لایتنه عودتنه مساعدت لایق اولد و ارزانی یوریلوب لکن  
 ایرانیان ایله میانده منعقد اولان صلح و مصافاته بر در لول فضل تطرق ایتامک شرطی تقدیم و مراعات ام  
 مصافاته دائر سایر حالات کذویه تفهیم اولنه دی ایلی خانموی ایله مرقوم شهزاده میرزا حسین و صکر  
 کلان سالف ایلی خانلری معیشته استصباح و محافظه عرض و ناموس و دفع تسلط شخص غیوایت مانوس  
 ایچون لازم کلان سرعت و شتاب ایله جانب ایرانه عنایت عود و انصاف اولسنه ازن و رخصتی شمر  
 امر عالی شان ارسال اولندی لکن بو نون صکر ممالک ایرانده سندن شاهلی صاحب استقلال ایله مباحی اونجه دکن  
 ایلی خانموی الیرک مقدمان ائشاده طرفندن بغداده ایصال ایلی کی هدیایا ممالک خسروانه یه داخل اولدی حبسیله  
 حیات و صیانت و آلان ایرانک اختلالنه بنای حفظ و وقایتی لازمه زمت هوت اولوب بو و جرمله هدیای  
 مذکوره و دیعه دولت و امانت یه سلطنت اولدی دأب قدیم و دستور مستقیم اولدیغندن غیر یهین حاجته دوت  
 علیه دن سؤل و خلا فی عدم مبالاته محول اولمغه بغداد و ایستی مشار ایله نظارتی و جمله معرفتله هدیای  
 مذکوره علی الانفراد معاینه و تجرود دفتر اولدندن صکر کالاول محفظه و صندوقه رینه وضع و بر محل مأمور  
 حفظ و مرست و لربار نظارت و وقایع و دفتر مرقومک بر صورتی در سعادت اسرا و کیفیت عرض و انزیه  
 مبادرت ایتیم بابنده وزیر مشار الیرک خطاباً غلط لایق ایله معنون شرف بخش صدور اولان او امر علیه اشبو  
 بیلک یوز التمس بش کسنه کی شهر زلف شریفک او اسطنده جانب بغداده بوجه استیصال ارسال اولنوب  
 استرهای کرحد اولان بغدادن بالکلیه امور مراهی و وزیر مشار الیرک زمت الهتم منه اهاله و تقلید علی الدوام

مستقظانه حرکتی ابتداء و اقدامی بابنده تنبیه و تاکید یورلدی **هاتمه**

تمام شد این تاریخ بکله

محمد افتخار چاک حضرت

میر طاهر سلام  
 ۲۵/۱۲/۱۲۸۰



274

274

274

تفسیر سورة المريم تركى الفه الشيخ عبدالحى الجبوتى الرىكارى وفتحتم ١١١٤ هـ  
المحرره وكفى وسلام على عباده الذين اصطفى وبعد معلوم اوله كم الخ

كتاب النبيا على طريقه اهلا سنة لربنا هم القوماني تم الروى اوله المراد الذى قلنا العالم وخلقنا  
عالم كنه نفهم الخ

تحفة العباد فى الصوفى لطيفى منقوى فارسى اوله يشوايه جوينده راه خدا كرتو جويباى ضلاني

243<sup>b</sup>

بجزایب  
الک کل کسى  
الله انده  
بجزایب  
بجزایب  
بجزایب

Süleymaniye-Ulmanisi	
Kiemi	2030 ef.
Yıl	
Eski Kayıt	2179